Arseh Sevom News Archive

Annual volume · 2012 · 186 articles

Preservation copy · searchable text · original source URLs retained
Prepared 30 September 2026

Contents

This volume uses PDF bookmarks for its detailed contents. Each article begins with its original source URL and archive identifier.

نشست بین المللی کنشگران مدنی هفتاد کشوردرآلمان

2012-01-02 · Archive ID 697
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=697

عرصه سوم – سایت ایران امروز دردسامبر 2011 گزارشی ازکنفرانس بین‌المللی سازمان های غیر دولتی هفتاد کشور جهان را که در سپتامبر گذشته درشهر بن درآلمان برگزار شد منتشر کرده است. دراین کنفرانس بیش ازهزار و پانصد نفر از کنشگران درحوزه های گوناگون مدنی از سراسر جهان شرکت داشتند. بحث درباره اهمیت نقش شهروندان وفعالین اجتماعی در زمینه به راه اندازی فعالیت‌های داوطلبانه برای ایجاد یک جامعه دموکراتیک یکی از مباحث مهم این کنفرانس بود. اما متاسفانه درایران در شرایط کنونی بیشرفعالیت‌های مدنی در زمینه‌های حقوق بشر، حقوق زنان و توسعه به خاطرموانع وضع شده از سوی دولت و سرکوب فعالین اجتماعی به حال تعلیق درآمده است. شماری ازفعالان اجتماعی تنها به خاطراحساس مسئولیت و تلاش برای کمک به گروه‌های آسیب‌پذیر، فعالیت درزمینه حقوق بشر و یا حفظ محیط زیست به زندان های طولانی محکوم شده اند. عرصه سوم با انتشارمجدد گزارش این کنفرانس برای اطلاع علاقه‌مندان، هم چنین خواهان توجه کنشگران نهاد های مدنی دنیا به وضعیت دشوارهمکاران ایرانی خود است. برماست که با تلاش های ملی و بین‌المللی برای آزادی همه جانبه فعالیت‌های مدنی وهم آزادی همه کسانی که تنها به خاطر ایجاد یک جامعه عادلانه و دموکراتیک درایران بازداشت و زندانی شده‌اند بکوشیم.
سهیلا ستاری

گزارشی از شصت و چهارمین کنفرانس سالانه دی ـ پی ـ آی / ان ـ جی ـ او های سازمان ملل متحد

در روزهای ۳ تا ۵ سپتامبر سال ۲۰۱۱ میلادی ٦٤مین کنفرانس سالانه بخش مرکزی آگاهی رسانی سازمان ملل (دی پی آی) / (ان جی او) نهادهای مدنی غیردولتی وابسته به سازمان ملل متحد در هتل ماریتیم شهر بن در آلمان برگزار گردید. شعار این کنفرانس: «جوامع پایدار، شهروندان مسئول» بود.

این کنفرانس بر اهمیت نقش و مسئولیت پذیری شهروندان و نهادهای مدنی کشورها در حفاظت از کره زمین و ایجاد جامعه های پایدار که برای انسانها زندگی انسانی تری را در عرصه های اقتصادی، فرهنگی و محیط زیستی فراهم آورد، پای فشرد و بحث و تبادل نظری سه روزه را از طریق برگزاری میزگردها و سخنرانی های شخصیتهای بین المللی و فعالین مهم نهادهای مدنی جهان، گروههای کار و ارائه مباحث و پیشنهادها و طرح سئوالها در پایان هر سخنرانی از سوی کلیه شرکت کنندگان و بحث متقابل آنان با سخنرانان پنل ها پیش برد.

این سخنرانی ها و بحث ها در زمینه های: حفاظت پایدار از محیط زیست و برنامه ریزی برای زدایش ضایعات کنونی مربوطه بویژه جهت کاهش تولید گاز کربنیک، ایجاد اقتصاد سبز با چشم انداز ایجاد توسعه پایدار و زدایش فقر در کلیه جوامع بشری، تولید و توزیع کالا بدون صدمه بر محیط زیست، دسترسی به آب و غذای سالم، بهبود آموزش، بهبود موقعیت اقوام، اهمیت ترویج زبان مادری، گسترش نقش زنان در امور اجتماعی، گسترش نقش جوانان، گسترش نقش نهادهای مدنی شهروندان و فعالیت داوطلبان در این زمینه، شفاف شدن اقدامات دولتها، دسترسی آزاد به اطلاعات و ایجاد بنیادهای دمکراسی در کلیه کشورهای کره زمین بودند. حاصل این بحثها در مصوبه پایانی این کنفرانس منعکس شده است.

این کنفرانس فشرده سه روزه که با پیام ویدیویی بان کی مون دبیرکل سازمان ملل و پیام های حضوری معاون وی کیو آکازاکا و یورگن نیمپچ شهردار بن آغاز گردید، شامل پنل ها، میزگردها و سخنرانی های شخصیتها و فعالین نهادها، نشست های گروههای مختلف کار و برنامه های گوناگون هنری بود. مدیریت کنفرانس با آقای فلیکس دادز، رئیس فوروم کنشگران برای آینده ای پایدار، و خانم ماریا لوئیزا چاوز، رئیس بخش ان جی او / دی پی آی های سازمان ملل، بود.

در این کنفرانس بیش از ۱۵۰۰ نفر از فعالین نهادهای مدنی ۷۰ کشور دنیا در زمینه محیط زیست و توسعه، نمایندگان نهادهای مدنی علمی، نمایندگان مطبوعات و نمایندگان دولتها شرکت داشتند. آنان در این نشست از یک سو بر نقش فعالیت آگاهانه و داوطلبانه افراد در راه ایجاد جامعه ای دمکراتیک و پایدار در کلیه جوامع بشری

تاکید کردند و از سوی دیگر سعی در گسترش پیوند جمعی خود جهت تقویت همکاریشان برای دستیابی به این هدف مشترک و تبادل تجارب بین خود نمودند. در کنار سالنهای این کنفرانس نهادهای مختلف کشورهای گوناگون میز کار گذاشته بودند که در آنها امکان تماس گیری مستقیم فعالین با یکدیگر، فعالین و خبرگان نهادهای مدنی حاضر در این کنفرانس و فعالین و برگزارکنندگان این کنفرانس فراهم میگردید. از سوی دیگر شرکت کنندگان در این کنفرانس با استفاده از امکان گفتگو و ارائه گفتارها و طرح پرسشها در پایان هر سخنرانی و نیز با ارسال ۱۰۰۰ نقطه نظر تکمیلی روی طرح اولیه مصوبه پایانی در ایجاد فضای زنده و فعال در این کنفرانس بسیار کوشا بودند.

از آنجا که من بعنوان یکی از نمایندگان رسمی جامعه زنان تحصیل کرده آلمانی در این کنفرانس شرکت داشتم، کوشش نمودم بنوبه خود با استفاده از امکان طرح مباحث در پایان سخنرانی ها، پنلها و گروههای کار از یکسو ابعاد مشکلات محیط زیست در ایران را بویژه مسئله خشک شدن دریاچه ارومیه و اهمیت جلوگیری از گسترش این فاجعه محیط زیستی و یا مشکل قطع بی رویه درختان و یا مشکل آلودگی هوای تهران را طرح کنم و از سوی دیگر به طرح مشخص امر سرکوب و دستگیری فعالان محیط زیست (از جمله دستگیری معترضین در راهپیمایی علیه خشک شدن دریاچه ارومیه بواسطه همزمانی آن با این کنفرانس)، اعمال تضییقات روی کلیه کنشگران مدنی و نیز جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات در ایران توسط رژیم حاکم بپردازم و خواهان آن شوم که در مصوبه پایانی این کنفرانس راهبردهایی جهت خروج از این بن بستها در ایران و در کشورهای مشابه ما گنجانده شوند.

در طی ٦٤ سال گذشته این چهارمین کنفرانس از این نوع بود که خارج از مقر سازمان ملل تشکیل میشد. هدف از تشکیل آن در سال ۲۰۱۱ در بن، ایجاد تلون بیشتر منطقه ای شرکت کنندگان در کنفرانس و بطور ویژه امکان شرکت دادن به نهادهای مدنی فعال در غرب و شرق اروپا و نیز به ان جی او های سازمان ملل فعال در زمینه آگاهی رسانی و مطبوعات در این کنفرانس بود.

در سال۱۹۹۲ «(ان جی او ها) «نهادهای مدنئ غیر دولتی محیط زیست و توسعه سازمان ملل» نشستی در ریودوژانیرو در کشور برزیل داشته بودند که در آن چهارچوبها و نقشه راه ۲۰ ساله ای را برای ایجاد اقتصاد سبز با نام «ریو باضافه ۲۰» به تصویب رسانده بودند. نشست مجدد در ریودوژانیرو در در ٤ تا ٦ ژوئن سال ۲۰۱۲ میبایست جمع بندی از این اقدامات بیست ساله ارائه دهد و نقشه راه تازه تری را برای آینده طرح ریزی نماید. پیشبرد این جمع بندی از جمله وظایف مهم کنفرانس سال ۲۰۱۱ در بن بود.

این کنفرانس همچنین مصوبه های بسیاری از نشستهای سازمان ملل را مورد توجه قرار داد. از جمله قطعنامه های پایانی: آ/٦٤/٢٣٦، سال ۱۹۸۰، سال ۱۹۹۰، دستور کار (آگندا) ۲۱، سال ۲۰۰۲، کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه، کنفرانس جهانی چهارم زنان و اهداف توسعه هزاره سازمان ملل. از سوی دیگر قرار شد مصوبات کنفرانس ۲۰۱۱ در بن در خدمت دو نشست فعالین داوطلبین (والونتیرها) که در ۵ دسامبر ۲۰۱۱ در نیویورک برگزار گردید و نشست دهمین سالگرد جهانی والونتیرها در سال ۲۰۱۱ قرار گیرد.

در زیر فرازهایی از قطعنامه پایانی این کنفرانس را ملاحظه میکنید:

در عرصه نقش نهادهای مدنی، با این باور که:
ـ اجرای توسعه پایدار از یکسو در گرو هدایت درست سیاسی از سوی دولتها و از سوی دگر بواسطه شرکت موثر و آگاهانه میلیونها انسان و نهادهای مدنیشان در این پروسه در سراسر جهان است.
ـ حرکت داوطلبانه (والنتریسم)، نقش محوری در دیالوگ توسعه، بویژه در عرصه های آموزشی چه در محدوده خانواده چه در عرصه ملی یافته است.
ـ نقش داوطلبان (والنتیرها) برای رسیدن به جامعه ای پایدار و توجه به سابقه طولانی اقدامات آنها همواره جایگاه مهمتری مییابد. در این رابطه بویژه تاکید شد بر نقش زنان، جوانان مثلا در عرصه های هنر، روزنامه نگاری الکترونیکی و سایر اقدامات مبتکرانه و دسته جمعی آنان، بر نقش کودکان، پیران،معلولین، بومیان، اقلیتها، مهاجرین و تمام آنهایی که به دلایل اجتماعی، زبانی و اقتصادی از صحنه طبیعی میهن خود رانده شده اند. والنتیرها آموزش و تجارب فراوانی در عرصه های زدایش فقر و حرکت به سوی توسعه ای که منافع جمع را در زمینه های تناقضات و درگیری های جنسی، امور بهداشتی، مدیریت کاهش مشکلات و حفظ صلح مقدم

میشمارد، بدست آورده اند.
ـ "مصوبه سال جهانی والنتیرها باضافه ۱۰"، که خواستار دادن موقعیت های بیشتر به داوطلبان در ابعاد منطقه ای، ملی و جهانی است، از جانب دولتها و بخش خصوصی و نهادهای مدنی بیشتر مورد استقبال قرار گیرد.
ـ تا سال ۲۰۲۲ دولتها قوانینی را به تصویب برسانند که امکان دخالت مردم در امور قضایی و اجرایی را بمنظور بهبود این امور به گونه ای که امکان دستیابی به توسعه پایدار را فراهم آورد، میسر کنند. این امر بویژه در زمینه مسائل محیط زیستی که شامل تصویب پروژه های بنیادین توسعه، طرح ریزی سیاستها، قوانین و مقررات توسعه در سطح ملی و به اجرا گذاشتن تصمیمات در زمینه آلودگی های محیط زیست میباشند، حائز اهمیت هستند. دولتها همچنین امکان دادرسی و فرجام خواهی در موارد لازمه را با هزینه معقول برای مردم فراهم کنند.

در عرصه محیط زیست، با این باور که:
ـ زندگی سالم و هدفمند انسانی در هارمونی با محیط زیست و طبیعت خود ممکن است.
ـ تغییرات آب و هوایی و اثراتش، میزان تبدیل زمین های حاصلخیز به صحراها و تبدیل آنها به زمینهای غیر حاصلخیز بویژه در مناطق استوایی و جنگلها، از دست رفتن منابع ماهیگیری، گرم شدن کره زمین، اسیدی شدن اقیانوسها، ذوب کوههای یخ در قطب و غیره موجب بروز نگرانی ها در بین فعالین محیط زیست گردیده است.
ـ ایجاد صلح و احترام به حقوق بشر عناصر بنیادین و اصلی توسعه پایدار هستند و اختصاص بودجه برای جنگ و تحقیقات و اقدامات نظامی بویژه در مورد سلاح اتمی تهدیدی جدی برای کره زمین و ساکنان آن است.
ـ دولتها میبایست برنامه معین و قاطعی را در زمانهای زیر تدارک ببینند، آگاه شدن دولتهای در حال توسعه به نقش خود در این رابطه بویژه شایان توجه است:
تا سال ۲۰۱۳ محدودیت جدی برای استفاده و تجارت جیوه و کاهش جدی گازهای متصاعد ناشی از آن تا سال ۲۰۱۵ برای جلوگیری از تخریب محیط طبیعی اقیانوسها و نابودکردن نسل ماهی ها در برخی آبهای کره زمین
تا سال ۲۰۲۰ برای ایجاد دریاها و اقیانوسهای سالم و ایجاد محیط زیست متناسب برای آبزیان، برای ایجاد جنگلهای سالم،
تا سال ۲۰۳۰ برای ایجاد کشاورزی پایدار، برای ایجاد شهرهای سبز، برای تهیه و ایجاد انرژی تمیز، آب کافی و حفظ تنوع زیست محیطی در جریان تولید و در نهایت ایجاد اقتصاد سبز
تا سال ۲۰۵۰ جهت کاهش گرمای کره زمین، کاهش تصاعد گازهای گلخانه ای و کاهش تولید گاز کربنیک

در عرصه توسعه، با این باور که:
ـ رابطه درونی جمعیت، منابع، محیط زیست و توسعه باید بطور پایه ای و متعادل مورد توجه قدرتمندان قرار گیرد.
ـ پیوند درونی بین آلودگی محیط زیست و آب و هوا، بحران غذایی و عدم ثبات مالی وجود دارد که ناشی از تمرکز بی سابقه منابع در دست قدرتمندان و عدم تساوی بین مردم در استفاده از آن منابع میباشد.
ـ سیستم تجاری مالی اقتصادی کنونی بواسطه تقسیم ناعادلانه قدرت، زمینه ساز و عامل اصلی در ایجاد مصیبتهای محیط زیستی، روانی و روحی انسانها است. تغییر این سیستم فعلا مرسوم ضرورت دارد.

ـ تا سال ۲۰۱۵:
ملل مختلف سعی در تنظیم پرنسیپها و بکار بستن سیاستهای پولی، مالی و زبانی بنمایند که زندگی پایدار انسانی را حق تمام ابناء بشر ببینند. دولتها برای انتقال ۲% تولید ناخالص ملی کشورها برای تامین انتقال به اقتصاد سبز با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی اجتماعی کشورشان بکوشند. برنامه اجتماعی اقتصادی دولتها بگونه ای تنظیم شود تا بهبود وضع آموزش، بهداشت و سلامتی و کاهش بیکاری جوانان و نیز رفع تبعیض از زنان و بهبود وضع بهداشتی آنان ممکن گردد.

ـ تا سال ۲۰۲۰:
ملل معیار سنجش پیشرفت خود را از فاکتور تولید ناخالص ملی به فاکتور دیگری تغییر دهند. ما برپاکنندگان این کنفرانس دعوت به برپایی فرایندی بین المللی برای تحقیق و بررسی دادها و تعیین این استانداردها و شاخص ها مینمائیم و مشوق آن هستیم که شاخص های پایدار محیط زیستی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی در تعیین این استاندارد در راستای انتقال به یک اقتصاد سبز نقش ایفا کنند. از جمله این شاخص ها و شناسه ها میتوانند میزان شرکت مردم در امور اجتماعی و نهادهای مدنیشان و میزان دستیابی به اهداف توسعه در یک

کشور باشند. دولتها میبایست هم راستا با استراتژی تنوع زیست محیطی گرفته شده از نشست مربوطه سازمان ملل در این زمینه نقشه راه اقتصاد سبز را تهیه نموده و در این مسیر پروسه ای از تولید را واقعیت بخشند که بهترین تکنولوژی ممکن را برای بازیافت و استفاده مجدد از کالاهای مصرف شده و زباله ها فراهم کند. بگونه ای که تنوع زیست محیطی و اکوسیستم در جریان اصلی اقتصاد هر کشور در کنار پلاتفرمهای توسعه منطقه ای و بومی جای گرفته باشد.

ـ دولتها قوانینی را به تصویب برسانند که:

تا سال ۲۰۲۲ سازمانهای دولتی را موظف به اقدامات مناسب برای اطلاع رسانی به و نیز بکارگیری نیروی انسانهای فقیر و یا زنان و کودکان حاشیه جامعه بهنگام اجرای تصمیمات مربوط به توسعه پایدار بنمایند.

تا سال ۲۰۳۰: کشاورزی پایدار جایگزین کشاورزی صنعتی گرذذ که در آن استفاده از محصولات طبیعی، ارگانیک و بیولوژیک جایگزین محصولات شیمیایی گردند و شیوه های تولید بومی و سنتی اهمیت بیشتری یابند، زیرا که این تولیدات خود عالیترین ضامن در قبال تغییرات جوی و حفظ پایدار محیط زیست هستند. ایجاد شهرهای سبز در عرصه های مدیریت ترانسپورت کالاها در شهر، تقدم پیاده روها، گسترش مناطق حاشیه ای شهرها با امکانات مدرن شهری، ساختمان سازی بر اساس مدل ساختمان سازی سبز، کاهش آلودگی هوا و آب آشامیدنی بمیزان ۳۰% زیر نرخ سال ۲۰۱۲

در عرصه نقش زنان، با باورمندی به:

ـ رابطه ذرونی و ارگانیک بین تساوی حقوق زنان و مردان و امر توسعه پایدار

ـ ضرورت شرکت دادن بیشتر زنان و دختران در پروسه های تصمیم گیری و اداره امور در تمام سطوح و دیدن نقش آنان بعنوان "عاملین تغییر" و تضمین شرکت آنان در پروسه ایجاد جامعه پایدار

ـ ضرورت زدایش فقر در سطح جهان با توجه به زنانه بودن چهره فقر در حال حاضر

در عرصه نقش جوانان، با باورمندی به:

ـ ضرورت شرکت دادن جوانان در تصمیم گیریها در تمام سطوح

ـ ضرورت پیشبرد امر آموزش معمول و غیر معمول جوانان در پروسه ایجاد توسعه پایدار

در عرصه اقوام، با این باور که:

ـ توجه و احترام به تفاوت قبیله ای، زبانی و فرهنگی بین مردم از جمله بین بومیان کشورها و ضرورت کمک به ایجاد اتحاد و دوستی بین مردمان و تمدنهای گوناگون

ـ چندگونگی زبانی و تنوع محیط زیستی همساز یکدیگرند و پیوند درونی دارند. حفظ ارزشهای فرهنگ بومی کمک شایانی به حفظ تنوع محیط زیستی در کشاورزی و همخوانی بهتر با طبیعت میکند. از این رو از دست دادن هرچه بیشتر تفاوتهای زبانی موجب نقصان در ارزشهای فرهنگ بومی و بدان طریق نقصان در تنوع محیط زیستی میگردد.

ـ ضرورت گنجاندن آموزش زبان مادری در سیستم آموزشی کشورها بواسطه اینکه این زبانها پیچیدگی های محیط پیرامونی را در بر داشته و این واقعیت را بدین طریق در سیستم عمومی آموزش وارد خواهند کرد.

در عرصه آموزش، با باور به:

ـ نقش کلیدی آموزش رسمی و غیر رسمی برای ایجاد و حفظ توسعه پایدار در کشورها

ـ ضرورت گنجاندن آموزش زبان مادری در سیستم آموزشی کشورها

در عرصه مطبوعات و گردش آزاد اطلاعات، با باورمندی به:

ـ نقش پراهمیت وسایل ارتباط جمعی و اشکال مدرن ارتباطی دنیای کنونی جهت رشد آگاهی بخشی و امر همکاری و همبستگی بین مردم ملل مختلف

ـ تا سال ۲۰۲۲ دولتها قوانینی را تصویب بنمایند که گردش آزاد اطلاعات و آگاهی و اطلاع رسانی به مردم و کنشگران را بویژه در رابطه با اخبار محیط زیستی با ارائه اخبار مفید، دقیق و حقیقی را از طرق اینترنت و الکترونیکی و یا بطریق دیگر فرماتها میسر و تضمین کند.

با امید به رشد آگاهی هر چه بیشتر و همه جانبه تر از امر حقوق بشر

با امید به رشد نهادمندی صنفی اجتماعی و سیاسی ایرانیان در داخل و خارج از ایران

با امید به هماهنگ شدن این نهادمندی ها با حرکت نهادهای مدنی جهانی

سهیلا ستاری
کلن، دسامبر ۲۰۱۱ میلادی
a.sattari@gmx.de

مصوبه پایانی این کنفرانس را در اینجا مطالعه کنید.
http://www.ngo-un-conference-blog.org/wp-content/uploads/2011/09/Final-Declaration-9-16.pdf

برای اطلاعات بیشتر به وبلاگ ٦٤مین کنفرانس رجوع کنید:
http://www.ngo-un-conference-blog.org

ویدئویی از این مراسم را اینجا ببینید
http://player.vimeo.com/video/28651324

ان جی او: نهاد مدنی غیر دولتی
Non-Governmental Organization

دی پی آی: دپارتمان آگاهی بخشی عمومی (تحت نظر سازمان ملل)
Department of Public Information / United Nations

—

بازداشت گروه دیگری ازکنشگران مدنی درکردستان

2012-01-03 · Archive ID 699
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=699

عرصه سوم-درروزهای گذشته با بازداشت گروه دیگری ازفعالان اجتماعی درکردستان ایجاد محدودیت وممنوع بودن فعالیت‌های مردمی برای فعالان نهاد های مردمی دراین استان شدت گرفت. بازداشت هجده تن ازکنشگران مدنی در شهرمهاباد که تعدادی ازآنان درزمینه حفظ محیط زیست فعال بوده‌اند، هم چنین یادآورحادثه دستگیری و زندانی کردن چهارده نفر دیگراز کنشگران اجتماعی و فرهنگی کرد درتابستان گذشته است. بیشتراعضای آن گروه هم درزمینه حفاظت ازمحیط زیست و درچارچوب قانون فعالیت می کردند. درپی بازداشت فعالان حفظ محیط زیست استان کردستان درتابستان گذشته ۱۵۰ تن ازاعضای نهاد های مدنی و مردمی با برپایی کمپینی خواستار آزادی این فعالان محیط زیست شده و ازآنان با عنوان «دوستداران طبیعت» نام برده‌اند.

بر اساس آمار منتشر شده در سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۰ هکتار از جنگل‌های کردستان دچارآتش‌سوزی شده اند. بیشتراین آتش سوزی ها درمناطق مریوان وسروآباد اتفاق افتاد. فعالان مدنی براین باوراند، اگردولت برای حفاظت ازمحیط زیست دراین استان برنامه‌ای جامع ودرازمدت ندارد، این وظیفه نهاد های مردمی است که به چاره‌جویی و آگاهی رسانی دراین مورد اقدام کنند.

سایت رادیو زمانه در مورد بازداشت اخیر فعالان مدنی در کردستان با چند نفراز دست اند کاران مسائل کردستان مصاحبه‌ای کرده است که در اینجا می خوانید:

بازداشت‌های فله‌ای و بلاتکیفی فعالان مدنی در کردستان

«محسن کاکارش- بازداشت فله‌ای شهروندان و بلاتکلیفی آنها در نهادهای امنیتی و همچنین ادامه بی‌خبری از فعالان مدنی، اخباری هستند که منابع خبری کردستان به تازگی آن را منتشر کرده‌اند.

خسرو کردپور، روزنامه‌نگار ساکن مهاباد به زمانه می‌گوید: "در روزهای گذشته ۱۸ تن از شهروندان در مهاباد توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. شماری از آنان به زندان مرکزی این شهر منتقل شده‌اند و بقیه در بازداشتگاه به سر می‌برند.

کاوه طهماسبی، فعال مدنی نیز در گفت‌وگو با زمانه از بلاتکلیفی سه فعال محیط زیست به نام‌های اکبر گویلی، وریا خسروی و کامران رحیمی پس از گذشت ۷۰ روز بازداشت در اداره اطلاعات سنندج خبر می‌دهد.

جمیل منوچهری، پدر سامی منوچهری که روز دوم آذرماه در کرمانشاه بازداشت شده است به زمانه می‌گوید: "پسرم با دو دامادم بازداشت شده‌اند و ما هیچ اطلاعی از وضعیت آنان نداریم."

بازداشت شهروندان در مهاباد

آژانس خبری مکریان که بیشتر اخبار مربوط به کردستان ایران را منتشر می‌کند، اسامی ۱۸ تن از بازداشت‌شدگان اخیر مهاباد را به این ترتیب اعلام کرده است: "علی مولانژاد، عثمان مولانژاد، چیا مولانژاد، سمکو عثمانی، اسماعیل حمزه‌پور، هیوا عزیزی، مراد حسن‌زاده، ناصر طریق، لقمان سالکی، کاوه سالکی، عثمان قادرنژاد، محمدامین قادرزاده، زانیار قادرزاده، محمد معروف‌زاده، علی برنا، هیوا بیرمی، ناصر بهجتی و سلیم چراغ منان.

آقای کردپور که مدیر آژانس خبری مکریان نیز هست، در پیوند با علت بازداشت این شهروندان می‌گوید: "تا جایی که پی‌گیری و به نهادهای حکومتی مراجعه کردیم، رسماً اعلام نشده است که اتهامات آنان چیست، اما براساس اخباری که از طریق دوستان یا خانواده‌های‌شان به دست ما رسیده، اتهامات آنان امنیتی است. اکثر آنان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. ظاهراً ارتباطاتی داشته‌اند با احزاب خارج از کشور، اما تا مقامات و مراجع قضایی رسماً اعلام نکنند، نمی‌توان اظهار نظر رسمی کرد."

این روزنامه‌نگار کرد در مورد آخرین وضعیت این شهروندان می‌افزاید: "شماری از آنان به زندان مرکزی و عمومی مهاباد منتقل شده‌اند و با خانواده‌های‌شان تماس گرفته‌اند و حتی توانسته‌اند با آنها ملاقات داشته باشند."

آقای کردپور می‌گوید: "امیدوارم حداقل آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور در مورد آنان رعایت شود، ازجمله ماده ۱۶۹این آئین‌نامه. این ماده تاکید می‌کند: تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیك یا تنبیه بدنی متهمان و محکومان و اعمال تنبیه‌های خشن، مشقت‌بار و موهن در مؤسسه‌ها و زندان‌ها به کلی ممنوع است."

بازداشت‌های فله‌ای شهروندان در کردستان، پیشتر نیز صورت گرفته است. مدیر آژانس خبری مکریان، در این زمینه بازداشت‌های سال گذشته پس از اعتصاب عمومی کردستان را یادآوری می‌کند.

بلاتکلیفی سه فعال محیط زیست

با گذشت بیش از ۷۰ روز، از وضعیت سه تن از فعالان محیط زیست سنندج هیچ اطلاعی در دست نیست و اداره اطلاعات به خانواده آنان گفته است، دوماه دیگر تکلیف آنان مشخص خواهد شد.

کاوه طهماسبی، فعال مدنی به زمانه می‌گوید: "وریا خسروی، اکبر گویلی و کامران رحیمی سه تن از اعضای جمعیت کردستان سبز بودند و پیگیری خانواده‌ها در زمینه کسب اطلاع از وضعیت آنها تا به امروز بی‌نتیجه مانده است.

به گفته آقای طهماسبی فعالیت این افراد بیشتر تشویق مردم و آگاهی‌سازی آنان برای حفاظت از محیط زیست بوده است.

او که عضو "جمعیت کردستان سبز" نیز بوده است، در پیوند با آخرین وضعیت این فعالان می‌گوید: "طی چند روز گذشته اداره اطلاعات سنندج به پدر وریا خسروی گفته است تا دو ماه دیگر وضعیت آنان را پیگیری نکنند، چون وضعیت‌شان خوب است و در اینجا می‌مانند."

گفته می‌شود، نیروهای اداره اطلاعات منزل این سه فعال محیط زیست را تفتیش کرده‌اند و کامپیوتر و وسایل شخصی آنان را با خود برده‌اند.

در ماه‌های گذشته چند تن دیگر از فعالان محیط زیست کردستان ازجمله سوران دانشور، شریف باجور، بهروز داروند و ایرج قادری بازداشت شده بودند که پس از مدتی با سپردن وثیقه آزاد شدند.

بی‌خبری از سه شهروند در کرمانشاه
روز دوم آذرماه سه تن از شهروندان به نام‌های سامی منوچهری، علی نیك‌رفتار و همایون ترابی از سوی نیروهای امنیتی کرمانشاه بازداشت شدند.

جمیل منوچهری پدر سامی منوچهری به زمانه می‌گوید: "سامی با دو دامادم در حین رفتن به سر کارهای‌شان بازداشت شد و از آن روز هیچ اطلاعی از سرنوشت آنان نداریم."

آقای منوچهری می‌افزاید: "هیچ دلیلی برای بازداشت آنان وجود ندارد و طی تماس کوتاهی با روحیه‌های بسیار بدی به خانواده‌های‌شان گفته‌اند وضعیت‌شان خوب است. در صورتی که همایون بیماری دیابت داد و سامی در دوران تحصیلاتش در دانشگاه شیراز دچار بیماری روحی شده و مدام قرص مصرف می‌کند."

پیشتر، در مرداد ماه سال جاری خورشیدی نیز هشت تن از فعالان ادبی و فرهنگی شهر گیلان‌غرب در استان کرمانشاه، توسط ماموران امنیتی بازداشت و پس از یک تا دوماه حبس موقت با قرار وثیقه آزاد شدند. آنها از طرف شعبه اول دادگاه انقلاب گیلان‌غرب به ریاست قاضی باباخانی جمعاً به ۱۳ سال حبس محکوم شده بودند.

اتهام این افراد "اقدام علیه امنیت ملی" از طریق هواداری از جریان‌های اپوزیسیون کردی عنوان شده بود.»

برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید:

http://radiozamaneh.com/society/humanrights/2011/08/13/6165

http://radiozamaneh.com/society/humanrights/2011/02/13/1692

—

ازمجلس ایران بخواهید تا لایحه مجازات عمومی ضد حقوق بشری را رد کند

2012-01-05 · Archive ID 703
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=703

لایحه جدید جامعه بین المللی را به چالش می کشد و برخلاف تعهدات ایران مبنی بر پاسداشت حقوق بشر است.

دبیر کل سازمان ملل، گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر درایران، مجمع عمومی سازمان ملل، وشورای حقوق بشر سازمان ملل یک صدا ازحکومت ایران خواسته اند که درلایحه جدید مجازات عمومی تجدید نظر کرده و به موازین بین المللی حقوق بشر احترام بگذارد. درماه فوریه سال ۲۰۱۰ میلادی، درچهارچوب بازبینی های دوره ای، حکومت ایران توصیه های شورای فوق ازسازمان ملل برای هماهنگ کردن قوانین جاری کشوربا میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی (ICCPR) را پذیرفت، میثاقی که ایران نیز درآن عضویت دارد.

به رغم این پیشرفت، مجلس ایران طرحی موسوم به «لایحه مجازات اسلامی» را دردست دارد که، درصورت تصویب، تعهدات ایران را درچارچوب میثاق بین المللی حقوق سیاسی ومدنی را زیر پا خواهد گذاشت. لایحه فوق آزادی بیان درجامعه مدنی را بیش ازپیش مورد تهدید قرارخواهد داد و قوانین ناقض حقوق شهروندان ایرانی را تقویت خواهد کرد. در این لایحه سنگسار، شلاق و دیگرمجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز هم چنان جنبه قانونی خواهند داشت، قوانین تبعیض آمیز کنونی حفظ خواهند شد وسن مسئولیت کیفری برای دختران و پسران افزایش نخواهند یافت. علاوه براین مسئله، در بخش دیگری ازلایحه فوق مجازات:

«اقدام علیه امنیت ملی» نیز تشدید شده، اتهامی که به طورمعمول برای سرکوب و بدرفتاری با معترضان دستمایه حکومت قرارگرفته است.

"عرصه سوم" و " اتحاد برای ایران " از شما می خواهند تا به مقامات ایرانی نامه بنویسید و به لایحه جدید اعتراض کنید. اینجا را کلیک کنید تا به این کمپین بپیوندید.

مرورمفاد این لایحه نگر انی جدی ایجاد می کند، برای نمونه:

• رابطه جنسی خارج از پیوند زناشویی و میان دو نفر متأهل کماکان جرم محسوب می شود. اما به رغم آنکه این لایحه مجازات سنگسارررا پیش بینی نکرده، به قاضی این آزادی را می دهند که قرائت های مذهبی ازقانون داشته باشد. این به معنای آن است که قاضی هم چنان خواهد توانست از سنگسارودیگر مجازات های سخت استفاده کند. لایحه فوق تصریح می کند:

«قاضی موظف است کوشش کند حکم هردعوا را درقوانین مدونه بیابد واگرنیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت، نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدورحکم امتناع ورزد.»

• این لایحه اعدام کودکان را مجازمی داند. تنها کودکانی که امکان اثبات عقب افتادگی ذهنی درآنها میسرباشد، ازاین قانون مستثنی خواهند بود.

• درچندین اصل ازلایحه یاد شده، مجازات «اقدام علیه امنیت ملی» تشدید شده است. این اتهامی است که به طور مکرر علیه مخالفین، فعالین حقوق بشروشهروندان بهایی به کارگرفته شده است.
دراین لایحه نه تنها هیچ کدام ازقوانین تبعیض آمیز کنونی علیه زنان واقلیت های مذهبی بدون اصلاح باقی مانده، بلکه به نابرابری های فعلی نیزدامن زده شده است:

• شهادت زن در برابردادگاه کماکان به اندازه نصف شهادت مرد ارزش دارد.

• هم چنین یک دخترازسن ۹ سالگی مسئولیت کیفری خواهد داشت و درصورتی که مرتکب جرمی شود مانند بزرگسال با اورفتارمی شود. این لایحه سن مسئولیت کیفری برای پسران را ۱۵ سالگی تعیین کرده است.

• ارزش خسارات جانی وارده (دیه) زن مسلمان کماکان نصف دیه مرد مسلمان محاسبه می شود. دیه زن غیرمسلمان نیزنصف دیه یک زن مسلمان، و یک چهارم دیه یک مرد مسلمان است.

• رابطه جنسی میان هم جنس گرایان جرم تلقی شده و مشمول مجازاتهای شدیدی ازصد ضربه شلاق تا اعدام می شود.

برای مشاهده این لایحه اینجا را کلیک کنید.

اقدام کنید! نامه ای به مقامات ایرانی بفرستید و نگرانی عمیق خود ، از امکان تصویب لایحه جدید در مجلس، را ابراز کنید .

—

محکومیت سهراب رزاقی پژوهشگرجامعه مدنی به بیست سال زندان

2012-01-05 · Archive ID 706
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=706

عرصه سوم –به گزارش سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشردرایران سهراب رزاقی پژوهشگر جامعه مدنی درایران، استاد سابق دانشگاه ومدیر سازمان غیردولتی کنشگران داوطلب، از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به ۲۰ سال زندان وپرداخت ۵۵۰ هزار یورو جریمه نقدی محکوم شده است.

گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر را دراین باره دراینجا می خوانید:

« کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران مطلع شد که سهراب رزاقی استادسابق دانشکده علامه طباطبایی و مدیر موسسه کنشگران داوطلب بطور غیابی توسط قاضی صلواتی ، رئیس شعبه پانزده دادگاه انقلاب اسلامی به ۲۰ سال زندان وجریمه نقدی ۵۵۰ هزار یورویی محکوم شد.

سهراب رزاقی در خصوص حکم سنگین بیست سال زندان وجریمه نقدی یاد شده به کمپین بین المللی حقوق بشردرایران گفت:« این شدیدترین وغیر انسانی ترین حکم درباره فعالیت مدنی درایران است.» او افزود: «دردوران بازجویی و بعد ازآن هرگز مدرکی مستند برعلیه من ارائه نشد ومن هیچیک از یک اتهامات را نپذیرفته ام. ولی امکان درخواست تجدید نظر امکان پذیر نیست از یکطرف وکیلم آقای سلطانی خودش درزندان است و از طرفی منوط کرده اند.»

آقای رزاقی درخصوص جریمه یاد شده به کمپین گفت: « درحا ل پرداخت آن هستم چون برای اجرای حکم نرفتم به اوین حکم را به اجرا گذاشتند. ۲۰۰ میلیون تومان را. ۵۵۰ هزار یورو تمام پولی بود که موسسه کنشگران برای فعالیت ۵ ساله اش ازمنابع مختلف دریافت کرده بود. از آژانسهای UN مانند یونیسف در داخل و سازمانهای بین المللی مانند هیفوس و اینتر نیوز اروپا که کلیه اسناد آن و هزینه کرد آن موجود است.»

دکتر سهراب رزاقی بین سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ (۲۰۰۰تا ۲۰۰۵) مشغول به تدریس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی بوده است. وی با آغازاولین موج اخراج اساتید دگراندیش و نزدیک به اصلاح طلبان از دانشگاه اخراج شد. او همچنین مدیرموسسه غیرانتفاعی و غیر تجاری کنشگران داوطلب بود که به فعالیت های آموزشی ، پژوهشی و ظرفیت سازی فعالان و سازمانهای جامعه مدنی می پرداخت. این مرکز از سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) تعمیق جامعه مدنی ، بسط دموکراسی، حقوق بشرو توسعه پایدار را دردستور کار فعالیت های خود قرار داده است . موسسه کنشگران داوطلب یکی از مهمترین مراکز ظرفیت سازی ، ترویج و حمایتگری و آموزشهای مدنی در عرصه جامعه مدنی ایران بوده است

در ماه مارس ۲۰۰۷ مقامات امنیتی ایران بدون اینکه هیچ اتهامی را متوجه موسسه کنشگران داوطلب کنند ویا پرسش وپاسخی در خصوص فعالیت های آن انجام دهند آنرا تعطیل و مهر وموم کردند و بعد از آن با رفتن به منزل رزاقی به جستجوی آن پرداختند. بعد از ساعت ها جستجو ماموران امنیتی به ضبط مدارک، کتاب ها، دست نوشته ها، سی دی ها و همچنین رایانه شخصی آقای رزاقی اقدام کردند. همزمان همه حساب های بانکی موسسه کنشگران داوطلب و حساب شخصی سهراب رزافی را مسدود کردند و همچنان حساب های آن بدون هیچ حکم قانونی مسدود هستند.

در دوم آبان ۱۳۸۶ (۲۴ اکتبر۲۰۰۷) دکتر سهراب رزاقی توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به بند ۲۰۹ زندان اوین انتقال پیدا کرد. این دستگیری پس از آن صورت گرفت که دکتررزاقی برای شرکت درکنفرانسی که دردوبلین پایتخت کشورایرلند توسط یک سازمان غیردولتی حامی مدافعان حقوق بشر برگزارمی شد عازم این شهر بود. او یک ماه را درزندان انفرادی سپری کرد، بدون اینکه هیچ دسترسی به وکیل خود ویا دیگر حقوق اولیه خود داشته باشد. شیرین عبادی و عبدالفتاح سلطانی وکالت از آقای رزاقی را به عهده داشتند. بعد از یک ماه آقای رزاقی با وثیقه سنگین ۲۰۰ میلیون تومانی آزاد شد.

درحالی که عمده فعالیت های موسسه کنشگران داوطلب حول موضوعاتی مانند آموزش دموکراسی، فعالیت های حقوق بشری، ظرفیت سازی فعالان و سازمانهای جامعه مدنی، وهمکاری با جنبش های مدنی مثل جنبش زنان و... بود، دادگاه انقلاب در کیفرخواستی اتهامات زیررا متوجه این فعال جامعه مدنی کرد:

- تشکیل گروه به منظوربراندازی رژیم و اقدام علیه امنیت ملی
- نگهداری اطلاعات محرمانه برای دراختیار گذاشتن به بیگانگان
-تبانی به منظور براندازی واقدام علیه امنیت ملی
-دریافت پول از سازمانهای بین المللی (این در حالی است که منابع مالی که برای موسسه از مراکز غیرایرانی دریافت شده بود پیشاپیش به مقامات مسوول اطلاع داده شده بود هرسال توسط یک موسسه حسابرسی معتبرایرانی، حسابرسی می شد وگزارش های مالی موسسه هم به صورت سالانه منتشر شده بود)

بعد ازانتخابات ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ به شعبه پانزده دادگاه انقلاب اسلامی احضار شد اما وی از حضور در دادگاه خود داری کرد و پس از چندی از کشور خارج شد . درجریان محاکمه بازداشت شدگان بعد ازانتخابات نیز نام سهراب رزاقی درکیفرخواست فله ای متهمان مطرح شد و به عنوان یکی ازعناصر و رهبرانی که درصدد انقلاب رنگی در ایران بوده است به میان آمد ونیز برخی از دستگیر شدگان حوادث پس از انتخابات ۲۲ خرداد را وادار نمودند که علیه او در دادگاه اعترافات کذبی انجام دهند.»

برای اطلاعات بیشتر درباره کمپین بینالمللی حقوق بشر درایران به سایت زیر مراجعه کنید:

http://persian.iranhumanrights.org /

—

کاهش چشمگیر زنان داوطلب نمایندگی برای شرکت درمجلس نهم

2012-01-07 · Archive ID 708
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=708

عرصه سوم – درمیان لیست زنان داوطلب اصول گرا برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی حتی یک نام هم دیده نمی‌شود که با انگیزه و سابقه فعالیت درمسائل زنان یا دیگر حوزه های اجتماعی وارد عمل شده باشد. درکارنامه این افراد خبری از فعالیت‌های اجتماعی درسازمان های مردم نهاد نیست. پررنگ‌تر شدن انگیزه‌های سیاسی درکنار کاهش تعداد داوطلبان زن در انتخابات پیش رو بیش ازهر زمان دیگری خبر از یک بحران اجتماعی سیاسی می‌دهد . عدم شرکت فعالان مدنی حوزه زنان دراین انتخابات به معنی به رسمیت نشناختن نهادهای مردمی و ممنوعیت فعالیت‌های آنان درپیشبرد امر توسعه اجتماعی و دموکراسی است.

نعیمه دوستدار

کرسی‌های خالی

اگر يكي از شاخص‌هاي مشاركت سياسي زنان ايرانی حضورشان درمجلس شورا باشد، این رقم نسبت به جمعیت زنان درکشورما همواره ناامید کننده بوده است. مشارکت سیاسی زنان، یکی از شاخص‌های توسعه درجهان امروزبه شمارمی‌آید وقرار گرفتن آنان درردەهای مدیریتی، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود شرایط اشتغال وتحقق حقوق ازدست رفته زنانی باشد که حق وامکانی برای حضوراجتماعی نداشته‌اند.

مشارکت سیاسی، شکلی ازمشارکت اجتماعی است که در شرایط طبیعی می‌تواند زمینه‌ساز تغییر واصلاح درساختارهای فرهنگی واجتماعی باشد. تغییرواصلاحی که زمینه را برای حاکمیت قانون وحکومت واقعی مردم برمردم فراهم کند. ازمجلس انتظارمی‌رود که به عنوان محل حضورنمایندگان اقشار مختلف مردم چنین نیازی را برآورده کند. درایران اما مجلس شورا هم تغییرهویت داده است و نه تنها چنین کارکردی ندارد بلکه با وضع قوانین دست و پا گیر به بسط وتحکیم دیکتاتوری کمک می‌کند.

باوجود آنکه زنان ایرانی درزمینه‌های مختلف اجتماعی حرکت رو به جلویی داشته‌اند و تعداد زنان تحصیل‌کرده وشاغل روز به روز بیشتر شده، مجلس ایران درطول سی سال پس ازانقلاب، حد اقل کرسی های نمایندگی را به زنان داده است. حضور بانوان در مجلس هم بیش ازآنکه با هدف توسعه اجتماعی و درمسیر پیشرفت مدنی باشد، تنها منحصر به بعضی از طیف های سیاسی است، و فعالان حقوق زنان و جنبش‌های مدنی در میان این نمایندگان حضوری نداشته‌اند.

از کم شدن تا کم‌رنگ شدن

نخستین باردردوران محمدرضا پهلوی شاه سابق ایران زنان حق رأی دادن و انتخاب شدن به عنوان نماینده گان مردم را به دست آوردند. اولین وکلای زن درمجلس شورای ملی ایران، درسال 1342 درانتخابات آن دوره رای آوردند و به مجلس رفتند. پیش ازانقلاب سال ۱۳۵۷، از ۱۵۰۰زن که در مقام‌های ارشد مدیریتی کشورفعال

بودند، ۲۲ نماینده زن درمجلس شورای ملی حضورداشتند. بعد از انقلاب اسلامی، سهم کوچکی برای مشارکت زنان در نمایندگی مجلس باقی ماند؛ سهمی که در دوره‌های مختلف با اندکی فراز، حالا به فرود و کمترین حد خود رسیده است.

در دوره‌های پیشین مجلس شورای اسلامی، به ترتیب، در دوره اول، دوم و سوم مجلس 4 نفر، دوره چهارم 9 نفر، دوره پنجم 14 نفر و دوره ششم 13 نفر و دردوره هفتم نیز 12 نفر به عنوان نماینده زن وارد مجلس شده‌اند.

این درحالی است که آمار کانديداهاي زن در مجلس، دردوره‌هاي اول تا هفتم رشد قابل توجهي داشت. دردوره اول 90 داوطلب زن، برای ورود به مجلس تلاش کردند. در دور دوم، این تعداد به شکل محسوسی کمتر شد و تنها 32زن داوطلب ورود به مجلس شدند. پس از این کاهش که محصول شرایط ویژه سال‌های آغاز انقلاب بود، در بقیه دوره‌ها همواره تعداد زنان داوطلب نمایندگی بیشتر شده، به این شکل که در دوره سوم 47نفر، دوره چهارم 86نفر، دوره پنجم 351نفر، در دوره ششم 504نفر و دوره هفتم 827نفر از زنان برای نمایندگی مجلس ثبت‌نام کردند. برای آخرین مجلس ایران هم 580زن داوطلب شدند که تنها 8نفر ازآن‌ها به مجلس هشتم رفتند.

اما تا پایان مهلت ثبت‌نام داوطلبان انتخابات مجلس نهم، از5283 نفرداوطلب نمایندگی تنها 390 نفر زن ثبت‌نام کردند که به معنی 33درصد کاهش در تعداد داوطلبان است.

چراحضورزنان در مجلس کم‌رنگ‌تر می‌شود؟

کاهش تعداد داوطلبان زن برای نمایندگی مجلس، می‌تواند معناهای مختلفی داشته باشد. از یک سو، این کاهش نشان‌دهنده عدم تمایل زنان به حضور درعرصه سیاست است که ناشی از بحران‌های سیاسی اخیر درایران، تجربه انتخابات ریاست جمهوری 1388، بی عملی و ضعف نمایندگان زن فعلی است. تجربه دوره‌های گذشته نمایندگی زنان درمجلس هم دستاورد درخشانی برای تحقق خواسته‌های زنان ایرانی نداشته است. تعامل میان گروه‌های فعال حقوق زنان و حقوق بشر در بیشتر دوره‌های مجلس ایران کمرنگ بوده و تنها در مجلس ششم، بارقه‌هایی از این ارتباط را می‌شد دید.

از سوی دیگر، حالا و در شرایطی که احزاب اصلاح‌طلب، شرکت در انتخابات را تحریم کرده‌اند یا به تعبیری گزینه عدم مشارکت فعال را برگزیده‌اند، این کاهش به معنای حضور نداشتن طیف وسیعی از زنان با گرایش‌های دیگر سیاسی به خصوص اصلاح‌طلبی است. به این معنا، داوطلبان نمایندگی مجلس نهم، عموما زنان متعلق به جریان اصول‌گرایی هستند که دغدغه‌های سیاسی انگیزه اصلی آن‌ها برای حضور در این انتخابات است. زنان این دسته از گروه‌های سیاسی، این دغدغه‌ها را به صراحت در بیان انگیزه‌های خود برای ثبت‌نام مطرح کرده‌اند وعملکرد برخی از آنها که پیش‌ترهم در مجلس حضور داشته‌اند تایید کننده این موضوع است. این گروه از زنان ضمن آنکه تمایل دارند فهرست گروه‌های حامی خود را با نام‌های زنانه تزیین کنند، نقش‌شان بیشتر نمایشی و برای خالی نبودن عریضه است و برای نمایندگی به دنبال انگیزه‌های اجتماعی و دفاع از حقوق زنان به شکل خاص نخواهند بود؛ چیزی که در گفت‌و گوهای هنگام اعلام داوطلبی، از سوی خودشان بیان و تایید شده است.

مشهورترین‌ها

در حالی که چهرهای کم‌تر شناخته‌شده زنان، ازشهرهای کوچک و استان‌های دورافتاده‌تر مانند کهکیلویه و بویر احمد برای مجلس نهم ثبت‌نام کرده‌اند وهنوز خبرهای زیادی از وابستگی‌های حزبی آن‌ها به گوش نرسیده است، چهره‌های مشهورتری اززنان اصول‌گرا، وارد میدان شده‌اند. زهره سادات لاجوردی، دختر اسداله لاجوردی، زنی است که از جبهه پایداری تهران داوطلب شده است. طیبه صفايي، رئیس فراکسیون زنان مجلس هشتم هم اعلام کرده که بنا به دعوت جبهه پایداري درانتخابات شرکت خواهد کرد. پروین احمدی نژاد، عضو شورای شهر تهران و خواهر محمود احمدی نژاد، ازشهرستان گرمسار ثبت‌نام کرده و درباره احتمال حضورش در لیست جبهه پایداری گفته که در جبهه اصولگرایی دوجناح وجود ندارد وآنها همگی در جبهه انقلاب اند.

کمیته زنان جبهه متحد اصولگرایان با معرفی زهره الهیان در راه مجلس نهم قدم گذاشته است. مریم بهروزی، دبیرکل جامعه زینب هم از تهران و در جبهه متحد اصولگرایان ثبت‌نام کرده و گفته که اگر اسمش در این لیست قرار نگیرد، انصراف می‌دهد. طاهره نظری، همسر منوچهر متکي، وزیر سابق امور خارجه داوطلب دیگری از اصولگرایان است و پروین سلیحی، همسر مرتضي لبافي‌نژاد، از کشته‌شدگان جنگ ایران وعراق نیز داوطلب دیگر انتخابات پیش روست.

در میان این نام‌ها، حتی یک نام هم دیده نمی‌شود که با انگیزه فعالیت درمسائل زنان یا دیگر مسائل اجتماعی وارد عمل شده باشد. سابقه فعالیت این زنان، کارنامه‌ای ازهیچ نوع کنش اجتماعی را پیش رو نمی‌گذارد. پررنگ‌تر شدن انگیزه‌های سیاسی در کنارکاهش تعداد داوطلبان زن، بیش ازهر زمان دیگری خبر از یک بحران اجتماعی سیاسی می‌دهد. عدم مشارکت فعالان مدنی در این انتخابات هم نشانگر به رسمیت نشناختن نهادهای مردمی وهم به معنی ممنوعیت حضور آنان درمجلس شورای اسلامی است.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکر ماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

گزارش سالانه بنیاد عرصه سوم

2012-01-09 · Archive ID 710
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=710

نامه ی رئیس هیئت مدیره بنیاد عرصه سوم

خوانندگان عزیز،

هدف اولیه بنیاد عرصه سوم کمک به پایه گذاری یک جامعه مدنی سالم وسرزنده درایران است.

تمامی فعالیت‌های ما نیزدرراستای هدف فوق خلاصه می شود. یکی ازنقاط تمایزجوامع شاداب این واقعیت است که آنها فضای حرکت وامکان شنیده شدن صداها را نه تنها برای خود بلکه برای مردم جوامع دیگر نیزفراهم می‌آورند.

نام «عرصه سوم» ترجمه فارسی ترکیب «third sphere» است که به مجموعه فعالیت ها درچهارچوب جامعه مدنی اشاره دارد. این سازمان با هدف پاسخگویی به نیازهای نقش آفرینان عرصه جامعه مدنی ایجاد شد. پس از انتخابات جنجالی ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ در ایران، بسیاری از دست اندرکاران جامعه مدنی با فشارهای فزاینده‌ای روبرو شده‌اند.

از آن جمله ایجاد ممانعت و جلوگیری ازمسافرت اشخاص به خارج ازکشور، محدودیت های جدید علیه انجمن‌ها، بدرفتاری فزاینده وبازداشت، وایراد اتهاماتی بی‌اساس علیه سازمان‌ها و اشخاص. در دادگاه‌های انقلاب «مسئله امنیت ملی» به شکلی گسترده دستاویزحکومت درنقض قانون شده است. در سال ۲۰۱۲، ما گزارشی منتشرکردیم که «تهاجم به جامعه مدنی درایران» نام داشت و طی آن به شکلی مستند موارد بسیاری از بدرفتاری‌ها را برشمردیم.

نقش آفرینان جامعه مدنی صدای مردم به حاشیه رانده شده را هرچه رساتر به گوش دیگران می‌رسانند، برروی مسائلی انگشت می‌گذارند که نه آسانند و نه چندان مورد علاقه سایرین، برای محدود ساختن قدرت می‌کوشند والبته مایه دلگرمی دیگران می‌شوند.

بدین سان، برای آسان‌تر کردن کار کنشگران «عرصه سوم» موارد بدرفتاری علیه «جامعه مدنی» را گزارش می‌دهد، اطلاعات سودمند دراختیارشان قرارمی‌دهد وموضوعات مورد نیاز آنها را برایشان گردآوری و مهیا می‌کند. ابزاری که درنهایت برای ایجاد توانایی درافراد وگروه‌ها کاربرد دارد.

درهمین حال که من این نامه را می‌نویسم، وضعیت دست اندرکاران جامعه مدنی درایران به مراتب بدترازسال ۲۰۱۰ میلادی است. گزارش سال ۲۰۱۱ گزارشگر ویژه حقوق بشرسازمان ملل وضعیت کنشگران را «وخیم» توصیف می‌کند، که درزیر چند فراز آن را برای نمونه می‌آورم:

•وثیقه‌های گزاف: اغلب برای افراد بازداشت شده وثیقه‌های گزافی درنظرگرفته می‌شود. که در نتیجه آنها یا خانواده شان ناچارمی‌شوند سند خانه خود را به نهادهای قضایی جمهوری اسلامی تحویل دهند. این اسناد دربیشتر موارد حتی بعد از آزادی یا اعلام بی‌گناهی فرد بازداشتی نزد نهادهای فوق باقی می‌مانند. امری که به معنای ازدست دادن کنترل خانواده‌ها وافراد درمورد دارایی‌هایشان است.

•مجازات‌های طولانی: تأثیروثیقه‌های کمرشکن و توقیف اسناد ملکی به معنای خاموش کردن صدای کنشگران جامعه مدنی است. علاوه براین مسئله، برخی ازافراد بازداشت شده حتی پس از آزادی هم با ممنوعیت مادام العمرادامه فعالیت‌های خود مواجه شده‌اند.

•عدم وجود روند قانونی: گزارش‌ها حاکی است که دادستان های ایرانی حتی پیش از حضورمتهم درردادگاه وایراد دفاع از خود، از رأی نهایی دادگاه آگاهی دارند. موارد متعددی وجود دارد که زندانیان عقیدتی ومتهمان جنایی ازحق برخورداری از یک دادگاه عادلانه و روند دادرسی قانونی محروم بوده‌اند.

•شمارزیاد اعدام‌ها: تعداد اعدام‌ها درایران درحال فزونی بوده، مجازات اعدام اغلب برای جرایم غیرسنگین نیزانجام می‌شود. بر پایه اعلام مقام‌های رسمی ایران، درسال ۲۰۱۱ بیش از ۲۰۰ اعدام صورت گرفته است.

•سرکوب کنشگرها و منتقدان: اتهام‌های مطرح شده علیه منتقدان رژیم شامل این موارد می‌شوند:

الف) اقدام علیه امنیت ملی

ب) شرکت درتظاهرات غیرقانونی

ج) توهین به رهبری

د) اشاعه تبلیغات سوعلیه نظام

منتقدان با احکام سنگین بازداشت، بدرفتاری و محرومیت ازحقوق خود مواجه شده‌اند.

•نابردباری مذهبی: گزارشگرویژه سازمان ملل نگرانی خاص خود را نسبت به پرونده یوسف ندرخانی، کشیش پروتستان محکوم به اعدام اعلام کرده است. به آقای ندرخانی گفته شده که حکمش تنها درصورت توبه وبازگشت ازمسیحیت لغو خواهد شد:

«این یک مورد بارزازنابردباری ،تبعیض مذهبی وخشونت دولتی علیه آزادی عقیده و مسلک است، یکی از آزادی‌های اساسی که در پیمان‌های بین المللی تضمین شده است.»

•خودداری ازارائه خدمات درمانی: در بسیاری موارد، زندانیان وکنشگران ازدسترسی به خدمات درمانی محروم اند. درمورد مهدی کروبی، روحانی و یکی از رهبران مخالفان سیاسی که هم اکنون تحت حصر خانگی است، مقامات به اواجازه دیداربا پزشکانش را نداده و داروهای مورد نیاز را در اختیار وی قرار نداده‌اند.

در گزارش حاضر که نخستین گزارش سالیانه ما است، نگاهی به سال ۲۰۱۰ می‌اندازیم تا دستاوردها وهم برخی چالش‌های پیش رویمان را با شما درمیان بگذاریم. گزارش نخست دربرگیرنده کارنامه چهارماه است.

هدف ما به عنوان یک سازمان آن است که گزارش‌های سالیانه را درقالب اسنادی آموزشی ارائه دهیم. با این قصد که تلاشمان درراستای شفافیت هرچه بیشتر و درعین حال، تبیین جایگاه بنیاد عرصه سوم باشد. برای ما روشن است که راه آسانی را در پیش نگرفته‌ایم. گزارش‌های سالیانه ای ازاین دست می بایست به جهان نشان دهند که بنیاد عرصه سوم با چه کیفیتی اهداف خود را به پیش برده است. نمایاندن تلاش‌ها و پیروزی‌هایمان به کسانی که درارتباط با فعالیت‌های ما هستند، نشانگراعتماد ما به آنهاست. تا هرچه بیشتر درایفای مأموریتمان

همراه ما باشند. مأموریتی که شاه بیت آن توسعه بنیان جامعه مدنی درایران وجوامع دیگراست.عرصه سوم سازمانی آموزشی است که خواهان جست وجو، اشاعه، نشراطلاعات و دانستنی‌های مربوط به جامعه مدنی ازافراد و سازمان‌های سراسرجهان است. همکاری با شما را نیز مغتنم خواهیم شمرد.

ارادتمند،

برت تِاکن

رئیس هیئت مدیره

آمستردام، دسامبر ۲۰۱۱

برای خواندن این گزارش لینک زیررا ببینید:

http://www.arsehsevom.net/en/2011/12/arseh-sevom-annual-report-2010/

—

با نفرستادن فیلم‌های خود به جشنواره فجر به انحلال خانه سینِما اعتراض کنید

2012-01-09 · Archive ID 712
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=712

عرصه سوم – وزارت ارشاد اسلامی درپانزدهم دی ماه جاری خانه سینِما مهم‌ترین کانون صنفی دست اندرکاران فیلم درایران را منحل کرد . اقدامی نابخردانه و غیردموکراتیک درراستای تخریب و برچیدن یکی دیگر از نهادهای فرهنگی و هنری درکشور . و این همه درشرایطی است که سازمان های مردم نهاددرزمینه فرهنگ و هنر هم مانند حوزه های دیگری چون نشر، حقوق بشر، محیط زیست و غیره بیش از هرزمان دیگری با ممنوعیت فعالیت و کنترل دولتی روبرو هستند . دست اندرکاران سینمای ایران درسه دهه اخیر روزانه با دهها نوع محدودیت ،سانسور، قوانین دست و پاگیر، عدم حمایت دولتی و غیره روبرو بوده اند . امابا وجود این شرایط سخت سینمای ما در سی سال گذشته با تلاش و مقاومت هنرمندان و کارگردانان پراستعداد چه درداخل کشور و چه در عرصه بین المللی درخشیده و موفقیت‌های جهانی متعددی را هم نصیب خود کرده است .

از بدو تاسیس جمهوری اسلامی سینمای مستقل و هم دولتی با انواع تبعیضات، کارشکنی ها و افت وخیز های پی درپی روبرو بوده و بسیاری از فیلم‌های برجسته سینماگران هرگز اجازه اکران در ایران را نیافته اند . رشد سریع تکنولوژی ارتباطی،گسترش رسانه‌های اجتماعی، محبوبیت سینمای ایران در غرب و ربودن جوایز مهم سینمایی توسط فیلم سازان ایرانی دلایل کافی برای دست اندرکاران دولتی است تا با استفاده از قوانین خودساخته فضای رشد و شکوفایی را هرروز تنگ تر و تنگ تر کنند . آنان در هراس دائمی از گسترش ظرفیت‌های فکری، عملی شهروندان و ایجاد شبکه‌های خود جوش و مستقل بسر می برند . به این ترتیب مسئولان دولت اسلامی احساس می‌کنند که هر از چندی باید با تهدید و یورش به بقایای مدنیت محاصره شده تسلط همه‌جانبه را بر سینماگران مستقل بازسازی کنند، تا مبادا دراین میان دریچه ای هرچند کوچک به سوی آزادی عمل بیشتر گشوده شود . به همین دلایل مقامات دولتی شرایط جدیدی برای سیاست‌های سینمایی وضع می کنند و راهکارهایی برای نظارت و کنترل بیشتر را به اجرا می گذارند . مثلاً از یک طرف قوانین تازه ای برای برخورد با سینماگران مستقل ابداع و از سوی دیگر با تغییر ساختار مدیریتی و نظارتی سینمای کشور خواهان کنترل همه جانبه این صنعت اند . انحلال خانه سینما بخشی از استراتژی همیشگی محدودیت و تنگ شدن تر دامنه فعالیت ها است.

اعتراض سینماگران وهنرمندان به تعطیلی خانه سینما

تعطیل کردن خانه سینِما موجی از خشم و اعتراض را درداخل و خارج کشور برانگیخت . از جمله گروهی از سینماگران در ایران با انتشار بیانیه‌اي نسبت به اقدامات اخیر در حوزه سینِما که از چندی پیش با توهین و تحقیر به هنرمندان شروع و با انحلال خانه سینما ختم شد واکنش نشان دادند . عزت الله انتظامی بازیگر سرشناس با انتشار نامه‌ای سرگشاده به تعطیلی خانه سینِما اعتراض کرد . و بهمن فرمان آرا کارگردان مشهور در واکنشی اعتراضی همه سیمرغ های بلورین خود را به دفترجشنواره فجر پس فرستاد . او خواهان تحریم جشنواره فیلم فجر از طرف سینماگران شد . فرمان آرا در مصاحبه با سایت خبر آنلاین در هفدهم دی ماه گفته است :

« با شرایطی که در سینمای ایران به وجود آمده است، تصمیم گرفتم سه سیمرغ بلورینی را که از جشنواره گرفته‌ام به دفتر جشنواره بازگردانم ... همه (سیمرغ‌ها) را تحویل دفتر جشنواره دادم و رسید آن را گرفتم .» آقای فرمان‌آرا که این سیمرغ‌های بلورین را برای فیلم‌های « بوی کافور، عطر یاس » و « خانه‌ای روی آب » دریافت کرده بود، روز شنبه همچنین در نامه‌ای با بیان اینکه « بالاخره خواسته مردی که سینما را نمی‌شناسد عملی شد و خانه سینما فتح شد » ، گفت، « سیمرغ‌های بلورینی که اکنون گل آلود شده‌اند » را به دلیل « توهینی که به سینمای مملکت شده » به دفتر جشنواره پس می‌فرستد . وی در ادامه خطاب به اعضای خانه سینما گفته است : « اعضای محترم خانه سینما اگر متحد بمانید و همگی از دادن فیلم‌های تان به جشنواره فیلم خودداری نمایید، این اعمال ناشایست به سرعت خاتمه می‌یابد .» بهمن فرمان‌آرا همچنین در اعتراض به جواد شمقدری، معاونت سینمایی وزارت ارشاد، آورده است : « ایشان ممکن است چون همیشه جزو بدنه سینمای دولتی بوده است نداند که چه مشکلاتی اهالی واقعی سینما برای زندگی کردن دارند، وگرنه پشت قبای وزیری که از پیام نور به پیام تاریکی تنزل کرده است قایم نمی‌شد و این اعمال زشت را انجام نمی‌داد .»

این کارگردان سرشناس در پایان نامه خود خاطر نشان کرده است : « به آن دسته از دوستان سینمایی که در پس پرده با معاونت سینمایی فالوده می‌خورند می‌گویم که سی سکه نقره به یهودای اصلی وفا نکرد و شما هم از آن خیری نخواهید دید . درعین حال ۹ سینماگر دیگر نیز در نامه‌ای به انحلال این تشکل بزرگ سینمایی اعتراض کرده‌اند .

خبرگزاری هرانا خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشرنیزدرگزارشی متن اعلامیه ۲۴ گروه ازاصناف سینمای ایران را دراعتراض به انحلال خانه سینما منتشرکرده است . آنها دراین بیانیه تاکید کردند خانه سینمای ایران را خانه قانونی خود می‌دانند .

بخشی از این گزارش را دراینجا می خوانید :

« ما صنوف سینمایی ایران، خانه سینمای ایران را خانه قانونی خود می‌دانیم، چرا که در مراجع رسمی کشور به ثبت رسیده است، اساسنامه آن را خود به تصویب رسانده‌ایم، چرا که طبق قوانین رسمی کشور مجمع عمومی حق هرگونه تغییر در اساسنامه خود را دارد، هیئت مدیره خانه سینما را با آرای خود برگزیده‌ایم و به انتخاب خود ایمان داریم . توقع داریم وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در کنار ما با شد و نه در مقابل ما، چرا که ما هنرمندان و دست‌اندرکاران سینمای ایران هستیم ."

این نامه به امضای روسای انجمن بازیگران، کانون کارگردانان، شورای عالی تهیه‌کنندگان، کانون فیلمنامه‌نویسان، کانون تدوینگران، انجمن فیلمبرداران، انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی، انجمن مدیران تولید، انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند، انجمن مستندسازان، انجمن جلوه‌های ویژه، انجمن مدیران سالن‌های سینما، انجمن فیلم کوتاه، کانون آهنگسازان، انجمن صدای سینمای ایران، انجمن طراحان فیلم، انجمن طراحان فنی و مجریان صحنه، انجمن عکاسان، کانون دستیاران فیلمبردار، کانون مدرسان سینمایی، کانون دستیاران کارگردان و برنامه‌ریزان، انجمن منشیان صحنه، انجمن مدیران تدارکات و انجمن گویندگان رسیده است .»

گزارش های دیگر دراین باره را می‌توانید دراین لینک ها بخوانید :

ttp://radiozamaneh.com/culture/silver-screen/2012/01/06/9738

http://www.iran-emrooz.net/index.php?/news1/34415 /

https://hra-news.org/51/1389-01-27-05-28-43/10955-1390-10-18-12-09-53.html

—

افزایش آزار واذیت مسیحیان درایران

2012-01-10 · Archive ID 714
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=714

عرصه سوم - یکی موارد نقض حقوق بشر درایران تبعیض مذهبی است . به این معنی که پیروان ادیان دیگرازداشتن آزادی عقیده واجرای مناسک دینی به نحوی که مورد نظرآن‌هاست برخوردار نیستند . اقلیت‌های مذهبی درکشورما از بدو تاسیس جمهوری اسلامی با انواع محدودیت‌های قانونی و تبعیضات خشن روبرو بوده اند . این تنها پیروان بهاییت نیستند که درایران به سخت ترین مجازات ها محکوم شده و یا ازبیشترحقوق شهر وندی خودمحروم هستند، بلکه حتی مسلمانان اهل سنت هنوزحق داشتن یک مسجد را درتهران ندارند . و یا ایرانیان مسیحی مذهب وهم مسلمانانی که ازدین اسلام به مسیحیت گرویده اند با انواع تهدید ها، بازداشت و زندان مواجه اند . تعداد افرادی که در سه دهه اخیر تغییر دین داده وبرای نمونه ازاسلام به مسحیت گرویده اند درایران قابل توجه است . اگرچه آماردقیقی دراین مورد وجود ندارد . اما یکی از مسائل نگران کننده برخورد خشن دولتی با موضوع تغییر مذهب واجرای یک سیاست غیرعادلانه وغیرحقوق بشری در مورد افرادی است که ازدین اسلام برگشته اند . به گزارش سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشردرایران موج جدیدی ازتهدید، آزارواذیت علیه مسیحیان ایرانی آغاز شده و کنترل نهادهای مذهبی و مردمی مسیحیان درایران شدت گرفته است . سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران دراین مورد با مدیرشبکه خبرمسیحیان فارسی زبان مصاحبه‌ای کرده است که آن را دراینجا می خوانید .

گزارش سایت بین‌المللی کمپین حقوق بشر برای ایران :

روزنامه نگار مسیحی ایرانی ازپروژۀ حکومت ایران برای هدف قرار دادن مسیحیان پروتستان پرده برمی دارد .

" (۱۵ دیماه ۱۳۹۰) امسال با فرا رسیدن ایام کریسمس به نظر می آید مقامات ایران مجددا درحال تشدید نظارت، آزار واذیت مسیحیان پروتستان و کلیساهای خانگی ایران هستند . به گزارش شبکۀ خبری مسیحیان فارسی زبان (FCNN) ، که صرفا مسایل مسیحیان را پوشش میدهد، ظرف هفته های اخیر "تعدادی مسیحی در تهران و شش شهر دیگر به مراکز امنیتی حکومتی احضار شده، به مدتهای طولانی بازجویی شده اند، و با هشدار نسبت به این که مجددا احضار خواهند شد و بهتر است به دستورات عمل کنند آزاد شده اند ."

ظرف هفته های منتهی به ایام کریسمس سال ۲۰۱۰، مقامات ایرانی بیش از ۱۰۰ مسیحی پروتستان و نوکیشان مسیحی را درتهران و سایر شهرهای سراسر ایران دستگیر کردند . بسیاری ازاین افراد درکلیساهای خانگی فعال بودند ودرانتها مقامات اکثرآنان را آزاد کردند .

برای درک بهتر مشکلات زندانیان عقیدتی مسیحی درایران، کمپین بین المللی برای حقوق بشر درایران با مدیرو سردبیرشبکۀ خبرمسیحیان فارسی زبان (FCNN) به گفتگو نشست .

کمپین : لطفا FCNN و کار خود را معرفی کنید .

FCNN : لزوم وجود شبکۀ خبر مسیحیان فارسی زبان در حدود پنج سال پیش توسط گروهی از افراد درداخل ایران که سابقۀ کارهای فرهنگی و مطبوعاتی داشتند تشخیص داده شد . این شبکه اول به صورت یک وبلاگ آغازبه کار کرد و به تدریج توسعه پیدا کرد . تلاش شبکۀ خبراین بوده که کار را به صورت حرفه ای انجام بدهد . ما به دو نیت آغاز به این فعالیت کردیم، یکی اینکه مسیحیان داخل ایران را ازاخباری که میگذرد آگاه کنیم، و دیگری اینکه صدای مسیحیان ایران را به گوش جهان برسانیم . بنابراین درحال حاضر شبکۀ خبری مسیحیان فارسی زبان به عنوان یکی از منابع رسمی برای بسیاری ازمراجع رسمی و کلیساهایی درسراسر جهان که می خواهند بیشتردرمورد مسیحیت و وضعیت مسیحیت (درایران) بدانند قرارگرفته است . به عنوان مثال، کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) با شبکۀ ما تماس می گیرد و ازوبسایت ما به عنوان یکی ازمنابع معتبر خود استفاده می کند .

کمپین : آیا می توانید از برخی موارد مهم زندانیان عقیدتی مسیحی که در حال حاضر دربازداشت به سرمی برند نام ببرید؟

FCNN : ما فقط می توانیم در خصوص مواردی صحبت کنیم که اجازۀ کامل ازطرف خانواده ها داشته باشیم . من درحال حاضرمی توانم بطور رسمی راجع به نورالله قبیتی زاده درزندان کارون اهواز صحبت کنم که پس ازدستگیری در تاریخ ۳ دیماه ۱۳۸۹ درموج بازداشتهای سال گذشته هنوزآزاد نشده است، همچنین فرشید فتحی درزندان اوین تهران ، و یوسف ندرخانی که به جرم خروج از دین اسلام در زندان لاکان استان گیلان درحبس به سر می برند . اتهام فرشید فتحی "اقدام علیه امنیت ملی" و "ارتباط با سازمانهای متخاصم در خارج از کشور" می باشد .

اما درهر دو مورد، براساس اخباری که از داخل زندان به ما می رسد، موضوعی که مورد بحث است مسئلۀ مسیحیت این افراد است . به عنوان مثال ، مقامات می خواستند قبیتی زاده از مسیحیت دست بردارد و رسما اعلام کند که مسلمان است . اما او حاضر به انجام این کار نشده است و به آنها اعتراض کرده است که درحال حاضراو بیش ازیک سال است که از دسترسی به کتاب انجیل محروم بوده است .

این پرونده ها سیاسی عنوان می شوند اما ما می دانیم که درهردو مورد گفته اند اگر شما به اسلام بازگردید، ما شما را آزاد خواهیم کرد .

فرشید یک مسیحی بسیار فعال در تهران بود . او یکی از کسانی بود که به مسیحیت ایمان آورد و با بسیاری از تیپ های جوان و دانشجو در ارتباط بود...در واقع او یک فعال اجتماعی بود . جالب این است که دادستانی حکم آزادی او را داد، حتی از داخل زندان هم او را بیرون آوردند تا آزادش کنند، اما در آخرین لحظه دفتر دادستانی مستقر در زندان گفت که او اجازه ندارد برود و او را نگهداشتند .

هر دوی این افراد هنوز درزندان هستند اما هرگز اتهامات رسمی علیه آنان اقامه نشده و محاکمه نشده اند .

کمپین : چرا بسیاری از مسیحیان به جرائم سیاسی متهم شده اند؟

FCNN : مقابله با یک حرکت روحانی برای جمهوری اسلامی بسیار مشکل است، اما مقابله با یک حرکت سیاسی برای حکومت جمهوی اسلامی بسیار آسان است .

ما مسیحیان ایران ، خودمان را هیچوقت اپوزیسیون حکومت جمهوری اسلامی ایران نمی دانیم ، ولی حکومت میخواهد ما را سیاسی نشان بدهد چون می خواهد ما را وابسته به خارج از کشور، و وابسته و تحت حمایت بیگانگان قلمداد کند و به این ترتیب و با این بهانه ما را سرکوب کند .

مگر درکلیساهای خانگی چه گفته میشود که دولت اینقدر با آن مخالف است؟ هیچ چیز سیاسی در کلیساهای خانگی گفته نمیشود .

در واقع مسیحیان چیزی نمی گویند که حکومت بتواند به آن بهانه بگیرد، جز اینکه درجلساتشان در مورد خدا صحبت می کنند و خدا را ستایش می کنند . اگر کسی را به خاطراینکه در مورد خدا صحبت کرده است بکشند یا زندانی بکنند با تناقض بسیاربزرگی روبروخواهند شد . بنابراین مجبورهستند بگویند که اینها سیاسی هستند و تحت حمایت خارجی هستند و مسئله را سیاسی کنند تا بتوانند سرکوب کنند .

پیش ازاینکه این مسئله در داخل ایران عمومیت پیدا کند، وقتی مسلمان مسیحی شده ای را می گرفتند، او را به جرم ارتداد می بردند . برای مثال، کشیش حسین سودمند یا کشیش مهدی دیباج که هر دو مسلمانانی بودند که مسیحی شده بودند . این دو را اصولا با جرم "ارتداد از اسلام" بر اساس قوانین شریعت و قوانین مجازات اسلامی به زندان و دادگاه بردند . اما وقتی که مسئله عمومی تر شد، دیدند نمی توانند سالانه چندصد نفر را بگیرند و به جرم ارتداد زندانی کنند، چون این میتواند بحث بسیار بزرگی در جامعۀ جهانی ایجاد کند . بنا براین اینها را با اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و "تشکیل گروههای مخالف نظام جمهوری اسلامی" طبق قوانین مجازات اسلامی دستگیر می کنند . اما در طول بازجویی ها، تاکید را بیشتر روی مسئلۀ ارتداد و خارج شدن از دین اسلام می گذارند" .

برای اطلاعات بیشتر به سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشر مراجعه کنید :

http://persian.iranhumanrights.org/1390/10/christian-journalist-interview

—

راهنمای مبارزه بدون خشونت!

2012-01-12 · Archive ID 717
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=717

عرصه سوم - در دوران معاصرجنبش‌های مردمی مسالمت آمیز که بدون به کارگیریروش‌های قهرآمیز و خشونت برای دگرگونی جامعه و سیاست تلاش می‌کنند، بخش عمده، پرطرفدارومشهور جنبش‌های اجتماعی را تشکیل می دهند. برای موفقیت مبارزات صلح آمیز داشتن چهارچوب مشخص و دستورالعمل های راه گشا درمراحل مختلف برای مردم و کنشگران اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. درسری جدیدی از این مقالات که بتدریج منتشر خواهند شد، فعالان اجتماعی با روش‌های مؤثر وکارآمدتری آشنا خواهند شد. دراولین مقاله ازاین دست به ویژگی‌های مبارزات اجتماعی با رویکرد خشونت پرهیز پرداخته شده است.

بر گردان : نعیمه دوستدار

تجربه‌ای برای همه

فکرمی‌کنید چرا به خواندن راهنمای مبارزات بدون خشونت علاقه‌مند هستید؟ احتمالا به دلیل این‌که می‌خواهید دنیای اطراف‌تان تغییر کند. یا شاید به دلیل این‌که می‌خواهید اتفاق درحال وقوعی را متوقف کنید. شاید هم حس می‌کنید عدم استفاده ازخشونت می‌تواند دست‌کم ازنظرایجاد تغییرات اجتماعی، جایگزین اقداماتی باشد که به تولید دشمنی ودرنهایت اثبات ناکامی روش‌های دیگر می‌انجامند. شایدهم فقط می‌خواهید روشی متفاوت را آزمایش کنید یا برای فعالیت‌های گروه تان و بهبود کمپین‌هایی که سازماندهی می‌کنید، درپی دانش بیشتردرزمینه راهنمایی کردن و توصیه می‌گردید. دراین سلسله ازمقالات، تعریف و تأکید اصلی ما برمبارزه بدون قهروهم تمایل به پایان دادن خشونت است. دراین دیدگاه، خشونت نهادینه شده یا آنچه به نام “خشونت ساختاری” شناخته می‌شود (به معنای ایجاد محرومیت، طرد اجتماعی و ظلم) باید بدون این‌که ستم بیش‌تری صورت بگیرد، پایان یابد. البته این توصیف قطعی نیست وهمیشه تعریف‌های فلسفی‌تر و ملموس‌تر برای دوره ای مشخص(یعنی تعریف‌هایی که در یک زمان و مکان خاص معنادارترند)، وهم چنین تعریف‌های شخصی‌تری از آن وجود دارند.

روش های مبارزه بدون خشونت می‌تواند تعاریف بسیارگسترده تری هم داشته باشد. مثلا می‌تواند به معنی تمایل به تغییر درروابط حاکم برقدرت ، ساختارهای اجتماعی، احترام به تمام بشریت ویا مفهوم زندگی باشد. هم‌چنین، مبارزه بدون خشونت می‌تواند نوعی فلسفه زندگی یا تئوری عمل اجتماعی هم باشد. دراین سری ازمقالات، ما شما را تشویق می‌کنیم تا به کشف این ابعاد بپردازید. کشف تفاوت‌ها و به اشتراک گذاشتن بینش‌های گوناگون درباره مبارزه بدون خشونت، می‌تواند تجربه‌ای غنی فراهم بیاورد، که براساس آن، یک گروه برای فعالیت‌های صلح آمیز با همراهی یکدیگر آماده شوند.

کاهش تفاوت‌ها

باید توجه کنیم که مردم به دلایل مختلف روش مبارزه بدون خشونت را انتخاب می‌کنند. برخی از این روش طرفداری می‌کنند چون آن را برای ایجاد تغییرات مطلوب اجتماعی روشی موثر تلقی می‌کنند.برخی دیگرهم به دنبال تمرین مبارزه بدون خشونت به عنوان یک روش زندگی هستند. به این ترتیب می‌بینید که طیف متنوعی از گرایش‌ها دراین بین وجود دارند. درنتیجه، این تفاوت‌ها ممکن است درجریان یک کمپین خود را نشان دهند. اما داشتن راهنمایی که در آن اصول یا دستورالعمل‌های ویژه برای مبارزات اجتماعی خاص فراهم آمده باشد، می‌تواند افراد مختلف را با نگرش‌های متفاوت، درسراسراین طیف جمع کند.

با این حال، تفاوت آدم‌ها دربرداشت ازیک موضوع، می‌تواند باعث اصطکاک درکمپین‌ها شود.بنابراین باید این تفاوت‌ها و مشکلات ناشی از آنها را حل کرد. به عنوان مثال، برخی استدلال می‌کنند که روش‌های مسالمت‌آمیز باید دریک درگیری حتما به پیروزی منجر شوند؛ افراد دیگری استدلال می‌کنند که نگرش‌های کلیدی درمبارزه غیرخشونت‌آمیز باید به دنبال راه‌حلی باشند تا حتی کسانی را هم که امروز دشمن به حساب می‌آیند، دربر بگیرند. وقتی اختلاف نظرهایی مانند این پیش می آید، دیگرمساله این نیست که فعالان اجتماعی باید تنها درباره این تفاوت‌ها بحث کنند. درچنین شرایطی آنها باید درباره موضوعاتی که بر شیوه‌های کاری آنها اثر می‌گذارد به توافق برسند. این که برخی به دنبال پیروزی باشند وعده‌ای دیگر درپی راه حلی فراگیر برای موضوع بگردند، استراتژی مطالبات و روند مذاکرات فعالان را درمبارزات‌شان تحت تاثیر قرار می‌دهد.

مثلا این موضوع که آیا صدمه زدن به اموال عمومی در جریان مبارزات اجتماعی اشکال دارد یا نه، می‌تواند باعث ایجاد تفرقه در یک گروه شود. برخی از فعالان جنبش‌های غیر خشونت‌آمیز، خواهانجلوگیری از واردآمدن خسارت به دارایی‌های عمومی هستند، درحالی که برخی دیگر براین باورند که مالکیت مخرب است و تحمیل هزینه بر حریف، ارزش دارد. در بخشی از این سلسله نوشتار، درباره ارزش‌های مورد نظریک کمپین یا یک اقدام مدنی بحث خواهیم کرد چون در برخورد با موضوعی مثل آسیب به اموال عمومی، ممکن است نیاز به تهیه دستورالعمل‌های خاصی باشد واین موضوع نباید تا زمانی که عمل اجتماعی در جریان است به تعویق افتد.

مثال دیگر شیوه رفتاربا دشمن است. برای برخی افراد، اقدام صلح‌آمیزبه معنای اجتناب ازرفتارخصمانه نسبت به دشمنان است. آنها حتی براین باورهستند که خوبی درهمه انسان‌ها وجود دارد، درحالی که تعدادی دیگرازفعالان جنبش غیر خشونت آمیز، ممکن است معتقد به "شرمنده کردن" دشمن باشند. و استفاده از برچسب‌هایی مانند جنایتکاران جنگی ، شکنجه‌گر، نژادپرست و یا فاسد را نادرست ندانند.

تفاوت‌های عمیق

موضوع استفاده ازالقاب یا سوءاستفاده دراستفاده ازآنها می‌تواند دردستورالعمل‌های که برای تشکیل کمپین‌ها تهیه می‌شود پوشش داده شود. اما تفاوت‌های زیربنایی‌تر و ترکیب‌های مختلف ناشی ازنگرش‌های گوناگون، با عمق بسیار بیشتری درمبحثی با عنوان گروه‌های وابسته دراین مجموعه مورد بحث قرار خواهد گرفت. هدف گروه‌های معتقد به مبارزه بدون خشونت، داشتن "فضای امن برای بیان شک وتردیدهای موجود"، همچنین "یادگیری متقابل" است. اعضای گروه می‌توانند با عمل غیر خشونت‌آمیز، مانند با اقتدارسخن گفتن ازحقیقت، هرکدام توضیح دهند که این موضوع برایشان چه معنایی دارد و چه مسائلی را برمی‌انگیزد. به اشتراک گذاری نظرات و تعمیق درک یکدیگر هدف مشترک دریک گروه است. نگرش رایج فعالان جنبش‌های فاقد خشونت آن است که ما می‌خواهیم فعالیت‌های‌مان بیانگر آینده‌ای باشند که درحال تلاش برای ایجاد آن هستیم. این نظر، ممکن است مشابه همان چیزی باشد که مهاتما گاندی آن را " برنامه سازنده " نامید. درتفکر جنبش "صلح"،رفتارما برجهانی که ما می‌خواهیم، اثر می‌گذارد.هنگامی‌که ما ازعباراتی مانند سخن گفتن ازحقیقت با قدرت،"تایید زندگی" و احترام به عقاید متنوع سخن می‌گوییم، به ارزش‌های بنیادینی استناد می‌کنیم که منبع قدرت ما و نقطه تماس ما با کسانی است که می‌خواهیم به آن‌ها دست پیدا کنیم و نزدیک شویم.

راهنمای مبارزات مدنی بدون خشونت می‌کوشد ما را در ارزش‌های بنیادین‌مان به هم نزدیک تر کند.

منبع مورد استفاده :

Title: Handbook for non violent campaigns

Authors: Howard Clark, Javier Gárate, Joanne Sheehan, Dorie Wilsnack. 2009

—

سالنامه ی آماری ونموداری نقض حقوق بشردرایران درسال 2011

2012-01-12 · Archive ID 720
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=720

عر صه سوم- هرانا خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشردرایران، موارد گزارش شده نقض حقوق بشردرایران را ماهانه برروی سایت خود منتشرمی کند. این مرکزهم چنین آماراطلاعات ثبت شده و نمودارهای مربوط به آن راهم مرتبا بررسی کرده است. این منابع ارزش مند برای اقدامات کنشگران و مدافعان حقوق بشرایرانی وسازمان های بین‌المللی بسیاربا اهمیت اند. گستردگی فعالیت هرانا درایران نشانگرتلاش شبانه روزی مدافعان حقوق بشربرای اطلاع رسانی دقیق ومخدوش نشده است. البته ثبت همه موارد اعمال تبعیض وپایمال شدن حقوق انسانی شهروندان ایرانی درچارچوب قوانین عقب‌مانده وضد حقوق بشری دولت اسلامی، به دلیل نبودن امکانات کافی ارتباطی، سانسوردولتی، جلوگیری ازانتشارخبرها وممانعت ازفعالیت نهادهای مدنی مدافع حقوق بشردرایران درشرایط کنونی به طورهمه جانبه امکان‌پذیر نیست. به همین دلایل افزایش حساسیت، آگاهی تک تک شهروندان واحساس مسئولیت درخبررسانی دراین زمینه بسیارحائزاهمیت است. بدیهی است موارد نقض حقوق بشرتنها به دستگیری، زندانی کردن دگراندیشان درحوزه مدنی یا فعالان زنان و یا مخالفان سیاسی محدود نمی باشد. وتمام عرصه های دیگرزندگی فردی ویا جمعی شهروندان را دربرمی گیرد. افزایش بی رویه موارد اعدام قاچاقچیان مواد مخدر ویا سرکوب اقلیت‌های مذهبی، قومی و جنسیتی، دستگیری فعالان محیط زیست درآذربایجان ،شرایط اسف بارزندان ها وغیره همه ازموارد بررسی شده درگزارشات خبرگزاری فعالان حقوق بشردرایران هستند.

درپی انتشارتحقیق آماری هرانا درباره نقض حقوق بشردرسال 2011 درایران، سایت سیاسی، اجتماعی: ایران امروز، خلاصه آن را منتشر کرده که دراینجا ملاحظه می کنید:

۵۲۹ نفر اعدام، ۵۹۷ فعال سیاسی و مدنی محکوم و ۴۶۱۵ نفر بازداشت شده در سال 2011
سه شنبه ۲۰ دی ۱۳۹۰

هرانا

« نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران با انتشار گزارشی نقض حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ را مورد بررسی آماری قرار داد. طبق گزارش ارائه شده توسط این نهاد، از مجموع ۲۷۵۱ گزارش ۱۱۲۰۰۷۷ مورد نقض موارد و بندهای مقاوله نامه‌های حقوق بشری جاری مستند شده در ایران صورت گرفته است.
گزارش را بخوانید.
نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران با انتشار گزارشی نقض حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ را مورد بررسی آماری قرار داد.
طبق گزارش ارائه شده توسط این نهاد، از مجموع ۲۷۵۱ گزارش ۱۱۲۰۰۷۷ مورد نقض موارد و بندهای مقاوله نامه‌های حقوق بشری جاری مستند شده در ایران صورت گرفته است.
این گزارش که در ۱۱ رسته حقوق مورد بررسی قرار گرفته است بر اساس اعلام مسئولین جمع آوری آمار با ۳% خطا یکی از نادرترین گزارشات آماری نقض حقوق بشر است که به صورت ماهانه توسط این نهاد جمع آوری می‌شود.
مسئول نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در گفتگو با گزارشگر هرانا گفت: «طبق آمار ارائه شده در این گزارش تمرکز مدافعان حقوق بشر در سال ۲۰۱۱، ۴۲ درصد در تهران و ۵۸ درصد در سایر نقاط کشور بوده است که ضعف نهادهای مدنی در شهرهای حاشیه‌ای کشور را نشان می‌دهند.»
وی در ادامه افزود: «بر اساس این گزارش در سال ۲۰۱۱، ۴۹۸ نفر از سوی دستگاه قضایی به اعدام محکوم شده و ۵۲۹ نفر نیز در استان‌های مختلف کشور اعدام شدند.»
وی هم چنین خاطر نشان کرد: «از میان اعدام شدگان ۶۱ نفر در ملاء عام اعدام شدند که برابر با ۱۲% اعدام شدگان است، طبق این گزارش ۳۲۳ نفر از اعدام شدگان مرد، ۶ تن زن و ۲۰۰ تن با جنسیت نامعلومی بوده‌اند.»
۷۶% اعدام شدگان با اتهام جرایم مربوط به مواد مخدر در ایران اعدام شدند، ۱۱% نیز به اتهام تجاوز به عنف، ۵% نیز به اتهام قتل بوده است.
طبق گزارش یاد شده ۱۳ درصد اعدام شدگان در استان تهران، ۱۲% در آذربایجان غربی و ۱۰% آن‌ها نیز در خراسان رضوی اعدام شده‌اند.
مسئول نهاد آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ادامه به گزارشگر هرانا گفت: «بر اساس تحقیقات آماری انجام شده ۲۹% اعدام‌های سال ۲۰۱۱ از سوی نهادهای مدنی اعلام شده است و ۷۱% دیگر آن نیز توسط

دستگاه قضایی اعلام شده است.»
در طی یکسال گذشته مراجع قضایی حکومت ایران اعم از بدوی و تجدید نظر، اقدام به صدور ۱۸۵۰۸ماه حبس (تعلیقی و تعزیری) نموده‌اند که از این مقدار، حوزه اصناف ۵۸۴ ماه، حوزه اقلیت‌های ملی-قومی ۲۵۳۸ ماه، اقلییت‌های مذهبی ۳۷۷۶ ماه، اندیشه و بیان ۹۵۵۴ ماه، دانشجویان ۱۲۳۹ ماه، زنان ۷۷ ماه، کودکان ۵۴ ماه، فرهنگی ۲۲۲ ماه، کارگران ۴۶۴ ماه را به خود اختصاص داده‌اند.
در بررسی جزئی آمار دستگاه قضایی ۵۹۷ تن از شهروندان را بیش از ۳۰۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی، بیش از ۱۴۲۶ سال محکومیت حبس تعزیری و ۱۱۶ سال حبس تعلیقی محکوم نموده است.
هم چنین این فعالین به یک میلیارد و شش و شش میلیون تومان جریمه نقدی و ۳۲۷۶ ضربه شلاق محکوم شدند.
بر اساس این گزارش در طی سال ۲۰۱۱ نیروهای امنیتی ۴۶۱۵ شهروند را بازداشت نموده‌اند که از این تعداد ۱۷۷۰ مورد آن به صورت موردی و ۲۸۴۵ مورد آن به صورت بازداشت فله‌ای یا بدون مشخص شدن هویت بازداشت شده بوده است.
در این رابطه، اصناف ۱۱۲ مورد بازداشت، اقلیت‌های قومی ۶۰۶ مورد، اقلیت مذهبی ۳۷۶ مورد، اندیشه و بیان ۳۱۸۱ مورد، دانشجویان ۱۶۹ مورد، زنان ۱۰ مورد، فرهنگی ۱۳۴ مورد، کارگران ۲۲ مورد، کودکان ۳ مورد را شامل می‌شوند.»

برای دریافت نسخه PDF این گزارش اینجا کلیک کنید.

https://www.hra-news.org/263/333/10998-1.htm l

—

سینمای ایران دربحران

2012-01-16 · Archive ID 723
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=723

خانه به دوشی سینما

عرصه سوم- رضا حاج جسینی: فایده انحلال خانه سینما چیست وچراحکومت ایران با نهادهای صنفی رابطه‌ای آشتی‌ناپذیر دارد؟ وجود انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی یکی از ویژگی‌های جامعه مدنی است و دولت‌ها درنظام‌های دموکراتیک، برای تقویت این نهادها تلاش می‌کنند یا دست‌کم درراه فعالیت آن‌ها سنگ‌اندازی نمی‌کنند. درایران اما دولت این نهادها را مجموعه‌هایی مزاحم می‌داند؛ به‌خصوص اگر با سیاست‌هایش همراه نباشند. دولت فعالیت اصناف را زیر چترحمایتی خودش می‌خواهد و این درحالی است که مشخص نیست وقتی کارفرما دولت باشد، تکلیف معترضان هر صنف چه خواهد بود؟!

آخرین رویارویی دولت ایران با تشکل‌های صنفی، برمی‌گردد به ماجرای خانه سینما. خانه‌ای که دربحران انحلال است و کارش به دیوان عدالت اداری کشیده. دراین جدال، دیگر مجموعه‌های صنفی فرهنگی-هنری هم به یاری خانه سینما آمدند وبا انتشار بیانیه‌هایی ازاین نهاد حمایت کردند. خانه موسیقی ، خانه تئاتر و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان از جمله این حمایت‌کننده‌ها بودند؛ اما کاری از پیش نبردند. گرچه انتشارهمین بیانیه‌ها نشان داد که یک صنف چه اهمیت و جایگاهی می‌تواند داشته باشد. تقویت تشکل‌های صنفی درمیان افکار عمومی، زمینه اثرگذاری عمیق در جامعه را فراهم می‌کند و باعث جریان‌سازی‌های اجتماعی می‌شود و به نظرمی‌رسد به همین دلیل است که حکومت ایران با نهادهای صنفی رابطه‌ای آشتی‌ناپذیر دارد.

یک دعوای قدیمی

دعوا واختلاف میان خانه سینما و وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، سابقه‌ای دیرینه دارد و به اوایل روی کار آمدن دولت نهم برمی‌گردد. زمانی که محمدحسین صفارهرندی، وزیر وقت فرهنگ وارشاد اسلامی و محمدرضا جعفری‌جلوه، معاون سینمایی و امورسمعی و بصری این وزارت‌خانه، سیاست‌های جریان فکری دولت نهم را

اجرایی کردند و سعی کردند امورفرهنگی را مطابق سلیقه و نظر خود هدایت کنند. اتفاقی که با مخالفت‌های هردو جناح فکری غالب درایران مواجه شد. جالب این که یکی ازاولین واکنش‌ها را جواد شمقدری، مشاورهنری وقت رییس‌جمهور نشان داد و بعد، خانه سینما و سینماگران مستقلی که خود را عضو این خانه و تشکل صنفی می‌دانستند. این اختلاف‌ها اما با چند مصاحبه تند و آتشین بالا گرفت و به همان تندی، فرو نشست.گرچه دراین زمان توقیف فیلم‌های سینمایی به یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های وزارت ارشاد تبدیل شده بود.

در اسفندماه سال۱۳۸۷، زمانی که کمترازچهارماه به انتخابات دهم ریاست جمهوری مانده بود، پس ازاعتراض‌های سینماگران نسبت به توقیف فیلم‌های سینمایی دروزارت فرهنگ دولت نهم، جواد شمقدری، زمینه تشکیل جلسه‌ای را با محمود احمدی‌نژاد فراهم کرد که این جلسه چندان مورد استقبال سینماگران قرار نگرفت.

پس از آن، محمدمهدی عسگرپور، مدیرعامل خانه سینما، درمناظره‌ای با جواد شمقدری دربرنامه دو قدم مانده به صبح که ازشبکه چهارم تلویزیون دولتی ایران پخش شد، استقبال نکردن سینماگران ازاین جلسه را به دلیل پرهیز آنان از ورود به عرصه سیاسی وانتخاباتی کشور دانست. این مناظره، نقطه آغاز دورتازه اختلافات میان دولت و خانه سینما شد که پس ازروی کار آمدن دولت دهم و دادن مسئولیت معاونت سینمایی به جواد شمقدری، تا امروزادامه پیدا کرده و اعلام انحلال خانه سینما دریک فرمان چند خطی، درروز ۱۳دی ماه سال۱۳۹۰ از دل آن بیرون آمده است.

انحلال خانه سینما، افتخار جمهوری اسلامی !

چالش انحلال خانه سینما که آغاز شد، واکنش‌های سینماگران هم شروع شد. یکی ازاولین واکنش‌ها را یدالله صمدی نشان داد. کارگردان باسابقه‌ای که ازقضا خودش روزگاری مدیرعامل خانه سینما بود و درزمان مدیریت او، جشن صدسالگی سینمای ایران، به خاطره‌ای فراموش نشدنی برای سینماگران و سینمادوستان تبدیل شد. او درنامه ای خطاب به رئس جمهور، با مردمی خواندن وی، روایتی از دولت هاشمی رفسنجانی آورده است و درپایان هم گفته است:

“آقای رییس‌جمهور مردمی! ... از شما انتظار دارم مورد اختلاف خانه سینما و ارشاد را وتو کنید. من این مردانگی را درشما سراغ دارم و به همین دلیل از جنابعالی تقاضا دارم امسال که شانس دریافت جایزه اسکار برای یک فیلم نجیب، ساده و سالم را داریم، این سفیرخلف فرهنگی را حذف نکنید. خانه سینما یک اتحادیه یا سندیکای هنرمندان پنج هزارنفره است که برای ایران و انقلاب افتخارها کسب کرده است. آقای رئیس جمهور! انحلال خانه سینما افتخار جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود.”

به نظر می‌رسد مردمی خواندن احمدی‌نژاد هم نتوانسته تاثیری درحل این بحران بگذارد و این نامه، تا به‌حال ازسوی رئیس دولت بی‌پاسخ مانده است. گرچه مشخص نیست چرا وقتی همگان از اختلافات اساسی و دعوای پیدا و پنهان احمدی‌نژاد با هاشمی رفسنجانی آگاهند، صمدی برای ترغیب رییس‌جمهور به اقدام عاجل، به روایتی از هاشمی رفسنجانی اشاره می‌کند؟!

در ادامه این واکنش‌ها، ۹نفر از کارگردانان سینما هم بیانیه‌ای صادر کردند. کمال تبریزی یکی ازامضاکنندگان این بیانیه بود که خود نامه ای جداگانه به طنزوطعنه برای وزیرارشاد نوشت. بهمن فرمان‌آرا، تهیه‌کننده و کارگردان سینما هم سیمرغ‌های بلورینی را که ازجشنواره فیلم فجر گرفته بود، به دفتراین جشنواره پس داد و رسید آن را هم گرفت. عده دیگری از سینماگران هم واکنش نشان دادند که عزت‌اله انتظامی ، بازیگر پیش‌کسوت سینمای ایران، معروف‌ترین‌شان بود.

احمدرضا درویش، مدیرعامل سابق خانه سینما نیز دربرنامه تلویزیونی هفت که از شبکه سوم تلویزیون دولتی ایران پخش می‌شود، سخنان وزیر فرهنگ درباره خانه سینما را فاقد وجاهت قانونی دانست و گفت : “به دلیلمسئولیت‌هایی که پیش‌تر در خانه سینما داشتم، این را می‌گویم که ادعاهایی که آقای سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری درباره خانه سینما اعلام کرد، به کلی فاقد وجاهت قانونی است. من تعجب می‌کنم که چگونه یک مقام مسوول به خودش اجازه می‌دهد در یک برنامه زنده، استدلال‌هایی را مطرح کند که واقعیت ندارد.”

در راستای این واکنش‌ها، یکی از کارگردانان سینمای ایران که خواست نامش مطرح نشود، درمصاحبه ای در مورد جریان‌های پیش آمده در مورد خانه سینما به عرصه سوم گفت:

"خانه سینما اولین خانه‌ای نیست که حکومت ایران ویرانش می‌کند. این‌طور که اوضاع پیش می‌رود، به نظر نمی‌رسد آخرین خانه هم باشد. جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها نشان داده است از اساس با هر نوع تشکیلاتی که بتواند گروهی را دور هم جمع کند مشکل دارد، چه برسد به این که این تشکیلات، صدای مخالف یا حتی متفاوت هم بدهد. ایده‌آل این است که درهرحوزه‌ای تنها یک صدا وجود داشته باشد و آن هم صدای حکومت باشد. به همین دلیل شورای عالی سینما را به ریاست رییس‌جمهور تشکیل داده‌اند."

این فیلم‌سازدر ادامه گفت:"دولت تمامیت‌خواه فعلی هیچ عرصه‌ای را خالی از خود نمی‌خواهد و برای این کار، ازهردستاویزی استفاده می‌کند."

قصه از کجا شروع شد؟

به نظر می‌رسد جریان انحلال خانه سینما از زمان اعتراضات مردمی پس از انتخابات جنجال‌برانگیز ریاست‌جمهوری کلید خورده باشد. وقتی که تب تند مصاحبه‌ها و نامه‌نگاری‌ها دوباره بالا گرفت و این بار فرو ننشست. در روزهای پر آشوب خردادماه و تیرماه سال۱۳۸۸، سیدعلی‌رضا سجادپور که هنوز مدیرکل نظارت و ارزشیابی سینمای حرفه‌ای وزارت ارشاد نشده بود، به عنوان یکی از نزدیکان دولت دهم، در سخنانی ، موضع‌گیری نکردن خانه سینما در مقابل اعتراضات را ناگوار دانست. او با انتقاد از خانه سینما گفت: "خانه سینما باید رسما اعلام کند که هیچ‌کدام از هنرمندانش ربطی به این آشوب‌ها ندارند و اگر کسی با رسانه‌های خارجی صحبت کرده، او را از این صنف اخراج کند. من علت سکوت عجیب و مرگ‌آور خانه سینما را نمی‌فهمم."

سجادپور درادامه صحبت‌هایش با انتقاد از برخی هنرمندان گفته بود: "تأسف جدی‌ام را از بعضی همکاران هنری-فرهنگی خود ابزار می‌کنم. من شنیده‌ام (که امیدوارم اشتباه شنیده باشم) برخی ازاین‌ها که اسم هنرمند و سینماگر را یدک می‌کشند، با رسانه‌های خارجی مصاحبه کرده‌اند و ازاین آشوب اعلام حمایت کرده‌اند. من واقعا ابراز تأسف می‌کنم و می‌خواهم بگویم که دیگر این هنرمند، سینماگر، اسمش هنرمند مردمی نیست. این سینماگر حتما بیگانه‌پرست است.»

پس ازاین اظهارات، محمدمهدی عسگرپور در مقام مدیرعامل خانه سینما، درنامه ای نسبت به سخنان سجادپور واکنش نشان داد: "آقای سجادپور! «سکوت مرگبار خانه سینما» به همان میزان عدم سکوتش می‌تواند برای امثال شما نفع داشته باشد، چرا که اظهارنظرش می‌تواند در دوره تفتیش عقایدی که بنای راه‌اندازی آن را دارید، باعث ویرانی‌اش شود و سکوتش هم می‌تواند انگیزه شما و همکاران‌تان را در راه‌اندازی پادگان سینما به‌جای خانه سینما بیش‌تر کند. چون فتح فیزیکی خانه سینما چندان دشوار نیست.»

پیش‌بینی عسگرپور در مورد فتح خانه سینما، تنها پس از دو سال تبدیل به واقعیت شد.

خانه دشمن

خبرگزاری میراث فرهنگی در گزارشی درباره ریشه اختلافات خانه سینما و وزارت ارشاد آورده است: "اتفاقی که در ۱۳دی ماه سال۱۳۹۰ رخ داد، از پس جریاناتی است که به صورت سریالی بین خانه سینما به عنوان یک تشکل مردم‌نهاد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یک نهاد دولتی رخ داده است. نقطه عطف اختلافات خانه سینما با وزارت ارشاد به تابستان سال۹۰ می‌رسد. جایی که به دلیل بازداشت پنج تن از مستندسازان، خانه سینما در نامه‌ای به رییس قوه قضاییه، خواستاراقدام عاجل دررسیدگی به پرونده این مستندسازان شد. نامه‌ای که وزارت ارشاد ومعاونت سینمایی را وادار به واکنش کرد و خانه سینما را خانه دشمن نامید و حمایت از مستند سازانی که جرم سیاسی مرتکب شده‌اند را حمایت ازرسانه‌های بیگانه و دشمن اصلی ملت ایران عنوان کرد."

به این ترتیب، خانه سینما به دلیل حمایت از حداقل حقوق صنفی اعضای خود، محکوم به انحلال شد، چون درایران، با دفاع از حقوق صنفی که دست‌آورد جامعه مدنی است، به صورت‌های مختلف مبارزه می‌شود.حکومت، حقوق اصناف را به شکل‌های متفاوتی زیر پا می‌گذارد و اگر صنفی بخواهد در مقابل، ازحق

مادی و معنوی اعضایش حمایت کند، محکوم به نابودی است. این را تجربه خانه سینما و البته تجربه دیگر اصناف، از جمله انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران به روشنی نشان می‌دهد.

در مورد خانه سینما، بحث تغییرات اساس‌نامه این خانه دست‌آویز حمله به آن شد و وزارت ارشاد با تمام توان آن را پیگیری کرد. این وزارت‌خانه در شکایتی به قوه قضاییه خواستار تمکین خانه سینما به اساس‌نامه ثبت شده درسال ۱۳۸۳ شد و اساس‌نامه سال ۱۳۸۷ را فاقد وجاهت قانونی دانست.

حق صاحب‌خانه

دعوای حقوقی میان وزارت ارشاد و خانه سینما برسرتغییراتی است که بدون تایید مراجع ذکرشده دراساس‌نامه این سازمان مردم‌نهاد، به‌وجود آمده است. البته مسوولان دولتی با تکیه براین تخلف، برچسب‌هایی را هم به این مجموعه می‌زنند تا با توجه به برخی بهانه‌های ایدئولوژیک، باعث تخریب آن شوند. برچسب‌هایی مثل این که: "اعتقاد والتزام به نظام مقدس جمهوری اسلامی" از شرایط اعضای هیات مدیره حذف شده است! اما مشکل حقوقی کجاست وآیا بر اساس آن می‌توان خانه سینما را منحل کرد؟

مصطفی مسجدی آرانی، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار، در یادداشتی با عنوان "حق را به صاحبان این خانه دهید"، به بررسی حقوقی انحلال خانه سینما پرداخته است.

او می‌نویسد: "میان تمام فریادهای موافق و مخالف انحلال خانه سینما، مساله اصلی که همان دلیل حقوقی باشد، گم شده است. گم شدن مساله البته ذهن را به این سو می‌برد که استناد به قانون بهانه است وعلم حقوق، حقوق‌دانان و معاونت‌های عریض و طویل، بازیچه اند. صورت مساله ساده است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شورای فرهنگ عمومی که هردو دست‌کم رئیس مشترک دارند، ادعا دارند که اساس‌نامه خانه سینما به شکل قانونی تغییر پیدا نکرده است. این ادعا صحیح است. در ماده۱۹ اساس‌نامه نخست خانه سینما که در سال۱۳۶۶در شورای فرهنگ عمومی تصویب شده، آمده است: «هرگونه تغییردرمواد اساس‌نامه به پیشنهاد مجمع عمومی و تصویب شورای فرهنگ عمومی خواهد بود.» اما اساس‌نامه خانه سینما بعد از آن تاریخ پنج بار تغییر کرده و به تصویب شورای فرهنگ عمومی نرسیده است. علت این مساله هر چیزی می‌تواند باشد: از کوتاهی مسئولان حقوقی خانه سینما تا هم‌سو بودن دولت‌های وقت و نبودن «بهانه». اما روزگار روی دیگری هم دارد

مسجدی آرانیهم معتقد است که بعد از ماجرای مستندسازان و حمایت خانه سینما از آنان، فشارها بر این تشکل شدت گرفت. او درپایان این یادداشت حقوقی می‌نویسد: "نگارنده تلاش کرد دراین مطلب به اهداف سیاسی و راستی‌آزمایی سخنان و نیات دو طیف موافق و مخالف خانه سینما توجه و اشاره نکند و صرفا از دیدگاه حقوقی به این موضوع نگاه کند. باشد که مسئولین دولتی که شش سال است می‌خواهد برای مردم ایران مسکن مهربسازد؛ مسکن مهر سینماگران را تخریب نکند."

مهدی جامی، روزنامه‌نگار هم درباره این یادداشت درفیس‌بوک خود نوشته است: "اگر خانه سینما به دلیل مشکل اساس‌نامه، غیرقانونی است، این فقط مشکل خانه سینما نخواهد بود. مشکل دولت هم هست. به این معنا که: دولت نهادی را که غیرقانونی می‌دانسته، طرف حساب و کتاب قرارداده و به آن بودجه داده است. پس دولت بیش‌ترازمدیریت خانه سینما مسئول است و باید پاسخ‌گو باشد. به زبان ساده: با منطق وزیر ارشاد، خود اوست که باید به دلیل کمک‌های مالی «غیرقانونی» به خانه سینما محاکمه شود!"

خانه غیرقانونی، انحلال غیرقانونی

پس از اعلام انحلال خانه سینما، مدیرعامل این نهاد صنفی هم فرمان انحلال را غیرقانونی دانست و اعلام کرد که خانه سینما به قانون تمکین می‌کند. او در نشستی مطبوعاتی که در خانه سینما تشکیل شده بود، درباره حکم انحلال خانه سینما گفت: "من امروز به عنوان مدیرعامل خانه سینما اگر حکم انحلال یک صنف را مطرح کنم، قطعا خنده‌دار است زیرا آنها هیات مدیره دارند و خودشان می‌توانند درباره وضعیت موجود تصمیم بگیرند.قطعا درارتباط با تمام این اتفاقات یک اساس‌نامه قانونی وجود دارد. این نامه وجاهت قانونی ندارد و براساس رای

وحدت رویه دیوان عدالت اداری ۵۵۶، سال۱۳۸۸ باطل کردن و انحلال با حکم قوه مجریه امکان‌پذیر نیست. ما همچنان منتظر دادگاه هستیم.“

وکیل خانه سینما هم دریکی از آخرین واکنش‌ها به اعلام انحلال این تشکل گفته است که خانه سینما منحل نشده.گرچه وزیرارشاد گفته که از نظر دولت، کارخانه سینما تمام است. جمال خندان کوچکی، وکیل خانه سینما، درگفت‌وگو با خبرگزاری کار ایران، ایلنا، گفته که هیات مدیره خانه سینما “به احترام نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی“، فعالیت‌های این نهاد را متوقف کرده است اما خانه سینما تعطیل یا منحل نشده است.وکیل خانه سینما همچنین ازخواست این نهاد برای صدوردستور موقت جلوگیری ازانحلال خانه سینما خبر داده و گفته که دیوان عدالت اداری، جلسه‌ای برای بررسی این درخواست تشکیل داده است.

محمد حسینی، وزیرارشاد ایران اما درواکنش به انتقادها درباره انحلال خانه سینما گفته است که این موضوع از “از نظر دولت تمام شده” و از مخالفان خواسته به جای مخالفت، به قانون پای‌بند باشند.

آقای حسینی مخالفت‌ها با منحل کردن خانه سینما توسط وزارت ارشاد را سیاسی خوانده و گفته است: “برخی در این خصوص دچار توهم هستند و استدلال‌های آنان غیرمنطقی و بیشتر به تمسخر و جوسازی شبیه است.”

وزیر ارشاد ضمن تاکید مجدد بر قانونی بودن انحلال خانه سینما گفت که “نیروهای ارزشی و متعهد عرصه سینما” و کمیسیون فرهنگی مجلس این اقدام را تایید کرده‌اند. اواما مشخص نکرده است که این نیروهای ارزشی و متعهد سینما چه کسانی هستند، چون تنها جمال شورجه، ابوالفضل پورعرب، جهانگیر الماسی و حسین فرح‌بخش از این اقدام دولت حمایت کرده‌اند. که این آخری، تهیه‌کننده فیلم‌هایی همچون «شارلاتان» و «آقای هفت‌رنگ» است. ضمن این‌که مشخص نیست چرا تایید نیروهای ارزشی این‌قدرمهم است که جای قانون را می‌گیرد. آیا تایید این نیروهای ارزشی سودی هم برای سینمای ایران دارد؟

در این شرایط و وضعیت، آینده خانه سینما چه می‌شود و آیا سینماگران خواهند توانست خانه خود را حفظ کنند؟

تحریم، راه نجات؟ !

در شرایط فعلی، برخی سینماگران که به تصمیم وزارت ارشاد اعتراض دارند، بحث تحریم جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را مطرح می‌کنند تا شاید از این رهگذر گشایشی در کارایجاد شود. گرچه مدیرعامل خانه سینما می‌گوید که این بحث مطرح نیست، اما درصورت تحریم جشنواره، آیا وضعیت موجود تغییر می‌کند؟

از آنجا که تا به‌حال حاکمیت در مقابل چنین بحث‌هایی عقب‌نشینی نکرده است، به نظر نمی‌رسد تحریم جشنواره به نتیجه مورد نظر برسد. یک کارگردان سینما دراین‌باره به عرصه سوم گفت: “این بازی برای وزارت ارشاد یک بازی برد-برد است. اگر سینماگران جشنواره را تحریم کنند، آنها خواهند گفت خانه سینماگرانی که جشن انقلاب را تحریم می‌کنند، باید تعطیل می‌شد. اگر هم درجشنواره شرکت کنند تاثیری در وضعیت‌شان نخواهد داشت. اما من فکر می‌کنم تأثیراجتماعی تحریم جشنواره باعث تحمیل هزینه‌هایی به ارشاد خواهد شد که در بلند مدت ممکن است به سود هنرمندان باشد.”

به نظرمی‌رسد تحریم جشنواره فیلم فجرممکن است بتواند به عنوان یک مقاومت مدنی منفی، دست‌آوردهایی برای سینماگران ایرانی داشته باشد، به شرطی که همه آنان دراین تصمیم با هم متحد وهم سو باشند.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکر ماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

آسیه امینی برنده جایزه انجمن جهانی قلم وبنیاد اکسفام نوویب شد

2012-01-17 · Archive ID 725
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=725

باردیگریک کنشگر حوزه زنان برنده یک جایزه بین‌المللی شد.

عرصه سوم- آسیه امینی شاعر، روزنامه‌نگاروفعال جنبش زنان برنده جایزه مشترک انجمن جهانی قلم و بنیاد بین‌المللی آکسفام نوویب شد. جایزه ای که سالانه به نویسندگانی تعلق می‌گیرد که در سراسرجهان با سانسور، تعقیب، شکنجه و زندان مواجه اند. آسیه امینی یکی از بنیان گذاران کمپین ضد سنگساردرایران است. اوهمپای فعالان دیگرجنبش زنان برای افشاگری و برچیدن این نوع مجازات غیرانسانی مبارزه کرده ، در سال 2007 دستگیر و زندانی و سرانجام مجبور به ترک ایران و اقامت درنروژ شده است.

درسالهای اخیرزنان کنشگرایرانی که درزمینه برابری جنسیتی وحقوق بشر درایران فعال اند، جوایزبین‌المللی بسیاری را به خود اختصاص داده اند. نامهایی چون شیرین عبادی، نسرین ستوده، پروین اردلان،خدیجه مقدم، شادی صدرزوده‌ها نام دیگربرای سازمان ها، شبکه‌های مدنی وحقوق بشردر سطح دنیا نامهایی آشنا وارزشمنداند. زنانی که با نوشتن مقالات افشاگرانه، برگزاری گردهمایی ها، دفاع ازقربانیان نقض حقوق بشردردادگاه ها و براه انداختن دهها کمپین برای مبارزه با قوانین نابرابرنه تنها ازهیچ گونه پشتیباتی قانونی و رسمی دولتی برخوردار نبوده اند، بلکه اغلب با اتهامات واهی و بی‌اساس دستگیر و زندانی شده و یا سرانجام مجبور به ترک کشوروزندگی درتبعید شده اند.

مبارزات مدنی زنان ایرانی برای داشتن ابتدایی ترین حقوق انسانی مانند انتخاب پوشش، حق طلاق، حضانت کودکان، یا برخورداری از فرصت های شغلی و تحصیلی برابر، ویا علیه تبعیضات درقوانین، جداسازی جنسی درفضای های عمومی و موارد متعدد دیگرهم چنان درطول سه دهه حیات جمهوری اسلامی ادامه یافته است. مبارزاتی که بخش مهمی از جنبش فراگیرمردم ایران برای آزادی و دموکراسی راتشکیل می‌دهد و زمینه‌ساز پیدایش جنبش های خشونت ستیز، تساهل مدار و حقوق بشری درایران شده است.

فعالیت‌های منسجم زنان ایرانی در دو ده اخیر برای کسب حقوق برابرهم چنین زمینه‌ساز تولد شبکه‌های مدنی فمینیستی، تلاش‌های همه جانبه و چشمگیر این نهادها برای طرح مسأله حقوق بشر در سطح ملی و بین‌المللی هم شده است. کوشش شبانه روزی فمینیست های ایرانی برای نوشتن، ترجمه و انتشار، برای طرح گفتمان برابری خواهانه و دموکراتیک، تابوشکنی، افشاگری، دامن زدن به بحث‌های اجتماعی درزمینه خشونت خانگی، گسترش فقر وفحشا درمیان زنان،حمایت از قربانیان قوانین ضد زن، وغیره همه نشانگر حضور جنبشی آگاه و هدف مند درایران است. جنبشی که تنها منحصر به فعالین حوزه زنان، وکلای زن و یا زنان هنرمند نیست. بلکه درمیان نسل جدید دخترانی که با روی آوردن به آموزش به فردیت و توانمندی خود عینیت بخشیده‌اند، راه یافته وبه پیش می رود.

جنبشی که با امکانات بسیارمحدود برای حضوردرفضای عمومی، یا به راه انداختن کارزارهای صلح آمیز و یا گفتگویی آزادانه با مخاطبان از طریق رسانه‌های رسمی، وهم درچالش دائمی با کارشکنی قدرت مندان دولتی، با مجازات های سنگین و حبس های طولانی روبرو است، اما هم چنان پویاست و به پیش می رود. جنبشی که اعضای آن برای تلاش های حقوق بشری ، برای ساختن جامعه ای بدون تبعیض در کشورخود با داغ ودرفش روبرو، دستگیرو محکوم می شوند. اما ازسوی جامعه بین‌المللی، سازمانهای مدنی وافکارعمومی دنیا با استقبال روبرو می شوند. برای همان فعالیت‌ها از آنان تقدیرمی‌شود و جوایز، مدال ها و نشان های معتبر را ازآن خود می کنند. این زنان درنشست های بین‌المللی از فضای آزاد گفتگو و بحث برای انتقال تجربه‌های خود به زنان کشورهای دیگربرخوردارند، برای جلب افکارعمومی نسبت به تبعیضاتی که شهروندان ایرانی با آن دست به گریبانند، برای فعالیت درزمینه آزادی برای زندانیان عقیدتی و سیاسی و دریک جمله برای ارتقاء حقوق بشر درایران. تمام این اقدامات صلح آمیز، مردمی و درراستای توسعه فرهنگی و پیشرفت مدنیت درایران است.

درایران کنشگران مدنی و یا فعالان حوزه زنان به خاطر فعالیت درکمپین یک میلیون امضا علیه قوانین نابرابر، دفاع از حقوق زندانیان، سنگسارشده گان و همه فعالیت‌های صلح آمیز دیگر به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» تهدید، دستگیر و زندانی می شوند. برای اهدافی که مبنای آن نه اقدام علیه منافع وامنیت کشور بلکه براساس مصوبات و بیانیه های حقوق بشری جامعه بین‌المللی است که بخشا توسط سیاست مداران حکومت اسلامی هم امضا شده اند.

آیا درعصر انقلاب و ارتباطات دیجیتالی می‌توان خود را از جامعه جهانی و دستاورد های آن جدا دانست؟ می‌توان ازانتشارحقایق جلوگیری کرد و یا مانع ارتباط میان جوامع و ملت ها شد، ویا دیواری به بلندای دیوارچین به دورخود کشید. تلاش برای ساختن یک جامعه مدنی درایران، هم به معنای ساختن بستری برای جنبش دموکراسی خواهی است. وهم به معنای تجربه جهانی در زمینه تلاش برای توسعه و پیشرفت اجتماعی . نهادهای مدنی جهانی به همین دلایل از تلاش‌های کنشگران ایرانی دراین راه حمایت و تقدیر می کند. آسیه امینی، شیرین عبادی ، نسرین ستوده وهمیاران آنان به همین دلایل برگزیده و ستایش می شوند.

بنیاد آکسفام نووبب یک سازمان غیردولتی و بین‌المللی درهلند است که هدف آن کمک به اقشار آسیب‌پذیردرکشورهای توسعه نیافته به منظوررسیدن به استقلال مالی و تامین معاش است. انجمن جهانی قلم به عنوان مدافع حقوق نویسندگان تحت فشاربا این بنیاد همکاری می‌کند.

جایزه امسال روز پنج‌شنبه ۱۹ ژانویه، ۲۹ دی ماه در شهر لاهه توسط سفیرحقوق بشر هلند و با حضور فرح کریمی نماینده سابق پارلمان هلند ومدیر بنیاد آکسفام نووبب به آسیه امینی اهدا می‌شود.

برای اطلاع بیشتراز سایت های بنیاد آکسفام نووبب و تغییر برای برابری، بازدید کنید:

http://www.oxfamnovib.nl/

http://www.we-change.org/

—

روزنامه نگاران زندانی را آزاد کنید

2012-01-19 · Archive ID 731
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=731

عرصه سوم- در روزهای آخردی ماه جاری روند رو به افزایش نقض حقوق بشردرایران با دستگیری دو روزنامه‌نگار زن به نام های پرستو دوکوهکی و مرضیه رسولی ادامه یافت. بازداشت محمد سلیمانی نیا مدیر شبکه اجتماعی متخصصان ایران که طراح و میزبان بسیاری از سایت‌های انجمن‌های جامعه مدنی بوده، و هم چنین دستگیری ده تن از شهروندان اهل سنت در اهواز، تأیید حکم اعدام سعید ملک پور کانادایی ایرانی تبار تنها بخشی از اخبارمنتشر شده موارد ضدیت با حقوق بشر دردی ماه امسال است.

سازمان گزارشگران بدون مرز، انجمن بین‌المللی خبری مدافع آزادی بیان و مطبوعات است و سایت خبری آن به شش زبان از جمله زبان فارسی گزارشات خود را منتشرمی کند. این سازمان با انتشارمرتب اخبار مربوط به موارد نقض حقوق روزنامه نگاران درایران و جهان ،حمایت از آزادی رسانه ای و پشتیبانی ازروزنامه نگاران درخطر برای جلب حمایت بین المللی از امنیت شغلی و فکری ژورنالیست ها می کوشد. رده بندی آزادی مطبوعات جهان که هر ساله از سوی گزارشگران بدون مرز منتشرمی شود، امروزه یکی ازشاخص‌های به رسمیت شناخته شده از سوی نهادهای بین‌المللی برای ارزیابی چگونگی توسعه اجتماعی دردنیا است. تحقیقات این سازمان نشان می‌دهد که درایران بیش ازهر کشوردیگری درجهان روزنامه نگاران بازداشت و زندانی می شوند.

بنیاد گزارشگران بدون مرز، در نامه‌ای که در تاریخ 21 دی ماه جاری خطاب به کمیسرعالی حقوق بشر سازمان ملل نوشته شده است. وضعیت سرکوب روزنامه نگاران، وب نگاران و سانسور رسانه ای در ایران را فاجعه بار خوانده و ازکمیسر ناوی پیلای خواسته است که از حقوق زندانیان عقیدتی درایران دفاع کند. سازمان گزارشگران بدون مرز هم چنین خواهان آزادی 29 روزنامه نگار، 21 وب نگار زندانی درایران شده است.

این سازمان هم چنین یادآور می شود که درخواست‌های خود را برای دفاع حقوق زندانیان عقیدتی با احمد شهید، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در ایران مطرح کرده و خواستار اقدام او نیز شده است.

سازمان گزارش گران بدون مرز در 17 ژانویه 2012 با انتشار گزارش دیگری موارد دیگری از اعمال مجازات ها و محکومیت های دست اندرکاران رسانه ای را بر شمرد و نسبت به تأیید حکم اعدام سعید ملک پور و ادامه دستگیری ها هشدار داد. که مشروح آن را دراینجا می خوانید:

«تائید حکم اعدام یک وب نگار وبازداشت دو وب نگار دیگر

اتهام " توهین به مقدسات" سلاحی است در دست مقامات مسوول رژیم، تا ازآن برای برای ایجاد ترس و خاموش کردن صداهای اعتراض و انتقاد علیه خود استفاده کنند.

گزارش‌گران بدون مرز نگرانی خود را از احتمال تائید حکم اعدام سعید ملک‌پور، از سوی دیوان عالی کشور اعلام می‌کند. در تاریخ ٢٦ دی ماه، خانواده این وب‌نگار اعلام کرده‌اند، حکم اعدام از سوی دیوان عالی تائید شده است. این حکم ظاهرا بدون اطلاع مراجع بررسی کننده پرونده در دیوان عالی و تحت فشار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صادر شده است. این طراح و برنامه‌نویس در دی ماه ۱۳۸۹ بنا بر گفته‌ی دادستان تهران، به اتهام " اقدام علیه امنیت ملی" و " توهین به اسلام" مجرم شناخته شده بود. محمود علیزاده طباطبایی وکیل سعید ملک‌پور در تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۹۰ اعلام کرده بود که : " دیوان عالی کشور بسیاری از ایراداتی که در این لایحه نسبت به پرونده سعید ملک پور ایراد شده بود، را پذیرفت و حکم اعدام وی را نقض کرده است . " اما در مهرماه ۱۳۹۰ از سوی خانواده این زندانی اعلام شد، که شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی محمد مقیسه مجددا برای این وب‌نگار حکم اعدام صادر کرده است.

دستگیری وب‌نگاران در ایران همچنان ادامه دارد. در تاریخ ۲۱ دی ماه سیمین نعمت‌اللهی همکار سایت مجذوبان نور در منزلش در تهران از سوی ماموران وزارت اطلاعات به اتهام " تبلیغ علیه نظام " بازداشت شد. در تاریخ ١٤ و ١٥ شهریور تعدادی دیگر از وب‌نگاران این سایت بازداشت شده بودند که با سپردن وثیقه و یا با کفالت، در تاریخ ۷ و ۸ مهر ماه به شکل موقت از زندان شدند.

در تاریخ ۲۰ دی ماه، محمد سلیمانی‌نیا مدیر سایت یو ٢٤ شبکه اجتماعی متخصصان ایرانیان، طراح و میزبان بسیاری از سایت‌های انجمن‌های جامعه مدنی و روشنفکران ایرانی، پس از احضار به دادگاه انقلاب کرج بازداشت شد. در همان روز ماموران امنیتی با بازرسی منزل ایشان در شهر کرج وسائل و اسناد شخصی وی را با خود بردند. در هفته‌های پیش از بازداشت، این وب‌نگار بارها از سوی وزارت اطلاعات احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود. خانواده محمد سلیمانی‌نیا تاکنون از علت و محل بازداشت وی بی اطلاع است.

گزارش‌گران بدون مرز همچنین نگرانی خود را از سرنوشت وبلاگ‌نویس زندانی محمدرضا پورشجری که از تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۸۹ در زندان بسر می‌برد، اعلام می‌کند. وی برای نوشته‌های انتشار یافته در وبلاگش " گزارش به خاک ایران" با اتهام "توهین به مقدسات و پیامبر اسلام - سب‌النبی " در تاریخ ۳۱ آذر ۱۳۹۰ در شعبه ۱۰۹ دادگاه انقلاب کرج محاکمه شد. به گفته خانواده وی " دادگاه بدون حضور وکیل برگزار شد و تنها یک ربع به طول انجامید."

اتهام " سب النبی یا توهین به حضرت رسول و یا سایر ائمه اطهار" اتهام سنگین و مبهمی است که بنا بر ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی می‌تواند به صدور حکم اعدام بیانجامد. این اتهام سلاحی است در دست مقامات مسوول رژیم، تا از آن برای برای ایجاد ترس و خاموش کردن صداهای اعتراض و انتقاد علیه خود استفاده کنند.»

۱۰ ژانویه ۲۰۱۲ گزارش‌گران بدون مرز با ارسال نامه‌ای به ناوی پیلای کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل از وی خواست که نسبت به وضعیت نگران کننده روزنامه‌نگاران و وب‌نگاران زندانی اقدام کند.

ازسایت گزارشگران بدون مرز بازدید کنید:

http://www.rsf-persan.org /

—

ضرروت تشکیل هسته های فعالیت اجتماعی

2012-01-23 · Archive ID 734
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=734

حرکت زیر پوست شهر

عرصه سوم - جنبش‌ها و فعالیت های مردمی و مدنی درهفته‌های قبل و دوران پس ازانتخابات جنجال برانگیزریاست‌جمهوری درخردادماه سال۱۳۸۸، رشد و گسترش چشم‌گیری پیدا کردند. حرکت‌های خودجوش مردمی اگرچه درابتدا شکلی خیابانی داشتند و اقشارمختلفی ازمردم با آنها همراه بودند، اما شدت سرکوب حکومت پس ازاعلام نتایج انتخابات باعث شد تا این پویش‌ها به فضای مجازی کوچ کنند. با توجه به نظارت امنیتی و فیلترینگ درایران، جنبش‌های اعتراضی اینترنتی بتدریج به بیرون ازایران محدود شدند. اکنون فعالان مدنی درایران کمتر با نام خودشان فعالیت می‌کنند. گرچه هنوزهم هستند کسانی که هم چنان با شجاعت به کارشان ادامه می‌دهند وبی‌هراس اززندان و شکنجه و... با ایمان به آرمان هایشان، برای استقرار صلح، آزادی و جامعه مدنی تلاش می‌کنند. حال پرسش این است که امکان بازتولید جنبش اجتماعی درمیان مردم چگونه است وچه راه‌هایی برای عبور از موانع حکومتی پیش روی معترضان وجود دارد؟ ویا چگونه می‌توان اقشارمردم را به فعالیت‌های اجتماعی و مدنی جلب کرد؟ آیا جنبش های مدنی می‌توانند راه‌های تازه‌ای برای برقراری ارتباط با مردم پیدا کنند؟

مقاله رضا حاجی حسینی براساس گفتگو با زینب پیغمبرزاده فعال جنبش زنان را دراینجا می خوانید.

آموزش سازماندهی، سازماندهی آموزش

یکی ازدغدغه‌های فعالان مدنی برای گسترش پویش‌های اجتماعی، بحث آموزش است. این که شیوه‌های آگاهی رسانی و مقاومت بدون خشونت به درستی به عموم مردم آموزش داده شود تا سازوکارها وسازمان دهی مناسبی برای حرکت به سوی دموکراسی درلایه‌های مختلف اجتماع به وجود آید. به عنوان مثال یکی ازسازمان‌هایی که خود را تشکلی سیاسی- فرهنگی معرفی و برای شکل‌گیری قدرت اجتماعی درایران تلاش می‌کند، درشرح وظایف خود آورده است: "لازمه شکل‌گیری قدرت اجتماعی، فرهنگ‌سازی ازپایین وسازماندهی درصحنه سیاسی است. برای این منظورباید پیوندی تنگاتنگ میان افراد در داخل و خارج و نیزمیان اقشارمردم و کنش‌گران فعال ایجاد کرد."

وسایل ارتباط جمعی، ازابزارهای مورد نظر این سازمان برای رسیدن به مقصود است: "ما می‌خواهیم با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم دراین مورد را به میان مردم ببریم."

گرچه ایده استفاده ازرسانه‌های جمعی وگروهی برای معرفی کمپین‌های مختلف و مشارکت‌جویی ازعموم مردم، ایده‌ای مناسب و تاثیرگذاراست اما مشکل این‌جاست که این رسانه‌ها چگونه ازسد پارازیت حکومت ایران خواهند گذشت و تا چه اندازه خواهند توانست پیام‌شان را به مخاطب هدف خود برسانند؟ سوی دیگر ماجراهم آن است که اساسا چه کسانی درایران به تجهیزات ماهواره‌ای دسترسی دارند وازشبکه‌های غیرحکومتی به چه منظوری استفاده می‌کنند؟ درمورد شبکه‌ها ورسانه‌های اینترنتی هم وضع به همین ترتیب است.

زینب پیعمبرزاده، فعال زنان و ازاعضای کمپین یک میلیون امضا دراین‌باره می‌گوید: «جدیدترین آماررسمی اعلام شده حاکی ازآن است که تنها ۱۱میلیون نفر ازمردم ایران به اینترنت دسترسی دارند وازآن جا که سرعت اینترنت پایین و بیشترسایت‌های فعالان اجتماعی وهم چنین شبکه‌های اجتماعی فیلترهستند، درعمل مخاطب کمپین‌های فضای مجازی، تنها بخش کوچکی ازشهروندانداخل کشورند ودرفضای مجازی، ایرانیان خارج کشورنقش فعال‌تری دارند" .

نکته مهم اما آنکه با وجود این شرایط، تلاش فعالان اجتماعی برای اثرگذاری برجامعه مورد نظرشانبا همه محدودیت‌ها هم چنان ادامه می یابد.

مخاطب یک کمپین کیست؟

نحوه فعالیت پویش هایاجتماعی بستگی به مخاطبان آنها دارد. یعنی لزومی ندارد همه کارزارها ویا کمپین‌ها به اطلاع عموم مردم برسند وهمه بخواهند درآن‌ها مشارکت داشته باشند. خانم پیغمبرزاده با تجربه‌ای که درکمپین یک میلیون امضا اندوخته، دراین‌باره می‌گوید: "گاهی گروه مورد نظریک کمپین، سیاست‌مداران وافراد صاحب قدرت هستند. مثلا ممکن است گروهی از فعالان اجتماعی ازسازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری بخواهند که برای بهبود وضعیت حقوق بشر، به حکومت ایران فشار بیاورند. گاهی نیز فعالان عرصه مجازی مخاطب این کمپین‌ها هستند. مثل لگوی کمپین ما:"سانسور وقیح است نه زن"، که چند سال پیش دروبلاگ‌ها ووب‌سایت‌های فارسی با هدف اعتراض به فیلترینگ سایت‌ها و وبلاگ‌های زنان نمایش داده می‌شد. اما دربیشترموارد، هدف کمپین‌ها فرهنگ‌سازی، جلب مشارکت اجتماعی و بسیج اجتماعی است. دراین موارد طبیعی است که باید کنش‌گران تلاش کنند صدای‌شان را به افرادی که به فضاهای مجازی دسترسی ندارند نیز برسانند. درسال‌های اخیر، فعالان اجتماعی ایران تجربیات موفقی درعمومی کردن مطالبات‌شان داشته‌اند."

پیغمبرزاده با نگاهی گذرا به فعالیت‌های مدنی درسال‌های اخیراضافه می‌کند: "ازشروع دوره اصلاحات، با بازشدن فضای اجتماعی،تاسیس تشکل‌های مردمی وانتشارنشریات مختلف، امکان فعالیت اجتماعی و حتی سیاسی گسترش یافت. هرچند با پایان این دوره، فضای اجتماعی محدود ترشد. اما شبکه‌های اجتماعی دراین مقطع شکل گرفتند وفعالان اجتماعی با تجربه‌ای که دراین دوره به دست آوردند، روش‌های خلاقانه‌تری را درفعالیت‌هایشان به کارگرفتند."
یکی ازموفق‌ترین کمپین‌ها دربرقراری ارتباط با عموم مردم: "کمپین یک میلیون امضا برای قوانین برابر»است که از روش‌های گوناگون ارتباط با مردم استفاده می‌کند. به گفته این عضو کمپین، جمع‌آوری امضا، پخش کتابچه ودفترچه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی یا حتی پوشیدن نمادهای کمپین مثل تی شرت ویا با استفاده ازگل سینه ، دستنبد و روسری کمپین درفضای عمومی، برای ایجاد ارتباط با مردم استفاده می‌شود. البته این پویش درفضای مجازی هم فعال است و با بخشی ازمخاطبان خود به این ترتیب وارد گفتگو می شود."

فعالیت در فضای بسته

کمپین‌هایی که اهداف اجتماعی را دنبال می‌کنند و کمتربه مسایل سیاسی می‌پردازند، هنوزهم فضای محدودیبرای فعالیت عمومی دارند. گرچه بعد ازانتخابات جنجالی ریاست‌جمهوری سال۱۳۸۸درایران، بسیاری از فعالان اجتماعی احساس کردند دیگرامکان به کاربستن روش‌های پیشین برای برقراری ارتباط با مردم وجود ندارد، اما تجربه نشان داد افرادی که بسیاری از آنها سابقه فعالیت اجتماعی نداشتند، به‌خصوص در سال اول بعد ازانتخابات، خودشان بخشی ازنقش اطلاع‌رسانی را ازطریق توزیع شب‌نامه، دیوارنویسی، اسکناس‌نویسی و... بر عهده گرفتند.

خانم پیغمبرزاده درتوضیح ادامه این وضعیت می‌گوید: "پس ازآن که جواعتراضات سیاسی کم‌کم فروکش کرد و فضای عمومی کمی بازتر شد، برخی از فعالان اجتماعی هم آرام آرام جرات بازگشت به فضای شهری را پیدا کردند. به عنوان مثال در تابستان سال۱۳۸۹، مثل تابستان سال۱۳۸۷، جمع‌آوری امضا برای اعتراض به لایحه مربوط به خانواده آغاز شد. تجربه موفق این اعتراض‌ها وهمین‌طورتجربه دومین نظرسنجی کمپین (پنجم شهریورماه سال۱۳۸۹)، برای آگاهی ازمیزان آشنایی مردم با آن، نشان داد که هنوزامکان ارتباط بیشتربا مردم درفضاهای عمومی وجود دارد و می توان به جمع‌آوری امضا علیه قوانین نا برابرادامه داد. البته درحال حاضر بسیاری ازفعالان اجتماعی به تلاش درجمع‌های بسته تر و توانمندسازی کنش‌گران جوان روی آورده‌اند و کمتربه فعالیت درفضاهای عمومی می‌پردازند".

به نظرمی‌رسد برای تاثیرگذاری برعموم مردم، در شرایط کنونی چاره‌ای جز تشکیل همین هسته‌های فعالیت اجتماعی نباشد. هسته‌هایی که اگرفعال شوند، گرچه کارکردهای سازمان‌های بزرگ را ندارند وجای آنها را هیچ‌گاه نخواهند گرفت؛ اما به خصوص درشرایطی چون وضعیت امروزجامعه ما، می‌توانند ایده چاره جویی، تفکر جمعی و کنش اجتماعی را زیر پوست آرام و ناامید جامعه به پیش ببرند و گسترش دهند. این هسته‌ها باید مقاومت مردمی درتقابل با سیاست‌های غیردموکراتیک را گسترش دهند وهم تلاش کنند تا دربرابرسرکوب مقاوم بمانند. به این ترتیب به نظرمی رسد فعالانجنبش‌های اجتماعی خواهند توانست بتدریج شیوه ارتباط با مردم درشرایط جدید را احیا کنند.

برای اطلاعات بیشتر درمورد" کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز" ازسایت : تغییر برای برابری، بازدید کنید:

http://www.we-change.org

برای امضای بیانیه کمپین به این سایت مراجعه کنید:

http://www.we-change.org/spip.php?article11

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

راهنمای کارزار خشونت پرهیز

2012-01-26 · Archive ID 737
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=737

برگردان: نعیمه دوستدار

تقویت کمپین ها

در دوران معاصر، جنبش‌های مردمی مسالمت‌آمیزکه بدون به کارگیری روش‌های قهرآمیز و خشونت برای دگرگونی جامعه و سیاست تلاش می‌کنند، بخش عمده، پرطرفدارومشهورجنبش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. برای موفقیت مبارزات صلح‌آمیز، داشتن چهارچوب مشخص و دستورالعمل‌های راه گشا درمراحل مختلف برای مردم و کنشگران اجتماعی ضروری به نظرمی‌رسد.درمجموعه‌ای که به تدریج منتشر خواهند شد، با روش‌های موثرو کارآمدتر مبارزه بدون به کار گرفتن خشونت آشنا خواهید شد. دراین بخش، به روش‌های تقویت کمپین‌ها و آموزش مهارت‌های مبارزه در کارزارهای اجتماعی پرداخته شده است.

از تغییر تا فروپاشی

جنبش‌های خشونت پرهیزمعمولا به سه روش کمپین‌ها را تقویت می‌کنند:

۱- با شرکت درکمپین‌ها و پرورش اعتماد وانسجام درمیان شرکت‌کنندگان. این جنبش‌ها با منابع قدرت‌شان یعنی مردم درارتباط هستند تا درموقعیت‌هایی که به دست می‌آید، به سرعت وارد عمل شوند.بسیاری ازافراد خودشان نمی‌دانند که تا چه حد می‌توانند خلاق باشند مگراین‌که دیگران درتجربه ایده‌های نو ازآنها حمایت کنند.

۲- از راه ارتباط با دشمنان کمپین. هدف جنبش‌های ضد خشونت، مهارفشاروسرکوب دشمن ونشان دادن این موضوع است که اقدامات خشونت‌آمیزآنها ازنظرسیاسی نتیجه معکوس داده است. علاوه بر این، این جنبش‌های اجتماعی اغلب به دنبال تضعیف ابعاد ظالمانه ارکان قدرت هستند. جنبش مبارزه صلح آمیز، تلاش می‌کند به جای استفاده ازاعضایش به عنوان ابزارهای بی‌جان، این امکان را برایشان به وجود بیاورد که آنها درباره افکار و تعلقات‌شان تعمق کنند.

۳- از طریق ارتباط با کسانی که هنوز وارد عمل نشده‌اند. جنبش ضد خشونت، کیفیت ارتباط میان تماشاچیان یا افراد خارج ازگود را که هنوزبه جریان کمپین نپوسته اند یا فعال نیستند تغییرمی‌دهد و آنها را به عنوان پتانسیل‌های کمپین درنظر می‌گیرد.

یکی از پیشگامان نظریه جنبش اجتماعی بدون به کارگیری خشونت، جین شارپ بود. او چهارمکانیزم را برای ایجاد تغییردردشمن به فعالان مدنی پیشنهاد کرده است:

الف) تغییر: گاهی یک کمپین می‌تواند دشمن را به نقطه نظرات خود جلب کند.

ب) اجبار: گاهی کمپین می‌تواند دشمنان را وادارِبه عقب‌نشینی کند؛ بدون این که آنها را متقاعد به درک مفهوم خوب و بد و ارزش‌های فعالان کمپین کند.

ج) پذیرش: گاهی دشمن تلاش می‌کند راهی پیدا کند تا یک کمپین را بپذیرد، بدون این‌که همه امتیازهای مورد نظرکمپین را به او بدهد و خودش از قدرت کنار برود.

د) فروپاشی: این نوع مکانیزم را شارپ بعد از سال ۱۹۸۹، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی مشروعیت خود را از دست داد و قابلیت بازسازی‌اش از دست رفت، به لیست اش اضافه کرد. به این معنا که درمواجهه با قدرت مردم، شوروی ازهم پاشید.

بنابراین، نظریه مبارزه بدون خشونت، به پیروزی هرچه بیشتریک جنبش نظر دارد؛ به‌خصوص موفقیت درتاثیرگذاری برافکارکسانی که درراس قدرتند. این راهنما، بیشتربه روند تشکیل یک کمپین می‌پردازد. مباحث مورد نظردراین سلسله مطالب، شامل روش‌های زنده نگه داشتن موضوعات و ملموس کردن آنها برای طراحی و تشکیل یک کمپین، همچنین روش‌های انجام یک عمل اجتماعی و ارزیابی آن است. باید تاکید کنیم که این نوشتار، بر مبنای عملی کردن جنبش‌های اجتماعی استواراست و در مجموع، از تجربه‌های شخصی ما درباره صلح، فعالیت‌های ضد جنگ و ضد سلاح‌های هسته‌ای و جنبش‌های عدالت اجتماعی در کشورهای مختلف فراهم آمده است.

موضوعات بالقوه درآموزش مبارزه صلح‌آمیز

ما نمی‌گوییم که شما باید حتما قبل ازرفتن به خیابان و به دست گرفتن یک پلاکارد یا منتشرکردن یک کتابچه آموزش ببینید. دربیشتر کشورها نیازی به این کاروجود ندارد. گرچه کل روندی که ما آن را آموزش مبارزات صلح آمیز می‌نامیم و شامل تحلیل مسائل، تجسم کردن جایگزین‌ها، ترسیم خواسته‌ها، تعیین استراتژی‌های کمپین، برنامه‌ریزی برای عمل اجتماعی، انجام آن و ارزیابی فعالیت‌های کمپین می‌شود، می‌تواند اثرگذاری گروه شما را بر دیگران بیشتر کند و کمک کند تا بهترعمل کنید. به این ترتیب، شما می‌توانید با خطرات و مشکلات بهتر روبرو شوید و ابعاد عملکرد جمعی را گسترش دهید.آموزش روش‌های بدون خشونت، کمک می‌کند تا فضایی امن برای آزمودن و گسترش ایده‌های جدیدتان بیابید و تجربه‌هایتان را تحلیل وارزیابی کنید.

آموزش مبارزات صلح آمیز، به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا به دیدگاه و درک مشترکی از فواید روش‌های تلاش‌های مسالمت آمیز برسند.این یک تجربه مشترک و مشارکت‌جویانه است که درجریان آن، ما مهارت‌های جدیدی یاد می‌گیریم و رفتارهای مخرب و ظالمانه‌ای را که ازجامعه آموخته ایم،کنارمی‌گذاریم. به علاوه، آموزش مبارزه بدون خشونت می‌تواند افراد گروه را تقویت کند و شبکه ای به وجود بیاورد که درآن مردم یاد می‌گیرند بهتربا هم کارکنند، وهم نیت وهدف‌شان را روشن کنند. این آموزش‌ها کمک می‌کند تا قدرت روش‌های خشونت پرهیز را بهتربفهمیم و این فرصت را به ما می‌دهد که نگرانی‌ها، ترس‌ها و احساسات‌مان را به گفت‌وگو بگذاریم. و هم درباره ماهیت ظلم درجامعه در گروه مان بحث کنیم.

ازنظرفردی، آموزش روش‌های بدون خشونت می‌تواند باعث بالارفتن اعتماد به نفس شود و نقش فردی ما را درعمل اجتماعی مشخص کند. هدف این آموزش‌ها، قدرت بخشیدن به مشارکت‌کنندگان است تا بتوانند اثرگذارترعمل کنند. این روند، نیاز به تمرین‌های متنوع و روش‌های گوناگون آموزشی دارد که بخشی از آنها در این سلسله نوشتار خواهد آمد.

آموزش روش‌های مبارزه بدون خشونت، مردم را آماده می‌کند تا دریک عمل اجتماعی مستقیم و بدون خشونت شرکت کنند و به آنها روش‌های تدوین استراتژی، مهارت‌های مورد نیاز برای پی گرفتن آن استراتژی‌ها، همچنین روش مشارکت در یک کار گروهی و آشنایی با مفهوم ظلم را آموزش دهد. این آموزش‌ها اغلب برای آماده کردن مردم در یک فعالیت خاص به کار می‌روند تا سناریوی آن عمل را بیاموزند و نقشه‌ای برای آن داشته باشند و آن را به اجرا بگذارند. هم چنین اصول اخلاقی را به آنها یاد می‌دهد. برای یک گروه مبارز، ایجاد همبستگی و تعامل بسیار مفید است. از طریق ایفای نقش، مردم یاد می‌گیرند که باید از پلیس، مسئولان، دیگر مردم و خودشان چه انتظاری داشته باشند. این آموزش‌ها به آن‌ها کمک می‌کنند تا ببینند آیا برای شرکت در یک مبارزه بدون خشونت آمادگی دارند یا نه.

آموزش روش مبارزه بدون خشونت، می‌تواند ساعت‌ها یا ماه‌ها طول بکشد و مدت آن به عواملی چون نیازهای کمپین و برنامه زمانی آن، اهداف آموزشی، تجربه‌ها و میزان حضور شرکت‌کنندگان و آموزگاران‌شان بستگی دارد.

خاویرگراته، یک فعال اجتماعی که تجربه چنین آموزش‌هایی را دارد، درباره اثر آموزش در مبارزه بدون خشونت می‌گوید: «نخستین تجربه آموزشی من مربوط به ۱۵ می۲۰۰۳ می‌شود.من یک شیلیایی معترض بودم که درکمپینی علیه حکومت طولانی نظامیان شرکت کرده بودم. این آموزش‌ها واقعا به من قدرت بخشید و باعث شد به کشورم برگردم تا آن چه را که آموخته بودم، با دیگران درمیان بگذارم. اگرما می‌خواهیم درمبارزه مان موفق شویم، آموزش یک اصل پایه‌ای است. درکمپین بعدی که ما راه انداختیم، دیگر تنها ایستادن درمقابل ساختمان محل کارنظامیان به عنوان اعتراض مطرح نبود. حالا خطرات هم بیشتربود. اما چون با آموزش اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده بودیم، برای مقابله با حوادث آمادگی داشتیم.

نقش آموزگاران

آموزگارمبارزه بدون خشونت کسی است که می‌تواند یک گروه را برای اهداف آموزشی دورهم جمع کند. او باید از موضوعات مورد نظرآگاهی داشته باشد، اما نباید دانای کل باشد. هدف آموزگار این است که شرکت‌کنندگان را برای پرورش ایده‌هایشان گرد هم آورد، نه این‌که به آنها بگوید چه باید بکنند.همه گروهایی که می‌خواهند یک مبارزه بدون خشونت را سازمان دهند، دسترسی به مربی محلی ندارند. اما زمانی که مردم بفهمند چه مهارت‌هایی را باید یاد بگیرند، ممکن است ببینند که بخشی از مهارت‌ها را خود به خود به دست آورده وآن را درموقعیت‌های مختلف آزموده‌اند.

شما هم می‌توانید یک گروه آموزشی به وجود بیاورید تا مهارت‌ها و تجربه‌هایشان را با هم درمیان بگذارند. درصورت امکان گروه آموزشی باید مرکب از زنان و مردانی درگروه‌های مختلف سنی و قومی باشد.

ویژگی‌های یک آموزگار

- مهارت‌های عالی برای کارگروهی و آگاهی ازعوامل به حرکت درآورنده گروه. مربی باید اطمینان یابد که همه درمباحث کلاس مشارکت دارند ومی‌توانند نظرات و تجربه‌هایشان را با بقیه درمیان بگذارند.
- درک مفهوم مبارزه بدون خشونت. اگرهیچ کس درگروه دراین زمینه تجربه‌ای ندارد، مربی باید از نمونه‌های مشابه و تمرین‌های عملی برای آموزش گروهش استفاده کند.
- زمان سنجی. مربی گروه باید بداند که کی و چگونه از تمرین‌ها استفاده کند و نسبت به نیازها و ویژگی‌های گروه حساس باشد

منبع:
Title : Handbook for non violent campaigns
Autors: Howard Clark, Javier Gárate, Joanne Sheehan, Dorie Wilsnack. 2009

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

وضعیت آزادی بیان وحقوق بشردرآستانه نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

2012-01-26 · Archive ID 740
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=740

عرصه سوم – گزارش هایی که در روزهای اخیر ازسوی سازمان های مدافع آزادی بیان و حقوق بشردرایران منتشر شده‌اند، هم چنان نشانگر روند رو به افزایش محدودیت آزادی بیان، دستگیری فعالان مدنی، روزنامه

نگاران، وبلاگرها و موارد متعدد دیگری از نقض موازین حقوق بشری درایران اند. با نزدیک شدن انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی که دراسفند ماه برگزار خواهد شد، فضای خبررسانی و گردش اطلاعات درایران بیش از پیش با کنترل و سانسور روبرو است. جناح های مختلف اصلاح طلب انتخابات را تحریم کرده و خواهان عدم شرکت مردم درانتخابات شده اند. هم چنین سی و نه نفر از زندانیان سیاسی اصلاح طلب دربیانیه اخیر خود درمورد انتخابات از مردم خواسته اند تا درکنار آگاهی بخشی در مورد انتخابات آتی مجلس برای آزادی رهبران جنبش سبز فعالیت کنند. به گزارش سایت کلمه، در این بیانیه که به امضای سی و نه زندانی سیاسی ازگروه های مختلف فکری جنبش سبزرسیده، از تمامی آزادی‌خواهان دنیا و نهادهای مستقل مدافع حقوق بشر خواسته شده که برای رهایی رهبران زندانی جنبش اعتراضی مردم پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری درسال 1388 اقدام کنند.

براساس گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز که گزارش وضعیت آزادی و نشر درسال 2011 در جهان را منتشر کرده است. ایران از نطروضعیت آزادی بیان و نشر درپایین‌ترین رده جدول جهانی قرار دارد و تنها سه کشور اریتره، کره شمالی و ترکمنستان دروضعیتی بدتر ازایران قرار دارند. درپایان سال گذشته «کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران» در گزارش خود از وضعیت خبررسانی درجهان درسال۲۰۱۱ اعلام کرد که ایران برای دومین بارعنوان «بزرگ‌ترین زندان روزنامه‌نگاران جهان» را از آن خود کرده است.

تا دسامبر سال 2011، برطبق گزارش کمیته حفاظت از روزنامه نگاران ۴۲ ژورنالیست و وبلاگنویس در زندان های ایران به سر می برده اند. بنا به گزارش های سازمان های حقوق بشر بیش از ۶۰ روزنامه نگار تنها در سال ۲۰۱۱ مجبور به ترک کشور شده اند و از ۲۰۰۹ تا کنون دست کم ۴۰ نشریه توسط مقامات توقیف شده اند.

ایجاد محدودیت‌های متعدد دولتی برای ممانعت ازفعالیت های قانونی اعتراضی و خبررسانی نیز درروزهای اخیر شدت گرفته است. همزمان با آغاز گردهمایی نظارتی سازمان ملل متحد با عنوان کنفرانس جهانی ارتباطات رادیویی، دبلیو آر سی، ((WRC (World Radiocommunication Conference توسط اتحادیه بین المللی مخابرات در ژنو، جمعی از جوانان و دانشجویان ایرانی خارج کشور دریک گردهمایی علیه سانسور ماهواره واینترنت مقابل ساختمان این کنفرانس شرکت کردند و خواستار اقدام حقوقی اتحادیه بین المللی مخابرات علیه دولت ایران شدند.

درهفته‌های گذشته دولت ایران با از سر گرفتن موج جدیدی از بازداشت و زندانی کردن روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان در آستانه انتخابات مجلس باردیگرعدم پای بندی خود را به موازین حقوق بشری در زمنیه آزادی‌های فردی، حرفه‌ای و اجتماعی نشان داد دیده بان حقوق بشر اعلام کرده است که از آغاز سال جاری میلادی .تا کنون 10 نفراز روزنامه نگاران بازداشت و زندانی شده اند.

هم چنین بازداشت فعالان مدنی هم تداوم یافته و خبرگزاری هرانا گزارش می‌دهد که درهفته‌های گذشته با بازداشت شاهرخ زمانی و محمد جراحی فعالان کارگری در آذربایجان شرقی و کردستان واعضای کمیته پی‌گیری ایجاد تشکل‌های کارگری در تبریز، در روزهای ۲۵ و ۲۸ دی‌ماه، شیث امانی، شریف ساعدپناه و مظفر صالح‌نیا ار فعلان سندیکایی نیز به‌ترتیب در روزهای ۲۶، ۱۸ و ۱۵ دی‌ماه در سنندج بازداشت شدند. هم چنین حکم اعدام دوزندانی سیاسی کرد به نام های لقمان و زانیار کرادی تأیید شده است. زانیار و لقمان مرادی در تاریخ ۱۱ مردادماه توسط نیروهای امنیتی درشهر مریوان بازداشت و به مدت ۹ ماه در بازداشتگاه ستاد خبری اداره اطلاعات شهرسنندج برای اخذ اعترافات ساختگی تحت فشار و شکنجه شدید روحمی و جسمی قرار گرفته‌اند.

در بخشی از گزارش دی ماه خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر درایران می خوانیم:

«بر اساس گزارش‌های گردآوری شده از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در محدوده زمانی دیماه سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۴۱ گزارش از سوی حداقل ۵۳ منبع خبری یا حقوقی انتشار یافته است.

در بررسی موردی ۲۴۱ گزارش دیماه، تعداد ۴۴۰۳ مورد نقض حقوق که ۱۴۳۹ مورد آن نقض مستقیم حقوق بنیادین بشر با حضورآمر در تطبیق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعداد ۲۹۶۴ مورد آن نقض حقوقی است که در عین وجود معاهدات بین المللی، نقض بنیادین حقوق بشر محسوب نمی‌شود؛ ارزیابی شده است،

عمده موارد نقض حقوقی که علیرغم تاثیر مستقیم از سیاستگذاری‌های حکومت، اقدام مستقیم و منظم نقض حقوق بشر را در بر نمی‌گیرد، در حوزه کارگری بوده است و حقوقی از قبیل اخراج، تعلیق و یا بیکاری کارگران پس از تعطیلی کارخانه رخ داده است.

بدیهی است گزارش‌هایی که در پی می‌آید با توجه به عدم اجازه دولت ایران به فعالیت مدافعان حقوق بشر تنها بخش کوچکی از نقض سیستماتیک حقوق بشر درایران است. درموضوع میزان خطای گزارش که حداکثر ۳ درصد در بحث منابع برآورد می‌شود باید اشاره کرد که ارگانهای خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران میزان ۳۱ درصد گزارش‌های این ماه را ارائه و مستند کرده‌اند، رسانه‌های حکومتی یا نزدیک به دولت میزان ۲۶ درصد و سایر منابع خبری-حقوقی غیر دولتی ۴۳ درصد گزارش‌ها را منتشر کرده‌اند که بدیهی است بخش آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران امکان زیادی برای مستند کردن گزارش‌های سایر گروه‌های خبری یا حقوقی را ندارد و در این حوزه حسب تجربه و شناخت خود عمل می‌کند.

"در حال حاضر در گزارشی که پیش رو است، میزان موارد نقض حقوق نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۳% افزایش و نسبت به ماه قبل نیز ۲۳% افزایش داشته است.

برای اطلاعات بیشتر دراین زمنیه به سایت های زیر مراجعه کنید.

گزارش آماری نقض حقوق بشر - ویژه دیماه ۱۳۹۰

https://hra-news.org/263/333/11111-1.html

فراخوان ۳۹ زندانی سیاسی برای آزادی رهبران جنبش سبز
http://www.iran-emrooz.net/index.php?/news1/34864/

حملات جدید علیه آزادی اطلاعات در ایران

http://www.iran-emrooz.net/index.php?/news1/34872/

برای بازدید گزارش های دیگر دیده بان حقوق بشر در باره ایران، نگاه کنید به:
http://www.hrw.org/en/middle-eastn-africa/iran

—

هرجا که جمع شویم، نامش خانه سینماست

2012-01-30 · Archive ID 743
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=743

هومن عسکری

«چه آبرویی؟ مملکت را تعطیل کنیم دارالایتام دایر کنیم درست تره. مردم نان شب ندارند، شراب از فرانسه می‌آید. قحطی است، دوا نیست، مرض بیداد می‌کند. نفوس حق النفس می‌دهند. باران رحمت از دولتی سر قبله عالم است و سیل و زلزله از معصیت مردم. میر غضب بیشتر داریم تا سلمانی. سر بریدن از ختنه سهل‌تر. ریخت مردم از آدمیزاد برگشته. سالک بر پیشانی همه مهر نکبت زده. چشم‌ها خمار از تراخم است. چهره‌ها تکیده از تریاک...»

این چند خط برگرفته ازتک گویی به یاد ماندنی در یکی از فیلم‌های کلاسیک تاریخ سینمای ایران است: فیلم «حاجی واشنگتن»، اثر مرحوم علی حاتمی، کارگردان نامدار ایرانی که نگاه نوستالژیک او به ایران قدیم مورد توجه و محبوب بسیاری ازایرانیان است . شیوه روایتی خاص که عنوان «ایرانی‌ترین فیلمساز» را برای حاتمی به ارمغان آورد. حاجی واشنگتن حدود سه سال بعد از پیروزی انقلاب در ایران، در سال ۱۹۸۱ ساخته و بلافاصله توقیف شد.

در ۳۲ سال اخیر، سینما و جمهوری اسلامی رابطه پیچیده و پر نشیب و فرازی داشته‌اند. نظریه پردازان انقلاب ۱۹۷۹ در تلاش برای دستیابی به عدالت و استقلال، با شخص شاه به عنوان نماد وضعیت حاکم به مخالفت برخاستند و به موازات آن غرب ستیزی را در پیش گرفتند. آغاز نظام نوپای انقلابی درایران نیز با احضارهای فله‌ای و بدرفتاری با بازیگران، خوانندگان، موسیقیدانان، رقصنده‌ها و دیگر نقش آفرینان عرصه رسانه و هنر کشور همراه شد. احضار شدگان به دادگاه های انقلاب به همدستی با نظام «طاغوت» دراشاعه «غربزدگی» متهم بودند. محاکم انقلابی بسیاری را به نگاشتن توبه نامه، اعلام برائت و ابراز ندامت از «فساد» واداشتند، همچنانکه بابت منحرف کردن ذهن جوانان و بسط دادن «ارزش‌های منحط غربی» درسطح جامعه. آیت الله روح الله خمینی – که درآن زمان بر سریر رهبری ایران تکیه زده بود، در توجیه این رویکرد استدلال معروفی داشت که بارها و در بسیاری جای ها، موافق و مخالف، از وی نقل شده است: «ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم.» بدین ترتیب، ستاره‌های سینمای پیش ازانقلاب بایکوت و به انزوا رانده شدند، انتشار تصویرشان ممنوع شد و گروهی از ایشان که هنوز زنده‌اند تا به امروز اجازه حضور درمقابل دوربین را نیافته‌اند. نام بازیگرانی مانند بهروز وثوقی، گوگوش، شهره آغداشلو، ناصر ملک مطیعی، پرویز صیاد، محمد علی فردین، فروزان و پوری بنایی تنها چند نمونه از میان صدها نام تشکیل دهنده فهرست سیاه نظام جدید حاکم برایران بود. با این همه، به رغم مخالفت‌ها و بال و پر چیدن صنعت سینمای وطنی، حاصل این دوره نوآوری بیشتر و زاده شدن یک موج نو در سینمای ایران شد. محسن مخملباف – که بعدها به عنوان یکی از چهره‌های شناخته شده جنبش سبز به فعالیت پرداخت – حاصل همین دوران است.

«نمادگرایی» در سینمای پس از انقلاب به اوج رسید. بهمن فرمان آرا، کارگردان پرافتخار ایرانی، در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۱ که بر روی سایت رسمی وی موجود است به خاطره‌ای از زندگی حرفه‌ای خود اشاره می‌کند که تا حد زیادی بیانگر کشمکش این سالیان میان جمهوری اسلامی از یک سو و سینماگران از سوی دیگر است. فرمان آرا می‌گوید که پس از کش و قوس بسیار و ارسال ده طرح فیلمنامه به مقام‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسؤولان سانسور حکومتی تک تک فیلمنامه‌هایش را به بهانه‌های مختلف رد کردند. وی می افزاید که به این نتیجه رسیده بود که: «گویا جایی که آقایان برایم درنظر گرفته‌اند کنج تیمارستان است». در نهایت بهمن فرمان آرا «نومیدانه و غمگین طرح اولیه فیلمی را می‌نگارد که درباره زندگی کارگردانی است که ۲۰ سال است اجازه کار نداشته، بیماری قلبی دارد و مرگ را در مقابل خود می‌بیند.» این یازدهمین فیلمنامه بهمن فرمان آرا درباره مرگ مورد تأیید قرار وزارت ارشاد قرار گرفت. فرمان آرا به مصاحبه گر می گوید به یاد دارد که آن زمان به مسؤولان وزارتخانه گفت: «یک چیز را به من بگویید... این سرعت عملتان در تأیید فیلمنامه — آیا برای این است که فیلم درباره مرگ خودم هست؟»

چهارمین فیلم سینمایی بهمن فرمان آرا با تحولات جدید در جامعه ایران همراه شد، ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و سیاست‌های فرهنگی دولت او واپسین اثر کارگردان «بوی کافور، عطر یاس» را با سانسورهای متعدد و اجبار به حذف چند سکانس کلیدی از فیلمش کرد. امری که بهمن فرمان آرا را باری دیگر به سکوت اجباری و دوران رخوتی دوباره کشاند. اما این فیلمساز معترض که امروز در هفتاد سالگی به سر می‌برد این بار چندان هم سکوت نکرد و به تازگی، و دراعتراض به حکم انحلال «خانه سینما»، سه جایزه سیمرغ بلورین خود را به دفتر جشنواره فیلم فجر پس فرستاد.

بهمن فرمان آرا در نامه‌ای سرگشاده ضمن اعتراض شدید به رویکرد مقام‌های فرهنگی کشور، از اقلیت جانبدار حکومت در میان همکاران سینمایی خود نیز انتقاد می‌کند و خطاب به این دسته می‌نویسد: «سی سکه نقره به یهودای اصلی وفا نکرد و شما هم از آن خیری نخواهید دید.» فرمان آرا از اهالی سینما خواسته تا جشنواره فیلم فجر را تحریم کنند: «وقتی معاونتی که دستور کارش گسترش و حمایت سینما است برای تسویه حساب‌های شخصی خانهٔ سینما، تنها سنگر تشکل‌های صنفی سینما، را منحل می‌کند، چیزی که او نمی‌داند این است که ما هر کجا که جمع شویم نامش خانهٔ سینما است.» این فیلمساز با سابقه نامه خود را با این جملات به پایان می‌برد: «من امروز به دلیل توهینی که به سینمای مملکت شده است توسط پیکی سیمرغ‌های بلورینی که اکنون "گل‌آلود" شده‌اند را به دفتر جشنواره پس می‌فرستم و به آن دسته از دوستان سینمایی که درپس پرده با معاونت سینمایی فالوده می‌خورند می‌گویم که سی سکه نقره به یهودای اصلی وفا نکرد و شما هم از آن خیری نخواهید دید.»

داستان بهمن فرمان آرا آینه تمام نمای بازی فرساینده موش و گربه‌ای است که درطول همه این سال ها، خانواده سینمای ایران را درگیر خود ساخته، دست اندرکاران سینمای ایران حضور حاکمیت را درریزترین ابعاد فعالیتشان با گذر ازهزارتوی مارپیچ آیین نامه‌ها، بخش نامه‌ها، قوانین، امریه‌ها و نیز احکام موجود به صورت مستمر احساس می‌کنند.

خوشبختانه امروز شاید بیش از هر زمانی بتوان تصویر سپید ماه را بر قیرگون آب این چاه دید. تحولات اخیر منجر به نزدیکی بیشتر دست اندرکاران و کنشگران حیطه سینمای ایران و تقویت اتحاد در میان اعضای این خانواده ملی شد. انتقاد یکپارچه اهالی مجموعه به انحلال بزرگ‌ترین نهاد مدنی صنفشان، همدلی و همراهی دیگر گروه‌ها و تشکل‌های موزاییک پرنقش و نگار جامعه مدنی ایران و حتی برخی سیاستمداران را نیز در پی داشته است. در این میان موفقیت جهانی بی‌سابقه فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی – که نامزد دریافت دو جایزه اسکار شد – نیز توجه‌ها را بیشتر به سینمای ایران جلب کرد. درباره شاهکار اصغر فرهادی «گری گلد استاین» در روزنامه لس آنجلس تایمز دراواخر ماه دسامبر سال ۲۰۱۱ میلادی نوشت:

جدایی نادر از سیمین، تا لحظه نگارش این مقاله آنقدرجایزه دریافت کرده که به نظر می‌رسد یکی از بخت‌های مسلم نامزدی بخش بهترین فیلم اسکار امسال خواهد بود. موفقیت‌های پرشمار این فیلم، تنها در روزهای اخیر، شامل جایزه بهترین فیلمنامه انجمن منتقدان فیلم لس آنجلس، تقدیر هیئت ملی بازبینی [ایالات متحده آمریکا] و حلقه منتقدان نیویورک بوده است. این افتخارات باعث شده که نام اصغر فرهادی به عنوان نویسنده فیلمنامه، تهیه کننده و کارگردان اثر به عنوان یکی از رقبای اصلی بخش‌های با اهمیتی ازجوایز اسکار از قبیل بهترین کارگردان و بهترین فیلمنامه غیراقتباسی مطرح شود.

بازیگر نقش اول زن در فیلم جدایی نادر از سیمین «لیلا حاتمی» است. لیلا، دختر علی حاتمی فقید است که یاد او مقدمه این یادداشت را رقم زد. لیلا حاتمی در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی «یورونیوز» که اوایل ماه جاری میلادی (ژانویه ۲۰۱۲) پخش شد، در پاسخ به این پرسش که «آیا توصیه‌ای برای کشورش درباره آزادی بیان هنری دارد؟» گفت: «من از همان کشوری می‌آیم که مردمم متعلق به آنجا هستند و ایمان دارم که آدمهای با ذکاوتی هستند و خیلی خوب می‌توانند احساسات هنریشان را بیان کنند.» در حین ادای این کلمات، کلوزآپ شبکه یورونیوز از چهره لیلا حاتمی، این بازیگر را درحالیکه روسری بر سر داشت و اشک‌هایش از گونه‌هایش جاری می‌شد نشان می‌داد، تلاش لیلا برای خویشتن داری آشکار بود. پخش تلویزیونی مصاحبه، ارسال صدها و هزاران پیام از سراسر جهان را در رسانه‌های اجتماعی به دنبال داشت. فحوای بیشتر این پیام‌ها نیز یک چیز بود: «پیامت را گرفتیم، لیلا!»

حاجی واشنگتن را علی حاتمی درسال‌هایی از تاریخ معاصر ایران به جلوی دوربین برد که شورانقلابی هنوز تازه بود و ازآغاز جنگ خونین با کشورعراق زمان زیادی نگذشته بود. توقیف فیلم و در نهایت مرگ زودهنگام، «ایرانی‌ترین کارگردان» را آنقدر مهلت نداد که بماند و در نمایش عمومی فیلمش شرکت کند. لیلا حاتمی، دختر او، اما امسال درمراسم اسکار حضور خواهد یافت. حقیقتی که می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از رشد سینمای ایران در طول حیات یک نسل تلقی شود، رشدی که می‌بایست بر دیگر ابعاد جامعه مدنی ایران تأثیر گذارد و برایشان الهام بخش باشد. از جمله همین «خانه سینما» که منحل اعلامش کرده‌اند. البته فعلاً.

این مقاله را می توانید روی سایت عرصه سوم به زبان انگلیسی هم بخوانید.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

تحریم انتخابات : آری یا نه؟

2012-01-30 · Archive ID 746
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=746

حرکت معکوس به سوی دموکراسی

عرصه سوم- رضا حاج حسینی: با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در ایران، رسانه‌های حکومتی در کشور، تلاش‌های خود را برای ترغیب مردم به حضور در پای صندوق‌های رای آغاز کرده‌اند. این در حالی است که انتخابات مجلس نهم، اولین رأی گیری پس از انتخابات جنجال‌برانگیز ریاست‌جمهوری سال۱۳۸۸ است. به همین دلیل هم برای حکومت وهم برای مخالفان اهمیت ویژه‌ای دارد. اکنون حکومت اسلامی با بهره‌گیری ازهمه ابزارهایش می‌خواهد حضور طرفدارانش درانتخابات را به نمایش بگذارد تا از ماجراهای دوسال گذشته عبور کند؛ مخالفان هم می‌خواهند ظرفیت‌ها وهم نیروی مردمی خود را نشان دهند تا مشروعیت نظام را به چالش بکشند. ضمن این که زمزمه‌های تحریم انتخابات نیز برای اولین بار درسال‌های اخیر از داخل ایران به گوش می‌رسد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با اشاره به نامه "ابوالفضل قدیانی"، زندانی سیاسی وعضو شورای مرکزی این سازمان، شرکت در انتخابات را تحریم کرده است. جبهه مشارکت هم گرچه واژه "تحریم" را به کار نبرده است اما گفته است که در انتخابات شرکت نمی‌کند. هر دوی این حزب‌ها، پس از ماجراهای آخرین انتخابات ریاست جمهوری غیرقانونی اعلام شده‌اند.

چالش پیش روی فعالان مدنی و اجتماعی اما این است که آیا باید با کمپین تحریم انتخابات همراه شوند یا این که با توجه به خطر جنگ در منطقه، مردم را به شرکت در انتخابات تشویق کنند تا شاید تلاشی برای پیش‌گیری از آتش‌افروزی‌های احتمالی یاشد؟

انتخاب، بدون حق انتخاب

برای تحقق جامعه مدنی و توسعه دموکراسی، برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی، یکی از پیش‌شرط‌هاست و به همین دلیل تحریم انتخابات توسط فعالان مدنی، می‌تواند تناقضی درعملکرد آنان تلقی شود. اما آیا درایران ساز و کار برگزاری انتخابات آزاد وجود دارد و آیا فعالان مدنی باید ازهر نوع انتخاباتی حمایت کنند؟ حکومت جمهوری اسلامی در طول ۳۰ سال گذشته همواره از انتخابات به عنوان حق مردم برای تعیین سرنوشت خود یاد کرده است و حضور مردم در پای صندوق‌های رای را نشانه مشروعیت خود می‌داند. این درحالی است که شهروندان همواره میان کسانی حق انتخاب داشته‌اند که از فیلتر نظارتی شورای نگهبان گذشته باشند، امری که به خودی خود نفی کننده آزادی است. و حال که حلقه خودی‌های نظام به شدت تنگ‌تر شده است، درعمل رقابتی هم با جناح های غیرخودی باقی نمانده است. به این ترتیب اغلب فعالان مدنی دلیلی برای تشویق مردم به شرکت درانتخابات نمی‌بینند وحتی مشارکت درچنین انتخاباتی را باعث بسط و گسترش دیکتاتوری می‌دانند. ابوالفضل قدیانی درنامه خود از زندان اوین در این باره می‌نویسد: "خیال مستبد امروزایران این است که آرای این مردم در تعیین سرنوشت شان ... اکنون برگه های قماری شوم در دست اوست، و حاشا که دربرابراین خیال واهی لحظه‌ای کوتاه بیاییم."

شرکت در انتخابات، مقابله با جنگ!

پس ازجدی‌تر شدن تهدیدهای نظامی علیه ایران درروزهای اخیر، عده‌ای از فعالان سیاسی، مدنی و حقوق بشری، شرکت مردم در انتخابات را به عنوان راه گریز ازحمله نظامی مطرح می‌کنند. این گروه گرچه خود را مخالف دیکتاتوری و حکومت جمهوری اسلامی می‌دانند، اما معتقدند درمقطع کنونی برای دفع تهدیدها لازم است با شرکت در انتخابات ازهمین نظام حمایت کرد و مانع ویرانی و نابودی حاصل از جنگ شد. غرب‌ستیزی هم البته به عنوان یکی از انگیزه‌های این گروه مطرح می‌شود.

فریبا داوودی مهاجر، فعال سیاسی اما در پاسخ به این عده به طرح سه نکته بنیادین می‌پردازد. او دریادداشتی با عنوان "کمپین تحریم انتخابات درمقابل بزرگ‌نمایی جنگ" می‌نویسد:

"تنها اعتقاد راسخ به سه نکته است که ایران را ازهر جنگی دور نگه می‌دارد:

۱- باورکنیم خطرجنگ از روزی که نظام اسلامی بر ایران حاکم شد آغاز شده و تا روزی که این نظام باقی باشد در فضای ایران پرسه خواهد زد. این نکته‌ای است که حتی غرب‌ستیزان هم نمی‌توانند کتمان کنند .

۲- منبع تنش و جنگ خود نظام است. کسانی که آدرس عوضی می‌دهند و فرافکنی می‌کنند درواقع خطرجنگ را بالا می‌برند.

۳- موفقیت درتحریم انتخابات مجلس نهم که درپیش روی ماست موجب پایین آمدن خطرجنگ می شود و تراشیدن هر مانعی برای تحریم همه جانبه، خطرجنگ را افزایش می دهد. زیرا نشان‌دهنده ضعف درجنبش دموکراسی خواهی برای هر گونه تحمیل اراده به منظورتغییر رفتاررژیم است و درمقایسه با توان گروگان گیران و تنش‌آفرینان حکومتی، محلی از اعراب در معادلات قدرت ندارد و در نتیجه خطر دست‌یابی به بمب هسته‌ای درفقدان این جنبش و رای مردم افزایش می‌یابد. کسانی که دستیابی رژیم به بمب هسته‌ای را برای حیات خود خطرناک می‌بینند، در ضعف جنبش مردم و نبود مطلق هیچ آلترناتیو معقول واقعی یا حتی گفتمانی، چاره‌ای به جز جنگ نمی‌بینند. فراموش نکنیم نظام جمهوری اسلامی اگر یک مداد داشته باشد، ابتدا آن را به چشم مردم خود فرو می‌کند، چه رسد به بمب هسته‌ای که چاقویی است دردست زنگی مست.”

انتخابات و تحریم فعال

ازدل طرح چنین بحث‌هایی در میان فعالان سیاسی در فضای مجازی، آرام آرام تلاش‌ها برای تحریم انتخابات، توان و قدرت بیشتری می‌گیرد. تاکیدها اما برمشارکت برای تحریم انتخابات است، نه گذشتن از کنار آن با رویکردی منفعلانه.

حاتم قادری، استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشجویان را به “مشارکت انتقادی” فرامی‌خواند و با بیان اینکه مشارکت انتقادی معنایش “همنوایی” نیست، به روزنامه شرق می گوید:”اکنون که صحبت از انتخابات مجلس است؛ اگر نیروهای سیاسی و جنبش دانشجویی بتوانند این سوال را ایجاد کنند که اصلا انتخابات درچه شرایطی ممکن است، چه نوع انتخابی می‌تواند مشکلات ما را حل کند و اصولا مشکلات ریشه در چه دارد، یک نوع مشارکت انتقادی است. مشارکت انتقادی با این‌که بگوییم ما مشارکت نمی‌کنیم فرق می‌کند یا اینکه از ابتدا بگوییم ما یک خواسته‌هایی داریم که چه بسا ازاول بگویند این خواسته‌های شما انجام شدنی نیست. این خواسته‌ها می‌توانند جزوخواسته‌های ما باشند و همواره هم از آن‌ها دفاع کنیم، اما برای این‌که بشود از این فضا یک استفاده بهینه کرد، اول باید ببینیم که چه خواسته‌هایی باید داشته باشیم؟ طرح سوال می‌کنیم و .... خیلی افراد می‌توانند به صورت‌های مختلف، چه درفضای مجازی و چه غیرمجازی، وارد یک بحث و گفت‌وگو بشوند. من اسمش را می‌گذارم مشارکت انتقادی؛ هرچند در نهایت کسی پای صندوق رأی نرود.”

شبکه‌های اجتماعی، بازوهای مقاومت

راه‌اندازی شبکه‌های مشترک برای رسیدن به خواسته‌های مردمی و تحقق دموکراسی، روشی است که فعالان اجتماعی با استفاده از فرصت پیش روی انتخابات مجلس ایران، با تکیه بر عدم مشارکت به عنوان یک روش بدون خشونت، پیشنهاد می‌کنند. فریبا داودی مهاجرهم معتقد است: “در شرایط موجود باید به فکر حداکثر استفاده ازامکانات بین المللی برای حفظ منافع ملی ایران باشیم و می‌بایست با رفتن به سمت گفتمان مشترک با احترام به تفاوت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای را پیرامون پروژه کوتاه مدت مانند تحریم انتخابات، بسیج کنیم. اگر ده‌ها کنگره و سازمان ملی با اسامی پر طمطراق بسازیم و محتوایی برای آن تبین نکنیم واگر به جای تحریم فعالانه، روش‌های منفعلانه وهدایت شده را برگزینیم، به تنوراستبداد دمیده‌ایم... ما نیازمند به هم پیوستن هسته‌های مستقل پیرامون استراتژی مشخص، شفاف و بر گرفته از خواست اصلی مردم یعنی حق حاکمیت بر سرنوشت خویش هستیم که جز با حرکت به سمت انتخاباتی آزاد و سالم در ایران محقق نخواهد شد. امروز شبکه‌های اجتماعی بازوهای قدرتمند تحقق چنین خواستی هستند.”

او در ادامه می‌نویسد: “چشم‌انداز، اهداف تعریف شده، گفتمان عمومی و برنامه عمل شفاف، سوخت اولیه راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی است. نسخه‌های فردی از پیش باطل شده است. شبکه‌ها نیازمند ارتباط هستند و این جوانان هستند که می‌توانند شبکه‌ها را ایجاد، فعال و به هم متصل کنند.”

در شرایطی که به نظر می‌رسد راه رسیدن به صلح و دموکراسی درایران، درفرایندی معکوس، شرکت نکردن در انتخابات است، شمارزیادی از فعالان مدنی تحریم فعال را پیشنهاد می‌کنند. به عنوان مثال، کمپین حمایت از مواضع موسوی و کروبی، تحریم فعال انتخابات آینده را با هدف اتحاد و آگاهی‌بخشی دنبال می‌کند. شمار دیگری

نیز تحریم فعال را دراولویت کارخود قرار داده‌اند. حال باید دید تا زمان برگزاری انتخابات مجلس نهم در ایران، این جریان چه تأثیری می تواند برعموم مردم پیدا بگذارد وچه پیامدهایی خواهد داشت.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

تظاهرات اعتراضی درهشتاد شهرامریکای شمالی علیه تحریم ها و جنگ علیه ایران

2012-02-06 · Archive ID 748
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=748

عرصه سوم – تشدید تحریم های اقتصادی ایالات متحده آمریکا و جهان غرب علیه ایران و تهدیدات اسراییل درمورد احتمال حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران درهفته های اخیر سبب اعتراض شدید فعالان مدنی و مخالفان جنگ درسراسر جهان شده است. روز شنبه 4 فوریه تظاهرات گسترده ای علیه احتمال وقوع حمله به ایران همزمان در نیویورک 80 شهردیگر در آمریکا و کانادا برگزار شد.

میدان تایمز نیویورک روزشنبه محل برپایی گردهمایی مردمی علیه تهدیدات و احتمال وقوع جنگ علیه ایران بود. این تظاهرات هم چنین درمخالفت با تشدید تحریم های اقتصادی دولت های غربی انجام شد. دراین تجمع 60 گروه ازسازمان های ضد جنگ و مدافع صلح درجهان نسبت به برپایی یک جنگ جدید در خاورمیانه هشدارداده اند.

در گردهمایی نیویورک که به دعوت سازمان های متعددی مانند ائتلاف ملي متحد ضد جنگ، مرکز اقدام بين‌المللي، همبستگي با ايران، کليساي کاتوليک پناهندگان وابسته به پاپ، حزب جهاني کارگران، جهان نمي‌تواند صبر کند، کميته دوستي امريکا و ايران، ائتلاف انسر، وبسايت آنتي وار، صلح عمل، وبسايت بيا خانه امريکا، سنت پيت براي صلح، زنان عليه ديوانگي نظامي، مدافعان آزادي، عدالت و برابري ويرجيانا، بنياد وسپاک، عمل صلح ايالت مين، تصرف ساحل ميرتل، ائتلاف عمل صلح مينه‌سوتا، مبارزات صلح آميز شهرهاي دوقلو، کمک به جنبش مردم و گروهی از ایرانیان مقیم نیویورک برگزار شده بود، پانصد نفر شرکت داشتند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه و بی بی سی تظاهر کنندگان در نیویورک با شعار «جنگ نه، تحریم نه، دخالت نه، آدم‌کشی نه» سپس به سوی دفاتر نمایندگی آمریکا و اسراییل در سازمان ملل رهسپار شدند.

در هفته‌های اخیر مقامات اسراییلی در اظهارنظرهای متعدد از امکان حمله به تأسیسات هسته ای ایران سخن گفته اند.امریکا، اسرائیل و اتحادیه اروپا ایران را به تلاش برای ساختن بمب اتمی متهم و خواهان توقف برنامه هسته ای ایران هستند. به گزارش بی بی سی دیوید ایگنیشس از نویسندگان شناخته شده ستون آزاد واشنگتن پست به نقل از لئون پانه تا وزیر دفاع آمریکا نوشته است که احتمال حمله اسرائیل به ایران در بهار آینده قوی است.

دبرا سوئیت مدیرسازمان «جهان نمی‌تواند صبر کند» یکی از برگزارکنندگان این تظاهرات مصاحبه‌ای با خبرگزاری فرانسه درنیویورک می‌گوید "رفتار دولت ایران طوری نیست که جنگ آمریکا با ایران را توجیه کند."

سایت بی بی فارسی در گزارش خود می نویسد:

«روی برگه هایی که در تظاهرات نیویورک پخش شد نوشته شده بود "جنگ آمریکا با ایران از بسیاری جهات قبلا شروع شده" و در آن به "تحریم های سخت اقتصادی" و "ترور دانشمندان ایرانی در بمبگذاری ها" اشاره شد.آمریکا ترور چند نفر از مسئولان برنامه اتمی ایران را که در چند سال اخیر رخ داده قاطعانه محکوم کرده، با این حال اسرائیل در مورد آن سکوت کرده است.در تجمع لس آنجلس فعالان ضدجنگ، عده ای با روپوش های نارنجی رنگ و سرپوش های سیاه مشابه زندانیان گوانتانامو ظاهر شدند.سازمان دهندگان از تجمع های دیگری

در شهرهای بوستون، شیکاگو، فیلادلفیا، سن فرانسیسکو و سایر شهرها خبر دادند. در کانادا نیز تجمع های مشابهی در کالگاری و ونکوور انجام شد.”

—

به تهدید و آزاراعضای خانواده کارکنان بی بی سی فارسی پایان دهید

2012-02-06 · Archive ID 751
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=751

عرصه سوم -اکنون ماه هاست که رسانه‌های دولتی درایران روزنامه نگاران ایرانی بخش بی بی سی فارسی را با اتهامات بی‌اساس متهم می کنند. ازجمله کارکنان بی بی سی به حمل مواد مخدر، عدم رعایت مسائل اخلاقی و حتی تجاوز متهم شده اند. از سوی دیگر اخیرا مقامات امنیتی با دستگیری و زندانی کردن اعضای خانواده و خویشان بعضی از روزنامه نگاران بی بی سی فارسی و تحت فشار قراردادن آنان برای مصاحبه‌های تلویزیونی حملات جدیدی را علیه این شبکه خبری سامان داده اند.

کسری ناجی گزارش گر بی بی سی درمصاحبه ای با عرصه سوم می گوید: «این مسئله دراین سطح تا کنون بی سابقه بوده است و موردی مشابه آن را قبلاً سراغ نداریم. تا کنون والدین و خویشان بعضی ازهمکاران ما بازجویی شده اند. هم چنین آنها را تهدید کرده‌اند که اگربا مقامات همکاری نکنند شغل خود رااز دست خواهند داد وهم پاسپورت بعضی از آنان را گرفته اند.»

درماه های گذشته تعدادی از سینماگران مستند ساز و ژورنالیست ه نیز درایران زندانی شده اند. به گزارش منابع خبری تعدادی ازآنان برای اعترافات ساختگی تحت فشار قرارگرفته‌اند تا مجبورشوند که به همکاری با بی بی سی اعتراف کنند. کسری ناجی درادامه می گوید: " این اتهامات کاملاً بی‌اساس اند. و بی بی سی هیچ همکاری درایران برای تولید خبر و فیلم ندارد. دولت ایران باحساسیت شدید خواهان کنترل تمام شبکه‌های پخش خبر در درون و بیرون کشور است و از اینکه ما اخبار را دقیقاً منتشر می‌کنیم ناراضی است."

درهفته هاي اخير سه ژورناليست ديگر به نام هاي پرستو دوكوهكي، مرضيه رسولی و سهام الدين بورقانی به اتهام ارتباط با كارمندان بي بی سی بازداشت شده اند و سناريوي تازه و گسترده اي عليه اين رسانه درجريان است.

نهادهاي مدنی و حقوق بشری دراعتراض به وخامت شرایط و عدم امنیت برای روزنامه نگاران و خانواده‌های آنان هشدار می‌دهند که ترس و وحشت دولت ازرسانه‌ها و ودرنتیجه نحت فشار گذاشتن و متهم کردن همکاران بي بي سي فارسی و اعضای خانواده آن‌ها تنها منجربه قربانی شدن ومجازات بیگناهان خواهد شد.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران نیز با انتشار بیانیه‌ای افزایش سانسور وخشونت حکومت را درمورد روزنامه‌نگاران، به‌ویژه خبرنگاران بی‌بی‌سی فارسی محکوم کرده است. این کمپین بیانیه خود را در روز پنج‌شنبه ۱۳ بهمن‌ماه منتشرو درآن خواهان توقف بازداشت ها و فشار به روزنامه نگاران شده است. این نهاد مدافع حقوق بشرهم چنین اعلام کرده است که قوه قضائیه ایران و نهادهای اطلاعاتی باید فوراً به اقدامات گسترده خود علیه روزنامه‌نگاران و خانواده‌های آنان پایان دهد.

برای اطلاعات بیشتردراین مورد می‌توانید به مصاحبه صادق صبا مدیر بی بی سی فارسی بر روی سایت این شبکه مراجعه کنید:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/02/120202_sadegh_saba_vid.shtml

—

نقش شبکه‌های اجتماعی درطرح بحران محیط زیست درایران

2012-02-07 · Archive ID 754
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=754

عرصه سوم- درسالهای اخیر مشکلات و پیامدهای ناشی از بحران محیط زیست درایران بشدت افزایش یافته و فقدان یک سیاست جدی و کارآمد دراین زمینه به نگرانی و حساسیت مردم دامن زده است. خشک شدن زاینده رود و دریاچه ارومیه از جمله موارد مشهور و مورد اعتراض هزاران نفر از شهروندان کشورند. بسیاری از زیست گاه های طبیعی دیگر نیز درایران درشرف نابودی قرارگرفته اند. و یا شهروندان شهرهای بزرگ مانند تهران و اهواز درمعرض مستقیم خطرات جدی ناشی از آلودگی هوا قراردارند و سالانه صدها نفر به خاطر آسیب های تنفسی ناشی ازهوای آلوده جان خود را درایران از دست می دهند. سازمان های انگشت شماری که به همت مردم و داوطلبان در زمینه حفظ محیط زیست فعال اند با محدودیت‌های متعدد مواجه اند. با این همه بسیاری از کنشگران در این زمینه با تلاش در زمینه آگاهی رسانی و جمع آوری اطلاعات و ارائه راه وکار همچنان فعالیت دارند.

برای آشنا شدن با مشکلات این کنشگران ،بررسی وضعیت محیط زیست ایران و تاثیر شبکه‌های اجتماعی برآن، گفت‌وگو با یک فعال محیط زیست را دراینجا می خوانید.

مصاحبه رضا حاجی حسینی با مسعود بُربُر

روزهای خوش این خاک

می‌گوید: “ببین! من متولد سال ۱۳۶۱ هستم. شهریور ماه. مهندسی عمران خواندم در دانشگاه تهران و مسوول عملیات انفجار و کوه‌بری در یک شرکت راه‌سازی بودم. یکی از دلایلی که من بعداً کار مهندسی ام را ادامه ندادم نیز هم همین بود!»

این‌ها را “مسعود بُربُر” می‌گوید. اول هر جمله‌اش هم یک ببین می‌گذارد تا گفت‌وگوی ما صمیمانه‌تر شود: “ببین راه‌سازی مخصوصا بخش انفجار و کوه‌بری در ایران یکی از دشمنان اصلی محیط زیست است.”

- یعنی آسیب می‌زدی به محیط زیست؟!

- به محض این که این سمت را به من دادند استعفا دادم و کلا آمدم بیرون.

- کجا کار می‌کردی؟

- یک شرکت ساختمانی با رتبه یک راه‌سازی. در سیستان و بلوچستان راه‌سازی می‌کردیم.

مسعود بربر که از فعالان محیط زیست و میراث فرهنگی در ایران است، در دیگر حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی هم فعالیت می‌کند. او که وضعیت محیط زیست ایران را بحرانی می‌داند، برای تغییر این وضعیت پیوسته در تلاش است.

گفت‌وگو با او را در مورد تجربه‌های شخصی‌اش به عنوان یک فعال اجتماعی و تاثیر شبکه‌های اجتماعی برشرایط محیط زیست ایران می‌خوانید.

- چه شد که به فعالیت در حوزه محیط زیست علاقه‌مند شدی؟

- شاید بد نباشد اول داستان را از اینجا شروع کنیم که من از ۱۲سالگی شروع کردم به نوشتن داستان و همکاری با روزنامه‌ها و مجله‌های مختلف. بعد به دلیل داستان‌نویسی احساس کردم باید تا می‌توانم سفر کنم تا فضاهای جدید را ببینم و خب، سفر جذابیت‌های خودش را دارد که به دنبالش می‌آید. این بود که شروع کردم دورتادور ایران را گشتن. از کوه‌های اطراف تهران تا طبس و بوشهر و .... چیزی که لحظه به لحظه بیش‌تر به آن پی بردم این بود که چه بهشتی و چه امکاناتی (از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی) داریم اما متاسفانه در بهترین حالت هیچ استفاده‌ای از آنها نمی‌شود و به بیان رایج‌تر، همه آنها در حال نابودی‌اند. این سفرها دغدغه محیط

زیست را در من به‌وجود آورد و باعث شد که از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد و یک موسسه فرهنگی، برنامه‌هایی برای آموزش حفاظت از محیط زیست بگذاریم و خودمان هر کاری می‌توانیم در این زمینه انجام دهیم. البته در نهایت دیدم بهترین نتیجه را فعالیت رسانه‌ای در این حوزه می‌دهد که خب، الان هم در همین حوزه مشغولم و مرتب گزارش‌های زیست‌محیطی و میراث فرهنگی تهیه می‌کنم.

- چرا فعالیت درسازمان‌های مردم‌نهاد دراین زمینه کمترجواب می‌دهد؟

- برای این‌که ضمانت اجرایی وجود ندارد. در مقابلش کار رسانه‌ای را ببینید: بسیاری ازمردم فکر می‌کنند وقتی به طبیعت می‌روند همین که زباله‌هایشان را بسوزانند به محیط زیست خدمت هم کرده‌اند. درصورتی که این اقدام هم آلودگی هوا را به دنبال دارد هم چهره طبیعت را مخدوش می‌کند و هم باکتری‌هایی که برای بقای موجودات زنده در خاک لازم است از بین می‌برد. تنها راه درست این است که ما هرچه با خود به طبیعت می‌بریم زباله‌اش را که اغلب کمتر از ده درصد وزن و حجم اولیه را هم دارد با خود برگردانیم و به سیستم دفع زباله شهری تحویل دهیم. حالا مثلا وقتی من در یک روزنامه یا برنامه رادیویی می‌گویم آقا! سوزاندن زباله نه تنها راه مفیدی نیست، بلکه باعث آلودگی می‌شود و بهتر است که زباله‌ها را برگردانیم، خیلی‌ها این را می‌بینند و می‌شنوند. کسی هم که تا حالا زباله‌اش را می‌سوزانده، حتما دغدغه زیست محیطی داشته که این کار را می‌کرده و حالا می‌شود امید داشت که به این توصیه عمل کند. دیگر این‌که مسوولان هم به رسانه‌ها توجه می‌کنند. یعنی می‌ترسند که در حوزه مسئوولیت‌شان رسانه‌ها چیزی را زیر سوال ببرند. برای همین سعی می‌کنند بهانه دست رسانه‌ها ندهند. یک مثال برای‌تان بزنم. زمانی که بخشی ازگرز بهرام در بیشاپور تخریب شد، گزارشی داشتم که در آن گفته بودم اینجا ۱۸۰میلیون تومان بودجه دارد، چرا یک دوربین مداربسته روی آثار نصب نشده است؟! این سری که رفتم (همین چند روز پیش) دیدم روی نقش برجسته‌ها دوربین گذاشته‌اند.خب این خیلی خبر خوبی است. انجمن دوستداران میراث فرهنگی کازرون مدت‌ها بود که داشت همین حرف را می‌زداما کسی گوش نکرده بود. صدای سازمان‌های مردم‌نهاد به گوش مردم نمی‌رسد و مسوولان هم به همین دلیل ترسی از آن‌ها ندارند و حسابی نمی‌برند. بنابراین یکی از وظیفه‌های مهم ما رساندن صدای این سازمان‌ها به مردم است.

- چرا صدای سازمان‌های مردم‌نهاد مستقیم به گوش مردم نمی‌رسد و باید چه کنند که این اتفاق بیفتد؟

- ببین چند دلیل دارد. مهم‌ترینش این که اصولا سازمان‌های مردم‌نهاد قدرت ندارند. اگر هم قدرت پیدا کنند جلوی‌شان گرفته می‌شود یا دست‌کم حمایتی از آن‌ها نمی‌شود. روابط عمومی و رساندن صدا به مردم بودجه می‌خواهدکه هیچ ان.جی.او یا همان سازمان مردم‌نهاد مستقلی ندارد. داشته باشد هم تخصصش را ندارند، یعنی نمی‌توانند یک مدیر حرفه‌ای روابط عمومی استخدام کنند. پس چه بهتر که از طریق رسانه‌ها که حرفه‌شان این است، صدای‌شان را به گوش مردم برسانند. فکر می‌کنم اگر بخواهند موثر باشند باید تا حد امکان خودشان را رسانه‌ای کنند که این البته یک شمشیر دو دم هم هست، چون حساسیت از جانب مسوولان نسبت به آن‌ها زیاد می‌شود. اما از طرف دیگر مردم از آن‌ها باخبرتر خواهند شد و بنابراین هزینه برخورد با آن‌ها بالا می‌رود!

- اما آیا رسانه‌ها حاضرند یا می‌توانند همیشه این صدا را به گوش مردم برسانند؟

- ببین خوشبختانه در حوزه محیط زیست و میراث به نظرم الان مدتی هست که یک موج خوب رسانه‌ای ایجاد شده. یعنی کم‌کم در خیلی از رسانه‌ها شما می‌بینید که بخشی از برنامه‌ها (یا صفحه‌ها) به میراث در خطر اختصاص داده می‌شود. البته این رسانه‌ها بسته به بردشان محدودیت‌ها و معذوریت‌هایی هم دارند. مثلا از رادیوی جمهوری اسلامی شما یک میزان انتظار بیشتر نمی‌توانی داشته باشیاما یک سایت خبری دستش بازتر است. منتها برد اولی بیشتر است. حالت بهینه برای امثال من که دغدغه دارنداین است که از هر رسانه‌ای به اندازه توان آن رسانه استفاده کنند. علاوه بر این‌ها ما الان چند رسانه اختصاصی محیط زیست و چند رسانه اختصاصی میراث فرهنگی داریمکه رسانه‌های پرمخاطب‌تر آن‌ها را دنبال می‌کنند. یعنی درست است که خیلی از مردم حتا اسم خبرگزاری محیط زیست یا میراث را نشنیده‌اندااما رسانه‌نگارها آن‌ها را دنبال می‌کنند و تا جایی که می‌شود پوشش می‌دهند.

- خب تکلیف شبکه‌های اجتماعی در این میان چه می‌شود?



- اتفاقا نقش خیلی مهمی بازی می‌کنند این شبکه‌های اجتماعی، از چند جهت. ببین ما قبلا هم چند خبرگزاری محیط زیست داشتیم اما واقعا مخاطبی نداشتند. یک اتفاقی که در شبکه‌های اجتماعی می‌افتد این است که روزنامه‌نگارها هم‌دیگر را پیدا می‌کنند. مثلا من که اسم آقای دکتر ناصر کرمی را شنیده بودم از دور می‌شناختمش، در فیس‌بوک می‌بینمش، با او مرتبط می‌شوم و گزارش‌های مهمی را که روی فیس بوکش می‌گذارد، به سرعت روی دیوار من و همه روزنامه‌نگارهای دیگر بازنشر می‌شود. یعنی حجم بازنشر و سرعت آن روی شبکه‌های اجتماعی خیلی بالا می‌رود. حالا روی فیس‌بوک من و چندین همکار دیگر که رفت، خب در رسانه‌هایشان هم ممکن است کار شود. یک مساله دیگر هم بحث وب و کارکرد فن‌آوری است.این خبرگزاری‌های محیط زیست که به اندازه خبرگزاری‌های عمومی به روز نمی‌شوند. پس من نمی‌دانم چند وقت یک‌بار باید آن‌ها را چک کنم. اما با امکان خوبی مثل آر.اس.اسو ابزارهایی مثل گوگل‌ریدر، از همه جاهایی که می‌خواهم چک کنم به محض به روز شدن با خبر می‌شوم. قبلا که گوگل ریدر شبکه اجتماعی هم بود اثر فیس‌بوکی هم داشت اما الان دست‌کم به من کمک می‌کند وبلاگ همه محیط زیست نویس‌ها، رسانه‌های این حوزه، استاداش و ... را به محض روزآمد شدن، دنبال کنم.

- با این شرح که دادی، چگونه می‌شود از طریق شبکه‌های اجتماعی بر عموم مردم تاثیر گذاشت؟

- این مساله هم بر می‌گردد به مفهوم گروه‌های مرجع. هر آدمی یک مرجع خبری دارد. مثلا خیلی از دانشجوهای مقیم مرکز، مرجع خبری خانواده‌هایشان در شهرستان‌ها هستند، یا یک عکاس یا خبرنگار یا روزنامه‌نگار محلی یا یک فعال محیط زیست در یک سازمان مردم نهاد،گروه مرجع خانواده و فامیل‌شان هستند. یعنی اگر یک خبر را ردگیری کنیم این‌طوری می‌شود کهفرض کن کوه نمک فوق‌العاده‌ای داریم در استان بوشهر. بعد تصمیم می‌گیرند معدن نمکش کنند و تسهیلات میلیاردی هم برای این کار تصویب می‌شود.حالا یک کوهنورد یا فعال محیط زیست آنجا خبردار می‌شود. عکس می‌گیرد و برای گزارش دادن با یک خبرنگار تماس می‌گیرد. او خبر را در فیس‌بوکش می‌گذارد و دیگران هم به سرعت خبر را بازنشر می‌کنند.بعد جوان‌های آن محل (که اتفاقا خیلی‌هایشان فیس‌بوک دارند و این را از نزدیک دیده‌ام و برایم جالب بوده) با خبر می‌شوند. روزنامه‌های محلی هم اگر دست و بال‌شان باز باشد خبر را کار می‌کنند و خلاصه موجی راه می‌افتد که به مردم هم می‌رسد. اما نقش واسطه‌های خبری برای رسیدن خبر به مردم خیلی مهم است. یعنی روزنامه‌نگارها و رسانه‌ها خبر را به شبکه‌های اجتماعی می‌برند تا آن‌ها با خبر شوند. بعد جوان‌ها آن را از فیس بوک به خانه می‌برند و ....

- و همه این فرایند آیا به نظر شما بر وضعیت محیط زیست ایران تاثیری گذاشته است؟

- ببین بحث واقعیت موجود و بحث روند را باید تفکیک کنیم. از دیدگاه نخستاوضاع آن‌قدر بد شده کهمن سرعت سفر و بازدیدم از جاهای ندیده را چندبرابر کرده‌امچون خیلی‌هایشان ممکن است سال دیگر این موقع اصلا نباشند! امیدوارم این جمله عمق فاجعه را نشان داده باشد. اما از دیدگاه دوم اتفاق خوبی دارد می‌افتد و خوش‌بینمبه این‌که دست‌کم مردم ما محیط زیست برای‌شان دغدغه شده. مثلا چند وقت پیش یک نفر از روستایی درگرگان با من تماس گرفت که آقا یک رودخانه را کرده‌اند معدن شن و دارند نابودش می‌کنند. قاعدتا این روستایی‌ها باید استقبال می‌کردند که آنجا برای‌شان کار جور شدهاما بیشتر نگران بودند که این رودخانه دارد از بین می‌رود. یعنی مردم به مسایل زیست محیطی هم آگاه‌تر شده‌اند ودغدغه پیدا کرده‌اند! واقعیت موجود بد استاما روند مثبت است.

- برگردیم به شبکه‌های اجتماعی. آیا این شبکه‌ها می‌توانند باعث بسیج مردم برای نجات محیط زیست بشوند؟

- بسیج را نمی‌دانم اما اگر نباشند سرعت، کیفیت و حجم آگاهی‌بخشی درباره محیط زیست خیلی کم می‌شود.بارها شده به من گفته‌اند مقصد سفرشان را به‌خاطر عکسی که من در فیس‌بوک گذاشته‌ام، انتخاب یا عوض کرده‌اند. وقتی عده زیادی از مردم بروند ببینند چنین جاهایی داریم،طبیعی است که کار آقایان برای نابود کردنش سخت می‌شود. ضمن این که واقعا در خود مسوولان هم دغدغه جدی برای حفظ محی زیست به‌وجود آمده است.

- فکر می‌کنی بشود شبکه‌ای اجتماعی با هدف نجات محیط زیست ایجاد کرد؟ آیا جواب می‌دهد؟

- ایده جالبی است اما فکر می‌کنم اگر با جاذبه‌هایی مثل معرفی اماکن گردش‌گری و ... همراه نشود، ممکن است چندان جواب ندهد. دیگر این‌که جرم بحرانی اولیه مهم است که باید به یک تعداد بالایی برسد تا از کار استقبال بشود. « جرم بحرانی» یک اصطلاح فیزیکی استکه در مفاهیم ارتباطات هم به کار می‌رود. مثلا می‌گویند یک گروه اجتماعی باید به یک جرم بحرانی برسد تا بگیرد. مثلا بگو ۳۰۰۰ نفر. حالا این عدد را همین‌طوری گفتم. به عبارت دیگر اگر آدم‌های مهم در یک شبکه اجتماعی عضو شوند و به تعداد کافی هم آدم در آن باشد، می گیرد. وگرنه، نه

- نکته‌ای مانده که می‌خواهی اضافه کنی؟

- فقط این‌که فکر می‌کنم مهم‌ترین رسالت را من و شمای رسانه نگار داریمکه هم مردم را آگاه‌تر کنیمو هم با خبرتر. به مسوولان هم باید یادآوری کنیم که مسوولیت دارنددر قبال زمینی که از هر آسمانی برای ما مادرتر بوده است. و در پایان این که امیدوارم این خاک ما روزی روی خوش ببیند. روزی دریک بیابان دو پروانه دیدم. یک بیابان خیلی خشک دراطراف یزد دریک نقطه فوق‌العاده تاریخی. با خودم فکر کردم نیاکان این‌ها هم مثل نیاکان من روزهای خوش این خاک را دیده‌اند. کاش فرزندان من و این پروانه‌ها هم روزهای خوش این خاک را ببینند.

—

به تحریم اقتصادی وجنگ افروزی علیه ایران اعتراض کنید

2012-02-07 · Archive ID 758
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=758

عرصه سوم- تا چند روز دیگر سالروز انقلاب ایران در بیست و دوم بهمن و هم سالروز خونین بیست و پنجم بهمن روزهمبستگی مردم ما با جنبش های بهار عربی فرا می‌رسد. درشرایطی که موسوی و کروبی رهبران جنبش سبزوهمسرانشان درحصر خانگی و هم ده‌ها نفر از مدافعان آزادی و جنبش مدنی در زندانها محبوس اند. در شرایطی که دولت های غربی با اعمال تحریم های جدید و اسراییل با تهدید به حمله نظامی به ایران به وخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی در ایران دامن می زنند. به همین علت در روز شنبه گذشته 4 فوریه تظاهرات متعددی در 80 شهر درامریکا و کانادا برگزار شدند. در این گردهمایی‌ها که درآن بیش از 60 سازمان و

شبکه‌های مدافع حقوق بشر، محیط زیست و غیره شرکت داشتند. معترضان به تشدید تحریم های اقتصادی ، جنگ افروزی و تهدید به حمله نظامی به ایران اعتراض کردند. عرصه سوم روز ششم فوریه گزارشی دراین باره منتشر کرد.

در مصاحبه پیش رو با یکی از معترضین آمریکایی به نام اوان سیگل استاد دانشگاه سیتی در نیویورک صحبتی داشتیم که دراینجا می خوانید.

- شما گفتید که استاد دانشگاه هستید و ریاضی و کامپیوتر تدریس می کنید؟ شما چرا به این تظاهرات رفتید؟

- اوان - بله می دونید من به زبان فارسی هم مسلط هستم و کتابی هم درباره تاریخ جنبش مشروطه درایران نوشته‌ام و مسائل مربوط به کشور شما را دنبال می کنم. البته من ازحامیان جنبش دموکراسی خواهی درایران هستم و با رژیم فعلی مخالف ام. و فکر می‌کنم که این تحریم ها و تهدید ایران به حمله نظامی از اساس در تقابل با مسأله پیشرفت دموکراسی درایران است. چرا که دود جنگ و محاصره اقتصادی تنها به چشم مردم بیگناه می رود. اگر به ایران حمله شود مردم طبیعتاً برای دفاع از زندگی خود درکنار حکومت قرار می‌گیرند و افزون برآن فضای سیاسی درداخل مسموم تر از الان شده و هم رژیم اسلامی فتاتیک تر و رادیکال تر خواهد شد.

- می‌توانید فضای بحث‌ها و گفتگوی های مردمی را که در حمایت از مردم ما درخیابان های نیویورک براه افتاده بودند تشریح کنید.

- اوان- در نیویورک که به دعوت سازمان هایی مانند ائتلاف ملی متحد ضد جنگ، مرکز اقدام بین‌المللی، همبستگی با ایران، کلیسای کاتولیک پناهندگان وابسته به پاپ، حزب جهانی کارگران، جهان نمی‌تواند صبر کند، کمیته دوستی امریکا و ایران، ائتلاف انسر، وبسایت آنتی وار، صلح عمل، وبسایت بیا خانه امریکا، سنت پیت برای صلح، زنان علیه دیوانگی نظامی، مدافعان آزادی، عدالت و برابری ویرجیانا، بنیاد وسپاک، عمل صلح ایالت مین، تصرف ساحل میرتل، ائتلاف عمل صلح مینه‌سوتا، مبارزات صلح آمیز شهرهای دوقلو، کمک به جنبش مردم و گروهی از ایرانیان مقیم نیویورک برگزار شده بود، پانصد نفر شرکت داشتند. و بله خوب، افرادی که آمده بودند ازنظر فکری شبیه اعضا و هواداران جنبش وال استریت و «آکوپای» بودند. سخنرانی‌های متعددی علیه جنگ انجام شد. همه آنها خواهان عدم مداخله نظامی و تحریم اقتصادی ایران بودند. اغلب شان هم نه از موافقان و نه از مخالفان دولت ایران بودند. و البته بیشترشان از طرفداران نظریه‌های مارکسیستی درباره مسائل اقتصادی و از مخالفان سیاست‌های دولت های غربی اند. حدود صد نفر ازهوادارن جنبش محیط زیست هم شرکت داشتند. تظاهرکنندگان به طرف سازمان ملل راه پیمایی کردند. و پلیس هم هیچ ممانعتی نکرد و هم برنامه به خوبی انجام شد.



- چه تعداد ایرانی به تظاهرات نیویورک آمده بودند؟

- اوان- حدود صد نفر که اغلب از هواداران جنبش سبز بودند. جوانانی که برای دموکراسی درایران تلاش می کنند. البته چند نفر از طرف داران حکومت اسلامی هم بودند ولی خوب تعداد شان خیلی کم بود. برای من این موضوع که بتوانیم مردم امریکا را نسبت به دفاع از مردم ایران که حالا با تحریم اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند و هم خطر جنگ را بالای سر خود می‌بینید حساس و هم آگاه کنیم خیلی اهمیت دارد. من به شدت با تحریم و جنگ مخالفم و خواهان مذاکره سیاسی و حل مسائل از طریق مسالمت آمیز هستم.

- با تشکر از شما.

برای اطلاع بیشتر به گزارش بی بی سی مراجعه کنید:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2012/02/120204_u04_protest_iran.shtml

—

درآستانه انقلاب بهمن به حصرخانگی رهبران جنبش اعتراضی پایان دهید

2012-02-09 · Archive ID 762
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=762

عرصه سوم- جامعه ایرانی در آستانه سالروز انقلاب بهمن و هم انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی همچنان با تشدید نقض حقوق بشر و بازداشت های خودسرانه روبرو است. یکی از شعارهای اصلی انقلاب مردم در سال 1357 مسئله آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بود. خواسته برحقی که متاسفانه درسه دهه گذشته و درحکومت دینی نه تنها تحقق نیافته بلکه هم چنین با پایمال شدن اکثر آزادی‌های فردی، تهدید و سرکوب، شهروندان ایرانی را از امکان فعالیت فردی و جمعی درپیگیری حقوق خود بازداشته است. در شرایطی که یک سال از بازداشت غیرقانونی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد از رهبران جنبش اعتراضی به نتایج آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال 88 می‌گذرد، نه تنها هیچ امکانی برای با خبر شدن جامعه ایرانی از وضعیت آنان در دسترس نیست و این رهبران حتی ازابتدایی ترین حقوق خود محروم شده اند، بلکه حکومت

ایران با تهدید مجدد فرزندان میرحسین موسوی و محروم کردن یکی از دختران او از تدریس در دانشگاه در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی به وخامت بحران سیاسی درکشور بی توجه و به آن دام می زند.

تهدید و بازداشت های خودسرانه روزنامه نگاران و فعالین اجتماعی هم همچنان ادامه دارد. درچند هفته گذشته، دورجدیدی ازدستگیری روزنامه‌نگاران آغاز شده که بازداشت پرستو دوکوهکی و مرضیه رسولی تازه‌ترین نمونه از این اقدامات است. افزون برآن سازمان های مردم نهاد درزمینه حقوق بشر از دستگیری 49 نفر از شهروندان خوزستانی درشوش ، اهواز وحمیدیه دربهمن ماه جاری به علت فعالیت برای تحریم انتخابات و کشته شدن یکی از دستگیر شدگان به نام ناصر آلبوشوکه درفشان به دلیل بدرفتاری با وی در بازداشتگاه خبر داده اند. زیر فشار گذاشتن خویشان روزنامه نگاران شاغل در بی بی سی فارسی و هم چنین بازداشت سی تان از شهروندان بهایی در شهر شیراز در تاریخ 14 بهمن ماه نمایانگر بخش دیگری از تهاجم اخیر دولت اسلامی به شهروندان و معترضان است.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر، دیده بان حقوق بشر و سایر نهاد های بین‌المللی در اعتراض به گسترش تهدید ها، دستگیری ها و فقدان هرگونه فضای آزادی سیاسی و اجتماعی برای فعالیت‌های قانونی و مدنی هشدار می‌دهند. و خواهان افشا گری و دفاع از حقوق بازداشت شدگان و اعتراض افراد و سازمان های مردم نهاد به این اقدامات غیرقانونی حکومت ایران هستند.

در آستانه سالروز حصر خانگی رهبران جنبش سبز و راه پیمایی خونین 25 بهمن سال گذشته درحمایت از جنبشهای عربی کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران با انتشار اطلاعیه ای خواهان آزادی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد شده است. بخشی از اطلاعیه کمپین را به تاریخ 19 بهمن جاری دراینجا می خوانید:

"رهبر ایران آیت الله علی خامنه ای باید فورا رهبران منتقد حکومت را که یک سال است درحبس غیرقانونی خانگی قرار دارند آزاد و به استفاده از روش های غیرانسانی و فراقضایی برای خاموش کردن منتقدان سیاسی خود پایان دهد.

امروز که حدود یک سال از حصر خانگی و بازداشت می گذرد کمپین یک گزارش چندرسانه ای * به همراه یک ویدیو و صفحه ای برای اقدام عملی از طریق نوشتن نامه برای آزادی میرحسین موسوی و مهدی کروبی کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۸۸ و زهرا رهنورد را منتشر کرد که نام “ گزارش یک آدم ربایی ” را بر خود دارد.

هادی قائمی سخنگوی کمپین گفت: “باراصلی مسوولیت این حصرخانگی که در حقیقت مصداق بارز آدم ربایی است به دوش خامنه ای است. رهبر ایران فراتر از قانون اساسی ایران عمل می کند و دستگاه قضایی و اطلاعاتی کشور نیز تنها به عنوان ابزاری برای سرکوب در دستان وی به کار می روند که از مصونیت برخوردارند و هیچ احترامی برای قانون اساسی و دیگر قوانین قائل نیستند.”

حبس خانگی افراد یاد شده هم قوانین ایران و هم قوانین بین المللی را نادیده می گیرد. درقوانین ایران هیچ عنوانی برای موضوع حبس خانگی وجود ندارد. هربازداشتی باید همراه با تفهیم اتهام و دادرسی دردادگاه باشد. اما مقامات قضایی ایران هیچ کدام از مراحل یاد شده را درخصوص خانم رهنورد و آقای موسوی و کروبی اعمال نکرده اند.

به علاوه، بازداشت شدگان به حقوق اولیه ای که معمولا برای زندانیان در نظر گرفته می شود، مانند ملاقات های منظم هفتگی، مراقبت های پزشکی متناسب با وضعیت سنی بازداشت شدگان و در نهایت دسترسی به وکلایشان هیچ دسترسی نداشته اند. ازآغاز زمان حبس خانگی هرسه تن کمترین دسترسی و ارتباط را با خانواده درجه اول خود داشته اند. این موضوع نگرانی زیادی را در خصوص سلامت فیزیکی و روانی آنها ایجاد کرده است."

برای خواندن کامل این گزارش به سایت مراجعه کنید:

http://persian.iranhumanrights.org/1390/11/housearrest_presser/

—

با شرکت درراه پیمایی سکوت علیه نقض حقوق بشردرایران اعتراض کنید

2012-02-14 · Archive ID 769
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=769

عرصه سوم- آیا می‌توان دموکراسی و حاکمیت قانون مبتنی بر مصوبات نمایندگان مردم را بدون داشتن حقوق ابتدایی و بدیهی مانند آزادی گردهمایی و تجمع مسالمت آمیز شهروندان تصور کرد. حق برگزاری تظاهرات برای مردم درتمام اسناد بین‌المللی مورد پذیرش جامعه جهانی مکتوب شده و هم درقانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده است. براساس اصل 27 قانون اساسی درایران تشکیل اجتماعات و راه پیمایی بدون داشتن سلاح آزاد است.

دراعتراض به حبس خانگی غیرقانونی رهبران جنبش سبز، کمپین رهایی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد با انتشار بیانیه ای با امضای 402 نفر از شخصیت‌های فرهنگی، فعالان سیاسی ومدنی خواهان آزادی این سه تن ازحصرخانگی شده است. اکنون در روز بیست و پنجم بهمن سالروزراه پیمایی مردم درحمایت از جنبش دموکراسی خواهی در کشورهای عربی، سازمان عفو بین الملل از مقامات دولتی خواسته است تا به حق قانونی شهروندان دربرگزاری اجتماعات احترام گذاشته مانع راه پیمایی آن‌ها نشود. به گزارش خبرگزاری ها شورای هماهنگی راه سبز امید چندی پیش با انتشار بیانیه ای از همه آزادی خواهان و همراهان جنبش سبز دعوت کرده است که روز بیست و پنجم بهمن از ساعت چهار تا هفت بعد از ظهر یک راه پیمایی سکوت درایران برگزار کنند.

عرصه سوم با حمایت از اعلامیه سازمان عفو بین الملل و تاکید برحق مردم ما برای گردهمایی، مخالفت و ممانعت مسئولان دولتی را درجلوگیری از حق تجمع، غیرقانونی دانسته و نسبت به عواقب آن هشدارمی دهد. درشرایطی که دولت اسلامی درماه های گذشته از تظاهرات مسالمت آمیز مردم درکشورهایی نظیر مصر و تونس و بحرین دفاع می‌کرد و مبارزات آنان را برای بپاخواستن علیه ظلم و فساد رهبران آن کشورها می ستود، اما عجبا که حق برگزاری یک راه پیمایی در سکوت را به شهروندان خود نمی دهد. و به بهانه ضدیت با مبانی اسلام و امنیت ملی حق مسلم مردم برای اعتراض به زندانی شدن منتقدان حکومت را پایمال می کند.

روز25 بهمن سال گذشته هم مهدی کروبی ومیرحسین موسوی دربیانیه هایی جداگانه از مردم دعوت کرده بودند درحمایت از قیام مردم مصر و تونس راه پیمایی کنند. این تظاهرات ازسوی حکومت ایران به شدت سرکوب شد. به گزارش سازمان عفو بین الملل حداقل دونفر در این تظاهرات کشته شدند. عفوبین الملل هم چنین دربیانیه خود خواستارآزادی فوری موسوی ، کروبی و رهنورد که دربازداشت خانگی درمکانی نامعلوم بسرمی‌برند، شده است.

درسی و سومین سالگرد انقلاب بهمن 1357 جامعه ما همچنان با استبداد دینی ومطلق ولایت فقیه و نقض گسترده حقوق بشرروبرواست. درطول یک سال گذشته تهدید و سرکوب معترضان، روزنامه نگاران، فعالان مدنی درنقاط مختلف کشورهم چنان ادامه داشته است. ازجمله می‌توان به دستگیری کنشگران محیط زیست درآذربایجان و یا فعالان مدنی مدافع تحریم انتخابات مجلس درخوزستان اشاره کرد. فقدان هرگونه آزادی سیاسی و فعالیت برای دگراندیشان درآستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی، عدم امنیت و فضای سالم انتخاباتی برای حضور مردم دررای گیری ها نشانگر تعمیق بحران و بن‌بست سیاسی حکومت اسلامی است.

ازسوی دیگرفعالیت های اقتصادی و تولیدی با اجرای تحریم های جدید ازطرف ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی عملاً راکد و درآینده ای نزدیک متوقف خواهد شد. وهم افزایش سرسام آور قیمت مایحتاج عمومی سلامتی و امنیت جسمی وروانی میلیونها شهروند ایرانی را که هم اکنون درزیر خط فقر بسر می‌برند بیش از پیش به خطر می اندازد. مقامات مسئول راه حل فوری و مؤثر برای رفع بحران سیاسی و رکود اقتصادی ندارند. انزوای بین‌المللی ، تهدیدات جدی و جنگ طلبانه اسراییل و متحدانش ایران را درمعرض تهدید نظامی خارجی و تحریم های بیشتر قرار داده است.

در شرایط فعلی شهروندان ایرانی تمایلی به شرکت در انتخابات فرمایشی مجلس شورای اسلامی دراسفند ماه ندارند. انتخاباتی که از سوی اکثریت شخصیت‌ها و جناح های سیاسی معترض به استبداد و بی قانونی تحریم شده است. برای گذاراز شرایط بحرانی کنونی و هم پیامدهای وخیم آن، برگزاری یک انتخابات آزاد با شرکت همه جناح های سیاسی ضروری است. برای برگزاری چنین انتخاباتی باید قبل از هرچیز، سیاست‌های ویرانگر درزمینه سانسوررسانه ها، نقض آزادی‌ها ،تهدید، زندان ، شکنجه و اعدام را متوقف کرد.

بنیاد عرصه سوم مدافع و حامی یک جامعه مدنی آزاد، شکوفا وخواهان آزادی همه زندانیان عقیدتی درایران است. و با پشتیبابی از بیانیه کمپین رهایی رهبران جنبش سبز از حصر خانگی، ازهمه آزادی خواهان می‌خواهد که با پیوستن به این کمپین دربرگزاری راه پیمایی سکوت برای پایان دادن به استبداد دینی درایران و برپایی دموکراسی و صلح درکشورشرکت کنند.

برای خواندن متن اطلاعیه سازمان عفو بین الملل از سایت رادیو زمانه بازدید کنید:

http://radiozamaneh.com/news/iran/2012/02/11/10962

برای خواندن متن اطلاعیه 402 نفر ازسایت ایران امروزبازدید کنید:

http://www.iran-emrooz.net/index.php?/news1/35327/

—

به سانسور و کنترل اینترنتی درایران اعتراض کنید

2012-02-16 · Archive ID 772
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=772

عرصه سوم- کنترل اینترنت، سایت ها، ورسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و تویتر درایران بخش مهمی از سیاست سانسورهمه جانبه دولت اسلامی درمحدود کردن دسترسی شهروندان به اخبار و اطلاعات موردنیاز آنهاست. سیاستی که درچند سال اخیر با استفاده از تکنولوژی پیشرفته شدت گرفته و بیش از پیش اعمال می شود. محروم کردن مردم از شبکه اطلاع رسانی خبری در جهان و کنترل ارتباطات الکترونیکی آن‌ها از قبیل شنود مکالمات تلفتی ای میل ها و غیره از جمله موارد نقض حقوق مردم و مخالفت صریح با حق آزادی بیان و نشر عقاید است. مطابق اصل 23 قانون اساسی جهموری اسلامی تفتیش عقاید ممنوع است.

دولت اسلامی برای قطع و کنترل روابط اینترنتی مردم ایران با جهان خواهان به راه اندازی شبکه مجزا وداخلی اینترنت است. سازمان گزارش گران بدون مرز که انجمنی غیر دولتی دردفاع از آزادی اطلاع رسانی است. طرح دولت ایران برای راه اندازی اینترنت ملی را طرحی علیه آزادی بیان و شبکه جهانی گردش اطلاعات دراینترنت می‌داند و آن را درخدمت تشدید سانسور و کنترل شهروندان وب نگار می داند.

درروزهای گذشته سیاست اعمال فشار برفعالیت های اینترنتی قبل از 25 بهمن شکلی آشکار به خود گرفت. و دهها پیام تهدید آمیز برای ایرانیان در داخل و خارج از کشور از جمله فعالین رسانه ای فرستاده شد و به آن‌ها نسبت به «فعالیت‌های غیرقانونی اینترنتی» هشدار داده شد بدون شک اعلام برگزاری یک راه پیمایی سکوت در 25 بهمن در اعتراض به زندانی شدن رهبران جنبش سبز درتشدید سیاست تهدید اینترنتی دولت اسلامی مؤثر بوده است.

در این پیام‌های هشدار دهنده گیرنده گان تهدید می‌شوند که دستگاه امنیتی می تواند با استفاده از مشخصات آنان در صورت اقدام به « فعالیت غیرقانونی» آن‌ها را تعقیب و مجازات کند. سرپیچی از قوانین سانسور اینترنت درایران، کاربران را درمعرض خطر جدی اتهام « اقدام علیه امنیت ملی» قرار می دهد. مقامات حکومتی بیش از این نیز در سال 1389 به رمز شکنی ای میل های شهروندان و فعالین رسانه ای و مدنی اعتراف کرده و به بهانه حفظ امنیت کشور تجاوز به حقوق فردی شهروندان در زمینه فعالیت اینترنتی را مجاز شمرده بودند.

در گزارش سازمان گزارش گران بدون مرز، درباره اینترنت درایران درسال 2010 به نام « ایران دشمن اینترنت» می‌خوانید که اختلال و کندی کار وسانسور پیامک های بخشی از سیاست دولت درسانسور اینترنی است. دراین گزارش می‌خوانید که:

« سرعت اتصال اینترنت پر سرعت در ایران بنا بر تصمیم دولتی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برای استفاده خانگی ۱۲۸ کیلو بایت تعیین شده است. سرعت اصلی در ایران ٥٦ کیلو بایت است. این محدویت "فنی" عاملی است، برای محدود کردن امکان بارگذاری عکس و فیلم، علاوه بر آنکه سرعت کم عملا استفاده از فیلترشکن‌ها را با مشکلات بیشتری مواجه می‌کند. بنا بر داده‌های اتحادیه جهانی مخابرات راه دور (ITU) ایران از نظر ضریب نفوذ در خاورمیانه در رده ششم قرار دارد، اما کندی سرعت اتصال این کشور را در رده ۱۵ قرار داده است. بدتر آنکه، بنا بر آمارهای سازمان سنجش سرعت (SpeedTest) ایران در میان ۱۸۵ کشور جهان از نظر سرعت اتصال در رده‌ی ۱۷٦ قرار دارد.

در روزها اعتراضات خیابانی این سرعت مجاز نیز کمتر می‌شود. جمهوری اسلامی امر اختلال در شبکه ارتباطاتی کشور را درپی اعتراضات به انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد در انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، آغاز کرد. دو روز پیش از انتخابات شبکه ارتباطاتی ارسال پیامک دچار اخلال و سپس قطع شد. سرعت اینترنت بشدت کاهش یافت. در ماه‌های خرداد، تیر و مرداد ۱۳۸۸ به شکل منظم شبکه تلفن‌های همراه در شهرهای بزرگ و به ویژه در مناطق مرکزی شهر تهران که معمولا محل برگزاری تظاهرات‌ها بود، قطع می‌شدند. این شکل سرکوب در سال ۱۳۸۸ و اولین ماه‌های ۱۳۸۹ در هر اعلام تظاهرات خیابانی ادامه داشت.

از تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۸۹ رژیم مجددا اقدام به سانسور گسترده رسانه‌هایی کرد که در باره‌ی تظاهرات ۲۵ بهمن اطلاع‌رسانی می‌کردند اینترنت در این دوره نیز در شهرهای بزرگ چون مشهد، اصفهان و شیراز بشدت دچار اختلال شد. هر امکان اطلاع رسانی که ممکن بود از تجمعات خبر دهد مسدود و یا مورد حمله قرار گرفت.

بازهم بسیاری از سایت‌های مستقل اطلاع‌رسانی و نزدیک به مخالفان تحت حملات شدید قرار گرفتند و در بسیاری از مناطق ایران صفحات جی‌میل، گوگل ریدر و یا صفحه ای‌میل یاهو قابل دسترسی نبودند. اختلال در شبکه تلفن موبایل نیز در بسیاری از مناطق کشور گزارش شده بود، هدف حکومت جلوگیری از تصویربرداری و ارسال آن بر روی شبکه اینترنت است. کلمه "بهمن" هم در این مدت به لیست سیاه کلمات ممنوعه اضافه شده بود. این سناریو به شکل محدودتر در ۱۰ اسفند نیز تکرار شد.»

طبق اصل 25 قانون اساسی جمهوری اسلامی بازرسی و ضبط نامه‌های شهروندان، شنود و پخش مکالمات تلفنی و افشای متن های نوشته شده درتلگراف ها، فاکس وغیره و هرگونه تجسس در محتوای ارتباطات فردی ممنوع است. تنها درمواردی که حکمی قانونی آن را مجاز شمرد، می‌توان محتوای مکتوبات میان افراد متهم را برای تحقیق و زیر نظر یک مرجع قانونی مورد بازرسی قراد داد.

عرصه سوم ضمن محکوم کردن و غیرقانونی خواندن همه روشهای سانسور و کنترل ارتباطات اینترنتی جمعی و فردی شهروندان از همه فعالان مدنی و رسانه ای می‌خواهد که به تهدیدات و هشدارهای حکومت اسلامی در زمینه کنترل و تفتیش عقاید درفضای مجازی اعتراض کنند.

برای خواندن گزارش سازمان گزارش گران بدون مرز از این سایت دیدن کنید:

http://www.rsf-persan.org/article17040.html

—

قانون جدید مجازات اسلامی: تغییر یا فریب؟

2012-02-16 · Archive ID 775
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=775

نعیمه دوستدار

سه هفته پیش، سخنگوی شورای نگهبان درایران، خبرازتایید چند طرح و لایحه داد که قانون مجازات اسلامی یکی از آن‌ها بود. قانون مجازات اسلامی، همواره قانونی مناقشه برانگیز بوده است و بحث و بررسی درمورد آن چند سال است که ادامه دارد. بهار امسال، این قانون باز به شورای نگهبان رفت و دوباره به مجلس برگردانده شد تا ایرادهای شورای نگهبان رفع شود. حالا شورای نگهبان آن را تایید کرده و اخبارمربوط به آن، توجه فعالان حقوق بشر، زنان و کودک، حقوق‌دانان را جلب کرده است. تغییرات این لایحه باعث شده بحث و نظردهی درباره آن دوباره بالا بگیرد

مجازات بحث برانگیز سنگسار که سال‌های زیادی است فعالان حقوق بشر درایران برای لغو آن تلاش می‌کنند. ودرواکنش به آن فیلم‌هایی هم ساخته شده و کارزارهای گوناگونی برای مقابله با آن راه افتاده، اما باردیگر دراین قانون مسکوت مانده است. حذف مجازات اعدام برای مجرمان زیر ۱۸ سال دربرخی جرایم، الزام دولت به پرداخت مابه‌التفاوت دیه زن و مرد در مجازات اعدام مرد و سخت‌گیری‌های بیشتر برای مجازات متجاوزین از تغییرات جدید دراین قانون است.

سکوت یا حذف؟

با این که ایران کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرده بود، که براساس آن‌ها صادرکردن حکم اعدام برای مجرمان زیر ۱۸سال ممنوع است، اما تاکنون بارها حکم اعدام برای مجرمان زیر۱۸ سال صادرشده و به دلیل فشارهای بین‌المللی و مخالفت فعالان حقوق کودک، تنها اجرای اعدام تا بعد از ۱۸ سالگی افراد به تعویق افتاده است. دراین زمینه، تاکنون موارد متعددی از مجازات کسانی که در کودکی و قبل از ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده بودند، اتفاق افتاده که با تقاضای قصاص اولیای دم، در نهایت اعدام شده‌اند و تلاش فعالان حقوق بشر برای توقف اجرای این حکم‌ها ناموفق باقی مانده است.

پیش از این نیز، در سال ۱۳۸۷،مقام‌های قضایی ایران با صدور یک بخش‌نامه، اعدام مجرمان زیر۱۸ سال را ممنوع کردند، اما با توجه به این‌که بخش‌نامه‌ها ضمانت اجرایی ندارند، این ممنوعیت عملا اعمال نشد.

مجازات سنگسار هم از آن دسته مجازات‌هایی است که همواره مورد اعتراض فعالان حقوق بشر قرار می‌گرفت. یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در قانون جدید مجازات اسلامی اتفاق افتاده، ابهامات یا به عبارت بهتر، سکوت درباره مجازات سنگسار است. در قانون مجازات اسلامی جدید، دربخش حدود و دیات، در قسمت زنا، اشاره‌ای به رجم یا سنگسار نشده است. هم چنین درمورد مجازات مربوط هم جنس گرایان که به قانون لواط معروف است، و پیش ازاین حکم سنگسار درمورد آن هم صادر می‌شد، حالا مجازات اعدام در نظر گرفته شده است. حقوق‌دانان و فعالان حقوق بشر معتقدند این تغییرات درقانون گمراه کننده اند.

شروع یا پایان؟

با وجود انتقادهایی که به تصویب قانون جدید مجازات اسلامی می‌شود، بسیاری آن را نتیجه تلاش‌ها و مقاومت سرسختانه تعداد زیادی از فعالان حقوق بشر و حقوق‌دانان می‌دانند که چه در کارزارهای عمومی مانند کمپین مبارزه با سنگسار و چه در شکل مشاوره و رایزنی با نمایندگان مجلس، کوشیده‌اند، قانون را تغییر دهند. درمقابل این خوش‌بینی‌ها، این باورهم وجود دارد که خبررسانی در این زمینه و تصویب این لایحه آزمایشی، در واقع تبلیغ حکومت برای ارائه چهره‌ای مثبت از خود در مجامع بین‌المللی و در بین افکار عمومی و تلاشی برای کم کردن فشارهاست؛ فشارهایی که هر روز به دلیل مشکلات اقتصادی، سیاسی و جهانی، براثر تحریم‌های روز افزون و بحران هسته‌ای، شدیدتر می‌شود.

به باورکارشناسان، قبل از پایکوبی برای هر پیروزی، باید به ابهامات و تناقض‌هایی که در مورد این قانون وجود دارد توجه کرد. نخست آنکه این قانون مانند قوانین گذشته، موقتی است و فعلا تنها برای مدت پنج سال تصویب شده است.

روزنامه گاردین هم در مقاله‌ای به قلم سعید کمالی دهقان، این موضوع را بررسی کرده و نظر کارشناسان را جویا شده است. در این مقاله، "دروری دایک"، محقق عفو بین‌الملل می‌گوید: "این ظواهر ما را نسبت به بهبود قوانین مجازات ایران فریب نخواهد داد. این قوانین هم چنان اجازه سنگسار را می‌دهد. مجرمین زیر سن قانونی

هنوز می‌توانند مشمول مجازات مرگ شوند و مردان و زنان هنوز می‌توانند به دلیل روابط خارج از چهارچوب ازدواج یا هم جنس‌گرایی، به مرگ محکوم شوند... الحاقیه‌های جدید هیچ بهبودی در زمینه سابقه نقض حقوق بشرایران ایجاد نکرده است.

به اعتقاد شادی صدر، حقوق‌دان و فعال حقوق بشر، مواد این قانون تناقضات درونی و متعددی دارند. بحث اعدام کودکان زیر ۱۸سال، یکی از پرتناقض‌ترین بخش‌های قانون مجازات اسلامی است و وضعیت مشابهی درمورد دیه اقلیت‌ها، سنگسار و سن مسوولیت کیفری در این قانون وجود دارد. درقانون جدید، مواد ۱۴۵ و ۱۴۶، سن مسوولیت کیفری را همان سن بلوغ یعنی ۹ سال تمام قمری برای دختر و ۱۵سال تمام قمری برای پسر می‌داند و این همان چیزی است که در قانون قبلی هم وجود داشت. درمورد مجازات اعدام هم می‌شود از این ماده برداشت کرد که اعدام زیر ۱۸ سال حذف شده است که آن هم مربوط به جرایمی می‌شود که مجازات تعزیری دارند، اما در بخشی دیگر در ماده ۹۰، عدم اجرای حکم اعدام در جرایمی که موجب حد یا قصاص می‌شوند، برای افراد بالغ کم‌تر از۱۸سال، منوط به تشخیص قاضی شده است. یعنی در این‌گونه موارد، قاضی باید تشخیص بدهد که کودک ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکرده یا در رشد و کمال عقل او شبهه وجود داشته باشد. به این ترتیب، درنهایت تصویب این قانون باعث ایجاد سردرگمی در محاکم قضایی می شود. البته نباید انکار کرد که در مورد اعدام کودکان زیر ۱۸سال، در مجموع، می‌توان به بخش‌های مثبت قانون امیدوار بود تا بر اساس آن تعداد اعدام‌های زیر۱۸ سال کمتر شود.

در مورد سنگسارهم ابهامات مختلفی وجود دارد. در پیش‌نویس اول لایحه آمده بود که اگر قاضی تشخیص بدهد اجرای سنگسار موجب وهن نظام است می‌تواند حکم را به اعدام تبدیل کند اما شورای نگهبان این نوع استدلال را مخالف شرع تشخیص داد. به نظر می‌رسد به دلیل فشارهای داخلی و بین‌المللی، تنها صورت مساله را پاک کرده‌اند و سنگسار کاملا حذف نشده است.

زنای محصنه، هم چنان جرم است اما مجازاتش مشخص نیست. اگر چه زنای محصنه اصلا در این بخش از قانون مجازات نیامده، ولی این مسئله در مواد مربوط به شهادت، رجم با سنگسار هم چنان مورد بحث است. به این ترتیب، این شیوه بررسی مسأله زنا، نیز مانند موارد اعدام کودکان زیر ۱۸سال، تنها باعث سردرگمی محاکم می‌شود. در این مورد، به اصل۱۶۷ قانون اساسی ارجاع داده شده که آن اصل هم می‌گوید اگر قاضی نتواند حکم یک دعوا را در قوانین مدونه پیدا کند، باید به شرع یا فتاوای معتبر مراجعه کند و باز هم به این ترتیب، در هر شعبه، با استناد به فتواهای مراجع مختلف، حکم متفاوت خواهد بود.

به اعتقاد شادی صدر حقوق دان و فعال اجتماعی ، این موضوع باعث می‌شود قانون، به عنوان امر کلی حاکم در نظر گرفته نشود و منافی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست.

همجنس‌گرایی هم که در ایران با عنوان عمل لواط شناخته می‌شود، پیش از این برای همه افراد درگیر در رابطه، مجازات مرگ داشت. در قانون جدید، فردی که فاعل است، به صد ضربه شلاق محکوم شده (به شرط آن‌که رابطه با رضایت طرفین بوده باشد و متاهل نباشد)، درحالی‌که فرد منفعل همچنان، فارغ از وضعیت تاهلش، به مرگ محکوم است اما نه با حکم سنگسار.

مجموعه این تناقض‌هاست که باعث شده بسیاری تصویب قانون آزمایشی جدید را یک فریب برای جامعه جهانی و فعالان حقوق بشر تلقی کنند و راه مبارزه برای تغییر این قوانین را هم چنان طولانی بدانند.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

راهنمای کارزارخشونت پرهیز

2012-02-20 · Archive ID 779
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=779

بخش سوم

برگردان: نعیمه دوستدار

در دوران معاصر، جنبش‌های مردمی مسالمت‌آمیزکه بدون به کارگیری روش‌های قهرآمیز و خشونت برای دگرگونی جامعه و سیاست تلاش می‌کنند، بخش عمده، پرطرفدار و مشهور جنبش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. برای موفقیت مبارزات صلح‌آمیز، داشتن چهارچوب مشخص و دستورالعمل‌های راه گشا درمراحل مختلف برای مردم و کنشگران اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. درمجموعه‌ای که به تدریج منتشر خواهند شد، با روش‌های موثرو کارآمدتر مبارزه، بدون به کار گرفتن خشونت آشنا خواهید شد.

نزدیک شدن به هم، کم کردن تفاوت‌ها

در ادامه راهنمای مبارزه خشونت پرهیز، این بار به گروه ها پرداخته‌ایم. این‌که یک فعال اجتماعی چگونه باید خود را برای پیوستن به گروه آماده کند و چگونه باید تفاوت‌ها را درنگرش و نحوه فعالیت افراد دریک گروه به رسمیت شناخت. به این معنا، این بخش برای گروه ها نوشته شده است؛ برای جمع هایی که برای یک هدف مشترک گرد هم آمده‌اند یا شبکه هایی که برمبنای یک رابطه دوستانه یا اشتراک دردیدگاهی که نسبت به دنیا دارند، شکل گرفته‌اند. شاید هم برای گروه‌هایی که تنها برای یک مناسبت خاص تشکیل شده‌اند. به خاطرداشته باشید؛ زمانی هم که فردی به تنهایی برای حل معضلی اجتماعی فعالیت می کند ، به حمایت یک گروه نیاز دارد.

گروه‌های قوی که اعضای آن کنارهم می‌مانند، با هم خوب کار می‌کنند و یکدیگر را تقویت می‌کنند، به جنبش‌ها استحکام و قدرت می‌بخشند. به طور کلی یک جمع به شکل‌های مختلفی تشکیل می‌شوند. گروه‌هایی که مفیدتر و موثرترند، معمولا ویژگی‌های مشخصی دارند و نشانه‌هایی از خلاقیت در آن‌ها دیده می‌شود و داشتن برخی ویژگی‌ها آن‌ها را شکوفا می‌کند. این موضوع ناشی از ترکیب خاصی است که در درون یک گروه شکل می‌گیرد و با تعادلی که گروه در میان تمایلات مختلف و استعدادهای گوناگون اعضایش ایجاد می‌کند به‌دست می‌آید. در این بخش، به چشم‌اندازهایی می‌پردازیم که شما ممکن است به عنوان عضوی از یک جمع به آن‌ها فکر کنید. برخی از این چشم‌اندازها داخل گروه مورد بحث قرار می‌گیرند و درباره‌شان تصمیم‌گیری می‌شود و برخی به مرور به تکامل می‌رسند.

تقویت گروه

اولین نکته این است که باید دید افراد چقدر به عملکرد و روش‌های گروه اهمیت می‌دهند. خود این مساله به تنهایی منشا چالش‌های بی‌پایان است. به همین دلیل باید درجمع بین کسانی که ناشکیبا هستند، حوصله بحث ندارند و می‌خواهند سریع دست به عمل بزنند و کسانی که می‌خواهند کارها با نظم بیشتری انجام و هدف‌ها کاملا مشخص شوند، تعادل به وجود بیاید. این گروه دوم همیشه باید برای مطرح کردن یک موضوع در میان عموم، از قبل کاملا آماده شده باشند و آن‌چه را که این جمع می‌خواهد به آن برسد و روش‌های انجام آن عمل اجتماعی را از قبل کاملا بررسی کرده باشند. این دسته از افراد باید بدانند که گروه چطور برنامه‌هایش را تنظیم می‌کند.

به این ترتیب، یک گروه با برنامه کار مشخص باید برای پیدا کردن راه خود، تمام تلاشش را بکند و مسیرش را درمیان افرادی که آن را به سمت خودشان می‌کشند پیدا کند. اگر گروه انرژی زیاد و شور و شوق داشته باشد، گروه‌های زیرمجموعه آن هم ممکن است نقش‌های ویژه‌ای را به‌عهده بگیرند. اگر این جمع از کسانی تشکیل شده که فلسفه سیاسی یا رفتار سیاسی متناقضی دارند، این موضوع را باید در نظر بگیرید.

چه گروه بزرگ و باز باشد چه محدود و کوچک، شما همیشه به آدم‌های تازه نیاز دارید و همه باید احساس کنند می‌توانند به گسترش این جمع کمک کنند. این موضوع، اختلاف فرهنگی درون گروه و رفتارهای تبعیض‌آمیز مرتبط با طبقه اجتماعی، نژاد و جنسیت را کم می‌کند و به گروه قدرت می‌بخشد. هرچند برخورد با این مسائل، خود می‌تواند باعث ایجاد تنش شود، اما برخورد نکردن با آن‌ها، حتی نتیجه بدتری خواهد داشت. در این باره بعدها مثال‌های بیشتری خواهیم زد.

به طور کلی، خوب است که درگروه برای کنار هم نگه داشتن اعضا برنامه‌ریزی کنید. مثلا می‌توانید علاوه بر برگزاری جلسه‌های معمول، نشست‌های دیگری هم برپا کنید تا در آن‌ها، درباره موضوعات متفاوت دیگری گفت‌وگو شود. این نشست‌ها می‌توانند برای تمرکز بر موضوعاتی مانند شیوه به اشتراک گذاشتن مهارت‌ها، توسعه کمپین‌ها یا حتی به شکلی جزیی‌تر، برای بررسی مسائل یک کمپین خاص برگزار شوند. این نشست‌ها بیشتر از فعالیت‌هایی مانند تبلیغات خیابانی و نصب بنر و پرچم و ... موثرند و عملکرد گروه را بهبود می‌بخشند.

کشف تفاوت‌ها

گروهی که شیوه مبارزه بدون خشونت را انتخاب کرده است، از بسیاری جنبه‌ها، از توجه به موضوعات مربوط به مفهوم خشونت پرهیز (شامل شیوه‌های مبارزه بدون خشونت و نتایج آن، ارزش‌ها، رفتارها و هدف‌هایش) سود می‌برد. هرموضوعی که اعضای گروه آن را مهم احساس می‌کنند، باید با توجه به تفاوت‌های افراد حل شود؛ با این هدف که در گروه درک و دیدگاه مشترک ایجاد کند. هرچه اعضا همدیگر را بهتر درک کنند، بهتر می‌توانند برای هدف مشترک گروه تلاش کنند.

مثلا موضوع مبارزه بدون خشونت را در نظر بگیرید. اعتقاد به مبارزه ضدخشونت می‌تواند عامل اتحاد یک گروه باشد. اما دراین زمینه هم همیشه اختلاف‌هایی وجود دارد؛ به خصوص میان کسانی که این روش را برای رسیدن به اهداف خاص و مشخصی انتخاب کرده‌اند و همین‌طور میان آن‌هایی که هدف‌شان از انتخاب این روش، تنها اعتقاد به یک فلسفه ذهنی است. ما معتقدیم در مورد برخی موضوعات، باید اصول کلی تعیین شود اما حتی گروه‌هایی که به مبارزه بدون خشونت تعهد کامل دارند، ممکن است درباره برخی جنبه‌های مثبت یا منفی آن تعصب داشته باشند. همان‌قدر که بحث سازنده درباره این مساله می‌تواند مهیج و الهام‌بخش باشد، مباحثه غلط تنش و ناامیدی را در گروه تشدید می‌کند.

یک راه مطمئن برای کشف تفاوت‌ها، ارزیابی ارزش‌های گروه است. به این شکل که می‌توانید مجموعه‌ای از سوالات را مطرح کنید تا ببینید رفتارها و برخوردهای مختلف نسبت به آن چگونه است. این سوال‌ها با اعضای گروه مطرح می‌شوند و افراد باید به این سوال‌ها در دو محور پاسخ دهند: یکی این‌که به نظرشان آن موضوع خشونت‌آمیز هست یا نه، دیگر این‌که به این سوال پاسخ دهند:«آیا من خودم آن را انجام می‌دهم یا نمی‌دهم؟» بعدها، می‌توان سوال را این گونه تغییر داد که «آیا من می‌خواهم عضو گروهی باشم که این کار را انجام می‌دهد یا نه؟»

سوالی مثل این که «گروه می‌خواهد به چه چیزی برسد»،ممکن است یک جواب ساده داشته باشد، اما هرکدام از اعضای جمع ممکن است خودشان هدف‌های دیگری هم داشته باشند. یادتان باشد فکرها و احساسات مختلفی می‌توانند باعث شوند کسی به یک گروه بپیوندد. بنابراین، این تمرین‌های ساده این فرصت را به افراد می‌دهند تا آن چه را در ذهن دارند به زبان بیاورند.

در مجموع، نمی‌توان چشم اندازهایی را که افراد به خاطر آن وارد یک عمل اجتماعی شده‌اند، تماما کشف کرد. تنها نقطه مشترک آن‌ها این است که خواهان تغییر شرایط هستند. بنابراین نظرات و انتظارات همه یکسان و یک شکل نخواهند بود، بلکه باید تفاوت آدم‌ها را در نگاه به مسائل بفهمیم. مثلا، اگر گروه شما می‌خواهد عملی خطرناک انجام دهد، شما باید برای آماده شدن جمع برای اجرای آن وقت بگذارید. و برخوردهای مختلفی را که هر کدام از اعضا نسبت به این عمل دارند درک کنید. تا بعد بتوانید تصمیم بگیرید که چگونه باید با آن مسئله برخورد کنید.

این‌که تا چه حد مفهوم عملی را که می‌خواهید اجرا کنید بتوانید بفهمید، درانتخاب روشی که برمی‌گزینید، اثر دارد. مفسران، متعارف یا غیرمتعارف بودن یک عمل را تشخیص می‌دهند. البته درنظر بگیرید که شرایط، ممکن است همه این مفاهیم را تغییر دهد. در جامعه‌های بسته، تنها گفتن «ناگفتنی»ها یا «شکستن سکوت» می‌تواند اثرات عظیم، انفجاری داشته باشد. اما در جوامع دیگر، اقداماتی مانند نافرمانی مدنی یا اعتصاب ممکن است، موضوعاتی عادی به حساب بیایند. به این دلیل که بی‌تفاوت‌ها آن عمل را نادیده می‌گیرند، و یا مشارکت‌کنندگان هم به گونه‌ای متعارف با آن درگیرند. برخی تئوری‌های جنبش‌های اجتماعی می‌گویند که عمل‌های اجتماعی خطا یا غلط، گاه مفیدتر از عمل‌های اجتماعی متعارف و غیر متعارف‌اند، چون اثرات مختلف و متنوع آن عمل اجتماعی را در شرایط مختلف به رسمیت می‌شناسند. بنابراین تفاوت‌های موجود در درون گروه شما (مثلا در

برخورد یا دست زدن به اقدامات غیرقانونی) ممکن است ناشی از تحلیل‌های متفاوت درباره مفهوم عمل اجتماعی مورد نظر باشند.

چه می‌خواهید؟

به عنوان یک کنشگر اجتماعی، باید فکر کنید و ببینید از یک گروه چه انتظاری دارید. گروهی می‌خواهید که بتواند عده زیادی از مردم را به خود جلب کند؟ یا جمعی را ترجیح می‌دهید که اعضایش نگرش‌ها و باورهای خود را به اشتراک بگذارند و از آن ها بیانیه‌های قدرتمند بسازند؟ اصلا آیا راهی برای ترکیب این دو وجود دارد؟ به عنوان مثال، آیا می‌توانید عضو یک گروه قومی باشید که مفهوم مبارزه بدون خشونت را در یک کمپین گسترده و فراگیر دنبال می‌کند؟

توجه کنید! تا زمانی که گروه دست به عمل نزند، شما نخواهید فهمید که تا چه حد می‌توانید اثرگذار باشید. گروه‌ها معمولا تا زمانی که وارد عرصه عمومی نشده‌اند، امکانات و قابلیت‌های‌شان را نشان نمی‌دهند. به عنوان مثال، تنها 14زن درتظاهرات «لاس مدرس دلا پلازا دی مایو»ی بوئنوس آیرس شرکت کردند. آنها زمینه ساز تغییرات بزرگی درجامعه آرژانتین شدند. بسیاری ازجنبش‌های دیگر، وقتی شروع به کار کردند از این هم کوچک‌تر بودند. اما برخی از مبارزات کوچک و ساده، اثرات بزرگی برجا گذاشته‌اند.

یک گروه معتقد به مبارزه بدون خشونت، باید از مجموعه اقدامات خود آگاه باشد، حسی قوی نسبت به هدفش داشته باشد و قدرت تحلیل شرایطی را که در آن قرار دارد، داشته باشد. این راهنما در ادامه، اقدامات لازم در راه آماده شدن برای یک عمل اجتماعی، ایجاد یک کمپین و شیوه ارزیابی آن‌چه انجام داده‌اید را در اختیارتان می‌گذارد.

منبع:

Titel : Handbook for non violent campaigns

Autors: Howard Clark, Javier Gárate, Joanne Sheehan, Dorie Wilsnack. 2009

—

کانون مستقل وکلا وشش دهه مبارزه برای استقلال قضایی درایران

2012-02-27 · Archive ID 784
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=784

عرصه سوم- هفتم اسفند ماه برای حقوق دانان، وکلا ومشاوران قضایی درایران روزی مهم و تاریخی است. روزی که در 58 سال پیش کانون مستقل وکلای ایران برپا شد. تاسیس این کانون در 1333 در پی مبارزات پیگیر گروهی ازحقوق دانان برجسته آن دوران گام مهمی درایجاد نهادهای مدافع حقوق افراد و تلاش برای گسترش عدالت اجتماعی به همه مناطق کشوربود.این کانون دردهه های گذشته برای حفظ استقلال حقوق دانان و دفاع از حقوق موکلان درایران تلاش کرده است.

کانون وکلای دادگستری یکی ازاولین وقدیمی ترین سازمان های مردم نهاد درایران است. این بنیاد ازجمله درزمینه ارائه مشاوره حقوقی رایگان و آشنا کردن مردم با حقوق فردی و اجتماعی خود و دفاع از افرادی که توان مالی برای گرفتن وکیل ندارند فعالیت کرده است. کانون وکلا در طول حیات خود با محدودیت‌ها و فراز و نشیب های متعددی روبرو بوده و فشار و کنترل دولتی چه دردوران پهلوی و چه پس از تاسیس جمهوری اسلامی این نهاد را دراجرای وظایف خود با مشکلات متعددی درگیرکرده است. بسیاری از حقوق دانان ایرانی عضو کانون به عنوان مجریان قانون با قوانین تبعیض آمیز، هم کارشکنی و اعمال نفوذ مسئولان دولتی روبرو بوده وهستند.

وکلای بسیاری درزمینه حقوق بشر، تغییرقوانین تبعیض آمیز، و یا درمبارزه علیه مجازات های غیرانسانی مانند سنگسار، اعدام کودکان و نوجوانان، قوانین موجود را به چالش کشیده و فعالیت‌های متعددی را درداخل و خارج

از کشوربه راه انداخته اند. جمله می‌توان به شیرین عبادی، شادی صدر، آسیه امینی، یوسف مولایی، خلیل بهرامیان، محمد رضا فقیهی و محمد مصطفایی اشاره کرد. برجسته‌ترین مدافعان مردم دردستگاه قضایی درسالهای اخیر اغلب به خاطر فعالیت های حقوقی و دفاع از موکلان خود بازداشت و تهدید شده وهم درموارد دیگری مانند نسرین ستوده، عبدالفتاح سلطانی، محمد سیف زاده و جاوید هوتن کیان به خاطر انجام وظایف خود در دفاع بی قید و شرط از موکلان خود محکوم شده و اکنون زندانی هستند

کمپین استقلال کانون وکلا

از پیامدهای اسف بار آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال 1388 تصویب متنی با عنوان «اصلاح آیین نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلا» بود. آیین نامه‌ای که درواقع عملا آزادی فعالیت و استقلال وکلا را از بین می برد. دراعتراض به این اقدام غیر قانونی ووضع کردن قوانینی که نقش حقوق دانان را در اجرای وظایف خود دردفاع از موکلان عملاً خنثی و ناممکن می‌کرد. گروهی از وکلا برآن شدند تا با براه انداختن کمپین : «استقلال کانون وکلا» به این اقدام غیرقانونی و تبعیض آمیز اعتراض کنند. آنان با حمایت و عضویت دراین کارزارمدنی دربرابردخالت مقامات حکومت درامردادخواهی واز بین بردن آزادی شغلی شان ایستادند. کمپینی که در طول چند روز از طرف بسیاری از حقوق دانان درسراسرایران حمایت شد.

حق داشتن یک دادرسی عادلانه و گرفتن وکیل ازحقوق اولیه هرانسان درجهان معاصر است. به همین دلیل برطبق بند 14 از سند هشتمین گنگره سازمان ملل که تحت عنوان « اصول اساسی و نقش وکلا» درسال 1990 تصویب شده است. درتاکید بر نقش اصلی وکلا و لزوم دسترسی همه افراد به خدمات حقوقی و هم بر حق بدیهی حقوق دانان در تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای موردنیازشان تأکید شده است. طبیعی است که هر نهاد حقوقی در زمینه دفاع از حقوق شهروندان باید ازاستقلال نظر و عمل برخورداراباشد. بر طبق ماده یک لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب 1333 مجلس شورا، کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای مستقل از سازمان های دولتی است. اما با گذشت بیش از پنج دهه از فعالیت این کانون، رییس قوه قضاییه اسلامی دراقدامی ناگهانی درسال 1388 با تصویب آیین نامه‌ای خارج از اختیارات قانونی ایشان، عملاً استقلال کانون وکلا را منتفی، مشروط و تحت کنترل قرارداد. یکی از پیامدهای اصلی و ویرانگر این مصوبه از بین بردن امکانات فعالیت مستقل و ایجاد ناامنی شغلی برای وکیلان و نقض حقوق شهروندان درداشتن حق ابتدایی استفاده از خدمات قضایی این کانون است.

ازجمله اقدام‌های این کمپین ارسال نامه سرگشاده به هیئت مدیره کانون وکلای مرکز بود که در طی دوروز 159 نفر از وکلا آن را امضا کردند. دراین نامه آنان خواهان مقاومت دربرابراجرایی شدن آیین نامه غیرقانونی مصوب رئیس قوق قضاییه و ابطال آن شدند. تهیه بروشور برای آگاهی رسانی به همکاران و شهروندان ازفعالیت های دیگراین کمپین بود. دراین بروشوربا تشریح سوابق فعالیت کانون وکلا و اهمیت وجود آن درجامعه مسائل مربوط به تعرض به استقلال کانون توضیح داده شد.

در سایت این کمپین از زبان یکی از حقوق دانان به نام افروز معزی درگزارشی که درتابستان سال گذشته منتشر شده است می‌خوانیم که :

"پس ازتوقف اجراي آيين نامه جديد لايحه قانون استقلال كانون وكلاي دادگستری توسط قوه قضائيه كه نشانگر شنیدن صدای اعتراض جامعه و وکلا بود تلاش های کمپین متوقف نشد. در اولین گام پس از تعویق آیین نامه، کمپین اقدام به تدوین پیمان نامه نمود و درآن اهداف و برنامه های کمپین برای ادامه فعالیت مشخص نمود. این موارد شامل اطلاع رساني و حساس سازي جامعه و وكلا درخصوص جايگاه وكيل و اهميت استقلال آن، تقويت ارتباط مستمر ميان وكلا، حمايت همه جانبه از وكلا، تلاش در جهت بهبود و اصلاح عملكرد كانون وكلا، ارتباط با ساير نهادهاي جامعه مدني در سطح داخلي و بين المللي، كوشش در جهت اصلاح و تدوين قوانين مرتبط با استقلال وكيل و كانون وكلا، فعاليت همه جانبه براي انتخاب نمايندگان واقعي جامعه وكالت و نظارت بر عملكرد آنها در نظر گرفته شد. در انتخابات کانون وکلای مرکز فارغ از بحث انتخاب شوندگان به رد صلاحیت گسترده نامزدهای انتخاباتی اعتراض نموده و درطول انتخابات نسبت به جمع آوری امضا از وکلا دراین خصوص اقدام نمودیم خوشبختانه امضاهای جمع آوری شده به بیش ازهزارامضا رسید که نماد بارزی از اعتراض وکلای دادگستری به نظارت قوه قضائیه در انتخابات کانون وکلای دادگستری است. تا کنون چندین بیانیه و نامه

دراعتراض به مواردی چون تعویق مجدد آیین نامه مذکور بدون آن که درخصوص آن تعیین تکلیف قطعی شود و بازداشت همکارانمان منتشر کرده ایم. ما تا زمانی که وکیل و کانون وکلا به استقلال واقعی خود دست نیابد همچنان به فعالیت خود ادامه می دهیم و مطمئنیم اتحاد وکلا می تواند راهگشای راههای بسته باشد. امید که دراین راه درکنار ما باشید."

بسیاری ازوکلایی که در سال‌های اخیر بازداشت و زندانی شده‌اند تنها به خاطر دفاع ازافراد بی پناه و آسیب دیده درجامعه، یا کنشگران حقوق بشر، فعالان قومی، دینی و یا جنبش برابری خواهی زنان به زندان افتاده اند. برطبق گزارش‌های کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران از خرداد ماه سال 1388 تا کنون حداقل 42 وکیل تنها به دلیل دفاع از موکلان خود و اجرای قوانین مورد تعقیب قضایی قرارگرفته اند. وهم با تهدید و محکومیت به زندان روبرو شده اند.

کانون بین‌المللی وکلا(IBA) و اکثر نهادهای حقوق بشردرجهان بارها به سیاست کنترل و فشار جمهوری اسلامی درمورد کانون مستقل وکلای دادگستری اعتراض کرده اند. درشرایط کنونی نهادهای داخلی و بین‌المللی مدافع حقوق بشر وهم سازمان های مستقل حقوق دانان دردنیا موظف اند تا برای آزادی حقوق دانان زندانی درایران وهم فعالیت مستقل کانون وکلای دادگستری، ازطریق مراجع بین‌المللی اقدام کرده و برای آزادی آنان تلاش کنند.

برای اطلاعات بیشتر به سایت‌های زیر مراجعه کنید:

1) کمپین بین‌المللی حقوق بشر

http://persian.iranhumanrights.org/1390/12/bar_association/

2) کمپین استقلال کانون وکلا

http://baindependence.blogspot.com/

—

مردم درانقلاب: ازمشارکت همگانی تا مشارکت نهادینه شده

2012-02-28 · Archive ID 787
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=787

عرصه سوم-رضا حاج حسینی: نهادهای غیردولتی درایران با جنبشمشروطیت همزادند، امابخشی ازبنیادها وسازمان های مردمی مستقل که به گواهی تاریخ، از زمان کودتای ۲۸مرداد سال۱۳۳۲ خورشیدی، براثر سرکوب و خفقان، تبدیل به گروه های زیر زمینی و یا غیرعلنی شدند، درسال‌های قبل از پیروزی انقلاب ودر بهمن‌ماه سال۱۳۵۷، شکلی عیان‌تر یافتند و دربه حرکت درآوردن اقشار مردم بسیارمؤثر بودند.اما ازآن زمان به بعد اغلب این نهادها و شبکه‌های نو بنیاد نتوانستند درشرایط خفقان و کنترل درحکومت اسلامی به کار و فعالیت خود ادامه دهند.

بر اساس اسناد مکتوب و مشاهدات عینی، درروزهای انقلاب بهمن، همکاری مردمی بسیارچشم‌گیربود و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که گستره‌ای ازانواع مبارزات مسالمت جویانه و خشونت آمیزرا دربرمی‌گرفت، باعث به ثمررسیدن این تلاش‌ها شد. همراهی وهم‌سویی مردم درسال‌های جنگ ایران و عراق نیز ادامه پیدا کرد. اما پس از پایان جنگ، با بزرگ‌شدن و پررنگ‌تر شدن هرچه بیش‌تر نقش دولت، فعالیت‌های سازمان‌های مردمی کم‌رنگ تر شدند.

با برگزیدن سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور پس ازانتخابات خردادماه سال۱۳۷۶ توجه به سازمان‌های مردمی که حال به نام NGO یا "سازمان‌های مردم‌نهاد" شناخته می‌شدند، دردستورکاردولت قرارگرفت. به گفته کارشناسان، ویژگی بارزاین مقطع، رویکرد به گفتمان دموکراتیک و تلاش برای ساختن یک جامعه مدنی مقتدربود.هرچند اکثر فعالیت‌های پا گرفته دردوران خاتمی با روی کار آمدن دولت نهم وریاست‌جمهوری محمود

احمدی‌نژاد با محدودیت‌های شدیدی مواجه شدند وباردیگر حاکمیت برای زیرنظرگرفتن و کنترل همه عرصه های جتماعی آماده شد. به این ترتیب فعالیت‌های خود جوش مردمی که از زمان انقلاب با فراز و فرودهایی ادامه پیدا کرده بود، به شکل چشم‌گیری کاهش یافته است.این گزارش تلاش کرده است تا نگاهی داشته باشد به برخی ازانواع مشارکت و فعالیت‌های مردمی در زمان انقلاب.

فعالیت اجتماعی - سیاسی درروزهای انقلاب

از میان گروه‌هایی که دردوران انقلاب، فعالیت های سازماندهی شده می‌کردند و درمیان عموم مردم نفوذ داشتند، می‌توان به "انجمن‌های اسلامی" اشاره کرد. این انجمن‌ها قبل ازپیروزی انقلاب، ازاوایل دهه۲۰ شمسی فعالیت‌شان را آغاز کرده بودند و دردوره های بعد به تعداد آن‌ها افزوده شد. مانند انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران که توسط مهندس مهدی بازرگان وهم‌فکران او برپا شده بود. قبل از انقلاب ۱۳۵۷این انجمن‌ها با برگزاری جلسات مختلف در دانشگاه و بیرون از دانشگاه، از جمله در مسجد هدایت، به تبلیغ ایده‌های خود علیه حکومت پهلوی می‌پرداختند. برخی دیگراز شبکه های فعالان اجتماعی در دوران انقلاب را گروههای چپ با ایدئولوژی مارکسیستی تشکیل میدادند که خواهان گسترش فعالیت‌های مردمی در راستای سیاست سازمان های سیاسی چپ بودند.

اما پیروزی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و اعلان سیاست حقوق بشر از سوی رهبران آن کشور و به‌دنبال آن باز شدن تدریجی فضای سیاسی در ایران، بار دیگر این امکان را فراهم کرد کهگروه‌های منتقد و خواهان تغییرات سیاسی آزادی بیشتری برای تحرک و فعالیت گروهی داشته باشند.یکی از مهم‌ترین تشکل‌های مردمی درحوزه فعالیت‌های مدنی که ازهم آن دوره آغاز به‌کار کرد، "انجمن ایرانی دفاع از حقوق بشر" بود که توسط مهندس بازرگان ودیگرهم‌فکران او درنهضت آزادی تشکیلشده بود.

مجموعه این اتفاق‌ها، سازوکارهای مسالمت‌آمیزی را سامان داد که درزمان روی کارآمدن حکومت جدید درایران، بدون شک یکی از دلایل انتخاب مهندس بازرگان به‌عنوان نخست وزیر دولت موقت بود.دولت بازرگان اما با حرکت‌های رادیکال و انقلابی در ماجرای گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهرانسرسازگاری نداشت و سرانجام مجبور به استعفا شد.

فعالیت در مساجد

یکی ازمکانهایی که درروزهای منتهی به انقلاب ودرزمان جنگ ایران وعراق از آن به عنوان محلیبرای گردهمایی‌های اجتماعی و سازماندهی‌های لازم استفاده می‌شد، مساجد بودند. دردورانانقلاب، از آن‌جا که بسیاری از روحانیان، منتقد حکومت بودند؛ مساجد محلی برای سازمان‌دهی راهپیمایی‌ها، تجمعات و مبارزات بود. این فعالیت ها درزمان جنگ هم ادامه پیدا کرد.اولین گروه‌های بسیج، درمساجد شکل گرفت. از آن زمان به بعد، مساجد کارکرد حکومتی پیدا کردند ووجهه مردمی آن‌ها بتدریج کم‌رنگ‌تر شد. به این ترتیب نهادی که قبل از انقلاب محلی برای انتقاد و مبارزه با حکومت بود، نقش مهمی درحاکمیت جدید به دست آورد و عرصه را از منتقدان خالی کرد. این امکان که مردم بتوانند در مسجدها فعالیت‌های مستقل درزمینه‌های دیگر اجتماعی و بدون دخالت حکومت بکنند، هم از میان رفت.حکومت اسلامی خود را برآمده از مساجد می‌داند و مساجد جایگاهی مقدس درجامعه دارند. افزون برآن، حاکمیت رسالت خود را هم الهی می‌داند و نقد نظام اسلامی راهم برنمی‌تابد. درایدئولوژی رسمی دولتی، مسجد پایگاهی برای بسیج مردم علیه دشمنان و فعالیت‌های مذهبی است و به همین علت نسبت به سایرفعالیت‌های اجتماعی درمساجد حساسیت و کنترل شدیدی اعمال می‌شود.و همه فعالیت هایی که با سیاست دولت در این زمینه مغایر باشند، باطل و ممنوع است. این طرز فکر به فاصله کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اعمال شد و پس از فراز و فرودهایی، درحال حاضر با شدت و حدت بیش‌تری پیگیری می‌شود. در شرایط کنونی، فعالیت‌های اجتماعی درمساجد با نظارت و کنترل بر اساس مشارکتگروهایی از مردم و اغلب طرفداران دولت سامان می یابد.

انقلاب و سازمان‌های غیردولتی

پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲بهمن ماه سال۱۳۵۷ اما تغییرات اساسی در ساختار سیاسی ایران به‌وجود آورد. مریم علی‌نژاد، کارشناس ارشد مدیریت سازمان‌های غیردولتی در این‌باره معتقد است: "بروز نشانه‌هایی از

گفتمان دمکراتیک به‌جای گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و انتخاب ساختار جمهوری از سوی رهبران انقلاب برای شکل نظام، همه بیانگر سرآغاز جدیدی در حیات سیاسی معاصر ایران و فراهم شدن زمینه برای تکوین نهادهای غیردولتی درساختار اجتماعی و سیاسی ایران بود.”

از زمان پیروزی انقلاب تا درگذشت آیت‌اله خمینی، شرایط خاص و ویژه‌ای بر فعالیت سازمان‌ها، گروه‌ها و دسته‌هایی که کاراجتماعی و سیاسی می‌کردند، حاکم شد. خانم علی‌نژاد با تحقیقی که دراین مورد انجام داده، معتقد است: “این دوران یازده ساله، با پیروزی انقلاب و تدوین قانون اساسی آغاز شد که درآن حقوق و آزادی‌های فردی به رسمیت شناخته شد و تشکیل اجتماعات و احزاب را آزاد اعلام کردند. در چنین فضایی، مشارکت عامه مردم در گسترده‌ترین شکل در جامعه وجود داشت. اما این مشارکت نه سازمان یافته و قاعده‌مند، بلکه توده ای و ملهم از اندیشه های مذهبی بود. حاکم بودن چنین شرایطی بر جامعه سبب شد تا در ماه‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب، سازمان‌های غیردولتی به وجود آمده، رسالت اصلی خود یعنی سازماندهی مشارکت مردم را یا فراموش کنند یا مجالی برای تعقیب آن پیدا نکنند. به همین دلیل سازمان‌های اخیر بسیار زود کارکرد اصلی خود را فراموش کرده و رویکرد خیریه‌ای یا تعقیب و تحقق اهداف خاص را دنبال کردند“.

اولین مدافعان حقوق بشر

یکی از گروه‌هایی که در روزها و سال‌های اول انقلاب، فعالیت‌های مدنی چشم‌گیری در حوزه دفاع از حقوق زندانیان و حقوق بشر داشت، “جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر” بود. این جمعیت دوسال پیش از پیروزی انقلاب، در دسامبر سال ۱۹۷۷ میلادی فعالیت خود را آغاز کرد.در این زمان۲۹تن از استادان دانشگاه، نویسندگان و حقوقدانان، از جمله عبدالکریم لاهیجی و بعضی از رهبران سیاسی، در نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد، تأسیس “جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر” (AIDLDH) را اعلام کردند و لاهیجی به عنوان عضو هیأت اجرایی و سخنگوی این جمعیت انتخاب شد. در زندگی‌نامه آقای لاهیجی آمده است: “او جزو هیأت چهار نفری حقوقدانان تهیه کننده نخستین طرح قانون اساسی بود.به عنوان مسئول جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر،پس از نخستین اعدام‌ها توسط رژیم اسلامی به اعتراض پرداخت و خواستار محاکمه عادلانه و علنی برای همه زندانیان سیاسی شد او.وکالت دو تن از کادرهای فداییان و مجاهدین خلق را که دستگیر شده بودند در دادگاه انقلاب پذیرفت.در اسفندماه سال۱۳۵۷ و فروردین‌ماه سال۱۳۵۸، دو بار از زندان قصر بازدید کرد و پس از گفت‌وگو با زندانیان، گزارشی درباره وضعیت نابسامان زندان و مطالبات زندانیان به وزیر دادگستری تسلیم نمود. در سخنرانی‌ها، مقاله‌ها و مصاحبه‌های متعدد، مخالفت خود را با قانون اساسی ساخته و پرداخته مجلس خبرگان، اظهار نمود و از پیش اعلام کرد که در رفراندوم تصویب قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری شرکت نخواهد کرد.بر اثر این فعالیت‌ها محل جمعیت حقوق بشر در آبان‌ماه سال۱۳۵۹ به اشغال سپاه پاسداران درآمد.

توجه به مسائل مربوط بهحقوق بشر در روزهای پرتلاطم پس از پیروزی انقلاب، بیشتر از جانب افرادصاحب نام و تاثیرگذار شکل گرفت. درسال های اخیر فعالیت های حقوق بشری درایران به جنبشی سازمان یافته تبدیل شده است. نقش شبکه های مردمی و کنشگران مدافع حقوق بشردرایجاد گفتمان دموکراتیک و آموزش مسائل حقوق بشری در ایران در دودهه گذشته بسیارحائزاهمیت است.

اما متأسفانه با وجود گذشت ۳۳سال از انقلاب، سیاست مداران حکومت اسلامی هم‌چنان تمایلی برای نهادینه کردن فرهنگ کار جمعی ، آزادنهو تشویق مردم به فعالیت‌های منسجم دواطلبانه درایجاد شبکه‌های مردمی مستقل از حکومت ندارند و درمقطع کنونی بیش ازهر زمان دیگری خواهان کنترل همه فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد وهرچه بیشتر محدود ماندن نقش مردم درشبکه‌های آزاد اجتماعی هستند.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

تشدید سرکوب دگراندیشان درآستانه انتخابات مجلس

2012-02-28 · Archive ID 789
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=789

عرصه سوم- درآستانه نهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در 12 اسفند سازمان عفو بین الملل دربیانیه ای که درآخرین روزماه فوریه منتشرکرده است ازتشدید سرکوب مخالفان سیاسی، فعالان اجتماعی و روزنامه نگاران ابرازنگرانی کرده است. درمتن فارسی این گزارش که برروی سایت ایران امروز چاپ شده است، عفو بین الملل از پوچ بودن ادعاهای دولت ایران درحمایت از جنبش های مردمی درخاورمیانه می‌نویسد. از گسترش سیاست بگیر و ببند حکومت اسلامی درشرایطی که دگراندیشان درکشورازهرگونه آزادی اجتماعی و سیاسی محروم هستند و گروهی از روزنامه نگاران و اعضای خانواده‌های آنان، وهم دانشجویان، وکلا، سینماگران وغیره با اتهامات واهی زندانی و یا وادار به اعترافات ساختگی شده اند.

درآستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی که از طرف اکثریت جناح های مخالف سیاسی تحریم شده است، حکومت اسلامی با وحشت از تحریم انتخابات توسط مردم و برای جلوگیری ازگسترش ارتباطات و گردش اطلاعات به سیاست سانسور و کنترل اینترنت و ارتباطات الکترونیکی بیش از پیش ادامه داده و به گفته مقامات مسئول پلیس سایبری در تدارک برقراری محدودیت‌های شدیدتری برای کاربران اینترنی درایران است.

متن کامل گزارش سازمان عفو بین الملل را دراینجا می خوانید:

«عفو بین‌الملل
بیانیه مطبوعاتی

ایران: گزارش تازه افزایش شدید سرکوب مخالفان را نشان می‌دهد

عفو بین الملل امروز گفت: در آستانه انتخابات مجلس در این هفته درایران سرکوب آزادی بیان به شدت اوج گرفته است.

گزارش ۷۱ صفحه‌ای «دستور داریم تو را له کنیم»: سرکوب رو به گسترش مخالفت‌ها در ایران شرح می دهد که چگونه در پی اعتراض‌های بهمن ۱۳۸۹ به فراخوان رهبران مخالفان، میرحسین موسوی و مهدی کروبی، دولتمردان ایران با به راه انداختن موجی از دستگیری در ماه های اخیر به طور منظم بر سرکوب عملی و قانونی مخالفان افزوده اند.

عفو بین الملل گفت که تداوم سرکوب، پوچ بودن ادعای ایران در حمایت از اعتراض درخاورمیانه و افریقای شمالی را به خوبی به نمایش می گذارد.

آن هریسون، نایب رییس موقت بخش خاورمیانه و افریقای شمالی عفو بین الملل گفت: «در ایران امروز انجام هر کاری که ممکن است در خارج از دامنه رو به گسترش محدوده تنگ امور اجتماعی یا سیاسیِ مورد پذیرش دولتمردان قرار بگیرد، می تواند خطرساز باشد.»

«هر کاری، از تشکیل گروه اجتماعی در اینترنت تا تشکیل یک سازمان غیردولتی یا عضویت در آن، یا ابراز مخالفت با وضعیت موجود، می‌تواند کسی را به زندان بیندازد.»

«این کارنامه وحشت آور حقیقتا دورویی حکومت ایران در تظاهر به همبستگی با معترضان درمصر، بحرین و کشورهای دیگر منطقه را به نمایش می‌گذارد.»

این گزارش نشان می دهد که درماه های اخیر گروه های مختلفی از جمله وکلا، دانشجویان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی و خویشاوندان آنها، اقلیت های دینی و قومی، سینماگران و کسانی که با خارج و به ویژه رسانه های خارجی ارتباط دارند، در موجی از دستگیری ها قربانی شده‌اند.

رهبران مخالفان، میرحسین موسوی و مهدی کروبی ـ نامزدهای مغلوبِ انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ ـ از بهمن ۱۳۸۹ عملا در حبس خانگی به سر می برند. همسر مهدی کروبی در تیر ۱۳۹۰ آزاد شد، اما زهرا رهنورد، همسر میرحسین موسوی، هنوز به همراه همسرش درحبس خانگی است.

در آستانه انتخابات مجلس در روز ۱۲ اسفند، وضعیت بدتر شده است.

این سرکوب رسانه‌های الکترونیکی را، که از نگاه دولتمردان تهدید جدی به شمار می روند، نیز هدف گرفته است. در دی ماه، یکی از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی گفت گوگل موتور جستجو نیست بلکه «ابزار جاسوسی» است. در همان ماه، پلیس سایبری که اخیرا تشکیل شده اعلام کرد که صاحبان کافی نت ها باید دوربین مدار بسته داخلی نصب کنند و پیش از فراهم کردن امکان استفاده از کامپیوترها اطلاعات هویتی کاربران را ثبت کنند.

مهدی خزعلی، وبلاگ نگار، در ماه جاری گویا به اتهام های «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «توهین به مقامات» به چهار سال و نیم زندان و در پی آن ۱۰ سال تبعید و جریمه نقدی محکوم شد. روشن نیست که «تبعید» او باید در زندان سپری شود یا خیر.

او که در سال ۲۰۱۱ بازداشت و با وثیقه آزاد شده بود، در ژانویه ۲۰۱۲ [دی ماه ۱۳۹۰] دوباره دستگیر شد. وی در زندان اوین تهران در بازداشت و بیش از ۴۰ روز است که در اعتراض به بازداشت خود در اعتصاب غذا به سر می برد و نگرانی در باره وضع سلامتی او افزایش یافته است.

اذیت و آزار، دستگیری و زندانی کردن مدافعان حقوق بشر، از جمله گروه های مدافع حقوق زنان، نیز تشدید شده و چندین سازمان غیردولتی تعطیل شده اند.

عبدالفتاح سلطانی، عضو بنیانگذار کانون مدافعان حقوق بشر، در شهریور دستگیر شد و در انتظار نتیجه محاکمه خود به اتهام هایی شامل دریافت یک جایزه بین المللی حقوق بشری در زندان اوین به سر می برد. او را تهدید به صدور حکم ۲۰ سال زندان کرده اند.

فشار بر صاحبان نظریات مستقل به خارج از ایران گسترش یافته است.

اوایل ماه جاری، بی بی سی اعلام کرد که اعضای خانواده های بخش فارسی آن قربانی اذیت و آزار شده اند، ازجمله یک نفر از آنها در دی ماه دستگیر شده و دربازداشت انفرادی به سر می برد و گذرنامه های افراد دیگری ضبط شده است.

عفو بین الملل گفت که حمله به منتقدان در چارچوب وخیم تر شدن عمومی وضع حقوق بشر در ایران انجام می گیرد.

تعداد اعدام های انجام شده در انظار عمومی در سال ۲۰۱۱ چهار برابر سال ۲۰۱۰ بوده است. عفو بین الملل گفت دولتمردان از این روش برای ایجاد وحشت در جامعه استفاده می کنند.

گمان می رود صدها نفر، اغلب به اتهام جرایم مواد مخدر، درسال گذشته به اعدام محکوم شده اند. ایران هنوز به اعدام مجرمان نوجوان ادامه می دهد و حقوق بین المللی این کار را به تاکید ممنوع کرده است.

عفو بین الملل از جامعه بین المللی خواست تا مانع از آن شود که کشمکش برسر برنامه هسته ای ایران یا دیگر رویدادها در منطقه، این جامعه را از اعمال فشار بر ایران برای رعایت تعهدات حقوق بشری خود باز دارد.

عفو بین الملل به طور مشخص از شورای حقوق بشر سازمان ملل با تاکید خواست که ماموریت گزارشگر ویژه ایران را در ماه مارچ تمدید کند.

آن هریسون گفت: «توجه عمده ای که از قرار معلوم در محافل دیپلماتیک به برنامه هسته ای به قیمت نادیده گرفتن حقوق بشر وجود دارد، برای ایرانیانی که با این میزان از اختناق روبرو هستند می تواند دلسرد کننده باشد.»

«کشورهایی که با دولت ایران سروکار دارند نمی توانند مسئولیت های خود را نسبت به مدافعان حقوق بشر، فعالان سندیکایی، اقلیت ها، و روزنامه نگاران شجاع ایرانی نادیده بگیرند.»

برای خواندن این گزارش به انگلیسی ازسایت سازمان عفو بین الملل بازدید کنید:

http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/002/2012/en/2b228705-dfba-4408

—

جامعه مدنی ایران درآینه اخبار

2012-03-01 · Archive ID 791
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=791

مهم‌ترین عناوین دربررسی هفتگی:

- اعتصاب غذا، خطرمرگ زندانیان عقیدتی

- فراخوان مخالفان : مردم انتخابات را تحریم کنید

- درخواست برگزاری انتخابات آزاد وعادلانه

- ارسال پارازیت و ایجاد اختلال ممنوع

- سناریوی تازهی دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی ایران برای اعتراف گیری از فعالان رسانه ای

- اعمال محدودیتهای تازه بر شبکه اینترنت

- تشدید فشار بیشتر بر بهاییان

- شصت درصد از کارگران زیرخط فقراند

- تشدید محدودیت ناشران

عرصه سوم - دربررسی اخباراین هفته نمی‌توان درباره وقایع مهم نوشت وبه موفقیت شادی آفرین اصغر فرهادی، کارگردان نام آشنای ایرانی، اشاره‌ای نکرد. دریافت جایزه اسکار برای «جدایی نادر از سیمین» وسخنان صلح جویانه وهوشمندانه اصغرفرهادی درهنگام دریافت این جایزه ایرانیان را درسراسر جهان خوشحال و مفتخر کرد.

از سوی دیگرهرچه به انتخابات مجلس شورای اسلامی درایران نزدیک‌تر می‌شویم، فشارها برجامعه مدنی در کشورافزایش می یابد. در روزهای اخیر دهها کوهنورد درسنندج بازداشت شده اند، ناشران تحت نظر قرارگرفته و زندانیان عقیدتی با تبعیضات بیشتری مواجه اند.
کمتر از یک روز به انتخابات مجلس ایران باقی است، اما حال و هوای فضای اجتماعی درایران رفته رفته تهاجمی‌تر و نظامی‌تر می‌شود. قراراست درروزانتخابات، یعنی جمعه دوازدهم اسفند، ۸۵۰۰۰ نیروی بسیجی خیابان‌های شهرهای ایران را اشغال کنند و در همین حال اخبارحمله نظامی احتمالی به ایران روز به روز بیشتربه گوش می‌رسد (برای اطلاعات بیشتر می‌توانید این برنامه شبکه الجزیره را تماشا کنید.)

- سالروز تاسیس کانون وکلای دادگستری

یک شنبه هفتم اسفند ماه سالروز تاسیس کانون وکلای دادگستری بود. اگر به آمار بازداشتی‌ها، دستگیری‌ها و بدرفتاری‌های حکومت با وکلای ایرانی نگاهی بیندازیم متوجه می شویم که وکیل بودن درکشورما شغلی پردردسر و حتی خطرناک است. بسیاری از وکلا درسال های اخیر تنها به جرم دفاع ازحقوق انسانی موکلان خود

بازداشت شده و تنی چند هم به زندان های درازمدت محکوم شده اند. بنیاد عرصه سوم به تک تک وکلایی که شجاعانه برای پاسداری از حقوق دیگران درتلاش وبه همین خاطر تهدید ومحبوس شده اند درود می‌فرستد وازهمه آزادی خواهان جهان می‌خواهد که برای آزادی آنان بکوشند.

- اعتصاب غذا و ارتداد: خطر مرگ زندانیان عقیدتی

مهدی خزعلی، وبلاگ نویس، پزشک و فرزند یکی ازروحانیون بنام ایرانی، بیش از پنجاه روزاست که دراعتصاب غذا است. آقای خزعلی درحال گذران حکم زندانی است که پدرسالخورده وی، آیت الله ابوالقاسم خزعلی، به شدت از آن طرفداری می‌کند. مهدی خزعلی به تازگی درمتن نامه‌ای که به واپسین وصیت‌های او می‌ماند، می‌نویسد: «اینک که این سطور را [...] می‌نگارم درخلوت زاغه خویش فرو رفته و برمصائب شما سخت گریسته‌ام. دیگرجای خشکی بر بالشت باقی نمانده است و دستمال اشک کفاف این چشمه جاری را نمی‌کند.» به نوشته سایت کلمه ، این زندانی عقیدتی اعلام کرده است که درصورت جان باختن درزندان : "کالبد شکافی ومعاینات پزشکی قانونی زندان را قبول ندارد و جسدش تنها باید توسط پزشکان اعزامی از سوی مجامع بین المللی، کالبد شکافی گردد".
در پرونده‌ای دیگر، حکم اعدام یوسف ندرخانی، کشیش ایرانی مورد تأیید مقامات قضایی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. صدورحکم مرگ برای این نومسیحی ایرانی محکومیت‌های جهانی و درخواست نهادهای بین المللی برای آزادی سریع او را به دنبال داشته است. بنا برحکم صادره برای یوسف ندرخانی که تصویر آن در شبکه اجتماعی فیس بوک قرار گرفته، جرم آقای ندرخانی" ارتداد" ذکر شده است.

- فراخوان مخالفان : مردم انتخابات را تحریم کنید

درخواست‌ها برای تحریم انتخابات درعمر ۳۲ ساله جمهوری اسلامی مسئله تازه‌ای نیست، اما این باریک تفاوت مهم دراین فراخوان‌ها به چشم می‌خورد. تقریباً تمامی گروه‌های مخالف داخل و خارج نظام از مردم خواسته‌اند روزانتخابات درخانه‌های خود بمانند. شورای هماهنگی راه سبز امید در همین ارتباط اعلام کرده است: "گمان می‌بردیم که فقط درتاریخ خواهیم خواند که مردمی که برای آزادی فریاد می‌زنند را می‌کشند و حالا خود بخشی ازتاریخ شده ایم. پاک‌ترین جوانان این سرزمین برای رای شان درسکوت به خیابان آمدند و دیگرکلامی نگفتند. چطور می‌توان درانتخابات شرکت کرد وقتی جوانانی که فقط رای خود را می‌خواستند، را پس ازانتخابات کشتند."

- درخواست برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه

علاوه برتحریم انتخابات، برخی سازمان‌های فعال درعرصه جامعه مدنی درخواست خود را برای برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه اعلام کرده‌اند. سایت «راه سبز امید» در این باره می‌نویسد جمهوری اسلامی با برگزاری انتخابات مخدوش و مهندسی شده جوی را در کشور ایجاد کرده که هیچ گونه تضمینی برای برگزاری عادلانه و سالم انتخابات باقی نمانده است. امری که منجربه محرومیت اکثریت مردم ایران، ازجمله بسیاری از سیاسیون، از شرکت در انتخابات شده است.
"رأی دادن ملاک دموکراسی نیست، شمارش آرا ملاک است." درهمین حال کنشگران و تحلیلگران مسائل ایران نگرانی خود را به جهت احتمال برگزاری دورتازه ای از«انتخابات مهندسی شده» و آمارسازی‌های دروغین توسط جمهوری اسلامی ابراز کرده‌اند."اتحاد برای ایران " هفته پیش دربیانیه‌ای به این دغدغه‌ها پرداخت:
دولت ایران درحالی مدعی برگزاری انتخابات دموکراتیک است که این کشورمطابق ارزیابی‌های مستقل و مطرح جهانی درزمینه دموکراسی، جایگاهی بسیارنازل را ازآن خود کرده است. مطابق تحقیقات سالیانه «واحد اطلاعاتی اکونومیست» درسال ۲۰۱۱، «شاخص دموکراسی» درایران از میان ۱۶۷ کشور جایگاه ۱۵۹ را کسب کرده و دررتبه‌ای نازل‌ترازچین، سودان، کوبا و سوریه قرار گرفته است. این ارزیابی با به کارگیری بیش از ۶۰ شاخصه دموکراسی صورت گرفته و نتایج آن حکومت ایران را دررسته "حکومت‌های اقتدارگرا" قرار داده است. دراین تحقیق ایران پایین‌ترین نمره، یعنی نمره صفر، را در زمینه "فرآیندهای انتخاباتی و تکثرگرایی" کسب کرده است.

رهبر جمهوری اسلامی پیشاپیش از حضور "دشمن شکن" مردم در انتخابات مجلس میگوید. وبگاه ندای سبزآزادی براساس سخنان اخیرآیتالله خامنهای چنین نتیجه گرفته است:

"در نظامی که تمامی راه ها به رهبر ختم می شود، طبیعی است که همه نظرسنجی ها و شواهد و واقعیت ها باید موید اظهارنظر دی ماه آیت الله خامنه ای باشد وشود: «همه تلاش دشمنان ما این است ازآن صدر گرفته که مرکز و فرماندهی جبهه کفر و استکبار است تا این پادوها وایادی کوچک و پیاده نظام‌شان که همه جا پخش‌اند، اینجا هستند و بیرون هم هستند، تلاش‌شان این است که کاری کنند مردم در انتخابات شرکت نکنند. من با تجربه‌ای که ازرفتار این مردم دارم و با اعتمادی که به لطف خدای متعال دارم، پیش بینی می‌کنم که به لطف الهی به فضل الهی به حول و قوه الهی حضورمردم دراین انتخابات یک حضوردشمن‌شکن خواهد بود. و با این انتخابات، انقلاب و کشور و نظام جمهوری اسلامی خون تازه‌ای به پیکرش دمیده خواهد شد حرکت تازه‌ای برای او پیش خواهد آمد و نشاط تازه‌ای پیدا خواهد کرد" .»

ندای سبز آزادی هم چنین نقل قولهایی ازبرخی دیگرازمقامات بلند پایه ی نظام اسلامی ذکر کرده که به رهبری تأسی جسته و میزان مشارکت مردم در انتخابات پیش روی مجلس را حداقل 60 و حداکثر 80 درصد دانسته اند و این یادآور پیشبینی هایی است که در روزهای نزدیک به انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری سال 1388 صورت میگرفت. جالب اینکه سایت تابناک که منسوب به محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران و دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام است جدولی مقایسه ای از میزان مشارکت مردم در انتخابات هشت دوره از مجلس شورای اسلامی منتشر کرده که نشان میدهد میزان مشارکت مردم در انتخابات گذشتهی مجلس در بهترین صورت هیچگاه بالاتر از 71 درصد نبوده است.



محدودتر کردن شرایط برای داوطلبان نمایندگی مجلس : حتا اگر لولا دا سیلوا (رئیس جمهور سابق برزیل) هم نامزد میشد حائز شرایط نمایندگی نبود

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اوایل بهمن ماه امسال، یعنی درست پیش از به پایان رسیدن دوره نمایندگیشان، الحاقیه به قانون انتخابات افزودند. بر اساس این الحاقیه داوطلبان نمایندگی باید حداقل دارای مدرک کارشناسی یا معادل آن و یا پنج سال سابقه ی اشتغال درمناصب و مشاغل رده بالای اداری درادارات دولتی یا بخش خصوصی باشند. البته برای توجیه حضورنمایندگان کنونی مجلس که فاقد چنین ویژگی هایی هستند درالحاقیه آمده است که " هرسال نمایندگی مجلس معادل یکی از مدارک تحصیلی مذکوراست". قانون جدید امکان نماینده شدن را از بسیاری ازجمله کارگران سلب میکند.

رادیو زمانه به نقل از علیرضا محجوب نماینده کنونی مجلس و دبیر خانه ی کارگرگزارش داد که: " حالا با شروط و معیارهای تازه برای نمایندگی مجلس که لازمه اش داشتن مدرک تحصیلی است تنها درصد اندکی از مردم قادر به نماینده بودن هستند و این به دور از عدل و انصاف است."

- ارسال پارازیت و ایجاد اختلال ممنوع

هفتهی گذشته اتحادیهی بینالمللی ارتباطات (ITU) ازهمهی دولتها خواست به ارسال پارازیت وایجاد اختلال برروی برنامههای ماهوارهای از داخل خاک خود پایان دهند. این تصمیم درسوم اسفند ماه جاری درچارچوب پیشنهاد اصلاحیهی مقررات رادیویی (WRC-12) به تصویب رسید ومورد استقبال فعالان حقوق بشر و جامعهی مدنی که فعالیتشان دربارهی ایران است قرار گرفت. هادی قائمی سخنگوی کمپین بینالمللی حقوق بشر درایران ضمن استقبال ازاین تصمیم گفت: " آی تی یو اینک تعهدات قانونی ایران را کاملا مشخص کرده است. اما جامعه بین المللی، شامل شرکتهای مخابراتی مانند یوتل ست، باید به تلاش خود برای اطمیان داشتن از اینکه دولت ایران به ایجاد اختلال در برنامه های ماهواره ای خاتمه میدهد، ادامه دهند."
به دنبال آن صادق صبا مدیر تلویزیون فارسی بیبیسی اعلام کرد که تلویزیون فارسی بیبیسی پخش برنامههای خود را از طریق ماهواره هاتبرد که در ایران دسترسی بیشتری به آن هست از سر خواهد گرفت.
همزمان خبرگزاری مهر عکسهایی از هجوم مأموران نیروی انتظامی منتشر کرد که برای جمع کردن بشقابهای ماهواره به منطقهای در شرق تهران وارد منازل مردم شدهاند و تجهیزات آنان را مصادره کردهاند.

- سناریوی تازهی دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی ایران برای اعتراف گیری از فعالان رسانه ای

دستگاه اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی با انتشار بیانیهای در پایگاه اینترنتی گرداب که گویا به سپاه پاسداران نزدیک است مدعی شده عوامل وابسته به رادیوهای بیبیسی و فردا را دستگیر کرده است. دربخشی از این بیانیه آمده که:" به زودی دربیانیهی شمارهی 2 این مرکزاسناد و مدارکی دال برارتباطات سازمان یافته شبکه بیبیسی، با عناصر خود درداخل کشورمنتشر خواهد شد که گویای عمق اشراف اطلاعاتی مرکز بررسی جرائم سازمان یافته برفعالیتهای رسانهای فتنهگران است. طی روزهای آینده بخش اول ازمستند رسانهای این عملیات ازرسانه ملی پخش خواهد شد." تصور میشود که دورتازهای از تبلیغات و پخش اعترافات تلویزیونی با محوریت فعالان رسانهای در پیش باشد.

- اعمال محدودیتهای تازه بر شبکه اینترنت

هفته ی گذشته ارتباطات اینترنتی درایران بازهم دچار اختلال شد. به گونهای که چند ساعتی حتی امکان رد و بدل کردن ایمیل ازطریق یاهو و جی میل وجود نداشت ووقتی مجددا متصل شد سرعت و پهنای باند به حد اقل ممکن رسید به گونهای که این روزها را می توان از بدترین، شدید ترین و طولانی ترین دورههای سانسوراینترنت درایران، پس ازقطع کامل آن در سال 88 در جریان جنبش سبز، به شمار آورد. برای اطلاع بیشتر به مطلبی که عرصه سوم دراین زمینه منتشر کرده مراجعه کنید.

-اعمال فشار بیشتر بر بهاییان

خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر"هرانا" گزارش داد که نیروی انتظامی مغازههای بهاییان سمنان را بسته است. از جمله مغازههای تعطیل شده عبارت بودند ازمغازههای فروش لباس، عینک فروشی، پلاستیکفروشی وازاین قبیل. این عمل برنگرانیهای موجود در مورد اذیت و آزار اقلیتهای دینی دامن زده است. بنیاد عرصهی سوم درمورد افزایش فشار براقلیتها هشدارمی دهد و ازهمه فعالان حقوق بشرمی خواهد که به هرطریق به این مسئله اعتراض کنند. تعداد بهاییانی که درایران به زندان افکنده شده یا زیرانواع فشارها قرار دارند رو به افزایش است. خبرصدورحکم اعدام برای گروندگان به سایرادیان تکاندهنده و نقض آشکار حقوق بشراست.

- شصت درصد از کارگران زیر خط فقراند

معیشت و مسائل اقتصادی دغدغهی اصلی ایرانیان است. کمتر ازسه هفته به عید نوروز باقی مانده است، نگرانی بسیاری ازخانوادههای ایرانی آن است که آیا با کاهش روز به روز ارزش پول و قدرت خریدشان از عهدهی پرداخت هزینهها و مخارج شب عید بر خواهند آمد یا نه؟

روزنامهی شرق از قول یکی از اعضای شورای اسلامی کار نقل کرده که 80% از کارگران واحدهای تولیدی "زیر نرخ مصوب شورای عالی کار (سیصد و ده هزار تومان در ماه) دستمزد دریافت میکنند" چنگیز قاسمی " افزایش نرخ تورم را ناشی ازاجرای قانون هدفمند کردن یارانهها " دانست و افزود " اکنون بیش از شصت درصد کارگران زیر خط فقر زندگی میکنند."

- تشدید محدودیت ناشران: "سانسورنشانهی ضعف جامعه وعدم اعتماد به نفس حکومت است"

با وجود اعمال سانسورشدید درایران، تعداد کتابفروشیها و جمعیت کتابخوان قابل توجه است. اما دردی ماه گذشته خبرتعطیلی 100 کتابفروشی نگرانیهایی برانگیخت. درروزهای اخیر لغو امتیاز نشر چشمه که از فعالترین ناشران درسالهای اخیر بوده است خبرساز شد. اما مسؤولان امرتوضیح روشنی دریارهی دلایل امرندادند. تا آنجا که اطلاع داریم اتحادیهی ناشران هم که از قدیمیترین سازمانهای صنفی است دراین مورد نشان واکنشی نداده است. معاون امور فرهنگی وزارت ارشاد درمصاحبهاش با خبرنگاران درمورد دلایل لغوامتیاز ناشران توضیح روشنی نداد و گفت هشت ناشرمتخلف هستند که پروندهشان درهیئت حل اختلاف ناشران مطرح شده است: "میان فعالیت صدها ناشرطبیعتا یک سری ازآنان که معدود هم هستند، ممکن است تخلف کنند. راهکار قانونی آن دراین زمینه آن است که تخلف این ناشران که ازانگشتان دودست هم تجاوزنمیکنند درهیئت رسیدگی به تخلفات ناشران که جزء آیین‌نامه آنان(؟) مصوب شده و درکتاب قانون (؟) هم وجود دارد رسیدگی شود." وی در مورد روال قانونی شکل گیری این هیئت واین که آیا نمایندهی ناشران نیزدرآن حضور دارد یا نه، توضیحی نداد و اشارات او به "کتاب قانون" نیز کلی و مبهم است.

—

مدافعان حقوق بشردرسوئد مانع بازگرداندن پناهجوی ایرانی شدند

2012-03-01 · Archive ID 795
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=795

رضا حاجی‌حسینی

کارزاری برای ماندن

درهمراهی با کارزارها و کمپین‌های مختلفی که به نیت‌ها و بهانه‌های گوناگون شکل می‌گیرد، یکی از اولین پرسش‌ها این است که آیا آن کارزار موفقیت‌آمیز خواهد بود و همراهی با آن می‌تواند تاثیری بر نتیجه بگذارد یا خیر؟ پاسخ دادن به این پرسش کار آسانی نیست و نمی‌توان انتظار داشت که هر کارزاری در کوتاه‌مدت به نتیجه مطلوب و مورد نظر برسد، اما خواندن و شنیدن خبر کارزارها و کمپین‌های موفق که از خود تاثیری آنی و مثبت بر جای می‌گذارند، لذت‌بخش است و دل‌گرم کننده .

کسانی که برای گسترش دموکراسی و صلح و توجه هرچه بیشتربه حقوق بشر درجهان تلاش می‌کنند، نیازمند و مستحق آگاهی از خبرهای خوب، مثبت و امیدوارکننده هستند تا با امید، انگیزه و دل‌گرمی بیشتری به کارشان ادامه دهند. یکی ازتازه‌ترین این خبرها، موفقیت گروهی از فعالان حقوق پناهندگی درسوئد است که مانع ازاسترداد محمدرضا حامدی اصفهانی، پناهجوی ایرانی، به جمهوری اسلامی شدند. به این ترتیب این پناهجوی سیاسی ایرانی، موقتا از خطربازگردانده شدن به ایران نجات پیدا کرد.اتفاقی که نشان می‌دهد کمپین‌ها و کارزارها حتی درکوتاه مدت هم می‌توانند منشا ثمرواثرباشند. اما این پایان ماجرا نیست وحتما باید برای تغییر وضعیت شمارزیادی از پناهجویان ایرانی درسراسر جهان، کمپین‌هایی جدی به راه انداخت. کمپین‌هایی مثل آن‌چه که در مورد حامدی اصفهانی به‌راه افتاد.

داستان چی بود؟

وقتی مارتین ویهلن (Martin Wihlén)، یکی از فعالان حقوق بشرو ازمدافعان حقوق پناهندگی در استکهلم، با کمک مالی مدافعان پناهندگی درنروژ، بلیتی تهیه کرد تا سوارهواپیمایی بشود که قرار بود یک پناهجوی ایرانی را ازسوئد به ایران بازگرداند، شاید چندان به عاقبت کاری که می‌کرد مطمئن نبود.اما او می‌دانست که باید این کار

را انجام بدهد، حتی اگر نتیجه‌اش شکست باشد. مارتین سوار هواپیما شد. سرجایش نشست و وقتی بقیه مسافرها آمدند، ناگهان بلند شد و شروع به سخنرانی کرد. او برای مسافران توضیح داد که اگر محمدرضا به ایران تحویل داده شود، چه خطرهایی تهدیدش خواهد کرد و چه آینده‌ای در انتظارش خواهد بود. مارتین ازمسافران خواست تا اعتراض کنند و جلوی این اتفاق را بگیرند. این راهی بود که مارتین برای کمک به محمدرضا انتخاب کرده بود.

مارتین و محمدرضا همدیگر را ندیدند. نیروهای امنیتی، مارتین را ازهواپیما بیرون بردند و پلیس، محمدرضا را به هواپیما آورد. اما با آمدن محمدرضا که از ماجرا بی‌خبر بود و تلخی و اضطراب برجانش نشسته بود، مسافران شروع به اعتراض کردند. محمدرضا جا خورده بود. اصلا انتظار دیدن چنین وضعیتی را نداشت. بغض کرده بود و امید، دردلش جان گرفته بود. اعتراض‌ها آن‌قدرادامه پیدا کرد که کاربالا گرفت و خلبان هواپیما، مجبور به دخالت شد. او درپاسخ به اعتراض مسافران، از پلیس خواست که همراه با محمدرضا، هواپیما را ترک کنند. مسافرها دست زدند. بغض محمدرضا، اشک و لبخند شد و بازگرداندن اجباری او به ایران، دست‌کم درروز ۱۴فوریه امسال، سال۲۰۱۲، انجام نشد.

یک خبر خوب

در متن خبری که وب‌سایت “ انجمن زنان دربند ” درباره این اتفاق منتشر کرده است، کنش موفقیت‌آمیز و اعتراض مسافران هواپیمایی که قراربود حامدی اصفهانی با آن به ایران برگردانده شود، عامل این اتفاق اعلام شده است. نکته‌ای که نشان می‌دهد بی‌تفاوت بودن یا نبودن افراد به وقایع محیط اطراف، تا چه حد می‌تواند برسرنوشت دیگران اثر بگذارد و حتی زمینه گرفتاری یا نجات یک فرد را فراهم کند.ضمن این‌که بررسی دقیق‌تر این پویش نشان می‌دهد که اگر کنشی در زمان و مکان مناسب و با برنامه‌ریزی دقیق انجام شود، می‌توان به نتایج آنی و لحظه‌ای و البته نتایج بلندمدت آن امیدوار بود.

درهمین مورد اخیر، بازگرداندن این پناهجو با اعتراض “برنامه‌ریزی شده” جمعی از فعالان حقوق پناهندگی و هم چنین مسافران هواپیما متوقف شد. داستان از آن‌جا شروع شد که حدود ۵۰نفر از فعالان حقوق پناهندگی درفرودگاه “آرلاندا” گردهم آمدند تا مانع ازاین بازگشت اجباری شوند. آنها در جریان یک فعالیت مسالمت‌آمیز، قبل ازپرواز هواپیما، میان مسافران اعلامیه پخش کردند و آنان را از عواقب ناگوار اخراج محمدرضا از سوئد و بازگرداندنش به ایران خبردار کردند. این مدافعان حقوق پناهندگی از مسافران خواستند که با اعتراض خود درهواپیما، مانع از این بازگشت اجباری شوند. البته درهمین زمان، عده‌ای از مدافعان حقوق پناهندگی هم در فرانکفورت، یعنی جایی که قرار بود این هواپیما قبل از پرواز به ایران در آن‌جا بنشیند، آماده می‌شدند تا اگر تلاش‌ها در استکهلم نتیجه نداد، وارد عمل شوند.

همه با هم

ماجرای جلوگیری از اخراج محمدرضا حامدی اصفهانی که سایت “رادیو کوچه” هم آن را منتشر کرده است ، موفقیت مهمی برای فعالان حقوق بشر درسوئد به حساب می‌آید چرا که این کشوردرسال‌های اخیر کارنامه چندان مثبتی در برخورد با پناهجویان ایرانی و غیرایرانی نداشته است. ضمن این که در این موفقیت، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مدنی و اجتماعی مختلف و متعددی سهیم و شریک هستند.سازمان‌هایی مثل جنبش پناهندگی در استکهلم، حزب عدالت‌خواه سوسیالیست سوئد، میشن‌فری ایران، گروه آکسیون علیه اخراج‌ها، سازمان سراسری پناهندگان بی‌مرز و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و دیگرانی که برای نجات پناه‌جویان تلاش می‌کنند.

با به ثمر رسیدن این کوشش‌ها، هم‌بستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد، دربیانیه‌ای از تلاش نهادها، سازمان‌ها و مردمی که برای حق پناه‌جویان تلاش می‌کنند، قدردانی کرده و این موفقیت را به آنان تبریک گفته است. دراین بیانیه آمده است: “مبارزه و اعتراض متحدانه ما طبعا تا متوقف کردن قطعی همه اخراج‌ها و گرفتن اجازه اقامت برای پناهندگان سیاسی که در کشورهای خود خطر اعدام و زندان آن‌ها را تهدید می‌کند، ادامه خواهد یافت.”

همه این اتفاق‌ها درحالی رخ داده که روز دوشنبه، ۱۳فوریه، به دعوت فدراسیون پناهندگان ایرانی در استکهلم، تظاهراتی در اعتراض به اخراج پناه‌جویان درمقابل اداره مهاجرت سوئد در این شهر برگزار شد.

پیش از موفقیت

فعالیت‌ها برای جلوگیری ازبازگرداندن اجباری محمدرضا اصفهانی به ایران در حالی آغاز شده بود که بسیاری از فعالان مدنی و اجتماعی، امید چندانی به موفقیت آن نداشتند و شاید اگرمسافران هواپیما وارد این کارزار نمی‌شدند، این کوشش‌ها درعمل بی‌نتیجه می‌ماند. این مساله نشان‌دهنده اهمیت، جایگاه و نقش مردم درهمراهی با کمپین‌ها و اعتراضات مدنی است. اعتراض‌هایی که گرچه ممکن است تا مدت‌ها با انتشار بیانیه و فعالیت در فضای مجازی ادامه پیدا کنند، اما تا به میان مردم نیایند، کاری از پیش نخواهند برد. درهمین مورد هم روز ۱۳فوریه وهمزمان با تجمع اعتراضی دراستکهلم، بیانیه‌ای منتشر شده بود. در این بیانیه ، ۴نفر از فعالان ایرانی حقوق بشر، از اداره مهاجرت سوئد خواسته بودند تا انسانی‌تر رفتار کند:

“... باید به دولت ناشفاف سوئد اخطارکنیم که رفتارهای غیرانسانی و نژادپرستانه این کشوردرسال۲۰۱۱ درحق پناهندگان ایرانی و غیرایرانی، موجب شده است دیدگاه جامعه جهانی درباره دموکرات بودن کشورسوئد به کلی تغییر کند. به همین جهت ازدولت این کشور می‌خواهیم سیاست‌های انسانی‌تری را درباره مساله پناهنده‌پذیری خود در پیش بگیرد ودولت سوئد باید به تعهدات خود نسبت به حقوق پناهجویان پایبند باشد. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کشورامنی نیست و نباید هیچ پناهجویی به ایران بازگردانده شود.”

گرچه امضای محمد محمدی، فعال حقوق بشر و موسس کمیته مرکزی گزارشگران پناهجو درترکیه، مریم محمدی، فعال حقوق بشر و عضو کمیته مرکزی گزارشگران پناهجو در ترکیه، گلاویژ رحمانی، فعال در بخش پناهندگی و سیروان عنایتی، روزنامه‌نگار پناهجو در ترکیه پای این بیانیه بود، اما این بیانیه می‌توانست به امضای بسیاری دیگر از فعالان حقوق بشرهم برسد و شاید نگرانی ازبه نتیجه نرسیدن این تلاش، تنها چهارامضا را پای آن نشانده بود. چهارامضای موثر و مفید که امیدشان برای به نتیجه رسیدن یک کارزار، آنان را به هدف رساند.

—

زندان و تبعید نتیجه عدم همکاری عبدالفتاح سلطانی و تن ندادن به اعترافات ساختگی

2012-03-05 · Archive ID 798
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=798

عرصه سوم- عبدالفتاح سلطانی ازاعضای برجسته کانون مدافعان حقوق بشرکه پس ازانتخابات سال 1388 دوباربازداشت وازشهریورماه 1390 زندانی است به 18 سال زندان، تبعید به برازجان و 20 سال محکومیت از وکالت محکوم شده است. شیرین عبادی رئیس کانون مدافعان حقوق بشرروزگذشته درواکنش به محکومیت سلطانی ودیگراعضای زندانی این کانون گفت که سلطانی و دیگر مدافعان حقوق بشربرای اعترافات ساختگی تحت فشار قرارگرفته و تهدید شده اند. شیرین عبادی گفته است که بازجویان ازسلطانی وسایراعضای زندانی این کانون خواسته اند تا دراعترافات ساختگی و تلویزیونی به گرفتن کمک مالی برای کانون مدافعان حقوق بشرازسفارت خانه‌ها اعتراف کنند. شیرین عبادی هم چنین ازفشاربازجویان به زندانیان واینکه آن‌ها می بایست بگویند که جایزه نوبل برای فعالیت‌های براندازی به عبادی داده شده نام برده است. به گفته شیرین عبادی هیچ کدام از فعالان حقوق بشر زندانی حاضر به همکاری با بازجوها نشده اند. بیش ازنیز نسرین ستوده حقوق دان و فعال حوزه زنان تنها به جرم دفاع از موکلان خود به شش سال زندان و ده سال محرومیت از وکالت محکوم شده است.

سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشر متن گفتگو با معصومه دهقان همسرعبدالفتاح سلطانی را منتشر کرده است که بخشی ازآن را دراینجا می خوانید:

"همسر عبدالفتاح سلطانی به کمپین گفت: « به نظرم این حکم نوعی دل خنکی برای عده ای بوده است چون حکم معقولانه، عادلانه و متناسب با اتهامات نیست. انگار عده ای می خواستند دلشان خنک شود و برای آقای سلطانی اشد مجازات را اعمال کردند. بهرحال من امیدوارم در دادگاه تجدید نظر آنهاییکه که حالا دلشان خنک شده است یک جوری ضایعی را که به بار آوردند جبران کنند.»

خبرهای مرتبط:
همسر عبدالفتاح سلطانی، وکیل و فعال حقوق بشر: مسئولیت جان همسرم به عهده وزارت اطلاعات است؛ قاضی قرار وثیقه صادر نمی کند
- یک روزپس از اتهام زنی جوادلاریجانی به عبدالفتاح سلطانی در رابطه داشتن با گروه تروریستی: شکایت وکیل برجسته حقوق بشر از مقام قضایی
-همسر عبدالفتاح سلطانی: ادامه بازداشت بدون دلیل وی، اخلاقی، شرعی و قانونی نیست
معصومه دهقان در پاسخ به این سوال که آیا همسرش تحت فشار برای اعتراف های دروغین نیز بوده است به کمپین گفت: « آقای سلطانی در روز دادگاهش به وکلایش گفت که کسی پیش من آمده و از من خواسته است که بر علیه کانون مدافعان و خانم شیرین عبادی صحبت کنم که من هم گفتم کانون هیچ گونه کار غیر قانونی نکرده است که من درباره اش صحبت کنم. یادم است که این را به وکلایش گفت.»

معصومه دهقان با اشاره به اینکه هنوز آقای سلطانی خودش از حکم صادره اطلاعی ندارد در خصوص اقدام برای دادگاه تجدید نظر گفت:« مسلما وکلای آقای سلطانی لایحه دفاعیه خود را می نویسند و نوبت ملاقات با آقای سلطانی هم می گیرند و با ایشان هم مشورت می کنند و بعد لایحه شان را به دادگاه تحویل می دهند. این روال قانونی اش است ولی دیگر نمی دانیم بعد چه پیش می آید. اگر این پرونده در یک دادگاه منصف و صالح رسیدگی شود مسلما رای شکسته خواهد شد و مانند قبل برای ایشان منع پیگیرد و تبرئه صادر خواهد شد. ما فقط امیدواریم کسانیکه در دادگاه تجدید نظر به این حکم رسیدگی می کنند بی طرف و منصف باشند.»

عبدالفتاح سلطانی از وکلای برجسته حقوق بشر ایران عصر روز شنبه ۱۹ شهریور ماه امسال بازداشت شد در تاریخ ۱۸ دی ماه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی پیرعباسی با سه اتهام روبه رو شد: گرفتن جایزه حقوق بشر نورنبرگ آلمان، مصاحبه با رسانه ها درباره پرونده موکلانش و مشارکت در تاسیس کانون مدافعان حقوق بشر. آقای سلطانی همراه با شیرین عبادی، محمد سیف‌زاده، محمدعلی دادخواه و محمد شریف کانون مدافعان حقوق بشر ایران را در سال ۱۳۸۱ بنیان نهاد. وی همچنین وکیل مدافع بسیاری از فعالان سیاسی و مدنی چون اکبر گنجی، زهرا کاظمی، زهرا بنی‌یعقوب، هاله اسفندیاری، تنی چند از فعالان ملی مذهبی و اعضای سندیکای شرکت واحد بوده است.او در سال ۱۳۸۸ نیز یکبار بازداشت شد که پس از تحمل بیش از دو ماه حبس از زندان آزاد شد.

همسر عبدالفتاح سلطانی در خصوص آخرین وضعیت این وکیل و فعال حقوق بشر که به ۱۸ سال زندان محکوم شده است، گفت:« تا دیروز که آقای سلطانی از زندان با من تماس گرفت هیچ تغییری در اوضاعیش پیش نیامده بود. همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین است در حالیکه باید به بند عمومی منتقل شود. هنوز هم کتاب های که برایشان فرستادیم به دستش نرسیده است. اما ایشان بیمار است و به این بیماری هم در دوران زندان قبلی مبتلا شده، او از بیماری روده در رنج است و نیاز به پیاده روی های زیاد و غذاهای مناسب دارد که در زندان امکانش نیست. مثلا ایشان باید هر روز میوه بخورد که در زندان امکانش نیست. بهرحال من فقط امیدوارم که آب و غذای که به او می دهند سالم باشد.»"

بنیاد عرصه سوم با محکوم کردن رأی دادگاه فرمایشی و اعتراض به حکم غیرقانونی محکومیت عبدالفتاح سلطانی ازهمه مدفعان حقوق بشر درایران می‌خواهد که دراعتراض به نقض حقوق بشر درزندان های ایران با استمداد از مراجع بین المللی به محکومیت فعالان سیاسی و مدنی درایران اعتراض کنند.

—

محبوبه عباس قلی زاده و کنشگری مدنی درزنان تی وی

2012-03-06 · Archive ID 801
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=801

نیلوفر رستمی

مصاحبه با محبوبه عباس قلی زاده فعال حوزه زنان

محبوبه عباس قلی زاده، فعال حقوق زنان که نزدیک به دوسال است درآمریکا به سر می برد درحال حاضر دردانشگاه "کنتیکت" واشنگتن دی سی مشغول تحصیل دررشته مطالعات زنان است. اوهم چنین تلویزیونی با عنوان "زنان تی وی " را درامریکا راه اندازی کرده که منحصر به مسائل زنان است. دراین گفتگو او بیشتراز زندگیش درآمریکا، برخوردش با مهاجرت وهم درباره چگونگی راه اندازی تلویزیون زنان صحبت کرده است.
محبوبه عباس قلی زاده به خاطرفعالیت های فمینیستی اش درایران بارها بازداشت و زندانی شد و پس ازانتخابات سال 1388 مجبور به ترک کشورشد. اودرجنبش وال استریت درنیویورک هم حضورفعالی داشت.

- نزدیک به دو سال از مهاجرت شما به اینجا می گذرد، چه کارهایی در این مدت انجام دادید؟

اوضاع مهاجرت کنشگرانی مانند من فرق می کند با کسانیکه با انتخاب شخصیشان آمده اند. مهاجرت کنشگری مانند من اجباری بوده است. یک جورتغییر ناخواسته که هم چنان هم در خارج از کشور حوزه فعالیت مان مربوط به ایران است. با این حال خیلی مشکل است وقتی از لحاظ جغرافیایی با کشورت فاصله داری بخواهی در مسائلش هم تاثیر گذار باشی. من خیلی فکر کردم که چطور می توانم تاثیر گذار باشم. وقتی به اینجا آمدم مدت ها از خودم می پرسیدم که حالا باید چکار کنم، چه کاری می توانم در خارج از کشور و در شرایط مهاجرت انجام دهم که در داخل کشور مسیر نبود. یک سری کارها را در داخل کشور اصلا نمی توان انجام داد مثلا من "زنان تی وی " را نمی توانستم در ایران به هیچ صورتی داشته باشم. ساده ترین دلیلش هم به سرعت اینترنت بر می گشت که اصلا داشتن تلویزیون آنلاین ممکن نیست و مسئله دیگر فضای بسته و کنترل شده داخل ایران است که چنین کاری را غیر ممکن می کند. دراین مدت بزرگترین کاری که فکر می کنم کردم راه اندازی تلویزیون زنان بود.

- فکر داشتن تلویزیون یک چیزی است، داشتن آن چیز دیگر. چطور توانستید در خارج از کشور و در این فاصله زمانی کوتاه پس از آمدنتان تلویزیونی آن هم فقط منحصر به زنان داشته باشید؟

واقعا فکراولیه ام راه اندازی تلویزیون نبود. اوایل هم به نظرم داشتن تلویزیون غیرممکن می آمد. فقط می دانستم که می خواهم فضایی برای شنیدن صدای زنان ایجاد کنم. وقتی این ایده را با افراد مختلف درمیان گذاشتم آن‌ها پیشنهاد تلویزیون را دادند و کم کم این فکر شکل گرفت و افرادی هم بودجه را تهیه کردند. وجدی جدی تلویزیون راه افتاد. البته ما فعلا هنوز شکل رسانه ای حرفه ای را نداریم و زنان تی وی دارد مراحل جنینیش را می گذارند. زنانی تی وی کارش از25 نوامبر، روز جهانی مبارزه علیه خشونت شروع کرد. و تا به حال هفته ای یکساعت تا یکساعت ونیم برنامه تولیدی می سازد. همکاران نیز که من دلم می خواهد از آنها به عنوان ویدئو ژورنالیست نام ببرم اغلب درفرانسه، انگلیس، آلمان و آمریکا فعال هستند. بهرحال چشم انداز آینده زنان تی وی این است که بتواند در آینده زنان را درهر شرایطی مطرح و صدای آن‌ها را منعکس کند.

- فکر می کنید چطور تلویزیونی که مدیرش و اعضایش همگی در خارج از ایران هستند، می‌تواند بر روی اتفاقات داخلی کشور تاثیر بگذارد؟ و یا مثلا جنبش زنان را رهبری کند و یا نماینده صدای زنان باشد؟

زنان تی وی محل وقوع فعالیت های جنبش زنان نیست، بلکه محیطی است که فقط صداهای مختلف موجود درجنبش زنان را منعکس می کند. مثل مجله "زنان" که زمانی توسط شهلا شرکت منتشر می شد، این مجله مکانی برای مطرح شدن نظرات شخصی خانم شرکت نبود بلکه گروه های مختلفی از زنان نظراتشان را در آن چاپ می کردند. و مجله زنان تلاش می کرد که تعادلی بین نظرات مختلف ایجاد کند و ازگروه های متفاوتی مطلب داشته باشد. زنان تی وی هم دقیقا همین طور است. نمی خواهد چیزی را رهبری کند. همان نقش مجله زنان را دارد منتها به صورت تصویری.

- به همان صحبت اولیه شما بر می گردم که گفتید اوایل مهاجرت از خودتان می پرسیدید چه کاری می شود در خارج از کشور انجام داد که در داخل میسر نبوده است، حالا در "زنان تی وی" قصد تولید چه برنامه های را دارید که در داخل کشور امکانش نبود؟

در داخل ایران چون همه دانشگاه ها ناگزیرازدنبال کردن سیاست جمهوری اسلامی اند و واقعا نمی شود درآنها مطالب آکادمیک پیدا کرد. اگر دانشجویی نیاز به مطالعات در حوزه زنان دارد نمی تواند مطلب قابل اتکا و تحقیقی درآنجا پیدا کند، حتی پیدا کردن منابع هم در دانشگاه های ایران مشکل است. یکی از وظایف زنان تی وی این است که مباحث تئوریک دنیای فمینیستی را که از طریق فعالان ایرانی خارج از کشور مطرح می شود ، منعکس کند. یکی دیگر از وظایفش این است که بتواند مسائل حوزه زنان در خاورمیانه را مطرح کند، بخصوص می خواهد تغییراتی که در این مدت درجهان عرب اتفاق افتاده است از زاویه زنانه اش مطرح کند. الان زنان تی وی، بیشتر روی جنبشی که در جهان عرب اتفاق افتاده، متمرکز است ، چون من براین باورم که زنان داخل ایران برای تغییر نیاز دارند با تجارب زنان خاورمیانه آشنا شوند. مسئله دیگر کارهایی است که در داخل ایران انجام می شود، اما قدرت رسانه ای شدن ندارند. زنان تی وی می خواهد آنها را مطرح کند. درست مثل کاری که فعالان حقوق بشر در خارج ازکشور انجام می دهند، آن‌ها صدای اتفاق هایی هستند که در داخل ایران می افتد و در واقع این صداها را باز تکرار می کنند، چون عنصر داخلی نمی تواند با صدای بلند آنها را بازگو کند. من هم می خواهم در تلویزیونم این کار را به نوعی انجام دهم. بخش دیگری که به آن فکر کردم در خصوص برنامه هایی است که شهروندان ایرانی از دستاوردهای زندگی شخصیشان می سازند و برای ما می فرستند. بهرحال به طور کلی می توانم بگویم که عمده فعالیت ما انعکاس صدای زنانی است که در ایران قادر به اظهار نظر به صورت علنی نیستند و همچنین مطرح کردن جنبش های زنان در خارج ازایران است. همین طور فعالیت های زنان ایرانی خارج نشین که به صورت حرفه ای روی مسائل زنان کار می کنند.

- آیا کار دیگری هم به غیر از تلویزیون این روزها انجام می دهید؟

من در دانشگاه "کنتیکت" در حوزه مطالعات زنان تدریس می کنم و در همان دانشگاه کار تحقیقی هم می کنم اما موضوع تحقیقاتم بیشتر درخصوص جنبش زنان در خاورمیانه است. ارتباط فعالی هم با جنبش های زنده ای که در آمریکا وجود دارند پیدا کردم مانند جنبش وال استریت و جنبش های ضد جنگ.

- خب شما چه بخواهید چه نخواهید در حال حاضر در کشور دیگری هستید و به نظر می رسد تا مقطعی از آینده نیز مجبور هستید اینجا بمانید. آیا در خصوص مسائل زنان ایرانی مقیم اینجا و یا زنان آمریکایی هم فعالیتی داشته اید و یا کارهایتان منحصر به زنان داخل ایران بوده است؟

فکر می کنم درست است که حوزه فعالیت من زنان داخل ایران است اما در حال حاضر نیاز دارم که فضای واقعی جای که در آن زندگی می کنم را بشناسم و درک کنم. فکر می کنم فعالانی مثل ما وقتی در شرایط مهاجرت قرا می گیرند کارشان این است که پلی باشند بین فضای میزبان و جای که وطنشان نام دارد. اگر تاریخ را هم مطالعه کنیم همیشه آدم هایی وجود داشته اند که پلی بین دو کشور میزبان و کشور خودشان بوده اند. راستش من خیلی با جامعه ایرانی اینجا ارتباط ندارم چون فکر می کنم زمان محدودی دارم که باید آن را خرج جامعه ای کنم که در آن زندگی می کنم. واین فضا یعنی همه جمعیت کشوری که در آن زندگی می کنم. امریکا کشور چند ملیتی است و هر کدام از ملت هایش هزاران مسئله و داستان دارند. من دوست دارم با هر کدام از آنها ارتباط داشته باشم، دغدغه و مشکلات آنها را بشناسم و به مردم کشور خودم چیزهای خوبشان را منتقل کنم. غیر از این نمی شود با مسئله مهاجرت کنار آمد. اگر فقط بخواهیم در جامعه ایران زندگی کنیم فسیل می شویم. اینجا خیلی از ایرانی ها را می بینیم که بعد از مهاجرت درها را بر روی جامعه میزبان بسته اند و نتوانسته اند با تحرک و پویایی جامعه میزبان کنار بیایند و درجا زدند. وقتی این ها را نگاه می کنم فکر می کنم آنها نه اروپایی هستند، نه آمریکایی و نه حتی ایرانی. گویی با زمان حرکت نکرده اند. ولی مهاجران ایرانی موفقی هم داریم که به دلیل آمیخته شدن با جامعه میزبان نه تنها توانسته اند خودشان موفق شوند بلکه روی مسائل فرهنگی درون ایران هم تأثیر گذاشته اند. من زنان ایرانی را در اینجا می شناسم که روی مسائل ایران کار می کنند و خیلی هم در حوزه حرفه ایشان و همین طور در خصوص جایگاهی که در کشور آمریکا دارند موفق عمل کرده اند. من ارتباط زیادی با این گونه زنان ایرانی دارم.

- خانم عباس قلی زاده شما درکشورتان به عنوان فعال امور زنان شناخته شده بودید، حالا با کلی ایده و خواسته آمده‌اید اینجا، فکر می کنید که جامعه میزبان تا به حال چقدر شما را پذیرفته است؟ چقدر به شما فضا داده است؟

- آدم ها در جوامع مختلف هویت و تاثیرات مختلفی دارند. من درایران کنش گر زنان بودم و به نوبه خودم کار می کردم و شناخته شده بودم. اما وقتی آدم پایش را از کشورش بیرون می گذرد دیگر نه آن هویت را دارد و نه آن تاثیر گذاری را. اگر کسی که در ایران خیلی موثر بوده و بخواهد که مردم جامعه میزبانش هم مانند جامعه خودش نگاهش کنند، اشتباه است چون هیچ وقت این اتفاق نمی افتد. بگذارید اینطور بگویم آدم ها نقش شان طی مهاجرت عوض می شود. بخصوص مهاجری که بدون خواست خودش از کشور بیرون آمده باشد، وضعیتش بدتر است. او برای بقایش باید کارهایی انجام دهد که قبلا انجام نداده است. آسیب های روحی شدیدی هم می خورد. مهاجر اجباری روابط داخل کشورش را از دست داده، خانواده اش، اموالش را. و دیگر حق برگشت هم ندارد. یک جور در تبعید است. ریشه هایش از بین رفته است و در نظر مردم کشور میزبان یک آدم معمولی، یک مهاجر است مثل میلیون ها مهاجر دیگری که روزانه از کنارشان در خیابان ها رد می شوند. البته همان طور که آنها مسئله شان من نیستم من هم مسئله ام آنها نیست. خیلی غریب است این وضعیت که فقط کسیکه مهاجرت کرده این را می فهمد. من هم مسئله ام مشکلات زن سیاه پوست اینجا نیست درحالیکه اینجا زندگی می کنم و به قول شما بخشی از آینده ام را هم در اینجا خواهم گذراند، مسئله من هنوز زنان کشورم است. اما متاسفانه من با اتفاقات داخل ایران فاصله دارم. انگیزه هایم نیز ممکن است مثل قبل شدید نباشد. هزاران تناقض پیش می آید راستش بخشی از مردم کشورمیزبانت نیز که قبلا با تو به نوعی درارتباط کاری بوده اند، تو را به دلیل شرایط و فضای سیاسی و اجتماعی که در آن قرار داشتی دوست داشته اند و نه به خاطر خودت. بنابراین وقتی آدم محیطش را از دست می دهد. روابطش را از دست می دهد همین آدم ها رفتارشان را با او تغییر می دهند و اینها حقایقی است که آدم وقتی در مهاجرت است به آن می رسد و باید آن ها را قبول کند. به همین دلیل مهمترین سوالی که آدم باید از خودش بپرسد این است که حالا که در وضعیت مهاجر قرار گرفته چه کاری می تواند انجام دهد که نمی توانست در ایران انجام دهد.

- خوب شما چه کاری می خواهید بکنید؟

- اینکه شهروند عادی بودن در اینجا را بپذیرم، با آن کنار بیایم و بتوانم خوشحال زندگی کنم. در عین حال به عنوان کنشگر دنبال جریانات زنده در این جامعه بگردم. چون روح کنشگری هیچ وقت از بین نمی رود. محبوبه داخل ایران ممکن است از بین برود اما روح کشنگری همیشه زنده است، همیشه با آدم است و می تواند آدم را خیلی جاها نجات دهد. درست است که من دیگر نمی توانم بروم جلوی زندان اوین بایستم، نمی توانم در اینجا همان انگیزه های قبلی را داشته باشم اما به جایش می توانم جنبش های اینجا را پیدا کنم و به آنها وصل شوم. من نیاز دارم که در این مقطع فقط جریان های زنده جامعه ای که در آن زندگی می کنم را شناسایی کنم و بعد با آنها همکاریم را شروع کنم تا زنده بمانم. غیراز اینها داشتن زنان تی وی کلی انگیزه است برای زندگی.

- در این مدت آیا توانستید که این جنبش ها را پیدا کنید و با آنها همکاری کنید؟

من وقتی برای جنبش اشغال وال استریت به نیویورک رفتم و خودم را به این جریان وصل کردم تقریبا همان احساسی را داشتم که در تظاهرات داخل ایران داشتم. همان قدر پرشور، همان قدر طالب تغییر و همان قدر زنده. فقط باید جریان های زنده اینجا را پیدا کنم و خودم را به آنها وصل کنم.

- واقعا همان شور و حسی را اینجا تجربه کردید که در داخل ایران داشتید؟ همه چیز در جنبش وال استریت شبیه تظاهرات ایران بود؟

مسلما ترس و هیجانی که در فضای ایران وجود داشت درفضای امن اینجا وجود ندارد. من چه درجنبش وال استریت و چه جنبش های دیگر و یا مثلا تظاهرات در دفاع از نسرین ستوده در ژنو که شرکت کردم هیچگاه نتوانستم آن حس و شوری که در تظاهرات و کمپین های داخل ایران داشتم را تجربه کنم. منظورم آن حس و حالی است که در ایران آدم درگیرش بود که فکر می کرد دارد کار پرخطری می کند وهر لحظه امکان دستگیری وجود داشت. در ایران کنشگری حرکتی خطرناک بود که درآن فضا خیلی از حس های آدم مثل ترس وهیجان در او زنده می شد. مسئله شجاعت برایش مطرح می شد و این سوال که چقدر این کار برایش مهم است که حالا

برای آن دارد خودش را به خطر می اندازد و اگر برایش آنقدر مهم نبود پس می زد و می رفت در خانه می نشست. مسئله دیگر خود روح تغییر درعمل کنشگری است. کنشگری که فقط هیجان و آرمان و چالش بین حس های مختلف انسان نیست. قسمت مهمش این است که من به عنوان فعال اجتماعی بتوانم با کاری که می کنم تغییری در روند زندگی بشری ایجاد کنم. این کار را به خوبی درخارج از ایران هم می توان انجام داد. بنابراین من هیچگاه در فضای خارج از ایران در اینگونه برنامه ها حس خطر، نگرانی و هیجان نکردم. اما واقعا احساس کردم که سهمی در تغییر دارم.

درهر کشوری جنبش های خاصی بر اساس مقتضایت آن جامعه وجود دارد. اگر ما کنشگرانی که از ایران مهاجرت کردیم خودمان را به جنبش های زنده جامعه میزبان وصل کنیم، می توانیم نه تنها حس کنشگری را هم چنان در خودمان زنده نگه داریم بلکه می توانیم روی جنبش های داخل ایران هم تاثیر بگذاریم و آن ها را نیز به روز کنیم. ما دردنیایی زندگی نمی کنیم که هر کسی در جزیره ای زندگی کند که به دیگری ربطی نداشته باشد. شما الان می بینید که چقدر جنبش سبز به لحاظ فرم و شکل شبیه جنبش عرب و وال استریت است. اینها از هم تغذیه می کنند و شبیه به هم هستند. من با این اندیشه که حالا در خارج از ایران هستیم و دیگر نمی توانیم کاری کنیم و گوشه ی منزوی شویم و خودمان را به روزمره گی عادت دهیم واقعا موافق نیستم.

- به عنوان آخرین سوال آیا از روزهایی که اینجا می گذرد حس خوبی دارید؟ و فکر می کنید بتوانید در جامعه جدیدت ، یعنی آمریکا موفق باشید؟

خب مسلم است از روزهای اول که آمدم حالم خیلی بهتر است. چون هر چقدر می گذرد آدم می تواند بیشتر راه های را پیدا کند که خودش را با شرایط فعلی هماهنگ کند. خب الان خیلی بهتر شده ام از گذشته و حتما درآینده بهتر می شوم. البته خیلی طول کشید که این فرمول را پیدا کنم که اگر بخواهم به عنوان یک کنش گر به حیاتم ادامه بدهم، حیاتم به این معنا نیست که در را به روی جامعه میزبانم ببندم و فقط بینم در داخل ایران چه می گذرد. اگر بخواهم کار کنم باید با جامعه میزبانم کنار بیایم و بعد داشته هایم را به کشور منتقل کنم. حالا از این دریافتم خوشحال هستم. خوشحال از اینکه مهاجرت باعث نشد که روح کنشگری از من گرفته شود.

—

زنان ایرانی وصد سال جنبش برابری خواهی

2012-03-08 · Archive ID 807
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=807

به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن

نعیمه دوستدار
زنان ایرانی ناراضی و شرایط اجتماعی موجود برایشان قابل پذیرش نیست. آن‌ها از دیرباز خواهان تغییر قوانین و اصلاح شرایط بوده اند، اما جنبش برابری خواهی آنان مثل هر حرکت اجتماعی دیگر، هر بار با مخالفت دولت مردان و اقشار محافظه کار جامعه روبه‌رو شده است. جنبش برابری خواهی فعلی،حاصل تلاش مداوم زنان ما، برای به دست آوردن حقوق مساوی، آزادی فردی و اجتماعی و چالش برای از بین بردن موقعیت فرودست زنان و کسب حقوق برابر از دوران مشروطه تا امروز ادامه داشته است.بازگویی خلاصه‌ای از مبارزات زنان ایرانی درصد سال
اخیر را می خوانید.

مبارزه مسلحانه و کنش‌گری صلح آمیز

دوران مشروطه، دوران تشکیل انجمن‌های سری و نیمه‌سری در ایران بود. انجمن‌های مخفی زنان هم درهمین زمان شکل گرفتند تا در جنبش مشروطه شرکت کنند. مشی بیشتر این انجمن‌ها سیاسی بود و در حمایت از مشروطه خواهان دست به مبارزه مسلحانه هم می‌زدند. تعداد زیادی از زنان فعال در این انجمن‌ها، در جریان مبارزات مسلحانه جان‌شان را از دست دادند. تلاش برای دفاع از مشروطیت در مسائلی مانند وادار کردن

انگلیس و روسیه به ترک ایران، زمینه غالب فعالیت‌های آن‌ها بود. در کنار این شکل مبارزه، فعالیت‌های مدنی مسالمت‌جویانه‌تری هم از آن‌ها سر می‌زد. فروختن جواهرات و خرید سهام از دولت برای تاسیس بانک ملی و تحریم مصرف کالاهای خارجی از جمله اقداماتی بود که زنان برای حمایت از جنبش مشروطه و قطع وابستگی خارجی در آن سال‌ها انجام دادند.

در آثار تاریخ نویسان مشروطیت به تشکل‌های زنان در آن دوران اشاره شده که انجمن آزادی زنان، انجمن مخدرات وطن، اتحادیه غیبی نسوان، انجمن نسوان ایران، انجمن نسوان وطن، شرکت خیریه خواتین ایران، اتحادیه نسوان، انجمن همت خواتین و شورای هیات خواتین مرکزی از جمله آن‌ها بودند.

هرچند جزییات زیادی درباره فعالیت همه این گروه‌ها در دست نیست، اما برخی معتقدند فعالیت‌های حقوقی زنان دوران مشروطیت، از جنس مبارزات ملی‌گرایانه بوده و به شکل مشخص مسایل زنان را دنبال نمی‌کرده است. به اعتقاد این دسته، زنان از اقشار گوناگون بعد از فروکش کردن تب مشروطه به خانه‌ها برگشتند و تنها تعدادی از آنان پیگیر حقوق و مطالبات زنان شدند. نخستین کسانی که به عنوان چهره‌های شاخص جنبش حقوق زنان در ایران شناخته شدند اغلب مشروطه‌خواه و فعال جنبش ملی دهه ۱۲۸۰ شمسی بودند. کسانی مانند صدیقه دولت‌آبادی ، بانو امیر صحی ماه‌سلطان، یا محترم اسکندری.

با این حال با وجود کوشش های این زنان قانون اساسی مشروطه در قوانین ازدواج، طلاق، سرپرستی فرزند و ... حقوق زنان را نادیده گرفت و هم زنان را از داشتن حق رای در انتخابات محروم کرد.

مدرسه‌سازی و روزنامه‌نگاری زنانه

یکی از دلایل روی آوردن زنان ایرانی به فعالیت‌های مدنی پیشروی جنبش های زنان در دنیای غرب بود. کارشناسان، فعالیت جنبش‌های حق رای زنان در آمریکا و انگلستان، پیروزی کمونیست‌ها در شوروی و انتشار کتاب های نظریه پردازان چپ درباره زنان، جنبش‌های زنان در مصر و سایر کشورهای خاورمیانه را از عوامل مؤثر بر شروع فعالیت‌های فمینیستی در ایران می‌دانند.

در سال‌های بعد از انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول، انجمن‌های مستقلی با هدف دفاع از حقوق زنان تاسیس شدند. تاسیس مدرسه‌های دخترانه و انتشار نشریه‌های زنان، از نخستین اقدامات این فعالان برای رسیدن به حقوق برابر بود. انجمن حریت نسوان، مجمع انقلابی نسوان، جمعیت پیک سعادت نسوان و جمعیت نسوان وطن‌خواه از این دسته انجمن‌های زنانه بودند. نشریاتی مثل دانش، شکوفه، زبان زنان، پیک سعادت نسوان، نامه بانوان، عالم نسوان، جهان زنان، پیک سعادت نسوان، نسوان وطن‌خواه و دختران ایران هم تلاش می‌کردند با انتشار مطالبی، زنان را با حقوق‌شان آشنا کنند که با بسته شدن نشریات مستقل و منتقد در دوران رضا شاه دیگر منتشر نشدند. کسانی مانند صدیقه دولت‌آبادی، شمس‌الملوک جواهر کلام، بی‌بی وزیرف، طوبی آزموده، ماهرخ گوهرشناس، صفیه یزدی، بی‌بی خانم استرآبادی و روشنک نوعدوست هم زنانی بودند که برای تاسیس و حفظ مدرسه‌های دخترانه تلاش کردند.

جنبش زنان کنترل شده

جنبش زنان در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۱ دوباره فعالیت محدودی را آغاز کرد . سازمان‌هایی مانند حزب زنان و جمعیت زنان تشکیل شدند. و در سال ۱۳۳۱، «ائتلاف سازمان‌های زنان» بیانیه‌ای برای تقاضای حقوق سیاسی و اقتصادی منتشر کرد، در سال 1332، حزب زنان و جمعیت زنان با هماهنگی به فعالیت‌هایی دست زدند. اما همه این فعالیت‌ها در دوران محمدرضاشاه متوقف شد و در کنترل دولت قرار گرفت. سازمان زنان جایگزین «شورای عالی جمعیت زنان ایران» شد که خود از پیوستن انجمن‌های مستقل زنان در سال ۱۳۳۷ تشکیل شده بود. ایجاد این سازمان‌های متمرکز، فعالیت‌های هماهنگ و برنامه‌ریزی شده‌ای بود که موجب از بین رفتن سازمان‌های مستقل جنبش زنان شد.

مسئله حق رای زنان پس از دوران مشروطه همواره مورد بحث بود، و گاه از سوی دولت مردان مطرح می‌شد. در سال 1341 در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در هیات دولت ایران مورد بحث قرار گرفت و سرانجام با تلاش‌های حقوق دانان زن تصویب شد. بر اساس این لایحه، زنان برای نخستین بار اجازه شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات را پیدا می‌کردند. در واکنش به این مصوبه آیت‌الله خمینی جلسه‌ای در قم تشکیل داد و با ارسال تلگراف به محمدرضا شاه در خصوص این بند لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، یعنی اعطای حق رای به زنان ایرانی مخالفت کرد. شورای عالی جمعیت های زنان که مهرانگیز منوچهریان از موسسان آن بود و از سال‌ها قبل مساله حق رای زنان را پیگیری می‌کرد، این بار عقب ننشست و سرانجام مسئله حق رای برای

زنان به رسمیت شناخته شد. مخالفت‌های بخش سنتی و مذهبی جامعه با مجموعه اصلاحات موسوم به انقلاب سفید شاه منجر به تظاهرات و اعتصاب گسترده درسال 1342 شد.
تشکیل سازمان زنان ایران به عنوان یک سازمان غیر دولتی در سال ۱۳۴۵، هرچند موضوعی مهم در جنبش زنان به شمار می‌رفت اما این سازمان با گرفتن بودجه از دولت در خدمت اجرای سیاست‌های دولتی بود. اجرای پروژه‌هایی مانند ایجاد مراکز رفاه خانواده، ایجاد مدرسه مددکاری ورامین و تربیت منظم مددکار اجتماعی و تحقیق در حوزه مسایل زنان، از فعالیت‌های این سازمان بودند. این سازمان نماینده رسمی ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی زنان هم بود.
در دهه ۱۳۵۰، با انتخاب مهناز افخمی به عنوان دبیرکل سازمان زنان، تلاش‌هایی برای اصلاحات قانونی و سیاسی انجام شد؛ از جمله در تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۴ و قانون سقط جنین در سال ۱۳۵۶، این سازمان کوشید نقش موثری داشته باشد. به علاوه، در دهه 50، در کنار فعالیت‌هایی مثل سوادآموزی، آموزش‌های حرفه‌ای، ایجاد تسهیلات بهداشتی وآموزش بچه‌داری و تنظیم خانواده، توزیع وسایل پیشگیری از بارداری، مشاوره حقوقی و ... موضوعاتی مثل تبعیض علیه زنان، تصویر زن در کتاب‌های درسی مدرسه‌های ابتدایی، منزلت زن در جامعه عشایری، نقش زن و مرد در پیام‌های تجارتی تلویزیون ایران و غیره هم در این سازمان مورد بررسی قرار گرفتند.

انقلاب اسلامی و مطالبات زنان

با این‌که زنان درجریان مبارزه سیاسی و مسلحانه علیه رژیم شاه حضور فعال داشتند، اما در شعارهای مردم در انقلاب سال 1357 مسائل مربوط به نابرابری حقوقی و جنسیتی مطرح نبود. به نظر می‌رسید خواسته‌های زنان در اهداف سیاسی جبهه مبارزاتی منحصر به سقوط رژیم شاه بود. حضور زنان از همه اقشار جامعه در انقلاب چشمگیر بود، اما آنان مجال طرح خواستههای مشخص را نداشتند. به نظر می‌رسید خودآگاهی جنسیتی هوز درجامعه زنان فراگیر نشده نبود. انقلاب ۵۷، انقلابی ضد شاه و ضد امپریالیسم بود و مساله زنان و دموکراسی و حقوق بشر چندان مورد توجه نبود. اما لغو قانون حمایت از خانواده دوهفته پس از پیروزی انقلاب و طرح اجباری کردن حجاب با مخالفت شدید زنان روبرو و به تظاهرات خود جوش پانزده هزار نفری آنان در روز جهانی زن درتهران منجر شد. تظاهراتی که از طرف سازمان های سیاسی مترقی حمایت نشد. سرکوب مخالفت زنان با حجاب اجباری در طول دوسال اول انقلاب ادامه داشت و درنهایت به اجباری شدن حجاب انجامید.
سرانجام در آغاز دهه دوم پس از انقلاب فعالیت‌های برابری خواهانه زنان کم‌کم با تشکیل محافل و جمع هایی با گرایش‌های مختلف شکل گرفت. در طول این سال‌ها طیف‌های مختلفی از زنان مذهبی و سکولار، در درون و بیرون حکومت، مطالبات زنان را پیگیری می‌کردند.
یکی از گروه‌های موفق یعنی مرکز فرهنگی زنان، تشکلی مستقل و غیر دولتی، در اسفند 1379 تاسیس شد و در مرداد 1380به ثبت رسید. تجربه برگزاری اولین مراسم هشت مارس، روز جهانی زن در اسفند 1378 باعث شد که در ادامه عده‌ای ار فعالان حقوق زن برای بالابردن آگاهی فمینیستی این تشکل را راه بیندازند و با برگزاری نشست‌ها و برنامه‌های مختلف، مطالبات زنان را پی بگیرند. بسیاری از چهرهای مشهور مدافع حقوق زنان مانند پروین اردلان، نوشین احمدی خراسانی و منصوره شجاعی از موسسان این مرکز بودند.
22خرداد 1384 اما نقطه عطفی در فعالیت‌های جنبش زنان ایران بود. صدها زن ایرانی در مقابل دانشگاه تهران به نگاه تبعیض‌آمیز در قوانین کشور به‌خصوص در قانون اساسی اعتراض کردند. این اولین تظاهرات زنان ایران پس از راه پیمایی چند هزار نفری در سال 58 13در اعتراض به حجاب اجباری بود.

در تظاهرات 22خرداد، فعالان جنبش زنان ایران از طیف‌ها و گروه‌های مختلف، قانون اساسی را ریشه بسیاری از قوانین تبعیض‌آمیز معرفی کردند. در پایان این تجمع، جلوگیری از ازدواجهای اجباری دختر بچه‌ها، تامین حقوق مادران در حضانت و ولایت کودکانشان، جلوگیری از تعدد زوجات، طلاق یک طرفه، قتل‌ها و خشونت‌های ناموسی به‌عنوان خواسته‌های زنان مطرح شد.
هرچند نیروی انتظامی مانع از دیده شدن زنان شرکت‌کننده در این تجمع و پیوستن افراد دیگر به این تظاهرات شد و برخی از برگزارکنندگان هم به مراکز امنیتی فراخوانده شدند، اما در سالگرد تظاهرات 22خرداد، یک‌بار دیگر گروهی از فعالان جنبش زنان در میدان هفت‌تیر جمع شدند. نیروی انتظامی این بار با خشونت با این تجمع برخورد کرد و با گاز فلفل به شرکت‌کنندگان حمله کرد و تعدادی از شرکت‌کنندگان و هماهنگ‌کنندگان این تجمع دستگیر شدند. خواسته شرکت‌کنندگان در این تجمع لغو قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در قوانین مدنی بود.

در اسفند ماه همان سال، دادگاه انقلاب 5 نفر از فعالان تظاهرات خرداد 85 را برای محاکمه احضار کرد و 33نفر از فعالان زنان را که به نشانه همبستگی با آن‌ها جلوی دادگاه انقلاب جمع شده بودند دستگیر شدند. بازداشت یک‌ماهه ، آزادی با وثیقه‌های سنگین و حکم زندان و شلاق، از جمله مجازات هایی بود که نصیب فعالان جنبش زنان شد.

تشکیل کارزار، حضور مجازی

با این سرکوب‌ها، فعالین زنان در ادامه مبارزه به ابتکارات دیگری دست زدند. تشکیل کارزارهای «قانون بی‌سنگسار»، «ورود به استادیوم» و کمپین «مادر من، وطن من» مهم‌ترین نمود همفکری و کنشگری مؤثر بود. از جمله کمپین قانون بی‌سنگسار توانست چند زن محکوم به سنگسار را از مرگ نجات دهد و فعالان کمپین ورود به استادیوم، توجه محافل ورزشی جهان مانند فدراسیون فوتبال را به خود جلب کردند و باعث شدند این سازمان به دولت ایران اعتراض کند.
اما کمپین «یک میلیون امضا» مشهورترین کارزار جنبش زنان ایران در سال‌های اخیر بوده است. جمع کردن یک میلیون امضا از شهروندان ایرانی در سراسر جهان، برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز هدف این کارزار بود که برگزارکنندگان آن را با زندان و مجازات‌های سنگین مواجه کرد.
انتشار نشریات ویژه زنان پس از انقلاب اسلامی در میان گروه‌های مختلف هم یکی از مهم‌ترین بخشهای فعالیت‌های برابری خواهانه بوده است و فمنیست‌های دولتی، مذهبی و مستقل بارها آن را آزموده‌اند. سایت‌ها و وبلاگ‌های اعضای جنبش زنان ایران هم با به راه افتادن اینترنت به وجود آمدند، اما تقریبا همه نشریات زنان در سالهای اخیر از مجله‌های چاپی گرفته تا سایت‌ها و وبلاگ‌ها، با توقیف و فیلتر مواجه شده اند. مجله زنان و سایت‌های مدرسه فمنیستی، تغییر برای برابری، تریبون فمنیستی و ... از جمله این رسانه‌ها بودند. مجله زنان، پس از سال‌ها انتشار برای همیشه متوقف شد و سایت‌های زنانه هم در ایران قابل دسترسی نیستند.
در مسیر این فعالیت‌ها تعداد زیادی از حقوق‌دانان و روزنامه‌نگاران فعال زن با انتشار مطالب حقوقی و انتقادی جنبش زنان را زنده نگاه داشته‌اند. مهرانگیز کار، شیرین عبادی (برنده جایزه صلح حقوق بشر)، شادی صدر و نسرین ستوده از آن جمله هستند. در کنار آنان فعالان و روزنامه‌نگارانی چون شهلا شرکت، محبوبه عباسقلی‌زاده، ژیلا بنی‌بعقوب، جلوه جواهری، خدیجه مقدم، رضوان مقدم، مریم حسین‌خواه و ... هرکدام بخشی از فعالیت‌های این جنبش را دنبال کرده‌اند.

مشارکت سیاسی و همگرایی فعال

هرچند جنبش زنان در دوره‌های مختلف حیات جمهوری اسلامی، به شکل‌های مختلف در عرصه سیاسی و انتخابات حضور داشته اما پررنگ‌ترین مقاطع برای فعالیت زنان در عرصه انتخابات، دو دوره انتخاب «سید محمد خاتمی» به‌عنوان رییس‌جمهور بود. در سال‌های اصلاحات جنبش زنان نقش موثری در تبیین گفتمان خشونت‌ستیز و مردم‌سالار در جامعه داشت. پس از دوره اصلاحات و در انتخابات ریاست جمهوری سال 84،ر اعضای موثر گروه های زنان به توافق مشخصی نرسیدند و رویکردهای متفاوتی از تحریم تا مشارکت درمیان فعالان جنبش دیده می‌شد.
در مسیر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال 1388، جنبش زنان ایران حیات تازه‌ای پیدا کرد. فعالیت گسترده اعضای این جنبش برای رایزنی با نامزدهای ریاست جمهوری و تلاش برای مطرح کردن مطالبات زنان در برنامه‌های نامزدها، مهم‌ترین نمود فعالیت جنبش زنان برای ایجاد تغییر از مسیر اصلاحات داخلی بود. پس از آن‌که تعدادی از زنان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، مدتی قبل از انتخابات ریاست جمهوری، ائتلاف بزرگ زنان را در مبارزه با لایحه حمایت از خانواده تشکیل دادند و توانستند باعث حذف دو ماده از این لایحه شوند، ائتلاف بزرگ دیگری در میان زنان به وجود آمد. این ائتلاف با عنوان «هم‌گرایی گروه‌ها و فعالان جنبش زنان» با رویکردی مطالبه‌محور تصمیم گرفتند در انتخابات شرکت فعال داشته باشند. دو مطالبه عمده زنان در انتخابات ریاست جمهوری سال 1388، تغییر برخی اصول قانون اساسی و الحاق ایران به معاهده بین‌المللی سازمان ملل در رفع تبعیض از زنان بود.
با وقوع مناقشات پس از انتخابات، فعالیت جنبش زنان هم وارد مرحله تازه‌ای شد. در این دوران، زنان ایرانی که به چهره قابل توجه و موثر اعتراضات تبدیل شده بودند، هرچند بر مطالبات زنان به شکل خاص پافشاری نکردند اما با همراه شدن در مسیر اعتراضات اساسی به نقض حقوق شهروندی و حقوق سیاسی، یکی از موثرترین بازوهای اعتراض‌های بزرگ و میلیونی سال 88 و پس از آن شدند.

در شرایط حاضر نیز جنبش زنان ما، با وجود سرکوب و بن‌بست سیاسی در ایران که امکان فعالیت‌های صلح آمیز و مدنی را از بسیاری فعالان اجتماعی سلب و محدود کرده است، هنوز یکی از پویاترین جنبش‌های اجتماعی به شمار می‌رود، جنبشی که با وجود مجازات‌های سنگین، مهاجرت و پراکنده شدن تعدادی از فعالان آن، هم چنان در داخل و خارج پیگیر مطالبات زنان ایرانی است و سرکوب‌ها و موانع، نتوانسته‌اند فریاد برابرخواهی آن را خاموش کنند.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

ادامه شکنجه و سرکوب آزادی خواهان درزندان های ایران

2012-03-08 · Archive ID 809
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=809

عرصه سوم- این هفته اعطای جایزه بین‌المللی هارالد ادلستام به بهاره هدایت فعال دانشجویی زندانی به دلیل شجاعت فوق‌العاده وتعهد، همزمان بود با انتشار گزارش جدید احمد شهید گزارش گر ویژه سازمان ملل درمورد شکنجه و آزار زندانیان درایران که درآن بار دیگر از شرایط اسفناک و غیره انسانی زندان های ایران به شدت انتقاد کرده است.

در شرایطی که فعالان سیاسی و مدنی زندانی در ایران از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود محروم و در بدترین شرایط ممکن بسر می برند. جامعه بین‌المللی با حمایت از جنبش دموکرسی خواهی درایران و افشای موارد نقض حقوق بشر در زندان ها به سرکوب و شکنجه زندانیان اعتراض می کند. اهدا جوایز و انتشار گزارش‌های مستند در همین راستا نقش مهمی درجلب توجه افکار عمومی به واقعیت‌ها و شرایط حاکم بر شهروندان ایرانی و مدافعان محبوس آزادی خواهی است. دربیانیه بنیاد سوئدی ادلستم ازمقاومت دلیرانه بهاره هدایت یکی از رهبران جنبش دانشجویی درایران ستایش شده و از مقامات جمهوری اسلامی خواسته شده تا هرچه زودتر او را آزاد کنند. بهاره هدایت عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، پس از حوادث دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران در نیمه‌شب ۱۰ دی ۸۸ دستگیر شد و به 9 سال و نیم زندان محکوم شده است. او به اتهام اقدام علیه نظام اسلامی، توهین به رهبری و اقدام علیه امنیت ملی درحبس است. بهاره هدایت تا کنون چند بار دراعتراض به محروم شدن از ملاقات دست به اعتصاب غذا زده است.

انتشار گزارش جدید احمد شهید نشان می‌دهد که تلاش‌های انجام شده برای بهبود شرایط اسفناک زندانیان عقیدتی درایران تا کنون بی نتیجه مانده است. بهاره هدایت و همرزمان او تنها به جرم آزادی خواهی و دگراندیشی باید بهترین سالهای عمر خود را درزندان ها سپری کنند. احمد شهید درگزارش جدید خود به موارد بررسی شده از نقض شدید حقوق بشر در زندان ها بر مبنای تحقیقات خود از شاهدانی که در معرض تهدید و آزار بوده‌اند پرداخته است. و موارد متعددی را ازشکنجه، تهدید و اعدام را نام می برد.

متن کامل گزارش احمد شهید را سازمان خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر درایران (هرانا) منتشر کرده است که دراینجا می خوانید:

گزارش تازه احمد شهید از وضعیت حقوق بشر ایران منتشر شد
چهارشنبه 17 اسفند 1390

خبرگزاری هرانا - احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران گزارش تازه ای را در مورد وضعیت حقوق بشر در این کشور منتشر کرد. این گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه می‌شود.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در این گزارش از موارد شکنجه بازداشت شدگان در ایران انتقاد کرده است.

او نوشته است: "بعضی (از مصاحبه شوندگان) اظهار کرده اند که در معرض رفتاری قهرآمیز قرار گرفته اند که مصداق شکنجه است، از جمله نگهداری بیش از اندازه در حبس انفرادی، شوک الکتریکی، ضرب و شتم شدید، تهدید به تجاوز جنسی و تهدید به بازداشت یا آسیب رساندن به دوستان و بستگان و اعضای خانواده. همچنین گفته شده است که بازداشت شدگان مجبور شده اند مقابل دوربین های تلویزیونی اعتراف کنند."

به گزاری بی بی سی، احمد شهید همچنین اظهارات شاهدانی را نقل کرده است که می گویند از حق دادرسی عادلانه در ایران محروم شده بودند. بعضی از این افراد گفته اند که هنگام بازداشت نه حکمی قانونی به آنها ارائه شده و نه دلیلی برای دستگیری آنها ذکر شده و در بعضی موارد ماه ها در سلول انفرادی نگهداری شده اند، بدون آن که اتهامی به آنها تفهیم شود.

در گزارش آقای شهید آمده است: "تمام مصاحبه شوندگان اظهار کرده اند که در خلال انتقال به بازداشتگاه و بازجویی به آنها چشم بند زده شده بود و اکثرا نتوانسته اند با اعضای خانواده خود تماس بگیرند تا بگویند در کجا نگهداری می شوند و پس از دستگیری و همچنین در خلال تحقیقات، به وکیل دسترسی نداشتند."

او همچنین شرایط زندانها و بازداشتگاه های ایران را پایین تر از "حداقل استانداردهای اعلام شده از سوی سازمان ملل" توصیف کرده است: "ازدحام بیش از حد زندانیان، نبود آب کافی، عدم رعایت کافی اصول جداسازی زندانیان، تاسیسات غیر بهداشتی و فوق العاده بی کیفیت، شرایط خطرناک تهویه، دسترسی ناکافی به خدمات پزشکی، ارائه غذای کم، ارتکاب خشونت و به خدمت گرفتن زندانیان برای تسهیل مجازات."

احمد شهید می گوید که با چهار نفر از بازداشت شدگان سابق بازداشتگاه کهریزک صحبت کرده و اظهارات آنها موارد مکرر اعتراض به شرایط زندانهای ایران را تایید می کند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در ادامه گلایه می کند که مقامهای متخلف از جمله سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهران، از مصونیت قضایی برخوردارند و از این که هنوز تحقیقی کامل، بیطرفانه و مستقل درباره حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ صورت نگرفته، ابراز دلسردی کرده است.

او همچنین اذیت و آزار، بازداشت و نقض حقوق مدافعان حقوق بشر در ایران را مورد انتقاد داده و نسبت به بعضی از پرونده ها از جمله سهراب رزاقی، کوهیار گودرزی و مادرش پروین مخترع، و آیت الله سید حسین کاظمینی بروجردی ابراز نگرانی کرده است.

در این گزارش اظهار شده است که جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کشور دیگر جهان، روزنامه نگاران را به زندان انداخته است. احمد شهید می نویسد که امسال ۴۲ خبرنگار در زندانهای ایران بازداشت هستند.

او می نویسد: "بنا به گزارشهای رسیده به گزارشگر ویژه، دست کم ۱۵۰ روزنامه نگار از زمان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ از بیم سرکوب و اذیت و آزار از کشورشان گریخته اند. سازمان گزارشگران بدون مرز در نامه ای به گزارشگر ویژه نوشته است که قریب به ۵۰ نشریه از زمان انتخابات تعطیل شده است."

یک روزنامه نگار به احمد شهید درباره سانسور در جمهوری اسلامی گفته است: "در گذشته مقامات به ما می گفتند چه ننویسیم ولی حالا می گویند چه بنویسیم."

گزارشگر ویژه سازمان ملل از سرکوب و اذیت و آزار نظام مند اقلیتهای دینی، قومی و جنسی در ایران نیز انتقاد کرده است.

آقای شهید در گزارش خود همچنین نسبت به افزایش شمار اعدام هایی که رسما توسط مقامات ایران تأیید شده، ابراز نگرانی کرده است.

او می گوید که در طول سال ۲۰۰۱ (تا ماه دسامبر)، ۴۲۱ مورد اعدام رسما اعلام شده و ۲۴۹ مورد اعدام مخفی به اطلاع وی رسانده شده است.

آقای شهید ضمن استقبال از حذف مجازات سنگسار از قوانین ایران، ابراز امیدواری کرده است که تمام موارد موجود محکومیت های سنگسار مورد بازبینی قرار گیرد، تا چنین مجازاتی دیگر در ایران اجرا نشود. با این حال، او ابراز نگرانی کرده که کماکان ممکن است "به تشخیص قاضی، مطابق قوانین اسلام یا فتوا، مجازاتهای شدیدی وضع شود."

در گزارش آقای شهید از قول یک نماینده سابق مجلس ایران (بدون ذکر نام او) به "موارد تقلب در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۸ و انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹" اشاره شده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، از قول این نماینده سابق مجلس نوشته است: "ناظران در شهرهای تهران، شیراز، تبریز و مشهد گزارش می دادند که حوزه های اخذ رأی هنوز باز بود و برگه های شمرده نشده هنوز در صندوق های سر بسته باقی مانده بود که خبرگزاری فارس در ساعت ۹ شب، نتایج انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۸ را اعلام کرد. همین مسئله، نگرانی های گسترده در مورد تقلب را مطرح کرد و در نتیجه شماری از نمایندگان مجلس به وزارت کشور اعتراض کردند".

احمد شهید در بخش دیگری از گزارش خود از سرکوب فعالیت تشکلهای کارگری در ایران و بازداشت اعضای سندیکاهای کارگری که خواهان احقاق حقوق صنفی خود هستند، انتقاد کرده است.

آقای شهید در این گزارش از عدم همکاری مقامات ایران گلایه کرده و نوشته است که آنها با درخواست او برای سفر به این کشور موافقت نکرده اند.

به نوشته آقای شهید، مقامات ایران همچنین به درخواستهای فوری نهادهای سازمان ملل در باره موارد نقض حقوق بشر پاسخ نداده اند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل از نظام قانونی ایران و تلاش نهادهای قانون گذاری برای تصویب قوانینی که به گفته او به محدود کردن حقوق شهروندان می انجامد، انتقاد کرده است.

احمد شهید در پایان ضمن درخواست از حکومت ایران برای توقف نقض نظام مند حقوق بشر، خواهان ارائه تعریفی روشن از جرائم علیه امنیت ملی شده است. او همچنین درخواست آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی را مطرح کرده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل از حکومت ایران تقاضا کرده که ضمن پایان دادن به اعدام برای مواردی که "جرم جدی" محسوب نمی شود، "توقف اعدام برای کلیه جرایم را تا زمانی که اجرای موثر حقوق مردم برای برخورداری از دادرسی عادلانه به طور معناداری قابل مشاهده نشده"، بررسی کند.

احمد شهید همچنین خواهان توقف اعدام افرادی شده است که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده اند.

—

هشدارفعالان جنبش زنان در مورد خطرجنگ

2012-03-12 · Archive ID 812
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=812

عرصه سوم- از پیامدهای عدم موفقیت مذاکرات ایران با دول غرب بر سر مسائل هسته ای،تشدید تحریم های اقتصادی و تهدید ایران به جنگ از سوی غرب و متحدانش است. سیاست‌های یک‌جانبه و تشنج آفرین جمهوری اسلامی درعرصه بین‌المللی تا کنون نتیجه‌ای جز دامن زدن به رکوداقتصادی، گسترش فقر و بیکاری درکشور، منزوی شدن کشور در عرصه بین‌المللی و افزایش خطر حمله نظامی اسراییل و متحدانش نداشته است. در چنین شرایطی درسیاست داخلی جمهوری اسلامی نیز با افزایش سانسور، کنترل رسانه‌ها، بازداشت روزنامه نگاران، محدود کردن فعالیت‌های قانونی برخی از مهمترین سازمانهای مردم نهاد ازجمله کانون وکلا و یا مراکز

فرهنگی و هنری مانند خانه سینما، سرکوب شدید فعالان سیاسی و مدنی و اقلیت‌های دینی، روزبه روز شاهد نقض گسترده حقوق بشر و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق مردم هستیم.

روشنفکران و کنشگران جنبش دموکراسی خواهی درایران عملاً از هرگونه فعالیت اجتماعی صلح آمیز و بشر دوستانه در مخالفت با سیاست‌های داخلی و خارجی دولتی محروم اند. اما آنان بنابر احساس مسئولیت و وظیفه اجتماعی با وجود همه محدودیت‌ها در مخالفت با فقدان آزادی بیان و تجمعات، خطر جنگ و افزایش تحریم های اقتصادی همچنان از پا ننشسته اند.

از جمله این اقدام‌ها بیانیه اخیر جمعی از فعالان جنبش زنان در مخالفت با جنگ افروزی و هشدار به جامعه بین‌المللی است. تعدادی از کنشگران جنبش زنان درداخل کشور نیز با ارسال پیام ویدیویی نسبت به بالا گرفتن تهدیدات نظامی و خطر جنگ هشدار دادند.

مریم حسین خواه روزنامه‌نگار و فعال جنبش زنان به همین مناسبت درمقاله خود بر روی سایت رادیو زمانه می نویسد:

"نه به جنگ" صدایی است که امسال در آستانه هشتم مارس، روز جهانی زن، بلندتر از همیشه از بخش‌های مختلف جنبش زنان ایران شنیده می‌شود.
با وجود همه فشارها و سرکوب‌هایی که این جنبش در یک سال گذشته متحمل شده است و علی‌رغم ادامه بازداشت شمار زیادی از فعالان و همراهان این جنبش از یک‌سو و تصویب و ابلاغ قوانین نابرابر و محدودکننده از سوی دیگر، فعالان جنبش زنان همچنان در تکاپوی رسیدن به "جهانی بهتر" هستند و در کنار مطالباتی که سال‌هاست در پی آن هستند، امسال دل‌نگرانی جنگ و بحران‌های احتمالی در ایران را نیز دارند.
شماری از فعالان جنبش زنان، امروز، هشتم مارس طی بیانیه‌ای ضمن هشدار به جامعه بین‌الملل به خاطر "شرایط خطرناکی" که به خاطر "سیاست‌های تشنج‌آفرین" جمهوری اسلامی ایران و برخی دولت‌های خارجی به مردم تحمیل شده است، نوشته‌اند: "ادامه این شرایط، سایه جنگ را برکشور ما می‌گستراند، فضای جامعه را نظامی می‌کند و مردم و به خصوص زنان را در معرض افزایش تبعیضات و انواع خشونت و فقر و فلاکت قرار می‌دهد."

دربخش دیگری از مقاله او می‌خوانیم که:

«آینده آزاد تمرکز جنبش زنان بر "مخالفت با جنگ" را در ادامه مطالبات آنها می‌داند و می‌گوید: "مخالفت با جنگ به این معنا نیست که مشکلات زنان داخل ایران حل شده و یا برابری حقوقی که زن‌ها سال‌هاست به دنبال آن هستند به دست آمده است. قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان همچنان رو به افزایش هستند و در پی آن خشونت‌های رسمی ازجمله از سوی نهادهایی همچون نیروهای انتظامی و بسیج و خشونت خانگی علیه زنان نیز رشد کرده است. همانطور که در بیانیه هم آمده با نزدیک شدن سایه جنگ به ایران، فقر زنان و خشونت علیه آنها بیشتر شده است."

امضاکنندگان این بیانیه برای خروج از بحران کنونی که دامنگیر ایران شده است، "احترام به قوانین بین‌المللی را به حکومت ایران" و "اتخاذ روش‌های مسالمت‌آمیز را به طرف‌های خارجی" توصیه کرده‌اند. آنها "هرگونه تحریکات نظامی و تحریم اقتصادی" را که "به‌طور مستقیم معیشت شهروندان ایرانی را با بحران مواجه سازد"، محکوم کرده‌اند.

همراهی با زنان خاورمیانه از دیگر محورهای مورد توجه جنبش زنان ایران در سال گذشته است و در بیانیه‌ای که به مناسبت روز جهانی زن صادر شده نیز این مسئله بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. فعالان جنبش زنان با تاکید دوباره بر حمایت از "مقاومت" زنان خاورمیانه برای "کسب حقوق برابر"، آورده‌اند: "ما معتقدیم که اتحاد زنان و مشارکت و همبستگی آنان در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی به کاهش تشنج و استمرار صلح و به ایجاد روابط انسانی‌تر در سراسر جهان کمک می‌کند."
صبری نجفی، فعال حقوق زنان مقیم ایتالیا نیز معتقد است اگر چه جنبش زنان در ۳۳ سال گذشته تلاش‌های بسیاری برای تحقق برابری جنسیتی داشته است، با این وجود تبادل تجربه بین زنان ایران و کشورهای عربی می‌تواند همچنان آموزنده باشد و ما می‌توانیم در کنار همدیگر برای درد مشترک‌مان چاره بیندشیم.

وی با تاکید بر لزوم هم‌اندیشی بین زنان منطقه، می‌گوید که در کنار هم قرار گرفتن جنبش زنان کشورهای منطقه آن‌ها را به حقوق خود نزدیک‌تر کرده و جنبش‌های زنان را به صورت یک نیروی فکری موثر در تصمیم گیری‌های کشورهایشان تبدیل می‌کند.”

سایت تغییر برای برابری نیز با انتشار ویدیوهای حاوی پیام زنان ایرانی درمطلبی با عنوان فریادهایی که شاید بشنو ید / اعلام مخالفت فعالین حقوق زنان در ایران با جنگ به مناسبت هشت مارس

می نویسد:

«جنگ یک روزه اتفاق نمی افتد. جنگ لازم نیست با بمب توی شهرهایمان فرود بیاید. سایه جنگ هم هولناک است. سایه جنگ هم زندگی ما زنان را تغییر می دهد. هر روزی که در جنگ یا شرایط جنگی سر می کنیم، همراه با نگرانی از مرگ دست آوردهای سالها مبارزه مان برای برابری است. جنگ برای ما یعنی خشونت ویرانگر علیه زنان و کودکان، یعنی سرکوب هر چه بیشتر، یعنی خاموش شدن همه مطالبات و اعتراضات مدنی و ... . ما هنوز غبار جنگ 8ساله ایران و عراق را از تن نتکانده ایم که کشورمان تهدید به جنگ دیگری می شود. جنگ فقط بمب و آوار خانه ها نیست. امروز پیش از آنکه جنگی رخ داده باشد، زندگی زنان سخت تر شده است. جنگ چشم در چشم ما زنان دوخته و قدم به قدم نزدیک می شود.
ما نمی خواهیم قربانیان خاموش این غول باشیم. ما در روز 8 مارس 2012 بی آنکه فرصتی برای شادی یا طرح مطالباتمان در خیابان داشته باشیم، این روز را بهانه ای کردیم تا بگویم با جنگ مخالفیم و هر کدام در یک فیلم کوتاه دلیل مخالفتمان را گفته ایم. شما هم همراه ما شوید تا .صدای بلندی باشیم بر سر کسانی که به هر بهانه ای با لبخندی بر لب به استقبال جنگ می روند”.

—

فریاد های بی پاسخ در اعتراض به تخریب میراث فرهنگی

2012-03-13 · Archive ID 814
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=814

رضا حاجی‌حسینی
- در شرایطی که اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی ایران همه توجه‌ها را به خود جلب کرده است، بحران چگونگی حفظ میراث فرهنگی هم در کشور وارد مرحله جدیدی شده است. دراین وضعیت مجموعه فعالیت‌های دوستداران میراث فرهنگی هم معمولا راه به جایی نمی‌برد. بی‌توجهی‌ها و تخریب‌ها هم چنان ادامه دارد.

در تازه‌ترین این اتفاق‌ها، آن‌طور که خبرنگار پایگاه خبری رسانه "قانون" گزارش داده است، لودرها و بلدوزرهای شهرداری قزوین، دهان باز کردند تا قدمت و تاریخ این شهر دو هزار ساله را یکجا ببلعند. درمرحله سوم ساخت بلوار شهید انصاری بخش عمده‌ای از بافت ارزشمند شهر قزوین ویران خواهد شد. مرحله نخست طرح این بلوار در دوره‌ی پهلوی آغاز شد و بخش دوم آن، 10 سال پیش به اجرا درآمد.

فریاد های بی پاسخ در اعتراض به تخریب میراث فرهنگی

خبرگزاری میراث فرهنگی هم گزارش داده است که پیشروی این طرح، منجر به نابودی بخش مهمی از میراث تاریخی قزوین و بخش عمده‌ای از بناها و عناصر ثبت شده ملی می‌شود.
در چنین شرایطی آیا راه و راهکاری برای نجات میراث فرهنگی کهن سرزمین ایران باقی مانده است؟
برای کمک و جلوگیری از تخریب هرچه بیش‌تر آثار تاریخی، برخی افراد و گروه‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق فعالیت‌های اجتماعی به حفظ و نگهداری این میراث کمک کنند. در سال‌های گذشته، این تلاش‌ها چندان به نتیجه نرسیده‌اند و نیاز به همراهی عمومی با حامیان میراث فرهنگی به شدت احساس می‌شود. فرهنگ‌سازی برای جلب توجه مردم به اهمیت میراث فرهنگی هم نکته مهمی
است که نباید از آن غافل شد.

برسد به دست شهردار

در یکی از کوشش‌ها و پویش‌های اجتماعی برای حفاظت از میراث فرهنگی، به‌تازگی جمعی صد نفره از روزنامه‌نگاران ایرانی، در نامه‌ای به "محمدباقر قالیباف"، شهردار تهران، از او خواسته‌اند تا مانع تخریب میراث فرهنگی به‌وسیله شهرداری شود. در این نامه، بخشی از مسئولیت تخریب بناهای کهن و تاریخی به عهده این سازمان دولتی گذاشته شده است و از شهردار تهران خواسته شده است تا مانع از تخریب "خانه-باغ اتحادیه" (امین‌السلطان) بشود. در بخشی از این نامه آمده است:
"اگرچه در ظاهر امر شهرداری تهران نقشی در این خصوص ندارد اما بر اصحاب رسانه و کارشناسان میراث فرهنگی و حوزه شهری پوشیده نیست که شهرداری در این مورد و موارد مشابه، در نقش تشویق‌گر ظاهر شده است. در واقع مالکان خانه‌های تاریخی موجود در بافت تاریخی تهران که به سرعت رو به تجاری شدن می رود و خالی از سکنه می‌شود، با آگاهی از این واقعیت که در صورت تخریب بناهای تاریخی، شهرداری تهران مجوز تبدیل املاک به واحدهای تجاری و اداری یا حداقل واحدهای مسکونی متعدد را صادر می‌کند و سود هنگفتی در انتظارشان خواهد بود، در جهت تخریب این بناهای کمیاب و ارزشمند گام برمی‌دارند و متاسفانه اخیرا نیز ابواب قانونی برای چنین عملی پیش رویشان گشوده شده است."
خانه-باغ اتحادیه (امین‌السلطان)، تنها باغ بازمانده از خیابان لاله‌زار قدیم و یکی از آثار معماری نفیس عصر قاجار که این روزها در آستانه تخریب قرار دارد، پیش‌تر در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده بود. این عمارت، محل ساخت سریال "دایی‌جان ناپلئون" بود که "ناصر تقوایی" آن را از روی رمانی به‌همین نام، نوشته "ایرج پزشک‌زاد" ساخت. این سریال به‌عنوان یکی از پربیننده‌ترین سریال‌های تلویزیون ایران، از زمان تاسیس تا امروز شناخته می‌شود و به همین دلیل خانه-باغ اتحادیه، از منظر حفظ میراث فرهنگی هنری نیز دارای اهمیت و ارزش است. بر این اساس، 360نفر از اهالی سینما و تئاتر ایران هم در نامه‌ای جداگانه از شهردار تهران خواستند تا از تخریب این خانه
تاریخی و منحصر به فرد جلوگیری کند تا "نامی نیک از وی در تاریخ ایران بماند".

نامه‌های بی‌جواب

نامه‌نگاری‌ها به شهردار تهران برای جلوگیری از تخریب خانه-باغ اتحادیه تاکنون بی‌جواب مانده است و مشخص نیست در شرایطی که احتمال پاسخ‌گویی به چنین نامه‌هایی بسیار ناچیز است، چرا فعالان اجتماعی این راه را برای انتقال پیام خود انتخاب می‌کنند؟
به‌نظر می‌رسد انگیزه این گروه‌ها را باید در علاقه برخی چهره‌های حکومتی ایران به محبوبیت در نزد مردم جست‌وجو کرد. علاقه به محبوب بودن که گویا بر اساس برآوردهای نویسندگان نامه در شهردار تهران هم وجود دارد، به عنوان زمینه‌ای برای نگارش این نامه‌ها در نظر گرفته شده است تا شاید باعث پاسخ‌گویی شود. این موضوع در نامه اهالی سینما و تئاتر در قالب این جمله که نامی نیک از وی در تاریخ ایران بماند، آمده است و روزنامه‌نگاران هم در نامه‌شان به تعریف و تمجید از شهردار و سیاست‌هایش پرداخته‌اند تا شاید بتوانند به پادرمیانی در این ماجرا راضی‌اش کنند.
در توضیح دقیق‌تر این مساله و با بررسی سابقه چنین نامه‌نگاری‌هایی، می‌توان گفت برخی فعالان اجتماعی در ایران برآنند که پای رسانه‌های خرد و کلان را به موضوعات مورد نظرشان باز کنند. این افراد بر اساس گفته‌های خودشان معتقدند که معمولا وقتی رسانه‌ها بخشی از مسائل تحت حوزه مدیریت مسئولان را مورد توجه قرار می‌دهند و روی آن‌ها دست می‌گذارند، مقام مسئول روی موضوع حساس می‌شود و برای تطهیر نام خودش هم که شده، کاری می‌کند. به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین انگیزه کسانی که این نامه‌ها را نوشته‌اند آن است که با انتشار نامه
سرگشاده خود در رسانه‌ها، باعث ایجاد چنین حساسیتی شوند.

تخریب با توجیه اقتصادی

اکثریت روزنامه‌نگاران امضاکننده نامه به شهردار، در حوزه فرهنگ و هنر فعالیت می‌کنند. با نگاهی به آثارشان می‌توان دید که دغدغه میراث فرهنگی دارند و بسیاری از آنها روزنامه‌نگار حوزه میراث فرهنگی هستند، و اغلب بر این باورند که اگر این معضلات را طوری بیان کنند که پای یکی از مسوولان که دغدغه محبوبیت خود را دارد به وسط بکشند، ممکن است زمینه‌ای برای انجام اقدامات پیشگیرانه فراهم شود. به این ترتیب، این اتفاق گرچه ممکن است با هدف تبلیغ یک مقام مسئول برای خود بیفتد، اما نتیجه کار برای میراث فرهنگی با ارزش خواهد بود. ضمن این که در مورد شهرداری، چه از نظر بودجه و چه از نظر اختیاراتی که این مجموعه دارد و هم

از این جهت که صادرکننده جواز تخریب و ساخت است، تنها نهادی است که می‌تواند برای کمک به حفظ میراث فرهنگی، کاری بکند. یعنی اگر شهرداری جواز ساخت پاساژ به‌جای خانه اتحادیه را ندهد، خود به خود بحث تخریب این میراث عصر قاجار هم لغو می‌شود. اما این که در وضعیت فعلی فعالان مدنی و اجتماعی بتوانند با نامه‌نگاری باعث جلوگیری از چنین اتفاقی بشوند، کمی بعید به‌نظر می‌رسد.
در شرایطی که هنوز شهرداری تهران در مورد خانه اتحادیه و نامه های روزنامه‌نگاران و هنرمندان اعلام نظر نکرده است، تلاش من برای گفت‌وگو با امضاکنندگان این نامه‌ها بی‌جواب ماند چرا که اغلب آنان بر این باورند که از این به بعد باید جریان را به دور از هر گونه تنش پیگیری کرد و نباید کاری کرد که باعث ایجاد حساسیت شود. دغدغه‌ای که گرچه قابل احترام است اما به‌نظر نمی‌رسد تاثیری بر پاسخ شهرداری و عملکرد مسوولان داشته باشد و احتمالا لازم است که این جریان، شکلی عمل‌گرایانه‌تر به‌خود بگیرد و به‌عنوان مثال با تجمع مردم در مقابل خانه اتحادیه پیگیری شود.
مجموعه تخریب‌ها در حوزه میراث فرهنگی ایران در شرایطی صورت می‌گیرد که از نظر قوانین بین‌المللی مصوبه 1970 در منشور واشنگتن، هرگونه ساخت و ساز و احداث بزرگراه اگر باعث تخریب بافت تاریخی شهرها شود، ممنوع اعلام شده است. اما متأسفانه در مهم‌ترین شهرهای تاریخی ایران، نه‌تنها این اصل رعایت نمی‌شود بلکه تخریب میرات فرهنگی هم چنان با توجیه اقتصادی ادامه دارد.

—

برای گذر از سد فیلترینگ دولتی

2012-03-15 · Archive ID 817
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=817

هومن عسکری

نیاز بلاگرها و کاربران اینترنتی ایرانی به استفاده آزادانه از دریای اطلاعات دنیای سایبر و تلاش حکومت اسلامی برای ممانعت از دسترسی شهروندان به بسیاری از سایت های اینترنتی و اعمال سانسور، بسیاری را در سراسر جهان بر آن داشته که با پاسخ به نیاز ایرانیان برای گذر از سد فیلترینگ دولتی تلاش کنند. آنچه در پی می آید گزیده ای از شیوه های عبور از سانسور دولتی است که در ایران استفاده می شوند:

- «وی.پی.ان.» ها: مخفف «شبکه خصوصی مجازی» [virtual private network]، به نظر می سد «وی.پی.ان» ها جزو پر طرفدار ترین روش های مورد استفاده برای عبور از فیلترینگ در ایران هستند. نمونه ای از «وی.پی.ان.» های مورد استفاده در ایران را در اینجا ملاحظه خواهید کرد.
- فیلترشکن تور: ابزاری نام آشنا که توسط بسیاری در سراسر جهان با مقاصد گوناگون مورد استفاده قرار می گیرد، امنیت ارتباط، مخفی نگاه داشتن هویت، حفاظت از داده های انتقالی و، البته، گذر از فیلتر دولتی اینترنت از موارد استفاده این ابزار به شمار می روند. برای مشاهده قطعه فیلمی کوتاه درباره «تور» اینجا را ببینید. مصاحبه فرد پطروسیان با خالق «تور» را در اینجا و اطلاعات بیشتر را در سایت رسمی «تور» از اینجا ببینید.
- فیلتر شکن سیمرغ: یک نرم افزار پراکسی ایمن برای عبور از فیلترینگ، نکته جالب درباره سیمرغ حجم کم نرم افزار است که به کاربرانی که از سرعت های پایین تر استفاده می کنند نیز این امکان را می دهد که به سادگی این نرم افزار را بارگیری [دانلود] کنند. سایت رسمی «سیمرغ سبز» را در این نشانی خواهید یافت.
- فیلتر شکن الکثیر: پروژه یک کنشگر سایبر اهل یمن به نام «ولید السقاف» که چندی پیش با عرصه سوم به گفت و گو نشست. به گفته السقاف ایرانی ها بیشترین گروه کاربران الکثیر را تشکیل می دهند. برای دریافت این نرم افزار به الکثیر به این نشانی مراجعه کنید.
- فیلترشکن و پراکسی سایفون: یک نرم افزار پراکسی پرطرفدار دیگر که نخست در دانشگاه تورنتو کانادا ارائه شد، هم اکنون توسط یک شرکت کانادایی اداره می شود و وب سایت رسمی این نرم افزار را در اینجا خواهید یافت.

—

با دفاع ازمبارزات صلح طلبانه به سیاست های جنگ افروز اعتراض کنید

2012-03-19 · Archive ID 820
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=820

عرصه سوم - زمزمه های جنگ طلبانه برای حمله نظامی به ایران از زمان تاسیس نظام جمهوری اسلامی پیوسته به اشکال مختلف به گوش می رسند. از فردای انقلاب بهمن با حمله عراق به ایران، کشور ما به مدت هشت سال درگیر جنگی خانمان سوز با تلفات بسیار شد. تجربه‌ای تلخ و دردناک برای هزاران خانواده که هستی و نیستی و عزیزان خود را درجنگ از دست دادند.

در سی سال اخیر هیچ گاه فراخوان بین المللی به حمله نظامی علیه ایران به شدت امروز نبوده است؛ حمله ای که به ظاهر قرار است برای ضربه زدن به بنیادگرایان جنگ طلب و توقف پروژه اتمی صورت گیرد. اقدامی بی حاصل که در نهایت به سود سیاست‌های حکومت ایران تمام خواهد شد. آنان که تمام تلاششان از زمان به قدرت رسیدن معطوف به این هدف بوده که ملت ایران را در شرایط «نا امنی دائم» نگاه دارند. حاکمانی که همواره با دستاویز تهدید شدن ایران به جنگ از سوی دول غرب و اسراییل به سرکوب بنیان های جامعه مدنی، کنتزل و سانسور رسانه‌های ملی و بین المللی و محدود کردن آزادی فردی و اجتماعی مردم و البته افزایش قدرت خود پرداخته اند.

کنشگران مدنی و مدافعان حقوق بشر برای بهبود وضعیت مردم به ویژه اقشار محروم و آسیب‌پذیر درجامعه تلاش می کنند. فعالان اجتماعی برای نهادینه کردن احترام به آزادی بیان و حقوق انسان ها در جامعه مبارزه می کنند، آنها طرفدار صلح و مخالف جنگ بوده و بر این باوراند که جامعه مدنی و نهاد های مردمی با هدف برقراری عدالت و دموکراسی در سایه تهدید جنگ نمی‌توانند فعالیت و رشد کند. اما حکومت ها می توانند به بهانه جنگ جنبش دموکراسی خواهی و حقوق بشر را سرکوب و مدافعان آن را از میان بردارند.

بنیاد عرصه سوم با محکوم کردن اقدامات جنگ طلبانه بین‌المللی و هم سیاست‌های نابخردانه جمهوری اسلامی در دامن زدن به این تهدیدات از تمام نهادهای بین‌المللی می‌خواهد که برای حمایت از صلح درمنطقه تلاش کرده و هم به زندانی بودن فعالان سیاسی و اجتماعی درایران اعتراض کنند.

کوتاه سخن آنکه، تنها فعالیت و تلاش برای تحقق دموکراسی و بهبود وضعیت حقوق بشر به صلح ختم خواهد شد و تهدید مردم به جنگ و سرکوب نتیجه ای جز ویرانی و تباهی نخواهد داشت.

—

گزارش فعالان حقوق بشر ایرانی در نشست بین المللی ژنو

2012-03-20 · Archive ID 823
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=823

عرصه سوم-بهار و عید نوروز باستانی باردیگر فرا رسید. سال جدید درایران درشرایطی آغاز می‌شود که بحران اقتصادی و گرانی کمرشکن به قول معروف کمر مردم را شکسته و ملیون‌ها شهروند ایرانی برای برگزاری جشن، مراسم سنتی نوروز و خرید عید به شدت در تنگنای مالی قرار دارند. افزون برآن درآستانه سال نو هنوز ده‌ها نفر از فعالان اجتماعی، سیاسی و یا کنشگران اقلیت‌های قومی و هواداران مذاهب که برای تحقق آزادی بیان، دموکراسی و حقوق بشر در کشور مبارزه کرده‌اند، همچنان دربندند. در سالی که گذشت وضعیت وخیم حقوق بشر درایران کماکان به روال سابق ادامه یافت. درگزارش‌های سازمان های حقوق بشری در سال گذشته با صدها مورد جدید از نقض حقوق انسانی فعالان مدنی، وکلا، روزنامه نگاران، زندانیان سیاسی و عادی روبرو هستیم. افزایش تبعیضات بر اقلیت‌های مذهبی مسیحی، بهایی و اهل تسنن نیز از جمله موارد یادشده دراین گزارش‌ها هستند.

با انتشار نتایج تحقیقات جدید احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره مسئله حقوق بشر درایران که درمقایسه با گزارش قبلی او بسیار مفصل‌تر و جامع تر است، فعالان حقوق بشر، جامعه ایرانی و مقامات

دولتی باردیگر با اسناد غیرقابل تردید و تأیید شده از طرف قربانیان زندان و شکنجه، درنقض قانون اساسی کشور و هم اسناد بین‌المللی روبرو هستند.

در این گزارش موارد متعددی از شرایط حاکم بر زندان ها، و فشارهای موجود بر اقشار مختلف جامعه از جمله وضعیت دانشجویان، زنان، کارگران، اقلیت های قومی ، مذهبی و جنسی ذکر شده و مجموعه قوانین جاری درمورد گروه‌های یاد شده مورد بررسی قرارگرفته است. در گزارش جدید احمد شهید هم چنین برای بهبود وضعیت حقوق بشر و هم بازبینی درقوانین جاری تبعیض آمیز پیشنهادها و راه حل‌های سازنده ای به مقامات دولتی درایران ارائه شده است.

اگر چه گزارش دوم احمد شهید از سوی دست اندرکاران، کنشگران مدنی و حقوق بشری درایران با استقبال و تایید روبرو گردید. بر طبق روال گذشته این سند هم باز با بی اعتبایی ،مخالفت و انتقاد مسئولان دولتی درایران مواجه شد. از سوی دیگر چند روز پس از انتشار گزارش جدید شهید در شانزدهم ماه مارچ بررسی نشست سالانه حقوق بشر در شهر ژنو هم برگزار شد. نشست سالانه ای که به بررسی حقوق بشر درجهان و به ویژه کشورهایی می‌پردازد که دراین زمینه سابقه درخشانی ندارند. هرساله جمعی از متخصصان و فعالان مدنی ایرانی هم در جلسات ژنو شرکت داشته و با ارائه آخرین نتایج تحقیقات و تلاش‌های خود درمورد ایران با همتایان بین‌المللی به تبادل نظر و ارائه راه حل می پردازند.

دراین ویدیو که مربوط به نشست ژنو در خردادماه 1390 است. خدیجه مقدم فعال حقوق بشر درایران صحبت می کند.

درنشست امسال حقوق بشر در ژنو همایش های متعددی دررابطه با ایران برگزار شد. گزارش رادیو زمانه از این نشست را می خوانید:

« سیامک حیدری – امسال نیز همانند سال‌های گذشته، نشست سالیانه شورای حقوق بشر سازمان ملل در شهر ژنو برگزار شد. این نشست که امسال روز شانزدهم مارس برگزار شد، به بررسی کارنامه حقوق بشر کشورها و به ویژه کشورهایی می‌پردازد که نقض گسترده حقوق بشر در آن‌ها دیده می‌شود.

فعالان حقوق بشر ایرانی همواره تلاش می‌کنند در حاشیه چنین نشست‌هایی، ضمن برگزار کردن میزگردها و نشست‌های مختلف در مقر سازمان ملل، با دیگر فعالان و همچنین نهادهای حقوق بشری در سایر کشورها تماس برقرار کنند و به تبادل نظر با آن‌ها بپردازند.

نبود آماری از نوکیشان مسیحی در ایران

صبح روز شانزدهم مارس، در سالن شماره بیست و پنج سازمان ملل همایشی تحت عنوان "اقلیت‌های مذهبی در ایران" از طرف سازمان دفاع نهاد حقوق بشر SUDWIND برگزار شد که حسن نایب‌هاشم تدارک آن را برعهده داشت.

در آغاز جلسه مانی مستوفی، به نمایندگی از مسیحیان ایرانی تحت عنوان "آزار و اذیت مسیحیان پروتستان" به ایراد سخنرانی پرداخت. او در ابتدای سخنان خود اشاره کرد: "مسیحیت به عنوان دین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است، اما مسیحیان آنطور که در قانون آمده است از آزادی بیان و عمل برخوردار نیستند."

وی با تاکید بر اینکه جمعیت مسیحیان ایرانی حدود سیصدهزار نفر برآورد می‌شود، اما آماری از نوکیشان مسیحی در ایران وجود ندارد، با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران نوکیشان مسیحی را تهدیدی برای خودش به حساب می‌آورد گفت: "مسیحیان ایرانی در کلیساهای خانگی فعالیت می‌کنند و چنین کلیساهایی در ایران غیر قانونی است."

آقای مستوفی در بخش پایانی سخنرانی خویش با اشاره به شیوه‌های اعتراف‌گیری وزارت اطلاعات، جمع‌آوری اطلاعات و تهدید به "ارتداد" و اتهام "ارتباط مسیحیان با کشورهای خارجی" گفت: "مسیحیان ایرانی در طول تاریخ ایران به‌طور سیستماتیک تحت فشار بوده‌اند و بعد از انقلاب این فشارها مضاعف شده است.

شدید فشار بر بهاییان در سال ۱۳۹۰

«در ادامه جلسه، دیان علایی به نمایندگی از جانب جامعه بهائیان ایران ضمن اشاره به برخی شباهت‌ها میان سرکوب مسیحیان و بهائیان ایرانی گفت: "نوکیشان و مسیحیان ایرانی پس از دستگیری می‌توانند با گذاشتن وثیقه از زندان آزاد شوند، اما در مورد بهائیان چنین چیزی وجود ندارد."

خانم علایی در بخش دیگری از سخنان خود توضیح داد: "ما رهبر مذهبی نداریم و چیزی شبیه آیت‌الله و اسقف در میان بهائیان وجود ندارد و رهبران بهایی با رای مستقیم جامعه بهایی انتخاب می‌شوند و بنابراین اتوریته مذهبی ندارند."

وی ضمن اشاره به احکام صادره برای تعدادی از بهائیان ایرانی مانند چهل سال زندان برای آوای خانجانی و با تاکید بر اینکه بهائیان به احکامی همانند مفسد فی الارض محکوم می‌شوند، گفت: "آزادی بیان برای بهائیان وجود ندارد. تبلیغات دولت و جمهوری اسلامی علیه بهائیان در سطح رسانه‌ها بسیار وسیع است و مشکلات و فشارها در ایران علیه جامعه بهایی طی یک سال گذشته دو برابر شده است."

دیان علایی در بخش دیگری از سخنانش به اتهام‌های دیگری اشاره کرد که در ایران متوجه جامعه بهایی است. اتهام‌هایی نظیر راه‌اندازی دانشگاه‌های غیر قانونی و آنلاین، شناسایی بهائیان از دوران مهد کودک و تجاوز به حریم خصوصی افراد.

مشکلات عدیده اقلیت‌های مذهبی

گلاله شرفکندی، فعال حقوق زنان، از دیگر سخنرانان نشست اقلیت‌های مذهبی در ایران در حاشیه نشست سالیانه شورای حقوق بشر سازمان ملل به طور کلی به اجحاف و فشار بر اقلیت‌های ملی- مذهبی در کردستان ایران اشاره کرد. وی در بخشی از سخنانش به بررسی و تشریح کتاب‌های درسی در کردستان ایران و آسیمیلاسیون فرهنگی- مذهبی در این خطه پرداخت.

او ضمن بررسی افزایش فشار بر اقلیت‌های مذهبی مثل یزیدی و یارسان گفت: "در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوقی برای آنان در نظر گرفته نشده است و آن‌ها در عمل حتی در زندگی روزمره و ادامه تحصیل با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند تا جایی که در برخی مواقع برای گریز از تحقیر و سرکوب مجبورند هویت واقعی خویش را انکار کنند. فضایی وجود ندارد که این دسته از اقلیت‌ها در کردستان بتوانند دیدگاه‌ها و اعتقادات خویش را ابراز کنند."

آخرین سخنران نشست نخست نازنین انصاری بود. او به شخصیت آیت‌الله بروجردی، فشارهای وارده بر وی، خانواده و اطرافیانش پرداخت. خانم انصاری ضمن اشاره به شجاعت و استقامت آیت‌الله بروجردی از وی به عنوان نامزد جایزه صلح نوبل نامبرد و همچنین گفت که یک روز پس از گزارش احمد شهید در سازمان ملل وی به زندان انفرادی منتقل شده است.

نازنین انصاری در بخش دیگری از گفته‌های خویش از شایعه مسموم کردن خانواده بروجردی از طرف رژیم، کنترل تلفن اطرافیان و نزدیکان ایشان خبر داد.

دمکراسی و حقوق بشر در ایران

نشست دوم همان روز در سالن بیست و دو سازمان ملل برگزار شد. این نشست با ابتکار مرکز زاگرس برای دمکراسی و حقوق بشر در ایران، همکاری MRAP (جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی میان ملل) و بنیاد فرانس لیبرتی برگزار شد.

سخنران نخست بابان الیاسی از مرکز زاگرس برای دمکراسی و حقوق بشر در ایران بود. او با تاکید بر اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبعیض نهادینه شده است، برای اثبات ادعای خود به تناقض‌های موجود در قانون اساسی پرداخت و برای مثال به دین رسمی اشاره کرد که طبق قانون اساسی ایران شیعی اثنی عشری است.

وی همچنین به ماده ۱۹ قانون اساسی اشاره کرد که بر اساس آن همه مردم ایران از هر تیره و قوم و زبانی که باشند بدون در نظر گرفتن نژاد و زبان، مساوی و در برابر قانون برابرند. او گفت: "علی‌رغم برخی مواد قانون اساسی، اقلیت‌های ملی- مذهبی در ایران سهمی در اداره کشور ندارند و در عمل از اداره سیاسی و مناصب بالای دولتی و حکومتی کنار گذاشته شده‌اند."

آقای الیاسی در بخش دیگری از سخنرانی خود گفت: "سیاست زبان واحد، فرهنگ واحد که از طرف خانواده‌های پهلوی بنیاد نهاده شد، هم اکنون هم به نوع دیگری از جانب رژیم جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود."

وی ضمن اشاره به کنار گذاشته شدن اقلیت‌های قومی در اداره امور مملکت در ایران خاطرنشان کرد که در پیش گرفتن چنین سیاستی از طرف دولت‌های مختلف طی سال‌های گذشته منجر به شکاف‌های عمیق میان ساکنان ایران شده است.

ناصر بلیده‌ای به نمایندگی از کنگره ملیت‌های فدرال ایران نیز در بخشی از سخنان خود گفت: "در مناطقی مثل اهواز، بلوچستان، آذربایجان و کردستان نقض حقوق بشر به شکل سیستماتیک و مستمر انجام می‌شود. سرکوب و ارعاب در آن مناطق به شکل وسیع‌تر و عمومی‌تری اعمال می‌شود. به‌طور مثال آموزش و پرورش به زبان مادری در مناطق یادشده ممنوع است و در مراحل بعدی در دوره‌های گزینش و کاریابی مورد تبعیض قرار می‌گیرند."

آقای بلیده‌ای در قسمت دیگری از گفته‌های خود به تبعیض اقتصادی در مناطق محروم اشاره کرد و گفت: "در مناطقی مثل اهواز که سرشار از منابع زیرزمینی و طبیعی است، بیشترین نرخ بیکاری دیده می‌شود و فقر در آنجا بیداد می‌کند."

به عقیده این فعال اجتماعی در آینده باید در ساختار سیاسی ایران تغییراتی ایجاد کرد. از نظر وی تغییرات مورد نظر می‌تواند یک ایران فدرال و غیرمتمرکز باشد: "ایران یک موزائیک است و فرهنگ‌ها، مذاهب، اعتقادات و زبان‌های متفاوتی را در خود جای داده است. بهترین ساختار برای چنین جوامعی می‌تواند یک نظام فدرال باشد بدون این که تمامیت ارضی ایران زیر سئوال برود. ما باید به‌طور مسالمت‌آمیزی باهم زندگی کنیم و دیگر اقلیت‌ها هم بتوانند نمایندگان خاص خود را داشته باشند؛ نمایندگانی که واقعاً بازتاب دهنده خواست‌ها و انتظارات مردم این مناطق باشند و در دولت نقش و رل خود را ایفا کنند."

آقای بلیده‌ای همچنین به بررسی مدل‌های خاص فدرالیسم در جهان اشاره کرد و با توجه به تنوع آرا و عقاید متفاوت در ایران، انواعی از فدرالیسم در کشورهای سوئیس و هند را برای ایران متناسب دانست. او با توجه به اینکه کشورهای کره جنوبی و ایران تقریباً هم زمان دولت‌های مدرن را بنیاد نهادند، گفت: "امروز ایران در سایه یک مدیریت درازمدت ناکارآمد تنها نفت صادر می‌کند، در حالی که کره جنوبی صادرکننده‌ی ماشین آلات و تکنولوژی پیشرفته در سطح جهان است."

نگاه امنیتی حکومت به عرب‌های اهواز

کریم عبدیان به نمایندگی از عرب‌های اهواز به ایراد سخنرانی پرداخت. او با اشاره به مناطق جنوب ایران و با توجه به وجود منابع عظیم طبیعی و زیرزمینی مانند نفت، گاز و آب و هم چنین سرزمین‌های حاصلخیز در اهواز اظهار داشت: "بومیان و ساکنان این خطه از محروم‌ترین اقشار جامعه ایران هستند که در واقع به کلی به حاشیه رانده شده‌اند. عرب‌های اهوازی در سطح اقلیم در فقر به سر می‌برند و از داشتن امکانات اولیه زندگی محروم هستند. در حالی که زمین‌های زیر پایشان روزی چهار و نیم میلیون بشکه نفت یا ۹۰ در صد نفت ایران را تولید می‌کند و عایدی دولت تنها در سال ۲۰۱۱ میلادی از این بابت بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است."

آقای عبدیان در ادامه افزود: "عرب‌های اهوازی در ایران اقلیتی ملی، بومی، اتنیکی و زبانی هستند. جمهوری اسلامی ایران سیاست جابه‌جایی جمعیت و تصاحب غیر قانونی زمین های کشاورزان عرب را به شیوه رژیم سابق شاه ادامه می‌دهد. این حکومت نیز به مانند حکومت سابق، به اقلیت عرب ایران با دید امنیتی و شک و تردید برخورد می‌کند و متأسفانه به مردم عرب اهواز نگاه امنیتی دارد. به این معنا که می ترسد روزی استان نفت‌خیز خوزستان را از ایران تجزیه کنند. لذا جز بر این محور حرکت نمی‌کند. دولت بیش از ۲۵۰ هزار هکتار

زمین‌های کشاورزان عرب را طی ۲۰ سال گذشته درمناطق جفیر (بین حویزه و محمره)، شوش، حویزه و حمیدیه غصب و تصاحب کرده است. این زمین‌ها را به مهاجران غیر عرب و غیر بومی فارس یا به شرکت تعاونی ایثارگران- یعنی افراد مرتبط با سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی و دیگرکارگزاران غیر بومی دولت- واگذار کرده است.

همچنین واگذاری زمین‌های روستایی‌های عرب در منطقه الدره در عبادان (با نام رسمی آبادان) به سپاه پاسداران و اخراج اجباری روستائیان عرب و یا تصاحب و واگذاری زمین‌های شمال کارون به پروژه نیشکر ودر نتیجه بیکاری و بی‌خانمانی ده‌ها هزار کشاورز عرب در این مناطق و امثال این اعمال برخلاف قوانین بین‌المللی و بخصوص مغایر با مواد چهار و پنج اعلامیه و منشور سازمان ملل در حمایت از اقلیت‌ها انجام شده است.

بر مبنای محتویات نامه‌های محرمانه‌ای که اخیراً از درون حکومت جمهوری اسلامی به خارج درز کرده است، این رژیم در راستای یک سیاست عرب‌ستیز و خط مشی رسمی آسمیسلاسیون و پاکسازی قومی، عرب‌های ایران را به وسیله تغییر بافت جمعیتی، جابه‌جایی، اخراج از زمین‌هایشان و اسکان اجباری آن‌ها در خارج از منطقه مانند اصفهان، شیراز، تبریز، کرج و تهران پراکنده می‌کند و به تحلیل می‌برد. بنا به متن‌های صریح این بخشنامه‌ها، هدف سیاست تقلیل جمعیت عرب استان، از حدود ۷۰ درصد جمعیت استان به یک سوم، در مدت ده سال یا کمتر است. مسئولیت ارشد اجرای این سیاست برعهده محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه پاسداران و دبیر فعلی شورای مصلحت نظام است.

براساس گفته‌های کریم عبدیان، میزان بیسوادی عرب‌های اهوازی چهار تا پنج برابر میزان متوسط .کشوری و رقم بیکاری عرب‌ها دراستان نیز به همین نسبت چهار برابر میزان متوسط کشوری است. »

جنبش حقوق بشر در ایران در سه دهه گذشته چه در داخل کشور و چه درعرصه بین‌المللی با فعالیت‌های پیگیر، قانونی و مورد تأیید نهادهای بین‌المللی برای پایان بخشیدن به نقض حقوق فردی و اجتماعی شهروندان درچهار گوشه کشور مبارزه کرده است. درحال حاضر ده‌ها نفر از فعالان این جنبش به همراه دیگر همرزمان جنبش دموکراسی خواهی در زندان های ایران بسر می برند. بنیاد عرصه سوم به عنوان یکی از مدافعان این جنبش در آغاز سال جدید ایرانی باردیگر از همه آزادی خواهان می‌خواهد که با انتشار اخبار مربوط به این جنبش و همیاری با دست اندرکاران آن به پیشبرد حقوق بشر درایران و آزادی همه زندانیان عقیدتی یاری رسانند.

—

وظیفه هر شهروند ایرانی اطلاع رسانی و آموزش فرهنگ حقوق بشری

2012-03-22 · Archive ID 826
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=826

عرصه سوم-انتشار گزارش دوم احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در آخرین روزهای سال 1390 بازتاب وسیعی در رسانه‌های مستقل داشت و با استقبال فعالان و نهاد های مدافع حقوق بشر روبرو شد. اما از سوی دیگر واکنش‌های خصمانه و عصبی مقامات جمهوری اسلامی به این گزارش نشانگر ترس آنان از افشای موارد بیشمار پایمال کردن حقوق انسانی شهروندان جمهوری اسلامی است. سیاست مداران حاکم درایران هم چنین با عدم پایبندی به موازین بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر کماکان از شکنجه بدنی و روحی،اعدام، تبعیضات قومی، دینی و جنسیتی علیه شهروندان ایرانی در پوشش قوانین شرعی و اسلامی دفاع و به آن مشروعیت می بخشند.

بحث حقوق بشر و فعالیت‌های شبانه روزی مبارزان اجتماعی درسی سال گذشته دراین زمینه اگر چه تا کنون تأثیر جدی بر دولت مردان جمهوری اسلامی نداشته و نشانی از پایان دادن به سیاست‌های غیر انسانی آنان دردست نیست، اما این کوشش ها منجر به ایجاد یک جنبش فراگیر برای دفاع از حقوق مردم، و هم ایجاد بحث جدی در اقشار آگاه جامعه برای درک اهمیت مسأله و ضرورت بازنگری انتقادی در آداب و رسوم و دفاع از قربانیان نقض قانون شده است.

جنبش حقوق بشر درایران درشرایط فعلی جنبشی ملی و هم بین‌المللی است. جنبشی با شرکت چهره‌های مشهور و فعال در سازمان ها، نهادهای معتبر درسطح جهان و هم چنین با صدها گزارشگر و کنشگر که با اطلاع رسانی شبانه روزی و مکتوب کردن موارد نقض حقوق فردی و اجتماعی شهروندان در سراسر ایران نقش مهمی را درمبارزه علیه پایمال شدن آن برعهده گرفته اند. از سوی دیگر افزایش آگاهی عمومی، فرهنگ سازی و نهادینه کردن ارزش‌های مبتنی بر احترام به حقوق خود و دیگران، ایجاد حساسیت درجامعه و برانگیختگی عمومی درشرایط فعلی اهمیت بسزایی دراین تلاش ها دارد.

ضرورت آموزش فرهنگ حقوق بشری

طرفداری از حقوق بشر، حمایت از محیط زیست و دفاع از حقوق حیوانات در عصر کنونی بخش مهمی از ارزش‌های فردی و اجتماعی مورد قبول مردم در کشورهای پیشرفته هستند. برای تربیت و آموزش شهروندان درایران، برای تقویت احساس مسئولیت و ایجاد حساسیت در آنان در زمینه موارد ذکر شده به کار دراز مدت نیاز داریم. از سوی دیگر برای حذف ساختارهای تبعیض آمیز درجامعه باید از بازتولید آن ساختارها جلوگیری کرد. روشن است که تغییرات ساختاری درزمینه عادات و رسوم فرهنگی یک شبه اتفاق نمی افتند. آگاهی اقشار مردم از حقوق خودشان، و یا مبانی و اصول مندرج درقوانین مورد نیاز به کندی صورت می‌گیرد.

در درجه اول اطلاع رسانی مدام دراین زمینه با هدف ایجاد حساسیت و احساس مسئولیت برای حمایت و ترویج مبانی حقوق بشر پیش شرط مهمی برای ایجاد آگاهی در مردم و هم برپایی یک جامعه آزاد و دموکراتیک است. همه ما از اهمیت اطلاع رسانی در عصر اینترنت و نقش آن در دگرگونی شرایط آگاهیم. پخش سریع اخبار مربوط به نقض حقوق بشر و حمایت از قربانیان در افرایش حساسیت عمومی بسیار اهمیت دارد. مثال‌های مشهوری دراین مورد وجود دارند. مانند پرونده سکینه محمدی و مسئله سنگسار کردن او درایران که به سرعت به موضوعی جهانی تبدیل و به همین دلیل عملاً از اجرای آن حکم جلوگیری شد.

یکی از نتایج درخشان تلاش‌های کنشگران مدنی درایران، ترویج ارزش های حقوق بشری در فعالیت‌های آموزشی، مردمی و رسانه ای در بخش‌های مختلف جامعه است. اما بدون شک ما هنوز درابتدای راه هستیم. کارفرهنگی درزمینه حقوق بشر درایران نباید تنها محدود به فعالیت‌های نامبرده باشد. فقر و محرومیت‌های اجتماعی، عدم شناخت مردم از قوانین و آگاهی از حقوق انسانی شان، اعمال سانسور،عدم دسترسی به رسانه‌های آزاد و فعالیت اجتماعی گسترده از جمله موانع اصلی در تسریع دگرگونی فرهنگی، ایجاد ارزش‌های دموکراتیک و نهادینه کردن فرهنگ حقوق بشری مدرن درتک تک شهروندان است.

توانمند سازی و ایجاد کنش در افراد برای به دست گرفتن ابتکار از جمله مسائل مهم درآموزش های حقوق بشری است. در شرایط فعلی و با وخیم شدن وضعیت حقوق بشر درایران نباید تنها نسبت به سیاست‌های غیرقانونی دراین زمینه واکنش نشان داد بلکه باید با تکیه بر اهداف مشخص عمل کرد. باید همزمان دردو جهت حرکت کرد. اول، فعالیت در افشای هرچه بیشتر موارد نقض حقوق بشر در تمام عرصه ها و حوزه ها، و دوم ، باید برای ایجاد یک تشکیلات بهم پیوسته از شبکه‌ها و سازمان های مختلف که دراین حوزه فعال اند تلاش کرد. ایجاد کمپین های گوناگون خود نشان از پیشرفت آگاهی درجامعه ما و همبستگی میان حوزه های کار مدنی است.

موازین حقوق بشری باید در وجدان سیاسی و فرهنگی جامعه نهادینه شود. برای مثال افراد باید با جزییات نقض حقوق بشر آشنا شوند و درمورد آن فکر کنند و از خود سؤال کنند. و به تبع آن به قوانین غیر بشری اعتراض کنند. اینکه چرا یک زندانی باید در زمان بازجویی چشم‌بند برچشم داشته باشد؟ چرا یک زندانی برای اقرار گرفتن شکنجه می شود؟ چرا باید مجازات اعدام وجود داشته باشد و از آن بدتر چرا یک مجرم را درملاعام دار می زنند؟ و یا اینکه بر طبق کدام یک از موازین علمی و عقلی می‌توان سن ازدواج دختران را به سیزده ساله تقلیل داد؟ و یا چرا باید افراد را به خاطر گرویدن به مسیحیت مجازات کرد؟ ویا چرا باید پیروان بهاییت را از حقوق انسانی خود محروم کرد؟

تاریخچه تبعیض و نقض قانون درجامعه ما سابقه ای بس طولانی دارد. آگاهی اجتماعی در میان اقشار محروم و آسیب‌پذیر که اغلب پای بند خرافات و رسوم هستند درمقایسه با اقشار متوسط و بالای جامعه پایین تر است. برای جلوگیری از بازتولید سنت‌های ضد حقوق بشری باید اول دیده بان حقوق بشر خودمان باشیم. بسیار اتفاق

می‌افتد که مدعیان پیشرفت و ترقی درعمل ناقض ایده‌های خود هستند. نخبگان و فعالان حقوق بشر در راستای آموزش فرهنگ حقوق بشری باید اول از خود شروع کنند. و اعتقادات شان را در رفتار و کردار خود متبلور کنند. آنان در واقع رل مدلی برای دیگران هستند و به همین خاطر در فعالیت‌های خود باید آگاهانه و فارغ از ایدئولوژی‌ها عمل کنند. یک معلم، یک وکیل،یک روزنامه‌نگار، یک پزشک، یک دانش آموز و یا یک دانشجو می‌تواند با آگاهی از ضرورت فرهنگ سازی حقوق بشری نه تنها دراین زمینه اطلاع رسانی و هم افشاگری کند، بلکه او با به کار بستن ایده‌آل‌های خود در زندگی روزمره و عمل کردن به آن‌ها به شیوه ای مستمر اطرافیان را تحت تأثیر قرار داده و با خود همراه می کند.

هرکشور بخشی از جامعه جهانی است. و درقبال تعهدات بین‌المللی، کنوانسیون ها و اجرای این تعهدات مسئول است. برای ایجاد دموکراسی و جلوگیری از نقض حقوق بشر درایران باید به نقش آموزش، ایجادحساسیت و مسئولیت تک تک شهروندان درجامعه توجه جدی کرد. مردم درایران باید با مفاد اعلامیه حقوق بشر آشنا شوند و به اهمیت آن درزندگی شخصی شان پی ببرند و به نوبه خود آن را به دیگران آموزش دهند. برای جلوگیری از نقض حقوق بشر درایران باید با تابوی سکوت حکومت اسلامی دراین مورد مبارزه کرد، تا بتوان از تداوم بی قانونی و افزایش هرچه بیشتر قربانیان احکام قرون وسطایی جلوگیری کرد.

بنیاد عرصه سوم با استقبال از گزارش جدید آقای احمد شهید خواهان همکاری هرچه بیشتر همه نهادها و فعالان مدافع انسان ها با یکدیگر و سازمان های بین المللی حقوق بشری است.

—

تمدید ماموریت احمد شهید، یک پیروزی برای فعالان حقوق بشر ایران

2012-03-26 · Archive ID 832
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=832

عرصه سوم- شورای حقوق بشر سازمان ملل هفته گذشته با صدور قطعنامه ای ماموریت احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر را در ایران تمدید کرد. این قطعنامه از طرف کشور سوئد مطرح شده بود. در ادامه فعالیت برای تمدید ماموریت احمد شهید، هم چنین شیرین عبادی رئیس کانون مدافعان حقوق بشر ایران و 25 سازمان و نهاد مدنی طی نامه سرگشاده ای از شورای عالی حقوق بشر خواستند که با تمدید این ماموریت موافقت کند. مقامات ایرانی تا کنون مستندات گزارش های احمد شهید را بی‌پایه و اساس خوانده و تمام تلاش‌های او را برای بازدید از ایران و مذاکره برسر موارد نقض حقوق بشر درایران بی جواب گذاشته اند. تصویب تمدید ماموریت شهید شکست بزرگی برای مقامات جمهوری اسلامی است که تا کنون حاضر به همکاری با گزارشگر ویژه حقوق بشر نشده اند.

پیش از این نیز مقامات ایرانی در نشست سالانه اخیر حقوق بشر درژنو در مقابل ارائه مدارک فعالان حقوق بشر و جامعه بین‌المللی از نقض گسترده حقوق بشر درایران پاسخی درخور نداشتند و بر طبق روال معمول با ادعاهای بی اساس منکر نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران شدند.

اکنون با تمدید ماموریت احمد شهید دولت مردان جمهوری اسلامی باید در مورد تحقیقات و همکاری با گزارشگر ویژه خود را مسئول دانسته و از تحریم مجدد ماموریت آقای شهید و بی‌اعتنایی به مصوبات شورای حقوق بشر دست بردارند.

با تلاش‌های فعالان حقوق بشر در دفاع از شهروندان آزار دیده، زندانی و اعدام شده، مسأله نقض حقوق بشر در ایران اکنون بیش از پیش مورد توجه و حمایت قرار گرفته است. تمدید ماموریت احمد شهید موفقیت مهمی برای این کنشگران است.

سایت ایران امروز متن نامه فعالان حقوق بشر به شورای عالی حقوق بشر را منتشر کرده است که دراینجا می خوانید:

"گزارشگر ویژه در مسائل حقوق بشر در ایران: ضرورتی همچنان فوری

از سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن جمهوری اسلامی پشتیبانی نکنید.

«جمهوری اسلامی ایران، یک "دعوت باز" برای گزارشگران ویژه سازمان ملل صادر کرده است ولی جز درمورد یک مذاکره شفاهی در طول جلسه سوم شورا، تعدادی ملاقات در سطوح بالا و تعداد زیادی مکاتبه مکررا از دادن پاسخ به درخواست های من برای تعیین زمان بازدید طفره رفته است.»
فیلیپ آلستون، گزارشگر سابق اعدام‌های فراقضایی سازمان ملل، ژانویه ۲۰۰۷

ما اعضای جامعه مدنی – در داخل و خارج ایران- از شورای حقوق بشر سازمان ملل می خواهیم ماموریت دکتر احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را تجدید و تمدید نمایند.

گزارش مقدماتی به مجمع عمومی سازمان ملل (A/66/374) و گزارش‌های شورای حقوق بشر (A/HRC/19/66) در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۱ و ۱۲ مارس ۲۰۱۲ که توسط دکتر احمد شهید تقدیم شده است نشان می دهد نگرانی جامعه بین المللی از بدترشدن وضعیت حقوق بشر در ایران بی دلیل نیست.
در زمانی که شمار اعدامها که غالبا خودسرانه هستند و در خفا اجرا می‌شوند، رو به افزایش است و تبعیض و خشونت علیه اقلیت‌های مذهبی، قومی، همجنسگرایان و زنان ادامه دارد، اعمال نظارت و ارائه گزارش از سوی فردی بی‌طرف و مستقل چون گزارشگر ویژه در مسائل حقوق بشر در ایران حتمی و ضروری است.
توجه کشورهای عضو سازمان ملل را به این واقعیت جلب می کنیم که علی‌رغم دعوت باز ایران هیچ گزارشگر ویژه‌ای تاکنون دسترسی حقیقی به ایران نداشته است. این تاریخچه خود بیانگر میزان تمایل دولت به همکاری با تشکیلات سازمان ملل است، که طبق گفته گزارشگر ویژه پیشین فیلیپ آلستون، " برای داشتن تاثیر قابل ملاحظه و دراز مدت" ضروری است.

ما از کشورهای عضو سازمان ملل می خواهیم پیشینه این همکاری را مدنظر قرار دهند و از سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" که ممکن است از اعلام اخیر ایران مبنی بر دعوت از گزارشگران موضوعی و در عین حال، عدم همکاری با گزارشگر ویژه ایران ناشی شود، پشتیبانی نکنند.ایران ممکن است با دعوت از یک گزارشگر موضوعی، عدم همکاری خود را با گزارشگر ویژه که برای نظارت مستمر و گزارش وضعیت حقوق بشر در ایران انتخاب شده، توجیه کند.

ما براین باوریم که هر بازدیدی از سوی گزارشگر موضوعی، قبل از بازدید مقدماتی گزارشگر کشوری، سابقه سیاسی و ساختاری را ایجاد می کند که به ویژه برای ادامه کار گزارشگران کشوری خطرناک است.

در طول سالیان، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌های متعددی مبنی بر نگرانی از "عدم استمرار همکاری دولت ایران با مکانیسم‌های کمیسیون حقوق بشر" و عدم دسترسی نمایندگان ویژه صادر کرده است (رجوع کنید به نمونه های ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴، ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷ و ۲۶ فوریه ۲۰۰۲).

سابقه رابطه جمهوری اسلامی با بدنه حقوق بشر سازمان ملل بیانگر این حقیقت است که بدون آگاهی و هشیاری جامعه بین المللی حقوق بشر، پیشرفت چشم‌گیری در وضعیت حقوق بشر ایران ایجاد نخواهد شد.

در سال ۱۹۹۵، گزارشگر ویژه عدم مدارای مذهبی از ایران بازدید کرد. علی رغم آزارهای همیشگی و درحال افزایش اقلیت های دینی در سالهای بعد، به هیچ نماینده دارای ماموریت موضوعی از سال ۱۹۹۵ تا کنون اجازه دسترسی جهت تهیه گزارش و تفحص داده نشده است.

در سال ۲۰۰۳، کارگروه بازداشت‌های خودسرانه به دعوت دولت ایران از ایران بازدید کرد. از اول دسامبر ۲۰۰۷ تا ۳۰ نوامبر۲۰۰۸ ایران تعداد بیشتری درخواست فوری (۱۹ در خواست) از این کارگروه دریافت کرد. در طول چند سال گذشته، سرکوب جامعه مدنی منجر به بازداشت‌هایی در سراسر کشور و فرستادن صدها عضو از جامعه مدنی به تبعید شده است.

در سال ۲۰۰۵، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان به دعوت دولت ایران از ایران بازدید کرد. در سال ۲۰۰۷ ، اودر مورد آزار و اذیت کوشندگان حقوق زنان که برای کمپین تغییر و اصلاح قوانین فعلی تبعیض آمیز علیه زنان امضا جمع می کردند گزارش داد.
مقامات ایران تنها به ۳ مورد از ۱۸ مکاتبه انجام شده در مورد ۷۰ کنشگر حقوق بشر پاسخ دادند.

علی رغم اینکه هر تلاشی برای تشویق و تسهیل همکاری با مکانیسم‌های ویژه از سوی کلیه طرفین ذینفع الزامی است، این نباید از تلاش برای حصول اطمینان از همکاری با نماینده دارای ماموریت مشخص کشوری و پاسخگویی واقعی در برابر مکانیسم‌های حقوق بشری کم کند.

تمدید ماموریت گزارشگر ویژه در مسائل حقوق بشر در ایران به این دلیل که شرایط تعیین کننده کشوری تغییری نکرده است، همچنان ضرورتی فوری است بنابراین ما قویا خواهان تمدید ماموریت دکتر احمد شهید در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، هستیم.

امضا کنندگان:
دکتر شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل

و سازمانهای:

۱. اعدام کودکان را متوقف کنید (کانادا)
۲. انجمن دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجانی در ایران
۳. ائتلاف بین المللی علیه خشونت در ایران (ایکاوی)
۴. ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام
۵. بنیاد عبدالرحمان برومند
۶. توانا
۷. جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران – اتریش
۸. حامیان بین المللی مادران پارک لاله در ایران
۹. حقوق بشر کردستان
۱۰. خلق‌های تحت تهدید (People in Need)(جمهوری چک)
۱۱. زنان تحت قوانین مسلمانان (WLUML)
۱۲. سازمان حقوق بشر اهواز
۱۳. سازمان حقوق بشر ایران
۱۴. سازمان حقوق بشر بلوچستان
۱۵. سازمان همجنسگرایان پارسی
۱۶. شبکه زنان لزبین ایرانی(۶ رنگ)
۱۷. عدالت برای ایران
۱۸. فعالان حقوق بشر برای دموکراسی در ایران
۱۹. کمیسیون بین المللی حقوق بشر همجنسگرایان
۲۰. مادران پارک لاله در ایران
۲۱. ماده ۱۸- مسیحیان ایرانی برای آزادی مذهب
۲۲. مرکز اسناد حقوق بشر ایران
۲۳. مرکز زاگرس برای دموکراسی و حقوق بشر (کردستان ایران)
۲۴. همه با هم علیه مجازات اعدام (ECPM)
۲۵. هفیوس (هلند)
۲۶. یک جهان (جمهوری چک)"

بنیاد عرصه سوم با استقبال از تمدید ماموریت گزارشگر حقوق بشر خواهان همکاری همه نهادها و مدافعان حقوق بشر برای دفاع از قربانیان نقض حقوق بشر درایران، جمع آوری اطلاعات موردنیاز از موارد گزارش نشده و جلب هرچه بیشتر حمایت ملی و بین‌المللی از جنبش حقوق بشر درایران است.

—

درس‌هایی تاریخی از مبارزه بدون خشونت

2012-03-27 · Archive ID 837
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=837

بخش 4 : راهنمای کارزار خشونت پرهیز

برگردان: نعیمه دوستدار

اگر به تاریخ کشور خودتان نگاه کنید، حتما فرازهایی را پیدا خواهید کرد که مبارزات بدون خشونت در آن صورت گرفته است؛ راهپیمایی، اعتصاب، تحریم یا شکل‌های دیگری از نافرمانی مدنی و به دلایل متفاوت برای بهبود شرایط کارگران، دهقانان تا آزادی بردگان ، حق رای زنان، یا برابری نژادی و جنسیتی. به طورخلاصه، مبارزه بدون خشونت، طیف وسیعی از بی‌عدالتی‌ها و مظالم را در بر می‌گیرد. اگرچه تنها در قرن بیستم و بر اثر مبارزات مهاتما گاندی در آفریقای جنوبی و هند مبارزه بدون خشونت، به عنوان روشی برای تغییر اجتماعی مورد توجه سایر جنبش ها قرار گرفت.

گاندی معتقد بود که مبارزه بدون خشونت، قدرت ویژه‌ای دارد؛ هم از نظر تاثیری که بر کنشگران می‌گذارد و هم به دلیل اثری که بر افراد مورد نظر مبارزه می‌گذارد. او می‌دید که همبستگی اجتماعی می‌تواند علیه سلطه و ظلم قیام و برآن غلبه کند و معتقد بود که تنها مخالفت با دشمن یا سرزنش او به خاطر همه چیز کافی نیست؛ بلکه مردم باید به مسئولیت‌ها و رفتارهای خودشان هم توجه کنند. به اعتقاد او، آزادی و عدالت تنها نباید خواسته شوند؛ بلکه باید تمرین شوند و بنیاد یک جنبش اجتماعی را بسازند.

گاندی مقالات زیادی برای تبیین اعتقادات و نظریاتش درباره مبارزه بدون خشونت نوشت. او اولین کسی نبود که دریافت حکومت‌ها بدون همکاری خود مردم کاری نمی‌کنند. و این موضوع را پایه اصلی استراتژی‌های خود در مبارزه بدون خشونت قرار داد. گاندی زمانی نوشت: «نخستین عنصر مبارزه بدون خشونت، همکاری نکردن با هر چیز تحقیرکننده است.» گاندی، روش مندترین متفکر در زمینه مبارزات بدون خشونت نبود، اما ترجیح می‌داد درباره دانش خود به عنوان تجربه‌هایی مبتنی بر واقعیت حرف بزند. او بر اصول خاصی اصرار داشت، ازجمله اصل نیاز به مبارزه، با هدف رسیدن به نظم در مبارزه بدون خشونت. افزون برآن، اصل اهمیت فعالیت‌های سازنده در میان مردم بود. به نظر گاندی، در وضعیت اجتماعی مستعمره هند، برنامه اصلی، کاهش دشمنی میان مذاهب، مقابله با تبعیض جنسیتی یا طبقاتی، مبارزه با جهل و بی‌سوادی و ترویج بهداشت و خودکفایی در تولید خوراک و پوشاک بود.

بیشتر کسانی که در مبارزات گاندی مشارکت داشتند، تنها برخی از اصول او را به کار می‌بستند. آنها از شیوه مبارزه بدون خشونت برای آزادی هند از سلطه استعمار انگلستان استفاده می‌کردند، اما فقط تعداد کمی از آنها به اندازه گاندی به مبارزه بدون خشونت به عنوان یک روش زندگی متعهد بودند. در واقع، بیشتر رهبران سیاسی، تنها به شکلی سمبولیک به مبارزات بدون خشونت اهمیت می‌دهند و این الگو، بارها تکرار شده است. اما مبارزه بدون خشونت زمانی اثربخش خواهد بود که فعالان جنبش‌های مدنی، آن را به شکل عملی و به عنوان استراتژی مناسب موقعیت خود پذیرفته باشند.

مبارزه برای استقلال هند، اثر عمیقی بر جنبش‌های ضد استعماری به خصوص در آفریقا داشت و اقشار متفاوتی از مردم را به خود جلب کرد، اینکه چه چیزی مبارزه بدون خشونت را اثربخش می‌کند و چطور می‌توان آن را به شکل موثرتری به کار گرفت. 60 سال بعد از مرگ گاندی، هنوز کنشگران اجتماعی کتاب «تجربه با کشف حقیقت» را مطالعه می‌کنند و حتی یک رشته تحصیلی که تأثیرات مبارزه بدون خشونت را بررسی می‌کند، ایجاد شده است.

چه چیزی به درد کجا می‌خورد؟

شیوه‌های عدم خشونت با توجه به زمینه های متفاوت اجتماعی بسیار متنوع اند. از زمانی که اصطلاح «قدرت مردم» ابداع شد، یعنی زمانی که رژیم مارکوس در فیلیپین در 1986 فروپاشید و به خصوص زمانی که دولت میلوسویچ در سال 2000 در صربستان سقوط کرد، برخی صاحب نظران از کنش اجتماعی سخن به میان آورند

که به معنای یک عمل اجتماعی فراگیر و مشهور، برای از بین بردن فساد یا رژیمی است که انتخابات را با تقلب برده است. شباهت‌هایی بین فروپاشی رژیم میلوسویچ و اثر قدرت مردم در جاهای دیگر وجود دارد. برخی صرب‌ها که شیوه عدم خشونت را خلاقانه علیه میلوسویچ به کارگرفتند، اکنون خود آموزگاران این روش در جنبش‌های دیگر شده‌اند. اما در هر موقعیتی، جنبش‌های اجتماعی باید تحلیل خودشان را از آنچه برایشان کارسازتر و در آن مورد خاص قابل استفاده است، داشته باشند.

بسیاری از مردم درباره قدرت مبارزه بدون خشونت علیه حکومت‌های ظالم و مستبد تردید دارند. در چنین شرایطی، هرنوع مقاومتی دشوار می‌نماید. مبارزه بدون خشونت، تغییرات سریع را در چنین موقعیت‌هایی پیش‌بینی نمی کند و نبرد مسلحانه را هم رد می کند. اکنون برخی جنبش‌های ایده‌ال‌گرا، به جنبش‌های مسلح تبدیل شده‌اند و چون خود را از مردم جدا می بینند، به اخاذی و آدم ربایی رو آورده تا بتوانند دوام بیاوردند. اما هدف مبارزه بدون خشونت چیز دیگری است. با گسترش فضای اجتماعی که یک جنبش می‌تواند به دست بیاورد و با مطرح کردن چیزهایی که یک حکومت نمی‌خواهد گفته شوند، می‌توان روند تغییرات اساسی را آغاز کرد. مبارزه بدون خشونت، در بسیاری از نقاط آمریکای لاتین در 1970 تا 1980، در مواجهه با شکنجه، ناپدید شدن آدم‌ها و قتل ها تلاش کرد و موفق شد اتحادی اجتماعی به وجود بیاورد و بر ترس‌های موجود فائق شود.

در بلوک شرق سابق در اروپا، بسیاری از کنشگران در مورد مقاومت مدنی محتاط بودند و نمی‌خواستند نیروی سرکوب یا ارتش اتحاد جماهیر شوروی را تحریک کنند. در 1970، چهار اعتصاب‌کننده در لهستان، به ضرب گلوله کشته شدند. زمانی که در 1980 همبستگی اجتماعی در این کشور شکل گرفت، اعتصاب‌کنندگان از رویارویی خیابانی جلوگیری کردند و خود را در داخل کارخانه‌های کشتی‌سازی‌شان زندانی می کردند. این کنشگران هم خواهان جامعه متفاوتی بودند، اما آن زمان خواسته خود را به یک اقدام کوچک تقلیل دادند: به رسمیت شناختن اتحادیه‌های آزاد کارگری. این یک خواسته محدود بود که از ورای آن، همه کارگران لهستان می‌توانستند متحد شوند. روشنفکران لهستان آن را «انقلاب محدود کردن خود» توصیف کردند. با چنین احتیاطی، به دلیل قدرت همبستگی مردم، رژیم از زندانی کردن فعالان و اعمال حکومت نظامی ترسید. اما در عرض چند سال، زمانی فرا رسید که زمینه اقدامات گسترده‌تر فراهم شد و فرصت مطرح کردن خواسته‌های دیگر و به کار گیری شیوه‌های دیگری از مبارزه بدون خشونت نه تنها در لهستان، که در تمام بلوک شرق ایجاد شد.

شما به عنوان خواننده این مطلب احتمالا در کشوری زندگی می‌کنید که نسبت به دوران حاکمیت کمونیزم یا دیکتاتوری در کشورهای آمریکای لاتین از آزادی بیان بیشتری برخوردار اید، اما شاید هم در کشوری ز ندگی می‌کنید که فعالان اجتماعی از بی‌تفاوتی عمومی مردمی که با هجوم تبلیغات تجاری بمباران شده‌اند شکایت دارند. خشونت در اجتماع ما گاه شکلی پنهان به خود می‌گیرد یا به عنوان وضع موجود پذیرفته شده است، اما به شکل‌های مختلف، از خشونت‌های دولتی گرفته تا داشتن سلاح‌های کشتار جمعی، محرومیت‌های اجتماعی و ویرانی محیط زیست در سراسر دنیا وجود دارد. دراین شرایط، جنبش‌های اجتماعی عملکردهای مختلفی دارند و مرزهای مبارزه هم در حال تغییرند، به شکلی که مبارزاتی که دیروز خیلی عجیب و خلاق به نظر می‌رسیدند، امروز عادی شده‌اند.

نقش صلح طلبان

مبارزه بدون خشونت یک اصل است. ما معتقدان به این روش، یک اقلیت هستیم و باید با مردمی‌که به این شیوه معتقد نیستند ارتباط برقرار کنیم. ما می‌خواهیم فراتر از تبلیغ شفاهی یا اکتفا کردن به روش‌های کوتاه مدت در مبارزه بدون خشونت در نظام‌های مستبد پرداخته و راه‌های مناسب را پیدا کنیم. این به معنای پیدا کردن هدف‌های مشترک برای طیف وسیع‌تری از مردم است، نه فقط مردم صلح‌طلب یا ضد جنگ. بنابراین باید سازمان‌هایی به وجود بیایند که برای مردمی که لزوما به فلسفه صلح‌طلبی معتقد نیستند، هم جذاب باشند.

از نظر تاریخی، صلح‌طلبان نقش موثر و خلاقانه‌ای در جنبش‌های اجتماعی و به وجود آوردن روش‌های مبارزه بدون خشونت چه در تئوری چه درعمل بازی کرده‌اند. به عنوان مثال، مبارزه با تبعیض نژادی در آمریکا، در سال‌های 1940، به ابتکار صلح‌طلبان بود، مانند جنبش ضد سلاح انگلیسی‌ها در 1950. استفاده خلاقانه این گروه ها از روش‌های بدون خشونت، فضا را برای حرکت های دیگر باز کرد. بعدها، آموزش مبارزه بدون خشونت

رواج یافت که مردم را برای مواجهه با خشونت‌های احتمالی در جریان اعتراضات آماده می‌کرد. این آموزش‌ها، نقشی اساسی در تشویق به مشارکت بیشتر در جنبش‌های اجتماعی داشتند.

گاندی و مارتین لوترکینگ، چهره‌های برجسته جنبش‌های خود بودند، تا جایی که برخی معتقدند موفقیت یک جنبش اجتماعی بستگی به شخصیت کاریزماتیک سران آن جنبش دارد. اما به باور ما، مبارزه بدون خشونت، منبع قدرت بخشیدن به مردم و تقویت ظرفیت مشارکت‌کنندگان، بدون وابستگی به رهبران کاریزماتیک است. بنابراین، ما مدافع روش‌های تصمیم‌گیری مشارکت جویانه‌ایم و سازمان‌ها و گروه‌هایی را که مبنای عضویت شان در گروه، آموزش روش‌های مبارزه خشونت ستیز هستند تشویق می‌کنیم.

سازماندهی

گاهی به نظر می‌رسد که مبارزه بدون خشونت ناگهان اتفاق می‌افتد و هزاران نفر از مردم ناگهان به آن رو می‌آورند. اما معمولا این شیوه فعالیت احتیاج به سازماندهی دارد. به خصوص اگر که در واکنش به رویدادی علنی و از طریق رسانه‌ها نباشد، و تنها گامی برای شروع یک چالش و تلاشی برای ایجاد یک تغییر اجتماعی باشد. برداشت ظاهری از یک حرکت می‌تواند تنها مجموعه‌ای نه چندان منسجم از مردم را نشان دهد. اما با نگاهی دقیق تر، می‌توان دید که یک جنبش، متشکل از شبکه‌های گوناگون است که در زمینه‌های مختلف به هم می‌پیوندند. یا از نهادهایی با علایق و زمینه‌های غیر مشترک فعالیت تشکیل شده‌اند و جنبه‌های متفاوت یک مسئله را دنبال می‌کنند. مبارزه بدون خشونت، این عناصر مختلف را در عملکردی هماهنگ برای جلب حامیان جدید، تقویت می‌کند.

منبع:

Titel : Handbook for non violent campaigns

Autors: Howard Clark, Javier Gárate, Joanne Sheehan, Dorie Wilsnack. 2009

—

مجازات اعدام را متوقف کنید

2012-03-29 · Archive ID 840
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=840

عرصه سوم - انتشار گزارش جدید سازمان عفو بین الملل در این هفته درمورد اعدام صدها نفر درایران و روند رو به افرایش آن در سال 2011 ، باردیگر نشانگر وخامت بحران حقوق بشر در ایران و عدم توجه مسئولان دولتی در پایان بخشیدن به سیاست‌های خشن و سرکوبگرانه علیه شهر وندان است . انتشار گزارش سازمان عفو بین الملل با اعلام قراردادن نام 17 نفر دیگر از مقامات دولتی در لیست تحریم اتحادیه اروپا همزمان بود . به گفته کاترین اشتون رئیس بخش سیاست خارجی پارلمان اروپا، تحریم این افراد به دلیل نقش آنان در افزایش مداوم مجازات اعدام و سرکوب وسیع شهر وندان ایرانی از جمله کنشگران حقوق بشر و فعالان سیاسی انجام شده است . تا کنون 78 نفر از مقامات جمهوری اسلامی از طرف پارلمان اروپا تحریم شده اند . این تحریم شامل ممنوعیت صدور ویزا و مسدود شدن حساب‌های بانکی آنان در غرب است .

در مهرماه گذشته هم پارلمان اروپا با ممنوعیت سفر و مسدود کردن سرمایه‌های ۲۹ تن از مقام‌های جمهوری اسلامی از جمله حیدر مصلحی، مصطفی محمدنجار، محمد حسینی و صادق محصولی به اتهام نقض حقوق بشر موافقت کرد . افزون برآن این اتحادیه قبلاً نیز ۳۲ تن دیگر از مقام‌های ایران نظیر حسن فیروزآبادی، حسین طائب، محمدرضا نقدی، اسماعیل احمدی مقدم و سعید مرتضوی را مورد تحریم قرار داده بود . آنان همه به نقض فاحش حقوق بشر متهم شده اند . بر طبق گزارش‌های رسمی 61 نفر دیگر از مسئولان دولتی هم قبلا به همین اتهام تحریم شده بودند .

بحران حقوق شر درایران بحرانی گسترده و همه جانبه است . اعدام های بی رویه شهر وندان به خاطر داشتن مواد مخدر و یا خرید و فرو ش آن، دستگیری افراد به خاطر فعالیت‌های مدنی، سیاسی و بازداشت خودسرانه اعضای اقلیت‌های قومی و دینی و بسیاری از موارد دیگر تنها بخشی از عمق فاجعه نقض حقوق انسان ها در کشور ماست .

سازمان عفو بین الملل در گزارش خود از 360 اعدام که توسط دستگاه قضایی و رسانه‌های کشور تأیید شده است نام می برد . بیشتر این موارد مربوط به جرائم مواد مخدر است . در بخشی از این گزارش از اعدام 274 نفر دیگر هم نام برده می‌شود که رسما از سوی دولت ایران تأیید نشده است . به علاوه ایران یکی از معدود کشورهایی است که مرد م کوچه و بازار را عملاً به شرکت درمراسم اعدام فرا می خواند . یعنی یکی دیگر از موارد جدی نقض حقوق زندانیان و سنتی رواج یافته درجمهوری اسلامی . دار زدن افراد درانظار عموم عملی دهشتناک با هدف ایجاد رعب و ترس و تکفیر جرم و جنایت که در حقیقت تنها به عادی شدن خشونت، بی‌تفاوتی نظاره‌گر و افزایش تنش‌ها و آسیب های روانی منجر شده است . به گزارش عفو بین الملل حداقل 50 نفر درسال 2011 در مقابل چشمان مردم به چوبه دار آویخته شده اند .

در بخشی از گزارش سازمان عفو بین الملل آمده است :

« اعدام اغلب به وسیله دار و گاهی در انظار عمومی با استفاده از جرثقیل های بزرگ ساختمانی انجام می شود . در ماه ژوئیه، شرکت جرثقیل ساختمانی تادانوی ژاپن اعلام کرد که به این دلیل فروش جرثقیل هایش به ایران را متوقف می کند . دولتمردان ایران مدعی هستند که قتل قضایی به شکل « تلافی » (قصاص) در مجازات به خاطر قتل، بر اساس اسلام در چارچوب مجازات اعدام قرار نمی گیرد و می گویند این موارد به حقوق خصوصی خانواده قربانیان مربوط است که قوه قضاییه نمی تواند رد کند . اما، این ادعا در حقوق بین المللی پذیرفته نیست، زیرا حکم اعدام را هنوز دولتمردان کشور صادر و اجرا می کنند . به علاوه، امکان پرداخت دیه بخشش خانواده در مقابل جبران مالی در همین زمینه شرط عفو دولتی را بر اساس حقوق بین المللی برآورده نمی سازد حتا اگر یک دادگاه دولتی این « عفو خصوصی » را بپذیرد و حکم اعدام را کاهش دهد .

بعضی از اعدام ها در خفا انجام می شود که معنای آن این است که رسما گزارش آنها منتشر نمی شود و خانواده اشخاص اعدامی و وکلای آنها اطلاع کافی از اعدام دریافت نمی کنند . به گفته فعالان محلی، خود زندانیان تنها چند ساعت پیشتر از کشته شدن خود مطلع می شوند . در تاریخ ۲۱ دسامبر، آیت الله صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه، با قطعیت انجام اعدام مخفی را در ایران تکذیب کرد . گاهی در زندان ها، اعدام های دسته جمعی هم زمان در گروه های بین ۲۰ تا ۶۰ نفر انجام می شود . در زندان وکیل آباد، افراد را از تیرهای دراز در راهروهای زندان به دار می کشند . اعدام دسته جمعی در زندان های دیگر نیز انجام می شود .»

کمیته حقوق بشر نیز، قبلا در بررسی نهایی خود در نوامبر ۲۰۱۱ در مورد ایران، نگرانی خود را از آزار و تعقیب، مجازات‌های بیرحمانه و افزایش اعدام ها اعلام کرده بود .

انتشار گزارش دوم احمد شهید، گزارشگر ویژه شورای عالی حقوق بشر سازمان ملل در روزهای اخیر و تمدید ماموریت او نیز نشانگر اهمیت و وخامت بحران حقوق بشر درایران است . جمهوری اسلامی ایران از معدود دولت هایی است که توجهی به بهبود وضعیت مرد م از زاویه مسائل حقوق بشری نداشته و اغلب معاهدات بین‌المللی را دراین زمینه نقض کرده است. به گزارش احمد شهید اعدام های دسته‌جمعی درداخل زندان ها و هم در ملاء عام، شکنجه و رفتار غیرانسانی با زندانیان هم چنان ادامه دارد .

تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در تحریم مقامات دولتی و تلاش برای جلوگیری از اعدام های بی رویه، دفاع از حقوق زندانیان و بررسی موارد دیگر مانند نقض حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی و جنسیتی اگرچه در افشاگری، آگاهی رسانی عمومی و تحت فشار گذاشتن دولت اسلامی مهم و ضروری هستند، اما تاکنون نتیجه‌ای عملی و محسوس در لغو سانسور، در بهبود وضعیت حقوق زندانیان، آزادی همه زندانیان عقیدتی و منع شکنجه و اعدام درایران نداشته است . مسئولین جمهوری اسلامی هم چنان دراجرای سیاست‌های نابخردانه، غیر دموکراتیک و ضد حقوق بشری خود مصر و پیگیر هستند .

بنیاد عرصه سوم از تمام فعالان مدنی و نهادهای مسئول دراین زمینه می‌خواهد که با اطلاع رسانی و طرح مدام موارد نقض حقوق انسان‌ها درایران، با اتحاد و همبستگی درزمینه همکاری جمعی، با استفاده از تمام ابزارهای قانونی در سطح ملی و بین‌المللی، به حل بحران حقوق بشر درایران یاری رسانده و در راه ساختن جامعه‌ای آزاد با قوانین عادلانه و دادگستری مبتنی بر عدالت بکوشند .

برای خواندن گزارش سازمان عفو بین الملل از سایت ایران امروز بازدید کنید :

www.iran-emrooz.net/index.php?/news1/36405

—

من هم یک افغانم

2012-04-02 · Archive ID 843
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=843

عرصه سوم – بحران حقوق بشر درایران سبب گسترش گفتمان حقوق بشری در جامعه و افزایش آگاهی و حساسیت مردم نسبت به موارد نقض آن است . مبارزه با تبعیض قومی و پایمال کردن حقوق انسانی اقلیت ها یکی از عرصه های فعالیت برای عدالت اجتماعی است . رواج گفتمان حقوق بشری درمیان مردم سبب واکنش آن‌ها به حوادث روزمره ، اطلاع رسانی، اعتراض و چاره‌اندیشی است . یکی از آخرین نمونه‌ها در این زمینه واکنش اعتراضی بعضی از رسانه‌ها و هم اعضای شبکه های اجتماعی به خبر جلوگیری از ورود شهروندان افغانی به پارک کوهستانی صفه در شهر اصفهان در روز سیزده بدر امسال بود .

مخالفت با اقدام تبعیض آلود و توهین آمیز مسئولان شهری در اصفهان به بهانه حفظ امنیت در جلوگیری از ورود شهروندان افغانی به پارک صفه بلافاصله مورد اعتراض قرار گرفت . گزارش ها حاکی است که شماری از کاربران اینترنتی این اقدام را نژادپرستانه و توهین آمیز دانسته و آن را به شدت محکوم کردند .

به گزارش رسانه‌های اجتماعی تنی چند از فعالان حقوق بشر با در دست داشتن پلاکاردهایی درمخالفت با این اقدام مسئولان با شعار : من هم افغانی ام » به این مسأله اعتراض کردند .

سایت ایران امروز درگزارشی از این واقعه در تشریح وضعیت اسف بار زندگی افغان ها درایران می نویسد:

« محرومیت از تمام حقوق اجتماعی
بر خلاف نظر برخی از معترضان به جلوگیری از ورود افغان‌ها به پارک صفه، چنین برخوردهایی « بی‌سابقه » نیست . در سال‌های اخیر گزارش‌های فراوانی از بدرفتاری حکومت و حتی مردم ایران با خارجی‌تباران مقیم این کشور به ویژه شهروندان افغان منتشر شده است . خبرگزاری فارس ۱۷ مرداد ۹۰ از قول احمد دردشتی موسس « انجمن خیریه حضرت ابوالفضل استان اصفهان » نوشت « طبق قانون پیوند اعضای هر ایرانی به هموطن خود امکان‌پذیر است و پیوند از یک ایرانی به افاغنه انجام نمی‌شود .»

« مطابق تصمیمی که از سوی دولت و مجلس حمایت می‌شود فرزندان زنان ایرانی که با مردان خارجی ازدواج کرده باشند از داشتن تابعیت ایران محروم هستند . سایت خبرآنلاین ۲۵ مرداد ۹۰ با استناد به آمار اداره کل اتباع خارجی استانداری تهران نوشت « ۳۲ هزار کودک بدون هویت و شناسنامه حاصل ازدواج زنان و دختران ایرانی با اتباع بیگانه » هستند . خبرآنلاین می‌نویسد « این کودکان که اغلب از پدران افغانی هستند نه شناسنامه دارند و نه می‌توانند تابعیت ایرانی داشته باشند و از هیچ حقوق قانونی برخوردار نیستند .»

انتقاد از رفتار « بی‌شرمانه » با افغان‌ها
ایجاد محدودیت برای تحصیل کودکان افغان در مدرسه‌های ایران و جلوگیری از ورود افغان‌ها به برخی از مکان‌های عمومی از جمله برخی استخرها و ورزشگاه‌ها نیز سابقه‌ای طولانی دارد . جمهوری اسلامی مدعی است از بیش از سه دهه پیش مهم‌ترین پناهگاه آوارگان افغان بوده است . برآورد می‌شود از زمان اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی سابق در سال ۱۳۵۷ تا کنون ۳ میلیون مهاجر افغان به ایران پناه آورده‌اند .

مطابق بعضی از آمارهای وزارت کشور در حال حاضر حدود دو میلیون افغان در ایران هستند که تنها به ۹۰۰ هزار نفرشان مجوز اقامت داده شده است . بسیاری از شهروندان افغانستان بدون داشتن اجازه‌ی کار مجبورند با حقوقی کمتر کارهای سخت‌تری نسبت به ایرانیان را انجام دهند .”

—

آنگ سان سوچی: آزادی حق همه ماست

2012-04-05 · Archive ID 845
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=845

عرصه سوم – آنگ سان سوچی بانویی ریز نقش با موهایی همیشه آراسته به گل‌های زیبا، لبخندی آرامش بخش و نگاهی مصمم است . چهره ای بیاد ماندنی از مقاومتی تزلزل ناپذیر و صبری پیامبرانه . آنگ سان سوچی قهرمان مقاومت مدنی منفی و عاری از خشونت اکنون پس از سالها مبارزه با دیکتاتوری نظامی در کشورش در انتخابات بیشترین آرا را به دست آورده و به مجلس این کشور راه می یابد . آنگ سان سوچی رهبر جنبش آزادی خواهی در میانمار (برمه) برنده اصلی رأی گیری میان دوره ای پارلمانی هفته پیش در کشورش شد . سوچی بارها درمصاحبه هایش پس از آزادی از حبس خانگی در سال 2010 اعلام کرده است که خواهان پیشبرد مبارزات دموکراتیک و ایجاد دموکراسی در برمه از طریق مبارزه صلح جویانه و مدنی است .

او درمصاحبه چند ماه پیش خود با بی بی سی فارسی گفته بود که آزادی حق مسلم همه مردم در دنیا است . حقی که برای به دست آوردن آن باید مبارزه کرد . پیروزی بی‌نظیر حزب لیگ ملی به رهبری خانم سوچی رهبر جنبش دموکراسی خواهی مردم میانمار در انتخابات میان دوره ای مجلس این کشور در اولین روز آپریل درهفته گذشته درصدر خبرها بود . سوچی که پس از پیروزی در انتخابات در سال 1990 دستگیر و زندانی شده بود، سالها در حبس خانگی بسر برد . حزب لیگ ملی برای دموکراسی به رهبری سوچی برای اولین بار پس از سال 1990 در انتخابات شرکت می‌کند و یکی از 17 حزب در اپوزیسیون برمه است . اکنون پس از نزدیک به نیم قرن نمایندگان مخالفان دولت برمه به پارلمان راه خواهند یافت .

سرانجام دولت کنونی برمه با آزاد کردن هزار زندانی سیاسی و برگزاری انتخابات آزاد توانسته است پس از سالها خفقان و سرکوب مخالفان در راستای ایجاد دموکراسی حرکت کند . با این همه آنگ سان سوچی پیشنهاد رئیس دولت را برای شرکت در کابینه این کشور رد کرده است .

آنگ سان سو چی برنده جایزه صلح نوبل در سال 1991 پانزده سال در حبس خانگی بسر برد . او سرانجام در سال 2010 و در نتیجه تحریم های بین‌المللی علیه دولت نظامی برمه و فعالیت‌های مستمر مردم و مدافعان حقوق بشر آزاد شد . سوچی 66 ساله است و حزب او قبلاً در انتخابات سال 1990 برمه پیروز شده بود، ولی با کوتادی نظامی و باطل اعلام کردن نتایج انتخابات از طرف نظامیان حاکم و بازداشت سوچی حکومت سرکوبگر باردیگر حاکمیت ژنرال ها را دراین کشور تثبیت کرد . مقاومت و صبر شجاعانه آنگ سان سوچی، تحمل سالها حبس در تنهایی او را به چهره بین‌المللی و سمبل آزادی خواهی بدل کرده است .

آنگ سان سوچی در 1945 در رانگون در خانواده‌ای اهل سیاست به دنیا آمده است . والدین او هردو سیاست مدار و پدرش که از رهبران جنبش استقلال برمه علیه استعمار بریتانیا بود در سال 1947 ترور شده بود . آنگ سان سوچی تحصیلات خود را درهند و بریتانیا دنبال کرد و در سال 1985 دکترای خود را از دانشگاه مطالعات شرق و آفریقا در لندن دریافت کرد . او در سال 1988 به برمه بازگشت . پس از سرکوب خونین تظاهرات گسترده دانشجویان و مردم برای احیای دموکراسی سوچی رهبری مخالفان را دردست می گیرد و با شعار : « اتحاد، نظم و عشق » مبارزات مدنی برای احیای دموکراسی را پی می گیرد . شورای نظامی حاکم در سال 1990 بالاخره مجبور به برگزاری انتخابات آزاد می شود که علیرغم توطئه های آشکار نظامیان، حزب اتحادیه ملی دموکراسی به رهبری آنگ سان سوچی نزدیک به 80 درصد کرسی های مجلس را به دست می‌آورد و او اولین نخست وزیر انتخابی مردم می شود . اما نیروهای نظامی از پذیرش رأی مردم سرباز زده و انتخابات را باطل اعلام کرده و بار دیگر قدرت را دردست می گیرند . وضعیتی که تا کنون ادامه دارد .

اعطای جایزه صلح بونل به آنگ سان سوچی در سال 1991 در شرایطی صورت گرفت که او در بازداشت و حبس بسر می برد . این جایزه در غیاب او به همسر و فرزندانش تقدیم شد که در تمام دوران حبس او اجازه دیدار و تماس با او را نداشتند .

آنگ سان سوچی مدافع نظریه تمرین برای دموکراسی است و معتقد است که شرکت درانتخابات به معنای آموزش مردم در روند دموکراسی خواهی هم هست . در شرایط فعلی و با پیروزی حزب او در انتخابات اگر چه انتظار نمی‌رود که تغییرات سریع و آنی در وضعیت سیاسی حاکم بر برمه به وجود بیاید، اما برگزاری این انتخابات که به گفته ناظران بین‌المللی در آن مردم از آزادی و امنیت انتخاباتی برخوردار بوده و توانستند به کاندیدا های خود رأی بدهند، گام موثری در راستای تمرین دموکراسی و حفظ قانون است . مبارزات مردم ، تحریم های وسیع بین‌المللی و مبارزه فعالان جنبش مدنی در این کشور سرانجام دولت نظامیان را وادار به پذیرش بخشی از خواست های مردم در آزاد کردن گروهی از زندانیان سیاسی، لغو سانسور و برگزاری انتخابات آزاد کرد . اتحادیه اروپا قبلاً اعلام کرده بود که در صورت برگزاری یک انتخابات آزاد در تحریم های خود علیه برمه تجدید نظر خواهد کرد .

—

تشدید فقر و نابسامانی درجامعه کارگران

2012-04-10 · Archive ID 848
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=848

عرصه سوم - بحران سیاسی و اقتصادی درایران، گسترش تحریم های بین‌المللی و فقدان یک سیاست واقعی و همه جانبه برای مقابله با نابسامانی ها، سبب نابرابری و بی عدالتی در توزیع امکانات موجود، تعطیلی واحد های تولیدی، تشدید فقر و فاقه میلیونها نفر از شهروندان، افزایش بیکاران و تشدید اعتراضات مردمی از جمله در میان کارگران است . در آخرین ماه های سال گذشته جامعه کارگران کشور هر سه روز شاهد یک گردهمایی، اعتصاب و یا تحصن برای اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و مطالبات به عقب افتاده بوده است . عدم توجه و توانایی مسئولان دولتی در رسیدگی به مطالبات برحق کارگران، از یک سو، نقض فاحش موازین حقوق بشر در برخورد با این اعتراضات از سوی دیگر و معضل روابط کار و قوانین مربوط به آن، شرایط زندگی میلیون‌ها کارگر که زیر خط فقر زندگی می‌کنند را وخیم تر از پیش کرده است .

دولت احمدی نژاد فاقد یک برنامه مبتنی بر ضوابط بین‌المللی در مورد قانون کار و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه کارگران است . این دولت تنها راه چاره را در مقابله با جنبش کارگری و نهاد های مستقل و مردمی آن یافته و با سرکوب اعتراضات، دستگیری و زندانی کردن فعالان کارگری خواهان خفه کردن صدای آنهاست . برخورد امنیتی با مسائل کارگری به جای به کار گیری سازوکارهای رفاهی، قانونی و محکومیت فعالان کارگری به زندان های طولانی مدت از جمله پیامدهای این سیاست است .

زیر خط فقر

آمار اخیرا ارائه شده از سوی حکومت درباره بیکاری حتی از طرف بخشی از کارگزاران و گروهی از نمایندگان مجلس هم تأیید نمی‌شود و دستگاه دولتی متهم به دستکاری درآن می شود . درآخرین آمارها نرخ بیکاری 11 درصد عنوان شده است . این آمار به گفته تعدادی از نمایندگان مجلس بی اعتبار است . در گزارشی از خبرگزاری ایلنا دردی ماه گذشته از زبان یکی از کارشناسان مسائل کارگری محمد رضا عمادی می‌خوانیم که :

" با توجه به این که نرخ خط فقر در کلان شهرهای کشور یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برآورد شده است، بیش از ۸۰ درصد از کارگران فعال در واحدهای تولیدی حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کنند . این کارشناس " نابرابری‌ها در توزیع امکانات " را موجب افزایش نرخ خط فقر می‌داند . محمد رضا عمادی پیش بینی می‌کند که به دلیل افزایش بحران در واحدهای تولیدی تا پایان سال جاری نرخ خط فقر روندی صعودی به خود بگیرد . وی گفت : همزمان با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به دلیل افزایش نرخ سوخت، واحدهای تولیدی کشور با بحران مواجه شده‌اند .

این کارشناس کارگری، خواستار افزایش سیاست های حمایتی دولت از کارگران شد . “

موارد نقض حقوق بشر

در گزارش دیگری از گزارشات مجموعه گزارشگران حقوق بشر در اسفند 1390 (هرانا) می‌خوانیم که :

« در اسفند ماه سال جاری ۲۲ گزارش در مورد نقض حقوق کارگران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسید که تعداد ۱ گزارش از آن گزارش‌هایی را در بر می‌گرفت که مستقیماً نقض حقوق بشر نبوده ولی مرتبط به سیاستگذاری‌های حکومت و همینطور حقوق مدنی است . مجموع موردی این نقض حقوق بالغ بر ۳۵۸۰۲ مورد است . بر اساس این گزارش‌ها ۳۳۱۲۰ کارگر به دلیل تعطیلی کارخانه و یا تعدیل نیرو از کار اخراج شدند، در مجموع ۲۸ ماه از حقوق کارگران در شرکت‌ها و کارخانجات مختلف با تعویق همراه بوده است که بر اساس آمار موجود بیشترین آن تعویق ۲۴ ماهه پرداخت حقوق کارگران مخابرات راه دور بوده است . بر اثر سوانح در محل کار به دلیل فقدان ایمنی شغلی ۱۱ کارگر جان خود را از دست دادن و از سوی دیگر دستگاه امنیتی کشور ۱ تن را بازداشت و ۸ تن دیگر را احضار کردند ." طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کارگران ۴۵ % نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز شاهد افزایش ۱۱ % بوده ایم ."

افزایش رکود اقتصادی و اوج گیری اعتراض ها

در گزارش‌های فروردین ماه هرانا از جمله خبر ازتعطیلی کارخانه تولید منگنز اصفهان می دهد . پرداخت نشدن یارانه‌های انرژی باعث تعطیلی کارخانه نوید منگنز اصفهان و بیکاری دست کم ۱۵۰ کارگر شده است . حمیدرضا کریمی، نماینده کارگران سابق کارخانه نوید منگنز اصفهان، با اعلام این موضوع گفته است که :

– " بسیاری از کارگران این کارخانه با وجود ۱۶ سال سابقه کاری به دلیل عدم رسیدگی به مشکلات تولید اکنون بیکار هستند ." در گزارش های دیگری از هرانا می‌خوانیم که :

– یک فعال کارگری اعلام کرده است که به علت وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی ۳۰ درصد از کارگران واحدهای تولیدی از ابتدای سال ۹۱ اخراج شده‌اند .

– فرامرز توفیقی، فعال کارگری در گفتگو با ایلنا از عدم تحقق هدف گذاری امسال، تحت عنوان حمایت از کار و تولید در صورت پرداخت نشدن یارانه واحدهای تولیدی خبر داد و خاطرنشان ساخت : " طی سال گذشته تعداد زیادی از واحدهای تولیدی تعطیل و ورشکست شدند و در صورت عدم ارائه بسته‌های حمایتی دولت به کارفرمایان پیش بینی می‌شود تا پایان سال جاری بخش عمده‌ای از کارگران فعال در واحدهای تولیدی اخراج شوند ."

او با بیان اینکه کارفرمایان دیگر توان اداره واحدهای تولیدی را ندارند، یاد آور شد : " طی سال ۹۰ کارفرمایان با حذف نظام رفاهی و برخی از کالاهای اساسی کارگران، سعی کردند بنگاه تولیدی را با حداقل‌ها اداره کنند ."

این عضو کمیته مزد از بلاتکلیفی کارفرمایان و کارگران در سال جاری خبر داد و گفت : " کارفرمایان به علت اعمال سیاست‌های تحریم نگرانی از فاز دوم اجرای قانون هدفمندی و عدم ارائه بسته‌های حمایتی در بلاتکلیفی کامل به سر می‌برند . در صورتی که دولت از ارائه بسته‌های حمایتی خودداری کند کارگران در سال جاری با بحران بیکاری مواجه خواهند شد ."

این فعال کارگری با تاکید بر لزوم اعمال سیاست‌های حمایتی دولت از کارگران تصریح کرد : " در حال حاضر کارگران فقط برای زنده ماندن تلاش می‌کنند ."

در آخرین گزارش هرانا که در بیست و یکم فروردین جاری منتشر شده است می‌خوانیم که :

« دو هزار کارگر « نی بُر » کشت و صنعت کارون شوش‌تر در اعتراض به عدم محاسبه سنوات بیمه‌ای و افزایش نیافتن دستمزد خود در سال‌های گذشته، دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کرده‌اند .

ایلنا : یک فعال کارگری در خوزستان گفت : دو هزار کارگر « نی بُر » کشت و صنعت کارون شوش‌تر در اعتراض به عدم محاسبه سنوات بیمه‌ای و افزایش نیافتن دستمزد خود در سال‌های گذشته، دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کرده‌اند .

آقایار حسینی خاطرنشان کرد : این کارگران فصلی که به کار تخصصی بریدن نی اشتغال دارند خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و همچنین افزایش دستمزد ماهانه خود هستند ..

او افزود : عدۀ زیادی از کارگران نی بر کشت و صنعت به سن بازنشستگی رسیده اما به دلیل تعویق در پرداخت حق بیمه توسط کارفرما امکان بازنشسته شدن و استفاده از مزایای تامین اجتماعی را ندارند، علاوه بر این سازمان تامین اجتماعی کار این کارگران را جزء مشاغل سخت و زیان آور محسوب نمی‌کند .

او یاد آور شد کارگران فصلی نی بر تا پایان برداشت نی، یعنی دو ماه آینده قرار داد امضاء کرده‌اند اما با ورود مدیریت جدید این کارگران فصلی پیش از پایان قرارداد اخراج خواهند شد .

او همچنین گفت : طرح طبقه بندی مشاغل برای این کارگران مهیا شده که امکان اجرای این طرح با مخالفت مدیریت جدید به جهت عدم پرداخت مابه تفاوت سالهای ۷۲ کارگران تا هم اکنون متوقف شده است .»

عدم بهبودی شرایط کارگران درسال جدید

اقشار کم درآمد کارگران سال 1390 را با نابسامانی ها، مشکلات فراوان و بدون دلگرمی به اتخاذ سیاستی حداقلی در دفاع از منافع آنان از سوی دولت پشت سر گذاشتند . درماه های گذشته افزایش سرسام آور قیمتها، به آسیب‌پذیری و فقر شدید کارگران بیش از پیش دامن زده و خدمات مصرفی افزایشی 40 درصدی را برای آن‌ها به همراه داشته است . در شرایطی که بانک مرکزی افزایش نرخ تورم در سه ماه آخر سال گذشته 21 درصد اعلام کرده بود . اما شورای عالی کار بدون توجه به این واقعیت‌ها حتی این نرخ غیرواقعی 21 درصدی را هم در مصوبات مربوط به دستمزد ها درنظر نگرفت و این درشرایطی است که هم نمایندگان کارگری و هم کارفرمایان و سیاست گذاران می‌دانند که ارقام هزینه‌ها بیش از آن چیزی است که در تصمیم گیری شورای عالی کار تصویب شده است .

دولت از سوی دیگر اعلام کرده بود که خواهان ایجاد بیش از پنج ملیون فرصت شغلی است اما درعمل هیچ مرجع دولتی حتی وزیر کار حاضر به تعهدی دراین مورد نشده است . افزایش هزینه‌های تولید به دنبال اجرای فاز یک هدف مند کردن یارانه ها، بازار نابسامان ارز و سکه، سیاست‌های پولی و بانکی ناکارآمد، افزایش هزینه‌های مالی تولید به بیش از 35 درصد برای بنگاه های اقتصادی و غیره به شرایط وخیم تر اقتصادی درروزهای آینده منجر خواهد شد .

قانون کار

انتشار مشروح پیش نویس قوانین مربوط به کار که سال گذشته توسط وزارت کار آماده شده و بازتاب گسترده ای هم درجامعه داشت، متأسفانه با حمایت یک‌جانبه دولت احمدی نژاد و در نظر نگرفتن منافع کارگران تهیه شده و احتمالاً به مجلس نهم خواهد رفت . قانونی که شرایط را در روزهای آینده برای کارگران بسیار سخت تر ازآنچه هست خواهد کرد . در این پیش نویس از تأمین امنیت شغلی، مالی و بهبود اوضاع کارگران سخنی نمی‌رود و حقوق کارگران درآن به شدت نادیده گرفته شده است . نکته مهم در این پیش نویس پایمال شدن حقوق سندیکایی و تقویت نقش و جایگاه دولت جمهوری اسلامی در کنار تشکل های کارفرمایان است . کارگران در این پیش نویس از حق تشکیل سندیکاهای سراسری محروم شده اند . و موانع قانونی متعددی برای جلوگیری از ایجاد تشکل های کارگری درآن پیش‌بینی شده است .

درسال جدید هم اقشار کارگری روزهای سختی را در پیش خواهند داشت . کارشناسان احتمال تشدید تورم را در صورت اجرای فاز دوم هدف مند کردن یارانه ها پیش‌بینی می‌کنند و می‌گویند که دولت برای کاهش صدمات مالی به کارگران و جبران قدرت خرید آن‌ها دولت باید به یک سیاست حمایتی و جبرانی اقدام کند . سیاستی که انتظار نمی‌رود دولت احمدی نژاد به آن بهایی دهد !

—

لادن برومند: همه با اعدام مخالفند اما کسی استدلال حقوقی برایش ندارد!

2012-04-12 · Archive ID 850
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=850

عرصه سوم یکی از وظایف خود را منعکس کردن فعالیت‌های مدنی و صلح آمیز فعالان اجتماعی درایران و هم در کشورهای دیگر می داند . به این منظور این بار به سراغ بنیاد برومند از نهاد های مدافع حقوق بشر رفتیم تا با یکی از موسسان آن به گفتگو بنشینیم . در این مصاحبه اختصاصی نیلوفر رستمی پای صحبت لادن برومند مدیر این بنیاد نشسته و با او مصاحبه‌ای کرده است که در اینجا می خوانید .

نیلوفر رستمی

بنیاد برومند از سال 1380 به منظور اطلاع رسانی و حمایت از حقوق بشر درایران به جمع آوری اسناد مربوط به موارد نقض حقوق بشر و مجازات اعدام در ایران پرداخته تا با جلب توجه افکارعمومی بتواند در متوقف کردن مجازات اعدام مؤثر باشد . این بنیاد اکنون با سازمان های مهمی مانند " سازمان عفو بین الملل " و " دیده بان حقوق بشر " همکاری می کند .

بنیاد برومند به یاد عبدالرحمن برومند وکیل دادگستری، فعال سیاسی و از اعضای قدیمی جبهه ملی و به دست دختران او لادن و رؤیا برومند تاسیس شده است . پدر آن‌ها به خاطر فعالیت سیاسی و همکاری با دکتر شاهپور بختیار آخرین نخست وزیر ایران قبل از انقلاب بهمن،درسال 1370 توسط ماموران جمهوری اسلامی درپاریس ترور شد .

رؤیا و لادن برومند هردو پژوهشگر و متخصص تاریخ هستند . آنها در سال 2009 به پاس فعالیت‌های حقوق بشری خود به همراه شادی صدر حقوق دادن و کنشگر حقوق زنان جایزه معروف لخ والسا را دریافت کردند .

لادن برومند، هم چنین نویسنده کتاب " نبرد اصول " تحلیلی از علل تنش بین حقوق بشر و اصل حاکمیت مطلق ملت در مباحثات مجالس مقننه فرانسه در دوران انقلاب کبیر فرانسه است .

او در این گفتگو درباره نحوه عملکرد بنیاد و ارتباطش با سایر سازمان های حقوق بشری و هم چنین همکاریش با احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر می گوید، و معتقد است که اگرچه این روزها تعداد جوان های علاقمند به مسائل حقوق بشر بیشتر و برتعداد کمپین های ضد اعدام افزوده شده اما هنوز هم اغلب فعالان حقوق بشر از استدلال های حقوقی درمورد منع اعدام به درستی آگاه نیستند .

- بگذارید گفتگو را با این سوال شروع کنم که چطور شد این بنیاد را به راه انداختید ؟

وقتی پدرمان در پاریس کشته شد و دولت فرانسه پیگیری آنچنانی نکرد و جمهوری اسلامی که خودش عامل این قتل بود، سکوت کرد . حس بی کسی ما را به فکر انداخت . ما نمی توانستیم به دادگاه برویم و دادخواهی کنیم . بنابراین فکر کردیم بهتر است با روشی دیگر نام پدرمان را تا روز دادخواهی زنده نگه داریم ،چون مطمئن هستیم که بالاخره یک روز ، روز دادخواهی است حالا شکلش مهم نیست . بعدتر فکر کردیم که نمی توانیم فقط برای پدرمان کاری انجام دهیم، باید نام همه آن‌ها را که در حکومت جمهوری اسلامی ایران از میان رفته اند، زنده نگه داریم . ما نه تنها از فعالان سیاسی و مدنی نام می بریم بلکه از اعدام افراد قاتل ، بزهکار و کسانیکه جرائم شان غیر سیاسی بوده یاد می کنیم . چون بر این باوریم که اعدام ننگ است و حتی پلیدترین فرد نیز به عنوان انسان باید حقوقش حفظ شود . یک قاتل همانقدر حق اعدام شدن ندارد که یک فعال سیاسی و مدنی . فکر می کنیم اگر ما و هم بقیه سازمان ها و افراد به این نکته توجه نکنیم ، هیچگاه نمی توانیم جامعه ای دموکراتیک داشته باشیم . بنابراین در سایت ما تمام این موارد را می بینید .

- فعالیت های بنیاد برومند بیشتر روی چه حوزه هایی متمرکز است ؟

اول تا جاییکه در توان داریم، این بنیاد مرگ خشونت بار افرادی که جمهوری اسلامی مسئولش است را با ذکر موارد نقض حقوق بشر بر آن ها، مشخص و مستند می کند و در اختیار خوانندگان روی سایت بنیاد برومند می گذارد . این قربانیان هم شامل فعالان سیاسی می شوند و هم افرادی که در چارچوب جرائم عادی به اعدام محکوم شدند . و یا افرادی که در بمب گذاری ها و تلفاتی که جمهوری اسلامی مسئولش است جان خود را از دست دادند و در نهایت در صفحه " یادبود امید " نام شان می آید . کار دیگر بنیاد بخش کتابخانه است که تا آنجاییکه در توان دارد کتاب های کلاسیک مربوط به دموکراسی و اسناد حقوق بشر در سال های اخیر را به فارسی ترجمه می کند . از طرف دیگر سعی می کند صدای قربانیان شکنجه و ظلم در سیستم قضایی جمهوری اسلامی را به گوش جهان برساند و شهادت نامه ها و حرف های قربانیان را به انگلیسی ترجمه می کند و در بخش کتابخانه سایت در اختیار خوانندگان می گذارد . ی

- آیا بنیاد برومند با سازمان های دیگر حقوق بشری چه نهاد های ایرانی که در این حوزه فعال هستند و چه سازمان های خارجی همکاری دارد؟ چقدر از گزارش ها و منابع شما استفاده می شود؟

از ابتدا که کارمان را در ده سال پیش شروع کردیم، یکی از منابع اصلی مان خبرها و اطلاعات دولت جمهوری اسلامی بود و گزارش های سازمان های بین المللی حقوق بشر مثل سازمان ملل، عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر . اما از زمانیکه به تدریج کار تحقیقات مان به خصوص در حوزه اعدام تقویت شد و آرشیوهای مان قوی تر شدند ما هم اسنادمان را داوطلبانه به طور مثال در اختیار سازمان عفو بین الملل قرار می دهیم . و ارتباطات هایی مانند بررسی و اصلاح خبر را با این سازمان به صورت مشترک داریم . با سازمان های ایرانی و به خصوص سازمان هایی که در داخل ایران کار می کردند نیز ارتباط داریم، که البته در داخل ایران از چند سال پیش سازمانی فعال نیست . ولی بهرحال با تمام نهاد های جدی حقوق بشری در خارج همکاری داریم و به صورت مشترک از اطلاعات یکدیگر استفاده می کنیم ..

- آیا در خصوص جلوگیری از اعدام در ایران توانسته اید با سازمان های مثل عفو بین الملل به صورت مشارکتی و موازی همکاری داشته باشید ؟

وقتی ما کارمان را شروع کردیم قرار این بود روی بخشی کار کنیم که جز فعالیت های سازمان عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر نباشد . آنها به قول انگلیسی زبان ها « ادوکیسی » می کنند یعنی برای جلوگیری فوری از نقض حقوق بشر خبررسانی و تبلیغ می کنند . اما کار ما بیشتر تحقیقات و آرشیو اسناد است و هدف مان نشان دادن سیستم سرکوب جمهوری اسلامی در دراز مدت است . اصولا سیستم بنیاد برای کار سریع اطلاع رسانی ایجاد نشده است . البته درباره نمونه هایی که سازمان های بزرگ یا مطبوعات در حد لازم به آنها نپرداخته اند ما در آن موارد خبرنامه ای تهیه می کنیم و سعی می کنیم توجه عموم را به این نمونه ها جلب کنیم . با این حال همان طور که گفتم کار ما در بخش ترجمه متون و تحقیق درباره نمونه های اعدام است . اما متاسفانه « آنقدر که لازم است فعالان ایرانی متون ترجمه شده ما را نمی خوانند . آنها بیشتر فعال هستند و کمتر به متون توجه می کنند . در صورتیکه قضیه ای مثل تبلیغ برای جلوگیری از اعدام به استدلال های محکمی نیاز دارد و نمی توان مثل پدیده ی مد با آن برخورد کرد . اگر فعالان واقعا اعتقاد دارند که اعدام باید بساطش در ایران برچیده شود باید فرصتی برای آموزش و تعمق به آن اختصاص دهند و بعد با دانش به دست آمده در این حوزه نه تنها با حکومت روبه رو شوند بلکه با گرایش هایی در بطن جامعه که طرفدار اعدام هستند نیز برخورد کنند و بحث عمومی در این زمینه ایجاد کنند ، که متاسفانه تا به حال این اتفاق نیفتاده است وهمه چیز مقطعی مانده است .

- گفتید که شما در مورد نمونه هایی که کمتر مورد توجه سازمان های دیگر حقوق بشری و مطبوعات قرار می گیرد خبرنامه هایی تهیه می کنید تا افکار عمومی را به سمتش جلب کنید، می توانید بگوید بنیاد در چه مواردی برای مثال این کار را کرده است؟

مثلا یک نمونه یعقوب مهرنهاد، فعال بلوچی بود که سازمان غیر دولتی صلح طلبی ایجاد کرده بود و خیلی هم با ملایمت فعالیت می کرد اما حکومت او را بازداشت و سریع اعدام کرد . البته ما بعد از اعدام مطالبی را درموردش منتشر کردیم . این مورد درسی هم شد برای خودمان که بیشتر روی این اعدامی ها دقت کنیم . بعضی اوقات بلافاصله سازمان ها و مطبوعات به این نمونه ها توجه نمی کنند و خیلی دیر می شود . آخر می دانید سازمان عفو بین الملل مرتب این موارد را مستند می کند و از اعضایش می خواهد تا با مسئولان حکومت

جمهوری اسلامی برای اعلام مخالفت و یا تقاضای لغو اجرای حکم اعدام نامه نگاری کنند . و ما متاسفانه کار بیشتری از عهده مان بر نمی آید و احتیاجی به ما در این بخش نیست .

- چرا فکر می کنید سازمان شما کار بیشتری نمی تواند انجام بدهد و احتیاجی به شما نیست؟

ببینید وقتی سازمانی مثل سازمان عفو بین الملل سریعاً اقدام می کند، ما مرتب امضا می کنیم و از فعالیت هایش حمایت می کنیم و یا جوان ها که در تشکیل کمپین فعال هستند، از آنها حمایت می کنیم . اما کاری که بنیاد می کند تفاوت دارد در ضمن اینکه ما آنقدر تشکیلات نداریم که در کنار فعالیت های اصلی مان مثلا کمپین هم راه بیاندازیم . خوبیش این است که درسال های اخیر نیروهای طرفدار حقوق بشر خیلی زیاد شده است و می توانند بار راه اندازی کمپین را آنها به دوش بکشند . ما کار عمیق و ریشه ای می کنیم و سازمان های دیگر کار تبلیغاتی برای جلوگیری از اعدام ها را به عهده می گیرند . به نظرم این یک فعالیت متوازن و خوب است .

- یا آیا فعالیت های بنیاد پس از انتخابات ریاست جمهوری سال 88 تغییری کرده است ؟

از انتخابات به بعد به چند دلیل نوع جمع آوری اطلاعات بنیاد تغییر کرده است . بعد از انتخابات چون طیف گسترده ای از فعالان حقوق بشر و قربانیان از ایران بیرون آمدند و مسلما حرف های مهمی داشتند بنیاد نیروی خود را بیشتر روی مصاحبه کردن با آنها گذاشت . الان بنیاد نیروهای خاصی دارد که با افرادی که از ایران بیرون آمدند و در تبعید هستند مصاحبه می کند و بعد گفته هایشان را تنظیم، ترجمه و منتشر می کند .

- آیا شما به خروج نیروهای نخبه و آسیب دیده از ایران نیز کمک می کنید؟

خیر، اما وقتی ایرانی های که از کشور خارج شده اند نیاز به معرفی نامه برای مسئله پناهندگیشان داشته باشند ما به شرط اینکه بعد از تحقیقات مان به این نتیجه برسیم که گفته های آنها درست است حتما برایشان شهادت نامه می نویسیم تا بتوانند در پرونده پناهندگی شان از آن استفاده کنند . راستش ما از اول برای اینکه نمی خواستیم هیچکس را به خطر بیاندازیم، روش کار را بر این مبنا گذاشتیم که در داخل ایران نه شبکه ای ایجاد کنیم و نه ارتباط ارگانیکی با کسی داشته باشیم . تنها ارتباطی که ما با داخل ایران داریم اطلاعاتی است که خانواده های قربانیان به طور ناشناس خودشان از طریق پر کردن پرسش نامه برای ما می فرستند .

-همکاری شما با احمد شهید ، گزارشگر حقوق بشر چگونه است؟ آیا او از آرشیوهای شما هم استفاده کرده است ؟

آقای احمد شهید برای تهیه گزارشش با همه سازمان های حقوق بشری تماس گرفتند از جمله با ما . ما هم تمام اطلاعات و آمارهایی که از اعدام ها داشتیم در اختیار احمد شهید گذاشتیم . نه تنها اطلاعات درمورد اعدام های فعالان سیاسی و مدنی، بلکه بخشی از اعدام ها که حتی شما در سازمان عفو بین الملل نیز آن را نمی بینید ولی بنیاد مرتب به دنبالش است و مدارک در این خصوص را جمع آوری می کند . منظورم آمار تلفات حوزه نیروی انتظامی درسرتاسر کشور از اول انقلاب تا کنون است . این تلفات را خیلی وقت ها حکومت تحت عنوان برخورد با نیروی انتظامی و یا درگیری بیان می کند . منتها مشخص نیست که تعریف درگیری چیست ! مثلا در اخبار از درگیری مسلحانه گفته می شود که چند پاسدار زخمی یا کشته شدند . اما تحقیقات ما نشان می دهد که آنها به دلایل دیگری کشته شدند . یا مثلا مامور نیروی انتظامی در زمان خدمتش به ماشینی که با سرعت بالا در حال رانندگی بوده فرمان ایست داده ولی راننده ایست نکرده و مامور بعد از یکبار اخطار به او شلیک کرده و باعث مرگش شده است . بعد از تحقیقات ما متوجه می شویم آن فرد چون مست بوده و نمی خواسته جرمش زیادتر شود ترمز نکرده است . ما آمار همه این موارد را در اختیار احمد شهید گذاشتیم تا ایشان در جریان ابعاد خشونت دولت نه تنها در چارچوب قضایی بلکه خارج از این حوزه هم قرار بگیرد .

-آیا خودتان هم تا به حال در نشست های حقوق بشری ژنو شرکت کرده اید؟

من برای اولین بار مارچ همین امسال به دعوت سازمان " سودرینت " که سازمان اتریشی است در یکی از نشست ها شرکت کردم و در آنجا در خصوص شکنجه به عنوان وسیله ای برای اعمال فشار بر روح و جسم شهروندان ایرانی صحبت کردم و توجه را به این نکته جلب کردم که سیستم قضایی ایران اعتراف متهم را اساس صدور حکم از جمله حکم اعدام قرار می دهد . که البته در اکثر موارد این اعترافات با شکنجه گرفته می

شود . ما توجه دول عضو شورای حقوق بشر را به این قضیه جلب کردیم و گفتیم که وقتی آمارهای اعدام را نگاه می کنید هربار از خودتان بپرسید که این احکام اعدام بر اساس چند ساعت شکنجه و در نهایت اعتراف متهم صادر شده است .

- چرا در طی این سالها فقط در این یک نشست حقوق بشری شرکت کردید؟

دلیلش امکانات است . چند کار را نمی توانیم هم زمان انجام دهیم . ما سازمان بزرگی نیستیم . اگر بودجه مان اضافه شود کار تبلیغاتی هم می کنیم و در نشست ها هم شرکت می کنیم . اما حالا اگر بخواهیم انتخاب کنیم یعنی بین تهیه یک آرشیو برای ایران که به درد تاریخ می خورد یا شرکت در نشست های سازمان ملل، کدام را انتخاب خواهیم کرد؟ همان گزینه اولی را دوباره انتخاب می کنیم . چون بقیه هموطنان مان با جان و دل در این حیطه کار می کنند و به خوبی هم از عهده اش بر می آیند . ما نیروی خودمان را روی آرشیو اسناد متمرکز کرده‌ایم این . یک انتخاب است، شما می توانید وارد بخش فعالیت دفاعی یا « ادوکیسی » شوید و یا در بخش مستند کردن اسناد متمرکز شوید . چون من و رویا هر دو موش کتابخانه هستیم و به کار تحقیقات علاقه داریم و تجربه اش را هم داریم، طبیعتا تصمیم گرفتیم که اساس فعالیت بنیاد را روی بخش تحقیقات و و آرشیو اسناد بگذاریم .

- ارتباط بنیاد با مثلا " کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران " و سازمان های دیگر ایرانی که در حوزه حقوق بشر فعال هستند، چگونه است؟

وقتی " کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران " ایجاد شد خوشحال شدیم که وقتی وضعیت حقوق بشر در ایران رو به وخامت می رود، نیروهای حرفه ای تبلیغی برای منع و جلوگیری از آن داریم . آقای قائمی و گروهش این کار را خیلی خوب انجام می د هند . ما با آنها گاهی تماس داریم و مثلا هر چه اطلاعات کم داشتند بر اساس داده های خودمان به آن ها تحویل داده ایم مانند لیست اعدامی ها در ایران و گاهی ما هم اگر سوالی داشته باشیم به آنها رجوع می کنیم . با بقیه سازمان های ایرانی هم همان طور که گفتم کم وبیش ارتباط داریم .

- شما سال ها در خارج از ایران زندگی کردید و فعال حقوق بشر در فرای مرزهای ایران بودید، واقعا فکر می کنید کسی که در خارج از ایران فعالیت می کند، می تواند تاثیری روی جنبش های حقوق بشری در ایران بگذارد، مثلاً بنیاد شما؟

شما باید این را از جوان های داخل ایران بپرسید اما چند مسئله قطعیتش برای ما کاملا روشن است . اولا همان قدر که ما از سازمان هایی مانند عفو بین الملل آموختیم، جوان های ایرانی هم می توانند از تجربه های ما بیاموزند . دوم این که فکر می کنم وقتی کسانی پس از 30 سال زندگی در خارج از ایران هنوز دغدغه حقوق بشر در ایران را دارند و زندگیشان را وقف آن کرده اند، این می تواند یک جور انگیزه برای جوان هایی که تازه کارشان را شروع می کنند، باشد . به نظرم کار ما مکمل کار کسانی است که در داخل ایران فعال هستند و خیلی خوب است که در همه جا برای بهبود وضعیت ایران فعالیت شود . ببینید وقتی ما کتابی را منتشر می کنیم از فعالان حقوق بشری که اکنون در خارج از ایران هستند می شنویم که آنها متن هایی از کتاب های ما را پشت تلفن برای داخل زندان و زندانیان می خوانده اند، و بعد در زندان بین بچه ها در خصوص شنیده ها صحبت می شده است . با این نمونه ها من فکر می کنم که کار ما یک جورهایی به درد می خورد و تاثیر می گذارد . و شخصا خیلی این اسطوره داخل و خارج ایران را قبول ندارم . به اعتقاد من اینقدر نیاز به فعالیت شدید است و اینقدر ابعاد کار بزرگ است که اگر هر کدام از ما در گوشه ای از جهان کاری را به عهده بگیریم، شاید باز هم به صد تا سازمان دیگر و میلیون ها فعال دیگر نیاز داشته باشیم تا زودتر وضعیت ایران تغییر یابد .

- فکر می کنید بنیاد توانسته به ایده هایی که از ابتدا داشته نزدیک شود؟

یکی از کارهایی که ما رویش خیلی حساب می کردیم و خیلی هم زحمتش را کشیدیم اما موفق از آب درنیامد این بود که خوانندگان را به خواندن موارد نقض حقوق بشر در هر موردی که شرحش را روی وب سایت می گذاشتیم علاقمند کنیم . این قسمت در ستون سمت راست وب سایت گذاشته می شود و امید مان این بود که خواننده ها با خواندن این قسمت با موازین حقوق بشری آشنا شوند . اما متوجه شدیم خواننده‌ها اصلا این قسمت را نمی خوانند . ما مدتی پیش با جوانی مصاحبه کردیم که به قول خودش فقط بهش چند پس گردنی

زده بودند و به دروغ به او گفته بودند که پدرش فوت کرده است . اما او در ابتدا به ما می گفت چرا می خواهید با من مصاحبه کنید بلایی که سر من آوردند در مقایسه با دیگران چیزی نبوده است ! گفته های او دقیقا موفقیت جمهوری اسلامی را نشان می دهد که خشونت را در جامعه طبیعی کرده است تا جاییکه برای قربانی نیز به عنوان خشونت به حساب نمی آید . در حالیکه رنج بزرگی است وقتی در زندان به دروغ به آدم بگویند پدرش مرده و او قادر به کاری نباشد . یکی از کارهای ما این است . یعنی در همین بخشی که خوانده نمی شود یادآوری کنیم و این نمونه ها را توضیح دهیم و بگویم هیچ خشونتی قابل قبول نیست .

- خودتان فکر می کنید چرا خوانندگان داستان را می خوانند ولی بندهای حقوق بشری را نمی خوانند ؟

فکر می کنم تا حدی کنجکاوی ذهنی در ما ایرانیان تقویت نشده است . همه می خواهند حکم اعدام ملغی شود اما هیچکدا م وقت نمی گذارند تا استدلال های علیه حکم اعدام را به خوانند و ترویجش کنند . غربی ها به ما می گویند که کتابخانه شما خیلی مفید است، اما ایرانی ها می گویند ما هیچی نمی توانیم در کتابخانه شما پیدا کنیم . این تضادهای فرهنگی را در این جاها کاملا می توان دریافت .

- نقش شهروند ان ایرانی در داخل و خارج را در پیشبرد حقوق بشر چطور تعریف می کنید؟ فکر می کنید چه وظیفه ای به عهده آنهاست .

بهترین کاری که شهروندان ایرانی به شکل کلانش به قول روشنفکران مدرن ما انجام دادند واکنش به انتخابات 88 بود یعنی همه با هم از خانه هایشان بیرون آمدند و به حکومت گفتند که تو دروغ می گویی . گفتن حقیقت در رویارویی با نظام توتالیتر که اصولا ماشین تولید دروغ است بزرگترین وسیله مقابله در برابر آن نظام است و بزرگترین ضربه را به آن می زند . من فکر می کنم نقش شهروندان ایرانی این است که اولا با نظام همکاری نکنند و دوم اینکه با گفتن حقیقت آن را متزلزل کنند .

برای اطلاعات بیشتر به سایت بنیاد برومند مراجعه کنید:

http://www.iranrights.org/farsi/foundation.php

—

چرا قانون حمایت ازکودکان را تصویب نمی کنید؟

2012-04-16 · Archive ID 854
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=854

رضا حاجی‌حسینی

وقتی قانون دیر می‌رسد

توجه جدی واصولی به حقوق کودک یکی از نشانه‌ها وشاخص‌های رشد و توسعه جوامع است. سیستم‌های حقوقی کشورهای مختلف سال‌هاست درتلاشند تا با وضع قوانین اصولی بر پایه گفتمان حقوق بشر، از پایمال شدن حقوق کودکان جلوگیری کنند وشرایط زندگی بهتری را برای آنان فراهم آورند.

دراین میان سیاست مداران در بعضی کشورها از جمله درایران معتقدند که باید با استناد به قوانین، دستورات و احکام اسلامی، شرایطی را برای حفظ حقوق مادی و معنوی کودکان فراهم آورد. مبنا قراردادن دستورات اسلامی به‌جای اصول حقوق بشر، به این بهانه است که حاکمیت درایران، مبنای اصول حقوق بشر را اومانیستی و درخدمت سیاست‌های غرب می‌داند. و به‌همین دلیل هم معتقد است که غرب با استفاده ابزاری و تبلیغی از آن، قصد ضربه زدن به اسلام و ایران را دارد. ضمن این‌که به گفته مقامات ایرانی، منشور حقوق بشر ضامن رستگاری انسان نیست اما اسلام رستگاری انسان را تضمین می‌کند. حال باید دید که آیا قوانین تصویب شده در ایران می‌توانند ضامن حفظ و حمایت از حقوق کودکان باشند یا همچون بسیاری دیگر از قوانین برآمده از شرع و سنت، دارای تناقض‌هایی اساسی بوده و اجرای آن‌ها با چالش‌های جدی روبروست؟ درضمن باید این نکته را

هم در نظر گرفت که بحث‌های متعدد لازم، و مدت زمانی خواهد کشید تا قوانین جدید مربوط به حقوق کودکان تصویب،ابلاغ و اجرا شوند.

سال ۱۳۹۰ در حالی به‌سر آمد که بحث و جدل‌ها بر سر حقوق کودکان در ایران هم‌چنان ادامه داشت و گزارش چندین مورد کودک‌آزاری در رسانه‌های داخل این کشور و بارتاب آن در رسانه‌های فارسی زبان خارجی، باعث ایجاد حساسیت‌های مضاعف در مورد حقوق کودکان شد. در این میان تلاش و پیگیری فعالان مدنی، افراد و گروه‌های مختلفی که دغدغه حقوق کودکان را دارند، کار را به جایی رساند که لایحه جدید "حمایت از کودکان و نوجوانان" راهی مجلس شد. البته این لایحه هم‌اکنون در مجلس ایرانخاک می‌خورد و بعید است که در مجلس نهم، کار بررسی و تصویب آن به انجام برسد.

"هاله سادات سری"، وکیل دادگستری و عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، پیش ازاین درگفت‌وگو با رسانه‌های داخلی در ایران، با اشاره به ارائه لایحه حمایت از کودکان گفته بود: "مدتی قبل هیأت تدوین لوایح قوه قضاییه، با بررسی ابعاد مختلف درباره مسائل کودک‌آزاری، اورژانس اجتماعی، سو استفاده از کودکان برای کارهای خلاف، کودکان در معرض خطر و همچنین شناسایی راهکارهایی برای کمک به این کودکان و نگهداری کودکان آسیب دیده یا مورد آزار و اذیت قرار گرفته، لایحه حمایت از کودکان را تهیه، تنظیم و تقدیم دولت کرد. از ابتدای امسال (سال ۹۰) نیز همزمان با وقوع چندین مورد کودک‌آزاری و رسانه‌ای شدن مسائل که باعث نگرانی جدی اذهان عمومی شد، این لایحه به مجلس رفت، اما همچنان هیچ اقدامی در این‌باره صورت نگرفته و به نظر می‌رسد لایحه مذکور در مجلس بعدی مورد بررسی قرار گیرد."

این در حالی است که قوه قضاییه ایران معتقد است "لایحه تقدیمی در کنار سایر لوایح قوه قضاییه در زمینه اطفال، برای اولین بار در ایران، جامع‌ترین سامانه دادرسی در مواجهه با کودکان در تماس با قانون را شکل می‌دهد و تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، موجب تسریع و تسهیل در پیشگیری و مقابله با خطرات و جرایمی می‌شود که همواره در کمین کودکان و نوجوانان است."

اما مشکل این‌جاست که این لایحه در حال حاضر معطل مانده و باید دید در چه زمان و چگونه تبدیل به قانون می‌شود و آیا از آن به بعد تغییری در وضعیت حقوقی کودکان آسیب‌دیده پدید خواهد آورد؟ تنها پس از اجرای این قانون می‌توان درستی یا نادرستی ادعاها در مورد جامع‌ترین سامانه دادرسی در ایران را آزمود. البته در حال حاضر نیز حقوقدانان و فعالان عرصه حقوق کودک و نوجوان درباره نقاط قوت و ضعف این لایحه ابراز نظر کرده‌اند. لایحه‌ای که با تلاش‌های فعالان حقوق بشر و حقوق کودک به مجلس ایران رفته است و شاید لازم است که برای تصویب آن هم، فشار افکار عمومی به کمک بیاید.

تحصیل اجباری، یک گام مثبت

بر اساس بررسی حقوقدانان مختلف که از میان آنان می‌توان به «محمدرضا ارجمندی»، کارشناس حقوق و جزا اشاره کرد، از جمله نکات مثبت در این لایحه این است که در ماده ۴ آن، صریح و واضح، پیش‌بینی لازم برای تشکیل یک نهاد ویژه و مسئول حمایت‌کننده انجام شده است.

همچنین در ماده ۷ آن، مجازات متناسب و به روز با جرایم پیش‌بینی شده است. افزایش میزان تحصیلات اجباری موضوع دیگر ماده ۷ این لایحه است که نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به موضوع آموزش است. مساله‌ای که در پیمان‌نامه حقوق کودک، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تعیین تکلیف در مورد بزه‌دیده تا زمان صدور حکم قطعی به صورت موقت هم در ماده ۳۱ این لایحه دیده شده است.رعایت مصلحت کودک و نوجوان حتی در صورت مختومه شدن پرونده در دادسرا که موضوع تبصره یک ماده ۳۲ این لایحه است هم از دیگر نقاط قوت آن به‌شمار می‌رود. تعیین تکلیف نحوه نگهداری بزه‌دیده پس از صدور حکم قطعی در ماده ۳۹ این لایحه آمده است و رها نشدن بزه‌دیده و تحت مراقبت قرار گرفتن مرجع قضایی پس از صدور حکم قطعی، حتی در صورت مشخص کردن شخص یا نهاد نگهدارنده نیز که در ماده ۴۲ آمده است، از دیگر نکات قابل اعتنا در این لایحه است.

اما آیا مجلس این لایحه را به‌همین شکل تصویب خواهد کرد و آیا دولت حاضر خواهد بود بار مالی چنین قانونی را بپذیرد و آن را اجرا کند؟

عدم حمایت از کودکان در معرض خطر

این لایحه اما نقطه ضعف‌هایی هم دارد: اول این‌که بر اساس ماده ۳۹، تعیین تکلیف در مورد نحوه نگهداری پس از صدور حکم قطعی از سوی دادگاه رسیدگی‌کننده، اختیاری بوده و اجباری برای این امر پیش‌بینی نشده است.

دوم این‌که سازمان یا نهاد مشخصی برای معرفی بزه‌دیده پس از صدور حکم قطعی تعیین نشده و از عنوان کلی سازمان‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی استفاده شده است. به همین دلیل زمینه فرار از قبول مسئولیت نیز دراین قانون فراهم شده است.

مورد سوم آنکه این لایحه به نوعی در مورد افراد بزه‌دیده تعیین تکلیف کرده و کمتر بزهکار را مورد توجه قرار داده است. این مورد از آن جهت اهمیت دارد که در چنین مواردی، معمولا پای وابستگان و اعضای خانواده کودک در میان است. و وقتی مجازات‌ها چنان که باید سختگیرانه نیست، مجرم در ارتکاب به جرم خود جسورتر می‌شود. نمونه این ماجرا مرگ دختر بچه ۱۱ ساله‌ای به نام سارا است که پدرش باعث مرگ او شد، در شرایطی که نیروی انتظامی شاهد ماجرا بود، اما اجازه ورود به منزل را پیدا نکرد. به نظر می‌رسد در چنین حوادثی، نیروی انتظامی و مقامات مسئول باید اختیارات بیشتری داشته باشند.

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که در ۲۵ آذر ماه سال ۱۳۸۱ تصویب شده، مبنای حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان است که در آن قانونگذار، توجه خود را بر شکل‌دهی یک سیستم عدالت خاص برای اطفال در معرض خطر و بزه دیده نشان داده است. اما بنا به گفته مسوولان قوه قضاییه، "این مقررات جامعیت و انسجام لازم را برای حمایت از این دسته از کودکان و نوجوانان ندارند و دارای خلاهایی از جمله بی‌توجهی به دادرسی ویژه اطفال بزه‌دیده، بی‌توجهی به نهادسازی و نهادینه کردن حمایت از کودکان و حمایت نکردن از کودکان در معرض خطر است."

با وجود چنین خلاهای قانونی، پرسش این است که چرا روند بررسی و تصویب لایحه جدید حمایت از کودکان و نوجوانان، چنین به درازا کشیده است؟

به‌نظر می‌رسد که علت اصلی این ماجرا، عدم توجه کافی و لازم به جایگاه کودکان و نوجوانان و نیازهای آنان در جامعه ایرانی است. همین بی‌توجهی به نیازهای اساسی و ضروری کودکان که در پیمان‌نامه حقوق کودکان سازمان ملل متحد مورد توجه و تاکید قرار گرفته(از بهداشت و تغذیه مناسب و بازی گرفته تا آینده شغلی و ..) و باعث شده که دولت فعلی، برنامه‌های کنترل جمعیت را به سخره بگیرد و برای تشویق خانواده‌ها به داشتن فرزند بیش‌تر، طرح‌هایی چون یک‌میلیون تومان برای هر نوزاد را مطرح کند. طرح‌هایی که البته در عمل امکان اجرا شدن شان وجود ندارد. و اگر خانواده ها به هر دلیل براساس این سیاست‌های تشویقی، بچه‌دار شوند، بازاین کودک است که قربانی بی‌برنامگی‌ها دردراز مدت می‌شود.

در شرایطی که در بسیاری از کشورها، مقررات مربوط به کودکان و نوجوانان به‌سرعت در حال تغییرات اساسی است، در ایران، آخرین تغییرات قانونی در این زمینه به ۱۰ سال پیش برمی‌گردد.درعین حال، نباید از یاد برد که تصویب لایحه پیشین حمایت از حقوق کودک، بی‌تاثیر از فعالیت حقوقدانان و فعالان حقوق کودک نبود و اگر لایحه قبلی به تصویب رسید، نتیجه پافشاری‌ها و کنش‌های پیگیری بود که با قربانی شدن چندین کودک بر اثر خشونت‌های خانگی به سرانجام رسید.

برای اطلاعات بیشتر ازسایت جامعه مجازی حقوق دانان :

http://www.hoghooghdanan.com/index.php/children/2474-1390-07-26-07-15-26

و سایت انجمن حقوق کودکان:

http://www.irsprc.org/default.aspx?lang=Fa

بازدید کنید

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکر ماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

قاضی مرتضوی متهم کهریزک و ریاست برسازمان تامین اجتماعی

2012-04-16 · Archive ID 856
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=856

عرصه سوم - انتصاب اخیر سعید مرتضوی معروف به قاضی مرتضوی، معاون سابق دادستان کل کشور به سمت مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی با مخالفت های جدی روبرو شده است . به گزارش سایت مردمک، علی همت محمود نژاد رئیس هیت مدیره « جامعه معلولان ایران » که یک سازمان غیر دولتی است، از انتصاب سعید مرتضوی به این سمت به شدت انتقاد کرده و گفته که فعالیت‌های قضایی مرتضوی هیچ سنخیتی با سازمان تأمین اجتماعی ندارد .

جامعه معلولین ایران یک سازمان غیردولتی است که در سال ۵۷ تاسیس شد، و 17 شعبه در ایران دارد .

سایت مردمک در گزارشی دراین باره ازقول مدیر سازمان جامعه معلولان می نویسد :

« به هیچ عنوان نباید زندگی معلولان کشور تحت الشعاع مسائل مدیریتی مرتضوی قرار گیرد . وی در ادامه گفت : اگر قرار است روی کار آمدن سعید مرتضوی به عنوان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی باعث تغییر وزیر تعاون ، کار و رفاه اجتماعی و همچنین وقفه در برنامه های 3 میلیون معلول در کشور شود، بهتر است که مرتضوی از سازمان برود تا وزیر باقی بماند .»

در خبرها بود که بیست نفر از نمایندگان مجلس به خاطر این انتصاب خواهان استیضاح وزیر کار و تعاون عبدالرضا شیخ الاسلامی شده بودند . اما در جلسه روز یک‌شنبه مجلس شورای اسلامی با پس گرفته شدن امضای 16 نفر از نمایندگان خواهان استیضاح این طرح منتقی شد . و هم درخبرها بود که سعید مرتضوی از سمت خود در سازمان تأمین اجتماعی استعفا خواهد کرد .

سایت خبری دویچه وله فارسی در گزارش خود از لغو استیضاح وزیر کار می نویسد :

« احمدی توکلی دلیل اصلی مخالفت برخی نمایندگان با مرتضوی را عدم صلاحیت وی در کارهای اجرایی دانست و گفت : « هدف استیضاح‌کنندگان این بود که کسی که صلاحیت ندارد در راس دستگاهی قرار نگیرد که دو هزار میلیارد تومان گردش مالی دارد . آقای مرتضوی ابتدا توصیه‌های ما را نپذیرفت، ولی بعد توصیه‌های آقای حداد عادل را پذیرفت . چرا می‌گویید ما مقاصد شخصی داشتیم؟ به من می‌آید با دولت تبانی کنم؟ ما کسی را که به مصلحت نبوده است را تلاش کردیم برکنار کنیم که محقق شد . او گفته است حتی اگر استعفایش را رئیس جمهور نپذیرد هم دیگر در این پست حضور نمی‌یابد .»

صندوق تامین اجتماعی یکی از سازمان‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی و تابع وزارت کار به حساب می‌آید . این نهاد مدیریت امور معیشتی ۳۳ میلیون کارگر و خانواده‌های آنان را بر عهده دارد .

مناقشه میان دولت و برخی نمایندگان مجلس در حالی کش پیدا کرده، که عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، در روز شنبه (۲۶ فروردین) درباره پرونده مرتضوی گفت : « پرونده ایشان با صدور قرار منع تعقیب به دادگاه رفت و دادگاه رای ۶۰ صفحه‌ای استدلال کرد و قرار بازپرس را نپذیرفت و پرونده با قرار جلب دادرسی به دادسرا برگشته و از هر سه متهم پرونده به زودی تحقیق می‌شود .»

مرتضوی متهم ردیف اول حوادث بازداشتگاه کهریزک است . در سال ۱۳۸۸ در پی اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دست‌کم سه نفر جان خود را در کهریزک از دست دادند . در این بازداشتگاه، به گفته شاهدان

عینی و مهدی کروبی، برخی جوانان معترض مورد شکنجه و تجاوز جنسی قرار گرفتند . از سوی دیگر، مرتضوی متهم به اختلاس و فساد مالی است .»

ظاهراً قرار بود که سعید مرتضوی به خاطرجلوگیری از استیضاح وزیرکار با وجود حمایت قاطع دولت احمدی نژاد ازاو از سمت خود درسازمان تأمین اجتماعی استعفا دهد . اما به گزارش سایت ایران امروز در بیست و هشتم فرودین او درسمت خود باقی خواهی ماند .

سعید مرتضوی تا کنون سمت های متعددی از جمله قاضی دادگاه های امنیتی، مطبوعات و دادستانی تهران داشته است . مرتضوی پس از دستگیری و قتل زهرا کاظمی عکاس ایرانی - کانادایی درسال 2003 دررابطه مستقیم با قتل او از طرف دولت کانادا مقصر شناخته شد . او هم چنین پس از کشته شدن دست کم سه نفر از دستگیرشدگان حوادث بازداشتگاه کهریزک پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری درایران از سمت خود برکنار اما به جای بازداشت شدن به مقام معاونت دادستانی کشور منصوب شد . دولت احمدی نژاد پس ازآن مرتضوی را به ریاست ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و هم ریاست تأمین اجتماعی منصوب کرد.

به دستور سعید مرتضوی در دهه هفتاد شمسی صدها روزنامه و نشریه توقیف شدند که اوج این بگیر وبندها درسال 1370 به توقیف فله ای مطبوعات معروف شد . قاضی مرتضوی هم چنین بارها خواهان اعدام قاچاق چیان کالا و ارز شده است . پدر محسن روح الامینی یکی از جوانانی که در بازداشت گاه کهریزک کشته شد، در شکایتی علیه او اعلام کرده بود که قبلا هم از مرتضوی به عنوان متهم پرونده های دیگری از جمله اختلاس و تجاوز شکایت شده بود .

پس از آنکه مرتضوی به عنوان یکی از مسئولان حادثه کهریزک مقصر شناخته شد، از سمت های خود موقتا برکنار و سرانجام مصونیت قضایی اش هم لغو شد . دولت احمدی نژاد با دادن یک پست مهم دیگر به قاضی مرتضوی نشان داد که هیچ اعتنایی به اعتراضات مخالفان با این انتصاب ندارد، و حامی یکی از مسئولان سانسور، قلع و قمع و سرکوب مردم است.

برای اطلاعات بیشتر درمورد سعید مرتضوی به سایت:

http://fa.wikipedia.org/wiki/

مراجعه کنید .

—

دادگاه بین المللی رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی در تابستان خونین 67

2012-04-19 · Archive ID 861
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=861

عرصه سوم- مادر بهکیش در یک گزارش ویدیویی که برروی یوتیوپ منتشر شده است از سازمان ملل دادخواهی می کند. مادر بهکیش می گوید که پنج فرزند وهم داماد او تنها به جرم دگر اندیشی و فعالیت سیاسی اعدام شده اند. فرزند دیگر او منصوره بهکیش که از فعالان حقوق بشر و حامیان گروه مادران داغدار پارک لاله است، اخیرا به خاطر حمایت از مادران پارک لاله به چهارو نیم سال زندان محکوم شده است.

اکنون بیست و چهار سال از فاجعه خونین کشتارزندانیان سیاسی درسال 1367 می گذرد. دوفرزند مادر بهکیش در جریان آن فاجعه اعدام شدند. مادر بهکیش درگفتگویی با مادران عزادار می گوید:

" چی بگم، بی رحم ها، محمد رو اسفند سال شصت ، سیامک رو مهر ماه ۶۰، زهرا رو شهریور ۶۲ ، محسن رو اردیبهشت ٦٤ و محمود و علی رو شهریور ۶۷ کشتن . من بیشتر عمرم رو جلوی در زندان ها، برای گرفتن ملاقات و در گورستان ها گذروندم ."

حال سرانجام درنتیجه تلاش‌های بی وقفه فعالان جامعه مدنی و کنشگران حقوق بشر در ایران و درخارج از کشور برای اولین بار دادگاهی علیه جمهوری اسلامی و در دومرحله برای رسیدگی به این جنایات و ثبت مشاهدات شاهدان و بازماندگان اعدام شدگان تشکیل می شود. دراولین جلسه که درتاریخ 18 تا 22 ماه ژوئن امسال درلندن برگزار می‌شود یک تیم حقوقی با شرکت گروهی از سرشناس ترین حقوق دانان ایرانی و خارجی در مرکز حقوق بشر سازمان عفو بین الملل در لندن در این دادگاه شرکت دارند.

جلسه دوم داده گاه بین المللی برای رسیدگی به این جنایات در اکتبر امسال در شهر لاهه هلند برگزار خواهد شد.

برروی سایت ایران تریبونال که به این دادگاه اختصاص دارد می‌خوانیم که :

«حدود چهار سال پیش، آواخر شهریور ۱۳۸۶برابر با سپتامبر ۲۰۰۷، جمعی از شما همراه جمعی از یاران و همبندانان عزیزان جان سپرده با یاری و همراهی دیگر فعالان عرصه های سیاسی و اجتماعی، حرکتی را آغاز کردید که در بدو امر تصویر و آینده آن به روشنی امروز نبود. می دانستیم رسیدگی مردمی به هولناک ترین کشتار تاریخ معاصر ایران، کار بسیار دشوار و صعب العبوری است. با دست خالی و تنها با اتکا به انگیزه و تلاش مشترکمان، می خواهیم حکومتی را به خاطر مظالم و جنایات بی شمارش؛ به ویژه برای کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، به محاکمه مردمی بکشیم. کار آسانی نیست، اما برای مردمی متحد، همبسته و تلاشگر شدنی است. هم اکنون کار از نیمه گذشته و کمیسیون حقیقت یاب، چهارم ماه ژوئن ۲۰۱۲ و دادگاه بین المللی ایران تریبونال نیز، در اکتبر همان سال برگزار می شود. لذا، جهت تحقق هرچه بهتر این امر، به کمک و همکاری شما خانواده های گرامی که عزیزانتان را رژیم جمهوری اسلامی در دهه شصت، پیش و بعد از آن مظلومانه به قتل رساند، نیاز داریم. برای نشان دادن عمق جنایاتی که رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران در دهه شصت در زندان ها مرتکب شد، به شکایت خانواده های بیشتری نیاز است. به این منظور، تیم بین المللی حقوقدانان ایران تریبونال، اظهارنامه ای حقوقی تنظیم کرده، که در سایت ایران تریبونال (www.irantribunal.com) منتشر شده است.”

اعلامیه اخیر ایران تریبونال در مورد برگزاری جلسه دادگاه در تابستان 2012

" برای نخستین بار در تاریخ ایران و جهان، مردمی ظلم دیده و تحت ستم، که شاهد یکی از فجیع ترین جنایات تاریخ معاصر بشری و کشتار یک نسل از مبارزان سیاسی در زندان بوده اند-در حالی که دادگاه ها و نهادهای حقوقی و قضائی بین المللی از رسیدگی به آن اجتناب می کنند- پرچم دادخواهی و رسیدگی به آن را به دست گرفته اند.

چهار سال پیش، اواخر شهریور ۱۳۸۶برابر با سپتامبر ۲۰۰۷، جمعی از اعضای خانواده های جان سپردگان دهه شصت و جان بدربردگان از کشتار زندانیان سیاسی در این دهه، با یاری و همراهی فعالان عرصه های سیاسی و اجتماعی، حرکتی را آغاز کردند که در بدو امر تصویر و آینده آن به روشنی امروز نبود. می دانستیم رسیدگی مردمی به هولناک ترین کشتار تاریخ معاصر ایران، کار بسیار دشوار و صعب العبوری است. با دست خالی و تنها با اتکا به انگیزه و تلاش مشترکمان، می خواهیم جمهوری اسلامی را به خاطر کشتار بیش از پانزده هزار زندانی سیاسی در دهه شصت به محاکمه مردمی بکشیم.

چهار سال تلاش بی وقفه مردمی مصمم برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت به بار نشست. این دادگاه مردمی، رژیم جمهوری اسلامی ایران و رهبران و دست اندرکاران کشتار زندانیان سیاسی را، که از روزهای پایانی خرداد 60 آغاز و در تابستان 67 به اوج رسید، به ارتکاب جنایت علیه بشریت محاکمه خواهد کرد. کشتار مخالفان در زندان در دهه شصت، مصداق جنایت علیه بشریت است. هیچ یک از ده ها هزار زندانی سیاسی، چه آن ها که اعدام شدند و چه آن هائی که جان سالم بدر برده و از زندان بیرون امدند، درهیچ دوره ای از دهه شصت به وکیل و تسهیلات و مشاوره حقوقی و خانواده خود دسترسی و حق دفاع از خود نداشتند. محاکمات بدون طی پروسه حقوقی با ملزومات یک دادگاه واقعی، تنها با طرح چند سئوال و در اغلب اوقات تنها با ابلاغ اتهامات به زندانی برگزار می شد و وی را طی چند دقیقه به اعدام محکوم می کردند. کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، هم چنین به لحاظ جغرافیائی، تعداد و تنوع گرایشات سیاسی و عقیدتی گسترده و طبق قوانین جزائی بین المللی مصداق جنایت علیه بشریت محسوب می شود. طبق آمارها و شواهد

موجود، جمهوری اسلامی به فاصله سال های60 تا 63، حدود 15هزار زندانی سیاسی؛ روزانه به طور متوسط چهارده نفر و هر دو ساعت یک نفر را اعدام کرده است. جمهوری اسلامی به فاصله ماه های خرداد تا اسفند 67، چهارهزار زندانی سیاسی؛ روزانه به طور متوسط حدود 15 نفر و هر دو ساعت یک نفر را مخفیانه اعدام و در نهان در گورهای دسته جمعی دفن کرد.

دادگاه جمهوری اسلامی در دو مرحله برگزار می شود. مرحله اول به مدت پنج روز، از ۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ در مرکز حقوق بشر سازمان عفو بین الملل در لندن برگزار می شود. مرحله دوم، چهار ماه بعد از آن، در ماه اکتبر در لاهه برگزار خواهد شد. دادگاه مردمی ایران تریبونال، بزرگترین و بی سابقه ترین پروژه دادخواهی مردمی است که در تاریخ معاصر، با حضور بیش از صد شاهد، برگزار می شود.

یک تیم بین المللی حقوقی، متشکل از سرشناس ترین و مجرب ترین حقوقدانان بین المللی و ایرانی؛ پرفسور جان کوپر، پروفسور ریچارد فالک، سیر جفری نایس، پروفسور اریک دیوید، پرفسور پیام آخوان، دکتر نانسی هورماشیا، دکتر هدایت متین دفتری و پروفسور کادر اسمال(زوئیه 2011 در اثر سکته قلبی در گذشت)، این دادگاه مردمی را سازماندهی کرده و با دعوت از شخصیت های حقوقی و غیرحقوقی و قضات سرشناس جهانی همراه با یک تیم دادستانی متشکل از هشت حقوقدان ایرانی و غیرایرانی به سرپرستی پرفسور پیام اخوان و سیر جفری نایس، آن را برگزار می کنند.

این دادگاه، بخشی از مبارزه توده رنج کشیده مردم ایران علیه تاریک اندیشان کوردل و جنایتکار حاکم بر ایران است، که وظیفه آن نه تنها رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی و محاکمه جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت است، بلکه این وظیفه را نیز دارد که این تراژدی انسانی را به قضاوت افکار عمومی جهانیان بگذارد و آن را در تاریخ ایران و جهان برای آیندگان به ثبت برساند.

شرکت در دادگاه

حضور در هر دو مرحله دادگاه برای عموم آزاد و رایگان است. اما، براي حضور در آن ها ثبت نام ضروري است. علاقه مندان به شرکت در هر یک از مراحل این دادگاه مردمی، یا هر دو مرحله، مي توانند از طریق تماس با آدرس ایمیل زیر، با ذکر نام و نام خانوادگی ثبت نام نمایند."

بنیاد عرصه سوم از تمام آزادی خواهان و مدافعان حقوق بشر می‌خواهد که با پشتیبانی از دادگاه بین‌المللی و اطلاع رسانی درباره آن به وظیفه انسانی خود در روشنگری، افشای هرچه بیشتر این جنایات و تلاش برای دفاع از حقوق برحق خانواده‌های بازماندگان به اندازه توان خود اقدام کنند.

—

بازداشت مجدد نرگس محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشردرایران

2012-04-23 · Archive ID 864
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=864

عرصه سوم - نرگس محمدی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر برنده جایزه سال 2011 بنیاد تاریخ سوئد باردیگر در زنجان بازداشت شد . به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر و به نقل از زندانیان سیاسی زن در زندان اوین نرگس محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر در روز یک‌شنبه این هفته به زندان اوین منتقل شده است . او قبلا در خردادماه 1389 هم دستگیر و زندانی بود . و به علت بیهوشی و فلج عضلانی در زندان مدتی هم در بیمارستان بستری شد . نرگس محمدی در دادگاه به اتهام فعالیت علیه امنیت ملی ، عضویت درکانون مدافعان حقوق بشر و فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی به شش سال زندان محکوم شده است . نرگس محمدی مانند نسرین ستوده حقوق دانان زندانی مادر دو فرزند خردسال است .

تقی رحمانی ، از فعالان ملی - مذهبی و همسر نرگس محمدی که در سال‌های اخیر بارها بازداشت شده در اسفند ماه سال گذشته ایران را به صورت مخفیانه ترک کرد . او چندی پیش در نامه‌ای که در این مورد نوشته بود، اعلام کرد که همسرش حاضر به ترک ایران نشد و با فرزندانش در ایران خواهد ماند . درحال حاضر مادر بیمار نرگس از دوقلوی های شش ساله او نگهداری می کند .

رادیوی دویچه وله فارسی ، با تقی رحمانی مصاجبه ای کرده است که بخشی از آن را دراینجا می خوانید :

" خانم نرگس محمدی نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر هستند و همان‌طور که اشاره می‌کنید، پیش از این اعضای بنیان‌گذار این سازمان، از جمله آقایان سیف‌زاده، دادخواه و سلطانی حکم‌های سنگین گرفته‌اند، یا خانم شیرین عبادی در خارج از کشور هستند، خانم نسرین ستوده در این ارتباط الان در زندان هستند . فکر می‌کنیدبازداشت خانم نرگس محمدی در این زمان به چه علت صورت گرفته است؟

بخشی از آن ممکن است به خاطر فشار روی من باشد و بخشی هم ممکن است به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری‌اش باشد . واقعیت این است که کانون مدافعان حقوق بشر گام درستی برای نزدیکی اسلام با حقوق بشر برداشت و معتقد بود که اندیشه‌های متفاوت در ایران باید حرف بزنند و مقداری هم باید تعامل کرد با گرایش‌های مذهبی و روشنفکری یا حتی روحانی در مورد تحقق حقوق زنان و امثالهم . این جریان مفیدتری در ایران است و همین مفید بودن باعث شد که کانون زیر فشار بیشتری قرار بگیرد . کانون می‌توانست هم زبان حقوق بشری داشته باشد، هم زبان ملی داشته باشد و هم با زبان مذهبی جامعه تعارض نداشته باشد .

خُب جریان بنیادگرا در ایران، این زبان را قبول ندارد و این زبان را خطرناک‌تر از زبانی می‌داند که یک نفر بیاید بگوید اسلام اصلاً با حقوق بشر نمی‌خواند . چون آن زبان خیلی از مسائل را می‌تواند حل کند . کانون وارد دعواهای ایدئولوژیک نشد، اصول حقوق بشر را به تعامل گذاشت و گفت ایدئولوژی‌ها مختلف به آن نزدیک بشوند .

کانون مدافعان حقوق بشر این‌گونه عمل کرده و جایزه‌اش هم حکم‌های سنگینی است که به اعضای‌اش داده‌اند، یا رئیس کانون مدافعان حقوق بشر الان مهاجر است، حق برگشتن به ایران را ندارد، تحت فشار است و شاهد فشاری بودیم که به خانواده‌اش آمد .

خیلی کوتاه به این نکته اشاره کردید که ممکن است یک علت بازداشت دوباره‌ی خانم محمدی، فشار بر شما باشد . ممکن است در این مورد بیشتر توضیح بدهید؟

این هم هست؛ من از ایران که خارج می‌شدم، می‌دانستم این فشارها خواهد بود و این را به نرگس هم گفتم . نرگس، با همه‌ی این تحلیل‌ها، معتقد بود که داخل مفیدتر است . ولی ذهن انسان‌ها هم مثل پرونده‌های‌شان از هم جداست . یعنی تقی رحمانی یک فعال ملی - مذهبی است، با گرایش‌های روشنفکری مسلمان و یک فعال سیاسی . نرگس یک فعال حقوق بشری است .

واقعیت این است که نرگس علی‌رغم تعلقات ملی - مذهبی خودش، در کانون مدافعان حقوق بشر یک فعال حقوق بشری است، خودش را حقوق بشری تعریف کرده و مواضع‌اش هم کاملاً حقوق بشری است؛ همان‌طوری که کانون مدافعان حقوق بشر همه‌ی ایرانی‌ها را صاحب حق می‌داند و از همه‌ی حقوق آن‌ها دفاع می‌کند . من هم این‌جوری فکر می‌کنم، ولی من یک حیطه‌ی فعال حقوق بشری به مفهوم خاص‌اش نیستم، هرچند فعالیت‌های‌ام در چهارچوب حقوق بشر می‌تواند باشد .

ولی نرگس خود را این‌طوری تعریف کرده و انتظار دارد که این‌طوری با او برخورد بشود و باید دید که آیا کانون مدافعان حقوق بشر حق‌اش است که به این شکل با آن برخورد بشود؟ یعنی این زندان‌ها برای آقای سلطانی، برای آقای سیف‌زاده، این برخوردها با خانم عبادی، برخوردهای بسیار ناروا و فشار آوردن به همسرش برای مصاحبه گرفتن و امثالهم .

این‌ها همه مسائل قابل تأملی است، ولی خیلی غم‌انگیز است که کسانی که ادعای خدا و پیغمبری دارند و ادعای اعتقاد به روز قیامت دارند، چنین برخوردهایی می‌کنند . ما اعتقاد به دوتا حساب‌رسی داریم؛ یک حساب‌رسی در

این دنیا و یک حساب‌رسی در آن دنیا . ولی من نمی‌دانم، قدرت آن‌چنان شیرین است که اصلاً این حرف‌ها را دیگر منتفی کرده است .

آقای رحمانی، به نظر می‌رسد که احکامی که قبلاً چند ماهه بود، در این اواخر تبدیل به احکام چند ساله شده است . این را در مورد فعالان حوزه‌های دیگر حقوق مدنی هم می‌بینیم؛ از جمله آقای رضا شهابی، فعال حقوق کارگری، که شش سال حبس گرفته‌اند . تحلیل شما در این مورد چیست؟

یک ویژگی در جناح غالب این حکومت وجود دارد که معتقد است که اگر هرگونه رابطه‌ای هم حتی با غرب بخواهد مسالمت‌آمیز بشود، ما به یک دعوای کم‌شدت با آن‌ها نیاز داریم و در عین حال باید به فعالان سیاسی و مدنی بگوییم که حواستان باشد، فکر نکنید که اگر گفت‌وگویی با غرب صورت می‌گیرد، چیزی به شما خواهد داد . ما هم‌چنان در داخل نیروی اصلی هستیم . این تحلیل آقای حسن شریعتمداری از سال ۱۳۷۹ است و مورد موافقت بیت هم هست و مطابق این عمل می‌شود . به این خاطر، آقای دکتر یزدی احضار می‌شود یا آقای رضا شهابی که یک فعال سندیکایی است که باید آزاد بشود و تشکل سندیکایی‌اش را پیش ببرد، دستگیر می‌شود . آقای حسین آقامددی را آزاد می‌کنند و حکم‌اش تمام می‌شود، اما بعد آقای شهابی را دستگیر می‌کنند .

یعنی همواره روی هر تشکل صنفی، مدنی، سیاسی و قومی در ایران فشاری هست که این فشار شدت‌اش کم و زیاد می‌شود، ولی اصل‌اش ثابت است و آن این که شما نباید کاری انجام بدهید و این خط از سال ۱۳۸۴ با آمدن آقای احمدی‌نژاد تشدید شده و هم‌چنان هم ادامه پیدا کرده و جامعه‌ی مدنی ایران، گروه‌های سیاسی و نهادهای سیاسی به شدت باید تحت فشار باشند؛
به‌خصوص آن‌هایی که در داخل کشور زمینه‌های فعالیت دارند و زبان‌شان، زبانی است که در جامعه می‌تواند حرکت‌هایی ایجاد کند، حتی حرکت‌های محدود . این فشار روی زن‌ها بوده، روی اقوام بوده، روی اصناف بوده و روی احزاب سیاسی هم بوده و دقیقاً حساب شده است و با مکانیسم خاصی صورت می‌گیرد . پس شما همیشه شاهد یک سری احکام هستید، یک سری در انتظار حکم هستند، یک سری باید زندان بروند و...

در عین حال این را هم بگویم که این جو شکسته می‌شود، ولی امیدوارم وقتی این جو شکسته می‌شود، ما بتوانیم جامعه‌ی ایران را به سوی دمکراسی برویم و دوباره دچار این تحولات نشویم . همه‌ی این تدابیری که این آقایان می‌اندیشند، از جایی پاره می‌شود، در جایی گسسته می‌شود . من این را مطمئن‌ام ! ولی بیشتر به این فکر می‌کنم که وقتی گسسته شد، چطور کاری کنیم که این فضای دمکراسی و نیمه‌آزاد ایران استمرار پیدا کند .

وگرنه این سیاستی است که آقایان اعمال کرده‌اند . جز این هم راهی به نظرشان نمی‌رسد و این هم یک راه‌حل بسیار تکراری است که برای سال‌هایی جواب می‌دهد و بعد دیگر پاسخ‌گو نیست ."

برای اطلاعات بیشتر از سایت گزارشگران مجموعه فعالان حقوق بشر درایران بازدید کنید .

—

گزارش سالانه هرانا: حجم بسیاراندکی از نقض گسترده حقوق بشردرایران

2012-04-23 · Archive ID 866
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=866

عرصه سوم- انتشار گزارش سالانه مجموعه فعالان حقوق بشر در سال 1390، گام مهمی در جهت اطلاع رسانی و دفاع از حقوق افراد است. گزارشی در نوع خود منحصر به فرد و بی سابقه برای افشاگری، حمایت و دفاع از شهروندانی که به دلایل مختلف با نقض حقوق انسانی خود مواجه اند. این گزارش به همت و با تلاش شبانه روزی گروهی از فعالان جامعه مدنی که با محدودیت‌های گوناگون و از جمله ممنوعیت قانونی فعالیت اجتماعی روبرو هستند تهیه شده و نمایانگر بخشی از واقعیت زندگی در جامعه ما در فقدان آزادی، عدالت قضایی و اجتماعی است. و هم نشانگر تعمیق بحران حقوق بشر در ابعاد مختلف و در سراسر ایران است.

تلاش بی وقفه فعالان مدنی برای پیشبرد امر حقوق بشر و اطلاع رسانی از موارد نقض آن درشرایطی صورت می گیرد که دولت جمهوری اسلامی هرگونه فعالیت و افشاگری در این مورد را ممنوع و کنشگران حقوق بشر را به زندان های طولانی مدت محکوم می کند.

این گزارش تنها بخش کوچکی از واقعیات روزمره زندگی در جامعه‌ای غیر دموکراتیک را منعکس می‌کند جامعه ای که درآن شهروندان و ازجمله دگراندیشان سیاسی، اعضای فعال سندیکاهای کارگری، نهادهای مردمی، اقلیت‌های دینی، قومی، همجنس گرایان از آزادی بیان و کنش اجتماعی محروم اند. و یا بسیاری از متهمان جنایی و هم قاچاقچیان مواد مخدر از دادرسی عادلانه و قانونی در محاکم قضایی محروم هستند، و به مجازات های سنگین از قبیل اعدام و حبس های طولانی محکوم می شوند.

گزارش هرانا در دو بخش سالنامه آماری و هم گزارش موضوعی منتشر شده است. در بررسی آمار با استفاده از داده‌ها و نمودارها می‌توان تصویری روشن و جامع از عملکرد فعالان حقوق بشر درچهارگوشه کشور را مشاهده کرد. این گزارش‌ها تنها بخشی از واقعیت‌های جامعه ما را نشان می‌دهند. به این ترتیب و برطبق این آمار، تمرکز مدافعان حقوق بشر در سال ۱۳۹۰، شامل ۴۲ درصد در تهران و ۵۸ درصد در سایر استان ها بوده است.

به نکات مهمی از سالنامه آماری نقض حقوق بشر درسال 1390 توجه کنید:

“بعنوان مقدمه در اولین بخش گزارش پیش رو لازم است اشاره شود گروههای مدافع حقوق بشر در ایران تلاش زیادی برای بهبود وضعیت گزارشگری نقض حقوق بشر در ایران می‌کنند با این حال تفاوت فاحشی را حسب آمار می‌توان در تمرکز گزارشات بر مرکز کشور در مقایسه با سایر نقاط کشور بعنوان یکی از نقاط ضعف نهادهای مدنی ایرانی مشاهده کرد.

عمده تفاوت گزارش آماری سال ۱۳۹۰ در دومین سال انتشار این شکل جامع گزارش، بررسی آمار ارائه شده و مقایسه آن با آمار سال ۱۳۸۹ است که برای اولین بار صورت می گیرد. به همین منظور در تمامی بخش ها علاوه بر ارائه آمار سال ۱۳۹۰ میزان رشد و کاهش نقض حقوق بشر در هر یک از رسته های حقوقی به تناسب سال ۱۳۸۹ نیز گنجانده شده است.

ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران با کاهش ۱۵ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۹ ، ۳۱% از گزارشات نقض حقوق بشر را مستند کرده است، منابع دولتی با افزایش ۱۰ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۹ ، ۲۲% کل گزارشات نقض حقوق بشر را مستند کردند هم چنین سایر منابع مستقل نیز با کاهش ۴۵ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۹ ، ۴۷% گزارشات را مستند کردند.

با در نظر گرفتن آمار ۳۶۰۰ مورد نقض موارد و بندهای مقاوله نامه های حقوق بشری جاری مستند شده در ایران از مجموع ۲۵۵۹ گزارش، که برای ۱۰۸۹۹۳۷ نفر از شهروندان اعمال شده است به پراکندگی ها در نقشه ذیل بنگرید.”

در بخش دیگری از این گزارش می‌خوانیم که:

”توانمندی سازمانهای مدافع حقوق بشر در امر خطیر گزارشگری در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ ۲۹% کاهش داشته است. در بررسی اولیه، افزایش گزارشگری در استانهای آذربایجان شرقی، اردبیل، هرمزگان، فارس، کرمان، بوشهر و یزد با درصد کمی وجود داشته است که عوامل آن را در استان آذربایجان شرقی می توان مربوط به مجموعه اعتراضات شهریور ماه و در استان فارس مربوط به افزایش اجرای حکم اعدام دانست.

اما کاهش کلی گزارشگری از مناطق مرکزی و حاشیه ای کشور به دلیل کاهش نقض حقوق بشر و یا کم کاری سازمان های حقوق بشری نبوده است، بلکه این امر عمدتاً مربوط به افزایش فشار بر مدافعان حقوق بشر و هزینه مند شدن فعالیت گروه های مستقل حقوق بشری از سوی حکومت ایران است.”

در سالنامه آماری در موارد مختلف داده‌هایی ارائه شده است که بخشی ازآن را دراینجا می خوانید:

اندیشه و بیان

”در این رسته در طی سال ۱۳۹۰، جمعاً ۵۸۷ گزارش از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است، در این جمع، ۲۳ مورد اعمال فیلترینگ اینترنتی گزارش شده است، ۱۸ توقیف نشریه، ۱۱ اختلال تعمدی در شبکه اینترنت، ۱ مورد اختلال تعمدی در شبکه مخابرات، ۳۳۶ بازداشت موردی، ۹ مورد ضرب و شتم، ۱۷ مورد ممانعت از برگزاری تجمع، مراسم یا سخنرانی، ۱۴ مورد پلمپ تشکل و دفاتر، ۳۰ بازداشت فله‌ای، ۳۴ مورد تهدید و ارعاب، ۹۹ مورد احضار به مراجع قضایی- امنیتی و ۸۷ مورد سایر موضوعات متفرقه در حوزه اندیشه و بیان گزارش شده است.

هم چنین در این حوزه ۵۶۰ نفر محاکمه شدند، ۱۸۷ نفر از سوی مراجع قضایی به ۹۵۰۷ ماه حبس تعزیری، ۳۲۰ ماه حبس تعلیقی، ۲۳ میلیارد و ۶۰۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال جریمه نقدی، ۸۹۲ ضربه شلاق و ۱۱۱۰ ماه محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند.

در حوزه اندیشه و بیان ۶۵۹ مورد نقض موارد و بندهای مقاوله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۵۸۷ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۱۵۱۱ نفر از شهروندان است.”

بازداشت ها

”در طی یکسال گذشته نیروهای امنیتی ۱۶۷۱ تن از فعالین را بازداشت نموده‌اند که از این تعداد ۱۰۱۰ مورد آن به صورت موردی و ۶۶۱ مورد آن به صورت بازداشت فله‌ای یا بدون مشخص شدن هویت بازداشت شده بوده است.

در این رابطه، اصناف ۱۰۶ مورد بازداشت، اقلیت‌های قومی ۶۹۲ مورد، اقلیت مذهبی ۲۹۰ مورد، اندیشه و بیان ۳۵۶ مورد، دانشجویان ۵۲ مورد، زنان ۷ مورد، فرهنگی ۱۲۰ مورد، کارگران ۴۵ مورد، کودکان ۳ مورد را شامل می‌شوند.

لازم به ذکر است بازداشت های فله ای شهروندان در طرح امنیت اجتماعی و اخلاقی نیروی انتظامی نیز بالغ بر ۷۸۳۰۳ مورد شده است که اکثر آن مربوط به بازداشت خرده فروشان مواد مخدر و برخوردهای تحت نام اراذل و اوباش بوده است.”

محکومیت ها

”به گزارش نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در طی یکسال گذشته مراجع قضایی حکومت ایران اعم از بدوی و تجدید نظر، اقدام به صدور ۲۰۱۸۹ ماه حبس (تعلیقی و تعزیری) برای ۶۲۸ تن از فعالین نموده‌اند که از این مقدار، ۱۸۵۹۰ ماه حبس تعزیری و ۱۵۹۹ ماه حبس تعلیقی بوده است. هم چنین ۳۳۷۹ ضربه شلاق و ۲۴ میلیارد و ۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی نیز برای ایشان صادر شده است.

در حوزه اصناف ۷۴۴ ماه، حوزه اقلیت‌های ملی-قومی ۲۷۹۲ ماه، اقلییت‌های مذهبی ۴۳۵۲ ماه، اندیشه و بیان ۹۸۲۷ ماه، دانشجویان ۱۱۵۳ ماه، زنان ۵۶ ماه، فرهنگی ۲۲۲ ماه، کارگران ۱۰۴۳ ماه را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است این آمار فقط احکام موردی که مشخصات یا اطلاعات مربوط به حکم منتشر شده است را شامل می‌شود.

در بررسی کلی آمار، دستگاه قضایی حکومت ایران، ۶۲۸ تن از شهروندان را بیش از ۱۷۵ سال محروم از حقوق اجتماعی، و نیز بیش از ۱۶۸۲ سال محکومیت حبس تعزیری و تعلیقی صادر نموده است.”

اعدام

”در این رسته در سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۳۳ گزارش از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسیده است که شامل محکومیت ۵۲۳ نفر به اعدام و اجرای حکم اعدام ۴۵۶ نفر می باشد که از این تعداد ۸۲ نفر در ملاء عام اعدام شدند.

در سال گذشته دست کم ۳۰۸ نفر از اعدام شدگان را مردان و ۵ تن را زنان تشکیل دادند هم چنین ۱۴۳ تن بدون اعلام هویت در رسانه های دولتی، اعدام شدند و یا به عبارتی دیگر ۶۸% اعدامیان مرد و ۱% زن و ۳۱% با هویت نامعلوم اعدام شدند.

۳ تن از اعدام شدگان به دلیل دگر اندیشی و بر اساس فعالیت های سیاسی و به اتهام محاربه اعدام شدند که پیکر آنها تحویل خانواده نشده و یا پس از دفن توسط دستگاه قضایی محل دفن ایشان به خانواده ابلاغ شده است.
در گزارشات منتشر شده، ۳۱۳ مورد اتهام جرایم مربوط به مواد مخدر ۱۹ مورد اتهام تجاوز به عنف، ۴۰ مورد اتهام قتل، ۷ مورد اتهام محاربه، ۴ مورد اتهام لواط و یا همجنس گرایی، ۳۱ مورد اتهام تجاوز ۶ مورد آدم ربایی و تجاوز، ۳ مورد رابطه نامشروع، ۳ مورد سرقت، ۱۶ مورد سرقت مسلحانه و ۳۳ مورد بدون اعلام اتهام در رسانه های دولتی در خصوص اجرای حکم اعدام برای متهمین قرائت شده است.

در حوزه صدور و اجرای حکم اعدام ۲۸۰ مورد نقض موارد و بندهای مقاوله نامه های حقوق بشری جاری از مجموع ۲۴۴ گزارش استخراج شده است که شامل نقض حقوق ۱۰۷۷ نفر از شهروندان است.”

در گزارش موضوعی سالانه نقض حقوق بشر درایران می‌خوانیم که :

”این گزارش در حالی منتشر شده است که نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران توسط جمهوری اسلامی، که ممانعت از گردش آزاد اطلاعات را هم شامل می‌شود، طبعاً راه‌های گزارشگری و اطلاع رسانی در این حوزه را هم دشوار نموده است. در چنین شرایطی بدیهی ست که به رغم تلاش‌های شبانه روزی گروه‌ها و افراد فعال در این عرصه، بخش اعظمی از وقایع از حوزه‌ی دید ایشان مستتر می‌ماند.

از این رو مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران تاکید می‌کند که این گزارشات نمایانگر کارنامه‌ی کامل جمهوری اسلامی در قبال وضعیت اسفبار حقوق بشر در ایران نیست، بلکه نظر به محدودیت فعالیت فعالان حقوق بشر در داخل کشور، از یک طرف بیانگر توانمندی آن‌ها در شرایط سرکوب و سانسور بوده و از طرف دیگر تنها بخشی از کل واقعیت نقض حقوق بشر در ایران را مستند و منعکس می سازد. بر همین اساس آسیب شناسی‌ای صورت گرفته که بر مبنای آن مخاطب درخواهد یافت فعالیت در حوزه‌ی مذکور در چه مناطقی از کشور قوی‌تر و در کدام نواحی ضعیف‌تر است.

بر حسب این بخش، اگر پایتخت (تهران) بیش‌ترین موارد مطرح شده در این گزارش را در مقابل استان‌هایی نظیر خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و بوشهر به خود اختصاص داده، هرگز اثبات کننده‌ی این نیست که در چنین استان‌هایی وضعیت نقض حقوق بشر بحرانی نیست، که لازم است در آینده تقویت گزارشگری در چنین استان‌هایی در اولویت کاری فعالین حقوق بشر قرار گیرد.

این گزارش که در درجه‌ی اول هدف اطلاع رسانی و مستند سازی موارد نقض حقوق بشر به منظور روشن کردن افکار عمومی و تمرکز توجهات را دنبال می‌کند، تلاشی است جهت زمینه سازی اجرای درست عدالت در آینده‌ی نامعلوم و همینطور حقیقت یابی، که بتوان بر اساس آن محکومیت‌های بین المللی را زمینه سازی کرده تا از ادامه‌ی نقض حقوق بشر جلوگیری شود.

این گزارش که تازه‌ترین آمار و تحلیل از موارد نقض حقوق بشر در سال ۱۳۹۰ را در بر می‌گیرد، شامل ۷ بخش عمده است که در ۳۹ کتابچه و در ۹۳۷ صفحه منتشر شده است.

—

سازمان‌های مردم نهاد زیرضرب قانون

2012-04-26 · Archive ID 868
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=868

رضا حاجی‌حسینی

کمی بیش از یک سال پیش، یعنی بیست‌و چهارم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۰ بود که زهره الهیان، رییس فراکسیون سازمان‌های مردم‌نهاد مجلس ایران، پشت تریبون این مجلس ایستاد و با افتخاراعلام کرد که بررسی طرح تاسیس و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نها د،باعث عصبانیت رسانه‌های خارجی شده است. او بدون ارائه توضیحات بیشتر درباره این عصبانیت، با استناد به آن گفت: "افتخار تصویب این طرح را از مجلس هشتم نگیریم."

با وجود تذکر الهیان اما این افتخار تا به‌حال از مجلس هشتم گرفته شده است و به‌نظر نمی‌رسد که با توجه به شرایط موجود و وضعیت عمومی کشور، عمر این مجلس به تصویب طرح ناظر بر تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد قد بدهد. طرحی که اگر تصویب بشود، فعالیت این سازمان‌ها در ایران را با دشواری‌های تازه‌ای روبه‌رو خواهد کرد. در شرایطی که آینده این طرح در مجلس هشتم و به احتمال زیاد، مجلس نهم، چندان روشن نیست؛ درباره گذشته آن حرف و حدیث بسیار است.

گستردگی و میزان فعالیت NGOها یا سازمان‌های مردم‌نهاد در هر کشوری، می‌تواند یکی از شاخص‌های مدنیت در آن سرزمین باشد. این که گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ... بتوانند بر اساس نقاط اشتراک‌شان، آزادانه مجموعه‌ای را تشکیل دهند و به فعالیت بپردازند، نشان‌دهنده میزان بلوغ و سطح تحمل و مدارا در یک جامعه است. جامعه ایرانی و به‌خصوص طبقه حاکم بر آن اما با توجه به ویژگی‌های خاص خود، چندان تحمل گوناگونی و چند صدایی را ندارند و به دلیل همین بی‌علاقگی به جریان‌های مدنی، موانع مختلفی بر سر راه این‌گونه فعالیت‌ها ایجاد می‌کنند. آخرین این موانع همین طرح تاسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد است.

تصویب شد؛ مسکوت ماند

فروردین‌ماه سال گذشته، بعد از مدت‌ها بحث و جدل در مجلس و بیرون از مجلس، در نهایت کلیات " اقبال کوتاه سازمان‌های مردم‌نهاد " با آرای ۱۴۴ نماینده به تصویب رسید. اما این طرح پنج فصلی که ۴۶ ماده دارد، هنگام بررسی جزییات آن، تا ماده بیست و ششم بیشتر دوام نیاورد و به تعبیر "مینا شهنی" در گزارشی با عنوان "اقبال کوتاه سازمان‌های مردم‌نهاد"، به اغما رفت. تذکر آیین‌نامه‌ای "احمد توکلی"، باعث توقف روند بررسی شد و "علی لاریجانی"، رییس مجلس هشتم، پس از تذکر این نماینده، با تایید ابهامات زیاد طرح و نیاز به اصلاح پیاپی، خواستار بازگرداندن آن به کمیسیون اجتماعی مجلس شد. "محمدکاظم دلخوش"، نماینده صومعه‌سرا هم آب پاکی را روی دست طراحان ریخت و پیشنهاد مسکوت ماندن سه ماهه طرح را ارائه کرد. اکثر نمایندگان با این پیشنهاد موافقت کردند و حالا با وجود آن‌که از فروردین‌ماه سال گذشته تا اردیبهشت‌ماه امسال، بیش از چهار فرصت سه ماهه گذشته اما این طرح هم‌چنان در سکوت مانده و احتمالا می‌ماند برای دوره بعدی مجلس.

بررسی کلیات این طرح اما در شرایطی اتفاق افتاد که نهادهای جهانی مدافع حقوق بشر، بارها درباره آن هشدار دادند.

سازمان "عفو بین‌الملل" و سازمان "عرصه سوم" به تصویب پیش‌نویس این طرح که بر اساس آن امتیاز ثبت همه سازمان‌های غیر دولتی فعال در ایران عملا لغو خواهد شد، اعتراض کردند و از نمایندگان مجلس خواستند که این طرح را تصویب نکنند. این دو سازمان در بیانیه مطبوعاتی خود، طرح تاسیس و نظارت بر فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی را ضربه‌ای دانستند که با آن میخ دیگری بر تابوت حق آزادی انجمن‌ها و تشکل‌ها در ایران کوبیده می‌شود.

نظارت با اسلحه

در ماده شش طرح تاسیس سازمان‌های مردم‌نهاد که از آن‌ها با عنوان "سمن" یاد می‌شود، نظارت بر این سازمان‌ها بر عهده نهادهای دولتی و امنیتی از جمله سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، بسیج، نیروی انتظامی، سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت کشور گذاشته شده است: "هیأت عالی سازمان‌های مردم‌نهاد از معاونین ذی‌ربط وزارت کشور(رییس هیات)، وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات و نمایندگان تام‌الاختیار قوه‌قضاییه، نیروی انتظامی، سازمان صدا و سیما، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفان، سپاه پاسداران، کمیته امداد، مرکز امور مساجد و نماینده منتخب سازمان‌های ملی و نماینده

دستگاه تخصصی مورد نیاز با حق رای نماینده شورای عالی استان‌ها و یک نفر از نمایندگان عضو کمیسیون اجتماعی مجلس تشکیل شده و کار نظارت بر فعالیت سازمان‌ها را بر عهده خواهد داشت.”

نکته مورد توجه در این ماده، حضور پررنگ نیروهای نظامی و انتظامی در ترکیب هیات‌های نظارت بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد است. مسئله‌ای که با ذات فعالیت‌های مدنی در تعارض است و به نظر نمی‌رسد که برای انجام چنین فعالیت‌هایی نیاز به نظارت نیروهای نظامی باشد. مگر این‌که از اساس نگرش مثبتی نسبت به این مجموعه‌ها وجود نداشته باشد و ضرورت رویکرد امنیتی به این جریان‌ها به چشم بیاید. این رویکرد نیز معمولا در جوامعی اتخاذ می‌شود که رویاروی دموکراسی می‌ایستند و اجازه فعالیت‌های آزادانه را به شهروندان خود نمی‌دهند.

هم‌چنین بر اساس این طرح و در صورت تصویب نهایی آن، سازمان‌های غیر دولتی از کمک‌های مالی دولت محروم می‌شوند. برگزاری تجمع و راهپیمایی از سوی آن‌ها نیز منوط به کسب اجازه از “مراجع ذی‌ربط” شده است.

علاوه بر همه این‌ها و همان‌طور که در بیانیه سازمان “عفو بین‌الملل” و سازمان “عرصه سوم” آمده است، در صورت تصویب و ابلاغ این طرح، همه سازمان‌های مردم‌نهادی که در حال حاضر فعال هستند باید در قالبی جدید درخواست مجوز کنند. این سازمان‌ها بر اساس ضوابطی که در طرح ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد آمده، موظف خواهند شد مدارکی را آماده و به مراجع معرفی شده تحویل دهند تا با گذر از مراحل قانونی، مجوز جدیدی دریافت کنند و بر اساس آن بتوانند به فعالیت‌هایشان ادامه دهند. در این شرایط ممکن است شماری از سازمان‌های مردم‌نهاد که در حال حاضر فعال هستند، نتوانند از فیلترهای جدید عبور کنند و از ادامه کار منع شوند.

از سوی دیگر بر اساس این طرح عضو شدن سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی در سازمان‌های بین‌المللی و هر گونه همکاری و فعالیت بین‌المللی مثل عقد قرارداد، امضای تفاهم‌نامه و شرکت در همایش‌ها و دوره‌های آموزشی در خارج از کشور، باید با مجوز هیات عالی نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد باشد. همچنین این سازمان‌ها موظفند پیش از دریافت کمک‌های نقدی یا غیرنقدی از آژانس‌های وابسته به سازمان ملل متحد و دیگر منابع کمک کننده حقیقی یا حقوقی خارجی، میزان کمک و موضوع آن را به صورت مشروح و بر اساس مورد برای گرفتن مجوز به هیات عالی اعلام کنند.

از آنجا که بخش زیادی از فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی که ایران نیز در آن‌ها عضویت دارد به مشارکت سازمان‌های غیردولتی وابسته است، اگر این طرح تبدیل به قانون شود، نحوه ارتباط سازمان‌های مردم‌نهاد با این سازمان‌ها در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود. از طرفی، اگر سازمان‌های بین‌المللی این قانون را خلاف عهدنامه‌های تاسیس خود ارزیابی کنند، برای ایران مسئولیت بین‌المللی ایجاد خواهد شد.

سکوت در سکوت

با وجود اعتراض‌های خارجی به بررسی طرح ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، کمتر صدای اعتراضی از سوی مدیران این سازمان‌ها در داخل ایران شنیده شد و این جریان به سکوت برگزار شد؛ سکوتی که البته چندان نمی‌شود آن را به رضایت تعبیر کرد بلکه بیشتر شبیه مخالفتی بی‌صدا بود. بررسی گزارش‌های مرتبط با این موضوع نشان می‌دهد مدیران سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش کردند در برابر خبرنگاران به هر ترفندی که شده، از پاسخ دادن شانه خالی کنند تا رو در روی مجلس قرار نگیرند.

با توجه به فضا و شرایط حاکم بر ایران، این بیم همواره وجود داشته و دارد که هر سخن مخالفی به عنوان یک نمره منفی در کارنامه فعالیت افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها ثبت شود. در مورد تصویب این طرح نیز مخالفت با آن می‌توانسته و البته هم‌چنان می‌تواند به مانعی برای ادامه فعالیت کسانی تبدیل شود که در اعتراض به آن، اظهارنظر کرده‌اند.

این در حالی‌ست که رییس فراکسیون سازمان‌های مردم‌نهاد مجلس، محدود شدن این سازمان‌ها را در صورت اجرایی شدن این قانون قبول ندارد اما تایید کرده که برخی نمایندگان، تصویب این طرح را به نوعی محدود کردن فضای فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد دانسته‌اند. این اشاره الهیان نشان می‌دهد که سر و صداها و

مخالفت‌های مدنی و حقوقی با این طرح هر چند ناچیز بوده، اما دامنه نگرانی‌ها را به راهروهای مجلس هم کشانده است. این نگرانی‌ها درباره محدود شدن فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد گروهی از نمایندگان را واداشت تا برای برطرف کردن این مشکل تلاش کنند. مسکوت ماندن این طرح در شرایط فعلی را می‌توان کوششی در همین راه و رابطه ارزیابی کرد.

گویا قرار چنین بوده است که سمن‌ها در ایران بدون آنکه بخشی از ساختار دولت باشند، نقش واسطه میان مردم و دولت را بازی کنند. این سازمان‌ها اغلب غیرانتفاعی هستند و بودجه‌شان از راه کمک‌های مردمی یا سازمان‌های دولتی تهیه می‌شود. آن‌ها از ۱۶سال پیش تا امروز فعالیت زیادی در کشور داشته‌اند و نظرهای متفاوتی درباره‌شان وجود دارد. عده‌ای فعالیت آن‌ها را تایید می‌کنند و عده‌ای هم اعتقادی به آن‌ها ندارند. در دنیای امروز اما حضور سازمان‌های مردم‌نهاد امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد که باید به آن تن داد.

از سوی دیگر چند صدایی بودن جامعه، لازمه دموکراسی است و سازمان‌های مردم‌نهاد تنها در صورتی می‌توانند فعالیت رسمی و همه‌گیر داشته باشند که حکومت به این اصل احترام بگذارد، تضارب اندیشه و آرا وجود داشته باشد و تنها یک حرف یا یک شخص به عنوان حق قطعی و مطلق در نظر گرفته نشود. رسیدن به چنین فضایی در ایران چندان آسان نیست و جالب این‌که سازمان‌های مردم‌نهاد باید در یک جریان پارادوکسیکال (متناقض)، خودشان با همین قوانین نیم‌بند موجود به شکل‌گیری این فضا کمک کنند. فضایی که در آن سازمان‌های جدید متولد شوند و آزادانه و بر اساس حقوق شهروندی، به فعالیت بپردازند.

گرچه مخالفان آزادی و جامعه مدنی همواره در این راه موانعی ایجاد خواهند کرد، اما واکنش‌های به موقع فعالان مدنی می‌تواند راه را برای ادامه کار باز کند. واکنش‌هایی که گرچه ممکن است عده‌ای نامش را "عصبانیت رسانه‌های خارجی" بنامند اما در نهایت می‌تواند افتخار محدود کردن سازمان‌های مردم‌نهاد را از کسانی که چنین قصدی دارند، بگیرد.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است . نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است . نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست .

—

اول ماه مه روزخشم همه مزد بگیران ایران

2012-05-01 · Archive ID 872
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=872

روز جهانی کارگر مبارک باد.

عرصه سوم - کارگران درایران امسال هم باز از داشتن جشنی درخور روز جهانی کارگر و راه پیمایی به این مناسبت محروم شدند. عدم صدور مجوز برای راه پیمایی در روز اول ماه مه در شرایطی صورت می گیرد که کارگران ما با پیآمدهای طاقت فرسای تحریم اقتصادی، گرانی بی سابقه مایحتاج اولیه، اخراج و بیکاری دست به گریبان اند. افزون برآن آنان با مشکلات دیگری از قبیل فقدان نهادها و تشکل های واقعی کارگری، بازداشت مدافعان حقوق کارگران و عدم تصویب یک قانون کار مترقی مواجه اند. طبق اصل ۲۷ قانون اساسی دولت باید اجازه برگزاری راهپیمایی را به کارگران در روز جهانی کارگر بدهد درغیر این صورت برخلاف موازین قانون اساسی عمل کرده است.

اما در آخرین گزارش روز دوشنبه این هفته برروی سایت رادیو زمانه می‌خوانیم که:

" با عدم صدور مجوز راهپیمایی، کارگران استان تهران صبح امروز مقابل دفتر مرکزی خانه کارگر تجمع نمودند و سپس به ورزشگاه معتمدی منتقل شدند و در آنجا مراسم خود را برگزار کردند. هم چنین در گزارش دیگری آمده است که کارگران شوشتر نیز به دلیل عدم صدور مجوز راهپیمایی، با برگزاری تجمعی ضمن گرامی‌داشت روز کارگر به عدم وجود امنیت شغلی و دستمزد ناعادلانه . اعتراض کردند. در مراسم امروز خانه کارگر در ورزشگاه معتمدی تهران، حسن صادقی، معاون دبیرکل خانه کارگر در اجتماع کارگران گفت: در سال حمایت از

کارگر ایرانی هم اجازه راهپیمایی روز کارگر را ندادند. تقاضای کارگران شهر مهاباد نیز روز سه‌شنبه پنجم اردیبهشت‌ماه از سوی مسئولان محلی نادیده گرفته شد و فرمانداری مهاباد مانع برگزاری برنامه‌های روز کارگر توسط خانه کارگر شد. چندی پیش پس از انتقاد خانه کارگر از خودداری دولت در صدور مجوز راهپیمایی روز کارگر، مصطفی محمد نجار، وزیر کشور، از خانه کارگر خواسته بود که درخواست خود را برای برگزاری راهپیمایی روز کارگر به وزارت کشور ارائه دهد.

محمد نجار گفت: "باید خانه کارگر درخواست (راهپیمایی) خود را مطرح کند و این درخواست طبق قانون مطرح می‌شود و توسط استانداری و وزارت کشور نتیجه به آن‌ها اعلام می‌شود."

وزیر کشور دوشنبه چهارم اردیبهشت‌ماه خبر داد موضوع راهپیمایی روز کارگر در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب بررسی و نتیجه آن اعلام می‌شود.

محمود عباس‌زاده مشکینی، دبیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب نیز روز شنبه نهم اردیبهشت‌ماه در مورد درخواست خانه کارگر مبنی بر راهپیمایی این تشکل در روز جهانی کارگر گفت: "هنوز هیچ درخواستی به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب فرستاده نشده است."

این در حالی است که روز گذشته ایلنا تصویری از درخواست خانه کارگر که در تاریخ ۲۱ فروردین‌ماه خطاب به معاونت سیاسی وزارت کشور تنظیم و ارسال شده بود را منتشر کرد.

به گفته فعالان کارگری از سال ۸۶ خورشیدی تاکنون دولت در مورد برگزاری روز جهانی کارگر با کارگران همکاری نکرده است.

در همین حال در مراسم امروز خانه کارگر در ورزشگاه معتمدی تهران، حسن صادقی، معاون دبیرکل خانه کارگر در اجتماع کارگران گفت: "در سال حمایت از کارگر ایرانی هم اجازه راهپیمایی روز کارگر را ندادند."

بازداشت فعالان کارگری

عدم صدور مجوز برای راه پیمایی تنها بخشی از سیاست ضد کارگری دولت احمدی‌نژاد است، بازداشت و محکومیت ده‌ها فعال کارگری به خاطر اعتراض به نقض حقوق صنفی و خواسته‌های برحق آنان در سال‌های اخیر هم چنان ادامه دارد. مجموعه فعالان حقوق بشر(هرانا) تا کنون گزارش های متعددی را از اعتراضات کارگران واحد های تولیدی در سراسر ایران و هم گزارش های مفصلی از دستگیری فعالان کارگری منتشر کرده است. اما متاسفانه تلاش نهادهای مدنی و حقوق بشر ایرانی در عرصه ملی و بین‌المللی برای آزاد کردن منصور اسانلو رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر فعالان حوزه کارگری تا کنون به جایی نرسیده است.

به گزارش سایت ایران امروز رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده، دو تن از فعالان حوزه کارگری در بند ۳۵۰ اوین با صدور بیانیه ای از داخل زندان از تمامی کارگران و زحمتکشان و فعالین کارگری و تشکل‌های مستقل کارگری و شخصیت‌های مردمی مدافع حقوق کارگران و انسان‌های آزاده خواسته‌اند که با اتحاد و همبستگی خود روز جهانی کارگر را هر چه با شکوه تر برگزار کرده و بر مطالبات بر حق در این بیانیه پافشاری کرده و حمایت خود را اعلام کنند. در این بیانیه آمده است: کارگران ایران به ویژه فعالین کارگری زندانی این روز بزرگ را گرامی داشته و امیدواریم در سال جدید هیچ کارگر و انسان آزادی خواهی به خاطر حق خواهی و طرح مطالبات صنفی و سیاسی خود در ایران و دیگر کشور ها دستگیر و زندانی نباشد.

بیانیه اعتراضی جمعی از فعالان مدنی

از سوی دیگر به مناسبت روز جهانی کارگر گروهی از سازمان های حقوق بشری و تشکل های مدافع دموکراسی درخارج از کشور با صدور اعلامیه ای به سیاست‌های ضد کارگری دولت اسلامی اعتراض کرده و خواهان رسیدگی فوری به مصائب کارگران درزمینه مطالبات صنفی، حق ایجاد تشکل ها، اصلاح قوانین، آزادی همه کنشگران مدنی وسیاسی و لغو مجازات اعدام شدند.

در این بیانیه که بر روی سایت ایران امروز منتشر شده است می‌خوانیم که :

«در سال گذشته در ایران نیز نبرد کارگران و زحمتکشان علیه بنیادگرایی اسلامی و حاکمیت سرمایه ادامه داشت. طبقه کارگر ایران همچنان از داشتن اصلیترین حق خود، یعنی داشتن تشکلهای مستقل صنفی محروم است. جمهوری اسلامی به جـای پاســخ مثبت به درخواستهای به حق کارگران، هر مطالبه ای را با اخراج، سرکوب، زنــدان و شکنجــه پاسخ میدهد. باز هم مبارزان جنبش کارگری و فعالان سندیکایی مستقل به خاطر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران از کار اخراج شده و یا به زندان محکوم شده اند و به رغم افشای این سیاست ضدکارگری و درخواست مکرر مجامع بین المللی ده ها فعال جنبش کارگری ایران همچنان در زندان به سر میبرند.

بهره کشی از کودکان در ایران به صورت گسترده ای رواج دارد. میلیون ها کودک در ایران زیر خط فقر زندگی میکنند. درصد بالایی از این کودکان به دلیل محرومیت، مجبور به فروش نیروی کارشان می باشند. در جمهوری اسلامی قانون منع بهره کشی از کار کودکان اجرا نمی شود و بهره کشان از کار کودکان مجازات نمی شوند.

روزی نیست که در مراکز تولیدی و صنعتی کشور خبر از سوانح کار و کارگری نباشد. هرساله بیش از ۱۰۰۰ سانحه کاری در محیط های کارگری رخ می دهد. کارگران در محیط کار از کمترین امکانات ایمنی برخوردارند.

بحران جهانی، سیاست های اقتصادی ویرانگر دولت، سودجویی بی حساب سرمایه داران، تحریم های فلج کننده که نتیجه مستقیم سیاست هسته ای ماجراجویانه جمهوری اسلامی است، بیکاری را گسترش داده است. اضافه بر بیکاری، کاهش و یا نپرداختن دستمزد، کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش در گرداب فقری سیاه غرق کرده است.

امروز بیش از هر زمانی اقتصاد ایران در انحصار نظامیان قرار گرفته و سپاه پاسداران را به بزرگترین کارفرما و سرمایه دار کشور تبدیل کرده است. کارگران و زحمتکشان ایران که از ابتدای روی کارآمدن جمهوری اسلامی، برای دستمزد بیشتر، بهبود شرایط کار و به دست آوردن حقوق اجتماعی خود پیکار کرده اند، همچنان مبارزه علیه حکومت استبدادی و نهادهای بزرگ انحصاری ـ نظامی و رانتخواران فاسد حاکم بر ایران را ادامه می دهند. آنها میکوشند با اعتصاب، گردهمایی، تظاهرات اعتراضی و تحصن به حقوق خود دستیابند. آنان در این نبرد عدالت خواهانه از پشتیبانی دیگر جنبشهای اجتماعی برخوردارند، امری که زمینه ساز پیوند مبارزه آنان با جنبش گسترده دموکراتیک و ملی ایران میباشد.

خواستهای کارگران، زحمتکشان و کارکنان بخشهای تولیدی و خدماتی که در منشورهای تشکلهای مستقل کارگری تدوین شده اند عبارتند از :

مطالبات صنفی

دستمزدها
ـ پرداخت فوری دستمزدهای معوقه کارگران.
ـ افزایش فوری حداقل دستمزدها با دخالت نظر نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران.
ـ تامین امنیت شغلی برای کارگران و تمامی مزدبگیران.
ـ توقف اخراج و بیکارسازی کارگران.ـ لغو قراردادهای موقت و سفید امضا.
ـ افزایش حقوق بازنشستگی، رفع هرگونه تبعیض در پرداخت آن.
ـ بهره مندی زنان از مرخصی زایمان (دو ماه قبل و دو ماه پس از زایمان) با حقوق کامل. ـ بهره مندی بازنشستگان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی.
ـ پرداخت حقوق کارگرانی که خودسرانه بازداشت شده و یا کارشان را از دست داده اند.

تشکل
- به رسمیت شناخته شدن بیقید و شرط حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و حق اعتصاب.
ـ برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیط های کار.

اصلاح قوانین
ـ پذیرش قوانین و استانداردهای بین المللی کار در تدوین و تصوب قانون کارحدبد با دخالت مستقیم نماینده های

منتخب مجامع عمومی کارگران.
ـ اجرای قانون کار در مناطق آزاد تجاری.
ـ برخورداری تمام بیکاران از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی تا زمان اشتغال به کار.
ـ تعطیلی رسمی اول ماه مه و گنجاندن آن در تقویم رسمی کشور و لغو ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز.

مطالبات سیاسی و اجتماعی
ـ آزادی فوری و بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و لغو فوری مجازات اعدام.
ـ به رسمیت شناخته شدن بیقید و شرط حق اعتراض، تجمع، تحزب، آزادی بیان و آزادی مطبوعات.
ـ لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بیقید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی.
ـ برخورداری تمامی کودکان از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان، جدا از نوع جنسیت و وابستگیهای ملی، نژادی و مذهبی آنان و موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین شان.

ما ایرانیان برون مرزی در روز اول ماه مه، همراه و هماهنگ با جهان کار، سندیکاها، اتحادیه ها و نهادهای کارگری به پشتیبانی از مبارزات کارگران و زحمتکشان میهنمان برای رسیدن به حقوقشان برمیخیزیم. ما بر این باوریم که رسیدن کامل به این حقوق در گرو تغییرات ساختاری در جامعه ماست.

ما با شرکت گسترده در جشن جهانی روز کارگر و با طرح شعارها و خواسته های کارگران میهنمان، بر اعتبار جنبش کارگری و نقش موثر آن در تداوم، پیشرفت و تکامل جنبش دموکراسی خواهی ایران تاکید میکنیم و میکوشیم به جنبش دادخواهانه و عدالت گسترانه کارگران و ملت ایران یاری رسانیم.

ما از آزادیخواهان، نهادهای کارگری، نهادهای حقوق بشری و عدالتخواه در سراسر جهان میخواهیم که در سالـروز اول ماه مه با برگزاری کنفرانس، سمینار، گردهمایی، راه پیمایی، نوشتن نامه به سازمان ملل، جمع آوری امضا و کارهای ابتکاری دیگر نقض حقوق کارگران و سندیکاهای کارگری در ایران را محکوم کنند، خواستار لغو قوانین ضد کارگری در ایران شوند و به مبارزه برای آزادی فعالیتِ سندیکاهای کارگری در ایران یاری رسانند.

ما از همه نیروهای دمکرات و مترقی دعوت می کنیم تا در رسانـدن صدای کارگران ایران به گـوش سازمانهــای جهانــی حقوق بشر و سازمانهای بین المللی کارگری، برای فراهم نمودن شرایط زندگی بهتر کارگران و یکایک مردم ایران با حداکثر توان و نیرو تلاش کنند. ما خواهان لغو حکم اعدام در ایران و آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم."

بنیاد عرصه سوم از تمام مدافعان دموکراسی و آزادی، سازمان های مردم نهاد و فعالان مدنی و سیاسی می‌خواهد که درسالروز 11 اردی‌بهشت روز جهانی کارگر، با اطلاع رسانی درباره کنشگران زندانی مدافع کارگران، با برپایی کمپین و تجمعات علیه نقض حقوق کارگران و زندانی بودن فعالان کارگری اعتراض کنند. و هم چنین برای تصویب یک قانون کار عادلانه، پیشرو و منطبق با موازین بین‌المللی با نهادهای مدافع حقوق کارگران و حقوق بشری همکاری کنند.

—

نامه منصوراسانلو از زندان رجایی شهر به مناسبت روزکارگر

2012-05-01 · Archive ID 874
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=874

عرصه سوم - منصور اسانلو فعال کارگری زندانی و رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد تهران سال گذشته به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه روز کارگر نامه ای را در زندان نوشته بود. بنا به اهمیت این نامه و اعتراض به زندانی بودن فعالان کارگری باردیگر در روز اول ماه می این نامه را منتشر می کنیم.

متن کامل این نوشته که در اختیار خبرگزاری هرانا قرار گرفته بود،به شرح زیر است :

"با دلی خونین به استقبال اول " ماه می " میروم، نمی‌خواستم حرف بزنم و یا بنویسم، شاید از روی ترس، شاید به خاطر اشتیاقی که خانواده‌ام برای دیدن و بودن با من دارند و البته تاوان حرف زدن در زندان سنگین است، همانطور که وقتی به شرایط بد و غیر انسانی و نداری زندانیان در سال گذشته اعتراض کرده و با مسئولین زندان و دادستانی گفتگو کردم، یک سال زندان به حکم قبلی‌ام در کمال بی‌رحمی اضافه شد .

آخر من هم آدم هستم با تمام نقطه ضعف‌های انسانی، آزاد شدن و با خانواده بودن را دوست دارم، مثل همه انسان‌های با شعور و با احساس . همسر، فرزندان، مادرم و باقی افراد خانواده و فامیل می‌خواهند که هر طوری هست کاری کنم که در عین حفظ شرافتم هر چه سریعتر آزاد شوم تا به جراحی قلب بپردازم تا حادثه ای جدید برایم در زندان نیافرینند و یا دوباره به میزان حبسم اضافه نکنند، خصوصا حالا که از باقی حکمم (از هر دو حکم) فقط چیزی حدود یک سال و نیم باقی مانده است و در عین حال از بیماری قلبی و دیسک کمر و مشکلات بینایی ناشی از جراحی چشمانم به هنگام دستگیری و بعد از ضرب و شتم‌هایی که شدم، حساسیت پوستی و ریوی که دارم در رنجم .

من هم همین را دلم می‌خواهد ولی چه کنم وقتی با خیل درد و رنجهایی که دیگران می‌کشند و در جلوی چشمانم چون شمع می‌سوزند و آب می‌شوند روبه رو می‌شوم، مثل محسن دکمه چی که بیرحمانه به دار ستمگری سپرده شد و همینطور مثل علی آقا صارمی، فرزاد کمانگر، فرهاد وکیلی، مهدی اسلامیان، علی حیدریان و دیگران، و یا ده‌ها و صدها نفر دیگری که به دلیل بیکاری و فقر و نداری و کم فرهنگی و کم سوادی اسیر و دربند می‌شوند و ناخواسته به فساد و تباهی و جرم و جنایت کشیده می‌شوند، آنانی که روزی از بطن مادر بیگناه و پاک پا به این دنیای ناسازگار گذاشته‌اند .

طی چند سالی که در زندان‌ها و بندهای مختلف گذرانده‌ام چه فساد و تباهی، رنج و خشونت و جنایتی که دیده و شنیده‌ام، دامنه رنج کشیدنم و دانایی‌ام در درک ژرفای مهلک سیستمی ناهمگون بر گستره جان آدمیان گسترشی شگفت یافت، آنقدر که سکوت و سکون در برابر آن، ظلم به حقوق بشر است .

دردی عمیق و جانکاه در جانم می‌افکنند که هم چون آتش مرا هر لحظه می‌سوزاند و خاکس‌تر می‌کند و دوباره می‌سوزاند و خاکس‌تر می‌کند، گویا که در دورترین جاهای جهنم بسر می‌بریم؛ جهنمی که به قدر یک تاریخ پر ستم سیاه است ..

با سخن گفتن از آتش و دود و جهنم که در بیرون و درون وجودم در هر سو شعله می‌افکند به استقبال روزی کارگر میروم، با دیده خونبار و دلی دردمند شده از آمال و آرزوهایی که بر باد رفته است و طوفان خشم جایگزین آن شده است . دلم می‌خواست این روز اول ماه می (۱۱ اردی بهشت) به روز خشم هم میهنان و همکارانم تبدیل شود، به روز خشم همه مزد بگیران ایران،

با نگاهی به اوضاع، درد دل‌هایم را به روی این سپیدی کاغذ می‌ریزم، هر روز که می‌گذرد شرایط اقتصادی بیشتر بر ما فشار می‌آورد، تا قبل از نوروز شانه تخم مرغ را از فروشگاه زندان ۱۷۰۰ تومان می‌خریدیم، که به یکباره قیمت آن به ۵۷۰۰ تومان افزایش یافت و حالا فروشنده از قیمت ۶۰۰۰ تومان سخن می‌گوید . این نمونهٔ ست از بالا رفتن قیمت تمام اقلام خوراکی، که ما مردم مصرف می‌کنیم .

روزنامه‌هایی را که اجازه می‌دهند ما بخوانیم را ورق می‌زنیم .. (چند کلمه ناخوانا)... مجلس آقایان برای ترتیب پرداخت ۱۲ میلیارد تومانی به دولت .

متوقف شدن کار بسیاری از واحدهای تولیدی به دلیل عدم توان تنظیم کردن هزینه‌های تولید یا قیمت فروش یا ادامه کار با حدود ۳۰ یا۲۰ % توان تولید که نتیجه‌اش بیکار شدن یا کم کار شدن صدها هزار کارگر است، افزایش ناگهانی قیمت گاز و بنزین، گازوئیل و دیگر سوخت‌ها و مواد پتروشیمی که فریاد خانواده‌ها و تولید گران یا رانندگان اتوبوس، کامیون داران، صاحبان تریلر و دیگر وسائل نقلیه را در آورده است . افزایش اجاره خانه‌ها و رشد قیمت کهکشانی گاز مصرفی خانواده‌ها که توان پرداخت پول گاز اعلام شده در قبض‌ها را ندارند .

بازتاب این اخبار و فریاد اعتراض ملی به درون مجلس آقایان کشیده شد و برخی از نمایندگان مجلس توضیحات نمایندگان دولت را نپذیرفته و دست به تشکیل کمیته‌ای برای تجدید نظر در قیمت گاز زدند، قبل از آن هم اعلام کرده بودند که مردم طی سه ماه و بصورت قسطی بهای قبض‌ها را بپردازند، پس نتیجه می‌گیریم قبض بعدی هم که می‌آید تاریخ آخرین تصفیه حسابش به شش ماه بعد می‌رسد و قبض سوم به نه ماه بعد و همین طور سه ماه سه ماه پرداخت‌ها عقب می‌افتد . یعنی عملا مردم که نمی‌توانند پولی بپردازند چیزی نمی‌پردازند، چون با دستمزد کم و هزینه بالا عملا پولی ندارند که بپردازند . مشخص نیست در مقابل میلیون‌ها نفر که نمی‌توانندچنین مبلغی را بپردازند چکار می‌خواهند بکنند .

از سوی دیگر افزایش بی‌رویه قیمت ارز خارجی و طلا، چشم انداز عدم اعتماد به سرمایه گذاری در بخش‌های تولیدی و اقتصادی را نشان می‌دهد، رشد ۱ % اقتصاد در سال ۱۳۸۰ و رشد ۰ % در سال ۱۳۹۰ گویای کوران شدید اقتصادی حکومت است .

برگشت میلیون‌ها چک بانکی بیانگر عدم توانایی بسیاری از افراد در اجرای تعهدات مالی خود می‌باشد که منجر به فرو ریختن ته مانده اقتصاد بازاری - وارداتی متکی به فروش نفت است، این بساط یعنی بیکاری میلیون‌ها کارگر دیگر و سیل جدید کارگرانی که برای ارتزاق، شغل جدیدی پیدا نمی‌کنند . نتیجه‌اش اجبار به پذیرش مشاغل پست با دست مزدهای گریه آور بین ۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان ماهیانه به خصوص از سوی بسیاری از زنان سرپرست خانواده، دختران جوان و پسران جوان کارگر در مشاغل خدماتی، تولیدی کارگاههای کوچک یا متوسط خانگی است .

واردات بی‌رویه کالاهای چینی و دیگر کشورهای ظاهرا همراه سیاسی اقایان که همیشه در بزنگاه‌ها نیز ایشان را رها می‌کنند از سوی حزب موئتلفه و اتاق بازرگانی به سرپرستی آقای عسگر اولادی و شرکا به صورت قاچاق یا قانونی علاوه بر صنایع کفش و پوشاک، موبایل، مبلمان، لوازم خانگی، مرغداری، برنج و حتی میوه‌های وارداتی را در بر می‌گیرد در کنار رانت خوارهای کلان دیگری که با استفاده از اسکله‌های خصوصی و نظامی و مهره درشت‌هایی که سالهاست مردم منتظر معرفی شدن آن‌ها هستند، در ورشکستگی صنایع داخلی و حتی کشاورزی و باغ داری در تمام رشته‌ها نقش دارند، که این خیانت ملی، میلیون‌ها کارگر شهری و روستایی را بیکار کرده است و به رشد حاشیه نشینی و در نهایت به بدبختی محرومان آنجا منجر شده است .

عدم اجرای تعهدات دولتی در مورد رفع بیکاری و بیمه کردن همه بیکاران، بر باد دادن میلیاردها تومان در برنامه ایجاد مشاغل کوچک و خانگی زود بازده و در هم ریختگی روابط بازرگانی به گستردگی بیشتر بیکاری و از بین رفتن امنیت شغلی همه مزد بگیران انجامیده است، تا انجایی که افرادی که مشاغل ثابت هم داشتند از چرخه این ناامنی در امان نماده‌اند، سرکوب اعتراضات کارگری، نپرداختن دست مزدهای کارگری، اخراجهای فردی و دست جمعی مزدبگیران از محیط‌های کار، جلوگیری از تشکل یابی کارگری و دیگر مزدبگیران، زندانی و بازداشت کردن فعالان کارگری و رهبران آن، عدم اجرای قولهای که به نهادهای بین المللی کار همچون سندیکای (ILO) و دیگر نهادهای حقوق بشری در جهت رعایت حقوق اتحادیه‌ای سندیکایی و آزادی نمایندگان کارگران و معلمان و روزنامه نگاران و دیگران داده بودند از دیگر مصداق‌های عدم اجرای قانون کار، عدم اجرای تعهدات بین المللی در چهارچوب مساوات و کنوانسیونهای سازمان جهانی کار (ILO) است .

در زمینه اجتماعی با رشد فزاینده فساد، حوادث تلخ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، گسترش انواع جرم و جنایت‌ها، بیماریهای روانی، افسردگی و از دست رفتن ارمانهای والای انسانی و دیگر دوستی‌ها و جمع اندیشی‌ها روبرو هستیم . فحشا و اعتیاد بیداد می‌کند، اینجا از بام تا شام صدها نمونه از انسانهای مستحق شده به دلیل سوء مدیریت حاکمان را می‌بینیم که خانواده‌هایشان فرو پاشیده یا در حال فروپاشی است . این قربانیان نظام ناعادلانه ناخواسته به محاق تیره سودجویی و به بی‌باوری به بنیادهای انسانی همچون رحم و شفقت و انسان دوستی در غلطیده‌اند و چون از مدیران اجتماع هیچ حمایت و دلسوزی ندیده‌اند به شقاوت رسیده‌اند . اکثر آن‌ها کارگران بیکار شده یا جوانان هرگز کار نیافته یا مزدبگیرانی که دستمزد آن‌ها کفاف هزینه‌های معمولی زندگی آنان را نداده است می‌باشند .
بارها و بارها پای صحبت آن‌ها نشسته‌ام، آن‌ها ناامید، بیکار، بی‌هدف و بی‌آینده رها شده‌اند . حالا در استانه اول ماه می، روز جهانی کارگر چه دارم که بگویم جز بیان همین دردهای که می‌بینیم و توکل به تشکل یابی کارگران

شاغل و پیدا کردن راه اتحاد آن‌ها و کارگران بیکار و خانواده‌هایشان با سایر طبقات اجتماعی در اعتراض به وضعیت موجود و برپایی اعتصابات و تحریم‌ها و حاضر شدن در اعتراضاتی که در پیش رو است .

در شرایطی به استقبال اول ماه می میرویم که دیکتاتوری و استبداد حاکم با روشهای فاشیستی مانع هرگونه حرکات اعتراضی شده‌اند و عملا به مردم می‌گویند از فقر و گرسنگی سختی بمیرید و صدایتان هم در نیاید .

تمامی آزادیهای بیان شده در قانون اساسی و حقوق بین الملل و کنوانسیونهای جهانی را زیر پا گذاشته‌اند و مانع آزادی بیان و رسانه‌ای و تشکل یابی مستقل کارگران، کارمندان، پرستاران، پزشکان، معلمان، هنرمندان، اساتید دانشگاه‌ها، و دانشجویان و حتی صنوف صنعتی و خدماتی و کشاورزی می‌شوند . عملا امکانات تصمیم گیری در مشت تعداد محدودی از کارگزاران قرار گرفته است که حتی تصمیمات و آرای مدیران دولتی، قضایی و مقننه را نیز نقص می‌کنند و به جای همه تصمیم می‌گیرند . هم اکنون نیز بر علیه احمدی‌نژاد و مشایی موضع می‌گیرند و آن‌ها را فتنه تیره و سیاهی می‌دانند که بزرگ‌ترین فتنه در طول ۳۰ سال گذشته بوده است !.

روشن است در شرایط حاضر ما مزد بگیران و بیکاران که به جز نیروی کار و استعداد خود چیزی برای عرضه کردن و در جهت تامین مایحتاج گذران عمر خود و خانواده‌هایمان نداریم و سازندگان واقعی جامعه هستیم چیزی از دعوای اقایان در داخل حکومت گیرمان نمی‌اید، آیا یارانه‌هایی که این چند ماه به ما داده‌اند در مقابل این گرانی وحشتناک توانست کاری برای ما بکند؟ راستی هنوز قبض‌های آب و برق و تلفن نیامده است، بعید نیست طوری بشود که نان خالی هم دست ما نرسد . تا به انجا نرسیده با سایر اقشار گرفتار و ناراضی جامعه باید به هم پیوندیم و در جهت رسیدن به آرزوها و نیازهای خود تلاش کنیم . بدون باور به خود و بدون شجاعت، بدون کوشش برای کسب آگاهی و بدون همراهی عملی به جایی نمی‌رسیم و در همین وضع نابسامان فعلی و بدتر از آن دست و پا خواهیم زد .

آینده فرزندانمان چه می‌شود هر روز بلای تازه‌ای بر سرمان خواهد آمد برای تامین زندگی خود و خانواده‌هایمان برای بهره برداری از شادیهای زندگیمان باید که بجنبیم، برای داشتن یک جامعه متعادل اجتماعی و بهره‌مندی مردم از حداقل‌های انسانی و طبیعی، چاره‌ای نداریم به جز اینکه تکاپویی کنیم و دستهای دیگر را بیابیم و کار نیمه کاره را تمام کنیم .

همراه شو عزیز / همراه شو رفیق / تنها نمان به درد / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود / دشوار زندگی هرگز برای ما /. بی‌رزم مشترک / آسان نمی‌شود / همراه شو، همراه شو، همراه شو رفیق

اول ماه مه روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) در همه جا، با همگان، در کوی و خیابان، در پارک‌ها، در سر هر میدان، در کارخانه‌ها، متروها، اتوبوس‌ها، تاکسی‌ها، از خودمان یادی کنیم، کاری کنیم کارستان ."

منصور اسانلو
هشتم اردی بهشت ۹۰ – سالن ۱۲ بند ۴ زندان رجایی شهر کرج

—

کارگران ایران وحداقل‌های حقوق انسانی

2012-05-02 · Archive ID 877
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=877

رضا حاجی‌حسینی

کارگران را شاید بتوان اولین گروه تاثیر پذیر از بی‌ثباتی اقتصادی در یک کشور دانست . آن‌ها که رنج بیش‌تری می‌برند، اغلب دستمزد کم‌تری می‌گیرند و با مشکلات اساسی‌تری هم دست و پنجه نرم می‌کنند؛ مشکلاتی که اغلب بر آمده از فقر و تنگ‌دستی هستند . در ایران اما بحران اقتصادی، تورم و توقف روزافزون فعالیت واحدهای صنعتی و کارگاه‌ها، در کنار تحریم‌های گسترش یافته در ماه‌های اخیر، بر مشکلات پیشین افزوده است و حقوق انسانی و صنفی کارگران را با تهدید جدی مواجه کرده است .

به‌طور معمول،روزی نیست که خبر توقف فعالیت واحدی صنعتی یا پرداخت نشدن حقوق کارگران در رسانه‌ها منتشر نشود . خبرهایی که احتمالا حجم واقعی‌شان بیش‌تر از چیزی است که منتشر می‌شود . " کاوه مشرقی " در گزارشی که در " ندای سبز آزادی " منتشر شده است، با اشاره به موارد ذکر شده در این‌باره می‌نویسد : " کارگرانی که بی‌صدا قربانی می‌شوند، بسیار بیش‌تر از آن‌هایی هستند که فرصتی برای اعتراض و انعکاس مطالبات خود می‌یابند ."

در آستانه اول ماه می (دوازدهم اردیبهشت) ، روز جهانی کارگر، صدای اعتراض‌ها به وضعیت کارگران در ایران بلندتر شده است و گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های مختلف کارگری، صنفی و حقوق بشری، نسبت به وضعیت معیشتی و حقوق صنفی کارگران هشدار می‌دهند . باید دید که آیا این هشدارها تاثیری بر تحقق خواسته‌های کارگران ایرانی خواهد داشت؟ تحقق خواسته‌هایی که البته در نبود سندیکاهای آزاد کارگری، آرزوهایی دور به نظر می‌رسند .

بر اساس آمارهای رسمی، سال گذشته ۱۰۰هزار کارگر از بیش از یک هزار واحد تولیدی در ایران اخراج شده‌اند. به گفته "علی‌رضا محجوب"، دبیر کل خانه کارگر و عضو فراکسیون اقلیت مجلس شورای اسلامی، ریشه مشکلات جامعه کارگری کشور در کم‌توجهی به تولیدات ملی است و مهم‌ترین خواسته کارگران از دولت در سال جاری، خاتمه دادن هجمه به تولیدات ملی کشور با افزایش واردات است. وارداتی که باعث شده چرخ بسیاری از واحدهای تولیدی در داخل ایران از حرکت بایستد.

توقف تولید و حقوقی که نیست

بسیاری از کارگران مشغول کار در واحدهای مختلف تولیدی و صنعتی در سراسر کشور، ماه‌هاست حقوق خود را دریافت نکرده‌اند اما هیچ مرجعی به وضعیت آنان رسیدگی نمی‌کند و صدای اعتراض‌شان به گوش کسی نمی‌رسد. به گزارش خبرگزاری "هرانا"، کارگران نساجی مازندران ۱۸ ماه حقوق طلبکارند. کارگران لوله‌سازی خوزستان ۲۵ ماه است حقوق نگرفته‌اند و چندین کارخانه بزرگ دیگر هم پس از خصوصی‌سازی، وضعیت مشابهی را برای کارگران‌شان به‌وجود آورده‌اند.

اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز باعث به‌وجود آمدن فشارهای مضاعفی بر کارگران شده است. با اجرای این قانون، بسیاری از کارگاه‌های تولیدی کوچک، ناچار به کاهش تولید خود شده‌اند و به این ترتیب عده زیادی از کارگران، شغل‌شان را از دست داده‌اند. این در حالی‌ست که دولت "محمود احمدی‌نژاد" وعده داده بود که دو میلیون و ۵۰۰ هزار فرصت شغلی جدید در ایران ایجاد کند.

"ابوالفضل فتح‌اللهی"، عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری ایران، در گزارشی که در "ایلنا(خبرگزاری کار ایران)" منتشر شده است، با اشاره به این موضوع گفته است: "سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت در سال گذشته نه تنها منجر به ایجاد اشتغال نشد، بلکه نرخ بیکاری را نیز افزایش داد."

فتح‌اللهی هم‌چنین با اشاره به آمار وزارت کار که در آن افرادی که یک هفته در ماه کار کنند شاغل محسوب می‌شوند، آن را متناقض با شرایط بحرانی واحدهای تولیدی ارزیابی می‌کند.

این فعال کارگری معتقد است که سیاست‌های اقتصادی دولت باعث شده واحدهای تولیدی استان قزوین که یکی از بزرگ‌ترین استان‌های صنعتی کشور است، در آستانه تعطیلی قرار بگیرد.

بر اساس همین شواهد و قرائن است که دبیرکل خانه کارگر به نمایندگی از کارگران از دولت خواسته است که ۲۸ هزار تومان درآمد فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها را دوباره به خزانه برگرداند و مردم را از اجرای فاز دوم این قانون معاف کند.

محجوب در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر ضرورت افزایش امنیت شغلی کارگران گفته است که "در مورد ساماندهی قراردادهای موقت کار نتوانستیم رای لازم را برای مصوبه ساماندهی قراردادهای موقت کار کسب کنیم اما هم‌چنان تلاش‌ها در این زمینه ادامه دارد."

سرمایه‌داران و کارفرمایان ایرانی، مانند بسیاری از نظام‌های دیگر، کاهش هزینه تولید را هدف اصلی خود می‌دانند و در این راه نیروی کار ارزان، یکی از راه‌های پایین آوردن هزینه تولید است. از طرفی در مراکز تولیدی و صنعتی کشور، اغلب خبر از سوانح کار و کارگری به گوش می‌رسد. بر اساس آمارهای رسمی، هر سال بیش از هزار سانحه کاری در محیط‌های کارگری اتفاق می‌افتد و کارگران در محیط کار، در راستای پایین نگاه داشتن هزینه‌های تولید، معمولا از کم‌ترین امکانات ایمنی برخوردارند. به این ترتیب مشکل بیمه و خدمات درمانی هم به مشکلات کارگران افزوده می‌شود. بیمه‌ای که بسیاری از کارگران از آن محرومند و در صورت وقوع حادثه‌ای ناگوار برای آنان در هنگام کار، نهادی برای حمایت وجود ندارد و هزینه‌های بالای دارو و درمان نیز بر دیگر مشکلات‌شان اضافه می‌شود.

اعتراض حق ماست

چند روز مانده به روز کارگر امسال، دبیر کل خانه کارگر در سخنانی که در خبرگزاری‌های داخل ایران از جمله "ایلنا" منتشر شده است، روز ۱۱ اردیبهشت را روز تعطیل رسمی کارگران اعلام کرده و گفته است که اگر کارفرمایان با تعطیلی در این روز موافقت نکنند، تشکل‌های کارگری وابسته می‌توانند شکایت کنند.

او هم‌چنین خواستار ارائه مجوز راهپیمایی در روز جهانی کارگر شده است و گفته که"در صورت عدم ارائه مجوز از وزارت کشور، درخواست مجدد مجوز راهپیمایی خواهیم کرد."

این در حالی‌ست که کارگران در ایران هم‌چنان از داشتن اصلی‌ترین حق خود، یعنی تشکل‌های مستقل صنفی محروم‌اند و حاکمیت به جـای پاســخ به درخواست‌های کارگران، معمولا مطالبات آنان را با اخراج، سرکوب و زنــدان پاسخ می‌دهد. در سال گذشته باز هم فعالان جنبش کارگری و فعالان مستقل به خاطر دفاع از منافع کارگران در ایران از کار اخراج یا به زندان محکوم شده‌اند و با وجود درخواست‌های مکرر مجامع بین‌المللی، شماری از فعالان جنبش کارگری هم‌چنان در زندان به سر می‌برند. از میان این فعالان به عنوان نمونه می‌توان به "رضا شهابی"، عضو سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد اشاره کرد که به تازگی به تحمل شش سال زندان محکوم شده است.

اما در کنار همه این دشواری‌ها و مشکلات، چند تشکل‌های مستقل کارگری، تلاش کرده‌اند تا دوسال پیش درسالروز انقلاب بهمن خواست‌های کارگران و کارکنان بخش‌های تولیدی و خدماتی را مدون کنند و آن را در یک منشور ارائه دهند. این خواسته‌ها شامل مطالبات صنفی، اصلاح قوانین و مطالبات اجتماعی و سیاسی می‌شود.

اصلی‌ترین مطالبه صنفی کارگران در شرایط فعلی را باید پرداخت فوری دستمزدهای معوقه دانست. مساله‌ای که برای بسیاری از کارگران مشکلات جدی معیشتی ایجاد کرده است. گرچه تلاش‌های زیادی برای احقاق این حقوق می‌شود اما آن‌ها هم‌چنان دست‌خالی مانده‌اند. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد که با توجه به تورم و افزایش قیمت‌ها و هزینه‌ها لازم است که حداقل دستمزد کارگران افزایش پیدا کند. ضمن این‌که تامین امنیت شغلی، توقف اخراج و بیکارسازی و لغو قراردادهای موقت و سفید امضا که از اصلی‌ترین خواسته‌های فعالان کارگری هستند، باید مورد توجه مسئولان قرار بگیرند. افزایش حقوق بازنشستگی و رفع هر نوع تبعیض در پرداخت آن، بهره‌مند شدن زنان از مرخصی زایمان (دو ماه قبل و دو ماه پس از زایمان) با حقوق کامل، بهره‌مندی بازنشستگان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی، پرداخت حقوق کارگرانی که خودسرانه بازداشت شده یا کارشان را از دست داده‌اند و ... از دیگر مطالبات صنفی کارگران هستند.

درحوزه اصلاح قوانین هم پذیرش قوانین و استانداردهای بین‌المللی کار در تدوین و تصویب قانون کار جدید، مورد توجه و حمایت فعالان مدنی است. اجرای قانون کار در مناطق آزاد تجاری، بهره‌مندی تمام بیکاران از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی تا زمان اشتغال به کار و تعطیلی رسمی اول ماه می، گنجاندن آن در تقویم رسمی کشور، لغو ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم در این روز از دیگر موارد مطرح شده در این منشور است.

مطالبات سیاسی و اجتماعی کارگران نیز درباره آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی و لغو فوری مجازات اعدام است. به رسمیت شناخته شدن حق اعتراض، تجمع، تحزب، آزادی بیان و آزادی مطبوعات، لغو کلیه قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی‌قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های

زندگی خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و برخورداری تمامی کودکان از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان، جدا از نوع جنسیت و وابستگی‌های ملی، نژادی و مذهبی آنان و موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین‌شان، از نگاه فعالان کارگری دور نمانده است.

همراهی با کارگران در روز کارگر و طرح شعارها و خواسته‌های آنان، می‌تواند نقشی موثر در پیشرفت و تکامل دموکراسی‌خواهی در ایران داشته باشد و زمینه را برای رسیدن کارگران به حقوق مشروع‌شان فراهم کند. حقوقی که همین مقدار ناچیز از آن هم از راه فعالیت‌های مدنی به دست آمده است.

در بند سه ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کسی که کار می‌کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت‌بخشی دریافت کند که زندگی او و خانواده‌اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.»

آیا کارگران ایرانی از این حق برخوردار می‌شوند؟

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است . نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است . نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست .

—

جای دانشجو دردانشگاه است نه پشت میله های زندان

2012-05-03 · Archive ID 880
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=880

عرصه سوم – جای دانشجو در دانشگاه است نه در پشت میله های زندان، دانشجویان زندانی تنها به خاطر دموکراسی خواهی محبوس و از حق تحصیل محرومند . چه کسی پاسخ‌گوی این مظالم است . مجید توکلی دانشجویی زندانی حتی از ارتباط تلفنی با مادرش محروم و ماههاست که مادر پیرش را ندیده است. صدای دانشجویان دربند ما را به گوش همه جهانیان برسانید. جوانان دربند ما درد مشترک همه ملت ایران هستند . درد مشترک خود را فریاد کنید .

جملات بالا بخشی از پیام ویدیویی شیرین عبادی مدافع برجسته حقوق بشر برای آزادی دانشجویان زندانی است . خانم عبادی درپیام خود از تمام وجدان های بیدار درجهان می‌خواهد تا صدای فرزندان زندانی ملت ایران را به گوش جهانیان برسانند .

به درخواست اتحادیه دانشجویان دفتر تحکیم وحدت، سازمان دانش آموختگان و با همت شیرین عبادی رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و برنده نوبل صلح و به یاری جمعی از سازمان های بین‌المللی مدافع حقوق بشر، کمپین جدیدی را برای دفاع از دانشجویان زندانی درایران به نام : « صدای دانشجویان در بند باشیم » به راه افتاده است . تا برای آزادی دانشجویان زندانی و دیگر دانشجویان محروم از تحصیل اقدام و مبارزه کنند .

کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران در روزچهارشنبه دوم ماه می با پخش ویدیویی به نام : آینده سازان ایران پشت میله های زندان » از جامعه بین‌المللی مدافع حقوق بشر وهمه آزادی خواهان ایرانی می‌خواهد که با ارسال نامه به مقامات حکومت اسلامی برای برای توقف سرکوب جنبش دانشجویی و آزادی دانشجویان زندانی از این کمپین حمایت و برای رهایی جوانان در بند اقدام کنند .

هم اکنون حداقل ۲۹ دانشجو در زندانهای ایران هستند . تعداد زیادی از دانشجویان هم در انتظار اجرای حکم هستند یا با قید وثیقه آزاد شده اند . اسامی دانشجویانی که هم اکنون در زندان هستند به ترتیب حروف الفبا عبارتند از : محمد احدی، حسن اسدی زیدآبادی، حامد امیدی، مجید توکلی، سعید جلالی فر، علی جمالی، مهدی خدایی، بابک داشاب، مجید دری، حامد روحی نژاد، روح الله روزی طلب، حسین رونقی ملکی، شاهین زینعلی، روزبه سعادتی، افشین شهبازی، فرشته شیرازی، ایقان شهیدی، آرش صادقی، ابوالفضل طبرزدی، جواد

علیخانی، مهرداد کرمی، مهدیه گلرو، حبیب الله لطیفی، علی اکبر محمدزاده، شبنم مددزاده، علی ملیحی، ضیا نبوی، عاطفه نبوی و بهاره هدایت.

سایت ایران امروز با انتشار اعلامیه کمپین دراین باره می نویسد :

" (۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱) کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، امروز با پخش یک ویدیو، « آینده سازان ایران پشت میله‌های زندان » ، و تقاضا از جامعه بین‌المللی برای ارسال نامه به مقامات حکومت ایران برای درخواست آزادی دانشجویان در بند خواستار توجه نسبت به سرکوب تشدید یافته در دانشگاههای ایران شد . این ویدیو همگام با کمپین سراسری "صدای دانشجویان دربند باشیم" که توسط دفتر تحکیم وحدت و سازمان دانش آموختگان ایران آغاز ومورد حمایت خانم شیرین عبادی و سازمانهای حقوق بشری بین المللی قرار گرفته است می باشد .

ویدیوی « آینده سازان ایران پشت میله های زندان » بیانگر سرکوب شدیدی است که دانشجویان ایرانی برای فعالیتهایشان در دانشگاه با آن روبرو بوده اند . دانشجویان نه تنها با محرومیت از تحصیل و اخراج از دانشگاه روبرو هستند، بلکه با محاکمه و محکومیت به حبس طولانی و احتمال آزار و اذیت در زندان نیز روبرو هستند .

این ویدیو وضعیت ۳۰ دانشجویی را که در حال حاضر در زندان هستند برجسته می‌سازد . این دانشجویان زندانی، از جمله ضیاء نبوی، بهاره هدایت، و مجید توکلی همگی فقط به دلیل بیان عقایدشان و شرکت درانجمنهای دانشجویی به احکام حبس طولانی محکوم شده اند .
کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران قویا از مقامات ایرانی میخواهد تا دانشجویان زندانی عقیدتی را آزاد کند و نقض حقوق دانشجویان ایرانی نسبت به تحصیل، ابراز عقیده، تشکلها و تجمعات را محکوم میکند ."

بنیاد عرصه سوم از تمام آزادی خواهان و فعالان اجتماعی در ایران می‌خواهد که با پشتیبانی قاطع خود از کمپین «صدای دانشجویان در بند باشیم» با اطلاع رسانی و همکاری مستمر با این کمپین زمینه‌ساز آزادی دانشجویان زندانی و دانشجویان محروم از تحصیل شده و نسبت به احقاق حقوق آنان دادخواهی کنند .

—

تحریم‌ها و بحران سلامتی درایران

2012-05-07 · Archive ID 882
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=882

نعیمه دوستدار
این روزها اخباری که در حوزه سلامت و درمان ایران منتشر می‌شوند، همه ناامیدکننده‌اند؛ از یک سو قیمت‌ها روز به روز بالا می‌روند و از سوی دیگر کیفیت خدمات پزشکی و درمانی روز به روز پایین‌تر می‌آید. اثرات سخت تحریم‌های جهانی چنان در لایه‌های مختلف اجتماع نفوذ کرده که حالا حتی مسئولان ایرانی هم چاره‌ای جز اعتراف ندارند. فاز دوم طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در حالی قرار است اجرا شود که مرضیه وحید دستجردی، وزیر بهداشت ایران، در مراسم هفتادمین اجلاس روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی، با اشاره به وضعیت خاص بودجه سال 1391 گفته است: "به احتمال زیاد، سال 91 با توجه به تحریم‌های کنونی، سال سختی برای حوزه سلامت باشد و در این زمینه باید سه شیفت کار کنیم. ما باید با صرفه‌جویی در بودجه‌ها حتی برخی بودجه‌ها را نیز برای سال‌های آینده ذخیره‌سازی کنیم و در زمینه مشکلات مراقبت‌های پزشکی و تامین دارو برای مردم فعالیت کنیم تا مردم دچار مشکل نشوند."
هر چند دولت در تریبون‌های عمومی مدام تاکید می‌کند که تحریم‌ها اثری بر ایران نداشته‌اند، اما سخنان جدید وزیر بهداشت ایران در کنار گفته‌های حسن امامی رضوی، معاون درمان وزارت بهداشت در گفت‌وگو با روزنامه شرق که تاکید می‌کند اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها تبعاتی برای نظام سلامت کشور دارد، نشان می‌دهد نگرانی‌های این وزارت‌خانه از شرایط تحریم در کنار اجرای هدف‌مندی یارانه‌ها جدی است.

گرانی دارو

اگرچه مجلس ایران دارو را از دامنه طرح هدفمندی یارانه‌ها خارج کرده و دولت همچنان مکلف به ادامه حمایت و ارائه یارانه دارو است و سالانه به ۱۲۵ قلم دارو و شیر خشک یارانه داده می‌شود و هرچند دارو از دامنه شمول تحریم‌ها نیز خارج است، اما بازار داروی ایران مانند بخش‌های دیگر مربوط به سلامت زیر فشار تحریم‌ها و طرح هدفمندی یارانه‌هاست.

از یک سو افزایش قیمت انرژی مصرفی، هزینه تولید و قیمت تمام شده محصولات را بالا برده و از سوی دیگر، افزایش هزینه‌ها، امکان تولید دارو در کشور را گرفته و زمینه پژوهش و توسعه در این عرصه را از بین برده است. بیماران ایران در مقابل افزایش قیمت چاره‌ای جز پذیرش یا قطع درمان ندارند و با این منوال، بازار قاچاق دارو گرم است. تحریم‌ها باعث شده‌اند که واردکنندگان در پرداخت هزینه‌های خرید مواد اولیه دچار مشکل شوند و همه این‌ها باعث افزایش قیمت نهایی کالای تولید شده می‌شود.

افزایش ناگهانی قیمت دلار در ماه‌های پایانی سال گذشته، باعث شده قیمت مواد اولیه باز هم بالاتر برود. با توجه به این‌که 65درصد مواد اولیه در تولید دارو از خارج وارد می‌شود، بالا رفتن قیمت دلار،درکنار مشکلاتی که برای گشایش اعتبار و انتقال ارز وجود دارد، باعث شده که تولیدکنندگان به بازارهای چین و هند رو بیاورند که پیش‌بینی می‌شود افزایش قیمت تمام شده دارو در سال جدید تا 4 برابر برسد.

وقتی پلاک چینی ارزان‌تر باشد

محمد صاحب‌الزمانی، دبیر شورای عالی نظام پزشکی ایران در مراسم افتتاحیه کنگره بین‌المللی ارتقای خدمات آزمایشگاهی دراردیبهشت امسال ماجرایی را تعریف کرد که نشان از بروز فاجعه‌ای رو به گسترش در وضعیت درمانی ایران دارد. به گفته او، چندی پیش یک پلاک به پای بیماری نصب کردند که بعد از دو روز شکست و مشخص شد جنس بی‌کیفیت چینی بوده که از بازار آزاد تهیه شده است.

افزایش کالاهای بی‌کیفیت پزشکی در بیمارستان‌ها نکته‌ای فراگیر است که این روزها از زبان مسئولان حوزه بهداشت و درمان ایران، بیماران و مردم عادی بر آن تاکید می‌شود. به گفته صاحب‌الزمانی، بر اثر تحریم‌ها و بحران‌های ارزی، هزینه تجهیزات آزمایشگاهی 65 درصد بالاتر رفته است و تأمین قطعات آزمایشگاهی که اکثرا وارداتی است 50 درصد افزایش یافته است و از شب عید، تجهیزات آزمایشگاهی و پزشکی در دسترس نیست و اگر موجود باشد یا دسته دوم است یا از هند و کشورهای سطح پایین می‌رسد. او همچنین گفته است: "اگر فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها اجرا شود، امسال سال بدی در حوزه سلامت خواهد بود و مبلغ زیادی از درآمد دولت از محل هدفمندی یارانه‌ها باید به حساب نظام سلامت برود. تغذیه مردم نیز با مشکل مواجه می‌شود و با این تورم حتی خرید شیر و لبنیات هم ممکن نیست."

تحریم‌های فزاینده، در کنار حضور گسترده دلالان و بی‌برنامگی مسئولان باعث شده که نظام سلامت ایران دچار نابسامانی غیر قابل انتظاری شود. در حالی که درآمد آزمایشگاه‌ها از طریق تعرفه‌هایی تامین می‌شود که از صندوق نقدینگی یا سازمان‌های بیمه‌گر دریافت می‌کنند، رشد هزینه کارکنان، مواد مصرفی، تجهیزات و انرژی در آزمایشگاه‌های ایران 180 درصد است و این مساله باعث شده که در ماه‌های اخیر 100 آزمایشگاه تعطیل شوند.

از سوی دیگر، طبق اعلام مسئولان، بیمارستان‌های دولتی هزار و 400 میلیارد تومان از بیمه‌ها طلبکارند و وزارت بهداشت با هزار و 800 میلیارد تومان کسری بودجه سال را شروع کرده و بیمه‌های تجاری 10 درصد سهم وزارت بهداشت را به حساب واریز نمی‌کنند. تمام این‌ها به معنای وارد آمدن فشار بیشتر بر نظام درمان ایران و سنگین‌تر شدن بار هزینه‌های درمانی بر دوش مردم است که این روزها با دغدغه گران‌تر شدن تعرفه‌های درمانی هم دست و پنجه نرم می‌کنند.

جان مردم دردست تجهیزات دست دوم

بر اساس تبصره 2 ماده 14 قانون مقررات امور دارویی و پزشکی، ساخت یا ورود هر نوع مواد و ملزومات تجهیزات پزشکی و دندانپزشکی و مواد اولیه باید با اجازه وزارت بهداشت صورت گیرد و ترخیص اقلام مذکور از گمرک نیز باید با تایید وزارت بهداشت باشد. سلامت نیوز، سایت خبرسانی بهداشت و سلامت گزارش کرده که بنابر اعلام مسئولان وزارت بهداشت، در حال حاضر بیش از 450 شرکت داخلی تولیدکننده تجهیزات پزشکی، بیش از550 وسیله پزشکی تولید می‌کنند و بر اساس قانون تمام این شرکت‌ها ملزم به استفاده از ناظران فنی شده‌اند تا مراحل تولید، توزیع، ورود و مصرف این تجهیزات بر اساس استانداردهای روز دنیا تحت نظارت این ناظران فنی صورت گیرد.

بر اساس ضوابط وزارت بهداشت در تجهیزات پزشکی ایران، هیچ وسیله پزشکی نباید بدون حضور فرد متخصص در مهندسی پزشکی تولید شود و مراحل مختلف ساخت تجهیزات پزشکی باید مورد تایید متخصصان مهندسی پزشکی باشد. با این حال، بازار لوازم و تجهیزات پرشکی ایران در تسخیر کالاهای چینی و هندی است که با توجه به هزینه‌های بالای تولید در ایران به مراتب ارزان‌تر درمی‌آیند، در حالی که نظارتی بر استاندارد آن‌ها وجود ندارد. اکنون، ست‌های دندانپزشکی و آزمایشگاهی و لوازم مصرفی پزشکی که با جان بیماران سر و کار دارند، از انواع درجه چندم چینی و هندی تهیه می‌شوند.
گستردگی توزیع این نوع تجهیزات به حدی است که حسین حسنی بافرانی، یکی از اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ایران، این کالاها را یکی از علت‌های بروز خطاهای پزشکی در کشور دانسته که به دلیل تحریم‌ها، اجبار و سودجویی دلال‌ها وارد می‌شوند. این نماینده مجلس ایران همچنین اعلام کرده که دلالان، محصولاتی مانند دستگاه‌های سی.تی‌اسکن و ام.آر.آی دست دوم را که در کشورهای اروپایی و آسیایی کنار گذاشته شده‌اند، به عنوان تجهیزات طراز اول به داخل کشور وارد می‌کنند و این محصولات اغلب به بیمارستان‌های دولتی و گاهی به بیمارستان‌های خصوصی فروخته می‌شود.
مجموعه این شرایط، اوضاع سلامت و درمان در ایران را در محدوده خطر قرار می‌دهد و نگرانی‌ها را از اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران بیشتر می‌کند، آن هم در حالی‌که با فقدان نظام جامع تامین اجتماعی، بسیاری از مردم از پس هزینه‌ها بر نمی‌آیند و عطای سلامت و درمان را به لقایش می‌بخشند.

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

اردیبهشت، ماه اوج گیری نافرمانی مدنی

2012-05-10 · Archive ID 885
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=885

عرصه سوم - اردیبهشت امسال را باید ماه اوج گیری اعتراض، اعتصاب و نافرمانی مدنی نامید . تنها با نگاهی سریع بر سر خط خبرهای رسانه‌های اینترنتی مدافع حقوق بشر مکرراً اخبار مشابه ای را در زمینه واکنش‌های معترضانه مردم و نهادها، یا گردهمایی های اعتراضی کارگران اخراجی یا بیکار شده، هم موارد متعدد و جدید نقض حقوق بشر درایران را می خوانیم . مسائلی که در روزهای اخیر گزارش‌های مفصلی را به خود اختصاص داده اند . دومین ماه بهار سال نود و یک شمسی را باید ماه تشدید اعتراضات مدنی و هم اعتصابات صنفی نامید . ماه ایجاد کمپین های جدید و ارسال نامه‌های متعدد به مقامات ایرانی و بین‌المللی برای اعتراض به محبوس بودن مدافعان حقوق بشر،دانشجویان آزادی خواه و کنشگران مدنی به خاطر فعالیت‌های صلح آمیز در راستای ایجاد جامعه دموکراتیک و فاقد تبعیض درایران . و هم چنین اعتراض به وضعیت نشر، سینما و یا اخراج کارگران، تعطیلی واحد های تولیدی و افزایش درصد بیکاران .

نامه‌های اعتراضی

در روزهای گذشته دو نامه سرگشاده با چند صد امضا برای اعتراض به بازداشت مجدد نرگس محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر درایران منتشر شد . د ر نامه اول جمعی از کنشگران حوزه زنان، مدافعان حقوق بشر، فعالان اجتماعی و سیاسی با اعتراض به زندانی شدن نرگس محمدی از مقامات جمهوری اسلامی خواسته اند تا او را که درحال حاضر به شدت بیمار و در زندان به فلج عصبی مبتلا شده، آزاد کنند . نرگس محمدی هم مانند نسرین ستوده حقوق دان هم بندش مادر دو فرزند خردسال است که به دلیل زندانی بودن این مادران از حق طبیعی داشتن زندگی خانوادگی محروم شده اند . در نامه دوم که جمعی از شخصیت‌ها و فعالان اجتماعی و سیاسی خطاب به احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل درمورد نقض حقوق بشر در ایران نوشته‌اند، امضا گنندگان خواهان رسیدگی فوری به وضعیت نرگس محمدی و آزادی این فعال مدنی شده اند .

بازار داغ نامه نگاری های اعتراضی درایران به مسئولین دولتی هم چنان ادامه دارد . نامه‌هایی که اغلب بی جواب می‌مانده و یا مورد رسیدگی قرار نمی گیرند . اما بدون شک اسناد معتبری برای اثبات میزان بالای

نارضایتی عمومی دربخش ها و حوزه های مختلف اجتماعی اند . برای مثال می‌توان به نامه اخیر جمعی از نویسندگان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد که از او خواسته بودند تا امکان شرکت نشر چشمه و نشر ثالث را در 25 نمایشگاه بین المللی کتاب در ایران فراهم کند. دراین نامه که به امضای 163 نویسنده و مترجم رسیده است، امضا کنندگان خواهان رفع محدودیت‌ها درزمینه نشر و حمایت از ناشران شده اند . درشرایطی که بازار فروش کتاب درایران دچار رکود بی سابقه بوده و تیراژ کتاب‌ها به پایین‌ترین حد خود در سال‌های اخیر رسیده، از اسفند سال گذشته تا کنون کارشناسان وزارت ارشاد بدون هیچ دلیلی از دادن مجوز به نشر ثالث که درزمینه چاپ کتاب‌ها دررشته علوم انسانی، روانشناسی و هنر فعال است خوداری کرده اند .

بیانیه تند جامعه صنفی تهیه‌کنندگان

جامعه صنفی تهیه‌کنندگان هم با اعتراض به محدودیت نمایش فیلم‌ها در سینماهای متعلق به حوزه هنری از جمله گروه های معترض در این ماه بود . در بخشی از این بیانیه می‌خوانیم که :

« تهیه کنندگان فیلم با انتشار بیانیه‌ای تند و تیز به تصمیم حوزه هنر مبنی بر عدم نمایش برخی از تولیدات سینمای ایران در سینماهای تحت اختیار این سازمان اعتراض کرد . در این نامه که با واکنش برخی از مسئولان و سینماگران روبرو شده است، مدیریت حوزه هنری به غرض‌ورزی سیاسی در این تصمیم‌گیری متهم شده است و از نحوه مدیریت این سازمان انتقادهای تندی مطرح شده است . در بخشی از این نامه در انتقاد به ضعف مدیریت حوزه هنری، به سینماهای تحت نظر حوزه هنری اشاره شده است که در سال‌های گذشته تعدادی از آن‌ها تعطیل شده اند . به نظرامضا کنندگان این نامه این سینماها یا « تبدیل به انبار علوفه و مأمن حیوانات موذی شده » و یا در آنجا « اراجیفی به نام تئاتر روحوضی اجرا می‌شود که صد رحمت به فیلم‌های پورنو !»

نویسندگان نامه با بیان اینکه که متأسفانه : « افسوس که در جمهوری اسلامی رایج نیست که در پایان کار یک مدیر کارنامه کاری‌اش توسط نهادی مطمئن بررسی شود و تشویقی و تنبیهی » ، خطاب به رئیس حوزه هنری می نویسند : « کسی نیست به این آقا بگوید، رئیس ! دیر شروع کرده‌اید به جوسازی ! حداقل چند سال پیش بسان ورشکسته‌ها باید آتش می‌انداختید بین خرابه‌های آن سینماها نه حالا ! می‌خواهید به اصطلاح فرار به جلو بفرمائید؟ ! مصرف فراوان این تاکتیک توسط صدام، این روش را از حیز انتفاع ساقط کرده است ظاهرأ مثل خیلی چیزها فراموشتان شده که صدام عقب‌نشینی و شکست‌هایش را با عنوان عقب‌نشینی تاکتیکی و ... و ... فرافکنی می‌کرد .»

از سوی دیگر ضیا هاشمی، رئیس جامعه صنفی تهیه‌کنندگان با حمایت از انتشار این بیانیه در پاسخ به منتقدان گفت : « اگر کسی ناآگاهانه بر خلاف نظر جمعی هیات مدیره که نماینده مجمع عمومی است اظهارنظر یا عملی انجام دهد، این عمل، تخلف صنفی محسوب می‌شود .» او تاکید کرد : « این شروع یک بیانیه صنفی و ادامه‌دار است و ما از این پس در خصوص هجمه‌های صنفی نسبت با هر نهادی که علیه سینما قد علم کند برخورد قانونی خواهیم داشت و از تمام حقوق صنفی خود علیه بی‌قانونی استفاده کرده و اقدامات لازم را انجام می‌دهیم .»

روز جهانی مطبوعات

14 اردی‌بهشت روز جهانی مطبوعات است . یونسکو روز جهانی مطبوعات را امسال در تونس برگزار کرد، درشرایطی که تهدیدات علیه روزنامه نگاران هم چنان دربسیاری از نقاط جهان باقی است . تا دسامبر گذشته کمیته حمایت از روزنامه نگاران از زندانی بودن 179 خبرنگار در دنیا خبر می‌دهد که از این تعداد 42 نفر در زندان های ایران بسر می برند . مدافعان حقوق بشر گزارش می‌دهند که تعداد ژورنالیست ها و وب نگاران زندانی درایران تنها اززانویه گذشته تا کنون به 90 نفر رسیده است . این افراد درمعرض خشونت و تهدید و حبس های طولانی قراردارند . در مراسم روز جهانی رسانه ها که در تونس برگزار شد، مسائلی از جمله قدرت رسانه ای درایجاد تغییر و چالش‌های جدید پیش روی رسانه‌ها مورد بحث قرار گرفت .

کمپین برای آزادی دانشجویان جدید

کمپین : « صدای دانشجویان دربند باشیم » کارزار جدیدی است که به همت جمعی از آزادی خواهان ایرانی برای رهایی دانشجویان دربند در این ماه براه افتاده است . بنیاد عرصه سوم درگزارشی از این برپایی آن یادآورمی

شود که : « به درخواست اتحادیه دانشجویان دفتر تحکیم وحدت، سازمان دانش آموختگان و با همت شیرین عبادی رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و برنده نوبل صلح و به یاری جمعی از سازمان های بین‌المللی مدافع حقوق بشر، کمپین جدیدی را برای دفاع از دانشجویان زندانی درایران به نام : « صدای دانشجویان در بند باشیم » به راه افتاده است . تا برای آزادی دانشجویان زندانی و دیگر دانشجویان محروم از تحصیل اقدام و مبارزه کنند .”

اعتراضات کارگری و راه پیمایی اول ماه مه روز جهانی کارگر درسنندج

مجموعه گزارشگران حقوق بشر درایران (هرانا) یکی از مراکزی است که با جدیت تمام آخرین اخبار مربوط به حوزه کارگری را منتشر می کند . این خبرها اغلب نگران کننده و نشانگر افزایش روزافزون اخراج و بیکاری کارگران، تعطیلی واحدهای تولیدی و رشد بی سابقه اعتراضات کارگران در سراسر ایران است . از ابتکارات جالب هرانا پس از انتشار این اخبار بررسی موارد نقض حقوق بشر دراین گزارش‌هاست برای مثال می‌توانید به این گزارش توجه کنید :

" شرکتهای پیمانکاری تامین نیروی انسانی صنایع پتروشیمی منطقه عسلویه و پارس جنوبی از پرداخت حقوق و سایر مزایای قانونی کارگران خود طفره می‌روند . به گزارش ایلنا، سید موسی جوانمرد، سرپرست خانه کارگر بوشهر ضمن اشاره به محرومیت کارگران مناطق آزاد از بخش عمده مواد حمایتی قانون کار، گفت : مناطق آزاد تجاری تابع قانون کار مناطق آزاد هستند و متاسفانه به همین جهت مسئولان ادارات کار نظارت کافی و درستی در خصوص کارگاهای متخلف در این مناطق ندارند . او تهیه مواد اولیه و نداشتن بازار فروش را مشکل اساسی واحدهای تولیدی بوشهر دانست و خاطر نشان کرد : کارخانه رنگ سازی بوشهر به جهت ناتوانی در تهیه مواد اولیه و نداشتن بازار فروش محصولات تولیدی خود از پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه کارگران خود باز مانده است . وی تاکید کرد : برای رفع این مشکل ضرورت دارد که با استفاده از ظرفیت‌های موجود، رفع موانع و مشکلات پیش روی تولید کنندگان و صنعتگران در سال جاری در اولویت قرار گیرد .

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش :

- بخش د ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی : استراحت ـ فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ادورای با استفاده از حقوق و همچنین مزد ایام تعطیل رسمی کارگران به رسمیت شناخته شود .
- بخش الف ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی : اجرتی که لااقل مزایای کافی برای کارگران و خانواده‌شان طبق مقررات این میثاق، محیا می‌کند؛ به رسمیت شناخته شود .
- بند ۱ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر : هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی‌کاری حمایت شود ."

هرانا درگزارش دیگری از دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان در تجمع روز جهانی کارگر درسنندج می نویسد :

" در پی تجمع تعدادی از کارگران در روزجهانی کارگر در سنندج، شش شهروند سنندجی دستگیر و روانه زندان شدند .
یک فعال کارگری در سنندج ضمن تأیید این خبر اظهار داشت : به دنبال برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر در دوازدهم اردیبهشت ماه سال جاری در این شهر و دخالت نیروی انتظامی در این مراسم، چند تن از شهروندان حاضر در محل توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به بازداشتگاه منتقل شدند . به گزارش موکریان، کوروش بخشنده در ادامه گفت : اسامی شش تن از شهروندان بازداشتی که تاکنون همچنان در زندان بسر می‌برند عبارتند از : حمید تاری مرادی، فرهاد زندی، زاهد بنفشی، فرزاد حسین پناهی، محمد لطفی و شیرکو کردی . وی در خاتمه ضمن تأکید بر این مطلب که افراد بازداشتی وابسته به هیچ گروه و سازمانی نیستند، خواستار آزادی بدون قید و شرط آن‌ها شد .

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش :

• بند ۱ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی : هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد . هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد .
• بخش الف ماده ۸ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی : حق هر کس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیهٔ مورد انتخاب خود ملحق شود، بایستی به رسمیت شناخته شود .
• بند ۱ ماده ۲۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی : هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران دارد از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود .
• ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر : هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد .
• بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی : هیچکس را نمی‌توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت قرار داد .
• بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی : هر کس حق آزادی بیان دارد . این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا بصورت نوشته یا چاپ یا بصورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد .
• بند ۴ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر : هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه‌های موجود بپیوندد ."

—

خواسته‌های معلمان؛ سیاسی یا صنفی؟

2012-05-10 · Archive ID 888
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=888

رضا حاجی‌حسینی

در میانه دهه ۷۰ ، معلمی سرکلاس درس می‌گفت که حکومت نسبت به اعتراض معلمان واکنش مثبت نشان می‌دهد و خواسته‌هایشان را عملی می‌کند . استدلال او این بود که اگر روزی معلم‌ها اعتصاب کنند، سر کلاس نروند و بخواهند راهپیمایی کنند، شمار زیادی از پدر و مادرها برای پیگیری وضعیت فرزندانشان با آن‌ها همراه خواهند شد .

کوتاه‌مدتی بعد، آقا معلم از خطا در تحلیلش گفت و خبر داد که حکومت با اعتراضات معلمان هم به همان رویه که با معترضان دیگر گروه‌های صنفی، مدنی و اجتماعی برخورد می کند، یعنی به شدیدترین شکل ممکن سرکوب کردن، رفتار کرد، و چندان خبری هم از پدر و مادرها نشده است .

امروز، پس از گذشت بیش از یک دهه از آغاز جریان‌های اعتراضی که بارزترین شکل ظهور آن در اعتراضات دانشجویی ۱۸ تیرماه سال ۱۳۷۸ بود، تلاش برای رسیدن به شکلی از مبارزات مدنی بدون خشونت که منجر به نتیجه شود، در میان فعالان مختلف صنفی از جمله معلمان، پیگیری می‌شود . فعالیت‌های آموزگاران در هفته‌ای که در ایران معروف به هفته معلم است جدی‌تر و پرسر و صداترند و توجه بیش‌تری را به وضعیت معلمان جلب می‌کنند .

۱۲ اردیبهشت ماه هر سال به عنوان روز معلم در ایران جشن گرفته می‌شود، اما پس از انقلاب اسلامی، به عنوان روز ترور آیت‌ا... "مرتضی مطهری"، استاد الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹ شناخته می‌شود.

ماجرای اصلی این روز به گذشته‌ای دورتر و از قضا به خواست صنفی و مدنی معلمان بازمی‌گردد.

در بهمن ماه سال ۱۳۳۹، تشکل صنفی آن روز معلمان یعنی "کلوپ مهرگان"، بیانیه‌ای صادر کرد و در آن خواهان افزایش حقوق آموزگاران شد. بی‌توجهی دولت وقت به این درخواست‌ها، اعتراضات معلمان را به دنبال آورد و در سال ۱۳۴۰ ،ابوالحسن خانعلی ، در جریان تجمع معلمان که برای دست‌یابی به خواسته‌های صنفی‌شان مقابل مجلس دست به تجمع زده بودند، به ضرب گلوله کشته شد. پس از مرگ او با پیوستن دانشجویان به

اعتصاب معلمان، تظاهرات عظیمی با درخواست استعفای دولت وقت برگزار شد. از آن زمان تاکنون معلمان بارها برای دست‌یابی به حقوق صنفی و سیاسی خود دست به اعتراض زده‌اند.

کانونی برای اعتراض

حرکت‌های اعتراضی معلمان در بحبوحه انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد و معلمان تهران با حضور گسترده در حرکت‌های اعتراضی، برای دست‌یابی به حقوق خود "کانون مستقل معلمان" را تشکیل دادند. این تشکل، پس از انقلاب با اخراج گسترده معلمان در دهه شصت تعطیل شد، تا آنکه در سال ۱۳۷۸، "کانون صنفی معلمان" اعلام موجودیت کرد. کانونی که تا امروز نقش فعالی در مبارزات معلمان داشته است. این کانون تجمعاتی را به منظور دست‌یابی آموزگاران به مطالبات خود، در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ سازماندهی کرد. اعتراض‌هایی که گرچه دست‌آوردهایی هم داشت اما منجر به بازداشت نمایندگان معلمان شد که برخی از آن‌ها هم‌چنان در زندان هستند.

کانون صنفی معلمان ایران امسال در آستانه هفته معلم بیانیه‌ای انتقادی منتشر کرد که در آن مشکلات معلمان کشور در سال‌های اخیر مطرح شده است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: "اصلی‌ترین راه بالا بردن منزلت اجتماعی معلمان، توجه به منابع انسانی و اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش است. به سخن دیگر در گام نخست لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور، محوریت داشتن آموزش و پرورش در پیشرفت کشور را باور داشته باشند تا نقش حساس معلم به عنوان عامل اصلی در تعلیم و تربیت را درک نمایند."

در بخش دیگری از این بیانیه، با اشاره به تصویر کنونی آموزش و پرورش ایران، به تصمیم‌های غیرکارشناسانه و دستوری در این وزارت‌خانه اعتراض شده است: "آینده هر کشور را می‌توان از سیمای کنونی آموزش و پرورش آن دریافت. اگر چنین باشد متاسفیم که شواهد موجود چهره‌ای سخت پریشان از آموزش و پرورش را به تصویر می‌کشد. آشفتگی در به اجرا درآوردن برنامه‌هایی که بیش‌تر حکایت از روزمرگی و نزدیک‌بینی دارد تا دوراندیشی و آینده‌نگری، دگرگونی‌های کارشناسی نشده و شتابزده با هدف‌هایی مغایر با اهداف پیش‌بینی شده در سند ملی اولیه آموزش و پرورش، جدا افتادگی آموزش و پرورش از تحولات فرهنگی و اجتماعی راستین جامعه ایرانی و جهانی و پیگیری اندیشه‌هایی بیگانه با این تحولات مانند آن‌چه در کتاب‌های درسی یا برخی برنامه‌های جنبی اعمال می‌شود، بازی با عدد سال‌های دوره‌های آموزشی (۵،۳،۴ یا ۶،۳،۳ یا ۳،۳،۳،۳) و جابه‌جایی آن‌ها بدون توجه به اولویت‌های سند ملی، بدون بسترسازی مناسب و بدون توجه به سرنوشت کودکان و نوجوانانی که بناست در این مقاطع، آموزش ببینند تحت عنوان پرطمطراق تغییر ساختار نظام آموزشی و اجرای سند ملی آموزش و پرورش! اتخاذ تصمیماتی عجولانه و بدون مبنای روشن و قانونی مانند صدور احکامی که برای افزایش حقوق معلمان تحت عنوان بدی آب و هوا، توسعه نایافتگی و ... به‌ویژه در شهرستان‌ها و در آستانه انتخابات مجلس صورت پذیرفت (که اکنون و پس از انتخابات، زمزمه‌های تعدیل آن‌ها شنیده می‌شود)در حالی که پرداخت‌های معمول مانند حق‌التدریس دو ماه آخر سال ۹۰ تاکنون پرداخت نگردیده (که در نوع خود بی‌سابقه است) و پاداش پایان خدمت بازنشستگان که با تأخیر سالانه و در اقساط متعدد پرداخت می‌گردد. این تأخیرها در حالی است که رشد سریع نرخ تورم در شش ماهه دوم سال گذشته، ارزش پول ملی را به میزان بسیار زیادی کاهش داده است."

در پایان این بیانیه هم به معلمانی که به دلیل دگراندیشی یا فعالیت صنفی در زندان به‌سر می‌برند اشاره شده است: "در پایان شایسته است یاد چند تن از همکاران دربندمان را به امید آزادی هرچه سریع‌ترشان پاس داریم. رسول بداقی، محمد داوری، عبداله مومنی، علی پورسلیمان و ... که بعضی چند سال و برخی چندین ماه است که در زندان به‌سر می‌برند. بداقی و داوری اکنون بیش از دو سال و نیم است که بدون حتی یک روز مرخصی در زندان به‌سر می‌برند."

طیف صنفی، جدا

کانون صنفی معلمان به‌عنوان یک نهاد مدنی، گویا با مسائلی درون‌سازمانی نیز دست و پنجه نرم می‌کند.

یکی از اعضای این کانون که نمی‌خواهد نامش مطرح شود، درمصاحبه ای تلفنی با عرصه سوم می‌گوید: "الان در کانون دو گرایش هست. گرایش صنفی و گرایش سیاسی-تجاری. در روز معلم امسال دو بیانیه منتشر کردند. اعلامیه طیف صنفی در سحام‌نیوز منتشر شد. خلاصه حرف‌های غیر متعارف، ناشنیده و ناگفته در این زمینه زیاد است."

او در ادامه از طیف صنفی می‌گوید.

«طیف صنفی در بیانیه خود با اشاره به ویژگی‌های نظام آموزش و پرورش مترقی، آورده‌اند: "کشورهای پیشرفته جهان با سرمایه‌گذاری در تربیت نیروی انسانی و از مسیر آموزش و پرورش، به مدارج بالای علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی رسیده‌اند. متاسفانه نگاه سیاسی-امنیتی دولت به این وزارت‌خانه باعث شده است که به بهانه‌های گوناگون، برنامه‌های غیر کارشناسی را در آن پیاده کند. طرح تغییر نظام آموزشی و خصوصی‌سازی مدارس از آخرین طرح‌های آموزش و پرورش است.کارشناسان امر تعلیم و تربیت نیک آگاهند که هر گونه تغییر و برنامه‌ریزی آموزشی، بدون حضور پررنگ معلم، نتیجه‌بخش نخواهد بود و تا زمانی که امنیت شغلی و معیشتی معلمان به طور بنیادی حل نشود، هیچ طرح آموزشی موفق نخواهد شد.آموزش و پرورش فعلی ما مناسب با توسعه اقتصادی و اجتماعی نیست چون نگرش علمی بر آن حاکم نیست...."

خواسته‌های صنفی معلمان را اما شاید بتوان بر اساس اعلامیه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری ، جمع‌بندی و دسته‌بندی کرد. افزایش دستمزد معلمان بر اساس یک زندگی مناسب و انسانی، یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های معلمان است. مساله‌ای که در طول سالیان گذشته نسبت به آن بی‌توجهی شده و این بی‌توجهی، توجیه تئوریک هم داشته است. در روایت‌های کلان حکومتی، معلمی شغل انبیا دانسته شده و به‌همین دلیل وضعیت معیشتی آنان به نفع این گفتمان، بی‌اهمیت تلقی شده است.

دیگر خواسته معلمان، استخدام رسمی تمامی معلمان حق‌التدریس است که دولت در سال‌های گذشته قول و قرارهایی برای انجام آن گذاشته اما این قول‌ها تا به حال عملی نشده‌اند. بهبود و افزایش فضاهای آموزشی و فراهم کردن محیط کاری ایمن و با آرامش برای معلمان هم برای آموزگاران اهمیت ویژه‌ای دارد. انتخاب مدیر مدرسه توسط معلمان، حق ایجاد تشکل‌های مستقل برای آنان، آزادی معلمان مبارز دربند، بزرگداشت دکتر خانعلی در روز معلم و به رسمیت شناختن پنجم اکتبر به عنوان روز جهانی معلم از دیگر خواسته‌های صنفی معلمان است.

درددل‌های یک معلم

با وجود فعالیت‌های صنفی و سیاسی کانون معلمان ایران، هستند آموزگارانی که به شیوه عمل این تشکل انتقاد دارند. همان عضو کانون صنفی معلمان و از آموزگاران قدیمی که خواست نامش فاش نشود، در این‌باره به عرصه‌سوم می‌گوید: "من بیش‌تر مایلم کارهایی که الان این تشکل‌ها انجام می‌دهند را به‌طور واقعی به شما بگویم.الان دارند با پول معلم‌ها کاسبی می‌کنند. زمین خرید و فروش می‌کنند. ساختمان می‌سازند، ویلا می‌سازند و خلاصه اعتماد معلم‌ها را خرج پول در آوردن می‌کنند. کار خوبی هم می‌کنند. وقتی از صنف نتیجه نگرفتند رفتند دنبال سیاست. آنجا هم که به بن‌بست خوردند، آمدند دنبال کاسبی. اقلا ۴۰-۵۰ نفری به نوا رسیدند! به پول اعضای شرکت تعاونی بین ۱۷ تا ۵۰ درصد سالانه سود می‌دهند. ... سالی دو اعلامیه هم می‌دهند. یکی ۱۲ اردیبهشت و یکی هم ۵ اکتبر ...."

این معلم در پاسخ به این سوال که حالا با در نظر گرفتن این حرف‌ها تکلیف معلم‌ها چه می‌شود و آیا آن‌ها باید حقوق صنفی‌شان را پیگیری کنند یا نه، می‌گوید: "البته که باید پیگیری کنند اما واقعا در حد مطالبات صنفی. مثل اتحادیه معلمان در همه جای دنیا باید دغدغه آموزشی و واقعا صنفی داشته باشند و با مدیران آموزش و پرورش تعامل کند. معلم‌ها خیلی محتاطند و بارها در تجمعات و حتی نظرسنجی کانون صنفی گفته‌اند که تشکل‌های معلمان نباید فعالیت سیاسی بکنند. الان فضا خیلی خراب شده و نهادهای امنیتی کلا جریان‌های صنفی را امنیتی می‌بینند. باید به تدریج اعتمادسازی شود. پیوند زدن فعالیت‌های صنفی به دموکراسی‌خواهی و نزدیک شدن به بعضی جریان‌ها و اشخاص سیاسی، آفتی است که از سال ۱۳۸۶ گریبان فعالان صنفی را گرفته. بعد هم که دلالی و بساز و بفروشی هم به آن اضافه شد. کانون برای جریان‌های سیاسی یک طعمه چرب و نرم بود. خرابش کردند. الان کار سخت شده اما غیر ممکن نیست."

—

برگزاری اولین دادگاه بین المللی برای رسیدگی به اعدام های دهه شصت درایران

2012-05-14 · Archive ID 890
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=890

مصاحبه اختصاصی عرصه سوم با پرفسور پیام اخوان در خصوص چگونگی برگزاری و اهداف دادگاه بین المللی رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی و اعدام زندانیان سیاسی دهه 60 شصت درایران.

پیام اخوان مشاور دادستان دادگاه بین المللی سازمان ملل در این مصاحبه می گوید: مهمترین پیام این دادگاه به رهبر جمهوری اسلامی می تواند این باشد که مردم ایران هیچگاه ستمی که بر آنها رفته و جنایت هایی که دولت مرتکب شده را فراموش نمی کنند. همچنین یکی از اهداف تشکیل این دادگاه آن است که جهان با فرهنگ مصونیتی که در ایران از چندین دهه پیش وجود دارد آشنا شود. در ایران به جای اینکه مسئولان قتل ،شکنجه و تجاوز تنبیه شوند به مقامات بالاتری ترفیع پیدا می کنند.

نیلوفر رستمی

پرفسور پیام اخوان، استاد حقوق دانشگاه مک گیل مونترال و مشاور دادستان دادگاه سازمان ملل در خصوص جنایات جنگی در یوگسلاوی و روندا، اکنون سرپرستی دادگاه "جنایت علیه بشریت " را برعهده خواهد داشت. دادگاهی که به مسئله افشاگری در مورد اعدام های دست جمعی زندان های جمهوری اسلامی در دهه شصت خواهد پرداخت و با حضور قضات و وکلای برجسته بین المللی در دو مرحله برگزار می شود.مرحله اول در تاریخ 18 تا 22 ژوئن امسال در مرکز حقوق بشر سازمان ملل در لندن برگزار می شود و مرحله دوم آن در ماه اکتبر در دادگاه لاهه درهلند خواهد بود.

دکتر پیام اخوان به جز تدریس و وکالت نزدیک به دو دهه است که پیگیر موارد نقض حقوق بشری در جهان است و به تازگی نماینده مردم لیبی برای دادگاه حق خواهی از فرزند معمر قذافی و رسیدگی به جنایت های او شده است. اخوان در سال 1388 مرکز اسناد حقوق بشر ایران را دایر کرد و تحقیقات، جمع آوری مدارک و اسناد در خصوص اعدام های دست جمعی در سال 67 13 را پیگیری می کند.

چگونه می توان با استفاده از امکانات قضایی بین المللی مسئولان جمهوری اسلامی را درخصوص اعدام اعضای گروه‌های سیاسی به پای میز محاکمه کشید؟

این دادگاه در واقع دادگاه مردمی است و محاکمه ای هم که در این دادگاه صورت می گیرد سمبولیک است. در واقع با این هدف که مردم ایران و جامعه بین المللی به واقعیت اعدام های سال 67 پی ببرند، چون تا همین امروز هم جمهوری اسلامی حاضر به اعتراف و قبول کشتار هزار ها ایرانی در سال 67 نشده است. خیلی از ایرانی ها هم هنوز از واقعیات و جزییات این اعدام ها خبر ندارند. این دادگاه برای تنبیه فرد خاص یا افراد خاصی نیست بلکه فقط به کسانیکه که جان سالم از آن جنایت ها به در بردند و یا عضوی از خانواده شان را از دست داده اند، این امکان را می دهد تا داستان هایشان را این بار پشت تریبون های بین اللملی بگویند. در اولین قدم باید مدارک موثق در خصوص این جنایت تاریخی ثبت شود. و این دادگاه این کار را انجام خواهد داد. تا نشان دهد که چه اتفاقی افتاده، چگونه و چرا و مسئولانش چه کسانی بوده اند. بعد می توان امیدوار بود که یک روز حداقل عده ای از مسئولان این جنایت ها به پای میز محاکمه کشیده و مجازات شوند. اما در حال حاضر این مرحله فقط حقیقت یابی و تهیه گزارش است. درست است که مسئولان حکومت جمهوری اسلامی الان قدرت دارند، اما همیشه این طور نخواهند ماند و آنها هم مانند بقیه دیکتاتورها مجازات خواهند شد.

چطور تحقیقات را در خصوص قربانیان اعدام های سال 67 انجام دادید ؟ چقدر تحقیقات و منابع شما قابل اتکا و اعتبار هستند؟

ما از طریق منابع مختلف اطلاعات و اسنادمان را جمع آوری کردیم. تعداد بسیاری از کسانی که در زندان های دهه 60 و در لیست اعدامی بودند، اکنون مقیم اروپا، آمریکا و کانادا هستند. ما با آنها مصاحبه کردیم و این افراد آماده شهادت در دادگاه هستند. همین طور از اسناد مراکز حقوق بشری مانند بنیاد برومند هم استفاده کردیم، در ضمن خاطرات آیت الله منتظری و فتوای آیت الله خمینی نیز در مورد اعدام های دهه 60 به عنوان مدارک مهم تاریخی موجود هستند. شاهدان جنایت های دهه 60 که آمارشان به چند هزار می رسد، همه حرف های مشابه می زنند و خاطرات مشترکی دارند. این دادگاه موضوع شکنجه و اعدام چند نفر نیست که اثباتش مشکل باشد. مسئله کشتار چند هزار نفر است که شاهدانی به همان اندازه هم دارد، بنابراین قضاوت در چنین دادگاهی مشخص است

- آیا شما خودتان عضوی از خانواده و یا فامیل تان را در اعدام های 67 از دست داده اید ؟

خیر. من هیچ نفع شخصی برای برگزاری این دادگاه ندارم. بابک عماد نیز که مسئول جمع آوری اطلاعات و مصاحبه با افراد بوده است، کسی از نزدیکانش را دست نداده فقط خودش زندانی سیاسی دهه 60 بوده است.

- محور اصلی مورد توجه شما با برگزاری این دادگاه چیست ؟

ما باید بدانیم که جنایت سال 67 حتی در روابط میان سیاستمداران ایرانی تا به امروز هم تاثیر گذار بوده است و مسئولان جنایت های آن سال ها به جای اینکه تنبیه شوند به مقام های بالاتری در ایران رسیده اند. مثلا آقای شوشتری که عضو کمیسیون مرگ بوده بعدها وزیر دادگستری شد و یا مصطفی پور محمدی که او هم عضو کمیسیون مرگ بود اکنون وزیر کشور است. مهمترین پیام این دادگاه به رهبر جمهوری اسلامی می تواند این باشد که مردم ایران هیچگاه ستمی که بر آنها رفته و جنایت هایی که دولت مرتکب شده را فراموش نمی کنند. همچنین یکی از اهداف تشکیل این دادگاه آن است که جهان با فرهنگ مصونیتی که در ایران از چندین دهه پیش وجود دارد آشنا شود. در ایران به جای اینکه مسئولان قتل ،شکنجه و تجاوز تنبیه شوند به مقامات بالاتری ترفیع پیدا می کنند. ما باید به این آگاهی برسیم یعنی تا زمانیکه بدانیم هیچکس نمی تواند قوانین جاری کشور را نقض کند. و دراین صورت چه کسی مسئول نقض آن هاست، تا آن زمان دولتی معتمد نخواهیم داشت ، دولتی که باید هر حرکت غیرقانونی را پیگیری کند.

- برگزاری این دادگاه و شهادت افراد چه تاثیری بر بحران حقوق بشر در ایران دارد و چه تاثیری روی روند ارتباط کشورهای دیگر با ایران می گذارد؟

ببینید دو دیدگاه وجود دارد، دیدگاه مردمی و دیگری دیدگاه سیاستمداران. بعد از تشکیل این دادگاه و شهادت شاهدان و آسیب دیدگان از وقایع سال 67 حتما مردم کشورهای دیگر با مردم ایران حس همدردی بیشتری خواهند کرد و متوجه خواهند شد که چه دوران سختی را ایرانی ها تحمل کرده و می کنند. به خصوص در دهه اول انقلاب. و این حس همدردی شاید در مبارزه برای رسیدن دموکراسی در داخل ایران هم تاثیر گذار باشد. اما دیدگاه سیاستمداران چیز دیگری است، آنها فقط به انرژی هسته ای و نفت ایران اهمیت می دهند. در واقع فعالیت های حقوق بشری در ایران آخرین چیزی است که به آن توجه دارند. آنها سال های زیادی است که بر سر موضوع انرژی هسته ای دارند با ایران بحث می کنند، اما اگر در مورد انرژی هسته ای با ایران به توافق برسند، دیگر به برقراری حقوق بشر در ایران اهمیت نمی دهند و بحث ها هم تمام می شود. اما این تنها چیزی است که مردم ایران آن را نمی خواهند. مردم ایران بیشتر از انرژی هسته ای به حقوق شهروندی شان اهمیت می دهند. به همین دلایل من فکر می کنم همین روند افشای حقیقت در دادگاه و ثبت داستان کسانیکه درگیر جنایت های سال 67 بودند به نوعی کمک کننده است، تا فعالان حقوق بشری با سرعت بیشتر روی مسئله برقراری حقوق بشر در ایران تمرکز کنند.

- آیا احمد شهید ،گزارشگر ویژه حقوق بشر هم در این جلسات دادگاه شرکت خواهد کرد؟

خیر. به دلیل اینکه ایشان نقش رسمی دارند و اجباری برای شرکت در این دادگاه ندارند. در واقع آنها می توانند از اطلاعات این دادگاه استفاده کنند اما وظیفه شان شرکت حتمی نیست.

- مراحل برگزاری این دادگاه چگونه است ؟

اولین مرحله دادگاه در تیرماه امسال با حضور کمیسیون حقیقت یابی برگزار می شود. این کمیسیون حرف های شاهدان و آسیب دیدگان جنایت های سال 67 را می شنوند بعد از آنکه به مردم فرصت صحبت در این مرحله داده می شود در مرحله دیگری که در مهرماه برگزار خواهد شد، وکلا و قضات برجسته بین المللی طبق اسناد و مدارک موجود به تصمیم گیری صوری و سمبلیک می پردازند، که چه کسانی مسئول جنایت بوده و چه کسانی باید مجازات شوند. اما فقط به صورت صوری است چون این دادگاه صلاحیت صدور حکم برای اجرا را ندارد.

- از توضیحات شما سپاسگزارم.

—

تلاش همه جانبه فعالان حقوق بشر برای آزادی نرگس محمدی

2012-05-15 · Archive ID 892
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=892

نعیمه دوستدار

کنش‌گران حقوق بشری در ایران امیدوار بودند حکم زندان"نرگس محمدی" به دلیل سرپرستی از دو کودک خردسال و ابتلا به یک بیماری سخت، به تعویق انداخته شود، این روزنامه‌نگار و فعال مدنی سال‌ها درباره مسایل زنان، دانشجویان و حقوق بشر می‌نوشت، او نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر، و رئیس کمیته زنان آن است که در دوم اردیبهشت‌ماه سال 1391، بار دیگر زندانی شده است.

نرگس محمدی پیش از آن در خرداد سال ۱۳۸۹ دستگیر شده بود. او پس از یک هفته بازجویی و زندان انفرادی در بند ۲۰۹، دچار فلج عضلانی شد که بیهوشی و ناتوانی در حرف زدن از عوارض آن بود. و پس از دریافت حکم 11سال زندان در دادگاه اولیه، سرانجام در دادگاه تجدید نظر به شش سال زندان محکوم شد. از آن زمان، نرگس محمدی به دلیل فشار مقام‌های اطلاعاتی، در زنجان زندگی می‌کرد و فعالیتی نداشت.

در حال حاضر بیماری فلج عضلانی نرگس(از عوارض زندانی بودن در بند 209 زندان اوین)بار دیگر عود کرده و او به دلیل طولانی شدن حمله عصبی دربهداری زندان اوین بستری شده است.بازداشت مجددنرگس محمدی، وضعیت خاص بیماری اش و مسئله سرپرستی دو کودک خردسال، سبب اعتراض شدید فعالان و سازمان های خقوق بشری به زندانی شدن اوست.

گروگان‌گیری یا اجرای حکم؟

بدون شکمسئولان قضایی ایران از اصول اولیه اجرای حکم و دادرسی و ... تخطی می‌کنند، به این ترتیب که نرگس محمدی حتی اگر برای اجرای حکم زندان خود بازداشت شده باشد، باید پیش از آن حکمی در این مورد دریافت کند که این اتفاق نیفتاده است. نکته مبهم دیگر در مورد بازداشت او آنکه اگر بر اساس حکم قبلی به زندان برده شده، چرا دوباره از او بازجویی می‌شود و در انفرادی نگه داشته شده است؟

چنین ابهاماتی باعث شده که فعالان مدنی چنین نتیجه بگیرند که این شیوه برخورد با نرگس محمدی، برای فشار آوردن به همسرش، تقی رحمانی است. تقی رحمانی، فعال سیاسی ملی- مذهبی و نویسنده‌ای که بیش از 15 سال در جمهوری اسلامی زندانی بوده است، چندی پیش و قبل از اجرای آخرین حکم زندانش، از کشور خارج شد و دلایل این خروج را در قالب نامه‌ای در رسانه‌ها منتشر کرد؛ اما همسرش با خروج از ایران موافق نبود و همراه فرزندان‌شان در ایران ماند.

رحمانی در مورد بازداشت همسرش معتقد است: "دارند نرگس را به‌عنوان گروگان قربانی می‌کنند. نرگس را برای فشار آوردن بر من به گروگان گرفته‌اند و این نه اخلاقی است، نه دینی، نه جوانمردانه و نه درست. در کدام حدیث و اخلاق و عرف و مذهبی آمده که کسی را به جای کس دیگر تنبیه کنند؟ از آن‌ها می‌خواهم که اگر وجدان دارند از این کار دست بردارند."

کنش‌گران نامه می‌نویسند

"شیرین عبادی"، برنده ایرانی جایزه صلح نوبل، در میزگرد "نقش زنان در صلح"، در حاشیه نشست برندگان صلح نوبل در شیکاگو ،درباره فعالیت‌های نرگس محمدی در شورای ملی صلح ایران صحبت کرد و به پیشنهاد عده‌ای از حاضران، بیانیه‌ای برای آزادی او صادر شد.

عبادی از نقش سازنده نرگس محمدی در شورای ملی صلح یاد کرد که از بیش از ۸۰ نماینده از گروه‌های مختلف فکری و اقوام گوناگون ایرانی تشکیل شده بود. محمدی دبیر کمیته اجرایی شورای ملی صلح بود که به گفته شیرین عبادی، به جز او، بیش از ۱۰ نفر از اعضای این شورا تحت تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند و برخی از آنان هم اکنون در زندان هستند.

بیانیه حمایت از نرگس محمدی را عده‌ای از برندگان صلح نوبل امضا کردند. "میخاییل گورباچف"، "دالایی لاما"، "لخ والسا"، "محمد یونس" و "جودی ویلیامز" از امضاکنندگان این بیانیه هستند.

زنان اصلاح‌طلب نیز گروه دیگری بودند که به دستگیری نرگس محمدی واکنش نشان دادند و بیانیه‌ای در این زمینه صادر کردند. آن‌ها در بیانیه خود نوشتند: "آموخته‌ایم که زن بالقوه مادر است و تا این سرشت به مرتبه فعلیت درنیاید انگار گم‌شده‌ای دارد و این مادری نه امری اکتسابی بلکه فطری و ذاتی است و بانو نرگس محمدی یک مادر است! مادری که بیماری فلج عضلانی یادگار زندانی بودنش در بازداشتگاه اطلاعات این کشور اسلامی است و نامه دادخواهی‌اش به دادستان پس از یورش مهاجمین به حریم خصوصی‌اش و خانه و خوابگاهش و دستگیری همسرش جلوی چشمان او که مجال داشتن پوشش مناسب را نیافته بود و نیز در مقابل دیدگان دو طفل خردسالش که به فیلم‌هایی شبیه بود که اندر تقبیح فرهنگ خشن و مروج بداخلاقی‌های استکباری از رسانه ملی پخش می‌شود، متاسفانه به عنوان مدرک جنایتی از جنایات این دوره حکومت بی‌اخلاقی و هرج و مرج و رواج منکر در کشور اسلامی‌مان باقی ماند."

۳۱۱ نفر از افراد، شخصیت‌ها و نهادهای فرهنگی، سیاسی و مدنی هم نامه‌ای خطاب به "احمد شهید"، گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، به دو زبان فارسی و انگلیسی نوشتند و در آن به بازداشت نرگس محمدی اشاره کردند. آن‌ها از احمد شهید خواستند "با پیگیری نقض مکرر و آشکار حقوق بشر در ایران، از مقامات ایران بخواهد هر چه زودتر نرگس محمدی را از شرایط تنش‌زای زندان که بنا به تشخیص پزشکان برای وی بسیار مضر است، آزاد سازند."

ماندن در ایران، تحمل رنج زندان

یکی دیگر از گروه‌هایی که به شکل گسترده بازداشت نرگس محمدی را محکوم کرد، گروه فعالان حقوق زنان در ایران و خارج از کشور و حامیان مادران پارک لاله بود. آن‌ها خواستار آزادی فوری خانم محمدی و حمایت از حقوق کودکان زندانیان و مادران زندانی شدند. ۳۵۰ فعال حقوق بشر و حقوق زنان در بیانیه‌ای مشترک آزادی بی‌قید و شرط نرگس محمدی را تقاضا کرده‌اند وفعالان حقوق کودکان و زنان نیز برای حمایت از فرزندان زندانیان، به کمیسر عالی حقوق بشر – کمیته حقوق کودک – کمیته منع تبعیض علیه زنان نامه نوشته‌اند.

"فیروزه رمضان‌زاده"، فعال زنان و از امضاکنندگان بیانیه فعالان حقوق زنان، درباره علت مشارکتش در این کنش مدنی به عرصه سوم می‌گوید: "من به‌خاطر احترام و دفاع از آرمان‌های نرگس، بیانیه‌اش را امضا کردم. از طرفی او هم‌دانشگاهی من در سال‌های دور بود البته من وقتی صلابت و استواری او را در فعالیت‌های دانشجویی نظاره می‌کردم که سال آخر بود و زیاد فرصت آشنایی نزدیک با او را نداشتم."

رمضان‌زاده درباره علت اجرای ناگهانی حکم نرگس محمدی و نحوه برخورد با او می‌گوید: "به طور حتم کوچ اجباری همسرش تقی رحمانی و ماندن وی در این فضای متشنج امنیتی در اجرای حکم تاثیر بسیاری داشته است. مسئولان نظام جمهوری اسلامی تصور می‌کنند که با به زندان انداختن نرگس، مدتی بعد همه او را از یاد می‌برند و دچار خوره فراموشی یا مرگ زودرس می‌شود؛ همان‌طور که اکنون دچار فلج عضلانی شده و بروز هر اتفاق ناخوشایندی جان نرگس را تهدید می‌کند. یک احتمال دیگر در به زندان انداختن نرگس نیز قوی است که مسئولان نظام برنامه‌هایی برای مخدوش کردن چهره سیاسی نرگس داشته باشند."

او درباره ویژگی‌های فردینرگس محمدی معتقد است: "نرگس نه به‌خاطر شهرت و نه به‌خاطر کسب مدال و افتخار، خود را به زندانبان‌هایش سپرد بلکه به‌خاطر بهبود وضعیت حقوق و شرایط زنان سرزمینش، هزینه و رنج و سختی زندان را تحمل کرد.او از دو فرزند و همسر خود گذشت، سختی‌های ماندن در ایران را هم به جان خرید، تسلیم نشد تا حقوق انسانی و شهروندی نادیده گرفته شده ناشی از تبعیض‌های فاحش جنسیتی زنان سرزمینش را با اسارت خود به چنگ آورد. هر چند سخت، هر چند بدون سلاح. نرگس جانش را بر سر آرمان خود گذاشته تا دردهای ناگفته زنان سرزمین خود را در همان زندان فریاد بزند."

—

مبارزه با خشونت جنسیتی درجنگ، کمپین جدید زنان برنده نوبل

2012-05-21 · Archive ID 894
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=894

عرصه سوم- پریسا کاکایی: جنگ همواره با طرح موضوع زنان و کودکان به عنوان گروه‌های آسیب پذیر متاثر ازآن همراه بوده است. خشونت جنسیتی ناشی از جنگ چنان گسترده و جهان شمول است که جوامع مدنی و سازمان‌های بین المللی همواره سعی در کاهش آن داشته‌اند. گزارش‌های بی‌شمار از قربانیان تجاوز حاصل از جنگ‌های کشورهای افریقایی، عراق، افغانستان، بوسنی وهرزگوین و دیگر مناطق درگیر، حاکی از معضلی ست که به مرور زمان به شکل محصول جانبی جنگ در آمده و اثرات مخرب آن تا سال‌ها با زندگی قربانیان همراه است.

کمپین بین المللی توقف خشونت جنسیتی و تجاوز، از این پدیده به عنوان یک تاکتیک نظامی یاد می‌کند که توسط نیروهای امنیتی دولتی و همچنین ارتش، به طور مشابه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کمپین که با فراهم آوردن فرصت همکاری برندگان جایزه نوبل همچون شیرین عبادی و ۴۰۰ سازمان مانند سازمان دیده‌بان حقوق بشر، صندوق بین المللی زنان، آوید، عفو بین الملل و دیگر سازمان‌ها، سعی در مبارزه با خشونت جنسیتی ناشی از درگیری و جنگ دارد، اقدام فوری در مورد سه رکن اصلی شامل پیشگیری، حمایت از بازماندگان خشونت جنسیتی و تعقیب قانونی عاملان جنایت در مناطق جنگ زده را بسیار ضروری و به عنوان یکی از اولویت های مهم سیاست گذاری های جهانی معرفی می نماید.

فعالیت‌های آموزشی و خبررسانی کمپین‌هایی از این دست، در نهایت موجب شده است که مساله زنان و جنگ به عنوان یکی از مسائل مطرح روز که نیازمند توجه خاص است مورد بررسی قرار گیرد. زنان از یک سو خود به عنوان بخشی از نیروهای جنگ مطرح هستند و از سوی دیگر شهروندان قربانی درگیری‌های منطقه‌ای و یا بین المللی به شمار می‌آیند. بر همین اساس در این نوشتار سعی شده است که به طور مختصر به هر دو مقوله پرداخته شود.

نقش زنان در جنگ

هرچند که جنگ امری مردانه تلقی می‌شود اما در طول قرن‌ها زنان به طور مستقیم و یا غیرمستقیم، درشکل گرفتن، جریان و یا پایان یافتن آن مشارکت داشته‌اند. . به طور مشخص در جنگ جهانی دوم ۳۴۰ هزار زن در ارتش امریکا خدمت کردند. زنان بی‌شماری به جنگ علیه نازی‌ها پرداخته و با حضور در نیروهای مقاومت و یا جبهه‌های جنگ برای باورهای خود مبارزه کردند. در ابتدا بحث و گفت‌وگوی‌های بسیاری پیرامون پیوستن زنان به ارتش و نیروهای نظامی وجود داشته است. برخی معتقد بودند که حضور زنان با روحیه جنگ و مبارزه همخوانی ندارد (کریستف، ۲۰۰۳). در نهایت از آغاز دهه هفتاد، بعضی کشورها شروع به پذیرش زنان در ارتش نمودند و تنها استرالیا، آلمان، اسرائیل و ده کشور دیگر، شرکت فعال زنان به عنوان سرباز در میدان جنگ را پذیرفتند (ویکی پدیا).

زنان بر اساس کلیشه‌های جنسیتی رایج، فعالیت‌های مختلفی از جمله امور خدماتی تا مبارزه به عنوان یک سرباز را در میدان جنگ عهده دار می‌شوند. بسته به بستر فرهنگی، اسلحه به دست گرفتن و مبارزه کردن، آخرین چیزی ست که از زنان انتظار می‌رود و کارهایی چون پرستاری، خدمتکاری، کارگری و حتی سرویس دهی

جنسی، بیشتر مورد توقع هستند. نگاه مزبور که زنان را به عنوان کارگران خدمات داخلی در نظر می‌گیرد قرن‌ها وجود داشته و همواره در صحنه‌های مختلف زندگی آنان نمایان شده است. در جنگ نیز زنان تا سال‌ها اجازه حضور در خطوط مقدم جبهه را نداشته و تنها به عنوان پرستار و یا کارگران کارخانه‌های اسلحه سازی مجاز به فعالیت بودند. به طور مثال در سال ۱۹۱۴، از میان ۷۴ هزار داوطلب پرستاری، دو سوم آن‌ها را دختران و زنان تشکیل می‌دادند. این پرستاران در طول جنگ جهانی اول و دوم به عنوان نیروهای داوطلب، درمان سربازان زخمی و بیمار را عهده دار شده و از آن‌ها پرستاری می‌کردند.

اما به کارگیری زنان در کارخانه‌های اسلحه سازی تنها به دلیل تمایل آن‌ها به مشارکت در جنگ نبود. از یک سو وضعیت بد اقتصادی ناشی از جنگ، تمامی اعضای خانواده را وادار به کار نموده و از سوی دیگر، زنان و کودکان همواره نیروهای ارزان کار محسوب می‌شدند. صاحبان کارخانه‌ها و صنایع با به کار گیری زنان، دستمزد کمتری می‌پرداختند. در جنگ جهانی دوم میانگین درآمد کارگران زن ۲۱. ۳۱ دلار در هفته بود در حالیکه همتایان مرد برای مشاغلی مشابه، هفته‌ای۶۵. ۵۴ دلار دریافت می‌کردند.

گاه استخدام زنان در نیروهای امنیتی و یا نظامی با همان نگاه جنس دوم ضعیف و لطیف، به عنوان راهکاری برای بالا بردن امنیت و کاهش آسیب مردان در نظر گرفته شده است. برای مثال بنا بر اعتقاد قذافی، «راهبه‌های انقلابی» که محافظان وی را تشکیل می‌دادند می‌توانستند خطر حمله به وی را کاهش دهند زیرا او باور داشت که شلیک به زنان برای اعراب کار دشواری ست (ویکی پدیا).

به هر حال، خطر خشونت و تبعیض مبتنی بر جنسیت همواره زنان سرباز را در هر پست و مقامی تهدید کرده و در کنار مرگ یکی دیگر از نگرانی های آنها تشکیل می دهد. مارگارت اتود در مورد زنان سرباز آسیب دیده از جنگ عراق می‌نویسد: «زنان امریکایی که از سال ۲۰۰۳ در جنگ عراق کشته شده‌اند، بیش از زنانی هستند که در جنگ‌های دیگر امریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز کشته شده‌اند. از سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۲۰۶ هزار سرباز زن امریکایی به خاورمیانه اعزام شده‌اند و بیشترین تعداد نیز در عراق بودند. از این تعداد، ۶۰۰ نفر زخمی و ۱۰۴ نفر هم کشته شده‌اند. این زنان به شکل دردناکی تنها هستند. در عراق، زنان تنها یک سرباز از هر ۱۰ سرباز را تشکیل می‌دهند و بیشتر اوقات در یک جوخه به همراه تعداد اندکی زن دیگر به خدمت گرفته می‌شوند که البته بعضی اوقات هم هیچ زن دیگری در جوخه وجود ندارد. انزوا، سنت نظامی‌گری و خصومت‌ورزی علیه زنان مشکلاتی را برای آن‌ها ایجاد می‌کند که عوارض منفی آن برای زنان به اندازه خود جنگ است. تنزل رتبه، نگاه ناخوشایند و غیراخلاقی همرزمان و تنهایی به جای وفاداری، چیزهایی است که هر سرباز زنی با آن دست و پنجه نرم می‌کند.»

همچنین، خشونت جنسی و تجاوز از یک سو به عنوان سلاحی برای ایجاد ترس و وحشت به کار گرفته شده و از سوی دیگر روشی غیرانسانی برای رفع نیاز جنسی محسوب می‌شود. به همین دلیل، به نظر می‌رسد زنان سرباز از لحاظ امنیت در وضعیت نابهنجارتری نسبت به همتایان مرد خود قرار دارند. بنابر آموخته‌های فرهنگی، زن سرباز در میدان نبرد حتی اگر دو برابر مردان تلاش کند، و در این راه نیز گاه مجبور به نادیده گرفتن هویت زنانه و پیش گرفتن رفتارهای مردانه شود، اما باز به عنوان سوژه‌ای که می‌تواند پاسخگوی نیاز جنسی مرد سرباز باشد، مطرح است. در همین رابطه، مرکز و مقر فرماندهی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، پنتاگون، اعلام کرده است که در سال ۲۰۰۸ حدود سه هزار زن در حالی که مشغول به خدمت نظام بوده‌اند مورد تهدید و آزار جنسی قرار گرفته‌اند و این رقم در جنگ افغانستان و عراق ۲۵ درصد افزایش یافته است. پنتاگون معتقد است هشتاد تا نود درصد از موارد ذکر شده گزارش نمی‌شوند (گیبس، ۲۰۱۰). از سوی دیگر نیز زنان سرباز همیشه می‌توانند طعمه جنسی مردان جبهه مخالف بوده و در نتیجه مورد تجاوز قرار گرفته و خشونت‌های جنسی دردناکی را تجربه کنند.

زنان قربانی جنگ

بسیاری از زنان و مردان هیچ‌گاه تمایلی به جنگ نداشته‌اند. آن‌ها حتی به عنوان شهروندان عادی در فعالیت‌ها و تظاهرات ضد جنگ شرکت می‌کنند تا صدای مخالفت خود با جنگ را به گوش جامعه جهانی برسانند. زنان، گروه‌های صلح را تشکیل داده و به سراغ قربانیان جنگ می‌روند تا واقعیت پشت صحنه آن را به دنیا نشان داده

و ماهیت واقعی اش را به نمایش بگذارند، اما زمانی که جنگ اتفاق می‌افتد، خود، قربانیان اولیه و اصلی آن هستند.

اگرچه جنگ، هم زندگی مردان و هم زنان را دستخوش تغییر و آشفتگی می‌کند اما زنان و کودکان در معرض آسیب بیشتری قرار دارند چرا که بدن زن، همواره میدان تاخت و تاز توحش آدمی بوده است. جنگ، اوضاع امنیت کشور را مخدوش کرده و آسیب پذیری را افزایش می‌دهد. آمارها نشان داده است که زنان و دختران در طول جنگ در معرض انواع خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند. آن‌ها گاه در شرایط دشوار اقتصادی ناشی از جنگ برای تامین نیازهای اولیه زندگی، دستری به غذا و سرویس‌های پزشکی، مجبور به تن فروشی شده و آسیب‌های جدی بدنی، بیماری‌های مقاربتی، بارداری ناخواسته، سقط جنین و مسائلی از این دست را تجربه می‌کنند.

جنگ، موقعیت اجتماعی بسیاری از زنان را تعریف کرده و آن‌ها را به عنوان بیوه، همسر اسیر یا مفقودالاثر به جامعه معرفی می‌کند. این زنان بر اساس برچسب‌های مزبور باید توقعات جامعه را برآورده نموده و در قالب همین عناوین رفتار نمایند. در جوامع کوچک و یا سنتی، محدود شدن در چنین قالب‌هایی زندگی آسانی را در پی نداشته وگاه تجربه‌ای محدود و متفاوت از زندگی را ایجاب می‌کند. حمزه هنداوی، گزارشگر اسوشیتیدپرس در گزارشی، حدود یک میلیون زن بیوه را نتیجه سه دهه تجربه جنگ در عراق می‌داند. وی معتقد است که این زنان به دشواری زندگی خود و کودکانشان را تامین کرده و علی رغم تمهیداتی که دولت برای زنان بیوه اندیشیده است کمک ناچیزی دریافت می‌کنند (هنداوی، ۲۰۱۰) .

همچنین، در شرایط جنگ که اقتصاد، روندی رو به کساد دارد، فقر و بیکاری افزایش یافته و در این میان، زنان به عنوان نیروهای ارزان با ساعات کار بیشتر و دستمزد کمتر به کار گرفته می‌شوند. شرایط نامناسب کارخانه‌ها، ساعات کار طاقت فرسا، عدم نظارت مسئولان به دلیل شرایط بحرانی کشور، سوء استفاده‌های جنسی و جسمی صاحبان کار از شرایط نامساعد کارگران زن، اندکی از بی‌شمار مشکلاتی ست که زنان در وضعیت نابسامان اقتصادی تجربه می‌کنند. گاه خانواده‌ها به دلیل شرایط دشورا اقتصادی مجبور به فروش کودکان خود به ویژه دختران می‌شوند. برای مثال در جنگ امریکا، حدود یک میلیون عراقی به سمت سوریه پناه بردند.

انجمن جامعه مدنی در این مورد گزارش می‌کند که: «در حومه دمشق که زمانی بیابانی برهوت بود حدود سی کلوب شکل گرفته است که درآمد اصلیشان را از رقص دخترها که همه لباس رقص عربی به تن دارند تامین می‌کنند. در هر یک از این کلوب‌ها ۵۰ تا صد دختر ۱۰ تا ۲۰ ساله کار می‌کنند، اما در میان آن‌ها دخترهای شش هفت ساله هم دیده می‌شود. تقریبا تمام این دختربچه‌ها آوارگان عراقی هستند که پس از جنگ عراق و به دلیل شرایط فعلی در این کشور مجبور شده‌اند به کاری تن بدهند که در سازمان ملل نام "سکس برای بقا" بر آن گذاشته شده است. آن‌ها خشونت در کشور خود را به بهای فقر و سوء استفاده جنسی در سوریه پشت سر گذاشته‌اند.»

بسیاری از زنان، برای دستیابی به شرایط امن‌تر و یا امکان کار و کسب درآمد به همراه خانواده و یا به تنهایی مجبور به مهاجرت می‌شوند. آن‌ها قانونی و یا قاچاقی کشور را ترک کرده و خطرات زیادی را متحمل می‌شوند. در همین شرایط است که قاچاقچیان انسان، دختران و زنان را به عنوان کالاهای جنسی، مورد خرید و فروش قرار داده و در اختیار باندهای برده داری می‌گذارند. آن‌ها حتی اگر از این مرحله نیز به سلامت گذر کنند، در مرحله انتقال به کشور سوم که کشور امن محسوب می‌شود، شرایط دشواری را تجربه می‌کنند. بی‌هویت بودن، نداشتن اجازه کار و تحصیل و فقر، آن‌ها را به انجام کارهای سیاه وادار می‌کند. پناهندگان مجبور به زندگی در کمپ‌های پناهندگی هستند که حتی در کشورهای پیشرفته نیز هیچ تضمینی برای حفظ امنیت این کمپ‌ها وجود ندارد. زنان و کودکان در چنین مکان‌هایی در معرض انواع آسیب‌ها قرار دارند. در برخی موارد، آن‌ها مورد تهدید و آزار جنسی، کلامی و یا حتی تجاوز قرار می‌گیرند. گاه احساس ناتوانی کرده و برای کسب امنیت مجبور می‌شوند به فردی که دارای قدرت بیشتری هست سرویس جنسی داده و تن خود را معامله کنند. نوها سلیم، سخنگوی سازمان غیردولتی آزادی زن مستقر در عراق در این باره می‌گوید: «این سازمان، ناپدید شدن چهارهزار زن بعد از حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳ را ثبت کرده است که ۲۰ درصد آن‌ها کمتر از ۱۸ سال

دارند. او گفت سازمان معتقد است زنان مزبور را ربوده و به بازار تجارت جنسی در خارج عراق فروخته‌اند.» (انجمن جامعه مدنی).

در مجموع، چهره جنگ در اغلب موارد چه برای زنانی که در آن مشارکت داشته و چه آن‌ها که متاثر از آن بوده‌اند، کریه و آزار دهنده بوده است. افسردگی، اختلال شخصیت، اختلالات خلقی و هیجانی، مشکلات خواب، استرس پس از سانحه که می‌تواند مربوط به از دست دادن یکی از اعضای خانواده و یا تجربه خشونت باشد، از مواردی هستند که زندگی انسان‌ها را پس از جنگ دگرگون می‌نمایند. جنگ، همواره مسیر خود را با گذر از تن زن در پیش گرفته و در نهایت علاوه بر مرگ، آسیب‌های جدی جسمی و روانی برای قربانیان خود به یادگار گذاشته است. اگرچه روزگار کنونی و پیشرفت تکنولوژی و صنعت، لزوم جنگ‌های تن به تن را کمتر کرده اما تاثیر آن بر شرایط اقتصادی و اجتماعی، همواره نتایج مشابه مخرب و طولانی را به همراه داشته است.

منابع مورد استفاده برای این مطلب:

کاسترپ، ماریانه - جنگ و سلامت روان زنان - ۲۰۰۶- مجله روان پزشکی فرهنگی

امرایی، امیلی - روایتی از کابوس‌های زندگی - اسفند ۱۳۹۰- روزنامه اعتماد

http://www.etemaad.ir/Released/90-12-27/297.htm

انجمن جامعه مدنی در خلیج و خاورمیانه

http://www.tgmacs.com/pp/read/542

دی کریستف، نیکلاس - جایگاه زن – ۲۰۰۳- نیویورک تایمز

http://www.nytimes.com/2003/04/25/opinion/25KRIS.html

کمپین بین المللی توقف خشونت جنسیتی و تجاوز در جنگ - 2012

http://www.stoprapeinconflict.org

گیبس، نانسی - حمله جنسی به سربازان زن: نپرس، نگو – ۲۰۱۰ - مجله تایمز

http://www.time.com/time/magazine/article/0,9171,1968110,00.html

ویکی پدیا

http://en.wikipedia.org

هنداوی، حمزه – یک میلیون زن بیوه جنگی عراق، کمک ناچیزی دریافت می‌کنند – ۲۰۱۰ - اسوشیتید پرس

http://www.msnbc.msn.com/id/38100776/ns/world_news-mideast_n_africa/t/iraqs-one-million-war-widows-see-little-help/#.T5WRJastgmc

—

سینمای ایران درسراشیبی

2012-05-25 · Archive ID 897
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=897

رضا حاجی‌حسینی

سینمای ایران، سال گذشته سال بدی را پشت سر گذاشت و امسال، سال بدتری را آغاز کرد . در این میان، شیرینی اسکار " اصغر فرهادی " هم نتوانست این تلخی‌ها را از بین ببرد . در نیمه دوم سال ۱۳۹۰ ، خانه سینما تعطیل شد و در آغاز سال ۱۳۹۱ ، دو فیلم از روی پرده سینماها پایین کشیده شدند تا بحران سینما به اکران نوروزی و شرایط نشان دادن فیلم‌ها کشیده شود .

این در حالی‌بود که " علی‌رضا سجادپور " ، مدیرکل اداره نظارت و ارزش‌یابی سازمان سینمایی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس درباره توقیف فیلم " خصوصی " و پایان اکران فیلم " گشت ارشاد " گفته بود : " اکران طبیعی این آثار در حال اتمام است و به تدریج، فیلم جایگزین می‌شود . اصلا بحث توقیف مطرح نیست، زیرا اگر توقیف بود این فیلم‌ها امکان اکران نداشت و سالن در اختیار آن‌ها قرار نمی‌گرفت ."

در همین زمان اما سینماهای متعلق به حوزه هنری و شهرداری تهران از ادامه اکران این فیلم‌ها سر باز زدند . اعتراض امامان جمعه و ضرب‌الاجل ۴۸ساعته " انصار حزب‌الله " به وزارت ارشاد، کار خودش را کرد و روند قانونی اکران به بی‌قانونی کشید . " سعید سهیلی " ، کارگردان " گشت ارشاد " نامه نوشت و اعتراض کرد . صدای اعتراض خیلی‌های دیگر هم بلند شد اما به جایی نرسید . نتیجه شد ضرر مالی تهیه‌کننده و خسارت عاطفی عوامل تولید دو فیلم و بالاتر از آن، شکل‌گیری محملی برای اجرایی شدن درخواست‌های فراقانونی گروه‌های خاص و ممیزی‌های خودسرانه که به‌نظر می‌رسد مقاومت‌های مدنی هم تاثیری بر تصمیم‌های‌شان نمی‌گذارد .

این داستان پس از گذشت بیش از یک ماه هم‌چنان ادامه دارد و وارد فازهای جدیدی هم شده است که می‌تواند سینمای ایران را این بار بیش از گذشته با بحران مخاطب روبه‌رو کند .

در روزهای پایانی فروردین ماه امسال، "محسن مومنی شریف"، رییس حوزه هنری که وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی است و مدیریت تعدادی از سینماهای کشور را در اختیار دارد اعلام کرد که فیلم‌های به گفته او "مسئله‌دار" در نوبت اکران امسال که گویا تعدادشان به ۱۵ می‌رسد، در سینماهای حوزه هنری اکران نخواهند شد. او در مراسمی با عنوان گرامی‌داشت روز هنر انقلاب اسلامی، با اشاره به شرایط اکران نوروزی گفت : "بنده مایل نبودم این سیاست را اعلام کنم، اما مسائل اخیر باعث شد بگویم حداقل ۱۵ فیلم از فیلم‌های نوبت اکران امسال در سینماهای حوزه هنری نمایش داده نخواهند شد."

صحبت می‌کنیم

در پاسخ به اظهارات رییس حوزه هنری، عالی‌ترین مقام وزارت ارشاد که مسوولیت صدور پروانه نمایش فیلم‌ها را برعهده دارد اعلام کردکه "این صحبت و اعلامی است که انجام شده و باید بیش‌تر با دوستان صحبت کنیم و ببینیم چه مواردی را می‌گویند و چه فیلم‌هایی مدنظرشان است. پس از آن صحبت‌ها، درباره این موضوع تصمیم‌گیری خواهیم کرد."

"سید محمد حسینی"، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با اشاره به این‌که درباره فیلم‌های سینمایی همیشه اختلاف نظر وجود دارد، گفت: "طبیعتا ما نمی‌توانیم افراد را مجبور کنیم که نظرات‌شان عینا مانند شورای اکران یا صدور پروانه ساخت و نمایش باشد. کشور ما، کشور آزادی است که در آن چند صدایی وجود دارد و افراد در بحث‌های مختلف در صداوسیما و نشریات نظرات‌شان را مطرح می‌کنند."

چند روز بعد اما مدیرکل اداره نظارت و ارزش‌یابی سازمان سینمایی بار دیگر در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس درباره بیانیه حوزه هنری و بند قانونی که سالن‌ها را مخیر به انتخاب فیلم‌ها می‌کند، گفت: "ما هیچ سینمایی را به اکران هیچ فیلمی اجبار نمی‌کنیم. قانون می‌گوید فیلم‌هایی که مجوز اکران دارند را ارشاد مشخص می‌کند و سینماها خودشان بسته به شناخت و علاقه‌شان فیلم‌ها را انتخاب کرده و در سالن‌های‌شان به نمایش درمی‌آورند."

شهرداری تهران هم که اداره امور چندین سینما در این شهر را برعهده دارد، اعلام کرد که فیلم‌های مسئله‌دار را اکران نمی‌کند. "هادی منبتی"، مدیرعامل موسسه تصویر شهر، درباره اکران فیلم‌های سینمایی دارای پروانه نمایش از اداره نظارت و ارزش‌یابی در سالن‌های نمایش موسسه تصویر شهر سازمان فرهنگی هنری شهرداری

تهران گفت : “ما براساس بند قانونی که سینماها را مخیر به انتخاب فیلم‌ها کرده است، فیلم‌ها را انتخاب می‌کنیم و آثاری که سلامت روانی جامعه را به خطر می‌اندازد، در سالن‌ها به نمایش درنمی‌آوریم.”

تهیه‌کنندگان و اعتراض تند

در ادامه ماجراهای فیلم‌های موسوم به مسئله‌دار، اتحادیه صنفی تهیه‌کنندگان وارد موضوع شد و در پاسخ به مدیر حوزه هنری بیانیه تند و تیزی صادر کرد. بیانیه‌ای که ادبیاتش مانع از آن شد که مورد حمایت عمومی اهالی سینما قرار بگیرد. در بخشی از این بیانیه آمده است:

“فرموده‌اید توانایی آن دارید که سالانه ۲۰ فیلم ارزشی تولید کنید اما افسوس که بودجه در اختیار کف با لیاقت شما نمی‌گذارند! چه آرزوهایی! آقای مدیر محترم! شما بودجه در اختیار دارید اما آن تدبیر که بودجه را به‌درستی هزینه کند در چنته ندارید.اتفاقا سوال مهم دیگر سینمای ایران از شما همین است که چه‌گونه است فیلمی که در بخش خصوصی به کم‌تر از ۵۰۰ میلیون تومان تمام می‌شود، تحت مدیریت بی‌بدیل شما سر از یک، یک و نیم تا دو میلیارد درمی‌آورد؟ حالا بگذریم از کیفیت‌ها و محتواهایش که خود حکایت آن خر سرخ است و دجال پر سر و صدایش! و یا چه‌گونه است که برای تبلیغات یک فیلم، لشگری از تبلیغات‌چی‌های مفت‌خور راه انداخته می‌شود و تا ۳۰۰-۴۰۰ میلیون تومان، بودجه تبلیغات فقط یک فیلم می‌شود. و یا حکایت تلخ تیزرها و برنامه‌های مجانی و جهت‌دار صداوسیما که اگر در مقابل چشمان حسرت‌زده اهالی مظلوم و بی‌کس مانده سینمای ایران هزینه آن محاسبه شود سر به بیش از پنج میلیارد می‌زند!”

تندی این بیانیه باعث شد که شماری از تهیه‌کنندگان و کارگردانان نسبت به آن موضع بگیرند و آن را نظر اکثریت تهیه‌کنندگان ندانند. “علی‌اکبر ثقفی”، تهیه‌کننده و عضو سابق جامعه صنفی تهیه‌کنندگان با انتقاد از این بیانیه گفت: “هر هنری و هر هنرمندی اگر اخلاق را رعایت نکند محکوم به فنا است. هنرمند باید منتشر کننده اصول اخلاقی باشد و با توجه به نیاز جامعه ما که اخلاق‌مداری است، باید گفت این‌گونه اظهارنظرها و منتشر کردن بیانیه‌هایی با ادبیات هجومی به هیچ‌وجه در شان هنر سینما و هیچ هنر دیگری نیست. این بیانیه نگاه کل اهالی سینما نیست و تنها نظر شخصی یک عده است.”

کسان دیگری هم به این بیانیهاعتراض کردندکه از جمله آنان می‌توان به “همایون اسعدیان”، تهیه‌کننده و کارگردان، “محمدعلی نجفی”، تهیه‌کننده و کارگردان و“مسعود اطیابی”، عضو مستعفی اتحادیه تهیه‌کنندگان اشاره کرد. حوزه هنری هم بابیانیه‌ای به این بیانیه واکنش نشان داد و پی‌گیری اقدامات اهانت‌آمیز تنظیم‌کنندگان نامه مذکور را از طریق مراجع قانونی، حق خود دانست. متنی نیز با امضای “سهیل جهان‌بیگلری”، مدیرعامل سازمان سینمایی سوره، منتشر شد که در آن بر مواضع قبلی حوزه هنری پافشاری شد. در این متن، تصمیم حوزه هنری برای عدم نمایش برخی فیلم‌ها، دقیقا در راستای امنیت شغلی دانسته شده است.

رئیس حوزه هنری هم در نمایشگاه کتاب و در گفت‌وگو با خبرنگار کیهان گفت : “همان‌طور که قبلا هم گفتم در حال حاضر سینمای ما در زمینه اخلاقی و خانواده در معرض خطر است. نظر و موضع ما در قبال فیلم‌های غیراخلاقی همانی است که اعلام کردیم و از تصمیم خود منصرف نمی‌شویم. کاش کسانی که به تصمیم حوزه هنری انتقاد و اعتراضی دارند، بر اساس یک تحلیل علمی و دقیق ابراز نظر کنند که متاسفانه چنین نمی‌کنند.”

آقای مومنی شریف البته نگفته است که چه‌گونه ممکن است فیلم‌هایی از فیلتر وزارت ارشاد بگذرند و از سازمان سینمایی پروانه ساخت و نمایش بگیرند اما غیراخلاقی باشند یا این‌که چه‌طور فیلم‌هایی مثل “اخراجی‌ها” با آن حجم از شوخی‌های کلامی و حتی جنسی، چنین مشکلی برای اکران در سینماهای حوزه هنری نداشتند؟

به هر ترتیب اما حرکتی صنفی و مدنی که ممکن بود بتواند مانع رفتارهای فراقانونی بشود، به‌دلیل ادبیات گزنده‌اش به‌نظر شکست خورده می‌رسد. گرچه “ضیا هاشمی”، رئیس جامعه صنفی تهیه‌کنندگان، با حمایت از انتشار این بیانیه در پاسخ به منتقدان گفته است: “اگر کسی ناآگاهانه برخلاف نظر جمعی هیات مدیره که نماینده مجمع عمومی است، اظهارنظر یا عملی انجام دهد، این عمل، تخلف صنفی محسوب می‌شود.”

او هم‌چنین تاکید کرد: "این شروع یک بیانیه صنفی و ادامه‌دار است و ما از این پس در خصوص هجمه‌های صنفی نسبت به هر نهادی که علیه سینما قد علم کند، برخورد قانونی خواهیم داشت و از تمام حقوق صنفی خود علیه بی‌قانونی استفاده کرده و اقدامات لازم را انجام می‌دهیم."

سینما فلج می‌شود

تصمیم حوزه هنری برای اکران نکردن فیلم‌هایی که از آن‌ها با عنوان مسئله‌دار یاد می‌شود، سینمای ایران را فلج می‌کند.

این گفته "امیر سیدزاده"، تهیه‌کننده سینماست. او در بررسی وضعیت فعلی سینمای ایران گفته است: "شرایط در سینمای ایران به‌گونه‌ای شده که کم‌تر تهیه‌کننده یا کارگردانی تمایل به تولید فیلم دارد. حوزه هنری به‌دلیل مالکیتی که روی سالن‌های خود دارد می‌تواند هر فیلمی را که می‌خواهد به نمایش بگذارد اما این راه درمان نیست. این تصمیم حوزه هنری هیچ کمکی به عرصه فرهنگ و به‌خصوص سینما نخواهد کرد."

"عباس بابویهی"، دیگر تهیه‌کننده سینما هم معتقد است که حوزه هنری بر خلاف ادعاهایش مبنی بر حمایت از فیلم‌های ارزشی، بیش‌تر نگاه جناحی را در عدم اکران دو فیلم نوروزی اعمال کرده است.

آقای بابویهی در گفت‌وگو با پایگاه خبری هنر گفت : "باید ساختار کل سینمای ایران را دوباره مورد شناسایی قرار داد چرا که این ساختار، یک ساختار مدیریتی است و بیش‌تر از این‌که هنرمند و فیلم‌ساز در این ساختار حاکم باشد، مدیریت حاکمیت دارد.متاسفانه حوزه هنری، این مدیریت را به عنوان یک امر ملوک‌الطوایفی و هم‌چون یک جزیره برای خودش محفوظ می‌داند و آمار و ارقام هم نشان می‌دهد که حوزه آن نقشی را که در رشد و تعالی سینمای ایران باید داشته باشد، با وجود داشتن نیمی از سینماها، ندارد. بودجه فیلم‌سازی حوزه هنری حدود دو و نیم میلیارد تومان در سال است. پولی که از سینماهای زیر نظر خود به‌دست می‌آورد هم چندین و چند برابر پولی است که از سوی مجلس شورای اسلامی به آن اختصاص می‌یابد. حوزه این پول را در تشکل اداری و هم‌چنین اداره سینماهای خود استفاده می‌کند. بنابراین نگاه حوزه هنری بر خلاف ادعاهایش همواره نگاه اقتصادی است."

نگاه یک منتقد

"احمدرضا حجارزاده"، منتقد سینما اما درباره این ماجراها به عرصه‌سوم می‌گوید:"به‌نظرم آن‌چه در اکران نوروزی سال ۹۱ اتفاق افتاد، شکل مستقیمی از قانون‌شکنی در جامعه است. وقتی فیلم‌هایی از مجراهای قانونی می‌گذرند و مجوز اکران می‌گیرند، چه معنا دارد عده‌ای که خود را متولی امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند، خودسرانه دست به اقدام غیرقانونی بزنند و با یورش به سینماها، فیلم‌ها را از پرده پایین بکشند؟"

او با اشاره به پیشینه چنین اتفاق‌هایی می‌گوید: "چنین جریانی در مورد فیلم آدم‌برفی هم اتفاق افتاد که بعد رفع توقیف هم شد و به شبکه نمایش خانگی آمد و با استقبال مواجه شد. این اتفاق‌ها به این معناست که عده‌ای می‌خواهند برای فرهنگ، هنر، اندیشه و انتخاب مردم تصمیم بگیرند."

اما این رویدادها چه تاثیری بر مخاطبان سینما می‌گذارد؟ تاثیر چنین اتفاق‌هایی خوشایند نیست و احتمالا سبب مخاطب‌گریزی و خالی ماندن سالن‌ها از تماشاگر می‌شود. به گفته حجارزاده، "پس از ماجراهای اکران نوروزی امسال، بسیاری از سینماداران لب به گلایه گشودند که مردم و سینماروها، از بیم جان و نبود ضمانت امنیتی، برای آمدن به سینما خطر نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند منتظر پخش فیلم‌ها در شبکه نمایش خانگی شوند!"

این منتقد سینما به عرصه‌سوم می‌گوید: "جالب این‌جاست که حوزه هنری اعلام کرده از نمایش ۱۵ فیلم دیگر نیز جلوگیری خواهد کرد و این یعنی جریان پیش‌آمده به این سادگی‌ها تمام نخواهد شد و این قصه سر دراز دارد. صدور بیانیه‌های گوناگون از سوی اصناف سینمایی هم گرچه حرکت قابل ستایش و مهمی است، اما همان‌طور که تاکنون تاثیری بر توقف جریان‌های مخرب پیش‌آمده در سینما نداشته، بعد از این نیز نخواهد داشت، مگر این‌که در کنار صدور چنین بیانیه‌هایی، افراد صاحب صلاحیت، منتقدان، کارشناسان و متولیان فرهنگی، با تبادل نظر و آرا، مشکلات پیش‌آمده را حل کنند. البته وقتی یک گروه صنفی نسبت به موضوعی واکنش نشان می‌دهد، یعنی جامعه ما هنوز جامعه‌ای پویاست. گرچه رفتارهای تند و تیز و گاهی غلط، راه به جایی نمی‌برند. مهم‌ترین

کاری که شاید بتوان برای حل چنین اختلاف‌هایی انجام داد، این است که اجازه بدهیم مردم خودشان انتخاب کنند. آن‌ها که به سینما می‌روند، فیلم می‌بینند، تئاتر می‌بینند و به مدد وجود اینترنت در جریان آخرین اخبار فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی روز دنیا هستند، احتمالا خودشان می‌توانند خوب و بد محصولات فرهنگی را تشخیص دهند.”

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-05-29 · Archive ID 899
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=899

عرصه سوم- خرداد ماه برای ایرانیان همواره آبستن فراز و نشیب های بسیاری بوده است. در طول سال‌های گذشته اصطلاح "خرداد پرحادثه" باب شد، که به نوعی نگرانی و حس انتظار برای وقوع حوادث تاریخی را در خود دارد. اما امسال در هفته اول خرداد چه گذشته است؟ فعالان و سازمان های مدنی با چه چالش هایی روبه رو بوده اند.

گزارش پریسا کاکایی از مهمترین وقایع هفته گذشته را می خوانید.

نقض حقوق بشر

در شرایطی که ایران رتبه دوم را در اجرای مجازات اعدام در دنیا دارد، رسانه‌ها و مراکز حقوق بشری خبر از افزایش تعداد اعدام ها در کشور می دهند. بنا براعلام دادسرای عمومی و انقلاب تهران، در اول خرداد ماه 14 نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام شدند. این در حالی ست که سازمان عفو بین الملل آمار اعدام ها در ایران را در سال 2011، به تعداد 360 نفر اعلام کرده بود.
تقض حقوق بشر درایران تنها اجرای مجازات های شدید نیست. نداشتن حق اعتراض یکی دیگر از موضوعات حقوق بشری است. در روز اول خرداد گروهی از شهروندان ارومیه ، در پاسخ به دعوت فعالان مدنی آذربایجان و دراعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه و همچنین سالگرد اعتراض به چاپ کارتونی تبعیض آمیز در روزنامه ایران درسال 1385، دست به تجمعی مسالمت آمیز زدند که با برخورد مامورین دولتی مواجه شده و تظاهرکنندگان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. نیروهای دولتی سپس تعداد زیادی را بازداشت و به بازداشتگاه منتقل کرده اند.
گزارش های دیگری از محاکمه چند تن از اعضای جامعه قومی عرب ایرانی در اهواز خبر می دهند. هم چنین در روز 31 اردیبهشت، دادستان زاهدان، مرکز استان، اعلام کرد چند تن در ارتباط با ترور امام جماعت یک مسجد، که هم‌زمان فرمانده واحد محلی بسیج و از طرف‌داران دولت بود، در بهمن ماه، دستگیر شده اند. به ادعای دادستان شش نفر به اتهام مشارکت در این ترور بازداشت شده‌اند. از سوی دیگر، در سوم خرداد ماه، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر به همراه جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، بیانیه مشترکی در اعتراض به سرکوب اقوام منتشر نمودند. این بیانیه اذعان می دارد که : " روز 25 اردیبهشت 1391، نیروهای امنیتی در شهر راسک در استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی کشور به روی کسانی که به دستگیری 15 نفر از جمله دو امام جماعت اهل سنتِ بلوچ و خویشاوندان آن‌ها اعتراض داشتند، آتش گشودند، که دست کم یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند.

روز چهارم خرداد ماه، سازمان عفو بین الملل گزارشی مبتنی بر موارد نقض حقوق بشر در ایران منتشر کرد که در آن به تشدید محدودیت آزادی بیان، آزادی تشکل و گردهمایی، بازداشت مخالفان سیاسی، فعالان حقوق زنان و اقلیت‌ها و دیگر مدافعان حقوق بشر، آزار همجنس گرایان، افزایش آمار اعدام به ویژه اعدام کودکان، احکام شلاق، تبعیض اقوام، عدم اجازه ورود به احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل ، کنترل رسانه ها، توقیف روزنامه ها و فیلترینگ اینترنت اشاره کرده است.

روند بازداشت ها نیز در ایران همچنان ادامه دارد. در هفته اول خرداد ماه، بسیمه کامجو ، شهروند بهائی و فعال حقوق کودکان بازداشت شد. به گزارش هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مأموران

حکومتی به منزل بسیمه کامجو در قشم مراجعه کرده و پس از توقیف وسایل وی از قبیل کامپیوتر شخصی، لپ‌تاپ، کتاب، سی‌دی، دوربین عکاسی او را با خود بردند. بسیمه کامجو پس از دیدن حکم گفت که ظاهراً به دلیل آموزش کودکان در بندرعباس او را بازداشت می‌کنند. اما وب سایت جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی، دلیلی اصلی بازداشت وی را اعتقاد به دیانت بهائی اعلام کرده است.

زندانیان سیاسی

مرگ زندانی سیاسی، منصور رادپور نیز یکی دیگر از موضوعات خبرساز بود که در هفته ی اول خرداد توجه رسانه ها و نهادهای حقوق بشری را به خود جلب نمود. رادپور که در سال 1386 به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران بازداشت شده بود، به مدت 25 روز توسط ماموران وزارت اطلاعات مورد ضرب و شتم شدید واقع شد به شکلی کتف و دنده های وی آسیب دید و مورد درمان نیز قرار نگرفت. او سرانجام در دوم خرداد 1391، علی رغم هفته ها بیماری و عدم رسیدگی بهداری زندان و همچنین عدم برخورداری از حق ملاقات با فرزندانش در زندان رجایی شهر کرج بر اثر سکته مغزی جان سپرد.
سوم خرداد ماه نیز حسین رونقی ملکی، وبلاگ نویس و عضو کمیته مبارزه با سانسور، در اعتراض به شرایط خود دست به اعتصاب غذا زد. این فعال مدنی، دچار بیماری کلیوی است و بنا بر تشخیص پزشکان، کلیه چپ وی از کار افتاده و باید مورد عمل جراحی قرار بگیرد. او تا کنون چهار بار مورد عمل جراحی قرار گرفته و نیازمند برخورداری از مراقبت های پزشکی ویژه است ولی مسئوولان از این امر سر باز زده و با مرخصی درمانی وی موافقت نکرده اند. او این بار، ضمن خداحافظی با خانواده خود در اعتراض به این وضعیت دست به اعتصاب غذا زده است. در حمایت از این فعال مدنی، آرش صادقی، فعال دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی که هم اکنون در زندان به سر می برد نیز دست به اعتصاب غذا زد. او مطالبه خود را رسیدن حسین رونقی به تمامی درخواست هایش اعلام کرده است.

کودکان کار و خیابانی

فرشید یزدانی از اعضای انجمن حمایت از حقوق کودکان ،ششم خرداد ماه، در گفت و گو با ایلنا خبرگزاری کار ایران،اعلام کرد: " حدود 4.5 درصد کودکان کار و خیابانی به ویروس ایدز آلوده هستند که این رقم ۴۵ برابر متوسط کشوری است، و با میزان شیوع این بیماری در میان زنان روسپی برابری می کند." او معتقد است: " بر اساس پژوهش‌ها در ایران ۲۰ درصد از کودکان کار تجربه استفاده از مواد مخدر را دارند و ۴۰ درصد نیز مشروبات الکلی را تجربه کرده‌اند." وی رشد تورم و بحران‌های اقتصادی را موجب تضعیف خانواده ها و در نتیجه ورود بیشتر کودکان به بازار کار می داند.

کارگران

در اولین روز خرداد ماه فریبرز رئیس دانا ، اقتصاد دان و فعال حقوق کارگران بازداشت شد و به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر، وی برای اجرای حکم یک سال زندان به اوین منتقل شد. او پیش از این در آذر ماه 1389، پس از گفت و گو با تلویزیون بی بی سی و بیان انتقاد خود نسبت به برنامه هدفمند کردن یارانه ها در دولت احمدی نژاد بازداشت و پس از یک ماه با قرار وثیقه آزاد شد، اما دادگاه وی را بعدا به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد.
از سوی دیگر، گزارشات حاکی از بیکار شدن پنج هزار کارگر در کرمانشاه است. این کارگران که سال ها در کوره های آجرپزی مشغول به کار بوده اند با بسته شدن کوره های مزبور کار خود را از دست داده و با مشکلات زیادی برای گذران زندگی خود مواجه شده اند. به گفته بعضی از آنان، طرح هدفمندسازی یارانه ها و افزایش قیمت سوخت از دلایل اصلی بیکاری آنها هستند.

زنان

اما با گرم تر شدن هوا، نیروی انتظامی موج جدیدی از حمله به زنان را آغاز کرده است. در نخستین روزهای خرداد ماه، نیروی انتظامی برخورد با زنان "بدحجاب"، هرگونه نمایش لباس زنانه حتی در مکان های زنانه و نحوه کار آتلیه داران را در صدر برنامه های خود قرار داده است. به نقل از فرمانده نیروی انتظامی، سردار حسین ساجدی نیا، زنانی که بازداشت می شوند بلافاصله به روانکاو و روان شناس مربوطه ارجاع داده شده و

مشاوره می شوند. این نهاد، در مورد آتلیه ها، تالارهای عروسی، نحوه کار آرایشگاه ها و نوع پوشش زنان راننده در خیابان ها نیز هشدار داده است.
خبر مهم حوزه آموزش در هفته اول خرداد ماه آن بود که دانشجویان از این پس به جای رشته مطالعات زنان ، حقوق زن در اسلام را در پیش رو خواهند داشت. این تصمیم بر اساس مصوبه پنجاهمین جلسه شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی اتخاد شده است. به باور این شورا، رشته مطالعات زنان، با تعلیمات اسلامی ضدیت داشته و تغییر آن ضروری به نظر می رسد.
از سوی دیگر، دانشجو نیوز از موفقیت دانشجویان و اساتید دانشگاه علم و صنعت در لغو پذیرش تک جنسیتی این دانشگاه خبر داد. به گزارش این وب سایت: "همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید و در مهرماه ۹۰ اعتراضات دانشجویی به شکل سازمان یافته ای ادامه پیدا کرد و به طرق مختلف از جمله پیگیری و اعتراض نشریات دانشجویی و مصاحبه با مسئولین و اساتید مختلف پیرامون این مسئله، تشکیل کمپین های اینترنتی با موضوع اعتراض به تبعیض جنسیتی دانشگاه علم و صنعت، مصاحبه ی فعالین دانشگاه علم و صنعت با رسانه ها پیرامون این قضیه، بیانیه دانشجویان سبز دانشگاه علم و صنعت، نامه ی انتقادی هفده فعال دانشجویی دانشگاه علم و صنعت خطاب به جبل عاملی رییس دانشگاه اعتراضات در این زمینه ادامه یافت. در مراسم مختلف و از جمله جلسه ی پرسش و پاسخ دانشجویان با رئیس دانشگاه نیز یکی از موضوعات اصلی اعتراض دانشجویان موضوع تک جنسیتی نمودن رشته ها در مقطع کارشناسی ارشد بود. سر انجام در تاریخ شش خرداد و همزمان با انتشار دفترچه های انتخاب رشته ی کارشناسی ارشد، تبعیضات جنسیتی مندرج در دفترچه سال ۹۰ حذف گردید. وبدعت ایجاد شده که باعث پایمال نمودن حق بسیاری از دانشجویان دختر در سال گذشته شده بود، با پافشاری دانشجویان و اساتید دانشگاه علم و صنعت از بین رفت."
محمد بحرینیان، رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی ایران نیز، شنبه ششم خرداد ماه، آمار زنان سرپرست خانوار را در ده سال اخیر رو به افزایش دانست. خبرآنلاین، این افزایش را 58 درصد اعلام کرده است. مسئولان سازمان بهزیستی، کمیته امداد، مرکز امور زنان و نهاد ریاست جمهوری مدعی هستند که زنان مزبور را تحت پوشش قرار داده اند اما اغلب گزارش ها حاکی از شرایط نابسمان و دشواری زندگی این زنان است.

فرهنگ و هنر

چهارشنبه سوم خرداد ماه، سازمان گزارشگران بدون مرز ، طی بیانیه ای در رابطه با بازداشت روزنامه نگاران، وزارت ارشاد را مکانی برای اعمال سانسور، بازجویی از روزنامه نگاران اعلام کرد. گزارشگران، احضار، بازجویی و بازداشت روزنامه نگاران را محکوم کرده و خواستار آزادی 30 روزنامه نگار و 18 وب نگار در بند شده است.
از میان نویسندگان و مترجمان، منیژه نجم عراقی، صبح روز هفتم خرداد ماه بازداشت و برای گذرندان یک سال حبس تعزیری به زندان اوین منتقل شد. او در سال 89 بازداشت و توسط دادگاه انقلاب به اتهام عضویت در کانون نویسندگان ایران، ارسال بیانیه‌های کانون نویسندگان و شرکت در تجمع‌ها بر مزار محمد مختاری، محمدجعفر پوینده و احمد شاملو، به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.
البته سانسور و توقیف تنها به روزنامه نگاری و روزنامه نگاران محدود نمی شود. جواد شمقدری، رئیس سازمان امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوم خرداد ماه ، مجددا خانه سینما را غیرقانونی اعلام نموده و انحلال آن را خواستار شد. اما دیوان عدالت اداری، در پی اعتراض خانه سینما به لغو این نهاد توسط وزارت ارشاد، نامه وزارت مزبور را که در دی ماه 1390، خانه سینما را منحل نموده قانونی ندانسته و آن را باطل اعلام کرد. در شرایطی که بر اساس این رای خانه سینما اعلام کرده بود که دوباره فعالیت خود را از سوم خرداد ماه آغاز خواهد کرد، خبرگزاری فارس از تجمع جمعی از نیروهای حزب اللهی که شامل اعضای کانون مستندسازان جهادی، هیئت هنرمندان حزب‌الله بسیج هنرمندان و جمعی از خبرنگاران خبرگزاری هنر در مقابل خانه سینما به نشانه اعتراض خبر داد. در پایان هفته نخست خرداد ماه نیز هیات رسیدگی به امور مراکز فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران رای تعطیلی دائم خانه سینما را صادر نموده و اعلام کرد در صورت ادامه کار خانه سینما با آن برخورد خواهد شد.

—

موفقیت کمپین کارتونیست های ایرانی دردفاع ازمحمود شکرایه

2012-05-31 · Archive ID 902
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=902

رضا حاجی‌حسینی

مصاحبه با مانا نیستانی و همکارانش در داخل و خارج از کشور

وقتی اواخر سال۱۳۸۹، محمود احمدی‌نژاد، رییس دولت دهم، در سفر خود به استان مرکزی، ناگهان از انتقال یک تیم فوتبال لیگ برتر ایران(نفت تهران)، به این استان خبر داد، بدبین‌ترین ناظران هم گمان نمی‌کردند اجرا نشدن این تصمیم، ۲۵ ضربه شلاق برای یک شهروند اراکی به همراه داشته باشد.

"محمود شکرایه"، کاریکاتوریستی اراکی است که به بهانه این ماجراها، کاریکاتوری از نماینده شهرشان در مجلس شورای اسلامی کشید. نماینده‌ای به‌نام "احمد لطفی آشتیانی" که خیلی دلش می‌خواست شهرش یک تیم لیگ برتری داشته باشد اما می‌خواست این تیم را از تهران ببرد! او که با حضور در پربیننده‌ترین برنامه ورزشی تلویزیون ایران، "نود"، به چهره‌ای شناخته شده تبدیل شد، پس از انتشار کاریکاتورش در نشریه محلی "نامه امیر"، از شکرایه شکایت کرد. نتیجه این شکایت، حکم۲۵ ضربه شلاق برای کاریکاتوریست بود.

این خبر که ۱۸ اردیبهشت ماه امسال منتشر شد، بازتاب گسترده‌ای داشت. رسانه‌های مختلفی به آن پرداختند و شلاق زدن افراد را، آن هم به چنین جرمی، اقدامی وحشیانه دانستند. مانا نیستانی، کاریکاتوریست برجسته ایرانی ساکن پاریس در واکنشی سریع یادداشت و کاریکاتوری در سایت"مردمک" منتشر کرد. او از همه همکارانش هم خواست تا آن‌ها هم بی‌تفاوت نمانند:

"نیازی به هو و جنجال و افتادن به دام بازی‌های سیاسی نیست. قلم‌شان را بردارند و همان کار محمود شکرایه را انجام دهند: بدون هیچ توهین و تندروی، کاریکاتوری از آقای نماینده اراک بکشند و در صفحات و وبلاگ‌هایشان منتشر کنند."

این خواسته مانا نیستانی، خیلی زود به یک جریان تبدیل شد و گروهی از کاریکاتوریست‌های ایرانی، کاریکاتورهایی از احمد لطفی آشتیانی کشیدند. کوتاه مدتی بعد، روزنامه انگلیسی گاردین، از این جریان به‌عنوان کمپینی بین‌المللییاد کرد که از سوی کاریکاتوریست‌های ایرانی در سرتاسر جهان به راه افتاده است. در ادامه این ماجرا، نماینده اراک شکایت خود را پس گرفتو خبرهایی هم درباره تغییر حکم شلاق به جریمه نقدی منتشر شد .

روند این اتفاقات، می‌تواند زمینه‌ساز امیدواری‌ها و فعالیت‌های تازه در زمینه فعالیت‌های مدنی و صنفی باشد اما پرسش این‌جاست که این ایده چه‌گونه شکل گرفته است و آیا می‌توان از آن به عنوان الگویی برای دیگر حرکت‌های صنفی بهره برد؟

جرم، کشیدن کاریکاتور

مانا نیستانی، در پاسخ به سوالات عرصه‌سوم می‌گوید: "وقتی خبر حکم شلاق را خواندم به فکرم رسید باید کاری کرد اما دوست داشتم این کار، چیز عملی و کارآمدی باشد نه فقط یک نمایش شعاری.کاریکاتوریست اراکی هیچ قانونی را نشکسته بود جز آن که کار معمول کاریکاتوریست‌ها را انجام داده بود: طراحی اغراق‌آمیز چهره یک سیاست‌مدار غیر روحانی. تازه آن هم با اغراقی بسیار بسیار خفیف. فکر کردم چرا باید چهره سیاست‌مداران با صدور چنین احکامی تبدیل به تابوی جدیدی بشود؟ شکستن این تابو راحت بود و هزینه نسبتا کمی حتی برای کارتونیست‌های داخل ایران داشت. پس اول خودم چهره نماینده را به تاسی از محمود شکرایه کشیدم و کنار طرح، از همکارانم خواستم آن‌ها هم چنین کنند. شخصا معتقدم کارتون و کاریکاتور در تندترین شیوه عرضه و بیان هم باید آزاد باشد اما برای بستن دهان حکومتی‌ها و جلوگیری از اتهام «توهین»، درخواست کردم کارها با نهایت احترام، بدون شوخی‌های تند کشیده شوند. اگر قرار بود حکومت چیزی را توهین تلقی و برای مابقی دوستان مشکل ایجاد کند، بگذاریم آن چیز «خود کاریکاتور» باشد. لااقل تکلیف همه روشن می‌شود که نفس کشیدن کاریکاتور در ایران جرم است."

نیستانی با اشاره به تجربه‌های پیشین صنفی در میان کاریکاتوریست‌ها می‌گوید: “در تجربه تحریم دوسالانه کاریکاتور، دیده بودم بخش قابل توجهی از کاریکاتوریست‌ها احساس مسئولیت و هم‌دلی نشان داده بودند. کارتونیست‌ها جزو اولین هنرمندانی بودند که رسما نسبت به خشونت‌های بعد از انتخابات واکنش نشان دادند پس حدس می‌زدم تعدادی از دوستانم چه در داخل و چه خارج دعوتم را پاسخ مثبت بدهند. به‌علاوه، دعوت من شکلی پرخاش‌گر و ستیزه‌جو نداشت. مهم این بود که بچه‌های داخل نترسند و همکاری کنند والا بچه‌های خارج خط قرمزی برای کار نداشتند. خوشبختانه کارتونیست‌های داخل هم شرایط را خوب درک کرده می‌دانستند این حرکت تلاشی برای حفظ ته‌مانده روزنه‌های تنفسی کارتون مطبوعاتی داخل ایران است. دو روز بعد از فراخوان اما مشارکت کارتونیست‌های حرفه‌ای و آماتور رشد تصاعدی غریبی کرد که از تصور من هم خارج بود. هدف ما لغو حکم شلاق بود و طبعا امید داشتم که چنین اتفاقی بیفتد که چنین پیشنهادی دادم. خوشحالم که به سرانجام هم رسید.”

صنفی یا سیاسی؟

نیستانی در دعوت کارتونیست‌ها به کشیدن کاریکاتور، نسبت به افتادن در دام بازی‌های سیاسی هشدار می‌دهد. او درباره صنفی یا سیاسی بودن این جریان به عرصه‌سوم می‌گوید: “به‌نظرم این حرکتی صنفی در باب حکمی سیاسی بود. جدا کردن سیاست از صنف کارتونیست مطبوعاتی و روزنامه‌نگار کار دشواری است. نظر من اما این بود که گرایش‌های سیاسی، دخلی به این قضیه نداشت. اگر سیاست‌مدار ترسیم شده خاتمی و موسوی بودند و قوه قضاییه به این خاطر به یک کارتونیست با گرایش راست حکم شلاق می‌داد، من شخصا دعوت و پیشنهادم را تکرار می‌کردم. البته این‌که چه‌قدر استقبال می‌شد را نمی‌دانم! مسلما نمی‌شود انکار کرد که بسیاری برای اعتراض به شرایط سیاسی در این کمپین شرکت کردند اما هسته و جوهره حرکت به نظرم صنفی بود.”

او اما درباره الگو گرفتن از این جریان، می‌خواهد که درباره کمپین کارتونیست‌ها خیلی افسانه‌سازی و خیال‌بافی نکنیم: “نکته مهم به نظرم این است که مسلما نمی‌شود عینا الگویش قرار داد برای هر حرکت صنفی و خصوصا سیاسی. حرکت ما، استفاده از پتانسیل‌های قوانین هر چند معیوب داخل ایران بود.در بسیاری موارد چنین ظرفیت‌هایی در قوانین به چشم نمی‌خورد. فرض کنید به جای نماینده اراک یک روحانی تصویر شده بود. آیا باز هم کارتونیست‌های داخل مشارکت چشم‌گیری می‌کردند با توجه به این که ترسیم روحانیون رسما خلاف قانون است؟ طبعا وقتی خود قانون مورد اعتراض است نه تخلف از قانون، هزینه‌ها بالاتر می‌رود و اعتراض بیش‌تر جنس مبارزه پیدا می‌کند در نتیجه مشارکت‌کنندگان بسیار کم‌تر خواهند بود.”

بیانیه بی بیانیه !

کمپین کاریکاتوریست‌ها در حمایت از کاریکاتوریست اراکی، جنبه‌های آموزنده‌ای نیز دارد. نیستانی درباره این جنبه‌های آموزنده می‌گوید: “فکر کنم بشود چند چیز را از حرکت ما آموخت. اول این که خلاقیت فرم و شکل اعتراض در تاثیرگذاری‌اش می‌تواند تاثیر به سزا داشته باشد. یک هفته بعد از آغاز کمپین، فضای مجازی پر شده بود از کاریکاتورهای بعضا فوق‌العاده زیبایی از نماینده اراک که نظر هر بیننده‌ای را -ایرانی و غیر ایرانی- به موضوع جلب می‌کرد. کاریکاتوریست، هنرمند است و باید اعتراضش از جنس کارش باشد. بیانیه امضا کردن کلیشه‌ای‌ترین شکل ممکن برای حرکتی صنفی است، هر چند منکر اهمیتش نیستم. فرض کنید ۵۰ سینماگر در اعتراض به حکم جعفر پناهی نفری دو دقیقه فیلم می‌ساختند یا حتی محترمانه رو به دوربین صحبت می‌کردند و نتیجه را پخش می‌کردند. تاثیرش بیش‌تر از نامه‌های سرگشاده که فقط قرار است ثبت در تاریخ شوند، نبود؟ دوم واقع‌گرایی در حرکت است. من معتقدم شلاق اساسا حکم غیرانسانی است که باید حذف شود. این یک هدف طولانی مدت است اما در جریان محمود شکرایه، شعار علیه حکم شلاق کمکی به این کارتونیست نمی‌کرد. هدف را چیزی نزدیک‌تر، عملی‌تر و قابل حصول‌تر قرار دادم: نقض حکم شلاق. به نظر من حرکت‌های صنفی اگر واقعا دنبال نتیجه‌اند، باید اهداف مشخص و معین و نزدیک‌تری را دنبال کنند. طبعا وقتی آدم به کل از حصول نتیجه در راهی ناامید است رو می‌آورد به شعار دادن تا فقط نسبت خودش را با جریان نشان داده باشد. موفقیت‌های نسبتا کوچک می‌تواند روح هم‌دلی و امید را زنده کند و مقدمه باشد برای اهداف بزرگ.”

تجربه همراهی

گرچه پیشنهاد مانا نیستانی در راه‌اندازی کمپین حمایت از کاریکاتوریست اراکی، خلاقانه، عملی و کارآمد بود، اما بدون همراهی و کمک همکارانش به نتیجه نمی‌رسید. حال باید دید که برای این همراهی چه انگیزه‌ای وجود داشته و آیا آنان فکر می‌کردند که چنین استقبالی از این جریان بشود و چنین نتیجه‌ای داشته باشد؟

جهانگیر درمنی، کارتونیست، در پاسخ به این سوال‌های عرصه‌سوم می‌گوید: "واقعیت طنز نوشتنی و ترسیمی در ایران این روزها، انداختن تیر در تاریکی است به امید این‌که یک روزی، یک جایی، به یک هدفی بخورد! اما وقتی این تیر از کمان کسی مثل مانا در می‌رود، می‌داند که در تاریکی کسانی دیگر هم هستند که چله کشیده منتظرند تا تیر افتاده را فرسنگی دورتر پرتاب کنند. برای همین انتظار می‌رفت که به هدفش برسد."

درمنی درباره ویژگی‌های صنفی و سیاسی این کمپین هم می‌گوید: "داستان این‌جا داستان صنفی است.بعضی‌ها باید بروند شکر کنند -«شاید هم از بد عهدی ماست»- که در عهدی نیستند که فرمان‌گذار گفت اگر کج رفتی با همین شمشیر راستت می‌کنم. اگر نوازش قلم‌های یک کاریکاتوریست، رفتار یک نماینده که انتخاب خود مردم باید بوده باشد را راست نکند، خدا قسمت کند عدل الهی!بگذارید این جریان را صنفی-اجتماعی بنامیم چون اگر رفت در وادی سیاست، آن‌وقت داستان معروف سیاست ما عین ...ماست پیش می‌آید که اصلا کاریکاتوریست در این وادی خروارش هم خریدار ندارد. کاریکاتوریست‌ها ناراستی‌های اجتماع را به رخ می‌کشند تا اجتماعیون به راست کردن آن بکوشند."

وحید نیک‌گو، یکی دیگر از کارتونیست‌های همراه این پویش، در پاسخ به این سوال که آیا موقع مطرح شدن این ایده، فکر می‌کردید چنین استقبالی از آن بشود و چنین نتیجه‌ای داشته باشد، به عرصه‌سوم می‌گوید: "بدون شک اگر این ایده هم مطرح نمی‌شد، دوستان به صورت انفرادی دست به کار می‌شدند. نمونه‌هایی از این دست قبلا هم اتفاق افتاده. به هرحال پیشنهاد این حرکت هم باعث شد بیش‌تر مورد توجه قرار بگیرد."

او درباره انگیزه شخصی‌اش می‌گوید: "شاید همه کارتونیست‌ها یک خاطره مشترک داشته باشند از بی‌مهری‌هایی که با آثارشان صورت گرفته است. در مورد من این حکم خاطره سیلی‌ای که از معلم اخلاق به خاطر طراحی کاریکاتور چهره‌اش خوردم را زنده کرد. همین بهانه کافی بود برای هم‌دردی و هم‌راهی با دوست و همکارمان."

نیک‌گو این جریان را فاقد جنبه سیاسی می‌داند و آن را حرکتی برای بالا بردن ظرفیت برخورد با کاریکاتور به شمار می‌آورد: "این تلاش همیشه کارتونیست‌هاست تا جامعه‌ای را که اساسا ظرفیت انتقادپذیری پایینی دارد، انتقادپذیر کنند."

طراحی داخلی‌ها

"صنف کاریکاتور یکی از پویاترین و متحدترین اصناف است که سراغ دارم. پس دور از ذهن نبود که این ایده چنین مورد استقبال کاریکاتوریست‌ها قرار بگیرد. اما این‌که این‌قدر سریع به نتیجه رسید و باعث پس گرفتن شکایت نماینده مجلس شد، قابل پیش‌بینی نبود."

این‌ها حرف‌های وحید جعفری، کاریکاتوریست اراکی ساکن تهران است. او به عرصه‌سوم می‌گوید: "در این زمانه که انتقاد یکی از بهترین راه‌ها برای پیشرفت و پی بردن به اشکالات است، این اتفاق که نماینده مجلس باعث محکوم شدن یک کاریکاتوریست می‌شود، آن هم به دلیل کشیدن کاریکاتور چهره، باعث تعجب و تاسف است.من برای حمایت از دوست و همکار کاریکاتوریستم و به این خاطر که آن حرکت در میان سیاسیون یا هر جای دیگری باب نشود، با این جریان همراه شدم و بسیار خوشحالم که این حرکت به نتیجه رسید. من این ماجرا را بیش‌تر از این‌که سیاسی باشد صنفی می‌دانم. البته در این زمانه همه چیز به سیاست ربط دارد.این جریان هم از نظر صنفی و هم از نظر سیاسی به بار نشست."

کسری عباس آبادی، کارتونیستی که از داخل ایران و از شهر شیراز با کمپین حمایت از کاریکاتوریست اراکی همراه شده است، به عرصه‌سوم می‌گوید: "راستش این ایده خلاقانه با استقبال بی‌نظیری مواجه شد، جوری که شخصا انتظارش را نداشتم. در میان سکوت بعضی از کارتونیست‌های خوب (جدا از خانه کاریکاتور) که انتظار

بیش‌تری از آن‌ها می‌رفت، کارهای ارائه شده از کاریکاتوریست‌های آماتور هم دیده می‌شد که نشان از هم‌دلی آنها با محمود شکرایه داشت.”

او درباره خودش می‌گوید: “همراهی من به خاطر احساس مسوولیتی بود که در قبال این حکم ناعادلانه داشتم. متاسفانه هنر کارتون و کاریکاتور یا در شکل کلی‌تر طنز در جامعه ما برای اکثر مسئولان و حتی خیلی از مردم درست تعریف نشده و در بهترین حالت از فعل «مسخره کردن» برای این کار استفاده می‌شود. هر کس که تعریف اولیه‌ای از این هنر داشته باشد و کار شکرایه را هم ملاحظه کرده باشد، آن را خالی از هر گونه توهین می‌بیند.”

عباس آبادی درمورد صنفی یا سیاسی بودن این کمپین معتقد است که این پویش حرکتی کاملا صنفی بوده و حتی در کاریکاتورها سعی شده که واکنش‌ها کم‌تر عصبی باشند: “هرچند که تنها نهاد صنفی کاریکاتوریست‌ها در ایران خانه کاریکاتور است و دوستان آن‌جا هم از طریق رابطه‌هایی که داشتند تلاش‌هایی کردند، اما باید توجه داشت که خانه کاریکاتور نهادی کاملا دولتی‌ست و اصولا با این حرکت‌ها مخالف است. به‌دلیل نبود نهادی مستقل، کاریکاتوریست‌ها از طریق اینترنت و به واسطه این ایده، پشتیبانی صنفی خودشان را از کاریکاتوریستی دیگر اعلام کردند. حالا اگر کاریکاتور کشیدن که در هر کجای دنیا ارج نهاده می‌شود، در این قسمت کره زمین توهین تلقی می‌شود، همه ما کاریکاتوریست‌ها در این حکم متهم و شریکیم. البته بازتاب گسترده این حرکت صنفی در رسانه‌های معتبر داخلی و خارجی باعث برداشت‌های غلطی شد که تعبیرهایی از سیاسی بودن این حرکت را به همراه داشت. مدت زیادی از خشم مسئولان نسبت به خانه سینما نمی‌گذرد و با این روند، برآورده کردن نیازهای اصناف در چارچوب قانون، روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود.”

“مجید کاظمی” هم که در تهران به تصویرگری مشغول است، درباره این کمپین می‌گوید: “مطمئن بودم استقبال خوبی خواهد شد. بعضی از حرکت‌های اجتماعی قابلیت پیش‌بینی به این شکل را دارند و من هم مطمئن بودم حرکتی ماندگار خواهد شد. حتی اگر احساس شود قیمتی گزاف برای آن پرداخت می‌شود. این حرکت، نه برای ارضای امیال شخصی، که برای نجات یک انسان و مفهوم انسانی بود.”

این کاریکاتوریست معتقد است که یک همکار به حمایت امثال او نیاز داشته است. او در توضیح فعالیت صنفی کاریکاتوریست‌ها می‌گوید: “هرچند در ایران چیزی به اسم صنف کاریکاتوریست‌ها نداریم ولی در معنای کلی و عمومی، این جریان هم صنفی است و هم سیاسی. فکر می‌کنم چنین روش‌هایی بسیار موجه‌اند. با زبان کاریکاتور، «خندیدن» در مقابل نیروی قهار «ستم‌گری» قرار می‌گیرد و مطمئنم نیروی ما از منطق بیش‌تری برخوردار است.کاریکاتور در ابعاد کلی خود توصیه به خنده و صلح است و این پیام در مقابل کسانی قرار می‌گیرد که جز به شلاق و ستم راضی نمی‌شوند.”

کاظمی وجود رسانه‌های مختلف و پرداختن آن‌ها به این موضوع را یکی از دلایل موفقیت آن می‌داند.

شهاب‌الدین علوی، گرافیست و تصویرگر که از تهران با هم‌صنفان خود همراه شده در پاسخ به پرسش‌های عرصه‌سوم می‌گوید: “از زمانی که در خانه کاریکاتور تهران مشغول فعالیت بودم، جو حمایت را بین بچه‌های خانه می‌دیدم. با تجربه آن فضا این انگیزه و ایمان را داشتم که این حرکت نتیجه‌بخش خواهد بود.”

او در ادامه می‌گوید: “اتفاقی که برای کاریکاتوریست اراکی افتاد یک توهین بود و حرکتی خشن علیه آزادی اندیشه و بیان انتقادی طنز. برای شخص من قابل تحمل نبود و جدا دوست داشتم در مقابل آن کاری بکنم.”

علی تجدد، کاریکاتورست دیگری است که از رشت در این کمپین شرکت کرده. او درباره حضور خود در این جریان می‌گوید: “من خودم دو به شک بودم که با بقیه همراه بشوم یا نه. یک اخلاقی ما ایرانی‌ها داریم، یعنی اگر ببینیم یک‌نفر پیشنهادی می‌دهد که خوب و سازنده است، معمولا سخت قبولش می‌کنیم.از این‌که فردی به غیر از خودمان بخواهد رهبری یک جریان را به‌دست بگیرد و یک کار خوب را به‌نام خودش تمام کند، استقبال نمی‌کنیم.اما از این‌ها که بگذریم، تا یک جایی استقبال چندانی نبود اما بعدش انگار اپیدمی باشد، همه دست به قلم شدند، حتی آن‌هایی که کارتونیست نبودند و حتی طراحی بلد نبودند.من اگر جای شکرایه بودم چه‌قدر خوشحال می‌شدم وقتی می‌دیدم تنها نیستم.”

تجدد درباره سیاسی یا صنفی بودن این جریان هم می‌گوید: “لباس پوشیدن‌مان هم در این کشور سیاسی است اما حقیقتا من اهل سیاست نیستم و اگر هم وارد این داستان شدم فقط دلایل انسانی داشت. در ضمن من که صنفی نمی‌بینم. مگر کارتونیست‌ها صنف هم دارند؟ این فقط یک حرکت انسان‌دوستانه و دوستانه بود که ختم به خیر شد. من مصلح اجتماعی نیستم اما اگر مشکلات دیگران هم با کشیدن کاریکاتور حل می‌شود، شخصا اعلام آمادگی می‌کنم. پول هم نمی‌گیریم. دروغ گفتم! کم‌تر می‌گیرم.”

همیاران از خارج

حنیف بهاری، کارتونیستی که از سوئد با این جریان همراه شده است به عرصه‌سوم می‌گوید: “چیزی که توجه من را بیش‌تر جلب کرد و انتظارش را نداشتم، برخورد مردم با این حرکت بود که خیلی استقبال شد. ما کارتونیست‌ها کارمان و هنرمان آمیخته با انتقاد است و این طبیعت هنر ماست. طبعا در مقابل چنین ظلمی در هیچ‌یک از موضوعات روز نمی‌توانیم ساکت باشیم که نیستیم. البته این به این معنا نیست که همه کارتونیست‌ها چنین طرز فکر و حساسیتی نسبت به مسایل اطرافشان دارند. این برخورد طبیعی ما بود در مقابل ظلمی که در وهله اول به یک هم‌وطن و در وهله دوم به یک کارتونیست روا شد.”

نیک‌آهنگ کوثر، کاریکاتوریست مطرح و عضو هیات مدیره شبکه جهانی حمایت از حقوق کارتونیست‌ها هم در جملاتی کوتاه درباره این جریان به عرصه‌سوم می‌گوید: “به نحوی منتظر چنین استقبالی بودم. کارتونیست‌ها همیت صنفی ویژه‌ای دارند. من هم از سر وظیفه و همین‌طور به عنوان عضو هیات مدیره شبکه جهانی حمایت از حقوق کارتونیست‌ها و البته به‌عنوان یک ایرانی، در این کمپین شرکت کردم. این جریان را بیش‌تر صنفی می‌پندارم، چه شلاق خوردن یک همکار، شلاق خوردن همه ماست و اگر چنین حکمی مبنای کار باشد، از این به بعد همه همکاران در معرض تهدید هستند. به نظرم کارتونیست‌ها به خوبی نشان داده‌اند که کار صنفی را از دیگران بیش‌تر و بهتر بلد هستند و مدعیان باید از این گروه بسیار بیاموزند!”

—

بیانیه مشترک 17 سازمان مدافع حقوق بشرعلیه فقدان آزادی تحصیلی و علمی درایران

2012-05-31 · Archive ID 905
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=905

عرصه سوم – با انتشار یک بیانیه مشترک و همبستگی با سازمان های مدافع حقوق بشر بنیاد عرصه سوم نگرانی خود را از نقض حقوق دانشجویان در زمینه آزادی علمی و تحصیلی درایران اعلام می کند. دراین بیانیه بر فقدان آزادی ، شرایط ناعادلانه تحصیلات دانشگاهی درایران و به‌خصوص بر تبعیضات روا شده بر دانشجویان بهایی تأکید و به آن اعتراض شده است. دکتر هایو فونک عضو هیئت مدیره عرصه سوم و یکی از استادان و صاحب نظران درزمینه حکومت های مستبد و دموکراسی دردانشگاه آزاد برلین برآن است که : "با نگاهی به تجربه حکومت های دیکتاتوری در گذشته می تو آن نتیجه گرفت که اعمال خشونت در مورد آزادی علمی و تصمیم گیری های نابخردانه علیه دانشجویان به ویژه علیه دانشجویان بهایی درایران تنها به افزایش ترس و تخریب فرهنگی منجر درجامعه منجر خواهد شد."

بیانیه مشترک در مورد حق تحصیل و آزادی علمی در ایران

بنیاد عبدالرحمن برومند* عفو بین الملل* عرصه سوم* ماده ی ۱۹* جامعه بین المللی بهاییان* کمیته گزارشگران حقوق بشر* موسسه مطالعات حقوق بشر قاهره* دانشجویان سبز حامی دموکراسی برای ایران – جنوب کالیفرنیا مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران* دیده بان حقوق بشر* کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران* فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر* مرکز اسناد حقوق بشر ایران* جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران* جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی* انجمن دانشجویان دموکراسی خواه دانشگاه جورج واشینگتن* اتحاد برای ایران

ماه مه ۲۰۱۲

سازمان های امضا کننده ی این بیانیه، ۱۷ سازمان حقوق بشری و دانشجویی فوق الذکر، نگرانی عمیق خود را از وضعیت نگران کننده آزادی علمی در جمهوری اسلامی ایران ابراز می کنند؛ به ویژه، در زمینه نقض آزادی بیان، آزادی تشکل و گردهم آیی در محوطه های دانشگاهی، و نیز رویه های نهادینه شده ای که برای مقامات دولتی این امکان را فراهم آورده است تا به صورت خودسرانه دانشجویان را اخراج و یا از تحصیل محروم و مدرسین و اساتید آموزش عالی را به خاطرعقاید و یا فعالیت های سیاسی شان از کار برکنار کنند. از سال ۲۰۰۹ تا کنون بیش از ششصد دانشجو، و همچنین چندین استاد دانشگاه، بازداشت شده و متعاقبا بسیاری از آنان به زندان افتاده اند. علاوه بر این، صدها تن به خاطر فعالیت های سیاسی خود از تحصیل محروم شده اند.

حق تحصیل برای تمامی انسان ها و بدون هرگونه تبعیضی به صراحت در پیمان های بین المللی، از جمله آن دسته از معاهده هایی که ایران امضا کرده است، تضمین شده است؛ از جمله در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض تحصیلی. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آنرا تضمین کرده است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و کنوانسیون بین المللی حذف تبعیض نژادی (CERD) نیز به نوبه ی خود حقوق افراد در آزادی عقیده، بیان، تشکل و گردهم آیی را مورد حمایت قرار می دهند و اعمال تبعیض علیه افراد به خاطر نژاد، جنسیت، مذهب یا اعتقاد، یا قومیت یا عقاید سیاسی یا عقاید دیگر را منع می کنند. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنین از حقوق اقلیت ها، در اشتراک با دیگران، حمایت می کند تا بتوانند از فرهنگ خود بهره مند شوند، به مذهب خود عمل کنند و زبان خود را به کار برند.

نظریه عمومی شماره ی ۱۳ مربوط به میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) در سال ۱۹۹۹، در تعریف آزادی علمی از جمله این موارد را متذکر شده است:

«اختیار افراد در بیان آزادانه نظرات خود پیرامون موسسه یا دستگاهی که در آن مشغول به کار هستند، انجام وظایف خود بدون تبعیض و یا داشتن هراس از سرکوب توسط دولت یا عوامل دیگر، مشارکت در نهادهای علمی حرفه ای یا انتخابی، و بهره مند شدن از تمامی حقوق بشر که در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده و در مورد سایر افراد همان حوزه قابل اعمال است».

علاوه بر این، نظریه عمومی شماره ی ۱۳ مربوط به میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) عنوان می دارد که «محرومیت دانشجویان و مدرسان از آزادی علمی» نقض ماده ی ۱۳ این میثاق (ICESCR) است.

خط مشی مورد توصیه یونسکو در رابطه با وضعیت مدرسان آموزش عالی در سال ۱۹۹۷ عنوان می کند که از حق تحصیل«تنها در محیطی می توان به طور کامل بهره مند شد که استقلال موسسات آموزش عالی و آزادی علمی وجود داشته باشد.» آزادی علمی در آن خط مشی به این صورت تعریف می شود:

“ بدون اعمال محدودیت از جانب ایدئولوژی رسمی، آزادی تدریس و مباحثه، آزادی انجام تحقیق و پخش و انتشار نتایج آن، آزادی بیان عقاید و نظرات، آزادی از سانسورنهادینه، و آزادی مشارکت در نهادهای تخصصی و انتخابی... بدون هرگونه تبعیضی و بدون داشتن هراس از سرکوب توسط حکومت یا سایر مراجع”.

خط مشی یونسکو در ادامه تاکید می کند که اساتید نباید به تدریس مطالبی که بر خلاف دانش و عقاید آنهاست واداشته شوند، نباید مجبور به استفاده از برنامه های درسی و یا روش هایی شوند که در تضاد با استانداردهای بین المللی حقوق بشری هستند، و نمی بایست به هیچ وجه در معرض اخراج قرار بگیرند، مگر آنکه دلایل کافی در ارتباط با عملکرد حرفه ای آنها وجود داشته باشد و این دلایل در پیشگاه اشخاص ثالث مستقل و بی طرف مطرح گردد و مورد رسیدگی قرار بگیرد. با توجه به این استانداردها و معیارها، موسسات آموزش عالی می بایست از آزادی علمی و حقوق بشر اساسی پشتیبانی کنند، از رفتار منصفانه و عادلانه با دانشجویان اطمینان حاصل کنند، سیاست هایی اتخاذ کنند که متضمن برخورد یکسان و برابر با زنان و اقلیت ها باشند و تضمین کنند که خشونت، ارعاب و آزارو اذیت مانع کار کادر آموزش عالی نشود.

با این حال در ایران، دانشجویان و اساتید دانشگاه به خاطرعقاید، جنسیت، مذهب و قومیت خود، کماکان با نقض روزمره و فراگیر حقوق خود مواجه هستند. شبکه ی آموزش و حقوق علمی (NEAR)، سازمان غیردولتی و مستقلی که بر وضعیت آزادی علمی نظارت دارد، در سال ۲۰۱۱ حداقل ۹۲ مورد نقض حقوق علمی در ایران را ثبت کرده است. دفتر تحکیم وحدت، بزرگترین سازمان مستقل دانشجویی در ایران، گزارش داده است که در فاصله ماه مارس سال ۲۰۰۹ تا ماه فوریه سال ۲۰۱۲، حداقل ۳۹۶ دانشجو به علت ابراز مخالفت سیاسی مسالمت آمیزیا مخالفت های مسالمت آمیز دیگر توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از ادامه تحصیل محروم شده اند. علاوه بر این، حداقل ۶۳۴ دانشجو توسط نهادهای امنیتی و اطلاعاتی بازداشت، و ۲۵۴ دانشجو به دلایل مشابه محاکمه شده اند، که بر امکان ادامه تحصیل آنان تاثیر گذاشته است. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۲۰۰۹ دفتر تحکیم وحدت را به علت «شرکت در فعالیت هایی که امنیت ملی را به مخاطره انداخته» یک اتحادیه غیرقانونی اعلام کرد.

سازمان های امضاکننده می گویند اطلاعاتی جمع آوری کرده اند حاکی از آن که مقامات ایرانی مرتبا فعالان دانشجویی در ایران را به خاطر انتقادات مسالمت آمیزشان از سیاست های حکومت، مورد تهدید، تعلیق از تحصیل، بازداشت، تعقیب و پیگرد قانونی قرار می دهند و محکوم می کنند. این مقامات همچنین صدها گردهمایی، سازمان مستقل و نشریه دانشجویی را از ادامه فعالیت بازداشته اند. در حال حاضر بیش از ۳۰ دانشجو تنها به خاطر استفاده از حق خود در آزادی بیان، تشکل و گردهم آیی، از طریق بیان نظرات خود، شرکت در تظاهرات، و یا عضویت در سازمان های دانشجویی مستقل و منتقد دولت، در زندان محکومیت های طولانی حبس خود را می گذرانند ... این دانشجویان در مجموع به بیش از ۱۳۰ سال زندان محکوم شده اند؛ احکام زندان برخی از آنان به ۱۵ سال نیز می رسد.

سازمان های امضاکننده نگرانی دیگر خود را از این مهم ابراز کرده اند که ظاهرا دولت ایران دانشجویان متقاضی ورود به دوره های بالاتر از کارشناسی و نیز داوطلبین تدریس در دوره های آموزش عالی را بر اساس عقاید ایدئولوژیک آنها مورد گزینش قرار می دهد. به منظور ممانعت از بروز مخالفت سیاسی در مراکز دانشگاهی، شورای عالی انقلاب فرهنگی برای دانشجویان داوطلب به ادامه تحصیل در مقطع آموزش عالیپیش نیازهای عقیدتی و سیاسی وضع کرده است. این مقررات دانشجویان را ملزم به اعتقاد به اسلام و یا یکی از ادیان دیگرمورد شناسایی حکومت می کند و احراز «عدم معاندت آنها با جمهوری اسلامی» و نداشتن «فساد اخلاقی» آنها را ضروری می داند. این مقررات توسط وزارت اطلاعات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و کمیته های انضباطی دانشگاه ها مورد استفاده قرار می گیرند تا به صورت «خودسرانه» بر دانشجویان اعمال فشار کنند و آنها را به خاطر عقاید و نظراتشان مورد مجازات قرار دهند، و از جمله آنها را از پذیرش و ثبت نام در دانشگاه ها محروم کنند. به این ترتیب، این مقررات ناقض ماده ی ۳ قانون اساسی ایران هستند که به صراحت حق تحصیل را برای تمامی شهروندان تضمین کرده است.

سازمان های امضاکننده همچنین عنوان کرده اند که واحد های اطلاعاتی و شبه نظامی در ایران، از جمله نیروی شبه نظامی بسیج، حضور فعالی در مراکز دانشگاهی دارند و در برخوردهای خشونت آمیز با دانشجویان مشارکت می کنند؛ از جمله با حملات مکرر به گردهم آیی های مسالمت آمیز دانشجویان و خوابگاه ها که جراحات جدی و مرگ چندین تن از دانشجویان را در پی داشته است. اگرچه وقوع چنین حملاتی به مراکز دانشگاهی بی سابقه نبوده است، وقوع آنها در پی انتخابات مورد مناقشه سال ۲۰۰۹ در دانشگاه های سراسر کشور افزایشچشمگیری داشته است.

علاوه بر این، اقلیت های ایران در دوره های تحصیلی آموزش عالی با محرومیت و تبعیض سیستماتیک مواجه هستند. مقامات ایران مشخصا پیروان آیین بهایی را مورد هدف قرار داده و آنها را، تنها به خاطر عقاید مذهبی شان، از ادامه تحصیل در مقطع آموزش عالی محروم می کنند. اساس این کار مقررات مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است که اعتقاد به اسلام یا یکی از ادیان اقلیت مورد شناسایی رسمی حکومت را ـ که شامل آیین بهایی نیست ـ به عنوان شرط تحصیل در دانشگاه ها تعیین کرده است. سازمان های امضاکننده گفته اند که بنا بر اطلاع آنها از ورود صدها تن از دانشجویان واجد شرایط بهایی به دانشگاه های دولتی و خصوصی و مراکز آموزش حرفه ای جلوگیری به عمل آمده است. در سال ۲۰۱۱، مقامات ایرانی به موسسه ی آموزش عالی بهاییان (BIHE)، که به عنوان یک دانشگاه مکاتبه ای آنلاین در سال ۱۹۸۷ تاسیس شده، یورش بردند و سی مدرس آن را بازداشت و زندانی کردند. حداقل نه تن از این مدرسین با اتهاماتی مرتبط با استفاده ی مسالمت

آمیز از آزادی بیان، تشکل و گردهم آیی محکوم شده اند و هم اکنون گویا هفت تن از آنان دوران محکومیت خود را در زندان سپری می کنند.

فعالین دانشجویی که برای دفاع از حقوق اقلیت های قومی فعالیت می کنند، به خاطر ابراز نارضایتی از تبعیض علیه خود معمولا با خشن ترین مجازات ها توسط مقامات ایرانی مواجه می شوند؛ از جمله با بازداشت های خودسرانه و گاه خشونت آمیز، حکم های سنگین زندان و حتی در برخی موارد، با حکم اعدام. برای نمونه، در سال ۲۰۱۱، چهار تن از اعضای اتحادیه دموکراتیک دانشجویان کُرد بازداشت و چندین نفر دیگر از اعضا به نهادها و ارگان های اطلاعاتی امنیتی احضار شدند.

همچنین، تبعیض علیه زنان در سیستم آموزش عالی ایران افزایش یافته است. جداسازی جنسیتی که اخیرا در برخی دانشگاه به اجرا گذاشته شده است این سوال را پیش می آورد که آیا، به شرط وجود ظرفیت و آنگونه که قوانین بین المللی مقرر کرده اند، زنان و مردان به آموزش عالی با کیفیت یکسان دسترسی برابر خواهند داشت یا خیر. گزارشات مبنی بر اعمال سهمیه هایی از جانب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که پذیرش زنان در برخی از رشته های تحصیلی دانشگاهی را محدود می کنند، حاکی از آن است که زنان برای استفاده از حق خود مبنی بر دسترسی بدون تبعیض به آموزش عالی، با محدودیت های فزاینده ای روبه رو هستند. به نظر می رسد این سهمیه ها به منظور افزایش نسبت تعداد دانشجویان پسر پذیرفته شده در دانشگاه ها و کاهش دسترسی زنان به برخی رشته های تحصیلی مشخص، طراحی گردیده است. این گونه محدودیت ها بر امکان انتخاب تحصیلی زنان، اصل ممنوعیت تبعیض و نیزتعهدات ایران تحت قوانین بین المللی را نقض می کند. این قوانین از دولت ها می خواهند تا اطمینان حاصل کنند که زنان و مردان به صورت برابر از حق تحصیل برخوردار خواهند بود. علاوه بر این، در واقعه ای آزاردهنده و ناخوشایند در اردیبهشت ماه، مامورین انتظامات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن تعدادی از دانشجویان دختر را به علت عدم رعایت معیارهای حجاب مورد اهانت و ضرب و شتم قرار داده اند.

وضعیت اساتید و مدرسین آموزش عالی چندان بهتر نیست. از انتخابات سال ۲۰۰۹ تا کنون، مقامات ایرانی بیش از یکصد تن از اساتید دانشگاه را به خاطر عقاید سیاسی شان و یا مخالفت با دولت اخراج کرده اند. این عمل در تناقض و مغایرت با ماده ی ۱۳ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) است، که دولت ها را ملزم می کند تا آزادی علمی و استقلال دانشگاه ها را تضمین کنند. در حال حاضرچندین تن از استادان دانشگاه، تنها به علت ابراز مسالمت آمیزنظرات مخالف خود با حکومت، محکومیت زندان خود را سپری می کنند.

و سرانجام، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برنامه ای را در دستور کار قرار داده که هدف آن «تطبیق دادن» برخی از رشته های تحصیلی با ایدئولوژی اسلامی به تعریف حکومت است. رشته های حقوق، مطالعات زنان، حقوق بشر، مدیریت، هنر و مدیریت فرهنگی، جامعه شناسی، علوم اجتماعی، فلسفه، روانشناسی وعلوم سیاسی از این جمله هستند. چنین سیاستی به معنای نقض شدید آزادی علمی از طریق اعمال سانسورمستقیم و کنترل ایدئولوژیک آموزش عالی توسط دولت است.

سازمان های امضاکننده قویا از مقامات ایرانی می خواهند تا ایران به تعهدات بین المللی خود برای پاسداشت حق تحصیل و آزادی علمی از راه های زیر عمل کند:

- فورا و بی هیچ قید و شرطی، تمامی دانشجویان و مدرسان آموزش عالی در ایران را، که به خاطر استفاده ی مسالمت آمیز از حق آزادی بیان، تشکل و گردهم آیی زندانی شده اند، آزاد کنند، از جمله مدرسان موسسه آموزش عالی بهاییان، و نیز کسانی را که نظرات سیاسی خود را بیان کرده اند. (لیست های اسامی در پایین آمده است)؛
- به شناسایی و برخورد منظم با دانشجویان به خاطرعقاید، و یا فعالیت های سیاسی، مدنی، ویا مذهبی شان پایان دهند و مقررات پذیرش دانشجو و نیز مقررات مربوط به کمیته های انضباطی را مورد تغییر و بازبینی قرار دهند، به گونه ای که از رعایت اصول آزادی بیان، تشکل و گردهم آیی اطمینان حاصل شود؛
- تمامی واحدهای اطلاعاتی و شبه نظامیان بسیج را از مراکز دانشگاهی بیرون ببرند؛

- به سازمان های دانشجویی مستقل و مسالمت جوی ایرانی اجازه دهند تا آزادانه و بدون دخالت و مزاحمت از جانب نهادها ومقامات دولتی به فعالیت بپردازند؛
- به سیاست های تبعیض آمیز علیه زنان پایان دهند، از جمله به سیستم سهمیه بندی که مشارکت زنان در مقطع آموزش عالی را محدود می سازد، جداسازی جنسیتی که ممکن است به اعمال تبعیض علیه زنان در مقطع آموزش عالی بیانجامد، و محدودیت ها بر محوطه های دانشگاهی و رشته های تحصیلی که زنان امکان حضور و مشارکت در آنرا داشته باشند؛ و همچنین اجبار به رعایت استانداردهای پوششی برای زنان را، که حقوق شخصی، آزادی بیان و آزادی مذهب و عقیده را نقض می کند، متوقف سازند؛
- به تمامی سیاست ها و اقداماتی که علیه اقلیت های مذهبی و قومی در ایران، به ویژه جامعه بهایی، تبعیض اعمال می کنند، یا به طریقی حقوق آنها را نقض می کنند، پایان دهند، از جمله در ارتباط با امکان دسترسی آنها به آموزش عالی و آزادی علمی؛
- به سیاست استخدام، ارتقا و یا اخراج مدرسین موسسات آموزش عالی بر اساس عقاید شخصی و سیاسی آنها خاتمه دهند و کمیته های دانشگاهی مستقلی برای بازبینی پرونده ی اساتید اخراج شده تشکیل دهند و استادانی را که به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک اخراج شده اند به مقام و موقعیت سابق خود بازگردانند؛
- اطمینان حاصل کنند که مدیریت دانشگاه ها، برنامه های درسی، و فرآیند پذیرش در دانشگاه ها مستقل از کنترل دولت، به دور از گزینش ایدئولوژیک، از جمله بر پایه مقررات مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، باشند و استانداردهای بین المللی آزادی علمی به تعیین یونسکو و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را رعایت کنند.

دانشجویان زندانی در ایران

بهاره هدایت، ضیا نبوی، مجید دری، مجید توکلی، ایقان شهیدی، علی اکبر محمدزاده، علی ملیحی، حسن اسدی زیدآبادی، حامد امیدی، سعید جلالی فر، مهدی خدایی، میلاد کریمی، بابک داشاب، حامد روحی نژاد، حسین رونقی ملکی، شاهین زینعلی، آرش صادقی، جواد علیخانی، امید کوکبی، حبیب الله لطیفی (محکوم به اعدام)، شبنم مددزاده، عاطفه نبوی، فرشته شیرازی، افشین شهبازی، روزبه سعادتی، مهرداد کرمی، علی جمالی، محمد احدی، روح الله روزی طلب، سما نورانی، عماد بهاور و کاوه رضایی شیراز

مدرسین و اساتید دانشگاهی زندانی در ایران

مسعود سپهر، قربانعلی بهزادیان نژاد، قاسم شعله سعدی، داوود سلیمانی، محسن میردامادی، زهرا رهنورد (حبس خانگی) و احمد میری

مدرسین موسسه آموزش عالی بهاییان:

محمود با دوام، ریاض سبحانی، رامین زیبایی، فرهاد صدقی، نوشین خادم، کامران مرتضایی و کامران رحیمیان

—

تکنیک های جنبش اجتماعی

2012-06-04 · Archive ID 910
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=910

علی افشاری

بخش نخست

جنبش های اجتماعی یکی از پویا ترین وفعال ترین نیروهای جامعه مدنی ایران هستند. اگر چه سطح فعالیت این نیروها درسالیان اخیر نسبت به قبل به نحو چشمگیری کاهش پیدا کرده است، اما هنوز پایه اصلی حرکت های دگر خواهانه در ایران را تشکیل می دهند. درساختار توسعه نیافته سیاسی ایران که احزاب ریشه دار وجود

ندارند و معمولا سیاست ورزی به صورت موسمی و یا از طریق اتفاقات غافلگیر کننده و ناگهانی صورت می پذیرد، جنبش های اجتماعی عمدتا نیروی اجتماعی برای تغییر و مطالبه خواست های جدید را خلق می کنند.

دلایلی چند باعث شده است تا جنبش های اجتماعی نظیر دانشجویی، زنان، کارگری، محیط زیستی و قومیتی به طور نسبی در قیاس با گروه های سیاسی اپوزیسیون امکان فعالیت بیشتری داشته باشند و درمقاطعی نیز بیشتر تاثیرگزارباشند.

از آنجایی که این جنبش ها فقط مطالبات مشخصی داشته و به طور مستقیم برنامه سیاسی چه اصلاح طلبانه و چه براندازانه را مطرح نمی کنند وهم مستقیما با حکومت و ساختار سیاسی به تقابل نمی پردازند، لذا حکومت انعطاف بیشتری با آنها نشان می دهد.همچنین چون این نیروها از بطن جامعه برخاسته و متکی به حمایت مشخص بدنه خود هستند لذا حکومت ناگزیر به رعایت موازنه قوا بوده و نمی تواند همه آنها را به طور کامل قلع وقمع کند. زیرا با نفرات مشخصی مواجه نیست، بلکه با حرکتی روبرو است که درهرمقطع حاملان و کنشگران خاصی پیدا می کند که کل موقعیت جنبش وابسته به شخص آنها نیست. همچنین لزوما به هم پیوستگی وهماهنگی برای اقدام مشترک بین همه افراد وجود ندارد، بلکه وجود آرمان و خواسته های مشترک است که فعالیت های جداگانه ومستقل افراد و گروه ها را در یک حرکت به هم متصل می سازد.

از سوی دیگر ساختار حزبی حرفه ای در جامعه ایران هنوز جا نیفتاده است و تداوم ساختار های استبدادی مجال فعالیت مستمر و متشکل گروه های سیاسی را نمی دهد، به ناگزیر جنبش های اجتماعی و به طور مشخص جنبش دانشجویی بار خلا، نیرو های سیاسی منتقد و مخالف را نیز به دوش می کشند.

در سلسله مطالبی که در خصوص جنبش های اجتماعی نوشته خواهد شد، کوشش می شود تا ازمنظرعملگرایانه ودر پرتو تجارب تاریخی این جنبش ها نکات و ملاحظاتی برای عبور از شرایط نا بسامان کنونی و ارائه تاکتیک های جدید برای بالندگی دوباره جنبش های اجتماعی مطرح شود.

تاملی درتعاریف

نخست باید فرض ها و پیش انگاشت ها را مشخص نمود. به عبارت دیگراز یکسری بد فهمی ها پیرامون جنبش های اجتماعی درایران معاصر اجتناب نمود. دراین راستا نکات زیر به اختصار بیان می شود:
1- اطلاق جنبش اجتماعی به حرکت های دانشجویی ،فعالیت های زنان و کارگران بواسطه سنتی است که از دیر باز بوده وصرفا جنبه نام گذاری دارد. به لحاظ فنی اطلاق جنبش اجتماعی به فعالیت های متعدد که حالتی پیوسته نداشته اند و هر کدام در مقطع زمانی خاصی ظهور کرده اند،درست نیست. درتعاریف جدید به هم پیوستگی جنبش ها به مانند سابق دیگر مطرح نیست و می تواند فعالیت های پراکنده افراد و گروه های حامل اهداف جنبش را نیز دربربگیرد. اما وجود جنبش نیازمند درجه ای از فعالیت و هم افزایی نیرو ها است .به عبارت دقیق فنی می توان از جنبش های اجتماعی سخن گفت در شرایطی هم که بازه زمانی محدودی دارند و سرنوشت آنها نیز به لحاظ موفقیت و یا ناکامی مشخص است.

2- جنبش اجتماعی متفاوت با نفس مطالبه و یا نارضایتی است. آن چیزی که باعث می شودعبارت جنبش اجتماعی را به فعالیتی اطلاق کرد، فعالیت مشخص و تحرک عینی در بازه زمانی مشخص است که نیاز به مطالبات مشخص، باور تعمیم یافته، آگاهی جمعی در داخل جنبش و حداقلی از سازماندهی و یا هم افزایی است. به حالتی راکد که هیچ نشانی از فعالیت وجود ندارد نمی توان جنبش گفت. تشبیه به آتش زیر خاکستر و یا زیر زمینی شدن جنبش و یا مخفی بودن به دلیل هراس از سرکوب درست نیست و مرز بین جنبش و ناجنبش را به هم می زند. حرکت وقتی حالت جنبشی به خود می گیرد که بیان نارضایتی و یا مطالبه به حرکتی مشخص برای تحقق این خواسته ها و بر هم زدن موازنه قوای موجود ارتقاء یابد.

3- جنبش بر مبنای قاعده در تقابل با نهادی اجتماعی است. به عبارت دیگر وقتی نهاد های موجود برای تحقق مطالبات ناکارآمد وسترون به نظر می آیند، آنگاه حرکت جنبشی صورت می گیرد. البته حالاتی نیزمتصور است که جنبش برای جلوگیری ازتغییر ریشه ای یک نهاد رخ می دهد. که اینان اغلب در زمره جنبش های واپسگرا هستند. جنبش اجتماعی زمانی به پایان می رسد که نها دهای موجود بگونه ای تحول یابند که پاسخگوی نیازهای جدیدی باشند و یا بنیان های اجتماعی جدید خلق شوند.

4- تفاوت جنبش و ناجنبش نقشی مهم در بازدهی جنبشی دارد. دراین راستا باید با برخوردی عقلانی و دوری جستن از رفتار احساسی به ارزیابی جدی و مبتنی بر قاعده عملکرد حرکت جمعی پرداخت. و گرنه دل بستن به حرف های احساسی که جنبش همیشه زنده خواهد ماند ویا هیچوقت دچار رکود و مرگ نمی شود کارساز نیست ومی تواند نوعی کاهلی و انفعال، بی عملی و حس کاذب زنده بودن را پدید آورد. البته در عین حال باید مراقب بود که انگیزه و امید در بین نیروهای مخاطب جنبش های اجتماعی نیزازبین نرود. لازمه کار برخوردی متعادل و مبتنی بر واقع گرایی درعمل و آرمان گرایی درنظر است.

5- جنبش های اجتماعی نه لزوما حالت انقلابی و برانداز دارند ونه حتما سمت و سویی اصلاح طلبانه. برای آنها مطالبه محوری اهمیت دارد. هرتحول و تغییری که ظرفیت موثربرای تحقق مطالبات این جنبش ها را داشته باشد، مورد استقبال قرار می گیرد. این امر انعطاف و توانایی خاصی برای این جنبش ها ایجاد می کند تا ازهر فرصی برای رشد و پیشبرد حرکت خود استفاده کنند.

جنبش های اجتماعی در ایران سابقه دیرینه چند دهه ای دارند. اما معمولا شکل فعالیت و تحرک آنها استمرار نداشته است. در اصل خط پیوند دهنده شان از نقاط گسسته مختلفی عبور می کند. البته جنبش دانشجویی به طور نسبی از استمرار و تداوم بیشتری برخوردار بوده اند. جنبش دانشجویی اکنون یکی از کم رونق ترین ادوار فعالیت خود پس از دهه هفتاد را از سر می گذراند. اما حالت نوسانی مثلاً در جنبش کارگری بیشتراست. جنبش برابری خواهی زنان نیز پس از رشد تدریجی اواخر دوره قاجار در دوران پهلوی با کنترل حکومت مواجه و محدود به فعالیت‌های دولتی می شود. درطول سلطنت دوشاه پهلوی پیشرفت موقعیت زنان دربسیاری اززمینه ها دردستورکاردولت و نقش جنبشی آن محدود بود. وزنان سیاسی مخالف عمدتا درگروه های انقلابی فعالیت می کردند.
جنبش زنان پس از انقلاب یعنی درواقع سه هفته بعد از پیروزی انقلاب با تظاهرات خود جوش و پانزده هزار نفری زنان علیه حجاب درتهران درروزهشت مارس شروع شد و بتدریج وبه شدت سرکوب و پس از سال 1360موقتا خاموش شد. جنبش برابری خواهانه زنان مجددا از اواخر دهه هفتاد به تدریج فعال و با وجود همه محدودیت ها کارهای خیلی با اهمیتی از جمله به راه انداختن کمپین های گوناگون در زمینه حقوق برابر و تابوشکنی دربسیاری ازعرصه ها را به پیش برد. ولی پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری درسال 1388 بازبا سرکوب گسترده مواجه شد. بسیاری از فعالان زنان از کار مدنی علنی و حضور درحوزه اجتماعی محروم شده، جمعی هم به خارج مهاجرت کرده و چند تایی هم در زندان هستند. اما دستاوردهای این جنبش درمطرح کردن مطالبات زنان و چالش با حکومت خیلی قابل توجه اند.

توجه به این نکات برای مباحث بعدی ضروری است.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

جامعه مدنی سه سال پس ازاوج گیری جنبش سبز

2012-06-04 · Archive ID 913
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=913

عرصه سوم- جامعه مدنی عرصه فعالیت های مردمی است. حوزه ای که در بیرون حیطه قدرت سیاسی، دستگاه‌های دولتی و هم بخش اقتصادی و بازار قرار دارد. جامعه مدنی عرصه‌ای است برای فعالیت داوطلبانه شهروندان، برای ایجاد احساس مسئولیت و مشارکت در تصمیم گیری، برای تمرین دموکراسی و ایجاد فرهنگ دموکراتیک در سطوح جامعه، برای حمایت از گروه‌های آسیب پذیر، برای دفاع از حقوق شهروندان،برای پیشبرد مهارت های افراد در زندگی فردی و جمعی،برای ارتقاء علم، آموزش و حمایت ازفرهنگ و هنر، برای حمایت از اقلیت‌های قومی، مذهبی،جنسیتی. دریک کلام برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و آزاد که درآن همه افراد از عدالت، آزادی و حقوق برابر برخوردارباشند.

نکات برشمرده تنها بخشی از ویژگی‌های جامعه مدنی در دوران کنونی اند. ویژگی هایی که در روند تلاش برای ایجاد دموکراسی اساسی و غیرقابل انکارند. اکنون در آستانه سالروز آخرین انتخابات ریاست جمهوری 1388 درایران، سرکوب جنبش گسترده و اعتراضی سبز و هم تداوم زندانی بودن رهبران آن و جمعی از فعالین سیاسی و اجتماعی هستیم. در سه سال گذشته مردم ایران همچنان شاهد گسترش فقر، نابسامانی اجتماعی، نقض بی سابقه موازین حقوق بشری و هم ممنوعیت بسیاری از فعالیت‌های مدنی درکشور بوده اند. از سوی دیگر عرصه حرکت و تلاش های دگر خواهانه آنان درسه سال گذشته بیش از پیش محدود و هرحرکت اعتراضی از سوی جنبش های مدنی درکشور با سرکوب دولتی مواجه می شود.اعتراضات و اعتصابات کارگری، فعالیت های قومی، تلاش‌های مردمی برای حفظ محیط زیست و یا درخواست های مکرر فعالان اجتماعی برای آزادی زندانیان سیاسی، کنشگران دانشجویی و زنان، نه تنها از هیچ کمک و حمایت قانونی برخوردار نشده اند، بلکه با خشونت مستمر دولتی روبرو بوده اند.

نهادها و سازمان های مدنی درایران در سالهای قدرت گیری و حاکمیت اصلاح طلبان در اواخر دهه هفتاد و پس از آن مجالی برای شکوفایی و رشد یافتند. درآن روزها بخش مهمی از شبکه و نهاد های مدنی برای دفاع از مطالبات حقوق بشری و آزادی خواهانه شهروندان، دفاع از محیط زیست، احیای حقوق شهروندی و رفع تبعیض ازاقوام ، پیروان ادیان و مطالبات دیگر مردم برپا شدند. علیرغم محدودیت‌های جدی و کارشکنی بخشی از حاکمیت، نهاد ها و سازمان های مردمی با کوشش های بی دریغ صدها نفر از داوطلبان دلسوز توانستند بیش از یک دهه کیفیت‌های کمی و کیفی خود را ارتقاء دهند، تا هم بتوانند خدمات خود را به گروه‌های آسیب‌پذیر ارائه و هم به بخشی از وظایف قانونی خود در نظارت و انتقاد از سیاست‌های دولتی عمل کنند.

اما متأسفانه پس از اوج گرفتن اعتراضات میلیونی مردم و حوادث خونین پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری بخش وسیعی از نهادهای دگر اندیش در جامعه مدنی یا مستقیماً مورد یورش نیروهای امنیتی قرار گرفته و یا به علت فقدان یک فضای سالم و آزاد برای عرضه خدمات خود منفعل و تعطیل شدند.

دراین میان درغیاب سازمان های مستقل و منتقد مردمی، روزنامه‌ها و رسانه های آزاد و سانسور نشده، زندانی بودن بسیاری از کنشگران اجتماعی و مهاجرت اجباری بخش گروه وسیعی از فعالان اجتماعی از ترس دستگیر شدن، جمهوری اسلامی درتلاش برای کنترل هرچه بیشتر بقایای سازمان های مردمی، و هم سازمان دهی همه جانبه برای قلع و قمع اعتراض های مسالمت آمیز است. سیاست گذاران اسلامی این بار تمام امکانات خود را به کار گرفته‌اند تا از یک سو با اعمال سیاستی خشن و ازسوی دیگر با قانونی کردن خط مشی دولتی برای کنترل و هم نظارت برنحوه تاسیس سازمان های مدنی، با بهره گیری از روش‌های امنیتی و نظامی جامعه مدنی را به بازوهای اجرایی دولتی و درخدمت سیاست‌های خود تبدیل کنند. در این راستا تاکنون دولت با طرح پیشنهادی برای تاسیس و نظارت برفعالیت های سازمان های غیردولتی به مجلس و هم کنترل تشکل های مدنی از طریق اجرای طرح آمارگیری و صدور شماره شناسایی ملی از سوی وزارت کشور اقدام کرده است.

آن گروه از نهادهای مدنی که هم چنان فعالیت دارند عمدتا سازمان هایی هستند که به خدمات مردمی از نوع خیریه، یا پزشکی و غیره اشتغال دارند. این سازمان ها کمتر با مسائلی از قبیل تغییرات ساختاری درجامعه، نقد سیاست، مبارزه مدنی با سانسور برای ایجاد فرهنگ دموکراتیک در بطن جامعه سروکار دارند، با این حال در اجرای فعالیت‌های خود از آزادی همه جانبه و واقعی برخوردار نبوده و اغلب از امکانات کافی برای اجرای طرح های خود برخوردار نیستند. اکنون درآستانه سومین سالگرد جنبش اعتراضی سبز، سؤالات بسیاری پیش روی ماست.

سؤالاتی از قبیل:
1) ویژگی های جامعه مدنی و نقش آن در تحولات سیاسی درایران چیست؟
2) آیا جنبش مدنی را با بگیر و به بند و وضع قوانین متعدد می‌توان متوقف کرد؟
3) چشم انداز فعالیت‌های صلح آمیز و ترقی خواهانه درایران چیست؟
4) جنبش زنان و سایر جنبش های اجتماعی به عنوان ارکان اساسی جامعه مدنی دراین میان چه نقشی برعهده دارند؟

درسمیناری یک روزه با عنوان : «جامعه مدنی ایران سه سال پس از آغاز جنبش سبز» که به تاریخ 23 ژوئن امسال درکلن برگزارمی شود، این سوالات و پرسش های دیگری مطرح و تحولات اخیر جامعه مدنی درایران با حضور تعدادی از متخصصان بررسی خواهند شد.

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-06-05 · Archive ID 916
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=916

عرصه سوم - خلاصه بخشی از مهمترین اخبار جامعه مدنی درهفته دوم خرداده ماه جاری.

نقض حقوق انسانی فعالان اجتماعی در زندان

وضعیت نگران کننده حسین رونقی ملکی زندانی وبلاگ‌نویس، فعال حقوق بشر و مسئول کمیته مبارزه با سانسور که بیش از چند روز است که در اعتصاب غذا بسر می برد، واکنش وسیع فعالان مدنی و سیاسی را به دنبال داشته است. حسین ملکی از دسامبر 2009 در اوین زندانی شده و به خاطر اعتراض به عدم رسیدگی و ممانعت مسئولان زندان از درمان مورد نیاز و جراحی کلیه هایش دست به اعتصاب غذا زده است. حسین ملکی به اتهام فعالیت اینترنتی، توهین به رهبری و ریاست جمهوری به 15 سال زندان محکوم شده است. در اعتراض به عدم رسیدگی به وضعیت جسمی این زندانی بیمار سازمان عفو بین الملل و هم چنین بیش از 900 تن از فعالان سیاسی و مدنی خواهان اقدام فوری در نجات حان او شدند.

در بخشی از نامه آنها آمده است:

"اینک ما به عنوان جمعی از فعالین مدنی و سیاسی، ضمن محکومیت فشارهای روز افزون بر حسین رونقی ملکی و خانواده وی و نیز جلوگیری عامدانه از درمان و مرخصی استعلاجی برای این زندانی بیمار، از همه ایرانیان، سازمانهای بین المللی و نیز مقامات دولتی سایر کشورها میخواهیم تا همصدا با ما، ضمن اعتراض شدید به نقض حقوق این وبلاگ نویس زندانی، فریاد رسای او در جامعه جهانی شوند. اگر چه قویا معتقدیم که حسین رونقی ملکی کاملا بی گناه بوده و باید آزاد شود، لیکن در شرایط فعلی خواستار اعطای مرخصی فوری تا معالجه کامل و نجات جانش هستیم و به ویژه رهبر جمهوری اسلامی و نهاد نظامی امنیتی تحت نظارت وی یعنی سپاه را مسئول مستقیم جان حسین می دانیم."

از سوی دیگر 320 نفر ازکنشگران مدنی و سیاسی درنامه ای به خود حسین رونقی ملکی خواهان شکستن اعتصاب غذای او شدند.

درادامه واکنش به شرایط وخیم جسمی این زندانی سیاسی، جمعی از یاران حسین که همراه با او زندانی هستند درنامه سرگشاده دیگری به علایی رئیس بخش 350 زندان اوین خواهان رسیدگی فوری به بیماری حسین ملکی شدند.

سرانجام درپی این اعتراضات به دستور آیت الله لاریجانی رئیس قوه قضائیه، حسین ملکی جهت درمان به بیمارستان هاشمی‌نژاد تهران منتقل شده، اما در روز شنبه گذشته مجدداً به زندان برگردانده شده است. بر اساس گزارش هرانا مأموران امنیتی با وجود دستور لاریجانی مجددا با رفتارهای اهانت‌آمیز و تهدیدهای مکرر موجب رنجش و آزار حسین رونقی و خانواده‌اش شدند حسین رونقی پیش از این هم به دلیل ضعف جسمانی ناشی از اعتصاب غذا به بیمارستان طالقانی منتقل شده بود.

اعتصاب غذای محمد صدیق کبودوند زندانی کرد

به گزارش رادیو زمانه محمد صدیق کبودوند، زندانی کرد که از تاریخ شنبه 6 خرداد 1391 دست به اعتصاب غذا زده به بیمارستان منتقل شده است. کبودوند اعلام کرده تا زمانی که به اوبرای دیدن فرزند بیمارش به او

مرخصی ندهند اعتصابش را نخو.اهد شکست. همسر او دراین مورد به کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران می گوید: «متأسفانه روز دوشنبه 8 خرداد که برای ملاقات او به زندان رفته بودم متوجه شدم که ازروز شنبه دوباره دست به اعتصاب غذا زده، محمد گفت این بارتا به او مرخصی داده نشود به هیچ وجه اعتصابش را نخواهد شکست» محمد صدیق کبودوند درسال 1382 نشریه پیام مردم را به دوزبان کردی و فارسی درتهران و استان های کردنشین منتشر می‌کرد و در 1384 سازمان حقوق بشر کردستان را تشکیل داد. در سال 2009 جایزه مطبوعات بریتانیا را به عنوان روزنامه نگاربین المللی سال از آن خود کرد. هم چنین جایزه هلمن- همت در سال 1387 از طرف دیده بان حقوق بشر به او اعطا شد.

نرگس محمدی و فلج عضلانی

وضعیت جسمانی نرگس محمدی نایب رئیس کانون حقوق بشر که چندی پیش باردیگر زندانی شد بسیار نگران کننده اعلام شده است. او که در زندان قبلی به بیماری فلج عضلانی مبتلا و به همین خاطر آزاد شده بود، باردیگر قادر به راه رفتن نیست. خانواده نرگس نسبت به بروز و تشدید بیماری او در شرایط نامناسب زندان هشدار داه اند. نرگس محمدی مادر دو فرزند خردسال است. بازداشت مجدد نرگس محمدی، وضعیت خاص بیماری اش و مسئله سرپرستی دو کودک، سبب اعتراض شدید فعالان و سازمان های حقوق بشری به زندانی شدن اوست.

تهدید خانواده‌های کارکنان رادیو فردا

تهدید و بازداشت اعضای خانواده و اقوام کنشگران مدنی و سیاسی درایران درجمهوری اسلامی به عنوان یکی از راه‌های تحت فشار گذاشتن افراد، حال در مورد کارکنان رسانه‌های فارسی زبان در خارج از کشور هم به کار گرفته می شود. پس از آزار و اذیت خانواده‌های روزنامه نگاران شاغل دربی بی سی فارسی، اکنون نوبت به همکاران رادیو فردا رسیده است. رادیو فردا در بیانیه منتشر شده دراین باره از بازجویی و تحت فشار قرار دادن اقوام یعضی از همکاران این رسانه خبر داده است. دستکم 20 نفر ازوابستگان کارکنان این رادیو بازجویی و تهدید شده اند. به گفته آرمان مستوفی مدیر رادیو فردا در 11 خرداد جاری درطول بیش از یکسال در مجموع ده خانواده به این شیوه تحت فشار قرار گرفته اند.

قانون جدید مجازات اسلامی و نحوه برخورد با جرم و مجرم

روزنامه اعتماد در روز دهم خرداد در گزارشی از همایش قانون جدید مجازات اسلامی، به سخنرانی نجفی توانا استاد حقوق و جرم شناسی پرداخته است.در این همایش نجفی توانا با انتقاد از نحوه برخورد با جرم، مجرم، بی اثر بودن مجازات ها و حبس های سنگین، قانون جدید مجازات اسلامی را بررسی کرده است. او می‌گوید که مجازات شدید مجرمان میزان وقوع جرم و جنایت را کاهش نداده و زندان های ایران هیچ برنامه‌ای برای بازپروری انسانی زندانیان ندارند

این استاد حقوق دربخشی از سخنرانی اش می گوید:

«زندان‌هاي فعلي جامعه ما جنبه بازپروري مجرمان را ندارد بلكه رفتن به زندان باعث مزمن شدن رفتار مجرمانه مي‌شود.در شرايط فعلي، 8 ميليون پرونده كيفري در دادگاه‌ها در حال رسيدگي است و حداقل هر پرونده، دو طرف شاكي و متشاكي را دارد، يعني 16 ميليون نفر به صورت مستقيم در پرونده‌هاي كيفري درگيرند. اين افراد، حداقل 3 نفر در خانواده دارند كه آنها نيز در مسائل جنبي پرونده‌هاي كيفري درگير هستند و مي‌توان با احتساب اين افراد گفت نزديك به 70 ميليون ايراني به صورت مستقيم و غيرمستقيم در پرونده‌هاي كيفري درگيرند.

خوشبختانه در قانون جديد، اختيارات قاضي نسبت به گذشته در تعليق مجازات، وسيع‌تر شده. براي همين، زمينه براي ورود به بحثي با عنوان «فردي كردن واكنش‌هاي كيفري» فراهم شده است. در اين ديدگاه، براي مجازات كسي كه مجرم حرفه‌يي است و معاش خود را از طريق جرم تامين مي‌كند با كسي كه «مجرم اتفاقي» است، تفاوت قائل مي‌شوند. در قانون جديد، مي‌توان ظرفيت‌هاي تشكيل پرونده شخصيت مجرم را از لحاظ ايجاد قيود و حصارهاي اجتماع براي فرد مجرم فعال كرد. اين پرونده‌ها مي‌تواند مشخصات مجرم را در ترسيم

وضعيت مجازات او لحاظ كند و فرصتي را فراهم مي‌كند تا قاضي به جاي استفاده از مجازات، بازپروري مجرم و بازگشت سالم او به جامعه را تجويز كند.»

اين استاد حقوق در ادامه گفت: «متاسفانه مشاهده مي‌كنيم زندان‌هاي فعلي جامعه ما جنبه بازپروري مجرمان را ندارد، بلكه رفتن به زندان باعث مزمن شدن رفتار مجرمانه مي‌شود. بنابراين اگر اين امكان را به قاضي بدهيم كه تعليق مجازات را اعمال كند، از آسيب زدن بيشتر به جامعه جلوگيري كرده‌ايم.

او به بالا بودن شاخص زندانيان كشور نسبت به شاخص جهاني اشاره كرد و گفت: «در زندان‌هاي فعلي بيش از 260 هزار نفر زنداني داريم. اگر به صورت تصادفي از مردم بپرسند كدام‌يك از شما مورد جرم واقع شده‌ايد، شايد 80 درصد اين موضوع را تاييد كنند. با اين حال آمار جرايم رسمي، يك‌صدم واقعيت بزهكاري در جامعه را نشان نمي‌دهد. شيوه‌هايي مانند تعليق در مجازات، مي‌تواند جنبه‌هاي كيفري قانون را پايين بياورد و زندان‌ها تبديل به محلي براي بازپروري مجرمان شود نه دانشگاهي براي بزهكاري.»
نجفي توانا در ادامه سخنانش، به واقع‌گرايي در تصويب قوانين كيفري، تاكيد كرد و گفت: «به صرف تمسك به مجازات، نظم ديني و رفتاري در جامعه برقرار نخواهد شد. وقتي علت‌هاي به وجود آمدن جرم و بزه را در جامعه بررسي كنيد، نيازها را هم مي‌توانيد مشخص كنيد و قوانين را بر اساس عينيت بنويسيد نه بر اساس ذهنيت ايده‌آل‌گرا. پس بايد پژوهش كرد چرا مثلا در خصوص بحث ماهواره مردم به اين ابزار گرايش پيدا كرده‌اند؟ اگر نيازسنجي مي‌شد متوجه مي‌شديم رسانه‌هاي ما، به نيازهاي تفرج، تفريح، اطلاع‌رساني، علم و آموزش مخاطبان پاسخ نمي‌دهند. اين نارسايي و ناتواني در ارائه پاسخ، زمينه‌ساز گرايش مردم به فضاي مجازي و ماهواره شده است. اگر اين بررسي‌ها انجام شود، قانونگذار قوانيني را وضع مي‌كند كه به قوانين متروك، حجيم و مرده منتهي نشود. منتهي بايد اساس ذهنيت تقنيني مجلس، اين تغييرات را عميق‌تر پيگيري كند.»

تجمع فعالان محیط زیست درتبریز

بار دیگر گروهی از شهروندان تبریزی در پارک ائل گلی تبریز به مناسبت روز جهانی محیط زیست نسبت به وضعیت دریاچه ارومیه اعتراض کردند.

بنا به خبر گزارشگران هرانا، ارگان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در این راهپیمایی که از پارک ائل گلی آغاز و به سمت غرب شهر ادامه یافت صدها تن از شهروندان حضور داشتند. معترضان با شعارهایی در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه به طرف هتل ائل گلی حرکت کردند، در این تجمع خودجوش آنها شعار «اورمو گولو سوسوزدو - آذربایجان اویانماسا اتوزدی» (دریاچه ارومیه بی آب است - آذربایجان سکوت کند بازنده است) را سر دادند. هم چنین تصاویری از بازداشت شدگان اعتراضات روز یکم خرداد ماه امسال نیز در دست برخی از تجمع کنندگان دیده شد. این گردهمایی پیش از آمدن نیروهای امنیتی به محل تجمع به پایان رسید.

—

محرومیت کانون مدافعان حقوق کارگر از شرکت دراجلاس سازمان جهانی کار

2012-06-07 · Archive ID 919
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=919

عرصه سوم- صدو یکمین اجلاس بین‌المللی سازمان جهانی کارILO در خرداد ماه جاری در شرایطی برگزار می‌شود که مدافعان مدنی درحوزه کار و کارگری درایران از ابتدایی ترین حقوق خود که همانا امکان فعالیت مستقل و آزاد برای بهبود شرایط کار و تأمین هرچه بیشتر حقوق صنفی کارگران است محروم اند. افزون برآن گروهی از کنشگران جنبش کارگری و رهبرانش به زندان های طولانی مدت محکوم شده اند.

سازمان بین‌المللی کار یکی از مؤسسات تخصصی سازمان ملل است که به فعالیت در امور مربوط به کار وگارگری پرداخته و هرساله با برگزاری جلسات بین‌المللی مشکلات کارگری درسطح جهان را بررسی می کند.

سازمان بین‌المللی کار برای قرن بیست و یکم چهار استراتژی کلی را درمورد مسائل و مشکلات کارگران تعیین کرده است. به این معنا: ارتقاء و تشخیص بنیادین حقوق کار، ایجاد فرصت های بیشتر برای کارگران زن و مرد برای داشتن امکانات مادی و کاری درخور، بالابردن حمایت های اجتماعی و هم تقویت سازمان های مدافع کارگران و ایجاد بحث‌های اجتماعی برای حل مشکلات اقشار کارگری در کشورهای مختلف جهان از اهداف این سازمان هستند.

بر مبنای گزارش‌های رسمی درایران، تنها تعدادی از نمایندگان سازمان های کارگری دولتی و مورد تأیید از جمله اولیاء علی بیگی رئیس کانون عالی شورای اسلامی کار کشور دراین جلسه شرکت خواهد کرد و هیچ گروه یا نهاد مستقل غیردولتی مدافع حقوق کارگران حق شرکت دراین جلسات راندارند. نهادهای مستقل مدافع حقوق کارگران درایران حق فعالیت همه جانبه، رسمی و علنی را نداشته و با انواع محدودیت‌ها و کنترل دولتی مواجه هستند.

به همین خاطر با وجود به رسمیت شناخته شدن کانون مدافع حقوق کارگران از طرف سازمان بین‌المللی کار، اعضای این کانون حق شرکت دراین اجلاس را ندارند. در اعتراض به این شرایط کانون مدافع حقوق کارگر با انتشار نامه ای سرگشاده به اجلاس ILO به تشریح وضعیت اسفناک کارگران درایران و بررسی ویژگی‌های جنبش کارگری درایران، تبعیضات سازمان یافته دولتی برای سرکوب هرچه بیشتر این جنبش و اثرات بحران اقتصادی و تحریم ها بر زندگی میلیونها کارگر ایرانی پرداخته و آن را منتشر کرده است. مشروح نامه کانون مدافعان حقوق کارگر را دراینجا می خوانید.

گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر از وضعیت کار و زندگی کارگران ایران

با درود به همه ی خانم ها و آقایان
هیات های نمایندگی کارگران کشورهای مختلف شرکت کننده در اجلاس ILO

به علت تشدید فشارهای امنیتی نتوانستیم در این اجلاس حضور یابیم. بازداشت، تهدید و احضار یاران کانون مدافعان حقوق کارگر، ما را از اعزام نماینده باز داشت. به همین جهت، گزارش خود را ارائه کرده ایم تا به عنوان سند وضعیت کارگران و جریان مستقل کارگری ایران، در اجلاس مطرح شود. با تشکر از ITUC که جنبش مستقل کارگری ایران را نیز به رسمیت شناحته و از آن دعوت کرده است.
وضعیت کار و زندگی کارگران ایران به طور خلاصه و به اقتضای محدودیت زمانی، به این شرح است:
۱- معضلات اجتماعی در ایران به خصوص در زمینه ی تشکل ها و فعالان کارگری به گونه ای است که احضار، تهدید، شرایط دشوار بازجویی ها و زندان، از رویه های جاری و معمول در برخورد با فعالیت های کارگری شده است. به عنوان نمونه؛ اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، آقایان "منصور اسانلو" و "ابراهیم مددی" پس از گذراندن حدود ۴ سال زندان، هم اکنون تحت مداوای پزشکیِ عواقب سال های زندان و فشارهای ناشی از آن هستند.



."علی اخوان" از یاران کانون مدافعان حقوق کارگر ، "رضا شهابی" عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد و "بهنام ابراهیم زاده"از فعالان کارگری، دوران زندان خود را می گذرانند. رضا شهابی نیازمند مداوای سریع آسیب های ستون فقرات ناشی از دوران بازجویی و عوارض اعتصاب غذای طولانی خود است.دکتر "فریبرز رئیس دانا" از موسسان کانون مدافعان حقوق کارگر نیز، به تازگی روانه زندان شده است. "شاهرخ زمانی" عضو هیات موسس سندیکای نقاشان و "محمد جراحی" از فعالان کارگری، در بند متادون زندان یزد و تبریز در حال گذران حبس های طولانی مدت ۱۱ و ۶ سال خود هستند. در زندان تبریز، زندانیان مبتلا به ایدز و هپاتیت هم نگهداری می شوند. این دو، در اعتراض به این شرایط و برخی محدودیت ها، به اعتصاب غذای طولانی دست زده اند. "علی نجاتی" عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، با وجود ابتلا به بیماری قلبی، در حال گذران دوران زندان خود است.

تعداد زیادی از کارگران و مدافعان حقوق کارگر نیز تحت احکام سنگین دادگاه قرار دارند و به طور مرتب، شاهد احضار فعالان کارگری به مراکز امنیتی و بازجویی های طولانی مدت آنها هستیم. همه این فشارها، صرفا به دلیل فعالیت این افراد در جهت احقاق حقوق کارگران بوده است، در حالی که بر اساس مقاوله نامه های ۹۸ و ۸۷ و تعهدات بین المللی دولت ایران از سویی، و قوانین داخلی ایران از دیگر سو، هیچ یک از این فعالیت ها مصداق و مشمول جرم نبوده و نیستند، بلکه چنین شرایط امنیتی و دشواری های فعالیت، به جهت ایجاد ارعاب در میان کارگران و فعالان کارگری بوده است تا ایشان از احقاق حقوق خود منصرف و نا امید شوند. سندیکاها و اتحادیه های کارگری نظیر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه کارگران پروژه ای و ... که با زحمات فراوان و مشکلات گوناگون تشکیل شده اند، مورد انواع تهدیدات و محدودیت ها قرار گرفته اند و تلاش شده است تا تشکل های واقعی و مستقل کارگران، متلاشی گردد.

هر اقدامی در جهت ایجاد تشکل های مستقل کارگری، بلافاصله با اخراج، زندان و ... مواجه شده است. در همین راستا، در قانون کار تشکل های دولتی و غیر مستقل نظیر شوراهای اسلامی کار و انجمن های صنفی جهت کنترل فعالیت های کارگری پیش بینی شده است، با این همه، در واحدهای تولیدی بزرگ مانند صنایع نفت، پتروشیمی و خودروسازی، ایجاد همین تشکل های غیر مستقل نیز تحمل نمی شود.
۲- مسائل اقتصادی جامعه ایران که مستقیما بر زندگی میلیون ها کارگر ایرانی اثرات سوء خود را گذارده است در دو سطح متفاوت اما در ارتباط با هم مطرح می شود؛
1):وضعیت حال حاضر اقتصاد ایران به گونه ای است که طبق آمارهای رسمی بیش از نیمی از مردم زیر خط فقر قرار دارند. این واقعیت ناشی از ستم و بی عدالتی حاکم بر جامعه است که قوانین و مقررات را هم به

زیان طبقه کارگر، زحمت کشان و مزدبگیران، تصویب و اجرا می کند. حداقل دستمزد رسمی، متضمن تامین حداقل های معیشتی نیست. طبق گفته های بسیاری از مقامات رسمی، این حداقل دستمزد کمتر از یک سوم خط فقر در ایران است.پیامدهای طرح "آزادسازی قیمت ها" (که در ایران هدفمند کردن یارانه ها نامیده شده است) آشکارا بار بحران ساختاری اقتصاد ایران را بر دوش کارگران و زحمتکشان گذاشته است. حاصل این سیاست، افزایش گرانی و تورم از یک سو و کاهش شدید تولید و تعطیلی گروه زیادی از بنگاه‌های تولیدی و طبعا گسترش بیکاری و بیکارسازی از سوی دیگر است. همزمان دستمزد واقعی کارگران کاهش می یابد، و تورم افسارگسیخته(که بنا بر اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی طی سال گذشته معادل ۲۱/۵درصد و بر اساس آمارهای مستقل بیش از ۳۰ درصد بوده است) نیز، باقیمانده قدرت خرید کارگران و زحمتکشان را می بلعد و سفره آنان را از نان شب شان نیز خالی می کند.

طی سال های اخیر، اجرای آزاد سازی قیمت ها و خصوصی سازی های گسترده طبق سیاست های دستوری صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، بسیاری از صنایع را به ورشکستگی کشانده و بیکاری را افزایش داده است. بنا بر آمار رسمی، نرخ بیکاری به ۱۲.۳ درصد رسیده و میزان بیکاری در بین جوانان بیش از ۳۰ درصد اعلام شده است.به علت این بیکاری گسترده، بسیاری از کارگران و زحمتکشان با حقوقی کمتر از حداقل دستمزد رسمی به کار مشغول هستند. طی سال های اخیر، موج اخراج نیروی کار در پی اجرای فاز اول آزاد سازی قیمت ها در ایران شامل افزایش بیش از ۱۰۰درصدی قیمت حامل های انرژی و افزایش واردات کالاهاینگران کننده است.

2):طی سال های اخیر بر شدت منازعات دولت ایران و غرب افزوده شده و تحریم های گسترده و موثری در یک سال اخیر علیه ایران اعمال شده است. تردیدی نیست که در این رقابت ها و درگیری ها میان دولت های سرمایه داری، طبقه کارگر و مردم زحمت کش متحمل اصلی ترین و عمیق ترین رنج های ناشی از این تحریم ها می شوند. پیش کشیدن احتمال حمله نظامی به ایران از سوی دول غربی، سبب تنگ تر شدن فضای فعالیت های اجتماعی و سیاسی و متاثر شدن شرایط اقتصادی جامعه از این سیاست های جنگ طلبانه شده است. طبقه کارگر و فعالان اجتماعی مستقل، همواره مخالف جنگ و تحریم های اقتصادی بوده اند و نقش و تاثیر سیاست گذاری های ستیزه گرانه سیستم جهانی سرمایه داری و دول مرکز را در وخامت شرایط اقتصادی جامعه ما موثر می دانند.

3)- می دانیم تنها راه بقا و ادامه زندگی برای کارگران، دستمزد دریافتی ناچیزشان بوده است. در شرایط اقتصادیِ امروز ایران، که فقر و گرانی بیداد می کند، همین حداقل دستمزد نیز به موقع به کارگران پرداخت نمی شود. تعویق و عدم پرداخت دستمزد کارگران، امروزه سیاست رایج کارفرمایان و دولت حامی آنها در ایران است. با پیشبرد این سیاست، فشارهای معیشتی و اقتصادی سنگینی بر دوش کارگران و خانواده آنها گذاشته شده، حق حیات آنان انکار و مرگی تدریجی بر آنها تحمیل می‌شود. این در حالی است که طبق تبصره ی ۱ ماده ۱۳قانون کار ایران، کارفرما ملزم به پرداخت به موقع دستمزدها در هر شرایطی می باشد و عدم پرداخت به موقع، تعقیب قانونی در پی دارد.

بنا بر آمارهای مختلف و رسمی طی سال های اخیر عدم پرداخت دستمزد کارگران شیوع بیشتری پیدا کرده است. لیست مشروحی از موارد تعویق پرداخت دستمزد و میزان و مدت آن، در پیوست (۱) این گزارش ارائه شده است. به عنوان نمونه به مدت زمان معوق ماندن پرداخت دستمزد کارگران بخش های مختلف اشاره می کنیم:

-کارگران کنف کار رشت: ۵ سال
-کارگران ریسندگی کاشان: ۴۰ ماه
-کارخانجات نساجی فرنخ و مه نخ و نازنخ: ۲۶ ماه
-کارگران نساجی مازندران: ۱۸ ماه
حتی در چنین وضعیتی نیز دولت حق اعتراضی برای کارگران به رسمیت نمی شناسد و با هر تجمع اعتراضی به شرایط تعویق دستمزدها، برخوردهای پلیسی و امنیتی صورت می دهد و بسیاری از کارگران و فعالان کارگری را با اتهاماتی چون "اقدام علیه امنیت ملی"،"اخلال در نظم عمومی" و "فعالیت تبلیغی علیه نظام " بازداشت و روانه زندان می کند.

۴- اقدامات دولت در عرصه مقررات زدائی از روابط کار، حذف، «اصلاح»، مسخ و منجمد کردن قانون کار و محدود کردن دامنه شمول آن، در جهت جایگزین کردن نظام "دستمزد منظم" با"مزد برای کار معین" و مسئولیت زدائی و طفره رفتن از نقش دولت در عرصه تامین اشتغال، تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری، روز به روز در حال گسترش است. هم چنان که به منظور تامین نیروی کار ارزان، مطیع، خاموش و بدون تشکل برای تضمین امنیت سرمایه و سود، جلوگیری از شکل گیری هرگونه تشکل مستقل و بازگذاشتن دست سرمایه‌داران داخلی و خارجی برای اعمال هرگونه اجحاف، تبعیض و تعرض به کارگران، بطور بی سابقه ای افزایش یافته است.

در سایه میل روز افزون سرمایه داران به کسب سود بیشتر و زمینه سازی قانونی از سوی دولت در جهت منافع کارفرمایان (از جمله طرح اخیر اصلاحیه قانون کار)، بنا بر آمارهای رسمی ۸۰تا ۸۵درصد از کل قراردادهای کاری در کشور به صورت موقت، کار معین و قراردادهای سفید امضا منعقد شده است. مطابق مواد ۷ و ۱۰ قانون کار دولت ایران، این قراردادها به شکل قانونی در آمده و اخیرا پیرو بخش نامه دستمزد سال ۱۳۹۱ وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی مورد تأکید مجدد قرار گرفته است.

ابلاغ این بخش نامه در واقع تبدیل قرارداد افراد از رسمی به موقت و پیمانی است و قراردادهای دائم به هیچ وجه منعقد نمی شود. لازم به ذکر است که در شرایط فعلی بیشتر قراردادهای کار که در کشور منعقد می شود ماهیانه، ۳ماهه و یکساله است. آمارها نشان داده است که بیشترین سوانح ناشی از کار در محیط ها و کارگاه هایی صورت می گیرند که کارگران آنها مشمول قراردادهای موقت هستند و برای آموزش این کارگران از سوی کارفرما هیچ اقدامی صورت نمی گیرد.
طی شروط زمان عقد قرارداد، کارگران قبل از شروع به کار مجبور به پذیرش تسویه حساب می شوند و کارفرمایان با گرفتن چک و سفته هنگام انعقاد قرارداد سفید امضا، قدرت اعتراض در مقابل تضییع حداقل حقوق قانونی را از آنها می‌گیرند. همچنین کارفرمایان قائل به پذیرش قرارداد دسته جمعی نیستند.

۵- گسترش قراردادهای سفید امضا پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به جایی رسیده است که در حال حاضر ۷۰ درصد از زنان کارگر، با قراردادهای سفید امضاء مشغول به کار هستند. زنان کارگر به دلیل آسیب پذیر بودن موقعیت اجتماعی شان، در غالب موارد دستمزد به مراتب پایین تری نسبت به مردان و گاهی بسیار پایین تر از حداقل دستمزد مصوب، دریافت می کنند. آماری رسمی از نابرابری دستمزدهای پرداختی به کارگران زن و مرد، در دسترس نیست، چرا که به کارگیری زنان بدون انعقاد قرار داد، به طورگسترده ای صورت می پذیرد. با این همه بنا بر گزارش های مستقل، زنان در اکثر موارد، نصف مردان دستمزد دریافت می‌کنند. از زمانی که کارگاه‌های با کمتر از ۱۰کارگر از پوشش قانون کار خارج شدند، مشکلات کارگران شاغل در این کارگاه‌های کوچک، افزایش یافته است. از آنجایی که بسیاری از زنان کارگر در تولیدی‌های کوچک با کمتر از ۱۰کارگر اشتغال دارند، از حق بیمه و خدمات پزشکی رایگان نیز محروم‌اند.

طبق مقاوله نامه ۱۱۱سازمان جهانی کار، آزار و اذیت‌های جنسی و اعمال خشونت فیزیکی در محیط کار نیز در گروه "عدم ایمنی کار" ثبت شده است. آماری رسمی از آزارهای جنسی در ایران به ثبت نرسیده است، اما گزارش‌های مستقل، از رواج این گونه خشونت‌ها در برخی از واحدهای تولیدی حکایت دارد.
در سال ۸۹ و ۹۰واحدهای تولیدی و صنعتی، بیش از سال های گذشته با ورشکستگی مواجه شده و به تعطیلی یا اخراج کارگران اقدام کرده اند. در این اخراج‌ها نیز، غالبا زنان کارگر اولین کسانی بوده اند که کار خود را از دست داده اند. بخشی از زنان کارگر نیز، بدون قرارداد رسمی و مشخصی در خانه ها مشغول به کار بوده و از همه‌ی حقوق بدیهی کار، محروم هستند.
۶- قانون کار ایران بر ممنوعیت به کارگیری کودکان زیر "پانزده" سال تاکید دارد، اما تحقیقات گوناگون نشان می دهد که ۸۰ درصد کودکان خیابانی در ایران، "کودکان کار"هستند که بنا به گزارش "مرکز آمار ایران" (سال ۱۳۸۷) نزدیک به ۲ میلیون و پانصد هزار نفر را شامل می شود و اکنون بالغ بر ۴ میلیون می باشد. اگرچه بحران اقتصادی و عدم تامین معاش خانوارها، از عوامل موثر در این فاجعه انسانی بوده است، اما شواهد نشان می دهد در پی خارج شدن کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار، به کارگیری کودکان و نوجوانان در چنین کارگاه هایی به عنوان نیروی کار ارزان و تحت شرایط سخت محیط کار، گسترش یافته است.
بر پایه تحقیقی که روی ۴۱۳۳نفر از کودکان خیابانی ایران صورت گرفته است، آمار تکان دهنده ای بدین شرح به دست آمده است که ۷۳درصد این کودکان از بیماری های چشمی، ۶۱درصد از بیماری های تنفسی، ۶۴درصد

از بیماری های قلبی، ۶۹درصد از مشکل اختلال در شنوایی و ۶۱درصد از کمبود توجه رنج می برند و ۸۲درصد نیز دچار بیماری های پوستی هستند. ۶۱ درصد این کودکان به مشکلات گفتاری دچارند. در مجموع ۸۶درصد آنها فاقد هرگونه مهارت شغلی اند و ۵۶ درصد این کودکان حتا آموزش ابتدایی ندیده اند. این آمار نشان گر وضعیت ناگوار و هشدار دهنده کودکان خیابانی و کار در ایران است.

جدیدترین بررسی ها نشان می دهد که "فقر در کودکان کار و خیابان از سال ۸۴ تا ۸۸ روند صعودی داشته است." بر اساس این بررسی ها مشخص شده است که "نرخ ابتلای کودکان کار و خیابان به ایدز چهار و نیم درصد است و این نرخ نسبت به نرخ ابتلاء به ایدز در جامعه که ۰/۱درصد است، ۴۵برابر محسوب می شود". چنین بررسی ها و آمارهای تکان دهنده ای که تنها گوشه ای از واقعیت کودکان کار در ایران را نشان می دهد، نیاز بیش از پیش به مبارزه در راه از بین بردن کار کودک را ضروری می نماید. ضمنا نباید از خلاءهای قانونی در نظام حقوقی ایران جهت پیشگیری از چنین فجایعی چشم پوشی کرد، چنان چه به عنوان مثال، کار در سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی ذیل عنوان "کار نوجوانان" صورتی قانونی یافته است.

۷- اقلیت های مختلف به ویژه کارگران مهاجر بخش هایی از نیروی کار جامعه ایران هستند. در این بین کارگران افغان که به صورت عمده در حوزه های ساختمانی، خدماتی و پروژه ای مشغول به کار هستند از شرایط خاصی برخوردارند. طی سال های اخیر و با شدت گرفتن بحران های اقتصادی در جامعه، شاهد سیاست هایی در راستای شانه خالی کردن دولت از مسئولیت های خود در ارتباط با کارگران مهاجر بوده ایم. مردم افغان در ایران فاقد حقوق اند. اکثر آنها باید در شرایط غیر انسانی کار کنند، در کمپ ها و جاهای تنگ و شلوغ زندگی کنند و به کارشان به مثابه کار سیاه نگریسته شود. در نبود قوانین حمایتی از مهاجران و در کنار اهتمام رسمی بر محدودیت زیستی و کاری برای آنها، همه ی امکان های عملی تظلم خواهی نیز از آنها گرفته شده است، به گونه ای که حتی در موارد به بیگاری کشیده شدن آنها توسط کارفرمایانی که از نداشتن مجوزهای رسمی کار ایشان سوء استفاده می کنند، این بخش مظلوم نیروی کار، امنیت لازم برای طرح حق خواهی خود در هیچ محکمه ای را ندارند. امروزه اعمال شدیدترین تبعیض ها، ستم ها،سرکوب نسبت به اقلیت ها و به ویژه کارگران افغان در سراسر ایران، امری رایج است. این کارگران فاقد هرگونه امنیت بوده و همواره در شرایط اضطرار و وحشت زندگی می کنند و به هرگونه کاری تن در می دهند. این شکل زندگی، تنها قانون نانوشته ای است که مهاجران افغان را در سراسر ایران شامل می شود.

طبق آمارهای رسمی بیش از ۲۰۰هزار کارگر افغان در حوزه های مختلف کاری جامعه ایران به کار مشغول اند. در این میان ۹۴هزار نفر نیز هنوز به صورت رسمی ثبت نشده اند. نیروی کار افغان، سخت‌ترین کارها را که کمتر کسی بر عهده نمی گیرد، در مقابل مزد ناچیزی انجام می‌دهند. آنها از حق بیمه‌ی بیکاری، عیدی، خدمات درمانی و بهداشتی، حق آموزش و دارا بودن برگه های احراز هویت، محروم اند و در عین تحمیل تورم کمرشکن کنونی بر تمامی اقشار زحمت کش جامعه و از جمله کارگران مهاجر، "کمک‌های ناچیز یارانه‌ای" که برای تحمل فشارهای ناشی از آزادسازی قیمت ها، از سوی دولت به مردم پرداخت می شود نیز به این نیروهای کار مهاجر تعلق نمی‌گیرد.
در پایان ضمن سپاس مجدد از توجه همراهان و فعالان کارگری ِحاضر در نشست، همبستگی خود را با کارگران، تشکل ها و فعالان کارگری و مبارزات بر حق ایشان در سراسر جهان، از خیابان های منتهی به "وال استریت" گرفته تا میدان های آتن و سایر کشورهای جهان اعلام می نماییم.

کانون مدافعان حقوق کارگر
خرداد ماه ۱۳۹۱
جون۲۰۱۲

—

جامعه مدنی درآینه اخبار
2012-06-11 · Archive ID 922
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=922

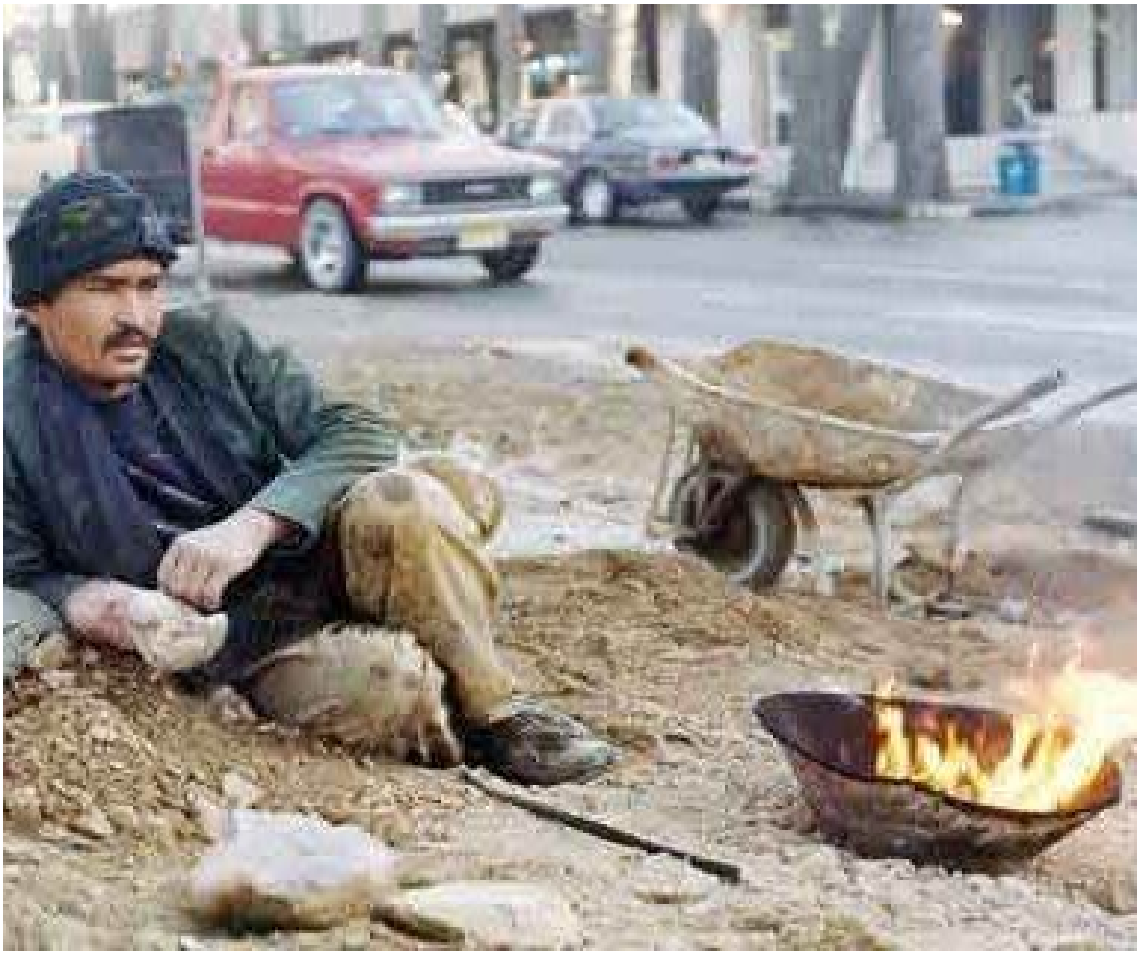
عرصه سوم - در شرایطی که روابط بین المللی ایران تحت الشعاع تصمیمات دولت جمهوری اسلامی در مورد انرژی هسته ای قرار گرفته و تحریم های اقتصادی ادامه دارد . ، بحث همیشگی نقض حقوق بشر به عنوان یکی از مسائل حاد روز در داخل و خارج از کشور خبرهای متعددی را به خود اختصاص داده است . این حقوق که به طور مثال ابتدایی ترین حقوق مانند داشتن حق کار و رفاه نسبی تا حق تحصیل، آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی نشر و بیان را شامل می شود، هر روز به شکلی توسط حکومت و عوامل اجرایی آن نقض شده و مورد بی توجهی قرار می گیرند . بر همین منوال، نیمه اول خرداد نیز مانند ماه های گذشته با نقض حقوق زنان، کارگران، کودکان، زندانیان سیاسی ،اقلیت های قومی و دگرباشان پشت سر گذاشته شد .

گزارش پریسا کاکایی از مهمترین اخبار جامعه مدنی در هفته سوم خرداد ماه را می خوانید .

جامعه

در ماه های اخیر، آزار و ایجاد محدودیت برای مهاجران افغان ساکن شهرهای مختلف ایران توسط دولت افزایش یافته، در حالی که هنوز مدت زیادی از خبر ممنوعیت حضور افغان های مقیم ایران در برخی شهرها از جمله مازندران نگذشته است . بر اساس آخرین اخبار، سازمان سنجش آموزش ایران، تحصیل در برخی رشته ها و در بیش از 29 استان را در دو کنکور کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی سال ۹۱ برای اتباع غیرایرانی ممنوع اعلام کرد . بر اساس آمار رسمی، حدود سه میلیون مهاجر افغان در ایران حضور دارند که با مشکل اقامت و داشتن شغل مواجه هستند . همچنین ۳۲ هزار کودک بدون شناسنامه حاصل ۱۲ هزار ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان در ایران زندگی می کنند . مهاجران افغان به دلیل مسئله اجازه اقامت، با مشکلات زیادی از جمله عدم صدور شناسنامه، نداشتن حق تحصیل، کار و معضلات مربوط به ازدواج روبرو هستند .

اما تنها مهاجران افغانی در ایران با تبعیض رو به رو نیستند ، بلکه ایرانیان غیرمسلمان نیز به دلیل باورهای دینی خود با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند . در همین رابطه، کمپین بین المللی حقوق بشر اطلاع می دهد که به تازگی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کنترل کلیساها را بر عهده گرفته است، وظیفه ای که پیش از این بر عهده مامورا ن وزارت اطلاعات و همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود . این کمپین می نویسد : " یک منبع محلی مطلع در خصوص جامعهٔ پروتستان ایران به کمپین گفت که در اوایل خرداد سال جاری مامورین اطلاعاتی، کلیسای جماعت ربانی در غرب تهران را وادار کردند تا درهای خود را ببندد و ارائه خدمات خود را متوقف کند . به ما گفتند که باید کلیسا را تعطیل کنید . اگر خودتان این کار را انجام ندهید و ما کلیسا را رسما ببندیم، دیگر هیچ امیدی نیست که شما بتوانید حتی ساختمان کلیسا را نگهدارید تا بتوانید آن را بعدا بفروشید ."



تبعیض جنسیتی نیز از دیگر مواردی ست که جامعه زنان ایرانی همواره با آن رو به رو بوده است . با آغاز مسابقات فوتبال جام ملت های اروپا ، تب تماشای مسابقات هر روز افزایش می یابد . از همین رو، چندی پیش انجمن سینمادارن درخواست خود مبنی بر پخش مسابقات از برخی سینماهای تهران را ارائه داد که با پاسخ مشروط نیروی انتظامی برای صدور مجوز مواجه شد که طی آن هماهنگی و دریافت مجوز از اداره اماکن عمومی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی باید انجام شود و مدیر سینما نیز برای نظارت بر اجرای شروط حضور یابد . اما مهم تر آنکه عدم حضور زنان در سینماها هنگام پخش فوتبال یکی از شروط اصلی مزبور در نظر گرفته شده و دلیل آن نیز رعایت شان زنان مطرح شده است .

گرانی و تورم از سوی دیگر زندگی تمامی اقشار جامعه ایران را تحت تاثیر قرار داده است . بنا بر گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا ، نرخ نان افزایش یافته و در استان البرز " بر اساس تصویب کمیته بررسی ویژه آرد و نان، مقرر شد نان سنگك با وزن چانه 650 گرم به قیمت 550 تومان، نان لواش با وزن چانه 170 گرم، 150 تومان، نان تافتون با وزن چانه 280 گرم، 250 تومان و نان بربری با وزن چانه 600 گرم به نرخ مصوب 500 تومان عرضه شود ." افزایش گرانی در ایران، پس از نیمه دوم فروردین ماه بارزتر شد و با افزایش قیمت گندم، قیمت نان نیز به طور متوسطه 20 تا 25 درصد بیشتر شد .

کارگران

به گزارش ایلنا و براساس اعلام دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی صندوق تأمین‌اجتماعی " تا پایان آذرماه سال گذشته 276 بیمه‌شده زن و 14 هزار و 743 بیمه‌شده مرد تأمین‌اجتماعی دچار حادثه ناشی از کار شدند که 3 هزار و 434 نفر از آنان مجرد و 11 هزار و 585 نفر نیز متأهل بوده‌اند . براین اساس، تعداد 14 هزار و 286 مورد از حوادث ناشی از کار داخل کارگاه اتفاق افتاد که 1/95 درصد از کل آسیب‌دیدگی‌ها در محل کار را شامل می‌شود و از طرفی 590 مورد نیز خارج از کارگاه و 143 مورد نیز در هنگام رفت و آمد به محل

کار روی داده است . " این آمار اما تنها در بازه زمانی مزبور پایان نیافته و روز به روز بر آن افزوده می شود . چنانکه آغاز هفته سوم با مرگ پنج تن دیگر از کارگران همراه بوده است . ا یسنا ، خبرگزاری دانشجویان ایران، صبح شنبه بیستم خرداد ماه خبری را مبنی بر مرگ پنج کارگر بر اثر گازگرفتگی داخل چاه فاضلاب منتشر کرد . این کارگران براي رفع گرفتگي چاه فاضلاب به شهرک صنعتي نصيرشهر شهرستان رباط کريم رفته و در حين کار دچار سانحه شدند .

علاوه بر این آمار اخراج و بیکاری کارگران در ماه های اخیر به شکل نگران کننده ای رو به افزایش است . در همین رابطه ، گروه اجتماعی سایت کلمه از بیکاری ۶۷ کارگر چدن پارس ، اخراج ۸۰ کارگر ایران تایر ، اخراج ۲۰۰ کارگر کارخانه تولید شمش چدن، اخراج ۶۵۰ تن از کارگران شهاب خودرو و ۲۰۰ نفر از کارگران ذوب آهن غرب کشور تنها به عنوان نمونه ای از بیکار شدن کارگران یاد می کند . این گزارش، از دولت به عنوان مسئول بحران مزبور نام برده و می نویسد : " تشدید بحران صنایع و کارخانه ها ناشی از قطع یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی موجب شده که کارفرمایان فشار هزینه‌ها را به کارگران منتقل کنند . بنابر قانون یارانه ها، دولت باید ۳۰ درصد از درآمدهای ناشی از افزایش قیمت ها را به بخش تولید اختصاص می داد ، اما عملا تمام پول حاصل از افزایش قیمت ها به یارانه نقدی داده شد و واحدهای تولیدی با مشکلات جدی رو به رو شده اند ."

فرهنگ و هنر

تهدید و آزار اهالی رسانه در داخل و خارج از ایران همچنان ادامه دارد . چندی پیش با آنکه دیوان عدالت اداری رای به نقض حکم وزارت ارشاد مبنی بر انحلال خانه سینما داده و قرار بود از تاریخ 13 خرداد این مرکز دوباره آغاز به کار کند اما چنین نشد . جابری انصاری، دبیر ستاد صیانت و حمایت از نهاد های فرهنگی و هنری در حالی که به عنوان نماینده وزارت ارشاد قصد بستن خانه سینما را در روز بازگشایی آن داشت با حضور هیات مدیره و تعدادی از اعضای خانه سینما مواجه شد که مانع از این اقدام شدند . اما به هر حال بر خلاف برنامه ریزی های قبلی خانه سینما مجددا بازگشایی نشد و تا اطلاع ثانویه و اعتراض به حکم وزارت ارشاد و مشخص شدن نتیجه بسته خواهد ماند .

خبر دیگری که در روزهای اخیر توجه طرفدارن کتاب و کتاب خوانی را به خود جلب کرده، لغو امتیاز انتشارات چشمه است که به گفته وزارت ارشاد، به دلیل انتشار کتابی که توهین به امام حسین و مقدسات محسوب می شود اجازه ادامه کار به عنوان ناشر از این نشر سلب می شود . کتاب مزبور که نمایشنامه " روز حسین " نام دارد، هرگز منتشر نشده و در همان ممیزی وزارت ارشاد رد شده است . گفتنی ست که این ناشر امسال از شرکت در نمایشگاه کتاب هم محروم شد .

دست اندرکاران هنر نیز همچنان مورد تهدید و آزار قرار می گیرند . سردار بهمن کارگر، معاون اجتماعی نیروی انتظامی در مراسم گشایش باشگاه خبرنگاران پلیس و انجمن سینمای پلیسی، بدحجابی در سینما را سرزنش کرد و خواستار توقف جشن ها و یا جشنواره هایی شد که پوشش نادرست را ترویج می دهند . او حضور زنان با حجاب ناکافی و دست دادن با مردان نامحرم در جشنواره هایی چون کن را نادرست و قابل برخورد دانست .

همچنین رادیو زمانه در خبری که روز شنبه بیستم خرداد ماه منتشر کرده، از توقیف وثیقه پانصد میلیون تومانی عبدالرضا تاجیک، روزنامه نگار ایرانی توسط قوه قضائیه خبر داده است . وب سایت زمانه می نویسد : " به گفته منابع نزدیک به این روزنامه‌نگار، خانواده وی این مبلغ را برای جلوگیری از " توقیف سند منزلشان " به حساب دادگستری واریز کرده‌اند . عبدالرضا تاجیک پیش از خروج از ایران از سوی دادگاه انقلاب به شش سال حبس تعزیری محکوم شد . ".

زندانیان سیاسی

هنوز از درگذشت منصور رادپور، زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر بر اثر سکته مغزی چندی نگذشته بود که زندانی سیاسی دیگری نیز در این زندان جان خود را از دست داد . محمدمهدی زالیه نقشبندیان که مجروح شیمیایی جنگ ایران و عراق بوده و به اتهام همکاری با یک حزب کرد به حبس ابد محکوم شده بود،

او پس از تحمل بیش از ۱۸ سال حبس در زندان‌های ارومیه و رجایی‌شهر کرج، به دلیل ابتلا به بیماری ریوی ناشی از آلودگی محیط زندان و سابقه آلودگی شیمیایی، روز سه شنبه، 16 خرداد ماه درگذشت .

از سوی دیگر، بنا به گزارشی از کمپین بین المللی حقوق بشر ، زینب جلالیان زندانی عقیدتی کرد دچار خونریزی داخلی و عفونت روده شده است ، اما مسئولین زندان نسبت به درمان و یا انتقال وی به بیمارستان اقدامی نمی کنند . او در حال حاضر در زندان مرکزی کرمانشاه – مشهور به زندان دیزل آباد - نگهداری می شود و پیش از این بر اثر تحمل ضرب و شتم در بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر کرمانشاه مشهور به بازداشتگاه میدان نفت ، دچار خونریزی شده است . زینب جلالیان به اتهام محاربه از طریق عضویت در سازمان پژاک ابتدا به اعدام محکوم شد که پس از تلاش های فراوان وکیل وی، دکتر محمد شریف، این حکم به حبس ابد تقلیل یافت .

جعفر افشاری، دیگر زندانی سیاسی کرد نیز که در سال 1389 بازداشت شده بود، در اعتراض به حکم پنج سال زندان صادرشده از شعبه یک دادگاه انقلاب شهر مهاباد اقدام به اعتصاب غذا کرده است . پیش از این نیز جعفر افشاری به مدت 22 روز دست به اعتصاب غذا زده بود که با بی توجهی مسئولان مواجه شد .

همچنین، حسین رونقی ملکی، وب لاگ نویس زندانی که در زندان دست به اعتصاب غذا زده بود در پی وخامت اوضاع جسمانی اش به بیمارستان هاشمی نژاد منتقل شد . او در ابتدا با وجود آنکه خطر از دست رفتن کلیه‌اش وجود داشت، حاضر به شکستن اعتصاب غذا نشد و از دریافت هرگونه مراقبت پزشکی نیز خودداری کرد . وی هدف این اعتصاب را دریافت مرخصی درمانی و عدم حضور ماموران در بیمارستان اعلام کرده بود . اما در روزهای بعد خبرنگار کلمه ، از یورش ماموران اطلاعات سپاه به اتاق وی در بیمارستان و انتقال او به اتاقی دیگر در همان بیمارستان خبر داد . بر اساس همین گزارش، مسئولان زندان حاضر به پرداخت هزینه های درمان این زندانی سیاسی نیستند . در پی فشارهای مزبور، حسین رونقی ملکی که از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم شده است در یازدهمین روز اعتصاب غذای خود، وارد اعتصاب غذای خشک شد که بنا به درخواست و توصیه پزشکان این اعتصاب را شکست . اما او همچنان در اعتصاب غذای تر به سر می برد . بنا به گفته پدر حسین، او مدام در بیمارستان مورد بازجویی قرار می گیرد و توسط بازجو برای پذیرفتن اتهامات واهی و اقرار دروغ تحت فشار است . این بازجو همچنین پدر حسین رونقی را مورد خشونت فیزیکی و کلامی قرار داده و وی را تهدید به مرگ کرده است .

در روز سه شنبه هفته گذشته با تقاضای حامیان مادران پارک لاله در ایتالیا و با تصویب شورای شهر بولزانو تصاویر نرگس محمدی و نسرین ستوده همراه با شعار آزادی برای نرگس محمدی، نسرین ستوده و همه زندانیان سیاسی به چهار زبان مختلف آلمانی ، ایتالیایی، انگلیسی و فارسی، از بالکن شهرداری شهر بولزانو آویخته شد . نرگس محمدی چند هفته پیش برای اجرای شش سال محکومیتش به زندان اوین منتقل و بعد زندان زنجان بند عمومی منتقل شده است . او بعد از زندانی شدنش در سال ۲۰۱۰ به فلج عضلانی مبتلا شده بود و حال بیماریش دوباره عود کرده و حتی قادر به ایستادن و حرف زدن نیست . اقامت وی درزندان زنجان در شرایطی نامساعد و دور از امکانات مجهز پزشکی نگرانی در مورد سلامتی او را روز به روز بیشتر می کند .

سایت ندای سبز آزادی درخبری دراین باره می‌نویسد که شهرداری " بولزانو " در ایتالیا تصاویر نسرین ستوده و نرگس محمدی را بر فراز ساختمان شهرداری به نمایش گذاشته و نامه ای درحمایت از آنها به امضای مردم ، وکلا، شهردار، اعضای شورای شهر و استاندار استان بولزانو و سناتورها در این مورد منتشر شده است . بنا براین گزارش سناتور مارچنارو رئیس کمیسیون حقوق بشر سنای ایتالیا در دیدار با سفیر ایران، این نامه و درخواست آزادی این زندانیان سیاسی را به سفیر جمهوری اسلامی ارائه داده و مارچنارو همچنین درخصوص احکام اعدام در ایران نیز ابراز نگرانی کرده است .

—

جنبش سبز پیامد شکوفایی جامعه مدنی

2012-06-12 · Archive ID 927
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=927

عرصه سوم- 22 خرداد سومین سالروز آخرین انتخابات ریاست جمهوری درسال 1388 درایران است. روزی مهم و سرنوشت ساز درتاریخ جنبش آزادی خواهانه و مدنی شهروندان ایرانی که درآن روز با جدیت تمام، درصفوف طولانی، مصمم و مطمئن به نقش و رأی خود در پیشبرد دموکراسی به پای صندوق های رأی گیری رفتند. شور وشوق مردم برای شرکت درانتخابات از چند هفته پیش از رأی گیری با فعالیت پیگیر و داوطلبانه نسل جوان آغاز شد، و جنبشی فراگیر و مدنی سبز را در تهران و دیگر شهرها به راه انداخت، جنبشی گسترده که پس از اعلام نتایج غافلگیر کننده انتخابات با حضور میلیونی و فریاد:رأی من کجا است، به بزرگترین رویداد سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران درسه دهه گذشته تبدیل شد.

آخرین انتخابات ریاست جمهوری تحولی عمیق و غیرمنتظره درجامعه ما بود که با اعتراض عمومی میلیونها نفر در روزها و ماه های بعد از انتخابات ادامه یافت. اما مقابله خشن دولت اسلامی با جنبش سبز و سرکوب شدید مردم، شهادت ده‌ها نفر و دستگیری صدها نفر از معترضان، و درادامه بازداشت و حبس خانگی میرحسین موسوی، مهدی کروبی رهبران جنبش سبز، قلع و قمع سازمان ها و شبکه‌های مردم نهاد و بسیاری از اتفاقات ناگوار دیگر، جنبش دموکراسی خواهی درایران را با بحرانی عمیق و همه جانبه روبرو ساخته است. بحرانی که دراین سه سال روز به روز عمیق‌تر شده است.

جنبش تحول خواهانه و خشونت ستیز مردم ما دراعتراض به نتایج انتخابات در مدتی کوتاه قبل از آن و در ماه های بعد از انتخابات توانست با همکاری و همیاری دیگرجنبش های اعتراضی از جمله جنبش زنان، دانشجویان و دیگر کنشگران شبکه‌های اجتماعی منعکس کننده عمق مطالبات آزادی خواهانه و عدالت جویانه اقشار مردم و بخصوص نسل جوانی شود که حاضر به هرگونه فداکاری برای مقابله با حکومت دیکتاتوری و حاکمیت ولایت مطلقه فقیه بود.

جامعه مدنی و انتخابات

فریادهای اعتراض به نتایج مشکوک و غیرقابل کنترل یک انتخابات در سال 88 را می‌توان به راستی از ثمرات شکوفایی و رشد جامعه مدنی درایران دانست. زیرا برای اولین بار در سه دهه اخیر مردم به طور جمعی و یکپارچه در اکثر شهرهای بزرگ در اعتراضات گسترده خیابانی از حق قانونی خود در کنترل و نظارت بر قدرت سیاسی و به زیر سؤال بردن نتایج یک انتخابات استفاده کردند. به این معنی آن‌ها به درستی به وظایف مدنی خود یعنی شرکت درانتخابات برای تعیین رئیس جمهور مورد نظرشان، احساس مسئولیت دربرابر امکان تقلب درانتخابات و درنتیجه استفاده از حق اعتراض برای کنترل اهرم‌های قدرت عمل کردند.

شرکت مردم در شادی و تحرک جمعی روزهای قبل از انتخابات و حضور یکپارچه آنان درخیابانها در فضای سهمگین و سیاه روزهای پس از انتخابات و مقابله با خشونت بی سابقه نیروهای انتظامی و امنیتی نشانگر بلوغ فکری معترضان و حامیانشان دراستفاده از حق اعتراض در سؤال کردن و متهم کردن مسئولان انتخابات به تقلب، به عنوان یکی از حقوق مسلم شهروندان است. این اعتراض به حق اما بهایی سنگین به همراه داشت.

اعتراضات میلیونی مردم به نتایج انتخابات جای خالی آن‌ها را در شرکت در تصمیم گیری ها و نظارت بر اجرای سیاست‌ها در نبود دموکراسی درایران نشان داد. به این معنا شهروندانی که نه درحوزه سیاسی و نه درحوزه اقتصادی حق حضور و اجرای نقشی تعیین کننده را درجامعه نداشته اند، می‌توانند یکباره با حضور گسترده در خیابان فضای میان دو حوزه قدرت را اشغال و مطالبات خود را در تظاهرات مسالمت آمیز فریاد کنند

جنبش اعتراضی سبز درمدتی کوتاه قبل از انتخابات و درحوادث پس از آن با تعمیم گفتمان دموکراسی خواهی توانست دیگر جنبش های اعتراضی را با خود همراه کند. سازمان های مردم نهاد برپاشده به دست زنان، معلمان، دانشجویان و غیره تا قبل از آغاز اولین دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد با استفاده از آزادی نسبی ایجاد شده دردوران اصلاح طلبان رشد قابل توجهی کرده و در جامعه حضور فعال داشتند. جنبش زنان به ویژه توانسته بود با طرح گفتمان برابر خواهی، ایجاد کمپین های متعدد از جمله کمپین یک میلیون امضا در مقابله با قوانین زن ستیز و هم خشونت های مندرج درقانون علیه مجازات سنگسار و غیره در جامعه فعال و مطرح شود. خدمات پروژه ای در جنبش زنان، هم فعالیت‌های جمعی و رسانه ای آنان در آگاهی رسانی در زمینه لزوم تصویب قوانین برابری خواهانه و تغییرات حقوقی به نفع زنان پیش از انتخابات رشد کمی و کیفی این جنبش را در پی داشت. و یا می‌توان از جنبش دانشجویی یاد کرد که در پانزده سال اخیر با طرح مطالبات رادیکال و

بنیادین برای پیشبرد بحث دموکراسی با وجود تهدیدات و بگیر وبه بندهای دائمی نقش مهمی را درجامعه به عهده داشت.

تقی رحمانی، نویسنده و فعال سیاسی ملی – مذهبی که هم اکنون ساکن فرانسه است در مصاحبه با رادیو فردا جامعه مدنی ایران قبل از سال ۸۸ و انتخابات ریاست جمهوری را این گونه توضیح می دهد:

«جامعه مدنی در ایران در طی تاریخ مشروطیت به این سمت چند بار شکل گرفته است به شکل ژله ای. از سال ۱۳۰۰ تا کنون این شکل ژله ای سفت نشده است. از سال ۱۳۸۴ که دوباره دولت محوری آقای خاتمی موفق نشد، ما در سه سطح بسیار گسترده یک نوع جامعه مدنی پیدا کردیم که در شکل مطالبات زنان، اصناف و اقوام متبلور شد.

سندیکاهای شرکت واحد، خواسته های زنان و تشکلات اقوام که خواستار یک سری مطالبات فرهنگی بودند، یا تشکل صنفی معلمان ایران که یک تشکل صنفی بزرگ و گسترده بود و در سال ۸۵ یک برخورد سنگین با این تشکل شد، در پی تشکیل این سه سطح شکل گرفت.

حاکمیت از سال ۱۳۸۴ سعی کرد که این تشکل ها را به شدت تحت فشار قرار دهد. و این ژله را از هم بپاشاند.»



سرکوب گسترده جنبش اعتراضی در ماه های پس از انتخابات در خیابان‌های تهران و شهرهای دیگری نظیر اصفهان، شیراز،و غیره با دستگیری فعالین سیاسی ،چهره‌های سرشناس مدنی ، فعالین جنبش های دانشجویی،زنان و موارد متعدد نقض حقوق بشر همراه شد. قتل فجیع ندا آقا سلطان دانشجویی فلسفه و سهراب اعرابی دانش آموز نوزده ساله، فجایع روی داده در زندان هایی چون کهریزک تنها بخشی از موارد نقض شدید حقوق بشر توسط دولت مردان جمهوری اسلامی است. فجایعی که هنوز پس از گذشت سه سال هیچ‌کس پاسخگویی آن نیست.

جامعه ایران در سه اخیر شاهد افزایش دستگیری ها ، ممنوعیت گسترده فعالیت سازمان های مردم نهاد درزمینه حقوق زنان، دانشجویان، کارگران ، اقلیت‌های قومی، مذهبی، حتی جنبش حفظ محیط زیست و زندانی شدن اعضا و کنشگران حوزه های مدنی است. بسیاری از افراد دراین مدت ناگزیر از مهاجرت اجباری از کشور شده اند.

رشد جنبش حقوق بشر پس از سرکوب جنبش اعتراضی

به کارگیری خشونت و ضرب و شتم مردم درخیابان ها توسط نیروهای امنیتی و انتظامی در جریان گردهمایی‌های اعتراضی و متعاقب آن زندان، شکنجه، تجاوز و کشتار تعدادی از بازداشت شدگان، با انتشار جهانی عکس‌ها و فیلم‌هایی که شهروندان حاضر درصحنه تهیه کرده بودند، از دلایل به راه افتادن جنبشی جهانی و یکپارچه در حمایت از مردم ایران در روزها و ماه های پس از انتخابات بود. جنبشی هم برای دفاع از قربانیان نقض حقوق بشر درایران و هم رساندن صدای مردم آزادی خواه به گوش جهانیان و افشای جنایاتی که غیرقابل انکارند.

مهرانگیز کار، حقوقدان ساکن آمریکا در مصاحبه اش با رادیو فردا دراین مورد می گوید:

«مدافعان حقوق بشر در ایران گروهی مهم از فعالان جامعه مدنی هستند که از زمان شروع دولت اصلاحات به ریاست محمد خاتمی فعالیت خود را به طور آشکار و در قالب گروه ها و سازمان ها آغاز کردند، اگر چه پس از خرداد سال ۸۸ و انتخابات ریاست جمهوری فشار بر این کنشگران بسیار افزایش یافت. برخورد این جور اتفاق افتاد که چون وقایع خیلی تند و سریع رخ می داد، و نقض حقوق بشر یک سرعت غیر منتظره ای پیدا کرده بود، - اگر که از دهه اول انقلاب بگذریم، چون دهه اول انقلاب بحث دیگری است - البته وسایل ارتباطی و اینکه مردم قادر بودند از صحنه هایی که بروز پیدا می کرد عکس برداری و فیلمبرداری کنند ، و این صحنه ها را منتشر کنند، و البته حضور خبرنگاران خارجی در خیابان های ایران و تهران که شاهد اتفاقات بودند و این تصاویر را به کل جهان مخابره کردند، همگی تاثیرگذار بودند و نهادهای حقوق بشر طبیعتا مجبور بودند برای اینکه سرعت خودشان را به سرعت مردم عادی برسانند، چون مردم عادی با یک موبایل یا یک دوربین کوچک غیر حرفه ای فیلم می گرفتند و صحنه ها را به کل دنیا گزارش می کردند، طبیعتا نهادهای حقوق بشر فعالیت هایشان را بازتر و گسترده تر می کردند. همین باعث شد که برخوردها نسبت به آن خیلی تغییر یابد و تا پیش از آن هم ما نمی توانیم بگوییم که جمهوری اسلامی اساسا بحث حقوق بشر را پذیرفته بود.»

«درست است که مدافعان حقوق بشر ممکن است وکیل دادگستری هم نباشند، و البته ما در ایران داشته ایم مدافعان حقوق بشر برجسته ای که وکیل هم نبوده اند، مثل آقای عمادالدین باقی و بسیاری دیگر. اما وکلای دادگستری ایران مثل سایر جوامع، به علت تسلطی که به قوانین داخلی کشور دارند، می توانند نوع مهم و پذیرفته شده یک فعال حقوق بشر باشند. از خردادماه ۱۳۸۸ به بعد شاهد این بودیم که وکلای مدافعی که مدافع پرونده هایی بوده اند که با حقوق فعالان سیاسی و فعالان مدنی مرتبط بوده است، در معرض برخوردهای خشونت آمیز بسیار شدید قرار گرفته اند به نوعی که موضوع را برای ایران کاملا حیاتی کرده است. خود این مسئله یک جور انجمادی را به وجود آورده و به وجود می آورد که جلوی رشد هر نوع حرکت مدنی را می گیرد.”

مهرانگیز کار اما از ظهور یک گروه تازه مدافعان حقوق بشر در ایران نیز خبر می‌دهد و ادامه می دهد:

«آن هسته اولیه فعالیت های گسترده حقوق بشری را این خانواده های زندانیان دارند در ایران رشد می دهند. و جامعه ایران را دارند عادت می دهند که متوجه باشد که فرد زندانی هم حقوقی دارد.
و وقتی کسی را دستگیر می کنند بدین مفهوم نیست که هیچ کس حق ندارد راجع به حقوق آن فرد حرفی بزند یا اینکه اساسا آن فرد دیگر حقی ندارد. الان خانواده های زندانیان سیاسی استناد می کنند به همان قوانین داخلی ایران و برای عزیز زندانی خودشان تقاضای درمان می کنند، تقاضای مرخصی یا بهبود وضعیتشان را می کنند، به عقیده من نشان دهنده یک زمینه رشد خیلی مهم، تاثیرگذار و آینده ساز حقوق بشر در ایران است.»

دولت احمدی نژاد در سه سال گذشته با شدت تمام به مقابله با نهادهای مدنی مدافع حقوق کارگران،زنان،دانشجویان پرداخته و هر حرکت فردی و جمعی در زمینه دفاع از آزادی بیان، زندانیان سیاسی، حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی و حتی جنبش محیط زیست را سرکوب و بسیاری از اعضای جامعه مدنی درایران را به زندان های طولانی محکوم کرده است.

در سومین سالگرد انتخابات ریاست جمهوری و اوج گیری جنبش اعتراضی شاهد آنیم که بسیاری از فعالان سیاسی و اجتماعی هم چنان زندانی اند. به همین خاطر جمعی از زندانیان سیاسی با انتشار بیانیه ای نسبت به نقض مدام حقوق بشر و هم تداوم بی‌اعتنایی مسئولان درپیگیری جنایات واقع شده درجریان جنبش اعتراضی هشدار می‌دهند و خواهان رسیدگی فوری به این مسائل هستند.

در بخشی از این بیانیه آمده است:

"سه سال پس از بیست و دوم خرداد جنبش سبز و مسالمت جویانه مردم ایران در چه وضعیتی قرار دارد و تبهکاران در چه شرایطی به سر می برند؟

آیا از عمق اعتراضات ملت کم شده است؟ آیا در قضاوت آنان نسبت به ظلم ظالمان تغییری به وجود آمده است؟ آیا کسی شک دارد که اگر فرصتی چون ۲۵ خرداد از نو فراهم شود، امواج انسانی شکوهمند تر از پیش خواسته های خود را در خیابان ها فریاد می زنند؟ آیا مردم کمترین سنگری از خواسته های خود را ترک کرده اند؟ در حالی که بیدادگران نگران تر از هر زمان دیگر به آینده خویش می اندیشند و سه سال پیش آنان اینچنین از آبرو بلکه بقای خود نا امید نبودند. شگفتا از «خود شگفتی» که این همه تغییر را نمی بیند.

آیا وقت آن نرسیده است که از این بیراهه بن بست بازگردند در حالی که می بینند که مردم واقعیت دارند و آنها ندارد و می دانند که مردم می مانند و آنها نمی مانند.

ما فرزندان ستمدیده ملت ایران پس از سه سال همچنان آنان را به بازگشت دعوت می کنیم. شرایط کشور خطرناک تر از آن است که دلسوختگان از خود یاد کنند. علی رغم تمامی آنچه گذشته است دستان گره گشای ملت همچنان مهیای دستگیری از کسانی است که در این بازگشت صداقت داشته باشند، پس از آن که عبرتی برای آیندگان قرار گیرند".

—

جنبش زنان نمرده است

2012-06-14 · Archive ID 933
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=933

عرصه سوم- ویدیوی آواز خوانی دو هنرمند جوان مهسا و مرجان وحدت بر پشت‌بام خانه را درفیس بوک می بینید، ترانه ای زیبا با این مضمون : دارم امیدی، دارم امیدی، درآسمانت دیده‌ام ابر سپیدی ..." این آواز خوانان با موهایی افشان ایستاده درکنار سه نوازنده مرد بر پشت بام هنرنمایی می کنند . آوای زیبای موسیقی از بلندایی مشرف برشهری بزرگ اوج می‌گیرد و بیننده را محسور می کند . نوایی شورانگیز، و زنانه از پشت‌بامی ناشناس درپناه خانه‌ها رها و در آسمان موج می زند، تا دورها و دورها طنین می افکند . صدایی اسیر که در سه دهه گذشته در فضای های عمومی، در رادیو و درتلویزیون رسمی در ایران شنیده نشده است . این ویدیو به حق از زیباترین و هم آشکارترین نمادهای اعتراض به محرومیت زنان ما از خواندن آواز در جامعه است . سمبل اعتراض زنانی که حق پخش صدا و آواز خود را ندارند . دیدن این ویدیو و هم تصاویر زنان جوانی که به خاطر پوشیدن مانتو و روسری رنگی با ماموران کنترل حجاب درمقابل برج میلاد درتهران درگیرند، باز بیننده را با واقعیت تلخ نابرابری جنسیتی و آپارتاید جنسی در جمهوری اسلامی، نابرابری حقوقی گسترده، تبعیضات تحصیلی و ده‌ها مورد دیگر از خشونت مشروعیت یافته درقانون و فرهنگ علیه زنان درجامعه مواجه می کند.

بیش از سه دهه از تاسیس جمهوری اسلامی گذرد، سه دهه ای که یکی از ویژگی مشخص آن اجرای تبعیضات باورنکردنی و گسترده علیه زنان است . ا ما درتقابل با این سیاست دولت اسلامی، مبارزات پیگیر زنان برای به دست آوردن حقوق برابر درزمینه آزادی فردی و اجتماعی هم بدون وقفه ادامه داشته است . جنبش زنان ما درسی سال اخیر نقش مهمی در طرح و ساختن گفتمان و فرهنگ دموکراسی خواهی و حقوق بشری برعهده گرفته و هم درشکوفایی جامعه مدنی در اواخر دهه هفتاد شمسی و سالهای پس از آن بسیار تأثیر گذار بوده است . جنبش زنان با وجود همه کارشکنی ها و دستگیری های پی درپی فعالین حوزه زنان، توانست در دو ده اخیر با حفظ استقلال خود از جنبش های دیگر گفتمان فمینیستی را در جامعه با موفقیت در ایجاد کمپین های متعدد به پیش ببرد . و هم قوانین و فرهنگ زن ستیز را به چالش بکشد، رسانه های مستقل زنان را برپا کند و هنر و ادبیات فمینیستی را رواج دهد .

جنبش زنان پس از اوج گیری اعتراضات میلیونی مردم علیه نتایج انتخابات ریاست جمهوری در سال 1388 با سرکوب شدید و دستگیری و زندانی شدن ده‌ها نفر از فعالین زنان روبرو شد . و در پی آن گروهی از برجسته‌ترین کنشگران حوزه زنان مجبور به ترک کشور و گروهی دیگر به اجبار از پیگیری علنی مطالبات زنان و فعالیت آشکار در حوزه عمومی موقتاً کناره گرفته اند . سرکوب جنبش زنان حتی در شرایطی که فعالیت‌های علنی و عمومی آن به شدت کاهش یافته، ادامه دارد .

در روزهای گذشته منیژه نجم عراقی نویسنده و مترجم متون علمی فمینیستی بازداشت و زندانی، و هم نوشین احمدی خراسانی نویسنده سرشناس و از اعضای گروه اصلی برپا کننده کمپین یک ملیون امضا به یک سال حبس تعلیقی محکوم شد .



پیگیری مطالبات جنبش زنان درشرایط سرکوب

اکنون در سومین سالروز تولد جنبش اعتراضی سبز، درباره چگونگی مبارزات فعلی زنان، اهمیت و نقش آن در پیشبرد جنبش مدنی و دموکراسی خواهی و چرایی کاهش شدید فعالیت‌های اعتراضی گروه های زنان بحث‌های رسانه ای را شاهدیم . بسیاری از دست اندرکاران این حوزه، ازخاموشی جنبش و یا کم کاری نهادهای مدنی زنان می‌گویند، اینکه با تشدید تبعیضات جنسیتی درحوزه آموزش، افزایش فشار و آزار زنان به بهانه عدم رعایت حجاب اسلامی، بیکاری گسترده در میان زنان تحصیل کرده، اخراج کارگران زن و تشدید فقر و فاقه زنان محروم، چه باید کرد،در شرایط حاضر جلب اقشار گوناگون زنان به اعتراض و طرح مطالبات خود را چگونه باید به پیش برد .

مریم حسین خواه در مقاله خود در سایت رادیو زمانه می نویسد :

« سه سال پیش در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، با وجود آنکه فعالیت بسیاری از نهادهای مدنی مستقل زنان در اثر فشارهای مستقیم و غیرمستقیم حاکمیت متوقف شده بود و نهادهای باقی مانده بیشتر در قالب کمپین‌ها و ائتلاف‌های میان گروهی بودند و زیر سایه تهدیدهای مداوم امنیتی به کار خود ادامه می‌دادند، جنبش زنان هنوز آنقدر قدرت داشت که بتواند یکی از فراگیرترین ائتلاف‌های خود را برای مخالفت با لایحه حمایت از خانواده تشکیل دهد و در نهایت آن را از دستور کار مجلس خارج کند، به حضور خیابانی خود برای گفت‌وگوی چهره به چهره با مردم درباره نابرابری‌های حقوقی ادامه دهد و حتی در روزهای تبلیغات انتخاباتی با راه‌اندازی " همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات درانتخابات " در خیابان‌های شهر به طرح مطالبات زنان بپردازد .”

حسین خواه نظرات تنی چند از فعالان حوزه زنان را مطرح می کند :

نفیسه آزاد، از فعالان کمپین یک میلیون امضا که در ایران به فعالیت خود در حوزه زنان ادامه می‌دهد در یادداشتی که شهریورماه سال ۱۳۹۰ نوشته است، می‌گوید : " مدت‌هاست در حوزه زنان، اثری از فعالیت درخور، موضع‌گیری به جا و موثر، یا از همه مهم‌تر عمل جمعی که معنای جنبش را در ذهن تداعی کند، نمی‌بینیم ".

نسیم سرابندی‌زاده که پس از وقایع سال ۱۳۸۸ در دانمارک اقامت دارد، چندی پیش به رادیو زمانه گفت : " حرکت‌های خردی که همچنان در داخل شبکه‌های زنان وجود دارد، در شرایط فعلی چندان نشانه و فرصت بروز ندارد و اگر فعالیتی باشد مثلاً در حد کتابخوانی و پخش بروشور، فعالان صلاح می‌بینند آن را رسانه‌ای نکنند تا از سرکوب بگریزند ."

حسین خواه درادامه می نویسد : " منتشر نکردن خبر برگزاری کارگاه‌های آموزشی از سوی فعالان کمپین یک میلیون امضا برای ۴۰۶ نفر در فاصله شهریور ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ در شهرهای تهران، رشت، اصفهان و ساری، یکی از همین فعالیت‌ها بود که برای تضمین ادامه کار، تنها پس از اتمام کارگاه‌ها در یک گزارش کوتاه از آن یاد شد . این‌گونه فعالیت‌ها که با چراغ خاموش و به منظور کادرسازی و حفظ ارتباطات موجود انجام می‌شود اما فقط بخشی از تصویری است که می‌تواند وضعیت کنونی جنبش زنان را نشان دهد ."

جلوه جواهری در همین مقاله در گفت‌وگو با زمانه درباره حرکت در " شکلی پنهان‌تر " می‌گوید : " با این وجود شکل پنهان فعلی جنبش زنان به هیچ وجه قابل قیاس با شکلی که در دهه ۶۰ داشته نیست . یعنی این شکل فعالیت نوعی سکون نیست، چرا که شرایط کنونی و حرکتی که زنان پیش برده‌اند با شرایط قبل از باز شدن نسبی فضا در نیمه دوم دهه ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰ فرق می‌کند . جنبش زنان همچنان در حال پیشروی است و پروژه‌هایی را در دست انجام دارد و سعی می‌کند به جذب نیرو و هدایت این پروژه‌ها بپردازد، اما با شکلی متفاوت از سال‌های گذشته یعنی به نوعی با دست‌های بسته‌تر در رسانه‌ای کردن فعالیت‌ها ." وی ادامه می‌دهد : " تغییر عمده‌ای که در شکل فعالیت ایجاد شده بیش از همه در اندازه حرکت‌ها و ائتلاف‌های درون جنبش برای پیگیری مطالبات نمایان است . اگر در نیمه اول دهه ۸۰ به این ضرورت و توانایی رسیده بودیم که می‌بایست با خرد جمعی و ائتلاف‌های بزرگ حول محورهای مشترک به فعالیت بپردازیم اکنون می‌دانیم که چنین چیزی در شرایط کنونی ممکن نیست حداقل به دو دلیل؛ اول آنکه به قدری فشارهای امنیتی و از بالا بر جنبش‌های اجتماعی در ایران بالاگرفته که هم به تضعیف یا از بین رفتن نهادهای زنان، چه دولتی چه نیمه دولتی و چه مستقل از دولت منجر شده است و هم بسیاری از نیروهای جنبش در سال‌های گذشته یا به زندان افتاده‌اند

یا تحت فشارهای موجود، به خارج از ایران مهاجرت کرده‌اند و پناهنده شده‌اند . از طرف دیگر این فشارها در عمل فرصتی را برای جمع شدن در اشل بزرگ فراهم نمی‌کند ."

در مقاله دیگری که در سایت مدرسه فمینیستی منتشر شده، منصوره شجاعی نویسنده و فعال حوزه زنان در خصوص جامعه مدنی و جنبش زنان درایران می نویسد :

« در 1385 ، علیرغم وقایع خشونت باری که در سالگرد 22 خرداد (سالروز همبستگی زنان ایران) در تجمع مسالمت آمیز زنان در میدان هفت تیر اتفاق افتاد . در شهریور ماه " کمپین یک میلیون امضا " برای تغییرقوانین تبعیض آمیز در گستره متنوع تری نسبت به جمع هم اندیشی اعلام موجودیت می کند . و گفتمان حقوقی جنبش زنان را تا سالها درون جامعه جاری می سازد . پس از آن کمپین هایی مثل کمپین سنگسار و « ائتلاف جنبش زنان علیه لایحه خانواده » شکل می گیرد و سرانجام در سال 1388 ائتلاف گسترده و رنگارنگ " همگرایی فعالان جنبش زنان برای طرح مطالبات " با استفاده از فضای باز انتخابات ریاست جمهوری رخ می نماید، و مطالبات مشخص و روشن خویش را در قالب دو خواست پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان و تغییر مواد تبعیض آمیز قانون اساسی به گوش های حساس شده جامعه ندا می دهد . بهبود نسبی و هرچند اندک اوضاع در حکومت های تمامیت خواه که عمدتا در مقطع انتخابات اتفاق می افتد، همواره فرصتی است بررخ نمودن قامت استوار جنبش های اجتماعی موجود که هشیارانه منتظر فرصتی برای حضور مرئی و مردمی بوده اند . ” همگرایی فعالان جنبش زنان برای طرح مطالبات در فضای انتخابات”، بار دیگر با تکیه بر حافظه هوشمند جنبش زنان موجب پوشاندن ”رختی نو” برقامت این جنبش شد .

این همگرایی بدون حمایت از کاندیدای خاصی با رویکردی جامعه محور در فضای مسلط سیاسی آن دوران حضور می یابد و مداخله فمینیستی جنبش زنان را در فضای مسلط سیاسی آن دوران ثابت می کند . شعاری که این نهاد را به فضای انتخاباتی نزدیک می کرد این بود : " ما به مطالبات زنان رای میدهیم " و با این شعار در یک حرکت دوسویه، جامعه را به شنیدن مطالبات زنان واداشت و از سوی دیگر کاندیداها را ترغیب کرد که برنامه های خود حول موضوع زنان را روشن و دقیق بیان کنند . شاید این اولین بار بود که تریبون های عمومی و انتخاباتی کاندیداهای ریاست جمهوری در بیان مواضع خویش نسبت به زنان تا حدودی به رقابتی مثبت پرداخته بودند و موضوع زنان تبدیل به موضوعی عمومی و حتی ملی شد . اولین بیانیه همگرایی، با امضای 40 سازمان و هفتصد نفر از فعالان و حامیان جنبش زنان در اردیبهشت 88 یک ماه قبل از انتخابات منتشر می شود .

درواقع نهاد نوساخته همگرایی که در فرصت کوتاه دوران پیش ازانتخابات توانایی جذب همراهی 40 نهاد و هفتصد نفر را دارد، گواهی است بر تاثیر روشن نهادها و شبکه های ارتباطی از قبل موجود در شکل گیری جنبش ها و حرکت های مدنی . آن چه فقدانش برای مثال در لیبی موجب آن شد که نسبت حرکت بهاره آن جامعه با بهار آزادی تعریف نشود .

منصوره شجاعی سپس با تحلیل حوادث قبل و پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری و اثرات آن بر فعالیت‌های زنان اعتقاد دارد که زنان ما در شرایط کنونی با ادامه فعالیت ها درفضای مجازی، هم انتشار تحقیقات آکادمیک، انتشار بیانیه های اعتراضی و گردهمای هایی مانند تجمع مادران پارک لاله هم چنان به آموزش و پاسداری از زیر ساخت مدنی در جامعه و هم در جنبش زنان ادامه داده اند. او درپایان مقاله اش می نویسد:

"جان کلام

با گذشت هفت سال از 22 خرداد سال 1384 (روز همبستگی زنان ایران) ، و با گذشت سه سال از جنبش سبز، کوشندگان جنبش زنان و نیز جنبش های دیگر در مقابل یک پرسش همگانی پاسخ های خود را بررسی می کنند . آیا جنبش زنان همچون دیگر جنبش های اجتماعی با خشونت های سال 1388 پایان یافته است؟ بی تردید پاسخ نگارنده " نه " خواهد بود . چرا که آنچه پایان جنبشی را اعلام می کند برآورده شدن مطالبات و پیروزی آن است . سرکوب جنبش به معنای پایان آن نیست . کُندی و گاه توقف مقطعی جریان دموکراسی خواهی چه در جنبش زنان چه در جنبش های دیگر، حجتی بر شکست و زوال این جنبش ها نیست . سکه دو روی جنبش، از سویی تلاش اعضای آن برای بقای جنبش است و سوی دیگر آن، تلاش نیروهای مقابله گر برای زوال آن . در صدور حکم شکست جنبش ها، نادیده گرفتن تلاش های کوشندگان هر جنبش، نیز نادیده گرفتن عامل مقابله

نیروهای مخالف در واقع یک سویه نگری است . اما در این جدال نابرابر، حقیقت تداوم حیات یک جنبش، رفتار مبارزاتی و تاکتیک های مدنی آن است . سرکوب یک جنبش با مصادره خیابان از اعضای آن اتفاق نمی افتد، همانگونه که مشارکت اعضای یک جنبش لزوماً محدود به وقایع خیابانی نمی شود .

نهادهای مدنی که دراین دوران از سوی کوشندگان جنبش ایجاد شده است . چنانچه در ارتباطی متعامل با بخش های مختلف جامعه مدنی قرار گیرد . مسیر گذار به دموکراسی را هموار میکند . اجازه بدهید که این بار برای اثبات حضور جنبش از برشمردن تعداد زنان زندانی، تعداد زنان در انتظار احکام دادگاه، زنان تحت تعقیب، زنان ترک دیارکرده، زنان کشته شده و زنان رو به مرگ بگذریم . اجازه بدهید که این بار از آنچه که هنوز داریم سخن بگوییم . ثروتی که بیشتر جنبش های اجتماعی در اختیار ندارند . اجازه بدهید از نهادهایی که به خون دل ساخته و حفظ شده است یاد کنیم . نهادهایی که حضورشان سنگری است بالقوه و بالفعل برای حملات نهان و آشکارنیروهای متخاصم .

برای مثال نهادهای زنان در حوزه های آکادمیک و تخصصی اعم از هنری، فرهنگی و ورزشی نبض جامعه مدنی را به طپش وا میدارند . نهادهایی مثل انجمن جامعه شناسان زن، محققان مستقل، انجمن زنان پژوهشگر تاریخ، زنان کارآفرین، زنان نقاش، زنان کوهنورد، حمایت از زنان آسیب دیده خانه خورشید، جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست، بنیاد جایزه شعر زنان ایران (خورشید) ، جمع صنفی ناشران زن .

درکنار این نهادهای آکادمیک و تخصصی، نهادهای اکتیویستی بار حفظ حیات جنبش را به دوش می کشند . به عنوان مثال فعالیت چشمگیر سایت های زنان، که هریک به فراخور توانایی و اهداف شان منعکس کننده بخشی از مسائل و مطالبات جنبش زنان هستند . تلاش های گروهی برای تدوین و انتشار بیانیه های به مناسبت های مختلف مثل روز جهانی زنان، روزجهانی مبارزه با خشونت، و ... که از کلمه تا کلامش حاصل عرقریزان روح و جان کوشندگان جنبش زنان است، و مسئولیت تولید و ترویج گفتمان های نوین را به عهده دارند . امضا کنندگان بیانیه ها که حضور مدنی و پایدار خود را با مشارکت وبا امضای خود ثابت می کنند . مادران صلح که هنوز و همچنان مادری می کنند . مادران پارک لاله که متین و مسالمت آمیز در پی دادخواهی عادلانه و قانونی اند . کوشندگانی که با هشیاری و مسئولیت اجتماعی در استفاده از پتانسیل وقایع تلخ و شیرین برای گردهمایی های خودجوش و یا برنامه ریزی شده زحمت می کشند . زنانی که حفظ شبکه های ارتباطی و تقویت روابط عاطفی را مسئولیت اجتماعی خویش می دانند .

به یک معنا پاسداری از زیرساخت های مدنی ای که با زحمت و تلاش کوشندگان جنبش زنان در شرایط خیزش و شور به وجود آمده است و حالا مسئولیت حفظ و نگهداری آن در شرایط رکود و فترت نیز بر دوش پر توان اعضای جنبش زنان است . طبق نظریه " جو فریمن "(3) این نهادهای مستقل و مرتبط با هم در " شبکه ای همگرا "(4) های جامعه را برای استقبال از دموکراسی آماده می سازد . در این نهادهای کوچک و بی ادعاست که سازماندهی، مدیریت و سیاست های راهبردی تجربه میشود . آموزه هایی که به اعتقاد جوفریمن در جنبش های اجتماعی بیش از نقش رهبری اهمیت دارد . این تلاش های زنانه و پرامید پیامی را در جامعه جاری می سازد : سرکوب پایان جنبش نیست . دستیابی به اهداف جنبش اما، پایان مرحله ای از آن است ."

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-06-18 · Archive ID 938
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=938

عرصه سوم – صدو یکمین اجلاس بین‌المللی سازمان جهانی کارILO در خرداد ماه جاری در شرایطی برگزار شد که فعالان مستقل مدنی درحوزه کار و کارگری اجازه شرکت درآن را نداشته اند. کارگران ایرانی در فقدان قوانین کار مترقی حتی از ابتدایی ترین حقوق خود که همانا امکان فعالیت مستقل و آزاد برای بهبود شرایط کار است محروم و هم ناچار به تحمل اثرات تحریم های شدید اقتصادی هستند. اعتراض ده هزار کارگر واحد های صعنتی در پنج استان ایران به تأثیرات ناشی از قانون هدفمندی یارانه ها بر شرایط سخت زندگی شان با امضای

نامه سرگشاده به وزیرکار در شرایطی صورت می گیرد که در یورش نیروهای امنیتی به نشست کمیته هماهنگی کارگران درکرج 60 نفر بازداشت و مضروب شده اند.

بخشی از مهمترین اخبار جامعه مدنی را درگزارش پریسا کاکایی می خوانید

جنبش کارگری

در حالی که شرایط اقتصادی کشور بحرانی بوده و زندگی مردم به ویژه طبقه محروم و کارگران دستخوش فشارهای مالی و اخباری چون افزایش بیش از حد بهای نان و بالارفتن ۵۰ تا ۶۰ درصدی اجاره خانه در تهران و دیگر شهرها است، محافل کارگری نیز از هجوم نیروهای امنیتی در امان نبوده و فعالان حقوق کارگران مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. طبق خبر های رسیده، نشست کمیته هماهنگی برای کمک به به ایجاد تشکل‌های کارگری در ایران در کرج، روز پنج شنبه 25 خرداد ماه با برخورد نیروی انتظامی و امنیتی مواجه شد. طی این سرکوب، 60 نفر بازداشت و به زندان رجایی شهر کرج منتقل شده و در آنجا مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بیشتر این افراد بعد از 33 ساعت آزاد شدند اما 9 نفر به نام های سیروس فتحی، علیرضا عسگری، جلیل محمدی، سعید مرزبان، مسعود سلیم‌پور، مازیار مهرپور، ریحانه انصاری، فرامرز فطرت نژاد و میترا همایونی همچنان در بازداشت به سر می برند. البته آخرین خبر کمیته مزبور در روز شنبه، 27 خرداد، حکایت از صدور قرار 20 روز بازداشت و همچنین 100 میلیون تومان وثیقه برای ریحانه انصاری دارد.

از سوی دیگر، کنوانسیون اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا- انتاریو قطعنامه ای در محکومیت سرکوب فعالین کارگری در ایران، در حمایت از جنبش کارگری ایران صادر کرد. عصر نو در این رابطه می نویسد: "کنوانسیون سالیانه اتحادیه کارگران خدمت عمومی کانادا(کیوپی)- انتاریو با شرکت بیش از هزار فعال کارگری که شامل حدود ۹۰۰ نماینده منتخب از سراسر انتاریو میشد در روزهای ۲۳ تا ۲۶ مه ۲۰۱۲ در شهر ویندزور برگزار گردید. ین مجمع که بالاترین ارگان تصمیم گیری اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا در انتاریو با بیش از ۲۰۰ هزار عضو است هر سال یک بار در آخر ماه مه برگزار میگردد. کنوانسیون سراسری اتحادیه با بیش از ۶۰۰ هزار عضو هر دو سال یکبار برگزار میگردد. در این کنوانسیون دهها قطعنامه و نیز برنامه عمل سال آتی که عمدتا در تقابل با سیاستهای ریاضت اقتصادی دولتها و حمایت از جنبشهای مقاومت، از جمله جنبشهای دانشجویی و ضدفقر...، تنظیم شده بودند مورد بحث و تصویب قرار گرفتند. قطعنامه اصلی بخش بین المللی در کنوانسیون امسال قطعنامه شماره ۲۱، در مورد ایران، بود که بطور همزمان در محکومیت سرکوب فعالین کارگری در ایران، در حمایت از جنبش کارگری و تشکلات مستقل کارگری در ایران و علیه تحریم اقتصادی و تهدیدات جنگی تنظیم شده بود. تاکید ویژه ی این قطعنامه بر ضرورت همبستگی بین المللی کارگری با جنبش کارگری ایران بود. قطعنامه ایران در مجمع عمومی کنوانسیون در ۲۴ مه مورد بحث همه جانبه قرار گرفت و در واقع تنها قطعنامه بین المللی امسال بود که در مجمع عمومی به بحث گذاشته شد. پس از بحث توسط نمایندگان، قطعنامه به رای کنوانسیون گذاشته شد و مورد تصویب اکثریت نمایندگان قرار گرفت.

به گزارش ایلنا ، خبر گزاری کار ایران، در بخشی دیگر از فعالیت های کارگران نیز نامه ای که توسط کارگران واحدهای صنعتی خطاب به وزیر کار نوشته شده توسط بیش از ۱۰ هزار کارگر امضا شده است. آنها در این نامه به تاثیرات اجرای قانونی هدفمندی یارانه‌ها بر زندگی کارگران اشاره کرده و خواستار افزایش حداقل دستمزدها براساس تورم موجود شده اند. " کارگران امضا کننده نامه همچنین به تعویق و بی‌نظمی در پرداخت حقوقشان اعتراض‌کرده‌اند و خواستار ایجاد ساز و کار قانونی و قاطعی برای پرداخت بموقع دستمزدها و تعقیب قضایی کارفرمایانی که کارگران را بدون قرارداد و یا با قراردادهای سفید امضا و دستمزدهای معوقه وادار به کار می‌کنند شده‌اند.

همچنین، پانصد تن از رانندگان حمل سیمان دست به اعتصاب زدند. این رانندگان خواستار رسیدگی به وضعیت خود و افزایش کرایه حمل و نقل شده اند. گزارشگر هرانا ، خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر، از قول یکی از رانندگان می نویسد: " در پنج ساله گذشته ۳۰ درصد به کرایه حمل افزوده شده و این میزان افزایش با توجه به تورم ۴۰۰ درصدی در قیمت اجناس مصرفی خودروهای سنگین در پنج سال گذشته مبلغ بسیار ناچیزی است. مسئولین باید به خواسته‌های ما تن بدهند.

جنبش دانشجویی



اما جنبش دانشجویی نیز در این یک هفته برخوردها و بازداشت های متعددی را پشت سر گذاشته است. به گزارش دانشجو نیوز ، "چندی پیش اعضای شورای صنفی دانشکده نفت اهواز به دلیل افزایش محدودیت ها بر دانشجویان توسط مسئولین دانشکده و لغو چند مراسم دانشجویی بدون ارائه هیچ گونه دلیلی، از سمت خود استعفا دادند." به همین دلیل حدود سیصد نفر از دانشجویان در 22 خرداد ماه، تجمع کرده و خواستار پاسخ مسئولین شدند. در نهایت با ادامه اعتراض ها، روز 24 خرداد، این دانشجویان مانع برگزاری امتحانات شدند که توسط نیروهای حراست مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. این برخوردها با احضار دانشجویان به کمیته انضباطی، قطع اینترنت و محدودیت ورود و خروج دانشجویان به دانشگاه ادامه یافت

زندانی شدن دانشجویی دیگر

سیاوش حاتم، فعال دانشجویی نیز برای گذراندن حکم یک سال و چهار ماه حبس روانه زندان شد. بنا بر خبر منتشر شده توسط کمپین بین المللی حقوق بش ر ، حاتم که دبیر سابق انجمن اسلامی دانشگاه بوعلی همدان بود ،در تاریخ ۲۵ خرداد سال ۱۳۸۸ بازداشت و بعد از یک ماه با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. دادگاه بدوی برای پرونده مزبور حکم 4 ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق را صادر کرد که هنوز دادگاه تجدیدنظر در این رابطه برگزار نشده است. این فعال دانشجویی از برگزاری دادگاه پرونده جدید و صدور حکم یک سال بی اطلاع بوده و خبر مزبور را به هنگام انتقال به زندان توسط نیروهای امنیتی دریافت کرده است.

همچنین، امیر شیبانی زاده بازداشت و به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شد. بر اساس گزارش هرانا ، خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر، این دانشجوی محروم از تحصیل به پنج سال و شش ماه حبس تعزیری، پنج میلیون تومان جریمه نقدی و تبعید به زندان آب حیات کرمان محکوم شده است. وی بهمن ماه 1390 به اتهام ایجاد اغتشاش، همکاری با رسانه‌های بیگانه، انتقال اطلاعات به بیگانگان، ایجاد گروه‌ها و دسته‌های معترض بازداشت شد.

زندانیان سیاسی

عبدالرحمن حیدری، طه حیدری، جمشید حیدری ، منصور حیدری و امیر معاوی، پنج زندانی عقیدتی عرب که در زندان کارون اهواز محبوس بودند در روز شنبه بیستم خرداد ماه به مکانی نامعلوم منتقل شدند. کمپین بین المللی حقوق بشر گزارش می دهد که به گفته دیگر زندانیان، دلیل این انتقال توسط ماموران، اجرای حکم اعدام اعلام شده است. این پنج زندانی سیاسی که سه نفر از آنها برادر بوده و از اهالی شهرک ملاشیه اهواز هستند، در فروردین ماه 1390 و در جریان اعتراضات خوزستان بازداشت به قتل یک نیروی امنیتی دولتی متهم شدند. بر همین اساس دادگاه حکم بر محکومیت آنها و در نتیجه اعدام صادر کرد. در پی این خبر، کمپین همچنین از فضای ملتهب زندان و همچنین شهر اهواز بعد از انتقال زندانیان خبر داد. به نقل از رادیو زمانه ، متعاقب این

خبر، ان هریسون، معاون برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین‌الملل خواستار توقف مرگ این پنج نفر و سایر محکومین به اعدام شد. وی در ادامه، " با تاکید بر لزوم محافظت این افراد از انواع شکنجه و بدرفتاری گفت که آن‌ها باید از مراقبت‌های پزشکی لازم برخوردار باشند.

خبرنگار وب سایت کلمه ، یک شنبه 28 خرداد ماه نیز از بازگرداندن پنج زندانی سیاسی که در انفرادی به سر می بردند به بند عمومی خبر داد. پیش از این کلمه، حمله گارد ضد شورش زندان اوین به بند ۳۵۰ و بر هم زدن مراسم بزرگداشت شهادت هدی صابر را در تاریخ 25 خرداد ماه گزارش کرده بود که طی آن فرشاد قربانپور، سعید متین پور، سعید جلالی فر، جواد علیخانی و آرش سقر به سلول های انفرادی بند 240 انتقال داده شده بودند. نامبردگان در اعتراض به اقدام مزبور دست به اعتصاب غذا زدند که با بازگشت به بند عمومی، این اعتصاب را شکستند. همچنین در پی حمله گارد ضد شورش، بهمن احمدی امویی به زندان رجایی شهر کرج منتقل و تا کنون به زندان اوین بازگردانده نشده است.

در کرمانشاه نیز، علی محمدی مقدم شهروند کُرد ساکن تهران که به مدت 15ماه در سلول انفرادی زندانی بوده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته، با مشکلات روانی جدی مواجه شده است. بنا بر اخبار کمپین بین المللی حقوق بشر ، او که فوق لیسانس علوم سیاسی و از اعضای یکی از ارگانهای نظامی ایران است در سال 1387 بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. بعد از دو سال، در سال 1389، به اتهام محاربه، به اعدام محکوم و در نهایت این حکم به 18 سال حبس و تبعید به زندان ارومیه تبدیل شد. وی هم اکنون در این زندان به سر می برد و مسئولان نیز از رسیدگی به وضعیت نامناسب روحی- روانی او خودداری می کنند.

از سوی دیگر، بر اساس گزارش وب سایت ندای سبز آزادی ، دکتر علیرضا رجایی، فعال ملی – مذهبی که از اردیبهشت ماه سال گذشته در زندان اوین به سر می برد، علاوه بر سه سال حکم زندان برای پرونده ملی – مذهبی ها به دلیل امضای بیانیه های اعتراضی صادره از داخل زندان، به چهارسال دیگر محکوم شد.

همچنین سایت ملی – مذهبی در تاریخ 28 خرداد ماه گزارشی از وضعیت نامناسب نرگس محمدی منتشر کرده و می نویسد: "روز چهارشنبه در حمام این زندان بر اثر گرفتگی عضلانی به زمین می خورد به طوری که صورت وی کبود می شود. این وضعیت باعث شد تا روز پنج شنبه به بیمارستان زنجان منتقل شود. اما با وجود تاکید پزشک معالج وی مبنی بر ضرورت بستری شدن خانم محمدی،وی یک بار دیگر به زندان بازگردانده می شود. نرگس محمدی روزانه ۹ قرص می خورد و وضعیت جسمی او به حدی وخیم است که پزشک زندان و برخی دیگر از مسئولان زندان تاکید کرده اند این زندانی سیاسی یا باید آزاد شود یا در بیمارستان بستری شود.

حکم 13 سال حبس در تبعید زندان برازجان برای عبدالفتاح سلطانی، وکیل دادگستری و عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر تایید شد. بر همین اساس، شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، در نامه ای به احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای حقوق بشر در ایران، نسبت به این حکم اعتراض کرده است. به نقل از رادیو زمانه ، "شیرین عبادی در نامه خود که تاریخ آن یکشنبه ۲۱ خردادماه جاری (۱۰ ژوئن) است، نوشته است تأیید این حکم در حالی صورت گرفته که عبدالفتاح سلطانی "از یک دادرسی عادلانه محروم بوده" و حتی حبس در تبعید نیز در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است.

کمیته گزارشگران حقوق بشر نیز از تایید حکم 10 سال حبس برای صدیقه مرادی خبر می دهد. این زندانی سیاسی، در اردیبهشت ماه 1390 در تهران بازداشت و به اتهام "محاربه و ارتباط با گروه‌های معاند نظام و همکاری با سازمان مجاهدین خلق" متهم شد. وی از آن زمان تا کنون در زندان اوین و در بند عمومی به سر می برد.

سایت جرس هم روز یک شنبه، 28 خرداد ماه، خبری مبنی بر عدم آزادی عیسی سحرخیز علی رغم پایان یافتن دوران محکومیت سه ساله اش منتشر کرد. مهدی سحرخیز فرزند این زندانی سیاسی در صفحه فیس بوک خود نوشته است که پدرش همچنان در بیمارستان و در بلاتکلیفی به شکل گروگان نگهداری می شود.

گردهمایی درمادرید برای حمایت از زندانیان سیاسی

یک شنبه 28 خرداد ماه نیز سایت ملی – مذهبی از تجمع آرام حامیان حقوق بشر با پشتیبانی سازمان عفو بین الملل و «اتحاد برای ایران» در مادرید پایتخت اسپانیا خبر داد. شرکت کنندگان همچنین بیانیه ای را امضا کردند که طی آن خواستار آزادی زندانیان سیاسی زن شده اند.

حقوق بشر اقلیت های قومی و مذهبی

به گزارش دویچه وله ، پارلمان اروپا قطعنامه ای صادر کرده که طی آن مقامات ایرانی را به رفتار عادلانه با اقلیت‌های قومی و مذهبی فراخوانده است این قطعنامه سرکوب اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی و نقض حقوق آنها را محکوم کرده است. بنا برا این گزارش، "قطعنامه مزبور از آذری‌ها، کردها، عرب‌ها و بلوچ‌ها به عنوان قربانیان نقض حقوق بشر در ایران یاد کرده و از جمله خواستار بازنگری در حکم اعدام شش نفر از شهروندان عرب اهوازی شده است. در بخشی از این قطعنامه آمده که قوانین ایران تنها زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان را به رسمیت می‌شناسد و در کنار پیگرد و آزار بهاییان و دراویش، نسبت به سنی‌های این کشور اعمال تبعیض می‌کند.

کودکان کار

همچنین در بخش جامعه، روزنامه شرق ،24 خرداد ماه، گزارش کوتاهی مبنی بر محرومیت 115 هزار کودک افغان از تحصیل منشتر کرد. این کودکان به دلایل مختلف چون فقر، سنت، ازدواج زودهنگام و مشکلاتی دیگر، ترک تحصیل کرده و در خیابان ها و یا کارگاه های تولیدی به کار مشغول می شوند.

شدت گرفتن مقابله با زنان به خاطر نوع پوشش

و مانند همیشه، با شروع تابستان طرح برخورد با بدحجابی توسط نیروی انتظامی شدت گرفته و مراکز فرهنگی و تفریحی را تحت پوشش قرار داده است. آخرین خبر ایسنا ، خبرگزاری دانشجویان ایران در رابطه با طرح مزبور، از برخورد با زنان در مقابل برج میلاد، حاکی از آن است که "گشت ارشاد، با حضور عکاسان و خبرنگاران رسانه‌هاي گروهي، مانع از ورود بانواني به سالن همايش‌هاي برج ميلاد شد که پوشش آن‌ها با اشکال مواجه بود."

—

آغاز دادرسی درتریبونال محاکمه جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت درلندن

2012-06-18 · Archive ID 944
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=944

عرصه سوم- اولین روز از نشست تریبونال بین‌المللی بررسی جنایات دهه شصت در جمهوری اسلامی صبح امروز 29خرداد در لندن برگزار شد. به گزارش نماینده بنیاد عرصه سوم دراین دادگاه در اولین روز دادگاه بیش از صدنفر شرکت داشتند.

تیم شش نفره بین‌المللی حقوقی به سرپرستی پروفسور پیام اخوان، و همکاری پروفسور جان کوپر، پروفسور ریچارد فالک، سرجفری نایس، دکتر نانسی هورماشیا و دکتر هدایت اله متین دفتری به عنوان کمیسیون حقیقت یاب اظهارات شاهدان و شهادت دهندگان را درطی چهار روز خواهند شنید. دراولین جلسه این دادگاه تا لحظه نوشتن این گزارش شش نفر از جمله دو خانم که همسرانشان اعدام شده‌اند و چهار نفر دیگر از زندانیان سیاسی سابق شهادت داده اند. آنان درباره نحوه مراحل دادرسی، زندانی شدن، موارد شکنجه خود و اعدام عزیزانشان صحبت کرده‌اند. این شرکت کننده گان که خود و یا اعضای خانواده شان به علت داشتن فعالیت در سازمان های سیاسی مانند فداییان خلق ، حزب کومله و مجاهدین خلق در سال‌های شصت درایران زندانی بوده‌اند، هنگام شهادت دادن به شدت متأثر و با تشریح صحنه‌های دردناک حاضرین در سالن را منقلب کردند.

افرادی که خواهان شهادت هستند قبلاً اظهارات خود را با جزییات ماجرایی که برآنان گذشته است، برای این دادگاه ارسال کرده اند. به علت کمبود وقت پرداختن به تمام جزییات درجلسات این دادگاه میسر نیست.

برای برپاشدن این دادگاه بیش از چهارسال تلاش شده است. درسایت ایران تریبونال درباره چگونگی به راه افتادن این دادگاه می‌خوانیم که :

«چهار سال تلاش بی وقفه مردمی مصمم برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت به بار نشست. این دادگاه مردمی، رژیم جمهوری اسلامی ایران و رهبران و دست اندرکاران کشتار زندانیان سیاسی را، که از روزهای پایانی خرداد 60 آغاز و در تابستان 67 به اوج رسید، به ارتکاب جنایت علیه بشریت محاکمه خواهد کرد. کشتار مخالفان در زندان در دهه شصت، مصداق جنایت علیه بشریت است. هیچ یک از ده ها هزار زندانی سیاسی، چه آن ها که اعدام شدند و چه آن هائی که جان سالم بدر برده و از زندان بیرون امدند، درهیچ دوره ای از دهه شصت به وکیل و تسهیلات و مشاوره حقوقی و خانواده خود دسترسی و حق دفاع از خود نداشتند. محاکمات بدون طی پروسه حقوقی با ملزومات یک دادگاه واقعی، تنها با طرح چند سئوال و در اغلب اوقات تنها با ابلاغ اتهامات به زندانی برگزار می شد و وی را طی چند دقیقه به اعدام محکوم می کردند. کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، هم چنین به لحاظ جغرافیائی، تعداد و تنوع گرایشات سیاسی و عقیدتی گسترده و طبق قوانین جزائی بین المللی مصداق جنایت علیه بشریت محسوب می شود. طبق آمارها و شواهد موجود، جمهوری اسلامی به فاصله سال های60 تا 63، حدود 15هزار زندانی سیاسی؛ روزانه به طور متوسط چهارده نفر و هر دو ساعت یک نفر را اعدام کرده است. جمهوری اسلامی به فاصله ماه های خرداد تا اسفند 67، چهارهزار زندانی سیاسی؛ روزانه به طور متوسط حدود 15 نفر و هر دو ساعت یک نفر را مخفیانه اعدام و در نهان در گورهای دسته جمعی دفن کرد.”



پیام اخوان سرپرست این دادگاه و مشاور سابق دادستان دادگاه بین المللی سازمان ملل در مصاحبه اش با عرصه سوم می گوید: مهمترین پیام این دادگاه به رهبر جمهوری اسلامی می تواند این باشد که مردم ایران هیچگاه ستمی که بر آنها رفته و جنایت هایی که دولت مرتکب شده را فراموش نمی کنند.همچنین یکی از اهداف تشکیل این دادگاه آن است که جهان با فرهنگ مصونیتی که در ایران از چندین دهه پیش وجود دارد آشنا شود. در ایران به جای اینکه مسئولان قتل ،شکنجه و تجاوز تنبیه شوند به مقامات بالاتری ترفیع پیدا می کنند.

—

حیات و مرگ جنبش های اجتماعی

2012-06-21 · Archive ID 948
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=948

علی افشاری

وجود و یا نیستی جنبش اجتماعی از مسائل بحث بر انگیز و مهم در حوزه بحث های نظری و عملی سیاسی است. طبیعتا یک جنبش بمانند هر پدیده اجتماعی و محیطی پویایی خاص خودش را دارد و ممکن است سیر تحولات از تولد تا مرگ را بپیماید. مناسب ترین حالت برای یک جنبش اجتماعی مرگ ناشی از موفقیت است. در این حالت دیگر جنبش به اهداف خود رسیده و موضوعیتش را از دست می دهد. اما حالت دشوار جنبش های ناکام هستند که از موضعی حق طلبانه هدف و باوری را بیان می کنند اما در تحقق آن اهداف ناکام می مانند. معمولا برخورد احساسی و عاطفی پیروان خیزش های اجتماعی پذیرش واقعیت شکست ر ا سخت می کند.

این یادداشت می کوشد توضیح بدهد تحت چه شرایطی می توان گفت جنبش وارد رکود شده و مرگ آن فرا می رسد ؟ آیا مرگ و پایان یک جنبش به مفهوم نابودی همیشگی یا به این معنی است که موقتاً از صحنه کنار می رود و ممکن است در شرایطی خاصی دوباره احیا شود. حساسیت پیرامون زنده بودن و یا مرگ جنبش برای مواردی چون تمیز مرزهای جنبش و نا جنبش ،حقیقت طلبی و بیان واقعیت، پرهیز از عارضه دن کیشوتیسم و گرفتار شدن در پیله توهم ها و شناخت نیرو های خواهان تغییر از وضعیت و توانائی خود، ضرورت دارد. یک جنبش اجتماعی تا زمانی که از فعالیت قابل ملموس و اندازه گیری برای حصول به مطالباتی مشخص برخوردار است زنده می ماند. از ویژگی های ضروری برای تداوم حیات، وجود توان بسیج کنندگی، فعالیت جمعی و رهبری حداقلی برای ارتقاء نارضایتی ها به کنش های اعتراضی هدفمند است.

جنبش های اجتماعی معمولا به صورت خود جوش و ناگهانی در صحنه ظاهر می شوند ولی تداوم آنها در گرو حرکت جمعی موثر است. مرگ آنها زمانی رخ می دهد که دیگر نمی توانند فعالیت منسجم و موثر داشته باشند و توان بسیج کنندگی خود را از دست می دهند. افول جنبش های اجتماعی عوامل بیرونی و درونی دارد. فردریک میلر و گامسون از جمله بر افزایش تعارض ها، واگرایی در درون جنبش و ناتوانی رهبران از کنترل و یا درمان تأمل و تاکید می کنند. به باور آنها نبود ساز و کار اقناعی برای تعامل و همکاری بین اعضاء جنبش موجب فروکش کردن آن می شود. در واقع یک جنبش اگر نتواند اختلافات و تعارض های داخلی اجزاء خودش را مدیریت کند و قادر نباشد تنوع و تکثر داخلی را به سمت همگرایی رهنمون سازد، آنگاه تشدید واگرایی به انشقاق و انهدام جنبش منتهی می گردد.



عوامل مخل پویایی و تحرک جنبش اجتماعی

دلایل عدم پویایی و تداوم یک جنبش اجتماعی چیست ؟ برای مثال می‌توان از نبود فرصت کنش اعتراضی اعم از چانه زنی، امکان اعتراضات خیابانی، خلق فشار اجتماعی ، جذب نیرو ، ناتوانی پیرامون تاثیرگذاری بر منابع قدرت ، سرکوب و خشونت دولتی، تاثیرپذیری از گروه های ذی نفوذ، منابع قدرت و ثروت،چالش های قانونی، ضعف در همکاری با دیگر جنبش ها، فزونی ریزش در برابر رویش های اجتماعی،روزمرگی،فقدان استراتژی و برنامه کارآمد، افراط و تفریط ،عدم هماهنگی بین رهبری و بدنه ،ارزیابی غیر واقع بینانه از امکانات و پتانسیل ها، ازجمله مهمترین دلایل دراین زمینه نام برد.

حال اگر بخواهیم عناصر تعیین کننده سرزندگی و یا سقوط جنبش های اجتماعی را بر شرایط کنونی ایران تطبیق بدهیم با دو نوع پدیده مواجه خواهیم شد .

نخست جنبش های مقطعی مانند جنبش سبز و یا جنبش اصلاحات هستند که به صورت فراگیر یک حرکت سیاسی بزرگ را منعکس می سازند. علی القاعده بر اساس معیار هایی که توصیف شد جنبش سبز به پایان رسیده است. اما جنبش هایی مانند دانشجویی ،زنان، کارگران و در سطحی وسیع تر جنبش دموکراسی خواهی که اطلاق برچسب جنبش به آنان بیشتر جنبه نام گذاری بر یک حرکت مستمر دارد، متفاوتند. البته جنبش های فوق فعالیت هایی دارند که اگر چه محدود و ضعیف است، اما کماکان نشانگر تداوم آنهاست.
جنبش زنان تفاوتی بنیادین با بقیه حرکت ها دارد. این جنبش همه فعالیت هایی را که باعث ارتقاء موقعیت زنان و اثبات توانایی های آنها می شود، در بر می گیرد. لذا برای بقاء نیاز به رهبری و فعالیت های هماهنگ ندارد. هر زنی که در کشور در عرصه های تخصصی و حرفه ای به موفقیتی دست پیدا می کند، تداوم و زنده بودن جنبش زنان را نشان می دهد.
زنی که با اتکاء به توانایی هایش مدیر می شود یا برای اولین بار انحصار مردانه را در محیط کار می شکند، به عنوان مثال رانندگی ماشین های سنگین ،به نوبه خود کارزار برای برابری زنان را تقویت می کند. اما طبیعی است موفقیت این جنبش در الغاء فرهنگ و نظام حقوقی نابرابر نیازمند رهبری ،فعالیت هماهنگ، سازمان یافته و مستمر است.
جنبش های اجتماعی فعال در نیرو های جامعه مدنی ایران زنده هستند، اگر چه در شرایط فعلی هیچکدام

طراوت و قدرت سابق خود را ندارند. اما در زیر فشار سنگین و طاقت فرسای حکومت اقتدارگرا هنوز نفس می کشند و در سطحی محدود مقاومت می کنند.

حضور در این جنبش ها نیازمند هماهنگی نیست. هر فرد و گروهی که د ر راستای مطالبات جامعه مدنی فعالیت کند، بخشی از این جنبش محسوب می شود و پیکره اندامی آنها را فربه می سازد. اما مرگ جنبش ها هم به معنای نابودی محض نیست. زوال آنها به معنای کنار رفتن از صحنه و محو شدن است. به عبارت دیگر مرگ آنها لزوما ابدی نیست. فروکش کردن می تواند موقتی باشد. به مجرد اینکه علائم حیاتی دوباره مشاهده شود، جنبش به فعالیت باز می گردد .

در برخی موارد ممکن است جنبش در شکل جدیدی متجلی شود یعنی برخی از عناصر قدیم را حفظ و با تغییراتی بر عوامل رکود ساز و مختل کننده حیات خود غلبه می کند.
بنابراین رصد کردن و ارزیابی چگونگی موقعیت جنبش های اجتماعی امری مهم در بقاء و تداوم شان است. سقوط و افول جنبش آن را به نقطه پایان نزدیک می کند، اما این مرگ را نمی توان به صورت حتمی نابودی همیشگی جنبش تلقی کرد. می توان از تولد مجدد و زنده بودن جنبش سخن به میان آورد، وقتی که علائم و نشانه هایی دال بر فعالیت و حضور واقعی آن در صحنه مشاهده شوند.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است . نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست .

—

حمله به تشکل های کارگری و بازداشتی های بلاتکلیف

2012-06-25 · Archive ID 951
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=951

عرصه سوم- رضا حاج حسینی: گزارش‌های اخیر درحوزه کارگری نشانگر ممنوعیت و تهدیدات جدید علیه فعالیت‌های صنفی و دستگیری کنشگران دراین حوزه است. تشکل‌های مستقل و منتقد، اجازه فعالیت ندارند و اگر گروهی قصد ساماندهی اعضای خود را داشته باشد، با شدیدترین برخوردها مواجه می‌شود. تازه‌ترین این برخوردها، حمله به جلسه مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری است.

کارگرانی که روز جمعه، ۲۶ خرداد ماه امسال (۱۳۹۱)، به دعوت "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" در خانه‌ای در کرج گرد هم آمده بودند تا جلسه مجمع عمومی این کمیته را برگزار کنند، اغلب روایت یکسان و همانندی از پایان نافرجام آن دارند. پایانی که با حمله نیروهای مسلح امنیتی رقم خورد و جلسه این گروه کارگری را ناتمام گذاشت.

درباره شکل و شمایل این حمله گزارش شده است که: "ناگهان از راهروی آپارتمان صدای هیاهو و تیراندازی می‌آید، همسایه‌ها جیغ می‌کشند. صحبت‌ها قطع شده و می‌خواهند بیرون بروند تا ببینند چه اتفاقی افتاده که ناگهان در شکسته می‌شود و افراد مسلح زیادی به داخل خانه هجوم می‌آورند. آن‌ها فریاد می‌کشند: همه روی زمین بخوابید کثافت‌ها ... وگرنه شلیک می‌کنم."

این‌گونه برخوردها با تشکل‌های کارگری و غیر کارگری در ایران تازگی ندارد اما به‌نظر می‌رسد که در شرایط فعلی، برخوردهای قهرآمیز و امنیتی، شدت بیش‌تری پیدا کرده‌اند. "صدیق اسماعیلی"، عضو اتحادیه بین‌المللی حمایت از کارگران ایران، در این‌باره در گفت‌وگویی به "رادیو زمانه" می‌گوید : "این دستگیری‌ها در ادامه اقدام‌های سرکوب‌گرانه جمهوری اسلامی است. وضعیت معیشتی و اقتصادی کارگران و اقشار زحمتکش جامعه روزبه‌روز بدتر می‌شود. حمله به سفره خالی کارگران شدت پیدا کرده است. بیکاری بیداد می‌کند و کارگران از ابتدایی‌ترین امکانات محرومند. هر زمان که چهار نفر کارگر دور هم جمع شوند و بخواهند در رابطه با وضعیت معیشتی و فقر و فلاکتی که دامن‌گیر جامعه شده صحبت کنند، فورا با نیروهای سرکوب روبه‌رو می‌شوند. نیروهای امنیتی، کارگران و فعالان کارگری را شکار می‌کنند و برای‌شان احکام زندان و شلاق صادر می‌کنند و مانع از بیان خواست و مطالبات‌شان می‌شوند."

وضعیت قرمز برای کارگران

اوضاع امروز ایران به‌گونه‌ای است که کارگران هم مانند دیگر اقشار جامعه، از ابتدایی‌ترین حقوق خود که امکان تشکیل آزادانه نهادهای صنفی است، محروم هستند. در شرایطی که فعالیت‌های قانونی و علنی کارگران با تهدید و ارعاب، ضرب و جرح و بازداشت روبه‌رو می‌شود، اگر بنا باشد چنین فعالیت‌هایی به‌صورت زیرزمینی ادامه پیدا کنند، احتمالا با شدت بیش‌تری سرکوب خواهند شد.

در همین مورد اخیر نیز به گزارش سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، در بازجویی‌هایی که از اعضای این کمیته در زندان انجام شده، چنین عنوان شده است که "اگر شماها واقعا از حقوق کارگران دفاع می‌کنید پس چرا به صورتی مخفی و زیرزمینی مجمع و جلسات خود را برگزار می کنید!"

کمیته هماهنگی اما در دفاع از عملکرد خود، توضیحاتی در مورد تلاش‌های انجام شده برای تهیه مکان، پیش از برگزاری مجمع عمومی ارائه کرده است: "از آن‌جا که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری عقیده دارد که تمامی امکانات موجود در جامعه و از جمله سالن‌های همایش و تجمع و هم‌چنین تمامی امکانات رفاهی جامعه به دست کارگران و از محل نپرداختن دستمزد واقعی آنان ساخته شده است، در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۰، نامه‌ای به اداره تشکل‌های کارگری و کارفرمایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فرستاد و درخواست کرد تا محلی برای برگزاری مجمع عمومی سالانه در اختیارش قرار بگیرد. این نامه در تاریخ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۰ در اداره مذکور شماره شد و جواب به صورت شفاهی عنوان شد که: "خیر! هیچ مکانی به شما تعلق نمی‌گیرد ...."

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که حاکمیت از همراهی با فعالیت‌های رسمی و قانونی کارگران طفره می‌رود و تلاش می‌کند برنامه‌های رسمی و علنی را به فعالیت‌های غیررسمی و غیرعلنی تبدیل کند تا بعد به همین بهانه مانع از ادامه‌ی آن‌ها شود و سرکوب‌شان کند. این در حالی‌ست که همه فعالیت‌های کمیته هماهنگی، از زمان اعلام موجودیتش علنی بوده و هر زمان که مجمع عمومی برگزار کرده، گزارش آن را در سایت خود بازتاب داده است.

براساس قانون، نیروهای امنیتی و انتظامی موظفند از فعالیت‌های صنفی حمایت و حفاظت کنند اما در حال حاضر نه تنها این کار انجام نمی‌شود، بلکه به شکلی وحشیانه به این تشکل‌ها حمله می‌شود و افراد را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند.البته به نظر می‌رسد نگرانی از رادیکال شدن فعالیت‌های مختلف مدنی از جمله فعالیت‌های کارگری، یکی دیگر از دلایل این نوع برخوردها باشد.

اسماعیلی در این‌باره می‌گوید: "شرایط سیاسی فعلی در ایران طیف وسیعی از نیروی کار و کارگران را به میدان مبارزه کشانده است و همین، کارگران را به پیش گرفتن روش‌های رادیکال‌تر سوق می‌دهد و این شرایط، رژیم را به شدت نگران کرده است. در کنار این حرکات، مبارزه‌های توده‌ای جاری، اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری نیز مدام در جریان است. این وضعیت رژیم را به هراس انداخته است. آن‌ها با حمله به کارگران و فعالان کارگری می‌خواهند مانع اقدامات و حرکت‌های اعتراضی شوند."



بازداشتی‌های بلاتکلیف

پس از گذشت بیش از ۱۰ روز از بازداشت اعضای شرکت‌کننده در مجمع عمومی سالانه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، تا زمان انتشار این گزارش، هنوز نه نفر از بازداشت‌شدگان، در بازداشت به سر می‌برند.

به گزارش کمیته هماهنگی، مراجع قضایی پاسخ روشنی درباره وضعیت آنان به خانواده‌های‌شان نداده‌اند و این در حالی‌ست که شش نفر از آنان به نیروهای امنیتی رشت تحویل داده شده‌اند.

بنا به گفته منابع مطلع، این شش نفر در تماس تلفنی با خانواده های خود گفته‌اند که در بازداشت اداره اطلاعات رشت هستند.در میان این بازداشتی‌ها، "مسعود سلیم‌پور" و "فرامرز فطرت‌نژاد"سابقه‌ی بیماری حاد دارند.

هم‌چنین سرنوشت "جلیل محمدی"، "ریحانه انصاری" و "علی‌رضا عسگری" که در کرج نگهداری می‌شوند هم نامعلوم است.در این مدت عسگری و انصاری با خانواده‌های خود تماس گرفته‌اند اما محمدی تاکنون تماسی با خانواده خود نداشته است.

بر اساس گزارش کمیته هماهنگی، خواهر جلیل محمدی که همراه دیگر اعضای خانواده او برای پی‌گیری پرونده‌اش به دادگاه مراجعه کرده، با توهین، تحقیر و بی‌حرمتی ماموران روبه‌رو شده است.

اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن برخورد توهین‌آمیز با خانواده جلیل محمدی، ادامه بازداشت نه نفر از اعضای خود را غیرقانونی دانسته و خواهان آزادی سریع و بی‌قید و شرط آنان شده‌اند. این کمیته هم‌چنین از تمامی تشکل‌ها، نهادهای کارگری و ... خواسته است که به ادامه این بازداشت‌ها اعتراض کنند و خواستار آزادی این زندانیان شوند.

دامنه حمایت

در پاسخ به درخواست کمیته هماهنگی برای اعتراض به ادامه بازداشت فعالان کارگری در ایران، چندین تشکل کارگری داخلی و خارجی، از جمله "اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران"، "اتحادیه آزاد کارگران ایران"، "انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه"، "جمعی از فعالان کارگری سنندج و

کامیاران“،”همبستگی با جنبش طبقاتی کارگری- پاریس” و چند سندیکای فرانسوی از جمله“ث.اف.د.ت“، “ث.ژ.ت“، “اف.اس.یو“، “سولیدر” (همبستگی) و “اونسا“، با انتشار بیانیه‌هایی، حمله به جلسه مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و بازداشت اعضای این کمیته را محکوم کرده‌اند.

در بخشی از بیانیه سندیکاهای فرانسوی آمده است: “ما خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمام کارگران و هم‌چنین آزادی دیگر فعالان جنبش‌های اجتماعی مانند رضا شهابی هستیم که از دو سال پیش در زندان به‌سر می‌برد و به شش سال زندان محکوم شده است.

سازمان‌های اتحادیه‌ای فرانسوی از خواست کارگران ایران برای برپایی تشکیلات مستقل خود حمایت کرده، به شهامت آنان درود می‌فرستند و از مقامات ایرانی می‌خواهند که به حقوق کارگران احترام بگذارند.

ما یک‌بار دیگر به کارگران ایرانی درگیر در نبرد اطمینان می‌دهیم که بخش سازمان‌یافته کارگران فرانسه، از جمله سندیکاهای امضاکننده این اعلامیه، با آنان هم‌بستگی دارند.”

پشتیبانی با یک امضا

برای حمایت از اعضای بازداشت‌شده کمیته هماهنگی، در سایت این کمیته، یک کمپین به راه افتاده است. این کارزار مدنی که با کلمه پتییشن مشخص شده، این فرصت را برای کنش‌گران مدنی فراهم کرده تا با امضای خود از فعالان کارگری بازداشت‌شده حمایت کنند و اعتراض‌شان را به گوش حاکمیت برسانند. کمیته هماهنگی از بازدیدکنندگان صفحه خود خواسته است که “لطفا پتیشن زیر را در حمایت از کارگران زندانی عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، امضا نمایید.”

سرکوب تشکل‌های کارگری و فشار بر فعالان این تشکل‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که ایران عضو سازمان جهانی کار است و بر اساس موافقت‌نامه‌های این سازمان، ایجاد تشکل‌های کارگری و آزادی در این مورد ضروری است. جمهوری اسلامی اما با بی‌توجهی به موافقت‌نامه‌هایی که امضا کرده است، اجازه نمی‌دهد کارگران تشکل‌های مستقل تشکیل بدهند.

با وجود این، به باور فعالان مدنی و کارگری، تنها راه برون‌رفت از وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی و معیشتی در وضعیت فعلی، ایجاد تشکل‌های خودساخته، با اراده و توان خود کارگران است تا با اتکا به این تشکل‌ها، حق و حقوق ابتدایی کارگران تامین شود. کاری که انجام آن با توجه به رویکرد حاکمیت به فعالیت‌های مدنی، آسان به‌نظر نمی‌رسد.

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-06-25 · Archive ID 954
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=954

عرصه سوم- درروزهای پایانی خردادماه و آغاز تابستان هم به روال هفته های گذشته اخبارمربوط به جامعه مدنی حاکی از تشدید ادامه سیاست دولتی درکنترل و نقض حقوق بشر در حوزه های گوناگون است.

در چنین شرایطی فعالیت برای جلب حمایت از سازمان های مردم نهاد درکشوربیش از پیش ضروری است. در سمینار بررسی جامعه مدنی با حضورتنی چند از متخصصان در شهر کلن آلمان ویژگی های جنبش مدنی درایران تشریح شد.

گزارش پریسا کاکایی از اخبار هفته ای که گذشت را دراینجا می خوانید.

شهر کلن آلمان، سوم تیر ماه، برگزارکننده نشست " بررسی جامعه مدنی ایران’ سه سال پس از جنبش سبز " بود . این میزگرد با حضور منصوره شجاعی، فعال حقوق زنان، کاظم کردوانی، جامعه شناس و سهراب رزاقی، فعال در زمینه جامعه مدنی و به میزبانی مدرسه عرصه سوم، اتحاد برای ایران کلن - بن و همچنین بنیاد

شفافیت برای ایران، برگزار شد . در نشست مزبور به تعریف، بررسی گذشته و زمان حال جامعه مدنی ، ارتباط جنبش زنان ایران با جنبش سبز و نقش آن در نهاد سازی پرداخته شد .

به گزارش دویچه وله ، منصوره شجاعی فعالیت های جامعه مدنی را در دو حوزه خدماتی همراه با پروژه های توسعه و فعالیت های اکتیویستی تعریف کرد که به نظر وی، جنبش زنان در زیرمجموعه دومین گروه قرار می گیرد . او ارتباط جنبش زنان و جنبش سبز را نیز در سه بخش همراهی با جنبش عمومی دموکراسی خواهی، حفظ گفتمان حقوقی و ارتباط هویت مند و دو سویه با جنبش دموکراسی خواهی دانست که اعلام موجودیت همگرایی سبز در روز جهانی زن بخشی از ارتباط هویت مند و دوسویه محسوب می شود .

سهراب رزاقی مدیرعامل سابق سازمان ممنوع شده کنشگران داوطلب در ایران، نیز جامعه مدنی را عرصه‌ای از اجتماع می داند " که در آن جنبش‌ها’ گروه‌ها و نیروهای اجتماعی مستقل و خود سازمان‌یافته برای انتقاد از قدرت سیاسی’ توانمندی شهروندان’ دفاع از حقوق بشر’ حقوق شهروندی و دفاع از منافع صنفی فعالیت می‌کنند ." او معتقد است که حکومت ایران از یک سو به مبارزه با جامعه مدنی فعال، منتقد و مستقل پرداخته است و از سوی دیگر در حال شکل دادن جامعه مدنی مورد نظر خود به قصد اطلاع رسانی کاذب به مردم و جامعه بین المللی است . به گفته سهراب رزاقی، تنها در سال 1390 ، 89 سازمان و انجمن توسط حکومت ایران منحل شدند .



از سوی دیگر، کاظم کردوانی، شرایط امروز درایران را برای شکل گیری یک جامعه مدنی قوی، آماده دانسته و معتقد است که بسترهای فرهنگی’ ساختارهای اقتصادی و وضعیت بین‌المللی به این روند کمک می کنند . درگزارش دویچه وله، اشاره شده که این جامعه شناس چهار مرحله مختلف را برای جامعه مدنی در سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی قائل است : " مرحله اول دهه شصت تا پایان جنگ که دوره حاکمیت ایدئولوژی پوپولیستی و غیرستیز است . مرحله دوم دوران اواخر دهه‌ی شصت تا اوایل دهه هفتاد است که ایدئولوژی معطوف به سازندگی با برخی بازاندیشی‌ها در ایدئولوژی پوپولیستی دیده می‌شود . مرحله سوم’ دوران هشت ساله دولت خاتمی که هر چند نه او و نه نظریه‌پردازان دولتی درک روشنی از مفهوم جامعه مدنی داشتند . اما در این دوران طرح مفهوم جامعه مدنی و گفت‌وگوی تمدن‌ها به حرکتی که در جامعه در حال شکل‌گیری بود بعد وسیعی بخشید . "

اما جامعه مدنی در هفته ای که گذشت چه تبعیض ها و خشونت هایی را متحمل شده است . با مرور خلاصه ای از اخبار درآغاز به بررسی نقض حقوق بشر در هفته اول تیر ماه 1391 می پردازیم .

زندانیان سیاسی

تقی رحمانی از وخامت حال نرگس محمدی می گوید . او در مصاحبه با کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران ، با اشاره به اینکه محیط تنش زای زندان زنجان، بیماری همسرش را تشدید می کند، گفت :« در بند زنان زندان زنجان بین زندانیان مرتب دعواهای شدید می شود، با تیغ و چیزهای دیگر به جان یکدیگر می افتند، در آن لحظات نگهبان ها نرگس را از بند خارج می کنند تا دوباره دعوا که تمام شد او را به بند ببرند . نرگس با بیماری که دارد اضطراب برایش مانند سم است با این حال در میان زنانی است که بیشتر جرائم شان مواد مخدر است ." نرگس محمدی در آخرین دیدار خود با صورت کبود شده با کودکانش رو به رو شد . او در حمام از حال رفته و به زمین می خورد که در نهایت بهداری زندان تنها به دادن قرص به او اکتفا کرده و درمان را پی گیری نمی کند .

در همین رابطه سایت ملی – مذهبی نامه ای را که توسط نرگس محمدی در اعتراض به وضعیت خود خطاب به دادستان تهران نوشته منتشر کرده است . در این نامه او تاکید کرده است : " مصرا و موکدا اعلام می کنم که چنین رفتار و اقدامی با من درواقع مرگ تدریجی من است که مسئولیت آن بامسئولین است .

عیسی سحر خیز نیز در حالی که به پایان دوران محکومیت خود نزدیک می شود با حکم یک سال و نیم حبس دیگر مواجه شده است . این حکم با بی توجهی به نظر کمیسیون پزشکی مبنی بر عدم توانایی تحمل کیفر از جانب این روزنامه نگار زندانی صادر شده و فشار مضاعفی بر خانواده وی محسوب می شود . بنا به گزارش زمانه ، مهدی سحرخیز پسر عیسی سحر خیز، از هزینه های درمانی که بر عهده خانواده اش بوده سخن گفته است . به گفته وی در چهار ماه گذشته خانواده‌اش افزون بر پرداخت هزینه درمانی در بیمارستان، مجبور به پرداخت هزینه خورد و خوراک سه سربازی که پدرش را شبانه‌روز کنترل می‌کنند نیز شده‌اند . این روزنامه نگار منتقد، از تیر ماه 1389 با حکم سه سال حبس تعزیری تا کنون در زندان به سر برده و از بیماری رنج می برد .

سعید مدنی، پژوهشگر و جامعه شناس همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر می برد . همسر وی در گفت و گو با کمپین بین المللی حقوق بشر درایران گفته است : " چون همسرم هیچ کدام از اتهاماتش را نپذیرفته است بازجویانش برای تنبیه او را در بند انفرادی نگه داشته اند . به گفته همسر آقای مدنی، وی در بند انفرادی از درد مفاصل به شدت رنج می برد و در دوران بازجوییش مورد شکنجه و توهین قرار گرفته است ." منصوره اتفاق در پاسخ به این سوال که اتهامات همسرش چیست پاسخ داد : " چون هنوز به وکیلش ابلاغ نشده است، من نمی توانم دقیقا بگویم که اتهاماتش چیست اما ایشان در این مدت متهم شده به اینکه درصدد راه اندازی وب سایتی بر علیه جمهوری اسلامی بوده است که در این وب سایت مثلا می خواسته تجمعات برگزار کند . و یا مثلا او متهم شده که از خارجی ها پول گرفته است . اما هیچکدام از این اتهامات واقعیت ندارد . بازجویانش چون چیزی جز فعالیت های او که برای همه آشکار بوده نتوانسته اند پیدا کنند این سناریو ها را برعلیه اش ساخته اند و حالا اصرار دارند که او بپذیرد ."

همچنین، علی قشقائی، زندانی محبوس در بند 350 اوین، توسط قاضی صلواتی مورد ضرب و شتم واقع شده است . بنا بر خبر منتشر شده توسط ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هرانا ، در جلسه محاکمه این زندانی سیاسی، قاضی صلواتی، رئیس شعبهٔ ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، با لگد ضربه‌ای به بیضه‌ی وی وارد کرده است . حال او مساعد نبوده و بهداری زندان نیز به این امر بی توجه است.

محمدصدیق کبودوند نیز همچنان در اعتصاب غذا به سر می برد . او در آخرین ملاقات خود به همسرش گفته است تا دست یابی به خواسته خود که ملاقات با فرزند بیمارش است دست از اعتصاب بر نمی دارد . رادیو زمانه به نقل از پریناز باغبان، همسر این فعال حقوق بشر می نویسد : " معاون دادستان هفته گذشته با همسرم در زندان دیدار داشته و به وی گفته است اعتصاب و مرگ زندانی سیاسی برای ما مهم نیست و اگر می‌خواهد می‌تواند به اعتصاب خود ادامه دهد ." به گفته وی محمد صدیق کبودوند در آخرین ملاقات بسیار رنگ پریده بوده و به شدت وزن کم کرده است.

یک زندانی سیاسی زن به 15 سال حبس تعزیری محکوم شد . به گزارش کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران ، صفیه صادقی ۲۳ ساله و اهل شهر سلماس از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب شهر سنندج به ریاست قاضی بابایی به اتهام محاربه از طریق عضویت در پژاک به ۱۵ سال زندان محکوم شده است . وی در آبان 1389 در شهر سنندج بازداشت و بیش از چهار ماه در سلول انفرادی، تحت فشار مورد بازجویی و ضر و شتم قرار گرفته است . وی بدون حضور وکیل و تنها در جلسه ای 15 دقیقه ای محاکمه شده است .

بر اساس آخرین اخبار منتشر شده توسط العربیه ، چهار تن از زندانیان اهوار اعدام شدند . عباس حیدریان، طه حیدریان، عبد الرحمن حیدریان که هر سه برادر بوده اند و علی نعامی شریفی که سال گذشته به اتهام محاربه و قتل یک مامور امنیتی بازداشت شده بودند اعدام شدند و متعاقب آن بعد از ظهر روز دوشنبه در محلات مختلف شهر اهواز و نقاط دیگر، مردم دست به اعتراض زده و به خیابان آمدند . العربیه همچنین به اخبار منتشر شده در مورد شکنجه چند زندانی سیاسی عرب طی ماه های گذشته که منجر به شکستگی های فک و لگن خاصره، لاغری شدید و فراموشی شده است اشاره می کند . در همین راستا، هرانا ، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران از ادامه اعتراضات در شهر اهواز در روز پنج شنبه اول تیر ماه می نویسد که طی آن حداقل 15 نفر بازداشت شدند .

همچنین، سه شنبه 30 خرداد 1391 ، خانواده های فعالین کارگری که به تازگی بازداشت شده اند در مقابل دادسرای انقلاب کرج تجمع کردند . بنا بر گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری دو نفر از تجمع کنندگان پس از ساعت‌ها انتظار، موفق شدند تا به واحد بایگانی کامپیوتر دادسرا مراجعه کرده و از وضعیت زندانیان اطلاعی حاصل کنند . اما مسئولین نسبت به ثبت نام بازداشت شدگان اظهار بی اطلاعی کرده وخانواده های کارگران بازداشتی مجبور شدند که به زندان رجایی شهر و اداره اطلاعات مراجعه کنند . این زندان پس از چند ساعت اظهار داشتند که برخی از بازداشت شدگان به اداره اطلاعات شهر رشت منتقل شده و مابقی در اداره اطلاعات کرج بازداشت هستند . این کمیته در ادامه از مراجعه مامورین اطلاعات به منزل سیروس فتحی در رشت می نویسد که طی آن به تفتیش منزل پرداخته و کامپیوتر و تعدادی از کتاب های وی را با خود برده اند . بازداشت شدگان مزبور همچنان از حق ملاقات محروم هستند .

زنان و دانشجویان

مدارس کارنامه حجاب می گیرند . همشهری آنلاین از گفت و گوی مدیرکل فرهنگی و هنری آموزش و پرورش خبر داده است که بر اساس آن مدارسی که بیشتر به رعایت حجاب و موازین اخلاقی دانش آموزان خود توجه کنند مورد تقدیر قرار می گیرند . همچنین ارائه برنامه های آموزشی و بسته های تصویری در ارتباط با ترویج حجاب و عفاف و طرح سرنوشت نمونه هایی که دچار انحراف اخلاقی شده اند از برنامه های دیگر آموزش و پرورش است .

دانشگاه تهران اعلام کرده است که کوی دانشگاه از هفتم تا ۲۸ تیرماه تعطیل خواهد بود . 18 تیرماه سالروز حمله لباس شخصی ها به کوی دانشگاه درسال 1378 است که درجریان آن دو نفر کشته و پنج نفر ناپدید شدند.

اسلامی شدن دانشگاه آزاد اسلامی و آیین‌نامه جدید نقل‌وانتقال دانشجویان به محل دائمي سکونت خود، در حال اجرا شدن است . به گزارش ایلنا ، خبرگزاری کار ایران، فرهاد دانشجو رییس دانشگاه آزاد اسلامی در دیدار با آیت الله صافی گلپایگانی با اشاره به اینکه دانشگاه آزاد اسلامی دارای سه و نیم میلیون فارغ التحصیل و بیش از یک و نیم میلیون دانشجو است، بحث مختلط بودن دانشجویان در دانشگاه آزاد اسلامی را در حال بررسی دانسته و گفته است : " در این خصوص برنامه هایی در دست اجراست که واحد قم در این زمینه پیشتاز است ."

اما دانشجویان همچنان به دلیل باورهای سیاسی و یا مذهبی خود اخراج می شوند . طی اخبارمنتشر شده توسط جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی ، شقایق آگاه، دانشجوی ممتاز مقطع کارشناسی ارشد که از معدود دانشجویان بهایی راه یافته به دانشگاه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد است با نامه مستقیم وزارت علوم، در پایان ترم چهار از دانشگاه اخراج شد . وی در سال ۸۵ در کنکور سراسری شرکت و در رشته مهندسی شیمی دانشگاه تهران پذیرفته شد . در سال ۸۹ کارشناسی را به پایان رسانده و به دلیل آنکه از دانشجویان ممتاز دانشگاه بوده، در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته پذیرفته می شود .

این وب سایت همچنین از محکومیت کیوان رحیمیان به پنج سال حبس تعزیری و پرداخت جریمه نقدی خبر داده است . کیوان رحیمیان از اساتید دانشگاه آنلاین بهائیان، از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب استان تهران به ریاست قاضی مقیسه، به اتهام " عضویت در جامعه بهائی "(ماده ۴۹۹) و " اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت ملی "(ماده ۶۱۰) به ۵ سال حبس تعزیری و پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۹۷ میلیون ریال محکوم شد .

کامران رحیمیان، برادر کیوان رحیمیان و همسر وی فاران حسامی نیز از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به دلیل اتهامات مشابه، هر یک به چهار سال حبس تعزیری محکوم شده اند .

از سوی دیگر، دانشجویان سابق و فعالان حقوق بشر ، در سومین روز نشست ژنو، با تجمع در مقابل سازمان ملل نسبت به نقض حقوق دانشجویان و حبس آنها در ایران اعتراض کردند . این دانشجویان خواستار توجه و اعتراض جامعه بین المللی نسبت به وضعیت دانشجویان زندانی، سایر فعالین سیاسی و همچنین نقض حق تحصیل و حقوق دانشجویان شدند . علاوه بر این، یکی از نشست های جانبی نشست شورای حقوق بشر در ژنو به بحث حقوق آکادمیک دانشجویان اختصاص یافت .

همچنین بر اساس گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا ، سرگرد علی اکبر قرائی‌پور، سرپرست پلیس فتاي استان هرمزگان در مصاحبه ای از بستن 60 سایت داخلی و خارجی خبر داده است : " کارشناسان پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات استان در دو ماهه ابتدای سال جاری 444 سایت داخلی و 177 سایت خارجی را رصد و 41 سایت داخلی و 19 سایت خارجی را فیلتر کردند ."

سایت ایران امرو ز خبر از موج جدید بازداشت دانشجویان به خاطر فعالیت اینترنتی داده است . بسیاری از این افراد چندین روز در زندان شهرهای خود سپری کرده اند و بعد از چندین روز به زندان اوین منتقل شده اند .

فرهنگ و هنر

وزارت فرهنگ و ارشاد بعد از لغو پروانه نشر چشمه، صلاحیت ناشران دیگر را بررسی نموده و در نتیجه دو ناشر دیگر، هرمز همایون پور، مدیر " نشر روشن " و شهبانو بیژن‌زاده، مدیر انتشارات " علوم دانشگاهی " رد صلاحیت شده اند . رادیو زمانه در این باره نوشته است که داریوش رضوانی، مشاور اجرایی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، خبر از لزوم استعلام پرونده تمامی مسئولان انتشارات داده که بر این اساس ممکن است صلاحیت برخی افراد رد شود .

زمانه همچنین از عدم موافقت اهالی سینما با طرح باشگاه سینمایی خبر داده است . بر اساس این گزارش، اعضای 25 صنف سینمایی ایران بیانیه ای را منتشر کرده اند که ضمن حمایت از اطلاعیه هیات مدیره خانه سینما اعلام داشته اند : " طرح باشگاه سینمایی یا هر نام دیگری که به تازگی از سوی مسئولان سینمایی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) به‌عنوان جایگزین خانه سینما مطرح شده، همان طرح انحلال خانه سینما است که با بسته‌بندی جدید مطرح می‌شود ." آنها خانه سینما را به عنوان جامعه اصناف سینمای ایران دانسته اند .

—

گفتمان میان دونسل درکنفرانس بنیاد پژوهش های زنان

2012-06-28 · Archive ID 960
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=960

عرصه سوم – بیست و سومین کنفرانس بنیاد پژوهش های زنان امسال در تاریخ 18 – 20 خرداد درشهر بستن درایالت ماساچوست آمریکا برگزارشد. این کنفرانس دربیش ازدو دهه هرساله به همت جمعی از زنان ایرانی ساکن اروپا، آمریکا و هم چنین همکاری مستمر با جنبش زنان درداخل کشور برگزار شده و آخرین دستاوردهای تحقیقی و عملی جنبش فمینیستی را در کنفرانسی سه روزه و با شرکت گروهی از پژوهشگران و فعالان جنبش زنان ارائه می کند.

کنفرانس امسال با موضوع « گفتمان میان دونسل» برگزار شد.

شهرنوش پارسی پور نویسنده و پژوهشگر صاحب نام درگزارش رادیو زمانه ازکنفرانس امسال می نویسد:

« کنفرانس در بامداد ۱۸ خرداد با خوش‌آمدگویی کمیته محلی آغاز شد. پرستو فروهر به عنوان نخستین اجراکننده برنامه در پشت تریبون قرار گرفت و کتاب تازه خود را که درباره خانواده‌اش نوشته است معرفی کرد. پرستو فروهر محصول درد و رنج است. پدر و مادر نازنین او به دست اوباش جمهوری اسلامی تکه تکه شدند. پرستو هر ساله و همیشه خاطره آن‌ها را گرامی می‌دارد. او بخشی از کتابش را خواند که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

سپس جودیث رجیستر، بانوی جوان سیاه‌پوست در سخنرانی با عنوان « می‌خواهید میراثتان چه باشد» شرح دقیقی از شرایط کشورهای عقب نگه داشته‌شده در دنیا، به ویژه آفریقا به‌دست داد. این سخنرانی با علاقه شدید حاضران مواجه شد و مردم با طرح پرسش‌های متعدد به این سخنرانی رنگ و جلای نوینی دادند. پس از معرفی هنرمندان جایزه حامد شهیدیان در زمینه پژوهش‌های فمینیسم انتقادی به ماری آستبی و ثریا فلاح اعطا شد. ساعت دو بعد از ظهر اختصاص داشت به معرفی زن برگزیده سال. امسال فرزانه میلانی، استاد برجسته دانشگاه ویرجینیا برای این مهم انتخاب شده بود که به‌وسیله دخترش، فرناز میلانی گزونی معرفی شد.



"در روز شنبه ۱۹ خرداد گلناز امین همانند سنت هرساله پیام بنیاد را قرائت کرد. سپس نوبت سخنرانی من بود که در زمینه حجاب در پنج هزار سال گذشته در ایران سخنرانی داشتم و کوشیدم با طرح اسطوره گیلگمش که حامل نخستین زن باحجاب تاریخ است جغرافیای منطقه را تحلیل کنم. سپس نوبت به فرنگیس حبیبی رسید که تحول شخصیت‌های زن در داستان‌های نویسندگان زن در نیم قرن اخیر را به نحوی گسترده مورد تحلیل قرار داد. دومینیک پرویز بروکشا با معرفی کتاب خود درباره فروغ فرخزاد به بررسی زندگی فروغ پرداخت. بسیار جالب است که افراد بدون قرار قبلی اغلب از فروغ و کار او گفتار در میان آوردند.

میزگرد با گردانندگی رویا برومند و شرکت منیره برادران، شورا مکارمی وکلر باهری به مسئله زندان و اعدام‌ها پرداخت. این پانل تکان‌دهنده همه را به گریه انداخت. بحث به اینجا کشانده شد که افراد زیادی صرفاً به دلیل همین پانل از همکاری با بنیاد پژوهش‌ها عذر خواسته بودند. بهانه‌شان این بوده که به ایران می‌روند و خوبیت ندارد که چهره بنمایند. پانل اما بسیار موفق بود. ادبیات زندان امروز یکی از شاخه‌های اساسی –حداقل- ادبیات ایرانیان مهاجر را تشکیل می‌دهد. بسیار روشن است که این ظلم هرگز فراموش نخواهد شد. این برنامه منقلب‌کننده در ادامه راه به کنسرت خواننده بسیار خوب سپیده رئیس سادات و با هنرنمایی نغمه فرهمند، نوازنده سازهای کوبه‌ای منتهی شد.

روز یکشنبه برنامه بنیاد با سخنرانی نورا بیانی آغاز شد. او در «سرخ‌ها و سبزها»، روایتی از پیوندها و گسست‌ها فضای انقلابی چندین دهه از تاریخ ایران را مورد بررسی قرار داد. منیره کاظمی در «تفاوت نسل‌ها و روند تغییر در جنبش زنان» مسئله گفتمان دو نسل را از زاویه دیگری بررسی کرد. سوسن تهماسبی در «شکاف‌های نسلی و جغرافیایی، چالش های پیش‌روی جنبش زنان ایران» از دریچه دیگری به تحلیل جنبش زنان ایران پرداخت. سپس نوبت به گلاله شرفکندی رسید که بر مسئله زنان کرد تمرکز داشت. در «از زن کرد پیشمرگ تا زن کرد فعال مدنی» او نشان داد که فکر می‌کند کردان یک ملت هستند. او عضو حزب دموکرات کردستان است. بعد فریبا پارسا در «دموکراسی و زنان» با علاقمندی اعلام کرد اگر کار در تمامی جهات به دست زن‌ها بیفتد دنیا بی‌مشکل خواهد شد. این سخنرانی بسیار تخیلی ارزیابی شد".

سال آینده این کنفرانس در شهر «بن» واقع در آلمان برگزار خواهد شد. گلناز امین مدیر بنیاد پژوهش های زنان درطول بیست و سه سال گذشته تمام سخنرانی‌های ارائه شده هر سال را به صورت کتابی منتشر کرده است.

—

تفاوت فعالیت جنبشی با کنشگری سیاسی

2012-06-28 · Archive ID 965
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=965

علی افشاری

رابطه جنبش های اجتماعی مطالبه محور با کنش سیاسی معطوف به قدرت

تعیین چگونگی نسبت میان حوزه کاری یک فعال جنبش اجتماعی با کنشگر سیاسی امر دشواری است. اگر چه این دو مقوله از هم جدا یند اما پیوستگی و درهم آمیختگی هایی بین این دو نقش اجتماعی وجود دارد. همچنین در تغییر و تحولات اجتماعی این دو حوزه کار یعنی عرصه مدنی و سیاسی می توانند مکمل هم باشند.

کارکرد درست جنبش های اجتماعی و عملکرد موثر نیرو های سیاسی، نیازمند تفکیک مرزهای مفهومی وکارکردی آن دو نقش است . اما این تمایز مانعی برای همکاری در حوزه علائق مشترک نیست. هر فردی می تواند هر دو نقش را با رعایت تفاوت های آنها بر عهده بگیرد.

اما شکل و موضوع فعالیت در این دوعرصه متفاوت است. نیرو هایی که در جنبش های اجتماعی فعالیت می کنند مطالبه محور هستند و خواست های معینی را مطرح می کنند. برای آنها شکل و چگونگی تحقق این خواست ها اهمیت اولیه ندارد. حرکت و تکاپوی شان تا جایی پیش می‌رود که خواست ها تحقق یابند.

جنبش های اجتماعی کارکرد حزبی و تلاش معطوف به کسب قدرت سیاسی ندارند. یک فعال دانشجویی ، یک کنشگر حقوق زنان ویک فعال کارگری به دنبال دولتمرد شدن و یا دریافت سهمی در قدرت نیست. او نمی خواهد وکیل ، وزیر و یا رئیس جمهور شود. انگیزه فعالیت او دستیابی به مطالباتی است که که متکی به یک گفتمان تعمیم بخش است.

جنبش های اجتماعی مطالبه محور می کوشند تا با خلق قدرت اجتماعی بر قدرت سیاسی تاثیر بگذارند. سمت گیری جنبش های اجتماعی به سمت وجه نهادی قدرت است تا خواه چه به صورت اصلاح طلبانه (رفرومیستی)و چه تغییر رادیکال (انقلابی) آن را تحت تاثیر قرار دهند تا با درخواست ها و اهداف جنبش همراه و سازگار گردد.

بنابراین نگاه آنها به قدرت از منظر بازیگری در عرصه قدرت سیاسی نیست. بلکه به عنوان ناظر فعال می خواهد زمین بازی و قواعد آن تضمین کننده، نگهدارنده منافع و مطالبات جنبش های فوق باشد .

وجه تفاوت دیگر که پایه رابطه مکمل گروه های سیاسی و فعالان جنبش های اجتماعی را تشکیل می دهد ، رویکرد مطالبه محور است. کار یک فعال جنبش اجتماعی ارائه طرح و برنامه نیست.

او فقط مطالبه دارد و سعی می کند با گسترش دامنه فعالیت هایش حمایت های بیشتری را برای این خواسته ها در اقشار جامعه فراهم کند. وظیفه ارائه رهیافت وبرنامه با کنشگران و احزاب سیاسی است.

مطالبه محوری برای یک فعال سیاسی بی معنا است. او باید برنامه ای برای تحقق مطالبات ارائه بدهد. البته قبل از ارائه برنامه نیاز است تا مطالبات مورد نظر مورد پذیرش گروه سیاسی قرار بگیرد. بنابراین ارائه طرح و رهیافت نقطه اتصال کنشگر سیاسی با فعال جنبش اجتماعی است و همکاری بین این دو در چهارچوب پایبندی و توانایی گروه سیاسی در اجرای مطالبات مورد نظر شکل گرفته و ادامه می یابد.

به عنوان مثال اگر در یک انتخابات ، فرصت سیاسی برای مشارکت اصلاح طلبانه در عرصه عمومی فراهم شود. گروه های سیاسی که خواهان تغییر وضع موجود شوند کاندیدای خود را معرفی می کنند. جنبش اجتماعی درپی معرفی کاندیدا نیست بلکه در وهله نخست درمی یابد که کدام یک از گروه ها پذیرای مطالباتش هستند و در بین گروه های مدافع مطالبات مورد نظر ،کدام یک توانایی و کارآمدی بیشتر در تحقق خواسته ها دارند.

یا در یک جنبش انقلابی ورادیکال مانند انقلاب بهمن 57 ،جنبش سبز و بهار عربی ،جنبش های اجتماعی به صف ابر جنبش اعتراضی می پیوندند اما هم چنین خواهان گنجانده شدن مطالبات صنفی خود در اهداف ابر جنبش می شوند. در واقع آنها در امر تشکیل ساخت قدرت جدید و قانون اساسی آن مشارکت می کنند، تا عناصر پایه های نظم جدید هم حافظ خواسته های آنها شود و اهداف شان را تامین کند.

حضور مستقیم فعالان جنبش های اجتماعی در معادلات قدرت آفاتی را در بر دارد و در مجموع تاثیرات منفی آن بیشتر از مزیت های آن است.

ایفای نقش بازیگری در رقابت های سیاسی و سهم خواهی، مسائل نا مربوط به اهداف جنبش های اجتماعی را وارد این جنبش ها کرده و به مرور به صرف انرژی آن‌ها برای رقابت های معطوف به کسب پست های سیاسی و چانه زنی بر سر مسائل منتهی می شود.

این رقابت ها ممکن است تنش و درگیری هایی را در داخل جنبش ها پدید آورد. همچنین امتیازاتی که از این راه نصیب فعالانی می شود که از نرده بان قدرت سیاسی بالا رفته اند، خصلت سلحشوری و انتقادی را در کلیت مجموعه تضعیف می کند. و هم باعث امکان حضور برخی از افراد در جنبش شود که صرفا مقاصد جاه طلبانه و یا منفعات طلبانه شخصی دارند .

از سوی دیگر حضور در قدرت احتمال دورافتادن جنبش ها از موضع استقلال و انتقادی ، و به سمت توجیه و حمایت از قدرت سیاسی را بالا می برد . این عارضه در دراز مدت جنبش های اجتماعی را از شکل اصلی خود دور و منجر به جدایی نیروهای بدنه جنبش از آنها می شود.

جنبش دانشجویی در دوران اصلاحات با معرفی کاندید در انتخابات شورا های شهر و مجلس ششم کارکرد حزبی را تجربه کرد. دفتر تحکیم وحدت در عمل متوجه تبعات منفی کارکرد حزبی شد و ضمن جمعبندی از این تجربه منفی راهبرد خود را تغییر داد. سپس دوری از قدرت و نقد همه جانبه آن را جایگزین حضور اصلاحی در قدرت نمود.

این دوری همه جانبه به معنای نفی بازیگری و تعیین مصادیق برای ساختار قدرت بود. اما در خصوص تعیین و یا حمایت از برنامه اصلاحی ، نقد قدرت و تاثیر گذاری برساختار آن حضور فعالی داشت.

بنابراین جنبش های اجتماعی به طور معمول ظرفیت لازم برای تحقق مطالبات در ساختار قدرت و فضای سیاسی را ندارند و همچنین فاقد ساز و کارهای لازم برای نظارت بر عملکرد افراد راه یافته به مناصب سیاسی و پاسخگویی آنها هستند.

از منظری دیگر سیاست و بازیگری در میدان قدرت ماهیت دائمی و مستمر دارد، در حالی که جنبش های اجتماعی خصلت موقت و مطالبه محور دارند. نیرو هایی که در جنبش های اجتماعی حضور می یابند مرتب در حال تغییر هستند اما نیرو های فعال در عرصه سیاسی به صورت حرفه ای کار می کنند و به شکل ثابت حضور دارند.

عرصه سیاسی برنامه محور است و نیرو های خاص خود را می طلبد که که بدور از تنزه طلبی و بر اساس درک واقعی از مسائل بر اساس راهبرد واقعیت گرایی عمل می کنند. سیاست ورزی به فعالان با تجربه نیاز دارد که در کوره تجارب سیاسی آبدیده شده اند و توانایی گره گشایی از معضلات سیاسی را دارند. آنها صاحب توانایی و قابلیت هایی در اداره کشور شده اند. همچنین سالها فعالیت مستمر زمینه کسب اعتماد عمومی را برای آنان مساعد کرده است.

در این میان باید توجه داشت که مسئولیت سیاسی با سیاست ورزی خلط نشود. هرانسان و شهروند جامعه مسئولیت سیاسی دارد. این مسئولیت به معنای مشارکت در سیاست گذاری عمومی ، رای دادن ، برخورداری از حق تشکیل اجتماعات، بیان نظرات سیاسی ، تاثیرگذاری برعرصه عمومی و اعتراض به ظلم و نا برابری است.

ازاینرو رعایت مرزهای مفهومی و کارکردی بین فعالیت در جنبش های اجتماعی مطالبه محور، کنش های سیاسی و درعین حال تعامل و ارتباط مناسب میان این دو حوزه نقش مهمی در تقویت جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران دارد.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

داشتن یک جامعه مدنی پویا وجویا به چه معناست؟

2012-07-02 · Archive ID 967
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=967

عرصه سوم- خوانندگان عزیز ، برای ما درعرصه سوم، جامعه مدنی به این معنا است که اقلیت‌های قومی، زنان و مردم به حاشیه رانده شده درجامعه " صدای" خود را داشته باشند . اینکه با سازماندهی همسایگان تابلوی توقفی را که به آن نیازاست، در گوشه خطرناکی از خیابان محله تان نصب کنید، یعنی اینکه برای حمایت از دبستان محل زندگی تان کلوچه بفروشید .

داشتن جامعه مدنی یعنی آنکه برای احقاق حقوق زندانیان تلاش قانونی انجام دهید، کوشش کنید تا شرایط کاری بهتری داشته باشید، برای پایان دادن به کار کودکان فعالیت کنید و بکوشید آنها را به پشت میز مدارس بازگردانید .

وقتی شهروندان در انجمن های عمومی درسطح جامعه شرکت می کنند، بخشی از قدرت حاکمیت را برعهده می گیرند . و اینگونه است که حتی گروه های به حاشیه رانده شده نیز جایی در عرصه تأثیرگذاری و تصمیم گیری درجامعه پیدا می کنند .

اگر مسائل جامعه مدنی ایران را دنبال کنید، چه بسا بسیاری مواقع خیلی راحت امیدتان را از دست می دهید و تسلیم حزن و ناامیدی می شوید . به ویژه با حجم انبوه گزارش های نقض حقوق بشر که از این کشور می رسد . دریک سال گذشته، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امر حقوق بشر در ایران دو گزارش منتشر کرد که هردو از بی اعتنایی حیرت آور جمهوری اسلامی ایران به حقوق اولیه انسان و شهروندان خود حکایت دارند .

اما درعین حال، درهمین گزارش ها نیز بارقه هایی از امید به چشم می خورد . درمیان تمامی اخبار و موارد متعدد پایمال شدن حقوق انسانی شهروندان، روحیه بالای مردمی را می توان دید که همچنان، به رغم همه دشواری ها، برای به دست آوردن حقوق خود و دیگران می کوشند .

با وجود تمامی مشکلات، افراد مختلف و سازمان های گوناگون در ایران کار بزرگی را برعهده گرفته اند . شاید خواسته های سیاسی و مطالبات حقوق بشری آشکاری را مطرح نکنند، اما این امر به این معنا نیست که در پیشبرد خواسته هایی از این دست سهم ارزشمندی نداشته اند .

درهمین حال، سازمان ها و دست اندرکاران جامعه مدنی مورد تهاجم مداوم قرار گرفته اند . به بعضی مجوز فعالیت نداده اند و مجوز بقیه را هم لغو کرده اند . اعضایشان را دربند کشیده اند، شکنجه کرده اند و مورد آزار و اذیت قرار داده اند .

این همه، اگرچه در سکوت، نشانه ای است از جامعه ای فعال و زنده که در پی کسب جایگاه اصلی خود و رها شدن از حاکمیت سرکوبگری است که به گذشته تعلق دارد . تنها راه برای هماهنگ ساختن حکومت ایران با مردم آن کشور پافشاری برآزادی های بیشتردرعرصه مدنی و پشتیبانی از تلاش هایی است که جامعه مدنی برای بهبود ارتباط ها و مناسبات دموکراتیک درون خود انجام می دهد، تلاش هایی برای برای باز شدن جامعه، و نیز برای شنیده شدن صدای به حاشیه رانده شدگان .

اگرچه در سال 2011 مؤسسه عرصه سوم با چالش های زیادی مواجه شد، ما همچنان بر سر رسالت خویش مانده ایم و به تلاش برای ترویج اصول جامعه مدنی پویا و جویا در ایران ادامه می دهیم .

به یاری هم پیمانان و اعضای شبکه مان، امیدواریم که در سال 2012 پروژه های جالب و موثری را به مرحله اجرا در آوریم، از قبیل برگزاری دوره آموزشی در زمینه ارتباطات و طرح ریزی پیام، تنظیم و ارائه گزارشی جامع درباره تأثیر مجازات ها و تحریم های اقتصادی بر روی جامعه مدنی ایران، و پروژه گردآوری مطالب و آموزش های فراگرفته شده از دست اندرکاران جامعه مدنی و تجربه صاحب نظران از اقصی نقاط جهان، – که تحت عنوان « الفبای جامعه مدنی » به تدریج ارائه خواهد شد .

امیدواریم در آینده تعامل بیشتری با خوانندگان و مخاطبانمان داشته باشیم و، مثل همیشه، پذیرای نظراتتان هستیم.

با سپاس،

برت تاکن

رئیس هیئت مدیره

گزارش سالانه عرصه سوم را دراینجا می خوانید.

—

جامعه مدنی در آینه اخبار

2012-07-03 · Archive ID 970
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=970

عرصه سوم - تحریم های جدید اقتصادی علیه ایران درشرایطی آغاز می‌شوند که فشاراقتصادی کمرشکن اقشارتهی دست جامعه را بیش از پیش پریشان و آسیب‌پذیر کرده است . اخبار اعتراض به تحریم ها را به همراه خلاصه مهمترین خبرهای دیگر درگزارش پریسا کاکایی می خوانید .

شبکه‌های مدنی

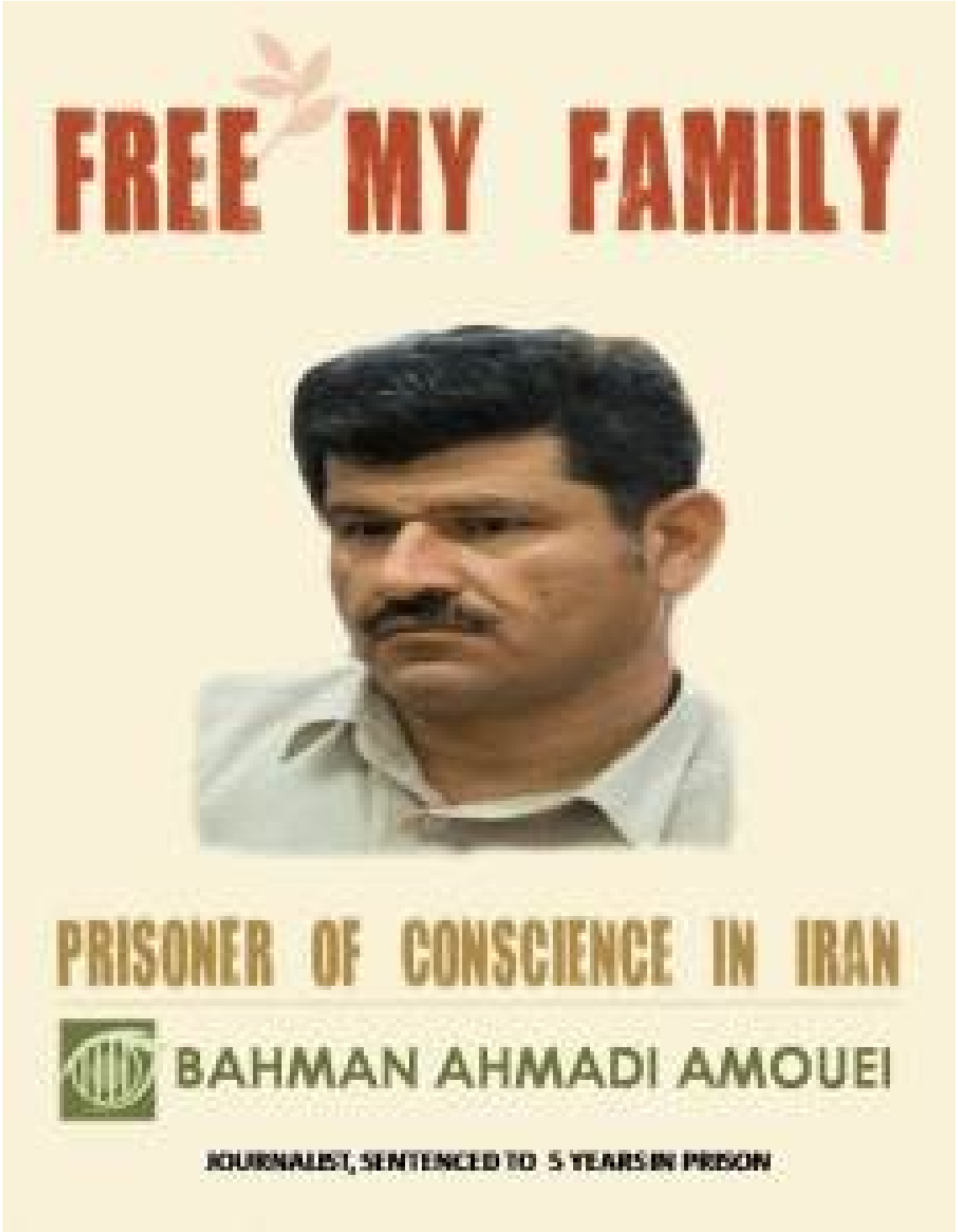
در تظاهرات علیه تحریم های جدید اقتصادی درروز یک‌شنبه گذشته گروهی از ایرانیان مقیم نیویورک به همراه جمعی از آمریکایی ها درمقابل مقر نمایندگی کشورهای اروپایی سازمان ملل شرکت داشتند . این گروه متشکل از دانشجویان ایرانی و پیروان جنبش سبز که خود را گروه « هوار » نامیده اند ضد تحریم ، ضد جنگ و ضد دیکتاتوری درایران اند . آنها در اعتراض به آغاز دوره جدید تحریم راه پیمایی کردند و می‌گویند که این تحریم ها تنها به ضرر مردم است .

در شرایطی که فشارهای سیاسی و اقتصادی در ایران روز به روز بیشتر و هم چنان ادامه دارد، تحریم های اعمال شده توسط کشورهای غربی نیز محدودیت ها را دو چندان کرده و به مرور آثار خود را بر زندگی روزمره مردم آشکار می سازد . به همین دلیل ، چند سازمان غیر دولتی از جمله شورای ملی ایرانیان آمریکایی، اتحاد برای ایران، کمپین بین‌المللی حقوق بشر در نامه‌ای به شرکت‌های اینترنتی چون گوگل، یاهو، اوراکل، اپل، فیس بوک و چندین شرکت دیگر خواستار تسهیل دسترسی کاربران کشورهایی چون ایران، کوبا، سوریه و سودان به برخی از امکانات و خدمات اینترنتی مربوط به این شرکت ها شده اند .

به گزارش رادیو فردا ، این نامه به اینترنت به عنوان امکانی برای مردم کشورهایی چون ایران اشاره می کند که به عنوان رسانه آنلاین، فضایی را در اختیار کاربران قرار می دهد ، تا مردم نظرات خود را به اشتراک گذاشته و گزارشگر نقض حقوق بشر باشند . امضا کنندگان این نامه بر این باورند که " اگرچه متوجه پیچیدگی‌هایی که تحریم‌های بین‌المللی به وجود آورده‌اند می‌شوند اما صدای جامعه مدنی در این کشورها به دلیل محدودیت‌های اینترنتی خفه شده است ."

از سوی دیگر نهاد : " اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران " نیز، به برگزاری سومین نشست از سری نشست های خود با هدف همراهی با جنبش های آزادی خواهانه مردم ایران اقدام کرده است . در این سمینار، که در دالاس تگزاس برگزار می شود به نقل از رادیو کوچه ، بحث در مورد بررسی آیین نامه ها، روش های کاربردی و تعیین قطع نامه، ارایه گزارش کمسیون ها و تصویب مصوبه ها و انتخاب هیات اجرایی و تشکیل کمیته های جدید در جریان است . فراخوان این سازمان ، " اتحاد برای پیشبرد سکولار دمکراسی در ایران " را نهادی بر آمده از اتحاد و متشکل از همکاری داوطلبانه انجمن‌ها در امریکا و کانادا معرفی می کند که خواهان فعالیت درمیان ایرانیان خارج از کشور برای همراهی با جنبش های داخل ایران است .

همچنین فعالان محیط زیست نیزهفته پیش چالش های زیادی را پشت سر گذاشته اند . آنها در تلاش اند که با اعتراض به ساخت جاده درجنگل ابردر استان سمنان از قطع شدن درختان جلوگیری کنند . به باور آنها، تا کنون هزاران درخت به منظور احداث جاده قطع شده است . بنا بر گزارش رجانیوز ، این فعالان محیط زیست به نشانه اعتراض، تجمع کرده و خواستار توقف اقدامات مزبور شده اند . در همین ارتباط، 37 نماینده مجلس ایران خواستار حفظ جنگل ابر شده و دراین مورد به محمود احمدی نژاد تذکر داده اند .



زندانیان سیاسی

درهفته های گذشته، بهمن احمدی امویی در پی برگزاری مراسم یادبود شهید هدی صابر به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد اما خبرهای بعدی از انتقال وی به سلول انفرادی بند یک این زندان، محل نگهداری محکومان به اعدام حکایت می کند . به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر ، این روزنامه نگار، پس از بازگشت از دادسرای اوین به سلول انفرادی منتقل شده است . این در حالی ست که به قول سایر زندانیان، رئیس زندان به دلیل نگرانی از امنیت جانی بهمن احمدی امویی در سلول های مزبور از انتقال وی سر باز می‌زده اما در نهایت با دستور قضایی مقامات زندان اوین ناچار به این امر شده است . بر همین اساس، 141 روزنامه نگار طی بیانیه ای خطاب به مسوولان قوه قضائیه، رعایت قانون را در مورد بهمن احمدی امویی خواستار شدند .

رادیو زمانه به نقل از امضا کنندگان بیانیه فوق می نویسد که آنها اظهار امیدواری کرده اند که " قدر قلم و شأن تمامی اصحاب قلم، چنان که باید، دانسته شود ."

اما نرگس محمدی نایب رئیس کانون فعالان حقوق بشر که به خاطر فعالیت‌های انسان دوستانه اش زندانی شده، باردیگر با صورت کبود در پشت کابین ملاقات قرارگرفت . به گزارش سایت ملی - مذهبی ، وضعیت جسمانی نرگس محمدی رو به وخامت است و او روزی دو تا سه بار دچار فلج عضلانی می شود . این با نیز، صبح روز شنبه، چند ساعت پیش از ملاقات هفتگی، وی در دستشویی زندان زمین خورده و دچار کبودی دور چشم شد . دادسرای زندان اوین با بستری شدن وی در بیمارستان موافقت کرده اما ریاست زندان زنجان مانع آن شده و دلیلی برای این ممانعت ارائه نکرده است .

یک شهروند بهایی فعال حقوق کودک به اتهام " تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی و عضویت موثر در جامعه بهایی " به پنج سال حبس محکوم شد . کمیته گزارشگران حقوق بشر ، در این باره می نویسد که ثمین احسانی " با برگزاری کلاس‌های آموزشی به چندین کودک افغانی که از حق تحصیل در ایران محرومند در طی سال‌های اخیر کمک‌های آموزشی کرده و آن‌ها را در بسیاری از امور یاری کرده است . اما این مسأله از جمله اتهامات مطرح شده علیه او در دادگاه بود و مبنای صدور این حکم قرارگرفته است .

همچنین ۱۵ تن از فعالان و اعضای " اتحادیه دموکراتیک دانشجویان کورد " در همبستگی با محمدصدیق کبودوند فعال حقوق بشر دست به اعتصاب غذا زده اند . به گزارش دانشجونیوز ، ۱۵ تن از فعالان اتحادیه دمکراتیک دانشجویان کورد به " منظور پشتیبانی از کرامت انسانی و اصرار بر حقوق اساسی بشر و به منظور همدردی با خانواده کبودوند " دست به اعتصاب غذا زده و اعلام کرده اند : " هدف ما شرکت در روز اعلام حمایت جامعه کوردستان از آقای کبودوند است ." پیش از این شماری از فعالان کرد، روز شنبه 10 تیر برابر با 30 ژوئن را " روز حمایت مردم کردستان از کبودوند " اعلام کرده بودند . عصرنو ، به نقل از فعالان کرد می نویسد : " روز ۳۰ ژوئن نمادیست برای همه آنانی که نمی خواهند چشمانشان را به روی کبودوند و سایر زندانیان بیمار ببندند . یک کلمه،یک جمله، یک یادداشت، یک عکس، یک کارتون، یک شعر، یک ترانه، یک قطعه موزیک، تهیه یک فایل صوتی و تصویری مرتبط با کبودوند، حداقل کاری است که می توان در این روز انجام داد . حداقل کاری که برای جلوگیری از وقوع فاجعه باید انجام داد ."

آرش هنرور شجاعی، روحانی و وبلاگ نویس که آبان سال ۱۳۸۹ بازداشت و به اتهام جاسوسی، تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی و هتک حیثیت مقام روحانیت به ۴ سال زندان، ۵۰ ضربه شلاق و۸۰۰ هزار تومان جریمه نقدی وخلع لباس روحانیت به صورت مدام العمر محکوم شده بود، روز شنبه، دهم تیرماه، ساعاتی پیش از پایان گرفتن مرخصی اش با کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت و گویی انجام داد و طی آن به شرح جزییات آزار و اذیت هایی که متحمل شده بود پرداخت . وی در این باره می گوید : " دو روز بعد از بازداشتم، همسرم را هم دستگیر کردند . آنها برای دستگیری او به خانه پدرش حمله کرده بودند که در اثر شوکی که به پدرهمسرم در آن روز وارد شده بود، مدتی بعد سکته و فوت کرد . همسرم را ۴ روز در انفرادی نگه داشتند و هر روز او را به عنوان تهدید به اتاق بازجویی من می آوردند و نشانم می دادند . به من می گفتند که او را از چنگت درمی آوریم و گفتند برادرم را دستگیر کردند . همه این خبرها و اینکه به مدت ۸ ماه اجازه تماس با خانواده ام را نداشتم خیلی سخت بود . من را در حالیکه دستنبند و پا بند داشتم و هر دو اینها را به هم وصل کرده بودند درهوا خوری بند ۲۰۹ زندان اوین در اوج سرمای زمستان برای مدت های طولانی نگه می داشتند . ضربه ای به سرم زده شد که همان ضرب باعث بیماری صرع شد و در پرونده پزشکیم نیز موجود است . بارها تهدید شدم که اگر اعتراف نکنم، اعدام می شوم . می گفتند ما خودمان اعدامت می کنیم ."

جامعه

درماه های اخیر فشاربر اتباع افغان رو به افزایش بوده است . خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا ، در گزارشی خبر از بازداشت 300 نفر از آنها در شهرستان جیرفت داده است . عباس ابراهیمی در گفت و گو با ایسنا اعلام کرده است : " در راستای تداوم طرح رزمایش عاشورا و اجرای طرح ارتقا امنیت اجتماعی با هماهنگی مقامات قضایی و ورود نیروهای پلیس اطلاعات و امنیت مکان‌های سکونت افاغنه شناسایی و در یک اقدام غافلگیرانه 300 نفر از آنها دستگیر شدند ." در استان فارس نیز، مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی، نانوایی‌ها،

اغذیه‌فروشی‌ها و مراکز مربوط به بهداشت را مجاز به ارائه خدمات به مهاجران و اتباع خارجی غیرقانونی را ندانسته و دلیل آن را جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار از طریق اتباع خارجی غیرمجاز بیان کرده است .

در همین گزارش، رادیو زمانه از انتشار خبری مبنی بر تجاوز به یک دختر ۱۸ ساله در یزد یاد کرده است که ملیت متهمان مربوطه توسط رسانه های ایران، افغان اعلام شده است . در پی این خبر، گروهی از مردم به خانه‌های تبم مهاجران در شهر یزد حمله کرده، آن‌ها مورد ضرب و شتم قرار داده و چند خانه را به آتش کشیده اند . این امر، تنش هایی را میان جمهوری اسلامی و افغانستان موجب شده است.

رادیو فردا طی گزارشی، از بازداشت پدر یک دانشجوی ایرانی مقیم هلند توسط نیروهای امنیتی خبر داد . یاشار خامنه، بیست و پنج ساله، ساکن هلند بوده و بر این باور است که مقامات ایرانی پدر اورا برای انتقام گیری از همکاری وی با کمپینی موسوم به کمپین " یادآوری امام نقی به شیعیان " دستگیر کرده اند . او در فضای مجازی با نام مستعار « یاشار نقی پژوه » شناخته شده و دانشجو است . خامنه، در صفحه فیس بوکی مربوط به این کمپین به طنزنویسی مشغول بوده و اکنون پنج هفته است که پدر وی توسط وزارت اطلاعات بازداشت شده است .

افزایش ازدواج درمیان کودکان

اما در این میان، ازدواج کودکان همچنان ادامه دارد . به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا ، مدیرکل ثبت احوال استان تهران گفته است که در سال گذشته، 75 دختر یا پسر که کمتر از 10 سال داشته‌اند ازدواج کرده‌اند، 3929 دختر و پسر 10 تا 14 ساله پای سفره عقد نشسته‌اند و 19237 عروس و داماد 15 تا 19 ساله‌ها بوده اند . همچنین بر اساس اعلام سازمان ثبت احوال در سال 1385 ، 33 هزار و 383 دختر زیر 15 سال ازدواج کرده اند که این میزان در سال 1389 به 43 هزار و 459 مورد رسیده است

—

زنان ایرانی را به خاطرآور

2012-07-03 · Archive ID 975
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=975

عرصه سوم - درباره تاریخ مبارزات زنان ایرانی در دوران معاصر چه می دانیم؟ اولین زنانی که به فکر ساختن مدرسه و درس خواندن افتادند، یا کسانی که به فکر کارکردن درادارات، شرکت در مراسم اجتماعی و یا عضویت دراحزاب سیاسی بودند . مبارزه رسمی برای برابری حقوقی زنان درایران در جنبش مشروطه خواهی پا گرفت و درسالهای بعد از آن شکفته شد . به راستی درباره شرکت زنان درجنبش های اجتماعی و سیاسی درایران سالهای مشروطه، دوران ملی شدن نفت، انقلاب بهمن 1357 و سه دهه ای که از برپایی جمهوری اسلامی می‌گذرد چه می دانیم . سهم زنان در جنبش های آزادی خواهانه چه بود؟ مشارکت فردی و جمعی آن‌ها چگونه صورت گرفت . زنان چه راه‌هایی را برای چالش با فرهنگ پدرسالارانه درپیش گرفتند . شکست ها و پیروزی هایشان چه بود؟

کنشگران جنبش زنان در دودهه اخیر با حجم نسبتاً بالای کتاب‌ها و مقالات خواندنی درباره تاریخ مبارزاتشان به جستجویی پیگیرانه پرداخته و به بسیاری از سؤالات پاسخ داده اند . اما سؤالات متعددی نیز بی پاسخ مانده اند . در هر نوع تحقیق و سنجس به بخشی از پرسش ها پرداخته و هم سؤالات جدیدی در ذهن شکل می گیرد . جامعه ما درباره زنانی که در دوره های مختلف خیزش های اجتماعی و سیاسی به دلیل فعالیت‌های خود دستگیر شده و به زندان افتاده اند، هنوز نیازمند بررسی و جمع آوری منابع مستند بسیاری است . به درستی نمی‌توان از سرنوشت همه افرادی که درسراسر ایران به دلایلی این چنینی به حبس رفته و یا جان خود را ازدست داده اند، با خبر شد . آنان نیز مانند همتایان مرد سازندگان تاریخ خود و تاریخ ایران بوده اند . در دوران ما جمع آوری منابع و مدارک دراغلب زمینه به‌خصوص نقض حقوق بشر درایران حال به امر جدی و خطیر در روند مبارزه برای آزادی و ایجاد یک جامعه دموکراتیک بدل شده است .

یکی از آخرین کوشش ها دراین زمینه به ابتکار بانوی صلح ایران شیرین عبادی در اواخر خرداد ماه امسال به ثمررسید . این پیکارگر آزادی و برنده جایزه نوبل که زندگی خود را وقف ایجاد دموکراسی درایران کرده است، با براه انداختن سایتی جدید به جمع آوری اطلاعات درباره زنان بازداشت شده و کشته شده دردوران معاصردرایران پرداخته است . این سایت که به همت خود خانم عبادی به راه افتاده : زنان ایرانی را به خاطر آو ر نام دارد . و تاکنون اسامی زنان زندانی و اعدام شده بیشماری را منتشر کرده است . برروی این سایت به سه دوره تاریخی برمی خوریم :

ازمشروطه تا پهلوی، از پهلوی تا انقلاب 1357 و از انقلاب تا کنون.

برروی سایت درقسمت معرفی می‌خوانیم که:

" تاریخ ثابت کرده است که زنان آخرین گروهی هستند که از مزایای دموکراسی بهره مندمی شوند، گویا کلماتی چون برابری ، آزادی، مشارکت در حاکمیت ملی مفاهیمی هستند که برای مردان ساخته شده اند و اگر ازسهم آنان چیزی اضافه آمد، آن وقت نصیب زنان می شود . در کشور ما ایران نیز این امر صادق است . اولین انقلاب دموکراتیک قرن بیستم در سال ۱۳۲۴ قمری در ایران اتفاق افتاد و زنان در آن حضور چشم گیری داشتند . مورخان در این مورد سخن ها گفته اند اما دریغ و افسوس که مشروطه خواهان پیروز، هم گامی زنان را فراموش کردند و در قانون اساسی که نوشته شد ، زنها از حق شرکت در انتخابات محروم ماندند ، همان انتخاباتی که برای برگزاری آن زیور آلات خود را فروخته و تقدیم انقلابیون کرده بودند . مردان پیروز ، نه تنها شرکت زنان در حاکمیت ملی را قبول نداشتند بلکه حتی معتقد به مشارکت آنان در امور خانواده نیز نبودند . از این رو در قوانین، ریاست خانواده به شوهر تفویض شد، ولایت و حضانت فرزندان به پدر تعلق گرفت، تعدد زوجات قانونی شد .
زنان حیرت زده از نا سپاسی هم رزمان دیروز خود، مجددا دست به کار شدند و این بار خواست های خود را با صراحت بیشتری بیان کردند و ندای " آزادی زن " از دهان صدها زن شنیده شد، تا حدی که در زمان رضا شاه ، چند تن به تبعید فرستاده شدند .
ادامه مبارزات زنان و نیز جبر زمانه باعث شد که در زمان پهلوی دوم (محمد رضا شاه) اندکی از نا برابری های قانونی کاسته شود . اما زنان که آگاه تراز قبل بودند می دانستند که فقط در یک حکومت دموکراتیک است که زنان به حقوق واقعی خود دست خواهند یافت و این بار، مبارزات زنان برای دست یابی به دموکراسی بود و در گروه های مختلف سیاسی و احزاب متعدد و با گرایشات متفاوت هر یک گام در راهی نهادند که تصور می کردند پایان آن آزادی و برابری است . در این دوران صد ها زن به دلیل مبارزات شان برای سرنگونی رژیم سلطنتی به زندان افتادند ، تعدادی نیز جان باختند و بالاخره در بهمن ۱۳۵۷ رژیم سلطنتی سقوط کرد اما این بار نیز زودتر از آنچه انتظار می رفت، انقلابیون پیروز، زنان و مبارزات آنان را فراموش کردند و هفت ماه بعد از پیروزی انقلاب ، حتی قبل از تصویب قانون اساسی ، در شورای انقلاب به بهانه محو فرهنگ طاغوتی !! کلیه دست آوردهای زنان در دوران پهلوی دوم از بین رفت . نه تنها تعدد زوجات دوباره قانونی شد و مادران حق حضانت و ولایت بر فرزند را - که در زمان سلطنت رضا شاه به دست آورده بودند - از دست دادند، بلکه چند ماه بعد با تصویب قانون مجازات اسلامی مقرر گردید که دیه زن نصف دیه مرد است و شهادت دو زن معادل با شهادت یک مرد ارزش حقوقی دارد و بسیاری مقررات تبعیض آمیز دیگر .
اما زنان سر تسلیم نداشتند و این بار قوی تر از سابق پای به میدان مبارزه نهادند و ندای آزادی و برابری سر داده و به اعمال حکومت و قوانین آن اعتراض ها کردند و حاکمان وقت ، خشن تر از مشروطه خواهان و سلطنت طلبان، زندان ها ساختند و چوبه های دار برپا کردند تا مگر صدای آنان را در گلوخفه سازند .
خشونت های گسترده حاکمیت نتوانست ذره ای در اراده زنان خلل وارد سازد و جنبش زنان ایران روز به روز قوی تر شد . این جنبش ، مقاوم و مستحکم تا دست یابی به برابری کامل حقوق زن و مرد در کلیه شئون زندگی از پای نخواهد نشست .
دختران ما در هر تحول سیاسی و اجتماعی که در ایران فردا صورت پذیرد، با یاد آوری مبارزات مادران خود و با پشتوانه فعالیت های همه جانبه خویش ، اجازه نخواهند داد که باردیگر به بهانه های واهی، پیروان فرهنگ پدر سالار حقوق آنان را نادیده گیرند .
در احترام به زنان شجاعی که از ایثار آزادی و جان خود مضایقه نکردند، این سایت به دو زبان فارسی و انگلیسی در تاریخ بیست و دوم خرداد ماه سال یک هزار و سیصد و نود و یک رو نمائی شد و هدف این سایت

ترسیم نمائی از مبارزات زنان ایران است . هفت سال قبل در چنین روزی - بیست و دوم خرداد سال هشتاد و پنج - هرچند حضور زنان در خیابان به نشانه اعتراض به وضعیت تبعیض آمیز موجود، با خشونت حکومتی سرکوب شد اما نقطه عطف و سرآغاز مرحله دیگری از مبارزات حق طلبانه آنان بود .

در این مرحله فقط نام ، مشخصات ، میزان و نوع محکومیت شیر زنان ایرانی گرد آوری شده است . در صورتی که اطلاعات دقیق تری از هر یک از آنان به دست آید، در قسمت توضیحات اضافه خواهد شد . برای جمع آوری اسامی از مراجع مختلفی استفاده شده که نام هر یک از آنان هم در متن و هم در ذیل صفحه نخست درج شده است . مسلما محتویات سایت کامل نبوده و خالی از اشتباه نیز نمی باشد ، کمک هر یک از شما می تواند برای تکمیل آن مفید باشد، لطفا با ارسال اطلاعات خود از طریق نشانی که در این صفحه درج شده ما را یاری کنید ."

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است راه مقصد و من نو سفرم .

—

گردهمایی اعتراضی معلولان دربرابرسازمان بهزیستی

2012-07-05 · Archive ID 977
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=977

عرصه سوم - اعتراض و اعتصاب در ماه های اخیر میان اقشار کم درآمد جامعه درایران بالا گرفته است . این تنها کارگران، معلمان و یا مهاجران افغانی نیستند که به نقض حقوق شهروندی، بیکاری، پایین بودن دستمزدها، عدم پرداخت حقوق و گرانی بیش از حد ارزاق عمومی اعتراض می کنند . نارضایتی عمومی و مشکلات طاقت فرسای اقتصادی گروه‌های آسیب‌پذیر دیگری را هم دربرمی گیرد . گردهمایی جمعی از معلولان در روز چهارشنبه 14 تیرماه جاری در مقابل سازمان بهزیستی تهران دراعتراض به عدم پرداخت هزینه رفت وآمد به آنان بازتاب قابل توجهی در رسانه داشت . این اعتراض ها نشانگر رشد آگاهی فردی از حقوق شهروندی و انتقاد از مسئولین سازمان های دولتی در شرایطی است که با بالا گرفتن تحریم اقتصادی علیه ایران، تک تک شهروندان اثرات تحریم ها را درزندگی روزمره شان احساس می‌کنند . شهروندانی که دچار محدودیت‌های جسمی و ذهنی هستند از حمایت های مؤثر و لازم در اکثر زمینه‌ها بی نصیب بوده اند .

بر طبق ماده یک قانون جامع حمایت از معلولین دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق افراد با محدودیت‌های جسمی و ذهنی فراهم کند . بر طبق همین قانون تحصیل باید برای این افراد رایگان باشد . اما با وجود مصوبات قانونی عملاً خدمات ارائه شده برای معلولین درسطح کشور بسیار محدود است.

معاون امور توان بخشی سازمان بهزیستی یحیی سخنگویی در مصاحبه خود در 17 خرداد جاری در گفتگو با خبرگزاری ایلنا می‌گوید :

" براساس قانون جدید حمایت از حقوق معلولان، شورای عالی معلولان در کشور تشکیل می‌شود . در ماده 18 قانون جامع حمایت از معلولان به تشکیل شورای عالی ویژه معلولان به ریاست رئیس جمهور و دبیری رئیس سازمان بهزیستی تاکید شده است . پس از اینکه قانون جدید در مجلس نهم به تصویب برسد اقدامات لازم برای تشکیل این شورا هرچه سریعتر با همکاری دستگاههای ذیربط فراهم خواهد شد . معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی با اشاره به اینکه تشکیل این شورا در جهت رفع مشکلات معلولان بسیار موثر است، گفت: در این شورا رئیس فراکسیون معلولان مجلس ، نمایندگان انجمن های غیر دولتی ، رئیس سازمان صدا و سیما، معاون نظارت و راهبردی رئیس جمهور و ... عضو هستند".

او در ادمه می گوید : " کمک به تشکیل خانوده زوجهای دارای معلولیت از طریق پرداخت تسهیلات ویژه ازدواج، اولویت در دریافت مسکن تملکی با دریافت کمک هزینه اجازه مسکن ، ارائه خدمات مددکاری مشاوره ای و پرستاری به زوجهای معلول و پرداخت حق پرستاری از جمله خدماتی است که پس از تصویب قانون جامع معلولان به این افراد ارائه می شود ."

درقوانینی هم که قبل از این لایحه جدید به تصویب دولت جمهوری اسلامی رسیده‌اند همواره بر حمایت همه جانبه از معلولان تأکید ولی در عمل کمک‌های اقتصادی، خدمات آموزشی و غیره به آنان بسیار ناچیز است .



رئیس انجمن حمایت از حقوق معلولان در واکنش به گردهمایی روز چهارشنبه در مصاحبه با ایسنا می‌گوید :

" از 500 هزار معلول ساکن در تهران تنها 1500 نفر از خدمات ایاب و ذهاب استفاده می‌کنند ."

علی همت محمودنژاد در گفت‌وگو با خبرنگار « اجتماعی » خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) ، با اشاره به نشستی که با حضور معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، مدیرکل بهزیستی استان تهران و رئیس انجمن حمایت از حقوق معلولان ایران برگزار شد، اظهار کرد : " در این نشست مقرر شد، اقدامات عملی برای حل مشکل ایاب و ذهاب معلولان، واردات سهمیه 4700 خودروی معلولان با تخفیف 30 میلیون تومانی گمرک و پرداخت سهمیه بنزین انجام شود . وی افزود : ضروری است دستگاه‌های متولی حمل و نقل عمومی در راستای ارائه خدمات به معلولان حرکت کنند . رئیس انجمن حمایت از حقوق معلولان در ادامه با اعلام اعتراض نسبت به پایین بودن هزینه پرداختی از سوی سازمان بهزیستی برای واگذاری پرونده‌های مددجویان به بخش خصوصی، عنوان کرد : درحال حاضر رقم پرداختی در تمام نقاط تهران با سایر شهرستان‌ها یکسان است و این در حالیست که میزان هزینه زندگی در این نقاط بسیار متفاوت است . محمودنژاد در ادامه از پیگیری مدیرکل بهزیستی استان تهران و رییس انجمن حمایت از حقوق معلولان برای پیگیری انتصاب مشاور استاندار در امور معلولان خبرداد و گفت : پیشتر پیگیری‌ها منجر به انتصاب مشاور استاندار فارس در امور معلولان شده است."

جامعه معلولان سازمانی غیر دولتی است که سه دهه سابقه فعالیت درنقاط مختلف کشور را دارد .

انجمن حمایت از معلولین آسیب نخاعی با انتشار عکس‌های تجمع دیروز خواهان رسیدگی به درخواست های افراد شرکت کننده دراین گردهمایی است .

—

اطلاعیه کمیته مستقل ضد سرکوب علیه تهدید ایرانیان درخارج از کشور

2012-07-05 · Archive ID 981
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=981

عرصه سوم – دادگاه محاکمه چهار فعال سیاسی و دانشجویی ایرانی در شعبه سیزدهم دادگاه جزایی پاریس، روز جمعه ۱۶ تیرماه ۱۳۹۰ برگزار خواهد شد . کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی در پاریس که یک نهاد مدنی است با صدور اطلاعیه ای در واکنش به احضار چهار ایرانی به دادگاه جزایی پاریس، نسبت به تهدید فعالان سیاسی و مدنی درخارج از کشور هشدار داد .

کمیته مستقل دراین اطلاعیه می نویسد : : " ما از تمام آزادگان ساکن پاریس که خواهان پایان گرفتن شکایت های تهدیدآمیز توسط نمایندگی های جمهوری اسلامی در خارج هستند برای حضوری منسجم از ساعت ۸ : ۳۰ صبح جمعه ششم ژوئیه در مقابل دادگاه پاریس و همراهی با این چهار شهروند ایرانی دعوت به عمل می آوریم ."

کمیته مستقل ضد سرکوب با دعوت از ایرانیان آزاده در دیگر کشورها برای همراه کردن مدافعان آزادی و حقوق بشر و مخالفان اعدام با خود، از آنها خواست تا درکشورهای محل اقامت خود در گردهمایی های اعتراضی از جمله در برابر سفارت های جمهوری اسلامی اقدام کنند .

در پایان اطلاعیه این کمیته می‌خوانیم که : " جمهوری اسلامی نباید دیگر جرأت تکرار این جسارت و پراکندن فضای تهدید و وحشت علیه ایرانیان آزادیخواه در خارج کشور را پیدا کند . تنها همبستگی همه ایرانیان و پشتیبانی نیروهای آزادیخواه کشورهای مختلف است که می تواند مانع از گسترش فضای سرکوب حاکم بر ایران به خارج از کشور شود ."

دربخشی از گزارش سایت روز دراین باره آمده است :

" جلسه محاکه چهار فعال سیاسی و دانشجویی ایرانی در شعبه سیزدهم دادگاه جزایی پاریس، روز جمعه ۱۶ تیرماه ۱۳۹۰ برگزار خواهد شد . این دادگاه به دنبال شکایت رسمی سفارت جمهوری اسلامی در پایتخت کشور فرانسه تشکیل می شود . وکیل مدافع فرانسوی این افراد و یک روزنامه نگار ایرانی روز گذشته با حضور در یک کنفرانس خبری، به تشریح تبعات و مسائل حقوقی این شکایت پرداختند .

پنج نفر از زندانیان سیاسی، صبح روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ بدون اطلاع خانواده و وکلایشان در زندان اوین تهران اعدام شدند . زندانیان اعدام شده فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان بودند . حکومت ایران این افراد را به همکاری با گروه های مسلح، داشتن گرایش های تجزیه طلبانه و انجام عملیات تروریستی متهم و محکوم کرده بود .

به دنبال این اتفاق صدها نفر از ایرانیان مقیم پاریس در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در این شهر تجمع کردند . تعدادی از معترضان خشمگین در این تجمع اعتراضی که با سر دادن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی، شکنجه و اعدام زندانیان و سرکوب مردم در داخل ایران همراه بود، آسیب هایی به ساختمان سفارت وارد کردند؛ از جمله اینکه پرچم آن را پایین کشیدند و تابلوی سفارت را از جا در آورده و لگدکوب کردند .

در حالیکه این تجمع در حال اتمام بود، پلیس فرانسه وارد عمل شد و ده ها تن از معترضان ایرانی را بازداشت کرد . این افراد همگی پس از ساعتی آزاد شدند اما اکنون چهار تن از آنها با شکایت سفارت جمهوری اسلامی به دادگاه احضار شده اند .

مظفر ادب و یاشار محتشم فعال سیاسی، بابک داد روزنامه نگار و بابک اکبری فراهانی دانشجو، چهار ایرانی هستند که روز جمعه باید در دادگاه جزایی پاریس حاضر شوند و درباره اتهام تخریب اموال خصوصی متعلق به سفارت جمهوری اسلامی و نیز مباشرت در تخریب تابلوی سفارت پاسخگو باشند".

—

بیانیه مشترک 16 سازمان مدافع حقوق بشردرمحکومیت اعدام فعالان مدنی عرب در اهواز

2012-07-09 · Archive ID 983
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=983

بنی آدم: در تیر ماه ۱۳۹۱ و همزمان با اعدام چهار ایرانی درعربستان سعودی و علیرغم هشدارهای نهادها و فعالان حقوق بشر، چهار شهروند عرب اهوازی به نام های طه حیدریان، عباس حیدریان، عبدالرحمان حیدریان و علی شریفی در بی خبری کامل و بطور مخفیانه توسط حکومت ایران اعدام شدند..

اعدام شدگان که سه تن آنها برادرهستند بعد از نا آرامی ها و اعتراض های مدنی فروردین ۱۳۹۰ دستگیر شده بودند. بر اساس گزارشهای موثق هر چهار تن در زیر شکنجه وادار به اعتراف و سپس متهم به محاربه باخدا شده‌اند. این زندانیان از روند دادرسی قانونی و دادگاه عادلانه برخوردار نبوده و اساسی ترین حقوق آنان به عنوان زندانی سیاسی نقض شده است. پیکر اعدام شدگان تحویل خانواده‌هاي آنان نشده و اعتراض های مدنی نسبت به این اعدام ها سرکوب شده است. هم اینک شمار فراوانی از زندانیان عرب اهوازی در بازداشتگاه‌های امنیتی استان، یا درسایر زندان های مختلف ایران به سر می برند. همچنین وضعیت هم پرونده‌ای های این چهار زندانی عرب اعدام شده، ناروشن و جای نگرانی است.

شمار فراوان اعدام ها که بخشی از آنها در ملاعام انجام می گیرد، به ابزاری برای هراس افکنی و ایجاد وحشت در جامعه بوده و باعث ترویج فرهنگ خشونت در میان مردم است. قربانیان اعدام اغلب بی دفاع ترین گروه‌های اجتماعی هستند. دراین میان گروه‌های اتنیکی و اقلیتهای مذهبی که براثر تبعیض سیستماتیک به حاشیه رانده شده‌اند، آماج بی قانونیهای مضاعف حکومت قرارمی گیرند. حق حیات اساسی ترین حق انسانهاست و با سلب آن دیگر جایی برای طرح هیچ نوع حقوق انسانی باقی نمی ماند.



ما امضا کنندگان این بیانیه با محکوم کردن اعدام چهار زندانی سیاسی عرب اهوازی از همه نهادها و شخصیتهای حقوق بشری می خواهیم که صدا و خواست محکومین به اعدام در ایران را منعکس نمایند و برای نجات جانهای فراوانی که در صف مرگ هستند بطور عاجل اقدام کنند. ما همچنین ضمن استقبال از بیانیه‌ی مشترک

گزارشگرن ویژه در محکومیت این اعدامها، از شورای حقوق بشر درخواست می کنیم تا با صدور قطعنامه‌ای به این اعدامها واکنش لازم نشان داده، و از دبیرکل سازمان ملل می خواهیم تا برای رسیدگی به اعدامهای خودسرانه و فراقانونی اقدام فوری نماید.

کمپین حمایت از زندانیان محکوم به اعدام عرب اهوازی، ۱ تیرماه ۱۳۹۱

- شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل
- سازمان حقوق بشر اهوازی
- عرصه سوم
- مرکز اسناد حقوق بشر ایران
- کانون مبارزه با نژادپرستی و عرب ستیزی در ایران
- سازمان اروپایی-احوازی حقوق بشر
- کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران
- کمیته گزارشگران حقوق بشر
- عدالت برای ایران
- سازمان حقوق بشر کرد – اروپا
- شبکه حقوق بشر کرد
- بنیاد عبدالرحمان برومند
- مرکز سواسیه براي حقوق بشر و مبارزه با تبعیض (سوریه)
- انجمن حمایت از زندانیان سیاسی آذربایجان در ایران
- اتحاد برای ایران

بازنشر از عرصه سوم

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-07-09 · Archive ID 987
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=987

عرصه سوم - اخبارروزانه مربوط به حوزه فعالیت های مدنی درایران با کمال تأسف اغلب مملو از موارد نقض حقوق بشر واعمال خشونت مشروعیت یافته درقانون علیه شهروندانی است که تنها خواهان پیشرفت اجتماعی و احیای دموکراسی درایران هستند . افرادی که با استفاده از حقوق قانونی خود در اعتراض به نابسامانی های اجتماعی به فعالیت‌های مدنی درچهارچوب قوانین جاری اقدام کرده اند . اما آن‌ها نه تنها از آزادی‌های لازم محروم شده‌اند بلکه تنها به خاطر احساس مسئولیت برای رفع مشکلات اجتماعی مجازات می شوند . اکنون مسئله نقض حقوق بشر درایران ابعاد بی سابقه و باورنکردنی به خود گرفته است . اعدام چهارتن از فعالان مدافع حقوق شهروندی اعراب خوزستان اعتراضات شدید سازمان های حقوق بشری و همه انسان‌های آزادی خواه را برانگیخت . و این درشرایطی است که باردیگر پنج نفر دیگر ازشهروندان عرب تبار درخوزستان به اعدام محکوم شده اند .

درگزارش این هفته پریسا کاکایی خلاصه مهمترین اخبار هفته دوم تیرماه را می خوانید .

جنبش دانشجویی و بزرگداشت سالروز 18 تیر

13 سال پیش، درهجدهمین روز تیر ماه، کوی دانشگاه تهران به خاک و خون کشیده شد . در تیرماه سال 1378 ، در پی تحصن عده ای از دانشجویان در اعتراض به بسته شدن روزنامه سلام که به جرم چاپ نامه محرمانه سعید امامی به قربانعلی دری نجف آبادی وزیر اطلاعات، توقیف شده بود، انصار حزب الله، به داخل کوی دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویی حمله کرده و ضمن تخریب اموال دانشجویان، آنها را مورد ضرب و شتم قرار

دادند . در این حمله، تعدادی از دانشجویان کشته و برخی دیگر نیز جراحات جدی و آسیب های شدیدی را متحمل شدند . در آن روز و روزهای بعد، نیروهای امنیتی تعداد زیادی را بازداشت و شکنجه کردند .

در بزرگداشت خاطره 18 تیر، دانشجویان و سازمان های مدنی هرسال به یاد کشته شدگان و آسیب دیدگان واقعه 18 تیر مراسم و برنامه های گوناگونی برگزار می کنند . امسال نیز، با توجه به فشارهای امنیتی مضاعف و فضای بسته داخل کشور، برخی از فعالان و سازمان های خارج از کشور از جمله در لندن، پاریس، برلین و غیره با انتشار فراخوان های متعدد در نخستین روزهای تیرماه، اذهان عمومی را به حمایت از جنبش دانشجویی و مطالبه آزادی همه زندانیان عقیدتی دعوت کردند .

آخرین خبرهای جنبش کارگری

براساس خبر منتشر شده توسط کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ، روز شنبه 17 تیر ماه، تمام کارگران کشتارگاه های مرغ کرمانشاه دست به اعتصاب زدند . این کمیته ضمن اعلام این خبر می نویسد : " دولت به کشتارگاه های مرغ در کرمانشاه اعلام کرده که آنان موظّفند هر کیلو مرغ را با با نرخ 5000 تومان تحویل عاملین جزء داده تا آن ها با مبلغ 5200 تومان به دست مصرف کنندگان برسانند . کشتارگاه های مرغ اعلام داشتند که حداقل قیمت تمام شده برای آن ها بابت هر کیلو مرغ مبلغ 6000 تومان می باشد و قیمت اعلام شده توسط دولت با قیمت تمام شده برای آنان به هیچ وجه همخوانی ندارد . از طرف دیگر، عاملین جزء بر اساس نرخ تورّم سه سال قبل بایستی 10 درصد به قیمت نهایی کشتارگاه اضافه کنند، تا سود حاصل از فروش مرغ را تأمین نمایند ."



همچنین، تاخیر در پرداخت حقوق شرکت نفت، موجب درگیری کارگران عسلویه با نماینده شرکت مزبور شد . به گزارش ایران کارگر ، این درگیری ها هنوز به نتیجه ای نرسیده و و کارگران بین چهار تا هفت ماه است که حقوق خود را از شرکت های وابسته به شرکت نفت دریافت نکرده اند .

وب سایت کلمه نیز از اعتصاب کارکنان مخابرات شیراز خبر می دهد . بر اساس این گزارش، تعدیل نیرو، شرایط کاری نامناسب و شیوه جدید عقد قراردادها منجر به تجمع و اعتصاب بیش از 100 نفر از کارکنان مرکز

اطلاعات تلفن ۱۱۸ مخابرات شیراز در مقابل استانداری فارس شده است . این اعتصاب در حالی وارد پنجمین روز خود می شود که عملکرد مرکز مزبور را دچار اختلال کرده است .

عبدالرضا شیخ الاسلام، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی اعلام کرد که اشتغال اتباع خارجی در کشور ممنوع است . به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، وی در پایان جلسه هیات دولت و در جمع خبرنگاران گفته است : " اشتغال به کار اتباع خارجی از جمله افغانستانی ها به جز با تایید مراجع ذیصلاح قانونی خلاف قانون است . وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی برای آن عده از اتباع خارجی از جمله افغانستانی ها که اقدام به دریافت مجوز قانونی از مراجع ذیصلاح برای اشتغال به کار کرده اند، کارت اشتغال صادر می کند .

زندانیان عقیدتی

علاوه بر این، دنیای مجازی در روز یک شنبه 18 تیر، ساعت 22:30 به وقت تهران شاهد طوفان توییتری بود . این اقدام که به همت گروهی از فعالان سیاسی و اجتماعی صورت گرفت، اقدامی برای رساندن صدای بهمن احمدی امویی، آرش صادقی و محمد صدیق کبودوند زندانیان عقیدتی معرفی شده است .

بهمن احمدی امویی، روزنامه نگار که از سال 1388 در زندان به سر می برد از تاریخ 5 تیرماه به سلول انفرادی بند یک زندان رجایی شهر کرج که محل نگهداری محکومان به اعدام است، منتقل شده است .

محمدصدیق کبودوند، فعال حقوق بشر و موسس سازمان حقوق بشر کردستان نیز، از دهم تیر ماه 1386 بدون یک روز مرخصی در زندان محبوس است . او بارها از مسوولین خواسته که از حق ملاقات با فرزند بیمارش برخوردار شود که هر بار با بی توجهی آنها مواجه می شود . به همین دلیل، وی بیش از 40 روز است که اقدام به اعتصاب غذا کرده است . به گزارش کلمه ، با ادامه اعتصاب غذای کبودوند، برخی از فعالان کرد اقدام به راه‌اندازی کمپینی در حمایت از وی کرده اند که هدف آن علاوه بر حمایت، حساس کردن جامعه و مسوولان قضایی و امنیتی ایران در جهت رسیدگی به خواسته این زندانی سیاسی است . گروه مزبور نخستین بیانیه خود را در هفتم تیرماه منتشر کرده که به امضای بیش از سی نهاد و تشکل مدنی و سیاسی رسیده است . از همین رو، فعالان کرد، دهم تیر ماه را روز حمایت از محمدصدیق کبودوند نامگذاری کرده اند .

همچنین، آرش صادقی از فعالان دانشجویی است که در پس از انتخابات ریاست جمهوری 1388 بازداشت و به شش سال حبس محکوم شد . گفتنی ست که در اثر حمله نیروهای امنیتی به خانه صادقی برای انتقال وی به زندان، مادر این فعال دانشجویی دچار حمله قلبی شده و بعد از چند روز در بیمارستان فوت می کند . او هم اکنون در زندان به سر برده و چندی پیش در حمایت از حسین رونقی، فعال حقوق بشر، دست به اعتصاب غذا زد . با آزادی موقت حسین رونقی برای درمان پزشکی، آرش صادقی نیز اعتصاب غذای خود را شکست.

ابوالقاسم صلواتی، قاضی شعبه 15 دادگاه انقلاب، دکتر مصطفی بادکوبه ای، نویسنده و شاعر منتقد را به سه سال حبس تعزیری و پنج سال محرومیت از شعر خوانی در انجمن ها و سه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرد . دکتر بادکوبه ای، فروردین سال 1390 به دلیل سرودن اشعاری در انتقاد از جمهوری اسلامی و دولت احمدی نژاد بازداشت و به زندان اوین منتقل شد .

از سوی دیگر، مسئولین از اعزام نسرین ستوده به دادگاه انتظامی وکلا خودداری می کنند . سایت ملی – مذهبی دلیل اقدام مزبور را نامشخص دانسته و اعلام می کند که مطابق احضاریه ای ابلاغ شده از طرف شعبه دوم دادگاه انتظامی وکلا برای رسیدگی به تعلیق پروانه ی وکالت نسرین ستوده به وی، او باید روز یکشنبه ۱۸ تیر ماه در محل کانون وکلای مرکز حاضر می شد که در مقابل این امر ممانعت به عمل آمده است .

همچنین، دکتر احمد صدرحاج سیدجوادی، 95 ساله، از اعضای بنیانگذار نهضت آزادی، عضو شورای انقلاب، وزیر کشور و دادگستری انقلاب و نماینده مردم قزوین در مجلس اول شورا که توان حرکتی محدودی دارد، ممنوع الخروج شد . به گزارش میزان خبر : " این احضاریه در حالی صادر شده است که پرونده قضایی مفتوحی علیه این فعال سیاسی وجود ندارد و طبق قوانین ایران، صدور هرگونه قرار قضایی و در صورت نبود پرونده مستقل و مرتبط با موضوع، غیر قانونی است ."

در اهواز نیز پنج فعال عرب ایرانی دیگر به اعدام محکوم شدند . به نقل از العربیه ، دادگاه، محمد علی عموری، هادی راشدی، هاشم شعبانی، جابر آلبوشوکه و مختار آلبوشوکه، ساکن منطقه خلفیه واقع در شرق شهر اهواز را به اقدام علیه امنیت ملی و محاربه با خدا و رسولش متهم کرده است . این وب سایت در مورد هویت متهمان می نویسد که هاشم شعبانی دبیر زبان و ادبیات عرب، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و از شعرای معروف منطقه است . هادی راشدی نیز که خود مهندس شیمی است برای دانش آموزان عرب که به دلیل تفاوت زبانی در دروس خود مشکل داشتند، کلاس های کمک درسی رایگان برگزای می کرده است . جابر آلبوشوکه و مختار آلبوشوکه، دو برادر محکوم به اعدام هم در مناسبت ها و فعالیت های اجتماعی فعال بوده اند .

سمینار اتحاد برای دموکراسی در استکهلم

از سوی دیگر، پنج ماه بعد از نشست " پیشبرد اتحاد برای دموکراسی " در استکهلم به میزبانی سازمان " اولاف پالمه " که در آن چهره‌های مختلف اپوزیسیون ایران به بررسی مسائل مربوط به ایران و راه‌های دستیابی به اتحاد پرداخته بودند، این بار بروکسل، میزبان نزدیک به هشتاد نفر از فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران و چهره‌های اپوزیسیون ایران در روزهای 17 و 18 تیر ماه بود .

به گزارش دویچه وله ، روز نخست این اجلاس، شامل سه بخش مختلف بود و مجموعا سیزده نفر سخنرانی کردند . در بخش اول، سخنرانان، حسین باقرزاده، ماشاالله سلیمی، عبدالله مهتدی و امین ریاحی به موضوع " بررسی روندهای سیاسی و گزینه‌های پیش روی ایران در سال جاری " پرداختند . بخش دوم به " مساله هسته‌ای ایران " اختصاص داشت که در آن مارک فیتس پاتریک، دیپلمات سابق آمریکایی و مشاور آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، رضا تقی‌زاده، تحلیلگر سیاسی، بهروز بیات، کارشناس فیزیک هسته‌ای و مشاور آژانس هسته‌ای، اتو لانگی، از اعضای آژانس هسته‌ای، و همچنین هانس بلیکس، رئیس سابق آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به ارائه نظرات خود پرداختند . در بخش سوم این روز، مساله " ایجاد اتحاد و هماهنگی میان نیروهای اپوزیسیون " مطرح شد که طی آن ناهید حسینی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی، فریدون احمدی، عضو حزب مشروطه ایران، محمد جواد اکبرین، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی، و شهریار آهی کارشناس امور بین‌الملل سخنرانی کردند .

درروز دوم و پایانی کنفرانس مزبورنیز کارشناسان به " مقایسه وضعیت ایران با دیگر کشورها" و " بحث در مورد راهکارهای لازم برای ایجاد زمینه انتخابات آزاد در ایران" پرداختند .

—

ترویج خشونت پیامد اصلی اعدام درانظارعموم

2012-07-10 · Archive ID 995
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=995

عرصه سوم

افزایش باورنکردنی جرم و جنایت،رشد صددرصدی پرونده های قضایی در سه سال گذشته و روند رو به صعود مجازات اعدام در ملاء عام درایران نشانگر اوج گیری اپیدمی خشونت آشکار و پنهان در جامعه ماست. اعمال خشونت چه در روند اجرای احکام مجازات ها و چه در ترویج فرهنگ خشونت آمیز در جامعه پیامد مستقیم عدم اجرای قانونی مبتنی بر موازین حقوق بشری و فرهنگی دموکراتیک دردستگاه قضایی در ایران است. افزایش تعداد اعدام شدگان درملاء عام و بی‌تفاوتی هزاران نفر از شهروندانی که در خاموشی و بدون کوچکترین اعتراضی به نقض حرمت و حقوق انسانی فرد متهم شاهد آخرین لحظات زندگی او هستند، هم نشانگر بحرانی اخلاقی و فرهنگی عمیقی در جامعه ما است.

عکس هایی که از حضور هزاران نفر در اجرای مراسم اعدام متهمان به قتل، تجاوز و یا قاچاق چیان مواد مخدر هر از گاهی در رسانه‌ها منتشر می‌شوند، به وضوع اجرای یک سیاست آگاهانه و هدفمند از سوی مقامات

جمهوری اسلامی را در برحق بودن همیشگی مجازات اعدام و هم عادی کردن اجرای آن در فضای عمومی برای ایجاد رعب و وحشت درمیان مردم را نشان می دهد. این سیاست علیه تمام موازین بین‌المللی، مصوبات سازمان ملل و زیر پا گذاشتن اصولی مانند حفظ حرمت افراد و هم حمایت از سلامت روانی شهروندان است. آمار منتشر شده در زمینه میزان وقوع جرم درایران نشان می‌دهند که ایجاد ترس از مجازات درمیان مردم به خودی خود باعث پایین آمدن میزان جرائم نخواهد شد. و تنها با برنامه‌ریزی درازمدت در زمینه بهبود شرایط اقتصادی، ایجاد اشتغال برای گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم ، اطلاع رسانی، آموزش و بازتوانی مجرمان است که می‌توان میزان جرم و جنایت را در مملکت کاهش داد.

نگاهی به آمار

افزایش پرونده های قضایی درایران بر طبق آمار منتشر شده از طرف نهادهای دولتی درسه سال گذشته هم چنان روند صعودی داشته است. اسدالله جامی مدیرکل اجتماعی و فرهنگی معاونت پیشگیری در مصاحبه خود در بهمن ماه سال گذشته گفته بود:
« در سال 1386 تعداد پرونده‌های قضایی 8 میلیون بود که امسال به 16 میلیون پرونده می‌رسد و در حقیقت ظرف کمتر از سه سال رشد 100 درصدی پرونده، می‌تواند بسیار مایه نگرانی باشد.این تنها یک عدد نیست که 8 میلیون به 16 میلیون تبدیل شود بلکه این عدد از منظر جامعه‌شناختی شاید اهمیتش به مراتب بیشتر باشد تا از پایه دغدغه‌های قضایی بخواهیم آن را دیده و بازخوانی کنیم.»
بخشی عمده‌ای از پرونده های تشکیل شده دردستگاه قضایی مربوط به وقوع خشونت، بزهکاری و جنایت است. آمارها اغلب نشانگر بالا رفتن درصد تجاوز، کودک آزاری، دزدی و خرید و فروش مواد مخدر و غیره درایران اند. اما بررسی هایی جامعه شناختی هم درسراسر دنیا نشان می‌دهند که مجازات تنها راه ممکن و عملی برای پیشگیری از وقوع جرم و جنایت نیست.

در بخشی از گزارش جدید سایت ایران امروز درمورد آمار منتشر شده از سوی بعضی از ارگان های اجرایی مانند پزشک قانونی می‌خوانیم که: بحران وضع اخلاق اجتماعی ما به این موارد ختم نمی‌شود و روز پنج شنبه 11 خرداد، خبر سومین فرزندکشی آن هم در شمال غرب کشور طی سه ماه مخابره شد، قتل‌هایی که به بدترین نحو رخ داده، فقط یکی از این قتل‌ها به وسیله وصل کردن مقتول به سیم برق اتو رخ داده و کودکی را قربانی کرده بود. امروزه جامعه ما با شیب قابل ملاحظه‌ای در حال سقوط اخلاقی است. به مواردی از آمارها و واقعیت‌های جامعه توجه کنیم:

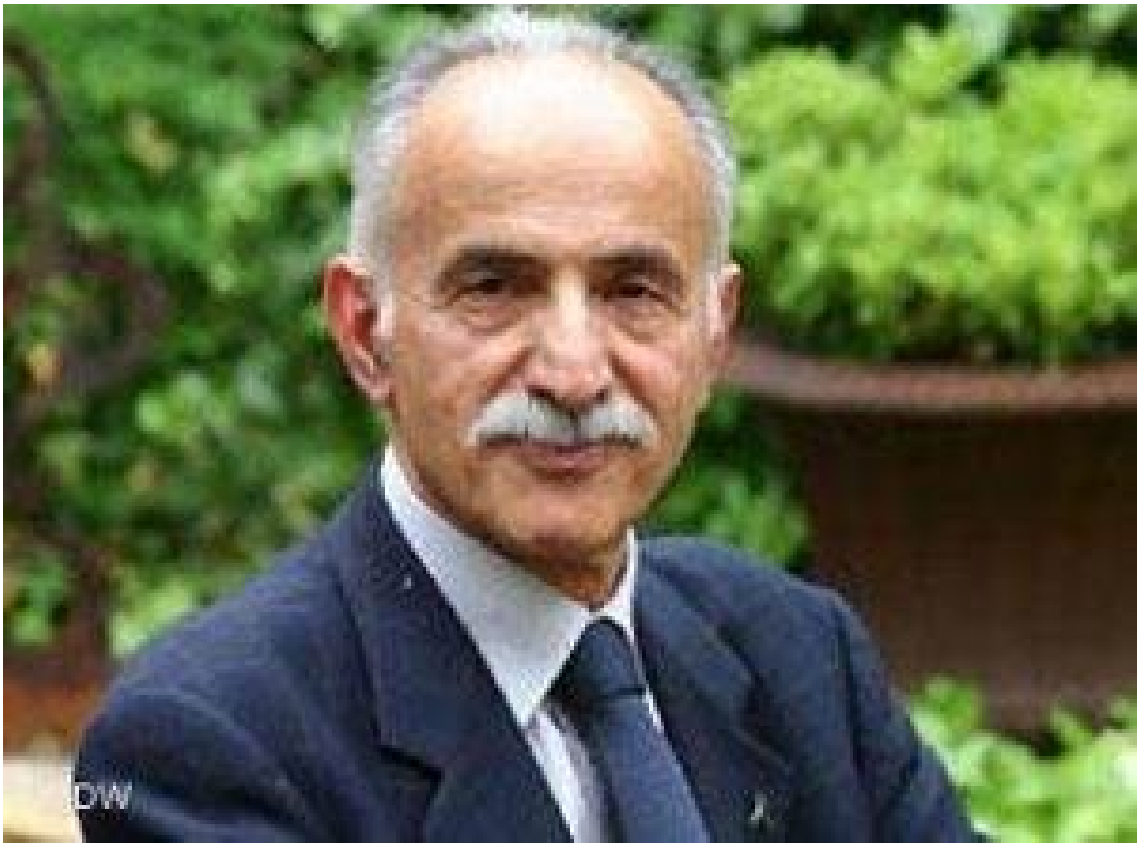
پزشکی قانونی اعلام کرده که روزانه 3 ایرانی با سلاح سرد کشته می‌شوند و به طور متوسط در هر سال یک هزار و 119 نفر به وسیله این سلاح کشته شده‌اند.(1) همچنین از هر 1000 نفر ایرانی، هر سال 8 نفر به دلیل نزاع به پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند.(2) بر اساس پژوهش‌های یک پژوهشگر ماهانه ۱۳ زن به دلیل اعتیاد جان خود را از دست می‌دهند.(3)
در بخش دیگری از این گزارش می‌خوانیم که :
فرماده ناجا نیز از ثبت 900 پرونده تجاوز درسال 90 خبر داده به گفته فرمانده ناجا، حدود 40 درصد آمار تجاوز مربوط به زنان و 60 درصد مربوز به لواط است که معمولاً علیه افراد زیر 15 سال و با اغفال صورت می گیرد. (6)

از سوی دیگر اجرای مجازات اعدام در ملاء عام نیز تأثیری بازدارنده در پیشگیری از وقوع جرم ندارد. بر عکس تنها نتیجه ملموس آن درونی شدن فرهنگ خشونت در جامعه و در اذهان تک تک شهروندان، گسترش بی اعتمادی، بی‌تفاوتی و هم افزایش بیماری‌های روانی و پریشانی روحی در میان شهروندان است.
مصطفی اقلیما رئیس انجمن مددکاران اجتماعی درایران در مصاحبه اخیر خود با سایت خبری عصر ایران یکی ازعوامل مؤثر دراشتیاق مردم به حضور درصحنه اعدام افراد درمیادین شهرها را فقر، بیکاری و فشارهای اجتماعی می داند. او درمورد سلامتی روانی این افراد هشدار می‌دهد و معتقد است که این افراد هم می‌توانند در شرایطی نامساعد به کارهای خشونت آمیز دست بزنند.

او در بخشی از این مصاحبه می گوید:

« این به خوبی نشان می دهد که خشونت در جامعه ما افزایش یافته و ما خشن تر از قبل شده ایم. علت رواج کودک آزاری در بین ما، همین افزایش خشونت و بی تفاوتی در بین مردم ماست. خیلی ها در این جامعه، نه از کشتن می ترسند نه از کشته شدن. کلاً از چیزی و کسی ترسی ندارند! نه از خدا می ترسند نه از بنده خدا. گاهی ممکن است ما از قانون بترسیم. ته خط قانون اعدام است. کسی از مردن نمی ترسد، طبیعی است که از قانون هم نترسد. تازه خیلی ها وقتی که قرار است اعدام شوند، وقتی از آنها سوال می کنیم چرا به این جا رسیدی، می گویند من مقصر اصلی نیستم و شما باید به سراغ عوامل و عللی بروید که مرا به این جا رساندند؛ شرایط اجتماعی و مسئولینی که مرا به این جا رساندند، مقصر اصلی هستند.»

بسیاری از مجرمان و بزهکارانی که درایران بدون یک بررسی عادلانه با اشد مجازات مواجه می‌شوند در قوانین جاری سایر کشورها به خاطر همان جرم تنها به چند سال زندان محکوم خواهند شد. برخورد بیرحمانه و خشن با متهمان مستتر درقانون جزا درایران یکی از مواردی است که جامعه بین‌المللی و نهاد های مدافع حقوق مدنی افراد همواره برآن دست گذاشته و بازبینی درقوانین در اجرای واقعی عدالت را خواستار شده اند. اخیرا خبر محکوم شدن دو تن از شهروندان به اعدام به خاطر نوشیدن الکل بازتاب وسیعی دررسانه ها یافت.



عبدالکریم لاهیجی ، نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) و رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (LDDHI)، درسخنان اخیر خود علیه افزایش احکام اعدام درایران و دار زدن شهروندان در انظار عمومی می گوید:

«دولتمردانِ جمهوری اسلامی ایران با صدور و اجرای حکم اعدام برای هر نوع مخالفتی، سیاست ایجاد وحشت خود را بی رحمانه دنبال می کنند. آنها در عین این که به طور منظم جوامع مختلف قومی و به ویژه عرب‌ها و کردها و بلوچ ها را مورد حمله قرار می دهند، این مجازات غیرانسانی را دایم برای "جرایم" دیگر مثل نوشیدن مشروب الکلی نیز به کار می گیرند، در حالی که این موارد را با هیچ معیاری نمی توان در ردیف "مهمترین جنایت ها" قرار داد که بر اساس حقوق بین المللی برای مجازات اعدام الزامی است.»

این مدافع حقوق بشر درادامه می‌گوید :

«اعدام در انظار عمومی، که نوعی از شکنجه اضافی و مغایر با عزت انسانی است، به طور منظم انجام می شود. بنا به گزارش اعدام سال 2011 عفو بین الملل، بیش از 50 نفر ـ احتمالا 56 نفر ـ در سال 2011 در انظار عمومی اعدام شده اند. سه گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه ای که در روز 8 تیر 1391 (28 ژوئن 2012) صادر کردند حداقل تعداد اعدام های انجام شده در انظار عمومی در سال 2012 تاکنون را 25 مورد اعلام کردند.”

بنیاد عرصه سوم از تمام نهادهای مردمی و سازمان های مدافع حقوق بشر می‌خواهد که علیه گسترش خشونت درجامعه، افزایش خشونت قانونی دراحکام مجازات اعدام و هم اجرای آن درملاء عام به هر شیوه که می توانند اقدام کنند.

I

—

تظاهرات کنش‌گران نیویورکی علیه تحریم‌های ایران

2012-07-12 · Archive ID 999
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=999

نعیمه دوستدار
دسامبر سال گذشته، گروهی از فعالان مدنی ایرانی- آمریکایی،گروهی تشکیل دادند به نام هوار، تا «علیه جنگ، تحریم و سرکوب در ایران" فعالیت کنند. روز یک‌شنبه، اول جولای، هم‌زمان با آغاز تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا، با فراخوان این گروه، گروهی از مردم و فعالان مدنی در نیویورک جمع شدند تا برای اعتراض به این تحریم‌ها تظاهرات کنند.

علی عبدی، فعال اجتماعی و دانشجوی دکترای مردم‌شناسی در دانشگاه یل، درباره حال و هوای برگزاری این تجمع درمصاحبه با عرصه سوم می‌گوید: "درست در روز اول جولای که اتحادیه اروپا تحریم نفت ایران را اجرا کرد، ما مقابل مقر چهار کشور در سازمان ملل رفتیم؛ مقر دولت‌های آلمان، انگلیس و فرانسه و آخر هم جلوی مقر آمریکا. با این‌که فینال جام ملت‌های اروپا بود و هوا گرم، اما راهپیمایی رضایت‌بخش بود و توجه ایرانی‌ها به فراخوان گروه هوار، قابل توجه."

با وجود استقبال تعدادی از فعالان اجتماعی در آمریکا از این تجمع، علی عبدی معتقد است که پیام چنین تجمعاتی خیلی بیش از میزان استقبال از آن اهمیت دارد و مهم این است که شرکت‌کنندگان در این تجمعات چه گروهی را نمایندگی می‌کنند. با این حال، او از پوشش خبری مناسب این برنامه ابراز رضایت می‌کند و آن را نشانه موفقیت این کنش اجتماعی می‌داند.
تجمع ضد تحریم در نیویورک با محور قرار دادن چند خواسته مشخص، برگزار شد. علی عبدی در این زمینه می‌گوید: "گروه بانی که گروه هوار است، سه شعار را مطرح کرده بود؛ این‌که ما ضد جنگ، ضد تحریم و ضد سرکوب دولتی در ایران هستیم و هر کسی که معتقد به این شعارهاست و علاقه‌مند به پیوند جنبش‌های اجتماعی، می‌تواند در این تظاهرات شرکت کند. رنگ سبز هم یک زبان بیان اعتراض دست‌جمعی به ما داده و ما هم از آن استفاده می‌کنیم، اما در واقع گروه‌های مختلف مثل هوار، خود را بخشی از جنبش‌های دموکراسی‌خواه ایران می‌دانند نه صرفا هوادار جنبش سبز."

روایت‌هایی از زندگی روزمره مردم ایران
برگزارکنندگان تظاهرات اعتراضی در نیویورک تلاش کردند با استفاده از شیوه‌های ساده، پیام مخالفت خود را با تحریم‌های غرب علیه ایران بیان کنند و به همین منظور کوشیدند روایت‌هایی از زندگی عادی مردم در ایران را با دیگران در میان بگذارند. این روایت‌ها با استفاده از منابع مختلفی تهیه شده بود که علی عبدی آن‌ها را چنین معرفی می‌کند: "ما این روایت‌ها را از طریق ارتباط گرفتن با ایرانی‌های داخل کشور و با استفاده از اطلاعات روزنامه‌های داخل کشور جمع کرده بودیم. البته بخشی از اطلاعات هم از طریق رسانه‌های خارج کشور به دست آمده بود. گروه‌های دیگری مثل گروه رها که مجموعه‌ای از ایرانی-آمریکایی‌های فمنیست هستند هم

بخشی از روایت‌ها را جمع کرده بودند. به هرحال، مجموعه روایت‌ها جمع شد و ما جلوی دفاتر دولت‌ها این روایت‌ها را خواندیم و به اشتراک گذاشتیم، چون می‌خواستیم اثر تحریم‌ها را بر زندگی مردم عادی و زندگی عادی آدم‌ها نشان دهیم."
بالا رفتن قیمت اقلام ضروری، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی با کیفیت بالا و نایاب شدن برخی داروها و عدم ورود تجهیزات هواپیمایی به ایران و ...، حتی در دسترس نبودن برخی امکانات گوگل کروم و فیس‌بوک برای مردم ایران، مواردی بودند که در این روایت‌ها مطرح شدند.



آقای عبدی به نمونه‌هایی از این روایت‌ها هم اشاره می‌کند: "مثلا کسی که محصولات کشاورزی داشته و حالا نمی‌تواند آن را صادر کند؛ یا این‌که قیمت مواد اولیه کارخانه‌ها بالا رفته و محصول نهایی کارخانه‌داران گران‌تر شده، این‌که امکان سفر و خارج شدن از کشور کم‌تر شده و حتی این‌که این تحریم‌ها باعث افزایش خصومت نسبت به ایرانی‌ها در دنیا شده است. این مورد آخر از نتایج پیش‌بینی نشده تحریم‌هاست که مجموعه‌ای از رنج و تبعیض را برای مردم ایران ایجاد کرده است. در کنار مساله تحریم‌ها، اکنون می‌بینیم که برداشتن یارانه‌ها هم باعث شده عده زیادی از مردم آسیب ببینند و به دولت وابسته شوند و وابسته شدن طبقه متوسط به دولت، برای حرکت‌های اجتماعی اصلا مثبت نیست."

تلاش برای هم‌بستگی در میان کنش‌گران
تجربه ناموفق برخی از گروه‌های فعال مدنی نشان داده که تنوع افکار و ایده‌ها و ناهماهنگی در اصول و آرمان‌ها، در خیلی از موارد باعث شده حرکت‌های جمعی به ثمر نرسند و گروه‌های اجتماعی به جای این‌که هماهنگ عمل کنند، دست به تخریب و مخالفت با یکدیگر بزنند. اما آقای عبدی به عنوان کنش‌گر فعال در تظاهرات ضد تحریم نیویورک معتقد است که این نوع برنامه‌ها می‌تواند به نزدیک شدن گروه‌های مختلف اجتماعی و کنش‌گران آن‌ها کمک کند: "به عنوان مثال، اکثر کسانی که در این تظاهرات شرکت کردند، از فعالان جنبش اشغال وال‌استریت بودند. در عین حال افرادی از گروه‌های فعال اجتماعی دیگر هم آمدند، چون ما با گروه‌های مختلف فعال ارتباط می‌گیریم و به تظاهرات آن‌ها می‌رویم و آن‌ها هم به همین نسبت در برنامه‌های ما

شرکت می‌کنند. به این ترتیب، ارتباط و تعاملی میان جنبش‌های مختلف اجتماعی برقرار می‌شود. هم‌بستگی بین گروه‌هایی که همه برای کاهش رنج انسان‌ها و دفاع از کرامت انسان و عدالت و برابری تلاش می‌کنند بسیار مهم است و بین‌شان نزدیکی و ارتباط برقرار می‌کند."

این فعال مدنی معتقد است که این نوع حرکت‌ها فقط به تظاهرات ختم نمی‌شود. بازتاب رسانه‌ای باعث دامن زدن به بحث‌ها در فضاهای عمومی می‌شود و با توجه به این‌که اکنون فضاهای عمومی توسط دولت ایران بسیار محدود شده، بخش عمده‌ای از این بحث‌ها به فضای مجازی منتقل شده است: "از آن روزی که این تظاهرات برگزار شد، بحث‌های زیادی درباره خوب بودن یا بد بودن و چرایی انجام این کنش انجام شده. هرچند مقدار زیادی از این صحبت‌ها مفید نیست و آمیخته با حب و بغض و تحقیر و توهین است اما در این میان، نقدهای مفید و جان‌داری هم نوشته می‌شود. ایجاد بحث‌های عمومی، هم در شناخت پیدا کردن گروه‌های سیاسی از یکدیگر موثر است، هم به نقد شدن گروه برگزارکننده کمک می‌کند تا حرکت‌های بعدی‌اش بهتر شود."

کنش‌گری برای مردم، نه برای حکومت‌ها
در حاشیه برگزاری تظاهرات ضد تحریم در نیویورک اما بحث و جدل کم نیست. در فضاهای مجازی و حتی در میان نظرهایی که زیر گزارش‌های مربوط به این تجمع منتشر شده، عده‌ای هم هستند که مخالفت با تحریم و جنگ را به نفع حکومت ایران می‌دانند و با آن مخالفت می‌کنند.
علی عبدی این تلقی را از کنش‌گری اجتماعی، ناشی از برخورد حکومت ایران می‌داند: "من فکر می‌کنم خیلی از ما ایرانی‌ها در برخی از فعالیت‌های مدنی تنها به این دلیل که حکومت ایران آن را به نام خودش قبضه کرده وارد نمی‌شویم. مثلا فعالیت‌های حمایتی برای مردم فلسطین که در خیلی از کشورهای دنیا توسط گروه‌ها و دسته‌های مختلف دنبال می‌شود، در ایران چون جمهوری اسلامی آن را قبضه کرده، عده‌ای ترجیح می‌دهند نسبت به آن موضع نداشته باشند و به این ترتیب به آپارتاید اسرائیل مشروعیت می‌دهند. با مثلا در مورد جنبش اشغال وال استریت، چون جمهوری اسلامی اخبار آن را پوشش می‌داد، بسیاری از مردم ایران از آن حمایت نمی‌کردند اما این دلیل نمی‌شود که ما حوزه‌هایی را که ایران از آن به سود خود حمایت می‌کند خالی کنیم. چیزی که ما به عنوان کنش‌گر باید به آن فکر کنیم، بیش‌تر از آن‌که ببینیم حکومت ایران چه می‌گوید، این است که چه چیزی باعث افزایش رنج مردم می‌شود. ما با تحریم‌ها مخالفیم چون باعث رنج مردم می‌شود. به عنوان یک کنش‌گر، باید از این عنوان‌ها بیرون آمد و این ماهیت اصلی یک فعالیت اجتماعی است."

—

ایران، توسعه پایدار وعرصه تنگ فعالیت‌های مدنی

2012-07-16 · Archive ID 1002
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1002

عرصه سوم- رضا حاج حسینی: “اجلاس ریو”،“کنفرانس ریو” یا“اجلاس زمین“.بزرگ‌ترین و معتبرترین گردهمایی سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه پایدار، با این نام‌ها شناخته می‌شود. در این اجلاس که از سال۱۹۹۲ میلادی در شهر “ریو دو ژانیرو” برزیل آغاز به‌کار کرده است، ۱۷۲ کشور دنیا از جمله ایران، نماینده دارند. در آخرین دوره این اجلاس که از ۲۰ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ برابر با۳۱ خرداد تا دو تیرماه سال جاری برگزار شد، ۲۴۰۰ نفر هم از سازمان های غیردولتی(NGO)ها شرکت داشتند.

با توجه به اهمیت حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در این نشست، برخی مجموعه‌ها و نهادهای غیردولتی ایرانی هم در این کنفرانس حضور یافته و به طرح مواضع و دیدگاه‌های خود در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست پرداختند.

گرچه رویکرد و مواضع این سازمان‌ها درباره مسائل و موضوعات مطرح شده، اغلب به مواضع دولت ایران نزدیک است و حضورشان هم بیش‌تر جنبه‌ای نمایشی دارد و تبلیغاتی برای دولت ایران است تا سازمان‌های مردم‌نهاد، اما به هر ترتیب حضور آنان در چنین نشست‌هایی می‌تواند باعث توجه جدی‌تر جامعه جهانی به فعالیت‌های اجتماعی و مدنی غیردولتی در ایران باشد. به این معنا که شاید بتواند جای خالی سازمان‌های

مردم‌نهاد منتقد سیاست‌های دولت را به نمایش بگذارد و این پرسش را ایجاد کند که چرا امکان حضور چنین سازمان‌هایی در اجلاس ریو+۲۰ فراهم نمی‌شود؟

سازمان‌های مردم‌نهاد، ده یا پانزده؟

ده سازمان غیردولتی به نمایندگی از جامعه مدنی ایران در اجلاس ریو+۲۰ حضور داشتند که عبارت بودند از : "موسسه مطالعات و تحقیقات زنان"، "موسسه حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی"، "انجمن زنان طرفدار توسعه پایدار"،"دفتر توسعه محلی عودلاجان"، "انجمن زنان مبارز مسلمان"، "خانه فرهنگ و توسعه پایدار"، "انجمن صلح و محیط زیست"، "انجمن مهیمن"، "شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان" و"انجمن فرهیخته".

این سازمان‌ها بنا به گفته موسسه مطالعات و تحقیقات زنان، "با هدف تعامل و همکاری با سازمان‌های غیردولتی دیگر کشورها در اجلاس حضوری فعال داشتند. و ضمن شرکت در پانل‌ها و نشست‌های بخش غیردولتی، به منظور بهره‌گیری از نقطه نظرات و تجربیات دیگر کشورها، فعالیت‌ها و نظرات سازمان‌های غیردولتی ایران را در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست، در قالب انتشار نشریه به زبان انگلیسی که برای اجلاس ریو + ۲۰ تدوین شده بود، ارائه کردند."

گروه‌های غیردولتی ایرانی شرکت کننده در اجلاس ریو در قالب سه گروه آموزش، پژوهش و فعالیت‌های اجرایی در حوزه توسعه پایدار فعالیت کرده‌اند.

اما در شرایطی که موسسه مطالعات و تحقیقات زنان به عنوان هماهنگ‌کننده اصلی ، از حضور ده سازمان مردم‌نهاد در اجلاس ریو+۲۰ خبر داده بود، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به خبرگزاری موج ‘گفته است که "۱۵ تشکل مردم‌نهاد از ایران در اجلاس ریو+۲۰ حضور داشتند که بسیار مایه خرسندی است."

"محمدجواد محمدی‌زاده"، البته به نام این سازمان‌ها اشاره نکرده و بیشتر بر نقش دولت و سخنان رئیس دولت در این اجلاس تاکید کرده است. او در نشستی خبری درباره اجلاس ریو+۲۰ گفته است که "کشورهای غربی نمی‌خواهند تخریبی که در محیط زیست ایجاد کرده‌اند را جبران کنند."

محمدی‌زاده هم‌چنین گفته است که "سخنان رئیس‌جمهور در اجلاس ریو بسیار تاثیرگذار بود و در ملاقاتی که با رهبران و مسئولان کشورهای مختلف داشتیم، به کرات از مواضع ایران ابراز خوشحالی شد."

اما فعالان محیط زیست در ایران، در ماه‌های اخیر، به خشک شدن دریاچه ارومیه،بی‌توجهی دولت و سازمان حفاظت از محیط زیست به این موضوع، اعتراض‌های گسترده‌ای داشته‌اند. در تازه‌ترین اعتراض‌ها به سیاست‌های محیط زیستی دولت هم ساخت جاده در جنگل ابر در شمال شاهرود مورد اعتراض فعالان محیط زیست قرار گرفته است. از سوی دیگر دولت ایران سهم خود را در تخریب محیط زیست جهانی تنها یک درصد اعلام کرده و غرب و کشورهای صنعتی را مسئولان اصلی این تخریب می‌داند.

سازمان‌های غیردولتی، اجلاس ریو، رسانه‌ها



شرکتسازمان‌های غیردولتی در اجلاس ریو+۲۰ اما بازتابیدر رسانه‌های ایران نداشت و نتیجه فعالیت‌های‌شان چندان مطرح نشد، شاید به این دلیل که بیش‌تر رسانه‌ها، به‌خصوص بخشحکومتی، به پوشش مفصل حضورمقامات دولت ایران در این اجلاس پرداختند.حاشیه‌ای هم اگر مطرح شده، درباره جریان‌های سیاسی و موضع انتقادی ایران نسبت به کشورهای غربی است. به‌عنوان مثال خبرگزاری ایسنا در گزارشی با عنوان"در حاشیه اجلاس ریو چه گذشت؟"، از قول دستیار ارشد رئیس‌جمهور نقل کرده است که "بانیان مشکلات امروز جهان حق تحمیل ساختارهای استکباری جدید بر ملت‌ها را ندارند."

سید مجتبی ثمره هاشمی هم گفته است که "مباحث اصلی این اجلاس مربوط به توسعه بود و البته درباره محیط زیست هم صحبت شد."

دیگر رسانه‌ها هم معمولا به گزارش سخنان محمود احمدی‌نژاد در این اجلاس پرداخته‌اند یا این‌که از ناکامی او در رسیدن به اهدافش سخن گفته‌اند. اما آن‌جا که پای ناکامی به میان آمده است، صحبت از سازمان‌های مردم‌نهاد هم شده است.مثلا واحد مرکزی خبر در گزارشی خبر از سرخورده شدن فعالان در جهان از نتایج نشست ریو+۲۰ داده است: "نشست ریو به علاوه بیست در حالی پایان یافت که هیچ تصمیم مهمی گرفته نشد و همه سازمان‌های مردم‌نهاد از نتایج آن ابراز سرخوردگی کردند."

این تلاش برای منفی نشان دادن نتایج اجلاس ریو+۲۰، شاید یکی دیگر از دلایل کم‌رنگ شدن حضور سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی شرکت‌کننده در این اجلاس، در رسانه‌های کشور باشد.

نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد اما در نشست مشترک خود که با حضور معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران، معاون بین‌الملل وزارت امور خارجه و نماینده ایران در تدوین سند اجلاس ریو +۲۰ برگزار شد، ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌های خودتاکید کرده‌اند که "لازم است تدابیری اندیشیده شود تا برنامه‌های آموزشی متنوعی برای فرهنگ‌سازی زیست محیطی و اصلاح و تغییر نگرش مردم نسبت به حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، با توجه به سند ریو در سطح ملی، طراحی و اجرا شود."

در خبری که سایت موسسه مطالعات و تحقیقات زنان در این‌باره منتشر کرده، آمده است: "رئیس سازمان محیط زیست ایران ضمن قدردانی از حضور هیات غیردولتی در اجلاس ریو از همکاری با سازمان‌های غیردولتی

در تحقق اهداف ریو+۲۰ استقبال نمود و به همین منظور تشکیل شبکه غیردولتی توسعه پایدار در سطح ملی برای تحقق هدف فوق مطرح و مورد توافق طرفین قرار گرفت.”

به این ترتیب شاید بتوان اصلی‌ترین دستاورد حضور سازمان‌های غیردولتی شرکت‌کننده در “اجلاس زمین” را طرح تشکیل “شبکه غیردولتی توسعه پایدار”دانست. طرحی که مشخص نیست در اجرا چه اتفاقی برای آن خواهد افتاد و آیا دولت اختیار عمل را در آن، به بخش غیردولتی واگذار می‌کند؟

ریو +۲۰ ، ایران، آینده

به نظر می‌رسد از زمان آغاز اجلاس زمین در سال ۱۹۲۲ تا امروز، اغلب کشورهای جهان به این نتیجه رسیده‌اند که کشورها و سازمان‌های دولتی به تنهایی نمی‌توانند به توسعه پایدار دست یابند، مگر این‌که با مشارکت مردم درسطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، دست‌یابی به اهداف توسعه پایدار را تحقق بخشند.

حال باید دید که آیا حکومت ایران عزم رسیدن به چنین توسعه‌ای را دارد و آیا می‌خواهد در این راه از همراهی سازمان‌های مردم‌نهاد بهره‌مند شود یا این‌که هم‌چنان قصد دارد با اتخاذ سیاست‌های تقابلی از همراهی با جامعه جهانی خودداری کند.

در حال حاضر اغلب سازمان‌های مردم‌نهاد همسو با دولت به عنوان ویترین فعالیت‌های مدنی در ایران مطرح می‌شوند و حلقه فعالیت سازمان‌های غیردولتی مستقل، هر روز تنگ‌تر می‌شود.

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-07-16 · Archive ID 1013
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1013

عرصه سوم - اخبار اعتراضات مدنی شهروندان ایرانی به فقدان آزادی فردی، تبعیضات جدید علیه مهاجرین افغان و اعتراض به بازداشت روزنامه نگاران را به همراه بخش دیگری از خبرهای هفته گذشته در گزارش پریسا کاکایی می‌خوانید .

گردهمایی اعتراضی درپاریس

در پاریس، سازمان گزارشگران بدون مرز، در حرکتی نمادین به ادامه بازداشت روزنامه نگاران در ایران اعتراض کرد . این طرح با همکاری و حضور ده‌ها تن از اعضای سازمان گزارشگران بدون مرز و روزنامه‌نگاران تبعیدی ایران در مقابل دفتر سازمان دولتی ایران‌ایر در شانزه لیزه پاریس اجرا شد . دویچه وله مناسبت برنامه مزبور را نهمین سال روز مرگ زهرا کاظمی عکاس ایرانی – کانادایی دراثر ضرب و شتم پس از زندانی شدن ، سومین سال روز مرگ علیرضا افتخاری خبرنگار در خرداد سال 88 و نخستین سالگرد مرگ هدی صابر و هاله سحابی عنوان کرده است . گزارشگران بدون مرز طی بیانیه‌ای، علاوه بر محکوم کردن دستگاه قضایی ایران، جامعه جهانی را به توجه بیشتر به وضعیت زندانیان عقیدتی در ایران دعوت کرده است .

زنان و کمپین علیه حجاب اجباری



گزارش های موجود در مورد ایران، هر روز از افزایش فشارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خبر می دهند . در این میان تهدید، بازداشت و آزار شهروندان زن به دلیل نحوه پوشش آنها مسائل و مشکلات زیادی را موجب شده تا حدی که گاه شاهد ممانعت از شرکت آنها در حوزه های متفاوت اجتماعی و یا ممانعت از برگزاری رویدادهایی مانند کنسرت ها به دلیل پوشش و یا حضور زنان هستیم .

از همین رو، گ روه " دانش جویان و دانش آموختگان لیبرال دانشگاه‌های ایران " در اعتراض به حجاب اجباری و با تاکید بر حق انتخاب آزادانه نوع پوشش، اقدام به راه‌اندازی کمپین " نه به حجاب اجباری " کرده است که طی آن افراد از سراسر جهان با ارسال تصویر خود هم صدا با گروه مزبور به حجاب اجباری نه می گویند . این گروه با تشکیل صفحه ای در فیس بوک به انتشار عکس های دریافتی پرداخته و در همین زمینه مصاحبه ها و مقالاتی را در وب سایت های مختلف منتشر کرده است.

حمایت مردم از پناهجویان افغانی

از سوی دیگر، در روزهای اخیر، فیس بوک شاهد شکل گیری کمپین دیگری در حمایت از پناهجویان افغان در ایران بوده است . در حالی که اخبار حاکی از تشدید ممنوعیت ها و محدودیت ها نسبت به حضور پناهجویان افغان در شهرهای مختلف ایران است ، گروهی از اعضای فیس بوک، کمپینی را به نام " عذرخواهی از دوستان افغان " آغاز کرده اند که 3425 نفر عضو دارد و در آن ضمن بازنشر اخبار و گزارش های مربوط به وضعیت پناهجویان افغان، به بحث و گفت و گو پیرامون مفهوم پناهجوستیزی و تبعیض نژادی و قومی می پردازند .

نشست سالانه سفیران سبز امید

اما خارج از شبکه های اجتماعی اینترنتی، دانشگاه صنعتی چالمرز گوتنبرگ سوئد، پنج شنبه بیست و دوم تیر ماه ، می زبان دومین نشست سالانه سفیران سبز امید بود . در آغاز مراسم، شورای سفیران سبز امید به عنوان برگزار کننده نشست مزبور، پیامی تحلیلی منتشر کرد که در بخشی از آن آمده است : " دومین نشست سفیران سبز امید فرصتی است برای این که بیشتر یاد بگیریم، ضعفهایمان را بررسی کنیم، هم اندیشی کنیم و راه‌های جدیدی برای گسترش شبکه سفیران سبز امید بیابیم . فرصتی هست تا همراهان بیشتری در سرتاسر جهان پیدا کنیم و مهارت‌های لازم برای تقویت کارگروهی را کسب کنیم تا بتوانیم راه‌های جدید و موثر تری برای کمک به جنبش مردم کشورمان بیابیم . ما سفیران سبز امید به عنوان گروه‌هایی که منشور جنبش سبز را مبنای عمل خود قرار داده ایم در این راه خود را محتاج یاری و همراهی همه کسانی می دانیم که دل مشغول ایرانی یکپارچه، مستقل، آزاد، پیشرفته و مردمسالار هستند . همه کسانی که تنوع و تکثرهای موجود در جامعه مان را به رسمیت می شناسند و دنبال بازتولید استبداد نیستند، و همه کسانی که در استفاده از روشهای مسالمات آمیز توافق نظر دارند و دستشان به خون مردم بی‌گناه آغشته نیست ." این نشست پس از چهار روز جلسات سخنرانی، گفت و گو و تبادل نظر، پانل و کارگاه های آ موزشی، روز یکشنبه ۲۵ تیر ماه پایان گرفت .

حوزه کارگری

بر اساس گزارش ایلنا ، خبرگزاری کار ایران، حدود ۲ هزار و ۱۴۳ کارگر توسط دو مجموعه گروه ملی و شرکت تراوس اخراج شده اند . بر اساس این خبر، " گروه ملی در مرداد نود ۴ هزار و ۸۹۰ کارگر داشت که از زمان خصوصی سازی به ۳ هزار و ۵۳۸ نفر کاهش یافت . به عبارتی این مجموعه ۱۳۵۹ کارگر را اخراج کرد . از سوی دیگر تراوس نیز ۸ هزار و ۱۱ نفر کارگر داشت که در مرداد ماه سال ۹۰ به ۷ هزار و ۲۲۷ نفر رسید به این معنا که درمجموع نیز ۷۸۴ نفر کارگر را اخراج کردند . "

این خبرگزاری هم چنین از بی کار شدن 400 کارگر زاگرس خودرو خبر می دهد . تولید این کارخانه که در بروجرد واقع شده است به دلیل قطع روابط کاری با کشور مالزی با مشکل مواجه شده و کارخانه به حالت تعلیق درآمده است . دبیر اجرایی خانه کارگر بروجرد در گفت و گویی با ایلنا از عدم پاسخ گویی مسئولان استانی در قبال مشکلات کارگران زاگرس خودرو سخن گفته و اظهار داشته است : " بسیاری از کارگران اخراجی دوره‌های آموزشی خود را با هزینه کارخانه در کشور مالزی گذرانده‌اند و بیکاری این کارگران اتلاف سرمایه‌های ملی است . "

خشونت کور مامور پلیس

اما در گوشه ای دیگر از شهر، نوجوان ۱۶ ساله تهرانی با تیراندازی گلوله پلیس کشته شد . رادیو زمانه در این زمینه گزارش می دهد که : " نوجوان ۱۶ ساله که از وی با نام علی قاسمی یاد شده، آن روز، همراه با دوستش، در حاشیه میدان فلکه چهارم خزانه تهران برروی مینی‌موتورش نشسته بود و مراسم نیمه شعبان را تماشا می‌کردند، تا این‌که مأمور یادشده به آن‌ها نزدیک شد . علی به خاطر همراه نداشتن مدارک موتور و نداشتن گواهینامه قصد داشت آن‌جا را ترک کند اما مأمور پلیس خود را به آن‌ها رساند و وی را متهم به مصرف مشروبات الکلی کرد . به گفته شاهدان عینی، زمانی که علی گفته بود الکل مصرف نکرده، مأمور کلانتری وی را هل داد و وی همراه با موتورش بر زمین افتاد ." در نهایت او از ناحیه صورت و از فاصله ۲۰ سانتی‌متری هدف گلوله قرار گرفته و کشته می شود .

آلودگی هوا

خبرگزاری مهر نیز از مرگ خاموش شهروندان تهرانی خبر می دهد . و حید نوروزی، مشاور زیست محیطی معاون شهردار تهران در گفت و گو با مهر گفت : " در شرایط اضطرار آلودگی هوا، خروج مادران باردار، نوزادان، خردسالان، کودکان، کهنسالان و بیماران از خانه آن ها را یک قدم به مرگ نزدیک تر می کند و جسم و جان آن ها را در معرض خطر قرار می دهد ." وی با اشاره به تهدید زندگی و سلامت شهروندان به ویژه اقشار حساس جامعه توسط ریزگردها اظهار داشت : " ریزگردها با آلاینده های هوا متفاوتند و تاثیرات آن نیز با هم تفاوت دارد اما ریزگردها همان طور که از نامشان پیداست به قدری ریزند که به راحتی وارد سیستم تنفسی می شوند ."

زندانیان سیاسی و عقیدتی

24 خرداد ماه، پریناز باغبان حسنی، همسر محمدصدیق کبودوند نسبت به سلامتی وی در پنجاهمین روزاعتصاب غذا ابراز نگرانی کرد . او همچنین از احتمال انتقال همسرش به به بیمارستان طالقانی خبر داد . و پس از پی گیری متوجه شد که کبودوند در اعتراض به استفاده از دستبند و پابند از رفتن به بیمارستان خودداری کرده است . پریناز باغبان، طی ملاقاتی که در همین روز با همسرش داشته از وخامت حال وی خبر داده و اعلام کرده است که او دیگر قادر به تکلم نیست . کمپین حمایت از کبودوند، ضمن انتشار بیانیه ای در حمایت از موسس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، به تغییر خواست کبودوند برای ادامه اعتصاب غذا به نقل از همسرش اشاره می کند :" سازمان دیده بان حقوق بشر نیز در حمایت از محمدصدیق کبودوند و بهمن اح مد امویی بیانیه ای صادر کرده و خواستار پایان دادن به آزار و اذیت این دو روزنامه نگار شده است .

در حالی که نسرین ستوده، همچنان در زندان به سر می برد، دادگاه انقلاب اسلامی، طی حکمی رضا و مهراوه خندان، همسر و دختر این وکیل و فعال حقوق بشر را ممنوع الخروج کرد . به گزارش کمپین بین المللی حقوق

بشر در ایران ، این نخستین بار است که فرزند نوجوان یک زندانی سیاسی ممنوع الخروج می شود . در همین ارتباط، شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل صلح، نامه ای به یونیسف، صندوق کودکان سازمان ملل، نوشته و در آن به حکم مزبور اعتراض کرده است . به نقل از سایت کانون مدافعان حقوق بشر " خانم عبادی در نامه خود به رئیس یونیسف از او خواست تا این نامه و ضمائم آن در پرونده جمهوری اسلامی ایران ضبط شود تا در آینده نمایندگان حکومت ایران نسبت به آن پاسخگو باشند .

نرگس محمدی، فعال حقوق بشر که از دو ماه و نیم پیش به جهت گذراندن محکومیت ۶ ساله اش به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور و عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر در زندان به سر می برد، به دلیل تشدید بیماری فلج عضلانی از زندان زنجان به بیمارستانی ولیعصر زنجان منتقل شد . در خبری که توسط رادیو فردا منتشر شده، به ممنوع الملاقات بودن این فعال حقوق بشر نیز اشاره شده است .

بنا بر گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر ، کبری بنازاده و صدیقه مرادی، دو تن از زندانیان سیاسی محبوس در زندان اوین، به زندان قرچک ورامین تبعید شدند . این در حالی ست که به نقل از زندانیان، وضعیت زندان قرچک بسیار نامناسب و غیرقابل تحمل است . کبری بنازاده امیری، 56 ساله، دی ماه ۱۳۸۷ در فرودگاه امام خمینی تهران هنگامی که قصد سفر به کشور عراق را داشت، همراه ۱۸ تن دیگر بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد . اتهام آنها عزیمت به قرارگاه اشرف در عراق و دیدار با فرزندانشان عنوان شده است که به همین دلیل حکم ۵ سال زندان همراه با تبعید به زندان رجایی‌شهر را از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه دریافت کرد.

هم چنین در مشهد، صبح روز ۲۱ تیرماه ، مأموران امنیتی با حمله به منازل شهروندان بهائی خشایار تفضلی، شایان تفضلی و سینا اقدس زاده را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند . جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی محل نگه داری این افراد و اتهامات ایشان را نامشخص اعلام کرده است .

—

ناکامی جنبش 18 تیر و ضرورت آمادگی برای خیزش نابهنگام

2012-07-17 · Archive ID 1005
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1005

علی افشاری

13 سال از فاجعه 18 تیر 1378 می گذرد. جنبش دانشجویی ایران هنوز داغدار حمله عوامل پیدا و پنهان حکومتی به کوی دانشگاه تهران است. در طول این 13 سال نه تنها آمران و مجریان هتک حرمت دانشگاه و تخریب وحشیانه خانه دانشجویان محاکمه ومواخذه نشدند بلکه برصدر نشستند و حامیان آنها اکثر مصادر مهم تصمیم گیری در خصوص دانشگاه و دانشجویان را پس از سوم تیر 138 اشغال کردند.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی حقایق پرونده کوی دانشگاه را وارونه جلوه داد. و دانشجویان را به خاطر دفاع از کیان دانشگاه و حقوق شان در جایگاه متهم نشاند. در نهایت نیز همه تهاجم ها ،تخریب ،ضرب و شتم ها ،فحاشی و هتک حرمت ها تنها به سرقت یک ریش تراش توسط سرباز وظیفه ای گمنام و بی پناه تنزل یافت.

جنبش اعتراضی 18 تیر نتوانست به اهدافش برسد و ناکامی آن باعث گسترش تهاجم دستگاه سرکوب به دانشگاه ها شد. اما در عین حال در سطح دیگری زمینه ساز رشد مبارزات دموکراسی خواهانه و تعمیق آن در بطن جامعه شد. پربیراه نیست اگر بگوئیم که جنبش سبز گسترش حرکت 18 تیر در ابعادی وسیع تر بود. که باز دانشجویان دانشگاه تهران در مقیاسی کوچکتر در خرداد 1388 تاوانش را پس دادند. نیرو های لباس شخصی با حمایت نیروی انتظامی باز به خوابگاه دانشجویان تهران حمله کردند. و جمع زیادی از دانشجویان را بعد از توهین و ضرب و شتم به صورت فله ای بازداشت کردند.

نافرجامی 18 تیر عوامل مختلفی داشت که برخی از آنها با ناکامی جنبش سبز مشترک هستند. نابهنگامی ، ماهیت غیر منتظره و انفجاری آن حرکت یکی از دلایل مهم است . از آنجا که این عامل می تواند چالشی پیش روی هر حرکت اعتراضی بالقوه و محتمل جنبش های اجتماعی باشد ،لذا لازم است که بدان پرداخته شود.

در سالیان اولیه دوران اصلاحات خوابگاه دانشگاه تهران که مجتمع بزرگی است و هزاران دانشجو را شامل می شود،اعتراض هایی را نسبت به فعالیت های حکومت علیه آزادی ها، جامعه مدنی مقتدر و دفاع از جنبش اصلاح طلبی دوم خرداد سازمان می دادند. این حرکت ها حالت خودجوش داشت و اغلب پای تشکلی دانشجویی درمیان نبود. معمولا دانشجویان به بیرون از محوطه کوی می آمدند و سرانجام با گفتگویی که بین آنها و پلیس منطقه امیر آباد تهران صورت می گرفت به کوی دانشگاه تهران بر می گشتند و حادثه ای رخ نمی داد.

اما حمله به کوی دانشگاه حالتی غافلگیرانه داشت. در شب حادثه نیز فرخ شفیعی دانشجوی وقت دانشگاه تهران از ساکنان کوی خواسته بود تا بیرون بیایند و به تعطیلی روزنامه سلام اعتراض کنند. اما حضور لباس شخصی ها ،گروه فشار و یگان ویژه نیروی انتظامی وضعیت جدید و بی سابقه ای را پدید آورد. بالا گرفتن تنش بین آنها و دانشجویان منجر به بروز فاجعه حمله و تخریب بی رحمانه کوی دانشگاه تهران شد.

شدت تخریب، ضرب و شتم و بی حرمتی به دانشگاه ،جنبش دانشجویی،دانشگاهیان و مردم ایران را به خشم آورد. که منجر به گسترش جنبش اعتراضی بزرگی شد که در مقیاس خود پس از حوادث سال 1360 بی سابقه بود. واکنش گسترده و خشم آلود دانشجویان و مردم مورد انتظار طراحان حمله به کوی دانشگاه نبود. البته به طور کلی بروز انزجار عمومی درمورد حمله به کوی دانشگاه فراتر از تصور تمامی ناظران و کنشگران عرصه سیاسی ایران بود.

این شرایط دفتر تحکیم وحدت و جنبش دانشجویی را به شدت تحت فشار قرار داد. پتانسیل حرکت ناگهانی 18 تیر بسیار بیشتر از ظرفیت و توان این تشکل و اساسا جنبش دانشجویی بود.

هیچ تشکل دانشجویی برای چنین موقعیت بزرگی آمادگی نداشت. رفتارها از ابتدا عکس العملی بود. همین وضعیت در حال حاضر نیز ممکن است رخ دهد. فقدان توسعه سیاسی و نبود احزاب قوی و ریشه دار و الگوی مطلوب سیاست ورزی حکومت منجر به شکل گیری و تداوم "جامعه ای توده وار" شده است.

شرایط بسته سیاسی نیز کنش و واکنش این جامعه توده وار را همواره در وضعیت پیش بینی نا پذیر قرار داده می دهد. انگار تکلیف همه چیز در مملکت تا اطلاع ثانوی نامشخص است. به خصوص در شرایط کنونی کشور که تمامی شاخص های بی ثبات ساز و نظم گریز به نحو چشمگیری در حال اوج گیری است. امکان پدید آمدن وقایعی چون کوی دانشگاه، یا اعتراض به تقلب های انتخاباتی و یا اعتراض به فقر و گرانی سرسام آور محتمل است.



ضرورت تأمل در چگونگی آمادگی

اکنون در برابر این اتفاقات غافلگیر کننده چه باید کرد ؟ در واقع آسیب شناسی جنبش اعتراضی ناکام 18 تیر باید بتواند با بهره گیری از تجارب این جنبش پاسخ مناسبی به این مسئله بدهد که هنوز گریبان گیر جامعه و به خصوص نیرو های تحول خواه است.

این نیاز وجود دارد تا فعالان سیاسی و نیرو های نخبه در جنبش های اجتماعی به روش ها و رهیافت هایی برسند که یاریگر جامعه در این تندبادها باشند. و گرنه وقتی طوفان های اجتماعی به راه می افتند و چون امواج خروشان سیل همه چیز را از سر راه خود بر می دارند، دیگر نمی توان تاثیرگذار بود. و حرکت را به سمت ساحل موفقیت رهبری و مدیریت کرد. در چنین شرایطی بی نظمی حاکم بر حرکت احتمال نافرجامی آن را بسیار بالا می برد. و امکان به بار نشستن و نتیجه مثبت از دل انفجار اجتماعی را کمرنگ می سازد.

بنابراین در وهله نخست باید به آماده سازی پرداخت. مانند تمرین تیم های فوتبال قبل از آغاز بازی های بزرگ. بدون آنکه شتابزده و بدون برنامه به عمل گرایی صرف و روزمرگی پرداخت. باید به ذخیره سازی نیرو ها و تشویق همه در هر جایگاه و در هر سطحی که هستند،اقدام کرد. تا با توسعه ارتباطات بتوان به برقراری و حفظ روابط سازمان یافته پرداخت.

تشکیل شبکه‌های کاری هر چقدر هم کوچک و کم تعداد باشد با اجتماع و پیوند با یکدیگر می تواند در روز موعود به کار آید.

دیگر عنصر مهم پرهیز از حرکت های سریع و بی نتیجه در چنین ایامی است. باید کوشید تا نیرو های معترض به میدان آمده و متمرکز شوند تا با حداکثر سرعت سامانی بین آنها برقرار گردد . البته در عین حال باید سعی کرد تا غلیان احساسات جمعیت عاصی تخلیه شود و فرصتی برای ابزار هیجان و احساسات خشم آلود در مسیری کنترل شده و هدایت پذیر خلق شود.

تدوین طرحی جامع و کارساز در این خصوص فراتر از وقت و توان در این مطلب است. اما پرداختن به این بحث در بین فعالان برجسته سیاسی و اجتماعی و همفکری میان آنها می تواند متاع مناسبی را تولید کند تا توشه روز مبادا باشد. و چون ابزاری مطمئن برای عدم تکرار ناکامی های گذشته مورد استفاده قرار گیرد.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

فرایند رشد جنبش های اجتماعی مطالبه محور

2012-07-20 · Archive ID 1008
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1008

علی افشاری

جنبش های اجتماعی مطالبه محور فرایند رشد، قبض و گسترش ویژه ای دارند . آنها به صورت ناگهانی متولد می شوند . این ظهور لزوما حالت فراگیر ندارد بلکه می تواند از حرکت های خیلی کوچک شروع شود . اما موفقیت این حرکت ها می تواند به سرعت تکثیر شده و الگوی آنها در محیط های مشابه بکار گرفته شود .

از بررسی روند رشد این جنبش ها می‌توان گفت که آنها مسیر توسعه و فراگیری را به صورت خطی و رشد تدریجی مرحله ای با آهنگی تقریبا یکسان طی نمی کنند بلکه حالت نمایی دارند که آهنگ رشد هر مرحله به نحو چشمگیر و قابل مشاهده ای بیشتر از مرحله قبل است . در واقع رشد آنها به مانند وزش طوفان در یک بازه زمانی طولانی است . فضایی که آرام و بی حرکت تصور می شد . ناگهان جنب و جوش جدید و غیر منتظره ای پیدا می کند و شرایط در صحنه کاملا عوض می گردد .

معمولا این جنبش ها از فعالیت های کوچک آغاز می شوند . شکل گیری این حرکت ها به وجود افرادی با اراده تغییر ،دارای باور قوی به اهداف جنبش و توانایی در کار جمعی و هم چنین وجود شرایط زمانی و محیطی مساعد نیازمند است . به محض اینکه این حلقه شکل گرفت و توانست در قالب یک بازیگر جدید صحنه آرایش نیرو ها در محیط مورد نظر را دگرگون سازد، آنگاه تداوم فعالیت این حلقه باعث رشد و گسترش آن شده و در سطحی بالا تر به محیط های مشابه تعمیم می یابد .

در مرحله تعمیم و گسترش شبکه های ایجاد شده به هم پیوند می خورند و سپس در یک اتفاق بزرگ تهییج کننده و وحدت بخش، جنبش به نقطه اوج خود می رسد . این اتفاق در اصل حالت یک آئین و نماد ویژه برای همبستگی و متحد شدن بدنه جنبش حول خواسته ها است و می تواند الهام بخش اعضا برای تلاش و ایثار بیشتر و هم چنین پیوستن نیروهای جدید گردد .

بررسی شرایط رشد و بزرگ شدن جنبش های اجتماعی مطالبه محور چگونگی تولد، اوج گیری و احیای یک جنبش را مدنظر دارد . و هم درواقع برای سازماندهی یک جنبش توجه به اهمیت این خصوصیت‌ها ضروری است .

برای مثال می‌دانیم که شمار قابل توجهی از کنشگران اجتماعی و سیاسی بخصوص پس از تجربه جنبش سبز در پی برپایی تحولی بزرگ هستند و تحرک مجدد حرکت اجتماعی را در قالب حرکت های اعتراضی فراگیر جستجو می کنند .

در صورتی که فرایند رشد و نمو جنبش های اجتماعی لزوما اینگونه نیست . دراین جنبش ها حرکتی کوچک به سرعت بزرگ می شود . و بزرگ نیز در صورت عدم موفقت دیری نمی پاید که محو می شود . روند نزول این دگرگونی ها نیز به مانند رشد آنها به صورت نمایی بوده و شتاب منفی تندی را طی می کند .

نگاهی به عملکرد جنبش های اجتماعی مطالبه محور در دهه گذشته در ایران در این خصوص روشنگر و آموزنده است . برای مثال سه حرکت مورد بحث قرار می گیرد .



جنبش دانشجویی

نخست نقش تحول و تجربه جدید انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر به عنوان یک نهاد مدنی در سال های اولیه دهه هفتاد شمسی و نقش آن در احیا و گسترش چشمگیر جنبش دانشجویی مورد بررسی قرار می گیرد .

انجمن های اسلامی دانشجویان در برخورد های صورت گرفته با جناح چپ پس از آغاز رهبری خامنه ای به حاشیه رانده شدند . برخی از آنها تعطیل شدند، بعضی فعالیت های شان کاهش یافت و شماری دیگر نیز توسط دفاتر رهبری در دانشگاه ها قبضه شده بودند .

برای مثال اعضاء وقت شورا ی مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک در سال 1370 با اتهام توطئه بر علیه دولت هاشمی رفسنجانی بازداشت و با آنها برخورد امنیتی شد . این رویداد کم سابقه برای دو سال این انجمن اسلامی را در محاق تعطیلی فرو برد .

اما در سال 1372 جمع جدیدی به این نهاد وارد شدند . طیف متنوعی از نسل جدید، اعضایی که در مبانی نگرش سیاسی و عقیدتی شان تجدید نظر کرده بودند، و هم دانشجویان قدیمی با تجربه تحصیل در پیش از دوران انقلاب فرهنگی حضور داشتند . این تنوع باعث شکل گیری نوع جدیدی از فعالیت دانشجویی شد که شباهت به فضای پیش از انقلاب فرهنگی داشت و حالت جنبشی و مستقل از نهاد های رسمی حکومت را دنبال می کرد .

تجربه موفقی که در فضای دانشگاه رشد کرد و با جلب اعتماد دانشجویان باعث شد تا در وهله نخست به نیرویی تبدیل شود که به هیچوجه انکار شدنی نبود . و توانست در مرحله بعد موازنه قوا در داخل دانشگاه را به نفع خود تغییر دهد .

حرکت‌های اعتراضی موفق این انجمن باعث شد تا در دفتر تحکیم وحدت جایگاهی پیدا کند . تجربه مشابه ای در دانشگاه های علامه طباطبایی و شیراز نیز پی گرفته شد . اما دانشگاه پلی تکنیک دراین مسیر جلو دار بود . این مجموعه که در سال 1375 در داخل دفتر تحکیم وحدت در اقلیت محض بود، فراکسیون مدرن ر ا برپا کرد . فعالیت فراکسیون مدرن دفتر تحکیم وحدت و سپس کلیت این مجموعه ضمن اینکه منجر به تحرک جنبش دانشجویی گشت توانست فضای بسته جامعه ر انیز بشکند . به این مفهوم که دعوت از نیروهای سیاسی منتقد و جامعه روشنفکری به داخل دانشگاه و ایجاد بستر ارتباطی میان دانشجویان و نخبگان باعث ایجاد امید و پویایی در جامعه گشت . هم چنین مشکلات مردم و مطالبات اجتماعی نیز در محیط های دانشجویی مطرح می شد و

همین امر باعث افزایش اعتماد و توجه افکار عمومی به دانشگاه شد، که در ظرف کمتر از سه سال به فراکسیون اکثریت تبدیل گ شت . این رشد سریع مرهون کاربست تجربه موفق انجمن اسلامی پلی تکنیک در دیگر دانشگاه ها بود و سرانجام جنبش دانشجویی با تجمع نیروها توانست قدرت ویژه ای کسب کند .

جنبش زنان

نمونه دوم مورد بررسی دراین بحث، تجمع اعتراضی فعالان حقوق زنان در موعد تبلیغاتی انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در سال 1384 است . جنبش زنان از فرصت انتخابات استفاده کرد و برای اولین بار پس از سال های 1358- 1357 حرکتی مستقل حول خواست های خود به صورت غیر رسمی در مقابل سردر دانشگاه تهران برگزار کرد . این حرکت اعتراضی که با خشونت نیروهای دولتی مواجه شد، نقش موثری در گسترش و رشد جنبش زنان و تشدید فعالیت های آن در حد فاصل سال های 1384- 1387 داشت .

جنبش کارگری

اعتصاب رانندگان سندیکای اتوبوس رانان شرکت واحد تهران واقعه دیگری است که برای چند سال جنبش کارگری را در شکل آگاهانه و سازمان یافته خود تحرک بخشید . این حرکت با جمع شدن جمعی از رانندگان، ابتکار عمل و شجاعت آنان آغاز شد . آن‌ها خیلی زود توانستند با جلب اعتماد اکثریت اعضاء سندیکا و هم چنین علاقمندان و پشتیبانان جنبش کارگری الهام بخش حرکت های اعتراضی و صنفی کارگران در حوزه های مختلف صنفی شوند .

این موارد نشان می دهند که جنبش های دانشجویی،زنان، کارگران و دیگر نمونه های مشابه می توانند از حرکت های کوچک ولی منظم و هدفمند به مثابه یک جرقه آغاز شوند و در سایه استمرار و مدیریت درست فعالیت ها سریع رشد کنند . این ویژگی فقط ناظر به دوران آغازین فعالیت این حرکت ها نیست . با توجه به قدمت دیرینه این جنبش ها در کشور، هرگاه که دچار رکود و کم تحرکی می شوند، باز احیاء و حرکت مجدد شان عمدتا از همین قاعده تبعیت می کند .

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است . نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست .

—

اعترافات فردی سنگ بنای ایجاد کمیسیون حقیقت یاب

2012-07-23 · Archive ID 1020
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1020

عرصه سوم - « من حالا می فهمم خروج یک کمپرسی جنازه جوانان هجده و نوزده ساله ازدرزندان اوین درسال شصت و هفت هیچ تعریفی جز جنایت نداشته و من که سالها پیش این کمپرسی های پرازجنازه را به چشم خود دیده بودم وآن را به اسم ضرورت انقلابی توجیه کرده بودم، یک کور به تمام معنا بوده ام . کوری که به صورت ظاهر چشم داشته اما جنایت را به ضرورت تفسیرکرده و از روی خون بچه های مردم گذشته و بر آن پا نهاده است .

ضرورت انتقاد از خود برای ایجاد فرهنگی دموکراتیک

بدیهی است که ایجاد فرهنگی دموکراتیک درجامعه بر مبنای موازین شناخته شده بین‌المللی به تلاش دراز مدت نیاز دارد. کار آموزشی در زمینه ایجاد هنجارهای بشر دوستانه درافراد، مقابله با خشونت، سنت‌های ضد انسانی، خرافات و قوانین ناعادلانه پروژه ای دراز مدت و دائمی است. به رسمیت شناختن حقوق برابر شهروندان دربرابرقانون، از میان بردن قوانین ناعادلانه و دریک کلام مبارزه با هر آنچه که مبنایش تبعیض، تحقیر و فرودستی است به آگاهی و داشتن وجدان فردی و جمعی، افشاگری موارد تبعیض درتمام سطوح جامعه و راه کارهای جدید نیاز دارد. تنها با تحولات سیاسی و اقتصادی نمی‌توان فرهنگ دموکراتیک را درجامعه و در اذهان تک تک شهروندان درونی و نهادینه کرد. جامعه ما درسی سال گذشته با بحران های مختلف اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی دست بگریبان بوده است. فقدان آزادی‌های اجتماعی برای اقشار مردم، احزاب و سازمان ها و تک تک افراد هنوز از معضلات اساسی درجامعه ما است. به تبع آن در هر مقطعی با توجه به افزایش سرکوب دولتی اعتراض فردی و عمومی به روش‌های مختلف تداوم یافته و همچنان ادامه دارد.

برای ایجاد آزادی وعدالت درایران بهایی سنگین و جبران ناپذیر پرداخت شده است. اوج گیری خشونت کور در اولین سال‌های پس از انقلاب و سرکوب نیروهای دگر اندیش جامعه ما را در مقاطع گوناگون دربحرانی عمیق فروبرد. خون های زیادی ریخته شد. بسیاری از کارگزاران و مسئولان دولتی که شاهد عینی فجایع اتفاق افتاده بودند سکوت کردند. بسیاری از آنان چشمان خود را بسته و حاضر افشاگری درسطح جامعه نشدند.

ناکامی و سرخوردگی بخش بزرگی از جامعه در مشاهده عدم تحقق اهداف انقلاب بهمن 57 و معضلات روزمره در دوران اوج گیری جنبش اصلاحات منجر به تحول فکری درمیان کسانی شد که درآغاز انقلاب به اعتقادات ایدئولوژیک و مذهبی خود سخت باور داشتند و آن را حقایق ابدی، غیرقابل تردید و الهی می دیدند. درمیان بسیاری که با توسل به ضروری بودن زیر پا گذاشتن موازین قانونی در دفاع از انقلابشان در برابر ناحقی ها و سرکوب ها سکوت کرده بودند. اما تحولات بعدی جامعه بتدریج باعث فروپاشی دنیای ذهنی آن‌ها شد. از نتایج این بازگشت به خویش، تامل در رفتار و کردار و بازنگری در حقایق مسلم و واقعیت‌های پیش رو و پشیمانی از گذشته‌ای دردناک است.

آخرین انتخابات ریاست جمهوری درایران درسال 88 و حوادث خونین آن باردیگر خاطره دور حوادث سالهای اول پس از انقلاب را زنده کرد. گروهی از همکاران و مدافعان جمهوری اسلامی که همواره به دلیل منافع شخصی، ناآگاهی، تعصب، و یا توسل بر ضرورت‌ها و مصلحت ها، واقعیات مسلم جامعه را انکار و نادیده می‌گرفتند، باردیگر به خود آمده و با وجدان خود درگیر شدند. در این میان بررسی و انتقاد از سیاست‌های حکومتی به شیوه‌های جدید و اغلب فردی درمیان یاران حکومت افزایش یافت.

به طور مثال کمپین نامه نویسی محمد نوری زاد و اقدامات مشابه از جمله این پیامدهاست. ابتکاری که به سرعت مورد استقبال قرار گرفت و بازتاب وسیعی یافت. انتشار نامه‌های انتقادی نوری زاد و همه کسانی که از این ابتکار استقبال کردند. قدم موثری در ایجاد حساسیت در افراد و احساس مسئولیت درقبال جامعه است. اینکه ما درهر موقعیت و مقامی که هستیم بتوانیم به سنجش اعمال خود و افراد مسئول به عنوان یک وظیفه ملی عمل کنیم. و حق انتقاد را از حقوق شهروندی خود بدانیم.

اعترافات افرادی که دربازنگری به گذشته و انتقاد از راه و روش فکری خود به صراحت به فجایع آن سالها و عواقب آن اذعان دارند، بدون شک گام بزرگی در راه بازخوانی حوادث انقلاب و روشنگری و افشاگری در مورد آنچه بر مردم گذشته، می باشد. انتقاد از خود، تشریح افکار و افشاگری در مورد فساد و تباهی مشروعیت یافته در افراد مسئول و یا سیستم حکومتی بدون شک قدم مهمی در ایجاد فرهنگی مبتنی بر عدالت، حقیقت و دفاع از حقوق مردم است. روشی که باید تکثیر شود و گام اولیه در راه ایجاد کمسیون حقیقت یاب برای کشف و ثبت ناگفته ها شود.

د رنامه ای تکان دهنده که اخیراً توسط یکی از سرداران اخراجی سپاه نوشته شده و درسایت محمد نوری زاد منتشر شده می خوانیم که :

"ذهن مارا جوری تربیت کرده بودند که ما سالهای متمادی خیانت را درامتداد خدمت معنا می کردیم. چماقی درست کرده بودند از امام و آقا و هرکجا که کارشان گره می خورد با آن چماق برسراعتقادات و باورهای ما می زدند و ما را به ضرب و زور مجاب می کردند.
من ازامروز که به دیروز خودم نگاه می کنم می بینم مردم کوچه و بازار چه راحت قضایا را تحلیل می کردند و جای ظالم و مظلوم را مشخص می کردند. درحالی که همین قضایا پیش روی ما هم بود و ما تحلیل آنها را به راههای پرپیچ وخم و مسیرهای ازپیش تعیین شده می بردیم وبه نتیجه دلخواه خود می رسیدیم."

این سردار اخراجی سپاه پاسداران دربخش دیگری از نامه اش می نویسد:

"من حالا می فهمم خروج یک کمپرسی جنازه جوانان هجده و نوزده ساله ازدرزندان اوین درسال شصت و هفت هیچ تعریفی جز جنایت نداشته و من که سالها پیش این کمپرسی های پرازجنازه را به چشم خود دیده بودم وآن را به اسم ضرورت انقلابی توجیه کرده بودم، یک کور به تمام معنا بوده ام. کوری که به صورت ظاهر چشم داشته اما جنایت را به ضرورت تفسیرکرده و از روی خون بچه های مردم گذشته و بر آن پا نهاده است.
این نامه را بخاطراین برای تو می نویسم که به مردم بگویم هنوز نیز درسپاه سرداران و افسرانی هستند که نسبت به جنایت ها وخیانت های سپاه حساس و معترضند و مانده اند تا روزی به مردم بپیوندند که ضرورت آن بیشتر از امروز است. روزی که سپاه خواه ناخواه به روی مردم آتش خواهد گشود وپرونده اش را به خون مردم خواهد آلود تا شخصیت دریده ای که پیدا کرده کامل شود.
یکی از جرم های من می دانی چه بود؟ "تکثیر و انتشارنامه اول ودوم وسوم نوری زاد درمیان سرداران سپاه و خانواده پاسداران". البته من این کاررا انکارنکردم. با اولین قطره خونی که ازمردم کوچه و خیابان به زمین ریخته شد همین تردید ها و ترک خوردن های مورد نظرتو مثل خوره به جان من و امثال من هم افتاد. تو شانس این را داشتی که رسما ازمردم عذرخواهی کنی و ما به هزاردلیل که عمده ترینش شرم فراوان و نداشتن شهامت است، این عذرخواهی را به فرصتی که نمی دانم کی فرا می رسد موکول کردیم."

—

داشتن فضایی از آن خود درحوزه عمومی

2012-07-24 · Archive ID 1028
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1028

عرصه سوم - داشتن فضایی ازآن خود در جامعه بخشی از حقوق بدیهی و انسانی شهروندان هر کشور است. فضایی که افراد بتوانند با خیال آسوده در آن تردد کنند. تمام شهروندان زن و مرد درشهر و یا روستایی که درآن ساکن هستند باید بتوانند در پارک، رستوران،کافه، کتابخانه و اماکن دیگر به آزادی، راحتی و در امنیت آمد و شد کنند، و از خدماتی که به آن‌ها عرضه می‌شود، استفاده کنند. محروم کردن شهروندان از آزادی اجتماعی و استفاده از فضای عمومی به بهانه جنسیت و یا ارزش‌های مذهبی و فرهنگی حاکمیت اسلامی در تقابل با ارزش های دموکراتیک و مصوبات حقوق بشری جامعه بین‌المللی است.

افزایش کنترل پوشش، تحمیل ارزش‌های رفتاری تبعیض آمیز برای شهروندان زن در حوزه عمومی و یا طرح ضربتی در کنترل اماکن تردد شهروندان در هفته‌های اخیر درصدرخبرها بود. ازجمله می‌توان به طرح مجدد تفکیک جنسیتی درفضای آموزشی، یا تشدید برخورد با نوع حجاب زنان در کنترل آنان در هنگام ورود به برج میلاد در تهران برای شرکت دربرنامه های هنری اشاره کرد.

اکنون این محدودیت‌ها با طرح ضربتی بستن رستوران‌ها و قهوه خانه‌ها در منطقه فرحزاد تهران ادامه پیدا کرده اند.درخبرهای روز شنبه این هفته بود که ماموران پلیس امنیت، پلیس اماکن و پلیس امنیت اخلاقی به صورت مشترک دراین طرح حضور داشتند و پس از بررسی صد رستوران سنتی و قهوه خانه، دستور پلمب کردن و بسته شدن 87 مکان را صادر کرده اند. در اجرای این طرح هم تأکید ویژه بر دستگیری زنانی بود که به زعم نیروی انتظامی «بدحجاب» نامیده می‌شوند. از جمله دلایل بسته شدن این مکان ها که محل رفت و آمد و تجمع اقشار گوناگون است، به عدم رعایت شئونات اسلامی و قلیان کشیدن زنان اشاره شده است. پلیس اعلام کرده است که این طرح درتمام محلات تهران به اجرا درخواهد آمد.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در اردی بهشت ماه امسال در اطلاعیه ای از شرکت 70 هزار پلیس درطرح امینت اخلاقی خبر داده بود. احمد روزبهانی رئیس پلیس امنیت اخلاقی گفته بود که عدم رعایت حجاب و داشتن ماهواره ازجمله موارد «نقض حقوق شهروندی» است که با آن به شدت مقابله خواهد شد.

نقض حقوق شهروندی و مقابله همگانی

با این مقدمه لازم است در مورد محدودیت گسترده حقوق شهروندان در فضای عمومی شهرهای بزرگ ایران از منظر حقوق انسانی افراد در یک جامعه دموکراتیک بحث کرد. درسه دهه گذشته جامعه ما ناظر نقض ابتدایی

ترین حقوق افراد درزمینه استفاده از فضای عمومی و شهری است. اقشار مختلف جامعه، شهروندان متعلق به طبقات متوسط، و به‌خصوص زنان و جوانان که آگاهانه خواهان استفاده از حق بدیهی و طبیعی خود در فضای عمومی هستند، روزانه با قوانین دست و پاگیر، اما و اگرهای نامحدود درزمینه چگونگی حضور و استفاده از خدمات در جامعه روبرو هستند. دراین میان شهروندان زن با معضل کنترل حجاب و رفتار فردی با محدودیت‌های بی حد و حصر بیشتری از سوی نیروی انتظامی درگیرند. آنان به عناوین گوناگون مورد تبعیض قرار گرفته و مجازات می شوند.

سرخوردگی و بیزاری اقشار جوانتر جامعه از کنترل شدید رفتار و اعمال خود در حوزه خصوصی و عمومی، یا در کافه ها، رستوران‌ها و مکان های دیگر تنها به ناامیدی، افسردگی و دلزدگی فردی محدود نمی‌شود. بلکه یکی از نتایج این سیاست صد چندان شدن نیاز و حسرت برای آزادی فردی است. بدون شک یکی از دلایل اصلی مهاجرت جوانان و فرار مغزها از کشور نبودن آزادی و امنیت فردی شهروندان درجامعه است. تجربه‌های عینی در دنیای معاصر نشان می‌دهند که هیچ کشوری بدون تأمین آزادی کامل فردی و اجتماعی برای شهروندان خود قادر به پیشرفت و کسب مقامی درخور در جهان امروز نخواهد بود.

داشتن فضایی از آن خود در مکان های عمومی یکی ازابتدایی ترین حقوق شهروندی است. محلی برای نشستن یا غذاخوردن، برای قدم زدن یا مطالعه، برای دیدن فیلم و یا شنیدن موسیقی، یا بازی کردن، تفریح کردن و غیره. نداشتن فضایی برای خود در جامعه و الزام و اجبار به رعایت قوانینی که نه مبنای عقلانی و نه مبنای انسانی دارند، شهروندان را تنها به اطاعت از قوانین از ترس مجازات وادار نمی‌کند، بلکه آنان را بیشتر به مقابله با وضعیت موجود می کشاند. جامعه ما در سه دهه گذشته بارها شاهد اعتراضات فردی و عمومی به ایجاد محدودیت‌ها دراین زمینه ها بوده است. این اعتراضات به اشکال گوناگون و گاه خود به خود به وجود آمده و گسترش می یابند تا فضای امنیتی موجود را نادیده گرفته و هم نظم مبتنی بر قوانین ناعادلانه را منکر شوند. به این مفهوم از منظر مطالعات جامعه شناختی به تعبیر نانسی فریزر،این وضعیتCounterpublics یا «مقابله همگانی» را ایجاد می کند. او بخصوص از زنان به عنوان شهروندان محروم از داشتن فضای اجتماعی برای خود، یاد می کند.

واکنش اعتراضی شهروندان تهرانی به تحمیل اخلاق خشک مقدسانه در ماجرای آب بازی درپارک های تهران درتابستان گذشته مثال خوبی برای بررسی نحوه به وجود آمدن مقابله همگانی است. در فرهنگی که درآن هرگونه آزادی رفتاری، تحرک، شادی و نشاط شهروندان در حوزه اجتماعی حرام و جرم محسوب می‌شود، شهروندان با حرکتی خود جوش و با به راه انداختن آب بازی در پارک‌های تهران به مقابله با نداشتن آزادی تفریح دسته‌جمعی درفضای عمومی پرداختند. بازی سمبلیک در اعتراض و رد فرهنگ تحمیلی به سرعت درمیان بخشی از مردم طرفدارانی پیدا کرد و همه گیر شد. تصاویر این حرکت خود جوش هم خیلی سریع در سایت‌ها پخش شد. واکنش نیروی انتظامی در کنترل و ممنوع کردن آب بازی هم نشانگر حساسیت شدید کارگزارن دولتی به هرنوع حرکت دسته‌جمعی و حتی حرکاتی معصومانه از این دست است.

تشدید کنترل زنان به بهانه پوشش در هفته‌های اخیر و واکنش اعتراضی گروهی از مخالفان حجاب اجباری در به راه انداختن یک کمپین اینترنتی علیه حجاب اجباری مثال دیگری در توضیح مقابله همگانی شهروندان با سیاست‌های تبعیض آمیز و خشن است. کمپینی که به سرعت در رسانه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفت.



قهوه خانه ها، رستوران‌ها و یا هر مکان عمومی دیگر متعلق به همه شهروندان یک شهر هستند. به این مفهوم که شرکت افراد درزندگی اجتماعی و حضور آن‌ها در حوزه مدنیت در هر جامعه از طریق حق حضور افراد دراین اماکن رسمیت می یابد. در فضای عمومی مردم حق اجرای فعالیت‌های روزمره زندگی‌شان را دارند و این اماکن متعلق به یک جنسیت خاص نیستند. بر طبق قوانین جاری در جمهوری اسلامی نمی‌توان زنان را ازحضور در مراکز خدماتی به بهانه نوع پوشش و یا نوع رفتار محروم کرد. قلیان کشیدن زنان بخشی از سنت مردم در سراسر ایران است و نمی‌توان هیچ دلیلی برای نقض شئونات اسلامی درآن یافت. درهیچ کدام از اصول تدوین شده قوانین کشور از قلیان کشیدن زنان به عنوان عملی خلاف ارزش‌ها و شئونات اسلامی نام برده نشده است. تعطیلی مراکز خدماتی با توسل به این گونه دستاویزهای غیر اصولی و بی بنیان نقض حقوق قانونی شهروندان و هم صاحبان این مراکز است.

این نیروهای انتظامی درجمهوری اسلامی و نه شهروندانند که حقوق مردم را نقض می کنند.

—

کارزار فعالان مدنی علیه حجاب اجباری

2012-07-27 · Archive ID 1043
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1043

گفت‌وگو با سحر رضا زاده و مسیح علی‌نژاد

عرصه سوم- رضا حاج حسینی: “ نه به حجاب اجباری ” نام کمپینی است که از بیستم تیر ماه امسال، با انتشار فراخوانی فیس‌بوکی کار خود را آغاز کرده است . گرچه مدت کوتاهی از آغاز به کار این کارزار مدنی می‌گذرد، اما در همین مدت، افراد بسیاری از داخل و خارج از ایران با آن همراه شده‌اند . شعار این کمپین “ حجاب اختیاری، حق زن ایرانی ” است و چهره‌های شاخصی از میان گروه‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از آن حمایت کرده‌اند .

“فرشته قاضی”، روزنامه‌نگار، در گزارشی درباره این کمپین که در “روزآنلاین” منتشر شده است با اشاره به سخنرانی روز ۲۰ اسفند سال ۱۳۵۷آیت‌الله “سید محمود طالقانی” که در آن بر اختیاری بودن حجاب تاکید شده است، می‌نویسد: “۳۳ سال پیش که این سخنان آیت‌الله طالقانی در روزنامه اطلاعات منتشر شد شاید کم‌تر کسی تصور می‌کرد انقلاب در اولین گام‌ها، آزادی پوشش را از زنان ایرانی سلب کند و برخورد با زنان بدحجاب، به زعم حکومت، به یک شغل در جمهوری اسلامی تبدیل شود، صحبت درباره آزادی پوشش و مخالفت با حجاب در رسانه‌ها ممنوع و به تابو تبدیل شود و گذار بسیاری از شهروندان به دلیل مورد پسند واقع نشدن پوشش آن‌ها از سوی حکومت، به اداره اماکن و پلیس بیفتد.”

کارزار “نه به حجاب اجباری” برای اعتراض به سیاست تحمیل پوشش اسلامی شکل گرفته است. “سحر رضازاده”، سخنگوی این کمپین که فارغ‌التحصیل دانشگاه “علامه طباطبایی” است، درباره ایده شکل‌گیری این کمپین به عرصه‌سوم می‌گوید: “ایده شکل‌گیری این کمپین از سوی گروه دانشجویان و دانش‌آموختگان لیبرال مطرح شد و پس از مشورت هایی که با فعالان سیاسی و اجتماعی صورت گرفت، این کمپین کار خود را به صورت یک صفحه در فیس‌بوک آغاز کرد.”



رضازاده معتقد است این کمپینتاکنون بسیار موفق عمل کرده و در عرض چند روز بیش از ده هزار حامی در فیس‌بوک داشته: "قرار فعالیت کمپین، انتشار عکس افراد با شعار حجاب اختیاری ، حق زن ایرانی، با گرایش‌های متفاوت فکری است و بسیاری از فعالان سیاسی و اجتماعی، هنرمندان و مردم عادی با ارسال عکس از این کمپین حمایت کرده‌اند و این حمایت‌ها هم‌چنان ادامه دارد.بسیاری از افراد محجبه در داخل و خارج کشور هم عکس‌های‌شان را برای حضور در این کمپین فرستاده‌اند، که استقبال زیادی از حمایت آنان شده است."

این کمپین به جز انتشار عکس، برنامه‌های دیگری از جمله ثبت خاطره‌هایی از افراد در این زمینه و به خصوص دخترانی که با گشت ارشاد برخورد داشته‌اند را پیگیری می‌کند. هم‌چنین گفت‌وگوهایی با متفکران در باب مقوله حجاب اجباری داشته که توسط کمپین منتشر می‌شوند.

اثرگذاری در داخل

سخنگوی کمپین «نه به حجاب اجباری» درباره تاثیر این کمپین در داخل ایران می‌گوید: "در این سی و چند سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، این مطالبه به‌حق زنان، همیشه در حاشیه قرار گرفته و هیچ‌گاه به‌عنوان مطالبه‌ای اصلی در میان منتقدان مطرح نشد. هدف این کمپین جلب توجه فعالان و منتقدان از هر گروه و دسته و با هر رای و عقیده‌ای، به این مسئله است. تا به‌حال بسیاری از افراد با نحله‌های فکری گوناگون، از بخشی از روشنفکران دینی و اصلاح‌طلبان گرفته تا منتقدان بنیادی جمهوری اسلامی، فعالان زنان و غیره به تفاهم در این مورد رسیده‌اند که جای خوشحالی بسیار دارد. این کمپین همه منتقدان را دور هم جمع و جای خودش را باز کرده تا شاید در آینده ایران اثرگذار باشد. گرچه اجباری بودن حجاب از پایه‌های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی به حساب می‌آید اما این استقبال بی‌نظیر از چشم حاکمان نیز دور نخواهد ماند."

به‌نظر می‌رسد داشتن فکر و برنامه برای آینده کمپین "نه به حجاب اجباری" و ایجاد امکانی برای انتقال آن به فضای واقعی، از نکات مهم در رابطه با این کمپین باشد.سحر رضازاده در این‌باره به عرصه‌سوم می‌گوید: "ما امیدواریم این کمپین در ادامه کار هم‌چنان باقی بماند و به کار خود در قالب یک نهاد اینترنتی ادامه دهد. البتهاین را هم باید در نظر داشت که این نهاد اینترنتی مطمئنا تاثیر خود را بر فضای واقعی خواهد گذاشتزیرا امروزه به خصوص در عرصه تبادلات سیاسی- فکری، نمی‌توان حد و مرز مشخص و قاطعی میان دنیای مجازی و دنیای واقعی ترسیم کرد و به‌خصوص نقش شبکه‌های اجتماعی و تاثیرگذاری آن‌ها در برهه کنونی و اعتراضات مردمی درکشورهای مختلف، بسیار پررنگ شده است."

او در پاسخ به این پرسش که چه میزان از مشارکت‌کنندگان در این کمپین از داخل ایران هستند و آیا امکانی برای افزایش مشارکت داخلی وجود دارد یا خیر، می‌گوید: "بیش از نیمی از عکس‌های ارسالی برای کمپین از داخل ایران بوده‌اند. تا روز ۱۵جولای هم ۶۶ درصد لایک‌ها از ایران بوده که با وجود محدودیت‌ها، چه از نظر مشکلات فیلترینگ و چه از نظر رعب و وحشتی که از سوی حکومت منتقل می‌شود، جای خوشحالی بسیار دارد و نشانگر آن است که بحث حجاب اجباری به‌عنوان دغدغه‌ای مهم از سوی مردم پیگیری می‌شود."

کمپین، آینده، دیگران

گروه دانشجویان و دانش‌آموختگان لیبرال امیدوارند که کمپین«نه به حجاب اجباری»بتواند باقی بماند و به ترویج گفتمان حجاب اختیاری بپردازد و در راستای نقد هرگونه اجبار در حجاب فعالیت کند. سخنگوی این کمپین می‌گوید: "کار ما از یک جهت نیز خاص است و آن این‌که ما عکس هایی از چهره‌های مختلف داریم که شعار «حجاب اختیاری، حق زن ایرانی» روی آن درج شده است. ما این عکس‌ها را به‌عنوان سند نگاه می‌داریم تا اگر این افراد در ایران فردا، خواستند نظری غیر از نظر امروزشان داشته باشند، عکس‌شان را در برابرشان قرار دهیم."

اما یکی از کسانی که عکسش در کمپین نه به حجاب اجباری منتشر شده، "مسیح علی‌نژاد" ، روزنامه‌نگار و فعال مدنی است. خانم علی‌نژاد در متنی که زیر عکسش منتشر شده، پیشنهاد داده است که به جای فرستادن عکس، از خود زنان ایرانی دعوت شود تا خاطره‌ها و تجربه‌های‌شان در مورد حجاب اجباری را بنویسند. او در مورد انگیزه‌اش از پیوستن به این کمپین و طرح چنین پیشنهادی، به عرصه‌سوم می‌گوید:

“من در عین حال که کار این کمپین را بسیار ارزشمند می‌دانم، چون فضای گفت‌وگوی بسیار خوبی این روزها به وجود آورد، اما همیشه باورم این بوده که هیچ دسته و گروه و جریانی به اندازه خود زنان نمی‌توانند در مورد دغدغه‌های زنانه و ظلمی که در حق آن‌ها در یک جامعه استبداد زده صورت گرفته، به شیوه‌ای اثرگذار سخن بگویند. چون زنان سهم و منفعت سیاسی از این خواسته ندارند پس بی‌شک خود آنان روایت‌گران صادق‌تری هستند از تجربه سخت پوشش اجباری در ایران. برای همین هنگامی که از من دعوت شد تا عکسی برای پیوستن به این کمپین بفرستم، ترجیح دادم پیشنهادی بفرستم مبنی بر این‌که باید فراخوانی اعلام شود تا خود زنانی که باوری به حجاب اجباری ندارند شروع به نوشتن خاطره‌های خود بکنند از حجاب اجباری و تجربه پوشش آزاد در عرصه عمومی.”

زنان، خودشان بیایند

علی‌نژاد اما در شرح و توضیح پیشنهاد خود می‌گوید: “انگیزه اصلی من این بود که می‌دیدم در این کمپین آدم‌هایی با چهره‌های آشنا و ناآشنا، عکس‌های‌شان را می‌فرستند و می‌گویند که با حجاب اجباری مخالف هستند. آدم‌هایی که هم ما ، هم مخاطب و هم حکومت می‌داند که آن‌ها با حجاب اجباری مخالفند. مثلا کسی از مهرانگیز کار یا شاهین نجفی توقعی غیر از این هم ندارد که با حجاب اجباری مخالف باشند. به همین دلیل احساس کردم این کمپین موجی گذرا خواهد داشت چون بالاخره انتشار این عکس‌ها و شعارها تا کی می‌تواند ادامه داشته باشد که مخاطب را دچار یک نوع خستگی از یکنواختی نکند. اگرچه برای یادآوری مطالبه بخش چشم‌گیری از جامعه ایرانی همین قدم هم ارزشمند است اما برای ماندگاری‌اش باید خود زنان از حق‌شان به صورت فعال حرف بزنند.”

این فعال مدنی با اشاره به اجرایی شدن پیشنهادش در صفحه “برابری زن و مرد” در فیس‌بوک می‌گوید: “صفحه برابری زن و مرد که از صفحه‌های قدیمی و شناخته شده در فیس‌بوک است و مستقل از هر جریان سیاسی‌ای فعالیت می‌کند، اعلام آمادگی کرد که حاضر است تمامی خاطره‌های زنان را در این زمینه، در یک تالار گفت‌وگوی مشترک منتشر کند تا بشود اسناد تاریخی یک اعتراض مدنی و قابل تامل. این صفحه بالای ۱۳۰ هزار عضو دارد و این روزها هم می‌بینیم که فعالانه دارد مجموعه‌ای از ناگفته‌های زنان ایرانی و خاطره‌ها و انگیزه‌های ساده‌شان برای دوست نداشتن حجاب اجباری را به همراه دو عکس متفاوت از همان زنان، که یکی باحجاب است و دیگری ممکن است پس از برداشتن حجاب باشد، در یک آلبوم مشترک منتشر می‌کند. زنانی که خودشان روایت‌ها و ناگفته‌هایی را شرح می‌دهند که هم برای ما و مخاطب و هم برای حکومت می‌تواند نکاتی تازه و قابل تامل باشد. این‌که چگونه شهروندان معمولی شروع کرده‌اند از حق ساده خود برای پوشش آزاد و حذف حجاب اجباری حرف بزنند و دلایل خود را بدون هیچ انگیزه سیاسی و جناحی برای جامعه بازگو کنند تا بشود اسناد تاریخی یک اعتراض مدنی و قابل تامل، مساله‌ای بسیار قابل توجه است.”

حجاب اختیاری و جامعه مدنی

خانم علی‌نژاد در پاسخ به این پرسش که فکر می‌کنید تاثیر احتمالی چنین تجربه‌هایی در شکل‌گیری یک جامعه مدنی پرتوان در ایران چیست، به عرصه‌سوم می‌گوید: “اعتقاد دارم از فعالیت‌هایی که در شبکه‌های مجازی صورت می‌گیرد باید توقعی به اندازه خود شبکه‌های مجازی داشت. یعنی نه دچار توهم اثرگذاری مطلق شد و نه دچار وهم بی‌اثری مطلق. این شبکه‌ها و به خصوص این کمپین نمی‌تواند زنان یا مردانی که به حجاب اجباری باور دارند را با انتشار عکس و شعارهایی علیه حجاب اجباری تغییر دهد، یا نمی‌تواند در روند سیاست‌گذاری مسئولان و تصمیم گیران تاثیری بگذارد. اما قطعا می‌تواند به ایجاد یک فضای گفت‌وگوی عمومی به شکل فعالانه کمک کند. چنانچه شاهد بودیم همین روزها بحث‌هایی که زیر برخی عکس‌های خاص در این کمپین در گرفته، برای شهروندان ایرانی تمرین دموکراسی خوبی خواهد بود. ما به‌عنوان شهروندان ایرانی به دلیل زیستن در یک فضای دینی استبدادزده که همیشه مخالف را سرکوب کرده، به شکل ویژه‌ای ابتدا نیاز داریم خودمان با خودمان کنار بیایم. مذهبی و غیرمذهبی نیاز دارند که کنار هم بنشینند و گفت‌وگو کردن را مشق کنند، تا با پیش‌فرض‌ها و آمادگی بهتری مطالبات‌شان را از حکومت طلب کنند. در بزنگاه‌های مهم و برای دغدغه‌های مشترک، حداقل توافقات مردمی را در مسیر همین گفت‌وگوها شکل دهند. یعنی این جور کمپین‌ها یک جور مدرسه مدنی‌سازی و تمرین برای چگونگی طرح مطالبات مردمی است در برابر حکومتی که تا دندان در برابر همین مخالفان، مسلح است.”

—

حمایت از کودکان کار مسئولیتی جمعی است

2012-07-28 · Archive ID 1036
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1036

عرصه سوم - کودکان کار و خیابابی اصطلاحی است که در چند سال اخیر درمورد اطفالی که در معابر و فضای عمومی درشهرهای بزرگ به دست فروشی و تکدی مشغول اند، به کار می رود. معضلی درحال گسترش که آمار دقیقی از تعداد واقعی آن دردست نیست. برطبق آماررسمی سازمان بهزیستی حداقل شش هزار کودک خیابانی سال گذشته در کشور تحت پوشش این سازمان قرار گرفته اند. از این تعداد 1200 درشهر تهران بسر می برند. افزایش کودکانی که به جای رفتن به مدرسه در خیابان‌ها به گل فروشی، سی دی فروشی و غیره اشتغال دارند بسیار نگران کننده است. درشرایطی که تعداد مراکز نگه داری و آموزش کودکان بی بضاعت نیز در سطح کشور بسیار محدود است، نقش سازمان های مردم نهاد در حمایت از این گروه آسیب‌پذیر بیش از گذشته مطرح و اهمیت می یابد. اگرچه تعداد این نهادها که از پشتیبانی مالی مردم و با کار داوطلبانه آن‌ها اداره شوند نیز درشهرهای بزرگ کشور بسیار محدودند.

از سوی دیگر در گزارشاتی که هراز گاهی در روزنامه های کشور و یا از طرف سازمان های دولتی منتشر می شوند، به اخبار بسیار نگران کننده ای درمورد شیوع بیماری‌های خطرناک، اعتیاد درمیان کودکان خیابانی و سو استفاده جنسی از آنان برمی خوریم. بعضی از متخصصان امور تربیتی اذعان می‌کنند که افزایش تعداد کودکان کار درخیابان ها نه به ایجاد حساسیت بیشتر بلکه به نوعی به بی‌تفاوتی در مردم نسبت به این معضل اجتماعی منجر شده است. اقدامات مردمی درجهت حمایت و پیشگیری از این وضعیت همچنان محدود مانده اند.

بدون شک یکی از دلایل این شرایط فقدان یک برنامه‌ریزی جمعی برای آگاهی رسانی و زیر ضرب بودن فعالیت‌های اجتماعی و مدنی و محدودیت‌های متعدد دراین زمنیه است. نمی‌توان از همه مردم که خود با توجه به بحران های موجود درجامعه ایران با معضلات متعدد و شرایط اسفناک اقتصادی دست بگریبانند توقع رفع مشکلات ریشه داری از این قبیل را داشت. اما بدون تردید می‌توان از بخش آگاه و توانمند جامعه و سیاست گذاران انتظار داشت که برای حمایت از کودکان کار چاره‌اندیشی کنند. درشرایط فعلی در کل کشور 38 مرکز نگهداری از این کودکان با ظرفیت هر مرکز 40 نفر وجود دارد. بنابراین ایجاد مراکز جدید و حمایت مردمی از آن بسیار حیاتی است.

با توجه به فرهنگ رایج درجامعه ما که افراد اغلب با نظر منفی و نگاهی تحقیرآمیز با این گروه آسیب‌پذیر مواجه می‌شوند، می‌توان گفت که دردرجه اول فرهنگ سازی درمورد حمایت همه جانبه از کودکان کار بسیار اهمیت دارد. درکشورهای پیشرفته نه تنها مراکز مجهزی برای کودکان بی سرپرست و یا فقیر وجود دارد بلکه بسیاری از خانواده‌هایی که امکانات کافی دارند برای مدتی کوتاه یا طولانی به طور داوطلبانه سرپرستی و آموزش بچه‌های بی پناه را به عهده می گیرند.



انجمن حمایت از حقوق کودکان

انجمن حمایت از حقوق کودکان با سابقه بیش از ده سال کار درزمینه حمایت از کودکان یکی از پیش کسوتان دراین زمینه است. در حال حاضر «انجمن حمایت از حقوق کودکان» دو مرکز مشخص در جنوب تهران به نام‌هاي «خانه كودك ناصرخسرو» و «خانه كودك شوش» دارد. شهرداري دو ساختمان به اين منظور در اختيار انجمن قرار داده است. در طول بيشتر از10 سال، خدمات گوناگوني با جايگزيني مسئله محروميت از تحصيل و تجربه يادگيري، مسئله آموزش مهارت‌هاي زندگي، مسئله برنامه‌ريزي براي حرفه‌آموزي و از نوع خدمات شكل گرفته از جمله اقداماتي بوده كه اين انجمن براي كودكان كار انجام داده است. خدمات ديگري كه به صورت ضروري براي خانواده‌های بچه ها در جهت حمايت حداقلي از بهداشت و سلامت و مراقبت از فرزندان مورد نيز انجام شده است.

از تحقیقات متعدد در زمینه اهمیت فعالیت‌های مردمی برای حمایت از کودکان کار می‌توان نتیجه گرفت که خانواده‌های این کودکان معمولاً پس از اطلاع از نحوه کمک رسانی سازمان های مدافع کودکان به آن‌ها اطمینان کرده و با این شبکه‌ها همکاری می کنند. ایجاد کار و اشتغال برای افراد خانواده این بچه ها که اغلب بیکار، معتاد و یا بیمار هستند، یکی از راه‌های پیشگیری از فرستادن فرزندان برای کارکردن به خیابان است.

در گزارش اخیر رادیو زمانه درمورد کودکان کار می‌خوانیم که :

" اعتیاد یکی از بزرگ‌ترین عوامل قربانی‌کننده زندگی کودکان کار و خیابان است. تعداد زیادی از کودکان کار درآمدشان صرف تهیه مواد مخدر مورد استفاده پدر، مادر یا سرپرست‌شان می‌شود. کودکان کار بارها و بارها نحوه استفاده انواع و اقسام مواد مخدر را در خانه یا محله خود دیده‌اند و با روش‌های مصرف مواد مخدر آشنایی کامل دارند. متاسفانه این کودکان مصرف مواد مخدر را به عنوان دلیل "قدرت" بزرگسالان، "پایان کودکی"، "آرامش"، "فرار از مشکلات"، "عامل لذت" و غیره درک می‌کنند و به شدت در معرض آلوده شدن به اعتیاد قرار دارند.هر ساله کودکانی به دلیل اعتیاد مادر خود معتاد زاده می‌شوند و در حالی چشم به جهان می‌گشایند که ماده مخدر از خون مادر توسط بند ناف به بدن آنها وارد شده است. تعدادی از آنان می‌میرند و تعدادی دیگر در اولین ساعات تجربه زندگی با درد اشنا می‌شوند. آنهایی که وضعیت حادی دارند از آنجایی که همیشه خواب یا آرام هستند به عنوان ابزاری بی صدا و انسانی برای گدایی بزرگسالان استفاده می‌شوند. کودکانی هستند که برای آنکه فرار نکنند یا مجبور به حفظ رابطه با سرپرست خود شوند توسط بزرگسالان عمداً معتاد می‌شوند. کودکان شیرخواره را با داروهای کدئین‌دار و خواب‌آور بیهوش می‌کنند تا سر و صدای آنها مزاحم زندگی یا کار (گدایی) نشود. کودکان کار بارها و بارها نحوه استفاده انواع و اقسام مواد مخدر را در خانه

یا محله خود دیده‌اند و با روش‌های مصرف مواد مخدر آشنایی کامل دارند. متاسفانه این کودکان مصرف مواد مخدر را به عنوان دلیل "قدرت" بزرگسالان، "پایان کودکی"، "آرامش"، "فرار از مشکلات"، "عامل لذت" و غیره درک می‌کنند و به شدت در معرض آلوده شدن به اعتیاد قرار دارند.”

به گزارش سازمان بهزیستی 95 درصد کودکان کار دارای خانواده هستند. بنابراین با اجرای یک سیاست دقیق و حساب شده می‌توان این خانواده‌ها را تحت پوشش و حمایت درازمدت قرار دارد. اما مسئولین دولتی اغلب با انکارعمق مشکلات اجتماعی به جای برنامه‌ریزی دراز مدت ، عدم حمایت از مشارکت نهاد های مردمی و ممانعت از فعالیت همه جانبه فعالان مدنی درزمینه اطلاع رسانی یا ایجاد بحث اجتماعی برای مبارزه با فقر و نابسلمانی به تشدید معضلاتی از این دست اقدام کرده اند.

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-07-30 · Archive ID 1048
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1048

عرصه سوم- گزارش پریسا کاکایی از مهمترین اخبار جامعه مدنی هفته آخر تیرماه و آغاز مرداد را می خوانید.

سازمان های غیر دولتی
سازمان مردم نهاد "جمعیت افرای سبز" هفته گذشته به عنوان برنده جایزه روبان قرمز سال 2012 در جلسه ویژه نوزدهمین کنفرانس بین المللی ایدز برگزیده شد.
در سایت « اخبار سازمان های غیر دولتی» در یاداشتی درمورد این جایزه می‌خوانیم که : «جایزه روبان قرمز مهمترین جایزه در سطح جهان در زمینه فعالیت های جامعه محور شاخص و مبتکرانه در پاسخ به همه گیری ایدز است. جایزه روبان قرمز سال 2012 به ده سازمان مردم نهاد از کشورهای مختلف که عملکرد منحصر به فرد و الهام بخشی برای پیشگیری و کنترل اچ آی وی داشته اند، در جلسه ویژه‌ای از نوزدهمین کنفرانس بین المللی ایدز در واشنگتن اهدا شد.
به گزارش سلامت نیوز ؛ سازمان های برنده در این سال از کشورهای ایران، اوگاندا، روسیه، سری لانکا، کنیا، مصر، مکزیک، میانمار، هاییتی و هند هستند. بیش از 1400 سازمان از بیش از 120 کشور خود را نامزد دریافت این جایزه کرده بودند. میزبانی دبیرخانه جایزه روبان قرمز بر عهده برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز (UNAIDS) و مشارکت سایر کارگزاری های سازمان ملل، کنفرانس ایدز 2012، شبکه جهانی افرادی که با اچآیوی زندگی می کنند، شبکه جهانی زنانی که با اچآیوی زندگی می کنند و شورای بین المللی سازمان های خدمات رسان در حوزه ایدز است. برندگان توسط کمیته تخصصی متشکل از نمایندگان جامعه مدنی انتخاب شدند. هر یک از سازمان های برنده جایزه ای معادل 10 هزار دلار همراه با تقدیرنامه و دعوت به شرکت در کنفرانس ایدز 2012 در واشنگتن دریافت می کنند.
"جمعیت افرای سبز" در استان کرمانشاه به افرادی که با اچ ای وی زندگی می کنند (به خصوص در میان جوانان مصرف کننده تزریقی مواد) خدمات لازم را ارائه می کند. این جمعیت آگاهی در مورد اچ آی وی خصوصاً میان جوانان را از طریق ارائه خدمات آموزشی ارتقا بخشیده، از افرادی که با اچ آوی زندگی می کنند و خانواده هایشان نیز حمایت می کند."جمعیت افرای سبز" چندین سال است که با برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز در چارچوب تفاهم نامهای سه جانبه میان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، برنامه مشترک سازمان ملل متحد در زمینه ایدز و برنامه توسعه ملل متحد و با پشتیبانی صندوق جهانی مبارزه با ایدز سل و مالاریا به منظور راه اندازی باشگاه مثبت کرمانشاه و ارائه خدمات روانی اجتماعی به افرادی که با اچ آی وی زندگی میکنند و خانواده هایشان، همکاری می نماید. این جمعیت همچنین در برنامههای دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در زمینه "کاهش آسیب" مشارکت نموده است.”

جایزه مبارزه با ایدز برای برادران علایی
دویچه وله در گزارشی، از اهدای جایزه الیزابت تایلور توسط بنیاد تحقیقات ایدز به آرش و کامیار علایی، دو پزشک ایرانی خبر داد. دراین گزارش می‌خوانیم که : “ این بنیاد غیردولتی در زمینه مبارزه با بیماری ایدز و

پیشگیری از ابتلا به ویروس HIV فعال بوده و تا کنون بیش از ۳۴۰ میلیون دلار سرمایه گذاری کرده است. از آنجایی که الیزابت تایلور، یکی از هنرپیشه گان سرشناس، از جمله حامیان این بنیاد بوده، جایزه مزبور به نام وی نامگذاری شده است. امسال این جایزه به برادران علایی که تیرماه ۱۳۸۷ از سوی ماموران امنیتی دادگاه انقلاب بازداشت و به اتهام براندازی نرم به ترتیب به شش و سه سال حبس محکوم شدند، تعلق گرفت. علایی‌ها، در سال ۱۳۸۳، موسسه غیر دولتی پارس را که در زمینه پژوهش‌های ایدز و اعتیاد فعالیت می‌کرد، تاسیس کردند. فعالیت اصلی این مؤسسه حمایت از خانواده‌های زندانیان معتاد و نیز کمک به ترک اعتیاد آن‌ها پس از خروج از زندان بود.



تشدید بحران اجتماعی و گردهمایی اعتراضی درمقابل مجلس

این روزها زندگی مردم درایران دستخوش التهاب ناشی از فشار تحریم‌های اقتصادی است که روال معمولی زندگی را تحت تاثیر قرار داده‌اند، به ویژه مسائلی چون بیکاری، گرانی و کمبود دارو جامعه را با بحران مواجه کرده است. در همین رابطه به نقل از بی‌بی سی فارسی روز یکشنبه ۸ مرداد ماه، جمعی از مربیان اخراج شده مقطع پیش دبستانی، سیلوداران بخش خصوصی و کارکنان مراکز مخابرات روستایی آذربایجان غربی در مقابل ساختمان مجلس ایران تجمعات اعتراضی همزمانی را برگزار کردند. در این تجمع، مربیان اخراج شده استان‌های اصفهان و گیلان خواستار پاسخ مسئولان به وضعیت خود شدند. از سوی دیگر، گروهی متشکل از ۹۰ سیلودار در بخش خصوصی هم اعتراض خود را نسبت به خودداری دولت از تحویل گندم به این سیلوها ابراز کردند. گروه دیگر تجمع کنندگان در مقابل مجلس یعنی کارگزاران مراکز مخابرات روستایی آذربایجان غربی هم خواستار اجرای کامل طرح بیمه کارگزاران مخابرات روستایی بر اساس مصوبات در قوه مقننه شدند.

بیماران معترض درشیراز

همچنین در شیراز، تعدادی از مبتلایان به بیماری تالاسمی در اعتراض به عدم تامین داروهای ضروری در مقابل دانشگاه علوم پزشکی شیراز جمع شدند. به گزارش سایت نیوز ، مریم دینکانی یکی از بیماران حاضر در جمع معترضان، شکل مصرف داروهای بیماران تالاسمی در کشورهای غربی و حتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را خوراکی اعلام کرد و ضمن ابراز تاسف از اینکه بیماران مبتلا به تالاسمی ایران از دریافت این داروها به صورت تزریقی نیز محروم هستند به مقایسه نمونه داخلی داروی اکس جید که پر مصرف‌ترین داروی بیماران مبتلا به تالاسمی است با نمونه خارجی آن پرداخت. وی که از اعضای انجمن بیماران تالاسمی فارس است، تب، عوارض گوارشی، اسهال و استفراغ، مشکلات پوستی و بینایی را از جمله عوارض مصرف نمونه داخلی این دارو بر شمرد و افزود: «تنها خواسته ما ازمسئولان علوم پزشکی تامین داروی با کیفیت و دادن حق انتخاب برای تامین داروهایمان است.»

گزارش در مورد تحریم ها

در اعتراض به تحریم‌های اقتصادی، ICAN ، شبکه عمل جامعه مدنی بین المللی برای حقوق زنان، صلح و امنیت، اقدام به انتشار گزارش کوتاهی در مورد تاثیر تحریم‌ها بر زندگی مردم ایران به خصوص زنان کرده است. دراین گزارش به گسترش گرانی، افزایش بیکاری، کاهش بهداشت عمومی، افزایش خشونت خانگی، کاهش امنیت اجتماعی و نیز ارائه راه حل هایی برای گذر از این بحران از جمله لزوم لغو تحریم‌ها، به رسمیت شناختن آثار منفی تحریم‌ها بر مردم و نه دولت، تسهیل دسترسی ایرانیان به اینترنت و لزوم درگیر کردن جامعه مدنی ایران در مذاکرات اشاره شده است.

یادبود اعدامیان تابستان 1367

بیست و چهار سال پیش، تابستان ۱۳۶۷ در چنین روزهایی تعداد کثیری از زندانیان سیاسی در زندان‌های ایران اعدام شدند. این کشتار وسیع که با اعدام مجاهدین آغاز شد، حزب توده، فداییان خلق و دیگر گروه‌های چپ را نیز در بر گرفت. جرم این افراد همکاری با سازمان‌هایی چون مجاهدین خلق ایران و یا گروه‌های چپ و کمونیست اعلام شد. بر اساس آمار اعلام شده توسط سازمان عفو بین الملل، تعداد اعدام‌ها حدود ۲۵۰۰ نفر بوده است در حالی که گزارش‌های دیگر آمار بیشتری را ارائه می‌دهند.
در سال‌های نخست، کسی از محل دفن اعدام شدگان خبر نداشت و بعد نیز تا مدت‌ها خانواده‌ها اجازه حضور بر سر مزار عزیزانشان را نداشتند. از اواخر دهه ۷۰ هر سال خانواده‌ها و آشنایان اعدام‌شدگان به همراهی تعدادی از فعالان سیاسی برای گرامی‌داشت یاد و خاطره عزیزانشان در گورستان خاوران گرد آمده و به سخنرانی و خواندن سرود می‌پردازند. البته در سال‌های اخیر، گردهمایی در خاوران با ممانعت نیروهای امنیتی و بازداشت همراه شده است.

زندانیان سیاسی

اما اعدام فعالان سیاسی به دهه شصت ختم نشده و در طول سال‌های بعد هم ادامه داده یافته است. بر اساس تحقیق اخیر کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران ، از میان ۲۸ تن زندانی کرد که با اتهام‌های سیاسی و امنیتی مواجه و در زندان‌های سنندج، ارومیه، سمنان، رجایی شهر، سقز به سر می‌برند ۱۷ نفر در انتظار اجرای حکم اعدام و ۱۱ نفر در انتظار تایید یا نقض حکم دادگاه بدوی در دادگاه‌های عالی هستند. در این گزارش آمده است که: «در بسیاری از پرونده‌های یاد شده مراحل قانونی دادرسی رعایت نشده، متهمان به وکیل دسترسی نداشته و اظهارات آنها در مراحل دادرسی مورد توجه قرار نگرفته است. دربرخی از موارد یاد شده که در زیر می‌آید، متهمان گفته اند که در زمان بازجویی مورد آزار واذیت وشکنجه فیزیکی قرار گرفته‌اند.»

هم چنین وضعیت جسمانی نرگس محمدی، فعال حقوق بشر، رو به وخامت است. او به مدت پنج روز بینایی خود را از دست داده و بیمارستان منتقل شده است. سایت ملی-مذهبی در این باره می‌نویسد: «خانم محمدی در تماسی تلفنی خبر داد در زندان به زمین خورده و صورت وی به شدت آسیب دیده است. بنا بر گفته‌های وی ابتدا مسئولان زندان با ارجاع او به پزشک زندان قصد اعزام این زندانی سیاسی را به بیمارستان نداشته‌اند اما پزشک زندان با توجه به وضعیت وخیم خانم محمدی زیر بار مسئولیت مداوای او نرفته و تاکید کرده ایشان باید به بیمارستان منتقل شود. در نتیجه تاکید پزشک، مسئولان زندان وی را به بیمارستان ولیعصر منتقل و در بخش مغز و اعصاب بستری می‌کنند.»

دکتر محمد تقی کروبی، فرزند مهدی کروبی در نامه‌ای خطاب به مقامات حکومتی خواستار انتقال پدر خود به منزل مسکونی‌اش در جماران و یا زندان اوین شد. در بخشی از این نامه که در سهام نیوز منتشر شده، آمده است: «دسترسی به روزنامه و مجله برای همه زندانیان صرف نظر از جرم ارتکابی و یا مجازات تحمیلی در نظر گرفته شده است، اما این حق بدیهی بطور سلیقه‌ای از آقای کروبی سلب گردیده است. برای آنکه بی‌صداقتی نکرده باشم باید بگویم تنها به مدت چند هفته و به تشخیص امنیتی‌ها ۲ روزنامه جام جم و اطلاعات در اختیار ایشان قرار گرفت و آنهم بدون ذکر دلیل قطع گردید. به منظور جلوگیری از اطاله کلام از ذکر نقض سایر حقوق ایشان بعنوان یک زندانی از جمله حق دسترسی منظم به تلفن، هواخوری در محیطی آزاد و یا مرخصی صرف نظر می‌کنم. در عین حال لازم می‌دانم از برخورد مناسب و انسانی ماموران امنیتی حاضر که بر خلاف تیم قبلی که مبنایشان بر اصول غیر انسانی بنیان نهاد شده بود، تشکر کنم زیرا به همت این گروه مدتی

است درب آپارتمان گشوده شده و پدر می‌تواند روزانه ساعتی در پارکینگ سرپوشیده قدم بزند، اگرچه فقدان فضای مناسب موجب محرومیت ایشان از هوای آزاد گردیده است.»

به گزارش خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر، هرانا ، فرهاد و فرید اکبری فضلی روز چهارشنبه ۲۱ تیرماه جهت اجرای حکم به زندان بهبهان منتقل شدند. این دو برادر ۱۹ و ۲۱ ساله در بهمن‌ماه سال ۸۹ بازداشت و به اتهام توهین به رهبری به به ۷ و ۹ ماه حبس تعزیری محکوم شدند. فرهاد اکبری به هنگام بازداشت ۱۷ سال داشته است.
این خبرگزاری، همچنین از احتمال اجرای حکم اعدام غلامرضا خسروی در شهریور ماه خبر داده است. خسروی در سال ۱۳۶۰ وقتی شانزده سال داشت به اتهام هواداری یک گروه سیاسی بازداشت و پس از پنج سال آزاد شد. او از سال ۸۶ در بازداشت وزارت اطلاعات به سر می‌برد و به اتهام جاسوسی و کمک مالی به یک گروه سیاسی معاند نظام ابتدا به حبس تعزیری و بعد از گذراندن مراحلی به اعدام محکوم شد. دادیار اجرای احکام اوین تاریخ اجرای حکم اعدام این زندانی سیاسی تاریخ ۲۰ شهریور اعلام کرده است.

ماه رمضان و تشدید کنترل شهروندان
با فرارسیدن ماه رمضان، پلیس امنیت ضمن اخطار به روزه خواران، اقدام به برخورد با متخلفان در کوهستان و خیابان‌های شهر نموده است. به نقل از ایسنا، ماموران پلیس امنیت و اماکن تهران با مراجعه به اغذیه فروشی‌ها و انجام بازرسی، در صورت مشاهده تخلف در ماه رمضان نسبت به پلمپ و اخذ تعهد از آن‌ها اقدام می‌نمایند. در ادامه این طرح، ماموران در مراکز تفریحی کوهستانی و ارتفاعات پایتخت حضور یافته و با مظاهر روزه‌خواری، اغذیه فروشان و قهوه‌خانه‌ها برخورد می‌کنند.

—

جامعه مدنی و ویژگی‌های آن

2012-07-30 · Archive ID 1056
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1056

عرصه سوم- برای برپایی، شکوفایی و رشد یک جامعه مدنی پویا و قدرت مند که در حوزه عمومی حاضر، ناظر و تأثیر گذار باشد، دردرجه اول باید به فرهنگ سازی و آموزش مدنی شهروندان دراین زمینه، تشریح چرایی شرکت فعال آن‌ها در نهاد های مردمی و اهمیت نظارت شان بر سیاست‌های دولت ها پرداخت. به این منظور ضرورت توضیح و بازخوانی مداوم بعضی از معانی و تعاریف که اغلب درادبیات رسانه ای و یا مقالات علمی مطرح می‌شوند، همواره مهم و موثر است. از آنجا که بحث‌های اجتماعی درباره این مفاهیم دررسانه های جمعی دیداری و شنیداری بسیار محدود است، لازم است که به آموزش نظری و عملی آموزه ها و مهارت های لازم توجه بیشتری کرد. برای مثال می توان با بیانی ساده و روشن درباره مهمترین ویژگی‌های جامعه مدنی، نقش شهروندان درپیشرفت جامعه ، ایجاد بستر مناسب برای تحولات دموکراتیک و هم ضرورت درونی شدن فرهنگ حقوق بشری و مدرن در اذهان تک تک شهروندان بحث و گفتگو کرد. در سری مقالاتی که اختصاص به ویژگی‌های جامعه مدنی و مبارزه مدنی دارند به اختصار به این موارد خواهیم پرداخت.

جامعه مدنی و ویژگی‌های آن

در جوامع پیشرفته و مدرن معاصر بر مشارکت آگاهانه مردم در اداره امور جامعه تأکید بسیار شده و می شود. بدیهی است که تنها وظیفه شهروندان رأی دادن، انتخاب نمایندگان و فرستادن آن‌ها به پارلمان ها و یا انتخاب رئیس جمهور نیست. شرکت داوطلبانه و فعال مردم در سازمان های غیر دولتی، نظارت بر عملکرد دستگاهای اجرایی و انتقاد از سیاست‌های دولت نیز بخش مهمی از وظایف شهروندان است. ایجاد شبکه‌های همکاری و پایگاه های مردمی خارج از حوزه سیاست و بخش اقتصادی برای کمک به پیشرفت فرهنگی و اجتماعی زمینه‌ساز ایجاد یک جامعه مدنی است. به این معنی قدرت فکری و عملی مردم درسازمان هایی که به دست خود آن‌ها برپا می‌شود تجلی می یابد. سازمان‌هایی که مستقل از دستگاه دولتی در پیشرفت جامعه شرکت دارند و مستقلا عمل می‌کنند. آنها برای فعالیت‌های خود نیازمند تلاش افراد و کمک‌های مالی اعضا هستند.

وظایف شهروندان درجامعه مدنی

رابطه دولت با مردم در اغلب کشورهای درحال توسعه اغلب رابطه‌ای یک سویه با قرارگرفتن دولت درراس هرم قدرت است. اما برای ایجاد جامعه‌ای آزاد مبتنی بر آرا اکثریت مردم، نهادینه کردن ارزش‌های انسانی، دفاع از حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب پذیر، عمل‌کرد و نقش شهروندان در ترویج و پاسداری از سازمان های خود ساخته و دموکراتیک اهمیت حیاتی پیدا کرده است.

به طور کلی می‌توان وظایف شهروندان درزمینه مشارکت فعال در عرصه عمومی را به دو دسته کلی می توان تفسیم کرد:

1) سیاست‌ها و عمل‌کرد دولت مردان می بایست مدام از طرف مردم، سازمان هایشان و رسانه‌ها نقد و بررسی شوند. سیاست مداران ملزم به پاسخگویی هستند.

2) شهروندان به طور داوطلبانه و با درنظر گرفتن علائق و تخصص شان می‌توانند در ایجاد شبکه ها، گروه‌ها و بنیاد های مردمی شرکت کنند، تا مشکلات جامعه را شناسایی و دررفع آن بکوشند.



بخشی از مشخصات نهاد های غیر دولتی

برای پیشبرد امور درجامعه سازمان های مردم نهاد باید بتوانند سطح آموزش اعضا و کیفیت حرفه‌ای حوزه کاری خود را مدام و برطبق موارین بین المللی ارتقا دهند. هم چنین به ویزگی هایی خاصی مجهز باشند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

1) سازمان های مردمی مستقل و خارج از حوزه اقتدار دولتی قرار دارند.
2) به قانون مداری، به کار گرفتن خرد جمعی و احترام به عقاید دیگران پای بندند.
3) شبکه‌های مردمی مدافع ساختار های دموکراتیک افقی و نه عمودی هستند. به این معنی که رهبری جمعی به رهبری فردی ترجیح داده می شود. و همه اعضا در نظردهی و تصمیم گیری ها شرکت دارند و از حقوق یکسان برخوردارند.
4) این نهادها خود جوش و هدف مند بوده و درحوزه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و غیره فعالیت می کنند.
5) فعالیت مستمر برای رفع مشکلات اجتماعی درزمینه حمایت از گروه‌های آسیب پذیر، حمایت از محیط

زیست، ارتقا آموزش، فرهنگ و هنر و غیره دردستور کار آنهاست.
6) برگزاری گردهمایی های اعتراضی با تأکید بر عدم استفاده از خشونت انجام می شوند.
7) این نهاد ها شامل انواع انجمن ها، باشگاه ها، اصناف، اتحادیه ها و شبکه‌های غیر رسمی هستند.

اما بدون شک برای ایجاد یک جامعه مدنی قوی و پویا تنها نمی‌توان به فعالیت‌های شهروندان محدود شد و به آن اکتفا کرد. حمایت دولتی، ایجاد تسهیلات و استقبال سیاست مداران از نظرات شهروندان و متخصصان از ضروریات اصلی درپا گرفتن و رشد نهادهای غیر دولتی هستند.در جوامع پیشرفته که رسانه‌ها و هم فعالیت‌های صلح آمیز مردم از آزادی کافی برخوردارند، قدرت شبکه‌های شهروندان در حل و فصل معضلات اجتماعی زیاد و قابل توجه است. اما سازمان های مردم نهاد در جوامع غیر دموکراتیک و استبدادی اغلب تحت کنترل و نظارت دولتی قرار دارند و حوزه عمل آن‌ها محدود است.

—

بیانیه مشترک مدافعان حقوق بشردردفاع اززندانیان سیاسی وعقیدتی

2012-08-02 · Archive ID 1060
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1060

عرصه سوم - وضعیت زندانیان عقیدتی وسیاسی درایران روز به روز بدتر می‌شود. آنان اغلب نه فقط از حقوق انسانی اولیه خود محرومند بلکه در بدترین شرایط ممکن بسر می برند. و با بدرفتاری، شکنجه جسمی و روحی و عدم دسترسی به امکانات تصریح شده درقانون مواجه هستند. زندانیان عقیدتی هیچ گونه امکانی برای دادخواهی ندارند و باید بهترین سالهای عمر خود را با اتهامات غیرواقعی و غیر قانونی در زندان های جمهوری اسلامی سپری کنند. بنیاد عرصه سوم با پشتیبانی از اعلامیه اخیر خانم شیرین عبادی و سازمان های حقوق بشری از همه فعالان حقوق بشر و نهادهای مدنی می‌خواهد که با همکاری هر چه بیشتر خود در حمایت از زندانیان سیاسی برای آزادی و احقاق حقوق آن‌ها تلاش کنند.

درمتن بیانیه مشترک سازمان های حقوق بشری با عنوان : دولت مردان ایران زندانیان سیاسی را به گروگان گرفته‌اند آمده است:

«شرایط زندانیان در ایران روزبه‌روز بدتر می‌شود. زندانیان سیاسی و عقیدتی در طی بازداشت پیش از محاکمه مورد شکنجه و بدرفتاری های دیگر قرار می‌گیرند، به وکیل و خانواده و امکانات قانونی دسترسی ندارند و در پی آن در شرایطی که بسیار از موازین بین‌المللی محاکمهٔ عادلانه به دور است بر اساس اتهام‌های مربوط به فعالیت حرفه ای، فعالیت حقوق بشری، آزادی بیان، گردهمایی و تشکل و دیگر حقوق قانونی خود که در عهدنامه‌های بین‌المللی حقوق بشری به رسمیت شناخته شده و جمهوری اسلامی ایران نیز عضو آن‌ها است، مورد محاکمه قرار می‌گیرند.»
زندانیان سیاسی، پس از محاکمه هایی که اغلب تنها چند دقیقه طول می‌کشد، حکم های به شدت ناعادلانه ای دریافت می‌کنند که گاهی حتی براساس قوانین پرنقص و ایراد ایران نیز غیرقانونی است. یک مثال شناخته‌شدهٔ آن "زندان در تبعید" در زندان‌های دورافتاده است که در هیچ‌یک از قوانین ایران وجود ندارد و در عمل هم زندانیان و هم خانواده‌های آن‌ها را مجازات می‌کند.
خانواده‌های زندانیان سیاسی اغلب به شکل‌های دیگر نیز مورد آزار قرار می‌گیرند. گاهی، بعضی از اعضای خانواده یک زندانی تنها به خاطر رسانه ای کردن وضعیت زندانی خود یا پیگیری وضعیت او نزد مقامات قضایی بازداشت یا به زندان محکوم می‌شوند. در موارد دیگر، ماموران امنیتی در حیطه خصوصی خانواده زندانی مداخله می‌کنند و برای مثال به زنان توصیه می‌کنند تا از شوهران خود شکایت کنند یا از آنها طلاق بگیرند.
بسیاری از زندانیان سیاسی بعدا در طی گذراندن محکومیت خود مورد آزار قرار می گیرند و اغلب با پرونده سازی اتهام‌های تازه‌ای علیه آن‌ها مطرح می‌شود تا پیش از به پایان رسیدن دوره محکومیت آن‌ها یا حتی پس از آن مدت زندان آن‌ها را افزایش دهند. زندانیان سیاسی و عقیدتی گاهی به زندان‌های دورافتاده تبعید می‌شوند، با وجود اینکه "زندان در تبعید" در حکم آن‌ها وجود ندارد.
بسیاری از زندانیان عقیدتی به شدت نیازمند امکانات درمانی و رسیدگی پزشکی مناسب هستند که در زندان

های مختلف وجود ندارد، اما دولتمردان اغلب از ارائه خدمات درمانی الزامی که در عهدنامه های بین المللی و آیین‌نامه زندان‌های ایران مقررشده است، سر باز می‌زنند.
شیرین عبادی، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران گفتند: ما همواره توجه جامعه بین المللی را به شرایط زندانیان سیاسی در ایران جلب کرده‌ایم، از جمله در گزارش مشترک فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران با عنوان «ایران: سرکوب آزادی، زندان، شکنجه، اعدام ... سیاست دولتی اختناق» . اینک یک بار دیگر توجه جامعه بین‌المللی را به وضعیت زندانیان عقیدتی زیر که به تازگی مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند جلب می‌کنیم، اما باید تأکید نماییم که این فهرست تنها تعداد کمی از زندانیان مورد آزار را در بر می‌گیرد و به هیچ وجه قطعی و کامل نیست.

نرگس محمدی در روز 19 تیرماه پس از آسیب دیدگی صورت در اثر زمین خوردن از زندان به بیمارستان منتقل شد. او دچار فلج عضلانی و تشنج است. خانواده وی به مدت 12 روز از خانم محمدی کاملا بی‌خبر بود تا این که او پس از بازگشت به زندان در اوایل مرداد ماه با آن‌ها تماس گرفت و گفت به مدت 5 روز حتا بینایی خود را از دست داده بود. با وجود حضور زندانبانان در اتاق او، ماموران زندان شب‌ها در زمان خواب دست‌های او را با دست‌بند به تخت می‌بستند. خانم محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر است که محکومیت شش سال زندان خود را به اتهام‌های مربوط به فعالیت‌های حقوق بشری می‌گذراند. دولتمردان ایران که او را به طور غیر قانونی به زندان زنجان به میان زندانیان عادی منتقل کرده‌اند، سرانجام امروز، 10 مرداد، به او مرخصی دادند تا درمان خود را در بیرون از زندان دنبال کند. اما روشن نیست که این مرخصی چه مدت ادامه خواهد داشت.
زینب جلالیان دچار خونریزی روده و مشکلات بینایی ناشی از شکنجه در طی بازجویی‌های پیش از محاکمه است. این زندانی سیاسی کُرد به حبس ابد محکوم است و در زندان سنندج به سر می‌برد.
کبری بنا زاده امیرخیزی و صدیقه مرادی ، دو زندانی سیاسی، در تاریخ 21 تیرماه به زندان قرچک منتقل شدند که زندانی با شرایط به شدت غیراستاندارد و محل نگهداری زندانیان عادی است. این دو به اتهام هایی که گفته می‌شود به نسبت خانوادگی آن‌ها با اعضای گروه‌های مخالف در خارج مربوط است، به ترتیب به 5 سال و 10 سال زندان در تبعید محکوم هستند.
نسرین ستوده ، وکیل حقوق بشری و عضو کانون مدافعان حقوق بشر، محکومیت 6 سال زندان خود را در زندان اوین می‌گذراند. براساس اطلاعات دریافتی در تاریخ 21 تیرماه، دولتمردان همسر و حتا دختر 12 ساله او را از خروج از ایران ممنوع کردند.
هانیه فرشی شتربان ، وبلاگ نگار که محکومیت 7 سال زندان را در زندان اوین می‌گذراند و دچار بیماری کلیه و مثانه است، در اواخر تیر ماه به وسیله بهداری زندان از درمان و رسیدگی پزشکی و تحویل دارو محروم شد.
محمد سیف زاده دچار بیماری‌های حاد است، از جمله درد شدید پاها و زانوها، مشکلات کمر و تحت فشار بودن نخاع، آرتروز گردن و دست‌ها و ناراحتی قلبی. او از دی‌ماه سال 1390 از برخی خدمات پزشکی محروم بوده است. آقای سیف زاده، وکیل دادگستری و عضو مؤسس کانون مدافعان حقوق بشر، بر اساس اتهام‌های مربوط به فعالیت‌های حقوق بشری خود محکومیت دو سال زندان را در زندان اوین می‌گذراند و به خاطر نگارش نامه‌های انتقادی سرگشاده با اتهام‌های تازه‌ای روبه‌رو شده است.
عبدالفتاح سلطانی دچار کم‌خونی و بیماری‌های دیگر است و باید در اوایل تیرماه به بیمارستان اعزام می شد، اما پافشاری مسئولان زندان برای بردن او با دست‌بند اعزام او را منتفی کرد. آقای سلطانی، وکیل دادگستری و عضو مؤسس کانون مدافعان حقوق بشر، از شهریور 1390 در بازداشت است و به تازگی به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری خود به 13 سال زندان در تبعید در شهر دورافتاده برازجان محکوم شد. در صورت تبعید او به برازجان، خانواده وی باید هر بار برای ملاقاتی کوتاه 1200 کیلومتر در رفت و 1200 کیلومتر در برگشت در سفر باشند.
شاهرخ زمانی ، فعال سندیکایی، یک هفته پس از انتشار نامه سرگشاده‌ای که در آن شرایط به‌شدت بد زندان یزد را مورد انتقاد قرار داده بود، در تاریخ 8 مرداد به بند قرنطینه زندان یزد منتقل شد. او که به اتهام‌های مربوط به فعالیت برای تشکیل اتحادیه مستقل کارگری به 11 سال زندان محکوم شده است، در اردیبهشت ماه 1391 از شهر محل سکونت خود تبریز در شمال غربی ایران به زندان یزد "تبعید شد"، با وجود اینکه "زندان در تبعید" در حکم او وجود ندارد.
محمد صدیق کبودوند برای ملاقات با پسرش که به یک بیماری علاج‌ناپذیر دچار است، به تازگی دست به اعتصاب غذای طولانی زد که پس از 59 روز در تاریخ 3 مرداد خاتمه یافت. آقای کبودوند، رئیس سازمان حقوق بشر کردستان، که محکومیت 10 سال و شش ماه زندان خود را به اتهام‌های مربوط به فعالیت حقوق بشری

می‌گذراند، در زندان سه بار دچار حمله مغزی و یک بار دچار سکته قلبی شده و از ناراحتی‌های مربوط به پروستات و کلیه و نیز سرگیجه و بیهوشی در رنج بوده است. با وجود این، از امکان درمان ضروری به طور منظم برخوردار نشده است.

بهمن احمدی امویی ، روزنامه‌نگار اقتصادی، محکومیت 5 سال زندان خود را می‌گذراند. در تاریخ 22 خرداد 1391 که زندانیان سیاسی در بند 350 زندان اوین مراسمی برای یادبود سالگشت در گذشت زندانی سیاسی مرحوم هدی صابر برگزار کردند، مسئولان زندان او و چند تن از زندانیان دیگر را به سلول انفرادی منتقل کردند.

در پی آن آقای احمدی امویی به زندان دورافتاده رجایی شهر منتقل شد و در آنجا مورد اهانت قرار گرفت و نزدیک به 20 روز در سلول انفرادی باقی‌ماند. با وجود اینکه در حکم محکومیت او "زندان در تبعید" وجود ندارد، او هنوز در زندان رجایی شهر است.

انور حسین پناهی ، فعال مدنی کُرد، که محکومیت 16 سال زندان خود را در زندان سنندج می‌گذراند، دچار عفونت کلیه و روده است. براساس گزارش‌های مربوط به دوره پیش از محاکمه، دنده‌های او در اثر شکنجه شکست و او را در شب‌های سرد زمستان بدون لباس در حیاط زندان نگه می‌داشتند. یکی از برادران او در شرایطی مشکوک، زمانی که برای ارائه تومار امضا حاکی از بی‌گناهی وی به نزد مقامات قضایی می‌رفت، به قتل رسید. برادر دیگر او چند بار بازداشت شد، در حدود 50% از بینایی خود را در زیر شکنجه از دست داد و سپس به یک سال زندان محکوم شد.

ابوالفضل قدیانی ، فعال سیاسی، دچار ناراحتی قلبی است و چند بار تحت عمل جراحی قرار گرفته است. بنا به گزارش ها، دیروز (9 مرداد)، ماموران زندان او را پس از ضرب و شتم و زدن دستبند به بیمارستان بردند تا مورد معاینه قلب قرار بگیرد، اما او در اعتراض از معاینه خودداری کرد و به زندان بازگردانده شد. در اواخر تیرماه، مسئولان از دادن مرخصی درمانی به او به توصیه کمیسیون پزشکی سر باز زدند. آقای قدیانی بنا بود در پایان محکومیت یک سال زندان خود در اوایل آذرماه 1390 آزاد شود، اما دولتمردان با طرح اتهام‌های تازه "اهانت به مقام رهبری به ریاست جمهوری" او را به یک سال زندان دیگر محکوم کردند. او با اتهام‌های تازه‌ای نیز روبه‌رو است.

مصطفی تاج‌زاده، معاون پیشین وزیر کشور، محکومیت 6 سال زندان خود را می‌گذراند و دچار دیسک کمر، آرتروز گردن و بیماری پوستی و مشکلات بینایی است. دولتمردان از انتقال او به بند عمومی زندان سر باز می‌زنند.

کورش کوهکن ، فعال سیاسی، محکومیت سه سال و شش ماه زندان خود را می‌گذراند. مینسک زانوی راست او زیر شکنجه پاره شد. در اواخر تیرماه، او در اثر قفل شدگی زانو از پله‌ها پایین افتاد و مسئولان زندان از درمان به موقع او کوتاهی کردند.

کیوان صمیمی بهبهانی ، روزنامه‌نگار با سابقه و مدافع حقوق بشر، محکومیت 6 سال زندان خود را در زندان دورافتاده رجایی شهر می‌گذراند و دچار بیماری خطرناک کبدی است.

سعید متین پور ، فعال فرهنگی آذری ایرانی و روزنامه‌نگار، محکومیت 8 سال زندان خود را می‌گذراند و دچار عفونت ریه است.

احمد زیدآبادی ، روزنامه‌نگار، محکومیت 6 سال زندان را می‌گذراند و دچار کاهش شدید وزن به دلایل ناروشن است.

حشمت‌الله طبرزدی ، فعال سیاسی، محکومیت 8 سال زندان را می‌گذراند و دچار مشکلات قلبی و فشار خون بالا است.

عبدالله مؤمنی ، فعال سیاسی، محکومیت چهار سال و 11 ماه زندان را می‌گذراند و دچار مشکلات کلیوی، بیماری پوستی و مشکلات شنوایی ناشی از صدمه به پرده گوش در زیر شکنجه است. او با اتهام‌های تازه‌ای روبه‌رو است.

قاسم شعله سعدی ، وکیل دادگستری، محکومیت یک سال و نیم زندان را می‌گذراند بود و گویا در اثر شکنجه در دوره قبلی زندان دچار آسیب نخاعی شده است. او با اتهام‌های تازه‌ای روبه‌رو است.

حامد روحی نژاد ، دانشجو، محکومیت 10 سال زندان خود را در تبعید در زندان زنجان می‌گذراند. او دچار بیماری ام اس است و در اثر آن یکی از دست‌هایش ازکارافتاده و بینایی و شنوایی اش دچار مشکلات جدی شده است.

محمد حسین کاظمینی بروجردی ، روحانی مخالف، که محکومیت 11 سال زندان خود را در زندان اوین می‌گذراند، گویا دچار بیماری پارکینسون، دیابت، فشار خون بالا، مشکلات قلبی و کلیه و کاهش بینایی یکی از

چشمان خود است.
صالح کهندل ، زندانی سیاسی، محکومیت 10 سال زندان خود را در زندان دورافتاده رجایی شهر می‌گذراند و دچار نوسان شدید پلاکت های خونی است.
سیامک ایقانی، از پیروان آیین بهایی، محکومیت 3 سال زندان را در سمنان می‌گذراند و دچار مشکلات ریوی و روماتیسم است.
محسن جوادی افضلی ، زندانی سیاسی، محکومیت دو سال و نیم زندان خود را در زندان اوین می‌گذراند و دچار عفونت حاد گوش و مشکلات شنوایی است.
جعفر اقدامی ، زندانی سیاسی، محکومیت 10 سال زندان خود را در زندان دورافتاده رجایی شهر می‌گذراند و دچار سندرم عصبی در کمر و پا است که ممکن است به فلج کامل او بیانجامد.
ابراهیم (نادر) بابایی ، زندانی سیاسی، محکومیت 6 سال زندان خود را در زندان دورافتاده رجایی شهر می‌گذراند و دچار ناراحتی قلبی و دیسک کمر است.
آرش هنرور شجاعی ، روحانی، محکومیت 4 سال زندان خود را در زندان اوین می‌گذراند و دچار ناراحتی قلبی و صرع است.



عبدالکریم لاهیجی، نایب رئیس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، گفت: «زندانیان سیاسی و عقیدتی گروگان هایی در دست دولتمردان ایران هستند که نهایت فشار را بر آن‌ها و خانواده‌های آن‌ها وارد می‌آورند. این دولتمردان همواره مقررات "مجموعه اصول حمایت از تمام اشخاص در هر شکلی از بازداشت یا زندان" مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر 1988 و "اصول حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان مصوب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در 13 مه 1977" را زیر پا می‌گذارند. آنها از ارائه خدمات درمانی مناسب و منظم به زندانیان سیاسی سر باز می‌زنند، آن‌ها را از تمام حقوق دیگر محروم می‌کنند و مورد همه گونه شکنجه، مجازات‌های غیرانسانی و بدرفتاری های دیگر قرار می‌دهند. آن‌ها حتا خانواده‌های زندانیان سیاسی را نیز مجازات می‌کنند.»
تماس:

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر : press@fidh.org
جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران : lddhi@fidh.net

—

برهم افزایی، رازقدرت جنبش های اجتماعی

2012-08-02 · Archive ID 1064
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1064

علی افشاری

یکی از خصوصیات مهم جنبش های اجتماعی هم افزایی است. هم افزایی یا سینرژی در حالت کلی بدین معنا است که دو یا چند عنصر از طریق همکاری و یا همیاری تاثیری بر همدیگر می گذارند که این تاثیر از جمع نتایج حاصل از کار جداگانه و مستقل عناصر بیشتر است. در این حالت می گویند هم افزایی حاصل شده است. میزان هم‌افزایی را می‌توان با محاسبه برآیند کارگروهی و از هم محاسبه مجموع نتیجه کار تک تک افراد در حالت کار جدا ، یا منفرد و سپس کسر کردن نتیجه محاسبه اول از دوم بدست آورد.
جنبش های اجتماعی معمولا این نیروی کار را خلق می کنند و نتیجه فعالیت مشترک افراد به مراتب بیشتر از جمع جبری فعالیت های فردی اشخاص است. و همین مسئله شاید باعث تعجب و شگفتی اعضاء جنبش ها شود. اغلب نتیجه کار فراتر از تصور اعضای جنبش است. البته رهبری موثر و کارامد شرط لازم برای بهره گیری درست از این هم افزایی است و گرنه ممکن است این انرژی خارق العاده تلف شود.
وقتی چند گروه و شبکه جمع می شوند، با هم کار مشترکی ر ا شروع می کنند، یا خواسته یکسانی را مطرح می کنند. با یکدیگر امیدوار شده و یا ترس های شان را با هم قسمت می کنند. ناگاه گویی روحی جمعی در آنها شکل می گیرد که تحت اراده ای به مراتب قوی تر از نیروی تک تک افراد قرار دارد. این اراده برتر به جنبش قدرتی فوق العاده می بخشد.
مثلاً مردمی که در اعتراضات خیابانی همدیگر را می بینند، از مشاهده یکدیگر انرژی می گیرند و روحیه آنها افزایش ملموسی پیدا می کند. این رویارویی بر هم افزایی خیره کننده ای را خلق می‌کند که منجر به اوج گیری جنبش می گردد. راز قدرت جنبش اجتماعی در این هم افزایی است. در حالت رکود و بی تحرکی چنین توانی وجود ندارد.
البته این هم افزایی به یکباره و به خودی خود حاصل نمی شود و شرایطی دارد. نخست باید سطحی از انگیزه و خوشبینی در بین گروه ها و افرادی فعال در جنبش به وجود بیاید.آنها بایدبه جنبش احساس تعلق بکنند و آن را از خود بدانند.

شرایط ایجاد هم افزایی
ایجاد فضایی مطلوب که درآن هر کس فکر کند، این امکان را دارد که بنا به صلاح دید خود و در هماهنگی با جمع می‌تواند درخدمت به کار گروهی باشد، در یک جنبش نشاط و تحرک ایجاد می کند. هم افزایی به فعالیت داوطلبانه و پر شور افراد شتاب بخشیده و آنها را به سمت فعالیت حداکثری سوق می دهد.
در چنین شرایطی است که اعضاء جنبش های اجتماعی آماده پرداخت هزینه می شوند و هم چنین ایثار و از خود گذشتگی وصف نا پذیری را جلوه گر می سازند.
مروری بر جنبش های اجتماعی فراگیر و موفق این واقعیت را روشن می سازد که آنها بستر مناسبی را برای ایجاد هم افزایی فراهم کرده بودند. انعطاف و دامنه پذیرش جنبش به قدری وسیع بوده که توانسته گروه های زیادی را در خود جای دهد و به سمت حرکت جمعی رهنمون سازد.

موانع رشد هم افزایی
برخورد های دفعی ، سخت گیرانه، انضباط بیش از حد و یا تاکید زیاد بر رعایت سلسله مراتب موانعی هستند که جذابیت جنبش برای موفقیت را زایل می سازند. هم چنین بزرگ نمایی ها ،فریبکاری و رفتار های متوهمانه نیز عواملی هستند که جنبش های اجتماعی را بر زمین زده و میل به فعالیت در آنها ر ا از بین می برند.
ممکن است با تکیه بر هیجان سالاری و ارائه چهره غیر واقعی بتوان در کوتاه مدت جمعی را به حرکت وا داشت

ولی خیلی زود تب فعالیت این جمع پایین می آید، وقتی می بینند ادعاها با واقعیت نمی خواند و یا نمود به مراتب بیشتر از بود است. و افراد اغلب دچار سرخوردگی می شوند. تهییج و بسیج در حد مشخصی لازم است، ولی نباید فاصله پرنا شدنی با واقعیت داشته باشد.
هم افزایی در فعالیت واقعی پدید می‌آید نه در حرکات نمایشی. نیرو ها در مواجه با تلاش صادقانه و جدی با یکدیگر است که الهام گرفته و بر انگیخته می شوند، و شور وشوق بیشتر برای فعالیت پیدا می کنند.
به خصوص تظاهرات ها و میتینگ ها عرصه هایی برای ارتقاء روحی و عملی جنبش های اجتماعی است. به میزانی که اگر جمعیت حضور یافته بیش از انتظار باشد، هم افزایی و لحظات تعیین کننده نیز در گردهمایی مردم افزایش می یابد. اما اگر شمار حاضران از حد تصور کمتر باشد، تاثیری منفی بر جای خواهد گذاشت.
اینجا است که مدیریت انتظارات و توقعات توسط رهبری جنبش نقشی کلیدی در حفظ و گسترش برهم افزایی دارد. کلا نقش رهبری و اعضاء برجسته جنبش در انباشت و توسعه برهم افزایی خیلی مهم است. بر هم افزایی امر ثابتی نیست که به ناگاه بوجود بیاید و تحت هر شرایطی نیز باقی بماند. بلکه امر پویا و متغیری است که نیاز به حفظ و هدایت دارد.
مزیت و مرکز قدرت جنبش های اجتماعی هم افزایی است که باعث موفقیت آنها می شود. سینرژی قدرت جدیدی خلق می کند که موازنه قوا را به نفع جنبش تغییر می دهد. در حالی که در شرایط عادی نیروی افراد مشخص است و در قالب موازنه قوای موجود مهار می شود.

به همین دلیل نظام های استبدادی و تمامیت خواه با تمام توان از جمع شدن افراد در کنار یکدیگر و تحرک جنبش های اجتماعی جلوگیری می کنند. توجه به بستر سازی مناسب برای شکل گیری هم افزایی و سپس حفظ و توسعه آن از وظایف مهم گردانندگان جنبش های اجتماعی است.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است . نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست .

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-08-06 · Archive ID 1067
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1067

عرصه سوم- بخشی از مهم‌ترین اخبار جامعه مدنی درهفته دوم مرداد را در گزارش پریسا کاکایی می خوانید.

حمایت از مادران پارک لاله
نزدیک به سه سال از آغاز فعالیت گروه های حامیان "مادران پارک لاله " در خارج از کشور می گذرد. بر اساس آخرین اخبار، در حمایت از کمپین لغو حکم زندان منصوره بهکیش، حمایت از همه زندانیان سیاسی و لغو اعدام ها، این گروه‌ها روز شنبه ۴ آگوست ۲۰۱۲، روبروی کلیسا راینولدی در مرکز شهر دورتموند دست به گردهمایی زد. منصوره بهکیش که عضو مادران پارک لاله و از خانواده های جان باختگان دهه شصت است به اتهام تبلیغ علیه نظام به چهار سال حبس محکوم شده است که مدت سه سال و شش ماه آن برای مدت ۵ سال به تعلیق در آمده و مدت شش ماه از آن تعزیری و قابل اجراست . حامیان مادران پارک لاله ایران - مادران صلح دورتموند، در این گردهمایی نسبت به حکم مزبور و احکام سایر زندانیان سیاسی اعتراض کردند و خواهان آزادی فوری آنان شدند.

زندانیان سیاسی
"مرا به یاد می آوری؟" عنوان دعوت نامه ای نمادین است که توسط شماری از زندانیان سیاسی ایران نوشته و طی آن از سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد خواسته شده که در شانزدهمین نشست این سران در تهران از زندان‌های ایران بازدید کنند. به گزارش دویچه وله در بخشی از نامه آمده است: «من همان روزنامه‌نگارم که در سازمان ملل یا نشستی بین‌المللی و منطقه‌ای یا دیداری دو جانبه با مقام‌های ایرانی، چند سال پیش با تو گفت‌وگو کردم یا عکسی خبری از تو و هیات همراهت برداشتم. یادت آمد؟ من همان خبرنگارم، عکاسم یا صاحب یک سایت خبری که اکنون در زندان‌های مخوف ایران محبوسم؛ تنها به‌جرم دموکراسی‌خواهی، طلب حقوق‌بشر و طرح این پرسش که "رای من کجاست؟" اگر شرمنده نبودی و به تهران آمدی نزد من هم بیا، در

زندان اوین تهران، رجایی‌شهر کرج، کارون اهواز و دیگر زندان‌های ایران «. نامه مزبور تحت عنوان " زندانیان دربند سیاسی ـ عقیدتی / جنبش‌سبز و اصلاحات" امضا شده است.

هفته گذشته در حالی که اخبار مربوط به مرخصی چند روزه برخی زندانیان سیاسی چون احمد زیدآبادی، مهدی محمودیان، نرگس محمدی، حسن اسدی و علی ملیحی فضای رسانه ها را به خود اختصاص داده بود، مهدی فخرزاده، فعال سیاسی ملی – مذهبی بازداشت شد. بنا بر اخبار سایت ملی- مذهبی ، پس از گذشت یک هفته هنوز این روزنامه نگار با خانواده خود تماسی بر قرار نکرده و آنها از وضعیت و محل نگهداری او بی خبر هستند.

به گزارش خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هرانا ، پنج تن از شهروندان بهایی محبوس در بند ۳۵۰ زندان به نام های افشین حیرتیان، شاهرخ طائف، پیمان کشفی، فواد خانجانی و دیدار رئوفی از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج منتقل شدند. علت انتقال این زندانیان مشخص نیست. همچنین، جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی از بازداشت گسترده بهائیان در اصفهان و یزد خبر داده است. بر اساس این خبر، بیش از ۱۰ شهروند بهائی در شهرهای اصفهان، شاهین شهر، ویلاشهر و یزد بازداشت شدند. ساسان حقیری، شهرام اشراقی، آذر پورخرسند، آقای نقی پور و صبا گلشن از شهر اصفهان، خانم طاهره رضایی از شاهین شهر، خسرو دهقانی، ویدا پروینی و نغمه فارابی از ویلاشهر اصفهان و فریبرز باغی، فریدا اشتری، ناطق نعیمی، فرحناز رستمی و ایمان رشیدی از یزد از جمله بازداشت شدگان هستند.

غلامرضا خسروی از زندانیان سیاسی دهه شصت در آستانه اعدام قرار دارد. وی در سال 86 در شهرستان رفسنجان توسط ماموران وزارت اطلاعات به اتهام جاسوسی بازداشت و به شش سال (سه سال تعلیقی، سه سال تعزیری) محکوم شد. اما با اعتراض دادستان رفسنجان، حکم سه سال تعلیقی وی نیز به تعزیری تغییر کرد. پس از مقاومت این زندانی سیاسی در برابر انجام مصاحبه و اعتراف تلویزیونی، پرونده وی به تهران منتقل و توسط قاضی پیرعباسی به دلیل اتهامات سال 60 که پیش از این و در همان سال ها به خاطر آن پنج سال زندان را تحمل کرده بود به محاربه محکوم و حکم اعدام صادر شد. بنا بر خبر دانشجو نیوز و اخبار غیررسمی، حکم اعدام غلامرضا خسروی در شهریور ماه به اجرا در خواهد آمد.


WireIMAGE

فرهنگ و هنر

پنج شنبه دوم آگوست برابر با 29 تیرماه نیز سفارت فرانسه در تهران اعلام کرد که از طرف وزیر فرهنگ و ارتباطات این کشور "نشان هنر و ادب" درجه شوالیه، به لیلا حاتمی، هنرپیشه ایرانی اعطا شده است. نشان مزبور از سال 1957، هر سال به پاس خلاقیت هنری یا ادبی و یا به خاطر مشارکت در تلالوی هنر و ادب، در فرانسه و در جهان به هنرمندان اعطا می شود. به گزارش بی بی سی فارسی شهرام ناظری (خواننده)، رضا دقتی (عکاس)، شیرین عبادی (برنده جایزه صلح نوبل)، عباس کیارستمی (کارگردان سینما)، پری صابری (کارگردان تئاتر)، جلال ستاری (اسطوره شناس)، محمدعلی سپانلو (شاعر) و ایران تیمورتاش از جمله افرادی هستند که این نشان را تا به امروز دریافت کرده اند.

گرد همایی ایران شناسان

نهمین کنفرانس دوسالانه ایران شناسی در کنار تنگه بسفر در "هتل کُنراد" استانبول برگزار شد. این کنفرانس از روز پنج شنبه دوم آگوست آغاز و با مقالات علمی دانشمندان، استادان و پژوهشگران سراسر جهان تا شنبه چهارم ادامه داشت. مهرزاد بروجردی، از اعضای فعال انجمن بین المللی مطالعات ایران شناسی در گفت و گو با بی بی سی فارسی می گوید: «این انجمن حدود ۴۵ سال پیش تاسیس شد. انجمن ایران شناسی در آن زمان توسط عده ای از ایران شناسان آمریکا شکل گرفت که معتقد بودند مطالعات ایران نباید در سایه مطالعات عرب شناسی انجام شود و باید رشته ای مستقل باشد. ابتدا انجمن تنها به انتشار فصلنامه ایران شناسی بسنده می کرد اما از هجده سال پیش به برپایی کنفرانسی دوسالانه هم دست زد که شش کنفرانس اول در آمریکا، دو کنفرانس بعدی در لندن و تورنتو و نهمین آن امسال در استانبول برگزار می شود.»

محیط زیست

مؤسسه زیست محیطی طنین طبیعت تیرگان طی فراخوانی از برگزاری جشنواره هنر محیطی با تاکید بر هنر بازیافت خبر داده است. این جشنواره با هدف ترویج گردشگری پایدار با شعار جنگل بدون زباله، نیاز به مدیریت بازیافت جنگل های هدف گردشگری و فراهم آوردن بستر هنری در ترویج حفاظت از محیط زیست، از هنرمندان و صاحبان آثار برای شرکت و همکاری دعوت کرده است. به نقل از وب سایت ویژه جشنواره محیطی، در این جشنواره دوستداران محیط زیست نسبت به پاکسازی جنگل ابر اقدام کرده و هنرمندان بر اساس مواد جمع آوری شده، نسبت به خلق آثار هنری اقدام می کنند.

از طرف دیگر، به گزارش ایلنا ، خبرگزاری کار ایران، علی رغم اعتراض شورای شهر گرگان و بسیاری از سازمانهای مردم نهاد مدافع محیط زیست، بخشی از جنگل ناهارخوران گرگان به منظور ساخت موزه دفاع مقدس در حال تخریب

است. بر اساس این گزارش «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان گلستان حدود ده هزار متر مربع زمین از ارتفاعات جنگلهای طبیعی و بکر ناهارخوران گرگان را برای تأسیس موزه در اختیار گرفته است و بی‌توجه به مخالفتهای مردمی، اخیراً به قطع درختان و خاک برداری عجیب و بی‌سابقه در منطقه جنگلی به منظور ساخت و ساز اقدام کرده است. این قسمت از جنگل ناهارخوران به تپه نورالشهدا معروف شده است.»

تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها

پس از اعلام نتایج مرحله اول آزمون سراسری ورود دانشگاه ها، مشخص شد که برخی دانشگاه ها اقدام به تفکیک جنسیتی کرده اند. دانشگاه علامه طباطبایی که به علوم انسانی اختصاص دارد در سال تحصیلی ۱۳۹۲ – ۱۳۹۱ در رشته‌های مدیریت صنعتی، مدیریت هتل‌داری، حسابداری، مددکاری اجتماعی، مشاوره و راهنمایی و علوم اجتماعی تنها دانشجویان مرد و در رشته‌های کتابداری، علوم سیاسی و علوم تربیتی تنها دانشجویان زن را خواهد پذیرفت. به گزارش دویچه وله این دانشگاه در سال تحصیلی گذشته در جهت جداسازی کلاس های درس، بیش از ۲۶۳ کلاس درس را به دختران و ۷۸ کلاس را به پسران اختصاص داده و در عین حال به تفکیک جنسیتی رشته‌ها نیز ادامه می‌دهد. در همین رابطه دانشجو نیوز نیز گزارشی را منتشر کرده است که بر اساس آن در سال جاری در بیش از ۶۰ دانشگاه کشور در برخی از رشته ها داوطلبان به صورت تک جنسیتی پذیرش خواهند شد که این موضوع نسبت به سال گذشته از رشد قابل توجهی برخوردار است.

داروخانه ها و معضلات مالیاتی

در بخش دیگر اخبار مربوط به جامعه نیز، رئیس انجمن داروسازان ایران اعلام کرده است که بیشتر داروخانه

های کشور در معرض فروش قرار گرفته اند. دکتر رهبر مژدهی آذر در گفتگو با خبرنگار مهر از بیمه ها و سازمانهای مالیاتی به عنوان عوامل مشکل ساز برای داروخانه ها نام برد. به گفته وی: « تاخیر در پرداخت مطالبات داروخانه ها از سوی بیمه ها و همچنین مالیاتهایی که برای داروخانه ها بسته می شود، باعث شده تا هزینه ها بیشتر از درآمد شود و در نتیجه داروخانه داری برای داروسازان منفعتی نداشته باشد.»

—

مسئله اولویت درکنش های مدنی و سیاسی

2012-08-07 · Archive ID 1078
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1078

علی افشاری

" کمپین ضد حجاب اجباری " در فضای مجازی با استقبال مواجه شد، اما در ضمن واکنش‌های مخالفت آمیزی را هم برانگیخت. در این یاداشت از میان انتقاد ها بر روی یکی از آنها دست گذاشته ام که از سر نابهنگامی و یا در اولویت نبودن، درستی این حرکت را زیر سئوال می برد.

تعیین اولویت این مسئله و بحث پیرامون آن موضوع این نوشته نیست. بلکه اساسا این سئوال مطرح می شود که چرا باید طرح یک بحث و یا راه اندازی یک کمپین مشروط به برخورداری از اولویت باشد ؟ چگونه می توان ساختار هرمی اولویت ها را مشخص کرد ؟ ملاک تعیین اولویت ها چیست ؟ چه کسی آنها را تعیین می نماید ؟ آیا امکان پذیر است که پیشاپیش ارجحیت یک حرکت و یا خواست را مطرح کرد. یا باید تکلیف این مسئله درمیدان عمل و پس ازارائه طرح و پیشنهادات روشن گردد.

این موضوع بخشی از یک آسیب کلی درعرصه عمومی ایران است که درآن این تصور وجود دارد که حتما باید حرکت بزرگ و فراگیری که از اولویت بالایی برخوردار است مورد توجه فعالین سیاسی و مدنی قرار گیرد. و کارهای کوچک تر واجد ارزش کافی نیستند!

و یا همه گروه ها باید خواستی را که از اولویت و اهمیت بیشتری برخورداراست، مبنای فعالیت قراردهند. حال اگر کسی به این توضیح عمل نکرد، سزاوار سرزنش است و باید به خاطر عدم توجه به نیازهای مهم تر مورد شماتت قرار گیرد.

این رویکرد صرفنظر از امکان عملی بودن که قابل تردید است، مفید نیز نیست. جامعه به اقشار و لایه های مختلف تقسیم می شود که لزوما خواسته های یکسانی ندارند. در یک جامعه مجموعه ای از مطالبات وجود دارد که هرکدام به دنبال فضایی برای طرح خود هستند و جماعتی هستند که آنها را دنبال می کنند و این خواست ها برای آنها مهم است. به هیچ بخش و گروهی و لو کوچک باشند، نمی‌توان گفت که خواسته خود را فرو گذاشته و خود سانسوری کنند، چون فعلا خواسته آنها در اولویت نیست!

علی القاعده باید مطالبات گوناگون که درجامعه متقاضیانی دارند، مطرح شوند. سپس می‌توان میزان توجه به آنها و جایگاه شان را در هرم اولویت های جامعه مشخص کرد. اما قرار داشتن درهر سطحی از ارجحیت دلیلی برای به تعلیق درآمدن فرایند تحقق آن خواسته نیست.

حرکت های فراگیر سیاسی و ابر جنبش های موفق معمولا کارزارهایی هستند که می توانند یا برنامه ای برای تحقق مطالبات گوناگون ارائه دهند و یا چشم انداز مثبتی برای دستیابی به آنها در گذر زمان ترسیم کنند.

کمپین نه امر ثابت بلکه متغیر

دلیلی وجود ندارد هر خواستی که مطرح می شود لزوما مورد توجه همه باشد. باید اجازه داد تا هرکس و گروهی امری را که از دید خود مهم تشخیص می دهد عرضه کند. آنگاه در رویارویی و در کنار هم قرارگرفتن مطالبات و

واکنش‌ها اولویت ها بهتر مشخص می‌شوند. وهم جامعه و کنشگران اجتماعی بهتر درمی یابند که میزان واقعی هرخواسته و تقاضا در اجتماع چقدر است.

هم چنین نابهنگامی و یا بهنگامی نیز پس از طرح یک مطالبه و واکنش جامعه مشخص می گردد و نمی توان در این خصوص صرفا داوری ذهنی انجام داد.

از سوی دیگر طرح درست هر حرکت اجتماعی و سیاسی "مطالبه محور" نیازمند بازاریابی نیز است. یعنی باید بتواند با استفاده از روش های مناسب آگاهی بخشی ، تبلیغات و تمهیدات گوناگون اهمیت اش را به جامعه مخاطب نشان دهد، و در آنها برای پیوستن به جنبش ایجاد انگیزه کنند. گسترش یک مطالبه به عمق اجتماع نیازمند فعالیت هدفم ند است. کمتر بتوان خواسته ای را غیراز مسائل عمومی مانند رفاه و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی یافت که در همان بدو ماجرا اولویت بالایی داشته باشند، و یا گروه بزرگی را درگیرخود سازند.

بنابراین اولویت و ترجیح یک خواست و یا کمپین نه امر ثابت بلکه متغیر است. و این تغییر تابعی از فعالیت موافقین ، نحوه مواجهه مخالفین و شرایط اجتماعی است.



در شرایط کنونی ایران و به خصوص بن بستی که در زمینه تحولات اجتماعی بوجود آمده و ویژگی رو به تشدید بسته بودن جامعه ، شرایط خاصی را پدید آورده است. از یکسو خیل عظیمی از مطالبات گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جنسیتی، آموزشی، علمی ، زبانی مجال بروز و تحقق پیدا نمی کنند، لذا در لایه های زیرین جامعه انباشته می شوند. از سوی دیگر به شکل عینی، ساز و کاری فیصله بخش برای شناسایی خواسته های اولویت دار و درجه اول و یا متناسب با نیاز روز وجود ندارد.

بر آوردها در این خصوص ذهنی هستند، و ناگزیر با تمایلات، نظام ارزشی، پیش داوری های فاعل شناسایی و شخص بر آورد کننده پیوند می یابند. این مسئله باعث دشواری در ایجاد توافق و اجماع بر سر ساختار هرمی اولویت های سیاسی و اجتماعی می گردد . و حتی یکسری نزاع های بی حاصل را دامن می زند.

بنابراین با توجه به این ملاحظات و هم چنین نفس و طبیعت مسئله بهتر است نسبت به طرح کمپین ها و فعالیت هایی که هر کدام نیاز و خواستی را برجسته می سازند حساسیت نشان نداد. هیچ فعالیتی جای فعالیت دیگر را تنگ نمی کند.

به عنوان مثال طرح و پیگیری حقوق هم جنس گراها و یا دفاع از آزادی تفریح و سبک زندگی منافاتی با تلاش برای عدالت ،فقر زدایی ، کاهش تورم و یا بهبود حقوق بشر و تسریع گذار مسالمت آمیز به دموکراسی ندارد. هر کدام از این مسائل جایگاه خاص خود را دارند.

مهم این است که خواست ها کاذب نباشند و واقعا دغدغه و نیاز بخشی از جامعه را متبلور کنند. و یا بتوان نشانی از واقعیت در آنها پیدا کرد.

طرح نیازها و خواست های گوناگون و شکل گیری هسته ها ، انجمن ها و کمپین های متعدد برای استیفای آنها ضمن اینکه تلاش برای استقرار جامعه مدنی مقتدر را فربه می سازد، نشاط و سرزندگی نیز به جامعه می بخشد و فضا را برای شکل گیری یک تحرک جنبش فراگیر و تحقق خواسته های دارای اولویت بالا را مساعد می کند.

البته هر جریانی که کمپینی راه می اندازد، باید ملتزم باشد تا دامنه خواست را در چهارچوب پایگاه اجتماعی آن مطرح کند. و مدعی همگانی بودن جرکت خود بدون رعایت ضوابط آن نشود.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

شهروند جامعه مدنی کیست

2012-08-09 · Archive ID 1089
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1089

عرصه سوم- در بازنگری به مفاهیمی که در منابع علمی، ادبیات جامعه شناختی و زبان رسانه ای برای تشریح و توضیح ویژگی‌های جوامع دموکراتیک و جامعه مدنی به کار می روند، به تعاریف دقیق از موقعیت، مشخصات و وظایفی که شهروندان در یک جامعه مدنی پویا و کارآمد دارند، برمی خوریم. این تعاریف تنها بخشی از تئوری‌های ابداع شده توسط کنشگران مدنی و یا متخصصان جامعه شناس نیستند، بلکه بر مبنای تجربیات عملی زندگی درسراسر دنیا تدوین شده اند. برای خواننده‌ای که علاقمند به یادگیری بیشتر در زمینه دانسته های کاربردی است، بازخوانی منابع موجود دراین زمینه می‌تواند راه گشا باشد. برای یک بررسی کوتاه می‌توان به خلاصه‌ای از مهمترین بافته ها در این مورد اشاره داشت. در بخش نخست این بررسی به ویژگی های جامعه مدنی و وظایف شهروندان به اختصار پرداخته شد. بدیهی است که نقش فعال شهروندان درکنترل و نظارت بر اجرای سیاست های دولتی و یا حضورشان درنهادهای مردمی، آنان را موظف به داشتن توانمندی‌های کافی برای اجرای این مسئولیت ها می کند. این پرسش که شهروند جامعه مدنی کیست و چگونه عمل می کند، برای آشنایی بیشتر با او ضرورت و اهمیت بسزایی دارد.

مزایای مدنیت

درجوامع پیشرفته دولت ها با رأی مردم انتخاب می شوند، مردم سالاری تحقق یافته و هم اکثریت شهروندان از امکانات و رفاه نسبی برخوردارند. آزادی فردی و اجتماعی شهروندان درقانون تصریح شده، توسط دولت و هم مردم به رسمیت شناخته شده و هم رعایت می شود. آزادی انتقاد از سیاست مداران هم برای شهروندان و هم برای رسانه‌ها وجود دارد. درچنین جامعه‌ای اکثریت مردم به رعایت و به کار بستن ضوابط فرهنگ دموکراتیک راغب اند. فرهنگی که در آموزش، اداره جامعه و تنظیم روابط میان اقشار مردم با هر پیشینه قومی و مذهبی متفاوت به کار گرفته می‌شود و همه شهروندان از نظر قانونی دارای حقوق مساوی اند. در اجرای قوانین و احترام به آن مسئول اند. بنابراین بدیهی است که در چنین شرایطی مردم فرصت می یابند با آسودگی بیشتری زندگی و هم از خدمات آموزشی و رفاهی استفاده کنند. آگاهی نسبی از مسائل داشته باشند و عملاً درادراه

جامعه نقش فعال و موثری برعهده بگیرند. شهروندان دریک جامعه دموکراتیک به مسئولیت فردی خود درقبال جامعه واقف و اغلب برای حل مشکلات در محله و شهر خود حاضر به همکاری با نهادهای مردمی و هم دولتی هستند.

برعکس در بیشتر جوامع غیردموکراتیک، سنتی و توسعه نیافته اغلب انتخابات آزاد و بدون تقلب برگزار نمی شوند. و یا قسمت اعظم منابع مادی و رفاهی جامعه دراختیار اقلیت حاکم و گروه های طرفدار است. فساد اداری و مالی در دستگاه دولتی حتمی و روابط بیشتر از ضوابط کاربرد دارند. از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ایده آل هم خبری نیست، یا مطبوعات و رسانه‌ها از آزادی و استقلال برخوردارنیستند. مخالفان سیاسی و منتقدان اغلب دستگیر و زندانی می شوند. یا تبعیضات متعددی نسبت به اقلیت‌های مذهبی و قومی وجود دارند. دراین جوامع زنان از حقوق برابر برخوردارنیستند. بدیهی است که در چنین شرایطی مشارکت مردم درامور اجتماعی ناچیز و اکثریت شهروندان محروم از حقوق شهروندی و توانمندی‌های لازم برای شرکت مؤثر درجامعه و چالش با دولت مردان و صاحبان قدرت اند. جامعه مدنی دراین کشورها اغلب آسیب‌پذیر و ناتوان از اجرای نقش مؤثری در روند پیشرفت اجتماعی است.

مقایسه بعضی تفاوت‌ها

با مقایسه بعضی تفاوت‌ها میان شهروندان درجوامع پیشرفته و شهروندان کشورهای درحال توسعه می‌توان تصویر روشن‌تری از اهمیت توان مندی فردی به دست داد. این مقایسه از این نظر مهم است که بعضی تفاوت‌ها را آشکار می کند. خصوصیاتی که در روند شکل‌گیری شخصیت فرد در روند تعلیم و تربیت ساخته می شوند و در رفتار افراد تبدیل به ویژگی رفتاری بارز می‌شوند و برنحوه عمل‌کرد او دراجرای مسئولیت های اجتماعی‌اش تأثیر می گذارند.

یک شهروند جامعه مدنی در جامعه دموکراتیک اغلب :

عقل گرایی را ارج می نهد و از اغراق و سیاه و سفید دیدن مسائل پرهیز می کند،
شجاعت فکری را یک امتیاز می داند تا کمتر خودسانسوری کند.
به استقلال نظر و ابتکار درعمل اهمیت می دهد.
به یافته های علمی متکی و با خرافات مقابله می کند.
به نسبیت گرایی درگفتار و رفتار عمل معتقد است.
به خود متکی و مسئولیت پذیر می باشد.
به طور فعال در بحث‌های اجتماعی و انتقاد از دولت مردان حضور دارد.
درنهاد های غیردولتی فعال است.
کارگروهی را ارج می نهد.
حاضر به مشارکت داوطلبانه درحل مشکلات شهر محل زندگی است.

داشتن خصوصیات ذکر شده نه تنها درزندگی شخصی بلکه در برخورد با معضلات اجتماعی هم اغلب بر نوع نگرش و برخورد افراد با مسائل موثرند. به این معنی آنان در بیشتر موارد از برخوردهای اعتراضی و تخریبی پرهیز می‌کنند، و در ارتباط با دیگران در پی یافتن روشهایی منطقی بدون به کار گیری خشونت برای حل مشکلات هستند.

شهروند جوامع توسعه نیافته

اما در جوامعی که توسعه سیاسی محدود و فرهنگ دموکراتیک چه درحوزه خصوصی و چه درحوزه عمومی نهادینه نشده است، یا کنترل سیاسی در تمام سطوح وجود دارد، یا نهادهای سنتی و مذهبی افکار عمومی را کنترل و هم هدایت می کنند. اغلب شهروندان آگاهانه و هم ناآگانه از برخورد یا اعتراضات اساسی به معضلات فرهنگی و یا رهبری سیاسی پرهیز می کنند. یکی از دلایل این رویکرد فقدان آزادی‌های اجتماعی ، سیاسی و ترس از مجازات است. دراین جوامع بیشتر ویژگی‌های فکری و رفتاری زیر غالب اند:

مردم به دستگاه دولتی بی اعتمادند.
این تصور رایج است که اقتدار دولتی و دستگاه‌های اجرایی حد و مرزی ندارد.
فکر می‌کنند که هرچقدر هم که تلاش کنند قادربه تغییر اوضاع نیستند.
برای رهایی از احساس ناتوانی در حل مشکلات راه چاره را درتسلیم شدن به سرنوشت و قضا و قدر می بینند.
برای داشتن تحرک فردی و اجتماعی مدام با صدها اما و اگر، تردید و دودلی دست بگریبانند.
از کارگروهی و شرکت در فعالیت‌هایی سیاسی که به اصطلاح بو می‌دهند روی گردانند.
از فعالیت‌های اجتماعی از ترس برخورد با نهادهای قانونی روی گردانند.
خود را ملزم به اطاعت دانسته و از اظهار نظر واهمه دارند.
به ترس و خودسانسوری دچارند.
اعتقاد به سنت‌ها و خرافات بیشتر است.
ناامیدی، احساس عجز و ناتوانی در برخورد با مشکلات غالب است.
بی اعتمادی، عدم تحمل، فقدان تفاهم و رفتارهای تند و ترس از انتقاد در کارگروهی غالب است.

تسریع روند دگرگونی درجهان

بدیهی است که همه جوامع چه پیشرفته و چه درحال توسعه مدام درحال تغییرند. در دوران ما با افزایش مهاجرت میان قاره ای، استفاده از تکنولوژی پیشرفته و اینترنت ارتباط تنگاتنگی میان چهارگوشه عالم برقرار شده است.رسانه‌های اجتماعی در کشورهایی که از فقدان آزادی بیان رنج می برند، توانسته اند نقش مهمی را در ایجاد ارتباط میان شهروندان این ممالک با دنیا بازی کنند. حال با پیشرفت‌های ارتباطی، استفاده از ماهواره ها، توزیع منابع آموزشی آسان‌تر و دموکراتیک تر شده است. بنابراین حتی در کشورهای دیکتاتورزده هم درهای همیشه بسته بتدریج بر روی جهان باز شده اند. جنبش های اجتماعی جدیدی متولد می‌شوند و جنبش های مبارزه با نقض حقوق بشر در اکثر مناطق محروم پا گرفته اند. تلاش برای کسب حقوق برابر درزمینه رفع تبعیضات قومی ، مذهبی و جنسیتی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم، محیط زیست و مبارزه با جنگ به نسبت‌های متفاوت درجهان پیشرفته و هم توسعه نیافته ادامه دارد.

فوزیه کوفی



برای مثال در افغانستان سرزمینی که مردم و به خصوص زنان از فقر، ناامنی و تبعیضات جنسیتی بی حدی رنج می‌برند، شاهدیم که درسالهای اخیر میزان آگاهی از حقوق شهروندی و خواست تغییر شرایط دشوار حتی در میان محروم ترین اقشار زنان هم به مدد دسترسی بیشتر به امکانات اجتماعی و آموزشی افزایش یافته است. زنان افغانی دریافته‌اند که باو جود انبوه مشکلات شخصاً می‌توانند در تغییر شرایط مؤثر باشند. آنان به همین خاطر برای مبارزه با فقر، فرهنگ سنتی زن ستیز و توانمندی نسل جدید دخترانشان حاضر به خطر کردن ،تغییر شرایط بسیار سخت زندگی و سرپیچی از سنت‌های کهن پدرسالارانه اند.

زنانی مانند فوزیه کوفی نماینده پارلمان افغانستان که درکودکی حتی از رفتن به مدرسه هم محروم بود، اما بعدها با تلاش و تحمل سختی‌های بسیار توانست از چند دانشگاه فارغ التحصیل و هم دو دوره نماینده مردم درپارلمان شود، زنی که به خاطر فعالیت‌های خود به شدت درمیان مردم محبوب و هم به خاطر دفاع از حقوق برابر برای زنان افغانستان بارها از طرف قشریون و طرفداران طالبان به مرگ تهدید شده است. اکنون فوزیه کوفی36 ساله ، مشهورترین سیاستمدار زن در افغانستان است. او می‌خواهد به عنوان تنها کاندیدای زن در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۴ شرکت کند، البته فوزیه تا کنون از چند سوءقصد جدی جان بدر برده و می‌ترسد توسط مخالفانش که طیف وسیعی ازطرفداران طالبان تا بعضی از احزاب فعال در پارلمان را شامل می شوند ، ترور شود.

فوزیه کوفی هربار که به قصد فعالیت‌های سیاسی به استان‌های افغانستان سفر می‌کند، وصیتنامه‌اش را در قالب نامه‌های ساده و روان برای دو دختر کوچکش می‌نویسد. این نامه‌ها همراه با شرح زندگی خصوصی‌اش در کتاب «نامه‌هایی به دخترانم» چاپ شده اند. او با تشریح زندگی باورنکردنی، دردناک و پرتلاش اش، در پایان هر بخش از کتابش نامه‌ای هم به دختران خردسالش نوشته است. فوزیه با بازگویی تجربیات خود از دختران ۱۰ و ۱۲ ساله‌اش می‌خواهد درصورتی که مادرشان توسط مخالفان سیاسی کشته شد، از پای ننشینند و برای به‌دست‌آوردن حقوق برابر برای زنان افغان مبارزه کنند.

—

کارکودکان، حلقه معیوب فقر

2012-08-10 · Archive ID 1074
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1074

بخش اول

مهتاب فقط ده سال دارد

عرصه سوم- پریسا کاکایی: بااینکه هوا تاریک شده اما جثه کوچکش با مانتوی خاکستری رنگ ورورفته در سرپیچ خاکی قابل تشخیص است . پشت به سیم‌ها تکیه داده و روی زمین نشسته است . صبح‌ها که می‌روم سر کار، مهتاب را نمی‌بینم اما بیشتر شب‌ها همانجا نشسته و ترازویی مقابلش گذاشته و مشق شب می‌نویسد .

می‌روم روی ترازو می‌ایستم . سرش را بالا می‌آورد و قیمتی می‌گوید . سلام می‌کنم و پول را می‌دهم . می‌پرسم اجازه هست کنارت بنشینم؟ با کمی تعجب نگاه می‌کند و خودش را کنار می‌کشد . چند دقیقه‌ای به سکوت می‌گذرد . نامم را می‌پرسد . نامش را می‌پرسم . ۱۰ سال دارد . صبح‌ها مدرسه می‌رود و بعد از مدرسه از آن سر شهر با مترو خود را به این سر شهر می‌رساند . می‌گوید اینجا مشتری‌ها مرا می‌شناسند و کسی مزاحمم نمی‌شود . برایش مثل پاتوق شده، پدرش باربربازار است و مادرش تمام وقت به نگهداری از شش خواهر و برادر دیگرش مشغول است . لبخند می‌زند که بچه‌اند دیگر، غذا می‌خواهند و گاهی اگر بشود اسباب بازی کوچکی . می‌گوید بعضی جمعه‌ها می‌رویم امامزاده، آن وقت می‌توانم ماشین پلاستیکی کوچکی بگیرم تا جلال کوچولوی خانه خوشحال شود . هر وقت به امامزاده می‌رود ده تومان می‌اندازد داخل ضریح به نیت اینکه پدرش کار بهتری پیدا کند .

مهتاب، نمونه‌ای از صدها کودک کار است که در سراسر دنیا به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران زندگی و کار می‌کنند . این کودکان بی‌آنکه کودکی کنند، مسئوولیت تامین زندگی خود وخانواده‌شان را به عهده دارند . داستان زندگی آنها گاه چنان پیچیده و مملو از خشونت و آسیب می‌شود که دنیای کودکیشان را به بستری مناسب برای شکل گیری نطفه‌های مشکلات رفتاری آینده تبدیل می‌کند .

دراین نوشتار می‌خواهم با نگاهی اجمالی به وضعیت آماری کودکان کار در دنیا و ضمن اشاره‌ای کوتاه به تعاریف موجود، نقش جامعه مدنی در کاهش این مشکل اجتماعی را هم بررسی کنم

آمار چه می‌گویند؟

بر اساس آمار به دست آمده از آخرین گزارش جهانی در مورد کودکان کار، حدود ۲۱۵ میلیون کودک که ۱۵۳ میلیون نفر از آن‌ها به رده سنی ۵ تا ۱۴ سال تعلق دارند در سراسر دنیا مشغول به کار هستند . ۱۱۵ میلیون نفر از این کودکان که یک سوم آن‌ها زیر ۱۴ سال هستند بدترین اشکال کار را تجربه می‌کنند . از لحاظ پراکندگی ۶. ۱۱۳ میلیون کودک کاربه آسیا و اقیانوسیه،۱ . ۶۵ میلیون به صحرای بزرگ افریقا و ۱ . ۱۴ میلیون نیز به آمریکای لاتین و منطقه کارائیب تعلق دارند (سازمان جهانی کار، ۲۰۱۲).

درایران نیز با استناد به آمارهای منتشر شده توسط مرکز آمار در سال ۱۳۸۵، از مجموع ۱۳ میلیون و ۲۵۳ هزار کودک رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال کشور، سه میلیون و ۶۰۰ هزار کودک خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک به صورت مستقیم درگیر کار بوده اند که از این تعداد ۸۳۰ هزار نفر در مناطق شهری و ۸۵۰ هزار نفر در بخش‌های روستایی به سر می‌بردند (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۷). این در حالی است که اخبار و آمار پراکنده موجود در سال‌های اخیر، تعداد کودکان کار را حدود یک میلیون و ۴۵۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند . علاوه بردر دست نداشتن آمار به روز شده کودکان کار، مشخص نیست که در حال حاضر چه تعداد از آن‌ها درگیر کارهای دشوار و آسیب رسان بوده و این آمار چه مقطع سنی و کدام مناطق را در بر می‌گیرد . چرایی عدم وجود آماری معتبر در مورد کودکان کار درایران و اینکه وظیفه کدام ارگان دولتی یا غیردولتی است، هنوز مورد بحث مسئولان است (ایرنا، ۱۳۹۱). تنوع کارکودک، تعریف سلیقه ای از کارکودک، وجود کارگاه‌های کوچک ثبت نشده، کارهای کاذب مخصوص کودکان خیابانی، عدم اطلاع رسانی، محدودیت فعالیت و کمبود بودجه سازمان‌های غیردولتی داخلی و عدم وجود سازمان‌های غیردولتی بین المللی از عوامل موثر در دشواری برآورد دقیق تعداد کودکان کار و مسائل مربوط به آنان است .

کارکودکان و بدترین انواع آن



هنگامی که صحبت از کار کودک به میان می‌آید، معمولا تصویر کودکان دست فروش، کفاش و یا کودکانی که در کارگاه‌ها و مکانیکی‌ها کار می کنند برجسته می‌شود . این تعریف معمول، کودکانی را شامل می شود که برای کمک به درآمد خانواده و یا حفظ بقای خود به عنوان نیروی کار ارزان و بدون برخورداری از بیمه و مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی به استخدام صاحبان کار درآمده ، از تحصیل محروم می شوند و یا با دشواری تحصیل کرده و شاغل محسوب می شوند . البته این شکل از کار زوایای پنهانی نیز دارد . به طور مثال کودکی که به مدرسه نمی رود تا به امور خانه و سایر فرزندان رسیدگی کند وامکان کار را برای پدر و مادر فراهم نماید، یا در مزرعه به همراه پدر و مادرش کار می کند و از تحصیل باز می ماند شامل این تعریف می شود . اما توضیح فوق، تنها بخشی از اشکال آشکار کار کودک را به نمایش می‌گذارد که مرسوم و قابل مشاهده بوده و بیشترمورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته‌اند . درحالی که اشکال پنهانی بهره کشی از کودکان، سطوح مختلفی دارد که گاه با دیگر موارد نقض حقوق کودک همپوشانی داشته و در قالب کار کودک بررسی نمی‌شوند . در این نوع کارهای آسیب رسان و طاقت فرسا دیگر بحث کمبود دستمزد و یا بیمه مطرح نیست بلکه جان کودک و سلامت روان او به شدت در خطر بوده و جبران آسیب‌های وارده، دشوار و در بعضی موارد غیر ممکن به نظر می‌رسد .

بر همین اساس و برای روشن شدن دقیق مفاهیم، در سال ۱۹۹۹، سازمان بین المللی کار، مقاوله نامه ۱۸۲ را تحت عنوان حذف بدترین اشکال کار کودک به تصویب رساند که در آن وجوه دیگر کار کودک مورد بحث و بررسی قرار گرفت . پس از آن، در سال ۲۰۱۰، به دلیل لزوم انجام تلاش‌های بیشتر برای لغو کار کودک، این سازمان به همراهی چند ارگان دیگر، کنفرانس جهانی کودکان کار در لاهه را برگزار کرد که طی آن شرکت کنندگان، در مورد برنامه عمل برای محو بدترین اشکال کار کودک تا سال ۲۰۱۶ به توافق رسیده و بر لزوم اجرایی شدن موارد تصویب شده در مقاوله نامه ۱۸۲ و بررسی موانع تاکید کردند .

مطابق با کنوانسیون های بین المللی، تعریف بدترین اشکال کارکودک موارد زیر را شامل می‌شود :

- هر نوع شکلی از برده داری و یا مشابه آن، خرید و فروش، قاچاق، معامله کودک به عنوان بدهی، به کنیزی و یا غلامی گرفتن کودک، کار اجباری از جمله سربازگیری و استفاده کودکان در درگیری‌های نظامی
- استفاده از کودک، پیشنهاد به و یا فراهم آوردن امکان روسپیگری کودک برای تهیه محصولات پورنوگرافی و یا نمایش آن

- استفاده از کودک، پیشنهاد به وی و یا فراهم آوردن امکان برای فعالیت مربوط به هر نوع قاچاق و به ویژه قاچاق مواد مخدر
- انجام کارهای آسیب رسان به سلامت، امنیت و یا روحیه کودک.

شیوع موارد مزبوردر کشورهای مختلف بسته به بستر فرهنگی و شرایط اقتصادی، متفاوت است . درکشوری مانند ایران، اگر چه آمار دقیق و مشخصی وجود ندارد اما ازدواج زود هنگام دختران، فروش، مبادله، اجبار به روسپیگری (چه توسط سرپرست و چه تلاش خود کودک برای بقا) و استفاده از کودکان به منظور قاچاق از موارد مشاهده شده در سطح جامعه هستند .

انجام کارهای آسیب رسان به سلامت، امنیت و یا روحیه کودک.

شیوع موارد مزبوردر کشورهای مختلف بسته به بستر فرهنگی و شرایط اقتصادی، متفاوت است . درکشوری مانند ایران، اگر چه آمار دقیق و مشخصی وجود ندارد اما ازدواج زود هنگام دختران، فروش، مبادله، اجبار به روسپیگری (چه توسط سرپرست و چه تلاش خود کودک برای بقا) و استفاده از کودکان به منظور قاچاق از موارد مشاهده شده در سطح جامعه هستند .

داستان لیلا

لیلا مافی، یکی از نمونه‌هایی است که تا سال‌ها موضوع مورد بحث اخبار و گزارش‌ها قرار گرفت . او زمانی که ۸ سال داشت توسط مادرش به روسپیگری واداشته شد . ۹ ساله بود که اولین فرزندش به دنیا آمد و توسط دادگاه به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شد . ۱۲ سالگی توسط خانواده‌اش به عقد مردی افغان در آمد و از آن پس توسط مادرشوهرش به روسپیگری مجبور شد . در ۱۴ سالگی دوقولوهایش را به دنیا آورد ومجددا توسط خانواده‌اش به مردی ۵۵ ساله فروخته شد که او نیز لیلا را به ادامه همان نوع زندگی واداشت . اگر لیلا، به عنوان دختری که مورد سوء استفاده جنسی و کودک آزاری قرار گرفته ، بررسی می‌شود . اما او در حقیقت یکی از قربانیان بهره کشی از کودکان و یا همان « بدترین اشکال کار کودک » یعنی برده داری جنسی است . زیرا این کودک برای تامین منافع مالی بزرگسالان خود وادار به انجام تن فروشی شده است .

همچنین گزارش‌های پراکنده در مورد کار کودکان در تولیدی‌ها و کارخانه‌ها با شرایط محیطی نامناسب و خطرناک ، قالی بافی در کارگاه‌های نمور و تاریک، ساعت‌های طولانی کار، شب کاری، اجبار به تکدی‌گری، زباله گردی، دست فروشی و مواردی از این دست از مصادیق کارهایی هستند که به طور قطع به سلامت، امنیت و روحیه کودک آسیب‌های جدی وارد می‌کنند . به عنوان نمونه کودکان گل فروشی کنار جاده بهشت زهرا بارها در معرض خطر برخورد ماشین‌ها قرار گرفته و تعدادی از آن‌ها جان خود را از دست داده‌اند .

سن کار کودک

متاسفانه شرایط اقتصادی کشورهای در حال پیشرفت و در نتیجه وضعیت معیشت افراد جامعه در بسیاری موارد موانعی را بر سر راه حذف کار کودک ایجاد کرده و او را به عنوان یک منبع درآمد وادار به کار می‌کند . در چنین شرایطی، یکی از مواردی که کنوانسیون‌های مربوط به کار به آن توجه دارند حمایت از کودکان درمحیط کار است . برای مثال، عدم استخدام کودکان زیر حداقل سن تعریف شده برای کار، انجام آزمایش‌های پزشکی و ملاحظات ویژه در مورد ساعات کار آن‌ها بسیار مورد تاکید قرار گرفته است . البته این امر نیازمند قانون‌های مشخص در کشورهای متعهد و نظارت بر اجرای آن است .

مطابق کنوانسیون ۱۳۸ سازمان کار، مصوبه ۱۹۷۳ ، حداقل سن کار کودک ۱۵ سال در نظر گرفته شده و کودک کوچک‌تر از سن به پایان رساندن تحصیلات اجباری نباید مشغول به کار شود . سن ذکر شده به شرایط اقتصادی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه بستگی دارد .

جدول زیر به ذکر حداقل سن کار کودک با توجه به اشکال مختلف کار می‌پردازد.

چرایی کارکودک

برای دریافت چرایی استفاده کودکان در کار، مطالعات زیادی با رویکردهای مختلف انجام شده است . به طور مشترک، مساله فقر و مشکلات اقتصادی به عنوان یکی از دلایل اصلی و محرک این مشکل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود اما انسان‌شناسان بر این باورند فقر را نمی‌توان تنها دلیل موجود بیان کرد بلکه مسائلی چون سنت، عادت‌ها، تبعیض‌های اجتماعی چه از لحاظ طبقاتی و چه جنسیتی، وضعیت قومی و مذهبی و عدم برخورداری از سیستم آموزشی پاسخگو که نظارت درست بر تحصیل کودکان داشته باشد، می‌تواند به شکل گیری و افزایش کار کودک کمک نماید (دیکسیت، ۲۰۰۴).

در برخی فرهنگ ها و یا باورهای سنتی، کودک به عنوان نیروی کار محسوب می شود و به همین دلیل داشتن فرزند بیشتر می تواند به چرخه اقتصادی خانواده کمک کند . اما برخی محققان، فقر را به عنوان تنها دلیل کار کودک به ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه به چالش می کشند و معتقد هستند که فقر را باید در دو سطح اقتصادی و فرهنگی تعریف کرد . این بحث اشاره می کند که در بعضی از کشورها صرفا سرزنش عوامل خارجی مثل دولت، جامعه و ... به عنوان دلیل فقر خانواده، همچنین تنبلی و عدم تمایل به کار توسط بزرگسالان، پذیرش فرهنگی کار کودک و پیشینه پدر و مادر که خود کودک کار بوده اند و مسائلی از این دست می توانند موجبات کار کودک را فراهم کنند . این باور تاکید دارد که کار کودک صرفا به دلیل فقر اقتصادی نیست زیرا بسیاری از خانواده های فقیر علی رغم شرایط نامساعد اقتصادی بر تحصیل و ترقی کودکان خود اصرار دارند (اولریبه، ۲۰۰۶).

هر چند که در این مورد نظریه های مختلفی وجود دارد و می توان نه همیشه اما در بسیاری مواقع فقر فرهنگی را متاثر از فقر اقتصادی دانست اما به نظر می‌رسد آنچه در تغییر شرایط کنونی کودکان و حذف کار آنها می‌تواند موثر باشد، توجه همزمان به وجوه مختلف کار کودک و دلایل آن است . این امر می‌تواند درک درستی را از شرایط واقعی به دست بدهد که بر اساس آن، اقدامات مربوط صورت گیرند .

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-08-13 · Archive ID 1093
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1093

عرصه سوم- درپی فاجعه زلزله در 21 مرداد ماه بسیاری از روستاها در استان آذربایجان شرقی ویران شده، بیش از 300 نفر جان خود را از دست داده و هزاران نفر مجروح و بی خانمان شده اند. بنیاد عرصه سوم ضمن عرض تسلیت به هموطنان آذری از نهاد های مردمی درداخل و خارج کشور می خواهد که برای کمک به زلزله زدگان اقدام کرده و دراین شرایط بحرانی به وظیفه همبستگی انسانی و ملی خود عمل کنند.

گزارش پریسا کاکایی ، بخشی از اخبار هفته گذشته

بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ مرداد ماه، آذربایجان شرقی لرزید. خبر این فاجعه متاثرکننده به سرعت در فضای مجازی منتشر شد و علی رغم سکوت خبری رسانه‌های داخل ایران، بخش وسیعی از جامعه را پوشش داد. مرکز این زمین لرزه که بزرگی آن بیش از شش درجه ریشتر بود، دو شهرستان‌های اهر و ورزقان ذکر شده است. براساس آخرین گزارش‌ها بیشترین خسارات مربوط به شهرهای ورزقان، اهر، کلیبر و هریس بوده و آمار جان باختگان به بیش از 300 رسیده و تعداد مجروحان نیز از ۲۰۰۰ نفر گذشته است.

پس از انتشار اخبار مربوط به زلزله، به سرعت کمک‌های انسانی، نقدی و غیرنقدی شهروندان به سمت مناطق آسیب دیده آغاز شد. در همین رابطه برخی کشورهای همسایه و یا غربی تمایل خود را برای کمک رسانی اعلام کردند اما مقامات دولتی از پذیرش این کمک‌ها سرباز زده اند. این در حالی ست که به گزارش دویچه وله، محمد حسن‌نژاد نماینده استان آذربایجان شرقی در مجلس نیز، روز یک‌شنبه ۲۲ مرداد نسبت به وضعیت امدادرسانی به زلزله‌زدگان شهرستان‌های اهر، هریس و ورزقان انتقاد کرد و گفت که درصورت عدم تسریع کمک رسانی به این مناطق، آمار تلفات افزایش خواهد یافت. به گفته وی: «با گذشت یک روز از وقوع زلزله آذربایجان شرقی هنوز گروه‌های امداد به بسیاری از روستاها مراجعه نکرده‌اند چرا که در شرایط عادی چند

ساعت تا برخی از این روستاها فاصله است و اکنون هم جاده‌ها بسته شده و دسترسی به این روستاها تنها از طریق هوایی می‌سر است.» به باور او به دلیل عدم وجود بیمارستان در مناطق اطراف اهر، هریس و ورزقان، اعزام مجروحان به بیمارستان تبریز چندین ساعت طول می‌کشد. بنابراین تاسیس بیمارستان صحرایی برای انجام اقدامات اولیه در محل و سپس انتقال مصدومین ضروری به نظر می‌رسد.

اطلاعیه انجمن حمایت از حقوق کودکان در مورد فاجعه ی زمین لرزه در آذربایجان

انجمن حمایت از حقوق کودکان در اطلاعیه شماره یک خود ضمن تسلیت و ابراز همدردی با بازماندگان زمین لرزه ویرانگر شمال غرب کشورمان ، به تجربه انجمن در زمین لرزه های جنوب خراسان و بم اشاره و تاکید کرده ات که این انجمن خواهان کمک به کودکان معصوم آذربایجان شرقی است. در این اطلاعیه از هموطنان تقاضا شده است کمک های مالی خود درا به حساب انجمن واریز و کمک های غیر نقدی را به منظور ارسال به مناطق زلزله زده به دفتر انجمن برسانند .

حوزه زنان

زنان خانه نشین می‌شوند. به نقل از رادیو زمانه ، ۳۶ دانشگاه ایران در سال جاری از پذیرش دختران در ۷۷ رشته کارشناسی خودداری کردند. در این میان رشته‌های علوم تربیتی، علوم سیاسی، کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی را به زنان و رشته‌های مددکاری اجتماعی، حسابداری، مدیریت صنعتی، مدیریت هتل‌داری را به مردان اختصاص داده‌اند. هم چنین بسیاری دانشگاه‌ها نیز در اقداماتی جداگانه به تک جنسیتی کردن رشته‌های تحصیلی خود پرداخته‌اند. رشته‌های زمین‌شناسی و معدن در دانشگاه سیستان و بلوچستان، رشته‌های مهندسی دانشگاه چمران اهواز و دانشگاه یزد و رشته‌های زیست‌شناسی و رشته مکانیک دانشگاه زنجان شامل اقدام مزبور می‌شوند.

محدودیت انتخاب رشته تحصیلی اتباع غیرایرانی

بنا بر خبر منتشر شده توسط خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، اتباع غیرایرانی مقیم جمهوری اسلامی ایران در صورت داشتن مدارک اقامت در ایران حق شرکت در گزینش کنکور را دارند. هم چنین «پذیرش اتباع غیرایرانی در رشته‌هایی که منجر به ایجاد تعهدات استخدامی برای جمهوری اسلامی ایران کند و هم چنین رشته‌های تحصیلی "فیزیک اتمی، فیزیک (گرایش هسته‌ای)، مهندسی هسته‌ای، مهندسی تسلیحات، مهندسی فناوری اطلاعات (گرایش امنیت اطلاعات، امنیت شبکه، مخابرات امن)، مهندسی هوافضا (کلیه گرایش‌ها)، مهندسی شیمی (گرایش صنایع پالایش و پتروشیمی، شیمیایی، معدنی، گاز، عملیات پتروشیمی)، مهندسی نگهداری هواپیما (هوانوردی، خلبانی، مراقبت پرواز، نمایش و نگهداری هواپیما)، الکترونیک هواپیمایی، مهندسی فرماندهی و کنترل هوایی، تکنیک حوزه‌های نظامی، علوم و فنون هوانوردی، خلبانی هلی‌کوپ‌تر، مهندسی تعمیر و نگهداری هلی‌کوپ‌تر، اطلاعات نظامی، اویونیک هواپیما، علوم نظامی، ناوبری و فرماندهی کشتی، مدیریت و کمیسر دریایی ممنوع می‌باشد.”

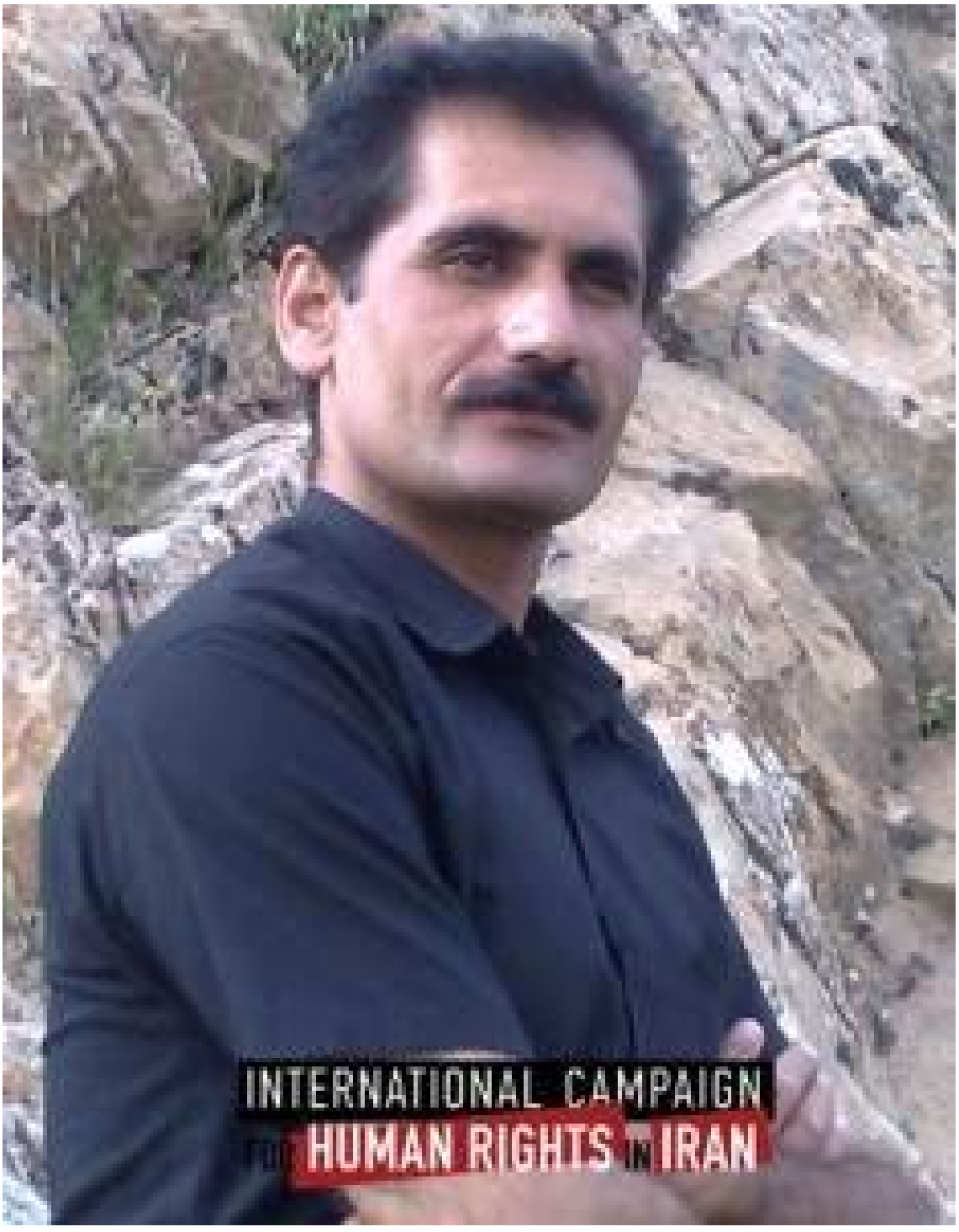
این محدودیت، شامل مناطق دانشگاهی نیز می‌شود. پذیرفته شدگان تنها حق تحصیل در مناطق مجاز را دارند و بسیاری از شهرها از جمله آذربایجان شرقی، ایلام، چهارمحال و بختیاری و.. از پذیرفتن آنها خودداری می‌کنند.

زندانیان سیاسی

«اگر با مقام‌های ایرانی مذاکره می‌کنید آنان را به رعایت اصول مربوط به حقوق ملت در قانون‌اساسی جمهوری اسلامی و نیز تاکیدات منشور جهانی حقوق‌بشر و رعایت آزادی‌های مدنی متفکران و فعالان سیاسی تشویق کنید؛ و اگر به ایران سفر می‌کنید، تلاش نمایید با مقام‌های سابق و چهره‌های برجسته سیاسی و فرهنگی ایران که در زندان و یا زندان خانگی به‌سر می‌برند ملاقات نموده و به‌طریق مناسب از آزادی هرچه سریع‌تر آنان، دفاع کنید.» این جملات، بخشی از نامه کنشگران سیاسی و اجتماعی ایرانی است که به نقل از مدرسه عرصه سوم خطاب به‌بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل نوشته شده و توسط ۱۹۰ نفر امضا شده است. این نامه ابتدا به شرح وقایع سال 1388 و بازداشت فعالان و رهبران جنبش سبز پرداخته و در نهایت خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی شده است.

هم چنین به گزارش هرانا ، خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر، کشیش بهنام ایرانی از نوکیشان مسیحی که به ۶ سال زندان محکوم شده است در زندان ندامتگاه مرکزی کرج و در میان زندانیان عادی و جرایم خطرناک در شرایط نامطلوب و نگران کننده‌ای به سر می‌برد. او که در سال ۱۳۸۵ به اتهام برگزاری مراسم دعا در خانه دستگیر و چندین ماه را در بازداشت به سر برد در ۴ اسفند ماه ۱۳۸۶، توسط شعبه ۳۰ دادگاه تجدید نظر تهران، به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال حبس تعلیقی محکوم شد. پس از آن بار دیگر در سال ۱۳۸۵ بازداشت و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱ سال حبس تعزیری محکوم که در نتیجه، ۵ سال حبس تعلیقی پیشین نیز نیز به اجرا در آمد.

بنا بر اخبار رسیده به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران نیز «بختیار معماری شهروند کُرد ساکن مریوان، ۳۵ ساله که از مردادماه سال ۸۹ در بازداشت بسر می‌برد، از سوی دادگاه انقلاب شهر مریوان به ریاست قاضی لطفی به اتهام محاربه از طریق عضویت در یکی از احزاب کُرد به اعدام محکوم شده است.» بختیار معماری، سال ۸۹ توسط نیروهای اداره اطلاعات شهر مریوان بازداشت و سپس به بازداشتگاه ستاد خبری اداره اطلاعات شهر سنندج منتقل شد. وی سه ماه مورد بازجویی قرار گرفت و در طول این مدت از حق ملاقات و تماس تلفنی با خانواده خود محروم بود. او در حال حاضر در زندان مرکزی سنندج به سر می‌برد.



تاثیر تحریم‌ها بر بیماران

به گزارش دویچه وله ، رئیس بنیاد بیماری‌های خاص طی نامه‌ای به‌بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد نسبت به کمبود داروی ۶ میلیون بیمار خاص در ایران هشدار داده است. فاطمه هاشمی رفسنجانی در این نامه به تبعات تحریم اشاره کرده است و معتقد است اگرچه دارو در لیست تحریم‌های اعمال شده قرار نگرفته اما در حال حاضر عدم دسترسی به داروهای مورد نیاز از آثار مخرب تحریم محسوب می‌شود. «عدم امکان انتقال وجوه از طریق سیستم بانکی و نیز» فضای رعب‌آمیز ایجاد شده «که باعث دشواری‌ها یا توقف جدی در مبادلات تجاری با ایران شده است، سایه سنگین خود را بر بخش بهداشت و درمان انداخته و در نتیجه، ورود داروهایی

که در ایران تولید نمی‌شوند و نیز مواد اولیه دارو، دچار وقفه شده و می‌رود تا علاوه بر کمبود یا نایاب شدن تعدادی از اقلام دارویی، بعضی کارخانه‌های داروسازی را نیز تا یکی دو ماه آینده به تعطیل بکشاند.»

جایزه برای فیلم پذیرایی ساده

فیلم سینمایی «پذیرایی ساده» ساخته مانی حقیقی، کارگردان و بازیگر ایرانی دو جایزه دوازدهمین دوره جشنواره فیلم سینه‌فن هند را به خود اختصاص داد. به گزارش خبر آنلاین ، مانی حقیقی و ترانه علیدوستی به عنوان بهترین بازیگر مرد و بهترین بازیگر زن در بخش مسابقه آسیا و عرب معرفی شدند. «مارکو مولر مدیر هنری جشنواره فیلم رم و مدیر هنری سابق جشنواره ونیز، مظفر علی فیلمساز و نقاش هندی، علی مصفا بازیگر و کارگردان ایرانی، مقدی احمد علی فیلمساز مصری و جیمز وی هارت فیلمساز آمریکایی داوران این بخش بودند.»

—

شکست مسئولان و رسانه های دولتی درمدیریت فاجعه زلزله

2012-08-14 · Archive ID 1098
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1098

عرصه سوم- بی توجهی و عدم انعکاس دقیق اخبار مربوط به زلزله روز شنبه آذربایجان شرقی در تلویزیون و روزنامه های دولتی در ایران، توقف جستجوی افراد ناپدید شده شده در زیر آوار و بسیاری دیگر از موارد عدم توجه کافی مسئولین به اقدام فوری برای کمک رسانی اعتراض های پی درپی مردم، رسانه‌ها و نمایندگان مجلس را برانگیخته است.

نادیده گرفتن اخبار زلزله در شبکه‌های تلویزیون دولتی

از سوی دیگر عدم اطلاع رسانی به‌موقع در شبکه‌های تلویزیونی اعتراض مردم، بعضی از نمایندگان مجلس، شبکه‌ها و سایت‌های خبری را درپی داشت. دراین زمینه سایت مردمک با منعکس کردن این اعتراضات می نویسد:

« بی‌توجهی تلویزیون به مرگ ۳۰۰ شهروند آذربایجانی باعث شد که امروز سایت‌های مختلف خبری به این موضوع اعتراض کنند. در شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه فیس‌بوک، عده زیادی از کاربران ایرانی به عملکرد تلویزیون انتقاد کردند.

سایت خبری عصرایران نزدیک به اصولگرایان در مطلبی با عنوان «باز هم تلویزیون شکست خورد» از کوتاهی تلویزیون دولتی ایران در انعکاس اخبار مربوط به زلزله انتقاد کرد و نوشت: در همان شبی که صداوسیما حتی به خود زحمت نداد یک شبکه تلویزیونی خود را به پوشش خبری لحظه به لحظه زلزله آذربایجان شرقی اختصاص دهد، در خبرهای برگزیده شده برای بخش‌های مختلف خبری حتی خبر تصادف یک کامیون با یک دوچرخه سوار در آلمان که منجر به مرگ یک تن و زخمی شدن سه تن دیگر شده بود و واژگون شدن اتوبوس در هند به یک دره و اخبار «بسیار بسیارمهم» اعتراض چند شهروند آمریکایی به وضعیت اقتصادی به طور خاص و با آب و تاب پوشش داده می‌شد.

سایت خبری تابناک متعلق به محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در این زمینه نوشت : فراگیرترین رسانه کشور که لقب ملی هم دارد، تقریباً این خبر را نیز به مانند برخی اخبار دیگر از دور انتشار بیرون گذاشته است.

تابناک با اشاره به رفتار دوگانه تلویزیون دولتی و با ذکر موضوع قرائت پیام‌های تبریک محمود احمدی‌نژاد برای موفقیت ورزشکاران نوشت: خواندن پی‌درپیِ پیام‌های ریاست جمهوری... گاه مانع پخش زنده رقابت‌های ملی‌پوشان کشور نیز می‌شد، ولی این‌بار که تازیانه طبیعت بر تن بسیاری از هم‌وطنان‌مان نشسته، نه رئیس جمهوری پیام آنی صادر می‌کند و نه صدا و سیما، خاطر المپیک را مکدر می‌کند.

نماینده تبریز در مجلس نیز گفته است که مردم از انعکاس خبری صداوسیما در خصوص زلزله دیروز بسیار گله‌مند بودند و علی‌رغم این‌که دیشب صدها نفر زیر آوار بودند، در برنامه‌های تلویزیونی و سحرگاهی اشاره‌ای به وقوع این فاجعه نشد و از مردم خواسته نشد که در دعاهای خود، زلزله‌زدگان را مدنظر داشته باشند.

علیرضا منادی سفیدان تاکید کرده که شبکه‌های مختلف صداوسیما پوشش خوبی به اخبار مربوط به زلزله ندادند و این موضوع مردم را بسیار ناراحت کرده است. به نظر می‌رسد باید بیش از این به وقوع زلزله و کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان‌مان در این حادثه توجه می‌شد.

محمد حسن‌نژاد نماینده مرند و الهویردی دهقانی نماینده ورزقان در مجلس نیز شدیداً از عملکرد تلویزیون انتقاد کرده‌اند.

اکبر اعلمی، نماینده تبریز در مجلس ششم نیز به خبرگزاری کار ایران گفت عملکرد تلویزیون دولتی ایران به گونه‌ای بوده که مردم برای پیگیری اخبار مربوط به زلزله‌های دیروز مجبورند به شبکه‌های ماهواره‌ای مراجعه کنند.

سایت مردمک درگزارش خود هم چنین از بی توجهی توجیه ناپذیر و نادیده گرفتن خبر زلزله توسط روزنامه های دولتی مانند کیهان، رسالت و ابرار می نویسد.



انعکاس وسیع خبر زلزله در شبکه‌های اجتماعی

رادیو فردا در گزارش خود به نام : «زلزله درشبکه های اجتماعی» از اطلاع رسانی سریع کاربران فیس بوک و توییتر در پخش خبرها و عکس‌های مربوط به زلزله آذربایجان و درخواست کمک رسانی از مردم و اهدا خون به بیمارستان ها، اعلام کردن شماره حساب‌های بانکی برای جمع آوری کمک‌های مالی و غیره خبر می دهد. دراین گزارش می‌خوانیم که :

« زمان وقوع این زلزله در عصر روز شنبه، بسیاری از کاربران فیس‌بوک خصوصاً آنهایی که در حوزه‌های خبری فعالند تلاش کردند تا وظیفه اطلاع رسانی را بدون عبور از فیلتر رسانه‌های رسمی به دست گیرند. همچنین بسیاری از کسانی که در زلزله‌های رودبار و بم فعال بودند؛ اینبار نیز دست به کار شدند و تجربیات خود را با سایر کاربران در میان گذاشتند. پیش از این اما، شبکه‌های اجتماعی مجازی، به دلیل کارآمد نبودن مورد انتقاد قرار می‌گرفتند. منتقدان بر این باورند که کاربران این شبکه‌ها تنها به بازپخش اطلاعات می‌پردازند و تلاش چندانی برای عمل در دنیای واقعی ندارند.

اماتلاش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی در ساعات پس از زلزله در آذربایجان شرقی شاید، این انتقادها را نقض کند.

یکی از تحرکاتی که در ۴۸ ساعت گذشته مورد استقبال کاربران فیس بوک قرار گرفته و بسیاری در دنیای واقعی با آن همراه شدند، اهدای خون بود. پس از اعلام اینکه به دلیل مصادف بودن این روزها با ماه رمضان، کمبود خون وجود دارد، صف‌های طولانی در شهرهای مختلف ایران شکل گرفت و تا پاسی از نیمه شب یکشنبه، مردم در تلاش برای اهدای خون بودند.

صفحه زن برابر است با مرد در فیس‌بوک که بیش از ۱۴۰ هزار نفر آن را دنبال می‌کنند، از کاربران خواست تا در صورتی که خون اهدا می‌کنند، عکس و اطلاعات مربوط را در صفحه منتشر کنند. بسیاری از کاربران در شهرهای مختلف ایران پس از اهدای خون نوشته بودند که سایرین نیز با اطلاع از طریق شبکه‌های اجتماعی روانه مراکز اهدای خون شدند. که البته برخی از آن‌ها در تهران در روز یکشنبه تعطیل بود.

امیر رشیدی فعال مدنی ساکن ایتالیا، که خود از فیس بوک به عنوان یکی از راه‌های ارتباطی جمع آوری کمک استفاده می‌کند، درباره نقش این شبکه اجتماعی در رخداد اخیر می‌گوید: «شما عملکرد شبکه‌های اجتماعی را در بزنگاه‌های زمانی بخصوص می‌توانید مشاهده کنید. در زمانی که همه چیز آرام است و اتفاقی رخ نداده می‌توانیم بگوییم که این شبکه‌ها کارکرد خاصی شاید ندارد و بیشتر مثل مکانیست که کاربران برای تفریح دور هم جمع می‌شوند اما در بزنگاه‌هایی مثل الان که در ایران زلزله آمده، می‌توانید ببینید که مثلاً فیس‌بوک چه تاثیری دارد. می‌تواند آدم‌ها را از نقاط مختلف دنیا دور هم جمع کند، تا با حداقل آمکانات کاری حداقلی را برنامه‌ریزی کنند، پیش ببرند و با هم در ارتباط باشند.»

این فعال مدنی در ادامه می گوید: "در آن زمان هم بسیاری جمع شدند در همین فضا تا کمک‌های مالی و غیر مالی‌ای را جمع کنند و به آن منطقه بفرستند. در آن زمان مشکلی نبود چون سیستم بانکی باز بود و بحث تحریم به این شکل وجود نداشت. به راحتی می‌شد پول‌ها را از طریق بانک یا صرافی‌ها منتقل کرد. اما در حال حاضر به دلیل تحریم‌هایی که وجود دارد، ارسال پول به داخل ایران عملاً از طریق سیستم بانکی و صرافی‌ها امکان پذیر نیست. ما مجبوریم بگردیم، مسافری پیدا کنیم، که چه زمانی به ایران می‌رود، و آیا امکان انتقال این میزان ارز و همچنین تبدیل آن در ایران را دارد؟ به نظر من بزرگ‌ترین مانع بر سر راه کاربران بیرون از ایران، بحث تحریم‌هایی است که سیستم بانکی ایران با آن روبروست.
البته در داخل ایران، کاربران فیس بوک همچنان فعالانه در حال تلاش برای شکل دادن بسیج اجتماعی هستند. حرکت‌های این کاربران ۴۸ ساعت پس از وقوع زلزله‌ای که تا کنون ۳۰۰ کشته بر جای گذاشته، حول تشکیل گروه‌های چند نفری برای جمع‌آوری کمک، گروه‌هایی برای راهی شدن و کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان و همچنین تهیه فهرست مهم‌ترین نکات برای کسانی است که می‌خواهند در این زمینه کمک کنند، خلاصه می‌شود.”

توقف عملیات نجات

دولت ایران اعلام کرده است که به کمک‌های مالی و امدادی کشورهای دیگر برای کمک به زلزله زدگان احتیاجی ندارد. در شرایطی که چند کشور همسایه از جمله ترکیه و تاجیکستان خواهان ارسال کمک‌های خود شده اند. به گزارش منابع رسمی در صورتی که هنوز از تعداد قطعی قربانیان زلزله خبری در دست نیست. جستجوی نیروهای امداد رسانی برای یافتن ناپدید شدگان متوقف شده است. سایت ایران امروز درگزارش خود به نقل از می‌نویسد :

« در حالی که وزیر کشور از پایان عملیات امداد و نجات سخن می‌گوید و وزیر بهداشت هم تنها مشکل باقی مانده زلزله‌زدگان را دفن جنازه‌های بر زمین مانده اعلام کرده، نماینده اهر و هریس می‌گوید در برخی از روستاها نه تنها هیچ کمکی دریافت نشده، بلکه هنوز مردم نتوانسته‌اند آوارها را جابه‌جا کنند و بدین ترتیب مشخص نیست چند نفر زیر خاک مدفون شده و یا زنده‌اند و منتظر نجات. یکی از پزشکان حاضر در منطقه که شخصا به روستاهای تخریب شده بر اثر زلزله نیز تردد داشته، گفته است تعداد کشته‌شدگان زلزله اخیر تاکنون بیش از ۱۵۰۰ نفر بوده است.

رادیو فردا در گزارش دیگری به نقل از استاندار آذربایجان شرقی می‌نویسد : «استاندار آذربایجان‌شرقی روز دوشنبه گفته است که ۱۲ هزار واحد مسکونی در اثر زلزله بین ۲۰ تا ۱۰۰ درصد آسیب دیده و به بازسازی نیاز دارند.معاون عمرانی استاندار نیز میزان خسارات زلزله روز شنبه را حدود هشتصد میلیارد تومان برآورد کرده است.»

هشدار نسبت به آسیب های روحی و اجتماعی ناشی از زلزله

نباید فراموش کرد که کمک رسانی به مردم زلزله زده تنها به انتقال مجروهان به بیمارستان ها و اِسکان دادن بازماندگان درچادرهای هلال احمر نیست. سایت کلمه به نقل از سید حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاران ایران می نویسد:

« رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران نسبت به ابتلاء بازماندگان حادثه زلزله به آسیب‌های روحی و اجتماعی هشدار داد و گفت: در حوادث و سوانح طبیعی مانند زلزله خسارت‌هایی است که کمتر دیده می‌شود و آن آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از این سوانح است.

سید حسن موسوی چلک رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران در گفت‌وگو ایلنا در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی ناشی از وقوع زلزله گفت: در سوانح و حوادث طبیعی مانند زلزله اخیر با چند نوع خسارت مواجه می‌شویم، متاسفانه هم تلفات جانی اتفاق می‌افتد و هم خسارات مالی و بخشی هم خسارت‌هایی است که کمتر دیده می‌شود و آن آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از این سوانح است.

وی با هشدار نسبت به ابتلاء بازماندگان حادثه زلزله به آسیب‌های روحی و اجتماعی ادامه داد: حوادث و بلایای طبیعی به طور مشترک این عارضه را به دنبال دارند و افرادی که در حادثه بودند، کودکانی که بی‌سرپرست می‌شوند و افرادی که همسر خود را از دست می‌دهند به آسیب‌های اجتماعی دچار خواهند شد.

وی تاکید کرد: برخی از افرادی که در این حادثه تلخ دچار معلولیت جسمی می‌شوند نیز دچار افسردگی می‌شوند که باید مورد توجه قرار بگیرند، به ویژه کودکانی که هم معلول می‌شوند و هم سرپرست خود را از دست می‌دهند.

موسوی چلک اضافه کرد: برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی بعد از وقوع زلزله، سیل و حوادث و بلایا باید برنامه ریزی شود و اخیرا سازمان مدیریت بحران طرح جامع بازتوانی افراد بازمانده از بلایای طبیعی را تدوین کرده‌اند که انجمن مددکاران اجتماعی نیز در نگارش آن نقش داشته است که اقدام خوب و موثری است.

رییس انجمن مددکاران اجتماعی تصریح کرد: اگر به موقع به افراد در معرض آسیب رسیدگی نشود، ممکن است برخی از نوجوانان و افرادی که خانواده خود را از دست می‌دهند به استعمال مواد مخدر روی بیاورند و اگر اقدامات موثری برای حمایت از این افراد صورت نگیرد شاهد افزایش جرایم در این مناطق خواهیم بود.

وی گفت: حوادثی مانند زلزله مسیر زندگی افراد را تغییر می‌دهد و بسیاری از آسیب‌ها در زمان وقوع حوادث دیده نمی‌شود اما بعدها نمایان می‌شود و قطعا این افراد علاوه بر امداد رسانی‌های اورژانس به حمایت اجتماعی نیازمندند.”

—

موفقیت های ورزشی و نیروهای دموکراسی خواه

2012-08-14 · Archive ID 1103
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1103

علی افشاری
المپیک 2012 لندن به پایان رسید. در این المپیک ورزشکاران ایرانی علی رغم حضور ضعیف تیم های تکواندو و کشتی آزاد خوش درخشیدند. آنان به لحاظ کسب مدال با افتخار در رده هفدهم جهان قرار گرفتند. اما در

واکنش به موفقیت ملی ورزشکاران ما در المپیک برخی از فعالان دنیای مجازی با برخوردی منفی و به نحو غیر عادی به سرزنش کسانی می پرداختند که از کسب مدال های ورزشکاران ایرانی ابراز خوشحالی می کردند. این سمت گیری که گاهی حالت تند و پرخاشگرانه ای نیز به خود می گرفت، پرده از یکی از مشکلات فرهنگ سیاسی و فعالیت های مدنی در ایران بر می دارد. این مشکل تداخل حوزه های متفاوت و متمایز سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، فنی و تخصصی است. گویی همگان باید فقط یک بعد را در نظر بگیرند. و یا اگر کسانی با حکومت مخالف هستند و یا موضع انتقادی نسبت به عملکرد آن دارند، تحت هیچ شرایطی نباید از مبارزه و یا فعالیت اعتراضی نسبت به حکومت غافل شوند و همه هم و غم خود را باید در این راه بگذارند.
در این نگرش تمامی حوزه های گوناگون در جامعه ایران در تیول و کنترل محض حکومت ارزیابی می شود. گویی جامعه موجودیت مستقلی ندارد و هر دستاوردی که حاصل شود ناگزیر اعتبار آن به جیب دولت واریز می شود. بنابراین کسی که در اردوگاه اپوزیسیون سیاسی و یا نیروی جامعه مدنی مستقل از دولت قرار می گیرد، نباید در صحنه های اجتماعی که دولت نیز پشتیبان موفقیت و پیروزی است، وارد شود. و باید یا بی اعتنایی اختیار کند و یا به تخطئه این پیروزی بپردازد.
البته این رویکرد پارادوکسیکال نیز است. از یک سو بر عدم هر گونه فعالیت که باعث پیشرفت کشور و موفقیت در میادین جهانی شود ،اصرار دارد. از سوی دیگر نیازمند حضور و رشد نیرو های منتقد در جامعه است. به عنوان مثال چشم به رشد جنبش زنان دارد. اما خوب طبیعی است که برای پیشرفت زنان، آنان باید در داخل جامعه فعالیت کنند تا بتوانند حضور اجتماعی خود را افزایش داده و سهم بیشتری از موقعیت های علمی ، اقتصادی و اجتماعی را از آن خود سازند. چنین رویکردی با این نگرش در تعارض می افتد چون به عنوان مثال افزایش جمعیت دانشجویان دختر نیز می تواند تبلیغی برای حکومت باشد. بنابراین باید دانشجویان دختر به دانشگاه نروند! بر همین مبنا نخبگان علمی کشور نباید در المپیاد های علمی شرکت کنند و یا در مجله های تخصصی دنیا مقاله بدهند!

چگونگی استدلال

اما اهم استدلال های افراد مدافع بشرح زیر است . وقتی اشخاص زیادی در زندان هستند و با سختی های زیادی دست و پنجه نرم می کنند،خوشحالی معنا ندارد. وقتی سرکوب در حوزه های مختلف رو به گسترش است و به عنوان نمونه طرح افزایش دانشگاه های تک جنسیتی در دست اجرا است، و یا مردم از تورم و گرانی به ستوه آمده اند، شادی برای چند مدال نهایت بی مسئولیتی است. در برخوردی مشابه گفته می شود وقتی کشور در حال نابودی است و همه هستی آن در حال از بین رفتن است، چه جای خوشحالی برای موفقیت های ورزشی است؟ خانه از پای بست ویران است!
اما نگاه دیگری که طرفداران بیشتری دارد مدعی است کسب مدال باعث برافراشته شدن پرچم جمهوری اسلامی می شود. و در نتیجه تبلیغات برای حکومت است و لذا تصور مثبتی از جمهوری اسلامی در جامعه جهانی ترسیم می شود. بنابراین باید میادین ورزشی را تحریم کرد. ورزشکاران مردمی آنهایی هستند که حاضر نمی شوند برای جمهوری اسلامی به صحنه بیایند. این دلایل مهمترین استدلال ها هستند. اما قطعا ادله مخالفین بیشتر از این موارد است. به جهت رعایت اختصار همین دلایل مورد نقد قرار می گیرند.



تفکر سنتی اپوزیسیون چه اشکالاتی دارد؟

نخست باید توجه داشت اگر چه این نوع برخورد معمول از سوی اپوزیسیون سنتی برانداز و انحلال طلبان دنبال می شود، اما در دیگر بخش های مخالفین نیز طرفدار دارد. بحث پیرامون شادی و اندوه خارج از حوصله این بحث است. اما در خصوص موارد دیگر باید گفت مبنای استدلال مخالفین که هرچه کشور بیشتر در غرقاب شکست و پریشانی فرو برود، آنگاه فرصت رهایی بیشتری برای جامعه فراهم خواهد شد. به عبارت دقیق تر خرابی هر چه بیشتر وضعیت موجود ،پیش نیاز و شتاب دهنده بازسازی اساسی کشور است. بنابراین در تمامی حوزه ها باید بگونه ای عمل کرد تا نه تنها موفقیتی حاصل نشود بلکه کوشید تا ناکامی ها و مشکلات بیشتر گشته تا اعتراضات به ناکارآمدی حکومت بیشتر شده و نهایتا به سقوط آن بیانجامد.

جدی ترین اشکالی که به این استدلال وارد است این همانی و یکسان انگاری آن پیرامون حکومت ،کشور و جامعه است. گویی تمامی حوزه های جامعه هیچ تمایز و انفکاکی از حکومت ندارد و همه چیز در اراده حکومت مستبد است که به دلخواه خود هرگاه اراده کند تمام جامعه را می‌تواند بسیج کند. یعنی هنرمندان، ورزشکاران ،متخصصان، کارشناسان،اساتید دانشگاه ، وکلاء و غیره که در جامعه فعال هستند،به نوعی عوامل غیر مستقیم حکومت هستند. و موفقیت آنها به منزله موفقیت حکومت است. چنین نگرشی با واقعیت در تعارض است و تمایزهای موجود در حوزه های مختلف جامعه و مقاومت هایی که در برابر تحکیم خواست اقتدار گرایان در جریان است را نادیده می گیرد. قطعا این تمایزها در حد مورد انتظار نیرو های انحلال طلب و یا به طور کلی اپوزیسیون نیست. اما اولا قرار نیست چنین باشد چون این ورزشکاران و یا هنرمندان اهداف دیگری دارند. و مسیر فعالیت آنها مستقل از حکومت است و هیچ نسبتی هم با کارگزاری دولت ندارند. بلکه تنها می کوشند در چهارچوب واقعیت های موجود زندگی مستقل خود را داشته باشند.

از سوی دیگر هیچ تضمینی وجود ندارد که حتما ویرانی هر چه بیشتر به زمین گیر شدن حکومت خودکامه منجر گردد. در بهترین حالت می توان گفت این یک احتمال است اما در عین حال ریسک ها و تبعات منفی جدی نیز دارد.

این دیدگاه نخست تمایز بین کشور و حکومت غیر مردم سالار را در نظر نمی گیرد. مملکت در حوزه زیر ساخت ها، امور فنی، اجتماعی، صنعتی، فرهنگی و آموزشی باید پیشرفت کند. عقب نگاه داشتن کشور در هر سطحی می تواند ضربات سنگینی به منافع ملی و توسعه کشور بزند و در مقاطعی نیز عقب ماندگی جبران ناپذیر است.

اساسا انتقاد و اعتراض مخالفین مسئول و متعهد به ناکارآمدی،ضعف و اراده عمدی حکومت در جلوگیری از پیشرفت کشور است . حال اگر خود آنها به خواهند مستقیم و یا غیر مستقیم به تخریب کشور و عقب ماندن از

قافله یشرفت دامن بزنند، طبیعی است که منزلت اجتماعی آنها در بین مردم زیر سئوال می رود .
ادعای پیشرفت و پسرفت حکومت به خودی خود معیار تشخیص عمل درست و یا امر تعیین کننده نیست. بلکه باید دید این پیشرفت در چه سطحی است اگر همسو با پیشرفت کشور و منجر به بهبود حال ملت است باید از ان استقبال کرد. چون اختلاف با حکومت که منشا شخصی و کینه توزانه ندارد، بلکه مبتنی بر اعمال غلط و ظالمانه حاکمان است. اما اگر این پیشرفت ها واهی بوده و یا به ضرر ملت و کشور بوده و صرفا جنبه تبلیغاتی برای حکومت غیر مردمی داشته باشد باید آن را تخطئه کرد.
هم چنین باید در نظر داشت که در این نگرش الویت فروپاشی وضع موجود است و به آینده توجه لازم را ندارد.
اما در تفکری که مسئله اصلی گذار به دموکراسی است، و مخالفتش را در چهارچوب پیشرفت کشور ، توسعه آزادی ها و کرامت انسانی بیان می کند، با تفکیک قائل شدن بین مهین و دولت سعی دارد مشوق سازندگی و پیشرفت باشد. و اگر در بعضی از مسائل با حکومت همسویی هایی نیز صورت بگیرد ، به آن اعتنایی نمی کند. بلکه اعتراض و انتقاداتش را بر عملکرد غلط و ساختارهای نامناسب درجامعه متمرکز می کند. هم چنین سعی می کند موفقیت در حوزه های مختلف اجتماعی را پیروزی مردم و جامعه جلوه بدهد. واقعیت مسئله آنست که باید با سوء استفاده حکومت مقابله کرد.

موفقیت اجتماعی از نگاه مدافعان گذار به دموکراسی
اساس موفقیت برای خود جامعه و افرادی است که با توجه به توانایی و زحماتی که متحمل می شوند، خود را بالا می کشند. تبلیغات حکومت امر ثانویه است. ورزشکاری که زحمت می کشد و خو درا به جایگاه قهرمانی می رساند مزد تلاش های شخصی اش را می گیرد.
اما در نگاه مدافعان گذار به دموکراسی لزوما گسترش فضای تیره و تاریک در جامعه نتیجه بخش نیست. اگر چه می توان نابودی ساختار های پوسیده و ناکارامد را در نظر گرفت. اما جامعه برای عبور موفق از سد سرکوب حکومت جبار نیازمند نشاط سیاسی و سرزندگی است.
موفقیت های مختلف در حوزه های ورزشی و هنری به جامعه طراوت می دهد، و امید برای دگرگون سازی وضع موجود را افزایش می دهد. این امر یک مسئله کلیدی است. حرکت های بزرگ تحول خواهانه در تاریخ معاصر کشور عمدتا پس از یک دوره نشاط نسبی و تحرک جامعه رخ داده اند. فضای راکد و سرد معمولا افراد را منفرد و منزوی کرده و به سمت دوری گزینی و انزوا سوق می دهد.
هم چنین باید توجه داشت دموکراسی در چهارچوب دولت – ملت شکل می گیرد. بدون وجود یک ملت که بر سر یک سری مسائل و خواست ها اشتراک نظر دارند و خود را اجزاء یک پیکره واحد می دانند ،نهال دموکراسی بر نمی کشد.
موفقیت های ورزشی و هنری حس ناسیونالیستی را بر می انگیزد و باعث وحدت و همبستگی ملت می شود. این فرصت و پتانسیل ارزنده را نباید نادیده گرفت. وقتی ورزشکاری مدال طلا بر سینه می آویزد، نام ایران و ایرانی طنین انداز می شود و هر کسی که خود را ایرانی می داند غرق در شادی می شود. بدین ترتیب حس تعلق به ملتی واحد تقویت می گردد. پرچم جمهوری اسلامی نه به اعتبار حکومت بلکه به اعتبار کشور و مردم ایران به اهتزاز در می آید. اساسا پرچم به خودی خود اصالت و کارکردی ندارد. بلکه سمبلی است که در موقعیتی مشخص مدلول خاصی پیدا می کند. اگر چه هر ملتی باید پرچمی بگزیند که متناسب با اشتراکات ملی و فرهنگی اش باشد. اما در موقعیت های خاص باید دید مدلول پرچم چیست. پرچم در المپیک و سایر مجامع بین‌المللی به موقعیت های ورزشی ، هنری ، علمی و فرهنگی ملت و میهن ارجاع می دهد. اما یک سویه دیگر دموکراسی توسعه سیاسی است . توسعه سیاسی نیز بدین معنا است حوزه هایی از جامعه که خصلت سیاسی ندارند، باید از سیطره سیاست ،برخورد های سیاسی و مدیریت اصحاب سیاست خارج شوند. این مساله هم شامل حکومت می شود و هم شامل اپوزسیون .

ورزش ، امور آموزشی، هنر ، صنعت و غیره از این دست هستند. این حوزه ها باید سیاست زدایی شده و به صورت نهادی از سیاست منفک شوند. بنابراین کسانی که پشتیبان دموکراسی هستند باید حساب ورزش را از سیاست جدا کنند. و تفکیک ماهوی و نهادی آنها را به رسمیت بشناسند. البته ورزشکاران نیز به مانند دیگر اقشار جامعه مسئولیت سیاسی دارند و از آنان انتظار می رود که با مردم باشند. تاریخ ایران گواهی می دهد ورزشکارانی در یاد و خاطره مردم زنده ماندند که خلق و خوی مردمی داشتند و تسلیم اصحاب قدرت زورگو نشدند. در حال حضار نیز اکثریت ورزشکاران ایرانی چنین اند. اگر ورزشکاری حاضر نشد که تملق مسئولین حکومت غیر مردم سالار را بگوید و یا جوایزش را به آنها اهدا کند در خور فضیلت و ستایش است. اما اگر کسی

غیر ازاین عمل کرد، اما در سرکوب و تضییع حقوق مردم مشارکت نداشت و فقط به صورت شخصی و اجبار به تمجید از حاکمان غیر خوشنام پرداخت. این موضوع را باید در چهارچوب تفکیک سیاست و ورزش ارزیابی کرد.
البته چنین ورزشکاری منزلت اجتماعی ندارد ولی تخریب شخصی و توهین به او نیز اشتباه است.
دیدگاهی که وظیفه هر فرد را تنها پرداختن به مبارزه می‌داند و اشتغال به امور دیگر را منفی ارزیابی می کند، هم نه تنها عقلانی نیست بلکه مشکل ساز هم هست . انسان ابعاد و جنبه های مختلفی دارد. اگر یک بعد رشد ناموزون کند و دیگر جنبه‌های فردی را به حاشیه براند، تعادل از بین می رود. که در نهایت فرد را به سمت افراط و تفریط پیش می راند و در درازای زمان سازندگی اش را از بین می برد. هم این خطر وجود دارد که چنین افرادی به سمت خلق و خوی خشک و خشونت طلبانه پیش بروند، که در آن صورت حاملان مناسبی برای دموکراسی نخواهند بود. باید توجه داشت فعالیت و یا توجه به ورزش و هنر لزوما مانع فعالیت سیاسی نیست و جا برای آن را تنگ نمی کند. به خصوص که خیل وسیع نیروهای تحول خواه در فضای کنونی کشور شکل توده ای و هم فردی دارند. آنان در داخل تشکیلات های بسته و سازمان یافته سیاسی فعالیت نمی کنند، که نیاز به فعالیت تمام وقت و حرفه ای برای وقف خود در راه مبارزه سیاسی داشته باشند.

مباحثی که تا کنون مطرح شد در چهارچوب رابطه این بحث با سیاست و دموکراسی بود. اما از زاویه دیگر توجه به ورزش و احساسات ناسیونالیستی منتج از آن گرایشی قوی در جامعه ایران است و طرفداران جدی دارد. حال بی اعتنایی به این موفقیت ها و یا تخطئه کردن آنها عملا به معنای بی اعتنایی به خواست بخش مهمی از جامعه ما و رویا رویی با آن است. طبیعی است در این صورت نه تنها این بی اعتنایی شکاف دولت- ملت را گسترش نمی دهد بلکه به شکاف اپوزیسیون و ملت دامن می زند.
بنابراین با توجه به مطالبی که مطرح شد و ادله ای که ارائه گشت ،شایسته است تمایز حوزه های مختلف جامعه را به رسمیت شناخت. کوشید در هر شرایطی مسائلی که مربوط به میهن و ملت است نباید دچار وقفه شده بلکه باید پیشرفتی مستمر را تجربه و دنبال کند.
موفقیت در حوزه های علمی ، فرهنگی ، ورزشی و هنری در اصل موفقیت کشور و مردم ایران است . اتفاقا برخلاف خواست حکومت این دستاورد ها به نوعی حوزه مقاومت غیر مستقیم جامعه را باز می تاباند، که می کوشد حیات مستقل خود ر اعلی رغم هجوم بی امان حکومت خودکامه به تمامی شئون جامعه حفظ کند. خوشحالی از موفقیت های ورزشی ضمن تقدیر از قهرمانان کشور همراهی با خواستی بخش مهمی از جامعه ایران نیز است.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است . نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست .

—

تاثیرتحریم‌ها برجامعه مدنی درایران

2012-08-16 · Archive ID 1109
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1109

عرصه سوم : سایه تحریم‌ها هر روز بر سر ایران سنگین‌تر می‌شود. تحریم‌هایی که قرار بود هدف‌مند باشند و به گفته وضع‌کنندگان‌شان، طوری طراحی شده بودند که به حاکمیت فشار بیاورند، این روزها بیش‌تر از هر زمانی مردم را تحت فشار قرار داده‌اند. بالا رفتن لحظه‌ای قیمت‌ها از ارز و طلا به مرغ و مایحتاج عمومی مردم رسیده است و صدای برخی انکارکنندگان گرانی هم در آمده است. به تاثیر این وضعیت اقتصادی بر فعالیت‌های مدنی و اجتماعی اما چندان توجهی نمی‌شود. برای گفت‌وگو درباره تحریم‌ها و تاثیر آن‌ها بر جامعه، سراغ دکتر "سارا بازوبندی"، محقق موسسه خاورمیانه در دانشگاه ملی سنگاپور رفتیم. او که تحلیل‌گر اقتصادی با حوزه علاقه‌مندی اقتصاد انرژی و اقتصاد سیاسی در کشورهای سرشار از نفت خلیج فارس است، تحقیقات گسترده‌ای بر روی جنبه‌های مختلف بودجه و ثروت در این کشورها انجام داده و به‌تازگی کتابی با موضوع اقتصاد سیاسی بودجه حوزه خلیج فارس منتشر کرده است. او در این کتاب وضعیت کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ایران را در این زمینه ارزیابی کرده است. خانم بازوبندی دارای مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد از دانشگاه ردینگ انگلستان و مدرک دکترا در رشته مطالعات خاورمیانه از موسسه مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه اکستر است.

مصاحبه رضا حاجی‌حسینی با دکتر سارا بازوبندی، تحلیل‌گر اقتصادی

- به‌نظر شما آیا تحریم‌ها از منظر اقتصادی بر امنیت اجتماعی ایرانیان تاثیر می‌گذارند؟ به‌عنوان مثال آیا برافزایش میزان بزهکاری، افزایش شمار کودکان کار یا کاهش خدمات درمانی تاثیری دارند؟
- دشواری‌های وضعیت اقتصادی در شرایط کنونی ایران به فاکتورهای مختلفی از جمله تحریم‌ها، نبود اعتماد در بازار ایران، بحران جهانی غذا و افزایش قیمت آن و سیاست‌های مالی اخیر دولت از جمله طرح هدف‌مند کردن یارانه‌ها بازمی‌گردد. تورم، بی‌کاری و وضعیت اقتصادی نابسامان در ایران، قطعا به بالا رفتن آمار جرایم، فساد و فحشا و کاهش خدمات بهداشتی-درمانی می‌انجامد. به‌عنوان مثال واردات تجهیزات پزشکی و درمانی و دارو با مشکلات بیش‌تری مواجه خواهد شد که این امر، افزایش قیمت و کاهش کیفیت خدمات پزشکی را به‌دنبال خواهد داشت. قاچاق دارو نیز از پیامدهای این ماجرا برای سیستم خدمات بهداشتی ایران خواهد بود. اتفاقی که پس از پایان جنگ عراق و ایران رو به کاهش گذاشته بود.

- آیا تحریم‌ها می‌توانند بر نحوه فعالیت جامعه مدنی در ایران هم تاثیر بگذارند؟ این تاثیر چه‌گونه می‌تواند باشد؟
- فعالیت‌های لازم برای تحقق جامعه مدنی و کار در جامعه مدنی به نیروی انسانی و منابع مالی نیازمند است. به نظر من تشدید تحریم‌های ایران بر هر دوی این‌ها، یعنی هم عامل انسانی و هم بودجه، اثرات منفی گذاشته و خواهد گذاشت. این تنگنای اقتصادی که ایران بر اثر تحریم‌ها با آن روبه‌رو خواهد شد، منابع اقتصادی کشور را محدود خواهد کرد و به این ترتیب امکانات مالی‌ای که ممکن بود تا پیش از این در اختیار فعالان مدنی قرار بگیرد، کم‌تر و کم‌تر خواهد شد. تاثیر تحریم‌ها بر نیروی انسانی علاقه‌مند به فعالیت در این زمینه هم کم و بیش به همین ترتیب است. از بین رفتن ظرفیت‌های مالی می‌تواند منجر به کم‌تر شدن تعداد علاقه‌مندان فعالیت‌های مدنی بشود و عده کسانی را که دوستدار پذیرش نقش فعال در برنامه‌های متفاوت سازمان‌های مدنی مختلف هستند، کاهش دهد. جدای از این‌که ممکن است برخی فعالان اجتماعی هم به‌دلیل دشواری‌های جدید ایجاد شده بر اثر تحریم‌ها، از ادامه راه صرف‌نظر کنند و عطای فعالیت‌های اجتماعی را به لقایش ببخشند.

- شما به تاثیر تحریم‌ها بر کاهش سرمایه انسانی و منابع مالی اشاره کردید. آیا فکر می‌کنید این موارد به مشکلات موجود کشور هم‌چون فرار مغزها و برون‌رفت سرمایه‌ها اضافه خواهد شد؟
- قطعا تشدید تحریم‌ها به بدتر شدن اوضاع در مورد پدیده فرار مغزها در ایران کمک خواهد کرد. همان‌طور که ما در چند سال اخیر شاهد بوده‌ایم، موج جدیدی از مهاجرت به برخی کشورهای آسیایی که قوانین مهاجرتی ساده‌تری برای شهروندان ایرانی دارند، به‌راه افتاده است. علاوه بر این، در سال‌های گذشته میزان مهاجرت از ایران به‌دلیل بحران سیاسی افزایش چشم‌گیری یافته است. جریان سرمایه نیز از همین گرایش پیروی می‌کند. به‌دلیل بازار نامطمئن تجارت در ایران و سقوط سریع و ناگهانی ارزش پول ایران، بسیاری از سرمایه‌گذاران در جست‌وجوی پناه‌گاهی مطمئن برای انتقال دارایی‌های خود هستند. از سوی دیگر به‌دلیل قوانین دشوار گردش سرمایه در ایران و انتقال یا خروج آن از این کشور، بسیاری از سرمایه‌گذاران، دارایی‌های خود را به کشورهای همسایه از جمله ترکیه یا کشورهایی در جنوب شرق آسیا از جمله مالزی منتقل کرده‌اند. دوبی هم یکی از مقصدهای کلیدی برای سرمایه‌گذاران ایرانی بوده است. البته سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها در امارات، در سال‌های گذشته به دلیل قوانین سخت‌تری که دولت این کشور در همراهی با تحریم‌های ایالات متحده وضع کرده، کاهش پیدا کرده است اما بازار معاملات دوبی در همین مدت سرمایه‌های عظیمی از ایرانیان دریافت کرده است.

- تحریم‌ها علیه ایران از دسامبر سال 2011 تشدید شده‌اند. آیا شما فکر می‌کنید که همه مشکلات اقتصادی ایران در نتیجه این تحریم‌هاست؟
- من به نبود اعتماد و اطمینان برای سرمایه‌گذاری در بازار ایران اشاره کردم که این مسئله اثرگذارترین فاکتور در وضعیت فعلی اقتصاد این کشور است. رشد اقتصادی در ایران هم به‌دنبال کاهش صادرات نفت به‌دلیل تحریم‌ها، کندتر شده است. علاوه بر این، کاهش اعتماد به پول ملی و سرمایه‌گذاری داخلی، ایرانیان را به سرمایه‌گذاری بر دارایی‌های غیر ریالی (به‌طور مشخص، طلا و ارز) تشویق می‌کند که این امر باعث ایجاد تورم در بازار ارز و طلا می‌شود. این تورم در کنار سیاست‌های مالی دولت، باعث بالا رفتن سریع و ناگهانی قیمت‌ها در بازار مواد غذایی و کالاهای اساسی می‌شود. بنابراین، برخی مسایل جاری در اقتصاد ایران با تحریم نفتی یا تحریم‌های بخش مالی ارتباط مستقیمی ندارد و ناشی از آن‌ها نیست، بلکه حاصل عدم اعتماد در اقتصاد داخلی ایران است. یکی از دلایل این بی‌اعتمادی می‌تواند تحریم‌های بین‌المللی باشد.

- آیا تلاش های مردم و سازمان های غیر دولتی این ظرفیت را دارند که به بهبود شرایط زندگی گروه های آسیب پذیر دراین وضعیت کمک کنند؟
- حتما جامعه مدنی و فعالان آن توانایی و ظرفیت بالایی برای اثرگذاری در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور دارند. چالش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود می‌توانند به‌عنوان اهداف فعالیت‌های جنبش‌های جامعه مدنی مورد توجه قرار بگیرند. به‌عنوان مثال موضوعاتی نظیر کاهش فقر، توانمندسازی زنان، حفاظت از کودکان و آموزش و پرورش و ... از جمله موصوعاتی هستند که امکان کار فعالان مدنی در آن‌ها بسیار زیاد است. در این زمینه، تجربه‌های موفقی به‌خصوص در اقتصاد برخی کشورهای آسیایی به چشم می‌خورد که در آن‌ها جامعه مدنی نقش مهم و موثری ایفا کرده است. توانمندسازی مالی زنان در مقیاس منطقه‌ای و بزرگ و اجرای برنامه‌های ریشه‌کنی فقر از جمله این موارد هستند که می‌توانند الگوی فعالان جامعه مدنی در ایران باشند.

—

اعتراض کانون صنفی معلمان به سیاست تفکیک جنسیتی دردانشگاه ها

2012-08-16 · Archive ID 1113
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1113

عرصه سوم- سیاست تک جنسیتی در 36 دانشگاه درایران و ممنوعیت پذیرش دختران در 77 رشته کارشناسی از جمله زمین شناسی، معدن شناسی، مهندسی، مدیریت صنعتی، مکانیک و غیره درصدر خبرهای روزهای اخیر بود. لایحه جنجال‌برانگیز جداسازی زنان و مردان و تک جنسیتی کردن بسیاری از رشته ها در دانشگاه‌های ایران مدت‌هاست که از سوی مسئولان جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. بحث جداسازی جنسیتی از شهریور سال ۸۶ و با اعلام راه‌اندازی دانشگاه دخترانه قم عملی شد که با جدیت برای اجرای آن در سایر دانشگاه ها هم دنبال شده است.
کامران دانشجو، وزیر علوم آذر ماه ۱۳۸۸ اعلام کرده بود که سیاست «تفکیک جنسیتی» در دانشگاه‌ها بر مبنای جهان‌بینی اسلامی به اجرا خواهد شد. او گفته بود که تفکیک بر اساس جنسیت در تمام دنیا وجود دارد. علی عباسپور، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس هم گفته بود که باید از «اختلاط بی‌مورد» دانشجویان دختر و پسر جلوگیری شود. او چنین سیاستی را مطابق با شئوون اسلامی و خواست خانواده‌ها، مجلس، روحانیون، مراجع تقلید و علاقه‌مندان به نظام دانسته است.

تک جنسیتی شدن در رشته‌های دیگری مانند پرستاری و باستان شناسی هم اعتراض های متعدد مراکز آموزشی را به دنبال داشته است. از جمله سازمان نظام پرستاری ایران در نامه‌ای به وزرای بهداشت و علوم ایران نسبت به تک‌جنسیتی شدن رشته پرستاری در دانشگاه‌های این کشور اعتراض کرد. انجمن علمی باستان‌شناسی نیز در بیانیه‌ای ضمن اعتراض به تک جنسیتی کردن رشته باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران خواهان لغو این "تبعیض" شد.

سایت مردمک در گزارش خود دراین باره می‌نویسد که قرار است کامران دانشجو وزیرعلوم در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس درمورد دلایل پذیرفته نشدن دانشجویان دختر دربرخی رشته‌های دانشگاهی توضیح دهد.



در این میان کانون صنفی معلمان ایران دراعتراض به ادامه سیاست جنسیتی و رویکرد جدید حذف دختران دانشجو از بسیاری از رشته‌های دانشگاهی اعلامیه ای منتشر کرده است که متن کامل آن را دراینجا می خوانید.

به نام خداوند جان و خرد
اعتراض کانون صنفی معلمان ایران به رویکرد جدید جنسیتی به آموزش

«هر کس حق دارد از آموزش بهره‌مند شود.»
بند ۱ مادۀ ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر
حق آموزش برای همۀ انسان‌ها، بدون درنظر گرفتن‌نژاد، دین، جنسیت، زبان و... در همۀ پیمان نامه‌های جهانی به رسمیت شناخته شده است و یکی از حقوق بنیادین افراد به شمار می‌رود. اما افسوس این حق بنیادین، آنچنان که باید و شاید، محترم شمرده نمی‌شود تا آنجا که نهادی مدنی- آموزشی همچون EI (آموزش جهانی)، با توجه به تبعیض‌های گوناگون، به ویژه تبعیض جنسیتی که در آموزش رسمی برخی از کشورهای جهان روا داشته می‌شود، شعار آموزشی سال ۲۰۱۲ را «آموزگاران برای برابری جنسیتی» اعلام نمود. با این همه، در تابستان سال گذشته و چند روز مانده به آغاز سال تحصیلی، خبرهایی شنیده شد که گویا قرار است در ایران، خردسالان در مهد کودک‌ها، تفکیک جنسیتی گردند؛ سخنی که شگفتی بسیاری را برانگیخت و مورد اعتراض برخی کارشناسان آموزشی قرار گرفت. گرچه جداسازی جنسیتی خردسالان، لزوماً، تبعیضی را به همراه ندارد، با این

حال بنا به گفتهٔ برخی اندیشه وران آموزشی، رشد آن‌ها را با دشواری‌های بنیادینی روبرو کرده و نوباوگان را از تعامل درست و سازنده با جنس مخالف در سال‌های آینده باز می‌دارد. اما بازهم در چند روز گذشته، فضای عمومی و آموزشی کشور را موجی از نگرانی‌ها فراگرفت، که پیامد رویکرد ویژهٔ پاره‌ای از کارگزاران آموزشی کشور درباره جداسازی جنسیتی است. خبرها حکایت از آن دارد که در ۳۶ دانشگاه کشور و در ۷۸ رشتهٔ دانشگاهی، پذیرش دانشجوی دختر انجام نخواهد گرفت. هر کس که کمترین تجربه آموزشی را داشته باشد می‌داند که تصمیماتی از این دست نه تنها گره‌ای از دشواری‌های آموزشی نمی‌گشاید بلکه دست کم تجربه‌ای نه چندان کامیاب را در گستره اجتماعی پشت خود یدک می‌کشد که بسیاری از اندیشمندان آموزشی و جامعه‌شناسی با آن همدل نیستند.

کاهش و حذف تدریجی سهم دختران در برخی دانشگاه‌ها و رشته‌های تحصیلی، به هر دلیل و بهانه‌ای که انجام پذیرد نشانی است از وجود تبعیض در جامعه، و نه تنها برخلاف قوانین رسمی کشور می‌باشد، زیان‌هایی هم در پی دارد که در دراز مدت متوجه کل جامعه خواهد گردید. گویا طراحان و مجریان این برنامه، با نگاهی کاملاً سنتی و بی‌توجه به دگرگونی‌هایی که در جامعهٔ ایران – نه حتی جامعه جهانی- رخ داده، تمایل چندانی به حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی ندارند و آن را بی‌فایده و حتی زیان آور تلقی می‌نمایند. در این نگاه، نقش زن بیشتر در چارچوب خانواده، بارآوری و پرورش فرزندان دیده می‌شود که هرچند اهمیت آن انکار ناپذیر است اما تمامی آن چیزی نیست که می‌توان از یک انسان با توانایی‌های گوناگون انتظار داشت.

واقعیت این است که در دو دههٔ اخیر، زنان جامعه ما انگیزه بالایی برای رشد و ارتقاء جایگاه علمی، اجتماعی و اقتصادی خود داشته‌اند و برای اثبات توانایی‌های نادیده گرفته شده‌شان، تلاش فراوان نموده‌اند. البته موفقیت‌های بسیاری نیز در بازار کار و کسب درآمد و ورود به عرصه‌های علمی که در گذشته جایگاهی در آن نداشته‌اند، بدست آورده‌اند. اکنون نیز، آماده و خواهان ورود به عرصه‌های بالاتر مدیریتی می‌باشند.

اما دربارهٔ این تصمیمات جدید، نکات زیر قابل توجه است:

- ورود به دانشگاه اگر به عواملی به جز توانایی‌های علمی و هوش و علاقهٔ افراد مربوط شود موجب کاهش سطح علمی دانشگاه‌ها و در نتیجه افت سطح علمی کشور می‌گردد.

- منع نمودن دختران از ورود به برخی رشته‌های دانشگاهی که مورد علاقه آنان است موجب هدر رفتن استعدادهای آنان و محروم نمودن آن‌ها از کسب موقعیت اجتماعی و اقتصادی دلخواه و در نتیجه سرخوردگی بخش مهمی از جامعه می‌گردد.

- بی‌تردید زنان تحصیل کرده و فعال در عرصهٔ اجتماعی و اقتصادی، فرزندان آگاه تری تربیت می‌کنند و در خانواده‌های هسته‌ای کنونی، همراه مناسب تری برای همسر خود خواهند بود.

- برای حل مشکل بی‌انگیزگی پسران به تحصیل ضرورت دارد به ریشه‌های این مشکل بپردازیم. دست نیافتن به موقعیت‌های مناسب اقتصادی و اجتماعی بعد از تحصیلات دانشگاهی و چه بسا بیکاری طولانی مدت، بها ندادن به تحصیلات و کسب علم، انتخاب مدیران میانی و ارشد با معیارهایی به جز شایسته سالاری و صلاحیت‌های علمی، ناکارآمدی نظام آموزشی و... می‌توانند برخی از دلایل این بی‌انگیزگی باشند.

- جداسازی جنسیتی و تک جنسی کردن دانشگاه‌ها، مانع یادگیری برقرار نمودن ارتباط سالم میان دختران و پسران در یک محیط علمی و کنترل شده گردیده، در وهلهٔ نخست نگاه صرفاً جنسی را در آنان تقویت می‌نماید و در وهلهٔ دوم این روابط را از محیط کنترل شده دانشگاه به محیط‌ها غیر قابل کنترل خصوصی، خیابان و پارک می‌کشاند.

- فراموش نکنیم یکی از مهم‌ترین دلایل رشد طلاق در کشور، عدم شناخت کافی همسران از یکدیگر در مرحلهٔ پیش از ازدواج است. فشار به جامعه برای حاکم کردن نوعی از روابط که به زمان دیگری در گذشته تعلق دارد، نه تنها موفقیتی در پی نخواهد داشت بلکه موجب کژروی بیشتر و انتخاب نادرست همسر و سست شدن بنیان خانواده می‌گردد. نکته‌ای که قطعاً مورد نظر طرفداران این طرح نمی‌باشد.

از این رو، ما به عنوان یک نهاد آموزشی، نگرانی جدی خود را از برخوردهای سلیقه‌ای و ناکارشناسانهٔ تحمیلی، با مسألهٔ مهم آموزش اعلام می‌کنیم و بر این باوریم که چنین تصمیماتی، نه تنها کمکی به بهبود سطح و کیفیت آموزش نخواهند کرد بلکه بر نابسامانی‌های آن افزوده، همچنین با بند نهمِ اصل سوم قانون اساسی یعنی «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و حق برابری در آموزش ناسازگارند.

کانون صنفی معلمان ایران

۹۱/۵/۲۴

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-08-20 · Archive ID 1116
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1116

عرصه سوم- خلاصه ای از گزارش مربوط به همیاری گسترده مردم و نهادهای مدنی درداخل و خارج از کشور برای کمک به زلرله زده گان آذربایجان و همبستگی شهروندان ایرانی و اسراییلی علیه جنگ طلبی را به همراه بخشی از مهمترین اخبار جامعه مدنی هفته گذشته را در گزارش پریسا کاکایی می خوانید.

حضور موثر نهادهای مردمی در کمک رسانی به زلزله زدگان

یک هفته از وقوع زلزله در استان آذربایجان شرقی می‌گذرد و دراین مدت، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی با جمع آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردمی و هم چنین استفاده از نیروهای داوطلب، نقش مهمی در کمک رسانی به آسیب دیدگان داشته‌اند. اما این بار نیز تلاش آن‌ها در جهت اقدامات بشردوستانه با مشکلاتی مواجه شده که توجه رسانه‌های فارسی زبان خارج از ایران را به خود جلب کرده است. گزارش‌های موجود حاکی از آن است که نهادهای غیردولتی و هم چنین فعالان اجتماعی و سیاسی که به جهت جمع آوری کمک‌های نقدی شماره حساب اعلام کرده بودند دچار دردسرهای بانکی شده‌اند. رادیو زمانه در این رابطه خبر می‌دهد که حساب‌های جاری بعضی اشخاص و سازمان‌های غیر دولتی در بانک‌های ملی، سپه، پارسیان و ملت مسدود شده و بانک به صاحبان حساب اطلاع داده است که برای دسترسی به موجودی حساب، تا زمان مشخص شدن ارتباط مبالغ مزبور با کمک های مربوط به زلزله باید صبر کنند.

سایت خبری سازمان های غیردولتی درایران نیز اخبار کمک رسانی شبکه ها و نهاد های مردمی به قربانیان زلزله در آذربایجان شرقی را منتشر و از مردم خواسته است تا به هر طریقی که می توانند به آسیب دیدگان کمک کنند. درویدیوی منتشر شده به زبان ترکی درسایت زمانه یکی از افراد روستای چراخلی که درزلزله صد درصد ویران شده است ، به فقدان کمک دولتی به اهالی این روستا اعتراض می کند.

شبکه‌های اجتماعی و بسیج مردمی برای یاری رساندن به زلزله زدگان

همراه با تلاش نهادهای مدنی و مردم، شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و تویتر نیز صحنه فعالیت افرادی شد که درامر کمک رسانی به زلزله زدگان، تولید و بازنشر اخبار، ارائه گزارش‌های واقعی، اطلاع رسانی در رابطه با نیازمندی‌های آسیب دیدگان مناطق زلزله زده و حتی انجام هماهنگی‌های اجرایی لازم کوشا بودند. امری که رادیو فردا از آن به عنوان بسیج اجتماعی یاد کرده و آن را نقض نقد موجود در مورد بی‌عملی این شبکه‌ها می‌داند.

ما حاضر به مردن درجنگ شما نیستیم

از سوی دیگر، در حالی که زمزمه‌های جنگ علیه ایران، هر روز توسط مقامات اسرائیلی بالا می‌گیرد و در پاسخ، با تهدیدهای مقامات ایرانی تقویت می‌شود، گروه‌های سیاسی و شهروندان هر دو کشور با تشکیل کمپین و یا نامه نگاری، مخالفت خود را با این موضوع ابراز می‌دارند. درنامه‌ای که توسط گروهی از فعالان لیبرال و چهره‌های دانشگاهی اسرائیلی نوشته و توسط ۴۰۰ نفر امضا شده است، از خلبانان نیروی هوایی خواسته شده که در صورت دریافت دستور حمله، از اجرای آن خودداری کنند. به نقل از بی‌بی سی فارسی، در این نامه آمده است «این حمله برنامه اتمی‌ایران را متوقف نخواهد کرد، بلکه فقط آن را قدری به تاخیر خواهد انداخت، ولی برای این تاخیر موقت همه ما بهای گزافی را خواهیم پرداخت. شما، خلبانان نیروی هوائی اسرئیل، بیشتر ازهرکس دیگر قدرت واقعی را دارید که از این فاجعه جلوگیری کنید.»

علاوه بر این، گروه‌های مردمی دراسرائیل ضمن تشکیل وب سایت و هم چنین صفحه فیس بوکی «اسرائیل ایران را دوست دارد»، خواستار تداوم صلح شده‌اند. آن‌ها خطاب به ایرانیان نوشته‌اند که شما هیچ‌گاه به ما آسیبی نرسانده‌اید و ما از شما متنفر نیستیم. در این صفحه که بیش از ۷۳ هزار نفر عضو ایرانی و اسرائیلی

دارد، مردم از هردو کشور با انتشار عکس‌های خود، پیام‌های دوستی و صلح خود را با جملاتی چون « ما حاضر به مردن در جنگ شما نیستیم» به جهانیان ارسال می‌کنند.

کمپین کار عملی سبزها

هم چنین، کمپین کارعملی سبز نیز به عنوان مرجعی برای آموزش و جمع آوری کارهای عملی شهروندان در جهت برقراری اتحادی دوباره در جنبش سبز با ارائه مطالب مربوطه در وب سایت و صفحه فیس بوک خود، روش‌های مبارزه مدنی عملی را ارائه می‌دهد. برای مثال انتشار مطالبی در مورد نحوه ساختن اعلامیه کاغذی، پخش دست نوشته‌ها در اماکن و وسایل نقلیه عمومی، شعارنویسی در مورد اجلاس سران عدم تعهد و آزادی رهبران جنبش سبز از جمله فعالیت‌های این گروه است.

برگزاری اجلاس غیر متعهدها در تهران و فراخوان سازمان اتحاد برای ایران

شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد روز ششم شهریور ماه جاری درتهران برگزار می شود. درهمین رابطه سازمان اتحاد برای ایران ، سران جنبش عدم تعهد را به اعمال فشار بر ایران برای توقف آزار شهروندان خود دعوت کرد. این سازمان ضمن تشریح سرکوبشهروندان پس از انتخابات ریاست جمهوری در۲۰۰۹ و اشاره به بازداشت افراد، فعالان سیاسی و اجتماعی، رهبران جنبش سبز و کشتار مردم در خیابان‌ها تاکید می‌کند که ایران بارها با انجام چنین اعمالی بی‌احترامی خود را به قوانین بین المللی حقوق بشری که امضا کرده، نشان داده است. اتحاد برای ایران تاکید می‌کند که‌بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل، پیش از پذیرفتن سفر به تهران و شرکت در این جلسه باید از همکاری قطعی ایران در مورد مسائل مربوط به حقوق بشر اطمینان حاصل کند.



هفته پرکار برندگان جایزه نوبل

به گزارش رادیو فردا ، ۹ برنده جایزه صلح نوبل، خواستار لغو مسابقه تلویزیونی به نام «Stars Earn Stripes» از شبکه تلویزیونی ان بی‌سی امریکا شده‌اند. در این برنامه هشت چهره معروف آمریکایی با تمرین‌هایی به سبک نظامی چون پرش از هلیکوپتر و شلیک با اسلحه دوربرد با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. برندگان نوبل ضمن آنکه معتقدند این مسابقه، «منزه جلوه دادن جنگ از طریق تشبیه آن به یک رقابت ورزشی» است در توضیح بیشتر نوشته‌اند: «آماده شدن برای جنگ نه تفننی و نه سرگرم کننده است. اعتقاد ماست که این برنامه به کسی درجایی ادای احترام نمی‌کند و سنتی شرم آوراز باشکوه کردن جنگ و خشونت مسلحانه را تبلیغ می‌کند. جنگ واقعی، آلوده و مرگبار است. مردم- نظامیان و غیرنظامیان به شکل‌هایی می‌میرند که نام هرچیزی می‌توان بر آن نهاد جز سرگرمی.»

هم چنین شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۳، در نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان زنان سازمان ملل متحد، خواستار توجه ویژه به وضعیت زنان در زمان بررسی پرونده حقوق بشر ایران شده است. به نقل از جرس ، بخشی از نامه مزبور به شرح زیر است:

«علاوه برقوانین تبعیض آمیزی که ازابتدای انقلاب سال ۱۹۷۹ بر زنان ایران تحمیل شده است (در گزارش‌های قبلی منعکس است)، در سال تحصیلی جدید تعداد ۳۶ دانشگاه مبادرت به حذف پذیرش دختران از ۷۷ رشته تحصیلی کرده‌اند. از جمله دانشگاه اراک از پذیرش دختران در رشته‌های زبان و ادبیات انگلیسی، علوم تربیتی،

علوم کامپیوتر،امهندس شیمی، مهندسی صنایع، مهندسی عمران، مهندسی مکانیک، مهندسی کشاورزی و شیمی محض و دانشگاه اصفهان از پذیرش دختران در رشته‌های علوم سیاسی، حسابداری، مدیریت بازرگانی دولتی و صنعتی، مهندسی برق، مهندسی عمران، مکانیک، راه آهن و مترجمی زبان انگلیسی ممانعت به عمل آورده‌اند. به این ترتیب دختران که از سال‌ها قبل بیش از ۶۵ درصد از کل دانشجویان را تشکیل می‌داده‌اند به کمتر از ۵۰ درصد تقلیل خواهند یافت. هم چنین سیاست تفکیک جنسیتی که در برخی از دانشکده‌ها اعمال می‌شود و نیز تغییرات بنیادی که در محتوای دروس دانشگاهی رشته «مطالعات زنان» و تبدیل نام آن به «حقوق زن در اسلام» به عمل آمده است، حکایت از تحمیل فرهنگ پدر سالار دارد که هدف آن تقویت نقش زن درخانه و خانواده و ناچیز جلوه دادن اهمیت وی در اجتماع است. یکی دیگر از سیاست‌های کلان حکومتی که نتیجه غیر مستقیم آن خانه نشینی زنان خواهد بود، توقف برنامه کنترل موالید است. درحالی که حکومت ایران ازعهده بر آورده ساختن نیازهای اولیه جمعیت فعلی ایران از قبیل بهداشت، تحصیل و مسکن عاجز است، دولت مردان ایرانی اعلام کرده‌اند که جمعیت کشورباید به دو برابر افزایش یابد. این در حالتی است که تعداد مهد کودک‌ها و کودکستان‌های کشور بسیار اندک و ناکافی است وجالب‌تر آنکه اخیرا طبق اعلام حکومت، برای تاسیس مهد کودک و کودکستان‌ها روحانیون و طلبه‌ها بر سایر داوطلبان ارجحیت دارند. »

زندانیان سیاسی

در روزهای مملو از اخبار نگران کننده، به مناسبت روز عید فطر، 61 تن از زندانیان سیاسی مورد عفو رهبر قرار گرفته و آزاد شدند. تعدادی از زندانیان آزاد شده، بخش عمده‌ای از دوران محکومیت خود را گذرانده و در حالی که تنها چند ماه به آزادیشان باقی مانده مشمول این عفو شده‌اند. درهمین زمینه کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران خاطر نشان می‌کند که: «شمار زیادی از زندانیان سیاسی در زندان اوین و دیگر زندان‌ها وجود دارند که نیمی از دوران محکومیت خود را پشت سر گذاشته‌اند اما شامل حال عفو نشده‌اند، زندانیانی مانند سیامک قادری و محمد صدیق کبودوند. زندانیانی که تا به حال آزاد شده‌اند فقط شامل زندانیان زندان اوین هستند در حالیکه شمار زیادی از زندانیان سیاسی در زندان‌های مانند رجایی شهر کرج، کارون اهواز و زندان‌های دیگر ایران وجود دارند.»

دویچه وله نیز از تایید حکم فیزیکدان ۲۹ ساله ایرانی، دانشجوی دوره دکتری در دانشگاه تگزاس آمریکا خبر می‌دهد. امید کوکبی در سال ۱۳۸۹ به هنگام بازگشت به امریکا به اتهام «ارتباط با دولت‌های متخاصم» و «کسب درآمد نامشروع» بازداشت و به ده سال زندان محکوم شد.

—

مبارزه شهروندی چیست؟

2012-08-21 · Archive ID 1121
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1121

عرصه سوم –در بخش‌های پیشین آموزش‌های مدنی،به طور خلاصه ویژگی‌های سازمان های مردم نهاد، بخشی از ضروریات و هم نقش شهروندان درجوامع دموکراتیک و غیردموکراتیک مورد بحث قرار گرفت دراین بخش به مبارزات شهروندی و نقش آن در شکوفایی دموکراسی و توسعه فرهنگ دموکراتیک می پردازیم.

انتخابات آزاد و سالم زیر بنای یک حکومت دموکراتیک است.دموکراسی، سیستم سیاسی مبتنی بر رأی گیری با شرکت همه احزاب سیاسی، برگزیدن نمایندگان مردم و هیئت دولت است. بنابراین در دموکراسی واقعی قدرت سیاسی توزیع و اجتماعی می شود. و به معنای دیگر مردم درحق تعیین سرنوشت خود مستقیماً با انداختن رأی خود به صندوق ها شرکت دارند. بدون شک نقش مردم تنها در رأی دادن خلاصه نمی‌شود و هم مشارکت شان در زندگی اجتماعی تنها به داشتن شغل و یا حضور در فضای عمومی محدود نمی شود.

در دموکراسی های پیشرفته و مدرن نظیر کشورهای شمال اروپا شهروندان دربرابر قانون از حقوق یکسان برخوردارند. اکثریت آنان ساغل بوده و مالیات پرداخت می‌کنند. و هم به خدمات آموزشی و پزشکی کافی دسترسی دارند. واضح است که تحقق دموکراسی در دنیای پیشرفته هم یک شبه انجام نشده است. پشتوانه

تصویب هر طرح و قانون درجهت پیشرفت شهروندان درهمه جای دنیا همواره مستلزم مبارزات طولانی شهروندان و نمایندگان آن‌ها درپارلمان ها بوده است. برای مثال در سه دهه پایانی قرن بیستم شهروندان اروپایی و امریکای شمالی با شرکت وسیع درجنبش های مدنی مسالمت آمیز موفق شدند بسیاری از خواسته های خود در زمینه مبارزه با نژاد پرستی، برابری حقوق زنان، حقوق همجنسگرایان و هم تحولات فرهنگی در زمینه محدود کردن قدرت نهادهای مذهبی را از تصویب مجالس گذرانده، به دولت ها به قبولانند و هم در فرهنگ جامعه نهادینه کنند. از دیگر تأثیرات مهم این جنبش ها، شکوفایی فرهنگ حقوق بشری، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر درجامعه و دموکراتیک شدن روابط درحوزه خصوصی یعنی نهاد خانواده بود.

اعتراض و بسیج مردمی

بدیهی است که در بیشتر جنبش های اجتماعی هم از اشکال مسالمت آمیز و هم شیوه های قهرآمیز استفاده شود. در کشورهای توسعه نیافته اغلب به علت فقدان آزادی و انتخابات سالم، رسانه‌های سانسور شده و سرکوب شدید مخالفان سیاسی و منتقدان اجتماعی، شیوه‌های اعتراضی مخالفان و شهروندان همواره نه از طریق مجاری قانونی (که اغلب کارایی ندارند) بلکه با توسل بر اقدامات رادیکال انجام می گیرد.

در جوامع دیکتاتوری، و هم کشورهایی که قبلاً مستعمره بوده و تنها چند دهه از استقلال سیاسی شان می گذرد، توسعه فرهنگ دموکراتیک در جامعه و احزاب درقدرت اغلب به کندی صورت گرفته و تحولات سیاسی همواره با تنش‌ها و درگیری‌های متعدد میان قدرت مندان و نیروهای اپوزیسیون همراه است. بحران های عمیق اجتماعی، انقلاب‌هات خونین و براندازی رادیکال سیستم های سیاسی اغلب از مشخصات کشورهای استعمار زده، و استبداد زده است.

افراطی ترین اشکال مبارزه فردی و جمعی برای اعتراض به قدرت حاکمان توسل به خشونت کور، سرکوب و تخریب است. براندازی از طریق کودتای نظامی، جنگ داخلی یا عملیات تروریستی در چند دهه اخیر در بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و هم درمناطق دیگر دیده شده اند. مهم ترین پیامد فاجعه آمیز درگیری‌های خونین در درجه اول کشتار شهروندان و سربازان است. در جنگ داخلی و نبرد قومی در روندا در دهه نود قرن گذشته بیش از نیم میلیون نفر کشته شدند. دردرجه دوم نابودی اموال شخصی و تاسیسات عمومی است، یعنی تخریب ساختمان‌ها، راه‌ها و امکاناتی که با پول مردم ساخته شده اند، یا انهدام مراکز و تأسیسات دولتی که برای بازسازی آن‌ها به بودجه های کلانی نیاز است.

در جوامع استبداد زده نقش رهبران کاریزماتیک در هدایت جنبش های سیاسی و اجتماعی پراهمیت و پررنگ است. رهبرانی که بعد از به قدرت رسیدن اغلب نمی‌توانند به وعده‌های خود عمل کنند. و پس از فروکش کردن بحران سیاسی یا خاموشی جنبش اجتماعی هم قدرت سیاسی را به انحصار خود درآورده و هم کنترل حوزه اقتصادی را به اقلیتی از حامیان شان می سپارند. آنان اغلب و بسرعت نظام استبدادی ماقبل خود را احیا و ساختار غیردموکراتیک را بازسازی می کنند.

مبارزات شهروندی برای ایجاد دموکراسی

مبارزات مسالمت آمیز مردم در هم قالب جنبش های اجتماعی و هم مبارزات فردی ظهور می کنند. برای نمونه جنبش ضد استعماری در قرن بیستم برای رهایی از سلطه بیگانه ، ایجاد دموکراسی و هم مبارزه با تبعیض نژادی درکشورهایی نظیر هند یا آفریقایی جنوبی، از ویژگی‌های این مبارزات تأکید بر خشونت پرهیزی از طرف رهبرانی چون مهاتما گاندی و نلسون ماندلا بود. پیروزی های حاصله از اعتراضات مدنی و همبستگی مردم دراین کشورها به درستی حقانیت فرهنگ خشونت پرهیزی را به عنوان روشی متمدنانه و صلح جویانه آشکار می کنند. با یک بررسی سریع می‌توان درتاریخ معاصر به ده‌ها نمونه دیگر از جنبش های صلح جویانه شهروندی اشاره کرد.



درمبارزه هدف مند و اصولی شهروندی برای تغییر حکومت ها، قوانین و نهادینه کردن دموکراسی دربطن جامعه می باید از انواع شیوه‌های اعتراضی مدنی و صلح آمیز استفاده کرد. و از باور بی چون وچرا به شورش ها و انقلابات خونین به عنوان تنها راه ممکن برای تغییر اساسی اجتناب کرد. مبارزه بدون به کارگیری خشونت مبارزه‌ای طولانی، تدریجی است و تحولات اجتماعی حاصله فوراً قابل بررسی و یا اندازه‌گیری نمی باشند. اما این روشها از طرف اکثریت مردم حمایت شده و هم دردراز مدت دگرگونی اساسی و عمیق را در بافت سیاسی و فرهنگی جوامع ایجادکرده اند.

در کشورهایی که مردم سالاری در فرهنگ سیاسی، دستگاه‌های قانون گذاری و اجرایی مستحکم و نهادینه شده است، خط مشی اصلی دولت ها براساس اعتقاد به تأمین و حمایت از حقوق شهروندان تنظیم می شود، افزون برآن مردم هم با نقش خود در مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری آشنا شده اند و می‌توانند به درجات مختلف در تصمیم گیرهای سیاسی مستقیم و یا غیر مستقیم مؤثر باشند. این شهروندان به رسانه‌های آزاد دسترسی دارند و می دانند که اعتراضات آن‌ها منعکس خواهندشد. مبارزات آنان اغلب از کانال همراهی با جنبش های بزرگ و کوچک اجتماعی ادامه می یابد. اما دربسیاری از موارد هم افراد معترض به طور منفرد و مستقل عمل می کنند. دراین کشورها با فساد دردستگاه های اجرایی و اداری به شدت برخورد می شود و قوه قضاییه از استقلال و قدرت عمل واقعی برخورداراست.

نقش شبکه‌ها و نهاد های مردمی درمبارزه شهروندی

نقش شبکه‌های همکاری و سازمان های مردم نهاد مدافع دموکراسی در پیگیری مبارزات شهروندان درجوامع استبداد زده بسیار تعیین کننده است. از مهمترین مزایای عضویت داوطلبانه در نهادهای مردمی تمرین روشهای دموکراتیک درکار جمعی با گروه‌های کوچک است. روش رهبری در اغلب سازمان های غیردولتی کوچک شیوه ای افقی و نه عمودی است. به این معنی نظرات همه اعضای گروه‌های داوطلب در تصمیم گیری ها مطرح و رعایت و از مدیریت سنتی، یک سویه و فرمان بردارانه پرهیز می شود. به این ترتیب شهروندان از هر تیپ فکری و تجربه کاری می‌توانند در برنامه‌ریزی ها مؤثر بوده و هم توانایی های فردی خود را در جمع به کار گیرند. و هم فرهنگ همکاری جمعی، بحث‌های گروهی، نقد و انتقاد و روح پرسشگری را درخود تقویت کنند. به این ترتیب افراد یاد می‌گیرند که برای حل مشکلات درپی راه حل باشند و در برابر معضلات اجتماعی سکوت نکنند. این شهروندان براین باورند که منافع فردی آنها با منافع جامعه یکی است.

تجربه شرکت زنان محروم از امکانات اجتماعی در سازمان های مردم نهاد درکشورهای درحال توسعه مانند هند از جمله موارد موفق دراین زمینه هستند. زنانی که اغلب از هرگونه امکانات آموزشی و رفاهی محروم بودند، با حمایت سازمان های مدافع حقوق زنان،قادر به شرکت در مبارزات شهروندی برای بهبود شرایط زندگی خود ، عضویت دراحزاب سیاسی، ایجاد و رهبری کمپین های گوناگون شده اند.

مارتا نوزبام محقق مشهور حوزه توسعه در هند تحقیقات متعددی را درمورد نقش سازمان های مردم نهاد در جهت دادن مبارزات شهروندی انجام داده و معتقد است که دربسیاری از کشورهای درحال توسعه میزان فساد اداری و بی‌عدالتی اجتماعی بالا است. به همین علت او برگسترش فعالیت‌های مردمی، احساس مسئولیت جمعی و تقویت جامعه مدنی به عنوان یکی از مهمترین حوزه های توانمندی و توسعه اجتماعی تأکید می کند. مارتا نوزبام از نقش کلیدی نهادهای برپا شده به دست مردم در هند در حل معضلات اجتماعی می نویسد. برای نمونه دراین کشور فعالان سازمان های غیر دولتی درحوزه توانمندی زنان توانسته اند مجری طرح های بی شماری برای خدمت به زنان محروم و آسیب دیده باشند. و هم این سازمان ها هم چنین نقش مهمی در ایجاد کمپین ها و رهبری مبارزات شهروندان زن برای کسب حقوق برابر و شرکت درمبارزات اجتماعی و سیاسی برعهده دارند. بسیاری از زنان هندی با استفاده از این خدمات توانسته اند در مبارزات سیاسی مناطق روستایی مبارزات شهروندی را سازمان دهی و رهبری کنند.

در سه دهه اخیر جنبش زنان ایرانی برای حقوق برابر با روی آوردن آنان به آموزش و تلاش برای مشارکت اجتماعی و اشتغال تداوم یافت. و با ایجاد کمپین های گوناگون، انتشار مجلات، نشر و تحقیقات بسیار درزمنیه جنسیت و فمینیسم باردیگر شکوفا شد.از مهم‌ترین دستاوردهای مبارزات زنان درایران ترویج فرهنگ تساهل گرایی، صلح جویی و پرهیز از خشونت درمبارزه مدنی است. فعالین حوزه زنان بر ساختن و ترویج فرهنگ برابری خواهی در حوزه خصوصی و عمومی تأکید دارند. نقش کلیدی نابرابری جنسیتی درایدئولوژی دولت اسلامی، و اجرای بی سابقه سیاست‌های زن ستیز، ضرورت تعمیق مبارزات دموکراتیک را از منظر برابری جنسیتی بیش از هر دوره دیگری درایران تشدید کرده است.

—

کارکودک، حلقه معیوب فقر

2012-08-21 · Archive ID 1127
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1127

پریسا کاکایی

بخش دوم

نقش جامعه مدنی در کاهش کار کودکان

تلاش در جهت کاهش و یا حذف کار کودک نیازمند همکاری چند جانبه از سوی گروه‌ها و افراد مختلف است که هر کدام بخشی از جامعه را تشکیل می‌دهند. علی رغم آنچه که به نظر می‌رسد، این امر تنها وظیفه دولت‌ها محسوب نمی‌شود بلکه بخش هایی چون رسانه، سازمان‌های غیردولتی، خانواده، آموزگاران، فعالان اجتماعی و دانشگاهیان را نیز شامل می‌شود. اما در این میان، نقش سازمان‌های غیردولتی بسیار پررنگ است زیرا ضمن مشارکت در اطلاع رسانی همراه با رسانه ها، از یک سو به عنوان نمایندگان کودکان، عملکرد دیگر بخش های جامعه و دولت را در قبال مسائل مربوط به کودکان نظارت می کنند و از سوی دیگر خود می‌توانند به عنوان ارگانی برای توانبخشی و توانمندسازی کودکان عمل کنند.

برای مثال، همانطور که پیش‌تر نیز ذکر شد، یکی از دلایل عدم وجود آمار دقیق در مورد کودکان کار در ایران، محدودیت حضور و فعالیت سازمان‌های غیردولتی در کشور است. این نهادها با توان مالی و تعداد کارکنان محدود که اغلب نیز داوطلبانه مشغول به کارهستند نمی‌توانند برنامه ای چنین بزرگ و زمان بری را دردستور

کار خود قرار دهند. اجرایی شدن تحقیقات و بررسی‌هایی از این دست نیازمند استفاده از افراد متخصص و برخورداری از بودجه و زمان کافی ست تا نتایج منطقی و واقعی حاصل شوند.

با این حال، سازمان‌های غیردولتی فعال در مورد کودکان کار و خیابان در ایران تا حد امکان، سعی در تغییر وضعیت آن‌ها دارند. این سازمان ها تلاش می‌کنند تا کودکان را در مدارس نگه داشته از بازگشت آن‌ها به خیابان و یا کار جلوگیری کنند. هم چنین موارد کارهای اجباری و خطرناک را به صورت موردی بررسی کرده و در جهت محافظت کودک و بازپروری وی می‌کوشند.

عدم حضور سازمان های غیر دولتی خارجی درایران

موضوع مهم دیگر، عدم حضور سازمان‌های غیردولتی خارجی در ایران است. زیرا سازمان‌های مزبور می‌توانند نقش نظارتی و حمایتی مهمی را در همکاری با دیگر ارگان ها ایفا کنند. برای روشن شدن این موضوع، در ادامه، یک نمونه از فعالیت‌های همکاری سازمان‌های غیردولتی با یک سازمان بین المللی در داخل کشور هند و یک نمونه از کمپینی برای مبارزه با کار کودک در امریکا شرح داده می‌شود.

نمونه نخست

سازمان «نجات کودکان» (Save the children) کانادا، سازمان بین المللی فعال در زمینه ترویج حقوق کودک است که از سال ۱۹۶۷ در زمینه کودکان هند فعالیت می‌کند. دفتر هند این سازمان با ۱۱ سازمان غیردولتی که در سه ایالت هند برای فراهم کردن امکان فرصت رشد و توسعه حقوق ۱۲ هزار کودک که در شرایط دشوار قرار دارند فعالیت می‌کنند، همکاری می‌کند.

در سال ۱۹۹۹، نجات کودکان، پروژه پنج ساله‌ای را که به عنوان «فرصت‌های کارگران کودک» شناخته شده، آغاز کرد. هدف این پروژه کاهش آسیب‌های ناشی از کار و یا اشکال مختلف بهره کشی از کودکان کارگر، برای در مجموع ۹۹۰۰ کودک که شامل ۵۱۰۰ دختر و ۴۸۰۰ پسر بود، تعریف شد. فعالیت پروژه مزبور موارد زیر را در بر می گیرد: برنامه‌های تحصیلی رسمی و غیر رسمی با گرایش افزایش مهارت‌های زندگی، ایجاد فرصت از طریق آموزش مهارتهای شغلی و تولید درآمد، فراهم کردن حمایت‌های متناوب مثل اقامتگاه کوتاه مدت، سرویس‌های بهداشتی و امکانات تفریحی، افزایش آگاهی در جهت تغییر نگرش در بین سیاستگذاران، صاحبان کار، والدین و کودکان با توجه به پذیرش اجتماعی کار کودک، ترویج حقوق کودک چه در سطح محلی و چه ملی، ظرفیت سازی سازمان‌های سهیم برای مدیریت و اجرای برنامه‌های توسعه کودک محور و با رویکرد حق محور.

در نتیجه این فعالیت‌ها، ۲۹۳۰ کودک دست ازکار کشیدند. ۲۸۲۷ کودک وارد مدارس رسمی شدند و ۲۲۹۹ نفر نیز به تحصیلات رسمی خود ادامه دادند. ۱۰۰۲ کودک آموزش‌های مهارت شغلی را به پایان رساندند. ۳۵۰۴ خانواده نیز تحت عنوان درآمد زایی حمایت معیشتی دریافت نمودند. (دیکسیت، ۲۰۰۴).



نمونه دوم

سپتامبر ۲۰۱۰ سازمان حقوق بشری مبادله بین المللی، سازمان غیرانتفاعی امریکای سبز، سازمان حمایتی انجمن بین المللی حقوق کارگر و سازمان غیرانتفاعی اوایسیس به کمک گروه‌های دیگر، کمپینی را به نام «افزایش استانداردها» (The Raise Bar) در اعتراض به عملکرد شرکت هرشی (Hershey’s) که یک مارک شکلات محبوب امریکایی ست تشکیل دادند.

این کمپین معتقد است که شرکت مزبور برای تولید کاکائوهای محبوب خود در شرایطی آسیب رسان و با بهره‌مندی از قاچاق انسان در کشورهای آفریقای غربی و کار اجباری، از کودکان به عنوان نیروی کار سوء استفاده می‌کند. بنابراین در سال ۲۰۱۰، کمپین موجودیت خود را اعلام کرد و با انتشار گزارشی به بیان مشکل، راه حل‌های پیشنهادی و مطالبات خود پرداخت. اعضای این کارزار در مطالبات خود شرکت هرشی را به تجارت منصفانه دعوت کرده و مشارکت ملی و بین المللی را برای رسیدن به مقصود مورد نظر فراخواندند. مردم می‌توانند از طریق وب سایت‌های بنیانگذاران کمپین به مسئول شرکت هرشی ای میل ارسال کنند، در جمع آوری امضا برای پتیشن خطاب به رئیس شرکت، نمایش فیلم مستند «نیمه تاریک شکلات» در هر جایی که برایشان مقدور است، تماس با شرکت و بیان نقد موجود، پیوستن به صفحه فیس بوک، عکس انداختن با پلاکاردی که شعار کمپین را بر خود دارد و استفاده از کمپ‌های تابستانی وغیره. به پیشبرد اهداف کمپین کمک کنند. اگرچه از زمان آغاز اعتراضات ، حداقل برخی شرکت های شکلات سازی سعی در عدم استفاده از نیروی کار کودک در تولیدات خود داشته اند اما کمپین مزبور همچنان به فعالیت درمورد شرکت هرشی ادامه می دهد و در این راه به مرور زمان از همراهی بنیادهایی چون مراقبت سلامت ایدز، اتحاد زنان متدیست (فرقه مسیحی)، اتحاد ملی کارگران مهمان و ارگان های دیگر بهره مند شده است. این گروه، اطلاع رسانی، بیان حقایق و تشویق مردم به تحریم خرید محصولات هرشی را پی گیری کرده و مخاطبان بیشتری را به خود جلب می کند. البته قابل ذکر است که در مورد تاثیر تحریم محصولاتی که کودکان کار در تولید آنها شریک هستند بحث های موافق و مخالف مختلفی وجود دارد و سوال اصلی این است که آیا این عمل شرایط کودکانی را که وضعیت اقتصادی شان به درآمد حاصل از چنین کارهایی وابسته است بهبود می بخشد و یا آن ها را با بحران بیشتری مواجه می کند؟

جمع بندی

کار، کودکان را از مدرسه و آموزش دور نگه داشته و دوران کودکی آن‌ها را تحت تاثیرات نامطلوب قرار می‌دهد. در این میان کودکان دختر با توجه به تبعیض‌های اجتماعی و جنسیتی در معرض آسیب‌های بیشتری قرار دارند. برای بررسی موضوع و کاهش آسیب به کودکان، نیاز است که در تمامی شهرها و مناطق، امکانات محلی برای شناسایی، ارتباط و جذب کودکان کار فراهم شود. به همین دلیل داشتن سازمان‌های غیردولتی ملی و بین المللی مستقل که سیاست‌های مبتنی بر حقوق بشر و دیکته نشده از منابع کنترل را در پیش بگیرند و هم چنین آموزش‌های وسیع در سطح ملی به ویژه برای والدین، معلمان، صاحبان کار و سیاست گذاران می‌تواند در ترویج حق تحصیل و برخورداری از دوران کودکی مناسب موثر باشد. تاکید بر حق تحصیل برای حذف کار کودک ضروری به نظر می‌رسد زیرا کودکی که تحصیل نمی‌کند مهارت‌های معیشتی و شغلی را نیاموخته و وارد چرخه فقر می‌شود. توانمندسازی کودکان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا وارد بخش‌های سالم و حرفه‌ای‌تر شده و گرفتار مشاغل کاذب و یا خطرآفرین نشوند. این توانمندسازی تنها شامل تحصیل و یا آموزش فنی و حرفه ای نمی شود بلکه آموزش حقوق انسانی و تاکید بر توانمندی های شخصیتی بخش دیگری از تلاش برای آگاه سازی کودکان و ممانعت از سوء استفاده از آنها است.

از سوی دیگر تدوین قوانین مشخص و نظارت دقیق بر اجرای آن از ملزومات رسیدن به شرایطی بهتر برای کودکان کاراست. این مسئله تنها به بخش قانونگذاری منتهی نمی‌شود بلکه آموزش اهمیت حقوق کودک به مجریان قانون می‌تواند در بسیاری موارد آن‌ها را نسبت به نقض حقوق کودکان در تمامی ابعاد حساستر نماید.

اما مهم‌تر، پرداختن به وظیفه شهروندی ست که هر فردی از جامعه، خود را در برابر کودکان مسئول دانسته و مانع بهره کشی و یا نقض حقوق آن‌ها شود. صاحبان کار، افرادی معمولی از میان جامعه هستند که نیاز به آموزش دارند تا علاوه بر یادگیری و تقویت احساس مسئولیت، عرصه را بر فعالیت سودجویان که از طریق استفاده از نیروهای ارزان مانند کودکان بدون درنظر گرفتن شرایط مناسب و رعایت هر گونه ملاحظات ویژه مخصوص آن‌ها کسب درآمد می‌کنند، تنگ کرده و فرهنگ احترام به حقوق کودک را ترویج کنند.

منابع

The Raise the Bar campaign URL: http://www.raisethebarhershey.org/

—

بازداشت دهها فعال مدنی به اتهام کمک به زلزله زدگان

2012-08-23 · Archive ID 1130
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1130

عرصه سوم- امیر کلهر فعال مدنی در مصاحبه با سهام نیوز درباره دستگیری گروهی از کنشگران اجتماعی که برای کمک رسانی و بردن وسائل مورد نیاز مردم به مناطق زلزلزده رفته بودند می گوید:

” متاسفانه گویا در کشوری زندگی می کنیم که کمک کردن به هموطن و کمک کردن به زلزله زده ها جرم محسوب می شود. وقتی دولت نمی تواند وظایفش را بدرستی انجام بدهد طبیعی است که خود مردم به صورت خودجوش دست به کار می شوند و وارد عمل می شوند. اگر دولت برای مردم اعتماد سازی می کرد و کارش را به خوبی انجام می داد امروز شاهد این نبودیم که مردم به هلال احمر و نهاد هایی حکومتی اعتماد نداشته باشند و پولی به حساب آنها واریز نکنند. بسیاری از حساب های بچه های ما که داشتند برای کمک به زلزله زده ها پول جمع می کردند، در همان روزهای اول مسدود شده بود و وقتی بچه ها به بانک مراجعه کرده بودند گفته بودند که دستور از بالا بوده است.”

به گزارش خبرگزاری بی بی سی و سایت‌های خبری دیگر بیش از سی نفر از فعالان مدنی به جرم کمک رسانی به زلزله زدگان دستگیر شده اند. درمیان آنان به نام حسین رونقی ملکی زندانی عقیدتی که به علت بیماری به مرخصی آمده بود و دو هفته پیش تحت عمل جراحی قرارگرفته بود برمی خوریم. پیش از این هم سایت : "

جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی" از بازداشت سعید شیرزاد فعال حقوق کودکان به جرم کمک به زلزله زدگان خبرداده بود.

امیر کلهر دربخش دیگری از مصاحبه اش می گوید:

« اول این نکته را ذکر کنم که بچه های ما اصلاً دنبال بحث سیاسی و فعالیتی از این دست در این ماجرا نبودند و خود حکومت خیلی علاقه داشت که این مسئله را سیاسی بکند و با این کارهایی که در این مدت انجام داده ، کاملا این موضوع را به اثبات رسانده است.
همه ی بچه ها برای کمک رسانی و امداد به مردم زلزله زده رفته بودند و اینکه بچه ها با جان و دل کار می کردند و هیچ هدفی نداشتند جز کمک کردن به مردم کشورشان. وقتی می دیدند که هلال احمر و دولت نمی توانند یا نمی خواهند که به مردم زلزله زده کمک کنند خودشان به صورت خودجوش دست به کار شدند و خطر را به جان خریدند.
خوشبختانه مردم این مناطق هم استقبال خوبی از این جریان کردند و حسابی هوای بچه ها رو داشتند. و اما ماجرای بازداشت بچه ها این بود که ابتدا به دستور شخص فرماندار هریس ، نیروی انتظامی و امنیتی برای بردن کالاها به انبار هجوم می برند که با مقاومت بچه ها مواجه شدند و آقایان تصمیم گرفتند که دور کمپ بچه ها حلقه ی انسانی تشکیل دهند و این نیروهای امنیتی که لباس سپاه به تن داشتند کمپ را به مدت ۷ ساعت محاصره کردند.
چند ساعت بعد چندین ماشین ضد شورش به اطراف کمپ آمدند و من که با یکی ار بچه های داخل کمپ در تماس بودم، به من تلفنی گفت "امیر همین الان ریختند داخل" و تماس قطع شد.
بچه ها به مامورین امنیتی گفته بودند که "حتی یک بطری آب معدنی هم به شما نمی دهیم، زیرا این وسایل را مردم به ما دادند تا به دست مردم زلزله زده برسانیم." حتی اینجا هم که بچه های کمپ می دانستند که ممکن است بازداشت شوند، بازهم استقامت و پایداری از خود نشان دادند و لحظه ای کوتاه نیامدند. حتی قبل از وارد شدن، نیروی انتظامی تهدید کرده بود که می خواهیم کمپ را پلمپ کنیم و بچه ها هم که در را قفل کرده بودند می گویند که اگر می خواهید پلمپ کنید ما داخل کمپ می مانیم و بیرون نمی آییم. ماموران حتی به بچه ها توضیح ندادند که دلیلشان از اقدام برای توقیف این اموال چیست و آنها را به کجا می خواهند منتقل کنند!؟"

سایت هرانا (خبرگزاری حقوق بشر درایران) دربخشی از گزارش خود در این باره می نویسد: " دراین منطقه ۳۵ نفر از نیروهای مدنی از جمله دانشجویان که به قصد کمک به منطقه رفته‌اند حضورداشتند که همگی بازداشت شدند. قابل ذکر است که روز گذشته نیز نیروهای امنیتی به کمپ‌ها حمله کرده بودند و خواستار جمع آوری فوری آن‌ها شدند که با مقاومت مردم و در خواست حکم قضایی مواجه شدند. آن‌ها با تهیه احکامی مخدوش امروز عملیات خود را ادامه دادند و به این نیروهای امدادی حمله کرده‌اند. این نگرانی وجود دارد که با جمع آوری این کمپ‌ها کالاها و اشیای اهدایی مردم که توسط کامیون‌ها در راه منطقه است به صورت مطمئن به دست مردم نرسد.

بنا بر آماری که از حاضرین در کمپ بدست مارسید اسامی بازداشت شدگان عبارت است از: احمد رونقی ملکی، حسین رونقی ملکی، حسن رونقی ملکی، امیر روناسی، ریحانه حسامی، واحد خلوصی، بهرام شجاعی، نوید خانجانی، شیما قوشه، میثاق افشار، فرید روحانی، مرتضی اسماعیل‌پور، حمید رضا مسیبیان، علی محمودی، محسن صامعی، مسعود وفابخش، هومن طاهری، دانیال حسینی، جعفر نظامی، فرناز احمدزاده، نفیسه سعیدی فرد، محمد ارجمندی راد، اسماعیل سلمان‌پور، مهری باغبان باشی، نرگس خیر اللهی، محمد امین صالحی، بهروز علومی، میلاد پناهی‌پور، سپهرداد صاحبان، اسماعیل رفعتی، امیر رونقی ملکی، زهرا صیادی، کیانا کریم‌پور و آرتمیس ورزنده.

پیش از این نیز در نقاط دیگری از کشور نیروهای مدنی که قصد کمک به زلزله زدگان با جمع آوری کمک، اهدای خون و افتتاح حساب برای جمع آوری کمک‌های نقدی را داشتند با تهدید نیروهای امنیتی اطلاعاتی مواجه شده بودند. از جمله در شهرستان گرگان، اداره اطلاعات ۳ تن از فعالان جنبش سبز را در همین رابطه بازداشت کرده بود. در نقاط دیگر نیز خبر از انسداد حساب‌های بانکی رسید که به قصد جمع آوری کمک‌های نقدی توسط نیروهای مدنی و اصلاح طلب برقرار شده بود."

بازداشت شهروندانی که تنها به قصد کمک رسانی به مناطق زلزله زده رفته اند، درشرایطی صورت می‌گیرد که درروزهای گذشته مردم آسیب دیده و مسئولان دولتی ازجمله تعدادی از نمایندگان مجلس بارها از بی توجهی رسانه‌های دولتی به خبررسانی و کندی بی سابقه فعالیت‌های امداد رسانی به شدت انتقاد کرده بودند. و بارها از همه اقشار مردم خواسته اند که به زلزله زدگان کمک کنند.



درروزهای اخیر گروهی از سازمان های مردم نهاد و غیردولتی، هنرمندان و ورزشکاران و غیره برای رساندن کمک‌های مالی و خدماتی خود به آذربایجان شرقی رفته اند. اما درگزارشات منتشر شده اغلب از عدم توزیع موادغذایی که توسط مردم به منطقه فرستاده شده انتقادشده است. سایت کلمه درگزارشی از انبارکردن موادغذایی اهدایی مردم و هم کمک‌های ترکیه توسط سپاه پاسداران و بی‌عملی مسئولان سازمان هلال احمر در توزیع غذا میان مردم می نویسد. بنابرگزارش سایت کلمه فقدان یک مدیریت کارآمد مردم آسیب دیده را درخطر بی غذایی، شیوع بیماری و اپیدمی های گوناگون قرار داده است. با نزدیک شدن فصل پاییز و سرما بازماندگان زلزله به پناهگاه های گرم و امن نیاز دارند.

سایت کلمه دربخش دیگری ازاین گزارش با عنوان" فراخوان فیس بوکی و جمع آوری پسماندها و ذباله " می نویسد:

"خبر دیگر از مناطق آسیب دیده، شکل گیری یک حرکت خودجوش دیگر، این بار برای جلوگیری از یک فاجعه زیست محیطی بود که باعث شد تا گروه های مردمی این بار برای پاکسازی و جمع‌آوری پسماندهای مناطق

زلزله‌زده بسیج شوند.براساس گزارش‌های رسیده به کلمه، این اقدام جمعی مدنی که از یک فراخوان در فیسبوک آغاز شد، با استقبال قابل توجه مردم از نقاط مختلف کشور مواجه شد که برای پاکسازی و جمع‌آوری زباله ها و پسماندهای مناطق زلزله‌زده بسیج شدند.در این طرح که از صبح روز دوشنبه سی‌ام مردادماه آغاز شده، تاکنون حدود ۴۰۰ نفر شرکت کرده اند، شامل ۱۲ اکیپ که از شهرستان های مازندران، گیلان، اصفهان، ایلام، تهران و ... هر یک با هر وسیله ای که توانسته اند، خود را به مناطق زلزله زده رسانده اند.

بر اساس آخرین گزارش ها، این گروه های خودجوش غیر دولتی تا کنون ۱۵۰ روستا را پاکسازی کرده و زباله ها و پسماندها را از منطقه خارج کرده اند. در طرح پاکسازی و جمع‌آوری پسماندهای مناطق زلزله‌زده مناطق زلزله زده به ۹ منطقه تقسیم شد و برای اجرای آن ۵ گروه تیم بزرگ تر بودند که اکیپ های ۱۰ نفره در اختیار داشتند.

برای اجرای این طرح بالغ بر ۳۰ هزار کیسه زباله از محل کمک های مردمی خریداری شده که بخشی از آنها برای جمع آوری زباله ها مورد استفاده قرار گرفته است و هم چنین به هر چادر زلزله زدگان هم ۲ تا ۵ کیسه تحویل داده شده است تا زباله های شان را داخل آنها بریزند. از نکات قابل توجه در این طرح، حضور پرشور مردم است که فعالیت و همکاری چشمگیری با تیم های حاضر برای این طرح دارند. اجرای این طرح همچنان توسط گروه های مردمی شهرستانی و تهرانی ادامه دارد."

—

نقش نهادهای مردمی درکمک رسانی به زلزله زدگان

2012-08-27 · Archive ID 1134
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1134

رضا حاجی حسینی

زلزله ویرانگر اخیر در ایران آذربایجان شرقی را لرزاند و تلفات و خسارت‌هایی در برخی شهرها و روستاهای این منطقه بر جای گذاشت. اما این زلزله و پس‌لرزه‌های آن از سوی دیگر سبب گسترش اتحاد و همیاری مردمی برای یاری رساندن با استفاده از رسانه های اجتماعی و نهاد های مردمی شد.

ب ه گزارش تارنمای "رادیو زمانه"، در حالی‌که وقوع این زلزله در ساعت چهار و ۵۳ دقیقه بعد از ظهر روز شنبه، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۹۱، همزمان با شب قدر در ماه رمضان بود، کانال‌های مختلف تلویزیونی ایران، تنها به نقل این خبر پرداختند؛ آن هم در حد و سایز اخبار معمولی دیگر. این نوع پوشش خبری صدا و سیما که از آن به‌عنوان "رسانه ملی" یاد می‌شود، صدای اعتراض خیلی‌ها را در آورد تا جایی که کار به مجلس رسید و برخی نمایندگان، تذکرات سفت و سختی به مسئولان صدا و سیما دادند.

از سوی دیگر، کار امدادرسانی به آسیب‌دیدگان زلزله آذربایجان هم با کاستی‌ها و ضعف‌هایی روبه‌رو بوده است تا جایی که "سید جلال یحیی‌زاده"، نماینده مردم تفت و میبد در مجلس ایران به خبرگزاری "ایلنا" گفته : "اگر آقایان بودجه حوادث {غیر مترقبه}را در جاهای دیگری نظیر خارج از کشور خرج نمی‌کردند، امروز این بحران قابل کنترل بود."

اعتراض‌ها به نحوه یاری‌رسانی دولت و فشارهای فعالان مدنی به‌خصوص در فضای مجازی برای ارسال کمک‌های بیش‌تر به مناطق زلزله‌زده، دولت ایران را واداشت که اعلام کند آماده دریافت کمک‌های بین‌المللی برای زلزله‌زدگان شمال غرب این کشور است. این در حالی بود که جمعیت هلال احمر ایران، پیش‌تر گفته بود با توجه به توانایی‌اش در پوشش امدادی مناطق زلزله‌زده، نیازی به کمک‌های بین‌المللی نیست و حتی گروه امدادرسانی که از ترکیه به ورزقان آمده بودند، به این کشور بازگردانده شدند.

در عین حال اطلاع‌رسانی در شبکه‌های اجتماعی برای جذب کمک‌های مردمی از داخل و خارج از ایران تا مدت‌ها پس از زلزله ادامه داشت و کماکان هم ادامه دارد. به عنوان یک نمونه، تارنمای "نشانی" خبر داد که هلال احمر

مالزی برای ارسال کمک‌های مردمی به ایران، اعلام آمادگی کرده است. مالزی از جمله کشورهایی است که جمعیت چند هزار نفری از ایرانیان در آنجا زندگی، تجارت و تحصیل می‌کنند.

ایرانیان مقیم در دیگر کشورها نیز با تشکیل هسته‌ها و گروه‌های فعال، کمک‌های مردمی را برای ارسال به ایران جمع‌آوری کردند که در این حرکت‌ها، نقش و کارآیی شبکه‌های اجتماعی بسیار پررنگ بود.

برای ارسال کمک‌های مردمی از دیگر نقاط جهان به ایران اما با توجه به تحریم‌ها، نگرانی‌هایی وجود داشت که وزارت خزانه‌داری آمریکا برای فرستادن این کمک‌ها مجوز صادر کرد. تارنمای رسمی وزارت خزانه‌داری آمریکا، به روشنی اعلام کرد که کمک‌هایی را به مردم ایران که در حال بازیابی و بازسازی هستند، ارائه می‌کند. دولت ایران پیشنهاد کمک آمریکا را نپذیرفته، اما سازمان‌های غیر دولتی در تلاش‌های مربوط به کمک‌رسانی فعال بوده‌اند.

بی‌اعتمادی به دولت، اعتماد به فیس‌بوک

در بررسی به جزییات حوادث و وقایع پس از زلزله آذربایجان اما یک نکته بیش‌تر از بقیه به چشم می‌آید و جلب نظر می‌کند، و آن بی‌اعتمادی مردم به دولت، برای یاری رساندن به زلزله‌زده‌ها و اعتمادشان به نهادهای مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد است.

این مسئله را می‌شود در نظرسنجی انجام شده توسط تارنمای مستقل "پارسینه"دید. در این نظرسنجی، در جامعه آماری بیش از چهار هزار و ۵۰۰ رای دهنده، نزدیک به ۸۰ درصد از رای‌دهندگان، نقش کمک‌های خودجوش مردمی در یاری‌رسانی به زلزله‌زدگان آذربایجان شرقی را موثرتر از هلال احمر، صدا و سیما و کمیته امداد دانسته‌اند.

بر اساس دیگر گزارش ها، نتایج دو نظرسنجی که توسط دو رسانه "عصر ایران" و"تابناک" انجام شده است هم نشان می‌دهد که حدود ۹۲ درصد از مردم، عملکرد صدا و سیما درباره زمین‌لرزه آذربایجان شرقی را ضعیف و ۷۸ درصد نیز کمک‌های خودجوش مردمی را کارآمدترین روش در یاری رساندن به آسیب‌دیدگان این حادثه می‌دانند.

یکی از ساکنان روستای "سرند" که در کنار جاده اصلی ورزقان – تبریز قرار دارد، در مورد این کمک‌های مردمی به "رادیو زمانه" گفته است : "در همان ساعات ابتدایی زلزله، خیل کمک‌رسان‌ها از تبریز و شهرهای دیگر وارد جاده شدند. با وجود این‌که جاده در برخی جاها خراب شده بود، اما مردم برای کمک‌رسانی آمدند. بعد از چند ساعت نیروهای امنیتی و نظامی اقدام به مسدود کردن جاده کردند اما ناگهان سیل عظیم مردم باعث شد که آنان نتوانند کنترل را در دست بگیرند و مجبور شوند که جاده را باز کنند."

از سوی دیگر برخی ناظران، زلزله تلخ آذربایجان را سیاسی‌ترین زلزله‌ای دانسته‌اند که تاکنون در مناطق زلزله‌خیز ایران اتفاق افتاده است. "علی بردبار" در تارنمای "کلمه" در این‌باره می‌نویسد : "خود اتکایی ملت، نتیجه بی‌اعتمادی به حکومت" است. او "اعلام وجود دوباره شبکه‌های اجتماعی" و "بی‌اعتمادی مردم به دولت" را بررسی می‌کند و معتقد است که "وقوع زلزله اهر و حجم وسیع ارتباطات، راهکارها، خلاقیت‌ها، و بده بستان‌های خارج از شبکه رسمی حکومت و یا سازمان‌های کلاسیک در این مدت، مهر بطلان بر تلقی مرگ شبکه‌های اجتماعی بود."

کمک مردم به مردم، ممانعت حکومت

در شرایط فعلی جامعه ایرانی که اعتماد چندانی به دولت وجود ندارد، توجه جدی به فعالیت‌های مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد یک ضرورت است."علی‌رضا" به‌عنوان یک فعال رسانه‌ای در این‌باره می‌گوید: "ان‌جی‌او ها با توجه به ذات غیرانتفاعی خود و عدم توقع مالی اعضا، در این‌گونه مواقع کارایی بیش‌تری داشته و بارمالی هم بر دوش دولت نمی‌گذارند. در مواقع اضطراری، این گروه‌ها به‌خاطر ارتباط بیش‌تر با مردم، بیش‌تر از دولت می‌توانند کمک‌های مردمی را جذب کنند و با هماهنگی با نهادهایی چون هلال احمر، در توزیع آن‌ها نیز به یاری دولت بیایند."

یکی از فعالان مدنی در آذربایجان هم که مایل نبود نام خود و سازمانی که در آن فعالیت می‌کند را ذکر کند، در این‌باره به عرصه‌سوم می‌گوید: "مشکلات و محدودیت‌ها را که همه می‌دانند و من نگویم بهتر است اما به نظر ما جدی‌ترین مسئله‌ای که وجود دارد، خلاء قانونی است. ما برای انجام کارهای‌مان ناچاریم ارتباط پیوسته‌ای با سازمان های دولتی داشته باشیم و چون قانون، نحوه همکاری آن‌ها با ما را پیش‌بینی نکرده است، معمولا به مشکل بر می‌خوریم. یعنی ممکن است که این سازمان ها بخواهند به ما کمک کنند، اما دست‌شان بسته است. در بحث امدادرسانی به آسیب‌دیدگان زلزله اخیر هم یکی از مشکلاتی که ما داشتیم همین بود."

این فعال مدنی که در زمینه محیط زیست فعالیت می‌کند، در مورد راهکار رفع مشکل قانونی می‌گوید: "ما خودمان هم دنبال همین هستیم و در جلساتی که داریم این موضوع را مطرح می‌کنیم تا شاید به پیشنهاد مناسبی برای پر کردن آن خلاء قانونی برسیم. از طرفی هم فکر می‌کنیم که اگر هر گروهی تنها در حوزه‌ای که مشخص کرده فعالیت کند، ممکن است کم‌تر مسئله ایجاد شود."

او به فعالیت‌های انجام شده توسط سازمان‌شان در رابطه با زلزله هم اشاره می‌کند و معتقد است که گرچه کارهای کوچکی انجام داده‌اند اما راهشان را درست انتخاب کرده‌اند و به‌همین دلیل چالش‌هایی را که برخی گروه‌های امدادرسان با آن مواجه شده‌اند، نداشته‌اند.

به‌نظر می‌رسد چالش‌های مورد اشاره این فعال مدنی، مسائلی است که نشان می‌دهد فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل، چندان مورد علاقه و قبول حاکمیت نیست. به‌همین دلیل شاید لازم باشد نهادها و سازمان‌های مردمی به حمایت جدی‌تر از یک‌دیگر بپردازند.

شاهد بی‌علاقگی و حتی مقابله حکومت ایران با فعالیت‌های مستقل مدنی، می‌تواند برخوردهایی باشد که با گروه‌های امدادرسان زلزله آذربایجان صورت گرفت و هم‌چنان هم ادامه دارد.

مسدود کردن حساب‌های بانکی

در اولین این برخوردها، بانک‌ها در ایران، حساب‌های جاری‌ای را که نیروهای داوطلب برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی مردمی اعلام کرده بودند، مسدود کردند. این شماره حساب‌ها اغلب در فیس‌بوک، توییتر و برخی وبلاگ‌ها درج شده بودند. "عزیز خسروشاهی" در گزارشی در "رادیو زمانه" در این‌باره می‌نویسد: "اکنون صاحبان حساب‌های مسدود شده از احضار خود به پلیس فتا و وزارت اطلاعات خبر می‌دهند.این احضارها به صورت تلفنی صورت گرفته است و از صاحبان حساب‌ها درخواست شده در روزهایی تعیین شده جهت پاره‌ای توضیحات خود را به دفاتر پیگیری وزارت اطلاعات و ادارات پلیس معرفی کنند."

بازداشت گروهی از کمک کنندگان

در ادامه این روند، ۳۵ نفر از فعالان اجتماعی ایران که برای کمک به زلزله‌زدگان به آذربایجان رفته بودند در آخرین ساعات چهارشنبه اول شهریور ماه ۱۳۹۱، در کمپ روستای سرند بازداشت شدند.

به گزارش "علی ناهید"، بسیاری از نیروهای سیاسی و اجتماعی در ایران بر این باورند که دستگیری این امدادگران و ایجاد فضای پلیسی در مناطق زلزله‌زده، برای زمینه‌چینی اخراج همه گروه‌های امدادی مردمی و آماده‌سازی روستاهای منطقه برای بازدید محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران بوده است.





برخوردها با فعالان مدنی و فعالیت‌های مرتبط با زلزله در شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک، توییتر و گوگل‌پلاس هم‌چنان ادامه دارد اما این شبکه‌ها احتمالا ظرفیت خود را برای بسیج مردم حفظ خواهند کرد. بسیجی که در اولین ساعات پس از زلزله، در پایگاه‌های انتقال خون ایران دیده شد و ممکن است هر زمان دیگری به فراخور وضع و ضرورت، باز هم دیده شود.

به گزارش رادیو زمانه و به نقل از تارنمای کلمه در سوم شهریور ماه همه زنان و سه نفر از مردان امدادگر دستگیر شده در اردوگاه روستای سرند به قید ضمانت از بازداشتگاه اداره اطلاعات تبریز آزاد شده اند. حسین رونقی ملکی وبلاگ نگار زندانی حقوق بشر (محکوم به ۱۵ سال زندان) که به خاطر بیماری در مرخصی بود و با این حال به کمک زلزله زدگان آمده بود، ازجمله افراد بازداشت شده است.

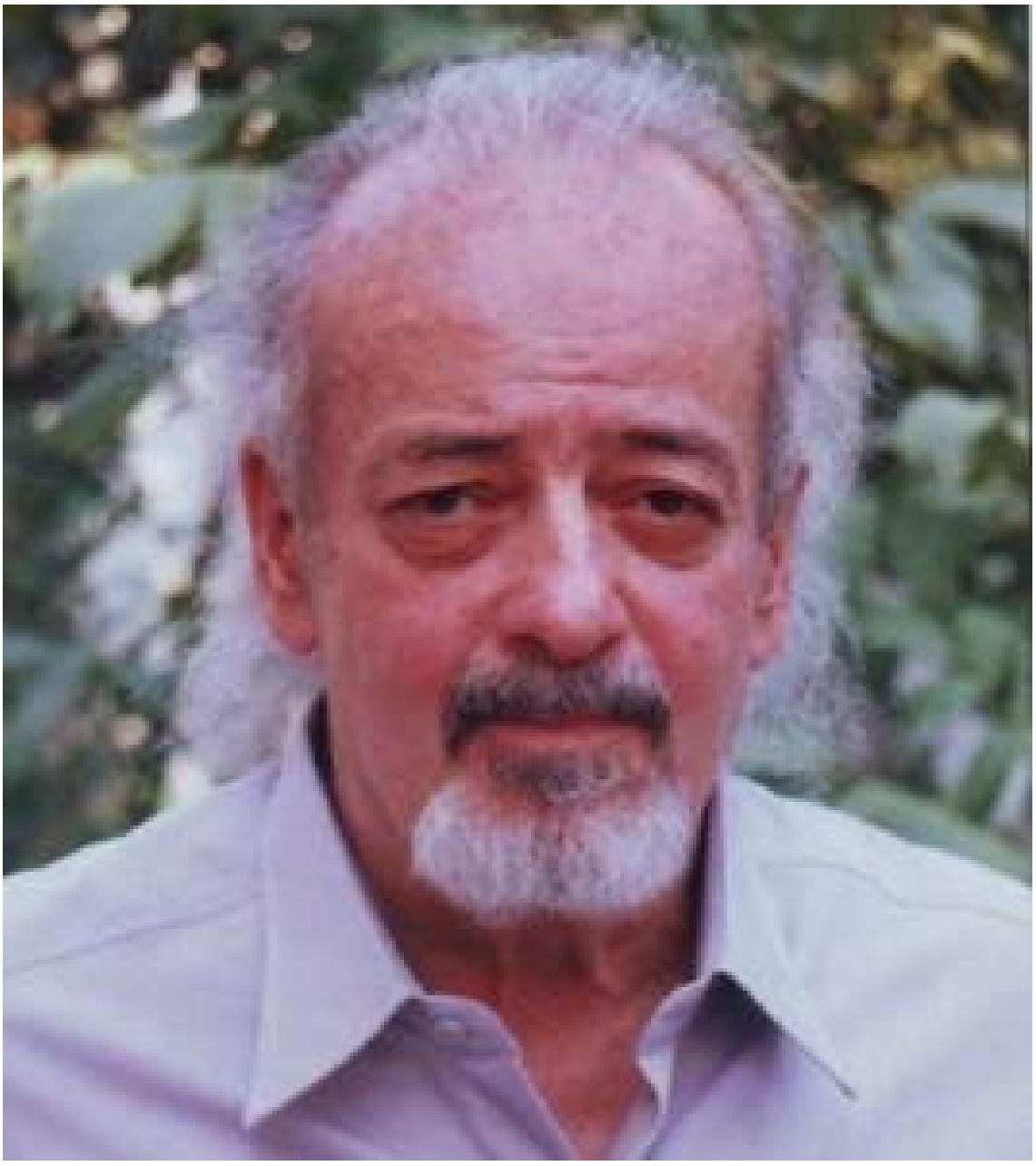
“ محبوبه عباسقلی‌زاده “، یکی از فعالان مدنی در حوزه زنان در این‌باره در صفحه فیس‌بوک خود می‌نویسد: “بچه‌هایی که توی فیس‌بوک در مورد زلزله فعال بودند، صفحه‌هاشان را بستند …. جامعه مدنی بی‌جان که داشت در راستای کمک‌های بشر دوستانه جانی می‌گرفت، دارد قلع و قمع می‌شود …. ولی تجربه زلزله آذربایجان نشان داد که رگه‌های فعال گروه‌های مردمی به محض یک زلزله از لای شکاف‌ها بیرون می‌زنند و هنوز زنده‌اند و زنده خواهند ماند.”

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-08-27 · Archive ID 1138
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1138

عرصه سوم – درحاشیه برگزاری اجلاس کشورهای غیرمتعهد درتهران باردیگر فعالان حقوق بشر و نهادهای مردمی با نوشتن نامه‌های متعدد به سران این کشورها و سازمان ملل به عدم رعایت موازین حقوق بشری درایران اعتراض کردند .



در گزارش پریسا کاکایی بخشی از مهمترین خبرهای جامعه مدنی درهفته اول شهریورماه را می خوانید .

اجلاس سران غیرمتعهدها

تهران این روزها تعطیل است . ششمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد درشرایطی در تهران برگزار می‌شود که سپاه پاسداران حفظ امنیت شهر و کنترل را برعهده دارد، و هزینه‌های هنگفتی توسط دولت برای آماده سازی شهر و فراهم کردن امکانات لازم صرف شده است . در این رابطه، رادیو زمانه در گزارشی به جمع آوری نظرات مردم پرداخته است . بر اساس این گزارش، بخشی از مصاحبه شوندگان که به طور تصادفی انتخاب شده‌اند، اجلاس سران را مترادف با تعطیلی شهر تعریف کرده و برخی درمورد ماهیت آن اطلاع درستی دارند . اما در عین حال گروهی دیگر که آگاهی بیشتری داشته اند برگزاری این اجلاس را اتلاف سرمایه و تلاش حکومت برای تحکیم جایگاه بی‌ثبات خود دانسته‌اند .

دکتر محمد ملکی از روشنفکران ملی ومذهبی که بارها درجمهوری اسلامی زندانی و شکنجه شده است، درنامه ای سرگشاده به روسای کشورهای غیر متعهد و تشریح مبارزات مردم ایران برای ایجاد دموکراسی خواهان توجه جدی آنان به وضعیت اسفناک حقوق بشر و زندانیان سیاسی درایران است .

بانکی مون و میرحسین موسوی

ادوار نیوز از ارسال نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل توسط بیش از چهارصد نفر از فعالان سیاسی و مدنی خبر داده است . در این نامه، از بانی کی مون خواسته شده که در سفر خود به ایران برای شرکت در اجلاس سران، از موسوی، کروبی و رهنورد، رهبران جنبش مردمی مخالف دولت دیدار کند . در بخشی از این نامه آمده است : « ما امضا کنندگان به نام انسانیت و آرمان‌های بلند منشور ملل متحد بار دیگر از شما می‌خواهیم پیگیری پیرامون نقض حقوق بشر و تقاضا برای پایان دادن به خشونت و تبعیض دولتی در ایران، اعطای مرخصی فوری به زندانیان سیاسی که از بیماری‌های حاد رنج می‌برند و آزادی تمامی زندانیان عقیدتی، سیاسی و بی‌گناه را سرلوحه مذاکرات خود با مقامات حکومت قرار دهید وبا اهتمامی جدی ملاقات با مهندس میر حسین موسوی، سرکار خانم زهرا رهنورد و حجت الاسلام مهدی کروبی در فضایی آزاد و به دور از ارعاب نیروهای امنیتی را خواستار شوید .»

هم چنین، در حالی که اخبار از بیماری قلبی میرحسین موسوی و انتقال وی به بیمارستان حکایت می‌کردند، تنها با گذشت یک روز، ماموران امنیتی وی را از بیمارستان مرخص کرده و به حصر خانگی بازگرداندند . در این بین، جمعی از فعالان سیاسی و دانشجویی، کمپینی را با نام دعوت ازبان کی مون برای دیدار با میرحسین موسوی در فیس بوک تشکیل داده‌اند که در آن خواستار ملاقات دبیرکل سازمان ملل با میرحسین موسوی شده‌اند . این کمپین با ۱۵۸۲ عضو، به راهنمایی اعضا برای نگارش و ارسال نامه خطاب به‌بان کی مون و سازمان ملل پرداخته و بر این باور است که سفر دبیرکل سازمان ملل به تهران برای شرکت در جلسه سران غیرمتعهدها بهترین فرصت برای چنین اقدامی است .

توقیف کمک‌های مردمی و بازداشت فعالان مدنی

غروب اولین روز شهریور ماه، سی و پنج نفر از فعالان سیاسی و مدنی و شهروندانی که به قصد مددرسانی در در کمپ روستای سرند گرد هم آمده بودند، مورد یورش نیروهای امنیتی قرار گرفته و پس از ضرب و شتم بازداشت شدند . این فعالان ابتدا به پلیس امنیت تبریز و سپس بعد از بازجویی به بند قرنطینه زندان تبریز منتقل شدند . بر اساس گزارش رادیو زمانه ، در شب بازداشت، یکی از فعالان اجتماعی دچار آسیب‌دیدگی استخوان لگن شده و قادر به نشستن و برخاستن نبوده است . هم چنین به بیماری که دارای مشکل کلیوی بوده اجازه دسترسی به داروهای لازم داده نشده است . بازداشت شدگان به طور کلی از دریافت هرگونه خدمات پزشکی محروم بوده اند . از این تعداد بیست و یک نفر دست به اعتصاب غذا زدند . پس از آن قوه قضائیه برای هر کدام از فعالان مدنی مبلغ پنجاه میلیون ریال وثیقه تعیین کرد . برخی از این زندانیان آزاد شده و برخی دیگر هنوز در حبس به سر می‌برند . به گزارش رادیو زمانه « وکیل بازداشت‌شدگان می‌گوید این وثیقه‌ها باید به صورت توقیف سند ملک، ارائه وجه نقد یا ضمانت بانکی تودیع شود تا زندانیان از زندان آزاد شوند . از آنجا که اکثر این امدادگران، ساکن شهرها و استان‌های دیگر هستند تهیه وثیقه با مشکلات زیادی روبه‌رو شده است .

در این رابطه سازمان اتحاد برای ایران ، طی بیانیه‌ای خواستار فوری آزادی افراد کمک رسان به زلزله زدگان شده است . در این بیانیه آمده ضمن بازگویی نحوه بازداشت فعالان، به عدم پذیرش کمک‌های بین المللی توسط دولت ایران اشاره شده و نام بازداشت شدگان ذکر گردیده است .

از سوی دیگر، شیرین عبادی و عبدالکریم لاهیجی با صدور بیانیه ای بر لزوم رسیدگی به وضعیت زلزله زدگان و همچنین بازداشت شدگان تاکید کرده اند . به نقل از ایران امروز در این بیانیه آمده است :

« زلزله زدگان به شدت به کمک‌های غذایی، دارویی، بهداشتی و خدمات پزشکی و روانپزشکی نیازدارند . کمبود پزشک و پرستار باعث افزایش خطر شیوع بیماری‌های عفونی از جمله وبا شده است . مردم مناطق زلزله زده از توزیع نامناسب مواد غذایی از سوی سپاه گله‌مند هستند . بنا به گزارش‌ها سپاه کمک‌های دریافتی را انبار می‌کند . حتا نمایندگان سازمان دولتی هلال احمر قادر به فعالیت چندانی نیستند زیرا سپاه مانع از دخالت آن‌ها

می‌شود . بنا به گزارش‌ها، درمواردی نیز مشاهده شده که ماموران دولتی در عرضه کمک بین خانواده‌های مختلف استثنا قایل می‌شوند .»

در پایان این نامه از دولت مردان درکشور خواسته شده است که « تمام امدادگران داوطلب و فعالان مدنی و اجتماعی بازداشت شده را فوری و بدون قید و شرط آزاد کنند و بپذیرند که مردم در این زمینه هم اعتمادی به آن‌ها ندارند و با کنار گذاشتن اهرم‌های فشار و سرکوب مثل سپاه پاسداران راه را برای امدادرسانی فعالان مدنی و اجتماعی و کمک‌های مردمی باز کنند .»

سالگرد اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷

به گزارش رادیو زمانه ، « مادران پارک لاله ایران » و « همبستگی جهانی حامیان با مادران پارک لاله ایران » ، بیانیه‌ای را به مناسبت سالگرد اعدام‌های تابستان ۶۷ صادر کرده و نوشته‌اند : « بیست و چهار سال از کشتار بی‌رحمانه زندانیان سیاسی در سال ۶۷ توسط مسئولان جمهوری اسلامی می‌گذرد؛ جنایتی که مصداق بارز جنایت علیه بشریت است و لایه‌های پنهان آن هر روز آشکار و آشکارتر می‌شود . در این سال‌های سیاه با وجود سرکوب شدید ارگان‌های مختلف امنیتی، مادران خاوران و خانواده‌های جانباختگان، زندانیان سیاسی جان به در برده، فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر و در سال‌های اخیر مادران پارک لاله در ایران و حامیان آن‌ها در خارج از کشور، به اشکال مختلف به صورت فردی و جمعی تلاش‌های مستمری انجام داده‌اند تا بتوانند مسیر دادخواهی را هموار کنند .» آن‌ها ضمن محکوم کردن کشتارهای دسته جمعی دهه شصت، « لغو مجازات اعدام » ، « آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی » ، « محاکمه و مجازات تمامی آمران و عاملان شریک در جنایت‌های جمهوری اسلامی » را خواستار شده‌اند .

زندانیان سیاسی

پس از آزادی برخی از زندانیان سیاسی به مناسبت عید فطر و عفو رهبری، در هفته ای که گذشت موج جدیدی از احضارها آغاز شد . بر همین اساس، شیوا نظرآهاری، ریحانه طباطبایی، ژیلا بنی یعقوب، نسیم سلطان بیگی و لوا خانجانی برای گذرندان دوران محکومیت به زندان احضار شدند . نسیم سلطان بیگی ، فعال دانشجویی سابق دانشگاه علامه طباطبایی ست که از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به شش سال حبس تعزیری محکوم شد. لوا خانجانی نیز صبح روز شنبه، چهارم شهریور ماه جهت سپری کردن دو سال حبس تعزیری خود را به زندان اوین معرفی کرد .

قطع کمک به ایران برای مبارزه با مواد مخدر

به گزارش مردمک ، سازمان غیردولتی دیده‌بان حقوق بشر، واقع در نیویورک، به همراه سازمان کاهش صدمه بین‌المللی با صدور بیانیه‌ای خواستار توقف کمک به ایران برای مبارزه با مواد مخدر شد . این سازمان اعلام داشته است که کمک‌های مالی مزبور ادامه نقض سیستماتیک حقوق بشر متهمین پرونده‌های مواد مخدر را در پی خواهد داشت . بنا بر این گزارش :" به گفته دیده‌بان حقوق بشر، برنامه مبارزه با مواد مخدر ایران که توسط کمک‌های مالی خارجی حمایت می‌شود، عملا باعث استمرار و تقویت سیستم ناعادلانه برخورد با متهمین می‌شود . این کمک‌های مالی ادامه روند دادگاه‌های ناعادلانه و اجرای حکم اعدام متهمین را ممکن می‌سازند . قوانین مبارزه با مواد مخدر در ایران متضمن حکم اعدام به جرم داشتن مواد مخدر حتی به مقدار اندک، برگزاری دادگاه‌های غیر علنی و عدم تشکیل دادگاه تجدید نظر برای متهمین هستند ."

ازدواج کودکان

فرشید یزدانی در گفت و گو با خبرنگار مهر از افزایش آمار ازدواج و طلاق در میان کودکان ۱۰ تا ۱۸ سال طی چند سال اخیر در کشور خبر داد . بر اساس آمار ثبت احوال در سال ۸۹، ۴۲ هزار ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال به ثبت رسیده است . به نقل از مهر :« تعداد ازدواجهای کودکان به دلیل رسم و رسومات سنتی در مناطق روستایی بیشتر از نقاط شهری است . اما براساس آمارها با توجه به مهاجرت روستاییان به شهرها اکنون آمار ازدواج کودکان در نقاط شهری ۵۵ درصد و در روستاها ۴۵ درصد است .» این فعال حقوق کودک در ادامه می

گوید :" در سال ۸۹ تعداد ازدواجهای کودکان زیر ۱۰ سال ۷۱۶ مورد بوده که نسبت به سه سال قبل آن حدود دو برابر آمار این ازدواج‌ها در کشور افزایش یافته است ."

—

مهاجرت میلیونی ازایران همچنان ادامه دارد

2012-08-28 · Archive ID 1142
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1142

عرصه سوم- یکی از نتایج اسفبار سرکوب جنبش مدنی مردم درایران پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری درسال 1388 آغاز موج جدید مهاجرت و اجبار به ترک کشور بود. اما تا کنون درمورد چگونگی و گستردگی آن اطلاعات کاملا دقیقی ارائه نشده بود. ارائه آمار جدید سازمان ثبت احوال درباره آخرین موج مهاجرت درسال گذشته درواقع تأیید رسمی مقامات دولتی بر وجود و تشدید بحران عمیق سیاسی و اجتماعی درایران است. بحرانی که باردیگر هزاران شهروند ایرانی کارآمد، متخصص و هنرمند را مجبور به جلای وطن کرده است. محسن کرمی معاون امور استاد هویتی سازمان ثبت احوال با ارائه آمار مربوط به مهاجرت اعلام می‌کند که تنها درسال 1390 نزدیک به دومیلیون ایرانی از کشور مهاجرت کرده اند.

اکثریت این مهاجرین به گفته دست اندرکاران افرادی از طبقه متوسط و کسانی هستند که به دلایل مختلف دیگر قادر و حاضر به زندگی درایران نیستند. شهروندانی که با داشتن پشتوانه علمی، هنری و اقتصادی سرخورده از نداشتن یک زندگی انسانی و برای ساختن آینده خود و فرزندانشان کشور را ترک می کنند. «فرار مغزها» عبارتی است که اغلب دربحث مسائل مهاجرت شنیده و خوانده می شود. فرار مغزها از پیامدهای اصلی نابسامانی سیاسی و اجتماعی در سه دهه گذشته است. اکنون هزاران ایرانی تحصیل کرده و متخصص در دنیای غرب زندگی می کنند و روند گریز از مملکت همچنان ادامه دارد.

به گفته صاحب نظران این تنها جوانان، تجار و یا هنرمندان نیستند که برای تحصیل و یا پیشرفت فردی و اقتصادی کشور را ترک می کنند. بلکه بخش بزرگی از مهاجرین ایرانی برای فرار از تبعیضات سیاسی، قومی، دینی و جنسیتی ناچار به ترک سرزمین مادری خود هستند. بیکاری، نداشتن آزادی‌های فردی و اجتماعی، سرکوب گروه‌های دگر اندیش، ناامیدی و نداشتن آینده‌ای روشن از مهمترین دلایل سرخوردگی جوانان در ترک کشور است.

محسن کرمی، معاون امور اسناد هویتی سازمان ثبت احوال با ارائه آمارجدید درمورد مهاجرت گفته است که : «دردو سال گذشته، آمریکا مقصد نخست مهاجران ایرانی و پس از آن امارات متحده عربی و بریتانیا، مقصد دوم و سوم بیشترین مهاجران ایرانی بوده است.

در گزارش رادیو فردا دراین باره می‌خوانیم که:

" به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، آقای کرمی روز شنبه گفت: « بیشترین مهاجرت ایرانی ها به کشور ایالات متحده آمریکا با فراوانی یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در سال ۹۰ صورت گرفته و پس از آن کشور کشورهای امارات متحده عربی با ۸۰۰ هزار مهاجر در رتبه دوم قرار دارد.»
وی افزود: «دو کشور بریتانیا و کانادا با ۴۱۰ هزار مهاجر در رتبه سوم قراردارد و کشورهای آلمان، فرانسه، سوئد، استرالیا، ترکیه، هلند، مالزی، هند و بلژیک در رتبه‌های بعدی مهاجرت ایرانیان، قرار دارد.»

وی افزود: «دو کشور بریتانیا و کانادا با ۴۱۰ هزار مهاجر در رتبه سوم قراردارد و کشورهای آلمان، فرانسه، سوئد، استرالیا، ترکیه، هلند، مالزی، هند و بلژیک در رتبه‌های بعدی مهاجرت ایرانیان، قرار دارد.»

نادر وهابی، استاد جامعه شناسی در دانشگاه پاریس و دانشگاه لی یژ در بلژیک و کارشناس «مهاجرت در تاریخ معاصر ایران» پیشتر در گفت وگو با رادیو فردا ، به موج های متفاوت مهاجرت از ایران اشاره کرده و آخرین موج گسترده را، «مهاجرت برای کسب دانش» خوانده بود.

آقای وهابی گفته بود: «در طول ۳۰ سال گذشته چند موج مهاجرت از ایران داشته ایم که به طور مختصر می توان گفت موج اول سیاسی بود، موج دوم اجتماعی، فرهنگی بود، موج سوم اقتصادی و موج چهارم به اقلیت های قومی مثل هموطنان کرد، بلوچ ، آذری مربوط است. موج پنجم اقلیت های مذهبی است مثل بهایی، کلیمی، اهل تسنن و اهل حق و موج ششم مهاجرت برای کسب دانش است که روز به روز آمار و ارقام این موج بیشتر می شود.»

به گفته این استاد جامعه شناسی: «موج مهاجرت تجارت مربوط به کسانی است که در ایران نمی توانند آزادانه تجارت کنند و دست به مهاجرت می زنند، موج بعدی مربوط به مهاجرت هنرمندان است که اساسا حجم خیلی بالایی را تشکیل می دهد و موج بعدی هم مهاجرت مقامات حاکمیت است، لایه هایی که در دهه ۶۰ و ۷۰ در حاکمیت مدیر بودند و در دهه ۹۰ حاکمیت آنها را تحمل نکرد و دست به مهاجرت زدند و بالاخره موج مهاجرین حوادث و اتفاقات طبیعی و محیط زیستی مثل موج مهاجرت به دنبال زلزله بم که در ایران رخ داد.»

در سه سال گذشته و به دنبال سرکوب های پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، موج پناهندگی زیادی هم از ایران شکل گرفته و افراد برای فرار از تعقیب قضایی و شکنجه، از ایران خارج شده اند.

دفتر پناهندگان سازمان ملل از درخواست پناهندگی بیش از 7600 هزار ایرانی درشش ماه اول سال پیش خبر می دهد. درنیمه اول سال پیش، تعداد کسانی که از کشورهای صعنتی جهان درخواست پناهندگی کرده‌اند، نسبت به سال پیش ازآن 17 درصد افزایش داشته است. این گزارش گفته بود که از 7600 پناهجوی ایرانی بیش از 3000 نفر از کشورهای اروپایی درحواست پناهندگی کرده اند. "

—

فعالان مدنی و کنفرانس سران جنبش عدم تعهد درتهران

2012-08-30 · Archive ID 1152
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1152

عرصه سوم - تشدید فضای امنیتی ، تعطیلی چند روزه شهر تهران و ارسال نامه‌های متعدد کنشگران حقوق بشر و فعالان مدنی به بانکی مون دبیرکل سازمان ملل و سران کشورهای جنبش عدم تعهد از مسائل مهم درحاشیه این کنفرانس درایران است . بانکی مون در دیدار خود با مقامات ایرانی از وضعیت حقوق بشر درایران انتقاد کرد . دراین ملاقات ها او تأکید کرده است که حقوق شهروندی، بنیادین و سیاسی مردم ایران باید مورد احترام حکومت باشد .

آخرین خبرها دراین زمینه را در گزارش رضا حاجی حسینی می خوانید .

اجلاس غیر متعهدها از پنجم شهریور ماه امسال (1391) آغاز شده و تا دهم شهریور ماه ادامه خواهد داشت . گفته می‌شود ۱۳۸ کشور عضو اصلی و ناظر این جنبش، برای شرکت در این نشست دعوت شده اند . اما مقامات ایران پیش از برگزاری، نام کشورهایی را که در سطح سران در اجلاس تهران حاضر می‌شوند، اعلام نکردند . شانزدهمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد (نم) ، در شرایطی در تهران برگزار می‌شود که سپاه پاسداران ایران حفظ امنیت شهر را بر عهده گرفته است و هزینه‌های هنگفتی توسط دولت برای آماده‌سازی شهر و فراهم کردن امکانات لازم صرف شده است .

محمدرضا فرقانی، سخنگوی ستاد برگزاری اجلاس، در گفت‌وگوها و نشست‌های مختلف خبری در این‌باره گفته بود که " برخی کشورها برای عدم حضور سران غیر متعهدها در تهران، بر آنها فشار می‌آورند " و به همین دلیل نام کشورهایی که در سطح سران در این اجلاس شرکت می‌کنند، اعلام نشد . این موضوع باعث شده تا ناظران، اخبار ورود سران کشورهای مختلف را لحظه به لحظه پیگیری کنند . اما می‌توان گفت که مهم‌ترین مهمان نشست شانزدهم غیر متعهدها، " بان کی‌مون " ، دبیر کل سازمان ملل متحد است . او روز چهارشنبه هشتم شهریور ماه، وارد تهران شد و با مقامات ایران دیدار کرد .

" فرحان حق " ، یکی از سخنگویان سازمان ملل گفته که بان کی‌مون برای ابراز نگرانی و طرح انتظارات جامعه جهانی در رابطه با مواردی که نیازمند اقدام و همکاری فوری برای ثبات منطقه و رفاه مردم ایران است، تصمیم گرفت به تهران برود .

حضور آقای کی‌مون در تهران برای فعالان سیاسی و مدنی اهمیت بسیاری دارد چرا که از زمان اعلام امکان سفر او به ایران، از او خواسته شد تا در سفرش برخی مشکلات جامعه مدنی را با سران حکومت جمهوری اسلامی مطرح کند .

نامه‌نگاری با آقای دبیر کل

در یکی از درخواست‌های مطرح شده با دبیر کل سازمان ملل متحد، بیش از ۴۰۰ نفر از فعالان سیاسی و مدنی، با نوشتن نامه‌ای، از او خواستند تا وضعیت زندانیان سیاسی در ایران را پیگیری کند . در این نامه از بان کی‌مون خواسته شده تا با " میرحسین موسوی " و " مهدی کروبی " ، دو تن از نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران که اکنون در حبس خانگی به سر می‌برند، دیدار کند .

بر اساس اخبار جامعه مدنی، در بخشی از این نامه آمده است : " ما امضا کنندگان، به نام انسانیت و آرمان‌های بلند منشور ملل متحد بار دیگر از شما می‌خواهیم پیگیری پیرامون نقض حقوق بشر و تقاضا برای پایان دادن به خشونت و تبعیض دولتی در ایران، اعطای مرخصی فوری به زندانیان سیاسی که از بیماری‌های حاد رنج می‌برند و آزادی تمامی زندانیان عقیدتی، سیاسی و بی‌گناه را سرلوحه مذاکرات خود با مقامات حکومت قرار دهید و با اهتمامی جدی ملاقات با مهندس میر حسین موسوی، سرکار خانم زهرا رهنورد و حجت‌الاسلام مهدی کروبی، در فضایی آزاد و به دور از ارعاب نیروهای امنیتی را خواستار شوید ."

" حسن نایب‌هاشم " ، فعال حقوق بشر و یکی از امضا کنندگان این نامه در گفت‌وگویی با " سراج‌الدین میردامادی " که در تارنمای " رادیو زمانه " منتشر شده است، درباره هدف تنظیم‌کنندگان این نامه می‌گوید : " آقای بان کی‌مون در گزارشی که برای سفر خود داده‌اند، تاکید کرده‌اند که به شدت نگران اظهارات مقامات جمهوری اسلامی هستند و به طور مشخص مطرح کرده‌اند که مایلند در مورد چهار مسئله با این مقامات گفت‌وگو کنند که یکی از آن مسایل، در کنار پرونده هسته‌ای، تروریسم و مسایل مربوط به سوریه و مساله حقوق بشر است . مدافعان حقوق بشر امیدوار هستند شرایطی فراهم بیاید که آقای بان کی‌مون بتوانند از این موقعیت استفاده کنند و مسایل جامعه بین‌المللی را همان‌طور که خودشان گفته‌اند، با مقامات جمهوری اسلامی در میان بگذارند . بر این اساس، دیدار با کسانی که سه سال پیش کاندیدای ریاست جمهوری بودند، می‌تواند بسیار مؤثر باشد ."



نامه های اعتراضی ملی ومذهبی ها

در اعتراض به محدودیت‌های گسترده مدنی در ایران و هم‌زمان با برگزاری نشست سران کشورهای غیر متعهد در تهران، کنشگران ملی - مذهبی خارج از کشور هم نامه‌ای خطاب به سران این کشورها نوشته‌اند که به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است . به گزارش تارنمای " ملی - مذهبی " ، به نقل از یکی از اعضای هیئت اجرایی این تشکل سیاسی، متن انگلیسی این نامه برای بعضی از سران کشورهای جنبش عدم تعهد نیز ارسال شده است .

در قسمتی از این نامه آمده است : " از شما سران کشورهای غیر متعهد انتظار می‌رود در مدت حضورتان در تهران از حکومت‌گران ایران بخواهید به شما اجازه دیدار با سران جنبش سبز، آقایان موسوی و کروبی و سایر آزادگان اسیر را بدهند تا واقعیت‌ها را بهتر بشناسید . شما که به‌خاطرتلاش برای استقلال ملت‌ها شناخته شده‌اید، شایسته نیست با سکوت‌تان توجیه‌گر و تایید کننده حکومتی باشید که به بهانه واهی مبارزه با بیگانگان و پاسداری از استقلال کشور به سرکوب ملت خود می‌پردازد ."

از سوی دیگر " محمد ملکی " ، از فعالان ملی - مذهبی، درنامه‌ای سر گشاده به روسای کشورهای غیر متعهد، با تشریح مبارزات مردم ایران برای رسیدن به دموکراسی، خواهان توجه جدی آنان به وضعیت حقوق بشر و زندانیان سیاسی در ایران شد .

آقای ملکی در بخشی از نامه خود که به زبان‌های فارسی و انگلیسی نوشته شده، گفته است : " عالیجنابان؛ حال که در وطن من هستید، به نام یک ایرانی که از اعمال ضد انسانی این حکومت زجرها برده و دردها کشیده و شاهد رنج‌های مردمش بوده، از شما استدعا دارم که به زندان‌های سیاسی ایران، که حکومت آن‌ها را زندان‌های امنیتی نام نهاده، سر بزنید و با وکلای دادگستری، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و مدنی که در این زندان‌ها در بدترین شرایط هستند ملاقات کنید تا بر شما معلوم گردد رفتار حکومتی که از شما دعوت به حضور در ایران نموده با دگراندیشان و منتقدانش چگونه است ."

طرح درخواست از شهروندان ایرانی در شبکه‌های اجتماعی به منظور امضای نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد برای عیادت از میرحسین موسوی که دچار عارضه قلبی شده است و همین‌طور فراخوان سر دادن شعار " الله اکبر " بر پشت‌بام‌ها در ساعت 10 شب روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه، هشتم و نهم شهریور ماه 1391 که هم‌زمان با حضور سران کشورهای غیر متعهد در تهران است، از دیگر برنامه‌هایی است که فعالان جامعه مدنی برای اجرا در فرصت پیش آمده از نشست غیر متعهدها در تهران پیشنهاد داده‌اند .

با توجه به این تلاش‌ها و نامه‌نگاری‌های انجام شده، باید دید که آیا درخواست فعالان مدنی و شهروندان ایران از دبیر کل سازمان ملل و سران کشورهای غیر متعهد، می‌تواند تاثیری بر وضعیت و شرایط موجود داشته باشد یا حاکمیت هم‌چنان فضا را برای نوع فعالیت اجتماعی، سیاسی و مدنی محدود نگاه خواهد داشت .

دور زدن تحریم‌ها

به نظر می‌رسد که حکومت ایران قصد دارد از فرصت به وجود آمده برای برگزاری اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در تهران، به‌عنوان بزنگاهی برای دور زدن تحریم‌های آمریکا و غرب علیه این کشور استفاده کند . تحریم‌هایی که برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران وضع شده‌اند . در همین رابطه، پیش از برگزاری اجلاس و هم‌زمان با آن، تبلیغات گسترده‌ای هم انجام شده است . به‌عنوان مثال روزنامه " جوان " ، در شماره اول شهریور ماه 1391 خود به نقل از " عوض حیدرپور " ، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران، اعلام کرده بود که " ایران از اجلاس تهران برای دور زدن تحریم‌ها استفاده خواهد کرد و به همین منظور ۶۰ میلیارد دلار معاهده‌نامه اقتصادی برای امضا آماده شده است ."

آقای حیدرپور نشست سران جنبش عدم تعهد را فرصت بزرگی برای بی‌اثر کردن و شکستن تحریم‌ها دانسته بود . این در حالی است که هزینه برگزاری این نشست که با حضور هفت هزار مهمان خارجی در حال برگزاری‌ست ٬ چند صد میلیارد تومان ارزیابی شده است؛ گرچه برگزار کنندگان آن تاکنون از اعلام هزینه‌ها خودداری کرده‌اند .

روزنامه جوان که مواضعی نزدیک به سپاه پاسداران دارد اعلام کرده بود که این توافق‌نامه‌ها قرار است در طول مدت برگزاری اجلاس میان کشورهای شرکت کننده با جمهوری اسلامی امضا شود .

نکته قابل توجه در این مسئله اما، عدم همراهی فعالان مدنی با چنین تلاشی برای دور زدن تحریم‌هاست . در شرایطی که افزایش فشار بر ایران، گرانی و مشکلات اقتصادی را برای مردم به ارمغان آورده و در حالی‌که بسیاری از فعالان مدنی و اجتماعی مخالفت خود را با تحریم‌ها اعلام کرده و به آن اعتراض کرده‌اند، ولی حمایتی از هزینه‌های چند ده میلیاردی نشست غیر متعهدها برای دور زدن تحریم‌ها نداشته‌اند .

از سوی دیگر " صفرعلی براتلو " ، معاون سیاسی - امنیتی استانداری تهران، در گفت‌وگو با یک برنامه رادیویی در " رادیو گفت‌وگو " ی ایران در مورد تاثیر احتمالی تعطیلی تهران بر اقتصاد کشور گفته بود : " تعطیلی تهران تدبیری عاقلانه است اما در خصوص این‌که در بحث اقتصادی لطمه‌ای وارد می‌کند یا خیر، مطالعه‌ای نداشته‌ایم ."

رسانه‌های ایرانی، از آزادی تا سانسور

پیش از آغاز شانزدهمین نشست سران کشورهای جنبش عدم تعهد در تهران، خبری در فضاهای مجازی فعالان مدنی در ایران منتشر شد مبنی بر این‌که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای چگونگی انعکاس اخبار اجلاس سران، دستورالعملی برای رسانه‌ها صادر کرده است . در تصویر این دستورالعمل، توصیه‌هایی در مورد نحوه

تنظیم خبرهای اجلاس و بایدها و نبایدهایی برای پرداختن به برخی مسایل و نپرداختن به برخی دیگر، دیده می‌شود .

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران اما این خبر و انتشار چنین دستورالعملی را تکذیب می‌کند . " سید حسین نقوی حسینی " ، در گفت‌وگویی با " مسیح علی‌نژاد " که در تارنمای " تهران‌ریویو " منتشر شده، در این‌باره گفته است : " من چنین چیزی را نشنیدم و این ادعا را تکذیب می‌کنم . فکر نمی‌کنم حقیقت داشته باشد، به‌خاطر این‌که در کشور ما آزادی وجود دارد . همه خبرنگارها و دوربین‌ها در اجلاس حضور دارند و به صورت زنده دارند این نشست را گزارش می‌دهند . چه ضرورتی دارد که به خبرنگاران بگویند چه چیزی بنویسند و چه چیزی را ننویسند . من شدیدا این ادعا را تکذیب می‌کنم ."

از سوی دیگر اما نکته جالب توجه در محل برگزاری شانزدهمین اجلاس از منظر فعالیت‌های مدنی، سرعت بالای اینترنت و رفع فیلترینگ از شبکه‌های اجتماعی در زمان برگزاری اجلاس است .

یک فعال رسانه‌ای که اجلاس سران غیر متعهدها را پوشش می‌دهد، در وبلاگ خود در این‌باره نوشته : " در این سالن برای هر صندلی یک لپ‌تاب نو و مدرن در نظر گرفته شده است که لذت ارسال خبر و گزارش را دو چندان می‌کند و هم چنین به اینترنت فرا پر سرعتی متصل است که امکان استفاده از اینترنت را به خوبی فراهم می‌کند . واقعا سرعتی که این‌جا تجربه کردم، در بهترین سالن‌های دارای اینترنت وایرلس هم تجربه نکردم .... نکته دیگر در خصوص اینترنت سالن، عدم اعمال فیلترینگ است . خب این مساله دسترسی سریع‌تر به سایت‌های خبری و همچنین فیس‌بوک را برای خبرنگاران مهیا کرد که جای تشکر ویژه از مسئولان دارد . البته این انتقاد هم وارد است که مردم ما شان‌شان بیش‌تر از این‌هاست که تنها در زمان برگزاری اجلاس از این امکانات استفاده کنند . آن هم تنها خبرنگاران !"

این مسئله نشان‌گر تلاش حکومت ایران برای ارائه تصویری متفاوت از واقعیت موجود است . تصویری غیر واقعی که در آن شهر را آراسته‌اند، خیابان‌ها خلوت و تمیزند و پرچم کشورهای شرکت کننده در اجلاس تهران را دور تا دور میدان آزادی برافراشته‌اند . در این شرایط تلاش فعالان مدنی می‌تواند این باشد که تصویری واقعی از شرایط موجود نشان دهند . تصویری که در آن مشکلات و نارسایی‌ها هم به چشم بیایند .

کوشش های فعالان حقوق بشر برای جلب توجه شرکت کنندگان در کنفرانس به نقض حقوق شهروندی درایران مؤثر واقع شد . رسانه‌های خبری در روز پنج شنبه نهم شهریور به نقل از مارتین نسیرکی سخنگوی بانکی مون نوشته‌اند که دبیرکل سازمان ملل دردیدار خود با آیت الله خامنه ای از نقض حقوق بشر درایران انتقاد و ابراز نگرانی کرده و خواهان رعایت حقوق شهروندی و سیاسی مردم ایران از طرف دولت شده است .

—

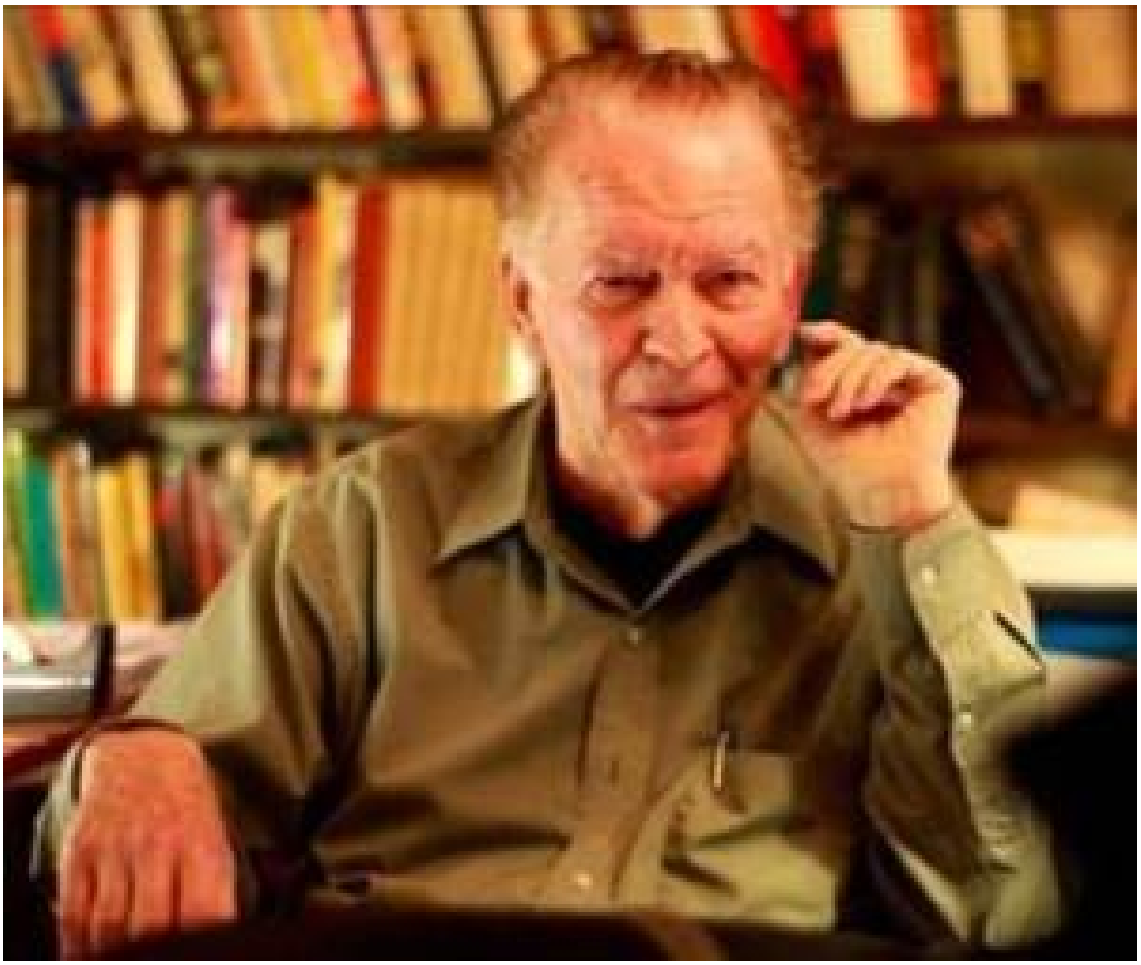
شیوه های مبارزات شهروندی

2012-08-30 · Archive ID 1157
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1157

عرصه سوم - مهمترین هدف مبارزات مسالمت آمیز شهروندی اعمال فشار بر سیاست مداران و کارگزاران حکومت ها درتصویب و اجرای قوانینی است که سطح زندگی مادی و معنوی شهروندان را بدون درنظر گرفتن تفاوت‌های فردی و اجتماعی آنان بهتر کند . به این معنی تمام اقشار مردم از هر تیپ و دسته ، قومیت ، دین و جنسیت دربرابر قانون از حقوق برابر برخوردارند . اعمال فشار بر دستگاه دولتی و سیاسی به اشکال گوناگونی بروز می‌کند . و اغلب درجه اهمیت موضوع مورد مناقشه، نوع برخورد و روشهایی را که افراد برای اصلاح قانون یا تدوین سیاستی جدید در ذهن دارند را تعیین می کند . بدیهی است که تمام مسائل در جامعه از اولویت یکسان برخوردار نیستند و یک شبه و تنها با مصوبات قانونی حل نمی شوند . از سوی دیگر برای پیشرفت اصلاحات اجتماعی فرهنگ سازی و نهادینه کردن ارزش‌های جدید فکری هم ضروری اند . فرهنگ سازی نیز یک شبه انجام نمی گیرد . برای پیشبرد امور اجتماعی و دموکراتیک کردن هرچه بیشتر قوانین باید بتوان اعتراض های مردمی را هدایت و تقویت کرد . و هم آگاهانه از رواج روشهای خشونت آمیز و تخریب اموال عمومی خودداری کرد .

برای مثال دراغلب جنبش های شهری چالش با قدرت رسمی با مقابله منفی، خودداری از همکاری و اطاعت از سیاست‌های رسمی و عرف جامعه به موازات فعالیت‌های هدف مند اعتراضی به پیش می روند . بنابراین ترکیبی از روش‌های گوناگون همواره مورد نیاز است . تجربه عملی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که می‌توان درمبارزه مسالمت آمیز راهکارهای متفاوتی را برگزید و هم بایکدیگر ترکیب کرد .

اهرم‌های فشار گزینه ای در برابر روش‌های خشونت آمیز



جین شارپ محقق سرشناس درزمینه مبارزات مدنی با بررسی و مطالعه عمیق جنبشهای اجتماعی دهه های اخیر،در مورد چگونگی ابداع و پیشبرد راهکارهای موسوم به اهرم‌های فشار برپایه تجربه عملی درکشورهای مختلف آنها را دسته بندی می کند .

شارپ از گسترش اعتراض، پرهیز از همکاری و نافرمانی مدنی، دخالت درامور جاری بدون به کارگیری خشونت، نام می برد . این روش‌ها در بیشتر مبارزات مدنی مرسوم و با تاثیر از پشتوانه فرهنگی و سنت‌های مردم شکل می گیرند . برای مثال :

- مبارزات و اعتراض برای نشان دادن مخالفت فرد یا جمع با استفاد از نمادها و سمبل ها . راه پیمایی ها، نقاشی روی دیوار، چسباندن پوسترها و پخش اعلامیه، تحصصن و غیره از جمله روشهایی هستند که درسراسر دنیا به کار گرفته می شوند . یکی از شیوه های مشهور درایران الله اکبر گویی درمخالفت با وضعیت حاکم بر پشت‌بام هاست، نماد اعتراضی مورد پسند مردم که هم در دوران انقلاب علیه رژیم سلطنتی و هم پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری درایران درسال 1388 ازآن استقبال شد و در نشان دادن همبستگی و اتحاد اقشار گوناگون تاکنون بسیار هم مؤثر واقع شده است .
- – خودداری از همکاری با حاکمیت سیاسی . اغلب شاهدیم که مردم ناراضی با عدم شرکت خود در مراسم رسمی، جشنهای حکومتی، و یا انتخابات از همراهی با دولت مردان حاکم خوداری می کنند . شهروندان

ناراضی به این ترتیب علیه تبلیغات دولتی و یا جنجال های رسانه‌های حکومتی به میدان می آیند . در رژیم های سرکوبگر تبلیغات و رسانه‌های دولتی برای تحکیم قدرت، ادعای حقانیت و مشروعیت به طور وسیعی به کار گرفته می شود، بنابراین مبارزه منفی مردم در افشای سیاست‌های دروغین بسیار موثر است . در زمان ما برای نشان دادن عدم استقبال مردم از انتخابات و تحریم آن، نقش رسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و غیره بسیار تعیین کننده است . این رسانه‌ها در جنبشهای اعتراضی موسوم به بهار عربی و یا در جنبش مردمی سبز پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری درایران اعتراضات به حق را به خوبی منعکس و تبلیغات دولتی را خنثی کردند .

– شکل دیگر عدم همکاری دست کشیدن از کار و اعتصاب کردن است . مبارزات کارگری اغلب با اعتصاب همراه است . در جنبشهای مدنی صلح آمیز اعتصاب های طولانی می توانند فلج شدن مراکز اقتصادی، فراگیر شدن اعتراض عمومی و سرانجام سرنگونی قدرت مندان حاکم را درپی داشته باشند . مبارزات کارگران لهستانی در دهه هشتاد قرن بیستم برای آزادی اتحادیه های صنفی درنهایت به جنبش عظیم سیاسی و فروپاشی حاکمیت کمونیست‌ها دراین کشور و به تبع آن در بخش‌های دیگر اروپای شرقی در دهه نود منجرشد .

– خودداری از همکاری با حاکمیت سیاسی . اغلب شاهدیم که مردم ناراضی با عدم شرکت خود در مراسم رسمی، جشنهای حکومتی، و یا انتخابات از همراهی با دولت مردان حاکم خوداری می کنند . شهروندان ناراضی به این ترتیب علیه تبلیغات دولتی و یا جنجال های رسانه‌های حکومتی به میدان می آیند . در رژیم های سرکوبگر تبلیغات و رسانه‌های دولتی برای تحکیم قدرت، ادعای حقانیت و مشروعیت به طور وسیعی به کار گرفته می شود، بنابراین مبارزه منفی مردم در افشای سیاست‌های دروغین بسیار موثر است . در زمان ما برای نشان دادن عدم استقبال مردم از انتخابات و تحریم آن، نقش رسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و غیره بسیار تعیین کننده است . این رسانه‌ها در جنبشهای اعتراضی موسوم به بهار عربی و یا در جنبش مردمی سبز پس از آخرین انتخابات ریاست جمهوری درایران اعتراضات به حق را به خوبی منعکس و تبلیغات دولتی را خنثی کردند .

– شکل دیگر عدم همکاری دست کشیدن از کار و اعتصاب کردن است . مبارزات کارگری اغلب با اعتصاب همراه است . در جنبشهای مدنی صلح آمیز اعتصاب های طولانی می توانند فلج شدن مراکز اقتصادی، فراگیر شدن اعتراض عمومی و سرانجام سرنگونی قدرت مندان حاکم را درپی داشته باشند . مبارزات کارگران لهستانی در دهه هشتاد قرن بیستم برای آزادی اتحادیه های صنفی درنهایت به جنبش عظیم سیاسی و فروپاشی حاکمیت کمونیست‌ها دراین کشور و به تبع آن در بخش‌های دیگر اروپای شرقی در دهه نود منجرشد .

- برخورد آگاهانه در انتقاد از مسئولان و رهبران یا به معنای دیگر دخالت فعالانه در اوضاع جاری روش مؤثر دیگری در مبارزات شهروندی است . برخورد انتقادی نباید تنها از سوی روشنفکران و روزنامه نگاران انجام شود . اعتراضات مکتوب شهروندان، انتقاد آن‌ها از قوانین و یا عملکرد دستگاه‌های اجرایی درسطح وسیع می‌تواند در گسترش مبارزات شهروندی بسیار مؤثر باشد . برای نمونه نوشتن نامه‌های اعتراضی و جمع آوری امضا علیه زندانی بودن فعالان اجتماعی و مدافعان حقوق بشر که یکی از روش‌های متداول است . یا نوشتن نامه سرگشاده به رهبران جامعه از طرف افراد سرشناس که در برانگیختن مردم، ایجاد احساس مسئولیت و کاهش ترس از اعتراض کردن و هم در افشای فساد و بی‌عدالتی بسیار مؤثر است . این روش‌ها در سالهای اخیر بارها و بارها از سوی مدافعان دموکراسی درایران به کار گرفته شده اند . نقش افراد مشهور و موردعلاقه مردم یعنی هنرمندان و یا نویسندگان در پشتیبانی از کارزارهای اجتماعی درجلب آنان به مبارزات شهروندی مؤثر است .
- مثال‌های دیگر درمورد روش دخالت فعالانه، اعتصاب غذا ، تجمع در مراکز اداری، سازمان دهی اعتراضات جمعی و غیره هستند که بسته به شرایط و زمان اشکال متفاوتی پیدا می کنند . برای مثال در سالهای اخیر به راه انداختن کارزارها یا کمپین های مختلف برای تغییر قوانین، اعتراض به زندانی بودن کنشگران سیاسی و اجتماعی درایران به روشی متداول بدل شده است .
- بعضی ازاین کارزارها مانند : « کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز » توانست نابرابری حقوقی و فرهنگی علیه زنان ایرانی را درسطح ملی و بین‌المللی مطرح و شبکه‌های متعدد داوطلبان را آموزش داده و برای جمع آوری امضا به خیابان بفرستد . افزون برآن کمپین های اینترنتی در رسانه‌های

اجتماعی هم درمیان نسل جدید طرفداران زیادی دارد . ازآخرین کمپین های مطرح دراین زمینه می‌توان از کمپین ضد حجاب اجباری نام برد که در مدت کوتاهی مورد استقبال شهروندان ایرانی قرار گرفت .

خلاقیت، ابتکارعمل و پشتکار در شیوه‌های مبارزات شهروندی به همراه صبوری و اعتقاد به مؤثر بودن اعتراضات حتی در شرایط سخت و غیر قابل تحمل ازجمله نکات مهم دیگر دراین بحث هستند . پیشبرد مبارزات شهروندی در شرایط سخت همواره در ابتدا امری غیر ممکن و دشوار به نظر می آید . اما تجربه عملی در دنیای ما نشان می‌دهد که این مبارزات در دراز مدت اغلب ثمربخش بوده و موثر واقع شده اند .

—

ارزش شادمانی درتحکیم جامعه مدنی

2012-09-03 · Archive ID 1145
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1145

علی افشاری

شادی و سرور از مسائل مهم جامعه و هم یکی از موضوعات چالشی در شرایط کنونی جامعه ایران محسوب می شود، و تفاوت در سبک شادی و خوشحالی شکافی بین بخش هایی از جامعه و دولت پدید آورده است .

از این رو به رسمیت شناختن حق تفریح و شادی و تنوع سبک های آن یکی از مطالبات اصلی طبقه متوسط ایرانی است . در عین حال یکی از حوزه های دخالت حکومت در حوزه خصوصی ممانعت از بروز انواعی از شادی است که با الگو و ارزش های رسمی تعارض دارد .

این مسئله موجب بازداشت ها ، توقیف خود روها ، بستن برخی از رستوران ها و کافی شاپ ها ، جریمه های نقدی و در برخی موارد موجب مرگ کسانی شده است که از شدت اضطراب و ترس برای فرار از گرفتاری در دست پلیس و اطلاع یافتن خانواده های شان از حضور آنها در مهمانی یا پارتی ها، خود را در موقعیت های مرگ بار قرار داده اند .

اخیرا مقاومت در این خصوص از حالت نافرمانی فردی به صورت کنش های اعتراضی نمادین جمعی سوق پیدا کرده است . مراسم آب پاشی سال گذشته در یکی از پارک های تهران که بر اساس یک فراخوان در شبکه های مجازی برگزار شد، از مصادیق این نوع کنش ها است .

بنابراین در فضای کنونی جامعه لذت و شادی ارزش محسوب می شود . درست برخلاف گفتمان ارزشی حکومت که شادی به خودی خود ارزش ندارد، بلکه باید در چهارچوب اسلام و باور های تشیع بگنجد . در واقع حکومت فقط برداشت ایدئولوژیک خودش از شادی را قبول دارد .

در بینش سنتی از اسلام و آئین تشیع معمولا غم و اندوه بر شادی رجحان دارد و به نوعی رستگاری در پشت پا زدن به لذات دنیوی است . قرائت بنیادگرایانه جمهوری اسلامی اگر چه مانند بینش سنتی به غم بها نمی دهد،اما کماکان با درجاتی کمتر این سرمشق را ترویج می کند . تأثیر سنت و مناسک مذهبی جامعه بر اقشار بدون دین نیز غیرقابل انکار است . شادی وسرور اغلب درخودآگاه و یا ناخودآگاه ما نوعی حس گناه را بر می انگیزد .

ممنوعیت شادی در شرایط سخت

حال با توجه به مقدمه فوق، این یاداشت به نقد دیدگاهی در بین مخالفین می پردازد که با عنایت به فضای اختناق و اذیت و آزار زندانیان سیاسی هر نوع شادی جمعی را سرزنش می کند . بارها شنیده شده است که انتشار عکسی شاد ، یا حضور در میهمانی و نمایش خوشحالی مورد حمله برخی قرار گرفته است .

آنها می‌گویند حال که زندانیان سیاسی با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند، چه جای شادی وجود دارد ؟ و از این منظر کسانی را که به طرب و شادمانی پرداخته اند، مورد شماتت اخلاقی قرار می گیرند . این حساسیت و اعتراض فقط ناظر به نمایش شادی های فردی و یا گروهی نیست و به عرصه خصوصی هم راه یافته است .

و یا خوشحالی از رویدادهای ملی مانند موفقیت در رویداد های ورزشی و یا فستیوال های هنری را نیز شامل می گردد .

به باور نگارنده این برخورد منفی غیر منطقی است و ریشه در نظام فرهنگی دارد که شادی را عیب می داند و به نوعی غم را به جوهری حقیقی انسان نزدیک تر می پندارد . در صورتی که چنین نیست شادی یکی از وجوه مهم زندگی و نیروی شگرفی برای رشد و پیشرفت انسان است . شادی فقط زندگی فردی را در بر نمی گیرد بلکه تاثیری مثبت در شکوفایی عرصه عمومی و بالندگی جامعه نیز دارد . شادی اکسیری است که توانایی های یک ملت را ارتقاء می دهد و موجب غلبه آنها بر ناملایمات می شود .

البته مراد شادی معقول، موجه و بدیهی است که غم و اندوه نیز بعدی دیگر از زندگی آدمی است . برقراری توازن بین این دو در تعادل آدمی و جامعه نقش مهمی دارد . در جایی که ابراز ناراحتی موجه است نباید به شادمانی پرداخت . مانند آنچه در هنگام زلزله رخ می دهد . البته پرهیز از شادی حالت موقتی دارد . و گرنه شادی ، بذله گویی و تفریح ویژگی غیرقابل انکار و پایان ناپذیر سرشت آدمی است .

اما موقعیت زندانیان سیاسی و سختی که آنها تحمل می کنند دلیلی بر آن نیست که ابراز شادی فردی و جمعی مذموم دانسته شود . هدف شان رهایی و آزادی ملت است . آنها برخود سخت گرفته اند تا جامعه روی شادی ببیند و ازین رو نمی پسندند که افراد از ابراز خوشحالی خودداری و درواقع خودسانسوری کنند .

همدردی با آنها از طریق فرو رفتن در لاک اندوه و ماتم حاصل نمی شود، بلکه باید از هرفرصتی برای طنین افکندن نام بزرگشان و تلاش برای آزادی شان استفاده کرد . و از همه مهمتر آرمان ها و خواسته های آنان را در جامعه طرح نمود .

شادی در زندان

یکی از خواسته های زندانیان سیاسی و هم از مطالبات جامعه مدنی ، آزادی شادی و نشاط در سبک های متنوع مورد نظر بخش های مختلف جامعه است . این مسئله یکی از مصادیق مهم آزادی های اجتماعی است . علاوه بر اهمیت وجودی این مسئله و تعلق آن به حقوق شهروندی ، ابراز شادی خالق نیرو و انرژی است . و بدین ترتیب کارزارهای موجود برای دموکراسی و حقوق بشر را تقویت می کند .

افرادی که رو به غم داشته و حاکم کردن مناسبات سوگوارانه بر فضای مبارزه را دنبال می کنند نا خواسته به چالش ها دامن می زنند . دوری جستن از شادی رفته رفته تند خوئی و عصبیت را در آدمی پدید می آورد . تجارب گذشته نشان داده کسانی که خود را وقف نوعی از مبارزه کردند که تماما به سختی و مرارت گذشته و درآن جایی برای شادی و تفریح نبوده است ، عمدتا مدافعان مناسبی برای سازندگی و مردم سالاری نخواهند بود .

بررسی زندگی زندانیان سیاسی در ادوار مختلف تاریخ معاصر و بخصوص پس از انقلاب نشان می‌دهد که آنها حتی در بدترین شرایط از هر فرصتی برای شاد کردن خود و دیگران استفاده کرده اند . در تلخ ترین روز ها اجازه نداده اند تا غم و اندوه بر آنها چیره شود، چرا که می پنداشتند این مسئله نشانگر ضعف است . زندانی مقاوم با شادی و لبخندش به حکومت خودکامه این پیام را منتقل می کند که روح او دربند نیست و فارغ از همه محدودیت ها، آلام و رنج ها سرشار از شادی، سرور و رهایی است .

در زمانی که در زندان بودم خود از نزدیک شاهد این روند بودم . هر موقعیتی که پیش می آمد زندانیان سیاسی و هم چنین زندانیان عادی به خوشحالی می پرداختند . تفریح می کردند و به مناسبت های گوناگون در شادی جامعه هم شریک بودند .



زنده ترین زندگان

زندانیان سیاسی در ایام نوروز اتاق ها را خانه تکانی می کردند . شادی سال تحویل و دید و بازدید ها برقرار بود . حتی در انزوای کشنده سلول انفرادی نیز به طور غیر مستقیم حس شادی و اراده برای تفریح در محیط بند موج می زد . خوشحالی و تفریح درچهارچوب امکانات موجود لازمه گذراندن آرامتر ایام حبس است . به این معنا شاد بودن مهارتی است که در سپری شدن موفق دوران حبس و گریز از دام افسردگی ضرورت اساسی دارد .

مطالعه خاطرات زندانیان سیاسی صحنه های با شکوهی از شادی های دسته جمعی و نمایش اراده برای زندگی را ترسیم می کند . البته صحنه های ناراحت آور و تکان دهنده زیادی نیز وجود دارند . اما شادی همواره نیرویی بود که نمی گذاشت غم و درد سنگین شخصیت زندانیان سیاسی و عقیدتی را ویران کند . با نگاهی به نامه‌های منتشر شده زندانیان سیاسی و عقیدتی درسالهای اخیر درمی یابیم که آن‌ها با وجود تحمل شرایط سخت از هر فرصتی برای شاد بودن استفاده می کنند .

حتی در دوره سیاه دهه شصت در زندان ها نیز میل به ابراز شادی و سرخوشی وجود داشته است . این شادی در روزگار سخت، خصلتی ویژه را در زندانیان سیاسی به نمایش می گذارد . که چه بسا برآن اساس احمد شاملو مبارزان را در شعری " زنده ترین زندگان " نامید .

شادی جامعه و مردم در بیرون از زندان به زندانیان انگیزه پایداری می دهد . اما فراموشی مشکل ساز است . زنده نگه داشتن نام و یاد آنان و پافشاری بر آزادی بدون قید و شرط شان منافاتی با ابراز شادی فردی و جمعی در عرصه عمومی ندارد .

بدیهی است منظور شادی واقعی است نه شادی کاذب که نسبت به مبارزه برای دموکراسی ، رعایت حقوق بشر، گرامیداشت کرامت انسانی و توسعه کشور بی اعتنا و بیشتر مبتنی بر خود خواهی فردی و بی مسئولیتی اجتماعی است . و هیچ اعتنایی به درد ها و رنج های دیگران ندارد . شادی انسان وقتی ارزشمند است که شادمانی را برای همه بخواهیم . اما پیش نیاز درک چنین سرخوشی ،ارزش تلقی کردن خوشحالی و توجه شایسته به آن در هرم مطالبات اجتماعی است .

گسترش شادمانی،تفریح و نشاط برای تقویت جامعه مدنی در ایران ضروری است .

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است . نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست .

—

اثرات تحریم‌ها بربیماران هموفیلی

2012-09-04 · Archive ID 1148
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1148

نعیمه دوستدار

گفت‌وگو با مدیر عامل انجمن بیماران هموفیلی ایران

بحران تحریم ایران توسط آمریکا و غرب حالا به دارو و درمان رسیده استاین در حالی‌ست که تحریم‌کنندگان، دارو و خدمات پزشکی را در شمار کالاهای تحریمی نمی‌دانند اما تحریم بانک‌های ایران از جمله بانک مرکزی، امکان خرید مواد پزشکی و دارویی را بسیار سخت کرده است

این وضعیت، به گفته رییس بنیاد بیماری‌های خاص ایران، باعث شده که برخی داروها کمیاب و بعضی کارخانه‌های داروسازی نیز تا یکی دو ماه آینده تعطیل شوند

فاطمه هاشمی رفسنجانی، این مسئله را در نامه‌ای به بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، متذکر شده و نسبت به کمبود برخی داروها در ایران ابراز نگرانی کرده است.

در این نامه که تارنمای " رادیو زمانه" آن را به نقل از تارنمای "آفتاب‌نیوز" منتشر کرده است، فاطمه هاشمی رفسنجانی نوشته که "اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران" باعث شده تا واردات دارو به ایران دچار وقفه" شود.

از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری "ایلنا"، کمبود دارو، جان بیماران هموفیلی در ایران را به خطر انداخته و به همین دلیل، هیات مدیره انجمن بیماران هموفیلی ایران، در نامه‌ای سرگشاده به رییس فدارسیون جهانی هموفیلی و رییس سازمان بهداشت جهانی، در رابطه با اثرات تحریم اقتصادی ایران بر به خطر افتادن سلامت بیماران، هشدار داده است. هیات مدیره انجمن هموفیلی ایران در این نامه از این دو مقام بین‌المللی درخواست کرده که با پی‌گیری این موضوع، امکان دست‌رسی بیماران را به داروهای مورد نیازشان فراهم کنند

برای اطلاع دقیق‌تر از تاثیر تحریم‌ها بر وضعیت بیماران خاص و به‌خصوص بیماران هموفیلی، با احمد قویدل، مدیر عامل انجمن بیماران هموفیلی که سازمانی مردم‌نهاد است، گفت‌وگو کرده‌ایم.

آقای قویدل، آیا تحریم‌ها بر وضعیت بیماران خاص اثر گذاشته است؟

بله! از اساس تحریم‌ها با توجه به گستردگی‌شان اثرات مشخصی در جامعه ما داشته‌اند. اتحادیه اروپا و آمریکا آن‌قدر تحریم‌ها را گسترده کرده‌اند که حالا شامل بانک مرکزی هم شده و این مسئله این ادعا را که داروها شامل تحریم نیستند کاملا منتفی کرده است. گرچه وزارت امور خارجه آمریکا در سایت خود اعلام کرده و سندی را قرار داده که بر اساس آن دارو مشمول تحریم نیست و شرکت‌ها را مجاز به انجام معاملات در زمینه داروها دانسته، اما با این وضعیت این موضوع کاملا منتفی است. در واقع دارو کالایی است که باید از کشورهای اروپایی و آمریکایی خریداری شود و پولش باید پرداخته شود اما این امکان در عمل وجود ندارد. چون بانک‌ها تحریم‌اند، دارو هم مشمول تحریم شده.یعنی حرکتی که آمریکا و کشورهای اروپایی شروع کرده‌اند، جان انسان‌ها را هدف گرفته.

به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد، شما چه موضعی درقبال مساله تحریم‌ها دارید؟

ما به عنوان یک سازمان غیردولتی معتقدیم که فارغ از منازعات دولت‌ها، مساله تحریم یک حرکت ضد بشری است. حتی در بزرگ‌ترین جنگ‌ها هم بیماران مشمول درگیری دول متخاصم نشده‌اند و نباید هم بشوند.

آیا بیماران هموفیلی در ایران در زمینه دارو مشکلی پیدا کرده‌اند؟

بیماران هموفیلی به فاکتورهای انعقادی نیاز دارند؛ یعنی داروهایی که از خون تهیه می‌شوند یا به صورت سنتتیک ساخته می‌شوند. بزرگ‌ترین تولیدکننده این داروها آمریکا و کشورهای اروپایی هستند. وقتی بانک‌ها مشمول تحریم گسترده شوند، عملا همه داروها ورودشان به کشور مشکل می‌شود. کمبودهای سه ماه گذشته، سلامت بیماران هموفیلی را واقعا به مخاطره انداخته چون بیمار هموفیلی اگر دارو در اختیارش نباشد، حداقل بلایی که سرش می‌آید انواع معلولیت‌هاست که جبرانش غیرممکن است و اثرش بازگشت‌ناپذیر. تحریم‌ها به نوعی سلامت بیماران ما را به خطر انداخته است

فکر می‌کنید کشورهای تحریم‌کننده از عواقب این تحریم‌ها بر سلامت بیماران آگاهند؟

در عصر پیشرفت و تمدن و ارتباط آدم‌ها با یکدیگر، برای ما باور کردنی نیست که سلامت آدم‌ها بازیچه منازعات سیاسی و گروگان‌گیری سیاسی شود. ما به‌عنوان یک سازمان غیردولتی، منطقی برای این موضوع نمی‌بینیم. کشورهای تحریم‌کننده توضیحی برای مردم خود ندارند. بعید است خانم اشتون نداند زنانی که مشکل انعقادی دارند، اگر دارو نداشته باشند ممکن است ماهانه دچار چه مشکلاتی شوند. یک خانم باردار با این مشکل، ممکن است دچار خطر مرگ شود.

فکر می‌کنید چه راهکاری برای خارج کردن داروها از تحریم وجود دارد؟

اگر کشورهای تحریم‌کننده اعتقاد دارند که دارو شامل تحریم نیست، باید خط سبزی را برای در اختیار قرار دادن دارو تعریف کنند نه این‌که به صورت مبهم و با به کار بردن کلماتی مثل دارو شامل تحریم نیست، موضوع را منحرف کنند. چندی پیش یکی از معاونان وزرات بهداشت، مصاحبه کرده و گفته که کیت‌های تشخیصی خون هم در سازمان انتقال خون مشمول تحریم شده. این سازمان داوطلبانه خون مردم را جمع‌آوری می‌کند. چرا باید این کیت‌ها تحریم شوند؟ این مسایل روز به روز دایره را بر مردم تنگ‌تر می‌کنند.

آیا تحریم‌ها بر قیمت داروها هم اثر گذاشته؟

خوشبختانه در ایران توجه به بیماران خاص جدی است. مثلا بیماران زیر درمان هموفیلی، از قانون داروهای رایگان و با سوبسید برخوردارند. به‌عنوان مثال یک دارو که قیمت واقعی‌اش ۲۵۰ هزار تومان است، به رایگان در اختیار بیمار هموفیلی قرار می‌گیرد یا دارویی که ۴ میلیون تومان است و ممکن است بیماران با وزن ۶۰ تا ۷۰ کیلوگرم، در طول روز ۱۰ تا ۱۲ تا از این دارو را مصرف کنند، آن را رایگان دریافت می‌کنند. اما مثلا در مورد بیماران سرطانی که در حمایت کامل نیستند، فشار مالی هم اضافه می‌شود. داروهای هموفیلی، ام‌اس، تالاسمی و ... تنها با کمبود مواجه می‌شوند.

انجمن هموفیلی الان چه کاری برای مقابله با این موضوع انجام می‌دهد؟



ما معمولا درخواست‌های خود را از دولت مطرح می‌کنیم. در شرایط کنونی هیات مدیره ما تنها می‌تواند اعتراض کند. در هفته اول مرداد، اطلاعیه و نامه‌ای خطاب به رییس سازمان بهداشت جهانی و رییس فدراسیون جهانی هموفیلی منتشر کردیم و نسبت به تحریم‌های گسترده و فشار بر بیماران اعتراض کردیم. ما در حال پیگیری هستیم و از طریف دوستانی که در اروپا و آمریکا داریم هم می‌کوشیم صدای‌مان را برسانیم. اعتقادمان این است که اگر فشارها ادامه پیدا کند، عملا کاری از ما برای بیماران برنخواهد آمد. بیماران اولین مراجعه‌شان به ماست و این مساله راه فعالیت ما را در عمل سد می‌کند. ما الان تعریف فعالیت‌مان را این قرار داده‌ایم که اعتراض‌ها را منتقل کنیم.

تحریم‌ها چه اثری بر ذات فعالیت شما به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد گذاشته است؟

کار ما اصلا معنایش را از دست می‌دهد. اگر دست‌رسی به دارو نباشد ما عملا خدمات دیگرمان تعطیل می‌شود. بیماری که درد می‌کشد، نیازی به خدمات رفاهی ندارد چون بیمار هموفیلی اول باید خونریزی‌اش کنترل شود. وضعیت روز به روز بدتر می‌شود. الان یک ماه است اعمال جراحی بیماران هموفیلی متوقف شده. مثلا اگر کسی عمل جراحی مفصل داشته باشد، وزارت بهداشت توصیه می‌کند این عمل به بعد موکول شود. حالا و در این شرایط دیگر مطالبه ما از دولت نیست بلکه مطالبه‌ای بین‌المللی است که امیدواریم توسط افکار عمومی به‌خصوص در آمریکا و کشورهای اروپایی شنیده شود.

—

جامعه مدنی در آینه اخبار

2012-09-05 · Archive ID 1165
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1165

پایان اجلاس سران

پنجمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در حالی که با حاشیه‌های زیادی همراه بود به پایان رسید. به گزارش خبرگزاری فرانسه ، بان کی مون از جمهوری اسلامی خواست تا در انتخابات بعدی صدای مردم را بشنود. وی که در دانشکده ارتباطات وزارت امورخارجه ایران سخنرانی خود را ارائه داد، آزادی رهبران مخالف دولت و همچنین سایر زندانیان سیاسی را خواستار شد. دبیرکل سازمان ملل متحد متذکر شد:”محدود کردن آزادی بیان و جلوگیری از فعالیتهای مدنی، مانعی بر سر پیشرفت و توسعه در جامعه است و بذر بی‌ثباتی را در جامعه می‌کارد.»

خبرگزاری فرانسه: http://ow.ly/dtxBX

از سوی دیگر گزارشگران بدون مرز در نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل، آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی در ایران را درخواست کرد. کریستف دولوار، مدیرکل گزارشگران بدون مرز در این نامه شرح داده است که روزنامه نگاران، شهروندخبرنگاران و فعالان جامعه مدنی بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ که احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری برگزیده شد به شدت مورد سرکوب قرار گرفته‌اند. او همچنین به سانسور اخبار و محرومیت بسیاری از خبرنگاران از شرکت در اجلاس سران و دستور العمل‌های صادر شده توسط وزارت ارشاد برای رسانه‌ها نوشته است. بنا بر خبر رادیو زمانه ، وی نوشته است:«بر خلاف قوانین ملی و بین‌المللی در ایران هیچ ناظر مستقل داخلی یا خارجی امکان بازدید از زندان‌های ایران و گزارش نقض فاحش حقوق بنیادین زندانیان را ندارد» و از دبیر کل سازمان ملل خواسته است که با توجه به جایگاه خود، از ایران بخواهد تا تعهدات جهانی خود را به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران از جمله کشورهای امضا کننده آن است، رعایت کند.

زمانه http://radiozamaneh.com/news/iran/2012/08/29/18918 .

به یاد هزارن قربانی کشتار ۶۷



جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران – کلن طی مراسمی در کنار رودخانه راین، یاد قربانیان اعدام‌های سال ۱۳۶۷ را گرامی داشتند. بنا بر خبر منتشر شده در خبرنامه گویا، روز شنبه اول سپتامبر، شرکت کنندگان در این مراسم ساعاتی در کنارهم در صف نمادین مرگ ایستادند وسپس به سوی راین رفته و گلها را به یاد یارانشان به آب سپردند. آن‌ها در این مراسم به حکم اعدام زندانیان فعلی چون غلامرضا خسروی نیا، شیرکوه معارفی و... نیز اعتراض کردند.

گویا http://news.gooya.com/politics/archives/2012/08/146243.php

امدادگران همچنان در بازداشت

کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری کرمانشاه و ایلام با ارسال نامه‌ای به آیت الله آملی لاریجانی، ریاست قوه قضاییه، خواستار آزادی امدادگران بازداشتی در آذربایجان شرقی شده است. در این نامه که توسط وب سایت گویا منتشر شده، آمده است:«در موقعیتی که کشور ما آماج تهدیدهای گوناگون است تقویت همدلی و وحدت مردم باید تکلیف تمام مسئولان شمرده شود و نباید به پاره‌ای از افراد اجازه داد، اینگونه تخم تفرقه بکارند و سیلی بر صورت نیکوکاری بنوازند و ناخواسته و غیرمسئولانه کینه و دشمنی را ترویج دهند. اگر این جوانان جرمی هم مرتکب شده باشند آیا رواست حتی قوانین مصوب نظام اسلامی در مورد آن‌ها رعایت نگردد و مسئولانه و قانونی با آن‌ها برخورد نشود؟ لذا کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری کرمانشاه و ایلام وظیفه شرعی و انسانی خود می‌داند که ندای آن جوانان را به شما انتقال دهد و مشفقانه و مصرانه از شما آزادی آنان را خواستار شود.»

گویا http://news.gooya.com/politics/archives/2012/09/146410.php

کارگران

یک سال بعد از صدور ابلاغیه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط رهبری، خصوصی سازی آغاز شد که این روند در عمل، نوعی اختصاصی سازی و واگذاری منابع و ثروت‌های ملی به نهادهای شبه دولتی و

حاکمیتی بوده است. به گزارش نشریه خبری سیاسی ایران امروز:«تقویت بیمه بیکاری و حق اعتراض صنفی کارگران از جمله موارد مهمی است که در ماده ۷۳ قانون برنامه پنجم توسعه و در ماده ۱۰۱ برنامه چهارم بر آن تاکید شده بود، ولی دولت احمدی‌نژاد بدون در نظر گرفتن این موارد در پی تغییر قانون کار است. در آن زمان دولت پیش نویس اصلاحیه برخی از بندهای قانون کار را مطرح کرد که با مخالفت شدید جامعه کارگری و تشکل‌های کارگری مواجه شد. یش نویس اصلاحیه قانون کار هنوز به مجلس برای بررسی ارائه نشده است... امید است که فراکسیون کارگری مجلس بتواند از حقوق جامعه کارگری که از همه جانب تحت ستم و بهره کشی است، دفاع کند و مانع از تصویب مواد ضد کارگری این اصلاحیه شود. اعتراضات جامعه کارگری و همگرایی و اتحاد میان تشکل‌های کارگری اعم از تشکل‌های مستقل و تشکل‌های نزدیک به دولت و حاکمیت در این موضوع خاص می‌تواند کمکی باشد برای ممانعت از تصویب این موادی که تنها در راستای استثمار بیشتر کارگران است.»

ایران امروز http://www.iran-emrooz.net/index.php/news1/39971

لغو قانون جدید مجازات اسلامی

وب سایت مردمک ، از اعتراض سازمان دیده‌بان حقوق بشر نسبت به قانون جدید مجازات اسلامی خبرداده است. روز چهارشنبه، هشتم شهریور، دیده‌بان حقوق بشر در بیانیه‌ای، اصلاحات پیشنهادی در قانون مجازات اسلامی ایران را موجب نقض حقوق متهمین دانسته و خواستار لغو آن شده است. در حالی که قوه قضاییه ایران این اصلاحات را تلاشی برای تطبیق قوانین کیفری با ضوابط بین‌المللی می‌داند بیانیه مزبور آن را موجب تضعیف بیشتر حقوق متهمین کیفری خوانده که به قضات قدرت صدور احکام مجازاتی را می‌دهند که ناقض حقوق متهمین هستند. این بیانیه همچنین به طور مشروح به دیگر نواقص قانون جدید پرداخته است.

مردمک http://www.mardomak.org/story/proposed_penal_code_deeply_flawe

زندانیان سیاسی

حکم یک سال حبس تعزیری ژیلا بنی یعقوب به اجرا درآمد. بنا بر خبر رادیو زمانه ، این روزنامه نگار در سال ۱۳۸۸، و پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران به همراه همسرش، بهمن احمدی اموپی، بازداشت و به یک‌سال حبس تعزیری و ۳۰ سال محرومیت از شغل روزنامه‌نگاری محکوم شد. او که دبیر سرویس اجتماعی روزنامه سرمایه و سردبیر کانون زنان ایرانی است برای گذراندن دوران محکومیت خود به زندان اوین رفت. همسر وی نیز همچنان در زندان رجایی شهر به سر می‌برد.

زمانه http://radiozamaneh.com/news/iran/2012/09/02/19115

عیسی سحرخیز نیز در اعتراض به روند غیرقانونی پرونده قضایی‌اش در زندان اوین دست به اعتصاب غذای خشک زده است. او شش ماه در بیمارستان و تحت کنترل نیروهای امنیتی بود اما همزبان با اجلاس سران به زندان اوین بازگردانده شد. به گزارش خبرنگار کلمه ، سحرخیز پس از انتقال از بیمارستان به بهداری اوین منتقل شده است. این فشارها در حالی افزایش یافته است که یک روز در میان از وی خون گرفته می‌شود و پزشکی قانونی، پیش‌تر نظر خود مبنی بر«عدم تحمل کیفر» در خصوص وضعیت پزشکی سحرخیز را صادر کرده بود.

کلمه http://www.kaleme.com/1391/06/12/klm-111503

ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران از بازداشت مریم صالحی عضو کمپین یک میلیون امضاء و گروه حامیان حقوق بشر در ایران خبر اده است. وی که روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ماه ۹۱ در خانه پدری ایشان در اراک توسط ماموران لباس شخصی دستگیر شده است تا کنون هیچ تماسی با خانواده خود نگرفته و علی رغم پی گیری های بسیار هنوز اطلاعی از محل نگهداری وی در دست نیست.

هرانا http://www.hra-news.org/1389-01-27-05-26-53/13374-1.html

مهار ریزگردها

نوری المالکی برای همکاری بیشتر عراق در مهار ریزگردها قول مساعدت داده است. خبرگزاری مهر به نقل از علی محمد شاعری، قائم مقام سازمان محیط زیست می‌نویسد: «در دیدار مفصلی که بین رئیس سازمان محیط زیست و نخست وزیر عراق صورت گرفته مسائل و مشکلاتی که ریزگردها در عراق برای کشورهای همسایه از جمله ایران ایجاد کرده به طور کامل شرح داده شده و درخواست انجام همکاری بیشتر عراق برای مهار ریزگردها مطرح شد.» شاعری افزوده است:«نصب سیستم‌های پایش ریزگردها و مقابله با پدیده بیابانزایی در یک میلیون هکتار از اراضی عراق با ایجاد پوشش گیاهی، احیا ۷ میلیون نخل که در جنگ تحمیلی از بین رفت، مالچ پاشی و پخش سیلاب از مواردی است که ایران با عراق همکاری می‌کند.»

مهر http://ow.ly/dtywA

—

جامعه مدنی در آینه اخبار

2012-09-10 · Archive ID 1169
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1169

تاثیر منفی تحریم بر زندگی بیماران خاص
در حالی که در نشست دو روزه کشورهای اتحادیه اروپا برای بررسی وضعیت سوریه و موضوع هسته‌ای ایران در پافوس، وزرای خارجه کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان خواستار افزایش تحریم‌ها علیه ایران شدند، اخبار گویای شرایط بد بیماران بیماری‌های خاص و تاثیر تحریم بر زندگی آن‌ها است. رادیو فردا طی بررسی وضعیت ایران در رسانه‌های جهان، به شرح گزارش منتشر شده توسط روزنامه آمریکایی واشینگتن پست پرداخته و از تاثیرات تحریم نوشته است.. برهمین اساس، اگر چه داروهای وارداتی تنها درصد کمی از داروهای مورد نیاز کشور را تشکیل می‌دهند اما بیشتر آن‌ها برای بیماری‌های مزمن و خطرناک به کار می‌روند. این داروها یا در ایران تولید نمی‌شوند یا مشابه ایرانی آن تاثیری بر بیماری ندارد.

رادیو فردا

یادبود قربانیان کشتار دهه ۶۰

نهادهای دموکراتیک و حقوق بشری ایرانیان، طی فراخوانی مشترک، سازمان‌های مختلف را به برپایی مراسم یادبود در بیست و چهارمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی که در سال ۶۷ اعدام شدند، دعوت کرده‌اند. آن‌ها همچنین پی گیری دادخواهی از طرف خانواده‌ها و بازماندگان کشتارهای سال‌های ۶۰، به ویژه کشتار ۶۷ را از خواسته‌های اصلی تمامی آزادی خواهان دانسته‌اند. به نقل از وب سایت ملی – مذهبی ، در بخشی از این بیانیه آمده است: «متاسفانه، فضای اختناق و سیاست‌های سرکوبگرانه در ایران، همچنان ادامه دارند. امروزه صدها تن از مبارزان فعال در جنبش‌های کارگری، زنان، دانشجویی، اقلیت‌های قومی/مذهبی و مدافعین حقوق بشر در زندان به سر می‌برند. بسیاری از آنان مورد شکنجه جسمی و روحی قرار گرفته‌اند. برخی تا کنون اعدام شده و تعداد زیادی در معرض اعدام قرار دارند. بر ما فعالین و مدافعین آزادی و دمکراسی است که با برگزاری مراسم یادبود و ادای احترام عمیق به بهترین فرزندان ایران که توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند، این جنایات ضد انسانی را محکوم کنیم و به افشای این سیاست‌های سرکوبگرانه ادامه داده و برای کمک به استقرار و تعمیق ارزش‌های جهانی حقوق بشر، به تلاش‌هایمان بیفزاییم.»

ملی مذهبی

معلمان به اعتراضات خود ادامه می‌دهند

در آستانه بازگشایی مدارس، شورای مرکزی تشکل‌های صنفی معلمان ایران برای طرح مطالبات صنفی خود بیانیه‌ای صادر کرده است. در این بیانیه موضوع احکام جدید کارگزینی و عدم تناسب افزایش حقوق سالانه با

تورم موجود در کشور مورد اعتراض قرار گرفته است و تاکید شده که در صورت عدم رسیدگی به این مطالبات، به اعتراض‌های قانونی ادامه خواهند داد. در بیانیه مزبور که در سایت ملی – مذهبی منتشر شده، ضمن همدردی با مردم زلزله زده آذربایجان اشاره شده است: «اقدام دولت در تغییرات احکام کارگزینی در دی ماه سال گذشته در هنگام انتخابات مجلس نهم تحت عنوان اعمال بند "بدی آب و هوا" که بر اساس آن بطور میانگین صد و بیست هزار تومان به احکام اضافه شد و با حذف مجدد آن‌ها پس از صدور احکام، توهینی آشکار به شعور فرهنگیان است. حال این شائبه پیش می‌آید که هدف دولت تنها سیاسی بوده و هدفی جر تغییر تعداد آرای فرهنگیان نداشته است که این امر موجبات اعتراض معلمان زحمتکش را فراهم آورده است. بدیهی است که انتظار می‌رود در این شرایط دشوار اقتصادی و گرانی طاقت فرسا، مسئولان با برخوردی صادقانه به سرعت نسبت به تغییر احکام صادر شده و احقاق حقوق حقه اقدام نمایند، در غیر این صورت معلمان ایران این حق را برای خود قائل هستند که از پای ننشسته و با اعتراض‌های قانونی نارضایتی خود را اعلام نمایند.»



ملی – مذهبی

زندانیان سیاسی

روز شنبه، ۱۸ شهریورماه، شیوا نظرآهاری، فعال حقوق بشر برای گذراندن دوران محکومیت خود به زندان اوین بازگشت. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر ، این وب نگار که در سال ۲۰۱۱ برنده جایزه حقوق بشری تئودور هکر شهر اسلینگن آلمان شد، به تحمل ۴ سال حبس تعزیری، تبعید به زندان رجایی شهر و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. کمیته گزارشگران

همچنین سه تن از روزنامه‌نگاران زندانی در رجایی‌شهر در نامه‌ای به رئیس صدا وسیما از موارد مختلف نقض حقوق بشر در این زندان نوشتند. این نامه که بخش‌هایی از آن در سایت دویچه وله منتشر شده است در پاسخ به ادعای تلویزیون دولتی ایران است که زندان رجایی شهر را هتل درجه یک نامیده بود. کیوان صمیمی، مهدی محمودیان و مسعود باستانی ضمن اشاره به مخارجی که برای نظم بخشیدن به محیط فعلی زندگی خود متحمل شده‌اند، نوشته‌اند: «در هتل درجه یک شما، ما شاهد ضرب و شتم و فحاشی و تهدید زندانیان توسط پرسنل

زندان هستیم و از آن رنج می‌بریم. در هتل درجه یک شما نمی‌توان شهادت هدی صابر و درگذشت آقای دگمه‌چی و منصور رادپور، سه زندانی سیاسی ظرف یک سال را توجیه کرد. چون در هتل درجه یک شما نمی‌توانید قتل و درگذشت بیش از ۵۰ نفر را در یک سال اخیر بر اثر درگیری و ضرب و شتم آن هم فقط در زندان رجایی شهر را معمولی جلوه دهید.» آن‌ها همچنان خواسته‌اند که اگر به اعتقاد مسوولان، این زندان هتل است به خبرنگاران اجازه بازدید بدهند.

دویچه وله

عفو بین الملل، اعدام زندانیان و آزادی روزنامه نگاران

بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، حدود ۲۳ نفر در خطر اعدام قریب‌الوقوع قرار دارند. این سازمان گزارش کرده است که ۱۷ نفر از این تعداد روز ششم سپتامبر از زندان قزل‌حصار به زندان اوین منتقل شده‌اند و از اعضای خانواده‌شان خواسته شده است تا روز هفتم سپتامبر برای آخرین‌بار به ملاقات زندانیان مزبور بیایند. بنا بر خبر بی‌بی سی فارسی، عفو بین الملل خواستار توقف تمامی اعدام‌ها شده است.

بی بی سی

همچنین این سازمان در بیانیه‌ای دیگر ضمن اعتراض به محدودیت‌های اعمال شده علیه روزنامه‌نگاران در ایران، آزادی بدون قید و شرط ژیلا بنی‌یعقوب و امکان ادامه فعالیت وی را خواستار شد. دویچه وله در این باره می‌نویسد: «آن هریسون، مدیر بخش خاورمیانه عفو بین الملل در این بیانیه یادآور شده که تعداد زیادی روزنامه‌نگار به دلیل فعالیت‌های صلح‌آمیز و نقد بدون خشونت حاکمیت و نیز گزارش درباره وضعیت حقوق بشر با محدودیت و ممنوعیت کاری روبرو هستند.»

دویچه وله

نه به جنگ

جمعی از کنشگران سیاسی و مدنی ایران به سیاست‌های جنگ طلبانه علیه ایران، اعتراض کرده و در همین ارتباط بیانیه‌ای را خطاب به اذهان عمومی صادر کرده‌اند. به نقل از سایت ملی – مذهبی ، در بخشی از این نامه آمده است: «هرچند به روشنی می‌گوییم که حکمرانان جمهوری اسلامی و در درجه نخست، شخص آقای خامنه‌ای را مسئول بروز این خطر بزرگ می‌دانیم؛ ولی این امر به هیچ روی هیچ جنگی را که از سوی دولتهای بیگانه، خواه اسراییل باشد خواه آمریکا و یا هر نیروی بیگانهٔ دیگری که بخواهد بر ضد ملک و ملت ایران به راه بیاندازد، توجیه نمی‌کند! ما هرگونه تهدید به تجاوز و تجاوز نظامی دولتهای بیگانه بر ضد ایران را به شدت محکوم کرده و آشکارا و با صدایی رسا اعلام می‌کنیم که در صورت حمله نظامی به ایران هیچ توجیهی از بار مسئولیت سنگین آغازگران و پی گیران آن جنگ نمی‌کاهد و آنان را در جفایی که بر ذات بشریت، به ویژه بر ملت بی‌دفاع ایران روا داشته می‌شود، همتراز با جمهوری اسلامی و شریک جرم آن حکومت قرار می‌دهد!»

ملی – مذهبی

افزایش ایدز و رفتارهای پرخطر جنسی

به گزارش خبرنگار مهر و بر اساس آمار جدید موارد ابتلا به ویروس HIV/AIDS در کشور که توسط وزارت بهداشت اعلام شده، میزان ابتلا به ایدز از طریق رابطه جنسی ۱. ۹ درصد است. «تا اول تیر ۸۹ مجموعا ۲۱ هزار و ۴۳۵ نفر افراد مبتلا به HIV/AIDS در کشور شناسایی شده‌اند که ۹۲/۶ درصد آنان را مردان و ۷/۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که بر اساس آمار سه ماهه چهارم سال ۸۸، تعداد مبتلایان به این بیماری ۲۰ هزار و ۹۷۵ مورد بوده است. بنابراین در سه ماه اول امسال ۴۶۰ مورد جدید ابتلا به HIV/AIDS شناسایی شده که به معنای پنج مورد در هر روز است.» دکتر وحید دستجردی، وزیر بهداشت که امروزه رفتارهای پرخطر جنسی و روسپی‌ها بیش از خون آلوده و اعتیاد تزریقی موجب افزایش موارد ابتلا به HIV ایدز شده است.

مهر

حضور در ورزشگاه، امری مردانه

رادیو زمانه از تجمع زنان در اعتراض به ممانعت از ورود به ورزشگاه آزادی خبر داده است. فدراسیون والیبال ایران، در حالی ورود زنان به ورزشگاه برای تماشای بازی ایران و ژاپن را ممنوع اعلام کرده است که پیش از این، دور اول این مسابقه با حضور هزاران زن در استادیوم آزادی برگزار شده بود.

این امر موجب شد هزار نفر از زنانی که برای تماشای مسابقه والیبال ایران و ژاپن رفته بودند در اعتراض به ممانعت پلیس از ورود آن‌ها، در مقابل ورزشگاه آزادی تجمع کنند.

زمانه

ساعت کاری زنان تغییر نمی‌کند

در ماه‌های اخیر، موضوع لایحه «تقلیل ساعت کاری زنان شاغل از ۴۴ ساعت به ۳۶ ساعت در هفته» توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده بود که ایسن ا در خبری اعلام کرد با وجود تصویب در کمیسیون اجتماعی، این لایحه پس از طرح در هیات وزیران از دستور کار خارج شده است. لایحه تقلیل ساعت کاری که زنان سرپرست خانوار یا دارای فرزند زیر ۷ سال یا دارای همسر و فرزند معلول یا بیمار خاص یا صعب العلاج را به عنوان گروه هدف تعریف کرده بود، در هفت بند تنظیم و به تصویب کمیسیون فرعی و اصلی دولت رسید اما در نهایت مورد تایید هیات وزیران قرار نگرفت.

ایسنا

حق ویرایش مقالات رسیده برای بنیاد عرصه سوم محفوظ است. نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

اثرات تحریم برجامعه مدنی

2012-09-11 · Archive ID 1160
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1160

عرصه سوم - درمورد اثرات تحریم ها بر زندگی روزمره مردم و جامعه مدنی درایران چه می‌دانیم؟ وظیفه کنشگران اجتماعی و سازمان های مردم نهاد درمقابله با تحریم چیست؟ گفتگوی هومن عسکری با دکتر مهرداد درویش پوراستاد جامعه شناس درسوئد را دراین باره می خوانید .

تحریم های وضع شده توسط غرب به منظور محدود سازی برنامه هسته ای ایران چه تأثیری بر روی بخش های جامعه مدنی کشور داشته است؟

درویش پور : ابعاد این تحریم ها گسترده است . ساده ترین و کوچکترین نمونه آن دانشجویان ایرانی هستند که به قصد ادامه تحصیل از ایران به غرب آمده اند . و هزینه شان را خانواده ها تأمین می کنند . با افزایش سرسام آور قیمت دلار هزینه های زندگی این دانشجویان بسیار بالا رفته و معیشت را برایشان دشوار کرده که نمونه ای در زمینه فشار اقتصادی است .

در همین حال، حوزه عملکرد نهادهای مدنی بسیار محدود شده، فشارهای اقتصادی ، گرانی و کمبود کالاها روزمره افراد را تا حدودی مختل کرده، در ارتباط با کارگران حقوق های معوقه، گسترش بیکاری و فقر فزاینده که پیشتر نیز با آن روبرو بودیم شدت یافته است . حالا حکومت بهانه‌ای یافته تا یکسره تحریم ها را مسبب وضع موجود و فشار فزاینده اقتصادی معرفی کند . در حالی که بخش زیادی از وضع موجود نتیجه سیاست های

حکومت در سی و چند سال اخیر و به ویژه دوران احمدی نژاد است . تبلیغاتی که میتواند برای جلوگیری از بسیج افکار عمومی علیه حکومت و سوق دادن آن به سمت خارج کاربرد داشته باشد .

هم چنین، در حالی که وضعیت اقتصادی رو به وخامت می گذارد، نگرانی، بی افقی و نا امنی در جامعه شدت بیشتری می یابد . امری که امکان فعالیت های مدنی را کاهش میدهد . مردم در واقع نگران « مرغشان » هستند . در شرایطی که حتی ابتدایی ترین مایحتاج زندگی به دغدغه همگانی تبدیل می شود، امکان، فرصت و انگیزه اینکه نهاد های مدنی به تثبیت موقعیت خود بپردازند بسیار کمتر می شود . با تحریم های اقتصادی گسترده و تهدیدهای نظامی، حکومت هم رفتار پلیسی شدیدتری اتخاذ می کند . تحت این عنوان که در محاصره قرار داریم حلقه را تنگ تر می کند .

برای نمونه وضعیت جنبش زنان را درنظر بگیریم . وقتی همه جا دغدغه نان در میان باشد صدای این بخش از اجتماع در طرح خواست حقوق برابر به جایی نمی رسد . و خود فعالان این جنبش هم فرصت پرداختن به این امور را کمتر می یابند . وقتی فضای امنیتی و میلیتاریستی بر جامعه حکمفرما می شود نخستین قربانیان آن کنشگران جامعه مدنی خواهند بود .

به نظر شما در شرایط فعلی چه چیزی یا کسی به واقع تحریم می شود؟

درویش پور : تحریم ها چند سویه هستند، بخشی از تحریم ها، یعنی تحریم های هوشمند، به باور من مثبت است . مثلاً وقتی اولیگارشی مالی سپاه مورد تحریم قرار میگیرد و یا فروش هر نوع اسلحه تحریم می شود و یا دارایی های سران حکومتی در بانکهای بین المللی مسدود میگردد و ... این قبیل تحریم ها سودمند هستند . من حتی از افزایش تحریم های هدف مند دفاع می کنم . اما زمانی که تحریم ها همه جانبه می شوند به گونه ای که دودشان به چشم مردم برود، و شرایط به سوی الگوی « عراق » برود، آن موقع به هیچ وجه توجیه پذیر نخواهند بود . اگر ما با تحریم های همه جانبه مخالفت می کنیم به دو دلیل اساسی است : گروهی در دفاع ار تحریم های گسترده بر این باورند که « از هر اقدامی که یک روز زودتر این حکومت را برکنار کند باید دفاع کرد، ». به باور من اما اگر ما اعتراضی به وجود نظام حاکم بر ایران داریم به دلیل رنجی است که به مردم تحمیل می کند . و هر اقدامی که به این رنج بیفزاید از دید ما مردود است .

تحریم های گسترده تنها رنج مردم را دو چندان میکند . دوم اینکه تجربه عراق نشان داد که تحریم ها بخشی از یک برنامه کلی تر است که به تهاجم نظامی منجر خواهد شد و ناگفته پیداست که در صورت حمله نظامی بدترین اتفاق ممکن برای کنشگران جامعه مدنی روی خواهد داد .

اگر تحریم در سطح باقی می‌ماند یک مسئله بود . اما درواقع تحریم ها زمینه‌ساز حمله نظامی است . یعنی زمینه مشروعیت حمله نظامی را برای قدرت‌ها و به ویژه آمریکا فراهم می کند . اگر حکومت با تحریم گسترده اقتصادی وادار به عقب نشینی نشود، گفته خواهد شد که ما از همه روش‌ها استفاده کردیم به نتیجه نرسید بنابراین حمله می کنیم . درنیتجه درشرایط تهدید و جنگ دیگر فضایی برای فعالیت‌های مردم و جامعه مدنی باقی نخواهد ماند . من سخت نگرانم با حمله نظامی جامعه بیش از آنچه که اکنون هست به عقب برود . دریک جنگ محدود فقط بمباران مراکز نظامی مد نظراست و اتفاقاً این همان چیزی است که باعث مشروعیت حکومت درداخل کشور و بسیج مردم خواهد شد . و اما دریک حمله همه جانبه برای سرنگونی حکومت دیگر « نه از تاک نشانی می ماند نه از تاکستان ». اگر چنین حمله ای علیه ایران صورت بگیرد، احتمال آن که با یک جنگ گسترده و تمام عیار روبرو گردیم کم نیست وابعاد آن گسترده تر از همه موارد مشابه همچون سوریه، لیبی، عراق و افغانستان خواهد بود . در صورت بروز جنگ حکومت سرکوب مخالفان را توجیه می کند و اساساً جنگ برای حرکت های مدنی ، اجتماعی و نهادسازی های مستقل حکم زهر را دارد . مثلاً درجنگ ایران وعراق دیدیم که این جنگ باعث گسترش فضای امنیتی و پلیسی درکشور شد و نیروهای منتقد و مخالف درداخل به بهانه همسویی با دشمن سرکوب شدند . همه چیز متوقف شد و فعالیت‌های مردمی و مدنی به محاق فرورفت . بنابراین تأکید می‌کنم اگر امروز به ایران حمله شود شرایط صددرصد بدتر خواهد شد . به هر صورت این تحریم ها زمینه‌ساز از بین رفتن فعالیت‌های مردمی هستند . ممکن است گفته شود که حکومت همین امروز هم جلو همه فعالیت‌ها را می گیرد . خوب آن درست است ولی این مسائل برای ما مهم‌اند، ولی برای غرب مسأله حقوق بشر نیست . آن‌ها به فکر مسائل خودشان هستند . ولی امکان فشارهای سیاسی بیشتری وجود دارد .

من بر این باور نیستم که جهان غرب یا افکار جهانی در برابر سرکوب های جمهوری اسلامی یا باید سکوت کنند یا به تهدید نظامی متوسل شوند . مسئله این جا است که برای جامعه غرب مسئله اصلی برنامه اتمی ایران است .

من همیشه با تحریم های گسترده مخالف بوده و این مسئله از دو زاویه جای بحث دارد . بعضی معتقدند که تحریم ها را باید بیشتر کرد تا این حکومت ساقط شود . نگاه دوم که من مدافع آن هستم براین موضوع تأکید دارد که باید جلوی هر اقدامی که فشار را برا مردم افزایش دهد، ایستاد . چون خود این حکومت فشار اصلی بر مردم است و با تحریم ها باز هم مردم مجازات خواهند شد .

برای ما مسئله اصلی حقوق بشر است . برای کسانی که از منظر حقوق مدنی، رفاه اجتماعی، دموکراسی و حقوق شهروندی به ایران نگاه می کنند، ضرورتا « این همانی » بین این دو خواست وجود ندارد . هرگونه فشار بین المللی تنها از آنرو که حکومت را تضعیف می کند لزوماً با انگیزه و پیامد دموکراتیک همراه نیست . برای من حمله نظامی و تحریم های همه جانبه ای که دودش در چشم مردم برود، خط قرمز است .

نقش ایرانیان خارج از کشور (دیاسپورای ایرانی) ، سازمان های مردم نهاد و جنبش های طرفدار حقوق بشر خارج از کشور در این میان چه می تواند باشد؟

درویش پور : تلاش دیاسپورای ایرانی در راستای اتحاد در جامعه ایرانی و تشدید حرکت های دفاع از حقوق بشر در سال های اخیر مثبت بوده است . در عین حال در کنار این حرکت ها، تلاش هایی توسط بخش هایی از دیاسپورای ایرانی برای تشکیل دولت در سایه و نزدیکی به محافل قدرت خارجی با هدف نقش داشتن در آینده سیاسی ایران را چندان به سود جامعه مدنی ایران نمی دانم . من نگران آنم که نهایت آن به نوع ملایم تری از « چلبیسم » ختم شود . فراموش نکنید که چلبی پای آمریکا را به عراق کشاند و حمله نظامی به عراق به سود این کشور، منطقه و خود آمریکا نبود . و طنز تاریخ در آن است که علاوه بر از هم پاشیدن شیرازه جامعه عراق و سوق دادن آن به نوعی جنگ داخلی، نفوذ جمهوری اسلامی را هم در عراق تقویت کرد !

اکثریت ایرانیان خارج درحالت سرخوردگی و بلاتکلیفی بسر می برند . خیلی نگران و تماشا کننده منفعل و ناظر صحنه هستند . البته آن‌ها متأثر از مبارزات مردم درداخل کشورند .

من شخصاً به برآمد خیزش های اجتماعی درایران امید بسته ام . به گمان من هم چنان بخش عمده ای از دیاسپورای ایرانیان در خارج، منتظر احیای یک جنبش اجتماعی نیرومند در داخل کشورند که در جهت پشتیبانی از آن اقدام کنند و یا در راستای تقویت حرکت های حقوق بشری موجود فعالیت میکنند . این دیاسپورا باید پیش از چیز از طریق اعمال فشار و عمل به عنوان نیروی لابی حقوق بشری ایفای نقش کند؛ به گونه ای که واکنش کشورهای غربی نسبت به نقض حقوق بشر در ایران بیشتر شود . و از حرکت های مسالمت آمیز مردم در درون کشور حمایت بیشتری به عمل آورند، این یکی از وظایف دیاسپورای ایرانی است که می بایست شتاب بیشتری بیابد . دوم تشکیل کنفرانس ها و گردهمایی ها زنجیره ای به قصد نزدیکی بیشتر اپوزیسیون ایرانی و محافل حقوق بشری درخارج با تاکید بر پیوند با حرکت های داخل کشور است .

سوم، گشودن و تقویت جبهه سومی که نه درپی اصلاح جمهوری اسلامی از درون و نه براندازی آن از طریق حمله نظامی است، بلکه با سازمان دادن نهادهای مدنی پشتیبانی از خیزش های اجتماعی در ایران را آماج فعالیت های خود قراردهد . و با تلاش برای فراگیر کردن شعار انتخابات آزاد، درپی محاصره دولت سیاسی توسط جامعه مدنی برای فراهم کردن زمینه های گذار مسالمت آمیز از نظام موجود به سوی دمکراسی است . تاکید می کنم، یک انتخابات واقعا آزاد در گرو تغییر قانون اساسی کشور است که بر تئوکراسی دینی و تبعیض استوار است .

با سپاس از وقتی که در اختیار م گذاشتید .

—

پیامدهای تحریم ها برای مردم

2012-09-15 · Archive ID 1162
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1162

عرصه سوم- درباره اثرات تحریم بر جامعه چه می دانیم؟

گفتگوی هومن عسکری با سعید قاسمی نژاد سخنگوی گروه دانشجویان و دانش آموختگان لیبرال دانشگاه های ایران را می خوانید.

آیا تحریم ها بر وضعیت اقتصادی ایران تأثیری داشته است؟

سعید قاسمی نژاد: "هنوز بسیار زود است که درباره اثر تحریمها صحبت کرد. واقعیت این است که تحریم ها هنوز به آن صورت اثر نکرده اند، ایران همچنان نفت خود را می فروشد و درآمد بالنسبه هنگفتی دارد، مشکل اصلی البته در نقل و انتقالهای مالی است. بنابراین هنوز نمی توان از اثر جدی تحریم ها بر وضعیت اقتصادی صحبت کرد. اوضاع نامساعد اقتصادی کشور ماحصل ناکارآمدی و فساد حکومت جمهوری اسلامی در تمامیت خود است. حکومت اما به شدت نگران تحریم هاست، چنانکه برخی سرداران عالی رتبه سپاه صریحا از طرح دشمن برای به خیابان کشاندن مردم در پی تحریم ها سخن گفته اند. حکومت نگران است چرا که از ناکارآمدی و فساد خود آگاه است و می داند با خالی شدن خزانه از سویی مردم بیش از پیش ناراضی خواهند شد و از سویی حکومت نخواهد توانست با توزیع امکانات برای خود وفاداری بخرد. مشاهدات دست اول دوستان ما از داخل ایران نشان می دهد که مردم عادی هم برای وضعیت اقتصادی و هم برای نفس وجود تحریم ها حکومت ایران را مقصر می دانند.بر اساس نظرسنجی صدا و سیمای ایران ۶۳ درصد مردم خواهان توقف برنامه هسته ای در برابر لغو تدریجی تحریم ها هستند. این امتیاز بزرگی برای غرب است که نباید از دست بدهد. غرب باید به خوبی برای مردم ایران روشن کند که میان حکومت و مردم ایران تفاوت قائل می شود و می کوشد هوشمندانه و دقیق حکومت را هدف قرار بدهد، اگر چه بروز سختی برای مردم نیز ناگزیر است. بنابراین اقداماتی از قبیل ممنوع کردن مبادله نفت با غله پیغام مناسبی برای مردم نیست. از سوی دیگر غرب باید به نقش مهم جمعیت بالنسبه کثیر ایرانیان ساکن خارج کشور در ساخت و هدایت افکار عمومی در داخل کشور توجه داشته باشد. اقداماتی از قبیل بلوکه کردن حساب ایرانیان ساکن کانادا توسط تی دی بانک تنها به بسیج ایرانیان به سود جمهوری اسلامی منجر خواهد شد، آن هم در شرایطی که ایرانیان ساکن کانادا شاهدند غلامرضا خاوری، مدیر بانک ملی، یکی از بانکهای مورد تحریم به خاطر نقشش در برنامه موشکی سپاه، به راحتی به جابجایی اموالش در کانادا اقدام و خانه های میلیون دلاری خرید و فروش می کند. دولتهای غربی می توانند با گسترده کردن لیست افراد مشمول تحریم ها و قرار دادن هر چه بیشتر مدیران ارشد و میانی حکومت، مدیران مالی سپاه، ناقضین حقوق بشر به مردم ایران نشان دهند که نوک تیز تحریم ها متوجه حکومت است و نه مردم. تحریم ها به زودی اثربخش خواهند بود، از سویی موج نارضایتی را در درون مردم برخواهند انگیخت، خرید وفاداری مردم با پول بادآورده نفت را دشوار خواهد کرد و اختلافات درون هیئت حاکمه را افزایش خواهند داد، در این شرایط حمایت جامعه جهانی از اپوزیسیون دموکراسی خواه حکومت اسلامی چشم انداز امید بخش تغییر حکومت، حل مشکل هسته ای ایران و رفع یکی از بزرگترین موانع صلح در خاورمیانه بدون نیاز به استفاده از گزینه دهشت بار نظامی را پیش روی مردم ایران و جامعه جهانی قرارداده است.

وضعیت سیاسی درون کشور چطور؟ تحولات سیاسی اخیر چه تأثیری بر روی کار شما داشته است؟

سعید قاسمی نژاد: ما به عنوان گروهی که در داخل و خارج ایران حضور داریم. و نزدیک به هفتاد درصد اعضای ما همچنان در داخل هستند. در سیاستگزاری هایمان به شدت نسبت به اوضاع داخل حساسیم. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آینده به نظر نمی رسد حکومت تغییر ویژه ای در سیاست هایش پدید آورده باشد. خود آیت الله خامنه ای در یک سخنرانی طولانی بر این نکته تاکید کرد. به نظر می رسد حکومت خواهد کوشید بخشی از اصلاح طلبان را وارد بازی کند و در عین حال بخش مهمتر آنها را پشت درهای بسته نگه دارد. اصلاح طلبان البته بسیار کوشیده اند وفاداری خود را حتی به قیمت عبور از جنبش سبز، موسوی و کروبی به خامنه ای ثابت کنند. اما به نظر نمی رسد خامنه ای حاضر باشد دوباره آنها را به درون خیمه نظام راه بدهد. در شرایط فعلی نیروهای جامعه مدنی همچون ماههای پیش در نوعی وضعیت خوف و رجا به سر می برند. باصطلاح

عامیانه با نوعی وضعیت شل کن سفت کن از جانب حکومت مواجه خواهیم بود. عرصه سوم: به نظر شما چه چیزی به واقع در ایران تحریم شده و نتایج این تحریم ها در سطوح جامعه و بر زندگی روزمره مردم چگونه بوده است؟ سعید قاسمی نژاد: در پاسخ به پرسش هایی از این دست باید بگویم که امکان پاسخگویی وجود ندارد. ایران در دو سه سال اخیر شاهد چند رویداد مهم اقتصادی بوده و نمی توان به تنهایی مشخص کرد که تحریمها چقدر در مسئله نقش داشته اند. باور شخصی من این است که تحریمها هنوز اثر خود را نگذاشته اند. نابسامانیهای کنونی بیش از هر چیز ناشی از ناکارآمدی حکومت است. فی المثل درباره گران شدن مرغ می دانیم که مسئله نه مرتبط با تحریمها که با ناکارآمدی حکومت، وجود رانت و فساد درارتباط است. مشاهدات دوستان من از داخل درباره نگاه مردم به قضیه نیز این موضوع را تایید می کند. برای اینکه تحریمها اثر بگذارند هنوز باید صبر کرد.

با سپاس از وقتی که در اختیار عرصه سوم قرار دادید.

—

تشکیل کمپین صلح وآزادی درایران

2012-09-17 · Archive ID 1310
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1310

عرصه سوم – تداوم تحریم های کمرشکن، وضعیت نابسامان اقتصادی، بن‌بست سیاسی و افزایش خطر جنگ از پیامدهای سیاست‌های ناکارآمد، یک سویه و خشونت طلب دولت مردان در جمهوری اسلامی است. تصویب قطع نامه‌های متعدد علیه ایران و به تبع آن افزایش تحریم ها و بحران ارزی جامعه ایرانی را با مشکلات متعدد و طاقت فرسا مواجه کرده است. میلیون‌ها شهروند ایرانی قادر به ادامه زندگی روزمره خود دراین شرایط نبوده و هم دربیم وهراس از تشدید منازعات بر سر مسائل هسته ای و امکان وقوع جنگ امیدی به آینده‌ای روشن برای خود و فرزندانشان ندارند.
جامعه روشنفکری و مدنی ما بارها نسبت به عواقب سیاست‌های نابخردانه درعرصه ملی و بین‌المللی به مسئولان هشدار داده و خواهان تجدیدنظر و درپیش گرفتن سیاست‌های عقلایی برای پایان دادن به تحریم و تضمین صلح برای کشور شده است. اکنون بار دیگر جمعی از روشنفکران دلسوز و متعهد با تشکیل کمپین صلح و آزادی در داخل ایران نسبت به ادامه سیاست‌های غیر اصولی، جنگ طلبانه و خطرات آن با انتشار بیانیه کمپین مردم را به حمایت از صلح و مبارزه برای صلح دعوت کرده اند.

بنیاد عرصه سوم از همه شهروندان آزادی خواه و متعهد می‌خواهد که با پیوستن به این کمپین به سیاست‌های تشنج زا و خشونت آفرین اعتراض کنند.

سایت ایران امروز این بیانیه را به نقل از سایت ملی – مذهبی منتشر کرده است:

به خاطر صلح و آزادی
هموطنان، مردم صلح دوست ایران

بار دیگر سایه سنگین جنگ بر سرمان افتاده، جنگی بسیار زیان بار تر و مخوف تر از جنگ هشت ساله. ما که هنوز زخمهای ناشی از آن جنگ را بر جسم و جان داریم؛ ما که هنوز خسارتهای مادی و معنوی آن جنگ را بر دوش میکشیم؛ ما که در آن جنگ صدها هزار کشته و مجروح و میلیون ها آواره، صدها شهر و روستای تخریب شده و به روایتی هزار میلیارد دلار خسارت مادی و دهها برابر خسارت معنوی تحمل کردیم؛ ما که امروز در جای جای میهن عزیزمان با فقر و فساد و فحشا و اعتیاد و دزدی و فاصله طبقاتی که همه از آثار آن جنگ است دست و پنجه نرم میکنیم؛ وقتی این روزها دوباره صدای طبل جنگ به گوشهایمان می‌رسد، بر خود میلرزیم.

می‌خواهیم و باید به هر قیمتی، عفریت هستی خوار جنگ را از کشورمان برانیم.

ما صلح و دوستی می‌خواهیم، نه جنگ و خشونت. ما جنگ را نه نعمت که نقمت میدانیم. ما میخواهیم با برپایی کارزار (کمپین) «بخاطر صلح و آزادی» و ابراز نفرت از خشونت و کشتار، به حاکمان کشورمان بگوییم، اعمال تشنج زا و خشونت آفرین بس است؛ اعمالی که منجر به تحریمهای کمرشکن علیه ملت ما گردیده و بهانه ای برای تصویب سه قطع نامه علیه مردم ما شده تا هر بار فشار بیشتری را بر ما تحمیل کنند.

ما از حاکمان ایران میخواهیم هر نوع بهانه‌ای برای جنگ و فشار و تحریم اقتصادی را متوقف و خنثی کنند تا جنگ افروزان ناامید شوند. ما میخواهیم به جهانیان بگوییم که صلح و آزادی و حقوق بشر حق مسلم ماست.

هموطن با شرکت در این فراخوان کشورمان را از یک فاجعه جبران ناپذیر نجات دهیم.

فراخوان دهندگان اولیه:

بابک احمدی
مه لقا اردلان
علیرضا جباری
احمد صدر حاج سید جوادی
پیمان عارف
محمد علی عمویی
اسماعیل مفتی زاده
محمد ملکی
محمد نوری زاد

تمامی هموطنان و فعالانی که مایل به حمایت و همراهی با این فراخوان هستند، میتوانند پیام خود را به آدرس الکترونیکی زیر ارسال کنند و یا به صفحه فیس بوک کارزار «بخاطر صلح و آزادی» بپیوندند.

ایمیل فراخوان: karzar.solh.azadi@gmail.com

صفحه فیس‌بوک کارزار «بخاطر صلح و آزادی»

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-09-17 · Archive ID 1312
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1312

عرصه سوم – بخشی از مهمترین اخبار روزهای پایانی تابستان را در گزارش پریسا کاکایی می خوانید .

برپایی کمپین صلح

ایرانیان در سراسر دنیا، هر روز با موجی از اخبار تهدید به جنگ و امکان حمله به ایران مواجه می شوند . مقامات ایرانی و اسرائیلی نیز نه تنها تلاشی برای آرام کردن شرایط نمی کنند بلکه جو را متشنج تر و احتمال وقوع جنگ را نفی نمی کنند . از سوی دیگر، تاثیر تحریم ها بر زندگی مردم روز به روز بیشتر شده و وضعیت اقتصادی کشور را دگرگون کرده است . بر همین اساس جمعی از شخصیت های داخل کشور از جمله بابک احمدی، مه لقا اردلان، احمد صدر حاج سید جوادی، محمد ملکی با تشکیل کمپین " به خاطر صلح و آزادی " بیانیه ای را صادر کرده و طی آن مردم را به همکاری دعوت نموده اند . در این بیانیه ضمن ابراز نفرت از خشونت و جنگ از مقام های ایرانی خواسته شده که به در پیش گرفتن رویکردها و اعمالی که موجبات خشونت را فراهم می کنند پایان دهند . بخشی از متن مزبور به نقل از سایت ملی – مذهبی به شرح زیر است : " ما صلح و دوستی میخواهیم، نه جنگ و خشونت . ما جنگ را نه نعمت که نقمت میدانیم . ما میخواهیم با برپایی کارزار (کمپین) « به خاطر صلح و آزادی » و ابراز نفرت از خشونت و کشتار، به حاکمان کشورمان بگوییم،

اعمال تشنج زا و خشونت آفرین بس است؛ اعمالی که منجر به تحریمهای کمرشکن علیه ملت ما گردیده و بهانه ای برای تصویب سه قطع نامه علیه مردم ما شده تا هر بار فشار بیشتری را بر ما تحمیل کنند . ما ازحاکمان ایران میخواهیم هر نوع بهانه ای برای جنگ و فشار و تحریم اقتصادی را متوقف و خنثی کنند تا جنگ افروزان ناامید شوند . ما میخواهیم به جهانیان بگوییم که صلح و آزادی و حقوق بشر حق مسلم ماست ."

بزرگداشت روز صلح درتهران

وب لاگ اخبار سازمان های غیردولتی در ایران خبر از برگزاری آئین بزرگداشت روز جهانی صلح در 21 سپتامبر برابر با 31 شهریور ماه جاری در موزه صلح تهران داده است . این روز با قرائت پیام دبیرکل سازمان ملل متحد و با حضور شهروندان، دانشگاهیان و نمایندگان برخی از سازمانهای بین المللی در موزه صلح تهران برگزار خواهد شد . پیش از این، سازمان ملل یک مسابقه نقاشی با عنوان " هنر برای صلح " و شرکت تعدادی از کودکان و نوجوانان ترتیب داده بود . شرکت کنندگان گواهی و لوح افتخار خود را در روز جهانی صلح و در مراسم مذکور دریافت خواهند کرد .

برلین و بزرگداشت شهدای میکونوس و کشتار سال 67

بیستمین سالگرد یادبود شهدای " ترور میکونوس " در برلین و اعدام های تابستان سال 1367 ایران ، امسال در سالن کارگاه فرهنگ‌های پایتخت آلمان برگزار شد . در این مراسم که روز شنبه، 15 سپتامبر برگزار شد ، حمید نوذری، مسئول کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین، هانس یوآخیم اریگ، از وکیلان خانواده‌های قربانیان و پرویز دستمالچی، یکی از شاهدان عینی ترور میکونوس سخنرانی کردند . آنها ضمن بازگویی حقایقی مربوط به واقعه میکونوس به موفقیت دستگاه قضایی آلمان در این زمینه اشاره کرده و جایگاه جمهوری اسلامی را در این مورد بررسی کردند . به گزارش دویچه وله ، در ادامه برنامه، سارا دهکردی، دختر نوری دهکردی که در هنگام واقعه میکونوس 9 ساله بود، در مورد لزوم برنامه‌ریزی برای یک روند حقیقت‌یابی مواردی را مطرح کرد . فرخنده تقدسی سخنران که خود از زندانیان سیاسی دهه‌ی ۶۰ است، زندگی اجتماعی و نحوه‌ی مقاومت زندانیان در اردوگاه‌های مرگ دوران نازی ها در آلمان و زندان‌های جمهوری اسلامی را با هم مقایسه کرد .

اعترافات تلویزیونی و نقض حقوق افراد مظنون

به گزارش دویچه وله، سازمان عفو بین الملل ضمن انتشار بیانیه ای، اعترافات تلویزیونی مازیار ابراهیمی و ۱۱ تن دیگر را که متهم به مشارکت در ترور دانشمندان هسته‌ای ایران هستند مورد انتقاد قرار داده است . این سازمان معتقد است که برنامه تلویزیونی جمهوری اسلامی که تحت عنوان " کلوب ترور " پخش شده غیر از اعترافات مظنونان هیچ سند دیگری را برای اثبات اتهام متهمان ارائه نمی دهد . این روش اصل " فرض بر برائت مجرم تا زمان اثبات جرم " را نقض کرده و حق برخورداری از وکیل و دادگاه منصفانه را از وی سلب می کند .

آزادی بی قید و شرط مدافعان حقوق بشر

برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، که برنامه مشترک « فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر » (FIDH) و « سازمان جهانی مبارزه با شکنجه (OMCT) » است، خواستار پایان بخشیدن به آزار شش تن از روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر از جمله شیوا نظرآهاری، ژیلا بنی یعقوب، بهمن احمدی امویی، عیسی سحرخیز، نوید خانجانی و حسین رونقی ملکی و آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها شده است . به نقل از کانون مدافعان حقوق بشر ، در بخشی از این بیانیه آمده است : برنامه نظارت به شدت از این موج تازه دستگیری ها و بازداشت‌های مدافعان حقوق بشر نگران است و آن را تنها با هدف تنبیه کردن این مدافعان به خاطر فعالیت‌های برحق آن‌ها و استفاده مسالمت‌آمیز آنها از آزادی بیان خود تلقی می‌کند . برنامه نظارت به ویژه نگران سلامتی جسمانی و روانی مدافعان حقوق بشر است که در بازداشت در معرض شکنجه و بدرفتاری گسترده قرار دارند . به علاوه، به‌طورکلی هدف این فضای سرکوب مداوم ترساندن و به سکوت کشاندن تمام مدافعان حقوق بشر در ایران است . "

زندانیان سیاسی

حکم محکومیت کوهیار گودرزی، فعال حقوق بشر و عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر به ۵ سال حبس تعزیری و تبعید به زندان شهرستان زابل، در دادگاه تجدید نظر تایید شد . به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر ، دکتر علیزاده طباطبایی، وکیل این فعال حقوق بشر گفته است که قاضی پرونده نظر بر تبرئه موکل وی داشته است اما پذیرفته نشده است . وزارت اطلاعات خواستار تایید حکم بوده و پرونده توسط دو قاضی دیگر بررسی و در نهایت حکم تایید شده است . کوهیار گودرزی، در سال 1389 ، در حالی که در زندان به سر می برد جایزه سالیانه « آزادی مطبوعات » باشگاه ملی مطبوعات را دریافت کرد .



نگهبانان زن برای زنان

از این پس زنان نگهبان در مراکز تفریحي، آموزشي، تجاري، تالارهای عروسی، استخرها و آرایشگاه ها مستقر خواهند شد . رییس مرکز انتظام پلیس پیشگیري نیروي انتظامي در گفت و گویی با ایسنا ، حضور آنها را در جهت حفظ حریم بانوان در مکان‌هاي خصوصي و عمومي اعلام کرده است . سرهنگ سیفیان معتقد است : « وجود نگهبانان زن علاوه بر حفظ اموال، باعث از بین رفتن مشکلاتي که ممکن است توسط موبایل‌هاي دوربین‌دار و برخي رفتارهاي ناهنجار و ... ایجاد شود، مثمر ثمر باشد .»

—

دروغ بزرگ درتقدیرازسعید مرتضوی

2012-09-20 · Archive ID 1315
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1315

عرصه سوم - انتصاب سعید مرتصوی دادستان پیشین تهران و یکی از متهمان اصلی درماجرای زندان کهریزک به مدیریت سازمان تأمین اجتماعی در ماه های اخیر میان زمینه‌ساز مناقشات شدیدی میان گروهی از مخالفان او و هم بخشی از نمایندگان مجلس با دولت بوده است . اما سرانجام تلاش‌های آنان به جایی نرسید و مرتضوی دراین سمت مشغول به کار شد . اما آخرین خبر در این زمینه به گزارش رسانه‌ها نشان از انتشار نامه‌ای به امضای 164 نماینده مجلس در قدردانی از خدمات سعید مرتضوی درسازمان تأمین اجتماعی است . نامه‌ای که ظاهراً با متن دیگری غیر از قدردانی از مرتضوی برای امضا به نمایندگان داده شده بود، و نامه حمایت و تشکر از مرتضوی از طرف گروهی از اعضا و هم علی لاریجانی رئیس مجلس تکذیب شده است .

سایت مردمک در گزارشی در این باره می نویسد :

« یک روز بعد از انتشار نامه‌ای با امضای ۱۶۴ نماینده در حمایت از انتصاب سعید مرتضوی به مدیریت سازمان تامین اجتماعی، شماری از نمایندگان در مجلس با تکذیب امضای نامه در حمایت از مدیر عامل این سازمان آن را دروغ بزرگ خوانده و علی لاریجانی رئیس مجلس خواستار برخورد با سازمان تامین اجتماعی برای انتشار این نامه شد .

علی لاریجانی در جلسه روز چهارشنبه، ۲۹ شهریور مجلس در ارتباط با نامه منتشر شده منتسب به نمایندگان در حمایت از سعید مرتضوی به نقل از برخی نمایندگان گفت که جمع‌آوری امضا برای انتشار نامه تحت عنوان « تغییر عنوان صندوق تامین اجتماعی به سازمان تامین اجتماعی » بوده و حالا مجلس باید با سازمان تامین اجتماعی که از امضاها برای انتشار متن دیگری استفاده کرده برخورد کند .

رئیس مجلس با انتقاد از روش جمع‌آوری امضا برای نامه از سوی دستگاه‌های دولتی در مجلس، آن را روش نادرستی خواند و ادامه داد : مجلس باید در مسائل مهم بین‌المللی و داخلی کشور اظهار نظر کند . او از نمایندگان خواست که هنگام امضای این قبیل نامه‌ها فقط به سخنان شفاهی گوینده اعتماد نکنند .

در ادامه جلسه، یکی از نمایندگان در قالب تذکری گفت که اصلا چنین نامه‌ای را تحت هر عنوان امضا نکرده اما حالا امضای او پای بیانیه منتشر شده است . در پاسخ به آن آقای لاریجانی تاکید کرد که اگر آن دستگاه جعل امضا کرده مجلس باید پیگیری کرده و با آن برخورد کند .”

سعید مرتضوی یکی از متمهمان اصلی دربرخورد خشونت آمیز با معترضان زندانی پس از حوادث انتخابات سال 1388 درزندان کهریزک است که منجر به کشته شدن محسن روح الامینی، محمد کامرانی و امیرجوادی فر شد . پس از گزارش سازمان قضایی و تأیید کمیته تحقیق مجلس سعید مرتضوی و معاون او علی اکبر حیدری فر به عنوان متهمان اصلی معرفی شدند . حیدری فر که به علاوه به دلایل دیگر چند ماه زندانی شده بود چند روز پیش آزاد شد . تلاش های خانواده های قربانیان کهریزک برای بررسی این جنایات و مجازات عاملان هنوز به جایی نرسیده است .

اگر چه معرفی مرتضوی برای پست مدیریت سازمان تأمین اجتماعی با مخالفت های شدید گروهی از نمایندگان مجلس و شکایت به دیوان عدالت اداری روبرو شد، و دیوان رأی به برکناری او داد،اما این تلاش‌ها در نهایت شکست خورده و او دراین سمت باقی ماند . درآن شکایت از عدم صلاحیت مرتضوی و نداشتن تخصص برای رهبری سازمان تأمین اجتماعی سخن رفته بود . اما نامه فعلی نمایندگان درتقدیر از او از دانش و خبرگی مرتضوی درحل مشکلات این سازمان با آب و تاب خبر می دهد .

حال با طرح نامه جعلی تشکر و حمایت از سعید مرتضوی با امضای 164 نماینده و بی‌خبری گروهی از آنان از اینکه چه نامه‌ای را امضا کرده اند، مناقشه در مجلس بر سر انتصاب او دوباره بالا گرفته است .

سایت کلمه دراین باره می نویسد :

« بالاخره پس از شش ماه کش و قوس بر سر ریاست متهم جنایت کهریزک بر مسند ثروتمندترین سازمان کشور، احمدی نژاد مثل همیشه در حمایت از مدیران متخلف پیرامونش کم نگذاشت، و حتی نگذاشت حکم دیوان عدالت اداری این قاضی معزول و خاطی را از دفتر سازمان تامین اجتماعی بیرون کند .

در حالی که همه وعده های نمایندگان مجلس هشتم و نهم در برابر شعبده بازی احمدی نژاد و سعید مرتضوی رنگ باخته بود، روز گذشته تعدادی از نمایندگان در دفاعی جانانه از این مدیر توانمند و لایق که نه تنها عرصه آزادی بیان در کشور را خدشه دار کرد، بلکه با اعمال خود در قوه قضاییه اعتبار بین المللی ایران را نیز تحت الشعاع قرار داد، بار دیگر هماهنگی و همدلی مجلس و دولت برخاسته از شورای نگهبان و تیم های امنیتی را به نمایش گذاشتند .

نمایندگان در نامه ای خطاب به دولت احمدی نژاد از خدمات ارزنده سعید مرتضوی، مدیر با عرضه ای که توانسته بود در یک زد و بند محیرالعقول همه بدهی های سازمان تامین اجتماعی را در معاوضه با شرکت های ورشکسته دولتی صاف کند، تشکر کردند و احتمالا او را مستحق مقامات بالاتر دانستند .

مساله جالب توجه این است که علت اصلی شکایت نمایندگان به دیوان عدالت اداری بر اساس مباحثی که فقط ۵ ماه پیش در کمیسیون های مجلس روی داد، بی تجربگی و بی دانشی این مدیر منتصب بود و اینک نمایندگان مجلس از توانمندی ها و قدرت مدیریتی سعید مرتضوی تقدیر می کنند !

و جالب تر اینکه مساله نامه و جمع آوری امضا، آنگونه که رییس مجلس می گوید، نوعی جعل بوده است !! و نمایندگان نمی دانسته اند که پای چه چیزی را امضا می کنند . گفته می شود که این نامه با تلاش معاون حقوقی احمدی نژاد نوشته شده است .

حالا لاریجانی که دل خوشی از احمدی نژاد و کابینه اش ندارد، می خواهد "دستگاهی را که چنین خبطی را انجام داده و چنین امضاهایی را گرفته پیگیری کند و با آنها برخورد نماید ." او نمی گوید وقتی برادرش در قوه قضاییه با آن همه دم و دستگاه توان برخورد با یکی از مردان احمدی نژاد را ندارد، او می خواهد از چه طریقی رسیدگی و برخورد کند .

احمد توکلی، الیاس نادران، علیرضا زاکانی، حسین نجابت، مسعود پزشکیان از جمله کسانی هستند که پیگیر پرونده مرتضوی محسوب می‌شوند . این نمایندگان که تلاش کردند با مذاکره و مفاهمه، متهم جنایت کهریزک را راضی به عقب نشینی کنند و از او قول شرف گرفتند، حالا مانده اند در برابر نامه حداقل ۱۱۸ نماینده مجلس که قدرشناس همه خدمات این مدیر لایق جمهوری اسلامی هستند، چه بگویند .

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس نهم در دفاع از این نامه گفته است : " از سال ۵۷ تا اکنون سازمان تامین ۳۷ هزار میلیارد تومان از دولت می‌خواست اما هیچ کدام از مدیران تامین اجتماعی نتوانستند از دولت بگیرند ولی مرتضوی گرفت . تامین اجتماعی ۱۲۰۰ میلیارد تومان به مراکز درمانی و داروخانه‌ها بدهکار بود، همه را مرتضوی پرداخت کرد . مدیریت شستا را عوض کرد . این مفهوم مدیر است، اما بعضی سیاسی‌کاری می‌کنند . چرا در این ۳۴ سال یک نفر پیدا نشد که بتواند این پول را بگیرد؟ حتی در دوره احمدی‌نژاد هم روسای دیگر هم نتوانستند بگیرند . مرتضوی عرضه داشته و گرفته ."

اما او نگفته که چرا دولت اینگونه بی سر و صدا حاضر شد شبانه همه ی این بدهی ها را صاف کند و آیا ریالی از این باز پرداخت بدهی ها به حساب سازمان تامین اجتماعی رفته است؟ و آیا طی شش ماهی که گذشت، حتی به قدر اندکی در وضعیت افراد وابسته به این سازمان تغییری ایجاد شده است؟

هر چند احمد توکلی خواسته است که امضا کنندگان نامه تقدیر، نام خود را منتشر کنند، اما نیازی به نام هم نیست . مجلسی که نمایندگانش منتصان حکومت هستند و برای خوشامد دولت و دولتیان عمل می کنند نیازی به افشای نام ندارند . وقتی فرزند شهید مطهری در مجلس هشتم از "وکیل الدوله" ها نام برد، برخی به وی خرده گرفتند اما اینک معلوم شده که نمایندگان مجلس، وکیلان شایسته ای برای دولت احمدی نژاد هستند . همان ها که حتی اجازه "دو دو کردن" هم ندارند و اگر چنان کنند رذل خطاب می شوند، اینگونه شرف نمایندگی خود را

در دفاع از کسی نهاده اند که به گفته سخنگوی قوه قضاییه به زودی باید برای رسیدگی به اتهاماتش به دادگاه برود .



عبدالحسین روح‌الامینی، پدر محسن روح‌الامینی از شهیدان جنایت کهریزک، گفته که این شخص جلب به دادرسی شده و این جلب به دادرسی مربوط به قبل از عید و همچنین قبل از انتصاب وی در سمت ریاست سازمان تأمین اجتماعی بوده است . هر چند او گفته که هنوز کیفرخواست مرتضوی صادر نشده اما مطابق گزارش وی، جلاد مطبوعات و یکی از متهمان اصلی فاجعه کهریزک احضار شده و به عنوان معاونت در قتل عمد تفهیم اتهام شده است .

سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران متهم ردیف اول جنایت کهریزک بیش از این در زمینه های "معاونت در قتل"، "نقض حقوق شهروندی" و "هتک حیثیت ناجا" تفهیم اتهام شده ولی با گذشت سه سال هنوز به جنایات وی رسیدگی نشده است .

سعید مرتضوی از مجلس ششم به بعد پرونده های ناتمام زیادی دارد . از قتل و جنایت تا شکنجه . اما این بار مجلس نهم برای او سنگ تمام گذاشت . نه تنها به پرونده های معوقه او رسیدگی نکرد بلکه "مدال افتخار" نیز به سینه او زد تا به فرموده رهبری عمل کرده باشند و همدلی مجلس و دولت را به نمایش گذاشته باشند .

حمایتی که از سعید مرتضوی می شود بی شک ریشه در مراکز قدرتی دارد که حتی دو سال است قوه قضاییه را هم مانند مجالس پیشین معطل کرده اند . گویی هیچ اراده ای برای رسیدگی به جرایم این قاضی مجرم نیست . چرا که همه می دانند، قاضی جوان مطبوعات، متهم قتل زهرا کاظمی، متهم دزدی سوالات کنکور دانشگاه آزاد و متهم جنایت کهریزک هیچ یک از کارهایش را بدون اجازه "مافوق" انجام نداده است . وقتی اساسنامه سازمان تامین اجتماعی برای ماندگاری این مدیر "توانا و با صلابت" تغییر می کند و رای دیوان عدالت اداری معطل می ماند، احتمالا اتفاقات دیگر هم شدنی است ."

—

تنگناهای فرهنگ شهادت طلبانه

2012-09-20 · Archive ID 1318
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1318

علی افشاری

شهادت و ستایش مرگ کسانی که از زندگی شان در راه خیر عمومی و مصلحت جامعه دست شسته اند، عنصری پر رنگ در جامعه ایران است . اگر چه شهید وشهادت در فرهنگ ما خاستگاه مذهبی دارند اما این مفاهیم در میان نیرو های غیرمذهبی نیز ریشه های عمیقی دارند . این حضور در ضمیر خود آگاه و نا خود آگاه جامعه چندان قوی است که نمی توان آن را نفی کرد .

جایگاه رفیع شهادت در فرهنگ و جامعه ایران نتایج متفاوتی دارد . تشویق به سلحشوری و رشادت در پای حق طلبی ، تقویت آرمان گرایی و ترویج ظلم ستیزی ابعاد مثبت قضیه را روشن می سازند . شهید با عملکرد سیاسی – اجتماعی و هم با بذل جان خویش بذر آگاهی را در جامعه می افشاند و هم با خون خود نهال مبارزه را آبیاری می کند . او شاهدی است بر چهره زشت ظلم ، ستم و عصیان خونین اش نهادی مؤثر و استوار در مشروعیت زدایی از ساختار های تباهی آور و سلطه گر درجامعه است .

اما آسیب شناسی اجتماعی نشان می دهد که تکریم بی حد شهادت برخی تبعات منفی نیز در جامعه ایران داشته است . البته این موارد به برداشت نادرست از موضوع شهادت بر می گردد تا اینکه ربطی به اصل بنیان مفهومی آن داشته باشد . در این مطلب کوشش می شود این عوارض منفی تبیین گردد .

به باور نگارنده شهادت اگر چه مفهومی مثبت است ولی ارزشمندی آن مطلق نبوده و در هر شرایطی صادق نیست . وقوع شهادت شرایط خاصی را می طلبد و در هر وضعیتی مطلوب نیست . تا زمانی که امکان اصلاح امور به طرق متعارف مساعد است ، شهادت طلبی توجیه ی ندارد .

اما قائلان به فرهنگ شهید پروری ارزشی مطلق به شهادت می بخشند که تنها در سایه ایثار تمامی وجود می توان حقیقت را گسترش بخشید . نتیجه این برخورد،بی ارزش تلقی کردن فعالیت های اصلاح طلبانه و بخشی نگر است که هدف های محدود و روندی تدریجی را مدنظر دارند . تقدیس کنندگان شهادت با سیاه و سفید کردن فضا و محدود کردن مسیر انتخاب ، عرصه را بر کوشندگان سیاسی و اجتماعی تنگ می کنند . و آنها را محصور در مسیری می کنند که خواهان هدفی کل گرایانه و بزرگ است . هدفی که تمامیت وجود و زندگی فرد را تحت الشعاع قرار می دهد .

طبیعی است تمامی نیرو های سیاسی و اجتماعی کشش و یا ظرفیت شهادت را ندارند . اساسا در شرایط کنونی زیست ی و تفکری در زمانه ما، ارزش زندگی و حیات بر فرهنگ مرگ پرستی برتری یافته و شهادت به منزله راهبرد همیشگی و قاعده رفتاری توجیهی ندارد .

شهادت موقعی مطلوب است که به مثابه یک استثنا به آن نگریسته شود . و به صورت حداقلی و پس از احراز قطعی بودن وضعیت بن بست کامل م طرح شود . و گرنه نتیجه تجویز رفتارهای شهادت طلبانه در هر موقعیتی انسداد سیاسی است . و درعمل محافظه کاری سیاسی را تقویت می کند . چون جمع اندکی هستند که حاضرند چنین هزینه سنگینی را پرداخت کنند . وقتی شرایط ایجاب کند که تنها راه چاره شهادت و عصیانی عاشورایی است ، میل به فعالیت انتقادی و تحول خواهانه کاهش می یابد .

ارزش زندگی و مرگ

ا رزش زندگی سعادتمند و پربار توام با شادی و لذت کم تر از مرگ با ارزش و با هدف نیست . رعایت توازن درسنجش نسبت بین مرگ و زندگی اهمیت زیادی دارد .

نکته مهم دیگر این است که شهادت در برابر رویکرد های محافظه کار قرار ندارد . یعنی فضیلت شهادت به معنای انکار ارزش کسانی نیست که در محدوده توانایی و ظرفیت خود مسیر متفاوت و محدودتری را در پیش گرفته اند . شهادت در مقابل رویکردی قرار می گیرد که می خواهد در چهارچوب قدرت، فریب ،ثروت و تزویر انسان ها را به تسلیم و حقارت بکشاند . و پذیرش و تمکین در برابر نابرابری ها و زشتی ها را سرنوشت اجتناب ناپذیر بشر بشمار آورد .

کشش غیرمنطقی به سوی شهادت با به کارگیری شور و هیجان گرایی افراطی عقلانیت را به حاشیه می برد ، و باعث افزایش خطا و اشتباه در تصمیمات سیاسی واجتماعی می شود . شهادت و ایثاری مطلوب جامعه است که در تعارض با عقلانیت به معنای گزینش عملی قابل دفاع و مبتنی بر دلایل کافی و افزونی فایده بر هزینه ، قرار نگیرد . و گرنه تکیه صرف به احساس و یا دلخوش بودن به مظلومیت تاریخی راه به جایی نمی برد . و می تواند تاثیرات مخربی بر زندگی کنونی و این جهانی بخش وسیعی از مردم بگذارد .

دیگر عارضه منفی، قدیس شدن شهیدان است . گویی آنها ابر انسان هایی بود ه اند که هیچ نقص و ایرادی در کارنامه آنها وجود ندارد . از معایب این رویکرد آنکه عملکرد شهداء را معیار تشخیص عمل صالح و درست قرار می دهد . و اختلاف نظر با مشی آنان را انحراف از حقیقت به حساب می آورد . در حالی که امتیاز شهداء عمل شجاعانه آنان و فداکاری شان بوده نه تمامیت ایده و یا راهبرد های خاص آنان درهرشرایطی .

هر شهیدی در زمانه خاصی زندگی می کندو اعمال وی در چهارچوب زمانی و مکانی ویژه ای شکل گرفته است . منزلت فرا تاریخی برای او قائل شدن به جایی می انجامد که در نهایت مردگان بر فضای زندگان حاکم شوند . قطعا در زندگی اجتماعی هر شهید می توان درس ها و آموختنی های ارزشمندی یافت . اما به صرف شهادت نمی توان مطلوبیتی قطعی و ابدی برای موضع گیری ها و نظرات خاص شهداء قائل شد .

ب رای مثال جمهوری اسلامی درتبلیغات خود همیشه شهدای جنگ با عراق را پشتوانه درستی عمل خود در تداوم جنگ قرار می دهد . و فضا را به سمت و س ویی می برد که هرکس با تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر مخالف بوده، گویی با شهیدان مخالف است .

نمونه دیگر نوع نگاه به شخصیت های تاریخی معاصر است . معمولا حول افرادی که شهید شده اند ، هاله قداستی به وجود آمده که نظر و جایگاه آنان را در موقعیتی بالاتر از دیگرانی قرار می دهد که از جان خویش نگذشته اند . یا اساسا در موقعیت ایثار قرار نگرفته اند . به عنوان نمونه شهدای سازمان مجاهدین خلق و فدائیان خلق پیش از انقلاب را می توان مطرح کرد . آنها در مقطع انقلاب چنان بزرگ شده بودند ، که گویی مبارزانی که مشی متفاوتی با آنها داشت ه و شهید نشده بود، هیچ ارزشی ندا شتند .

در عرصه فرهنگ می توان کار افرادی چون دکتر صدیقی، دکتر پرویز ناتل خانلری را با دکتر نجات اللهی (شهید روزهای انقلاب) و یا دکتر علی شریعتی مقایسه کرد . توجه جامعه در آغاز انقلاب عمدتا بر روی دو شخصیت دوم به عنوان الگوی اساتید دانشگاهی متمرکز بود .

در حالی که دو نفر نخست اگر بیش از آنها به گسترش فکر و اندیشه و فرهنگی ایرانی کمک نکرده باشند قطعا سهم کمتری ندارند . شهادت،زندانی سیاسی بودن و یا هر نوع پرداخت هزینه لزوما موجب حقانیت دیدگاه و نظر نمی شود .

توجه به این آسیب شناسی می تواند شهداء راه آزادی و پاسداری از میهن را در جایگاه مناسب خود قرار دهد ، تا مشوق روند تکاملی جامعه شوند . نه آنکه به مانعی در مسیر ت حول فکری مردم و توسعه جامعه بدل شده، و بدین ترتیب فضای فکری تشخیص عمل درست غبارآلود و مخدوش شود .

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

تعطیلی انجمن هنری تصویرگران

2012-09-20 · Archive ID 1320
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1320

عرصه سوم - درخبرها بود که محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رأی نهایی هئیت رسیدگی در مورد خانه سینِما مبنی بر تعطیلی دائمی آن را تأیید کرده است . خانه سینِما پنج هزار عضو دارد و با بروز اختلاف میان مسئولانش و وزارت ارشاد اسلامی در دی ماه 1390 بسته شد . تلاش‌های سینماگران و مذاکرات متعدد بر سر محتوای اساسنامه این مرکز و موارد مورد اختلاف دیگر هم در یک سال اخیر هنوز به جایی نرسیده است . تعطیل کردن خانه سینِما و کنترل مدام مراکز فرهنگی و هنری غیر دولتی به دلایل گوناگون و فقدان ضوابطی که استقلال فکری و عملی این نهادها را تضمین کند، و عدم حمایت مالی از طرف دولت بعضی از نهادهای صنفی را درخطر اضمحلال و تعطیلی قرار داده است . از جمله انجمن هنری تصویرگران که تاکنون بدون هیچ کمک دولتی فعالیت داشت و به علت مشکلات مالی مجبور به تخلیه دفتر خود شده است .

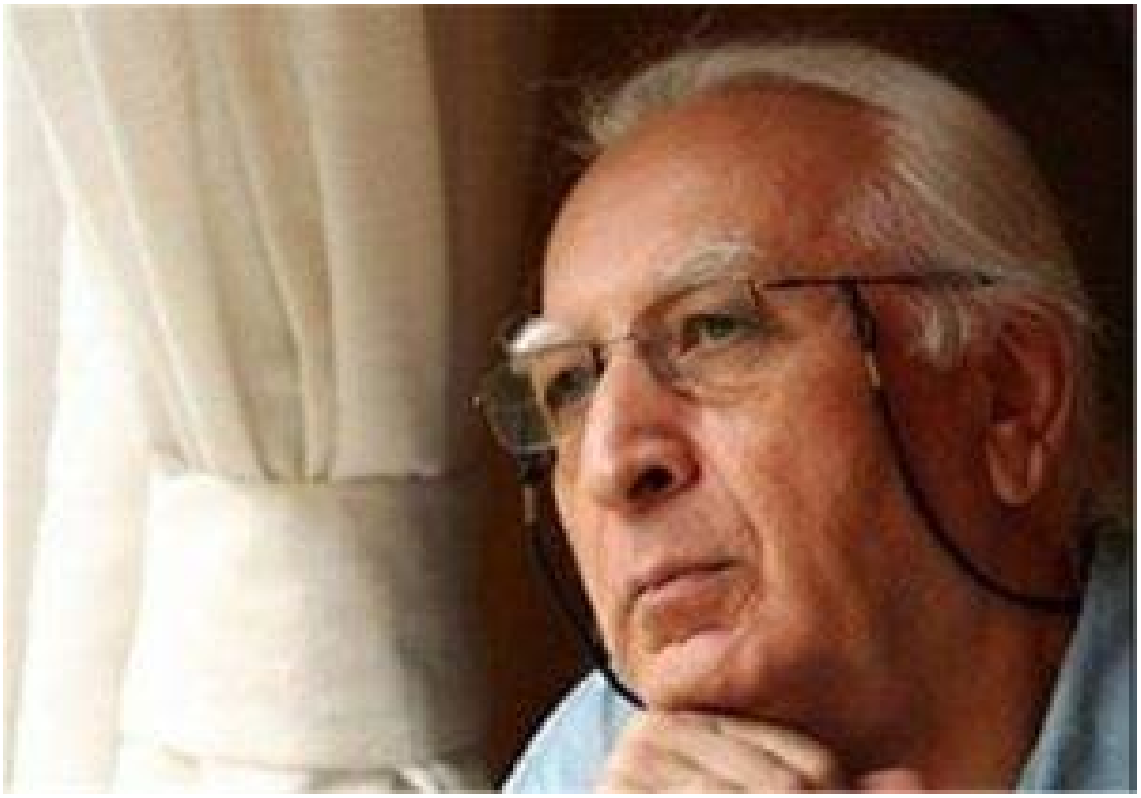
خبرگزاری مهر درگزارشی دراین مورد می نویسد :

" انجمن تصویرگران در متنی خبر از بی نشانی شدن این مرکز داد .
در این متن آمده است : ده سال از تأسیس انجمن فرهنگی هنری تصویرگران می‌گذرد و همه این‌سال‌ها، هر بار به نحوی، و همیشه به اتکای توان داخلی، صرفه‌جویی و مدیریت هیأت مدیره‌های مختلف، انجمن در مکان‌های استیجاری پابرجا بود .

انجمن تصویرگران به هر دلیلی تاکنون موفق نشده است امکانات نهادهای عمومی و دولتی را ـ که در رأس مأموریت و وظایف ذاتی‌شان حمایت از نهادهای مستقل فرهنگی است ـ جلب کند؛ گاهی به دلیل عدم درک مسئولان از اهمیت این حرفه و این انجمن و گاهی هم به دلیل پرهیز تصویرگران از هر نوع بستگی، که مستقل بودن انجمن را تهدید کند .

با این همه وظیفه قطعی مراکز دولتی و نهادهای عمومی در حمایت از انجمن تعطیل بردار نیست . اکنون انجمن تصویرگران مکان خود را از دست داده است و توان اجاره‌کردن مکانی جدید را ندارد در حالی که همه انجمن‌های فرهنگی هم‌خانواده‌اش در ساختمان‌های اهدایی از سوی مراکز مختلف، مسقر هستند . حتی وقتی مراکز عمومی نمی‌توانستند مکانی را در اختیار انجمن‌ها قرار بدهند، در عوض، به انجمن‌ها کمک مالی ماهیانه کرده‌اند؛ در حالی که انجمن ما همواره از هر دو امکان محروم بوده است . شاید نتوان مسئول مشخص یا دوره‌ای معین از مدیریت دولتی را باعث این کوتاهی دانست، اما روشن است که برایند کلی ماجرا، کوتاهی مسئولان را نشانه می‌رود .

با این همه، هیأت مدیره انجمن فرهنگی هنری تصویرگران لازم می‌داند تأکید کند : انجمن، امروز از نظر ساختار داخلی و جایگاه اجتماعی، محکم‌تر از همیشه است و با وجود از دست دادن مکان خود، یک روز هم فعالیت‌را تعطیل نکرده است . دبیرخانه انجمن و بخش ستادی در یک محل و نشست‌ها و کلاس‌ها در محلی دیگر، فعال هستند . همه همکاران انجمن به کار خود ادامه می‌دهند و هیأت مدیره و مدیرعامل هم، به‌طور منظم به وظایف خود مشغول هستند . باید از مدیر محترم خانه هنرمندان ایران هم صمیمانه تشکر کرد که با در اختیار قراردادن محلی برای نگهداری اموال انجمن، از بی‌سرپناهی مطلق نجاتمان داد . اکنون کالبد انجمن در سه محل متفاوت و دور از هم برپاست، اما تفکر، اهداف و جان انجمن، محکم‌تر از همیشه، متمرکز، متحد، فعال و پویاست و رویدادهای بزرگی را مدیریت می‌کند که به‌زودی با خبرهای خوش به گوش همه خواهد رسید ."



نورالدین زرین کلک هنرمند معروف در زمینه انیمیشن و از بینان گذاران این انجمن پس از اطلاع از بی خانمان شدن این بنیاد گفت :

" این انجمن‌ها را می‌توان به مثابه احزاب فرهنگی دانست که وظایفشان هم حول محور تعالی آن رشته هنری و جلوگیری از ابتذال آن است . زرین‌کلک با تاکید بر اهمیت وجود این احزاب فرهنگی در محیط فرهنگی کشور گفت : باید این نهادها وجود داشته باشند تا یک هنر رشد کند . دستگاه‌هایی که بابت مدیریت امور فرهنگی به وجود آمده‌اند و سالانه بودجه دریافت می‌کنند باید که از این انجمن‌ها حمایت کنند نه اینکه بگذارند آن‌ها به فلاکت بیفتند . باید که از خزانه دولت که در واقع جیب ملت است برای کمک به این نهادها خرج کنند ."

این کارگردان در ادامه گفته است که : « انجمن تصویرگران را من به یک ملت با آرمان‌ها و افکار مشترک تشبیه می‌کنم؛ ملتی که حالا مانند فلسطینی‌ها آن‌ها را از خانه‌شان بیرون کرده‌اند و این یک بی‌عدالتی آشکار است . وی در پایان با تاکید بر لزوم پیگیری مطالبات فرهنگی از دولت افزود : من به عنوان عضوی از انجمن تصویرگران به این حمایت‌نکردن‌ها اعتراض دارم و گمان می‌کنم که دولت با تصمیماتی که در حوزه فرهنگ گرفته از وظایف خودش عدول کرده است ."

—

یک دست صدا دارد یا نه؟

2012-09-24 · Archive ID 1327
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1327

عرصه سوم - در گفتگوی های روزمره میان دوستان و خویشان علاقه‌مند به مباحث اجتماعی همواره شاهدیم که افراد از نابسامانی در جامعه، فقرفرهنگی، اقتصادی و مشکلات مرد م رنج می‌برند و با امید به برپایی جامعه ای بدون ظلم و ستم از تئوری‌های مورد علاقه خود در زمینه پیشرفت با حرارت دفاع می‌کنند و خواهان تغییرات اساسی برای برپایی دموکراسی و عدالت اجتماعی درایران هستند . اما اغلب با این اعتقاد که با یک گل بهار نمی شود، فعالیت در شبکه‌های خیریه، نهادهای مردمی و یا سازمان های غیر دولتی را کار بیهوده و اتلاف وقت

دانسته و بر این باوراند که این کارها درنهایت تأثیر جدی در ریشه کنی مشکلات و بهبود اوضاع ندارد . و تنها دلخوشی موقتی و درمانی برای تسکین عذاب وجدان شهر وندانی است که طاقت دیدن مشکلات مردم را ندارند و برای کمک به آنها آستین ها را بالا زده اند .

و اما برروی سایت سازمان های غیر دولتی با بحثی از این نوع مواجه شده و می‌خوانیم که :

« با چند دوست که تحصيلات عاليه نيز دارند و به نوعي تخصص هايشان ارتباط مستقيم با درد مردم دارد درباره نقش سازمان هاي غير دولتي و فعاليت هاي اجتماعي در ايران صحبت مي كردم . آن دوستان اين كارها را فقط سرگرمي و دلخوشي مي دانستند و اينكه اين فعاليت ها هيچ قدمي براي بهتر شدن جامعه در جهان سوم بخصوص ايران ندارد براي مثال NA فايده اي ندارد چون روز به روز آمار اعتياد بيشتر مي شود . و جراحي و درمان كودكان بي بضاعت فايده اي ندارد چون آنها سالم شدند خودشان تبديل به افرادي مي شوند كه باز اشتباهات ديگران را تكرار ميكنند و اينگونه اين فعاليت ها هيچ تاثيري بر روي توسعه و تغيير در جامعه ندارد . و سازمان هاي غير دولتي تعداد بسيار كمي را ميتوانند تحت پوشش قرار دهند و اين تعداد كم به جايي نمي رسد .

نویسنده درادامه می نویسد :

« دوستان عزيز مي خواهم نظر همه شما عزيزان را بدانم . در حال حاضر سازمان هاي غير دولتي در جوامعي مانند ايران چه جايگاهي دارند و آيا شما با نظرات اين دوستان تا چه اندازه موافق يا مخالف هستيد؟ »

در پرسش بالا نویسنده خواهان نظر سنجی از دوستانی با تحصیلات دانشگاهی است و می‌خواهد واقعاً بداند نظر آن‌ها در مورد فعالیت مرد می به ابتکار شهروندان چیست؟ او می‌خواهد بداند آیا صرف برپا کردن یک موسسه حمایتی برای کمک به بچه‌های کار، زنان بیسواد، معتادان یا بیماران مبتلا به ایدز اصولا نفعی برای کل جامعه دارد؟

این سوالات آدم را به فکر می اندازند؟ و خواننده علاقه‌مند را کنجکاو می کند . اگر چه داشتن تحصیلات دانشگاهی لزوما دلیلی بر توانایی کافی برای تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی نیست، اما به هرحال از افراد تحصیل کرده و هم شهر وندان مرفه انتظار می‌رود که نسبت به معضلات جامعه بیشتر حساس باشند، در حل و فصل مشکلات اجتماعی بیشتر احساس مسئولیت کنند و اگر می توانند بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را در اختیار محرومان قرار دهند .

یک دست صدا ندارد !

درپاسخ به پرسش های طرح شده نظرات متفاوتی مطرح خواهند شد . بدون شک گروهی خواهند گفت که نه این کارها هیچ فایده‌ای ندارد و بهتر آنکه به جای اقداماتی از این دست فکر اساسی برای جامعه بکنید . یعنی اول متحد و همراه شوید، بعد قدرت سیاسی را تصاحب کنید،،بعد دموکراسی را احیا و اقتصاد را رونق دهید . و سرانجام با برنامه‌های استراتژیک درازمدت ریشه تمام نابسامانی ها را بخشکانید . درواقع برای اجرای مو به موی این طرح در شرایط مساعد و از بین بردن مشکلات بیشمار مردم درایران حداقل به چند دهه وقت نیاز داریم .

گروه دوم شاید بگویند ما فعلاً راه درازی برای رسیدن به آرزوها و ایده‌آل‌های خود داریم،اما عجالتاً بهتر است دست روی دست نگذاریم و از همین کارهایی که به نظر شما درنهایت تأثیر چندانی دربهتر شدن اوضاع ندارند، شروع کنیم . همین قدر که بتوانیم مخارج تحصیل کودکی را بپردازیم تا مجبور نشود ساعتها درمیان ماشین‌ها گل فروشی کند و به جای پرسه زدن دراتوبان ها به مدرسه برود، خودش خیلی کار مهمی است . فکرش را بکنید اگر هر ایرانی که دستش به دهنش می‌رسد، مخارج زندگی یکی از این کودکان را تأمین کند، ما خواهیم توانست هزاران طفل بی‌گناه را بجای دست فروشی درخیابان به کلاس درس بفرستیم .

انصافاً چه کسی واقعاً می‌تواند کمک به این کودکان را بی‌اهمیت جلوه دهد؟

اما گروه سوم، آنها با تجربه فعالیت مستمردر نهادهای مردمی و یا سالها تحقیق درباره چگونگی تحقق یک فرهنگ دموکراتیک مبتنی برعدالت اجتماعی جور دیگری به این قضیه نگاه خواهند کرد . به این معنی آن‌ها

می‌پرسند که آیا تنها هدف برپایی یک سازمان غیردولتی کمک مادی یا معنوی به گروه‌های آسیب‌پذیر است؟ یا باید ابعاد دیگر قضیه را هم درنظر بگیریم .

برای نمونه ما از طریق حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر به ایجاد یک فرهنگ مبتنی بر ضوابط حقوق بشری، افزایش احساس مسئولیت درشهروندان، برپایی شبکه‌های مدنی و دریک کلام ساختن تدریجی یک جامعه بهتر مشغولیم . برپایی یک شبکه کمک رسانی به محرومان در واقع ایجاد فضایی است برای تمرین دموکراسی، برای ایجاد حس همکاری جمعی، برای نشان دادن تفاوت‌های افراد و تمرین مهارت های شخصی، برای فزونی آگاهی اجتماعی و قدرت گروهی از شهروندان در حل وفصل مشکلات در محله، ده و شهری که درآن زندگی می کنند . درچنین شرایطی افراد به قدرت فکر و عمل خود بیشتر واقف می‌شوند و با دیدن نتایج مثبت کارشان به ادامه کار تشویق می‌شوند . حتی درشرایطی که ادامه کارشان به دلیل مشکلات متعدد وجود ندارد، در پی چاره‌جویی برمی آیند . مقابله با مشکلات میزان مقاومت فردی و اجتماعی افراد را بالا می برد . به این دلایل کار دریک پروژه جمعی و داوطلبانه اصولاً تمرینی برای افزایش توانمندی فردی و جمعی شهروندان و در راستای ایجاد یک فرهنگ دموکراتیک و دموکراسی است .

افزون برآن افراد دریک پروژه خدماتی جمعی یاد می‌گیرند تا کندوکاش و کنجکاوی کنند، تجزیه و تحلیل کنند . دنیای اطراف خود را بهتر بشناسند . برای انتقاد از لوایح ناکارامد و مبارزه با فساد در دستگاه‌های اجرایی به دانش لازم مسلح شوند . و دریک کلام حقوق خود و دیگران را بشناسند . به قدرت خود برای حل معضلات ایمان بیاورند . از موانع سخت و درگیری با دستگاه‌های اجرایی نهراسند و درنهایت برای از بین بردن تبعیض ها اقدام کنند .

دراین شیوه استدلال درحقیقت به نیروی تک تک افراد در یک فعالیت گروهی باور داریم . لازمه ساختن یک فرهنگ انسانی و مترقی به کار گرفتن انرژی افراد در راه عملی جمعی و مفید به حال مردم است به همین دالایل یک کنشگر مدنی مطالبه محور است . پس برای داشتن یک جامعه مدنی مقتدر باید از استعداهای افراد درهمین فعالیت‌های به ظاهر کوچک استفاده کرد . و از نهادهای مردمی برپا شده به دست خود شهروندان شروع کرد .

آن سؤال و این بحث ما را متوجه اهمیت تقویت فعالیت‌های غیر دولتی و هم تلاش داوطلبان کوشا و بی ادعا می کند . نهادهایی که با امکانات کم شروع می‌کنند و با حمایت مرد م می‌توانند دامنه فعالیت شان را گسترش دهند . برای مثال می‌توانیم از تجربه کشورهایی که دراین زمینه بسیار موفق بوده‌اند نام ببریم . مانند سازمان های غیردولتی درهند که در ایجاد بازار کار و یا مبارزه با بیسوادی در این کشور خدمات موثری انجام داده اند .

برای تعمق درباره اهمیت فعالیت سازمان های غیر دولتی درپیشبرد جامعه می‌توان نگاهی سریع به چگونگی پا گرفتن بعضی از مشهورترین سازمان های بین‌المللی مانند عفو بین الملل و یا مدافعان محیط زیست یا Green Peace انداخت، که اغلب به ابتکار یک یا چند نفر برپا شده و درادامه با تلاش همه جانبه توانسته اند به مهمترین سازمان های غیردولتی درسطح جهان بدل شوند .

بنابراین اگر که قصد ما ایجاد جامعه مدنی به عنوان ستون اصلی برای برپایی دموکراسی درایران باشد، و جامعه محوری هدف غایی، باید از برپایی انواع شبکه‌های خدماتی مردمی استقبال و با احساس مسئولیت از آن‌ها حمایت کنیم . فعالیت‌های داوطلبانه را در تمام زمینه‌ها گسترش دهیم و باور کنیم که هر اقدام فردی و یا جمعی هر چند هم کوچک درنهایت مثبت و مؤثر خواهد بود .

—

جامعه مدنی درآینه اخبار
2012-09-24 · Archive ID 1329
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1329

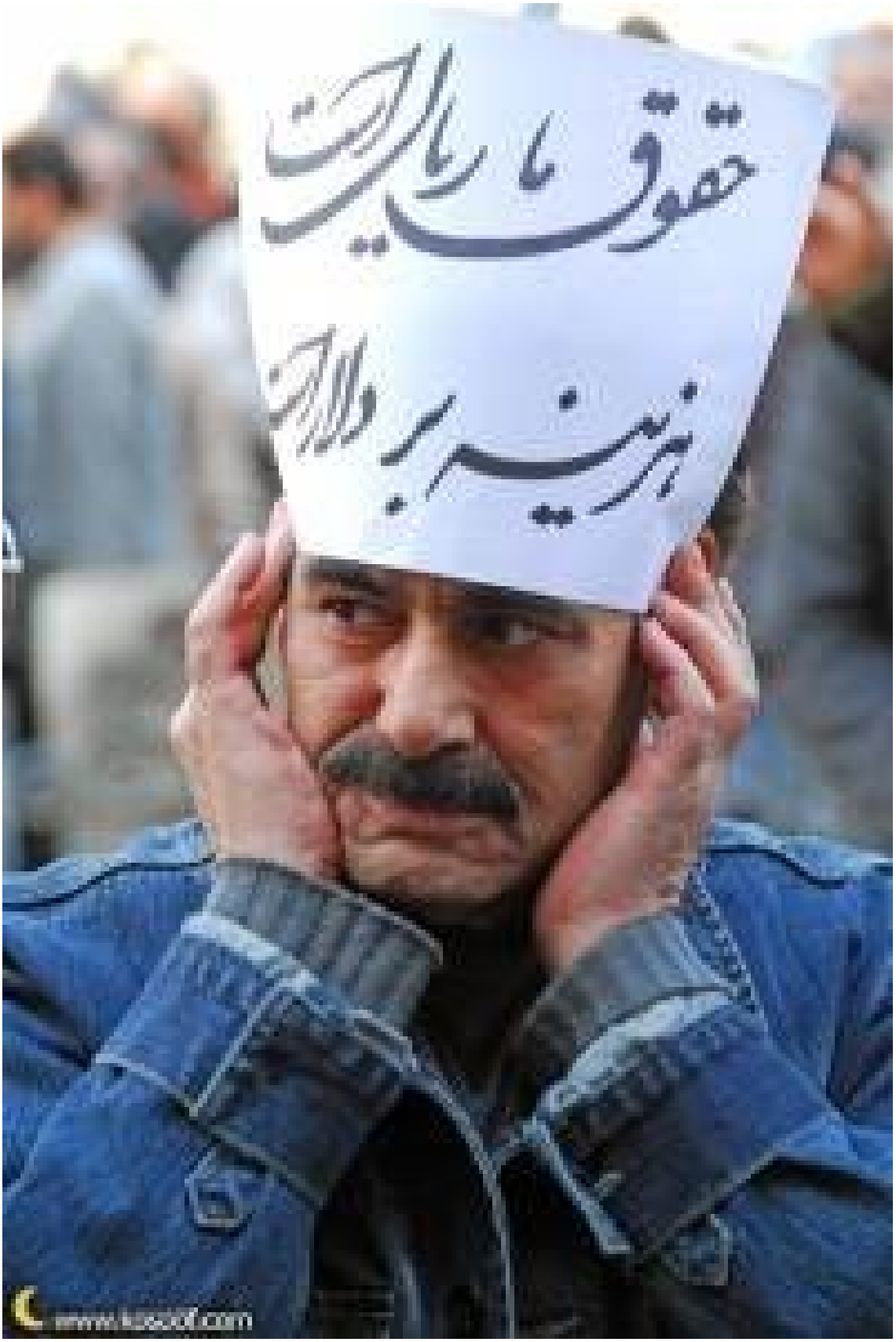
عرصه سوم - اعتراضات شهروندان معلم و هزاران کارگر به شرایط نامساعد شغلی و فشار شدید اقتصادی در روزهای گذشته درصدرخبرها بود . درگزارش این هفته پریسا کاکایی خلاصه ای از مهمترین اخبار جامعه مدنی را در اولین روزهای پاییز می خوانید .

صدای معلمان معترض باشیم - با آغاز سال تحصیلی و بازگشایی مدارس بار دیگر معلمان در اعتراض به وضعیت شغلی و اقتصادی خود، در مقابل مجلس دست به تجع زدند . در طول سال های اخیر، صنف فرهنگیان بارها نسبت به وضعیت معیشتی معلمان، فقر، گرانی و دستمزدهای پائین معترض بوده و گردهمایی های اعتراضی راه انداخته اند . و اغلب تعدادی از آنان بازداشت شده که اکنون در زندان به سر می برند . امسال نیز معلمان با افزایش تورم و فشار اقتصادی ، گسترده تر از پیش در مقابل خانه ملت جمع شده و خواستار توجه مسئولان شدند . در این میان معلمان حق التدریسی که از امنیت شغلی کمتری برخوردار هستند در شرایط نابسامانی قرار دارند . سایت ملی – مذهبی از قول یکی از آموزگاران حق التدریسی معترض نقل می کند که : « هشت سال در مدارس تهران با کمترین دستمزد و مزایا به قول خودشان به شغل شریف معلمی مشغول بوده ام ، اما باز می گویند شرایط استخدام را ندارم ! گرانی و تورم بیداد می کند و حاصل آن فقر و بدبختی برای قشر معلمان است . البته معلمانی که در استخدام آموزش و پرورش هستند شرایط بهتری دارند و حداقل دغدغه بیکاری را ندارند . اما من که حق التدریس هستم مزایایی شامل حالم نمی شود و امنیت شغلی ندارم... هر بار هم که لب به اعتراض باز می کنیم یا اخراج می شویم یا وصلش می کنند به سیاست و نیروهای خارجی ! وزیر آموزش و پرورش می گوید که معلم حق التدریسی نداریم . پس من و امثال من که به شکل حق التدریس مشغولیم جزو چه گروهی قرار می گیریم؟ »

بر همین اساس، فرهنگیان معترض، اقدام به تشکیل کمپینی تحت عنوان " حمایت از معلمان در بند " کرده اند و ضمن تأکید بر ضرورت اجرای تعهدات داخلی و بین المللی توسط مقام‌های مسئول جمهوری اسلامی در خصوص خواسته‌های معلمان، از فعالان مدنی در سراسر جهان خواسته اند که از تاریخ ۸ تا ۱۴ مهر ماه ۱۳۹۱در انتشار صدای رنج معلمان ایرانی به ویژه آنها که در زندان به سر می برند، کوشا باشند . این کمپین هم چنین در بیانیه رسمی خود اسامی تعدادی از معلمان در بند و افرادی که به نهادهای امنیتی، قضایی و انتظامی احضار شده اند را منتشر کرده است . در بیانیه مزبور که درنشریه خبری ایران امروز منتشر شده، آمده است : « مقام‌های مسئول در جمهوری اسلامی ایران عملا نشان داده‌اند که هیچگونه پایبندی به تعهدات بین المللی و قوانین داخلی ایران ندارند؛ چرا که مطالبه حقوق صنفی و حتی درخواست ملاقات با نمایندگان مجلس از سوی معلمان، برخوردهای خشونت آمیز نهادهای امنیتی و قوه قضائیه را برای آنان به همراه داشته است . به گونه‌ای که مقام‌های امنیتی و قضایی، مطالبات صنفی معلمان را امنیتی جلوه داده و برای آنان در دادگاه‌های انقلاب پرونده تشکیل داده‌اند .»

حمایت سازمان ادوار تحکیم از کمپین معلمان

در پی این اقدام، سازمان دانش آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت) نیز با صدور بیانیه‌ای حمایت خود را از کمپین مزبور اعلام کرد . به گزارش ادوار نیوز ، بخشی از متن بیانیه به شرح زیر است : « این سازمان ضمن اعلام حمایت از کمپین سراسری " صدای رنج های معلمان ایرانی به ویژه معلمان دربند باشیم " از تمامی معلمان، دانشگاهیان، جامعه فرهنگی کشور، سازمان‌های مدافع حقوق بشر، گروه‌های سیاسی و هموطنان آزاداندیش، تقاضای همراهی با این کارزار سراسری برای آزادی معلمان دربند دارد تا جمله قدردان و سپاس‌گوی معلمانی باشیم که کوشیدند به فرزندان این دیار « زندگی کردن » براساس آموزه های مدنیت و بنیان‌های حقوق شهروندی را بیاموزند و معلمی را تنها حضور در کلاس و تدریس کتاب های درسی ندانسته و برای رهیدن آینده سازان این مرز و بوم از استبداد جهل و نادانی از هیچ کوششی دریغ نورزیدند .»



سفره خالی کارگران

بیست هزار کارگر واحدهای صنعتی و خدماتی از استان‌های اصفهان، تهران، کردستان، یزد، خوزستان، آذربایجان شرقی، مازندران و مرکزی ، خطاب به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نامه ای اعتراضی نوشته و خواستار افزایش دستمزد کارگران در نیمه دوم سال 1391 شده اند . نخستین نامه در تاریخ ۲۷ خرداد ۹۱ به همراه ۱۰ هزار امضا تحویل وزارتخانه شده بود که هیچ پاسخی دریافت نکرد . عدم پرداخت دستمزد، اخراج، قراردادهای موقت، ناامنی شغلی، دستمزدهای زیر خط فقر و تورم و گرانی از مسائلی هستند که کارگران در نامه خود به آن پرداخته اند . در بخش هایی از این نامه که در خبرگزاری کار ایران، ایلنا منتشر شده آمده است : « جناب وزیر ! در طول سه ماهی که از اولین نامه ما و تحویل طومار اعتراضی کارگران به وزارت کار و رفاه و تامین اجتماعی می‌گذرد علاوه بر افزایش قیمت‌ها، در ده‌ها کارخانه بزرگ و متوسط، کارفرمایان ناهار و بسیاری از مزایای شغلی کارگران از قبیل پاداش و بهره وری کار و ... را نیز قطع کرده‌اند و به آنان فقط مزد پایه را پرداخت نموده‌اند و به این ترتیب فاصله بین درآمد و هزینه‌های جاری زندگی به مرز فاجعه باری رسیده و هستی و حیات خانواده‌های کارگری را در معرض نابودی قرار داده است . لذا ما با تاکید و اصرار بر افزایش عاجل و فوری حداقل دستمزدها در شش ماهه باقی مانده سال، ده هزار امضای دیگر را در اعتراض به سطح دستمزدها و دیگر شرایط کار و زیست کارگران تحویل شما می‌دهیم و بار دیگر بر تامین خواسته‌های میلیون‌ها کارگر که در طومار اعتراضی بر آن‌ها صحه گذاشته شده است پای می‌فشاریم .»

جایزه بین المللی صلح دانشجویی برای مجید توکلی

جایزه صلح دانشجویی که در طول ۱۳ سال گذشته از دانشجویانی که در راه صلح، حقوق بشر و دموکراسی گام بر می دارند، حمایت کرده است امسال به مجید توکلی، فعال دانشجویی زندانی به دلیل فعالیت های صلح آمیزش در راه آزادی بیان و دموکراسی اختصاص یافت . مراسم اهدای این جایزه در فوریه سال آینده در فستیوال بین المللی دانشجویی در تروندهیم نروژ برگزار خواهد شد . به نقل از دانشجو نیوز : « یان تور سنر، نماینده دومین حزب بزرگ سیاسی نروژ نیز در این مراسم گفته است که این جایزه پیام روشنی به رژیم ایران است که جامعه جهانی به اوضاع ایران توجه می کند .»

سرکوب دانشجویان در ایران را پایان دهید

سازمان عفو بین الملل در آغاز سال تحصیلی جدید با صدور بیانیه ای به حمایت از دانشجویان پرداخته است . در این بیانیه به افزایش فشار بر دانشجویان در سراسر ایران و همچنین اعمال محدودیت برای تحصیل دختران و محرومیت اقلیت های دینی و دانشجویان از تحصیل پرداخته شده است . عفو بین الملل ضمن قانونی خواندن حق تشکیل سازمان ها یا تجمع و تظاهرات صلح آمیز برای دانشجویان، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه دانشجویان دربند از جمله ضیا نبوی، مجید توکلی و بهاره هدایت شده است.

بازداشت بیش از ۳۰۰ مسیحی

بازرسان حقوق‌بشر سازمان ملل در بیانیه مشترکی که روز پنجشنبه ۳۰ شهریور در شورای حقوق بشر در ژنو منتشر کردند،اعلام کردند در دو سال گذشته، بیش از ۳۰۰ مسیحی در ایران دستگیر شده‌اند . به گفته احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، در حالی که قانون اساسی ایران مسیحیت و آزادی فعالیت پیروانش را به رسمیت می‌شناسد و در سطح بین‌الملل نیز در این مورد متعهد است، فشار بر پیروان مسیحیت را ادامه داده و بسیاری از آنها را مورد آزار و اذیت قرار می دهد . بنا بر خبر رادیو فردا ، هاینر بیلفلدت گزارشگر ویژه آزادی مذهب شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز خواستار حمایت عملی از حق آزادی ادیان برای مسیحیان و همچنین احترام به دیگر ادیان و مذاهب از جمله بهاییان و دراویش‌های گنابادی شده است .

نامه کیوان صمیمی به کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل

کیوان صمیمی رئیس زندانی انجمن حقوق شهروندی در نامه ای خطاب به « ناوی پیلای » کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد ضمن شرح وضعیت ناگوار محمد نظری که به اتهام هواداری از حزب دمکراتیک کردستان بیش از ۱۹ سال است که بدون یک روز مرخصی در زندان به سر می برد، از وی خواسته است که در جهت بهبود اوضاع این شهروند ایرانی اقدامات بشردوستانه در پیش گرفته و به او کمک کند . به نقل از کلمه ،

صمیمی هم چنین از تمامی فعالان حقوق بشر خواسته است صدای این زندانی را که از ۲۰ روز پیش با دوختن دهان خود، دست به اعتصاب غذا زده است، به گوش مسئولان قضایی برسانند .

زندانیان سیاسی

برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، که برنامه مشترک فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) و سازمان جهانی مبارزه با شکنجه (OMCT) است حکم صادر شده برای کوهیار گودرزی را محکوم کرده و از طریق وب سایت جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران ضمن ابراز نگرانی نسبت به سرنوشت وی، خواستار نگارش نامه به دولتمردان ایرانی و درخواست آزادی فوری و بی قید و شرط این فعال حقوق بشر و شش نفر دیگر از جمله شیوا نظرآهاری، سعید جلالی فر، نوید خانجانی،حسین رونقی ملکی،عیسی سحرخیز و ژیلا بنی یعقوب شده است .

جمعی از فعالین مدنی نیز در حالی که سعید متین پور پنجمین سال زندان را پشت سر می گذارد، مراسم تولد وی را در زنجان و در منزل او برگزار کردند . بر اساس گزارش سایت ملی – مذهبی در این مراسم، علاوه بر سخنان همسر متین پور در مورد غیرمنصفانه بودن تصمیمات سیستم قضایی، رضا عباسی از فعالین آذربایجانی و فعال سابق دانشجویی نیز به روند غیرقانونی پرونده این روزنامه نگار اشاره کرد و گفت :

« سعید از تمام حقوق قانونی و طبیعی یک زندانی محروم گشته و حتی حق تماس با نزدیکترین اعضای ، خانواده را نیز ندارد و تنها رابطه وی با خانواده، تماسهای چند دقیقه‌ای هفتگی از پشت کابین زندان است . با هر گونه مرخصی برای وی مخالفت می شود و این در حالی است که وی نیاز مبرم به درمان و معالجه توسط پزشک متخصص دارد .»

فعالان زن علیه آیین خون بس

رادیو زمانه خبر از عدم ثبت آیین خون بس رایج درمیان اقوام لر در فهرست میراث ملی ایران داده است . پیرو این آیین زمانیکه بر اثر درگیری میان دو طایفه یا خانواده فردی به قتل می‌رسد، یکی از دختران یا نزدیکان خانواده قاتل به اجبار به عقد یکی از نزدیکان مقتول درآورده می‌شود تا درگیری پایان یابد . سازمان میراث فرهنگی ایران در تلاش بود که این آیین را به عنوان یک میراث ملی ایران به ثبت برساند اما فعالان حقوق زنان و حقوق بشر با ابراز مخالفت خود در شبکه های اجتماعی و هم چنین انتشار بیانیه مانع از این عمل شدند . در بیانیه‌ای که روز 29 شهریور با امضای نزدیک به ۳۰۰ نفر منتشر شد، به ازیاد موارد افسردگی، فرار، خودکشی و خودسوزی در میان عروسان خون‌بس اشاره شده است .

—

از کمپین معلمان دربند حمایت کنید

2012-09-27 · Archive ID 1338
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1338

عرصه سوم - سال تحصیلی جدید و بازگشایی مدارس در ایران با گردهمایی اعتراضی گروهی از معلمان به شرایط استخدامی همراه بود . اعتراضات معلمان برای تغییر وضعیت شغلی مانند مطالبات صنفی کارگران اغلب با بی توجهی سازمان های مسئول و برخورد خشونت آمیز مواجه شده و هم درگذشته گروهی از معلمان معترض بازداشت و زندانی شده اند . اکنون در آغاز سال تحصیلی گروهی از آموزگاران و فعالان مدنی با تشکیل کمپین : « حمایت از معلمان دربند » خواهان آزادی معلمان زندانی و رسیدگی دولت به مشکلات متعدد فرهنگیان کشورند .

این کمپین با حمایت شیرین عبادی رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و حمایت گروه « مادران پارک لاله » به راه افتاده و مبتکران آن از تمام سازمان های مدنی و مدافعان حقوق بشر می‌خواهند که از تاریخ بیست و نهم سپتامبر تا پنجم اکتبر که روز جهانی معلمان است برای احقاق حقوق معلمان در بند فعالیت کنند و هم نسبت به برخوردهای خشونت آمیز مقامات دولتی با مطالبات معلمان اعتراض کنند . این کمپین نام سی و نه معلم را

اعلام کرده است که سه تن آن‌ها به اعدام محکوم شده‌اند و پنج تن از آنان زندانی و بقیه منتظر اعلام حکم دادگاه هستند .

بنیاد عرصه سوم ضمن پشتیبانی از این کمپین خواهان توجه و اعتراض مدافعان حقوق بشر به ممنوع التدریس شدن گروه دیگری از آموزگاران اهل سنت در استان کردستان است که در مدرسه‌های دینی تدریس می کنند .

منصوره شجاعی نویسنده و فعال حوزه زنان در مقاله خود در سایت روز در باره حمایت از این کمپین می نویسد :



« در حالی که ممنوعیت فعالیت آزادانه و مستقل انجمن صنفی معلمان مشکلاتی چون محرومیت ازتدریس، بی پناهی، تنگدستی و فشارهای امنیتی - قضایی رابرای معلمان دوچندان کرده است، نظام آموزشی کشور به جای حمایت و پشتیبانی از معلمان و مستخدمان دستگاه اداری خویش، همچون بخشی از دستگاه امنیتی قضایی وبی اعتنا به منافع استراتژیک آموزشی کشور عمل می کند . در مواجهه با چنین وضعیتی آنچه برعهده کنشگران جامعه مدنی است یافتن شیوه هایی برای حمایت از اعضای آن است . فقدان حضور انجمن ها و اتحادیه های صنفی، مسئولیتی مضاعف بردوش کنشگران جامعه مدنی نهاده است تا نسبت به نقض حقوق فردی و مدنی اصناف مختلف از جمله معلمان اعتراض های مدنی خویش را در اشکال مختلف نشان دهند . راه اندازی کمپین های حمایتی، ایجاد نهادهای آلترناتیو، اعلام همبستگی از طریق انتشار بیانیه ها، برپایی مراسم نمادین و... . شیوه هایی است مدنی در نمایش مسئولیت جامعه مدنی نسبت به آنچه بر اعضای آن می گذرد .”

ممنوع التدریس شدن گروهی از معلمان قرآن در کردستان

گروهی از معلمان دینی درآغاز سال تحصیلی حق رفتن به کلاس درس را ندارند. اقدام غیرقانونی دیگری که نشانگر تنگ نظری و سیاست تبعیض آمیز مقامات دولتی در پایمال کردن حقوق اقلیت‌ها است .

درگزارش رادیو زمانه در این باره می‌خوانیم که :

"آموزش و پرورش استان کردستان، ۱۷ نفر از دبیران و معلمان شهرهای سقز، مریوان، بانه، قروه و موچش را از تدریس ممنوع کرد . تارنمای آژانس خبری موکریان امروز چهارشنبه پنجم مهرماه نوشت مدیران آموزش و پرورش شهرهای مذکور با دستور شفاهی مأموران حراست، اقدام به " تغییر پُست دبیری به معاونت اجرایی (امور دفتری)" ۱۷ نفر از دبیران و معلمان استان کردستان نمودند .

این ۱۷ نفر با گروه مکتب قرآن فعالیت می‌کرده‌اند . مکتب قرآن، مدارس دینی اهل سنت در کردستان است که پیش از انقلاب توسط احمد مفتی‌زاده بنیان گذاشته شد . این مدارس ابتدا در سال ۱۳۵۶در سنندج و مریوان به صورت مدرسه قرآن تأسیس گردید و بعدها به مکتب قرآن تغییر نام داد .

احمد مفتی‌زاده مجتهد اهل سنت بود که در زمان حکومت پهلوی دو سال و در دوران جمهوری اسلامی نیز ۱۰ سال زندانی بود . او پس از آزادی از زندان در بهمن‌ماه سال ۱۳۷۱ درگذشت .

سایت مکتب قرآن نوشته است مسئولان استان کردستان از چند ماه گذشته وعده برخورد شدید را داده بودند

به گزارش آژانس خبری موکریان این فرهنگیان پس از اعتراض به مدیران آموزش و پرورش شهرستان محل خدمت خود، به رئیس آموزش و پرورش استان مراجعه کردند که او نیز با این استدلال که حرکت مکتب قرآن در نظام جمهوری اسلامی مقبولیت ندارد و غیرقانونی است، این دستور را تأیید کرده است .

به گفته یکی از این افراد که نام او ذکر نشده است روز سه‌شنبه ۲۸ شهریورماه سال جاری این معلمان برای دفاع از حق خود، به وزارت آموزش و پرورش مراجعه کردند و با غیرقانونی دانستن حکم شفاهی تبدیل پست دبیری به معاونت اجرایی مدرسه، با تأکید بر این مطلب که حکم مذکور تبعیض‌آمیز است قول مساعد برای لغو رأی صادره از طرف مسئولان شهرستان‌ها گرفتند؛ اما این حکم سپس تأیید شد .

ابوبکر نوری، حسین عبدی‌پور، محمدجمال هبکی و حبیب فرزام‌نیا از شهر سقز؛ خالد ظهیری، جلال منوچهری، ملک ذکریایی‌نسب و محمدعلی داربوی از مریوان؛ عثمان عبدی، جلال کرمی، صلاح‌الدین معروفی، عثمان محمدی و عبدالسلام فتح‌اللهی از شهر بانه؛ ابراهیم مرادپور، رسول خداکرمی و بهرام سلیمانی از قروه؛ و یوسف حمه‌ویسی از شهر موچش که هر کدام از ۱۷ تا ۲۹ سال سابقه کار داشتند، معلمان محروم شده از تدریس هستند .

سایت مکتب قرآن نیز نوشته است مسئولان استان کردستان از چند ماه گذشته وعده برخورد شدید را داده بودند .

این سایت نوشته است معلمان ممنوع از تدریس به لحاظ علمی و اخلاقی " جزو بهترین دبیران و معلمان شهرهای خود " هستند . این اقدام در حالی صورت گرفته است که شورای مدیریت مکتب قرآن گفته است این گروه در حال حاضر هیچ‌گونه فعالیت سیاسی ندارد .

شورای مدیریت مکتب قرآن همچنین این گونه برخوردها را " مقابله با عقیده و افکار و مذهب اهل سنت " دانسته است .

احمد شهید و هاینر بیله‌فلت، گزارشگران ویژه سازمان ملل در رابطه با حقوق بشر در ایران و آزادی دین روز ۳۱ شهریورماه سال جاری با انتشار بیانیه‌ای نسبت به وضعیت اقلیت‌های دینی در ایران ابراز نگرانی کردند . "

—

ارتباط بدون خشونت ، زبان زندگی

2012-09-27 · Archive ID 1341
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1341

عرصه سوم - از مهمترین وجوه ترویج فرهنگ حقوق بشری درجامعه مبارزه با خشونت رسمیت یافته در بافت فرهنگی و ساختار قدرت سیاسی است که به عادی بودن خشونت آشکار و پنهان در قوانین و جامعه مشروعیت می بخشد . هم چنین مبارزه با سیاست‌های مبتنی بر جنگ افروزی در عصر ما که به گونه‌ای وسیع در منازعات میان دولت ها و جوامع انسانی رواج دارند . در دوران ما مدافعان صلح، مصلحان اجتماعی و گروه‌های وسیعی از مردم با تأکید بر روشهای مسالمت آمیز بارها توانسته اند جنبش های مدنی و دموکراتیک را رهبری کرده و زمینه پیشرفت جامعه را در کشورهای خود فراهم کنند . نمونه‌های بیشماری را در این زمینه می‌توانیم نام ببریم . از مبارزات استقلال مردم هند تا جنبش های مدنی دهه شصت قرن بیستم در غرب، و هم احیای صلح آمیز دموکراسی در اروپای شرقی و فروپاشی آپارتاید درافریقای جنوبی .

برای تغییر سیستم های ارزشی، اخلاقی رایج که استفاده از خشونت را به شیوه‌های مختلف تولید و باز تولید می کند . و هم به تنفر درمیان گروه‌های مردم، و یا سرکوب شهروندان توسط دولت ها تداوم می بخشد، باید مبنای حرکت در ایجاد تفکر و رویکرد مبتنی بر پرهیز از خشم و سرکوب باشد . پرهیز از دامن زدن به نفرت قومی و مذهبی، طرد کردن افراد، اجرای مجازات های بیرحمانه، پرهیز از انتقام جویی و رواج قصاص و به قولی مبارزه با فرهنگ چشم دربرابر چشم . سنتی که مهاتما گاندی درهند با آن درافتاد، زیرا به قول او اگر به این رسوم بدوی پای بند باشیم دیگر بینایی برروی کره زمین نخواهد ماند !

یکی از دستاوردهای بزرگ درزمینه ساختن و آموزش فرهنگ خشونت پرهیز توجه متخصصان و صاحب نظران به تئوریزه کردن مبانی این فرهنگ، برای آموزش عملی آن درتمام سطوح جامعه است . علوم تربیتی جدید در دنیای پیشرفته با تأکید بر پرهیز از به کارگیری خشونت فیزیکی و روانی مبنای ترویج فرهنگ تحمل و مداراگر هستند و در تربیت افراد درسطوح مختلف نقش مهمی را بر عهده دارند .

متخصصان صاحب نظر دراین زمینه با هدف دگرگونی فرهنگ روابط انسانی از منظر خشونت پرهیزی و با مطالعات وسیع روانشناختی و جامعه شناختی پیوسته در کاوشند تا بتوانند راهکارهای عملی برای بهتر کردن کیفیت ارتباطات انسانی ارائه دهند . راهکارهایی که می‌توان از آن‌ها در تمام حوزه های ارتباطی چه درسطح خانواده و چه در سطح جامعه استفاده کرد . تمرکز اصلی در تمام این تئوری‌ها و دستور العمل ها آگاهی بخشی برای تغییر اساسی رفتارهای بی رویه و خشن در زندگی روزانه افراد، در روابط شغلی و در آیین‌ها و سنت هاست .

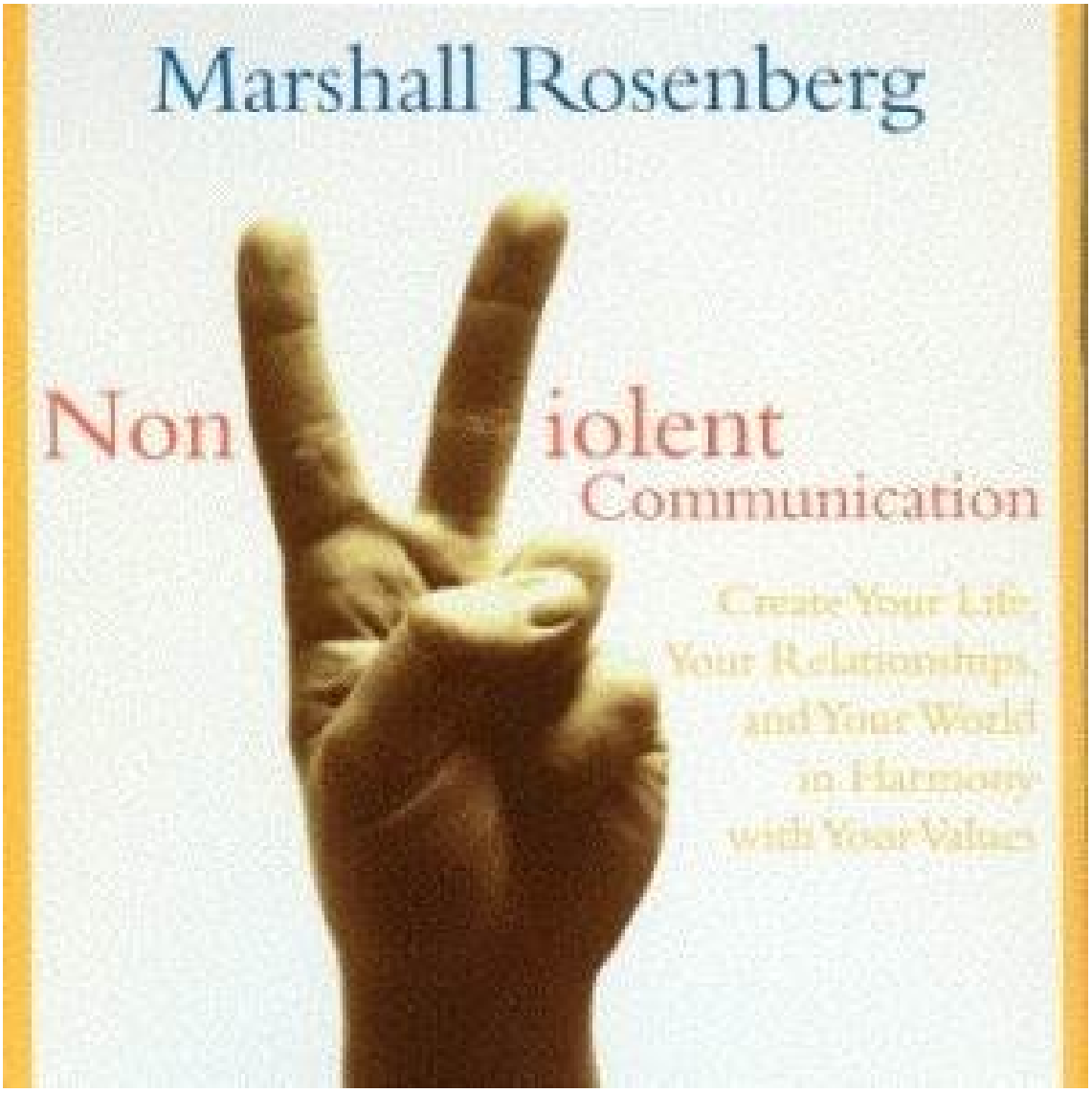
مارشال روزنبرگ

یکی از مدافعان این تفکر مارشال روزنبرگ روانپزشک آمریکایی است . او متخصص معروفی درزمینه مبارزه با خشونت درارتباطات انسانی است . روزنبرگ پس از سالها کار به عنوان روانکاو یافته های خود درزمینه خشونت پرهیزی در روابط افراد و هم در روابط میان نهادهای اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی را تئوریزه کرد .

او در کتابش معروفش به نام « ارتباط بدون خشونت ، زبان زندگی » تئوری و مدل مورد نظرش در زمینه ارتباط میان افراد را به زبان ساده توضیح می دهد . و با ارائه مثال‌های متعدد نشان می‌دهد که چگونه اشخاص و گروه‌های درگیر در درجه اول قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر نیستند و به همین علت نمی‌توانند مشکلات موجود را حل کنند . اما با تغییر شیوه برخورد، می توانند با درک و مشاهده واقعی یکدیگر، متقابلا راه‌های جدیدی برای حل مسائل مابین خود پیدا کنند . اساس تئوری روزنبرگ یادگیری مهارت های جدید ارتباطی و خشونت پرهیز است . روشهایی که از دل برخورد انتقادی با سنت‌های جاافتاده و مقبول مردم بیرون آمده و ناکارآیی آن‌ها را در عمل نشان می دهد .

روزنبرگ در کتابش پرسش های مهمی را مطرح می کند . او با این سؤال که به چه دلیل افراد برای رسیدن به مقاصد خود از خشونت استفاده می‌کنند، شروع می کند . او خواهان دگرگونی اساسی در ساختارهای سلطه گرانه از هر نوع در ارتباط میان افراد است . و نه تنها به اقتدار و تسلط درسیاست و اقتصاد می‌پردازد، بلکه فرهنگ روابط روزمره را هم به چالش می کشد .

برای مثال معتقد است که باید دردردرجه اول به ساختار قدرت و کنترل در زبان و کلمات توجه کنیم . زبان ارتباطی باید از ایجاد انرژی منفی، قدرت نمایی، کنترل، سرزنش و قضاوت بر مبنای خوبی و بدی پالایش شود . به نظر او در مکالمات روزمره مبنای قضاوت اغلب نه مشاهده دقیق، یا گوش دادن و توجه به احتیاجات افراد بلکه قضاوت سریع بر مبنای منافع شخصی و پیشداوری های رایج است . نداشتن اعتماد به نقس در افراد و ترس از مورد قضاوت قرار گرفتن اغلب آن‌ها را به احساس ناامنی و اضطراب دچار می کند . به همین علت بسیاری از روابط انسان‌ها از عمق و درک متقابل تهی می شوند . یکی از این مهارت های مهم در بهتر کردن ارتباطات چه در خانواده و یا کارگروهی برحذر داشتن افراد از اعمال قدرت زبانی و به کارگیری واژه‌های تهدید آمیز در هنگام اختلاف نظر است که چه بسا به بالا گرفتن مشاجره و درنهایت به نزاع فیزیکی منتهی می شود .



روزنبرگ درادامه با بررسی فرهنگ تشویق و تنبیه از آن انتقاد می کند . به نظر او تشویق و تنبیه کردن در تمام فرهنگ‌ها کارآیی داشته، اما در ضمن زمینه‌ساز تداوم سلطه و زور هم بوده است . به نظر او روشهای تشویق و تنبیه تا کنون نتوانسته است مشکلات بشر را حل کند . تئوری‌های او در حذف تشویق و مجازات به ایجاد بحث‌های جدیدی منجر شده است . منتقدان او می گویند، آیا واقعاً می‌توان مجازات کردن را از فرهنگ و قوانین حذف کرد؟

به طور خلاصه روزنبرگ خواهان یک بازبینی دقیق دربدیهیات رفتاری رایج درمیان مردم است . او با تکیه بر مشاهدات کلینیکی روان پزشکی خود و هم مبارزات مدنی مردم آمریکا در سالهای شصت قرن گذشته اساس تئوری خود را بر تغییر بنیادی شیوه های رایج ارتباطی بنا کرده است . بر دگرگونی بدیهیاتی که اغلب در دوران کودکی در روان فرد نهادینه و در فرهنگ رسمی سلطه و کنترل مشروعیت یافته اند . و در زبان، ساختار فرهنگی و قوانین جامعه ریشه دارند . او معتقد است که با استفاده از مهارت های ارتباطی جدید و مبتنی بر درک افراد از نیازهای یکدیگر درسطح خانواده، در محیط کار، درمناقشات اجتماعی و سیاسی، آنان خواهند توانست واقعاً با هم رابطه مبتنی بر همدری، عشق و نیاز متقابل برقرار کنند . و در تفاهم، صلح و آرامش بیشتری با یکدیگر زندگی کنند . ایجاد فرهنگی مبتنی بر دوستی، امنیت، حمایت و اعتماد اساس راهکارهای او را تشکیل می دهند .

مارشال روزنبرگ با برپایی جلسات آموزشی متعدد در سراسر دنیا توانسته است برای حل مشکلات خانوادگی،حل و فصل روابط کاری در مؤسسات و غیره اقدام کند کتاب‌ها و راهکارهای عملی او در ایجاد فرهنگی مبتنی بر احترام به حقوق افراد و عدم به کار گیری خشونت در روابط انسانی در بیش از پنجاه کشور جهان منتشر، هم در مددکاری اجتماعی و پایان دادن به مناقشات درمیان خانواده‌ها و مؤسسات در ایالات متحده، درامریکای جنوبی، کشورهای اروپایی، روسای قبایل در روندا، و حتی مناقشات محلی میان مردم فلسطین و اسراییل مؤثر بوده اند .

سری ویدیویی آموزش های روزنبرگ بر روی اینترنت دردسترس است . و کتاب « ارتباط بدون خشونت، زبان زندگی » به زبان فارسی هم ترجمه شده است .

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-10-01 · Archive ID 1345
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1345

عرصه سوم – خلاصه مهمترین اخبار هفته گذشته را درگزارش پریسا کاکایی می خوانید.

سفر محمود احمدی نژاد به نیویورک و حضور او در شصت و هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بحث های گوناگونی را در پی داشت. وی در این سفر از یک سو مورد انتقاد مجلس و برخی مسئولان قرار گرفت و از سوی دیگر در نیویورک با تظاهرات مخالفانش مواجه شد. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر ، تعدادی از ایرانیان مقیم امریکا، به دعوت گروه ضد جنگ، تحریم و سرکوب دولتی «هوار» ، مقابل هتل وارویک، محل اقامت محمود احمدی‌نژاد در خیابان پنجاه و چهارم نیویورک تجمع کرده و با حمل پوسترهای مربوط به زندانیان سیاسی خواستار آزادی فعالان دانشجویی، زنان، کارگران، فعالان حقوق بشر، وکلا، معلمان، روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی و اقلیت‌های قومی و مذهبی شدند. آنها هم چنین انزجار خود را نسبت به جنگ ابراز کرده و بر لزوم پایان دادن به تحریم هایی که زندگی مردم را تحت تاثیر قرار داده است تاکید کردند. در آخر نیز تجمع کنندگان بیانیه ای را قرائت کرده و اظهار داشتند: «ما به اینجا آمده ایم تا به سرکوب نه بگوییم. آزادی، عدالت و خوشبختی حق ماست. ما آمده ایم بگوییم حتی در این روزهای پر واهمه، ما با دلی پر از امید برای ایرانی که می‌خواهیم و دوست خواهیم داشت زندگی می‌کنیم. چرا که مبارزه امری مقدس است اما دائمی نیست. آن چه دائمی است زندگی است.»



جعفر پناهی و نسرین ستوده، کاندیدای جایزه ساخاروف

دویچه وله در گزارشی خبر از اعلام اسامی پنج نامزد نهایی دریافت جایزه‌ی حقوق بشری "ساخاروف" امسال داده است که در این میان، اسامی جعفر پناهی، کارگردان ایرانی و نسرین ستوده، حقوق دان و فعال حقوق بشر نیز به چشم می خورد. این جایزه به یاد آندره ساخاروف، فیزیکدان هسته‌ای اتحاد جماهیرشورویهرسال به فردی که در دفاع از حق آزادی بیان و حقوق بشر مبارزه می کند، اهدا می‌شود. امسال نیز، جعفر پناهی که در جریان فشارهای امنیتی و دستگیری های بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ بازداشت و به اتهام "اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" به ۶ سال حبس تعزیری و ۲۰ سال محرومیت از فیلمسازی محکوم شده بود به همراه نسرین ستوده، فعال حقوق بشر و وکیل بسیاری از فعالان سیاسی، زنان و دانشجویان که حکم 6 سال حبس تعزیری را دریافت کرده است، جزو پنج کاندید دریافت جایزه مزبور اعلام شده اند.

فشار اقتصادی بیشتر بر کارگران

خبر افزایش قیمت ها، کاهش قدرت خرید مردم و خالی شدن سفره کارمندان و کارگران از جمله خبرهایی ست که در ماه های اخیر توجه اذهان عمومی را به تاثیرات تحریم های موجود و مدیریت غلط مسئولان امر جلب کرده است. خبرنگار بازتاب امروز در این باره می نویسد که افزایش قیمت ها تنها شامل کالاهای لوکس نمی شود بلکه دسترسی به اقلام مورد نیاز مردم را نیز دشوار کرده است. اما در این میان، وضعیت اقشار آسیب پذیر به ویژه کارگران بدتر از همیشه است، به گونه ای که دیگر توان تامین هزینه های مربوط به تغذیه، پوشاک، مسکن و حمل و نقل را هم ندارند.

زندگی کارگران نه تنها دستخوش گرانی و عدم توانانی در دسترسی به کالاهای مورد نیاز است بلکه اخراج کارگران، تعطیلی کارخانه ها و بیکاری روز به روز بر این بحران می افزاید و مشکلات مالی این قشر از جامعه را افزایش می دهد. به عنوان نمونه، به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا ، کارخانه پویا خودرو شرق یکی از

کارخانه های قطعه سازی است که به دلیل دشواری های اقتصادی ناچار به تعطیلی شده است و در نتیجه 1300 کارگر از بهمن ماه گذشته به مرور اخراج شده اند. این خبرگزاری در گزارشی دیگر نیز از بیکار شدن ۲۰۰ تن از کارگران شرکت الکتریک خودرو شرق از شرکت‌های وابسته به ایران خودرو خبر داده است. رحمت الله‌پور موسی، رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان خراسان رضوی دلیل این تعدیل نیرو را تحریم و تاثیر آن بر وضعیت اقتصادی کارخانه اعلام کرد.

تجمع 59تن از رانندگان سازمان اتوبوسرانی در مقابل ساختمان شورای اسلامی شیراز تیتر خبر دیگری ست که خبرگزاری ایلنا به آن پرداخته است. بر اساس این گزارش، رانندگان مزبور از سال ۱۳۸۱ باز خرید شده‌اند اما همچنان با مسائلی چون عدم رعایت حداقل حقوق، مزایا وعنوان شغلی در پرداخت حق بیمه مواجه هستند. علاوه بر این تحقق نیافتن وعده رییس جمهور مبنی بر تبدیل وضعیت قرارداد نیروهای شرکتی یکی دیگر از دلایل اعتراض این رانندگان برشمرده شده است.

پیام کارگران زندانی

در این میان، دو فعال کارگری محبوس در بند ۳۵۰ ، پیامی را به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید ارسال کرده اند. رضا شهابی، عضو هیات مدیره سندیکای کارکنان شرکت واحد و اتوبوس رانی تهران و حومه و اسعد(بهنام) ابراهیم زاده، عضو کمیته های هماهنگی و پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگر که هر کدام به ترتیب به شش و بیست سال حبس تعزیری محکوم شده اند اکنون در زندان اوین به سر می برند. به نقل از دانشجو نیوز ، آنها در این پیام ضمن اینکه زنگ آغاز سال تحصیلی جدید را نوید دهنده درس تغییر و پیام آزادی و برابری و امنیت دانسته اند نوشته اند: « در این فصل که فاصله ها از میان رفته و دست ها مهربانانه همدیگر را می فشارند باید امتحان نیکو پس داده و کارنامه درخشانی از خود برجای بگذاریم و شاگرد خوب زمانه باشیم. ما از معلم تاریخ آموخته ایم که بعضی فرصت ها یگانه و تکرار ناپذیرند و برای قبولی در آزمون این فصل، سخت باید با جسارت گزینه مقاومت را برگزید.»

علیه کشتار کولبران کرد

در جایی دیگر از اخبار، "کشتار کولبران کرد را متوقف کنید" عنوان بیانیه ای مطرح شده که 238 فعال سیاسی و مدنی با امضای آن به وضعیت نامناسب کولبران کرد (کارگران مرزی که برای کسب درآمد، کالاهایی را که طبق تعریف دولت قاچاق محسوب می‌شوند از مناطق صعب العبور مرزی به داخل شهرها و روستاها منتقل می کنند) اعتراض کرده و خواستار توقف کشتار آنان از سوی مرزبانان شده اند. در این بیانیه که در سایت ملی – مذهبی منتشر شده آمده است: «سالیان سال است که این مرز نشینان کولبر کشته می‌شوند و صدایشان به جایی نمی‌رسد. از سویی صدها نفر قربانی میادین مین می‌شوند و از دیگر سو با شلیک بی‌محابای مرزداران جمهوری اسلامی به قتل می رسند. به ندرت دیده شده است که محافل حقوق بشری و روشنفکری منطقه‌ای و جهانی به حمایت از این قربانیان برخاسته و نسبت به ضد انسانی بودن این روند، مراجع بین المللی را آگاه سازند.» امضا کنندگان از تمامی مدافعان و سازمانهای حقوق بشری و دیگر نهادهای بین المللی خواسته اند که در این خصوص اقدامات بشردوستانه لازم را در پیش بگیرند.

حمایت جهانی از کمپین معلمان

کمپین دفاع از معلمان دربند، در مدت کوتاهی حمایت های متعددی از سراسر دنیا را با خود همراه کرده است. چی جی ال، کنفدراسیون سراسری کار در ایتالیا و اف ال سی، فدراسیون کارکنان دانش، عضو کنفدراسیون سراسری کار در اقدام مشترکی به کمپین دفاع از معلمان دربند پیوستند. به گزارش خبرنامه گویا این دو سازمان، نامه ای سر گشاده را به سفیر جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا ارسال و ضمن بیان جزئیات و ذکر اسامی معلمان دربند، نسبت به نقض حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی کردند. این دو سازمان با تاکید بر نقش مهم معلمان در آموزش و شکل گیری جامعه و فردای کشور، نقض حقوق آنها را به ضرر ایران دانسته اند. آنها هم چنین، در آستانه روز جهانی معلم خواستار پایان دادن به سرکوب معلمین و نمایندگان صنفی آنها شده اند.

در همین راستا، تعدادی از کنشگران ملی – مذهبی خارج از کشور نیز با صدور بیانیه ای حمایت خود را از کمپین مزبور اعلام کرده اند. بخشی از متن بیانیه که در سایت ملی – مذهبی آمده، به شرح زیر است: «کنشگران ملی

– مذهبی خارج از کشور با این اعتقاد که "محدودیت و زندان حق فعالان صنفی نیست"، در آستانه سال جدید تحصیلی از حکومت ایران می خواهد، فشار بر کانون صنفی معلمان و دیگر تشکلات صنفی معلمان را بردارد و با به رسمیت شناختن آزادی فعالیت آنها، معلمان زندانی را آزاد کند. همچنین کنشگران ملی – مذهبی خارج از کشور در راستای دفاع از حقوق مدنی و شهروندی معلمان، از کمپین "صدای معلمان دربند باشیم"، حمایت می کند.»

ممنوع التدریس شدن معلمان اهل سنت

آژانس خبری موکریان ، طی گزارشی از تغییر پست ۱۷ نفر از دبیران و معلمان اهل سنت آموزش و پرورش شهرهای سقز، مریوان، بانه، قروه و موچش خبر داده است.این دبیران ممنوع التدریس شده و تنها اجازه دارند که در امور دفتری مشغول به کار شوند. در همین رابطه، سایت ملی – مذهبی به ارسال نامه سرگشاده توسط جمعی از نخبگان اهل سنت کشور خطاب به رهبر اشاره کرده است که در آن برخی از محدودیتها و تبعیضات در مورد جامعه اهل سنت ایران و درخواستهای مربوطه با استناد به اصول قانونی اساسی کشور مطرح شده اند.
این نامه که توسط ده ها تن از بزرگان اهل سنت ایران اعم از ائمه جمعه و جماعات، مدرسین و فعالان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امضا شده است در قالب ۷ ماده بیان شده، مطالبات و خواسته های قانونی جامعه اهل سنت ایران را بیان کرده است.

فیلتر شدن جی میل و توقیف روزنامه شرق

سرویس جی میل از شامگاه روز یکشنبه دوم مهر ماه در ایران فیلتر شد و سازمان گزارشگران بدون مرز در اطلاعیه‌ای نسبت به احتمال اجرای طرح اینترنت پاک یا حلال که به گفته مقامات ایرانی با هدف ارتقای امنیت و کیفیت دسترسی کاربران برنامه ریزی شده ابراز نگرانی کرد. بنا بر خبر دویچه وله ، گزارشگران معتقد است که کاربران ایرانی به مروز زمان از اینترنت جهانی محروم می شوند و از طریق اینترنت ملی، امکان رهگیری و کنترل شهروندان در فضای مجازی برای سازمان های امنیتی آسان تر می شود.

اما هفته گذشته، خبرسازترین واقعه در دنیای مطبوعات مربوط به توقیف روزنامه شرق بود. کاریکاتوری که توسط این روزنامه منتشر شده بود تعابیر مختلفی را در پی داشت و در نهایت واکنش برخی از مسئولان جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان مجلس، هم وزیران ارشاد و دادگستری را برانگیخت که منجر به بازداشت مهدی رحمانیان مدیر مسوول این روزنامه شد. به نقل از رادیو زمانه ، هادی حیدری، کاریکاتوریست روزنامه شرق هدف خود را از این کاریکاتور به تصویر کشیدن جهل مطرح کرده است در حالی که معترضان آن را توهین به "رزمندگان دفاع مقدس" توصیف کرده اند.

به دنبال این اعتراضات، جمعی از کاریکاتوریست‌ها و کارتونیست ها در بیانیه ای به حمایت از هادی حیدری پرداخته و این اعتراض ها را ناشی از برداشت غلط از اثر دانسته اند. به گزارش رادیو فردا ، در بیانیه مزبور که به امضای ۲۲ تن، از جمله کامبیز درمبخش، جواد علیزاده، بزرگمهر حسین‌پور رسیده به سوابق هادی حیدری اشاره و تأکید شده است که «این کاریکاتور "هرگز و هیچ‌گاه به معنای توهین" نبوده است.» همچنین 160 روزنامه نگار دیگر نیز در بیانیه ای اعلام کرده اند که کاریکاتور چاپ شده در روزنامه شرق با دوران جنگ ایران و عراق بی ارتباط است. رادیو زمانه ، علاوه بر انتشار خبر مزبور، از بیانیه سازمان گزارشگران بدون مرز خبر داده است که توقیف شرق را "هشداری دیگر" به رسانه‌های ایران دانسته است.

—

برای آزادی محمدعلی دادخواه اقدام کنید

2012-10-01 · Archive ID 1350
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1350

عرصه سوم- همزمان با برپایی دوکمپین جدید یکی برای دفاع از صلح و آزادی و دیگری برای دفاع از حقوق معلمان و آزادی آموزگاران دربند توسط فعالان مدنی، روزنامه معتبر شرق به جرم چاپ کاریکاتوری از هادی

حیدری تعطیل و محمد علی دادخواه حقوق دان برجسته به علت فعالیت‌های حقوق بشری برای مدت نه سال راهی زندان می شود. این همه درشرایطی است که شهروندان ایرانی با تشدید بن‌بست سیاسی ، بیشتر شدن تحریم های اقتصادی، افزایش تعداد بیکاران، گرانی شدید مایحتاج روزمره و خطر وقوع جنگ بیش از پیش آسیب‌پذیر بوده و هیچ امیدی به حل مشکلات متعدد جامعه ندارند.

کنشگران مدنی و مدافعان آزادی بیان و حقوق بشر درسه دهه اخیر همواره درخطر تهدید، بازداشت و حبس های طولانی بوده اند. در شرایط کنونی دهها وکیل سرشناس، فعال مدنی،صنفی، دانشجوی و سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی دربندند.

محمدعلی داد خواه که علاوه بر محکومیت به زندان، برای مدت ده سال از وکالت و تدریس محروم شده است، قبلاً برای اعترافات تلویزیونی علیه کانون مدافعان حقوق بشر تحت قشار قرار گرفته بود. او درمصاحبه ای به سایت روز گفته بود:

"می گویند‌اگر در مقابل دوربین علیه کانون مدافعان حقوق بشر صحبت کنی به زندان نمی روی. در غیر این صورت حکم ات را به اجرا در می آوریم. اما من ترجیح میدهم به زندان بروم و کلامی سخن نادرست و دروغ بر زبان نیاورم".

سایت روز در گزارشی درمورد زندانی شدن این عضو ارشد کانون مدافعان حقوق بشر می نویسد:

«محمدعلی دادخواه، حقوقدان وعضو سرشناس کانون مدافعان حقوق بشر در حالی برای گذراندن حکم محکومیت ۹ ساله‌اش به زندان رفت که سه حقوقدان دیگر عضو این کانون در زندان به سر می‌برند و دیگر اعضای این نهاد مدنی و حقوق بشری، یا با قرار وثیقه‌های سنگین آزاد هستند و یا در خارج از کشور به سر می‌برند.

محمدعلی دادخواه، وکیل بسیاری از زندانیان و فعالان سیاسی، مطبوعاتی و دانشجویی، از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ۹ سال حبس تعزیری، ۱۰ سال محرومیت از وکالت، ده سال محرومیت از تدریس، جزای نقدی و شلاق محکوم شده است.

محمد سیف‌زاده، عبدالفتاح سلطانی و نسرین ستوده دیگر وکلای سرشناس عضو کانون مدافعان حقوق بشر هستند که در زندان به سر می‌برند. نرگس محمدی، نایب رئیس این کانون که در جریان بازجویی‌ها در زندان دچار فلج عضلانی شده بود با قرار وثیقه آزاد است و شیرین عبادی، رئیس و عبدالرضا تاجیک، همکار مطبوعاتی این کانون نیز در حال حاضر در خارج از کشور به سر می‌برند.

آقای تاجیک پس از انتخابات ۸۸ سه بار بازداشت شد و محکومیت ۶ ساله دارد. خانواده این روزنامه نگار برای جلوگیری از ضبط سند وثیقه گذار او، ناچار شده‌اند ۵۰۰ میلیون تومان به حساب دادگستری واریز کنند.

کانون مدافعان حقوق بشر که در سال ۸۱ تأسیس و به عضویت فدراسیون جهانی بین الملل حقوق بشر درآمد، تشکلی غیر دولتی است. فعالیت این تشکل مدنی سال ۸۵ از سوی دبیرخانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور غیر قانونی اعلام و دفتر آن دی ماه ۸۸ توسط نیروهای امنیتی پلمپ شد. اعضا و حقوقدانان فعال این کانون بارها بازداشت و زندانی شده اند.

به گفته شیرین عبادی، برنده ایرانی جایزه نوبل صلح و رئیس کانون مدافعان حقوق بشر این کانون تنها تشکل مدنی در ایران است که پیش از آنکه در داخل کشور ثبت شود به عضویت فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر درآمده و به نوعی ثبت بین المللی شده است. این کانون طبق اساسنامه خود موظف به دفاع رایگان از متهمان عقیدتی و سیاسی، حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی و عقیدتی و گزارش دهی منظم و مستمر در موارد نقض حقوق بشر در ایران است. “

بنیاد عرصه سوم ضمن محکوم کردن زندانی شدن محمد علی دادخواه از تمام شهروندان و مدافعان دموکراسی درایران می‌خواهد که برای آزادی همه دگراندیشان، فعالان مدنی و سیاسی اقدام کنند. به کمپین های مدافعان

صلح و آزادی و همه کارزارهای دفاع از حقوق مدنی و شهروندی بپیوندند. در راه تحکیم صلح، ایجاد یک جامعه مدنی مبتنی بر فرهنگ حقوق بشری کوشا باشند.

—

تظاهرات گسترده بازاریان و مردم علیه دولت

2012-10-04 · Archive ID 1353
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1353

عرصه سوم - اگرچه تظاهرات مردم و بازاریان در اعتراض به تغییر شدید بهای ارز خارجی درروز چهارشنبه 12 مهرماه درتهران برای بسیاری از تحلیل گران مسائل ایران قابل پیش‌بینی بود، با این همه خودجوشی و گستردگی آن همه را غافلگیر کرد . مردم با شعار : " سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن، مرگ بر دیکتاتور، احمدی حیا کن، سیاستو رها کن ، نترسید نترسید، ما همه با هم هستیم" درخیابان های تهران به راه افتادند . اما بر طبق روال معمول تظاهرات مسالمت آمیز مردم با مقابله نیروهای امنیتی مواجه و بنابرگزارش هرانا 150 نفر از شهروندان معترض دستگیر شده اند . بدون شک ادامه وضعیت وخیم اقتصادی ناشی از تحریم های بین المللی در روزهای آینده هم تداوم و گسترش اعتراضات مردم را در پی خواهد داشت . درشرایطی که مقامات جمهوری اسلامی فاقد یک برنامه منسجم و اصولی برای برون رفت از بحران ارزی و پایان دادن به تحریم ها هستند . و افزایش مدام قیمت ارز خارجی، بی‌ارزش شدن پول ملی، کاهش شدید قدرت خرید مردم، تورم و طولانی‌تر شدن لشکر کارگران بیکار و اخراجی تنها بخشی از معضلات لاینحل در حوزه اقتصادی در جمهوری اسلامی اند . معضلاتی که با ادامه کاهش تولید، رکود صنعتی، سواستفاده های مالی و اختلاس های کلان، و فقر شدید اقشار آسیب‌پذیر جامعه را عملاً به سوی انفجار و فروپاشی می برد .

خبر تعطیل شدن بازار و تظاهرات چند هزارنفری مردم در چهارشنبه این هفته در صدر خبرهای رسانه‌های ایرانی و بین‌المللی بود . پخش وسیع ویدئوی های متعدد از اعتراضات مردمی درتهران درشبکه های اجتماعی و خبررسانی درشرایطی انجام گرفت که دولت با تشدید مقابله پارازیتی مانع از دسترسی مردم به شبکه‌های خبری جهانی شد . برطبق آخرین گزارش ها امروز هم بازار تهران تعطیل است .

سایت خبری کلمه در گزارش مفصل خود از وقایع دیروز می نویسد :

" راهپیمایی اعتراضی امروز که به گفته بازاریان در سه دهه اخیر بی سابقه بود و در نهایت با سرکوب پلیس رو به رو شد و به خشونت انجامید، از دقایقی قبل از ساعت ۱۱ صبح از محوطه مقابل بازار طلافروشان آغاز شد . صدها نفر از کسبه و بازاریان اصناف مختلف که مغازه های خود را بسته بودند،در این نقطه تجمع کردند و با سر دادن شعار از دیگر بازاریان نیز خواستند که به آنها بپیوندند .

اصناف فعال در بازار طلا و پارچه، در دو سال اخیر چند بار تجربه تجمع و یک بار هم تجربه راهپیمایی را در اعتراض به مالیات بر ارزش افزوده، داشته اند . اما این بار وضعیت فرق می کرد . هم اتحادی عجیب و کم سابقه بین بازاریان ناراضی از شرایط اقتصادی به وجود آمده بود و هم سخنان عصبانی کننده و بی پروای او در مصاحبه مطبوعاتی دیروز و سیاست های خارجی و داخلی مجموعه حاکمیت، نارضایتی و آمادگی برای اعتراض را به شدت بالا برده بود .

برخی معتقدند که تحریکاتی هدایت شده نیز ممکن است در این میان وجود داشته باشد؛ هرچند چنین چیزی بر فرض وجود هم مشهود نبود؛ شعارها سمت و سویی کاملا ضد دولتی داشت و در مواردی به سیاست های کلان نظام در مسائل خارجی (سوریه و هسته ای) و همچنین شعار علیه شخص رهبری نیز کشیده شد .

به گزارش خبرنگار کلمه، بخشی از جمعیتی در حدود ساعت ۱۱ در مقابل بازار تهران شکل گرفته بود، به سمت ابتدای خیابان ناصرخسرو حرکت کرد و مسیر خود را به سمت میدان امام خمینی (توپخانه) ادامه داد . با شروع راهپیمایی معترضان، در طول مسیر علاوه بر اصناف مختلف بازار و فروشندگان، مردم نیز به جمعیت

پیوستند؛ به طوری که وقتی جمعیت به مقابل مدرسه دارالفنون رسید، شاهدان عینی تعداد حاضران را بالغ بر ۲۰ هزار نفر برآورد کردند .

اعتراض به سیاست های اقتصادی دولت و شخص احمدی نژاد، وجه مشترک شعارهای راهپیمایان بود که در مواردی به شعار علیه انرژی هسته ای، انتقاد از حمایت حاکمیت از سوریه، شعار علیه رهبری و ... نیز کشیده می شد . جمعیت که در طول مسیر به طور مستمر در حال بزرگ شدن بود، راهپیمایی را در مسیر میدان امام خمینی و خیابان فردوسی ادامه داد و معترضان در تمام طول مسیر در حال شعار دادن بودند .

همزمان، از محوطه سبزه میدان، چهارراه گلوبندک و میدان ۱۵ خرداد نیز گزارش می رسید که گروه های دیگری از بازاریان کرکره ها را پایین کشیده اند و پلیس هم با وجود حضور در محل نتوانسته مردم را از این منطقه پراکنده کند . در برخی پاساژها نیز درهای اصلی بسته شده و فروشندگان و مردم در داخل مغازه ها و پاساژ گرفتار شده بودند . رفته رفته بخشهایی از این جمعیت نیز در مسیر ناصر خسرو و فردوسی به راه افتادند تا به راهپیمایی هزاران معترضی که حالا در خیابان فردوسی بودند، بپیوندند .

فعالان قدیمی بازار، اعتراض امروز را بی سابقه ترین مورد تعطیلی بازار تهران پس از انقلاب ارزیابی می کنند که صنف های مختلف فعال در بازار از جمله صنف پارچه و قماش، طلا و جواهرات، پوشاک، خشکبار، لوازم خانگی و ... در آن شرکت داشته اند . انمعترض در حالی حرکت خود را از بازار به سمت ناصرخسرو ادامه دادند که در این محدوده جمعیت هزاران نفری آنها تمامی عرض و بخش قابل توجهی از طول خیابان ناصرخسرو را اشغال کرده بود؛ افراد موتورسوار در جلوی جمعیت حرکت می کردند و جمعیت در ادامه، با رسیدن به میدان توپخانه، باعث توقف حرکت خودروها شدند و بخش اعظمی از میدان را اشغال کردند .

از جمله شعارهایی که در تجمعات امروز سر داده شده، می توان به شعارهای « الله اکبر » ، « مرگ بر سوریه » ، « مرگ بر دیکتاتور » ، « نصر من الله و فتح قریب / مرگ بر این دولت مردم فریب » ، « محمود خائن آواره گردی... » ، « انرژی هسته ای نمی خوایم نمی خوایم » ، « محمود حیاکن، سیاستو رها کن » ، « سوریه رو رها کن، فکری به حال ما کن » ، « نترسید نترسید ما همه با هم هستیم » ، « احمدی به هوش باش، ما مردمیم نه اوباش » ، « دولت بی کفایت نمی خوایم نمی خوایم » و... اشاره کرد .

بر اساس این گزارش، حرکت راهپیمایان در ادامه به سمت چهارراه استانبول و میدان فردوسی ادامه یافت . با رسیدن مقابل بانک صادرات، جمعیت علیه مسئولان این بانک شعار دادند، آنها را "نزول خور" خطاب کردند و خواستار بسته شدن بانک ها شدند . دقایقی بعد، تمام شعب بانک های مختلف در این مسیر بسته شده بود .

همزمان با این حرکت اعتراضی، محمد کریمی اصفهانی دبیرکل جامعه اصناف و بازار تهران با ایسنا مصاحبه کرد و به تکذیب تعطیلی بازار پرداخت . اما چیزی نگذشت که خود او مجبور شد خبر "تعطیلی بازار تهران" را در گفت و گوهای بعدی تایید کند . او ادعا کرد این تعطیلی پس از آن صورت گرفته که "پیامک های ناشناسی به بازاریان ارسال شده است" و مدعی شد که "یک عده عناصر ناشناس از بیرون از بازار درپی برهم زدن اوضاع بازار هستند ." اظهاراتی مشابه اظهارنظرهای برخی مسئولان دیگر که درصددند بحران ارز را به خارج از مرزها مرتبط کنند .

کریمی اصفهانی در ادامه ادعای خود در مورد تعطیلی بازار تهران این را هم اضافه کرده که "بازاریان برای حفظ امنیت بازار و اینکه اوضاع به هم نریزد ناچار شدند امروز مغازه های خود را ببندند ." وی البته توضیح نداد که در این صورت، چرا آنها از همان ابتدا علیه سیاستهای دولت و حاکمیت و سوء مدیریت های موجود شعار می دادند .

گزارش خبرنگار کلمه حاکی است که در نهایت با رسیدن جمعیت معترض به خیابان کوشک، اولین گروه از گارد ویژه و نیروهای امنیتی برای متفرق کردن جمعیت از سمت میدان فردوسی وارد خیابان فردوسی شدند و چیزی نگذشت که مجبور شدند به شلیک گاز اشک آور متوسل شوند تا راهپیمایان را متفرق کنند، و در مقابل معترضان نیز به آتش زدن سطل آشغال ها و ایجاد دود برای خنثی کردن گاز اشک آور پرداختند .

مشاهدات افراد حاضر در صحنه حاکی است که آنها در برخورد با راهپیمایان و حتی مردم حاضر در صحنه از هیچ خشونتی فروگذار نکردند، به طوری که کار در موارد متعددی به درگیری معترضان با پلیس کشیده شد و افراد زیادی نیز دستگیر شدند . دهها ون پلیس و تعداد زیادی نیروی لباس شخصی که از سوی نیروهای دارای لباس فرم سپاه هدایت می شدند نیز به گارد ضد شورش نیروی انتظامی پیوستند و موبایل های مردم نیز که از این صحنه ها فیلم می گرفتند، به طور گسترده توقیف شد .

با این حال، سرهنگ خلیل هلالی رئیس پلیس اماکن نیروی انتظامی در مصاحبه ای با اظهارنظر در خصوص حوادث رخ داده در بازار تهران و تعطیلی آن، از این موضوع اظهار بی اطلاعی کرده و گفته است : همیشه جمعیت شناوری در بازار حضور دارند . حضور چند نفر و تماشای اوضاع دلیل بر تجمع و تعطیلی نیست و خبری تاکنون در خصوص تعطیلی بازار نداشته ایم .

وی در عین حال به تهدید بازاریان پرداخت و گفت : بر اساس قانون هر واحد صنفی بر اساس نظر اتحادیه می تواند تا ۱۵ روز بسته باشد اما اگر فردی به منظور اخلال در نظام اقتصادی یک روز نیز مغازه خود را تعطیل کند مرتکب جرم شده و مرجع قضایی در صورت تشخیص اخلالگری با این افراد برخورد می کند .

رئیس پلیس اماکن نیروی انتظامی این خط و نشان را هم کشیده که پلیس نیز بر اساس قانون و پس از صدور حکم قضایی واحد صنفی متخلف را پلمپ می کند .

این در حالی است که دبیرکل تشکل محافظه کار اصناف و بازار ادعا کرده بود این بازاریان نبوده اند که مغازه ها را تعطیل کرده اند، بلکه افراد "اخلال گر" بوده اند . بدین ترتیب مشخص نیست پلیس چرا بازاریان را تهدید کرده است .

بر اساس گزارش خبرنگار کلمه، در پی راهپیمایی اعتراضی بازاریان و تعطیلی بازار از ظهر امروز، صرافی های سطح شهر نیز به خصوص در محدوده اطراف بازار، خیابان جمهوری و خیابان فردوسی به طور کامل کرکره ها را پایین کشیده و خرید و فروش را تعطیل کرده اند .

همچنین در خیابان های سعدی، جمهوری، فردوسی و منوچهری نیز درگیری های گسترده ای بین پلیس و معترضان گزارش شده و حضور پلیس و تجمع معترضان منجر به ایجاد ترافیک شدید در خیابان های اطراف و محدوده های مرکزی شهر شده است .

همچنین شاهدان عینی گفته اند که به دنبال برخورد خشونت آمیز نیروهای امنیتی و پلیس با راهپیمایی اعتراضی امروز، پمپ بنزین های ابتدای وصال در خیابان انقلاب و ابتدای خیابان فردوسی بالاتر از میدان فردوسی نیز تعطیل شده و از سویی اصناف خیابان جمهوری نیز در محدود فردوسی و خیابان های منتهی به آن نیز کرکره های مغازه های خود را پایین کشیدند ."

—

روزتولد گاندی، ومبارزه جهانی با خشونت

2012-10-04 · Archive ID 1355
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1355

عرصه سوم - روز دوم اکتبر روز تولد مهاتما گاندی و هم چنین روز جهانی مبارزه با خشونت است، روزی که از طرف سازمان ملل متحد به افتخار گاندی مشهورترین مبتکر و رهبر جنبش خشونت ستیز در قرن گذشته به حق « روز جهانی مبارزه با خشونت » نامیده شده است . مهاتما گاندی رهبر مبارزات مردم هند علیه سلطه و استعمار بریتانیا از پیشروان مکتب فکری و سیاسی مقابله با سلطه و دیکتاتوری با توسل به قدرت مردم و نفی همه جانبه خشونت و جنگ درنیمه اول قرن بیستم بود . مکتبی که نه تنها در هند بلکه در سایر نقاط جهان رواج یافت و زمینه‌ساز بسیاری از جنبش های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای کسب حقوق شهروندی شد .

بسیاری از رهبران اصلاح طلب و مدافع مکتب خشونت پرهیزی در تقابل با روایات بزرگ و ایدئولوژیک تئوری‌های پیشرفت (که اغلب با استفاده از خشونت گسترده زمینه به قدرت رسیدن دیکتارتورها را در جهان فراهم کردند) ، آلترنایتو عدم استفاده از خشونت را مطرح کرده و برای تحقق ایده‌های خود ایستادگی کرده اند . اگر نگاهی سریع به تاریخ مبارزات جنبش های اجتماعی معاصر بیانداریم، می‌بینیم که تلاش‌های بینان گذاران این تفکر و شیوه زندگی در طول چند دهه اخیر در نقاط مختلف جهان به بار نشسته است .

در دوران ما معنا و مفهوم واقعی تمدن فقط تاکید بر پیشرفت مادی و تکنولوژیک جامعه نیست، بلکه شاخص اصلی متمدن بودن یک جامعه درجه پایین بودن خشونت درآن چه درحوزه خصوصی و چه درعرصه عمومی است .

هم چنین باید در تعاریف جدید از مدنیت و تمدن، به شاخص هایی از قبیل کاهش فاصله قدرت میان مردم و دولت مردان، بسط آزادی بیان و روابط دموکراتیک و عادلانه در ارتباط روزمره میان مردم و هم روابط انسانی درنهاد خانواده میان پدرو مادر و فرزندان توجه کرد .

بنابراین مبارزه با فرهنگ رایج استفاده از قهر و خشونت در درجه اول با نهادینه کردن فرهنگی مبتنی بر حقوق انسانی و شهروندی از طریق آموزش مداوم اقشار گوناگون مردم میسر است . واضح است که تحقق عملی این ایده‌آل که افراد از به کارگیری خشونت در روابط خصوصی و اجتماعی خود خوددرای کنند، تنها با موعظه رهبران کاریزماتیک و پیامبرگونه عملی نیست، بلکه تحقق تدریجی این شیوه و درونی شدن ارزش‌های خشونت پرهیز، مستلزم رشد عدالت اجتماعی، آگاهی جمعی، هم ایجاد دموکراسی و نهادهای دموکراتیک در جوامع انسانی است .

با یک بررسی سریع میان ممالک آزاد و پیشرفته با جوامع دیکتاتورزده و توسعه نیافته که رهبرانشان برای حفظ دستگاه قدرت از هیچ خشونتی ابا ندارند، به روشنی می‌توان دریافت که میزان خشونت به وقوع پیوسته چه در حوزه خصوصی و چه در عرصه اجتماعی در مورد اول بسیار پایین تراست . در چنین جوامعی امنیت قضایی شهروندان و برابری حقوقی آنان در سطح وسیع تأمین شده و مردم با شرکت در فعالیت‌های جمعی و داوطلبانه شخصاً در حل و فصل مشکلات جامعه سهیم هستند.

نهادینه شدن فرهنگ خشونت ستیز در زندگی روزمره

در تعاریف رایج از تحولات سیاسی و اجتماعی مبتنی بر خشونت پرهیزی، مبارزه مدنی و گذار صلح جویانه به دموکراسی، اغلب جنبش های سیاسی مورد نظرند که با سابقه مبارزه ای تدریجی و طولانی سرانجام به مطالبات خود دست یافته اند . برای نمونه می‌توان از مبارزات صلح آمیز برای احیای دموکراسی دراروپای شرقی و یا جمهوری های نوپایی که سابقاً بخشی از اتحاد شوروری بودند نام برد . اما با پیشرفت آموزش، ترویج فرهنگ حقوق بشری و افزایش فعالیت رسانه‌های جمعی، گستردگی و نفوذ مفاهیم خشونت ستیزی در زندگی افراد درزمان ما عمق و وسعت بیشتری یافته و نه فقط حوزه سیاسی بلکه تمام عرصه های زندگی بشر را دربرگرفته است .

اکنون ما شاهدیم که جنبش ها و یا کارزارهای کوچک و بزرگ در سطح دنیا با هدف دفاع از حقوق زنان، یا کودکان و یا همجنس گرایان و یا دفاع از حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی و یا دفاع از حقوق حیوانات و حفظ محیط زیست، براساس مقابله با تبعیض و خشونت از هر نوع آن به راه می افتند . این جنبش ها خشونت رسمی و مستتر در قوانین جاری را به زیر سؤال می‌برند . و یا تمام روابط مبتنی بر استفاده از خشونت فیزیکی - روانی در مجموعه روابط انسانی را نشانه می گیرند و هم نحوه برخورد افراد با حیوانات و طبیعت را بازبینی می کنند . بنابراین نفس به کارگرفتن خشونت به عنوان راه حل در تمام زمینه‌های زندگی به زیر سؤال رفته است . و دیگر نمی‌توان با این ادعا که بشر ناگزیر از جنگ و ستیز برای تداوم بقا است، به استفاده از خشونت مشروعیت بخشید . جنبش ها و کارزارهای مدافع حقوق بشر از جمله مهمترین فعالیت‌های مدنی در این زمینه هستند .

درزمان ما مبارزه برای تغییر قوانین بیرحمانه مانند سنگسار زنان، یا مجازات اعدام، یا مبارزه برای ممنوع شدن شکار حیوانات بخشی از فرهنگ مسلط در جوامع پیشرفته و هم ممالک درحال توسعه شده است . درحقیقت

یکی از دستاورد های بزرگ جنبش جهانی مبارزه با خشونت موفقیت در برانگیختن هرچه بیشتر حساسیت مردم و نفرت آن‌ها از جنگ و خشونت است .

فرهنگ تابو شدن خشونت روز بروز عمیق‌تر شده و گسترش می یابد . و به مدد استفاده وسیع از رسانه‌های اجتماعی اخبار محلی، منطقه ای و روایات شخصی به سرعت منتشر می‌شوند و به کمک همین رسانه‌ها آموزش فرهنگ حقوق بشری و رفع تبعیض گسترش می یابد .

ما شاهدیم که در دهه های اخیر هزاران نهاد و سازمان غیر دولتی در دنیا با همت خود مردم برای حمایت از کودکان و زنانی که قربانی خشونت فیزیکی و جنسی هستند، دفاع از شهروندانی که قربانی جنگ‌های خانمان سوز و یا خشونت های قومی و مذهبی اند، برپا شده اند . و صدها سازمان کوچک وبزرگ بین‌المللی مانند سازمان عفو بین الملل در اروپا و یا کانون مدافعان حقوق بشر درایران تنها به ابتکار یک فرد ویا جمعی کوچک برای مبارزه با اعمال خشونت آمیز دولت ها برپا شده‌اند و توانسته اند نقش مهمی درعرصه ملی و بین‌المللی برعهده گیرند .

در تفکر گاندی رابطه فلسفه « عدم خشونت » با « نیروی حقیقت » ارتباطی تنگاتنگ و غیر قابل تفکیک دارد . به این معنی خشونت پرهیزی روشی برای رسیدن به حقیقت است . گاندی درجستجوی تعالی فکری تنها راه دستیابی به حقیقت را در عدم به کارگیری خشونت دید .

—

روزجهانی کودک مبارک باد

2012-10-08 · Archive ID 1357
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1357

عرصه سوم- روز هشتم اکتبر برابر با 17 مهرماه روز جهانی کودک است، روزی برای حمایت از تمام خردسالان جهان و به ویژه آنان که در معرض فقر، جنگ و بیماری قرار دارند، یا از خشونت های خانگی رنج می‌برند و یا از حق آموزش و درمان برخوردار نیستند. دفاع از حقوق انسانی و قانونی کودکان امروزه بخشی از سیاست‌های ملی و بین‌المللی است و شامل حمایت همه جانبه از کودک از بدو تولد یا رسیدن به بزرگسالی است. حمایت جهانی و رسمی از کودکان از سال 1959 و با تصویب اعلامیه جهانی دفاع از حقوق کودکان در سازمان ملل وارد مرحله جدیدی شده است. این مصوبه دربرگیرنده تمام حقوق انسانی و قانونی کودکان درخانه و جامعه است. از جمله ممنوع بودن خشونت و آزار، آموزش رایگان، خدمات درمانی و همه گونه حمایت های انسانی که لازمه رشد و پرورش یک کودک است. اما با وجود تصویب قوانین لازم هنوز در اکثر کشورها میلیون‌ها کودک از بسیاری از حقوق بدیهی خود محروم اند.و با وجود گسترش کمک‌های بین‌المللی برای حمایت از کودکان در ممالک توسعه نیافته هنوز هزاران تن از آنان روزانه در معرض آسیب های ناشی از جنگ، فقر، بلایای طبیعی و یا بیماری هستند. مطابق با برآورد سازمان یونیسف تنها با اختصاص پنج دلار برای هر کودک می‌توان جان 90 درصد از اطفالی را که سالانه درمعرض مرگ ومیر هستند، نجات داد.

دولت ایران اگر چه در سال 1990کنوانسیون حقوق کودک را به طور مشروط امضا کرده است. اما بررسی و تصویب تمام مفاد لایحه در مجلس جمهوری اسلامی به علت مخالفت شورای نگهبان با بعضی از موارد آن متوقف و پس از سالها با اعلام نظر کمسیون قضایی مجلس در خطر حذف شدن از دستور کار نمایندگان قرار گرفته است. این همه درشرایطی است که بسیاری از کودکان و نوجوانان کشور همواره در معرض آزار و اذیت والدین به بهانه تنبیه کردن قرار دارند. و یا در وضعیت اسفناک اقتصادی و گسترش فقر درمیان اقشار کم درآمد روز به روز به تعداد «کودکان خیابانی و کار» درایران افزوده می‌شود. کودکانی که به جای رفتن به مدرسه در بدترین شرایط ممکن به دستفروشی و تکدی درخیابان ها بسر می برند. و در بی پناهی مطلق در معرض خشونت های جسمی و جنسی و آسیب های روانی قرار دارند.



انجمن حمایت از حقوق کودکان در بخشی از بیانیه امسال خود به مناسبت روز جهانی کودک می نویسد:

“1 - لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان بعداز سال ها تاخیر در حال حاضر با اعلام نظر کمیسیون قضایی مجلس ، در خطر حذف شدن از دستور ، مجلس قرار گرفته است ، در حالی که دلایل اعلام شده از جانب این کمیسیون و نگرانی حاصل از آن (کم شدن از اقتدار خانواده و محدود کردن تنبیه کودکان با قرار دادن منع قانونی برای اعمال آن در فضای خانواده) ، می توانست با مطالعه دوران کودکی ونشست با کار شناسان و تدوین کنندگان طرح بر طرف شود و حاصل سال ها تلاش گروه های مختلف به راحتی کنار گذاشته نشود و به سرنوشت و بهبودی شرایط حوزه های گو ناگون کودکان بی توجهی نشود.

2– شرایط کنونی نظام آموزشی کشور که سرنوشت و آینده بیش از 12 میلیون کودک و نوجوان را رقم می‌زند در در جه ای از نا بسامانی قرار دارد که بر خی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی استیضاح وزیر آموزش وپرورش را در دستور کار قرار داده اند . مساله تغییر نظام آموزشی ، معلم های شرکتی ، بلا تکیفی مقطع پیش دبستانی ، استخدام های بی رویه ، واگذاری مدارس و ... از جمله مواردی است که نگرانی عمیق خانواده ها و فعالین حوزه کودکان را بر انگیخته است .از سوي ديگر اظهارات اخير در رسانه ها در مورد تشويق به اشتغال كودكاني كه هم در س مي خوانند و هم نان آور خانواه هايشان هستند، نفي حقوق كودكي و هم حاكي از كم اهميت شمردن آموزش رسمي و معيار هاي آن است .

3 – چاره جويي سريع و موثر براي شرايط سخت كودكان كار و خيابان با توجه به افزوده شدن به تعداد اين كودكان به دليل تنگنا های معیشتی ، تورم و افزایش بیکاری در خانوار های کم در آمد و کار گری از جمله واقيعيت هايي است كه بايد از جانب مسولان ذی ربط به دقت مورد بررسی کارشناسانه و اقدام دلسوزانه قرار گيرد ، چرا كه هر كودك محروم از حقوق اوليه يك زندگي بر باد رفته است .

4 – زلزله آذربایجان شرقی باعث تخریب اماکن مسکونی و آموزشی در سطح گستر ده ای شده است وبه همین دلیل جمعیت دانش آموزی این استان در مناطق زلزله زده با مشکلات عدیده ای مواجه شده است ، بدین جهت از تک تک هموطنان ، متولیان امور اسکان و وزارت آموزش و پرورش انتظار می رود که در کوتاه ترین زمان ممکن به رفع این مشکلات پرداخته شود و موجبات آموزش مناسب کودکان مناطق زلزله زده را فراهم نمایند.

5– سالهاست که کودکان مهاجر افغان برای ورود به مجاری رسمی آموزش در ایران با مشکل مواجه هستند .با وجود گشایش مختصر این امر در دو سه سال اخیر و امیدواری برای بهبود شرایط تحصیلی این کودکان ، در سال تحصیلی جاری از جانب مسئولین آموزشی برای ورود کودکان مهاجر به مدارس ایران در خواست شهریه

هاي سنگيني مي شود كه با توجه به شرايط معيشتی اكثريت مهاجران افغان ، پرداخت اين مبالغ ناممكن می باشد و خيل عظيمي از كودكان بازمانده از تحصيل را موجب خواهد شد. “

حفظ اقتدار پدران یا دفاع از حقوق کودکان

ظاهراً از دلایل اصلی خارج شدن لایحه مربوط به حقوق کودکان از دستور کار مجلس یکی موضوع : «ازمیان رفتن اقتدار پدرسالارانه درخانواده» است. به این معنی حفظ روابط پدرسالارانه درخانواده به مفهوم حفظ قدرت پدران در حق تصمیم گیری بی چون و چرای او درمورد سرنوشت طفل و نوع رفتار با اوست. مدافعان حقوق کودک با زیر سؤال بردن اقتدار همه جانبه پدر یادآور می‌شوند که منافع کودک باید دراین قانون اولویت داشته باشد تا به هنگام لزوم و درشرایطی که زندگی او در محیط خانواده در معرض تهدید است بتوان برای نجات کودک اقدام کرد.

ثریا عزیز پناه دربخشی از مقاله خود در روزنامه آرمان می نویسد:

"زندگی کودک، حوزه‌ها و ابعاد گوناگونی دارد، موضوعی که برای فعالان حقوق کودک نگرانی ایجاد کرده، این است که به پیشنهاد کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، لایحه جامع حمایت از حقوق کودکان، قرار است از دستور کار خارج شود، این لایحه‌ای است که سال‌های سال روی آن کار شده، در حالی‌که ما منتظر بودیم تا این لایحه در صحن علنی مجلس تصویب شود، اما متوجه می‌شویم که می‌خواهد از دستور کار خارج شود. قرار بود با تصویب این لایحه، ما یک قانون یکسان در ارتباط با کودکان داشته باشیم. اینکه این لایحه از دستور کار مجلس خارج شود، بسیار ناراحت‌کننده است، دلیلی که برای تصویب نکردن این لایحه اعلام شده، از میان رفتن صیانت خانواده و اقتدار پدر بوده است. این در حالی است که قرار بود در این لایحه منافع کودک در اولویت قرار گیرد. قوانین باید با فاکتورهای حمایتی و پیشگیرانه در نظر گرفته شود، اگر بخواهیم قانونی را به این دلیل که اقتدار پدر از میان می‌رود، لغو کنیم بسیار باعث نگرانی می‌شود. دوستان ما در مجلس تا چه اندازه با ساز و کار دوران کودکی آشنا هستند؟! مگر می‌شود یک لایحه را به این دلیل از دستور کار خارج کرد؟! مدت‌ها طول کشید تا نمایندگان مجلس هشتم با مفاهیم اجتماعی و خلاءهای قانونی در این زمینه آشنا شوند، اما زمانی‌که جابه‌جایی صورت می‌گیرد و نمایندگان تغییر می‌کنند، اهمیت و اولویت مسائل و موضوعات نیز تغییر می‌کنند، گویا باید از اول شروع کرد. در این لایحه تنبیه کودک دیگر جایی در تربیت ندارد. این لایحه باید هر چه زودتر به صحن علنی مجلس بازگردد، کمیسیون‌های اجتماعی و قضایی مجلس نیز باید کمک کنند تا لایحه هر چه زودتر تصویب شود. لازم بود که کمیسیون قضایی پیش از این اقدام، با تهیه‌کنندگان آن، وارد شور شود، اگر این لایحه به طور کامل حذف شود، ما چندین سال به عقب برمی‌گردیم، بنابراین پیشنهادم به کمیسیون قضایی مجلس این است که هر چه زودتر با تدوین‌کنندگان لایحه جلسه گذاشته و دغدغه‌های خود را مطرح کرده تا ابهامشان برطرف شود. ما در حال حاضر قانون پیشگیری از کودک آزاری را داریم، با توسل به این قانون است که یکسری اقدامات را انجام می‌دهیم، تا پیش از سال 80 و 81، در پرونده‌های کودک‌آزاری باید حتما شاکی خصوصی حضور داشت، اما پس از این قانون، کودک آزاری جرم عمومی شناخته شد و قوه قضاییه به‌عنوان شاکی می‌تواند وارد پرونده شود. با این حال این قانون تمام نیازها را پاسخ نداده است، در لایحه جامع، چند اتفاق خوب افتاده، از جمله آن اینکه براساس آن تا 18 سالگی فردکودک شناخته می‌شود. از همه اینها گذشته ایران تعهدی به ماده 42 پیمان نامه حقوق کودک دارد، براساس این ماده، کشور عضو باید به‌طور گسترده و با ابزاری مناسب مفاد پیمان نامه را به نحوی یکسان به اطلاع بزرگسالان برساند، ترویج پیمان نامه حقوق کودک از رسانه ملی تعهد دولت‌هاست، اما در کشور ما این اتفاق به‌طور کامل و جامع نیفتاده است. "

به حقوق ما احترام بگذارید

روزنامه اعتماد هم چنین به مناسبت روزجهانی کودک یاداشت تنی چند از کودکان ایرانی را چاپ کرده است. بهدخت علی پور دانش آموز ششم ابتدایی می نویسد:

" كودكي هستم با آرزوهاي بزرگ. نه آرزوي آب‌نبات و يك عالمه اسباب‌بازي. آرزوي من خيلي بزرگ است. آرزوي من از تهران بزرگ‌تر است. آرزوي من از ايران و حتي آسيا هم بزرگ‌تر است. آرزوي من به اندازه دنيا بزرگ است، شايد هم بزرگ‌تر. آرزوي من آرزويي تكراري است. آرزوي من شادي است؛ نه فقط براي خودم، نه براي خانواده‌ام و نه براي شهرم، بلكه براي تمام دنيا، حداقل تمام بچه‌هاي دنيا. شايد بپرسيد چرا شادي. چون

شادي مي‌تواند براي بچه‌يي غذا باشد، مي‌تواند براي بچه‌يي پدر و مادر باشد، مي‌تواند براي بچه‌يي بازي باشد، مي‌تواند كتاب باشد، مي‌تواند شكلات يا يك آب‌نبات شيرين و رنگارنگ باشد، مي‌تواند براي بچه‌يي يك دنياي بدون جنگ باشد، ولي در كل شادي چيزي است كه وقتي ما آن را داريم لبخند مي‌زنيم، پس شايد بهتر باشد بگويم آرزوي من لبخند همه بچه‌هاي دنياست. آرزوي من اين است كه ديگر كودكي فال‌فروش نبينم. آرزوي من اين است كه بچه‌يي از گرسنگي نميرد. آرزوي من اين است كه بچه‌يي مريض نباشد. آرزوي من اين است كه ديگر عددهاي بزرگي كه آمار كودك‌آزاري را نشان مي‌دهند، نبينم. آرزوي من اين است كه ديگر بدي نبينم. آرزوي من اين است كه بچه‌يي با آرزوي بيدار شدن نخوابد. آرزوي من اين است كه ديگر بچه‌يي در اثر بمبگذاري‌ها نميرد. آرزوي من اين است كه مرزي ميان كشورها نباشد. آرزوي من متحد بودن همه جهان است تا لبخند بر لب كودكانش بنشاند. “

روز جهانی کودک بر همه کودکان دنیا مبارک باد.

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-10-09 · Archive ID 1360
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1360

عرصه سوم- بخشی از مهمترین اخبار و رویدادهای جامعه مدنی در هفته گذشته را درگزارش پریسا کاکایی می خوانید.

درهفته‌ای که گذشت فشار اقتصادی و نابسامانی وضعیت ارز، بازاریان را نیز به خیابان آورد. روز چهارشنبه، ۱۲ مهرماه، بازاریان مغازه‌ها را تعطیل و در اعتراض به نوسانات ارز و افزایش فشار اقتصادی راهپیمایی کرده و شعارهایی را در نقد دولت سردادند. در همین رابطه رادیو زمانه در گزارشی، از بازداشت تعدادی از شرکت کنندگان و هم چنین حضور گارد ضد شورش و نیروی انتظامی خبر داد. این تجمعات در شهرهای اصفهان و مشهد نیز برگزار شدند. گزارش مفصل راه پیمایی اعتراضی مردم را به همراه ویدئوی آن می‌توانید روی وب سایت عرصه سوم بخوانید.

روز جهانی معلم

بنا بر خبر منتشر شده در وب سایت ندای سبز آزادی، حمایت گروه‌ها، فعالان اجتماعی و سیاسی از کمپین «صدای معلمان در بند باشیم» ادامه داشته و اتحادیه معلمان کالیفرنیا، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، بنیاد برومند و سازمان معلمان بدون مرز با صدور اطلاعیه خواستار آزادی معلمان زندانی و یا محکوم به اعدام شده‌اند. در همین رابطه نیز، احمد شهید، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، نسبت به وضعیت معلمان در بند ابراز نگرانی کرده خواستار پاسخگویی مقامات ایرانی به عدم امکان فعالیت اتحادیه معلمان در ایران شده است.

هم چنین، بیش از ۱۵۰ نفر از فعالان حقوق زنان، ضمن انتشار بیانیه‌ای، حمایت خود را از کمپین «معلمان در بند» اعلام کردند. در بخشی از بیانیه مزبور که در سایت ملی – مذهبی منتشر شده، آمده است: «در طول سی و سه سال گذشته حکومت ایران همواره به مدرسه‌ها نگاهی ابزاری داشته است. ابزاری برای پرورش و تربیت نیروهایی که باید در خدمت نظام و تکالیف آن بوده و تاییدکننده همه ویژگی‌های آن باشند. فارغ از اینکه چنین هدفی، چه فجایع اجتماعی به جامعه ایرانی تحمیل کرده و چه تعداد از فرزندان کشور را از بالیدن در فضای آزادی در سرزمین مادری محروم کرده و حتا حق حیات از آن‌ها ستانده است، بسیاری از معلمان را نیز قربانی اهداف خویش کرده است. حذف معلمان با گرایشهای فکری منتقدانه، پاکسازی‌ها، محرومیت‌ها، تبعیض‌ها و … که یک به یک فضا را برای نفس کشیدن تنگ و تنگ‌تر کرده، از نتایج نگاه ابزاری به مدارس و معلمان بوده است.» آن‌ها در پایان، از همه فعالان اجتماعی و مدنی خواسته‌اند که با معلمان هم صدا شده و از آن‌ها حمایت کنند.

نگرانی سازمان ملل از موج جدید سرکوب‌ها

با شدت گرفتن سرکوب فعالان مدنی و سیاسی، هم چنین افزایش بازداشت روزنامه نگاران و وکلا، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نسبت به این روند ابراز نگرانی کرد. این سازمان ضمن اشاره به توقیف روزنامه «شرق» و بازداشت دو فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط محمدعلی دادخواه، عضو کانون مدافعان حقوق بشر شد. در گزارش دویچه وله ، هم چنین صدور بیانیه‌ای دیگر توسط سازمان عفو بین الملل مطرح شده است که در آن از مقام‌های ایرانی خواسته‌اند که احکام صادر شده علیه محمدعلی دادخواه را لغو کرده و امکان آزادی نسرین ستوده، عبدالفتاح سلطانی و محمد سیف‌زاده، دیگر وکلای عضو کانون مدافعان حقوق بشر را فراهم کنند. عفو بین الملل هم چنین مقامات ایرانی را مورد خطاب قرار داده است که فراهم کردن امکان تماس دادخواه با وکیل مدافع و خانواده‌اش را تا زمان آزادی تضمین کنند. محمد علی دادخواه، وکیل و فعال حقوق بشر و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر است که در سال ۲۰۰۹ بازداشت و به ۹ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

ارزیابی بان کی مون از تاثیر تحریم‌ها علیه ایران

دویچه وله در خبری، از ارائه گزارشی توسط بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل به مجمع عمومی این سازمان نوشته است. بر اساس این بیانیه که روز جمعه (۵ اکتبر/۱۴ مهر) منتشر شده، تحریم‌ها علیه ایران، مردم را در تهیه دارو و کالاهای اساسی با مشکلات جدی مواجه کرده و به نقل از سازمان‌های امدادرسانی ایرانی، گرانی و تورم تاثیرات زیانباری بر زندگی مردم داشته است. به اعتقاد وی تحریم‌های موجود فعالیت‌های بشر دوستانه را نیز در این کشور مختل کرده است.





جایزه حقوق بشر برای عبدالفتاح سلطانی

کانون مدافعان حقوق بشر خبر داد: «اتحادیه بین المللی کانون‌های وکلای دادگستری، جمعه پنجم اکتبر ۲۰۱۲ در دوبلین ایرلند در نشست سالانه خود، جایزه حقوق بشر اتحادیه بین المللی کانون‌های وکلای دادگستری را به عبدالفتاح سلطانی اعطا کرد.» بر این اساس، جایزه مزبور توسط مهناز پراکند، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر به نمایندگی از عبدالفتاح سلطانی دریافت شد. در این مراسم متن پیام این وکیل دربند توسط مهناز پراکند

قرائت شد و مائده سلطانی، دختر عبدالفتاح سلطانی در سخنانی کوتاهی به بیان چگونگی وضعیت پدر خود پرداخت. سلطانی در فاصله زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ چهار بار بازداشت و پس از ماه‌ها حبس در سلول انفرادی، به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری به ۱۳ سال حبس همراه با تبعید به یکی از دور افتاده‌ترین شهرهای ایران و نیز محرومیت ۱۰ ساله از وکالت محکوم شده است.

توقف فشار بر روزنامه نگاران

در پی افزایش فشار بر جامعه مطبوعات، کمیته حفاظت از روزنامه نگاران، مستقر در نیویورک، بازداشت علی اکبر جوانفکر، مشاور مطبوعاتی محمود احمدی‌نژاد و مدیر خبرگزاری دولتی ایرنا، و همچنین محکومیت پریسا حافظی، رئیس دفتر خبرگزاری رویترز در تهران را محکوم کرد. به نقل از رادیو فردا ، این کمیته در بیانیه خود به وضعیت بد روزنامه نگاران اشاره کرده و اعمال فشارها بر آن‌ها را در جهت ایجاد فضای رعب و وحشت و خودسانسوری بیان کرده است.

درخواست آزادی شیوا نظرآهاری

مارکوس لونینگ، کمیسر حقوق بشر دولت آلمان، بازداشت شیوا نظرآهاری را محکوم کرد. بنا بر خبر منتشر شده توسط رادیو زمانه ، این بالاترین مقام حقوق بشری دولت آلمان، محاکمه فعالان را به دلیل اعتقاد و فعالیت‌هایشان در جهت احقاق حقوق بشر غیرقابل توجیه و آن را سبب منزوی شدن ایران در جامعه جهانی دانسته است. شیوا نظرآهای، فعال حقوق بشر که به دلیل «فعالیت و شجاعتش در نوشتن گزارش‌هایی در اینترنت درباره نقض حقوق بشر در ایران» در سال ۲۰۱۰ برنده جایزه «تئودور هکر» شهر اسلینگن آلمان شد، بارها توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت و در مجموع ۱۰۰ روز در سلول انفرادی به سر برده است. او در سپتامبر ۲۰۱۲ برای گذرندان دوران محکومیت چهارساله خود روانه زندان شد.

اخراج دانشجویان دختر

بیش از ۵۰ دانشجوی دختر دانشگاه شهرکرد به اتهام بدحجابی از خوابگاه دانشجویی محروم شدند. به گزارش دانشجو نیوز ، حراست دانشگاه شهرکرد در پاسخ به مراجعه این دانشجویان با رفتار و الفاظی نامناسب برخورد کرده است. دانشجویان دختر اخراجی که از شرایط مالی خوبی برخوردار نیستند از گرانی کرایه خانه در شهرکرد و دشواری اجاره خانه توسط دختران مجرد خبر داده‌اند.

زنان کارتن خواب

اما تهران بزرگ این روزها شاهد افزایش زنان کارتن خوابی است که به دلیل آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در سنین پایین به زندگی در خیابان‌ها روی آورده‌اند. به گزارش کلمه ، مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، ضمن ابراز نگرانی نسبت به افزایش این پدیده، آن را تا پیش از این متعلق به مردان اعلام کرده که اکنون در میان زنان نیز قابل مشاهده است. به باور وی بیشتر زنان کارتن خواب، معتاد هستند.

—

مجازات اعدام را متوقف کنید

2012-10-11 · Archive ID 1364
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1364

عرصه سوم - سازمان های امضا کننده این نامه، مخالفت شدید و مراتب اعتراض خود را نسبت به ادامه صدور احکام مجازات اعدام در جمهوری اسلامی ایران اعلام می کنند . سیاست های تندروانه جمهوری اسلامی ایران که با هدف مبارزه با قاچاق مواد مخدر سالانه دست به اعدام صدها زندانی می زند و در این فرآیند از کمک های بین المللی برای مبارزه با مواد مخدر هم برخوردار است، نگرانی را افزایش می دهد .

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)
دولتهای نروژ، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، لهستان، بلژیک، ایرلند و ژاپن

رونوشت به :

دکتر احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در حقوق بشر در ایران

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد اتحادیه اروپا

در میان کشورهایی که مجازات اعدام را همچنان در قوانین خود لغو نکرده اند، ایران بیشترین نرخ سرانه اعدام را از آن خود کرده است . بسیاری از این اعدام ها مخفیانه و بدون اطلاع رسانی توسط منابع رسمی صورت می گیرد . طبق گزارش سازمان های مدافع حقوق بشر که اعدام های ایران را از طریق منابع رسمی و غیر رسمی مستند می کنند، حداقل 650 مورد در سال 2010 و 670 حکم اعدام در سال 2011 اجرا شده است . در زمان انتشار این نامه، حداقل 332 نفر در سال 2012 اعدام شده اند که بیش از 70% موارد، محکومیت جرائم مربوط به مواد مخدر بوده است .

با توجه به بند 6 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که ایران آن را امضا کرده است، در کشورهایی که مجازات اعدام همچنان لغو نشده، صدور این حکم باید محدود به « مهم ترین جرائم » شود . کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، واحدی متشکل از متخصصان و کارشناسان مستقلی که بر اجرای مفاد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نظارت می کنند، در موارد متعدد یادآوری کرده است که جرائم مربوط به مواد مخدر، به عنوان مهم ترین جرائم شناخته نمی شوند . با این حال، مقامات ایرانی به اجرای احکام اعدام برای افرادی که به اتهام هایی در رابطه با مواد مخدر دستگیر می شوند، ادامه می دهند . در تیرماه 1390 ، محمود ذوقی، دادستان مشهد، گفت :« با این حجم پرونده مربوط به مواد مخدر، تعداد اعدام‌ها متناسب است و رسانه‌های بیگانه بیخود در این موضوع بزرگنمایی می کنند .»

در قانون مبارزه با مواد مخدر در ایران، مجازات اعدام برای حمل یا قاچاق بیشتر از حد مشخصی از انواع مواد مخدر در نظر گرفته بود . الحاقیه سال 1390 به قانون مبارزه با مواد مخدر دامنه جرائم با مجازات اعدام را گسترده تر کرده است . این الحاقیه برای انواع دیگری از موادمخدر من جمله حمل و قاچاق بیش از 30 گرم شیشه، مجازات اعدام پیش بینی کرده است .

بنا به گزارشات سازمان های مدافع حقوق بشر، بسیاری از کسانی که اعدام شده اند، با اتهاماتی در رابطه با مواد مخدر دستگیر می شوند و مراحل بازجویی را بدون حضور وکیل پشت سر می گذارند، تحت شکنجه مجبور به اعترافاتی می شوند که بعداً به عنوان شهادت علیه خودشان در دادگاه استفاده می شود، حق مشاوره حقوقی یا بازبینی در شواهد حکم را ندارند و بی هیچ حق درخواست تجدیدی نظر به اعدام محکوم می شوند .

در بسیاری از موارد، مجازات و قوانین مبارزه با مواد مخدر، دامنگیر آسیب پذیرترین اقشار جامعه ایرانی می شود . قشر کم درآمد و گروه های اجتماعی به حاشیه رانده شده من جمله اقلیت های قومی و اتباع خارجی که سالهاست مورد تبعیض های حکومتی قرار گرفته اند، زنان سرپرست خانواده بدون هیچ منبع درآمدی که مجبور به روی آوردن به قاچاق مواد مخدر می شوند تا هزینه زندگی فرزندان تحت پوشش خود را تأمین کنند و ... همه از نمونه هایی هستند که بیشترین مجازات در موردشان اجرا شده است .

علاوه بر برخوردهای خشن و غیرانسانی با محکومین به اعدام بر طبق قوانین مبارزه با مواد مخدر، صدور و اجرای احکام اعدام بر جامعه ایران اثراتی مخرب و جدی دارد . اعدام ها در ملأ عام با حضور جمع کثیری از مردم و حتی کودکان نظاره گر اجرای حکم، عادی سازی اجرای حکم اعدام و خشونت های حکومتی را در جامعه ایرانی تقویت می کند .

مقامات ایرانی سعی در نشان دادن تأثیر مثبت مجازات اعدام در مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر دارند، درحالی که هیچ دلیل قانع کننده و واضحی در اثبات این ادعای خود ارائه نمی دهند . بسیاری از اعدام شدگان نه در رأس شبکه های قاچاق، که در سطوح پایینی آن فعالیت کرده اند و اعتیاد به مواد مخدر در ایران، هم از لحاظ کیفی و کمی، همچنان رو به افزایش است . طبق آمارهای جهانی، اخیراً ایران جایگاه دومین کشور با

بالاترین سرانه استفاده مواد مخدر را بلافاصله پس از افغانستان به خود اختصاص داده است و نرخ اعتیاد به ویژه اعتیاد به هروئین فشرده به ویژه در میان جوانان روندی رو به رشد دارد .

در حالی که سازمان های مدافع حقوق بشر پیش تر هم نگرانی خود را در مورد صدور احکام مجازات اعدام به جمهوری اسلامی اعلام کرده اند، مقامات ایرانی همواره از دادن هرگونه پاسخ معنی داری به این انتقادات سرباز زده اند . همزمان، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) و کشورهای اهدا کننده کمک از جمله نروژ، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، لهستان، بلژیک، ایرلند و ژاپن به پروژه های ایران در مبارزه با مواد مخدر کمک های مالی می کنند .

ما ضمن تحسین تلاش این کشورها در توقف ورود و جریان مواد مخدر به اروپا و آمریکای شمالی، یادآوری می کنیم که تلاش های این دولت های غربی نباید موجب نقض حقوق بشر در ایران و کشورهای مشابه شود . حکومت ایران بی هیچ نگرانی و با احساس مصونیت از محکومیت در جوامع بین المللی که در واقع بخش زیادی از بودجه مبارزه با مواد مخدر در ایران را تأمین می کنند، به کارزار صدور و اجرای احکام اعدام در کشور ادامه می دهد . تاکنون تمامی تلاش های مدافعان حقوق بشر و سایرین برای دریافت اطلاعات از طرق رسمی در مورد روش و نوع حمایت دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد از ایران، با پاسخ هایی غیر شفاف و یا غیرمسوولانه روبرو شده اند .

باتوجه به آنچه ذکر شد، ما، امضاکنندگان این نامه، مطالبات خود را از جامعه بین المللی، شامل دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، کشورهایی که درحال حاضر یا پیش از این تأمین کننده بودجه این سازمان برای کمک به سایر کشورها هستند، و تمامی سازمان های بین المللی فعال در مبارزه با قاچاق مواد مخدر که با ایران همکاری می کنند، بدین شرح اعلام می کنیم :

- توقف سریع تأمین هرگونه بودجه و ارسال انواع کمک های مالی و غیر مالی به هدف مبارزه با مواد مخدر به ایران تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران از سیاست های خود مبنی بر اعدام افراد و مجرمین مرتبط با مواد مخدر دست برنداشته است .
- تضمین جمهوری اسلامی ایران مبنی بر استفاده از کمک های بین المللی صرفاً و مطلقاً در پروژه های درمان معتادین و یا سایر برنامه های مبارزه با قاچاق مواد مخدر غیر از اجرای احکام اعدام، تا زمانی که در مورد مجازات اعدام برای جرائم مربوط به مواد مخدر، بازبینی نکرده است .
- اختصاص این بودجه ها باید مشروط به اعمال دستور العمل شفافیت کامل در مورد صرف هرگونه بودجه تخصیص یافته برای درمان و یا سایر برنامه های مبارزه با مواد مخدر که در ارتباط با اجرای مجازات اعدام نیست، باشد . نحوه صرف این بودجه و کمک ها باید از طرف جمهوری اسلامی ایران با شفافیت کامل و طبق دستور العمل ویژه با ریز کامل هزینه و فعالیت ها گزارش شود .

امضا کنندگان :

سازمان همه با هم علیه مجازات اعدام (ECPM)

سازمان حقوق بشر ایران

عدالت برای ایران

بنیاد عرصه سوم

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

—

از حقوق انسانی محکومان به اعدام درایران دفاع کنید

2012-10-11 · Archive ID 1366
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1366

عرصه سوم - مبارزه با مجازات اعدام یکی از مهمترین حوزه های کاری مدافعان حقوق بشر در سراسر دنیا است . با افزایش بی سابقه مجازات اعدام در ایران فعالیت پیگیر برای لغو آن هم شدت گرفته است . فعالان اجتماعی در ایران و هم درعرصه بین‌المللی خواهان لغو این نوع مجازات غیرانسانی اند . روز دهم اکتبر روز جهانی مبارزه با اعدام است . اما متأسفانه مقامات جمهوری اسلامی دقیقاً درهمین روز تعدادی از محکومان به اعدام را در زندان قزل حصار برای اجرای حکم به انفرادی منتقل می کنند .

به گزارش ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر خانواده‌های این زندانیان با تجمع درمقابل بیت رهبری درخیابان پاستور به محکوم شدن این زندانیان به اعدام که در رابطه با مواد مخدر دستگیر شده‌اند، اعتراض کرده و خواهان لغو این احکام شدند . اما آنان تا کنون پاسخی از دفتر رهبری دریافت نکرده اند .

افزایش مدام روند اعدام افراد متهم، بزهکار و قاچاق چیان مواد مخدر، اعدام محکومان درملاء عام، علیه موازین جهانی حقوق بشری و از موارد بسیار نگران کننده نقض حقوق شهروندان در ایران است . به همین مناسبت بانکی مون دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر درایران در پنجم اکتبر امسال از دولت مردان جمهوری اسلامی می‌خواهد که این مجازات غیر انسانی را لغو کنند .

در بخشی از گزارش بانکی مون آمده است :

" اجرای مجازات اعدام برای جرائمی که در حقوق بین المللی در ردیف مهم‌ترین جرایم به ویژه جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدرـ به شمار نمی‌روند؛ اعدام بیش از 600 نفر در سال 2011 و بیش از 200 نفر در نیمه اول سال 2012 ؛ ادامه صدور حکم اعدام برای محاربه، فساد روی زمین، ارتداد و قاچاق مواد مخدر پس از محاکمه های بدون رعایت موازین قانونی؛ خطر اعدام فعالان کُرد؛ اعدام حداقل 40 نفر در سال 2011 و 30 نفر در نیمه اول 2012 در انظار عمومی با حضور کودکان؛

■ قانون مجازات اسلامی تازه که هنوز برای اجرا ابلاغ نشده مجازات اعدام برای محاربه، فساد روی زمین، قاچاق مواد مخدر، تجاوز، قصاص و بعضی جرایم مستوجبِ حدود را حفظ کرده و امکان صدور مجازات سنگسار به اختیار قاضی بر اساس قانون شرع یا فتوا را باز گذاشته است . در عین حال، این قانون سن مسئولیت کیفری کودکان را تغییر نداده است؛ ماده 90 آن امکان اعدام نوجوانان را باز گذاشته و مقرر می‌دارد که مجرمان نوجوان زیر 18 سال در صورت ارتکاب جرایم مربوط به حدود و قصاص در صورتی در دادگاه به اعدام محکوم نمی‌شوند که در رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد . « در سپتامبر 2011 ، علیرضا ملا سلطانی، 17 ساله، در انظار عمومی اعدام شد .”

گزارش جدید هرانا

در همین رابطه خبرگزاری هرانا درگزارش آماری خود از تعداد اعدام شده گان درایران می نویسد :

"بر اساس گزارش نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران از دهم اکتبر سال ۲۰۱۱ تا به امروز ۴۸۸ نفر که تحت اتهامهای مختلف از سوی دستگاه قضایی به اعدام محکوم شده بودند در زندانهای مختلف کشور و یا در ملاء عام اعدام شدند و در طی همین بازه زمانی دستگاه قضایی ۳۳۳ تن دیگر را به اعدام محکوم کرده است .

طبق این گزارش ۱۲ % اجرای احکام اعدام (۵۷ تن) در انظار عمومی انجام پذیرفته که نسب به سال گذشته ۱۹ % افزایش داشته است و در بررسی کلی آمار اجرای حکم اعدام، نسبت به سال گذشته ۱ % افزایش مشاهده می‌شود .

نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران ضمن تاکید بر ناقص بودن گزارش آماری فوق اعلام داشته است که به دلیل عدم اجازه دولت ایران به فعالیت آزاد رسانه‌ها و فعالان حقوق بشری آمار دقیقی از اجرا و صدور حکم اعدام در ایران در دست نیست و گزارش مذکور تنها شامل مجموع گزارشاتی است که رسانه‌های دولتی آنرا اعلام کرده و یا با تلاش مدافعان حقوق بشری به صورت غیر رسمی اعلام شده است .

این نهاد بر همین اساس مجموع گزارشات منتشر شده در طی سال گذشته در خصوص صدور و اجرای حکم اعدام را ۲۸۹ گزارش اعلام و آورده است :" ۴۰ % اجرای احکام اعدام توسط نهادهای غیر انتفاعی و حقوق بشری اعلام شده است و رسانه‌های دولتی ۶۰ % اجرای حکم متهمان را اعلام کرده‌اند ." به عبارت دیگر ۴۰ % احکام اعدام در ایران مخفیانه اجرا شده است .

بر اساس همین گزارش ۳۰ % صدور و اجرای احکام اعدام در استان تهران گزارش شده است و استان فارس با ۷ % ، آذربایجان غربی، اصفهان و استان البرز هر یک با ۵ % در رده‌های بعدی قرار دارند .

در ادامه این گزارش آمده است : " رسانه‌های دولتی تنها هویت ۱۲ % اعدام شدگان را افشا نموده است و در اکثر گزارشات دولتی از جنسیت و هویت کامل اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست اما با این حال بر اساس گزارشات منتشر شده ۸ زن در طی سال گذشته اعدام شدند ."

در پایان این گزارش و در بخش صدور و اجرای حکم اعدام بر اساس تفکیک اتهامات آمده است ۳۳ % محکومین به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر ۳۱ % از ایشان به اتهام قتل، ۱۳ % به اتهام تجاوز و ۸ % به اتهام محاربه به اعدام محکوم شدند .”

بنیاد عرصه سوم به مناسبت روز جهانی مبارزه با اعدام به همراه دیگر سازمان های مدافع حقوق بشر برای لغو مجازات اعدام درایران بیانیه ای منتشر کرده و خواهان لغو این مجازات غیرانسانی است .

—

تداوم نقض گسترده حقوق بشردرایران

2012-10-15 · Archive ID 1368
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1368

عرصه سوم - در سومین گزارش احمد شهیدگزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با وضعیت حقوق بشر درایران او باردیگر با ابراز نگرانی شدید خود از گستردگی نقض حقوق انسانی و قانونی شهر وندان از عدم همکاری مسئولان جمهوری اسلامی و بی توجهی آنان به گزارش‌های خود سخن می گوید . احمد شهید بار دیگر با تکیه بر اظهارات شاهدان و قربانیان موارد متعدد نقض قانون و بی توجهی به موازین حقوق بشری را بر می شمارد .

همزمان با انتشار این گزارش، احمد شهید و دو همکار او کریستفر هینز و خوان مندز با انتشار بیانیه ای خواهان توقف اعدام در ایران و هم جلوگیری از اعدام سعید صادقی و ده نفر دیگر شدند که در رابطه با جرائم مربوط به مواد مخدر به مرگ محکوم شده اند . به گزارش هرانا این افراد که در روز جهانی مبارزه با اعدام یعنی دهم اکتبر برای اجرای حکم به زندان قزل حصار منتقل شده بودند، با اعتراض خانواده‌های آنان در جلوی بیت رهبری به سلول‌های خود برگردانده شدند .

در بخشی از آخرین بیانیه گزارشگران سازمان ملل برای توقف اعدام آمده است :

" بارها از ایران خواسته ایم که اعدام ها را متوقف کند ... متاسفیم که به جای دادن پاسخ مثبت به درخواست‌های ما، مقام های ایرانی موارد اعدام را افزایش داده اند . عفو بین الملل، از سازمان های مدافع حقوق بشر اعلام کرده است که از ابتدای سال جاری میلادی تا چهارشنبه این هفته ۳۴۴ نفر در ایران اعدام شده اند که ۱۳۵ مورد از آن به طور رسمی اعلام نشده است . بر این اساس، بیشتر اعدام شدگان از متهمان جرائم مربوط به مواد مخدر بوده‌اند ."

انتشار گزارش سوم احمد شهید اقدام مهمی درجهت حمایت هرچه بیشتر از فعالیت‌های مدافعان حقوق انسان ها درایران است .

کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران ضمن استقبال از انتشار گزارش جدید احمد شهید در بخشی از تحلیل این گزارش می نویسد :

« کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران از انتشار این گزارش استقبال می‌کند و از حکومت ایران می خواهد که به طور جدی در برابر موارد مطرح شده در این گزارش و گزارش‌های قبلی و درخواست های مطرح شده درآنها پاسخگو باشد و اجازه دسترسی به کشور را برای احمدشهید گزارشگر ویژه سریعا مهیا کند . کمپین همچنین از نهادهای سازمان ملل از جمله دبیرکل این سازمان بان کی مون؛ کمیساریای عالی حقوق بشر، ناوی پیلای و اعضای مجمع عمومی این سازمان می خواهد که برای اجرای توصیه‌نامه های این گزارش‌ها قدم های جدی بردارند .

این گزارش امروز در نیویورک برای ارائه به مجمع عمومی سازمان ملل منتشر شد و آقای شهید در هفته‌های آتی محتوای آن را در کمیته سوم مجمع عمومی مطرح و به سوالات اعضای مختلف مجمع پاسخ خواهد داد . مقامات ایران نیز فرصت خواهند داشت که در این جلسه موضع خود را مطرح کنند .

گزارشگر ویژه در بخش نتیجه گیری می گوید که در گزارشات خود تا کنون « طیف گسترده ای از نقض حقوق بشر » را گزارش داده است و ادعا می کند که « این موارد نتیجه ناسازگاری های حقوقی، عدم پایبندی کافی به حاکمیت قانون، و وجود گسترده مصونیت از مجازات » است . وی همچنین نتیجه گیری می کند که تحقیقات و مصاحبه های انجام شده، تصویر عمیقا نگران کننده ای از وضعیت حقوق بشر در ایران را ارائه می کند و اینکه « بسیاری از موارد طبیعیت سیستماتیک » دارند . وی خواستار تجدید نظر در لوایح قانونی شده است که در این گزارش آمده اند و همچنین تجدیدنظر در چارچوب های قانونی که مغایر با تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی در زمینه حقوق بشر می باشند را مطرح کرده است .

درادامه نتیجه گیری وی به اهمیت اشاعه فرهنگ « تحمل » اشاره می کند و از حکومت ایران می خواهد که از تبعیض علیه زنان ودختران و همچنین اقلیت های قومی و مذهبی جلوگیری کند . وی به صورت مشخص خواستار تضمین حکومت ایران برای تعیین حداقل سن ازدواج دختر با استانداردهای جهانی است .

احمد شهید مجددا درخواست خود را برای رسیدگی گسترده، بی طرفانه و مستقل به خشونت های بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸ مورد تاکید قرار می دهد و درخواست آزادی فوری تمامی زندانی سیاسی و عقیدتی را مطرح کرده است . گزارشگر ویژه همچنین درخواست توقف اجرای همه احکام اعدام مطرح کرده مخصوصا اعدام نوجوانان، و دیگران را تا زمانی که استانداردهای محاکمه عادلانه برقرارنشده اند . پیش از نهایی شدن این گزارش ۲۳ صفحه‌ای، نسخه‌ای از آن در اختیار مقامات حکومت ایران قرار گرفته است تا پاسخ خود رابه مواردی که در آن مطرح شده است برای وی ارسال کنند . برخلاف دو گزارش قبلی که مقامات ایرانی به جای پاسخ دادن به گزارش به صورت گسترده کلیت دستورکار گزارشگر و شخصیت وی را زیر سوال می‌بردند، به نظر می رسد که مقامات ایرانی این بار در زمان تعیین شده به گزارش پاسخ داده اند . با این حال از گزارش چنین برمی آید که مقامات حکومت ایران از پرداختن به موارد مشخص نقض حقوق بشر خودداری کرده و تلاش کرده اند منابع مورد مشورت قرار گرفته و یا ادعاهای مطرح شده توسط مدافعان حقوق بشر، سازمان های بین المللی و همچنین قربانیان نقض حقوق بشر را بی اعتبار جلوه دهند .

بنا به آنچه در گزارش آمده است مقامات ایرانی نتایج مطرح شده در این گزارش را بی مبنا و براساس « ادعاهای بی‌پایه » خوانده اند . مقامات ایرانی در توجیه ادعاهای خود گفته ند که قانون اساسی ایران حقوق همه ایرانیان را صرف نظر از جنسیت، مذهب، قوم و نژاد تضمین کرده است . آنها همچنین ادعا کرده اند که موارد مطرح شده در خصوص فقدان دادرسی عادلانه « ساختگی » است از آنجا که به تعبیر مقامات ایران قوانین کشور بدرفتاری با زندانیان و همچنین استفاده از اعترافات اجباری را ممنوع می‌کند و همچنین دسترسی به مشاوره حقوقی را فراهم می‌سازد .

گزارشگر گفته که براین باور است که عدم رسیدگی به موارد مشخص و متعدد نقض فاحش حقوق بشر نشان دهنده « فرهنگ مصونیت از مجازات » است .

در پاسخ به ادعاهای مقامات ایرانی، گزارشگر ویژه گفته که ایران چارچوب قانونی و ابزارمقدمات برای احترام به حقوق بشر را داراست . اما تاکید کرده است که وجود چنین ابزارهای قانونی اظهارات مبنی بر نقض حقوق بشر توسط ۲۲۱ نفری که بین نوامبر ۲۰۱۱ تا جولای ۲۰۱۲ برای گزارش او مصاحبه شده اند را غیرمعتبر نمی‌کند . او همچنین از اینکه موارد متعدد نقض حقوق بشر مطرح شده در گزارش مورد توجه و بررسی دولت ایران قرار نگرفته، اظهار تاسف کرده است .

در گزارش تصریح شده است که آنچه منتشر شده در برگیرنده همه موارد نقض حقوق بشر نیست بلکه مروری است بر برخی از موارد نقض حقوق بشر با تمرکز بر موارد سیستماتیک که نشان دهنده موانع موجود در مسیر توانایی‌های ایران برای اینکه بتوانند به تعهدات بین المللی خودشان عمل کنند.

گزارشگر ویژه بین فوریه تا ژوئن ۲۰۱۲ به ۱۲۴ پرونده نقض حقوق بشر رسیدگی کرده و در این جهت ۹۹ مصاحبه با افراد مرتبط در داخل و خارج از کشورانجام داده است . از میان این مصاحبه ها، ۷۵ مورد شامل شواهد درجه اول و ۲۴ مصاحبه با منابع موثق یا شاهدان عینی نقض حقوق بشر بوده است .

در این گزارش آمده است که گزارشگر ویژه در جریان تهیه گزارش شماری از سندهای مرتبط با موضوع حقوق بشر از جمله قوانین موضوعه ایرانی و گزارش‌های کشوری وبین المللی، مطالب منتشر شده در رسانه ها و نیز گزارشات سازمان های غیردولتی و مدافعان حقوق بشر را بررسی کرده است .

« گزارش گزارشگرویژه درمورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران » در شش فصل ارائه شده است که عبارتند از : ۱). مقدمه، ۲). روش‌شناسی، ۳). حقوق مدنی و سیاسی، ۴). حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، ۵). حقوق کودک و درنهایت ۶). پیشنهادات و نتایج .

فصل سوم (حقوق مدنی و سیاسی) که بخش عمده‌ای از گزارش را به خود اختصاص می‌دهد شامل زیرفصل‌های متنوعی است از جمله : آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات، آزادی تجمعات و انجمنی، آزادی مذهبی (جامعه بهائیان، جامعه مسیحیان، جامعه دراویش) ، اعمال ومدیریت عدالت (قانون مجازات اسلامی جدید، حق دادرسی، استقلال جامعه حقوقی، وضعیت زندان‌ها، اعدامها، شکنجه و مجازات‌های تحقیرآمیز و بی‌رحمانه).

براساس مقررارت جدید کمیته سوم شورای حقوق بشر سازمان ملل، کل گزارش گزارشگر باید درحدود ده هزار کلمه باشد . پیش از این گزارشگر می توانست اسامی افراد مختلف و پرونده های نقض حقوق بشر را در ضمیمه مطرح کند تا شامل محدودیت تعدادکلمات در گزارش نشود . اما براساس مقررات جدید بخش ضمیمه هم جزو محدودیت در تعداد کلمه است . گزارشگر ویژه در این گزارش از راه اندازی یک وب سایت برای ارائه تمامی اطلاعات و جزییات پرونده های مختلف و پاسخ های مقامات ایرانی خبر می دهد ."

این وب سایت به زودی به راه می افتد.

بنیاد عرصه سوم ضمن استقبال از انتشار گزارش جدید احمد شهید و بیانیه اخیر او در محکومیت مجازات اعدام از شهروندان ایرانی و مدافعان حقوق بشر می‌خواهد که با اعتراض به سیاست های غیر انسانی برای احیای موازین حقوق بشری درایران تلاش کنند .

—

جامعه مدنی درآینه اخبار
2012-10-16 · Archive ID 1371
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1371

عرصه سوم - بخشی از مهمترین اخبار و رویدادهای جامعه مدنی در هفته گذشته را در گزارش پیمان مجید زاده می خوانید .



حقوق های پرداخته نشده و نارضایتی قشر کارگر

نابسامانی وضعیت اقتصادی در ایران صدای کارگران را در آورد . در شرایطی که تعداد زیادی از آنان شغل خود را از دست دادند، گروهی از کارگران نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه شان دست به اعتراض زدند . به گزارش خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هرا نا ، در پی وخامت اوضاع اقتصادی کشور در طی ماههای اخیر شرکت سایپای کاشان اقدام به تعدیل نیروی کار خود کرده و احتمال می‌رود ۷۵ درصد از نیروی کار خود را اخراج کرده باشد . سایپای تهران نیز در پیروی از سیاست‌های کاری این شرکت ساعات کاری خود را از سه شیفت کاری به یک شیفت تقلیل داده است . در همین راستا، عصر ایران خبر از کاهش ۶۶ . ۲ درصدی تولید خودرو در کشور می دهد .

خبرگزاری کار ایران، ایلنا گزارش کرده که بیش از ۶۰۰ کارگر صنایع فلزی ایران در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان دولتی و مدیران کارخانه در خصوص پرداخت مطالبات و معوقات پنج ماهه حقوقی‌شان، در مقابل

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند . در آخرین تجمع کارگران مقابل وزارت صنایع که در تاریخ شنبه ۲۵ شهریور ماه ۹۱ صورت گرفت، وعده پرداخت معوقات هشت ماهه کارگران داده شد که متاسفانه مسئولان کارخانه با پرداخت سه ماه از معوقات حقوقی کارگران، از پرداخت مابقی طلب کارگران خودداری می‌کنند . در اقدامی مشابه، نمایندگان رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، که تعداد آن‌ها به ۲۰۰ نفر می رسید، چهارشنبه ۱۹ مهرماه، در اعتراض به تبعیض در ارائه مزایای شغلی مقابل ساختمان شورای شهر تهران تجمع کردند . سایت روز آنلاین گزارش می‌دهد که نمایندگان کارگران خواستار تغییر مدیرعامل این شرکت و رسیدگی به حق و حقوق از دست رفته خود شدند . سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از جمله فعال‌ترین سندیکاهای کارگری در ایران است . بسیاری از اعضای این سندیکا، از جمله منصور اسانلو رئیس و ابراهیم مددی نایب رئیس آن تنها به‌دلیل دفاع از حق گردهمایی، به حبس طولانی محکوم شده اند .

گزارش سازمان بین‌المللی پول

علیرغم نابسامانی شدید وضعیت ارز و تورم افزاینده، صندوق بین‌المللی پول در گزارش اخیر خود، وضعیتی امیدوارکننده را پیش‌بینی کرده، که ایران در سال آینده با وجود تحریم های غرب علیه برنامه اتمی اش قادر خواهد بود که نرخ بالای تورم خود را کاهش دهد و به رشد اقتصادی بازگردد . روز آنلاین در توضیح خود از گزارش IMF می‌نویسد که د ر این پیش‌بینی یک مازاد تجاری کوچک هم برای درآمدهای ایران در نظر گرفته شده است . گرچه تحریم ها با کاهش صادرات نفت به ایران ضربه زده اند اما احتمالا منجر به یک فروپاشی اقتصادی نخواهد شد . این منبع خبری در ادامه تصریح کرده که بسیاری از محاسبات و تحلیل های صندوق بین المللی پول بر اساس آمار ارائه شده از سوی حکومت ایران انجام شده است . آماری که از نظر کارشناسان اقتصادی قابل اعتماد نیستند . از سوی دیگر این گزارش پیش از سقوط شدید ارزش ریال در برابر دلار منتشر شده است .

آسمان خلوت ایران

در پی مشکلات ناشی از نوسانات ارزی و نحوه پرداخت ها، به نقل از آفتاب ، شرکت های ب ریتیش ایرویز، ایر فرانس و شرکت مالزیایی ایر آسیا، پروازهای خود را به تهران متوقف کردند . سرویس هوایی تاجیکستان به ایران هم موقتاً پروازهای خود به تهران را به حالت تعلیق درآورده است . این در شرایطی است که زمزمه های افزایش ۵۰ درصدی قیمت بلیت پروازهای داخلی نیز به گوش می رسد .

تحریم های گزنده و وضعیت دارو

تجارت نیوز درگزارش خود از تأثیر شدید تحریم ها بر بازار داروی ایران اذعان کرده که لیست داروهای نایاب در کشور از نزدیک سی قلم دارو در پنج ماه گذشته، در حال حاضر به نود دارو رسیده است . در این خصوص دبیر کل سازمان ملل نیز در گزارش خود (۱۴ مهر) به مجمع عمومی این سازمان گفت : « تحريم‌هايي كه عليه جمهوري اسلامي ايران اعمال شده، تاثير قابل توجهي بر مردم داشته و از جمله موجب افزايش تورم، افزايش قيمت كالاها و انرژي، افزايش نرخ بيكاري و كمبود اقلام ضروري همچون دارو شده است .»

تداوم نقض گسترده حقوق بشر در ایران

در سومین گزارش احمد شهیدگزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با وضعیت حقوق بشر درایران او باردیگر با ابزار نگرانی شدید خود از گستردگی نقض حقوق انسانی و قانونی شهروندان از عدم همکاری مسئولان جمهوری اسلامی و بی توجهی آنان به گزارش‌های خود سخن می گوید . احمد شهید بار دیگر با تکیه بر اظهارات شاهدان و قربانیان موارد متعدد نقض قانون و بی توجهی به موازین حقوق بشری را بر می شمارد . در این گزارش تأکید شده که قانون اساسی ایران ضمانت لازم را برای برخورداری از حق آزادی بیان، اجتماع و گردهمایی را برای شهروندان ایرانی فراهم نمی آورد . در بخشی دیگر از این گزارش، به نقض حقوق کارگران اشاره شده و خاطرنشان کرده که هرگونه تلاش جهت گردهمایی و احقاق حقوق کارگران در ایران سرکوب شده و در حال حاضر از فعالیت اتحادیه های کارگری در ایران ممانعت به عمل می آید . تحلیل مفصل‌تر عرصه سوم از سومین گزارش احمد شهید را می‌توانید در اینجا مطالعه کنید .

معتاد به مرگ

عرصه سوم به همراهی چند سازمان دیگر با صدور بیانیه ای مخالفت شدید و مراتب اعتراض خود را نسبت به ادامه صدور احکام مجازات اعدام در جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد . در این بیانیه تأکید شده که سیاست های تندروانه جمهوری اسلامی ایران که با هدف مبارزه با قاچاق مواد مخدر سالانه دست به اعدام صدها زندانی می زند، از کمک های بین المللی برای مبارزه با مواد مخدر هم برخوردار است، که این امر نگرانی را افزایش می دهد . به گزارش هرانا حدود ۲۰۰ تن از خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام برای پیگیری وضعیت فرزندان خود روز چهارشنبه ۱۹ مهرماه در مقابل بیت رهبری در خیابان پاستور تجمع کردند و خواستار لغو محکومیت اعدام نزدیکان خود شدند . نیویورک تایمز در گزارش خود تحت عنوان مبارزه ایران در توقف جریان مواد مخدر به هزینه انسانی نیروی انتظامی ایران در این زمینه پرداخته و بیان داشته که۳۹۰۰ نفر از نیروی های مستقر در مرزها تا کنون جان خود را در مبارزه با ورود مواد مخدر به ایران از دست داده اند .

نماینده ایتالیایی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران، آنتونینو دلئو، نیز نگرانی خود را از افزایش اعدام ها اعلام کرده و گفته است که صدور احکام این مجازات به عهده قوه قضاییه و نه نیروی انتظامی است .

سازمان عفو بین الملل در گزارش مفصل خود تحت عنوان " معتاد به مرگ " به تشریح اجرای مجازات اعدام برای جرم های مرتبط با مواد مخدر پرداخته و تصریح کرده که ایران در تلاش برای مبارزه با مواد مخدر، از دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد کمک مالی دریافت می کند . یکی از ملزومات این کمک‌های مالی بر اساس منشور سازمان ملل، پایبندی ایران به تعهدات بین‌المللی و رفتار در چارچوب حقوق بین الملل است .

این گزارش نسبت به مؤثر بودن اقدام‌ها دفتر سازمان ملل تردید دارد و می‌نویسد که مشخص نیست دفتر مواد مخدر و جرایم سازمان ملل تا چه حد پایبندی به موازین بین المللی حقوق بشر را در این پروژه تقویت کرده است . دفتر سازمان ملل با ستاد کنترل مواد مخدر و قوه قضاییه ایران در مورد پیش نویس اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر همکاری کرده که در دی ۱۳۹۰ به اجرا درآمد . اما به رغم اهداف این سازمان در اصلاح قانون، حوزه مجازات اعدام گسترش پیدا کرده است . روشن است که مسئولان ارشد دفتر مواد مخدر و جرایم سازمان ملل در همکاری های رسمی خود با ایران فعالیت چندانی برای طرح نگرانی خود در باره صدور حکم اعدام برای جرایم مواد مخدر نکرده اند .

—

آنچه که حق مسلم زنان ایران است

2012-10-16 · Archive ID 1375
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1375

عرصه سوم - از ضروریات اصلی در هر سیستم سیاسی و جامعه دموکراتیک تصویب و اجرای قوانین مترقی و عادلانه و رعایت حقوق انسانی همه شهروندان است . داشتن حقوق یکسان دربرابر قانون بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص افراد به نظر امری بدیهی است . اما ما شاهدیم که این حق مسلم هنوز برای میلیون‌ها نفر درسراسر جهان به رسمیت شناخته نشده است . برای نمونه زنان در بسیاری از کشورهای درحال توسعه از حقوق خود درقانون برخوردارنیستند . بنابراین بدون داشتن قوانین مبتنی بر برابری دو جنس که ملهم از مصوبات جامعه جهانی و از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشراند، نمی‌توان از آزادی و رهایی زنان صحبت کرد.

آموزش و اطلاع رسانی در زمینه آشنا کردن مردم با حقوق خود یکی از مهمترین حوزه های فعالیت در نهاد های مدافع حقوق بشر و سازمان هایی است که برای رفع انواع تبعیضات درجامعه تلاش می کنند . آموزش و آشنا کردن مردم با قوانین امری ضروری برای ساختن نهادهای دموکراتیک است . افزون براین افراد باید با ضوابط بین‌المللی و پیشرفته که توسط بیشتر کشورها به رسمیت شناخته شده اند نیز آشنا شوند . اهمیت تصویب قوانین عادلانه به موازات برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی لازمه پیشرفت فردی و جمعی است . بدون حمایت قانونی از حقوق فردی تک تک شهروندان نمی‌توان از سایر حقوق اجتماعی آنان صحبت کرد . به همین منظور بسیاری از سازمان های مردم نهاد درایران و درخارج از کشور با انتشار جزوات آموزشی و یا استفاده از ویدئو و غیره در زمینه‌های مختلف به آموزش افراد اقدام کرده اند . البته هنوز در این زمینه جای کار

بسیاری وجود دارد . با این حال انتشار وسیع این منابع آموزشی موجود می‌تواند قدم موثری در آشنایی مردم با آخرین موازین مورد قبول جامعه جهانی در موارد حقوقی باشد .

در سه دهه اخیر در مورد حقوق زنان درایران و تبعیضات قانونی رواشده برآنان بسیار گفته و نوشته شده است . با وجود فعالیت‌های مدام و پیگیرانه کنشگران جنبش زنان درسالهای اخیر، دولت ایران هنوز به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان نپوسته و اسناد آن را امضا نکرده است . زنان ما با تبعیضات متعدد درقوانین مربوط به ازدواج و خانواده، تحصیل، ارث، مجازات و ده‌ها مورد دیگر روبرو هستند .

سایت شهروندیار اخیرا با تهیه پاورپوینت یک آموزشی در مورد قوانین تبعیض آلود مربوط به زنان درایران می نویسد :

" پاورپوینت "زنان ایران و آنچه حق آنهاست !" که با هدف آگاهی بخشی و روشنگری نسبت به یکی از مهمترین کنوانسیون های حقوق بشری مرتبط با حقوق زنان در دنیای امروز تهیه شده، در حقیقت مقایسه ای است میان مفاد کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان و بسیاری از قوانین تبعیض آمیز در ایران .

تهیه کنندگان این پاورپوینت کوشیده اند تا با زبان بسیار ساده،به دور از پیچیده گویی و همچنین با بهره گیری از تصاویر جذاب و جلوه های ویژه مخاطب را نسبت به فاصله و تفاوتهای غیر قابل انکار میان حقوق شناخته شده زنان در دنیای امروز و آنچه در ایران برقرار است، آگاه کنند ."

—

سرمایه اجتماعی و نقش آن در تقویت جامعه مدنی

2012-10-18 · Archive ID 1378
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1378

عرصه سوم- درجوامع امروزی حضور گسترده و پویای مردم در جامعه و نقش آنان در موافقت و یا مخالفت با سیاست‌های جاری اصلی خدشه ناپذیر در شکوفایی نهاد های دموکراتیک برای کنترل روابط قدرت و نظارت بر تصمیم گیری ها است . در تعاریف رسمی این به معنی شرکت مردم در جامعه مدنی یعنی بخش گسترده و خارج از دو حوزه رسمی یعنی دولت و اقتصاد است، یعنی حوزه تلاش و ابتکارات فردی، فعالیت‌های متنوع، جنبش های اجتماعی و تشکیل گروه های داوطلب برای پیگیری و حل مشکلات جامعه است .

اما سرمایه اجتماعی چیست و چه نقشی در تکوین و پویایی شبکه‌های مردمی و مدنی دارد؟

سرمایه اجتماعی مفهومی است که درسه دهه اخیر در مطالعات جامعه شناختی مطرح، از زوایای مختلفی تعریف و تحقیقات مهمی درباره آن انجام شد . واضح است که ما برای زندگی به سرمایه ها و یا منابع متعددی نیازداریم . درادبیات جامعه شناختی اغلب مفهوم دارایی یا سرمایه برای موجودی مادی و یا فرهنگی جامعه به کار می رود، اما بتدریج واژه سرمایه برای روشن کردن ذخایر دیگری مانند سرمایه انسانی و یا منابع طبیعی و غیره هم به کار گرفته شده است .

اصطلاح سرمایه اجتماعی برای اولین بار توسط جین جاکوب در اثری به نام : « مرگ و زندگی در شهرهای امریکایی » ، عنوان شده است . دراین اثر نویسنده از شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده شهرها به عنوان سرمایه اجتماعی نام می برد .

از دهه هفتاد میلادی تحقیق درباره سرمایه اجتماعی به شدت رواج یافت و بارها اززوایای متفاوت تعریف شد . چگونگی رشد و نقش انباشت سرمایه اجتماعی در توسعه مورد بحث قرار گرفته و روز به روز هم بر اهمیت این مفهوم افزوده شده است . پانتام یکی از پژوهشگران مطرح دراین مبحث تمام ویژگی‌های اجتماعی نهادها و سازمان ها از نوع هنجاری،شبکه ای و اعتماد میان آن‌ها را سرمایه اجتماعی می نامد .

او سرمایه اجتماعی را اغلب محصول جانبی فعالیت‌های مردم می داند . به این معنی که این ویژگی از مجموع پیوندها، رفتارها و اعتماد میان افراد به وجود می آید . مثال خوب دراین مورد رفتارهای هنری، فرهنگی، ورزشی و غیره درجامعه و ارزش‌های حاکم برآنان هستند . چه ویژگی‌های رفتاری و ارزشی در روابط وجود دارند و عمل‌کرد این عوامل کدامند؟ سرمایه اجتماعی به طور طبیعی درروابط و از طریق افزایش میزان اعتماد و همکاری میان مردم ایجاد می شود . به زبان دیگر میزان بالای درجه همبستگی جمعی را می‌توان سرمایه اجتماعی نامید . یا بهتر آنکه قدرت و توانایی مثبت مردم برای ایجاد ارتباط با یکدیگر، مداراگری و درک متقابل در همکاری جمعی را سرمایه اجتماعی بنامیم .

ویژگی‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی درکجا تشکیل می شود؟ جواب این سؤال ساده است در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی میان مردم، از پیوند های خانوادگی گرفته تا روابط با همسایگان و فعالیت درمحله تا شرکت داوطلبانه در امور خیریه و یا هر عمل اجتماعی دیگر .

جامعه شناس معروف پیر بوردیو سرمایه اجتماعی را یکی از نیروهای مهم در اجتماع و همطراز با سرمایه های فیزیکی و انسانی درنظر می گیرد . از نظر این محقق مجموعه منابع حاصل از روابط و شناخت متقابل در شبکه‌های بادوام سرمایه جمعی را به وجود می‌آورند و سبب اعتبار و اعتماد می شوند . بنابراین مهارت ها و قابلیت‌هایی که افراد به آن دست می یابند و دررابطه با دیگران در پیشبرد موقعیت شان به کار می‌گیرند، نیز دراین تعریف می گنجد . یکی دیگر از خصوصیات مهم در تعاریف مربوط به سرمایه اجتماعی ایجاد فرهنگی مبتنی بر تساهل گرایی و تحمل عقاید و تفاوت ها در روابط اجتماعی است .

دربررسی های سه دهه اخیر پژوهشگران از زوایای گوناگون به تعریف سرمایه اجتماعی و کیفیت‌های آن پرداخته اند . ارائه تمام این تعاریف دراینجا مدنظر نیست بلکه چگونگی عمل‌کرد و نقش آن در تدوین و تقویت نهاد های مدنی مورد نظر است . اساس ایجاد نهادهای دموکراتیک درجامعه مبتنی بر استفاده از خرد جمعی، همکاری گروهی و گسترش عدالت اجتماعی برای حفظ منافع فردی و جمعی مردم است . به این معنی افزایش درجه خردورزی و ایجاد وجدان جمعی ویژگی‌های دیگری از مفهوم سرمایه اجتماعی اند که به طور طبیعی به انباشت میزان اعتماد در میان اقشار مردم ، شفافیت و ساختن فرهنگ انتقادی دربستر مذاکره و مشاوره مدام منتهی خواهد شد .

یکی از شرایط داشتن یک جامعه مدنی قوی و مؤثر میزان بالای مشارکت مردم در حوزه فعالیت‌های اجتماعی است . این فعالیت‌ها می‌توانند درمقیاس کوچک،یا بزرگ، و هم از نظر موضوعی بسیار متنوع باشند . مانند فعالیت‌های حقوق بشری، سازماندهی مقطعی برای کمک به زلزله زدگان، یا ایجاد مراکز پزشکی و حمایت از بیماران ، فعالیت‌های هنری، ورزشی و صدها موضوع دیگر .

به زبان ساده هرچه بر کیفیت و کمیت روابط انسانی بعنی میزان سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی افزوده شود، زمینه برای تقویت جامعه مدنی و درونی شدن هنجارهای مثبت بیشتر خواهد شد . واضح است که در جوامع استبداد زده میزان اعتماد جمعی در ارتباطات میان مردم با دولت مردان و بالعکس ناچیز و به تبع آن فضای شک، بی اعتمادی و ترس حاکم است . افزون برآن نابرابری در برابر قانون، و عدم توزیع عادلانه منابع مادی لازمه پیشرفت از دلایل پایین بودن ارتباط و تعامل میان اقشار فقیر و غنی است . یکی از پیامدهای چنین شرایطی پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی نازل است . در چنین جوامعی مردم اغلب از دسترسی به رسانه‌های مستقل و آزادی بیان محرومند، و از واکنش‌های اعتراضی به علت ترس از دستگیری و مجازات هراس دارند . بنابراین فضای آزاد و ارتباطی لازم برای کنش و واکنش را دراختیار ندارند . و همواره حق مخالفت و انتقاد بسیار محدود و تبعیضات قانونی دربیشتر موارد مانع از پویندگی و شکوفایی شبکه‌های مردمی است به همین خاطر میزان سرمایه اجتماعی محدود و تنها در شرایط استثنایی مانند جنگ و یا وقایع ناگهانی و به صورت مقطعی افزایش می یابد . برای مثال در دوران جنگ هشت ساله ایران با عراق میزان فداکاری، روحیه جمعی و همکاری در مردم دردفاع از کشور بسیار بالا و در نتیجه میزان سرمایه اجتماعی سیر صعودی داشت .

کاهش سرمایه اجتماعی درایران

اما در شرایط حاضر فعالان اجتماعی درایران اغلب از پایین بودن میزان مشارکت مردم در حوزه فعالیت‌های داوطلبانه، دلسردی و ناامیدی شدید آنان از وضعیت اجتماعی می گویند . افزایش درصد بیماران روحی و شیوع افسردگی از پیامدهای مستقیم نابسامانی اجتماعی است . تورم و گرانی شدید، خطر جنگ، گسترش فقر و بیکاری تأثیر تعیین کننده بر شدت آسیب پذیری، نگرانی و اضطراب افراد، پایین بودن میزان اعتماد اجتماعی، یا غلبه دیدگاه‌های یأس آلود درمیان مردم دارد .

از دلایل دیگر کاهش سرمایه اجتماعی درجامعه نبود فضای آزاد بحث و گفتگو، و هم معضلاتی مانند افزایش بزهکاری، اعتیاد و سایر مشکلات است . از نتایج بررسی های انجام شده در فاصله 1385- 1388 می‌توان نتیجه گرفت که میزان اعتماد مردم نسبت به سیاست مداران بسیار پایین و هم چنین از نظر مردم ارزش‌هایی چون امانت داری، صداقت، و تحمل در جامعه کاهش پیدا کرده و ضد ارزش‌هایی مانند کلاه‌برداری و چاپلوسی افزایش یافته است . یکی از پیامد های کاهش شدید سرمایه اجتماعی ایجاد تنش در روابط فرد با محیط پرامونی، تقلیل ارزش‌های معنوی و از هم گسیختگی فکری است که نمود آن در افزایش جرم و جنایت و بزهکاری در ایران مشاهده می شود .

سطح بالای سرمایه اجتماعی در هر جامعه نشانگر رضایت از کیفیت زندگی است . برای مثال طبق یک بررسی رتبه شادمانی در ایران در میان 69 کشور رتبه 61 است . در تحقیق گسترده دیگری در دوسال پیش که درمیان 220 کشور دنیا انجام شده است، ایران در رتبه 202 از نظر میزان شادی و رضایت از زندگی قرار گرفته است . به این ترتیب می‌توان از تأثیر شدید نابسامانی های اجتماعی بر پایین بودن میزان رضایت از زندگی و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی درایران صحبت کرد .

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-10-22 · Archive ID 1381
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1381

عرصه سوم - بخشی از آخرین اخبار هفته گذشته را درگزارش پیمان مجید زاده می خوانید .

زمزمه های بازگشت کوپن و جیره بندی مواد غذایی

اگرچه تلاش مسئولان جمهوری اسلامی همواره در راستای کم اهمیت جلوه دادن نقش تحریم ها در دشواری های اقتصادی اخیر بوده، احمد توکلی نماینده اصول گرای مجلس، خواستار احیای نظام کوپنی و سهمیه بندی برخی کالاهای مورد نیاز مردم به عنوان راهکاری برای خروج از بحران گرانی و تورم شده است . این در حالی است که افزایش لحظه‌ای قیمت ها از یک سو و کاهش قدرت خرید مردم از سوی دیگر، وضعیت معیشتی بسیاری از ایرانیان را بشدت دچار مشکل کرده است . به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا) ، بر اساس اعلام بانک مرکزی، نرخ تورم با ۷ . ۶ درصد رشد در ۱۲ ماه گذشته تا شهریور سال جاری به ۲۴ درصد رسید . این در حالی است که بسیاری از کارشناسان از جهش فوق‌العاده نرخ تورم در نیمه دوم سال خبر می‌دهند . گزارشی دیگر از همین خبرگزاری، میزان فقر مطلق در ایران را بین ۲۵ تا ۳۲ درصد دانسته، طی سه سال گذشته سالانه ۲ درصد به جمعیت فقیر کشور افزوده شده است .

از سوی دیگر، به گفته رئیس پژوهشکده علوم غذایی، ۵ درصد مردم ایران از گرسنگی رنج می برند . وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز اعلام کرد که بیش از 7 درصد ایرانیان از نظر هزینه‌های درمانی زیر خط فقر زندگی می‌کنند . گزارش ایسنا حاکی از افزایش چهار برابری هزینه‌های درمان در مراکز دولتی ایران است . به گزارش دویچه وله ، خط فقر برای سال ۱۳۸۹ و خانواده‌های شهری ۹۴۶ هزار تومان اعلام شده است و به گفته‌ی مسئولان، تعیین خط فقر سال ۱۳۹۰ هنوز به پایان نرسیده است .

تحریم و بیماری‌های خاص

به گفته فاطمه هاشمی، رئیس بنیاد امور بیماری‌های خاص، به خاطر تحریم‌ها تهیه دارو برای بیماران خاص با مشکل مواجه شده و همزمان گزارش‌ها حاکی از افزایش قیمت و کمبود برخی داروها است . خانم هاشمی در مصاحبه‌ای با تابناک گفته : “ بیشتر از همه در داروهای بیماران سرطانی و ام اس در تنگنا هستیم . البته بیماران تالاسمی و دیالیزی‌ها هم سختی‌هایی دارند و همه اینها بر اثر مشکلاتی است که ریشه در تحریم بانکی و سختی در انتقال ارز دارد .” وی در این گفتگو تأکید کرده که تحریم ها مردم را نشانه گرفته‌اند که گواه آن شش میلیون بیمار خاص است که برای تهیه دارو با مشقات زیادی دست و پنجه نرم می کنند .



اعتصاب غذای نسرین ستوده

نسرین ستوده وکیل مدافع تنی چند از کنشگران اجتماعی که به 11 زندان محکوم شده است در اعتراض به شرایط حبس دست به اعتصاب غذا زده است . همسر او رضا خندان اعلام کرده که به خاطر عدم واکنش دادستانی به تقاضاهای ستوده او به ناچار اعتصاب غذا کرده، نسرین ستوده بارها از ملاقات با فرزندان خود محروم شده است . او بیش از دوسال است که به اتهام عضویت درکانون مدافعان حقوق بشر به زندان و ممنوعیت از وکالت محکوم شده است .

اخبار مربوط به کودکان

پنج نفر از فعالان ایرانی ادبیات کودک و مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا ، از سوی ایران نامزد دریافت جایزه جهانی یادبود آسترید لیندگرن ۲۰۱۳ شدند . به گزارش تارنمای خبری کتابک ، امسال ۶۷ کشور، ۲۰۷ نامزد را برای دریافت جایزه جهانی یادبود آسترید لیندگرن، گران‌ترین جایزه ادبیات کودک جهان برای سال ۲۰۱۳ معرفی کرده‌اند . توران میرهادی، فرشید مثقالی، محمدعلی بنی‌اسدی، احمدرضا احمدی و مصطفی رحمان‌دوست به‌عنوان نامزدهای ایران اعلام شده‌اند .

باز هم در حیطه کودکان اما این بار در آماری نگران کننده، انجمن حمایت از حقوق کودکان اعلام کرده در نیمه نخست امسال، ۸۶ مورد کودک‌آزاری به این انجمن گزارش شده که ۳۳درصد این موارد آزار بدنی کودکان

است . خانواده کودکان آزاردیده با آسیب‌هایی چون اعتیاد، طلاق، فقر، بیماری، طرد شدن از طرف اقوام و اجتماع روبه‌رو هستند .

اردوی " راهیان نور " و حادثه‌ای دلخراش

واژگونی یک دستگاه اتوبوس اردوی راهیان نور، منجر به کشته شدن ۲۶ دانش آموز و همراه و زخمی شدن ۱۸ نفر از سرنشینان آن شد . اردوی راهیان نور از سوی وزارت آموزش و پرورش و بسیج به طور مشترک برگزار می‌شود و مقصد آن مناطقی در غرب ایران است که بین سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ خورشیدی صحنه جنگ هشت ساله ایران و عراق بوده است . عرصه سوم این حادثه دلخراش را به خانواده قربانیان تسلیت گفته مراتب همدردی خود را با آنان ابراز می نماید .

اعتراض دانشجویان دانشگاه شیراز به جداسازی جنسیتی

به گزارش بامداد خبر ، تعدادی از دانشجویان دانشگاه سراسری شیراز روز شنبه ۲۹ مهرماه در پردیس این دانشگاه دست به اعتراض زدند . دلیل این اعتراضات، جداسازی ورودی دختران و پسران در پردیس ارم دانشگاه شیراز عنوان شده است که به عقیده دانشجویان معترض این مسئله آغازی برای تفکیک کامل جنسیتی و افزایش جو رعب و وحشت در این دانشگاه است . به گزارش کلمه، رئیس دانشگاه آزاد نیز بر حرکت به سمت تفکیک جنسیتی تأکید کرده است .

کارگران، قانون کار و تأمین اجتماعی

فعالان کارگری براین تاکید می‌کنند که کارگران می‌بایست بر روند تغییر قانون تأمین اجتماعی نظارت داشته باشند، اما هنوز مسئولان تامین اجتماعی یا وزارت کار موضعگیری صریحی دراین زمینه نکرده‌اند . رادیو زمانه در گزارش اخیر خود به بررسی دیدگاه‌های مختلف پرداخته است . در همین راستا موج تعدیل نیرو همچنان در واحدهای تولیدی با شدت ادامه دارد .

—

برگزاری دومین دادگاه ایران تریبونال درلاهه

2012-10-22 · Archive ID 1384
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1384

عرصه سوم - مرحله دوم دادگاه تریبونال به مدت سه روز از 25 تا 27 اکتبر در شهر لاهه هلند برگزار می شود . مرحله اول این دادگاه در ژوییه 2012 در لندن و با شرکت گروهی از قضات و حقوق دانان بین‌المللی و جمعی از افرادی که در جمهوری اسلامی به خاطر فعالیت‌های سیاسی به زندان محکوم و هم شکنجه شده بودند،برگزار شد . درمرحله نخست این دادگاه اظهارات شاهدان درزمینه بازداشت ،حبس و نحوه برخورد مسئولین با زندانیان و فجایع رخ داده در زندان های جمهوری اسلامی درحضور گروهی از شرکت کنندگان و نمایندگان رسانه‌ها بررسی شد .

در بخشی از مصاحبه عرصه سوم (درمورد دادگاه اول) با پیام اخوان استاد دانشگاه درکانادا و از مسئولین و برگزارکنندگان دادگاه تریبونال می‌خوانیم که :

« این دادگاه در واقع دادگاه مردمی است و محاکمه ای هم که در این دادگاه صورت می گیرد سمبولیک است . در واقع با این هدف که مردم ایران و جامعه بین المللی به واقعیت اعدام های سال ۶۷ پی ببرند، چون تا همین امروز هم جمهوری اسلامی حاضر به اعتراف و قبول کشتار هزار ها ایرانی در سال ۶۷ نشده است . خیلی از ایرانی ها هم هنوز از واقعیات و جزییات این اعدام ها خبر ندارند . این دادگاه برای تنبیه فرد خاص یا افراد خاصی نیست بلکه فقط به کسانیکه که جان سالم از آن جنایت ها به در بردند و یا عضوی از خانواده شان را از دست داده اند، این امکان را می دهد تا داستان هایشان را این بار پشت تریبون های بین اللملی بگویند . در اولین قدم باید مدارک موثق در خصوص این جنایت تاریخی ثبت شود . و این دادگاه این کار را انجام خواهد داد .

تا نشان دهد که چه اتفاقی افتاده، چگونه و چرا و مسئولانش چه کسانی بوده اند . بعد می توان امیدوار بود که یک روز حداقل عده ای از مسئولان این جنایت ها به پای میز محاکمه کشیده و مجازات شوند . اما در حال حاضر این مرحله فقط حقیقت یابی و تهیه گزارش است . درست است که مسئولان حکومت جمهوری اسلامی الان قدرت دارند، اما همیشه این طور نخواهند ماند و آنها هم مانند بقیه دیکتاتورها مجازات خواهند شد .

سایت ایران تریبونال در بخشی از اطلاعیه جدید خود درباره برگزاری مرحله دوم دادگاه در لاهه می نویسد :

" دادگاه مرحله دوم ترکیبی خواهد بود از یک تیم هفت نفره از سرشناس ترین قضات و حقوق دانان و شخصیت‌های مستقل و برجسته جهانی از کشورهای کنیا، افریقای جنوبی، فرانسه، بلژیک، انگلیس و امریکا، یک تیم دادستانی متشکل از 7 حقوق دان ایرانی و غیر ایرانی ، یک تیم حقوقی متشکل از چهار حقوق دان و آکادمیسین جوان ایرانی و نوزده شاهد با ترکیبی از زندانیان سیاسی و خانواده ها و کارشناسان حقوقی و شاهدان عینی . یکی از اسناد مهم مرحله دوم دادگاه، گزارش کمیسیون حقیقت یاب خواهد بود ."

برای اطلاعات بیشتر ازاین رویداد به سایت ایران تریبونال مراجعه کنید .

—

کنگره ملی وکلا و مبارزه برای استقلال وکیل

2012-10-23 · Archive ID 1388
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1388

عرصه سوم - دومین کنگره ملی وکلا در 27 مهرماه جاری با هدف تبادل نظر و بررسی آخرین دستاوردهای تحقیقی درحوزه قضا، اطلاع رسانی و آموزش هرچه بیشتر مرد م در این زمینه در اصفهان برگزار شد . کنگره ملی وکلا نهادی مدنی و غیرحکومتی است و تا کنون به همت کانون وکلای اصفهان دو نشست عمومی برگزار کرده است . در کنگره مهرماه مشکلات وکالت و موضوع استقلال حوزه عمل وکیل و کانون های وکلا بررسی شد . از دلایل انتخاب این عنوان برای این کنگره اقدام قوق قضاییه در تدوین لایحه ای به نام لایحه جامع وکالت رسمی است . این لایحه برای بررسی به هیئت دولت و مجلس ارسال شده است . در تدوین این لایحه استقلال کانون وکلا و دیگر مراکز مستقل وکلا مورد سؤال قرار گرفته است . به این خاطر انتقادت وسیعی از جانب وکلا مطرح و منتشر شده اند . به همین خاطر این گنکره با هدف تشریح اهمیت استقلال کانون های وکلا برای مردم و بررسی همه جانبه موضوعات جنبی برگزار شده است .

درسالهای اخیر مبارزات جامعه وکلای ایران برای حفظ استقلال شغلی و به عهده گرفتن نقش واقعی خود به عنوان مدافعان حقوق شهر وندان با توجه به محدودیت‌های متعددی که از طرف مقامات قوه قضاییه اعمال می شود، هم چنان ادامه دارد . درشرایط فعلی گروهی از وکلای مدافع حقوق بشر ازجمله نسرین ستوده و عبدالفتاح سلطانی به اتهام دفاع از موکلان خود به حبس های طولانی محکوم شده اند .

برپایی این کنگره برای بررسی مشکلات وکلا، آسیب‌شناسی این حرفه و هم لایحه جامع وکالت، برای داشتن یک دستگاه قضایی مبتنی بر اجرای عدالت بسیار اهمیت دارد . بدون شک نمی‌توان درشرایطی که وکلا و کانون های صنفی آن‌ها از استقلال عمل و نظر برخوردار نیستند از تضمین حقوق افراد درمحاکم دادرسی سخن گفت . بنابراین این وظیفه مردم و هم قوه قضایی است که از استقلال حرفه‌ای وکلا دفاع کنند . اما درلایحه اخیر که از طرف قوق قضاییه تدوین شده است، اساساً صحبتی از استقلال کانون های صنفی وکلا درمیان نیست و قوق قضاییه کانون های وکلا را به عنوان یکی از سازمان های تحت کنترل خود مطرح می کند . عدم تطبیق مواد این لایحه با قوانین بین‌المللی قبلاً مورد نقد وبررسی قرارگرفته است و باردیگر درکنگره دوم وکلا دراصفهان مورد بررسی قرار گرفت .

در جریان این کنگره گودرز افتخار جهرمی رئیس کانون وکلای مرکز درمصاحبه ای درانتقاد از لایحه فوق صحبت کرد . بخشی از مطلب منتشر شده درباره سخنان او و همکارانش را به نقل از سایت « کنگره ملی وکلا » می خوانید :

اظهارات روسای کانون های وکلا

"لایحه قانون وکالت رسمی در حال حاضر در کمیسیون فرعی لوایح دولت مطرح است، ولی متاسفانه تاکنون از نمایندگان کانون های وکلا برای شرکت در این جلسات دعوت نشده است و افرادی که به این لایحه رسیدگی می کنند همگی از دستگاه های دولتی هستند .

به گزارش خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه اصفهان، گودرز افتخار جهرمی شامگاه پنج شنبه در جمع خبرنگاران در اصفهان اظهار کرد : نمی خواهیم بگوییم ما در کنگره شرکت کردیم و دیگر مسوولیتی نداریم، هدف اصلی این است که تمام وکلا مطلع و متوجه خطرات شوند، وکلای دادگستری با نمایندگان منطقه خود در ارتباط هستند و می توانند خواسته وکلا را به اطلاع نمایدگان مجلس برسانند . وی افزود : لایحه قانون وکالت رسمی در حال حاضر در کمیسیون فرعی لوایح دولت مطرح است و ماده به ماده مورد رسیدگی قرار می گیرد و در مورد آنها اظهار نظر می شود، ولی متاسفانه تاکنون از نمایندگان کانون های وکلا برای شرکت در این جلسات دعوت نشده است .

افتخار جهرمی تصریح کرد : انسان باید همیشه امیدوار باشد وکلا نیز فعالیت می کنند و امیدوارندکه در کمیسیون لوایح و هیات دولت تغییرات اساسی در این لایحه ایجاد شود و در مجلس نیز نمایندگان توجه کنند و اگر قانونی تصویب کردند به نفع مملکت و قوه قضائیه باشد .

رییس کانون وکلای دادگستری مرکز بیان کرد : استقلال کانون وکلا به نفع مملکت و قوه قضاییه است . وکلا همیشه با نظارت قوه قضاییه حرفی نداشته‌اند و در حال حاضر نیز قوه قضاییه در کار کانون های وکلای دادگستری به روش های مختلف نظارت دارد، به عنوان نمونه تصمیمات هیات مدیره کانون و تصمیمات دادگاه های انتظامی وکلا قابل اعتراض در دادگاه عالی انتظامی قضات است، هم چنین تعداد کارآموزان وکالت هر سال در کمیسیونی که از رییس دادگستری استان، رییس دادگاه انقلاب و رییس کانون وکلای مشخص می شود که اکثریت با قوه قضاییه است .

افتخار جهرمی اظهار کرد : صلاحیت کسانی که می خواهند نامزد عضویت در هیات مدیره کانون های وکلا شوند، باید به وسیله دادگاه عالی انتظامی قضات تایید شود که البته این امر از نظارت بالاتر است . در هر حال وکلا این شرایط را قبول کردند و لازم نمی دانیم بیش از این قوه قضائیه در امر کانونآهای وکلا مداخله داشته باشند آنها با همین اهرم هایی که دارند بر کار کانون های وکلا نظارت می‌کنند .

هم‌چنین، رییس کانون وکلای دادگستری اصفهان نیز در جمع خبرنگاران گفت : به دبیرخانه دومین کنگره ملی وکلا 60 مقاله ارسال شده که به صورت ویژه در مجله کانون وکلای اصفهان با عنوان مدرسه حقوق چاپ خواهد شد .

سیدمصطفی انوری‌زاده افزود : مباحث مطرح شده در این کنگره پیرامون دغدغه موجود امر وکالت شامل استقلال وکیل دادگستری و استقلال کانون های وکلای دادگستری است .

رییس کانون وکلای دادگستری اصفهان ادامه داد : در دومین اجلاس کنگره ملی وکلا در اصفهان، استادان دانشگاه‌های کشور، اعضای هیات مدیره کانون‌های وکلا، نمایندگان مجلس و صاحب نظران عرصه حقوق و مقامات قضایی و اداری استان حضور داشتند . انوری زاده بیان کرد : کانون وکلای اصفهان تماس های متعددی با نمایندگان مجلس، ارکان قوه مجریه و قوه قضاییه در خصوص لایحه قانون وکالت رسمی داشته و مشکلات و پیشنهادات خود را مطرح کرده کرده است . وی یادآور شد : اخیرا نیز کانون وکلای اصفهان نامه‌هایی را به ریاست قوه قضاییه نوشته است که در یکی از این نامه از ایشان دعوت شد در این کنگره حضور داشته باشند و در نامه دیگر نیز از ایشان تقاضا شد اعضای هیات مدیره کانون وکلای اصفهان با ایشان ملاقاتی داشته باشند .

رییس کانون وکلای اصفهان اضافه کرد : تاکنون از ریاست قوه قضاییه جوابی نگرفته ایم و ایشان در مورد وقت ملاقات نیز جوابی هنوز نداده‌اند .

انوری زاده تصریح کرد : پیش از اینکه آیت الله لاریجانی تصدی امر قوه قضاییه را به عهده بگیرند، در ملاقاتی که روسای کانون های وکلا با ایشان داشتند در خصوص این لایحه صحبت های شد و ایشان در کلیت با استقلال کانون موافق بودند .

وی اضافه کرد : راجع به اصلاح آیین نامه استقلال که توسط آیت‌الله شاهرودی تصویب و متوقف شده بود نیز مذاکراتی شد و حتی ایشان گفتند این لایحه درست نیست، ولی از راه قانون جلوی آن را بگیرید که همین امر باعث شد که تمام کانون های وکلای کشور به آقایان بهمن کشاورز و جندقی کرمانی وکالت دهند تا طرح شکایتی کنند و آنها نیز به دیوان عدالت اداری دایر بر ابطال آیین نامه طرح شکایت کردند که فعلا در دیوان عدالت اداری مسکوت است .

هم‌چنین جندقی کرمانی پور رییس اسبق کانون وکلای مرکز در ادامه گفت : تشکیل این کنگره تنها برای دغدغه وکلای دادگستری برای از بین رفتن استقلال آنها با طرح جامع وکالت است که در قوه قضاییه تشکیل شده است .

وی افزود : کنگره نهاد جدیدی است که اگر تداوم پیدا کند می تواند به عنوان یک نهاد ملی در کنار اتحادیه کانون های سراسری وکلای دادگستری قدم موثری در راه استقلال کانون و وکلا بردارد .

جندقی کرمانی پور ادامه داد : لایحه قانون وکالت رسمی به استناد قانون برنامه پنجم توسعه توسط قوه قضاییه تهیه شده که اگر این لایحه تصویب شود نه تنها نام کانون به سازمان تغییر پیدا خواهد کرد بلکه استقلال کانون های وکلا کاملا از بین می رود .

وی بیان کرد : دو کنگره ملی از نظر تاریخی، در تاریخ کشور ثبت خواهد شد و آیندگان قضاوت خواهند کرد که پیشکسوتان آنها برای حفظ استقلال کانون، کنگره‌های متعددی تشکیل داده‌اند، صرف نظر از اینکه زور وکلای دادگستری به زور قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی برسد یا نه چراکه هدف ما ثبت تلاش وکلا برای حفظ استقلال کانون‌های وکلا در تاریخ است .

در ادامه بهمن کشاورز، رییس سابق اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران گفت : قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت که در سال 1376 تصویب شد، استقلال کانون وکلا که در قانون سال 1331 تصویب و در سال 1333 عینا تایید شد را به نحو قابل قبولی مخدوش کرد .

وی ادامه داد : وکلای دادگستری به این استقلال نیم بند راضی بودند، با این تصور و تفکر که به سمت مثبت حرکت خواهیم کرد و اشکالات را از بین خواهیم برد و استقلال وکلا مطلق خواهد شد .

کشاورز افزود : لایحه قانون وکالت رسمی 13 ماده دارد که وکلا به آن 13 ماده نزاع می گویند . این مواد به صورت کلی استقلال و کرامت وکالت را از بین می برد . ماده 25 این لایحه شامل هیات نظارت است که از هفت نفر قاضی، وکیل و حقوقدانان به انتخاب رییس قوه قضاییه تشکیل شده است . اختیارات این هیات در ابطال و برگزاری انتخابات کانون های وکلا، ابطال پروانه وکالت وکلا و غیره است . رییس سابق اسکودا اظهار کرد : اگر این لایحه تصویب شود چیزی از کانون وکلای باقی نخواهد ماند و کانون نهاد جدیدی ایجاد می شود و بر اساس این لایحه این هیات اجازه دارد در خصوص اموال کانون‌های وکلا اقدام مقتضی کند .

کشاورز تصریح کرد : با تصویب لایحه قانون وکالت رسمی لباسی بی قواره را برای وکلا می دوزند، بدون اینکه وکلا آن را پرو کنند می‌خواهند تن آنها کنند . ما در همه ابعاد تلاش های را داشته‌ایم از جمله با نمایندگان مجلس و قوه مجریه تماس های بوده، ولی با قوه قضاییه به دلیل اینکه فصل و زبان مشترکی نبوده چندان تلاشی نداشته است .

رییس سابق اسکودا اظهار کرد : اگر این لایحه تصویب شود چیزی از کانون وکلای باقی نخواهد ماند و کانون نهاد جدیدی ایجاد می شود و بر اساس این لایحه این هیات اجازه دارد در خصوص اموال کانون‌های وکلا اقدام مقتضی کند .

کشاورز تصریح کرد : با تصویب لایحه قانون وکالت رسمی لباسی بی قواره را برای وکلا می دوزند، بدون اینکه وکلا آن را پرو کنند می‌خواهند تن آنها کنند . ما در همه ابعاد تلاش های را داشته‌ایم از جمله با نمایندگان مجلس و قوه مجریه تماس های بوده، ولی با قوه قضاییه به دلیل اینکه فصل و زبان مشترکی نبوده چندان تلاشی نداشته است ."

—

حرکت اعتراضی بازاریان وواکنش های ضد ونقیض

2012-10-23 · Archive ID 1386
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1386

علی افشاری

رویداد اعتراضی در بازار تهران از جهات مختلف مهم بود. یکی از ویژگی های برجسته آن که ربطی به اصل موضوع نداشت بروز مشکلات در نوع نگاه و انتظارات از حرکت های اعتراضی است.

در بین واکنش های مختلفی که نسبت به این حرکت رخ داد، دو سنخ را می توان شناسایی کرد که نشانگر آسیب‌پذیری در رفتار سیاسی مخالفین است. عده ای بدون توجه به ماهیت و اهداف این اعتراض و اینکه چه کسانی پشت سر آن هستند به حمایت کامل از تعطیلی بازار و ستایش آن پرداختند. گویی اعتراض بازاریان نیز از جنس اعتراضات در جنبش سبز بوده و مسیری مشابه را طی می کند.

این برخورد سراسیمه و شتابزده با واقعیت سازگاری نداشت و یا دستکم قرائنی دیده نشد که این حرکت سمت و سوی دموکراسی خواهانه داشته و یا همسو با مطالبات سیاسی منتقدین باشد. حمایت شتابزده از جریانات اعتراضی در همانند پنداری معضلی قدیمی در فرهنگ سیاسی اپوزیسیون است.

در این منطق غلط نفس اعتراض به حکومت ارزش تلقی شده و هر نارضایتی از جنس مخالفت سیاسی و دارای ماهیتی یکسان ارزیابی می شود. یکی از دلایل ناکامی انقلاب بهمن1357 به همین مسئله بر می گردد.

عده ای بر اساس تز وحدت استراتژیک از هر صدای مخالفی با حکومت محمدرضا شاه استقبال می کردند و فکر نمی‌کردند که سمت و سوی آن مخالفت ارتجاعی و یا مترقی است ؟ یا واقعا در پی آزادی و دموکراسی است ؟ یا اینکه سودای گرفتن قدرت را در سر دارد.

البته منشاء حرکت اعتراضی بازار هنوز دقیقا معلوم نیست ولی با قطعیت می شود گفت جریانی که این حرکت را به راه انداخت مطالباتی صنفی و در چهارچوب مسائل تجاری و اقتصادی دارد. بسیار بعید است که آنها به دنبال اعتراض سیاسی بوده و یا درصدد تغییر وضعیت سیاسی کشور باشند. قطعا نتایج این حرکت در عرصه عمومی و ساختار قدرت تاثیر دارد، ولی این تاثیرات تبعات ناخواسته حرکت و ساخت استبدادی حکومت است که هیچ اعتراضی را نمی پذیرد و اساسا حق مخالفت و انتقاد موثر را به رسمیت نمی شناسد.

در این میان باید مراقب بود افکار عمومی و سرمایه نیروی های دموکراسی خواه هزینه برخی از جریانات سودجو و فرصت طلب در بازار نشود که خواهان مناسبات ناسالم تجاری اند. این جریان اقلیتی از بازار است اما در عین حال نیروی قوی در اعمال نفوذ و ایجاد فشار است.

اما دیدگاه غلط دیگر برخوردی بود که از ابتدا این حرکت را نفی کرد و سعی نمود آن را به بازی حکومت ، دعوای قدرت بین حلقه احمدی نژاد و بخش سنتی اصول گرایان تقلیل دهد. گذشت چند روز پس از حادثه تعطیلی بازار نشان داد که هیچ یک از این تصورات درست نبودند.

هم چنین عده ای در سمت گیری مشابه گفتند چون بازاریان توجهی به مطالبات اعتراضی اقشار دیگر نداشتند لذا باید نسبت به آنها بی اعتنا بود و وقعی به خواسته آنان نگذاشت!

این دو رویکرد متضاد هر دو پسامد نامناسبی برای جنبش دموکراسی خواهی در ایران دارند و چون مانعی بر سر رشد جامعه مدنی و تجمع نیرو برای موفقیت در تغییر وضعیت سیاسی موجود عمل می کنند. در واقع هر دو از نوعی عدم تعادل و یا رفتار واکنشی و غیر عقلانی رنج می برند.

در حالی که می توان موضعی بین این دو رویکرد گرفت ، یعنی هم از حقوق بازاریان و مطالبات مشروع آنها دفاع کرد و هم در دام تصورات غلط و چهره سازی کاذب از نیرو های سیاسی نیفتاد.

در خصوص بازار باید توجه داشت که ریشه اصلی اعتراض آنها وجود مشکلات برای کسب و کار است. اعتراض آنها ر ا نمی توان و نشاید به آزادی خواهی و استبداد ستیزی تعبیر کرد. اما می توان با حمایت مشروط و ضابطه مند از حق اعتصاب آنها به مثابه حقی همگانی دفاع کرد. از سوی دیگر به شناسایی عینی، نه ذهنی و توهم آمیز سلسله جنبانان حرکت اعتراضی و اهداف آنها برخواست. میزان و نوع حمایت می باید پس از تطبیق اهداف فوق با معیار های دموکراسی ،منافع ملی و آزادی های اساسی تعیین گردد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که جامعه از بخش های متفاوتی تشکیل شده است. منطقی نیست انتظار داشت همه بخش ها خواسته های مشابهی داشته باشند. جامعه مدنی از علائق گوناگون و متضاد سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی شکل می گیرد. لذا برای تحقق دموکراسی و پلورالیسم شایسته است این گوناگونی حفظ شده و تقویت شود.

کسبه و بازاریان در ایران حق دارند که بتوانند مطالبات شان را بیان کنند و نهاد هایی برای استیفای حقوق شان و مصونیت از تعرضات دولت ایجاد کنند. این حق برای کارگران ،صنعت کاران ،کارفرمایان، کشاورزان و غیره باید برسمیت شناخته شود. لذا نیرو های مدافع جامعه مدنی مقتدر باید این مسئله را جدی بگیرند. استقلال بازار و ساختار کسب و کار از دولت یکی از ارکان مهم جامعه است. اما این رویارویی به شکل مستقیم سیاسی نیست و در حوزه مبارزات دموکراسی خواهانه نمی گنجد.

اما در شرایط خاص ایران این حرکت های اعتراضی فضایی برای فعالیت نیر وهای معترض خلق می کند و به نوعی زمین برای فعالیت در اختیارشان قرار می دهد. هم چنین با ایجاد درگیری بخشی از توان ساختار قدرت را فرسوده می سازد. برخورد هوشمندانه با حرکت اعتراضی در بازار ضمن حفظ استقلال و تمایز، تشویقی برای گسترش شکاف است.

هم چنین حضور در صحنه و کمک در جهت سوق دادن آن اعتراضی به مسیر خواسته های مردم ضرورت دارد. کاری که برخی از حاضرین در تجمعات بازار در هفته گذشته انجام دادند.

بی تفاوتی بازاریان به جنبش سبز و یا اعتراض های سیاسی نباید دلیلی بر مقابله به مثل از سوی نیروهای دموکراسی خواه باشد. رفتار درست در عرصه سیاست محتاج کنار گذاشتن برخورد های احساسی و روحیه انتقام جویانه است. در جنبش سبز و به خصوص راه پیمایی میلیونی 25 خرداد اقشار مختلفی حضور داشتند و می توان حدس زد بخشی از بازاریان نیز حضور پیدا کردند. اما حتی اگر آنها در آن تظاهرات شرکت هم نداشتند، باز دفاع از حقوق آنها را نباید فراموش کرد. حمایت باعث جلب نظر آنها می‌شود تا متوجه فوائد پشتیبانی متقابل گرو ههای مختلف اجتماعی از حق مخالفت و تعقیب مطالبات از طریق ایجاد فشار اجتماعی بشوند.

توجه به این آسیب ها و تلاش برای بر طرف کردن آنها می تواند توان و فراگیری جنبش اعتراضی مردم ایران را گسترش دهد. ابرجنبش های اجتماعی که چونان طوفانی وضعیت سیاسی موجود را دگرگون می سازند محصول تعامل و درک متقابل بخش های مختلف جامعه و همکاری متقابل آنها ضمن پذیرش تفاوت ها است.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است. نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست.

—

به خاطرصلح و آزادی، درمقابل جنگ

2012-10-25 · Archive ID 1391
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1391

نعیمه دوستدار

از بیش از یک ماه قبل، جمعی از فعالان مدنی در داخل ایران، با انتشار بیانیه‌ای، ایرانیان را به مشارکت در کمپین " به خاطر صلح و آزادی " فراخوانده‌اند . امضاکنندگان اولیه این بیانیه تحریم‌های بین‌المللی علیه ملت ایران و افزایش خطر جنگ را نتیجه اعمال و سیاست‌های " تشنج‌زا و خشونت‌آفرین " حکومت ایران معرفی کرده‌اند . آنها نوشته‌اند : " می‌خواهیم به حاکمان کشورمان بگوییم، اعمال تشنج‌زا و خشونت آفرین بس است؛ اعمالی که منجر به تحریم‌های کمرشکن علیه ملت ما گردیده و بهانه‌ای برای تصویب سه قطع‌نامه علیه مردم ما شده تا هر بار فشار بیشتری را بر ما تحمیل کنند ."

فراخوان‌دهندگان اولیه این کمین که بابک احمدی، مه لقا اردلان، علیرضا جباری، احمد صدر حاج سید جوادی، پیمان عارف، محمد علی عمویی، اسماعیل مفتی‌زاده، محمد ملکی و محمد نوری‌زاد بودند، در بیانیه خود نوشته‌اند : " بار دیگر سایه سنگین جنگ بر سرمان افتاده، جنگی بسیار زیان‌بارتر و مخوف‌تر از جنگ هشت ساله . ما که هنوز زخم‌های ناشی از آن جنگ را بر جسم و جان داریم؛ ما که هنوز خسارت‌های مادی و معنوی آن جنگ را بر دوش می‌کشیم؛ ما که در آن جنگ صدها هزار کشته و مجروح و میلیون‌ها آواره،صدها شهر و روستای تخریب شده و به روایتی هزار میلیارد دلار خسارت مادی و ده‌ها برابر خسارت معنوی تحمل کردیم؛ ما که امروز در جای جای میهن عزیزمان با فقر و فساد و فحشا و اعتیاد و دزدی و فاصله طبقاتی که همه از آثار آن جنگ است دست و پنجه نرم می‌کنیم؛ وقتی این روزها دوباره صدای طبل جنگ به گوش‌هایمان می‌رسد، بر خود می‌لرزیم ."

آنها هدف خود را از راه‌اندازی این کمین چنین بیان کردند : " ما می‌خواهیم با برپایی کارزار (کمپین) به‌خاطر صلح و آزادی و ابراز نفرت از خشونت و کشتار، به حاکمان کشورمان بگوییم اعمال تشنج‌زا و خشونت‌آفرین بس است؛ اعمالی که منجر به تحریم‌های کمرشکن علیه ملت ما گردیده و بهانه‌ای برای تصویب سه قطع‌نامه علیه مردم ما شده تا هر بار فشار بیشتری را بر ما تحمیل کنند ."

آنها از حاکمان ایران خواسته‌اند که هر نوع بهانه‌ای برای جنگ و فشار و تحریم اقتصادی را متوقف و خنثی کنند تا جنگ افروزان ناامید شوند .

برگزارکنندگان این کمپین اعلام کرده‌اند که تمام هموطنان و فعالانی که مایل به حمایت و همراهی با این فراخوان هستند، می‌توانند پیام خود را به آدرس الکترونیکی اعلام شده توسط فراخوان ارسال کنند یا به صفحه فیس بوک آن بپیوندند .

ا کنون بیش از یک ماه از اعلام این فراخوان گذشته و در این مدت تعدادی از فعالان سیاسی، مدنی و فرهنگی داخل و خارج کشور با ارسال پیام، از این فراخوان حمایت کرده‌اند . تعدادی از ایرانیان هم با ارسال پیغام یا پیوستن به صفحه فیس‌بوک کمپین ، از این فراخوان استقبال کرده‌اند . اما این کمپین در عین همراهی موافقان، منتقدانی هم دارد . منتقدانی که عملکر یک ماهه کمپین را در تحقق اهدافش، کافی نمی‌دانند .

کارزاری به نشانه حیات جامعه مدنی ایران

در شرایطی که صدای طبل جنگ هر لحظه بیشتر به گوش می‌رسد و در روزهایی که بیش از هر زمان دیگر تهدیدهای اسرائیل برای حمله به ایران در صدر خبرها قرار گرفته، راه‌افتادن این کمپین نویدی است برای نشان دادن چهره‌ای صلح‌طلب از مردم ایران و نشان دادن تفاوت رویکرد مردم و فعالان مدنی با حاکمان کشور . تاکید فراخوان کمپین بر این موضوع، باعث شده که بسیاری از فعالان مدنی با اهداف آن احساس همدلی کنند .

در این زمینه، علی افشاری، فعال سیاسی، در یادداشتی که در سایت روز آنلاین منتشر شده، به اهمیت این کارزار پرداخته و آن را رویدادی مهم دانسته که " چشم‌انداز امیدوار کننده‌ای برای فعالیت جامعه مدنی ایرانی در مخالفت و بازدارندگی در برابر جنگ و حمله نظامی خلق می‌کند . موفقیت این حرکت بهنگام دوران‌ساز

خواهد بود و با خارج کردن کشور از وضعیت نگران‌کننده فعلی مسیر دیگری را پیش روی آن قرار می‌دهد . هم چنین تهدیدهای شعله‌ور شدن آتش یک یورش نظامی دیگر و تبعات مهلک آن بر جامعه ایران را خنثی می‌سازد ."

به اعتقاد این فعال مدنی، سازمان‌دهندگان کمپین به درستی جهت اصلی فشار برای جلوگیری از جنگ را بر روی حاکمیت متمرکز کرده‌اند تا به ماجراجویی هسته‌ای و ستیزه‌جویی خارجی پایان دهد و بهانه را از دست جنگ‌طلبان بگیرد .

علی افشاری نوشته است : " تداوم تنش و رویارویی کنونی در فعالیت‌های هسته‌ای و سیاست خارجی ضمن اینکه هر لحظه کشور را به پرتگاه سقوط در مصافی نظامی اعم از محدود یا نامحدود نزدیک می‌گرداند، به زیرساخت‌های اقتصادی، توسعه کشور و جنبش دموکراسی‌خواهی نیز هر دم آسیب‌های بیشتر و بعضا جبران‌ناپذیر می‌زند ."

او تاکید کرده که هنوز با توجه به اطلاعات معتبر، گزینه حمله نظامی و یا جنگ محدود قطعی نیست ولی احتمال آن بیشتر شده است و در این شرایط، اهمیت این کمپین بر استمرار فعالیت آن و جذب هر چه بیشتر حمایت اجتماعی است .

هم چنین، زمان مناسب شروع به کار کمپین و ترکیب متنوع امضاکنندگان فراخوان آن باعث شده که کمپین حالتی فراجناحی و همه‌گیر داشته باشد که به گفته افشاری، این تنوع می‌تواند گسترش پیدا کند و می‌توان نیروهای سیاسی ایران را که دغدغه حفظ میهن دارند، ترغیب کرد تا به این کمپین بپیوندند .

علی افشاری در بخشی دیگر از نوشته خود تاکید کرده است : " این کمپین در کنار صلح آزادی را نیز گنجانده است تا معنای درست صلح و امنیت را بازتاب دهد . تاکید بر آزادی و هم چنین تقاضا برای پایان دهی به سیاست خارجی ستیزه جو مرزهای تمایز این کمپین را با حرکت ضد جنگ مطلوب حکومت روشن می سازد . صلحی ارزشمند است که در آن کرامت انسانی، حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی برقرار باشد و گرنه در شرایط امنیت قبرستانی، نیز صلح برقرار است ولی چنین صلحی تقویت کننده اقتدار گرایی و حکومت‌های استبدادی است ."

کارنامه یک ماهه

اما در مقابل دیدگاه‌های مثبتی که از زمان تشکیل این کمپین نسبت به آن ابراز شده است و با وجودی که تعدادی از فعالان مدنی و مردم عادی به این کارزار پیوسته‌اند و پیام‌هایی برای آن فرستاده‌اند؛ روندی که همچنان ادامه دارد، برخی نیز نسبت به آن انتقادهایی داشته‌اند . از جمله این انتقادها می‌توان به نوشته مهران جنگلی مقدم اشاره کرد که عملکرد این کارزار را چندان قابل دفاع ندانسته و کارنامه آن را خالی توصیف کرده است . او نوشته که علی رغم سرشناس بودن 9 نفری که بیانیه اولیه این کارزار را امضا و منتشر کردند، و با وجود تبلیغات فراوان رسانه‌ای و حمایت‌های بسیاری از چهره‌های مطرح سیاسی و اجتماعی از این بیانیه، می‌توان از واژه " هیچ " برای ارزیابی کارنامه و عملکرد این کارزار در رسیدن به اهداف اعلام شده توسط امضاکنندگان اولیه این بیانیه استفاده کرد .
درضمن مهران جنگلی معتقد است این کارزار ظرفیت‌های لازم را برای تحقق اهداف خود دارد، از جمله اینکه، با توجه به ترکیب نویسندگان و امضاکنندگان اولیه بیانیه کارزار، تنوع و گستردگی سیاسی و فکری و اجماع ناشی از شرایط بحرانی موجود و خطری قریب الوقوع را نشان می‌داد . و با توجه به اینکه هر کدام از 9 تن امضاکننده بیانیه گرایشی مشخص را نمایندگی می‌کرد، امید می‌رفت که دست کم بخش قابل توجهی از هواداران هر کدام از امضا کنندگان اصلی بیانی ه به پشتیبانی از این کارزار برخیزند . و در میان گروهی از هوادارانِ آن‌ها که در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و نیز در صحنه جامعه حضور دارند هم این حمایت مشاهده شود . و قدرت اجماع پشتیبانان گرایش‌های مختلف سیاسی بر سر موضوعی مشخص، به جامعه سرریز و بر روندهای اجتماعی پیش رو تاثیر بگذارد .
از سوی دیگر، موضوع این کارزار، جنگ احتمالی علیه ایران و کشتاری است که نمونه تاریخی 8 ساله آن در دهه 60 و نمونه‌های اخیر آن در عراق و افغانستان در خاطره جمعی مردم ایران هنوز زنده است . به تعبیر این فعال

اجتماعی، مخالفت با جنگ آن چنان از پیش فرض‌های بدیهی و منطقی برخوردار است که می‌تواند با کنش‌های تاثیرگذار سیاسی و اجتماعی تبدیل به صدای اکثریت شود .

وجود رادیو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای و مدیوم‌های اینترنتی که مخاطبان میلیونی در داخل ایران دارند و دسترسی امضاکنندگان سرشناس بیانیه به این رسانه‌ها باید شرایطی را ایجاد کند که این کارزار به مردم منتقل شود .
نکته مثبت دیگر این کارزار، خطاب قرار دادن رهبران جمهوری اسلامی درخصوص متوقف ساختن برنامه اتمی و توجه به منافع ملی ایرانیان بود که " گروه‌های بیشتری از جامعه را که تغییرات اجتماعی و سیاسی را از طریق خیزش‌های عمومی و نه با دخالت‌های نظامی دنبال می‌کنند، با اهداف این کارزار همراه کند ."



غیبت مردم، محتوای ضعیف

اما با وجود این نکات مثبت، نویسنده مقاله معتقد است که کمپین تاکنون نتوانسته از فرصت‌ها و امکاناتی که در دست دارد، استفاده لازم را بکند . او نوشته که : " علیرغم این امیدواری‌ها و خوشبینی‌ها، تا به امروز در عمل هیچ گونه توفیقی در رسیدن به اهداف این کارزار مشاهده نشده است . از هواداران جریان‌های سیاسی که این 9 تن و ده‌ها فعال سیاسی و اجتماعی دیگرکه برای این کارزار پیام حمایت فرستادند، آنها را نمایندگی می‌کنند، خبری نیست . خلاف تصور اولیه، اجماع در خصوص خطری قریب‌الوقوع که همه دستاوردهای هرچند ناچیز مطالبات تاریخی ما را به باد خواهد داد، انگیزه و تحرکی را برنیانگیخت . رسانه‌های غیرمجاز که هر پیام تولیدی شان از جذابیتی فی‌نفسه برخوردار است، به کار نیامد ه و مخالفت توامان با حمله نظامی و جمهوری اسلامی دل از اکثریت ناراضی نبرد ."

این منتقد، یکی از اصلی‌ترین دلایل ناموفق بودن این کارزار را بلاتکلیفی و بی‌برنامگی آن می‌داند؛ به این معنی که استراتژی مشخص و اندیشیده شده برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای در آن وجود ندارد . او در توضیح این موضوع نوشته است : " این کارزار برای آن چه که " پیام کارزار " نامیده می‌شود مدیوم و ابزار انتقال در اختیار دارد، اما آن چه که به فقدانش دچار است خود پیام است . در واقع آن چه ما از این کارزار می‌شناسیم خواست‌هایی است که در قالب شعار و آرزو بیان شده است و به دلیل درنیامیختن با ظرفیت‌های اجتماعی موجود برای به فعلیت درآمدن، این خواست به هدف‌هایی برای نرسیدن تبدیل شده است . کارزار صلح و آزادی، محتوا تولید نمی‌کند و محتوای تولیدشده در راستای خواست خود را در معرض دید و قضاوت مخاطبان خود و برای کسب هواداران افزون‌تر قرار نمی‌دهد . این محتوا می‌تواند خبر، گزارش، تحلیل، عکس، مصاحبه و مدیوم‌های هنری مانند داستان، شعر و ترانه و آثار موسیقیایی باشد ."

هم چنین، بر مبنای ارزیابی این فعال اجتماعی، ظرفیت‌های در اختیار و موجود که به یمن حمایت ده‌ها نخبه سیاسی و اجتماعی در اختیار این کارزار قرار گرفته است، مسکوت و بلااستفاده باقی مانده است . نقطه صعف دیگری که در این نقد بر کارزار به خاطر صلح و آزادی بیان شده، نخبه‌گرایی، عدم مخاطب‌شناسی صحیح و روی نکردن به افکار عمومی است . به اعتقاد نویسنده، مردم در این کارزار غایب ا ند و هیچ تمهیدی برای به کار گرفتن آنها اندیشیده نشده است . این در شرایطی است که مردم و افکار عمومی مهمترین ابزار در دست دولت‌هایی است که دنیا را به سمت جنگ می‌برند . در توضیح این نقص، نویسنده نوشته است : " کارزار صلح و آزادی در جذب مخاطب عام و کشاندن این کارزار از شبکه‌های مجازی اجتماعی (که در آن نیز ناموفق عمل کرده) به عرصه ملموس زندگی اجتماعی ناتوان بوده است ."

به نظر این فعال مدنی، نخبگان گرد آمده بر محور این کارزار، توانایی تاثیرگذاری بر بخشی از جامعه را دارند و می‌توانند " بحران جذابیت " و " بحران مخاطب " مخالفت با جنگ را که کارزار صلح و آزادی به آن دچار است، تا اندازه بسیاری کاهش دهند و اکثریت خاموش را به سخن وادارند ."

با وجود این دیدگاه‌ها که می‌تواند از سوی فعالان کمپین مورد توجه قرار بگیرد، فعالیت این کمپین و راه افتادن کمپین‌های مشابه، نشانه زنده بودن جنبش مدنی ایران و فعالان مدنی ایران است که ضمن هشیار کردن مردم نسبت به مطالبات ملی‌شان و جهت دادن به خواسته‌های مدنی‌شان باعث می‌شوند شکاف و تفاوت میان دیدگاه‌های مردم و حکومت ایران آشکارتر شود .

—

افزایش شکاف جنسیتی درایران

2012-10-25 · Archive ID 1394
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1394

عرصه سوم - حفظ روابط سنتی میان دو جنس و اجرای سیاست‌هایی که زنان را عملاً از داشتن حقوق برابر با مردان محروم می کند، در سه دهه گذشته از استراتژی های اصلی مقامات جمهوری اسلامی بوده است . در ایدئولوژی مسلط و تبلیغی آنان وظیفه اصلی زنان مدیریت امور خانه و خانواده است و مشارکت اجتماعی در اداره جامعه و یا حضور دربازار کار مورد نظر نیست . نابرابری جنسیتی اغلب با استناد به سنت های دیرپا و متون دینی توجیه شده، مشروعیت یافته و با اجرای سیاست های تبلیغی و آموزش بازتولید می شود. درگزارش مجمع اقتصاد جهانی درسال 2012 می خوانیم که:

" ایران در زمینه شکاف جنسیتی، از بین ۱۳۵ کشور جهان، با دو پله سقوط نسبت به سال ۲۰۱۱، رتبه ۱۲۷ را به دست آورده است .

در دنیای امروز دیگر نمی توان بدون مشارکت اجتماعی زنان از دستیابی به دموکراسی و یا توسعه اقتصادی سخن گفت . در ایران هم بدون استفاده از نیروی کار نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان نمی‌توان صحبتی از پیشرفت و توسعه صنعتی به میان آورد . درسی سال گذشته شاهدیم که روز به روز به جمعیت زنان تحصیل کرده در کشور اضافه می شود . اکنون باروی آوردن به آموزش عالی درصد بالایی از نیروی متخصص اززنان تشکیل شده است . درچنین شرایطی هنوز درصد اشتغال زنان کشور به شدت پایین بوده و هم میزان شکاف جنسیتی درکشور بسیار بالا است . اجرای سیاست‌های نابخردانه درزمینه جنسیت و فقدان قوانین عادلانه برای پر کردن تدریجی این شکاف از عوامل مهم در گسترش تبعیض علیه زنان ما است .

یکی از آخرین مطالعات دراین زمینه انتشار تحقیق مجمع اقتصاد جهانی است . در گزارش رادیو فردا دراین مورد آمده است :

"نتایج مطالعات مجمع اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که ایران در زمینه شکاف جنسیتی، از بین ۱۳۵ کشور جهان، با دو پله سقوط نسبت به سال ۲۰۱۱، رتبه ۱۲۷ را به دست آورده است . بر اساس گزارش اخیر این سازمان بین‌المللی که مقر آن در ژنو است، اگرچه زنان ایرانی در زمینه بهداشت و تحصیلات توانسته‌اند به

پیشرفت‌هایی دست پیدا کنند، در زمینه فرصت‌های شغلی، اقتصادی و مشارکت سیاسی هنوز فاصله بسیاری زیادی با مردان دارند .

جزئیات بیشتری که مجمع اقتصاد جهانی درباره ایران منتشر کرده، نشان می‌دهد که شمار زنان بیکار در ایران حدود دو برابر مردان است . همچنین بر اساس این گزارش ۱۷ درصد زنان ایران در سنین پایین یعنی قبل از ۱۹ سالگی ازدواج می‌کنند که این درصد میان زنان بیش از مردان است .

ایران سال ۲۰۱۱ نیز در میان ۱۳۵ کشور مورد مطالعه این مجمع، رتبه ۱۲۵ را به خود اختصاص داده بود . نگاهی به آمارها و مطالعات سه سال گذشته این مجمع نشان می‌دهد که ایران همواره در زمینه شکاف جنسیتی، جزو ۱۰ کشور آخر جدول بوده است .

طبق گزارش سال ۲۰۱۲ مجمع اقتصاد جهانی، شکاف‌های جنسیتی زنان با مردان در زمینه‌های بهداشت، تحصیلات، موقعیت های شغلی و قدرت سیاسی رو به کاهش است، اگرچه هنوز در زمینه کسب موقعیت‌های ارشد شغلی و قدرت سیاسی بین زنان و مردان تفاوت‌های فاحشی وجود دارد .

در رده بندی امسال کشورهای ایسلند، فنلاند و نروژ به ترتیب بهترین کشورهای دنیا در برابری زنان با مردان بوده‌اند و در مقابل سه کشور یمن، پاکستان و چاد پایین‌ترین رتبه‌ها را به دست آورده‌اند .

با نگاهی به جدول کلی این ۱۳۵ کشور می‌توان دریافت که کشورهای مسلمان دیگری چون امارات متحده عربی، جمهوری آذربایجان، ترکیه، مصر، عمان و اردن وضعیت به مراتب بهتری نسبت به ایران دارند .

مطالعات مجمع اقتصاد جهانی نشان می‌دهد که تقریبا تمام کشورهای جهان در پرکردن شکاف جنسیتی در زمینه بهداشت و تحصیلات پیشرفت داشته‌اند . براساس این گزارش ۶۰ درصد کشورهای جهان در زمینه کاهش فاصله اقتصادی بین زنان و مردان به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند .

مجمع اقتصاد جهانی کشورهای مورد مطالعه را در شش گروه خاورمیانه و شمال آفریقا، آسیا و اقیانوس آرام، جنوب آفریقا، اروپا و آسیای میانه، آمریکای لاتین و امریکای شمالی دسته‌بندی کرده است . در این میان کشورهای گروه خاورمیانه و شمال آفریقا کمترین پیشرفت را در زمینه پرکردن شکاف جنسیتی داشته‌اند .

این گزارش از بین رفتن شکاف جنسیتی را در ارتباط مستقیم با رشد و ثبات اقتصادی دانسته و علت پایین بودن رتبه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را بی ثباتی اقتصادی این کشورها و تبعیض جنسیتی توصیف کرده است . مجمع اقتصادی جهانی از سال ۲۰۰۶ هر سال یک گزارش در مورد شکاف جنسیتی در جهان منتشر کرده است . "

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-10-29 · Archive ID 1397
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1397

عرصه سوم - بخشی از آخرین اخبار هفته گذشته را درگزارش پیمان مجیدزاده می خوانید .

جایزه ساخاروف برای نسرین ستوده، ادامه اعتصاب غذا، لغو سفر هیات پارلمانی اروپا

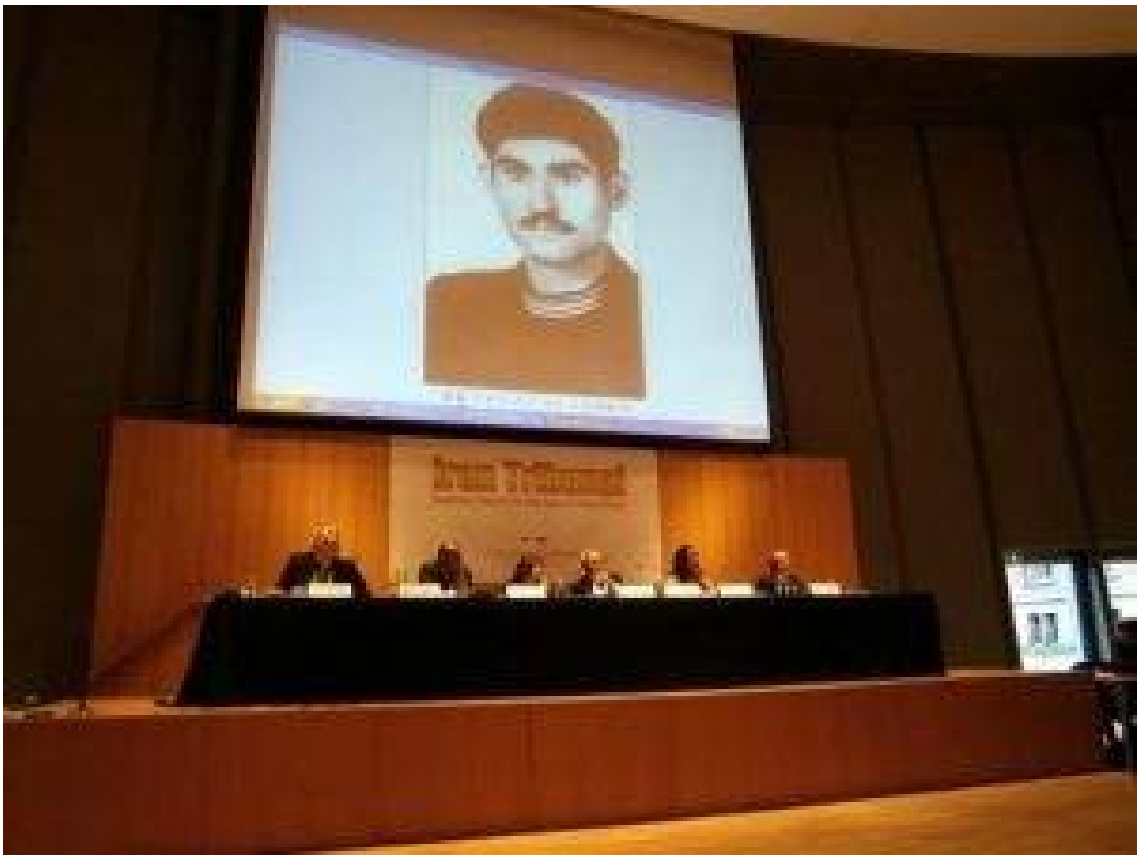
نسرین ستوده وکیل مدافع حقوق بشر از هفته گذشته در اعتراض به عدم رعایت حقوق انسانی خود در زندان دست به اعتصاب غذا زده که بازتاب گسترده ای در محافل مختلف داشته است . زهرا ربانی املشی، عروس آیت الله منتظری، در یادداشتی خطاب به نسرین ستوده، از او خواسته جانش را به خطر نیندازد و به اعتصاب غذای خود پایان دهد . رضا خندان، همسر وی نیز د ر گفتگویی مراتب نگرانی خود را ابراز کرده و گفته :" خیلی بیش از گذشته که چندین بار اعتصاب غذا کرده بود نگرانش هستیم؛ به دلیل این که در دوره‌های قبل تازه بازداشت شده بود و از نظر جسمی شرایط بهتری داشت، در حالی که الان در بدترین وضع جسمی خود قرار

دارد و ما همینجوری و بدون اعتصاب غذا هم خیلی نگران وضع جسمی اش بودیم . و من همین جا تک تک مسئولین زندان، دادسرا، دادستانی و در راس همه‌ی آنها شخص رئیس قوه‌ی قضاییه را مسئول سلامتی ایشان اعلام می‌کنم .”

سازمان عفو بین‌الملل نیز در بیانیه‌ای که روز جمعه، پنجم آبان‌ماه، منتشر شد نسبت به وخامت وضعیت سلامت نسرین ستوده، وکیل مدافع حقوق بشر ایرانی که در زندان اعتصاب غذا کرده است، هشدار داد . به نقل از رادیوفردا، آن هریسون، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین‌الملل، گفت : « نسرین ستوده از سه ماه پیش تاکنون تنها از پشت جداری شیشه‌ای با کودکان خود دیدار کرده است، از زمانی که مقامات متوجه شدند او بر روی یک دستمال کاغذی دفاعیه خود را برای دادگاه نوشته است .»

اما حمایت جهانی از نسرین ستوده همچنان ادامه دارد . خانم ستوده و جعفر پناهی، فیلمساز، روز جمعه، پنجم آبان‌ماه، به عنوان برندگان جایزه معتبر حقوق بشر آندره ساخاروف معرفی شدند . این نخستین بار است که این جایزه به دو نفر از ایران تعلق می‌گیرد . به گزارش رادیوفردا جایزه ۵۰ هزار یورویی ساخاروف، جایزه پارلمان اروپا، به دلیل « آزادی اندیشه » به نسرین ستوده و جعفر پناهی تعلق گرفته است . اعطای این جایزه به نسرین ستوده و جعفر پناهی، مورد استقبال گسترده سازمان های مدافع حقوق بشر و فعالین اجتماعی قرار گرفته است .

به گزارش دویچه وله خبر لغو سفر هیات پارلمانی اروپا را خانم تاریا کرونبرگ، رئیس فنلاندی این هیات، روز شنبه، ۲۷ اکتبر اعلام کرد . هیأت قصد داشت که در سفر خود به تهران دعوتنامه رسمی پارلمان اروپا از نسرین ستوده و جعفر پناهی را به‌دست آنها برساند . این دعوتنامه در ارتباط با دریافت جایزه ساخاروف بوده است . لازم به ذکر است هیأت پارلمانی اروپا قرار بود روز ۲۷ اکتبر (۶ آبان) به تهران پرواز داشته باشد و در طول سفر ۵ روزه خود با نمایندگان مجلس و دیگر مقام های ایران دیدار کند که این سفر در درون و بیرون از پارلمان اروپا بحث‌های زیادی را برانگیخته بود .



برگز اری دادگاه ایران تریبونال برای بررسی جنایات دهه شصت درلاهه

دادگاه " ایران تریبونال " جمهوری اسلامی را به " جنایت علیه بشریت " محکوم کرد . به گزارش رادیوزمانه بخش دوم دادگاه " ایران تریبونال " که موضوع آن کشتار زندانیان سیاسی ایران در دهه ۶۰ بود، با رأی قضات دادگاه به پایان رسید . این دادگاه با شنیدن شهادت‌های ده‌ها زندانی سیاسی در دو نوبت، کشتارهای دهه ۶۰ در ایران توسط جمهوری اسلامی را " جنایت علیه بشریت " شناخت . بخش نخست دادگاه رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ که به نام " ایران تریبونال " معروف است به مدت پنج روز، از ۲۹ خردادماه تا دوم تیرماه ۱۳۹۱ (۱۸ ژوئن تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲) در مرکز اقدام حقوق بشر سازمان عفو بین‌الملل در لندن برگزار شده بود و بخش دوم آن نیز از روز پنج‌شنبه چهارم آبان‌ماه تا امروز شنبه ششم آبان‌ماه (۲۵ اکتبر تا ۲۷ اکتبر) ، در سالن صلح، ساختمان دادگاه لاهه برگزار شد . این دادگاه که از آن به‌عنوان " دادگاه مردمی " یاد می‌شود اگر چه ضمانت اجرای قضائی ندارد اما به‌طور نمادین نخستین دادگاه بین‌المللی است که به جنایت‌های دهه ۶۰ در ایران رسیدگی می‌کند .

دربخشی از گزارش زمانه می‌خوانیم که :

« دادگاه " ایران تریبونال " که در سه روز اخیر هر روز ساعت ۹ صبح تا پنج بعد از ظهر ادامه داشت به ریاست قاضی جوآن کریستین برسیگر از آفریقای جنوبی برگزار گردید و پنج نفر هیئت قضات آن پروفسور جان دوگارد از آفریقای جنوبی، پروفسور هاکو هاتوا از کنیا، پروفسور باتریشیا سلرز از بلژیک و پروفسور مایکل هانس فیلد از انگلستان بودند . گروه دادستانی این دادگاه را نانسی هورماشیا، مژده شهریاری، کاوه شهروز، جان کوپر، سر جفری نایس، گیسونیا و پیام اخوان بر عهده داشتند .”

درگذشت احمد قابل، نواندیش دینی و منتقد جمهوری اسلامی

به گزارش دویچه وله ، احمد قابل، پژوهشگر دینی پس از چند روز بستری بودن در بیمارستان قائم مشهد، روز دوشنبه اول آبان درگذشت . او بار اول در آذر ۸۸ هنگام عزیمت به قم برای شرکت در تشیع جنازه آیت‌الله منتظری و بار دوم در شهریور ۸۹ در پی اظهار نظر در مورد اعدام‌های خودسرانه، دسته جمعی و پنهانی در زندان وکیل آباد مشهد، دستگیر شده بود . احمد قابل سال‌ها بود که لباس روحانیت را کنار گذاشته و به پژوهش‌های دینی پرداخته بود . به نقل از ندای سبز آزادی ، بیش از ۳۷۰ تن از فعالان مدنی و سیاسی با صدور پیامی درگذشت احمد قابل، نواندیش دینی و از شاگردان برجسته آیت الله منتظری را تسلیت گفتند .

کنگره وکلا و استقلال وکیل

لایحه یا طرح قانون جامع وکالت که هم اکنون روی میز کمیسیون قضایی مجلس قرار دارد بدون مشاوره و اظهار نظر کانونهای وکلا در حال تدوین است و اگر یکسویه تصویب شود، نفی صریح حقوق ملت در برخورداری از امنیت قضایی، بهره مندی از حق دفاع و بی اعتباری احکام قضایی در مجامع بین‌المللی خواهد بود . و هم سبب تضعیف کانونهای مستقل وکلا می شود . این گفته‌های علی مندنی پور، رئیس اتحادیه سراسری کانونهای وکلا در مصاحبه با خبرگزاری مهر به نقل از وبسایت کلمه است . وی با انتقاد از تدوین لایحه جامع وکالت در مجلس گفته : « به سران قوا نامه نوشتیم تا این طرح با مشورت کارشناسان و وکلا انجام شود ولی آنها پاسخی به ما ندادند .”

عرصه سوم در گزارشی مفصل از کنگره ملی وکلا و مبارزه برای استقلال وکیل عواقب تصویب این لایحه و انتقادات موجود بر آن را منتشر کرده است . در همین راستا، بهمن کشاورز، رئیس سابق اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران تصریح کرده : « با تصویب لایحه قانون وکالت رسمی لباسی بی قواره را برای وکلا می دوزند، بدون اینکه وکلا آن را پرو کنند می‌خواهند تن آنها کنند .”

وضعیت اقتصادی و جامعه کارگری

در ادامه وضعیت نابسامان اقتصادی، آمار بیکاری کارگران بازهم رو به افزایش است . درشرایطی که بانک جهانی رتبه ایران از نظر فضای کسب و کار در میان ۱۸۵ کشور جهان را ۱۴۵ اعلام کرده که نسبت به سال قبل یک درجه کاهش یافته است . در سال 1390 نیز ایران با ۴ درجه تنزل در میان ۱۸۳ کشور جهان رتبه ۱۴۴ را بدست آورده بود . به نقل از فارس نیوز ، برخی از رتبه‌های ایران مانند شاخص شروع کسب و کار ۱۱ رتبه

سقوط کرده، همچنین شاخص اخذ مجوزها یک درجه کاهش داشته است . رادیوفردا در گزارش خود در این زمینه یادآور شده که اگرچه در این گزارش‌ها مستقیما، سخنی از سیاست و جامعه به میان نمی‌آید، اما در بطن این رتبه‌بندی و عوامل و مولفه‌های مورد بررسی تهیه‌کنندگان آن، ملاحظات و تغییرات سیاسی و اجتماعی در کنار تحولات اقتصادی مورد توجه قرار می گیرند .

رئیس مرکز آمار ایران از سوی دیگر گزارش های نرخ تورم کشور را محرمانه اعلام کرده است . به گزارش ایلنا رئیس مرکز آمار همچنین نرخ بیکاری تابستان امسال را با حدود یک درصد کاهش در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، ۱۲ . ۹ درصد اعلام کرد . هرچند نرخ بیکاری اعلام شده از سوی وی با تردید شدید متخصصان روبروست .

اخراج کار گران و تجمع اعتراضی

به گزارش کلمه ، قطع سوخت کوره‌های شرق اصفهان، به بیکاری ۳۰۰ کارگر منجر شد . رئیس انجمن صنفی کارفرمایی تولیدکنندگان گچ و آهک اصفهان از قطع سوخت گاز و نفت ۶۵ واحد از کوره‌های گچ منطقه محمدآباد قهاب در شرق اصفهان خبر داد و گفت : در این کوره‌ها ۳۰۰ کارگر و تعداد زیادی راننده مشغول به کار بودند . در همین راستا، شرکت پالور واقع در شهر صنعتی کاوه ۳۰ نفر از کارگران خود را به علت اعتراض به تعویق ۵ ماهه دستمزدشان اخراج کرده است . در خبری دیگر تارنمای “ کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری ” از اخراج ۲۰ کارگر کارخانه خورشید زریوار سندج خبر داده است .

به گزارش ایلنا ، تجمع اعتراضی ۱۲۰۰ نفر از کارگران گروه انتخاب سرانجام با وعده سفیر کره جنوبی مبنی بر رسیدگی به خواسته کارگران این گروه صنعتی مبنی بر استرداد طلب ۷۰ میلیون دلاری کارخانه پایان یافت . این تجمع در اعتراض به « لغو یک طرفه قرارداد » این گروه و شرکت دوو الکترونیک و درخواست پس گرفتن طلب ۷۰ میلیون دلاری، با « مجوز وزارت کشور » صورت گرفته بود .

اعتصاب های کارگری

ازسوی دیگر رانندگان تانکرهای سوخت در اصفهان که با خواست افزایش کرایه، از چهارشنبه شب اعتصاب کرده بودند، عصر پنج‌شنبه به اعتصاب خود پایان دادند . این اعتصاب سبب کاهش سوخت رسانی به پمپ بنزین ها و ازدحام مردم شده بود . درباره سرانجام درخواست رانندگان تانکرهای سوخت، خبری منتشر نشده است . از جمله دیگر اعتصابات اخیر کارگران در ایران، به نقل از دویچه وله ، اعتصاب ۴۰۰ کارگر کارخانه " بینان دیزل " تبریز که از حدود بیست روز پیش دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند . بنا بر گزارش‌ها، دلیل این اعتصاب، انتقال اجباری کارگران به کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در سایر شهرهای استان آذربایجان شرقی اعلام شده است . کارگران مخابرات همدان نیز در اعتراض به تحمیل قرارداد پاره‌وقت و کم شدن حقوق ماهیانه خود برای دومین‌بار در سال جاری اقدام به برپایی یک تجمع اعتراض‌آمیز در مقابل ساختمان مرکزی این شرکت کردند . کارگران یک شرکت پیمانکاری در طبس نیز پس از آن‌که ۳ ماه حقوقشان پرداخت نشد سه‌شنبه ۲ آبان مقابل اداره کار شهرستان طبس تجمع کردند . با وجود آن‌که بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، " تشکیل اجتماعات و راهپیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است " اما به کارگران ایرانی مجوز برگزاری تجمع داده نمی‌شود . علیرضا محجوب رئیس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی چهارشنبه ۳ آبان (۲۴ اکتبر) خواستار صدور مجوز برای اجتماعات کارگری در ایران شده و گفته است در سال‌های اخیر به ندرت با برگزاری اجتماعات کارگری موافقت شده است .

باز گشت اجباری افغانها

شرایط نابسامان اقتصادی ایران، پناهجویان افغان را نیز بی نصیب نگذاشته و به گزارش رادیوزمانه ، طی شش ماه نخست سال ۱۳۹۱ خورشیدی، نزدیک به ۲۰۰ هزار مهاجر مجبور به ترک ایران شده و یا به رضایت خود به افغانستان برگشته‌اند . اکثر آنان فاقد اسناد قانونی اقامت هستند و به دلیل بیکاری، ناتوانی از پرداخت هزینه‌های زندگی و ادامه مقررات سخت‌گیرانه دولتی در جلوگیری از تحصیل فرزندانشان، به افغانستان برگشته‌اند .

شکاف و تفکیک جنسیتی

نتایج مطالعات مجمع اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که ایران در زمینه شکاف جنسیتی، از بین ۱۳۵ کشور جهان، با دو درجه کاهش نسبت به سال ۲۰۱۱، رتبه ۱۲۷ را به دست آورده است . به نقل از ندای سبز آزادی : " بر اساس گزارش اخیر این سازمان بین‌المللی، اگرچه زنان ایرانی در زمینه بهداشت و تحصیلات توانسته‌اند به پیشرفت‌هایی دست پیدا کنند، در زمینه فرصت‌های شغلی، اقتصادی و مشارکت سیاسی هنوز فاصله بسیاری زیادی با مردان دارند . "

در ادامه اعتراضات دانشجویان به اجرایی کردن طرح جداسازی جنسیتی، کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، از امضای طوماری از دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان در اعتراض به تفکیک دانشجویان دختر و پسر در کلاس‌های درسهای عمومی آن دانشگاه خبر دا د .

از سوی دیگر به نقل از خبرگزاری فارس ، ورود بانوان به سالن مسابقه والیبال مردان با دستور حراست وزارت ورزش و تا اطلاع ثانوی ممنوع شد.

دردنیای هنر

به گزارش مهر ، ارکستر سمفونیک تهران به دلیل عدم عقد قرارداد با نوازندگان این کنسرت به حالت نیمه تعطیل درآمده و تنها برنامه های سفارشی از سوی دفتر موسیقی اجرا می‌شود .

فیلم آیینه های روبرو ساخته نگار آذربایجانی که در ارتباط با زندگی ترنس سکسوال ها ساخته شده، چند صباحی است که در سینماهای ایران در حال اکران است . او برای اولین بار در یک فیلم بلند سینمائی و از نزدیک به بررسی مشکلات افراد ترنس سکسوال پرداخته است .

—

دستگاه قضایی مسئول پیامد اعتصاب غذای نسرین ستوده

2012-10-29 · Archive ID 1402
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1402

عرصه سوم- جنبش فمینیستی زنان ایرانی در دو دهه اخیر برای رفع هرگونه تبعیض از زنان و هم احیای دموکراسی درکشور حامی و زمینه‌ساز رشد جنبش های دیگر اجتماعی بوده است. فعالان حوزه زنان با ارائه گفتمان های برابری خواهانه، سازمان دهی کارزارهای متعدد و فعالیت درعرصه ملی و بین‌المللی توانستند مباحث مربوط به حقوق زنان را دردستور کار فعالان جامعه مدنی و حقوق بشری قرار بدهند. آنها با انتشار حجم وسیعی از مطالعات فمینیستی درزمینه معضلات فرهنگ پدرسالارانه، پیشتازآگاهی رسانی و افشاگری درباره قوانین تبعیض آلود و فقدان برابری جنسیتی درایران بوده اند.
متأسفانه مقامات جمهوری اسلامی نه تنها از تلاش‌های صلح آمیز فعالان زنان با تشویق و جایزه استقبال نکرده اند،بلکه با اعمال محدودیتهای غیرقانونی، کارشکنی، دستگیری و زندان آنان را از تمام حقوق مدنی و اجتماعی خود هم محروم ساخته اند. اما حقانیت و فریاد عدالت خواهی زنان ما همواره در جامعه جهانی انعکاس یافته، درسالهای اخیر شاهدیم که اعتبار و نقش مهم جنبش زنان ما درروند دموکراسی خواهی در عرصه بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. و بسیاری از فعالان حوزه زنان مهم‌ترین جوایز بین‌المللی را برای تلاش‌های شبانه روزی شان ازآن خود کرده اند.

اختصاص یافتن جایزه معتبر آندره ساخاروف از طرف پارلمان اروپا به نسرین ستوده (مشترکا با جعفر پناهی کارگردان سینما) در شرایطی صورت می‌گیرد که نسرین ستوده فعال حوزه زنان و حقوق بشر به جرم دفاع از موکلانش زندانی است و حتی از حق ملاقات حضوری فرزندان خردسالش هم محروم شده است. اکنون خانم ستوده دراعتراض به این شرایط غیرانسانی برای دومین باراعتصاب غذا کرده و در حال حاضر جان او درخطر است. در روزهای اخیر بسیاری از فعالان حوزه مدنی و سازمان های حقوق بشری نسبت به ادامه این وضعیت اعتراض کرده و خواهان رسیدگی مقامات قوه قضاییه به این مسأله بوده اند. ازجمله سایت فمینیستی زن و

مرد با به راه انداختن کمپین نامه نویسی به نسرین ستوده خواهان حمایت از نسرین و اعتراض مردم به وضعیت وخیم و نگران کننده اش شده است.

جمع کثیری از فعالان جنبش زنان و مادران کمپین یک میلیون امضا هم در اعتراض به وضعیت نسرین ستوده نامه‌ای را به دفتر دادستان کل تهران تحویل داده اند.

بنیاد عرصه سوم ضمن پشتیبانی از این اقدام خواهان رسیدگی فوری به وضعیت خانم ستوده و حفظ جان اوست و از تمام آزادی خواهان می‌خواهد که برای رهایی نسرین ستوده و همه دگراندیشان زندانی تلاش کنند. به گزارش سایت تغییر برای برابری ، فعالین جنبش زنان و حامیان ضمن ابراز نگرانی از وضعیت نسرین ستوده، از قوه‌ی قضائیه درخواست کرده‌اند که به خواسته‌های او ترتیب اثر دهد.

متن این نامه به شرح زیر است:
نامه سرگشاده فعالان حقوق زنان به دادستان تهران: دستگاه قضایی را مسئول پیامدهای اعتصاب غذای نسرین ستوده می دانیم
دادستان محترم استان تهران
جناب آقای جعفری دولت آبادی
با سلام
همان طور که مستحضر هستید، نسرین ستوده، وکیل پایه یک دادگستری، مدافع حقوق بشر و فعال حقوق زنان، که در پی صدور حکمی سیاسی و ناعادلانه به ۶ سال زندان محکوم شده بود، از تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۸۹ در زندان اوین بسر می برد. خانم ستوده از روز چهارشنبه ۲۶ مهر ماه ۱۳۹۱ برای دومین بار دست به اعتصاب غذا زده است. او بار نخست نیزبه مدت ۲۸ روز در مهرماه ۱۳۸۹ و در اعتراض به فشارهای وارده به خود و خانواده‌اش به اعتصاب غذا اقدام کرده بود.
نسرین ستوده با گذشت بیش از دو سال از زمان بازداشت تاکنون اجازه مرخصی نداشته و اکنون بیش از سه ماه است که از ملاقات حضوری با خانواده ی خود نیز محروم بوده است. این در حالیست که دسترسی به ملاقات حضوری به ویژه برای زندانیانی که دارای فرزندان خردسال هستند، از ابتدایی ترین حقوق آنها به حساب می‌آید.

فارغ از ناعادلانه بودن رای صادره علیه نسرین ستوده، حقوق وی به عنوان یک زندانی نیزمدام نقض شده است.از حق دسترسی به تلفن گرفته تا محدودیت برای ملاقات فرزندان و حتی صدور قرارممنوعیت خروج از کشور برای دختر ۱۲ ساله‌اش، تلاش شده تا وی و اعضای خانواده‌اش بارها تحت فشارهای روحی و روانی بسیار قرار بگیرند. لذا انتظار می رود کسانی که تمام قد از آرای صادره علیه فعالین سیاسی و حقوق بشری مانند نسرین ستوده حمایت کرده و آن را در چارچوب مقررات و قوانین کشور می دانند، در زمان اجرای حکم نیز حقوق او را به عنوان یک زندانی به رسمیت بشناسند و وی را ازحداقل حقوق قانونی یک زندانی محروم نکنند. تمام زندانیان حق دارند از حقوقی اولیه مانند حق مرخصی و ملاقات حضوری با خانواده برخوردار باشند و پرسش اینجاست که چرا دستگاه قضایی با وجود نقض آشکار این حق در مورد زندانیان، نسبت به این موضوع سکوت اختیارکرده است؟
جناب آقای دولت آبادی، نسرین ستوده در دو سال گذشته دو بار ناگزیر به اعتصاب غذا متوسل شده است. بدون شک اعتصاب غذا نه انتخاب اول هر زندانی برای بیان مطالباتش که آخرین ابزار او برای رساندن صدای اعتراضی است که شنیده نمی شود. اقدامی دشوار که زندانی را وا می دارد تا جانش را بستر اعتراض اش قرار دهد و تبعات جسمانی و لطمات جبران ناپذیر آن را بپذیرد. هدی صابر یکی از زندانیان سیاسی نمونه‌ی بارزی بود که سال گذشته جان بر سر آن گذاشت.
ما به عنوان جمعی از فعالان جنبش زنان ایران که خود را همراه و هم رای نسرین ستوده می‌دانیم ضمن ابراز نگرانی از وضعیت نسرین ستوده، دستگاه قضایی را مسئول پیامدهای احتمالی اعتصاب غذای وی قلمداد می‌کنیم. و از شما نیز به عنوان دادستان کل استان تهران تقاضا داریم تا با تامین حقوق زندانیان و اهمیت به درخواست آنان دامنه نابرابری و بی‌عدالتی را کاهش دهید. بروز هرگونه لطمات جبران ناپذیر متوجه شما نیز خواهد بود.

—

دولت ایران و جنایات علیه بشریت دردهه شصت

2012-10-29 · Archive ID 1404
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1404

پژمان سلیم

ایران تریبونال: دولت ایران باید پاسخ گوی جنایات علیه بشریت در دهه ۶۰ شمسی باشد.

دیوان ایران تریبونال پس از سه روز شنود شاهدین، متخصصین و کیفرخواست تیم دادستانی،رای خویش پیرامون نقض حقوق بشر در ایران در طی سالهای دهه شصت شمسی را اعلام کرد. ایران تریبونال دولت جمهوری اسلامی ایران را در موارد مختلف "جنایات علیه بشریت" در ایران، شامل "اعدام غیرقانونی، شکنجه و تجاوز جنسی" مسئول شناخت و بر لزوم پاسخگویی حقوقی دولت جمهوری اسلامی در این موارد تاکید کرد. دیوان همچنین مجاری مختلف حقوقی بین المللی از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را دعوت کرد که در مورد این موضوع تحقیق و به آن رسیدگی کنند. و هم خواستار تشکیل یک کمیته دائم برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران شد.

بر اساس آمار سازمان ملل متحد بیش از بیست هزار نفر در طی سال های دهه ۶۰ به علت فعالیت های سیاسی یا عقاید مذهبی خویش به صورت غیرقانونی و یا پس از طی مراحل محاکمه غیر عادلانه اعدام شده اند. همچنین تعدادی زیادی هم در طی آن سالها در زندان ها شکنجه شدند و یا در مواردی مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفتند. اصول عرف بین الملل اعدام غیرقانونی، شکنجه و آزار و اذیت جنسی را مطلقاً ممنوع دانسته و برهرگونه توجیه ناپذیری در مورد نقض این اصول تاکید می کنند.

این دادگاه در ادامه جلسات کمیسیون حقیقت یاب که خرداد ماه گذشته در شهر لندن برگزار شده بود، تشکیل شد و در رای خود به گزارش های کمیسیون حقیقت یاب نیز استناد کرد.

کمپین ایران تریبونال رسالت خویش را "تشکیل یک کمیسیون تحقیق برای بررسی کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و محاکمه رژیم جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت در یک دادگاه مردمی بین المللی می داند."این کمپین با تکیه بر کمک های مالی مردمی و به همت داوطلبانه گروهی از فعالان اجتماعی و خانواده های قربانیان شکل گرفته است.

مبتکرین ایران تریبونال،آن را"دادگاهی مردمی که در کلیت خود از قانون مندی های غیردولتی دادگاه راسل پیروی می کند،" می نامند. اما به گفته پروفسور پیام اخوان، سرپرست تیم دادستانی این دیوان، "ایران تریبونال یک تفاوت اساسی با دادگاه راسل دارد و آن این که این دیوان به ابتکار کسانی شکل گرفته که زندگی شان به نوعی تحت تاثیر جنایت علیه بشریت در ایران قرار گرفته است؛ در حالی که دادگاه راسل حرکتی از سوی روشنفکران غربی معترض به جنگ ویتنام بود و مردم ویتنام در آن نقش چندانی نداشتند."

دادرسی در این دادگاه کاملا بر اساس موازین و استانداردهای حقوق بین الملل توسط حقوق دانان برجسته ای همچون پروفسور کریگلر قاضی سابق دادگاه عالی آفریقای جنوبی و پروفسور دوگارد قاضی اسبق دیوان عدالت بین الملل صورت گرفت. از دولت ایران نیز به طور رسمی و در راستای موازین دادرسی عادلانه دعوت شد که در این دادگاه حضور یابد و از خویش دفاع نماید. به گفته دادستانان دولت ایران به این درخواست دیوان هرگز پاسخی نداده است.

تیم دادستانی هم از حقوقدانان و وکلای مشهوری همچون سر جفری نایس و جان کوپر، تشکیل شده بود که هر دواز دادستانان سابق دیوان بین المللی کیفری اند. این تیم کیفر خواستی با کیفت حقوقی بالا تسلیم دادگاه کرد و شهود را مورد پرسش قرار داد. در طی سه روز دادرسی، شهود مختلف به بیان سرگذشت خویش و دیگر قربانیان پرداخته و موارد مختلف جنایت علیه بشریت را در سالهای دهه ۶۰ تشریح کردند. شهادتهایی که حضار و قضات را به شدت تحت تاثیر قرار داد.

از دیگر نقاط قابل توجه تنوع شرکت کنندگان در جایگاه شهود بود. از جمله حضور شهودی نه تنها با پیشینه و تعلق سازمانی متکثر بلکه ازگروههای قومی متنوع و همچنین گروههای مذهبی مختلف. این تنوع نسلهای

مختلفی از قربانیان و بازماندگان آنان را نیز در برمیگرفت. این حضور متکثر را نه تنها میتوان بیانگر گستردگی موارد جنایت علیه بشریت در سالهای دهه ۶۰ دانست بلکه میتوان گواهی برموفقیت این کارزار در گردآوری گروههای مختلف حول محور دادخواهی از جنایات علیه بشریت توسط دولت ایران نیزدانست.

برگزاری دادگاه ایران تریبونال در محل دیوان بین المللی لاهه که برای ایرانیان خاطره تاریخی حضور پیروزمند دکتر محمد مصدق را یادآوری می کند، حضور گسترده شهود و هم همراهی حقوقدانان برجسته بین المللی از جمله عواملی بودند که این کارزار را مورد توجه بسیاری از ایرانیان و غیر ایرانیان قرار داد. با وجود غیر اجرایی بودن رای این دیوان، اما این ابتکار گامی مهم در جهت مستند کردن حقایق تاریخی در مقابل یک دادگاه معتبر بود.بنا براین می توان از این کارزار به عنوان یکی از موفق ترین ابتکارات جامعه ایرانی در خارج از کشور نام برد.

—

آیا دارو واجب‌تراست یا خرید خودروهای لوکس برای پولدارها؟

2012-10-30 · Archive ID 1407
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1407

عرصه سوم - نظرات شهروندان درباره شرایط سخت زندگی، مشکلات روزمره و معضلات اجتماعی درایران تا چه حد مورد توجه مسئولان دولتی قرار می گیرند؟ آیا نظرات مردم به قدر کافی دررسانه‌ها بازتاب می یابند؟ آیا مقامات مسئول اصولا خود را ملزم به پاسخگویی می بینند؟ در بازخوانی نظرات مردم آن‌ها اغلب به این سؤالات پاسخ منفی می دهند . طرح هرچه بیشتر مشکلات شهروندان از زبان آنان از جمله وظایف اصلی هر نهاد مردمی است که توسعه و پیشرفت جامعه مدنی درایران را مد نظر دارد .

سایت فارسی عرصه سوم خواهان منعکس کردن هرچه بیشتر درد ودل ها و نظرات شهروندان با هدف طرح حرف های مردم و اطلاع رسانی بیشتر است . درکندوکاشی هفتگی میان سطرهای ستون‌های روزنامه‌ها، می‌توانیم حداقل حرف‌ها و دردودل های مردم را بیرون بکشیم و ببینیم در ذهن و زندگی روزمره افراد در ایران چه می‌گذرد؟ چه مسائلی بیشتر از همه مسبب رنج و نگرانی مردم اند؟ و چه راه کارهایی از طرف آن‌ها ارائه می شود؟

نعیمه دوستدار خلاصه‌ای از نظرات تنی چند از شهروندان را که در روزنامه اطلاعات درهفته گذشته مطرح شده، انتخاب کرده که در گزارش او می خوانید .

هر روز سخت تر از دیروز

زندگی هر روز سخت‌تر می‌شود؛ گرانی کمرشکن شده، مردم عصبی و ناراحتند . سوار اتوبوس و تاکسی می‌شوند و در ترافیک طولانی و اعصاب خردکن، فقط کافی است کسی سر حرف را باز کند تا همه از دل پرشان درباره مشکلات بگویند . اما این حرف‌ها که راه به جایی نمی‌برد ... خودشان می‌گویند و خودشان می‌شنوند؛ تنها شاید کمی استخوان‌شان سبک شود . بعضی‌ها هم فکر می‌کنند باید حرف‌شان را هر جوری هست به گوش کسی برسانند که کاری از دستش برمی‌آید . اگر کاری هم برایشان نکنند، دست‌کم شاید صدای اعتراض‌شان گوش مسئولان را پر کند .

این‌طوری است که گوشی تلفن را برمی‌دارند و به روزنامه‌ها زنگ می‌زنند . خبرنگاری که گوشی را برمی‌دارد، حرف دل‌شان را توی چند خط در یک ستون باریک ، در حاشیه مطالب پررنگ و لعاب منتشر می‌کند . بنابراین آدمها گاهی اسم‌خودشان را توی روزنامه می‌بینند و صدای شان را می‌شنوند؛ هرچند انگار کسی جز خود آنها این ستون‌ها را نمی‌خواند .

چند درصد مردم می‌توانند گرانی‌ها را تحمل کنند؟

خواننده ی روزنامه اطلاعات ساکن تبریز و بازنشسته، وقتی دیگر کارد به استخوانش رسیده، گوشی را برداشته و در تماس با این روزنامه گفته : " دولت محترم حقوق‌های کارکنان شاغل و بازنشسته را امسال 15 درصد افزایش داده، حال آن که مایحتاج عمومی تا 100 درصد گران شده است . مسئولان لطفا پاسخ دهند چند درصد از جمعیت ایران تاب تحمل این تورم و گرانی‌ها را دارند و چه تعداد از این جمعیت به این دلیل دچار مشکلات متعددی در زندگی شده‌اند؟ "

در شرایطی که اوضاع اقتصادی مردم روز به روز سخت‌تر می‌شود، حساسیت مردم به کالاهای لوکس و زندگی آدم‌های مرفه هم بالا رفته و عده‌ای، دنبال پاسخ این پرسش‌اند که آنها چطور می‌توانند همچنان در رفاه زندگی کنند و به خصوص، موضوع دارایی‌های مسئولان به شکل خاص مورد توجه مردم قرار گرفته است . نمونه‌اش یک خانم پژوهشگر است که به روزنامه اطلاعات تلفن زده و پرسیده : " در این شرایط که مردم از پس هزینه‌های معمولی زندگی برنمی‌آیند، دوباره باید قانون « از کجا آورده‌ای » اجرا شود . اصلا چرا باید در این شرایط، ورود خودروهای لوکس آزاد باشد؟ باید دارایی‌های مسئولان و کسانی که به منابع بانکی دسترسی دارند، کنترل و بررسی شود تا در صورت لزوم از بانك‌های خارجی به کشور بازگردد و ریال ارزش واقعی‌اش را پیدا کند ."

اما این خانم تنها معترض واردات خودروهای لوکس نیست . شهروند دیگری هم گفته : " می‌خواهم از مسئولان بپرسم آیا شایسته است وقتی 70 یا 80 درصد از مردم با حقوق ماهانه کمتر از یك میلیون تومان زندگی می‌کنند، 265 میلیون دلار صرف خرید خودروهای لوکسی شود که تنها اقلیتی در جامعه از آنها استفاده می‌کنند؟ "

یک شهروند تهرانی دیگر هم اعتراضش را این طور بیان کرده : " از مسئولان درخواست می‌کنم ارز دولتی را صرف خرید کالاهای غیرضروری یا معمولی که در داخل کشور هم امکان تولید آن وجود دارد، نکنند . اینها باید برای دارو و کالاهایی هزینه شود که در داخل کشور قابل ساخت و تولید نیستند . آیا دارو واجب‌تر است یا خرید خودروهای لوکس برای پولدارها؟

وقتی همه چیز گران است

گرانی حالا در همه ابعاد زندگی مردم نفوذ کرده و هر کالایی به دنبال افزایش تحریم‌ها و قیمت دلار، چندبرابر شده است . نیازهای اولیه خوراک و پوشاک مردم، تحت تاثیر این شرایط دیگر به آسانی تامین نمی‌شود . شهروندی که از تهران با روزنامه اطلاعات تماس گرفته، این‌طور دردل می‌کند : " بازنشسته‌ای هستم که توانایی خرید چادر مشکی برای همسرم را ندارم . لطفاً هزینه گمرکی و مالیات چادر مشکی را کاهش دهند و آن را با ارز دولتی وارد کنند تا خانم‌های محجبه بتوانند این کالا را که جزو ضروریات زندگی آنان است، تهیه کنند ."

شهروند دیگری هم درباره قیمت سبزیجات اعتراض می‌کند : " دو عدد کاهو خریدم به قیمت 3 هزار تومان، مردم چطور با این هزینه‌ها زندگی خود را اداره کنند؟ "

روند گرانی کالاها به شکلی است که حالا بسیاری از نیازهای تغذیه‌ای مردم، فدای قیمت‌های رو به افزایش مواد غذایی می‌شود . یک معلم بازنشسته با استناد به حرف‌های یک مقام مسئول این طور تحلیل کرده : " رئیس شورای ملی زیتون در مطلبی که در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، اظهار تأسف کرده بود که در سبد خرید خانوارهای ایرانی، خبری از روغن زیتون نیست . از ایشان خواهش می‌کنم سری به سوپرمارکت‌ها بزنند و قیمت‌ها را ببینند تا بدانند چرا کسی آن را نمی‌خرد؟ "

گرانی دارو حالا نگرانی اصلی مردمی است که به هر شکل با مصرف دارو سر و کار دارند . بیماران خاص، بیماران سرطانی و مردم علاوه بر دغدغه تامین دارو، باید فشار افزایش قیمت را هم تحمل کنند و این افزایش حتی در داروهای عادی مثل قرص‌های سرماخوردگی و مسکن هم دیده می‌شود . شهروندی با نام " غلامی " در تماس با روزنامه اطلاعات گفته : " یك نوع دارو را که 100 تومان قیمت داشت، اخیرا 400 تومان خریده‌ام . چرا وزارت بهداشت و درمان و جامعه داروسازان بر قیمت فروش داروها نظارت کافی ندارند؟ "

در آستانه فصل سرما، شهروند دیگری هم از کمبود واکسن آنفلوآنزا می‌گوید : " حدود يك ماه است که همه داروخانه‌های تهران را به دنبال واکسن آنفلوآنزا می‌گردم، ولی پیدا نمی‌کنم . من که به این واکسن نیاز حتمی دارم، کجا باید بروم؟ "

این پول بی‌ارزش

مشکلات ارزی هر روز به شکل تازه‌ای زندگی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد . خیلی از شهروندان ایرانی حالا گرفتار مشکلات ارزی بانک‌ها شده‌اند؛ مثل شهروندی که مشکلش را با روزنامه اطلاعات در میان گذاشته : " فرزندم مقیم خارج از کشور است و 24 هزار دلار برای هزینه‌های وی در یکی از بانك‌های خصوصی به ودیعه گذاشته بودم که حالا به دلیل اختلاف‌هایی که میان بانك مرکزی و این بانك خصوصی ایجاد شده است، می‌گویند نمی‌توانیم پول‌تان را پس بدهیم ! تکلیف ما چیست، آیا بانك نباید امین دارایی‌های مردم باشد؟ "

بی‌ارزش شدن پول ملی نه تنها اوضاع اقتصادی مردم را به هم ریخته که بر اعتماد به نفس ملی هم اثر گذاشته است . حالا خیلی از ایرانی‌ها احساس می‌کنند که درآمدشان بر مبنای دلار، رقم تحقیرکننده‌ای است . یکی از شهروندان ایرانی وضعیت خود را برای یک روزنامه این‌طور توصیف کرده : " بازنشسته هستم . در سال 62 ، که يك فرزند داشتم، 6500 تومان حقوق می‌گرفتم که برابر با 870 دلار بود . حالا با 6 فرزند که 4 نفرشان دانشجو و يك عروس، 900 هزار تومان می‌گیرم که برابر 300 دلار است . آیا مسئولان برای امثال ما فکری نمی‌کنند؟ "

—

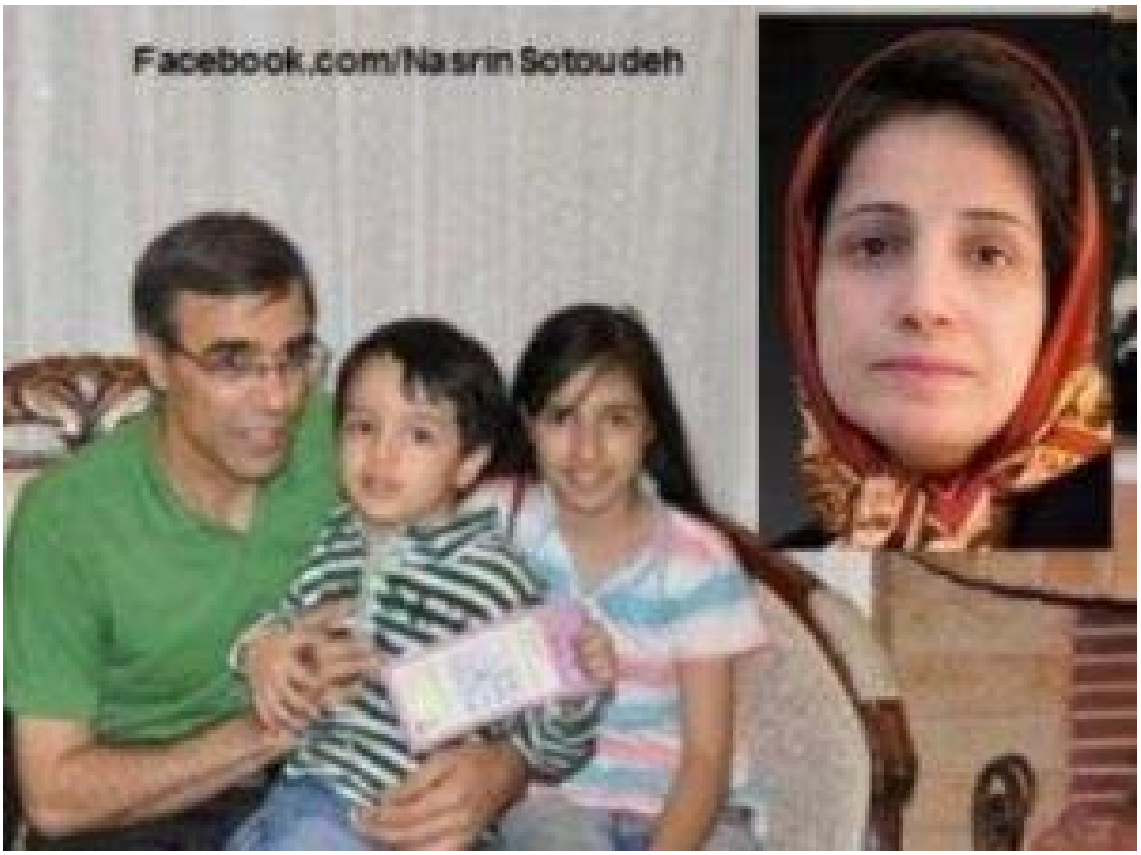
به آزار و اذیت زنان زندانی سیاسی دراوین پایان دهید

2012-11-01 · Archive ID 1414
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1414

عرصه سوم- در روزهای اخیر شاهد تدوام سختگیری و آزار و اذیت فعالان سیاسی و اجتماعی زن محبوس در زندان اوین هستیم. بسیاری از آن‌ها هم از ملاقات و داشتن خدمات پزشکی محروم شده‌اند. با ادامه اعتصاب غذای نسرین ستوده وکیل و فعال حقوق بشر وانتقال او به بهداری زندان، نه نفر دیگر هم از زنان زندانی سیاسی دراعتراض به افزایش فشار، یورش مامورین به سلول‌هاشان و تجسس وسایل شخصی خود دست به اعتصاب غذا زده اند. دراین میان فعالیت‌های مدافعان سازمان حقوق بشری برای پایان دادن به این وضعیت غیرانسانی ادامه دارد.
از جمله سازمان های دیده بان حقوق بشر، عفو بین الملل، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، گزارشگران بدون مرز، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران همراه با شیرین عبادی، باردیگر از دولتمردان ایرانی خواستند تا احکام محکومیت فعالان مسالمت جو را لغو کنند و آنان را بدون قید و شرط آزاد کنند.
بنیاد عرصه سوم ضمن پشتیبانی از اقدام شیرین عبادی و شش سازمان مدافع حقوق بشر دراعتراض به شرایط غیرقانونی حاکم بر زندانهای ایران از همه آزادی خواهان و فعالان جامعه مدنی می‌خواهد که برای پایین دادن به نقض حقوق انسانی این زندانیان اقدام کنند.

شیرین عبادی در این رابطه گفته است:
«هیچ یک از روزنامه نگاران، وکلای حقوق بشری و مدافعان حقوق بشر که تنها برای فعالیت مسالمت آمیزشان بازداشت شده اند نباید در زندان باشند. زورگفتن به فرزند یک زندانی و محروم کردن وی از دیدار با خانواده اش و دسترسی به مراقبت پزشکی تنها باعث بدتر جلوه کردن ایران در چشم جهانیان می شود».
از زمان دستگیری نسرین ستوده در سال 1389، مقامات این وکیل حقوق بشری 47 ساله و مادر دو فرزند خردسال را بارها در حبس انفرادی نگهداشته اند و از ملاقات منظم و صحبت با خانواده اش محروم کرده اند.
مقامات زندان در ایران، ظرف چند ماه گذشته مرتبا زندانیان سیاسی دیگر را نیز از ملاقاتهای منظم با نزدیکان خویش و دسترسی مناسب به درمان پزشکی محروم کرده اند.

رضا خندان همسر ستوده به گروه های حقوق بشری گفته است : نسرین ستوده که از تاریخ 17 اکتبر 2012 (26 مهر 1391) دست به اعتصاب غذا زد، به بهداری زندان اوین منتقل شده است. وی گفت که اعتصاب غذای ستوده در واکنش به آزار و اذیت خانواده اش توسط مقامات و محدودیت بر حق ملاقات وی است. خانم عبادی و شش سازمان حقوق بشری گفتند: «ما جدأ از شرایط نسرین ستوده نگرانیم و مسئولیت های دولتمردان ایران را خاطرنشان می کنیم».



آزار و اذیت زندانیان زن دراوین سبب اعتراض شدید و مقاومت آن‌ها دربرابرمامورین شده است. زنان زندانی با شعار دادن و سرانجام با اعتصاب غذا خواهان رسیدگی به مسئله یورش به بند زنان شده اند.
تا کنون ۹نفر از زندانیان سیاسی زن از جمله بهاره هدایت، نازنین دیهیمی، ژیلا بنی یعقوب، شیوا نظرآهاری، مهسا امرآبادی، حکیمه شکری، ژیلا کرم زاده مکوندی، نسیم سلطان بیگی و راحله زکایی در اعتراض به این اقدام ماموران حفاظت -اطلاعات زندان دست به اعتصاب غذا زدند.

سایت ایران امروز به نقل از گزارش کلمه دراین باره می نویسد:
«حمله کنندگان به بند بانوان که شامل حدود ۲۰زن از نیروهای گارد یگان حفاظت زندان اوین بودند با ورود به حریم خصوصی و شخصی زندانیان سیاسی باعث بر هم زدن نظم و سلب آسایش آنان شده و پس از یورش به بند سیاسی بانوان زندانیان را به شکل توهین آمیزی بازرسی بدنی کردند.
اعتراض فائزه هاشمی
این اقدام با واکنش اعتراضی فائزه هاشمی که در حال حاضر نماینده و وکیل بند زندانیان و سایر زندانیان سیاسی زن است، مواجه شد.
براساس این گزارش، ماموران حفاظت سپس زندانیان سیاسی را به حیاط کوچک بند هدایت کرده و برای ساعتی همه زندانیان سیاسی را در فضای کوچک و نامناسب محبوس کرده و شروع به تفتیش وسایل شخصی آنان کردند که این حرکت با واکنش زندانیان زن روبرو شد.
شعار یا حسین میرحسین زندانیان
برای نشان دادن اعتراض خود به ماموران امنیتی و حفاظتی زندان اقدام به سر دادن شعار “یا حسین میر حسین”، “مرگ بر دیکتاتور”، “موسوی زنده باد کروبی پاینده باد” و سرودهای “ای ایران”، “یار دبستانی” و “نه

خارم نه خاشاک" کردند.
این یورش هم چنین با واکنش اعتراضی زندانیان از جمله اعتصاب غذای جمعی از این زنان سیاسی همراه شده است. زندانیان سیاسی زن خواستار عذرخواهی رسمی رییس زندان اوین و مسئولان اداره حفاظت این زندان و همچنین ارایه ضمانت هایی از سوی آنان مبنی بر عدم تکرار چنین رفتارهای شده اند."

—

انتقاد فعالان جنبش کارگری از مطبوعات

2012-11-01 · Archive ID 1419
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1419

عرصه سوم- اثرات تورم و تحریم بیش از همه زندگی اقشار زحمتکش کارگری را در ایران تحت الشعاع خود قرار داده است. رکود اقتصادی و تعطیلی کارخانه ها باعث اخراج و بیکاری هزاران نفر از کارگران در سراسر کشور شده و در ماه های اخیر اعتراضات و اعتصابات کارگری هم چنان ادامه داشته است. اما مسئولین متأسفانه دربسیاری از موارد به این اعتراضات رسیدگی نکرده اند و طومارها و نامه‌های آنان بی جواب مانده است.از آخرین اقدام‌ها دراین زمینه حضور فعالان کارگری در نمایشگاه مطبوعات و طرح دیدگاه‌های شان در انتقاد از روزنامه ها در نحوه انتشار خبرهای مربوط به کارگران است.

سایت ایران امروز درگزارشی دراین باره می نویسد:

"جمعی از هماهنگ کنندگان نامه ۲۰ هزار امضایی کارگران خطاب به وزیر کار، با حضور درغرفه ایلنا بر ضرورت بازنگری مزد کارگران تاکید کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، چهار تن از کارگرانی که چندی پیش در دو مرحله اقدام به جمع آوری 20 هزار امضا از کارگران نقاط مختلف کشور در اعتراض به تاثیرات قانون هدفمندی یارانه‌ها بر تعطیلی واحدهای تولیدی و بیکاری کارگران و همچنین کاستی دستمزد قانونی به نسبت تورم موجود و سایر مشکلات جامعه کارگری کرده بودند، با حضور در غرفه ایلنا در نوزدهمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها، به طرح دیدگاه‌های خود در خصوص وظایف مطبوعات نسبت به انتشار اخبار کارگری پرداختند.
جعفر عظیم‌زاده، پروین محمدی، شاپور احسانی و جلیل محمدی از فعالان مستقل کارگری با حضور در غرفه ایلنا بر ضرورت توجه بیشتر مطبوعات داخلی به مشکلات معیشتی کارگران تاکید کردند و به طرح عمده مشکلات جامعه کارگری پرداختند.
جعفر عظیم‌زاده از فعالان مستقل کارگری به وضع نامناسب معیشتی امروز کارگران اشاره کرد و گفت: امروز پایه مزد یک کارگر کمتر از ۵۰۰ هزار تومان است و این در شرایطی که تحت شرایط نامساعد اقتصادی کنونی از یک سو قدرت خرید کارگران روز به روز کاهش یافته و از سوی دیگر از امنیت شغلی آن‌ها هر لحظه بیشتر کاسته می‌شود.
او تاکید کرد: دولت به عنوان متولی جامعه باید به حال کارگران چاره اندیشی کند تا از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه جلوگیری شود.
پروین محمدی نیز با انتقاد از نوع نگاه مسئولان دولتی به کارگران، گفت: امروز در حالی صحبت از ضرورت بازنگری و تغییر قوانین کار و تامین اجتماعی می‌شود که اقدام خاصی در خصوص بهبود وضع معیشتی کارگران شاغل و بازنشسته صورت نگرفته است.
این فعال کارگری افزود: به عنوان مثال مسئولان سازمان تامین اجتماعی مدتی است که به استناد برنامه پنجم توسعه از ضرورت تغییر قانون تامین اجتماعی صحبت می‌کنند و با اشاره به وضعیت کشورهای صنعتی، کاهش تعهدات بیمه‌ای افزایش سن بازنشستگی را ضروری می‌بینند. این در حالی است که امنیت شغلی و مزد کارگران ایرانی هیچ تناسبی با کارگران غربی ندارد و مسئولان دولتی هیچ‌گاه امنیت شغلی و اقتصادی مزد بگیران ایرانی را با غرب مقایسه نمی‌کنند.
شاپور احسانی زند از دیگر هماهنگ کنندگان طومار ۲۰ هزار امضایی کارگران، با انتقاد از پایین نگه داشتن قدرت خرید کارگران گفت: دستمزدهای کنونی بیش از هر زمان دیگری به شان و منزلت انسانی مزدبگیران شاغل و بازنشسته ضربه می‌زند.

نماینده سابق کارگران پروفیل ساوه گفت: شرایط اقتصادی امروز دستمزد کارگران را به زیر خط فقر کشانده است.
این فعال کارگری با اشاره به انعکاس ضعیف اخبار کارگران در رسانه‌های داخلی، گفت: در خلاء رسانه‌ای که وجود دارد بسیاری از کارفرمایان با وجود آنکه به تسهیلات اعتباری بانک‌ها دسترسی دارند، با انتقال سرمایه‌های خود به بازارهای دیگر اقتصادی همین حقوق ناچیز کارگران را با تاخیر پرداخت می‌کنند.
جمیل محمدی، دیگر فعال مستقل کارگری نیز از نحوه پرداختن رسانه‌های مختلف داخلی به مسائل کارگری انتقاد کرد و گفت: در کشور ما رسانه‌های تخصصی متعددی منتشر می‌شود اما کمتر رسانه‌ای اخبار کارگری را منتشر می‌کند.
او با بیان اینکه کارکنان و اعضای هیات‌های تحریریه در رسانه‌ها خود مزدبگیر هستند اما نسبت به اخبار کارگری حساسیت لازم را ندارند، گفت: رسانه‌ها به دلیل ارتباطی که با دستگاه‌های اجرایی دارند می‌توانند وضعیت نامناسب کنونی را به مسئولان منتقل کنند.
این عضو هماهنگ کننده نامه ۲۰ هزار امضایی گفت: خوب است رسانه‌ها در کنار انعکاس رویدادهای مختلف خبری به مسائل کارگری نیز توجه بیشتری داشته باشند."

—

دعوا میان جناح های حکومتی : ایجاد فضا برای تغییرات مساعد

2012-11-05 · Archive ID 1421
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1421

علی افشاری

دگرگونی در صحنه سیاسی ایران معمولا از زاویه عملکردهای اپوزیسیون و مخالفین قابل حصول به نظر می رسد. در ذهنیت کثیری از نیرو های سیاسی جامعه و افکار عمومی منازعات و درگیری های درون قدرت بی معنا است. یا امری است که امتیازات آن کاملا نصیب حکومت گران شده و نصیبی از این رویارویی شامل حال جامعه نمی شود. البته ذهنیتی ریشه دار نیز وجود دارد که این دعوا ها را ساختگی و جنگ زرگری می پندارد.

به سخنی دیگر در جنگ گرگ ها یا باید فرار کنی و یا باید چون گرگ باشی تا بتوانی خود را نجات بدهی. اما بررسی گذار های موفق به دموکراسی و تجربیات تاریخ معاصر نشان می‌دهد که این ذهنیت با واقعیت تعارض دارد. در شرایطی مشخص دعوا میان جناح های حکومتی و اصحاب قدرت می تواند فضا را برای تغییرات مساعد کند. در واقع تحول سیاسی ناشی از منازعات قدرت، پسامد ناخواسته ای است . بنابراین بدیهی است اختلافاتی که در حوزه قدرت رخ می دهد با هدف بقاء نظام سیاسی و تقویت جناح های حکومت و در درون پارادایم قدرت مستقر صورت می گیرد. اما از دل این دعوا ها بحرانی شکل می گیرد که کلیت ساخت قدرت را تحت الشعاع قرار می دهد و فرصت عمل سیاسی به مخالفین می بخشد.
برخی از تحولات سیاسی مثبت در دنیا از دل پیامد های نا خواسته منازعات اصحاب قدرت متولد شده اند. در مواردی دعوا ها باعث توزیع قدرت شده و روند واگرایی، امکان تداوم اقتدار گرایی و اتوریته استبدادی را از بین برده و بدین ترتیب نوعی تکثر سیاسی در حکومت ایجاد شده است. در تجاربی هم بخشی از قدرت مندان برای استفاده از نیروی جامعه در مصاف با بخش های دیگر به طرف مخالفین آمده و سعی کرده اند از نیرو های آنها استفاده کنند. این اتفاق باعث تاثیر گزاری متقابل بر مخالفین شده و در نهایت به استحاله و دگرگونی جریانی از حکومت انجامیده است.

همراهی جناح خط امام با جنبش اعتراضی
جنبش اصلاحی دوم خرداد و جنبش سبز تا حدودی چنین روندی را نشان داد. جناح خط امام و رهبران نمادین جنبش سبز بخشی از کارگزاران سابق حکومت و جناحی از نظام سیاسی بودند که در دل جنبش اعتراضی متحول شدند.
بنابراین تحت شرایطی مشخص منازعات قدرت می تواند نتایج مثبتی برای جنبش دموکراسی خواهی داشته باشد. البته لزوما چنین حالتی برقرار نیست. درگیری هایی هستند که شامل این اصل نمی شوند. ولی شرایطی

وجود دارند که نیرو های مخالف در صورت شناخت درست و موضع گیری صحیح می توانند از این فرصت ها استفاده کنند. به عبارت دیگر کنش سیاسی انتقادی و اعتراضی لزوما به بازیگری در عرصه اپوزیسیون محدود نمی شود. گاهی اوقات می توان از فرصت های خلق شده در رویارویی های داخل حکومت استفاده کرد. یکی از مثال های مفید در این خصوص درگیری بیت رهبری جمهوری اسلامی و دفتر هاشمی رفسنجانی در سال 1372 است. این درگیری به جایی انجامید که سید علی خامنه ای با صدور پیامی به نشست دفتر تحکیم وحدت دست هایی را لعنت کرد که می خواهند دانشگاه ها غیر سیاسی شود. اشاره ضمنی وی به سیاست های دولت سازندگی بود که می خواست دانشگاه ها را غیر سیاسی کرده و دانشجویان را به سمت فعالیت های فرهنگی و هنری خنثی سوق دهد.

با توجه به پیشینه اختلافی بین دفتر تحکیم وحدت و سیاست های دولت هاشمی رفسنجانی ، طبیعی بود که منتقد اصلی دولت سازندگی ، یعنی اعضاء انجمن های اسلامی دانشجویان در سراسر دانشگاه های کشور مخاطب خامنه ای قرار بگیرند . خامنه ای خواست از این شکاف بهره بگیرد و نیروی دانشگاه ها را بر علیه جریان هاشمی رفسنجانی بسیج نماید.

در میدانی دیگر نیز اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویی به رهبری حشمت الله طبرزدی علیه هاشمی فعال بود و در هفته نامه پیام دانشجو مدعی افشاگری مفاسد اقتصادی دولت وی بود. بیت خامنه ای از این حرکت نیز حمایت می‌کرد.

گسترش نفوذ جنبش دانشجویی

اعضاء وقت شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت از این فرصت استفاده کردند و تشکیلات تحکیم و انجمن های اسلامی دانشجویان را که پس از رهبری خامنه ای و تهاجم حکومت از هم پاشیده بود ند، سامان بخشیدند. برای اولین بار پس از چند سال شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت به عنوان مرکزیت انجمن های اسلامی دانشجویان رسمی شد و تعداد دانشگاه های شرکت کننده به حد نصاب لازم رسید .

فعالیت مستمر در چارچوب نقد اصولی عملکرد رفسنجانی و اعتراض به گسترش فقر ، اجرای غلط نسخه های توسعه ، افزایش بی عدالتی ،اختلاف طبقاتی و مصونیت از اقدامات ایذائی نهاد های امنیتی به دلیل سیاست حمایتی خامنه ای منجر به قدرت گرفتن دفتر تحکیم وحدت و به تبع جنبش دانشجویی شد. این روند تاثیر غیر قابل انکاری در شکل گیری جنبش اصلاحی دوم خرداد داشت. تشکیلات دفتر تحکیم وحدت و اوج گیری دوباره آن در قالبی متفاوت با گذشته باعث شد تا جنبش دانشجویی احیا گردد. در کمتر از دو سال سمت گیری دفتر تحکیم وحدت و فعال شدن دانشجویان علاوه بر هاشمی رفسنجانی گریبان خود خامنه ای را گرفت . از سال1374 به بعد تضاد اصلی جنبش دانشجویی انحصار طلبی سیاسی حکومت و اعمال ولایت مطلقه فقیه از سوی خامنه ای شد و انتقاد به دولت سازندگی به مسئله ثانویه بدل گشت.

این تجربه به خوبی کارکرد اختلافات درون حاکمیت برای بهره برداری فعالان مخالف و مستقل را نشان می دهد. بنابراین نیرو های سیاسی خواهان تغییر و به‌خصوص ضرروری است که جنبش های اجتماعی که داعیه سیاسی مشخصی ندارند، مانند جنبش دانشجویی ، جنبش زنان و جنبش کارگری از شکاف های درون بلوک قدرت در چهارچوب اهداف کوتاه مدت و بلند مدت خود استفاده کنند.

در حال حاضر درگیری بین جریان احمدی نژاد با حاکمیت از یک سو و چند پارگی های داخل اصول گرایان فرصت هایی را برای استفاده نیرو های جامعه مدنی و اپوزسیون ایرانی مهیا می کند. در این خصوص باید هوشیار بود و تنزه طلبی پیشه نکرد.

نقل مطالب با ذکرماخذ آزاد است . نظرات نویسنده الزاما نظرات بنیاد عرصه سوم نیست .

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-11-05 · Archive ID 1423
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1423

عرصه سوم - بخشی از آخرین اخبار هفته اول آبان ماه را درگزارش پیمان مجید زاده می خوانید .

اعتراض گسترده به مقامات اسلامی برای رسیدگی به وضعیت زنان سیاسی در اوین

در هفته‌ای که گذشت، خبر اعتصاب غذای نسرین ستوده، وکیل و فعال حقوق بشر و نه نفر از زنان زندانیان سیاسی، سرخط خبرهای دنیای مجازی فعالین مدنی داخل و خارج کشور بود . اعتصاب غذا در بند زنان اوین ، عنوان بلاگی است که به معرفی بیشتر این اعتصاب کنندگان و اخبار مربوط به آن‌ها می پردازد . بهاره هدایت، نازنین دیهیمی، ژیلا بنی‌یعقوب، شیوا نظرآهاری، مهسا امرآبادی، حکیمه شکری، ژیلا کرم‌زاده مکوندی، نسیم سلطان‌بیگی و راحله زکایی ۹ زندانی‌ای هستند که در اعتراض یورش مأموران حفاظت اطلاعات زندان به بند سیاسی بانوان زندانیان و بازرسی بدنی توهین‌آمیزی زندانیان’ دست به اعتصاب غذا زده‌اند .

اعتصاب‌کنندگان خواستار " عذرخواهی رسمی رئیس زندان اوین و مسئولان اداره حفاظت این زندان و هم ارائه ضمانت‌هایی از سوی آنان مبنی بر عدم تکرار چنین رفتارهایی شده‌اند ."

به گفته امین احمدیان’ همسر بهاره هدایت این اعتصاب پس از ارسال نامه‌ای از سوی زندانیان به ریاست زندان و بی‌توجهی به این نامه صورت گرفته است . به گزارش رادیوفردا ، ۳۳ تن از فعالان سیاسی و مدنی زندانی در زندان اوین، در نامه‌ای خطاب به رئیس، خواستار عذرخواهی وی به خاطر رفتارهای نامناسب زندانبانان با محبوسان شدند . این نامه در حمایت از اعتصاب غذای ۹ تن از این زنان زندانی ارسال شده است .

سازمان عفو بین الملل ، نیز از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است درباره اتهاماتی که درمورد بدرفتاری ماموران با زندانیان سیاسی زن در زندان اوین مطرح شده تحقیقاتی را آغاز کنند . در این بیانیه که روز جمعه منتشر شد با اشاره به اعتصاب غذای ۹ زندانی سیاسی زن در اوین گفته شده که این عده بخاطر استفاده صلح آمیز از حق آزادی بیان و تجمع خود زندانی شده اند و باید فورا و بدون قید وشرط آزاد شوند .

هم چنین سازمان های دیده بان حقوق بشر، عفو بین الملل، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، گزارشگران بدون مرز، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران همراه با شیرین عبادی، باردیگر از دولتمردان ایرانی خواستند تا احکام محکومیت فعالان مسالمت جو را لغو کنند و آنان را بدون قید و شرط آزاد کنند .

گروهی از کارشناسان مستقل سازمان ملل متحد روز پنج‌شنبه، یازده آبان‌ماه، از مقامات ایران خواستند فعالان حقوق بشر زندانی در ایران، از جمله برندگان امسال جایزه ساخاروف، نسرین ستوده و جعفر پناهی، را آزاد کنند .

عرصه سوم نیز ضمن پشتیبانی از اقدام شیرین عبادی و شش سازمان مدافع حقوق بشر دراعتراض به شرایط غیرقانونی حاکم بر زندانهای ایران از همه آزادی خواهان و فعالان جامعه مدنی خواسته که برای پایین دادن به نقض حقوق انسانی این زندانیان اقدام کنند .

در تازه ترین خبرها از وضعیت اعتصاب کنندگان، جوانان برای حقوق بشر ایران ، خبر از انتقال چهار نفر از آن‌ها به بهداری داده است . مهسا امرآبادی، نسیم سلطان بیگی، شیوا نظر آهاری و ژیلابنی یعقوب بر اثر وضعیت جسمی به وجود آمده از اعتصاب غذا به بهداری منتقل شده‌اند و این در شرایطی است که اعتصاب کنندگان به لغو ملاقات و انتقال به سلول انفرادی نیز تهدید شده اند .

از سوی دیگر، به نقل از ندای سبز آزادی ، بیش از نود و پنج فعال اجتماعي و سياسي ايراني با نگارش نامه اي خطاب به زنان زنداني كه در اعتصاب غذا به سر مي برند، با ابراز نگراني از به خطر افتادن جان آنها، درخواست شكستن اعتصاب غذايشان را كرده اند و گفته اند كه مقاومت شما ستودني است اما ارزش جان شما پشتيبان و سرمايه يك جنبش انساني در ايران است كه بايد حفظ شود . اين نامه كه امضاي جمعي از فعالان زن از جمله شيرن عبادي، نيز درميان آنهاست، در آستانه بيستمين روز اعتصاب غذاي نسرين ستوده به رسانه ها ارسال شده است . رضا خندان، همسر خانم ستوده اعلام كرده كه همسرش را از بند زنان زنداني اوين به سلولهاي فوق امنيتي ۲۰۹ منتقل كرده اند .

دکتر محمد ملکی، فعال باسابقه ملی - مذهبی نیز در نامه ای از نسرین ستوده خواسته است که به اعتصاب غذای خود پایان دهد . به گزارش کلمه ، این در حالی است که هفته گذشته، نسرین ستوده وکیل زندانی از سوی

شورای انضباطی زندان اوین به مدت سه هفته ممنوع الملاقات شده است . نسرین ستوده از ۲۶ مهرماه در اعتراض به شرایط نگهداری‌اش در زندان و همینطور فراهم نشدن امکان ملاقات حضوری با فرزندان و خانواده‌اش اعتصاب غذا کرده است .



رویدادهای کارگری هفته

ربابه رضایی، همسر رضا شهابی، از اعضای زندانی هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، روز شنبه به رادیو فردا گفت که به همسرش اطلاع داده اند که مدت زندانش در صورت پرداخت هفت میلیون تومان جریمه نقدی’ کاهش خواهد یافت . آقای شهابی پیشتر در دادگاه انقلاب اسلامی به شش سال زندان، پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی و پرداخت هفت میلیون تومان جریمه محکوم شده بود . او در خرداد سال ۸۹ در کرج بازداشت شده بود . بنابراین ابلاغ، آقای شهابی در صورت پرداخت جریمه نقدی، اول فروردین سال ۹۳ آزاد می شود و در غیر این‌صورت، آزادی او به پایان همان سال موکول خواهد شد .

وضعیت بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی یکی از موارد مورد بحث در هفته اخیر بود . عدم اطمینان از آینده و پایین بودن میزان مستمری از مهمترین دغدغه‌های بازنشستگان است . در حالیکه سعید مرتضوی رئیس سازمان تامین اجتماعی از افزایش حقوق بازنشستگان خبر می‌دهد ، حسن مسگری اسکویی، رئیس کانون کارگران بازنشسته استان آذربایجان شرقی در دومین کنگره استانی خانه کارگر استان ضمن انتقاد از وضعیت معیشتی بازنشستگان بیان کرد ۹۰ درصد آنان زیر خط فقر زندگی می‌کنند .

خبر مهم دیگر این هفته به نقل از رادیو زمانه ، تعیین شرایط بازنشستگی بود . با موافقت دولت آئین‌نامه اجرایی بند ۶۶ قانون بودجه کشور ابلاغ شد که به موجب آن مشمولان این بند از اول فروردین امسال تا ۲۹ اسفند حائز شرایطی ویژه شدند؛ از جمله : « بیمه‌شدگان مرد دارای حداقل ۶۰ سال سن و بیمه‌شدگان زن دارای حداقل ۵۵ سال سن که حداقل ۱۰ سال حق بیمه پرداخت کرده باشند و افرادی که به تشخیص کمیسیون های موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و اصلاحات بعدی آن در سنین کمتر کارافتاده شده‌اند ولی از حق مستمری برخوردار نیستند، می‌توانند درخواست بازنشستگی کنند ». هم چنین افرادی که کمتر از ۱۰ سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند، می توانند با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه تا ۱۰ سال، به نرخ سال جاری بازنشسته شوند .

تداوم روند بیکاری و اعتراض‌های پراکنده

بیش از ۵۰ تن از کارگران نساجی مازندارن روز شنبه ششم آبان ماه با تجمع در تشکیلات خانه کارگر این استان خواستار پیگیری مطالبات خود توسط مسئولان کشور و استانداری شدند . این کارگران پیشتر در برابر فرمانداری نیز تجمع کرده بودند، اما مقامات به وضعیت شان رسیدگی نکردند .

یکم آبان ماه کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی پاکریس به دلایل نامعلومی اجازه نیافتند به داخل کارخانه وارد شوند . حبیب الله محقق با اعلام این خبر به خبرگزاری ایلنا گفت : « ریسندگی و بافندگی پاکریس در پنج سال گذشته دو هزار و پانصد کارگر داشت که این تعداد اکنون به ۳۷ نفر تقلیل یافته است .»

کم توجهی رسانه‌ها به وضعیت نامناسب کارگران

اثرات تورم و تحریم بیش از همه زندگی اقشار زحمتکش کارگری را در ایران تحت الشعاع خود قرار داده است . رکود اقتصادی و تعطیلی کارخانه ها باعث اخراج و بیکاری هزاران نفر از کارگران در سراسر کشور شده و در ماه های اخیر اعتراضات و اعتصابات کارگری هم چنان ادامه داشته است . اما مسئولین متأسفانه دربسیاری از موارد به این اعتراضات رسیدگی نکرده اند و طومارها و نامه‌های آنان بی جواب مانده است .

از آخرین اقدام‌ها دراین زمینه حضور فعالان کارگری در نمایشگاه مطبوعات و طرح دیدگاه‌های شان در انتقاد از روزنامه ها در نحوه انتشار خبرهای مربوط به کارگران است . جمعی از هماهنگ کنندگان نامه ۲۰ هزار امضایی کارگران خطاب به وزیر کار، با حضور در غرفه ایلنا بر ضرورت بازنگری مزد کارگران تاکید کردند . به گزارش ایلنا، چهار تن از کارگرانی که چندی پیش در دو مرحله اقدام به جمع آوری ۲۰ هزار امضا از کارگران نقاط مختلف کشور در اعتراض به تاثیرات قانون هدفمندی یارانه‌ها بر تعطیلی واحدهای تولیدی و بیکاری کارگران و همچنین کاستی دستمزد قانونی به نسبت تورم موجود و سایر مشکلات جامعه کارگری کرده بودند، با حضور در غرفه ایلنا در نوزدهمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها، به طرح دیدگاه‌های خود در خصوص وظایف مطبوعات نسبت به انتشار اخبار کارگری پرداختند . این در حالیست که علیرضا محجوب، دبیر کل خانه کارگر و نماینده مجلس از تهران نیز نسبت به وخیم تر شدن شرایط معیشتی و امنیت شغلی کارگران هشدار داده است .

ضرب و شتم زندانیان و اعتراض کانون مدافعان حقوق کارگر

به گزارش ندای سبز آزادی ، کانون مدافعان حقوق کارگر در بیانیه‌ای نسبت به برخودرهای غیر قانونی با زندانیان اعتراض کرد . بخشی از متن بیانیه کانون مدافع حقوق کارگر در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و کارگری به شرح ذیل است : حفظ جان و امنیت زندانیان سیاسی، منجمله زندانیان کارگری به عهدهٔ مسئولین قوه قضائیه است و باید در قبال عدم امنیت آنان پاسخگو باشند . تفکیک زندانیان سیاسی و کارگری از زندانیان عادی باید در دستور کار قوهٔ قضائیه قرار گیرد . این کمترین خواستهٔ زندانیان سیاسی است .

دراین بیانیه می‌خوانیم که : " بر طبق اطلاع از زندان تبریز، محمد جراحی فعال کارگری که به ۶سال حبس محکوم شده و درزندان تبریز مشغول گذراندن دوران حبس خود است، تحت فشارهای شدید روانی و جسمی قرار دارد . این زندانی توسط زندانیان عادی با تحریک زندان بانان تهدید شده که مورد آزار و ضرب و شتم قرار

خواهد گرفت . چندی پیش نیز، شاهرخ زمانی، دیگر فعال کارگر زندانی که به ۱۱ سال زندان محکوم شده، به زندان رجایی شهر تبعید شده است .”

اما مشکلات صنفی کارگران و هم چنین برخوردهای امنیتی – قضایی با فعالان کارگری در ایران، موضوعاتی نیستند که تنها توسط سندیکاها و اتحادیه های کارگری در ایران و جهان و سازمان بین المللی کار مورد توجه قرار گرفته اند . سازمان های دیگر هم می کوشند تا با مطرح کردن مشکلات صنفی کارگران وحمایت از فعالان این حوزه ،در جهت بهبود وضعیت آنان اقداماتی انجام دهند . ازجمله ،کانون مدافعان حقوق بشر،کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران،سازمان عفو بین الملل، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران و بسیاری دیگر .

باز هم ممنوعیت اکران

نمایش فیلم " قصه‌ها " ، آخرین ساخته رخشان بنی‌اعتماد، کارگردان ایرانی که قرار بود برای نخستین بار به نمایش درآید به دلایل نامعلوم لغو شده است . به گزارش رادیو زمانه ، فیلم " قصه‌ها " آخرین ساخته رخشان بنی‌اعتماد قرار بود برای نخستین بار به صورت محدود در دو سانس، روز جمعه ۱۲ آبان‌ماه در پردیس سینمایی قلهک تهران به نمایش گذاشته شود . اما نمایش فیلم به دلیلی که تاکنون اعلام نشده لغو شده است . پیش از این، رخشان بنی‌اعتماد، در نهم آبان‌ماه از اکران آخرین اثر خود خبر داده و گفته بود : " نمایش این فیلم شاید همین یک بار اتفاق بیفتد ." وی در واکنش به لغو نمایش آخرین ساخته اش با استفاده از دیالوگی از فیلم " قصه‌ها " با انتشار یادداشتی اعلام کرد : « هیچ فیلمی، هیچ وقت، تو هیچ کُمُدی نمونده، بالاخره یه روز، یه جایی دیده می‌شه . چه سازنده‌اش زنده باشد، چه مرده... »

—

یک شهروند عادی دستش به هیچ جا بند نیست

2012-11-06 · Archive ID 1427
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1427

نعیمه دوستد ار

نه آشنا دارد، نه پارتی، نه حقوق آن‌چنانی و نه امید به آینده، کجا باید حرف‌هایش را بزند؟ اصلا آیا کسی صدای او را می‌شنود؟ آیا چون فکر می‌کند کسی صدایش را نمی‌شنود باید سکوت کند؟

یک شهروند آگاه لزوما فعال حقوق بشر نیست؛ اما از مبانی حقوق بشر باخبر است و آن را می‌فهمد . می‌داند کجا این حقوق نقض می‌شود ، اما جایی ندارد که به زیرپاگذاشتن حقوق خود و دیگران اعتراض کند . ستون ارتباط با خوانندگان روزنامه‌ها، یک دریچه اطمینان برای گردانندگان رسانه‌ها است، تا به بهانه فرصت دادن به مخاطبان، چهره انتقادپذیری از مسئولان نشان دهند، اما برای شهروند ی که پاسخی درخور از مقامات نمی شنود ، یک بلندگوست؛ یک امکان تا بلکه صدایش بلندتر شنیده شود . برای منعکس کردن درددل ها و اعتراضات مردم این هفته هم به سطرهای این ستون‌ها در مطبوعات ایران سرک کشیده‌ایم .

تناقضا ت در برنامه افزایش جمعیت کشور

یک شهروند تهرانی درباره موضوع داغ افزایش جمعیت در ایران گفته : " وقتی مسئولین به درستی از پیرشدن جمعیت کشور در آینده و ضرورت افزایش جمعیت کشور سخن می‌گویند، تصمیمات اقتصادی دولت محترم که موجب آشفتگی بازار سکه و ارز شده است، با استراتژی افزایش جمعیت تناقض دارد . زیرا در این آشفته‌بازار تورم و گرانی، خانواده‌ها کمتر به فکر افزایش تعداد فرزندان‌شان می‌افتند ."

شهروندی هم با نام محمدی درباره همین موضوع اظهارنظر کرده است : " بهتر است به جای اتخاذ سیاست‌های تشویق افزایش جمعیت، مسئولان برای جوانان بیکار، گرانی مسکن، آمار بالای طلاق نسل جوان، تورم

سرسام‌آور، اعتیاد و تکدی‌گری، ناامنی و جرم و جنایت، بی‌بندوباری و نمونه‌های بسیار دیگر در جامعه فکری بکند تا این ناهنجاری‌های اجتماعی ریشه‌کن شود ."

خانم شهروند ی دیگری به این طرح دولتی حسابی انتفاد کرده و نوشته : " یکی از کارهای عجیب و غریب دولت در روزهایی که بیکاری جوانان تحصیلکرده، خانواده‌هایشان را به ستوه آورده و هزینه‌های دارو و درمان سر به فلك کشیده است و مستأجران به ستوه آمده‌اند و نرخ ارز و سکه سیر صعودی دارد، اعلام جوایز و تسهیلات تشویقی برای افزایش جمعیت ایران است که اگر اجرا شود، دیری نخواهد پائید که جمعیت روستاها چنان افزایش یابد و سرریز شود که دیگر حتی یك وجب جا برای زندگی در شهرها باقی نماند !"



یک خواننده روزنامه اطلاعات هم می‌گوید : " دولت اعلام کرده است برای افزایش جمعیت کشور برای خانواده‌ها تشویق‌هایی درنظر گرفته که از جمله اهدای سبد کالا و سکه طلا قابل ذکر است . از دولت محترم انتظار می‌رود قبل از اجرای این برنامه، به وعده‌هایی که پیش از این داده است، مانند اهدای یك میلیون تومان به هر نوزاد ایرانی عمل کند، نه این که همسرانی برای برخوردارشدن از وعده‌های یادشده بی رویه صاحب اولاد شوند، اما بعدها ببینند نه تنها تسهیلات و امکاناتی دریافت نکرده‌اند، بلکه با عده‌ای فرزند بیکار و احتمالا سربار خانواده مواجه شده‌اند !"

اکبر عابدی اشلقی هم شهروند دیگری است که درباره همین موضوع به مسئولان انتقاد کرده : " این که مسئولان دولت محترم مدعی هستند تصمیمات دولتمردان در 20 سال قبل غلط بوده است که بر لزوم کنترل جمعیت اصرار داشته‌اند، چه تضمینی وجود دارد که 20 سال بعد هم مسئولان آینده کشور به تصمیم امروز دولتمردان ایراد نگیرند که موجب انفجار جمعیت و مشکلات بسیاری برای ملت شده است؟ آن هم در شرایطی که منابع کشاورزی و امکانات رفاهی مردم در سال‌های آینده باید متناسب با نیازهای آن دوران باشد تا مشکلاتی گریبانگیر مردم نشود ."

یا آشنا نداری یا پول خرج نمی‌کنی !

یک شهروند حقوقدان هم به موضوع فساد اداری در ایران اشاره کرده وریشه این مسئله را در رفاه عمومی دیده و گفته است : " در پاسخ خواننده‌ای که از اظهارات برخی از مسئولان، مبنی بر این‌که فساد اداری در همه کشورها وجود دارد متعجب و متأسف شده بود، باید گفت در هر کشور به میزانی که رفاه عمومی پایین می‌رود، فقر و نداری افزایش می‌یابد که من در سال‌های اقامت در کشورهای بلوك‌های غرب و شرق، این موضوع را به عینه دیدم . در اروپای شرقی قبل از فروپاشی شوروی سابق، هر وقت کار یك نفر در اداره‌ای متوقف می‌ماند، به او می‌گفتند یا در آن اداره دوست و فامیل ندارد و یا حاضر نشده است برای کارش پول خرج کند، که متأسفانه این وضع کمابیش در ادارات ما هم دیده می‌شود ! حال آن‌که ملت ایران برای آن انقلاب کرده که پارتی‌بازی و فساد از ادارات رخت بربندد و سلامت اداری و آرامش خاطر مراجعان و حق و عدالت جای آن را بگیرد ."

در تلفن به خط ارتباطی روزنامه اطلاعات از تبریز، شهروندی به روش رسانه‌ای حکومت ایران در انعکاس مسائل اشاره کرده و آن را به موضوعات روز کشور کشانده : " در روزنامه اطلاعات نوشته شده بود که ایران از حقوق بومیان کانادا دفاع می‌کند . کسی هست که بگوید از حقوق بازنشستگان خودمان چه کسی دفاع

می‌کند؟ "
تلفنی دیگر به خط ارتباطی همین روزنامه، باز هم به همین مسئله پرداخته : " صدا و سیما اخبار اقتصادی همه جای دنیا را به طور کامل پخش می‌کند، ولی اخبار اقتصادی ایران را اعلام نمی‌کند . الآن من نرخ بیکاری در اسپانیا، ایتالیا و خیلی از کشورها را می‌دانم ولی از نرخ بیکاری کشور خودمان اطلاعی ندارم !"

زیر شکنجه گرانی

گرانی آنقدر بر مردم فشار می‌آورد که حجم زیادی از اعتراض‌های آنها مربوط به این موضوع است . به عنوان مثال، مخاطبی که خود را مصرف‌کننده لبنیات معرفی کرده می‌گوید : " پیشنهاد می‌کنم همان‌طور که جدول تغییرات روزانه سکه و ارز در جراید چاپ می‌شود، جدول قیمت لبنیات هم به چاپ برسد، به عنوان مثال معلوم شود قیمت کره 25 گرمی پاك 400 تومان شده است !"
فقط لبنیات نیست که گران شده؛ رب گوجه‌فرنگی هم گران‌تر از قبل است و صدای محمد عسگری از کرج را درآورده : " گویا فقط اسم دلار و سکه بد در رفته است ! قیمت رب گوجه‌فرنگی از هزار و 500 تومان به 3 هزار و 500 تومان رسیده است . مسئولان به فکر ارزاق اصلی مردم باشند ."

علی اکبر فرقانی از تهران برای روزنامه جمهوری اسلامی نامه نوشته : " مردم زیر بار گرانی درحال شکنجه شدن هستند . عدم رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم و ضعف‌های موجود، موجب شده قدرت خرید مردم کاهش یابد . برخی از مسئولان یا از حال و روز مردم عادی بی‌اطلاع هستند، یا اینکه خود را به بی‌خیالی زده‌اند . کمر حقوق بگیران و اقشار ضعیف و کم درآمد جامعه زیر چرخ گرانی خم می‌شود . دفاع از حقوق مردم وظیفه نمایندگان در خانه ملت است که امیدواریم به خوبی وظایف خود را در مقابل این گرانی‌ها و رسالتی که دارند به نحو شایسته‌ای انجام دهند . رفع گرانی و نگرانی از مردم وظیفه‌ای حساس و سنگین است ."

یك بازنشسته از قم هم به حقوق کم خودش اشاره کرده که در مقابل گرانی‌ها دیگر از پس هزینه‌های زندگی بر نمی‌آید : " با حقوق چهارصد هزار تومانی، شما بگویید با داشتن داماد و ... چطور امورات زندگی را بگذرانیم . ای کاش مسئولان نسبت به ترمیم حقوق ما بازنگری کنند ."

یك مادر دردمند از شهریار کرج اینها را به روزنامه اطلاعات گفته است :" با عده‌ای از خانم‌ها برای مراسم مولودی در منزلی جمع شده بودیم و بی‌اغراق تمامی آن‌ها از بی‌تفاوتی دولت محترم نسبت به افزایش قیمت‌ها و فشاری که به دلیل آن بر مردم وارد می‌آید گلایه داشتند و خواستار اقدامات قاطع دولت برای رفع مشکلات معیشتی مردم بودند . باور کنید به دلیل گرانی‌ها، مدتی است که صبحانه را از غذای روزانه فرزندان کوچکم در منزل قطع کرده‌ام و طوری آنان را از خواب بیدار می‌کنم که فقط وعده غذای ناهار را بخورند . مسئولان آنقدر نگویند در تحریم هستیم و مشکلات معیشتی مردم هم به همین دلیل است از این که می‌بینم برخی از افراد آنقدر بریز و بپاش می‌کنند و آن وقت بچه‌هایم سالی یك‌بار هم طعم میوه را نمی‌چشند، دلم برایشان به درد می‌آید و می‌سوزد ."

یک شهروند قمی هم با تلفن به خط ارتباطی اطلاعات از دلارهایی که صرف واردات کالاهای لوکس می‌شود انتقاد کرده و پرسیده است : " چرا مسئولان ذی‌ربط برای محدودساختن واردات، قوانین سفت و سخت تصویب و اجرا نمی‌کنند تا سیر و نخود و لوبیا هم وارد کشور نشود؟ دلارهایی که باید صرف تأمین دارو و نیازهای اولیه مردم شود، متأسفانه به مصرف واردات کالاهای لوکس می‌رسد که با آن‌ها می‌توان در شهرهای درجه 3 و 4 کشور کارخانه ساخت و اشتغال ایجاد کرد ."

اعلام اینکه ممکن است فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها فعلا اجرا نخواهد شد، واکنش‌هایی را در میان محاطبان روزنامه‌ها برانگیخته . نمونه‌اش یک نفر که با تلفن به خط ارتباطی اطلاعات، از اجرا نشدن فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها تشکر کرده : " از مسئولان بابت اجرا نشدن فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها تشکر می‌کنیم . گرانی طلا و ارز و کالاهای اساسی بهترین روش بالا بردن هزینه‌ها بود و بدون دادن هیچ یارانه اضافه‌ای، به این گرانی‌ها دامن زده شد، به‌طوری که طی دو سه ماه اخیر برابر با چند دوره ریاست‌جمهوری بر قیمت‌ها افزوده شد !"

یك شهروند رودباری هم ترویج کم‌فروشی را ارمغان اجرای نادرست قانون هدفمندی یارانه ها می‌داند و به روزنامه جمهوری اسلامی می‌گوید : " وقتی برای خرید اجناس مختلف وارد بازار می‌شوید، متوجه خواهید شد

که مقدار، حجم، وزن و یا کیفیت همه کالاهای مورد نیاز مردم کم شده و بر قیمت آن افزوده شده است و این از نتایج اجرای نادرست طرح هدفمندی یارانه‌ها می‌باشد . البته همه می‌دانند هنگامی که این طرح شروع شد، چند ماهی دولت به شرکت‌های تولیدی به صورت دستوری اجازه افزایش قیمت‌ها را نداد و شرکت‌های تولیدی به‌ناچار یا شاید با چراغ سبز دولت قیمت‌ها را ثابت نگه داشته و از مقدار، وزن، حجم و یا کیفیت کالاهای تولیدی خود کم کردند . چه کسی جوابگوی ترویج این عمل کم‌فروشی است؟ "

—

به آزارواذیت زنان اعتصاب کننده دراوین پایان دهید

2012-11-06 · Archive ID 1433
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1433

عرصه سوم - درشرایطی که هنوز تعدادی از فعالان مدنی زن درزندان اوین دراعتصاب غذا بسر می‌برند . تلاش کنشگران حقوق بشر برای دفاع از حقوق این زندانیان همچنان ادامه دارد . زنان زندانی در اعتراض به یورش گارد زندان به اتاق‌هایشان، تفتیش وسائل و هم توهین و آزار جسمی و روانی درهنگام بازرسی بدنی دست به اعتصاب غذا زده اند . هم چنین نسرین ستوده وکیل زندانی و مدافع حقوق بشر هم در اعتراض به ممانعت از ملاقات حضوری با فرزندان خردسالش بیش از دوهفته است که در اعتصاب غذا بسر می برد . تاکنون بسیاری از سازمان ها و نهاد های مدافع بشر از جمله عفو بین الملل و کمپین حقوق بشر درایران خواهان رسیدگی مسئولان به درخواست های این زنان زندانی و آزادی آنان شده اند .

از جمله سازمان عدالت برای ایران از تمام سازمان های معتبر بین‌المللی مدافع حقوق بشر خواسته است تا ضمن نظارت دقیق بر شرایط زنان زندانی سیاسی درایران برای پایان دادن به این وضعیت مقامات مسئول را وادار به پذیرش موازین بین‌المللی دراین مورد کنند .

سازمان عدالت برای ایران دربخشی از بیانیه خود می نویسد :

“نتایج تحقیقات عدالت برای ایران در پروژه «جنایت بی‌عقوبت» که با هدف مستند سازی موارد شکنجه و آزار جنسی زندانیان سیاسی زن انجام شده است، نشان می دهد بازرسی بدنی واژینال زندانیان سیاسی زن در برخی از بازداشتگاه‌ها، از جمله بند ۲۰۹ زندان اوین که تحت کنترل وزارت اطلاعات است، عمومیت دارد. نحوه بازرسی به اینگونه است که زندانی زن هر بار که می خواهد وارد بازداشتگاه یا زندان شود، باید سراپا و به طور کامل لخت شود و علاوه بر بازرسی عادی بدنی، داخل واژن وی نیز مورد بازرسی قرار می گیرد. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد برخی از زندانیان سیاسی زن، از بازرسی بدنی کامل خود به عنوان یک «آزار جنسی» یاد کرده‌اند.

این در حالی است که براساس قوانین ایران، بازرسی بدنی تنها در زمان ورود و خروج زندانی از زندان به منظور جلوگیری از ورود یا خروج اشیا ممنوعه مجاز است (مواد ۳۰ و ۳۱ و ۷۹ آیین نامه اجرايي سازان زندانها و اقدامات تاميني و تربيتي كشور). براساس همین قوانین، مسئولان زندان می توانند محل زندگی، لوازم و اشیا محکومان را بازرسی کنند اما این قوانین حق بازرسی بدنی زندانیان را جز در زمان ورود و خروج از زندان به آنها نداده است. (مواد ۸۱ و ۸۲ همان آیین نامه). بنابراین، بازرسی بدنی زندانیان سیاسی زن در بند قرنطینه زندان اوین در هفته گذشته، مصداق بارز تنبیه و اعمال خشونت علیه زندانیان بوده که نه فقط طبق موازین بین المللی حقوق بشر که طبق قوانین داخلی ایران نیز ممنوع است (ماده ۱۶۹ همان آیین نامه). این حملات تنبیهی و آزارهای جنسی در درون زندان و هم زمان، انتشار مطالب حاوی توهین های جنسی از سوی وب سایتهای دولتی درباره نسرین ستوده پس از دریافت جایزه معتبر ساخاروف نشان از تدارک برنامه ای وسیعتر برای سرکوب زندانیان سیاسی زن و تحریک افکار عمومی علیه آنان دارد.
عدالت برای ایران ضمن پشتیبانی از خواسته به حق زندانیان سیاسی زن در لزوم پاسخگویی مقامات مسئول، به خصوص علی اشرف رشیدی اقدم، رییس سازمان زندانهای استان تهران، درمورد آزار و اذیت و هتک حرمت آنان، تلاش خود را برای اطلاع رسانی پیرامون وضعیت زندانیان سیاسی زن در بند قرنطینه 209 اوین ادامه خواهد داد."

دراین میان جمعی از روشنفکران و فعالان مدنی در نامه‌ای از زنان اعتصاب کننده خواسته اند تا برای حفظ جان خود و ادامه مبارزه به اعتصاب غذای خود پایان دهند. دربخشی از این نامه می‌خوانیم که :

"نسرین خوب!
تو را برای خودت می‌خواهیم برای مهراوه و نیما، برای رضا خندان و خانواده مهربانت و البته برای همه بچه‌های ایران که تو، مدافع حقوقشان بوده‌ای و خواهی بود.
زنانی که در پشت دیوارهای اوین، با اعتصاب غذا، جانتان را سپر دفاع از حرمت و کرامت انسانی کرده‌اید! شما را برای آنچه که هستید و آنچه که بوده‌اید می‌خواهیم. زیرا که باور داریم، بودن شما، پشتیبان و سرمایه یک جنبش انسانی و حق محور در کشور ماست.
یاران و دوستان مقاوم ما، اگر دستگاه قضایی ایران، گوشی ناشنوا دارد، دنیا صدای حق خواهی تان را شنیده است.
نسرین عزیز، برای مقاومت در برابر این دستگاه عریض و طویل قضایی که شأنش تاحد درافتادن و تحت تعقیب قرار دادن دختر۱۲ ساله تو نزول کرده است، ماندگاری و زندگی ات را از خودت طلب می کنیم.

عزیزان ما، نسرین ستوده، بهاره هدایت، ژیلا بنی یعقوب، مهسا امرآبادی، ژیلا کرم زاده مکوندی، راحله ذکایی، حکیمه شکری، نازنین دیهیمی، نسیم سلطان بیگی و شیوا نظرآهاری! اجازه دهید، نان و نمک توان مقاومتتان را افزون کند. اجازه دهید، که خون شما در شریان زندگی ایران همچنان جاری بماند.
بمانید؛ سربلند و مثل همیشه مقاوم. به شما اطمینان می‌دهیم که ما پژواک صدای شما خواهیم بود و خواسته‌هایتان را به هر زبان ممکن طلب می‌کنیم."

بنیاد عرصه سوم با حمایت از تمام تلاش های انجام شده از تمام روهروان آزادی و مدافعان حقوق بشر می‌خواهد که برای حفظ جان این زنان و آزادی همه زندانیان سیاسی درایران بکوشند .

—

ستاربهشتی قربانی نقض حقوق بشردرزندان

2012-11-08 · Archive ID 1435
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1435

عرصه سوم - دستگیری، تهدید، شکنجه و مرگ درزندان، نقض حقوق انسانی زندانیان عقیدتی درایران هم چنان ادامه دارد . اعلام خبر درگذشت ناگهانی ستار بهشتی یک وبلاگ‌نویس جوان براثر شکنجه درزندان اوین بازتاب وسیعی در رسانه‌های اینترنتی داشت . او درروز هفتم آبان ماه جاری دستگیر شده بود . سایت کلمه در روز سه شنبه 16 آبان از مرگ ستار درزندان می نویسد. سایت کلمه هم چنین شکایت نامه‌ی ستار بهشتی را علیه بازجوی شکنجه گر، منتشر کرده است . مقامات قضایی تاکنون دراین باره اظهار نظری نکرده اند.

سایت کلمه در بخشی از گزارش خود می نویسد :

"روز سه شنبه برای اولین بار خانواده ی ستار بهشتی به کلمه خبر داد که پلیس امنیت به آن ها اعلام کرده که قبر بخرند و روز چهارشنبه برای تحویل جنازه ی ستار بهشتی مراجعه کنند . در خبر ابتدایی تاکید شده بود که با توجه به اینکه هنوز جنازه ای به این خانواده تحویل نشده، نمی توان درباره ابعاد دقیق این خبر به طور قطعی قضاوت کرد که آیا این یک سناریوی امنیتی برای آزار خانواده اوست یا فاجعه ای است که ماموران به دنبال سرپوش گذاشتن بر روی آن اند .

خواهر ستار بهشتی همچنین روز گذشته در گفت و گویی با خبرنگار کلمه از حضور شوهرش به همراه مدارک شناسایی ستار بهشتی و مادرش در سردخانه کهریزک خبر داده و گفته بود که ماموران تاکید داشته اند خانواده در زمان مراسم تغسیل ستار حضور نداشته باشند .

وی همچنین در گفت و گو با سایت های سحام نیوز ، ملی مذهبی ، روزآنلاین و ... ضمن اعلام همین خبر گفتند که مقام های امنیتی به آنها اعلام کرده تا برای تحویل جنازه مراجعه کنند .

از سوی دیگر سایت اصولگرای بازتاب نیز خبر قطعی از درگذشت بهشتی داده است .

در عین حال روز هم نوشته است : دستگاه قضایی سکوت اختیار کرده، پلیس فتا پاسخگو نیست، نماینده های مجلس به صورت رسمی حاضر به اعلام خبر نیستند؛ و تلفن های خانواده این جوان ۳۵ ساله را کسی جواب می دهد که خود را داماد خانواده معرفی می کند .

هر چند تلاش های خبرنگاران کلمه برای کسب خبر از این خانواده و سایر نهادهای ذی ربط از قبیل پلیس فتا تا این لحظه بی نتیجه مانده است، اما دستخط ستار بهشتی نشان از آن دارد که این وبلاگ نویس در طول دوره چند روزه بازداشت خود تحت شکنجه و آزار و اذیت بوده است .

به رغم ابهامات زیادی که به نظر می رسد از سوی نیروهای امنیتی القا می شود تا خبر و گزارشی در این خصوص منتشر نشود، اما برخی شواهد حاکی از بازی جدید نیروهای اطلاعاتی و امنیتی برای مخدوش کردن افکار عمومی و فرار از پاسخگویی شفاف و صادقانه است .

ستار بهشتی وبلاگ نویسی است که هفته گذشته با اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه های اجتماعی فیس بوک توسط پلیس فتا بازداشت شده است .

خبرهای رسیده و اظهارات زندانیان بند ۳۵۰ اوین، حاکی از شدت شکنجه و ضرب و شتم وی در حین بازجویی بوده است . به گفته شاهدان، آثار ضرب و شتم بر بدن و صورت این جوان کارگر دیده شده بود . ستار بهشتی از بازجویان خود به علت این رفتارهای غیرانسانی شکایت کرده و در سندی که در زیر می بینید، تصریح کرده است که هر اتفاقی برای او بیفتد، پلیس فتا مقصر است ."

در پایان این گزارش اصل شکایت نامه ستار بهشتی و نسخه تایپ شده آن به این مضمون چاپ شده است :

"موضوع درخواست : شکایت علیه بازجوی خود

به : آقای اعلائی مسئول اندرزگاه ۳۵۰

اینجانب ستار بهشتی درتاریخ ۹۱ / ۸ / ۹ از طرف پلیس فتا در منزل بدون حکم بازداشت شدم و اینجانب در مدت دو روز بازجویی مورد انواع تهدید و ضرب و شتم قرار گرفتم از فحش های ناموسی که به مادر بنده می گفتند و به خودم مانند [...] ، مادرت سالم نیست و بسیار توهینهای دیگر و انواع ضرب و شتم با مشت و لگد و بستن به میز و لگد زدن به سر بنده و اکنون در تاریخ ۹۱ / ۸ / ۱۱ بنده را پلیس فتا باز احضار کرده و با خود می برد و بنده عواقب هر اتفاقی که برایم پیش آید مقصر پلیس فتا می دانم و همینطور اگر اعترافی از بنده گرفته شود تحت شکنجه بوده در مدت ۱۲ ساعت ماندن در بند ۳۵۰ اتاق دو، اعضاء اتاق شاهد آثار ضرب و شتم روی بدن بنده بوده اند . و ۲ بار به پزشک مراجعه کردم در نهایت گزارش خود را تقدیم به شما می کنم و خواستار پیگیری این امر هستم .

با تشکر

ستار بهشتی"

دستگیری،شکنجه و مرگ ستار بهشتی درزندان بار دیگر نشانگر عدم پای بندی مقامات اسلامی به موازین انسانی و قانونی و نقض صریح قانون اساسی و هم موازین بین‌المللی است .

بنیاد عرصه سوم ضمن اعلام همدردی با خانواده ستار بهشتی خواهان رسیدگی فوری مقامات قوه قضاییه به این فاجعه، پایان دادن به سانسور دگراندیشان و آزادی همه زندانیان عقیدتی درایران است . و از تمام فعالان مدنی می‌خواهد که برای دفاع از قربانیان نقض حقوق بشر در ایران از پا ننشینند .

—

تعطیلی کانون وکلا ، تشدید سرکوب جامعه مدنی

2012-11-08 · Archive ID 1437
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1437

عرصه سوم- حکم تعطیلی اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری به دلیل فعالیت‌های غیرقانونی درشرایطی صورت می‌گیرد که موضوع استقلال حوزه عمل کانون های وکلا در دومین کنگره ملی وکلا در 27 مهرماه جاری مطرح بود و مورد بحث قرار گرفت. ممانعت از عدم فعالیت کانون وکلا که یکی از قدیمی ترین نهاد های مدنی درحوزه قضایی با سابقه کار 58 ساله است، باردیگر نشان از تشدید سیاست دولت در زمینه قلع و قمع کردن سازمان های مردم نهاد است. اتحادیه سراسر کانون های وکلا دارای 22 شعبه درایران است. این کانون در زمینه نظارت بر عملکرد وکلا و حمایت از آنان فعال بوده است.

در گزارش سایت فارسی عرصه سوم در مورد برگزاری دومین کنگره وکلا نوشتیم که :
" دومین کنگره ملی وکلا در ۲۷مهرماه جاری با هدف تبادل نظر و بررسی آخرین دستاوردها تحقیقی درحوزه قضا، اطلاع رسانی و آموزش هرچه بیشتر مردم در این زمینه در اصفهان برگزار شد. کنگره ملی وکلا نهادی مدنی و غیرحکومتی است و تا کنون به همت کانون وکلای اصفهان دو نشست عمومی برگزار کرده است. در کنگره مهرماه مشکلات وکالت و موضوع استقلال حوزه عمل وکیل و کانون های وکلا بررسی شد. از دلایل انتخاب این عنوان برای این کنگره اقدام قوق قضاییه در تدوین لایحه ای به نام لایحه جامع وکالت رسمی است. این لایحه برای بررسی به هیئت دولت و مجلس ارسال شده است. در تدوین این لایحه استقلال کانون وکلا و دیگر مراکز مستقل وکلا مورد سؤال قرار گرفته است. به این خاطر انتقادت وسیعی از جانب وکلا مطرح و منتشر شده اند. به همین خاطر این گنکره با هدف تشریح اهمیت استقلال کانون های وکلا برای مردم و بررسی همه جانبه موضوعات جنبی برگزار شده است. “

در گزارش رادیو زمانه اظهار نظر گودرز افتخار جهرمی رئیس کانون وکلا آمده است که :

«کانون وکلا استقلال می‌خواهد و قوه قضائیه نباید در کار کانون وکلای دادگستری دخالت کند."

او پیش از این نیز درمصاحبه ای درمهرماه گذشته درباره لایحه قانون وکالت درمصاحبه با ایسنا گفته بود:

"لایحه قانون وکالت رسمی در حال حاضر در کمیسیون فرعی لوایح دولت مطرح است، ولی متاسفانه تاکنون از نمایندگان کانون های وکلا برای شرکت در این جلسات دعوت نشده است و افرادی که به این لایحه رسیدگی می کنند همگی از دستگاه های دولتی هستند.
نمی خواهیم بگوییم ما در کنگره شرکت کردیم و دیگر مسوولیتی نداریم، هدف اصلی این است که تمام وکلا مطلع و متوجه خطرات شوند، وکلای دادگستری با نمایندگان منطقه خود در ارتباط هستند و می توانند خواسته وکلا را به اطلاع نمایدگان مجلس برسانند.وی افزود: لایحه قانون وکالت رسمی در حال حاضر در کمیسیون فرعی لوایح دولت مطرح است و ماده به ماده مورد رسیدگی قرار می گیرد و در مورد آنها اظهار نظر می شود، ولی متاسفانه تاکنون از نمایندگان کانون های وکلا برای شرکت در این جلسات دعوت نشده است.
افتخار جهرمی تصریح کرد: انسان باید همیشه امیدوار باشد وکلا نیز فعالیت می کنند و امیدوارندکه در کمیسیون لوایح و هیات دولت تغییرات اساسی در این لایحه ایجاد شود و در مجلس نیز نمایندگان توجه کنند و اگر قانونی تصویب کردند به نفع مملکت و قوه قضائیه باشد.
رییس کانون وکلای دادگستری مرکز بیان کرد: استقلال کانون وکلا به نفع مملکت و قوه قضاییه است. وکلا همیشه با نظارت قوه قضاییه حرفی نداشته‌اند و در حال حاضر نیز قوه قضاییه در کار کانون های وکلای دادگستری به روش های مختلف نظارت دارد، به عنوان نمونه تصمیمات هیات مدیره کانون و تصمیمات دادگاه های انتظامی وکلا قابل اعتراض در دادگاه عالی انتظامی قضات است، هم چنین تعداد کارآموزان وکالت هر سال در کمیسیونی که از رییس دادگستری استان، رییس دادگاه انقلاب و رییس کانون وکلای مشخص می شود که اکثریت با قوه قضاییه است."

—

مدافعان حقوق بشرازخانواده ستاربهشتی حمایت کنید

2012-11-13 · Archive ID 1445
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1445

عرصه سوم - « ما اگر بدانیم که از سوی نهادی حمایت می‌شویم و تامین جانی داریم و مثل ستار خانواده را نبرند و نزنند و اذیت آزار و شکنجه روحی وجسمی نکنند، در چنین شرایطی، از مسببین این واقعه شکایت می‌کنیم .»

افشاگری خانواده ستار بهشتی بلاگری که جانش را براثر شکنجه درزندان اوین از دست داد، و فعالیت پیگیر مدافعان حقوق بشر بالاخره مقامات قوه قضاییه را مجبور به شکستن سکوت و پاسخگویی کرده است . در پی اظهارات ضد ونقیض مسئولان سرانجام غلامحسین اژه ای دادستان کل کشور وجود آثار کبودی بر بدن ستار را تأیید کرد . هم چنین شبکه ایران وابسته به خبرگزاری جمهوری اسلامی دراین رابطه خبر از بازداشت سه بازجو در زندان اوین داده است . ستار بهشتی دردوران کوتاه مدت حبس اش در زندان با نوشتن نامه‌ای به شکنجه شدن اعتراض کرده بود . گروهی از زندانیان در بند 350 نیز اعلام کرده‌اند که آثار شکنجه بر بدن او دیده اند .

بر طبق آخرین خبر رادیو زمانه احمد رضا رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی کمیته ای را برای رسیدگی به این موضوع تشکیل داده است .

رادیو زمانه در گزارشش دراین باره می نویسد :

« ستار بهشتی پیش از این نیز در جریان رویدادهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران چندین بار از تظاهرات اعتراضی مردم و حضور مأموران فیلمبرداری کرده و آن را در اختیار رسانه‌ها قرار داده بود . وی همچنین در سال ۱۳۸۲ در ارتباط با اعتراضات دانشجویی دستگیر و مدتی را در بازداشت به‌سر برده بود . ستار بهشتی نخستین فردی نیست که در زندان‌های ایران جان خود را از دست می‌دهد . پیش از این نیز افرادی همچون هدی صابر، زهرا کاظمی ٬ زهرا بنی‌یعقوب ٬ اکبر محمدی ٬ امیر جوادی‌فر، محسن روح‌الامینی و محمد کامرانی در طی مدت بازداشت جان خود را از دست داده‌اند .

در روزهای گذشته سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر همچون عفو بین‌الملل، گزارشگران بدون مرز، دیده‌بان حقوق بشر و فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر طی بیانیه‌های جداگانه‌ای کشته شدن ستار بهشتی در اثر شکنجه را محکوم کرده‌اند .

آخرین خبرها حاکی است که خانواده ستار بهشتی که حتی اجازه کف ودفن جنازه فرزندانشان را هم نداشتند به کمپین بین‌المللی حقوق بشر اطلاع داده‌اند که :

« ما اگر بدانیم که از سوی نهادی حمایت می‌شویم و تامین جانی داریم و مثل ستار خانواده را نبرند و نزنند و اذیت آزار و شکنجه روحی وجسمی نکنند، در چنین شرایطی، از مسببین این واقعه شکایت می‌کنیم .»

بنا بر اطلاع سایت هرانا (گزارشگران حقوق بشر درایران) زندانیان سیاسی بند 350 در روز شنبه 20 آبان با برپایی مجلس ختم ستار دراین بند یاد این مدافع حقوق بشر و آزادی بیان را گرامی داشتند .

دراین گزارش آمده است که :

« ستار بهشتی درهنگام بازجویی‌ها توسط پلیس فتا بمدت یک روز با صورتی کبود وزخمی به بند ۳۵۰ منتقل می‌شود و زندانیانی که با او به حمام می‌روند آثار شکنجه را بر تمام بدن او مشاهده کردند و او دره‌مان روز درنامه‌ای به اعلایی (مسئول بند ۳۵۰) اعلام کرد که اورا بدون حکم، دستگیر کردند وشکنجه داده‌اند، به میز بسته‌اند و با آلات مختلف اورا ضرب و شتم کرده‌اند، مرتبا به ایشان و خانواده‌اش ناسزاهای رکیک گفته‌اند . وی همچنین به مسئول بند ۳۵۰ اعلام کرده بود این شکنجه‌ها ادامه دارد و بلایی دراین حین سر ایشان بیاید مقصر پلیس فتا خواهد بود . طبق گفته ستار بهشتی به سایر زندانیان بند ۳۵۰ فعالیتهای وی حقوق بشری بوده و متعلق به گروه خاصی نبوده است . یکی از زندانیان بند ۳۵۰ به گزارشگر هرانا گفت : ستار بهشتی دربند۳۵۰ دره‌مان روز دنبال غلامرضا خسروی می‌گردد و اورا پیدامی کند و می‌گوید برای انعکاس ظلمی که به غلام شده خیلی

تلاش کرده و آرزو داشته که غلامرضا را از نزدیک ببیند و دوست دارد که به زندان رجایی شهرهم رفته و زندانیان آنجا را هم از نزدیک ببیند .”

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-11-15 · Archive ID 1447
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1447

عرصه سوم - بخشی از آخرین اخبار هفته گذشته را درگزارش پیمان مجیدزاده می خوانید .

مرگ بر اثر شکنجه

اعلام خبر درگذشت ناگهانی ستار بهشتی یک وبلاگ‌نویس جوان براثر شکنجه درزندان اوین بازتاب وسیعی در رسانه‌های اینترنتی در هفته گذشته داشت . او درروز هفتم آبان ماه جاری دستگیر شده بود . سایت کلمه در روز سه شنبه۱۶ آبان از مرگ ستار درزندان گزارش داد . ستار بهشتی وبلاگ نویسی است که هفته گذشته با اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه های اجتماعی فیس بوک توسط پلیس فتا بازداشت شد .

خبرهای رسیده و اظهارات زندانیان بند ۳۵۰ اوین، حاکی از شدت شکنجه و ضرب و شتم وی در حین بازجویی بوده است . به گفته شاهدان، آثار ضرب و شتم بر بدن و صورت این جوان کارگر دیده شده بود . سازمان گزارشگران بدون مرز روز پنج شنبه، ۱۸ آبان ماه، با انتشار بیانیه‌ای خواهان روشن شدن و بررسی نحوه برخورد با ستار در زندان شد .

برخی از گزارش ها حاکی از کشته شدن وی در بازداشتگاه نیروی انتظامی است . افشاگری خانواده ستار بهشتی و فعالیت پیگیر مدافعان حقوق بشر بالاخره مقامات قوه قضاییه را مجبور به شکستن سکوت و پاسخگویی کرده است . در پی اظهارات ضد ونقیض مسئولان سرانجام غلامحسین اژه ای دادستان کل کشور وجود آثار کبودی بر بدن ستار را تأیید کرد . هم چنین شبکه ایران وابسته به خبرگزاری جمهوری اسلامی دراین رابطه خبر از بازداشت سه بازجو در زندان اوین داده است . جانشین فرمانده نیروی انتظامی ایران، احمد رضا رادان نیز خبر تشکیل تیمی جهت بررسی ابعاد مختلف درونی و بیرونی ماجرا داده و یادآور شده که نظرات پزشک قانونی و کارشناسان قطعاً اخذ خواهد شد . وی در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا ، با ابراز " تأسف " از مرگ ستار بهشتی گفت : " اگر قصوری صورت گرفته باشد با متخلفان برخورد قاطع خواهد شد ." عرصه سوم در گزارشی به توضیح مفصل تر این موضوع و واکنش نهادهای مختلف پرداخته است .

شادی های کوچک

در حالی که اعتصاب غذای نسرین ستوده، وکیل و فعال حقوق بشر کماکان ادامه دارد، وی پس از چهارماه بالاخره توانست دو فرزندش را در زندان ملاقات کند . به گزار ش رادیو زمانه این ملاقات روز دوشنبه ۲۲ آبان‌ماه و در حضور نیروهای امنیتی انجام شده است . مهراوه دختر نسرین ستوده درباره وضعیت مادرش گفت : " لاغر شده و گاهی وقت‌ها به بهداری می‌رود ." به گفته رضا خندان، همسر نسرین ستوده، اعتصاب غذای این فعال حقوق بشر همچنان ادامه دارد . وی گفته است : " امروز نیما از در زندان که بیرون آمد اول از همه بوس مامان‌اش را از لپ‌اش کند و چسباند به لپ من و گفت مامان گفتش که این بوس را نگه‌دار، رفتی بیرون بچسبان به لپ بابا ."

دو روز پیش نیز مأموران دادستانی به همسر ستوده اطلاع داده بودند که فرزندان این زندانی می‌توانند مادرشان را ملاقات کنند اما زمانی که برای دیدار وی مراجعه می‌کنند، اجازه ملاقات به آن‌ها داده نشد.

رویدادهای کارگری و اقتصادی هفته

در شرایطی که بانک مرکزی ایران، خبر از افزایش نرخ تورم ۲۵ درصد در مهرماه داده است، آمار ارائه شده از سوی صندوق بین‌المللی پول، واقعیتی دردناک تری از اقتصاد ایران را به تصویر می کشد . فریدون خاوند، کارشناس و استاد اقتصاد در گفتگویی با رادیوفردا خاطرنشان کرده که گزارش صندوق وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی را نشان می دهد . اما به عقیده وی وضعیت واقعی اقتصاد کشور از آن چه در گزارش صندوق دیده می‌شود، بسیار بدتر است .



وضعیت بازنشستگان که از نکات مورد توجه گزارش هفته پیش بود، کماکان نا مساعد است . به گزارش خبرگزاری فارس صبح روز سه شنبه ۲۳ آبان، تعدادی از بازنشستگان کشوری اعم از بازنشستگان آموزش و پرورش در مقابل در صندوق بازنشستگی کشوری تجمع کردند . بر این اساس بازنشستگان تجمع‌کننده خواستار دریافت مطالبات ۶ ماهه دوم ۸۶ و ۶ ماهه اول ۸۷ براساس لایحه خدمات مدیریت کشوری هستند .

به گزارش کلمه ، دبیر اجرایی خانه کارگر سمنان خبر از عدم دریافت حقوق ۴ ماهه کارگران کار خانه کاشی سمند سمنان داده است . حبیب الله محقق در این باره به ایلنا گفته : کارگران بخش‌های مختلف این کارخانه که در مجموع بیش از ۲۰۰ نفر هستند، از ۴ ماه گذشته تا امروز حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند . او با بیان اینکه هشت ماه از بیمه این کارگران هم پرداخت نشده، تصریح کرد :" نیمی از عیدی و پاداش سال ۹۰ این کارگران نیز پرداخت نشده است ."

مردمک نیز خبر از عدم پرداخت حقوق ۸۸ هزار کارگر صنعت فولاد ایران داده است . در این گزارش آمده که صنعت فولاد این کشور درنتیجه تحریم‌ها، نوسانات نرخ ارز و عدم حمایت دولت از این واحد تولیدی با مشکل پرداخت حقوق کارگران روبه‌رو شده و برخی از کارخانه‌های تولید فولاد ورشکسته شده یا در آستانه تعطیلی

قرار گرفته‌اند . این روند بر وضعیت شغلی کارگران کارخانه‌های صنایع فلزی ایران تأثیر گذاشته و در موارد زیادی به بیکاری، پرداخت نشدن حقوق و مطالبات و تجمعات اعتراضی آنها منجر شده است .

در هفته ای که گذشت جامعه کارگری شاهد برپایی مجلسی به نام خود با عنوان "مجلس کارگری" با حضور نمایندگان فراکسیون کارگری مجلس، دبیرهای اجرایی خانه کارگر، مهمانان خارجی و سایر فعالین صنفی و سیاسی در روز ۱۷ آبان ماه در ساختمان قدیمی مجلس بود . در روز ۱۸ آبان نیز کنفرانس بین المللی تحت عنوان "شیوه‌های تخاصمی امپریالیست‌ها در زمینه انرژی به زیان کارگران و مردم" در هتل اوین به میزبانی خانه کارگر برگزار شده بود .

به گزارش گروه کارگری کلمه ، مجلس کارگری در حالی برگزار شد که عده زیادی از فعالین کارگری و سندیکایی به علت پایداری شان در دفاع از حقوق کارگران هم اکنون در زندان به سر می برند و تشکل های کارگری مستقل سالهاست که توسط حاکمیت سرکوب می شوند . تنها تشکل های کارگری غیر مستقل دولتی در این عرصه آزادانه فعال هستند.

دبیر کل اتحادیه کارگران جهان در سخنانش در مجلس کارگری هیچ اشاره ای و یا اعتراضی به سرکوب تشکل های کارگری مستقل، همچون سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، و زندانی شدن ده ها فعال کارگری در ایران نکرد .

افزایش قیمت ها و ممنوعیت واردات

خبرهای به گوش رسیده از افزایش قیمت بلیت پروازهای داخلی طی هفته‌های اخیر بالاخره به واقعیت پیوست و عبدالرضا موسوی، رئیس انجمن شرکت‌های هواپیمایی ایران، روز سه‌شنبه ۱۶ آبان اعلام کرد که میانگین نرخ بلیت هواپیما در پروازهای داخلی از روز ۱۶ آبان ۶۵ درصد افزایش یافته است .

خبرگزاری ایسنا به نقل از رئیس اتحادیه لوازم خانگی گزارش داده که توقف ثبت سفارش، برای همه انواع لوازم خانگی است . رئیس اتحادیه لوازم خانگی از این تصمیم انتقاد کرده اما محمدرضا دیانی مدیر انجمن صنایع لوازم خانگی نسبت به این تصمیم دولت استقبال نشان داده و آنرا پیش‌زمینه ای برای تولید انبوه صنایع داخلی می داند .

باز هم ممانعت از برگزاری کنسرت

پس از لغو اکران هفته گذشته فیلم " قصه‌ها " ، آخرین ساخته رخشان بنی‌اعتماد، این بار نوبت به لغو دقیقه نودی اجرای کنسرت علیرضا قربانی رسید . ب ه گزارش خبرگزاری مهر ، کنسرت گروه آهنگ اشتیاق به سرپرستی علی قمصری که قرار بود، ۲۱ و۲۲ آبان به خوانندگی علیرضا قربانی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شود، ساعاتی قبل از اجرا لغو شد . قمصری در مصاحبه با خبرنگار مهر گفت : نیم ساعت قبل از پرواز خبری به ما رسید که طبق آن، با وجود طی شدن تمام مراحل قانونی و کسب مجوز گروه ما و دانشجویان به طور حضوری توسط افرادی تهدید و مسئولین دانشگاه از برگزاری این کنسرت منع شدند .

پیش شرط استخدام در دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش :

به گزارش ندای سبز آزادی ، روزنامه اعتماد از تعیین « تاهل » به عنوان پیش‌شرط عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها و استخدام در آموزش و پرورش خبر داده است . به گزارش این روزنامه، امیرحسین قاضی‌زاده عضو کارگروه تنظیم جمعیت و حمایت از خانواده مجلس درباره « تصویب تاهل به عنوان پیش‌شرط عضو شدن در هیئت علمی دانشگاه‌ها و استخدام معلمان » ، گفت :

« درکارگروه جمعیت و حمایت از خانواده چهار ماده به تصویب رسید که دررابطه با خدمات برای متأهلین بود و به موجب آن تاهل پیش‌شرط عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها و استخدام به عنوان معلم در آموزش و پرورش خواهد بود ».

—

آیا کسی پاسخ‌گوست؟

2012-11-15 · Archive ID 1454
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1454

نعیمه دوستدار

در ستون‌های ارتباط با خوانندگان روزنامه‌های ایران، می‌شود جلوه‌هایی از زندگی روزمره مردم را دید و از نگرانی‌ها، ترس‌ها و دغدغه‌هایشان خبردار شد؛ چیزی که در متن خبرها و گزارش‌ها جا می‌افتد و گاهی شاید اجازه انتشار ندارد . از گله و شکایت درباره دست‌انداز خیابان‌ها گرفته، تا بوی بد جوی نزدیک خانه و حتی پیشنهادهایی برای مسئولان به امید بهتر شدن روز و حال‌شان . مردم دنبال یک گوش شنوا می‌گردند و ته دل‌شان امید دارند کسی جواب سوال و دغدغه‌شان را بدهد . مهم‌ترین سوال‌شان هم شاید این است که :" چه کسی پاسخ‌گوست؟ " پرسشی که معمولا بی‌جواب می‌ماند .

بازنشستگی یا شروع مشکلات؟

بازنشسته‌ها، از قشرهایی هستند که به جای اینکه ایام فراغت را با آرامش بگذرانند، با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند و این مشکلات این روزها به دلیل شرایط کشور بیشتر هم شده است . خانم فرهنگی بازنشسته کشوری در تماس با خط ارتباطی روزنامه اطلاعات گفته که بازنشستگان اکنون به مطالبات‌شان نیاز دارند : " براساس قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال 86 ، هر یک از بازنشستگان حدود دو میلیون تومان از سازمان بازنشستگی طلبکار است که مبلغ ناچیزی از آن پرداخت شده و مابقی به دست فراموشی سپرده شده است، غافل از این‌که بازنشستگان اکنون به این پول احتیاج دارند ."

یک بازنشسته تحصیلکرده هم گفته است : " نه مطالبات را می‌پردازند و نه جریمه‌اش را ! دو میلیون تومان بابت پاداش پایان خدمت سال 86 از دولت طلبکارم که متأسفانه نه آن را می‌پردازند و نه حاضرند بابت دیرکرد در پرداخت این مطالبات، جریمه‌اش را بپردازند ."
از مشکلات دوران بازنشستگی یکی هم مسائل بیمه و سلامت است . محمد حمیدی در این باره گفته : " برای دریافت هزینه درمانم به شرکت بیمه مراجعه کردم که علی‌رغم برخورداری از بیمه تکمیلی، هزینه آن را به طور کامل نپرداختند و در پاسخ من گفتند ما فروشنده بیمه‌نامه هستیم و خریدار آن هم سازمان بازنشستگی کشوری است و از این رو هر چه بیشتر به ما پول بدهند، ما هم خدمات بیشتری به بیمه‌شدگان ارائه می‌دهیم . با این حساب پس از گذشت سال‌ها، مشکل بیمه‌شدگان کشوری کی حل خواهد شد و شرکت‌های بیمه چگونه پاسخگوی بیمه‌شدگان خواهند بود؟ "
یک فرهنگی بازنشسته ، درباره مشکل دیگری در زمینه بیمه بازنشستگان اظهار نظر کرده است : " بیمه ایران هزینه درمانم را نپرداخته است . بیمه طلایی فرهنگیان بازنشسته با فقط چهار ماه مهر به اصطلاح جوانمرگ شد ! در آن مدت هم صورت هزینه مداوایم را به نمایندگی بیمه ایران تحویل دادم، که قرار شد ظرف یک ماه آن را بپردازند . اما علی‌رغم گذشت چندین ماه هنوز از پرداخت آن به دلایل نامعلوم خودداری کرده‌اند ."
اصغری، بازنشسته صنعت فولاد به روزنامه اطلاعات گفته است : " از جمله حدود یکصد هزار نفر بازنشستگان صنعت فولاد کشور هستم که متأسفانه حقوق‌هایمان هر ماه با تأخیر پرداخت می‌شود . آیا دولت خدمتگزار ما را که عمری را در معادن و با شرایط بسیار سخت سپری کرده‌ایم، فراموش کرده است و چرا یکبار برای همیشه مشکل پرداخت حقوق‌هایمان را حل نمی‌کند؟ "
شهروندی در تماس با روزنامه اطلاعات درباره افزایش حق بیمه تکمیل درمان گفته است :" حق بیمه تکمیل درمان بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی را از اول آبان امسال از شش هزار و 700 تومان به 10 هزار و 450 تومان در ماه افزایش داده‌اند که حدود 56 درصد می‌شود، که باید پرسید آیا میزان افزایش حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی هم به همین اندازه بوده است؟ "

مشکلات مربوط به تحریم باعث شده که حتی واکسن نوزادان هم از اقلام ضروری دارویی است با کمبود مواجه شود . در این زمینه شهروندی در تماس با روزنامه جام جم گفته : " واکسن دوماهگی نوزادان در مرکز بهداشت شهر خرم‌آباد وجود ندارد، تکلیف نوزادان معصوم چیست؟ "



خانم شهروند ی هم درباره نظارت بر توزیع واکسن‌های آنفلوآنزا با روزنامه اطلاعات تماس گرفته است : " مصرف برخی از واکسن‌های آنفلوآنزا نه تنها شفادهنده نیست، بلکه عوارض جانبی خطرناک هم دارد و از اینرو مصرف این قبیل داروها در کشورهایی مانند آلمان و اتریش ممنوع اعلام شده است . از مسئولان وزارت بهداشت و درمان انتظار می‌رود بر واردات و توزیع واکسن‌های آنفلوآنزا نظارت دقیق داشته باشد تا صرفا واکسن‌های استاندارد و مورد تأیید، در اختیار متقاضیان قرار گیرد ."

تامین ارز مورد نیاز برای ترخیص داروها از گمرک مشکل دیگری است که این روزها بهداشت و درمان را در ایران با مشکل روبه‌رو کرده است . به همین دلیل، شهروندی در تلفن به خط ارتباطی اطلاعات درباره لزوم رفع محدودیت‌های ورود دارو صحبت کرده است : " مسئولان وزارت بهداشت و درمان اعلام کرده‌اند که از دو میلیارد دلار هزینه واردات داروهای موردنیاز بیماران، فقط 400 میلیون دلار تخصیص یافته است که موجب کمبود داروهای موردنیاز بیماران و به‌خصوص بیماران خاص می‌شود، حال آن‌که دارو از اقلامی است که تأمین ارز آن باید در اولویت قرار گیرد و محدودیتی در این مورد وجود نداشته باشد ."
حیدرخلیلی هم گفته است : " معاون غذا و داروی وزارت بهداشت و درمان در مصاحبه‌ای گفته است که درحال حاضر کمبود دارو در کشورمان وجود ندارد و منتظر تخصیص ارز هستیم تا داروهای وارداتی را از گمرک خارج و جان عده‌ای از بیماران را به خطر اندازد و به همین دلیل پرداخت ارز موردنیاز ترخیص داروها از گمرک، امری حیاتی است که باید در اولویت قرار گیرد ."

درکنار این مشکلات، گرانی هزینه‌های درمان هم به شکل‌های مختلف بر شهروندان فشار می‌آورد . نمونه‌اش در تماس شهروندی به نام جعفری منعکس شده که از اسلامشهر با روزنامه جام جم تماس گرفته و گفته :" هزینه بیمارستان‌های خصوصی بسیار بالاست، به‌طوری که برای هـــــمراه بیمار روزانه 60 هزار تومان دریافت می‌کنند . چرا؟ آیا نباید نظارتی بر این بیمارستان‌ها باشد؟ "

گرانی، داستان بی پایان

داستان گرانی تمامی ندارد وجزو نکات ثابت ستون‌های ارتباط با خوانندگان در روزنامه‌ها شده است . نمونه‌اش اینکه یک شهروند آملی گفته، دولت باید یارانه‌های نقدی را قطع و قیمت‌ها را تعدیل کند : " با توجه به این که بر اثر تورم و گرانی‌های افسارگسیخته یارانه‌های نقدی دولت عملا کاربرد سابق خودش را از دست داده است، جا دارد دولت دلسوز و خدمتگزار مستضعفان یارانه‌های نقدی را حذف کند و با تعدیل قیمت‌ها، اجازه دهد مردم زندگی عادی خود را داشته باشند ."
این روزها در ایران کالاها هر روز گران‌تر می‌شوند . شهروندی که خود را از مصرف‌کنندگان لبنیات معرفی کرده، درباره وضعیت گرانی لبنیات به روزنامه اطلاعات گفته است : " در رسانه‌های گروهی اعلام شده است

گران‌فروشان لبنیات جریمه خواهند شد، که جا دارد قیمت انواع لبنیات را بنویسند و در مغازه‌ها نصب کنند، تا مصرف‌کنندگان بدانند و لبنیات را گران نخرند ."

گرانی‌ها اما به همه کالاهای ضروری مردم رسیده است . شهروندی با نام هوشمند از تهران، در تماس با روزنامه جام جم گفته : " گرانی به تخم مرغ هم رسید و آن را به دانه‌ای 400 تومان رساند . آیا مسئولان در این زمینه نمی‌خواهند اقدامی انجام دهند؟ "

تلفن به خط ارتباطی اطلاعات این نکته را مطرح کرده است : " اخیرا بر اثر افزایش قیمت طلا اغلب کاسبکاران به دلخواه خودشان قیمت اجناس را بالا می‌برند و موجب هرج و مرج قیمت‌ها شده‌اند . خوب است به همان نسبتی که قیمت‌ها بالا می‌رود، حقوق کارمندان و کارگران هم افزایش یابد ."
اما بخوانید دردل یک شهروند را در روزنامه جمهوری اسلامی که درباره هزنیه پارکینگ‌ها چنین گفته :" اجاره پارکینگ‌ها هم گران شده است . خودروی ما دو شب در پارکینگ راهنمایی و رانندگی واقع در بزرگراه بابایی متوقف بوده است و برای ترخیص آن 20 هزار تومان گرفته‌اند . وقتی اعتراض می‌کنیم، می‌گویند همه چیز گران شده است ! آیا توقف خودرو در زمینی که پولی بابتِ آن پرداخت نشده و دورش حصار معمولی کشیده شده است، باید شبی ده هزار تومان هزینه داشته باشد؟ "

شهروندی با نام آگهی، ازتهران در تماس با جام جم گفته : " از مددجویان کمیته امداد هستیم . حال که مرحله دوم یارانه‌ها اجرا نمی‌شود، حداقل با تصویب مصوبه‌ای کاری کنند که این گرانی و تورم به ما فشار کمتری وارد کند ."

پیشنهاد و دردل

شهروندان علاوه بر گله و شکایت، گاهی پیشنهادهایی هم به مسئولان ارائه می‌کنند که البته امکان اجرایی شدن آنها نیاز به زیرساخت‌ها و امکانات فراوانی دارد . حسین رفیع‌زاده شهروندی است که راهکاری برای وضعیت اقتصادی پیشنهاد داده : " یک ایرانی آرزومند پیشرفت کشورم هستم و دلم می‌خواهد از تولیدات داخلی بخرم، ولی بسیاری از این تولیدات کیفیت خوبی ندارند و خریدن آنها فقط به انسان ضرر می‌زند . خوب است در کنار تبلیغ خرید کالاهای ایرانی، به تولیدکنندگان هم سفارش شود تا جنس‌های با کیفیت تولید کنند ."

با توجه به شرایط دشوار اقتصادی، زندگی بسیاری از مردم دچار بحران شده و عملا با درامد ناچیزشان امکان گذران ندارند . مثل شهروندی که درتماس با جام جم گفته : " ما از طرف بانک ملی در شرکت‌هایی که به علت بدهکاری در رهن بانک ملی هستند، نگهبان هستیم و حقوق ما 263 هزار تومان بدون بیمه و هیچ مزایای دیگر است . هر بار هم که اعتراض کردیم، گفتند باید از تهران دستور بدهند . لطفا پیگیری شود ."

حالا که ارزش پول ایران پایین آمده، خیلی از شهروندان متضرر شده‌اند . بندانی، از خوزستان درباره کاهش ارزش پول ملی مثالی از زندگی خود آورده است : " تیرماه حدود 10 میلیون تومان برای خرید یک دستگاه خودرو پول پرداخت کردیم . حال که از ارزش پول ما کاسته شده است، می‌خواهند به قیمت روز خودرو را تحویل دهند . آیا این کار آنها صحیح است؟ "

اما مشکلا ت افتصادی فقط به حوزه شخصی زندگی مردم ایران بر نمی‌گردد و در حوزه عمومی هم مشکلاتی وجود دارند . یکی از ساکنان نارمک درباره یکی از عوارض بحران‌های افتصادی و گسترش فقر به مورد تازه‌ای اشاره کرده و گفته :" هر روز در چهارراه، محل تلاقی خیابان‌های شهید آیت و تهران نو، افرادی ده ـ دوازده دختربچه فقیر و پابرهنه با لباس‌های مندرس را به گدایی از رانندگانی که پشت چراغ قرمز توقف کرده‌اند، وامی‌دارند و عجیب اینجاست که نه شهرداری و نه سازمان بهزیستی و نه نیروی انتظامی، اقدامی برای جمع‌آوری آنان و پایان دادن به این صحنه رقت‌انگیز انجام نمی‌دهند ."
عده‌ای از مردم هم معتقدند در شرایط اقتصادی امرو، باید حقوق‌شان افزایش پیدا کند تا از عهده زندگی بربیایند . مثل یک مستمری‌بگیر از دماوند که درباره وضعیت اقتصادی کارمندان نوشته : " افزایش حقوق‌ها به نظر من نباید تابع درصد ثابت و معینی باشد، بلکه به عنوان مثال، اگر حقوق‌های بالای یک میلیون تومان 10 درصد افزایش می‌یابد، این افزایش در مورد حقوق‌های 500 هزار تومانی باید 20 درصد باشد تا به استقرار عدالت اقتصادی کمک کند ."

مشکلات ریز و درشت دیگری هم هستند؛ مثلا تقلب و کم‌فروشی که به دو موردشان به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم . جمعی از شهروندان از اسلامشهر در تماس با جام جم گفته‌اند : " برای تحویل کتاب و نیز بیمه دانش‌آموزان پیش‌دبستانی سالور در اسلامشهر که دولتی نیز محسوب می‌شود، از هر دانش‌آموز 24 هزار تومان دریافت کرده‌اند که بعد از تحقیق در این زمینه از آموزش و پرورش منطقه معلوم شد، این مبلغ باید 12 هزار تومان می‌شد که قول رسیدگی نیز دادند، ولی این کار هنوز صورت نگرفته است . علت چیست؟ "

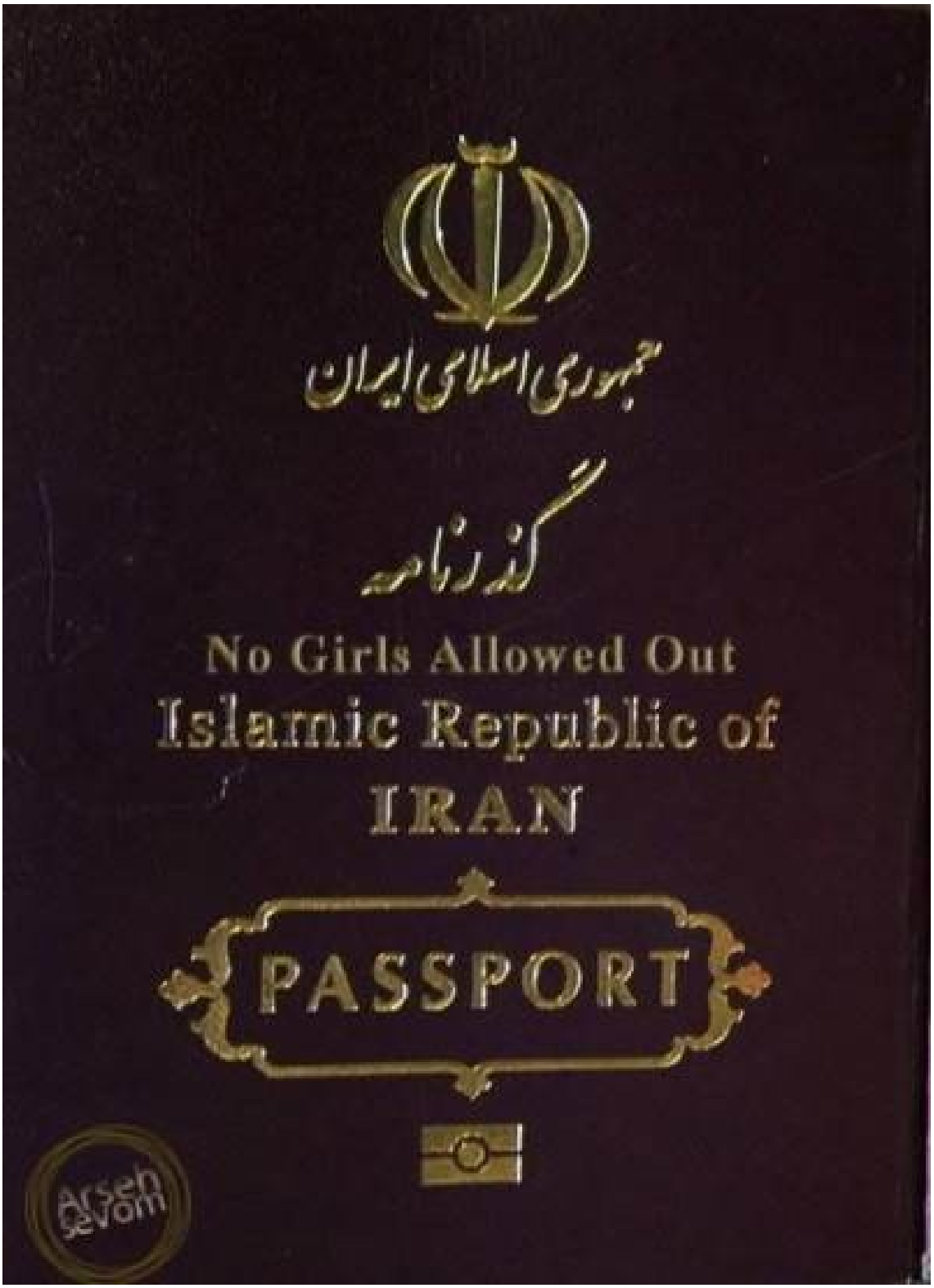
غیاثی از تهران هم در تماس با جام جم گفته : " خودرویی محصول کشورمان را شش ماه پیش خریداری کرده و تقریبا به همان اندازه مبلغ خودرو برای تعمیر ماشین خرج کرده‌ایم . آیا کسی در این زمینه جوابگوست؟ "

—

جامعه مدنی در آینه اخبار

2012-11-19 · Archive ID 1460
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1460

«وبسایت‌های وابسته به دولت گفته‌اند حالا معلوم می‌شود دلیل رییس جمهوری برای بازدید از زندان اوین چه بوده. باید بگویم این تلاش‌ها وقیحانه است.»



«در سیستم حقوقی ایران مسئولیت کیفری دختر از ۹ سالگی شروع می‌شود، یعنی اگر یک دختر ۹ ساله مرتکب جرمی شود، با او به همان شدتی رفتار می‌کنند که با یک فرد ۴۰ ساله. حالا آمده‌اند و می‌گویند همین دختر وقتی که می‌خواهد از ایران خارج شود، حتی در ۴۰ سالگی هم احتیاج به قیم دارد.»

« آقای دادستان مختار هستند هر چه مایلند، بگویند. اما واقعیت این است که ۸،۹ نفر از خانم های بند سیاسی زنان اوین به دلیل بی حرمتی در زمان بازرسی بدنی نزدیک به یک هفته در اعتصاب غذا بودند و همسر من هم

نزدیک یکماه است که در اعتصاب غذا به سر می برد. آقای دادستان می توانند از رییس مجمع تشخیص مصلحت، آقای هاشمی رفسنجانی که دخترش در همان زندان اوین است، بپرسند. ایشان حتما وجود اعتصاب غذا را تایید می کنند و فکر نمی کنم دیگر نظر رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام کم اهمیت باشد.»

—

«تحریم‌ها بهانه است»

2012-11-21 · Archive ID 1466
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1466

"در اخبار تلویزیون در مصاحبه‌ای با یک آهن‌فروش گفته شد آهن کیلویی 35 تومان ارزان شده است، خوب است این را هم بگویند که قبلا کیلویی هزار تومان افزایش قیمت داشته است. هدف از تهیه این قبیل گزارش‌ها چیست؟ مردم خودشان قیمت‌ها را دقیق و کامل می‌دانند!"

"تحریم‌ها فقط بهانه است. سال‌ها است که می‌شنویم کشورمان در ساخت خودرو و دارو و روغن‌نباتی و سایر مایحتاج مردم خودکفا شده است، اما این روزها به هر تولیدکننده و یا فروشنده‌ای که مراجعه می‌کنیم، دلیل کمبود و یا نایاب بودن آن‌ها را تحریم‌های اقتصادی می‌داند، که با این حساب چگونه می‌توان گفت که در تولید این محصولات خودکفا شده‌ایم؟ به عنوان مثال برای خرید یک نوع صابون که از 40 سال قبل در ایران تولید می‌شود، به مغازه‌داری مراجعه کردم که گفت چون مواد اولیه آن وارداتی است و مشمول تحریم‌ها قرار گرفته است، فعلاً تولید و به بازار عرضه نمی‌شود! حال آن که اغلب چنین ادعاهایی نادرست است و به تحریم‌ها ربطی ندارد، بلکه غرض افزایش قیمت آن‌ها به بهانه تحریم‌های اقتصادی است!"

"در کشور بزرگی مثل ایران با این منابع عظیم مالی و طبیعی نباید تحریم‌های خارجی به چنین نتایجی بینجامد. به نظر من ریشه مشکلات اقتصادی فعلی جامعه در مدیریت و اجرای نادرست هدفمندی یارانه‌ها است که ابتدا موجب افزایش نرخ حامل‌های انرژی شد و بعد به آشفتگی و هرج و مرج اقتصادی انجامید. بهتر است مسئولان طرح جامع، منطقی و کارشناسی شده برای حل مشکلات اقتصادی کشور بیندیشند."

"برخی مسئولان کشور تقصیر مشکلات اقتصادی را به گردن یکدیگر می‌اندازند و ما همین طور سردرگم مانده‌ایم که چه کنیم؟ اگر مشکلات مردم همین‌طور به حال خود بماند، افراد به سمت بی‌تفاوتی خواهند رفت که مشکلاتی به همراه خواهد داشت."

"از مسئولان ذی‌ربط می‌خواهیم فکری برای ترمیم حقوق بازنشستگان کشوری کنند."

"خوب است مسئولان از ورود خودروهای لوکس خارجی جلوگیری کنند."



"مبتلا به بیماری ام.اس هستم و هفته‌ای یک بار باید داروی «آوانکس» را تزریق کنم. قیمت این دارو که فقط در سه داروخانه دولتی سیزدهم آبان، 29 فروردین و شهید کاظمی عرضه می‌شود تا چند روز پیش 290 هزار تومان بود، که یک‌باره به 985 هزار تومان افزایش یافته است. مسئولان محترم دولت و وزارت بهداشت و درمان لطفا پاسخ دهند با حقوق بازنشستگی چگونه می‌توانم فقط برای یک قلم دارو حدود یک میلیون تومان در ماه بپردازم؟"

"66ساله هستم و بیماری قلبی دارم. مدت یک ماه است که به دنبال واکسن آنفلوآنزا می‌گردم و پیدا نمی‌کنم. متأسفانه مرکز ارتباط دارویی 1490 هم پاسخگو نیست و می‌گویند نمی‌دانیم کدام داروخانه این واکسن را دارد."

"حق ویزیت پزشکان متخصص از 15 به 20 هزار تومان افزایش یافته است، که باید پرسید آیا خدمات پزشکی هم وارداتی و تابع نوسان‌های نرخ ارز است که 25 درصد گران شود؟"

"صبح یک روز تعطیل تصمیم گرفتیم به همراه خانواده برای تفریح به دارآباد برویم. پس از یک ساعت انتظار در یک ایستگاه سوار اتوبوس شدیم و به میدان قدس رسیدیم. پس از آن حدود نیم ساعت دیگر منتظر اتوبوس دارآباد ماندیم که بالأخره اتوبوسی از راه رسید و راننده‌اش گفت تا خیابان نیاوران بیشتر نمی‌رود. پس از 45 دقیقه دیگر انتظار و نیامدن اتوبوس، از خیر تفریح در روز تعطیل گذشتیم و به خانه برگشتیم. چطور است که شهروندان به استفاده از وسایل نقلیه عمومی دعوت می‌شوند، ولی تلاشی برای رفاه حال آنان صورت نمی‌گیرد؟"

"می‌گویند بعضی از شرکت‌های تعاونی مسافربری برون شهری، با توجه به گران بودن لاستیک، در فصل سرما و یخبندان به صاحبان اتوبوس‌ها یک جفت لاستیک به نرخ دولتی و ارزان می‌دهند تا این رانندگان با لاستیک‌های

صاف و فرسوده به مسافرت نروند و خدای ناکرده تصادف رخ ندهد. حال چرا شرکت واحد اتوبوسرانی تهران مانند این شرکت‌های تعاونی مسافربری، حداقل یک جفت لاستیک ارزان قیمت قسطی در اختیار رانندگان اتوبوس‌های بخش خصوصی قرار نمی‌دهد تا در این فصل در خیابان‌های شلوغ و لغزنده تهران سُرنخورند و بتوانند با آسودگی خاطر مسافران را جابجا کنند؟"

"اشتباه در مورد دریای خزر تکرار نشود. انگار تجربه تلخ دریاچه ارومیه کافی نبوده است که حالا برخی از مسئولان به فکر انتقال آب دریای خزر به مناطق مرکزی ایران افتاده‌اند. دیروز احداث سدهای متعدد بر روی رودخانه‌های منتهی به دریاچه ارومیه موجب خشک شدن این دریاچه شد و امروز برگرداندن رودخانه‌های منتهی به دریای خزر به سمت فلات مرکزی کشور، به این دریا لطمات جبران‌ناپذیری خواهد زد که آثار آن تا سالیان متمادی باقی خواهد ماند."

"تا به حال درخواست، انتقاد، پیشنهاد و مشکلات بسیاری توسط مردم در مطبوعات به چاپ رسیده که مخاطب آنها نهاد ریاست جمهوری و شهرداری تهران بوده، اما متأسفانه کمتر جوابیه‌ای از این دو نهاد به مطبوعات می‌رسد. ما منکر تلاش‌ها و فعالیت‌های آنان نیستیم و این را نیز می‌دانیم که فرصت مطالعه تمامی روزنامه‌ها را ندارند، اما آیا روابط عمومی‌های آن نهادها که پل ارتباطی مردم و مسئولان هستند، نباید پاسخگوی مردم در مطبوعات باشند؟! امیدواریم این تقاضا را با سعه صدر پیگیری کنند."

"متأسفانه همشهریان در ایام سوگواری در محل‌های توزیع نذری اصلاًنظافت خیابان و کوچه را رعایت نمی‌کنند و این امر مشکلات اجتماعی زیادی برای همشهریان و مأموران زحمتکش شهرداری ایجاد می‌کند. با کمی دقت و توجه، تمیزی را به شهرمان برگردانیم."

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-11-26 · Archive ID 1470
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1470

عرصه سوم: بخشی از مهمترین اخبار هفته گذشته را درگزارش پیمان مجیدزاده می خوانید.

بس است نسرین تمامش کن تا تمام نشده ای !

این درخواست خانواده زندانیان سیاسی از نسرین ستوده فعال زنان و مدافع حقوق بشر، برای شکستن اعتصاب غذایش در چهلمین روز است .

خانواده زندانیان سیاسی در این نامه که شنبه، چهارم آذر در وب سایت نوروز، پایگاه جبهه مشارکت منتشر شده خطاب به خانم ستوده نوشتند « همه می‌دانند و دنیا هم می‌داند که تو و خانواده‌ات را از حقوق اولیه‌تان محروم کرده‌اند و تو توانت را برای تنبیه این نظام حقوقی نادرست به کار گرفته‌ای .» به گزارش مردمک، خانواده زندانیان سیاسی با اشاره به نگرانی‌های شدید اطرافیان خانم ستوده به‌ویژه فرزندان و مادرش از او خواستند به اعتصاب غذای خود پایان دهد

« به زعم امضا کنندگان این نامه، قرار نیست خانم ستوده به عنوان یک وکیل مدافع به تنهایی جور تمام بی‌عملی‌ها و بی‌ارادگی‌ها و انفعال » عرصه‌های حقوقی را بر دوش بکشد .

خانواده زندانیان سیاسی تاکید کردند که خانم ستوده به عنوان یک وکیل نقش خود را پیش از این و در حال حاضر به خوبی ایفا کرده و مابقی کارها را باید « به عهده خاموشان نظاره‌گر » بسپارد که به زعم آن‌ها « تن فربه‌تری دارند .»

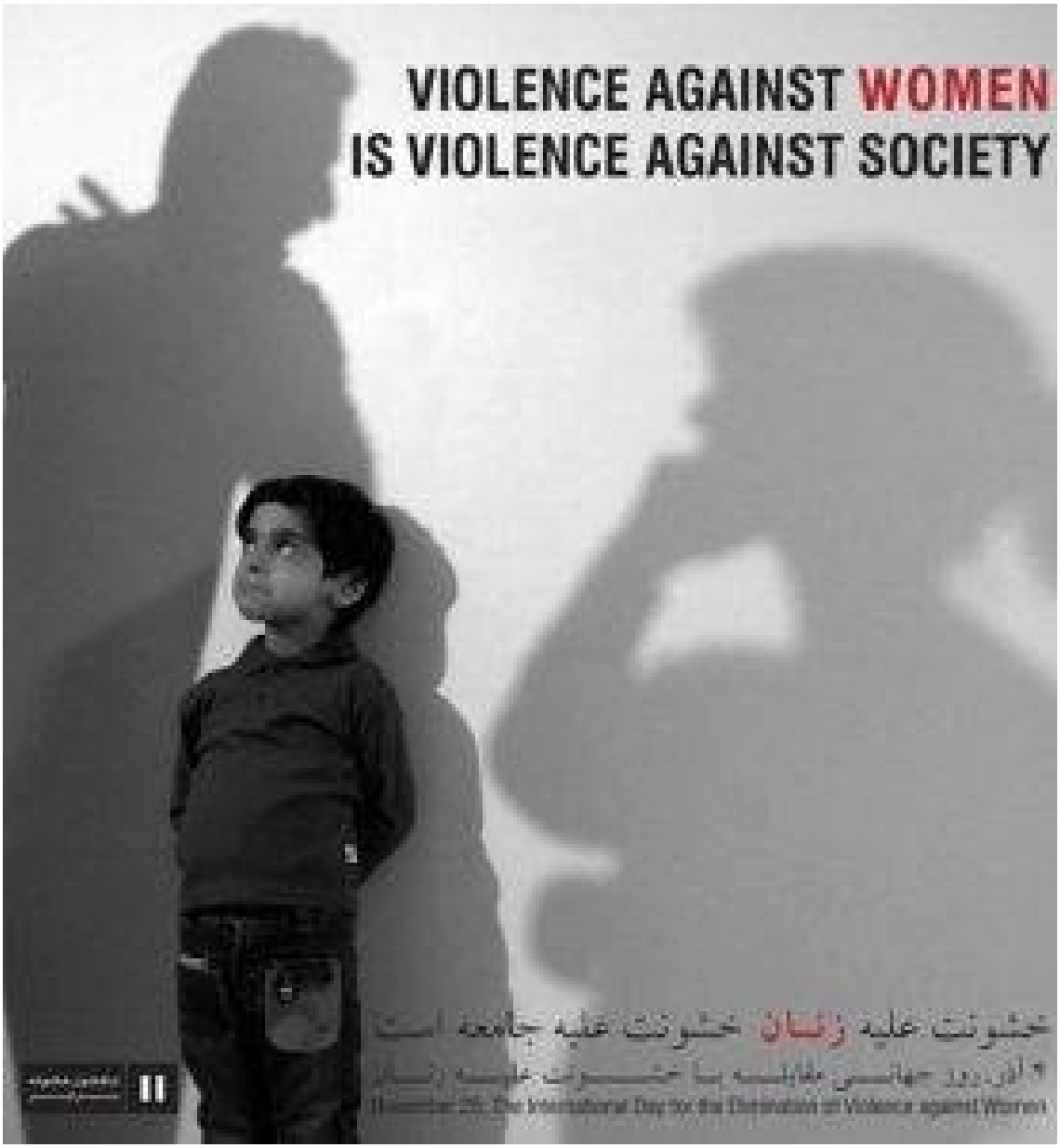
متن کامل این نامه را می توانید در اینجا مشاهده نمایید .

رضا خندان، همسر نسرین ستوده بالاخره پس از مدتها ممنوعیت ملاقات، هفته گذشته توانست با نسرین ملاقات کابینی داشته باشد . وی در مورد این ملاقات درصفحه فیسبوک خود چنین نوشت : « ۲۴ ساعت پس از اینکه از انفرادي ۲۰۹ به بند عمومي منتقل شده بود . حسابي لاغر شده و وزن‌اش به ۴۳ كيلو رسيده است . پيغام دوستان و بزرگواران را تا آنجا كه مي‌شد به او رساندیم . فكر مي‌كردم بشود با اين چيزها او را براي شكستن اعتصاب غذا متقاعد كرد . او گفت اگر من اعتصاب غذا نمي‌كردم اينها براي خانواده‌ي من نقشه‌ها داشتند . پرونده‌سازي براي يك بچه‌ي ۱۲ ساله آن هم به خاطر مادرش را هيچ جور نمي‌تواند هضم كند . او كه يك عمر براي حقوق كودكان تلاش كرده است ميگويد : " من نمي‌توانم اينجا بنشينم و دست رو دست بگذارم تا اينها هركاري دلشان مي‌خواهد با بچه‌ي من و خانواده‌ام بكنند ." خلاصه بابت اين پرونده‌ها حسابي شاكي است . پرسيدم تا كي اعتصاب‌ات را ادامه خواهي داد؟ گفت كه : " اعتصابم نامحدوده ... ميدوني نامحدود يعني چي؟ " گفتم : " نه ... نميدونم ."

فراخوان ۴۲ تشکل ایرانی برای اقدام مشترک درباره خشونت علیه زنان

۴۲ تشکل ایرانی خارج از کشور در آستانه ۲۵ نوامبر ٰ روز جهانی رفع خشونت علیه زنان طی یک بیانیه مشترک ، از همه انجمن‌های برابری‌طلب، سازمان‌ها، نهادها و کنشگران حقوق بشری و مدنی و همه کسانی که خواهان رهایی زنان از خشونت هستند، خواسته‌اند که با برگزاری مراسم مختلف، توجه ایرانیان و جهانیان را به فعالیت در این زمینه جلب کنند .

رادیو زمانه ، امضاکنندگان این بیانه می‌گویند با وجود اینکه ایران از جمله کشورهایی است که اعلامیه جهانی رفع تبعیض و خشونت علیه زنان را امضا کرده و نسبت به رعایت آن تعهد سپرده است، اما از آنجا که " کارکرد این نظام بر اساس قوانین مذهبی و ارزش‌های سنتی است، نه تنها خشونت مردان علیه زنان چه در خانه و چه در اجتماع پیگیری نمی‌شود، که موجه نیز جلوه می‌کند ". در بخش دیگری از این بیانیه آمده است : " در جوامعی نظیر ایران، که حکومت فردی و مطلقه، در سایه ارزش‌های فرهنگ سنتی و ضد زن، به ترویج و تقویت مقررات و قوانین مذهبی، عمل می‌کند، انواع برشمرده خشونت علیه زنان، نه تنها جرم شناخته نمی‌شود بلکه فرد خاطی در محافظت قانون، نه تنها از مجازات، مبرا است که عمل خشونت‌آمیز او، پنهان در پشت ایدئولوژی مذهبی، به عنوان حفظ و حراست ناموس خانواده تلقی شده، مورد تشویق و تحبیب جامعه سنتی نیز واقع می‌شود ."



نعیمه دوستدار در مقاله خود با نام " زن و خشونت در ایران " به نقل چهار روایت ملموس در این زمینه پرداخته است .

کوتاهی دولت و تهدید سلامت شهروندان

رئیس انجمن بیهوشی ایران در گفتگو با خبرگزاری فارس گفت : داروهای بیهوشی کمیاب شده‌اند و مجبوریم از داروهایی که سابقاً مصرف می شد، استفاده کنیم . و نگران سلامت بیماران نیازمند عمل جراحی هستیم . اما متأسفانه مسئولان در این زمینه پاسخگو نیستند. وی ازعنوان کردن نام داروهای از رده خارج شده امتناع کرد و گفت . : این مجموعه داروها می‌توانند عوارض کبدی، تاخیر در شل شدن عضلات را در پی داشته باشند . بنابراین احساس خطر جدی می‌کنیم .

بی‌اعتنایی مسئولان محدود به داروها نیست . گرانی ها باعث شده سبد خانوارهای ایرانی روز به روز خالی تر شده، سلامت عمومی آن‌ها با تهدید مواجه شود . به گزارش کلمه ، این روزها بیش از همه نرخ لبنیات و به خصوص شیر بر سر زبان هاست که فقر آن در سبد خانوارها نگرانی های زیادی را ایجاد کرده است . طبق

اعلام وزیر بهداشت مصرف شیر و لبنیات ۳۵ درصد پایین‌تر از استاندارد مطلوب است . این در حالی است که به گفته او، ۷۰ درصد افراد سالمند و سالخورده از بیماری پوکی استخوان رنج می‌برند .

ترک تحصیل دانش آموزان گیلانی

رادیو زمانه نیز در گزارش خود از ترک تحصیل دانش آموزان گیلانی بدلیل مشکلات اقتصادی آورده : در پی مشکلات اقتصادی خانواده‌ها و نبود مواد غذایی در مدارس شبانه‌روزی استان گیلان، دانش‌آموزان این مدارس مجبور به ترک تحصیل شده‌اند . سال گذشته مرکز آمار ایران اعلام کرد که بیش از هفت میلیون و ۱۳۵ هزار نفر از دانش‌آموزان ایران به دلایل مختلف قادر به ادامه تحصیل نیستند و ترک تحصیل کرده‌اند .

در دنیای سینما

سینمای ایران در هفته‌ای که گذشت، آبستن چند خبر مهم بود . در جنجالی ترین خبر، فرج الله سلحشور، کارگردان تلویزیون و بازیگر سابق که با فحاشی های سال های اخیر خود نسبت به برخی اهالی هنر ایران نامی برای خود دست و پا کرده، درباره فیلم یک" خانواده محترم" درگفتگو با افکار نیوز گفته است:

"در شرع و قانون داریم هر فردی که در جهت خیانت به نظام اسلامی حرکت کند و قدم بردارد محارب است و حکمش اعدام . حالا این‌ها که آبروی نظام، شهدا و امام را به بازی گرفته‌اند محارب نظام نیستند؟ وی در ادامه گفته :" اگر ۴ نفر از این خائنان اعدام شوند و برخوردهای شدیدی با آنان شود دیگر حساب کار دستشان می‌آید ."

در خبری دیگر به گزارش رادیوفردا ، بهمن قبادی، کارگردان، از بازداشت برادرش در ایران خبر داد . این فیلمساز ایرانی با انتشار بیانیه ای در واکنش به بازداشت برادرش، بهروز، که دو هفته پیش توسط ماموران امنیتی جمهوری اسلامی صورت گرفته ضمن ابراز نگرانی درباره سلامتی بهروز قبادی، خواستار آزادی فوری او شده است .

باران کوثری، بازیگر سینما و تئاتر تائید کرده که دیگر حق کار کردن ندارد . اما هنوز نمی‌داند چه مرجعی چنین دستوری را صادر کرده است . به گزارش مردمک ، خانم کوثری در مصاحبه‌ای که پنج‌شنبه دوم آذر در روزنامه مغرب منتشر شد، شایعات درباره ممنوعیت فعالیت وی در سینما و تئاتر را تائید کرد، اما گفت از اصل ماجرا خبر ندارد .

درحوزه کار گران

پیگیری مرگ فعال کارگری، ستار بهشتی

سه تشکل کارگری در ایران در بیانیه‌ای خواستار پیگیری و برخورد با آمران و عاملان مرگ ستار بهشتی، کارگر وبلاگ‌نویس شده‌اند . این سه تشکل گفته‌اند که نباید اتفاق‌هایی مشابه مرگ او در ایران رخ دهد . به نقل از مردمک ، سندیکای رانندگان شرکت واحد تهران و حومه، اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای و کانون مدافعان حقوق کارگر روز یکشنبه پنجم آذر این بیانیه مشترک را منتشر کرده‌اند . در این بیانیه آمده است که « او جرمی جز اعتراض به بی‌عدالتی‌ها و محرومیت‌های حاکم بر کارگران و زحمتکشان نداشت و به گفته خودش به علت کارگر بودن و نداشتن تمکن مالی و سهمیه‌های غیرعادلانه در دانشگاه، نتوانست به تحصیلاتش ادامه دهد .» در بیانیه سه تشکل کارگری با اشاره « مرگ زهرا کاظمی، قربانی‌های کهریزک و قتل‌های زنجیره‌ای مخالفان » آمده که رفتارهای غیرانسانی در بازداشتگاه‌ها، سال‌ها است توسط منابع مختلف تایید شده اما تشکیل پرونده درباره آن‌ها به جایی نرسیده است .

تجمع اعتراضی در ترمینال جنوب تهران

بخش هایی از جامعه کارگری ایران به مناسبت سالروز تصویب قانون کار در روز دوشنبه ۲۹ آبان از ساعت ۹ تا ۱۱ در ورزشگاه شهید معتمدی، واقع در ضلع شمالی ترمینال جنوب تهران تجمع کردند . به گزارش سایت کلمه این مراسم به همت خانه کارگر برگزار شد و سخنرانان نیز از همین طیف بودند.

در همین حال، به نقل از رادیو زمانه ، .مناقشه پیرامون اصلاح قانون تامین اجتماعی کماکان ادامه دارد. هفته گذشته نیز فعالان کارگری به این تغییر اعتراض کردند و وعده دادند جامعه کارگری در برابر این تغییرات سکوت نخواهد کرد . این موارد عبارتند از : « افزایش سهم بیمه کارگران، محدود شدن ارائه خدمات رایگان به بیمه‌شدگان، محول شدن وظایف دولت در حوزه بهداشت عمومی به تامین اجتماعی، سخت‌تر شدن شرایط بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور، افزایش سن بازنشستگی، توافق قانون الزام با خصوصی‌سازی تامین اجتماعی، اختیار دولت برای کاهش سهم سه درصدی‌اش در بیمه کارگران، کاهش خدمات رایگان و افزایش فروش خدمات به بیمه‌شدگان، حذف امکان بازنشستگی در ازای پرداخت ده سال حق بیمه .”

تعدیل نیرو و تعطیلی واحدهای تولیدی

خبرگزاری کار ایران، ایلنا ، خبر از اخراج ۳۴ نفر از نیروهای شرکتی جهاد کشاورزی گیلان به دلیل کاهش اعتبارات جاری داده است . این خبرگزاری همچنین از تعدیل ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه فومن شیمی بدلیل چند برابر شدن نرخ مواد اولیه به دلیل نوسانات قیمت ارز خبر داد.

از سوی دیگر، نایب رئیس سندیکای کارخانجات چای شمال کشور از تعطیلی بیش از ۶۵ واحد تولید چای در کشور به سبب سیاست گذاری‌های غیر کارشناسانه دولت در خرید برگ سبز از چای کاران خبر داد . با تعطیلی هر یک از این کارخانه ها حدود ۵۰ کارگر بیکار شدند .

. به گزارش ایلنا این ماجرا علیرغم تضمین مسئولان کماکان ادامه دارد و زندگی 30 هزار خانواده را فلج کرده است.

—

احمد شهید ازتشدید نقض حقوق بشردرایران می گوید

2012-11-26 · Archive ID 1478
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1478

عرصه سوم- تلاش های صلح آمیز فعالان اجتماعی برای جلوگیری از نقض حقوق بشردرتمام ابعاد آن مبارزه ای بی وقفه و دائمی است. هفته ای نیست که شاهد انتشار گزارش، بیانیه ، نامه ای جدید و یا اخبار نگران کننده دراین مورد نباشیم. درشرایطی که اعتصاب غذای نسرین ستوده همچنان ادامه دارد و جان او درخطر است، ماجرای مرگ ستار بهشتی درزندان اوین و ده ها مورد دیگر از نقض حقوق زندانیان سیاسی همچنان بدون پاسخگویی مسئولان باقی مانده است.
اما نقض حقوق بشر در موارد دیگر نیز رو به افزایش است. با مروری براخبار هفتگی رسانه های داخلی و خارجی به موارد متعدد پایمال شدن حقوق شهروندان ایرانی برمی خوریم. گزارش های ماهانه سازمان ها حقوق بشری به طور مدام آمار دقیقی را از تمام موارد ثبت شده با تفکیک موضوعی اعلام می کنند. تنها با نگاهی سریع به این گزارشها می بینیم که ابعاد نقض حقوق بشر درایران بسیارگسترده وتنها شامل حقوق زندانیان سیاسی و یا افزایش تعداد اعدام ها درمیان زندانیان جنایی نمی باشد. برای مثال نقض حقوق زنان هرروز شکل تازه ای به خود می گیرد و قوانین جدیدی برای جلوگیری ازاستقلال فردی واجتماعی آنان در مجلس شورای اسلامی مطرح می شوند. اکنون زنان زیر چهل سال که تنها زندگی می کنند برای سفررفتن باید با موافقت حاکم شرع انجام گیرد. قانونی که در واقع نه تنها تبعیض آلود وبرضد دیگر موازین قانونی است بلکه نوعی از خشونت روانی و تحقیر را درمورد زنان به رسمیت می شناسد.

زیر پا گذاشتن حقوق اقلیت های دینی و قومی و یا افزایش تعداد اعدام ها درایران نیز بسیار نگران کننده است.
آخرین بیانیه احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد ایران پس از سفر او به آلمان ، سوئد و نروژ وگفتگو های طولانی با فعالان حقوق بشر و شاهدان عینی منتشر شده است . او هم چنین در یک کنفرانس مطبوعاتی با خواندن بیانیه اش نسبت به وضعیت بسیار نگران حقوق بشر درایران هشدار داد و نظرات خود را بیان کرد.

گزارش جدید احمد شهید را دراینجا می خوانید.

"دویچه وله: احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل پس از یک سفر ۱۲ روزه به آلمان، سوئد و نروژ و گفت‌وگو با شاهدان عینی و فعالان حقوق بشر، طی بیانیه‌ای در اسلو به جنبه‌های گوناگون نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.
گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور وضعیت حقوق بشر در ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی در اسلو، پایتخت نروژبا قرائت بیانیه‌ای نظر خود را درباره وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز کرد.
احمد شهید در آغاز بیانیه‌ی خود از دولت‌های آلمان، سوئد و نروژ قدردانی کرد و گفت که این سه کشور با تقاضای او برای اجرای "مأموریت فاکت‌یابی" در کشورهایشان بدون قیدوشرط موافقت کرده بودند. وی گفت که این مأموریت بسیار موفقیت‌آمیز بود و او توانسته است مجموعه‌ی ارزشمندی از اطلاعات را طی مأموریت خود در برلین، استکهلم و اسلو گردآوری کند.
به گزارش شبکه سی ان ان، احمد شهید در کنفرانس مطبوعاتی خود در ۲۲ نوامبر (۲ آذر) در اسلو گفت: «در طول ۱۲ روز گذشته من با ده‌ها فرد ایرانی‌تبار، فعال حقوق بشر، مقامات دولتی و کارشناسان آکادمیک ملاقات و گفت‌وگو کردم.»
وی از تمام کسانی که اطلاعات خود را، به‌ویژه کسانی که به‌عنوان شاهد عینی دست‌اول، مشاهدات خود را در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران در اختیار او گذاردند، تشکر کرد.
آقای شهید تأکید کرد که وی برای سنجش میزان اعتبار و باورمندی اظهارات شواهد، معیارهای سختگیرانه‌ای در نظر گرفته است. بر پایه‌ی این سنجه‌ها، وی در این سفر به شهادت‌های قابل باوری دست یافته است که تصویری بسیار نگران‌کننده از وضعیت حقوق بشر در ایران را بازتاب می‌دهند.
افزایش نگران‌کننده‌ی شمار اعدام‌ها
احمد شهید گفت که شمار اعدام‌ها در ایران به مرز هشدارآمیزی رسیده است که طی هفته‌ها و ماه‌های گذشته سرعت‌گرفته‌اند. «بر اساس گزارش‌های موثق، چنان‌که خود دولت ایران نیز موردهای بسیاری را تأیید کرده، شمار اعدام‌ها در دو هفته‌ی گذشته دست‌کم ۳۲ مورد ولی احتمال می‌رود که ۸۱ مورد بوده باشد.»
گزارشگر ویژه سازمان ملل گفت که به‌رغم تقاضای‌های مکرر جامعه بین‌الملل برای توقف اعدام‌ها در ایران و ابراز نگرانی نسبت به تشکیل دادگاه‌های منصفانه علیه متهمان، فقط در ماه اکتبر سال جاری ۱۰ نفر، از جمله سعید صدیقی، اعدام شده‌اند.
وی گفت: «افزایش اعدام‌ها در ایران برای من بسیار هشداردهنده است، و من دولت ایران را یکبار دیگر فرامی‌خوانم به تعهدات بین‌المللی خود در تضمین دادگاه‌های منصفانه و توقف مجازات اعدام پایبند بماند.»
وضعیت وخیم اقلیت‌ها در ایران
آقای شهید اظهار داشت: «من نسبت به نوع رفتار با اقلیت‌های گوناگون در این کشور، که آماج اصلی سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت ایران هستند، ابراز نگرانی می‌کنم. این فقط اقلیت‌های دینی که به‌رسمیت شناخته نمی‌شوند، مانند بهائیان و یارسان [اهل حق] نیستند، بلکه گروه‌های به‌رسیمت شناخته‌شده‌ای مانند جماعت‌های دینی مسیحیان و جماعت‌های معینی از مسلمانان سنی نیز هدف فشارهای فزاینده قرار دارند. من همچنین به‌شدت نگران اقلیت‌های قومی، ازجمله بلوچ‌ها، کردها، عرب‌های اهوازی، ترکمن‌ها و مردم آذربایجانی هستم که محرومیت‌آنها، در کنار سرکوب‌های سیاسی، با فشارهای زبانی و فرهنگی نیز توأم است.»
بدترشدن وضعیت زنان در ایران
گزارشگر ویژه سازمان ملل در بیانیه‌ی خود به معضلات زنان نیز پرداخت. وی گفت: «وضعیت زنان در ایران طی ماه‌های گذشته بدتر شده است، به‌ویژه از زمانی که سیاست آموزشی تفکیکی [تفکیک جنسیتی] به اجرا درآمده است، و فعالان حقوق زنان مورد آزار قرار می‌گیرند و گاه به‌خاطر آزادی بیان، از جمله دفاع از حقوق زنان و یا حقوق آموزشی و اظهارات فرهنگی دستگیر می‌شوند.»
احمد شهید اشاره کرد که بر اساس یک لایحه‌ی دولت جمهوری اسلامی که در مجلس این کشور در دست بررسی است، زنان زیر ۴۰ سال فقط با اجازه ولی و قیم خود موفق به دریافت گذرنامه خواهند شد.
آقای شهید افزود که وضعیت اقلیت‌های جنسی (دگرباشان) نیز بسیار هشداردهنده است، زیرا دولت بر هر نوع رابطه‌ای که با موافقت طرفین برقرار شده، نظارت شدید دارد.
فشار شدید دولت ایران بر فعالان حقوق بشر
احمد شهید در بخش دیگری از بیانیه‌ای خود گفت: «دولت ایران به آزار، دستگیری و زندانی‌کردن مدافعان حقوق بشر، که گاه خود حقوقدان هستند، همچنان ادامه می‌دهد، و نگرانی جدی در مورد استقلال حقوقدانان و

نیز استقلال قوه قضائیه برانگیخته است. در حالی‌که من از آزادی کشیش یوسف ندرخانی در ماه سپتامبر خشنود گشتم، ولی تأسف خوردم که چند روز پس از آن مقامات ایران وکیل‌مدافع او، محمدعلی دادخواه را احضار کردند و او را به اتهامات واهی به زندان افکندند. خانم نسرین ستوده، دیگر حقوقدان و مدافع حقوق بشر هم‌اکنون زندانی است که به دلیل رفتار مقامات با خانواده‌اش در اعتصاب غذا به سر می‌برد، و من به‌شدت نگران وضعیت او هستم.»

آقای شهید با ابراز نگرانی نسبت به خبر مرگ وبلاگ‌نویس ایرانی ستار بهشتی در زندان گفت که او به دلیل حق قانونی خود در آزادی بیان به زندان افتاده بود و به احتمال در اثر جراحات ناشی از شکنجه جان خود را از دست داده است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در این رابطه دولت جمهوری اسلامی را خطاب قرار داد و گفت: «من انتظار دارم که دولت ایران تحقیقاتی گسترده، بی‌طرفانه و شفاف در مورد علت مرگ وی صورت دهد و روش تحقیق و نتایج آن را علنی سازد، و هر فردی که در مرگ او دست داشته است را مجازات کرده و خسارت وارده به خانواده‌ی وی را به طور متناسب جبران کند.»

آقای شهید به دیگر قربانیان رویدادهای خونین پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ اشاره کرد. وی یکبار دیگر بر فراخوان گذشته‌ی خود تأکید کرد که مقامات ایران باید برای روشن شدن علت مرگ افرادی که در ناآرامی‌های پس از انتخابات سال ۸۸ کشته شده بودند، تحقیقات بی‌طرفانه‌ای را آغاز کند.

احمد شهید گفت: «متأسفانه به نظر می‌آید که فضا برای هر نوع اندیشه و بیان مستقل تنگ است و مقامات دولت ایران، به هر دلیلی، با نقض تعهدات بین‌المللی و حتا نقض قوانین خود، مایل بدان نیستند.»

گزارشگر ویژه سازمان ملل در پایان بیانیه‌ی خود ابراز امیدواری کرد که دولت ایران در رابطه با آنچه او در این بیانیه و نیز در جزئیات گزارش‌های خود ارائه داده است، به منظور احترام حقوق بشر، آزادی و حاکمیت قانون، رویکرد خود را تغییر دهد.

آقای شهید پس از پایان سخنان خود به پرسش‌های حضار پاسخ گفت.

—

شنیدن صدای واقعی مردم

2012-11-29 · Archive ID 1481
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1481

نعیمه دوستدار

هرچه که در متن خبرها و گزارش‌ها می‌آید، روایتی گذشته از زیرنگاه یا نظر کارشناسان و روزنامه‌نگاران است، اما آنچه که مردم با گوشت و پوست‌شان حس می‌کنند، وقتی با دید و صدای خودشان مطرح شود، شکل ملموس‌تری پیدا می‌کند. هیچ‌کس به اندازه خود افراد قادربه درک زندگی روزمره شان نیست. گرانی و کمبود دارو،شاید تنها چند کلمه دراخبارباشند، اما اثرات واقعی شان را در زندگی مردم آشکارا نشان می‌دهند. این روزها نشانه‌های پررنگ‌تری هم از این واژه ها در کلام و رفتار مردم ایران دیده می‌شود. هم چنین ضعف مدیریت درحوزه‌های دیگرهم زندگی مردم را تحت تاثیر قرار می دهد. برای نمونه محیط زیست روزبه روز بیشتر تخریب می‌شود و حیوانات هم در معرض نابودی‌اند.

این دغدغه‌ها در کنار موارد ریز و درشت بی شمار، تنها بخش‌های کوچکی از مشکلات مردم است که به ستون‌های ارتباطی روزنامه‌ها راه پیدا کرده است. این هفته هم برخی ز این موارد را با هم مرور می‌کنیم.

محیط زیست و حیوانات در حال مرگ

بدرفتاری با حیوانات به خصوص حیوانات اهلی موضوعی است که همیشه نگرانی فعالان مدنی حوزه محیط زیست را برمی‌انگیزد. اما دیگرشهروندان هم نسبت به این مسئله بی‌تفاوت نیستند. نمونه‌اش شهروندی است که با ارسال ایمیل‌هایی به خط ارتباطی نسبت به این موضوع ابراز نگرانی کرده و نوشته است:" چاپ پیام در مورد ضرورت جمع‌آوری گربه‌ها از پارك لاله باعث تأسف من شد. چرا عده‌ای برای دیگر آفریده‌های خداوند حق

حیات قایل نیستند؟ رسیدگی به پرندگان و حیوانات بی‌آزار مانند گربه‌ها، موجب تلطیف روحیه انسان‌ها و آموختن مهربانی به کودکان می‌شود. در فصل سرما، حیوانات را دریابیم و برای زنده‌ماندن به آن‌ها کمك کنیم."

شهروندی هم با دعوت از مسئولان شهرداری منطقه 3 ، از آنها خواسته به یک معضل شهری در تهران توجه کنند که البته نمونه‌های مشابه زیادی هم دارد. و برای مردم خاطره روزهای بارانی را با تصاویر نه چندان زیبایی از آبگرفتگی و آلودگی محیط همراه می‌کند. این شهروند گفته است: "بد نیست در روزهایی که باران می‌بارد، مسئولان شهرداری منطقه 3 به بلوار اسفندیار، که از گران‌ترین مناطق خیابان آفریقا است، سری بزنند تا ملاحظه کنند که به دلیل نبود جوی آب، اسفالت خراب و موزائیك‌های لق شده، نه رانندگان خودروها در این بلوار آسایش دارند و نه عابران پیاده!"

اما مسائل مربوط به محیط ریست درایران بسیار گسترده‌اند. حیات بسیاری از آبزیان هم به دلیل وجود آلودگی‌های فراوان و هم به دلیل صید بی‌رویه به خطر افتاده است. اینبار شهروندی از رودسر با نام محمد درباره صید بی رویه ماهی سفید هشدار داده و گفته است: "درگذشته نه چندان دور، در بساط ماهی‌فروشان شمال، ماهی سفید با وزن کمتر از 600 گرم دیده نمی‌شد واگر ماهی کوچك‌تر به فروش می‌رسید، اداره شیلات فروشنده را جریمه می‌کرد. متأسفانه حالا به وفور بچه‌ماهی‌های سفید صد گرمی به فروش می‌رسد و صیادان هرروز چشمه تورهای ماهیگیری را کوچك‌تر می‌کنند و صید بی‌رویه ماهی‌های کوچك باعث کاهش ذخایرماهیان شده است.



جان بیماران درخطر، بلیت هواپیما هم گران است

این روزها دارو مهم‌ترین موضوع در زمینه سلامتی ایرانیان است و دیگر بیمارخاص و غیرخاص هم نمی‌شناسد. این‌طور که شهروندان روایت می‌کنند، حتی داروهای معمولی هم کمیاب شده است. به عنوان نمونه، شهروندی از دزفول با نام حکیم‌زاده به روزنامه اطلاعات گفته: "متأسفانه کمبود دارو در کشور به حدی رسیده است که در داروخانه‌های دزفول حتی داروهای ساده و ارزانی مانند کلیندیومC هم یافت نمی‌شود. آیا این دارو هم جزو داروهای بیماران خاص به حساب می‌آید که به دلیل تحریم‌های اقتصادی و افزایش نرخ ارز پیدا نمی‌شود؟"

شهروندی به نام ترابی از تهران هم درتماس با روزنامه جام جم، درباره بیمه داروهای بیماران سرطانی گفته است: "خرداد امسال طبق مصوبه هیات دولت، داروهای بیماران سرطانی مانند «زومتا» که برای بیماری سرطان سینه استفاده می‌شود در لیست بیمه قرار گرفت، ولی اکنون هیچ کدام از بیمه‌ها این مصوبه را قبول

ندارند و ما باید هر 28 روز یك بار، حدود 740 هزار تومان پول دارو و نیز 120هزار تومان پول تزریق آن را پرداخت کنیم. از مسئولان ذی‌ربط می‌خواهیم به این مسئله رسیدگی کنند."

گران شدن بلیت‌های هواپیما خبرنگران‌کننده دیگری بود که درهفته‌های گذشته، مطرح شد. برخی از شرکت‌ها اکنون قیمت بلیت خود را تا 100 درصد افزایش داده‌اند. البته موضوع پرواز با هواپیما تنها مسئله‌ای توریستی نیست. ممکن است زندگی بسیاری از ایرانیان را با دشواری روبرو و یا به خطر بیندازد. نمونه‌اش بیمارانی که برای مداوا و انتقال، نیازمند پرواز هستند. شهروندی به نام علی از تهران در تماس با روزنامه اطلاعات به این موضوع پرداخته: "قیمت بلیت هواپیما در پروازهای داخلی خیلی گران شده است و به همین دلیل اقشار کم درآمد برای مسافرت با هواپیما، که گاهی برای بیماران ضرورت دارد، با مشکلاتی روبه‌رو شده‌اند که جا دارد مسئولان ذی‌ربط در قیمت بلیت هواپیما برای بیماران نیازمند، تخفیف‌هایی قایل شوند."

از کم‌فروشی تا نکته سنجی

گرانی که می‌آید، کم‌فروشی هم به دنبالش رواج پیدا می‌کند. برای نمونه، سعیدی از اسلامشهر به روزنامه جام جم گفته: "چه دلیلی دارد برخی از کارخانه‌ها و شرکت‌ها، حبوبات خود را در بسته‌بندی‌های 900 گرمی عرضه می‌کنند و وقتی که می‌خواهیم خرید کنیم به جای یك کیلویی به ما عرضه می‌کنند!"

رضا جندقی از تهران هم در تماس با ستون "حق با شماست" در روزنامه جام جم می‌گوید: "مردم چه گناهی کرده‌اند؟ چرا کالاهای ضروری مردم طی سه ماه اخیر این قدر گران شده است؟ دیگر قشر متوسط جامعه هم توان خرید ندارند، مردم چه‌کار کنند؟ قیمت‌ها انگار ساعتی و لحظه‌ای تغییر می‌کند و ما نمی‌دانیم با این حقوق بازنشستگی و مشکلات چه باید بکنیم؟ شما را به خدا یك مقدار به فکر این مردم باشید. مردم ما بسیار انسان‌های خوب و شریفی هستند. همان‌طور که در مقاطع مختلف، مخصوصا هشت سال دفاع مقدس نشان دادند."

مینایی از تهران هم در زمینه افزایش قیمت‌ها با ظرافت به نکته‌ای اشار کرده که خالی از لطف نیست: "آیا بهتر نیست سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده کلمه مصرف‌کننده را از اسم طول و دراز خود بردارد؟ چون عملا طی یك سال گذشته تنها چیزی که از این سازمان دیدیم و شنیدیم، خروجی آن بیشتر حمایت از تولیدکننده بوده و تنها کاری که کرده این بوده که نرخ پیشنهادی تولیدکننده‌ها برای افزایش قیمت‌ها را با چند درصد جزیی کاهش تصویب کرده است. یا اینکه اگر سازمان حمایت از مصرف‌کننده هم است و با گشاده دستی که در افزایش قیمت‌ها دارد، دستمزدها را هم افزایش دهد."

تأثیرگرانی‌ها بررفتارمردم ، نکته‌ای است که از چشم یک شهروند ایرانی دور نمانده است. او در تلفن به خط ارتباطی روزنامه اطلاعات به این موضوع اشاره کرده و گفته است: "این روزها بیش از پیش شاهد برخوردهایی میان افراد جامعه هستیم و دلیل بیشتر آن‌ها گرانی سرسام‌آور ارزاق و مایحتاج عمومی است که موجب فشارهای روحی و روانی بر تمامی اقشار جامعه می‌شود. لازم است مسئولان تدبیری بیندیشند تا چنین رفتارهایی که شایسته مردم ایران نیست، تکرار نشود."

هرچند درهفته گذشته قیمت ارز به شکل نسبی کمی پایین آمد، اما این کاهش قیمت اثر زیادی دربازار نگذاشته و قیمت‌های گران، همچنان گران باقی مانده‌اند. درهمین زمینه، یك شهروند از سمنان تقاضا کرده: "خوب است حال که قیمت ارز پایین آمده، کارخانجات داخلی نیز قیمت اجناس خود را پایین بیاورند تا مردم قدرت خرید داشته باشند."

پیشنهادی که به نظر نمی‌رسد در شرایط امروز چندان قابلیت اجرایی شدن داشته باشد.

—

حتی کلمه ایدزهم دراینترنت ایران فیلترشده است

2012-11-29 · Archive ID 1485
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1485

عرصه سوم - روز دهم آذر مطابق با اول دسامبر روز جهانی مبارزه با بیماری ایدزاست. متاسفانه تشدید خطرگسترش ایدز درایران جدی، هم هشدار دهنده و بسیارنگران کننده است. درشرایطی که بیش از هفتاد درصد جمعیت در ایران زیر چهل سال قرار دارند. و دروضعیتی که امکانات آموزشی و آگاه کننده درباره چگونگی شیوع و پیشگیری از این بیماری درجامعه بسیار محدود است . و به بحث های اجتماعی و رسانه ای به علت تابو بودن این بیماری توجه کافی نمی شود. به همین علت بسیاری از مبتلایان بیماری خود را اعلام نکرده و از ترس آبرو آن را مخفی می کنند. مطالعات اخیر نشان می دهند که سن ابتلای به ایدز درایران کاهش یافته و درصد این بیماری درمیان زنان به میزان چشمگیری افزایش داشته است. دوگروه آسیب پذیر که بیشتر از همه درمعرض ابتلا به ایدز هستند معتادان تزریقی و هم زنانی هستند که روابط جنسی محافظت نشده داشته اند.



آموزش مدام و اصولی در زمینه چگونگی انتشار ایدز و ارتقاء سطح بهداشت فردی و اجتماعی برای اقشار مردم و گروه های سنی آسیب پذیر نقش موثری در پیشگیری از تمام بیماریهای مسری وهم ایدز دارد. هم چنین تجربه مبارزه با این بیماری درکشورهای دیگر به خوبی نشانگر اهمیت تابوشکنی و دامن زدن به بحث های اجتماعی برای ریشه کن کردن این بیماری خطرناک است. درایران با وجود افزایش شدید درصد بیماران و حاملان ویروس ایدز هنوز توجه لازم به آموزش عمومی مردم ، جوانان و زنان وجود ندارد. به گفته رئیس انجمن مبارزه با ایدز نام این بیماری هم دراینترنت ایران فیلتر شده است. به همین دلیل حتی افرادی که به شبکه های اینترنتی دسترسی دارند قادر به استفاده از آخرین اطلاعات در مورد ایدز نیستند.

سایت مردمک درگزارشی از افزایش میزان بیماری ایدز درایران می نویسد:

یک عضو کمیته ایدز ایران، وابسته به سازمان بهزیستی می‌گوید که سن ابتلا به بیماری ایدز در ایران به زیر ۲۰ سال رسیده و در یک دهه گذشته ابتلا به ایدز در بین زنان حدود ۱۰ برابر افزایش پیدا کرده است.

مسعود مردانی روز چهارشنبه، هشتم آذر در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا از نتیجه مطالعه‌ای در دوسال گذشته خبر داد که نشاندهنده کاهش سن ابتلا به بیماری ایدز و تغییر روش الگوی مبتلایان است.

بر این اساس در حالی این بیماری، جوانان زیر ۲۰ سال ایران را هدف گرفته، که میانگین سنی مبتلایان به ایدز در جهان بین ۲۰ تا ۴۰ سال است.

این عضو کمیته ایدز ایران در عین حال، رشد ۱۰ برابری این بیماری در بین زنان ایران را گواهی بر تغییر الگوی ابتلا از سرنگ مشترک در معتادان تزریقی به روابط جنسی محافظت نشده ارزیابی کرد.

آقای مردانی این موضوع را هشداری برای مقامات کشور و خطری برای اکثریت جمعیت ایران دانست که جوانان و نوجوانان هستند.

مسعود مردانی، عضو کمیته ایدز ایران همچنین می‌گوید دلیل ابتلا ایدز در بین ۱۷ درصد بیماران نامشخص است که به نظر مي رسد از طریق ارتباط جنسی باشد. او کتمان کردن بیماری و عدم اعلام دلیل ابتلا را «انگ اجتماعی» دانستن ایدز در ایران دانسته است.

عباس صداقت، رییس اداره ایدز وزارت بهداشت هم اول آبان اعلام کرد هر چند عامل اصلی انتقال ایدز در ایران همچنان اعتیاد تزریقی است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که ابتلا به این بیماری از طریق روابط جنسی و در بین زنان در حال افزایش است.

به گفته رییس اداره ایدز وزارت بهداشت، آمارهای این وزارتخانه نشان می‌دهد در سال گذشته ۲۰ درصد افرادی که در برگه آزمایش آنها ابتلا به اچ.آی.وی تائید شده بود از طریق رابطه جنسی محافظت نشده گرفتار شده بودند.

براین اساس ۶۷ درصد از افراد مبتلا به ایدز در ایران از طریق اعتیاد تزریقی مبتلا شده‌اند و آمار ابتلا از طریق روابط جنسی که قبلاً ۱۰ درصد بود، با افزایش ۱۰۰ درصدی به ۲۰ درصد رسیده است.

ایدز بیماری عفونی واگیرداری است که توسط ویروس اچ. آی. وی منتقل می‌شود. این ویروس به سیستم ایمنی بدن حمله کرده و ضمن تخریب آن، فرد را برای پذیرش انواع عفونت‌ها آماده می‌کند.

براساس آمارهای کمیته ایدز و وزارت بهداشت موارد واقعی ایدز در ایران حدود چهار یا پنج برابر موارد ثبت شده است یعنی در حالی که حدود ۲۴ هزار نفر از بیماران ایدزی تحت مراقبت و درمان هستند اما بین ۹۰ تا ۱۲۰ هزار نفر هم یا بیماری خود را کتمان می‌کنند و یا از وجود بیماری خود خبر ندارند.

از میان بیماران شناسایی شده، ۹۰.۸ درصد را مردان و ۹.۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. در این بین ۴۷۲۲ نفر از سال ۱۳۶۵ که اولین مورد بیماری ایدز در ایران کشف شد جان خود را از دست داده‌اند.

از طرف دیگر، افزایش افراد مبتلا به ویروس ایدز از طریق رابطه جنسی ناایمن موضوعی است که وزیر بهداشت نیز سال گذشته در این مورد هشدار داده و گفته بود که جامعه ایران ممکن است با آتشفشانی از بیماری ایدز روبه‌رو شود.

به گفته مرضیه وحید دستجردی همچنین خطر انتقال ایدز از طریق زنان روسپی هم زیاد است و طبق برآوردها هر زن روسپی به طور متوسط می‌تواند پنج مرد را به این بیماری مبتلا کند.

خبرگزاری ایسنا در گزارش خود با هشدار نسبت به روند رو به رشد این بیماری و نتایج مثبت آموزش‌های عمومی در کشورهای توسعه یافته خواستار اجرای آموزش‌های عمومی در جامعه شد.

در این ارتباط چندی پیش حمیدرضا شاعری، رئیس انجمن ایدز ایران گفته بود چگونه می‌توان در این زمینه به جوانان آموزش داد در حالی که نام این بیماری در اینترنت ایران فیلتر است.

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-12-04 · Archive ID 1488
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1488

عرصه سوم- بخشی از آخرین اخبار هفته گذشته را درگزارش پیمان مجیدزاده می خوانید.

استعفای رهبری و برگزاری رفراندوم

دکتر محمد ملکی فعال مدنی و اولین رئیس دانشگاه تهران بعد از انقلاب در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی که روز دوشنبه، ششم آذرماه در وب سایت ملی مذهبی منتشر شده ، از رهبر جمهوری اسلامی خواسته است «قبول کند ایران در حالِ فروپاشی است.» به گزارش مردمک ، به زعم آقای ملکی، آیت‌الله خامنه‌ای نباید به تصویری که اطرافیانش از ایران برای او می‌سازند توجه کند بلکه باید به فشارهای داخلی، اختلافات سران قوا، تحریم‌های خارجی و اعتراضات مردم نسبت به این روند توجه داشته باشد. محمد ملکی با انتقاد از تصمیمات و مدیریت خامنه ای در بیش از دو دهه رهبری ایران خواستار استعفای او و برگزاری رفراندوم شده است.

محکومیت ایران در کمیته حقوق بشر سازمان ملل

کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل با ۸۳ رأی مثبت، ۳۱ رأی منفی و ۶۸ رأی ممتنع، قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران را تصویب کرد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیش‌نویس قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران را که دولت کانادا ارائه داده و مورد حمایت ۴۲ کشور واقع شده بود را با ۸۳ رأی مثبت به تصویب رساند . این در شرایطی است که دولت ایران ضمن انتقاد از تصویب این پیش نویس، مکانیسم های حقوق بشری سازمان ملل را دستاویز سیاست بازی های کشورهای غربی خواند.

وضعیت نسرین ستوده

همزمان با وخامت حال نسرین ستوده، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر به دلیل اعتصاب غذا در ۴۸ روز گذشته، شماری از فعالان حقوق زن مقابل دادستانی تهران تجمع کردند و همزمان یک نماینده مجلس از بررسی دلیل اعتصاب غذای خانم ستوده با حضور در زندان اوین خبر داد. رضا خندان، همسر خانم ستوده شب یکشنبه در صفحه فیس‌بوک خود وضعیت او را وخیم گزارش کرده و نوشته است او در حال حاضر دچار سر گیجه، اختلال بینایی، عدم تعادل در راه رفتن و فشار پایین است که نشاندهنده وضعیت نامناسب جسمی اوست. آقای خندان تاکید کرده است با این اوصاف بعید می‌داند نسرین بتواند تا ملاقات بعدی سرپا باشد به‌ویژه آنکه همبندانش گفته‌اند بدن خانم ستوده از روز جمعه دیگر مایعات را هم قبول نمی‌کند.

به گزارش مردمک ، شماری از فعالان حقوق زنان ایران با نوشتن نامه‌ای به عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران از او خواستند تا با توجه به خواسته‌های خانم ستوده زمینه انتقال او به بیمارستان را فراهم کند. این فعالان زن تلاش داشتند با دادستان تهران ملاقات کرده و نگرانی خود را در ارتباط با خانم ستوده با او درمیان بگذارند که به آنها اعلام شد این امکان وجود ندارد در نتیجه آنها نامه را به معاون دادستان تحویل دادند. پیش از این هم مقامات چند کشور از جمله آمریکا از جمهوری اسلامی خواستند تا به خواسته‌های این فعال حقوق بشر توجه کرده و او و دیگر زندانیان زن سیاسی را آزاد کنند.



همزمان با روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان و دراعتراض به اعمال خشونت های سازمان یافته دولتی علیه زنان در ایران، به دعوت کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی و با حضور جمعی از ایرانیان یک گردهمایی اعتراضی در روز یکشنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۱۲ از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷ در مقابل مرکز جرج پمپیدو پاریس برگزار شد. در طول این مراسم شرکت کنندگان با در دست داشتن تصاویر فعالین زندانی جنبش زنان در ایران و پلاکاردها و تابلوهایی حاوی مطالبی از موارد متعدد نقض حقوق زنان و خشونت هایی که بخصوص در چارچوب قوانین حقوقی و قضایی در طول 34 سال گذشته توسط جمهوری اسلامی بر زنان ایرانی تحمیل می شود به اطلاع رسانی پرداخته و با پخش تراکت هایی با همین مضامین به زبان فرانسه، در بین مردم به افشاگری پرداختند که مورد توجه بسیاری از شهروندان فرانسوی قرار گرفت. برخی از آنها سوال هایی را در باره شرایط زنان ایرانی طرح کردند که پاسخ به این سوال ها افراد را در بهت و حیرت فرو برده، هم سبب ابراز تاسف و انزجار از رفتار حکومت اسلامی و اعمال خشونت دولتی بر زنان شد.در این افشاگری ها و گفتگوهای توضیحی برای فرانسویان، ایرانیان حاضر به ویژه روی وضعیت خطرناک نسرین ستوده، برنده جایزه ساخاروف، تاکید کرده و توضیح دادند که جان نسرین ستوده پس از نزدیک به چهل روز اعتصاب غذا درخطر است. در پایان، سپیده فارسی عضو کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی، برای حاضران در باره مناسبت و چرایی این گردهمایی اعتراضی، مبارزه زنان برای به دست آوردن حقوقشان و بهای سنگینی که برای آن می پردازند صحبت کرد و از همه خواست که با تکیه بر همبستگی بین المللی از مبارزات زنان ایران دفاع کنند.

کوچ اجباری پرستاران

بی‌توجهی وزارت بهداشت و درمان به قشر پرستار موجب مهاجرت یا خانه‌نشینی آنان شده است, به گونه‌ای که بر اساس بررسی انجام شده سالانه افزون بر ۷۰۰ پرستار به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند. هرچند به علت تعدد راه‌های خروج از کشور نمی‌توان آمار دقیقی از میزان مهاجرت پرستاران اعلام کرد. ایران امروز به نقل از دبیرکل خانه پرستار، یکی از مشکلات موجود در این زمینه را اجرایی نکردن قوانین مربوطه از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش‌پزشکی بر شمرده است.

حجاب تحمیلی با نظارت مربیان در مدرسه‌ها

طرح گسترش فرهنگ عفاف و حجاب بالاخره دامن مدرسه‌ها را نیز گرفت. راهکارهای اجرایی این طرح مصوبه شورای فرهنگ عمومی کشور است که زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت می‌کند. به موجب آن

بسیاری از نهادها، وزارتخانه ها و سازمان‌ها اعم از دولتی و غیردولتی موظفند اقداماتی را در جهت تحقق این مصوبه انجام دهند. به گزارش فارس نیوز ، به منظور نهادینه کردن موضوع حجاب از کودکی، تربیت مربیان حجاب در مدارس در دستور کار مرکز زنان ریاست جمهوری قرار گرفت. پیش از این نیز خبر طرح تفکیك مهدکودك ها و ارائه الگوی حجاب در مراکز پیش دبستانی منتشر شده بود.

ثبت ازدواج دختران و پسران زیر ۱۰ سال در تهران

احمد تویسرکانی، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک ایران گفت در سال گذشته ۷۵ مورد ازدواج دختر و پسر با سن کمتر از ۱۰ سال در تهران ثبت شده است. به نقل از رادیو زمانه ، به گفته وی ثبت ازدواج پایین‌تر از سن قانونی برای دختران و پسران، بدون حکم دادگاه تخلف است و در صورت مشاهده یا گزارش بی‌شک با آن برخورد می‌شود.

شهریور امسال فرشید یزدانی، عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان گفت شمار ازدواج کودکان زیر ۱۰ سال در ایران در سال ۱۳۸۹ نسبت به سه سال پیش از آن دو برابر افزایش داشته است. بر اساس قوانین ایران ثبت ازدواج دختران زیر سن ۱۳ سالگی و پسران زیر سن ۱۵ سالگی ممنوع است اما اگر سرپرست دختر یا پسر و هم دادگاه اجازه دهند، دختران و پسران در سنین پایین می‌توانند ازدواج کنند. شماری از مقامات ایران ازدواج زودهنگام دختران را راهی برای جلوگیری از "فساد" می‌دانند اما بنا بر گزارش یونیسف، عوارض ناشی از بارداری و زایمان یکی از مهم‌ترین علل مرگ دختران در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال در سطح جهان است. افزایش سن ازدواج زنان در قوانین ایران همواره یکی از خواسته‌های فعالان حقوق زنان در ایران بوده است.

همدردی فوتبالی تراکتوریها با زلزله زدگان ورزقان

حدود ۳ ماه از زلزله دردناك ورزقان و بي‌خانمان شدن بسياري از هموطنان آذري زبان مي‌گذرد و در اين مدت مسئولان كشور به دفعات و به صورت مكرر در خصوص بازسازي اين مناطق قبل از سرد شدن هوا وعده‌ها و قول‌هايي داده بودند كه به نظر مي‌رسد تا عملي شدن اين وعده‌ها همچنان زمان زيادي باقي مانده است. در اين زمينه، در حاشيه ديدار تيم‌هاي پرسپوليس و تراكتورسازي تبريز هواداراى تراكتور در حمايت از زلزله زدگان ورزقان و ارتباط آن با سرماي غيرقابل تحمل هوا در مناطق زلزله‌زده، در ورزشگاه آزادى عريان شدند. به گزارش سايت گل ، پس از عريان شدن هواداران تراكتورسازي، مأموران حاضر در ورزشگاه به شدت به اين موضوع واكنش نشان داده و با ضرب و شتم آذري‌ها به مقابله به مثل به اين حركت انسان‌دوستانه پرداختند.

آتشفشان ایدز در ایران

وزارت بهداشت طبق یک روال معمول هر ۳ ماه یکبار آخرین آمار موارد شناسایی و ثبت شده مبتلا به HIV را اعلام می‌کند اما آخرین آماری که اعلام کرده مربوط به آمار ثبت شده تا پایان سال ۹۰ است که ۲۴ هزار و ۲۹۰ نفر مبتلا را نشان می‌دهد .به گزارش ایران امروز ، بر اساس این آمار ۸/ ۹۰ درصد این مبتلایان مرد و ۲/ ۹ درصد زن هستند. از اینان ۳۴۵۵ نفر مبتلا به بیماری ایدز (وارد فاز بیماری شده) شده و ۴۷۲۲ نفر از افراد مبتلا نیز فوت کرده‌اند. حدود ۴۶ درصد از این مبتلایان به HIV در زمان ابتلا در گروه سنی ۳۴ - ۲۵ سال قرار داشته‌اند که بالاترین نسبت در بین گروههای سنی را به خود اختصاص می‌دهند. گزارش رسمی وزارت بهداشت می‌افزاید علل ابتلا به HIV در بین کل مواردی که از سال ۱۳۶۵ تاکنون در کشور به عنوان مبتلا به ثبت رسیده‌اند به ترتیب تزریق با وسایل مشترک در مصرف کنندگان مواد «۶/ ۶۹ درصد»، رابطه جنسی «۱/ ۱۰ درصد»، دریافت خون و فرآورده‌های خونی «1درصد» و انتقال از مادر به کودک «۱ درصد» بوده است. راه انتقال در ۹/ ۱۷ درصد از این گروه نامشخص مانده است که البته حدس زده می‌شود بیشتر این افراد از طریق رابطه جنسی مبتلا شده‌باشند.

اما در مورد موارد شناسایی شده جدید آمار، اندکی فرق می‌کند. اعتیاد تزریقی ۵/ ۶۲ درصد، برقراری روابط ۲/ ۲۱ درصد و انتقال از مادر مبتلا به کودک ۳/ ۹ را تشکیل داده است. اما مدتی بعد از انتشار این آمار رسمی، مینو محرز، عضو کمیته کشوری ایدز و رئیس مرکز تحقیقات ایدز وزارت بهداشت گفت که آمار اعلام شده بیانگر وضعیت واقعی این بیماری در کشور نیست و به جز ۲۳ هزار بیمار شناخته شده، حدود ۱۰۰ هزار مبتلای

ناشناخته داریم و تأکید کرد: «از بین بیماران مراجعه کننده به بنده نیز ۹۹ درصد موارد جدید از طریق رابطه جنسی مبتلا شده‌اند».

عرصه سوم در گزارشی به مناسبت روز جهانی ایدز، به بررسی وضعیت امکانات آموزشی و آگاه کننده درباره چگونگی شیوع و پیشگیری از این بیماری در ایران پرداخته است.

خبرهای خوب از گوشه و کنار

شریه فارین پالیسی در شماره ماه دسامبر خود ۱۰۰ متفکر برتر جهان در سال ۲۰۱۲ را انتخاب کرده که کارگردان ایرانی برنده اسکار اصغر فرهادی یکی از آن‌هاست. فرهادی رده هفتاد و پنجم این فهرست را بخود اختصاص داده. فارین پالیسی فرهادی را به خاطر «دلایل گویای او برای همزیستی» انتخاب کرده است.

نمایش استوانه منشور کوروش برای نخستین بار در آمریکا

در بحبوحه مجادلات میان سیاستمداران آمریکایی و دولتمردان ایرانی، بر اساس توافقات انجام شده، استوانه باستانی منشور کوروش از مارس سال آینده (اسفند ۹۱) به آمریکا منتقل خواهد شد، و در شهرهای واشنگتن، هیوستون، نیویورک، سان فرانسیسکو و لوس انجلس نمایش داده می‌شود. مردمک به نقل از گاردین با اشاره به اختلافات سیاسی سران ایرانی و آمریکایی نوشته: در حالیکه اذهان عمومی در آمریکا شناخت نسبتا کمی از فرهنگ ایران خارج از چارچوب جمهوری اسلامی دارند، این امید وجود دارد که منشور کوروش با نمایش پیشینه تاریخی ایران باستان، بتواند تا حدودی تاثیر مثبتی به لحاظ شناخت فرهنگی میان دو کشور ایجاد کند.

برکناری رئیس پلیس فنا

محسنی اژه‌ای در چهلمین نشست رسانه‌ای خود با خبرنگاران از بازداشت ۷ نفر از ماموران پلیس فتا در ارتباط با پرونده فوت ستار بهشتی خبر داد. وی اظهار کرد تحقیقات بر روی این پرونده نهایی نشده و همچنان ادامه دارد. به گزارش خبرگزاری مهر ، در ادامه رسیدگی مراجع قانونی به پرونده ستار بهشتی و پس از روشن شدن ابعاد مختلف قضیه، سرهنگ محمد حسن شکریان رئیس پلیس فتای فرماندهی انتظامی تهران بزرگ نیز به علت قصور و ضعف در نظارت کافی بر عملکرد پرسنل تحت امر و روند رسیدگی پرونده متوفی، از سمت خود برکنار شد.

توقف حکم اعدام سعید ملک پور

محمود علیزاده طباطبایی، وکیل سعید ملک پورفعال سایبری، روز یکشنبه ۱۲ آذرماه اعلام کرد که با توجه به «توبه» آقای ملک پور حکم اعدام موکلش متوقف شده است. به گزارش رادیوفردا ، محمود علیزاده طباطبایی گفته:« موکلم با حکم دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده بود که حکم او در دیوان عالی کشور هم تائید شد. پس از تائید حکم موکلم از کارهای خود توبه کرد.» وی اضافه کرده: «با این توبه حکم اعدام متوقف شده و امیدواریم موکلم با یک درجه تخفیف روبرو شود.»

معافیت انتشاراتی ها و کتابفروشی ها از مالیات

به گزارش همشهری آنلاین ، سرپرست معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از معافیت ۱۰۰ درصد مالیاتی انتشاراتی‌ها و کتابفروشی‌های کشور بدون توقیف و یا اعمال محدودیت خبر داد. محمود آموزگار دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران هم از تصویب آئین‌نامه اجرایی طرح «کاربری فرهنگی» در شورای شهر تهران خبر داده که بر اساس آن کتابفروشی‌های پایتخت از پرداخت ۹۰ درصد عوارض تجاری معاف می‌شوند.

بی بی سی فارسی از انتشار دوباره روزنامه بهارخبر داد. روزنامه بهاربعد از چند سال توقیف باردیگر از صبح شنبه ۱۱ آذر روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها قرار گرفت. این روزنامه رویکردی فرهنگی داشته و حجم زیادی از مطالب منتشره در آن به موضوعات فرهنگی، ادبی و هنری اختصاص خواهد داشت. بهار تا کنون سه بار توسط دستگاه قضایی ایران توقیف شده و اکنون برای دوره چهارم منتشر می شود.

تسهیل انتقال پول برای دارو میان ایران و آلمان

وزارت امور خارجه آلمان از بانک‌های این کشور خواست، به منظور رساندن کمک‌های انسانی به شهروندان ایران، امکانات نقل و انتقال پول بین دو کشور را فراهم کنند. تحریم‌های بانکی کشور را با کمبود دارو روبرو کرده است. به گزارش دویچه وله ، پیشتر "دفتر کنترل دارایی‌های خارجی" در وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز اعلام کرده بود که این وزارت‌خانه از اول ماه اکتبر، تغییراتی در قوانین مربوط به صادرات دارو و غذا به ایران به‌عمل آورده تا فروش اقلام غذایی و دارویی به ایران امکان‌پذیر شود.

—

مردم،سنگ زیرین آسیاب

2012-12-04 · Archive ID 1493
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1493

نعیمه دوستدار

ستون انتقاد ازمشکلات روزنامه ها جایی برای حرف و دردودل های بیشمار مردم اند. مثل شهروندی که گفته: "افزایش دلار را پیگیری کن، فقط یک روز پایین آمد! به خدا زندگی‌ام فلج شده است." و دیگری که تقاضا کرده: "دولت فکری برای این تورم بکند به خدا کمرشکن است این همه قول دادید روند گرانی متوقف می‌شود ولی دریغ از عملی کردن آن." یک نفر هم این جمله را یادآوری کرده که: "فقر سرچشمه فساد است."

ایرانی دیگری هم در روزنامه خراسان خواهان رساندن پیامش به وزیر دولت است: "به اطلاع وزیر صنعت برسانید ما همچنان شیرهای آبکی را کیلویی ۱۳۰۰ می‌خریم. این هم وعده دروغین دیگر برای ارزانی لبنیات!"

کسی هم هست که معتقد است: "مردم شده‌اند سنگ زیرین آسیاب دولت، دولت هم فقط قول و وعده می‌دهد که گوشت قرمز، مرغ، تخم مرغ، قند و شکر و آجیل برای نوروز کمبود نداریم و ...!"

دانشجوها هم دل خوشی از اوضاع روز ندارند و شرایط دشوار اقتصادی فشار زیادی بر آنها می‌آورد و به قول یکی از آنها که به ستون حرف مردم روزنامه خراسان زنگ زده ،"با این گرانی و تورم و ثابت ماندن حقوق کارمندی آیا انگیزه ای برای ما دانشجویان می ماند؟ هزینه زندگی دانشجویی هم که ماشاء ا...!" حرف یکی دیگر از آنها را هم باید شنید که می‌گوید:"سال ۸۷ که دانشجو شدم نان بسته‌ای ۳۵۰ تومان بود و الان ۱۳۰۰تومان است این یارانه ناچیز جواب خوراک، درمان، بنزین و بالارفتن کرایه رفت و آمد، اجاره منزل، هزینه درمان و ... را می دهد؟روی پول گرفتن از پدر را نداریم. چکار کنیم؟ التماس کمک!"

اما اینها همه مشکلات نیستند؛ حرف‌های زیادی بر دل مردم سنگینی می‌کند که این هفته هم در ستون‌های ارتباط با خوانندگان روزنامه‌ها مطرح شده است.

ترس از بیکاری

بیکاری هم معضلی است که ساده نمی‌توان از کنار آن گذشت و آنهایی هم که شغلی دارند، همیشه نگران از دست دادن آن هستند. مثل شهروندی که به روزنامه خراسان گفته :"به فریاد این نیروهای شرکتی برسید. ناامنی شغلی بیداد می‌کند، خیلی راحت نیرو جایگزین می‌کنند، ما هم انسانیم!"

شهروندی از اصفهان هم می‌گوید:" بعد از ده سال کار در شرکت واحد اصفهان، حدود پنج ماه است که بدون دلیل مرا اخراج کرده‌اند. به هر جا نیز مراجعه کرده‌ام، کسی جوابگو نبوده است. از مسئولان ذی‌ربط می‌خواهم تکلیف مرا روشن کنند."

یک نمونه دیگر از دغدغه‌ها در مورد اشتغال، در پیام یک شهروند این چنین مطرح شده‌است :"خراسان عزیز پی‌گیری کن! پس این همه استخدام دولتی سال ۹۱ که گفتند چه شد؟ چهار سال زحمت کشیدیم و خون دل خوردیم تا شدیم کارشناس! ۱۷ ماه رفتیم سربازی با ماهی ۷۰ هزار تومان زندگی متاهلی را ادامه دادیم حالا

هرجا برای کار می رویم با افتخار می گویند مطابق قانون کار! اگر از اول کارگری می کردیم بهتر بود.کارگر ساده هم حقوقش مطابق قانون کار است."

ستار بهشتی و واکنش مردم

برکناری رئیس پلیس فتا به خاطر موضوع قتل ستار بهشتی در زندان، هرچند برای برخی راضی‌کننده بود، اما همچنان عده‌ای از شهروندان معتقدند که این اقدام کافی نیست: "عزل رئیس پلیس فتای تهران بزرگ، به عنوان قرص مسکن خوب است ولی کافی نیست! آمران بزرگ‌تر از او هم هستند که باید برکنار و مجازات شوند."

کسی هم در مورد قتل ستار بهشتی سوالی مطرح کرده :"جناب احمدی مقدم، چرا باید بازداشتگاهی در نیروی انتظامی باشد که شما به عنوان فرمانده از آن بی‌خبر باشید؟!"



شهروندی هم موضوع گرانی‌ها را به مسائل روز پیوند زده و گفته :"خدا را شکر همه مسائل از جمله گرانی، تورم و ... حل شد. حالا نوبت فیلم «من مادر هستم» شده! آقایان بروند برای گرانی کمرشکن فکری بکنند!"

یک نفر دیگر هم دقیقا به همین موضوع اشاره کرده: "وقتی برخی هموطنان آذری در این سرما بی سرپناه زیر چادرند یا دارو در کشور کمیاب شده دغدغه برخی گروه‌های سیاسی فیلم و سینماست!"

گرانی، اعتیاد و بیماری

در شرایط سخت اقتصادی ایران،گویا عینک زدن هم یک کار لوکس به حساب می‌آید، چون این طور که شهروندان می‌گویند ، برای تهیه عینک باید هزینه‌های سرسام‌آوری پرداخت: "من عینکی هستم بعد از چند سال شیشه عینک با فریم خراب شده، چند روز پیش رفتم چشم پزشکی تا شیشه عینک با فریم را عوض کنم. شیشه عینک که قبلا گرفته بودم 100.000 تومان الان ۵۵۰۰۰۰ تومان و فریم که ۸۵۰۰۰ تومان بود شده ۲۵۰۰۰۰ تومان به نظر شما من بازنشسته با حقوق ثابت از کجا بیاورم بیمه هم کلا ۱۱۰۰۰ تومان پرداخت می نماید."

می‌نالد :"این چه بازاری است؟ هشت ماه پیش به خاطر رهن خانه از خواهر خانمم ۱۵ گرم طلا قرض کردم قیمت طلا از آن زمان تقریبا سه برابر شده است. با این گرانی و قسط ها و بیکاری و ۲ فرزندم که هر روز از مدرسه تقاضای پول می کنند چه کار کنم؟!"

شهروندی به نام ترابی از تهران در تماس با روزنامه جام جم گفته : "خرداد امسال طبق مصوبه هیات دولت، داروهای بیماران سرطانی مانند «زومتا» که برای بیماری سرطان سینه استفاده می‌شود در لیست بیمه قرار گرفت، ولی اکنون هیچ کدام از بیمه‌ها این مصوبه را قبول ندارند و ما باید هر 28 روز یك بار، حدود 740 هزار

تومان پول دارو و نیز 120هزار تومان پول تزریق آن را پرداخت کنیم. از مسئولان ذی‌ربط می‌خواهیم به این مسئله رسیدگی کنند."

فرد دیگری هم به نام محمدی از خوزستان تماس گرفته و سیاست ازدیاد جمعیت دولت را با این نکته به چالش کشیده است: "حال که مسئولان در فکر ازدیاد جمعیت هستند، حداقل هزینه زایمان در بیمارستان‌ها را کاهش دهند تا فشاری بر خانواده‌ها وارد نشود."

اللهیاری از شهر اندیشه هم نکته‌ای را در مورد مستمری‌بگیران کمیته امداد مطرح کرده و می‌گوید : مادربزرگی 90 ساله دارم که در یکی از روستاهای تفرش تحت پوشش کمیته امداد است. مستمری ایشان را دو ماهی است قطع کرده‌اند و کسی نیز کفیل ایشان نیست. علت این کار چیست؟

شهروند تهرانی در تماس با روزنامه اطلاعات، به موضوع تازه‌ای در زمینه گرانی اشاره کرده :"برخی از خدمات دولتی بسیار گران شده است. به عنوان مثال شرکت مخابرات با عنوان دریافت میان دوره‌ای هزینه مکالمات، تلفن مشترکان را قطع می‌کند، اداره برق به بهانه تغییر فیوز مبالغ زیادی از افراد می‌گیرد و شرکت آب و فاضلاب به نام انشعاب واحدهای مسکونی و اداری، پول‌های کلانی از مشترکان می‌گیرد. خوب است نمایندگان محترم مجلس این مسئله را مورد توجه قرار دهند و برای مقابله با گرانی کالاها و خدمات دولتی چاره‌ای بیندیشند."

درباره اثر گرانی بر زندگی عادی مردم زیاد حرف زده می‌شود، اما درحاشیه هستند،کسانی که شرایط ویژه زندگی‌شان آنها را در برابر گرانی‌ها آسیب‌پذیرتر کرده. خواندن این نمونه شاید خالی از لطف نباشد:"سلام خراسان عزیز، من یک جوان رها شده از بند اعتیادم تازه ۲ سال است که می فهمم زندگی یعنی چه، من با کمک متادون ترک کردم ولی اداره بهزیستی طی چند ماه گذشته ۲ بار متادون را گران کرده است. یعنی از ماهی ۶۰ به ۸۶هزار تومان افزایش داده، من با این همه گرانی چه طور پول متادون را تهیه کنم؟"

ادعای حل مشکلات جهانی

در حالی که مسئولان حکومتی ایران ادعا می‌کنند که در سراسر دنیا مشکلات غیرقابل حلی وجود دارد که تنها ایشان قادر به حلشان هستند، شهروندی در تماس با روزنامه اطلاعات گفته : "البته جای خوشحالی است که برخی از مسئولان کشور برای مشکلات مردم دیگر کشورها برنامه و طرح دارند، ولی کاش برای مسائل داخلی و گرانی‌ها و تورم کمرشکن موجود هم برنامه‌ای داشتند و فقط به فکر تصمیم‌گیری برای کشورهای دیگر نبودند."

یک شهروند دیگر از کرمانشاه با اشاره به مدیریت جهانی و مشکلات داخلی، این گونه اظهار نظر کرده :"برخی از مسئولان کشور به فکر برعهده گرفتن مدیریت جهانی هستند؛ غافل از این‌که اگر مشکل خود ما حل شود، در جهان موقعیت بهتری خواهیم داشت. در حالی که در مصر، پس از يك تصادف قطار بلافاصله وزیر راه استعفا می‌کند، در کشور ما مسئولان توپ را به زمین یکدیگر می‌اندازند و از قبول مسئولیت‌هایشان طفره می‌روند. "

—

وضعیت دانشجویان ایران درآستانهٔ شانزدهم آذرماه

2012-12-06 · Archive ID 1497
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1497

عرصه سوم- شانزدهم آذرروز دانشچو درایران است. روزی که یادآورچند دهه مبارزات و جان فشانی دانشجویان برای برپایی دموکراسی و عدالت درجامعه ایران است. جنبش دانشجویی در کشورما همواره نقشی اساسی در مبارزه آزادی خواهانه مردم برعهده داشته است. سازمان های دانشجویی همواره در پیگیری خواسته های دموکراتیک و برای حفظ استقلال و آزادی بیان در دانشگاه های کشور مبارزه ای بی وقفه را در سه دهه اخیر به پیش برده اند. جنبش دانشجویی درایران بارها و بارها از سوی دولت های وقت چه قبل از انقلاب 1357 و چه در جمهوری اسلامی سرکوب شده و دانشجویان بسیاری به زندان افتاده یا جان باخته اند. هم اکنون نیز

تعدادی از آنان در حبس اند. از جمله بهاره هدایت، مجید توکلی ، ضیا الدین نبوی و ده ها نفر دیگر از دانشجویان ما درشرایط کنونی تنها به خاطر فعالیت های مسالمت آمیز در سازمان های دانشجویی دستگیر و زندانی شده اند.

بنیاد عرصه سوم ضمن بزرگداشت شانزدهم آذر از تمام آزادی خواهان و نهاد های حقوق بشری می خواهد که برای رهایی دانشجویان دربند تلاش کنند. دربزرگداشت این روز بیانیه مشترکی از سوی سه گروه حقوق بشری شورای دفاع از حق تحصیل ، سازمان عفو بین الملل و شیرین عبادی مدافع حقوق بشر در سایت ایران امروز منتشر شده است که متن آن را دراینجا می خوانید.

"بیانیهٔ مطبوعاتی مشترک
15 آذر 1391 – 5 December 2012

شورای دفاع از حق تحصیل، عفوبین الملل، عدالت برای ایران، شیرین عبادی‌خطاب به مسئولان ایران: به سرکوب دانشجویان پایان دهید و دانشجویانی را که به خاطر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز زندانی شده‌اند آزاد کنید.

به مناسبت ۱۶ آذر ماه، روز دانشجو، شیرین عبادی برندهٔ صلح نوبل و سه گروه حقوق بشریِ شورای دفاع از حق تحصیل، عفو بین الملل و عدالت برای ایران در کنار یکدیگر و هم‌صدا با هم از مسئولان ایران می‌خواهند تا فوراً و بدون قید و شرط همهٔ زندانیان سیاسی و عقیدتی شامل دانشجویان زندانی را که تنها برای بیان مسالمت آمیز عقاید و وجدانیات-شان به زندان افتاده‌اند آزاد کنند.

این سازمان‌ها از مسئولان می‌خواهند تا به آزادی بیان و تشکل‌یابی دانشجویان احترام گذاشته و به پایمال کردن این حقوق خاتمه دهند.

از مقامات ایران خواسته می‌شود تا تمام سیاست‌ها و برخوردهای محدودکنندهٔ دسترسی افراد به آموزش عالی را مورد تجدید نظر قرار دهند تا هر کسی بر اساس ظرفیت‌ها و توانایی‌هایش و بدون هر گونه تبعیض جنسی، مذهبی یا سیاسی، به طور برابر به آموزش عالی دسترسی داشته باشد.

محدودیت دسترسی به آموزش بر پایهٔ قومیت، جنس، اعتقادات و باورهای مذهبی، نقض حقوق بشر است: نقض حق آموزش و عدم تبعیض، آزادی بیان، تشکل‌یابی و فعالیت انجمنی صلح‌آمیز است.

ایران به عنوان یک کشور عضو پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، نه تنها حقوق آزادی بیان و آزادی انجمن را نباید محدود کند بلکه باید آن‌ها را تضمین کند. همچنین ایران به عنوان یک کشور عضو پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) لازم است که به حق تمام ایرانیان در دسترسیِ بدون تبعیض به آموزش عالی احترام بگذارد. (مواد ۲ (۲) و ۱۳ (۲) (C).

وضعیت دانشجویان ایران در آستانهٔ شانزدهم آذرماه



در حالی که هزاران دانشجو در دانشگاههای سراسر کشور روز دانشجو را گرامی می‌دارند، دهها دانشجو ۱۶ آذر را پشت میله‌های زندان می‌گذرانند چون از حقوق خود یعنی آزادی بیان و انجمن استفاده کرده‌اند و بسیاری از دانشجویان دیگر همچنان ممنوع التحصیل‌اند.

از زمان انتخابات مناقشه‌انگیز ریاست جمهوری در خرداد ۸۸، هر ساله به تظاهرات مسالمت‌آمیز دانشجویان در روز دانشجو در دانشگاهها، هزینه‌های سنگینی تحمیل شده است.

در ماههای گذشته، دهها دانشجو بازداشت شده یا پس از محکومیت در محاکمه‌های ناعادلانه و با اتهاماتی مبهم، روانهٔ زندان شده‌اند یا به طور دایم یا موقت از ادامهٔ تحصیل محروم شده‌اند.

کمیته‌های انضباطی دانشگاهها دانشجویان را متهم به فعالیت‌های ضدنظام می‌کنند - فعالیت‌هایی که در چارچوب حقوق آزادی بیان و انجمن‌اند – تا آن‌ها را محکوم و مجازات کنند. این کار زمانی با کاربرد ستاره‌هایی انجام می‌شد که کنار اسم پذیرفته‌شدگان کارشناسی ارشد قرار می‌گرفت و دریافت سه ستاره به معنی محرومیت قاطع و بی‌بازگشت از تحصیلات دانشگاهی بود.

برخی دانشجویانی که اخیراً دستگیر، زندانی یا از تحصیلات دانشگاهی محروم شده‌اند موارد زیرند:

• نسیم سلطان بیگی، فعال حقوق زنان و دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی، برای تحمل حکم سه سال حبس در تاریخ ۲۲ مهر ۹۱ روانهٔ زندان شد. او در سال ۸۹ به تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی محکوم شده بود. دو سال از حکم وی به خاطر شرکتش در راهپیمایی ۲۲/۳/۸۵ مدافعان حقوق زنان برای مطالبهٔ حقوق برابر بود.

• رشید اسماعیلی، عضو ادوار تحکیم وحدت، در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۹۱ در اصفهان بازداشت شد و پس از تحمل دو ماه «بازداشت موقت» در سلول انفرادی و بدون هیچ اتهامی آزاد شد. او همچنان از ادامهٔ تحصیل خود در رشتهٔ حقوق بشر دانشگاه علامه طباطبایی پس از ستاره‌دارشدن در سال ۱۳۸۵ محروم است. وی در آذر ۱۳۸۸ به اتهام توهین به رهبری به ۱۸ ماه حبس محکوم شده بود.

• لوا خانجانی، عضو اقلیت مذهبی بهایی، که به خاطر دین‌اش از ادامهٔ تحصیل دانشگاهی محروم شده بود، در تاریخ ۳/۶/۹۱ برای گذراندن حکم دو سال زندان با اتهام تجمع و تبانی برای ضربه زدن به امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی، راهی زندان اوین شد. این اتهامات با ادعای شرکت او در تظاهرات عاشورای ۱۳۸۸ علیه نظام، بر وی وارد شده‌اند.

• عباس خراسانی فارسانی، دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان در تاریخ ۳۱/۳/۹۱ به خاطر مطالبی که در وبلاگ و کتابش منتشر ساخته بود بازداشت شد. کتاب او شامل انتقاداتی مسالمت‌آمیز بر مقامات ایرانی بوده است. او با قرار وثیقه آزاد شد و اکنون در انتظار محاکمه به اتهامات توهین به مقامات و توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی است. وی از ادامهٔ تحصیل و تدریس در کلیهٔ دانشگاههای ایران محروم شده است.

امضاکنندگان این بیانیه همچنین بر آزادی بدون قید و شرط و فوری دانشجویان ذیل که از زمرهٔ زندانیان عقیدتی سال‌های اخیرند، تأکید دارند:

مجید دری، دانشجوی عضو شورای دفاع از حق تحصیل، در تیرماه ۱۳۸۸ در قزوین بازداشت شده و اکنون در حال گذراندن حکم شش و نیم سال زندان در تبعید است. او از زمان بازداشت‌اش هرگز اجازهٔ مرخصی نداشته است.

فعال حقوق دانشجویان و زنان، بهاره هدایت، عضو کمیتهٔ مرکزی دفتر تحکیم وحدت و دبیر کمیتهٔ زنان این تشکل، در تاریخ ۱۰/۱۰/۸۸ بازداشت شده و در حال گذراندن دورهٔ محکومیت ده ساله در زندان است. اتهامات وی توهین به رییس جمهور، توهین به رهبری، تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی بوده است.

فعال دانشجویی و برندهٔ جایزهٔ صلح دانشجویان نروژی سال ۲۰۱۳، مجید توکلی، در روز دانشجوی ۱۳۸۸ و پس از ایراد سخنرانی در یک گردهمایی مسالمت‌آمیز در دانشگاه محل تحصیلش - دانشگاه صنعتی امیرکبیر-، بازداشت شد. این زندانی سیاسی اکنون محکومیت نه ساله‌اش را در زندان رجایی شهر سپری می‌کند. او به شرکت در تجمع غیرقانونی، تبلیغ علیه نظام و توهین به مقامات متهم شده بود. او نه تنها از اتمام تحصیلاتش در زندان محروم شده، که حق نام‌نویسی در دانشگاههای کشور پس از آزادی از زندان را هم نخواهد داشت.

سید ضیاالدین نبوی، فعال دانشجویی زندانی و از بنیانگذاران شورای دفاع از حق تحصیل – تشکلی که در سال ۱۳۸۷ توسط گروهی از دانشجویان محروم از تحصیل تأسیس شده – به دلیل فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیزش، در سال ۸۷ از ادامهٔ تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد محروم شد. او در ۲۴/۳/۸۸ به فاصلهٔ کوتاهی پس از راهپیمایی توده‌ای پس از انتخابات مناقشه‌برانگیز ریاست جمهوری بازداشت شد. وی با اتهام محاربه، به ده سال حبس در تبعید محکوم شد و اکنون دوران حبس‌اش را در زندان کارون اهواز، در فاصله‌ای بسیار دور از خانه و خانواده‌اش می‌گذراند.

پیشینه

از آغاز سال تحصیلی ۹۱-۹۲ در مهرماه، دهها نفر از فعالان دانشجویی در سراسر ایران توسط نیروهای امنیتی با اتهاماتی سوال‌برانگیز و مبهم بازداشت شده، توسط دادگاههای انقلاب و برای گذران دورهٔ زندان احضار شده یا در ترم جدید از تحصیل محروم‌شده‌اند. پرونده‌های قدیمی برخی دیگر از دانشجویان دوباره در دستگاه قضایی به جریان افتاده است. محدودیت‌های تبعیض‌آمیز در دستیابی به آموزش عالی همچنان باقی است. اعضای اقلیت‌های مذهبی به‌رسمیت-شناخته‌نشده مانند جامعهٔ بهاییان عموماً از ادامهٔ تحصیلات عالیه محروم‌اند. دیانت بهایی در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده و اعضای جامعهٔ بهایی به خاطر ایمان‌شان مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند.

زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تعدادی از دانشگاهها اقدامات تازه‌ای را برای جلوگیری از تحصیل دانشگاهی زنان در برخی رشته‌ها در پیش گرفته‌اند. وزیر علوم یکی از مدافعان تفکیک جنسی در دانشگاهها است و پیشتر نیز موضوع دانشکده‌های زنانه را برای اسلامی‌کردن دانشگاههای ایران مطرح کرده است.

دانشجویان به خاطر استفاده از حقوق آزادی بیان و انجمن یا باورهای سیاسی و مذهبی یا جنس، از حق تحصیلی محروم شده‌اند که به موجب مادهٔ ۱۳ پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (که ایران نیز عضوش است)، تضمین شده است. دسترسی برابر به آموزش عالی بدون تبعیض، طبق مادهٔ ۲۶(a) اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و مادهٔ ۱(a) کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش تضمین شده است و ایران تمام این موارد را پذیرفته است.

پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) برای محافظت از حقوقی است مانند حق افراد برای آزادی عقیده، بیان، انجمن و تجمع و حق اقلیت‌ها برای بهره‌جستن از فرهنگ خود و ابراز و عمل به مذهب خود و استفاده از زبان خود. علاوه بر این‌ها، کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی (CERD) و پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در دستیابی به حق آموزش، تبعیض علیه هر شخصی بر هر پایه‌ای (سیاسی یا اعتقادی، جنسی، نژادی، مذهبی، قومی، زبانی یا هر وضعیت دیگری) را قدغن ساخته است."

—

نسرین ستوده، پایداری تا پای جان

2012-12-06 · Archive ID 1500
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1500

نعیمه دوستدار

با انتشار خبر رفع ممنوع‌الخروجی از مهراوه، دختر 12 ساله نسرین ستوده وکیل و فعال مدنی محبوس در زندان اوین، او سرانجام اعتصاب غذایش را می‌شکند و همسرش رضا خندان در فیس بوک خود این خبر اعلام می‌کند : « نسرین امروز پس از 49 روز به اعتصاب غذای خود پایان داد . ممنون از همه دوستان که در این مدت همدل و همراه ما بودند؛ به ویژه فعالین زنان که در این چند روز از کانال‌های مختلف پیگیر موضوع بودند .».

حالا پایداری نسرین ستوده برای رسیدن به خواسته قانونی‌اش، ستایش همه کنشگران مدنی را برانگیخته و خبر پیروزی‌اش جان تازه‌ای به جان جامعه مدنی ایران داده است . اگر پیروزی او را نمونه‌ای از کنشگری فعال برای

رسیدن به خواسته‌ای مدنی درنظر بگیریم، چه الگوهایی از این رفتار برای مقاومت مدنی ایران قابل ارزیابی است؟

کمی پیش‌تر

48 روز از اعتصاب غذای نسرین ستوده، وکیل و فعال حقوق بشر زندانی در ایران می‌گذرد . اخباری که از وضعیت این وکیل زندانی می‌رسد، هر روز نگران‌کننده‌تر می‌شود . چند روز قبل، رضا خندان، همسر نسرین ستوده در فیس بوک خود می‌نویسد : « نسرین همچنان در اعتصاب غذاست . او نه امکانات رفاهی برای خودش می‌خواهد و نه خواسته‌ای غیرقانونی و غیر ممکن دارد . او نمی‌خواهد کودکش که حتی اجازه نداده‌اند حتی یک بار به مدت 30 ثانیه در طول 19 ماه گذشته امکان تماس تلفنی با او را داشته باشد، تحت تعقیب قضایی و پرونده‌سازی و ... قرار نگیرد، آن هم به خاطر مادرش که یک زندانی سیاسی است و بدیهی است که بی‌گناه است .»

خواندن ادامه یادداشت رضا خندان برای فعالان حقوق بشر، زنان و شهروندان عادی ایرانی ترسناک بود؛ حالا همه نگرانند که ادامه این اعتصاب چه عواقبی می‌تواند بر سلامت و حیات او داشته باشد . همسر نسرین ستوده نوشته بود : « کنون وضع جسمی‌اش به حدی رسیده است که بعید می‌دانم تا ملاقات بعدی بتواند سرپا باشد . سرگیجه، اختلال بینایی، عدم تعادل در راه رفتن و فشار پایین علام هشداردهنده وخامت حال اوست، در کنار لاغری مفرط . فشار برای شکستن اعتصاب غذا را به هیچ وجه تحمل نمی‌کند . می‌گوید همین که این همه در مقابل یک خواسته بدیهی مبنی بر رفع ممنوع الخروجی مهراوه مقاومت می‌شود، مفهومش این است که اینها برای او برنامه‌ریزی مفصلی کرده بودند و اگر من اعتصاب غذا نکرده بودم، قصد داشتند اقدامات بعدی را شروع کنند .» او جمله‌ای نگران‌کننده‌تر هم نوشته بود : « با بعضی از همبندی‌هایش که صحبت کردم، خیلی نگرانش بودند و می‌گفتند دو روز است که بدنش مایعات را هم قبول نمی کند .»

پیگیری وضعیت نسرین ستوده در مجلس

با ادامه اعتصاب غذای نسرین ستوده، وکیل زندانی در ایران و گسترده‌تر شدن دامنه نگرانی‌ها نسبت به وضعیت او، یکی از نماینده‌های مجلس ایران می‌گوید نمایندگان مجلس از وزیر دادگستری خواهند خواست در این باره توضیح دهد، هرچند این شرط را به حرفش اضافه می‌کند که این توضیح‌خواهی در صورتی است که مسائل مطرح درباره وضعیت خانم ستوده صحت داشته باشد . او می‌گوید که اگر خانم ستوده « با اعتصاب غذا بخواهند اعتراضی کنند به مسئله‌ای خلاف قانون، ما قطعا جلوی این مسئله را می‌گیریم، اما اگر خواسته خصوصی خودشان باشد و بخواهند جنجال‌آفرینی کنند، نمی‌توان کاری کرد .»

محمدحسن آصفری به خبرنگاران گفت که طبق مصوبه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، قرار است هیاتی برای بازدید و بررسی وضعیت نسرین ستوده، به زندان اوین برود؛ هرچند تاریخ این بازدید مشخص نیست . خبرگزاری کار ایران (ایلنا) ، گزارش داد که : « مطمئنا اگر مساله‌ای خلاف قانون و ضوابط باشد، قابل رصد است .»

نسرین ستوده، عضو کانون مدافعان حقوق بشر از شهریور ۱۳۸۹ در بازداشت است . دادگاه اولیه او را به جرم " اقدام علیه امنیت ملی، تبانی و تبلیغ علیه نظام و عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر، " به ۱۱ سال حبس تعزیری، ۲۰ سال محرومیت از وکالت و ۲۰ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرد که این حکم در دادگاه تجدید نظر که شهریور امسال تشکیل شد، به شش سال زندان، ۱۰ سال محرومیت از وکالت و ۱۰ سال ممنوعیت خروج از کشور کاهش پیدا کرد .

نسرین ستوده پیش‌تر نیز در سال ۱۳۸۹ در زندان دست به اعتصاب غذا زده بود . پس از آن گروهی از فعالان مدنی و برخی از موکلان او با انتشار نامه‌ای خواستار شکستن اعتصاب غذای او شدند که سرانجام چهارم آبان ۱۳۸۹، پس از ۲۸ روز اعتصاب غذا به دنبال ملاقات با یکی از اعضای خانواده‌اش، اعتصاب خود را شکست .

تابستان امسال، دادسرای تهران به رضا خندان، همسر و مهراوه، دختر این وکیل دربند، اعلام کرد که ممنوع‌الخروج شده‌اند . به دنبال بی‌نتیجه ماندن پیگیری‌های قضایی برای مشخص شدن دلیل ممنوع‌الخروجی مهراوه، نسرین ستوده از روز ۲۵ مهرماه دست به اعتصاب غذای نامحدود زد .

واکنش فعالان حقوق بشر و زنان

با وجود درخواست‌های فراوان از نسرین ستوده برای شکستن اعتصاب، او اعتصاب خود را ادامه داد؛ تاجایی که بسیاری از فعالان، روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های شناخته شده با ابراز نگرانی نسبت به سلامت نسرین ستوده، با تشکیل کمپین و تهیه نامه برای نهادهای حقوق بشر و جمع‌آوری امضا برای ارسال نامه به مسئولان قضایی ایران به این موضوع واکنش نشان دادند . روز یکشنبه، ۱۲ آذر نیز، تعدادی از فعالان جنبش زنان ایران، مقابل ساختمان دادستانی تهران تجمع کردند . فعالان زنان خواهان ملاقات با دادستان کل تهران بودند که با اعلام ممکن نبودن این دیدار، نامه‌ای را به معاون دادستان، خدابخشی، تحویل دادند .

آنها در این نامه که خطاب به دادستان کل تهران، جعفری دولت آبادی، نوشته شده و به امضای تعدادی از مدافعان حقوق زنان رسیده بود، ضمن اعلام حمایت از خواسته‌های نسرین ستوده، درخواست کردند او به سرعت به بیمارستانی مجهز منتقل شود . بر اساس گزارش‌ها، معاون دادستان به تجمع‌کنندگان اعلام کرد که تنها خانواده نسرین می‌توانند پیگیر کار او باشند، اما این فعالان ابراز کردند که شرایط نسرین نه تنها به دلیل انسانی بودن موضوع، بلکه از این لحاظ که او یکی از وکلای متعهد جنبش زنان است، برایشان اهمیت ویژه‌ای دارد و آنها وظیفه خود می‌دانند که پیگیر وضعیت او باشند .

فعالان حقوق زنان، دوشنبه 12 آذرماه، در ادامه حرکت خود، برای پیگیری وضعیت نسرین ستوده، وکیل و مدافع حقوق زنان به قوه قضاییه مراجعه کردند . به گفته یکی از این فعالان، بعد از ورود به اداره کل دبیرخانه قوه قضاییه به سه نفر از آنها اجازه دیدار با کارشناس این اداره داده شد . این کارشناس که به گفته مراجعان برخورد مناسبی نیز با آنها داشته، ضمن شنیدن ابراز نگرانی آنها از وضعیت سلامتی نسرین ستوده، مقدمات دیدارشان با نوری، معاون رئیس سازمان زندان‌ها را فراهم کرده است .

اما نوری به این فعالان که خواستار انتقال نسرین ستوده به یک کلینیک تخصصی برای مداوا و درمان بودند، گفت که فقط آقای خندان به عنوان یک شخصیت حقیقی و عضو خانواده، می‌تواند چنین درخواستی از قوه قضاییه داشته باشد و این فعالان نمی‌توانند چنین تقاضایی داشته باشند . در نهایت نوری، نامه‌ای را که جمعی از فعالان زن خطاب به ریاست قوه قضاییه نوشته بودند برای ثبت و تحویل به لاریجانی نپذیرفت .

او همچنین در ادامه صحبت‌های خود گفت که بهداری زندان اوین به وضعیت جسمانی نسرین ستوده رسیدگی می‌کند، اما فعالان تاکید کرده‌اند که در حال حاضر خانم ستوده به علت اعتصاب، دچار آسیب‌های شدید جسمی شده و باید به یک بیمارستان تخصصی منتقل شود .

همچنین در این دیدار، فعالان خواهان رسیدگی به خواسته‌های این وکیل یعنی رفع ممنوعیت خروج از کشور مهراوه و سایر خواسته‌های او برای ملاقات حضوری و تماس تلفنی با فرزندانش شدند و اعلام کردند که باز هم به مراجع قانونی مراجعه خواهند کرد .

...



اقدام جمعی فعالان زنان داخل ایران، در شرایطی که بسیاری از سکون جامعه مدنی زیر فشار سرکوب دولتی سخن می‌گفتند، حرکتی اثرگذار بود که ضمن جلب توجه بخش‌های دیگر جامعه مدنی، نهادهای رسمی و قانونی را بیشتر از همیشه وادار به پاسخگویی و مسئولیت پذیری کرد؛ نقطه‌ای که امید می‌رود در نهایت به تامین همه خواسته‌های قانونی نسرین ستوده و دیگر زندانیان عقدیتی ایران بینجامد .

در این پیروزی هرچند مقاومت نسرین ستوده بیشترین سهم را داشته، اما نمی‌توان به نقش کنشگرانی که سرانجام از خانه بیرون آمدند و با مراجعه به مراجع قانونی از او حمایت کردند، اشاره نکرد . همچنین، تلاش روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر در خارج از ایران که با انتشار اخبار اعتصاب غذای او کوشیدند توجه جامعه جهانی را به این موضوع جلب کنند و با امضای نامه‌های درخواست مقامت ایرانی را وادار به واکنش کنند، بی‌تاثیر نبوده است .

حسین باستانی، روزنامه‌نگار، در تحلیلی علت پیروزی این حرکت را این‌طور ارزیابی می‌کند : « اعتصاب غذای موفق نسرین ستوده برای رفع ممنوع الخروجی دخترش، نمونه‌ای از الگوی منطقی " مقاومت نامحدود، هدف محدود " در حرکت‌های مدنی است . تجربه جهانی حرکت‌های مدنی اثبات کرده که این، موفق‌ترین الگو برای کسب نتایج عینی و ملموس است و مبنای آن، پایداری شدید برای دستیابی به اهدافی کوچک و دست‌یافتنی است . الگویی که در مقابل آن، الگوهای مبهم و ناموفقی چون " مقاومت محدود، هدف محدود " ، " مقاومت نامحدود، هدف نامحدود " و از همه واهی‌تر، الگوی " مقاومت محدود، هدف نامحدود " قرار دارند که بارها توسط فعالان ایرانی به کار گرفته شده و به نتیجه نرسیده‌اند .»

—

مدافعان حقوق بشر زندانی را آزاد کنید

2012-12-10 · Archive ID 1504
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1504

عرصه سوم- دهم دسامبر روزجهانی حقوق بشر است. روزی که در سال 1948 مجمع عمومی سازمان ملل اعلامیه جها نی حقوق بشر را تصویب کرد. این اعلامیه شامل 30 ماده است و تمام حقوق بنیادی و برابر مردم

را از منظر سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و مدنی در سراسر دنیا بدون توجه به تفاوت ها و مشخصات دیگر آنها دربرمی گیرد. بر طبق ماده یک این اعلامیه تمام ابنای بشر درهرکجا که باشند آزاد زاده شده و درحرمت و حقوق انسانی با هم برابرند. بر مبنای ماده دوم این اعلامیه افراد از هر نژاد، رنگ ، جنسیت ، زبان، مذهب ، عقاید سیاسی ، وضعیت زندگی و محل تولد و غیره سزاوار برخورداری از تمام حقوق خود در خانه و جامعه هستند، که برای داشتن یک زندگی آزاد و انسانی دردنیای امروز به آن نیاز دارند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک سند معتبر بین المللی است و در بیشتر کشورهای جهان از مفاد این اعلامیه در تدوین قوانین کشوری، قضایی و شهروندی اسفاده شده است. به این ترتیب عدم رعایت آن از طرف بعضی از کشورها به معنای نقض حقوق بشر و تبعیض علیه شهروندان جامعه ای است که درآنجا زندگی می کنند. دردنیای امروزهردولت و دستگاه قضایی وظیفه دارد در جهت دفاع و ارتقا موازین حقوق بشری تلاش کند. و هم موارد نقض حقوق بشر را پیگیری واز حقوق شهروندان خود دفاع کند.

هم چنین سازمان ها و جنبش های حقوق بشری درکنار نهادهای رسمی قضایی هر کشور وظیفه آگاهی رسانی و دفاع از مردم و افرادی که به نوعی قربانی نقض حقوق بشر شده اند را برعهده دارند. مدافعان، نهادها و جنبش جهانی حقوق بشر نقش مهمی در روند ایجاد دموکراسی و صلح در کشورهای دیکتاتور زده و رژیم های استبدادی بازی کرده اند. و در پیشبرد مبارزه علیه خشونت و سرکوب مردم همواره پیشگام و پیگیر بوده اند. ایجاد حساسیت، آگاهی و آموزش مداوم مردم در زمینه اشنایی آنان با حقوق شهروندی یکی از وظایف مدافعان حقوق بشر است . آنان دراغلب کشورها با تشکیل نهاد های مردمی و داوطلبانه برای اطلاع رسانی و دفاع از حقوق افراد به میدان آماده اند.

اما در ایران ما هم چنان شاهد افزایش نگران کننده نقض حقوق بشر شهروندان در زمینه های مختلف و هم آزار و اذیت کنشگران مدافع حقوق مردم هستیم. در شرایط کنونی گروه قابل توجهی از آنان از جمله جمعی از وکلا و فعالان مدنی تنها به جرم دفاع از موکلان یا تلاش برای ایجاد جامعه ای آزاد و بدون تبعیض در زندا ن های ایران در حبس اند.

بنیاد عرصه سوم ضمن تبریک این روز جهانی از همه مدافعان حقوق بشر می خواهد که برای گسترش فرهنگ حقوق بشری درایران و آزادی تمام مدافعان مدنی درایران از پای ننشینند.

سازمان مجموعه فعالان حقوق بشر درایران به مناسبت دهم دسامبر با انتشار بیانیه ای خواهان پایان دادن به نقض حقوق بشر درجمهوری اسلامی و آزادی تمام کنشگرانی است که به جرم دفاع از حقوق انسانی و به حق مردم به زندان افتاده اند. متن این بیانیه را دراینجا می خوانید.

خبرگزاری هرانا – دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر مصادف با روزجهانی حقوق بشر و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر با صدور بیانیه ای نگرانی خود را از افزایش روزمره فشار بر مدافعان حقوق بشر در ایران ابراز داشت.

مجموعه فعالان حقوق بشر در این بیانیه میگوید حکومت ایران نه تنها امنیتی برای فعالان حقوق بشری و کار ارزشمند آنان که می‌کوشند به نحوه غیر خشونت آمیز یک یا همه حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را محقق کنند؛ متصور نیست بلکه خود دولت نخستین دشمن و تهدید کننده این افراد تلقی می‌شود.

در ادامه بیانیه این گروه آمده است حکومت ایران برای جلوگیری از جمع آوری و انتشار اطلاعات سرکوب اعتراضات پس از انتخابات از سوی مدافعان حقوق بشر اقدام به تعقیب، بازداشت و محاکمه فعالان حقوق بشر نموده است و با غیرقانونی خواندن، کانون مدافعان حقوق بشر، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، کمیته گزارشگران حقوق بشر، کمپین یک میلیون امضا، کمیته مبارزه با سانسور زمینه را برای برخورد با افرادی که اقدام به ارتباط با این گروه‌ها می‌کردند را نیز فراهم نموده است.

بر اساس آمار اعلام شده پس از وقایع سال ۸۸ بیش از ۱۲۰ تن از فعالان مستقل(فردی) و گروهی از سوی دستگاه امنیتی و قضایی بازداشت شدند و هم اکنون محمد علی دادخواه، عبدالفتاح سلطانی، محمد سیف‌زاده، عبدالرضا تاجیک، نسرین ستوده، رضا شهابی، رسول بداقی، ابوالفضل عابدینی نصر، محمد حسن یوسفی

پورسیفی، محمد صدیق کبودوند، مهدی خدایی، نصور نقی‌پور، محبوبه کرمی، حسین رونقی ملکی، شیوا نظرآهاری، نوید خانجانی، ایقان شهیدی و بهاره هدایت از جمله فعالین حقوق بشری هستند که در حال حاضر در زندان بسر می‌برند.



مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در پایان این بیانیه آورده است: "تا زمانی که مدافعان حقوق بشر در ایران از سوی آن حکومت در معرض تهدید و بدرفتاری قرار بگیرند باور اعتنا و اعتقاد آن حکومت به مقاوله نامه‌های بین المللی و معاهدات حقوق بشری ممکن نخواهد بود."

این مجموعه هم چنین از جامعه بین الملل و در راس آن شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و بخصوص گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران خواست تا ضمن الوییت دادن به مشکلات مدافعان حقوق بشر در ایران بخصوص آزار و تعقیب آنان از سوی حکومت ایران از تمامی راهکارها و اختیارات لازم برای ترغیب دولت به پایان دادن به این روند با عنایت ویژه به آزادی مدافعان حقوق بشر بهره گیرد.

متن کامل این بیانیه به نقل از پایگاه رسمی این گروه بشرح زیر است:

روز جهانی حقوق بشر/ مدافعان ایرانی آن همچنان در بند

شصت و چهار سال پیش در سال ۱۹۴۸، زمانی که طرف‌های درگیر در جنگ جهانی در اواسط قرن بیستم از ویرانی های جنگ به ستوه آمده بودند تنها راه خلاصی از این وضعیت را در تصویب میثاقی در بین ملت‌ها که تضمین کننده حقوق و آزادی‌های برابر برای همه انسان‌ها باشد؛ دیدند. با تصویب این اعلامیه سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی برای آموزش و بسط نخستین سند زنده و میراث بشریت شکل گرفتند از این رو برای حصول اطمینان از رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر فعالیت مدافعان حقوق بشر اهمیت برجسته پیدا کرده است، این مدافعان اغلب به عنوان تنها نیروی موجود میان مردم و قدرت مطلقه مهار نشده حکومت قرار می‌گیرد، حضور این افراد برای توسعه فرایندها و نهادهای دمکراتیک و در نهایت ارتقای حقوق بشر حیاتی است.

تعریف حقوق و امنیت این فعالان توسط سازمان ملل متحد طی اعلامیه "حقوق و مسئولیت افراد، گروهها و نهادهای اجتماعی، ارتقاء و حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مورد وثوق جامعه جهانی" مورد تائید و تاکید قرار گرفته است، طبق ماده ۲-۱۲ این سند، حکومت ها باید کلیه تدبیرهای لازم را به کار گیرد تا حمایت مراجع ذیصلاح از همه افراد به صورت فردی و گروهی در برابر خشونت، تهدید، اقدامات تلافی جویانه، تبعیض منفی عملی و یا قانونی، فشار یا هرگونه اقدام خودسرانه دیگر در پی استفاده مشروع و قانونی این افراد از حقوق مذکور در اعلامیه حاضر، تضمین کنند.

با این حال در کشور ایران نه تنها امنیتی برای این افراد و کار ارزشمند آنان که می‌کوشند به نحوه غیر خشونت آمیز یک یا همه حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را محقق کنند؛ متصور نیست بلکه خود دولت نخستین دشمن و تهدید کننده این افراد تلقی می‌شود.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، که خود از قربایان سیاست برخورد دولت ایران با مدافعان حقوق بشر بخصوص در طی سالهای اخیر بوده است ضمن گرامی داشت سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر نگرانی خود را از افزایش روزمره فشار بر مدافعان حقوق بشر اعلام می‌دارد و توجه سازمان‌ها و نهادهای بین المللی را به حجم بالای دشورای‌های که در سالهای اخیر متوجه مدافعان ایرانی حقوق بشر شده است را جلب میکند.

پس از سرکوب‌های بی‌امان اعتراضات مسالمت آمیزی که در اعتراض به نتایج انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ایران شکل گرفت حکومت ایران برای جلوگیری از جمع آوری و انتشار اطلاعات این سرکوب‌ها از سوی مدافعان حقوق بشر اقدام به تعقیب، بازداشت و محاکمه فعالان حقوق بشر نموده و با غیرقانونی خوندان تشکیلات آن‌ها زمینه را برای برخورد با افرادی که اقدام به ارتباط با این گروه‌ها می‌کردند را نیز فراهم نمود. کانون مدافعان حقوق بشر، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، کمیته گزارشگران حقوق بشر، کمپین یک میلیون امضا، کمیته مبارزه با سانسور از جمله گروه‌هایی بودند که مورد غضب حاکمیت قرار گرفته و به بدترین شکل سرکوب شدند.

بر طبق آماری که پس از وقایع سال ۸۸ تاکنون جمع آوری شده است که مطمئنا دربرگیرنده کلیه موراد برخورد با فعالان مستقل(فردی) و گروهی حقوق بشر نیست بیش از ۱۲۰ تن از ایشان بازداشت شدند و هم اکنون محمد علی دادخواه، عبدالفتاح سلطانی، محمد سیف‌زاده، عبدالرضا تاجیک، نسرین ستوده، رضا شهابی، رسول بداقی، ابوالفضل عابدینی نصر، محمد حسن یوسفی پورسیفی، محمد صدیق کبودوند، مهدی خدایی، نصور نقی‌پور، محبوبه کرمی، حسین رونقی ملکی، شیوا نظرآهاری، نوید خانجانی، ایقان شهیدی و بهاره هدایت از جمله فعالین حقوق بشری هستند که در حال حاضر در زندان بسر می‌برند.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در این رابطه دولت ایران را به برداشتن گام‌های ضروری در جهت بهبود وضعیت نا امن مدافعان حقوق بشر در ایران فرامی خواند، به باور این تشکل آزاد کردن بی‌قید و شرط تمامی مدافعان حقوق بشر و پایان دادن به تعقیب و آزار مدافعان حقوق بشر از نخستین و ضروری‌ترین بخش‌های این رویه خواهد بود. این تشکل به دولت ایران یادآور می‌شود تا زمانی که مدافعان حقوق بشر در ایران از سوی آن حکومت در معرض تهدید و بدرفتاری قرار بگیرند باور اعتنا و اعتقاد آن حکومت به مقاوله نامه‌های بین المللی و معاهدات حقوق بشری ممکن نخواهد بود، این مجموعه هم چنین از جامعه بین الملل و در راس آن شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و بخصوص گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران نیز می‌خواهد تا ضمن الوییت دادن به مشکلات مدافعان حقوق بشر در ایران بخصوص آزار و تعقیب آنان از سوی حکومت ایران از

تمامی راهکارها و اختیارات لازم برای ترغیب دولت به پایان دادن به این روند با عنایت ویژه به آزادی مدافعان حقوق بشر بهره گیرد.

دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

دوشنبه ۲۰ آذر ۹۱ برابر با ۱۰ دسامبر ۲۰۱۲

—

کارزارهنرمندان وکنشگری

2012-12-11 · Archive ID 1508
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1508

«وقت آن رسیده است که ما به آن‌ها (هنرمندان) یادآوری کنیم که عضویت در هر جامعه‌ای، اعم از ایرانی، جامعه هنرمندان یا همین جامعه مجازی، در کنار منافعی که برای‌شان دارد، وظایفی نیز بر عهده‌شان می‌گذارد که شانه خالی کردن از زیر آن‌ها، موجب از دست رفتن منافع‌شان می‌شود و انفعال فرصت‌طلبانه آنان از چشم مخاطبان‌شان پنهان نیست.»
در میان پیج‌های پرشمار فیس‌بوک، کم نیستند صفحه‌هایی که به کمپین‌های مختلف در سراسر جهان اختصاص دارند. در میان صفحه‌های مجازی فارسی‌زبانان نیز کمپین‌های بسیاری به چشم می‌خورند که در راستای تلاش برای انجام فعالیت‌های مدنی در ایران و هم‌چنین در میان ایرانیان خارج از کشور ایجاد شده‌اند. کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت » یکی از این کارزارهاست که در مرداد ماه سال 1390، کار خود را در فیس‌بوک آغاز کرده است.

آنچه در آغاز این گزارش خواندید هم بخشی از اعلامیه این کمپین است.

در بخش دیگری از اعلامیه هنرمندان آمده است: «... شاهدیم که گروه وسیعی از هنرمندان محترم کشورمان که برای اکران نامناسب فیلم‌شان، سانسور شدن بخشی از اثرشان، پخش نشدن تبلیغ اثرشان از تلویزیون، به تعویق افتادن قسط دست مزدشان و مسایلی از این دست، بی‌محابا فریاد می‌کشند و برای احقاق حق شخصی خودشان از هر فرصتی برای اعتراض و انتقاد در رسانه‌ها و جلب توجه مردم به مشکل‌شان استفاده می‌کنند، آن‌جا که پای همکاران‌شان در میان است به تماشاگران بی‌عمل فاجعه تبدیل شده‌اند.»
یکی از گردانندگان صفحه کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت» درباره این اعلامیه و انگیزه‌های شکل‌گیری این کمپین می‌گوید: «این صفحه و کارزار، به همت چند نفر از هنرمندان و هنردوستان، به انگیزه شکستن سکوت هنرمندان و جلوگیری از بی‌تفاوتی نسبت به فشارها و بازداشت‌ها که گریبانگیر هنرمندان مردمی بوده، ایجاد شده است.»
استقبال کاربران، سکوت کمپین

صفحه کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت» تا به‌حال توسط بیش از یازده هزار کاربر فیس‌بوک، «لایک» شده است. با وجود این اما نام آن در رسانه‌ها و حتی در میان فعالان مدنی و اجتماعی کم‌تر شنیده می‌شود.
پاسخ دهنده سؤالات بنیاد «عرصه‌سوم» از کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت» که می‌خواهد نامش محفوظ بماند، در این‌باره می‌گوید: «با وجود عدم حمایت رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها از کمپین، تاثیرات آن در جهت انعکاس اخبار، مشکلات و اعتراضات هنرمندان و اهالی فرهنگ، ملموس بوده است و امیدواریم که روزی هنرمندان ایران با اتحاد و انسجام در برابر هنر ستیزی، بی‌قانونی، فشار و سانسور بایستند تا شاهد رشد و تعالی فرهنگ و هنر و جایگاه والای هنرمندان در جامعه باشیم. مطمئنا اگر تبلیغ این کمپین در خبرگزاری‌ها یا صفحه‌های پربیننده شکل می‌گرفت، میزان استقبال به مراتب بیش‌تر می‌شد اما با وجود شرایط حاضر، استقبال هنرمندان، بسیار خوب ارزیابی می‌شود.»
او درباره علت آن‌چه عدم حمایت رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها از این کمپین می‌خواند و در پاسخ به این سوال که فکر می‌کنید چرا رسانه‌ها تا به‌حال به این کمپین نپرداخته‌اند نیز می‌گوید:

«عدم ارتباط موثر ما در این زمینه می‌تواند نقش داشته باشد. امید که رسانه‌های خودجوش مردمی نظیر این کمپین هم توسط رسانه‌های رسمی به حساب آیند.»

یکی از آخرین اقدامات عملی کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت»، فراخوان برای جلب حمایت اهالی فرهنگ و هنر و امضای بیانیه درخواست ا ز نسرین ستوده (وکیل دربند) برای شکستن اعتصاب غذا و درخواست از مسئولان برای رسیدگی به خواسته‌هایش بوده است. اعتصاب غذایی که با برآورده شدن خواسته‌های خانم ستوده، روز سه‌شنبه، چهاردهم آذر ماه، بعد از 49 روز شکسته شد.
این گرداننده صفحه کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت»، هم‌چنین در پاسخ به این سوال که چرا فیس‌بوک را برای فعالیت انتخاب کرده‌اید و فکر می‌کنید فعالیت‌های این‌چنین چه‌قدر می‌تواند بر توسعه جامعه مدنی در ایران تاثیر بگذارد، می‌گوید:
«فیس‌بوک رسانه‌ای رو به رشد است که تاثیرات چشم‌گیری در اطلاع‌رسانی و شکل‌گیری مناسبات اجتماعی و کنش‌های مدنی دارد. ایرانیان زیادی هم در این شبکه اجتماعی حضور دارند و این روند، رو به گسترش است. آگاهی بخشی در شرایط فعلی بسیار اهمیت دارد و فیس‌بوک در این زمینه امکان ارزشمندی است که می‌توان از آن بهره برد.»



چرا شکستن سکوت؟
در گفت‌وگو با گرداننده صفحه کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت»، از او می‌پرسیم که اسم این کمپین بر چه اساسی انتخاب شده است و آیا فکر نمی‌کنید که عبارت «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت» جذابیت چندانی برای تشویق کردن به همراهی نداشته باشد؟
او در پاسخ می‌گوید: «در شرایطی که کمپین شکل گرفت، هدف اصلی شکستن سکوت بود. شرایط خاصی که هنرمندان بزرگی چون محمدرضا شجریان، جعفر پناهی و ... تحت فشار و حمله بی‌هنران بودند. شاید اگر در شرایط آرام‌تری بودیم، عنوان بهتری انتخاب می‌شد. به هر حال ما تا زمانی که توان داشته باشیم برای اطلاع‌رسانی و نشر مشکلات و معضلات فرهنگی و هنری تلاش خواهیم کرد.»
او هم‌چنین درباره جلب بیش‌تر هنرمندان، آینده این کمپین و امکان و احتمال رسیدن آن به هدف‌های مطلوبش می‌گوید:
«ما آینده همه مردم ایران را آزاد می‌خواهیم و کشورمان را آباد و برای رسیدن به چنین آینده‌ای تلاش و مبارزه خواهیم کرد. حتما پیوستن بیش‌تر هنرمندان به این کمپین هم می‌تواند تاثیری اساسی در رسیدن به این آینده داشته باشد. شرایط ایده‌آل برای ما متحد شدن و هم‌صدایی هنرمندان در مقابل فشارها و از هم‌گسیختگی فرهنگی است. هنرمندان باید به این مهم برسند که نسبت به مسایل فرهنگی، هنری و اجتماعی خود بی‌تفاوت نباشند و از تاثیری که می‌توانند بر جامعه داشته باشند، غافل نشوند. متاسفانه حاکمان فعلی با ترویج بد اخلاقی‌ها (دروغ، دزدی، الفاظ رکیک، تهمت و ...)، فرهنگ جامعه را به سمت نامطلوبی پیش می‌برند. این کمپین قصد دارد با انعکاس این بد اخلاقی‌ها و درخواست از هنرمندان برای واکنش نسبت به این مسایل، نقش مورد نظر خود را ایفا کند.»

به اعتقاد گردانندگان صفحه کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت»، «هنرمند باید احساس مسوولیت داشته باشد و به مردمش ادای دین کند، چرا که بی مردم، هنر هنرمند معنا پیدا نمی‌کند.»
این عضو کمپین در این‌باره می‌گوید: «البته می‌توان با ابزار هنر تجارت کرد اما آن‌ها که نسبت به شرایط فرهنگی، هنری و اجتماعی بی‌اعتنا یا غافل هستند را تاجر هنر بنامیم، صحیح‌تر است چون هنرمند حقیقی خود را از مردم و جامعه جدا نمی‌داند و هنر فروشی نمی‌کند.»
این گرداننده صفحه کمپین «درخواست از هنرمندان برای شکستن سکوت»، درباره ایده‌های دیگر و فعالیت‌های آینده این کمپین نیز می‌گوید: «فکرها و ایده‌هایی مطرح شده است اما به دلیل این‌که گردانندگان کمپین، هر کدام گرفتاری‌های زیادی دارند، این ایده‌ها هنوز به انجام نرسیده‌اند.»

—

دو صندلی خالی به جای ستوده و پناهی درپارلمان اروپا

2012-12-13 · Archive ID 1512
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1512

عرصه سوم - با اعطای جایزه ساخاروف به نسرین ستوده و جعفر پناهی پارلمان اروپا بار دیگر با قدردانی از زحمات یک وکیل برجسته و یک کارگردان هنرمند نگرانی خود را از نقض شدید حقوق بشر درایران اعلام کرد. درمراسم اهدای جایزه در 12 دسامبر شیرین عبادی و عبدالکریم لاهیجی دو چهره بین المللی حقوق بشری، از طرف برندگان این جایزه را دریافت کردند. این درشرایطی است که نسرین ستوده در زندان اوین و جعفر پناهی ممنوع الخروج است. نسرین ستوده که پس از 49 روز اعتصاب غذا دراعتراض به آزار و اذیت خانواده اش از سوی مقامات قضایی در شرایط سختی بسر می برد، با ارسال پیامش که توسط شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل خوانده شد ، جایزه ساخاروف را به همه زندانیان سیاسی ، اقلیت های دینی و هم چنین عبدالفتاح سلطانی که به دلیل قبول وکالت و دفاع از او زندانی شده تقدیم کرد. بنیاد عرصه ضمن تبریک این جایزه به برندگان آن از همه مدافعان حقوق بشر درایران می خواهد که برای رهایی زندانیان سیاسی و عقیدتی درایران بکوشند و برای احقاق حقوق نسرین ستوده ، جعفر پناهی و دیگر آزادی خواهان اقدام کنند.

سایت ایران امروز جزییات اهدای جایزه ساخاروف و مصاحبه پارلمان اروپا با شیرین عبادی را منتشرکرده است که دراینجا می خوانید.

آذر ۱۳۹۱ / 12 دسامبر 2012

پارلمان اروپا امروز جایزه ساخاروف را به نسرین ستوده و جعفر پناهی اعطا کرد

به گزارش جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر) امروز در مراسمی که در ساعت 12:30 آغاز شد، پارلمان اروپا در شهر استراسبورگ جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه را به خانم نسرین ستوده و آقای جعفر پناهی اعطا کرد. خانم شیرین عبادی (گیرنده جایزه نوبل صلح ۲۰۰۳) و آقای عبدالکریم لاهیجی (نایب رییس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و رییس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران) به نمایندگی از خانم ستوده، آقای کوستا گاوراس، سینماگر و رییس سینماتک فرانسه، آقای سرژ توبیانا، فیلم ساز و مدیر عامل سینماتک فرانسه و خانم سولماز پناهی، دختر آقای پناهی، به نمایندگی از آقای پناهی در مراسم حضور داشتند.

در آغاز، آقای مارتین شولتز، رییس پارلمان اروپا، سخنرانی کرد و سپس خانم شیرین عبادی و آقای کوستا گاوراس سخنرانی کردند. خانم عبادی پیام خانم ستوده به پارلمان اروپا را خواند که در آن او با سپاس از دریافت جایزه، به نقض حقوق بشر، وضعیت زندانیان سیاسی در رژیم های دیکتاتوری، مبارزه برای آزادی و حقوق بشر در کشورهای عربی اشاره کرد و از جمله گفت: پیگرد مردم به خاطر عقایدشان باید متوقف شود. تنها رویای من تحقق عدالت است و به اعتقاد من این رویا با استقلال قوه قضاییه در کشور من متحقق خواهد شد. اما تا استقلال قوه قضاییه راهی طولانی مانده است. تا زمانی که فعالان سیاسی، وکلای دادگستری، معترضان انتخاباتی، اقلیت های مذهبی و قاچاقچیان مواد مخدر در دادگاه های انقلاب درپشت درهای بسته

محاکمه می شوند، استقلال قوه قضاییه به دور از دسترس است. راه حلی که به نظر من می رسد ایجاد یک دادگاه حقوق بشر در آسیا است تا شهروندان کشورهای آسیایی با رجوع به آن از استبداد جلوگیری کنند. او دریافت جایزه را به تمام زندانیان سیاسی، هم میهنان مسیحی و بهایی، معترضان انتخاباتی و عبدالفتاح سلطانی نیز به عنوان وکیل شجاع خود تبریک گفت.

آقای کوستا گاوراس نیز پیام جعفر پناهی را خواند که در آن به مرگ ستار بهشتی، وبلاگ نگار، و زندانی بودن وکلای حقوق بشری از جمله خانم ستوده اشاره شده بود. آقای پناهی محرومیت از فیلم سازی را به مرگ تدریجی تشبیه کرد.

سپس خانم ها شیرین عبادی و سولماز پناهی و آقایان مارتین شولتز، عبدالکریم لاهیجی، کوستا گاوراس و سرژ توبیانا در کنار تریبون قرار گرفتند و آقای شولتز لوح های جوایز خانم ستوده و آقای پناهی را روی دو صندلی خالی به نشانه حضور آنها قرار داد و مراسم با پخش سرود اروپا به پایان رسید.



وبگاه پارلمان اروپا پیش از مراسم، گفتگوی مشترکی با خانم شیرین عبادی و آقای عبدالکریم لاهیجی، نمایندگان خانم نسرین ستوده، انجام داده بود که در پایین می خوانید.

جایزه ساخاروف صدای گیرندگان آن را به سراسر جهان می رساند

• جایزه امسال ساخاروف بر وضعیت در ایران چه تاثیری دارد؟

شیرین عبادی: این جایزه توجه را به مبارزه زندانیان سیاسی در ایران، به ویژه وکلای زندانی، جلب می کند.

عبدالکریم لاهیجی: جایزه ساخاروف از یک سو یک پیام سپاسگذاری به زندانیان سیاسی ایران ارسال می کند و از سوی دیگر پیام همبستگی با مردمی است که از حقوق بشر و تمامی جامعه مدنی در ایران دفاع می کنند.

• به نظر شما این جایزه چه تغییری در زندگی برندگان آن به بار خواهد آورد؟

شیرین عبادی: جایزه ساخاروف به برندگان آن امکانی این را می دهد که صدایشان به سراسر جهان برسد. به لطف این جایزه، برندگان آن زودتر به اهداف خود خواهند رسید.

عبدالکریم لاهیجی: اکثر زندانیان سیاسی در ایران در انزوای کامل قرار دارند. آنها نه تنها برای تماس با جهان خارج بلکه برای داشتن تماس با خانواده هایشان مبارزه می کنند. در نتیجه، آنها نمی توانند پیامی به بیرون

ارسال کنند یا از رویدادهای بیرون اطلاع پیدا کنند. این جایزه پیامی مستقیم به زندانیان سیاسی، فعالان حقوق بشر و جعفر پناهی و نسرین ستوده است.

• به نظر شما اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا چه کار دیگری برای بهبود وضعیت در ایران می توانند انجام دهند؟

شیرین عبادی: اتحادیه اروپا باید نام های بیشتری را به فهرست سیاه ناقضان حقوق بشر در ایران بیافزاید؛ باید تحریم ها را بیشتر کند. اما تحریم ها باید هوشمند باشند؛ آنها باید بدون آسیب رساندن به مردم، حکومت را تضعیف کنند. یک پیشنهاد مشخص به پارلمان اروپا این است که مانع استفاده دولت ایران از ماهواره های اروپایی برای پخش برنامه های برون مرزی رسانه های دولتی شود.

عبدالکریم لاهیجی: در خرداد ماه آینده انتخابات ریاست جمهوری در ایران برگزار می شود. ما مایلیم ناظران بین المللی مراقب اوضاع باشند.

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (LDDHI):
lddhi@fidh.net
Twitter: fidh_fa
فیس بوک: http://www.facebook.com/lddhi.fidh

—

دریچه‌ای که به خانه‌های مردم باز می‌شود

2012-12-13 · Archive ID 1515
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1515

نعیمه دوستدار

هرچند خیلی از موضوعات مهم و روزمره در روزنامه‌های چاپ ایران امکان انتشار ندارند، اما بسیاری از شهروندان با مطرح کردن آنها در ستون‌های ارتباطی روزنامه‌های داخلی، به نوعی این مسائل را منتشر می کنند . علاوه بر این، خیلی از مسائل هم ممکن است به نظر مسئولان و حتی روزنامه‌نگاران جزئی و جنبه خبری نداشته باشند، اما شهروندان با آوردن مثال‌هایی دقیق از زندگی‌شان، اهمیت آنها را یادآوری می‌کنند . این تلاش ساده اما پیگیر شهروندان ایرانی را شاید بتوان زمینه‌ای برای پیگیری مطالبات کلان‌ترشان تلقی کرد؛ تمرینی برای حق‌خواهی و احساس مسئولیت شهروندی .

این هفته هم رسانه‌های ایران در ستون‌های ارتباطی خود از این دست مطالب منتشر کرده‌اند؛ دریچه‌ای که با ساده‌ترین جمله‌ها، به سمت پیچیده‌ترین مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران باز می‌شود .

خودتان فیلم بسازید !

در گیر و دار مشکلات فراوان اجتماعی و اقتصادی ، کمتر مجالی پیدا می‌شود که خوانندگان روزنامه‌ها به مسائل فرهنگی هم بپردازند، اما همچنان می‌شود نکته‌هایی از این دست را در روزنامه‌های ایران دید . در ادامه ماجراهای مربوط به نمایش فیلم " من مادر هستم " ، یکی از شهروندان که خود را از علاقه‌مندان به سینما معرفی کرده، در تماس با روزنامه اطلاعات گفته است :

" ممنوعیت پخش فیلم راه چاره نیست . درباره فیلم « من مادر هستم » ، باید بگویم طلاق در همه جوامع وجود دارد و گریبانگیر معدودی از افراد می‌شود؛ دزدی هم همین طور است . آیا نشان دادن دزدی یا خیانت در فیلم به معنی ترویج آنها در جامعه است؟ اگر چنین است دیگر نباید درباره ستمکاران و دیکتاتورهایی چون هیتلر فیلمی ساخته شود و به نمایش درآید . در فیلم، این آزادی وجود دارد که پدیده‌های مثبت و منفی نشان داده شود و بیننده درباره آنها به قضاوت بنشیند، ولی ممنوعیت پخش فیلم راه درمان نیست و اگر کسانی فکر می‌کنند به این مسائل نباید پرداخته شود، خودشان فیلم بسازند و ببینند که آیا می‌توانند دو ساعت افراد را در خانه نگه دارند و یا آنها را از تماشای ماهواره‌ها بازدارند؟ ایراد گرفتن از دیگران آسان‌ترین کارها است !"

حقوق ماهانه‌ای که صرف درمان می‌شود

گرانی دارو و هزینه‌های درمان هم درد دلی است که این هفته هم یک بیمار سرطانی آن را مطرح کرده : " سه سال است که به سرطان روده بزرگ مبتلا شده‌ام . به تازگی قیمت کیسه‌هایی که به کار می‌برم، بیش از سه برابر شده است و دیگر نمی‌توانم آن‌ها را به صورت بسته‌ای بخرم . داروخانه‌ها به صورت پنج تایی به فروش می‌رسانند . همین‌طور دستمال کاغذی که به صورت روزانه و مرتب استفاده می‌کنم، بسیار گران شده است و هرچه در می‌آورم، بابت دارو و درمان و پانسمان هزینه می‌شود ."

به این مشکلات البته باید مشکل تأمین لوازم توانبخشی معلولان را هم اضافه کرد که معمولا از یاد می‌رود . شهروندی از همدان در تلفن به خط ارتباطی روزنامه اطلاعات گفته : " نزدیك به دو یا سه سال است که سازمان‌های مسئول، باتری سمعك را به ناشنوایان معلول تحویل نمی‌دهند و مجبورم برای فرزندم، باتری را به نرخ آزاد تهیه کنم . لازم است مسئولان محترم به فکر خانواده‌های کم‌بضاعت که قادر به تأمین لوازم توانبخشی فرزندان معلول خود نیستند، باشند ."

مشکلات بازنشستگی، شغل و مسکن

مطالبات بازنشستگان هم موضوعی است که هر روز و هر هفته در روزنامه‌ها از سوی شهروندان مطرح می‌شود و هنوز کسی پاسخ‌گوی آن نیست . این هفته، از میان موارد زیادی که به این موضوع اشاره کرده بودند، درد دل یک خانم بازنشسته کشوری را از اصفهان انتخاب کردیم : " پرداخت ذره‌ای مطالبات کارساز نیست ! از قول ما به سازمان بازنشستگی کشوری بگویید ذره ذره و 200 هزار تومان 200 هزار تومان پرداختن مطالبات بازنشستگان، مشکلی را از آنان حل نمی‌کند و ضرورت دارد این مطالبات یکجا پرداخت شود تا با آن، لااقل بتوانند دندان‌هایشان را سالم کنند !"

یك شهروند از قزوین هم به جام جم می‌گوید : " به ما نیروهای تعیین تکلیف آموزش و پرورش نه حقوق پرداخت می‌شود و نه وضعیت شغلی ما مشخص می‌شود . از مسئولان ذی‌ربط می‌خواهیم با توجه به مشکلات و گرانی‌ها، زودتر تکلیف استخدامی و حقوقی ما را مشخص کنند ."

رضایی از بومهن در تماس با روزنامه جام جم به مسکن مهر و ماجراهای حاشیه‌ای آن پرداخته و مشکلش را چنین مطرح کرده : " قرار بود مسکن مهر به سرپرستان خانواده و مستاجران داده شود، ولی در عمل می‌بینیم چنین اتفاقی نیفتاده است . چرا؟ "



بیکاری دغدغه این روزهای نسل جوان و خانواده‌های ایرانی است . با وجود انتشار آمارهایی برای رفع بیکاری در ایران واقعیت‌های موجود حکایت دیگری دارند . در این زمینه، شهروندی در تماس با روزنامه خراسان درباره بیکاری جوانان هشدار داده است : " مسئولان یک ساعت مقابل یک چای خانه سنتی در ساعت ۱۱ ظهر بایستند تا ببینند که ۹۵ درصد مشتریان، جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله‌اند که از بیکاری مشغول کشیدن قلیان هستند . لازم نیست برای جمع‌آوری چای خانه‌ها اقدام کنید؛ فکری برای رفع معضل بیکاری جوانان کنید ."

چند هفته قبل، نیروی انتظامی در شهر مشهد اعلام کرد که برگزاری هرنوع کنسرتی در این شهر ممنوع است . در واکنش به این موضوع، یکی از شهروندان این شهر با روزنامه خراسان تماس گرفته و گفته است : " چرا در مشهد اجازه برگزاری کنسرت زنده را نمی دهید؟ در این شب‌های سرد تنها کاری که به ذهن جوانان برای تفریح کردن می‌رسد، کشیدن قلیان است؛ آیا بهتر نیست برای جوانانمان تفریحات سالم ایجاد کنیم؟ "

گرانی و مشکلات تغذیه

شهروند دیگری هم درباره مشکل تغذیه‌ای دانش‌آموزان و وعده‌های مسئولان با روزنامه خراسان تماس گرفته و گفته است : " خطاب به آقای دکتر محمد چینیان معاون سلامت آموزش و پرورش که فرموده است دانش آموزان روزی دو سه لیوان شیر مصرف کنند، سه ماه از سال تحصیلی گذشته است هنوز شیر برای دانش آموزان توزیع نشده است لطفاً این قدر احساس مسئولیت نکنید . گرانی اش هم پیشکش ."

تنزل کیفیت محصولات پدیده‌ای است که همزمان با افزایش قیمت‌ها ادامه دارد و کم و بیش به آن اشاره می‌شود . یک نفر با عنوان مصرف کننده لبنیات در این زمینه ابزار نظر کرده : " گهگاه تعزیرات حکومتی کارخانه‌های لبنیات را به دلیل گران‌فروشی و کم‌فروشی جریمه می‌کند، که آن‌ها هم با تکرار جرایم‌شان، انتقام آن را از مصرف‌کنندگان لبنیات می‌گیرند کما این‌که دیگر نه ماست موسیر آن‌ها طعم موسیر را می‌دهد و نه ماست نعناعی‌شان، طعم نعناع را ! به عبارت دیگر نه فقط به کم‌فروشی و گران‌فروشی‌هایشان ادامه می‌دهند، بلکه لبنیات بدون کیفیت سابق را در اختیار مصرف‌کنندگان می‌گذارند !"

از شهرتبریز، خواننده‌ای به نام حیدری درباره ضرری که به دلیل مشکلات اقتصادی ایران نصیبش شده می‌گوید : " به حرف مسئولان اقتصادی اعتمادی نیست ! وقتی مسئولان اقتصادی گفته‌اند که افزایش بهای سکه حبابی نیست، با مقدار پولی که از فروش مغازه‌ام به دست آورده بودم، یکجا سکه خریدم و حالا زیان فراوان دیده‌ام ! امثال من زیادند، کسانی که با اعتماد به سخنان برخی از مسئولان اقتصادی برنامه‌ریزی می‌کنند و نتیجه عکس می‌گیرند، چه کسی جوابگوی آنان خواهد بود؟ "

مصائب شهرنشینی در زمستان

یک شهروند هم در تلفن به خط ارتباطی توصیه‌ای به شهرداری تهران کرده است : " در شرایطی که با یك بارش کوتاه مدت باران، در خیابان‌های تهران سیل به راه می‌افتد و وضعیت ترافیك برهم می‌خورد و همچنین با توجه به ازدحام شدید واگن‌های مترو و لزوم افزایش تعداد آن‌ها و نیز با عنایت به این که در حال حاضر به تعداد کافی در تهران مسجد وجود دارد، آیا بهتر نیست شهرداری هزینه‌هایی را که برای ساخت مساجد جدید در تهران در نظر گرفته است، به حل مشکلات این شهر اختصاص دهد و احداث مسجد را به متولیان اصلی این کار و خیرین بسپارد؟ "

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-12-13 · Archive ID 1519
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1519

عرصه سوم- بخشی از آخرین اخبار هفته گذشته را درگزارش پیمان مجیدزاده می خوانید.

مدرسه ای دیگر طعمه حریق

چهارشنبه ۱۵ آذرماه جاری بر اثر آتش گرفتن بخاری نفتی در یک مدرسه ابتدایی دخترانه در پیرانشهر در استان آذربایجان غربی، ۳۷ دانش‌آموز دچار سوختگی شدند. سیران یگانه، یکی از دانش‌آموزان آسیب‌دیده در حادثه آتش‌سوزی مدرسه انقلاب اسلامی شین‌آباد پیرانشهر، عصر روز یکشنبه ۱۹ آذر در بیمارستان سینای تبریز فوت کرد. وضعیت سه دانش‌آموز دیگر بستری شده در این بیمارستان نیز وخیم گزارش شده است. در واکنش به این سانحه، رسول خضری، نماینده سردشت در مجلس شورای اسلامی، خواستار پاسخگویی دولت ایران شد و تاکید کرد که در هر جای دنیا چنین اتفاقی بیفتد، وزیر آموزش و پرورش استعفا می‌دهد. به گزارش ایران امروز ، بیش از هشتاد فعال سیاسی و مدنی، استاد دانشگاه و نمایندگان پیشین مجلس از شهرهای کردنشین کشور در بیانیه‌ای خواستار استعفای وزیر آموزش و پرورش شدند. امضاکنندگان این بیانیه هم‌چنین خواستار عزل و محاکمه مدیرکل آموزش و پرورش استان و رئیس آموزش و پرورش پیرانشهر و دیگر کارکنان مقصر و اهمال‌کار شده‌اند.

تفتیش و بازرسی از منزل محمد ملکی و احضار به اوین

صبح روز سه شنبه ۲۱ آذر ماه، منزل دکتر محمد ملکی فعال پر سابقه ملی-مذهبی مورد بازرسی و تجسس ماموران دادستانی جمهوری اسلامی قرار گرفت و وی به زندان اوین احضار گردید . آقای ملکی به‌تازگی با نوشتن نامه سرگشاده‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران، با انتقاد از تصمیمات و مدیریت او در بیش از دو دهه رهبری ایران خواستار استعفای او و برگزاری رفراندوم شده بود. این فعال ملی، مذهبی خطاب به رهبر عالی جمهوری اسلامی نوشته بود «شک نکنید، فردا نوبت شماست و این نوشته، آخرین پیام من به شماست.»

مشهد: منطقه کنسرت ممنوع!

رئیس پلیس امنیت عمومی خراسان رضوی اعلام کرده است که دیگر هرگز هیچ مجوزی برای برگزاری کنسرت در مشهد داده نخواهد شد. به نقل از روزنام ه بهار ناصر نجاریان با اعلام این خبر در نشست با خبرنگاران، دلیل این تصمیم را«حرمت به حرم رضوی» عنوان کرده و گفته است که از این پس به هیچ کنسرتی در مشهد اجازه

برگزاری داده نخواهد شد. کنسرت گروه آهنگ اشتیاق به سرپرستی علی قمصری آخرین کنسرتی بود که قرار بود، ۲۱ و۲۲ آبان به خوانندگی علیرضا قربانی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شود که ساعاتی قبل از اجرا لغو شد .

روز مبارزه با سانسور

کانون نویسندگان ایران در بیانیه ای به مناسبت روز ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور، خواستار آزادی بی قید و شرط اندیشه و بیان شد. به نقل از رادیوفردا این بیانیه با اشاره به آنچه دستگاه فراگیر سانسور نامید، نوشت که این دستگاه درصدد است تا اندک اقبال باقی مانده مردم به آثار هنری و ادبی را از آنها بگیرد و در عین حال بر فضای بی اعتمادی فعالان تولیدات هنر و ادبیات دامن می زند. کانون نویسندگان ایران همچنین به بازداشت فریبرز رییس دانا و منیژه نجم عراقی، دو عضو این کانون، اشاره کرده که به گفته این بیانیه به جرم عضویت در این تشکل ماه‌هاست در زندان بسر می‌برند. در این بیانیه به مرگ ستار بهشتی در زندان نیز اشاره شده و اظهار کرده این کارگر وبلاگ نویسِ معترض از متن توده مردم آمده بود و جانش را در دفاع از آزادی بیان از دست داد.

بازهم تعطیلی تهران در آستانه ۱۶ آذر، روز دانشجو

ادارات دولتی، دانشگاه‌ها و مدارس شهر تهران به دلیل افزایش آلودگی هو روزهای ۱۴ و ۱۵ آذر تعطیل شدند. وزیر بهداشت ایران در این زمینه گفت : "اگر تهرانی‌ها امکان خروج از پایتخت را دارند، بهتر است در این

شرایط آب و هوایی از تهران خارج شوند." این در حالیست که در آستانه پنجاه و نهمین سالروز ۱۶ آذر فضای امنیتی دانشگاه‌ها نیز تشدید شد. در همین زمینه سه گروه حقوق بشری و شیرین عبادی با صدور بیانیه مشترکی خطاب به مسئولان ایران، خواهان پایان سرکوب دانشجویان شدند. سازمان عفو بین الملل، شورای دفاع از حق تحصیل و گروه «عدالت برای ایران» به همراه شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، در این بیانیه خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ازجمله دانشجویان زندانی شده‌اند. به گزارش رادیوفردا ، نویسندگان بیانیه با اشاره بازداشت، محاکمه و محرومیت از تحصیل دائم یا موقت دانشجویان تاکید کرده اند که محرومیت دسترسی به آموزش بر پایه قومیت، جنسیت، اعتقادات و باورهای مذهبی، نقض حقوق بشر است.

دفتر تحکیم وحدت نیز با صدور بیانیه ای به مناسبت فرا رسیدن ۱۶ آذر، روز دانشجو را به جامعه دانشگاهی کشور تبریک گفت. این اتحادیه دانشجویی با اعتراض به سیاست های وزارت علوم در تفکیک جنسیتی در حدود ۶۰۰ کد-رشته دانشگاهی در بیش از ۶۰ دانشگاه کشور اضافه می کند "تفکیک و سهمیه‌بندی جنسیتی علیه زنان امروز لبه برنده تیغی است که گلوی دانشگاه را می‌برد. نگاه واپس‌گرایانه حاکمان به زن بیش از هر زمانی هویدا شده و دانشجویان دختر بیشترین سهم را از تبعیض و ظلم متحمل می‌شوند".

تعطیلی انجمن های اسلامی منتقد وگسترش نقش نهادهای دانشجویی وابسته به سپاه پاسداران مانند بسیج دانشجویی در حالی مورد انتقاد دفتر تحکیم وحدت قرار گرفته که نسبت به آیین نامه جدید وزارت علوم برای تعطیلی شوراهای صنفی دانشکده ها و تاسیس و گسترش دفاتر بسیج دانشکده ای هشدار می دهد.

بنیاد عرصه سوم در گزارشی جامع‌تر به وضعیت دانشجویان ایران در آستانه شانزدهم آذرماه پرداخته است.

نقض حقوق بشر، موضوع مذاکره با ایران

شیرین عبادی، حقوقدان و فعال حقوق بشر در همایش "رسانه و صداهای دیگر"، از اتحادیه اروپا خواست تا ماهواره‌های غیر فارسی زبان و برون مرزی، دولت ایران را تحریم کند. در این میزگرد که روز ۳۰ نوامبر، به همت رادیو زمانه و با حضور کارشناسان و سیاستمداران هلندی در آمستردام برگزار شد، خانم عبادی با اشاره به محدویت آزادی بیان در ایران، از آن به عنوان «کلید دموکراسی» نام برد و تاکید کرد: "در دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی، همیشه آزادی بیان در ایران با محدودیت همراه بوده است." به گزارش رادیو زمانه ، این فعال حقوق بشر، با اشاره به اینکه مردم ایران در شرایط بد اقتصادی به‌سر می‌برند توضیح داد تحریم‌هایی که از سوی اروپا در پیوند با ایران اعمال می‌شود، باید هوشمندانه باشد و فقط عرصه عمل دولت جمهوری اسلامی را محدود کند و به مردم آسیبی نرساند. وی تاکید کرد که اتحادیه اروپا نباید رابطه خود را با تهران تنها بر مبنای مذاکراتی در مورد غنی‌سازی اورانیوم تنظیم کند؛ چراکه اصل، وضعیت حقوق بشر در ایران است. او همچنین با جنگ مخالفت کرد، بر مذاکره تأکید وزرید و این که حقوق بشر باید محور اصلی مذاکرات باشد. این در حالیست که طبق گزارش سالانه «کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران »، ایران با داشتن ۴۵ روزنامه نگار زندانی، دومین زندان بزرگ خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در جهان لقب گرفت.

افزایش قیمت ها

پس از افزایش نرخ بلیت شرکت های هواپیمایی، این بار نوبت به راه آهن رسید. مدیر عامل یکی از شرکت‌های حمل و نقل ریلی در ایران از افزایش قیمت بلیت قطارها تا ۲۰ درصد خبر داده است. این درحالی است که شرکت راه آهن ایران اعلام کرده این افزایش قیمت به‌طور متوسط حدود ۱۲ درصد است. به نقل از مردمک شرکت راه آهن اعلام کرده است که کمتر از ۵۰ درصد قطارها مشمول افزایش قیمت شده‌اند و حدود ۳۲ درصد آن مربوط به قطارهای محلی بوده است.

از سوی دیگر مرکز پژوهش های مجلس نیز با بررسی قیمت مکالمات تلفنی، از افزایش تعرفه مکالمات تلفن ثابت تا سقف ۱۶۳درصد از ابتدای اسفند ۹۰ خبر داد . براساس مصوبه ای که در کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات به تصویب رسیده است، پهنای باند اینترنت نیز از این پس با افزایشی حدود ۷۰درصد در قیمت تمام شده در اختیار توزیع کنندگان اینترنت در کشور قرار می‌گیرد.

اهدای جایزه حقوق بشر ساخاروف به برندگان غایب

مراسم اهدای جایزه ساخاروف ۲۰۱۲ یا جایزه حقوق بشر اروپا، بدون حضور نسرین ستوده و جعفر پناهی، برندگان ایرانی این جایزه برگزار شد . در این مراسم که روز چهارشنبه در پارلمان اتحادیه اروپا در استراسبورگ فرانسه برپا شد، شیرین عبادی، فعال حقوق بشر و برنده ایرانی جایزه صلح نوبل، از طرف نسرین ستوده، وکیل مدافع زندانی در ایران، جایزه او را دریافت کرد و پیام خانم ستوده را نیز قرائت کرد. خانم ستوده در این پیام گفته است : «من تنها یک رویا دارم، رویای تحقق عدالت و براین باورم که این رویا توسط استقلال حقوقی در کشورم برآورده خواهد شد. دولت‌ها باید بدانند که برای حفظ موجودیت خود، هیچ انتخابی جز رعایت حقوق فردی ندارند».

این وکیل ایرانی که در حال حاضر در زندان به سر می‌برد، جایزه خود را به تمامی زندانیان سیاسی و اقلیت‌های دینی و به ویژه عبدالفتاح سلطانی که او را وکیل «حاذق و شجاع» توصیف کرده، تقدیم کرده است. او در این پیام می‌گوید که به نام دین اسلام، دینی که خودش پیرو آن است به اقلیت‌های دینی به ویژه بهایی‌ها و مسیحی‌ها تبعیض روا داشته می‌شود. در مراسم اهدای جایزه ساخاروف، کوستا گاوراس (Costa Gavras)، فیلمساز یونانی نیز پیام جعفر پناهی را این‌گونه قرائت کرد: "این جایزه را تقدیم می کنم به تمام میاران گمنام راه آزادی و تمام کسانی که در سرتاسر جهان برای صلح تلاش می کنند". در پایان مراسم اهدای جایزه ساخاروف به برندگان غایب این جایزه، بخشی از سمفونی شماره ۹ بتهوون که به‌عنوان سرود رسمی اتحادیه اروپا انتخاب شده است، نواخته شد.

بنیاد عرصه سوم در یادداشتی مفصل به تشریح جزییات این مراسم پرداخته است.

چند خبر خوش

به گزارش رادیو زمانه ، کیفرخواست متهمان کهریزک بالاخره صادر شد. سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهران؛ حسن زارع دهنوی مشهور به قاضی حداد، معاون وقت امنیت دادستان تهران و علی‌اکبر حیدری‌فر، قاضی شعبه اول دادیاری دادگاه انقلاب سه مقام قضایی هستند که شهریور ۱۳۸۹ در رابطه با پرونده کهریزک از کارشان تعلیق شدند. از این سه مقام قضایی به‌عنوان متهمان پرونده بازداشتگاه کهریزک که در آن امیر جوادی‌فر، محسن روح‌الامینی و محمد کامرانی سه جوان معترض به نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران کشته شدند، نام برده می‌شود.

نخستین جشنواره توان یابان و فضای مجازی در ایران

نخستین جشنواره «توان یابان و فضای مجازی» به همت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعـــد و با مشارکت پرشین بلاگ و سلامت نیوز و شمعدانی همزمان با روز جهانی معلول برگزار می شود. به گزارش مدرسه عرصه سوم ، صدیقه اکبری دبیر نخستین جشنواره توان یاب و فضای مجازی با اعلام این خبر شناسایی و معرفی توانمندی‌های توان یابان در فضای مجازی، افزایش کیفی و کمی حضور توان یابان در فضای رسانه ای مجازی و تجلیل از فعالان توان یاب در فضای سایبر را از مهم‌ترین اهداف برگزاری این جشنواره برشمرد.

نقاش زنان ایرانی در بروکسل

بیش از ۸۰ اثر از ۴۰ زن نقاش ایرانی که برخی از آن‌ها تاکنون به نمایش گذاشته نشده‌اند در نمایشگاهی در بروکسل گردآوری شده و در معرض دید علاقمندان قرار گرفته‌اند. به نقل از رادیو زمانه ، این نمایشگاه با عنوان UNEXPOSED (نمایش داده‌نشده) که از ۹ نوامبر تا ۲۵ دسامبر ۲۰۱۲ در سالن Tour & Taxis بروکسل دایر است، توسط فری مالک مدنی، یکی از زنان ایرانی‌تبار ساکن بلژیک برگزار شده است. فری مالک مدنی بیش از یک سال پیش در اقدامی جالب در شبکه‌های اجتماعی فراخوانی منتشر کرد و از نقاشان زن ایرانی خواست تا برای شرکت در چنین نمایشگاهی خود را معرفی کنند. شرکت‌کنندگان در این نمایشگاه می‌بایست ساکن ایران و متولد سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۱ می‌بودند.

دومین اسکار برای ایران؟

آکادمی اسکار فیلم جعفر پناهی را نامزد دریافت جایزه اعلام کرد. به گزارش ایسنا ، مستند "این یک فیلم نیست" ساخته مشترک مجتبی میرتهماسب و جعفر پناهی به فهرست اولیه نامزدهای بهترین آثار مستند اسکار

راه یافت. اعضای آکادمی اسکار از میان نامزدهای نخستین، پنج فیلم را روز دهم ژانویه به‌عنوان نامزدهای نهایی بهترین مستند جوایز اسکار ۲۰۱۳ انتخاب خواهند کرد.

—

جامعه مدنی درآینه اخبار

2012-12-18 · Archive ID 1524
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=1524

عرصه سوم- بخشی از آخرین اخبار هفته گذشته را درگزارش پیمان مجیدزاده می خوانید.

روز جهانی مهاجرت و آمار مهاجران ایرانی

امروز ۱۸ دسامبر، روز جهانی مهاجرت است. پس از حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ تاکنون، آمار مهاجران ایران به سایر کشورها روندی صعودی داشته. سازمان دیدبان حقوق بشر مستقر در ایالات متحده در گزارشی که روز جمعه، ۲۴ آذر، منتشر شد اعلام کرد که فعالان جامعه مدنی ایران در سه سال گذشته هدف «عملیاتی سرکوب‌گرانه» قرار داشته و بسیاری از آنها کشته یا دستگیر شده یا ناگزیر به خارج گریخته‌اند. در این گزارش ۶۰ صفحه‌ای که عنوان آن "چرا آن‌ها رفتند: روایت فعالان ایرانی در تبعید" است دولت ایران متهم شده که از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به بعد فشار بر مخالفان سیاسی، فعالان حقوق بشر، خبرنگاران و حتی وکلا را بیشتر کرده است. بر پایه این گزارش حدود ۴۵ هزار ایرانی در ۳ سال به ۴۴ کشور پناهنده شده‌اند.


MEHR

داستان تحریم ها و قربانیان آن در ایران، داستان تازه‌ای نیست و متاسفانه روزانه تعداد زیادی از هموطنانمان را به‌خصوص در زمینه تأمین دارو، دچار مشکلات فراوان و صدمات جبران ناپذیر می کند. تنها بازمانده هنر سیاه‌بازی ایران که چندین‌ماه است با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند این روزها به دلیل پوکی استخوان درد و رنج شدیدی را متحمل شده و توانایی مالی برای تهیه آمپول‌های مربوطه را ندارد.

سعدی افشار که این روزها در بستر بیماری است درباره وضعیت جسمانی خود به خبرنگار مهر گفت: شرایط جسمانی خوبی ندارم و درد بسیاری را تحمل می‌کنم. ماه‌ها است که پوکی استخوان دارم و باید آمپولی را به صورت ماهانه مصرف کنم که قیمتش یک میلیون تومان است. این بازیگر برجسته و مطرح نمایش‌های آیینی و سنتی که از شرایط موجود رنجیده خاطر است تصریح کرد: در خانه مانده‌ام و منتظر عزرائیل هستم تا به سراغم بیاید. در حمایت از وی، گروه تئاتر اندیشه که در حال حاضر نمایش "من سیاوش نیستم "را در تالار سنگلج روی صحنه دارد، بلیت‌فروشی اجرای یکشنبه ۲۶ و دوشنبه ۲۷ آذر خود را برای کمک به درمان این پیشکسوت تئاتر سیاه بازی ایران، اختصاص می دهد.

کمبود و گرانی دارو به دلیل تحریم ها جان کودکان بیمار را نیز بیش از پیش تهدید می کند. در همین زمینه انجمن حمایت از حقوق کودکان با صدور بیانیه ای مراتب نگرانی خود را نسبت به فرزندان بیمارخانواده هایی که شرایط مالی مناسبی ندارند و روزهای پر اضطراب وپر ملالی را سپری می کنند، ابراز کرده است.

اعتراض هنرمندانه به تحریم ها

هنرمند ایرانی، ساناز سهرابی، با همراهی گروه «هوار » و پروژه‌ی «زندگی تحریمی »، قرار است روز سه شنبه ۲۸ آذرماه در مقابل ساختمان مرکزی سازمان ملل در نیویورک به اجرای هنریِ «تحریم ها: جنگ خاموش» پرداخته و از آثار منفی تحریم‌ها روی دسترسی ایرانی‌ها به دارو بگوید. در این اجرا، خانم سهرابی ۲۶۰۰۰ کپسول خالیِ قرص را با داستانهای واقعی از بیماران ایرانی که زندگی‌شان دستخوش سختی‌های ناشی از تحریم شده پرکرده. کپسول‌های خالی را - که هر کدام یک برگه‌ی کاغذ و داستانِ یک بیمار را در خود جای داده - به شکل یک خط بر روی زمین می‌چیند. سپس نوارهایی از این کپسول‌ها را به مردمی که در حال رفت و آمد روزانه‌شان هستند داده و از آنها می‌خواهد که کپسول را باز کرده و داستان داخل آن را بخوانند. هدف نمایش «تحریم ها : جنگ خاموش»، رساندن این پیام است که: تحریم ها جان مردم ایران را به گروگان گرفته است؛ مخصوصا جان کودکان، زنان، بیمارانِ خاص، و سالمندان.

حادثه شین‌آباد و شکاف مسئولیت و پاسخگویی

آتش‌سوزی مدرسه‌ای در شین‌آباد و آسیب‌دیدن ۳۷ دانش‌آموز دختر دبستانی اتفاقی است که این روزها در همه‌جا شنیده می‌شود. از درگذشت «سیران یگانه» به علت درصد بالای سوختگی تا صحبت‌هایی در مورد استعفای حاجی‌بابایی، وزیر آموزش و پرورش. حادثه شین‌آباد دلیلی شد تا اقدامات و کم‌کاری‌های آموزش و پرورش یک بار دیگر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. کم‌کاری‌هایی که به گفته کارشناسان، منشاء آن شکاف عمیق بین مسئولیت و پاسخگویی بوده است. روزنامه بهار در گفتگو با احسان هوشمند، پژوهشگر کرد به تحلیل این واقعه پرداخته است.

در همین زمینه، کانون صنفی معلمان نیز با صدور بیانیه‌ای ضمن اعتراض به مسئولان به خاطر بروز حادثه تلخ آتش سوزی در مدرسه دخترانه شین آباد پیرانشهر از وضعیت نامناسب و اموزش و پرورش در ایران انتقاد کرده و خواستار استعفای وزیر آموزش و پرورش شده است. این بیانیه همچنین بر ضرورت تاسیس نهادهای مدنی مستقل از دولت در اموزش و پرورش تاکید کرده است.

نسرین ستوده مراتب قدردانی و سپاس خود رانسبت به دریافت جایزه ساخاروف، طی نامه‌ای از زندان اوین ابراز کرد. ستوده در این نامه مکانیسم‌های بین‌المللی برای پاسداری از حقوق بشر را ناکافی دانست و خواستار مکانیسمی شد که در آن حکومت‌ها برای حفظ خودشان ناگزیر به رعایت حقوق بشر برای تک‌تک شهروندان باشند. وی همچنین تأکید کرده که:"من یک رویا بیشتر ندارم; رویای تحقق "عدالت" و بر این باورم این رویا در کشوری که به من تعلق دارد جز با استقلال قضایی محقق نمی شود". متن کامل این نامه در سایت ایران امروز قابل مشاهده است.

از سوی دیگر، اعطای این جایزه حقوق بشری به ستوده و پناهی، موجب انتقاد مقامات ایرانی شده است. سخنگوی وزارت خارجه ایران روز یکشنبه در گفتگو با خبرنگاران از اعطای جایزه حقوق بشری ساخاروف به نسرین ستوده و جعفر پناهی انتقاد کرد و اعطای این جایزه را محصول نگرش گزینشی و ابزاری به مقوله حقوق بشر دانست.

نقش هیات های مذهبی در سرکوب های سال ۷۸ و ۸۸

حسین سازور از مداحان تهران با بیان اینکه هیات‌های مذهبی در سرکوب اعتراض‌های دانشجویی سال ۱۳۷۸ نقش داشته‌اند’ گفته است «زور بازوی» هیات‌ها در حوادث سال ۱۳۸۸ نیز به نمایش درآمد. به گزارش دیگربان آقای سازور این مطالب را در گفتگویی که از وی روز یکشنبه (۲۶ آذر) در «خبرگزاری دانشجو» وابسته به سازمان بسیج دانشجویی منتشر شده’ بیان کرده است. وی در این گفتگو به صراحت از نقش هیات‌های مذهبی در سرکوب اعتراض‌های دانشجویی سال ۱۳۷۸ و اعتراض‌های مردمی سال ۱۳۸۸ به نتیجه انتخابات سخن به میان آورده است.

توقیف وارش

پرتیراژترین روزنامه محلی استان مازندران "وارش" به‌صورت موقت توقیف شد. به گزارش رادیو زمانه ، علت توقیف این روزنامه به‌خاطر درج مطلبی در بخش معرفی مشاهیر مازندران و معرفی عمادرام و اشاره به مصاحبه او با آیت‌الله خمینی، رهبر انقلاب ایران و نیز انتشار آگهی اعلام گم شدن یک سگ در صفحه اول این روزنامه محلی، بوده است. عمادرام آهنگساز و خواننده اهل ساری مازندران بود که در سال ۱۳۸۲ خورشیدی در سن ۷۳ سالگی در کشور آلمان از دنیا رفت. عمادرام در سال‌های پایانی زندگی خود با "شورای ملی مقاومت" از گروه‌های مخالف حکومت جمهوری اسلامی همکاری می‌کرد.

نامه سرگشاده روزنامه نگاران ایرانی به رئیس قوه قضاییه

۱۱۷ روزنامه‌نگار ایرانی در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران خواستار مصون ماندن خانواده زندانی سیاسی، علی‌رضا رجائی از "تهدید، تجاوز و خشونت" شدند. به گزارش رادیو زمانه ، در این نامه روزنامه‌نگاران به نامه ابوالفضل قدیانی، زندانی سیاسی بند ۳۵۰ اوین به رئیس قوه قضائیه اشاره کرده‌اند که در آن وی از "برخوردهای کثیف برخی از بازجویان فاسدالاخلاق سپاه و وزارت اطلاعات" نوشته بود. ابوالفضل قدیانی در این نامه که روز چهارشنبه ۲۲ آذرماه انتشار بیرونی یافت، از اقدامات یکی از بازجویان اطلاعات سپاه با نام مستعار "اوسط" که گفته می‌شود نام اصلی او علی انواری است، نوشت و گفت وی بارها مزاحم خانواده علی‌رضا رجائی، عضو هیئت مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران که هم‌اکنون زندانی است، شده و آن‌ها را "تحت انواع فشارهای روحی و روانی" قرار داده است. قدیانی افزود این بازجو "اخیرا وقاحت و خباثت را به‌جایی رسانده که به همسر آقای دکتر رجائی گفته من ایشان را به زندان برازجان یا رجایی‌شهر تبعید می‌کنم و وقیحانه از وی خواسته از شوهرش طلاق بگیرد." روزنامه‌نگاران در نامه خود به رئیس قوه قضائیه نوشته‌اند: "خواست ما، پیگیری موضوع پیش گفته تا حصول به نتیجه است."

اصلاح قانون احزاب با مشورت حوزه علمیه و وزارت اطلاعات

نزدیک به دو هفته است که مجلس بررسی طرح اصلاح قانون انتخابات را در دست دارد که بحث و بررسی‌های فراوانی را با خود همراه کرده است. یکی از چالش‌برانگیزترین مواد این طرح بحث تعریف رجل سیاسی و مذهبی بود که البته طبق مصوبه نمایندگان مجلس تعریف «رجل سیاسی و مذهبی» همچنان در اختیار شورای نگهبان باقی ماند و جمع‌آوری امضا، تعیین شرط سنی و تحصیلی برای نامزدها ملغی شد. همچنین مجلس در ادامه بررسی‌های خود تصویب کرد که فرمانداران بابت دعوت از معتمدان مردمی نیازی به اخذ موافقت از رییس دادگستری نخواهد داشت به نظر می‌رسد این عقب‌نشینی مجلس از موضوع خود بی‌دلیل نبوده زیرا در حالی که محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در این رابطه اعلام کرده است که طرح فوق به انتخابات آتی ریاست‌جمهوری نمی‌رسد. اما علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی گفته که این طرح برای انتخابات آتی مفید واقع خواهد شد.

به هر حال هنوز بررسی طرح مورد نظر به اتمام نرسیده و جای بحث و بررسی فراوانی دارد اعضای کمیسیون شوراها در مجلس شورای اسلامی طرح دیگری تحت عنوان اصلاح احزاب در دست گرفته‌اند که تلاش‌شان بر این است تا برای انتخابات سال آتی در قالب قانون به کار آید. «جهان‌صنعت» گزارش تحلیلی مفصلی از روند این اصلاحیه ارایه داده است که مطالعه آن خالی از لطف نیست.

آیت الله خامنه ای هم فیسبوکی شد!

آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز فیسبوکی شد. صفحه فیسبوک آقای خامنه ای نشان می دهد که او در ۲۳ آذر، ۱۳ دسامبر به این شبکه پیوسته است. دفتر آیت‌الله خامنه‌ای از چند سال پیش، فعالیت در دنیای مجازی را آغاز کرده است. دفتر رهبر جمهوری اسلامی،به جز راه انداختن وبسایت، حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی توئیتر و اینستاگرام نیز ایجاد کرده است. به نقل ا ز رادیوفردا ، صبح دوشنبه ۲۷ آذر، حساب کاربری «خامنه‌ای دات آی آر» در توئیتر، خبر ایجاد صفحه فیس بوک آیت‌الله خامنه‌ای را اعلام کرد. توئیتر «خامنه‌ای دات آی آر» را، بیش از ۷۲ هزار نفر دنبال می‌کنند. این حساب کاربری تاکنون بیش از ۳۲ هزار توئیت داشته است. این در حالی است که شبکه‌های اجتماعی «فیس بوک» و «توئیتر» در جریان اعتراض‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران فیلتر شدند. در ایران دستیابی بدون فیلتر شکن به این دو سایت امکان‌پذیر نیست. در دادگاه‌های موسوم «کودتای مخملی»، دادستان به ویژه از فیس بوک به عنوان ابزار دشمنان یاد کرده بود.

چند خبر خوب

تقدیر از بهرام بیضایی

بهرام بیضایی فیلمساز مطرح ایرانی که بیش از دو سال است مشغول تدریس در دانشگاه استنفورد است به تازگی نشان «میراث فرهنگ» این دانشگاه را به پاس یک عمر تلاش برای اعتلای فرهنگ و هنر ایران زمین دریافت نمود . در متن بیانیه دانشگاه استنفورد درباره این نشان آمده است:«به پاس ازخودگذشتگی در راه هنر و سهم فراوان در اعتلای تئاتر نوین ایران و عشق به زیبایی‌شناسی و فرهنگ ایران‌زمین و نقش محوری در موج جدید سینمای ایران، بنیاد فرهنگ مفتخر است در به رسمیت‌شناختن سهم چشمگیر بهرام بیضایی و افرادی مانند او، که زندگی خود را در راه پیشرفت هنر و فرهنگ ایران اختصاص داده‌اند، نشان میراث‌فرهنگ را به ایشان اهدا کند.»

تهران زیبا

سومین دو سالانه نمایشگاه مجسمه های شهری با نمایش ۱۸۰ اثر از ۱۷۲ هنرمند با یادی از هنرمندان فقید این عرصه 'بیژن نعمتی شریف' و 'عربعلی شروه' در نگارخانه برگ تهران آغاز یه کار کرد. به گزارش ایرنا ، رییس اداره حجم سازمان زیباسازی در مراسم افتتاح این دوسالانه گفت: سومین دوسالانه مجسمه های شهری با آثار زیبایی از هنرمندان، بهتر و قوی تر از سالهای قبل برگزار شده است. وی با اشاره به اینکه دوسالانه مجسمه سازی محلی برای تبادل نظر و اطلاعات میان هنرمندان به حساب می آید، افزود: حضور هنرمندان و استقبال آنها از این موضوع اعتبار قابل قبولی برای هنر شهری به همراه داشته است. بنابر این گزارش، قرار است در بهار ۹۲ سمپوزیوم مجسمه شهری چوب نیز برگزار شود.

ملاقات زوج روزنامه نگار زندانی پس از ۴ ماه

پس از گذشت ۴ ماه، ژیلا بنی یعقوب و بهمن احمدی امویی زوج روزنامه نگار دربند روز پنجشنبه گذشته در دادسرای شهید مقدسی مستقر در زندان اوین با یکدیگر ملاقات کردند . به گزارش کلمه، پیش از ۴ ماه بود که این زوج روزنامه نگار از ملاقات با یکدیگر محروم بودند که نهایتا روز پنجشنبه با مساعدت دادستان، بهمن احمدی امویی که در حال حاضر در زندان رجایی شهر دوران محکومیت خود را سپری می کند برای ملاقات با همسرش که در اوین زندانی است به این زندان آورده شد. بهمن احمدی امویی از زمانی که همسرش به زندان اوین رفته ملاقات کننده‌ای نداشته، چرا که خانواده او در شهرستان زندگی می‌کنند و مادر ۸۰ ساله‌اش به دلیل بیماری قادر نیست برای دیدار او به زندان رجایی شهر کرج مراجعه کند.

تلاش برای احیای ورزش های باستانی

حکم انتصاب محمدرضا طالقانی به عنوان سرپرست فدراسیون ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی ابطال نشد و او حالا برخلاف بار قبلی وارد دومین هفته از دوران مسئولیتش می‌شود. به گزارش دویچه وله ، طالقانی که از مدیران با سابقه ورزش ایران است، با انتصاب داریوش ارجمند در فدراسیون ورزش های باستانی و محمد خوش‌جان از چهره‌های پرسابقه ورزش زوخانه‌ای به عنوان نایب‌رئیس خود خطاب به خبرنگاران گفت: «برای کار و خدمت به فدراسیون پهلوانی آمده‌ام و اول به دنبال آن هستم تا ساختمان این فدراسیون را به محل دیگری که در شان این ورزش باشد انتقال دهم. البته این‌کار نیازمند به مساعدت وزارت ورزش است و من نیز با جدیت پی‌گیر کسب این مجوز هستم.

ایران رنگارنگ

«برندن استانتون»، عکاسِی است اهلِ نیویورک که از آدم‌های حقیقی در فضاهای عمومیِ شهری شان عکس می گیرد. عکس‌های وی هر کدام با توضیحی هرچند کوتاه از سوژه ها همراه است که د ر وبسایت و صفحه فیسبوک وی با نام «آدم‌های نیویورک» قابل مشاهده اند. این عکاس مشهور اخیراً به ایران رفته و فارغ از حاشیه ها به عکاسی از شهروندان در ایران مشغول شده است. کشور ایران از نگاه وی بسیار دیدنی است و توضیحات مختصر وی پای هر عکس، ارتباط گیری با سوژه ها را برای مخاطب ملموس تر می کند. برندن تا دوم دیماه در ایران خواهد بود.

—